





وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

معاونت حقوقی و امور مجلس

# مجموعه آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در حوزه سلامت

جلد پنجم:

مهر ۱۳۹۶ الی شهریور ۱۳۹۸

مرکز ملی تحقیقات حقوق سلامت

پاییز ۱۴۰۲

مجموعه آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در حوزه سلامت؛ جلد  
پنجم: مهر ۱۳۹۶ الی شهریور ۱۳۹۸  
تهیه و تدوین: دکتر محسن نجفی خواه با همکاری امید عبدالهیان، راضیه امانی  
محسن حسین زاده و الهام غیبی.  
نظارت: دکتر حمید جمال الدینی، علیرضا محفوظی  
چاپ اول: پاییز ۱۴۰۲  
شناسه افزوده: ۱. حقوق سلامت، ۲. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،  
۳. دیوان عدالت اداری

**نام کتاب:** مجموعه آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در حوزه سلامت، جلد پنجم، مهر ۱۳۹۶  
الی شهریور ۱۳۹۸  
**چاپ اول:** پاییز ۱۴۰۲  
**جلد:** پنجم  
**صفحه:** ۶۶۲  
**شمارگان:** ۱۰۰ نسخه

کلیه حقوق برای مرکز ملی تحقیقات حقوق سلامت محفوظ است.

**نشانی:** بزرگراه همت، جنب برج میلاد، مرکز ملی تحقیقات حقوق سلامت  
(واقع در دانشگاه علوم پزشکی ایران)  
**تلفن:** ۸۶۷۰۲۰۳۸ - ۸۶۷۰۲۰۴۳  
**ایمیل:** [Nrihl@behdasht.gov.ir](mailto:Nrihl@behdasht.gov.ir)



## فهرست اجمالی مندرجات

|  |      |
|--|------|
| فهرست تاریخی.....  | ۷    |
| آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری از مهر ۱۳۹۶ الی شهریور ۱۳۹۸..... | ۱۹۸۳ |
| پیوست ۱ (فهرست موضوعی اجمالی).....                                 | ۱    |
| پیوست ۲ (فهرست موضوعی تفصیلی).....                                 | ۵    |
| پیوست ۳ (فهرست قوانین مورد استناد).....                            | ۳۳   |



---

---

فہرست تاریخی

جلد پنجم

مہر ۱۳۹۶ الی شہریور ۱۳۹۸

شماره صفحه

فهرست تاریخی اجمالی

|           |                    |
|-----------|--------------------|
| ۱۹۸۳..... | آرای سال ۱۳۹۶..... |
| ۲۱۵۰..... | آرای سال ۱۳۹۷..... |
| ۲۴۰۷..... | آرای سال ۱۳۹۸..... |

| شماره صفحه | تاریخ رای    | شماره دادنامه  | عنوان رای   |
|------------|--------------|----------------|---|
| ۱۹۸۳       | ۴ مهر ۱۳۹۶   | ۶۴۱            | ابطال بندهای ۱ و ۲ بخشنامه شماره ۲۰۹/۲۲۶۱-د-۱۳۹۱/۷/۲ مشاور معاونت توسعه و مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص اعمال یک مقطع تحصیلی بالاتر(مطابق قوانین ایثارگری و تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل آیین نامه اداری و استخدامی دانشگاههای علوم پزشکی - دکترای تخصصی (phd))  |
| ۱۹۹۰       | ۴ مهر ۱۳۹۶   | ۶۴۲            | ابطال تبصره (۱) بند (الف) جزء ۲ قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل چهاردهم مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت ملی نفت (در خصوص بازنشستگی پیش از موعد افرادی که به طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند)  |
| ۱۹۹۵       | ۲۵ مهر ۱۳۹۶  | ۶۹۱ الی<br>۶۹۴ | عدم ابطال ماده ۵ دستورالعمل شماره ۲ طرح تحول نظام سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی(در خصوص منع صدور مجوز مطب تا قبل از انجام تعهد خدمت به میزان برابر مدت تحصیل)   |
| ۲۰۰۰       | ۹ آبان ۱۳۹۶  | ۷۴۵            | ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۶۵۲-۱۳۶۸/۵/۳۰ هیأت وزیران(در خصوص نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۸)   |
| ۲۰۰۳       | ۱۶ آبان ۱۳۹۶ | ۷۷۸            | ۱- عدم ابطال بند ۳-۴ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات<br>۲- عدم ابطال نامه شماره ۳۰۰/۹۳۶۹-۳۰۰/۱۱/۲۴-۱۳۹۴ معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نامه شماره ۶۰/۲۶۵۲۷۱-۱۳۹۴/۱۲/۱۲ رئیس مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت(در خصوص ممنوعیت هرگونه تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیر مستقیم یا تحریک افراد به استعمال دخانیات) |
| ۲۰۱۴       | ۱۶ آبان ۱۳۹۶ | ۷۷۹ الی<br>۷۸۱ | ابطال بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۶/۷۲۱-۱۳۹۶/۱/۳۰ سازمان تامین اجتماعی (در خصوص بازنشستگی کادر پرستاری با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور)  |

|      |              |                |   |
|------|--------------|----------------|---|
| ۲۰۱۹ | ۲۳ آبان ۱۳۹۶ | ۸۱۷            | عدم ابطال نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۵-۲۸۸۰۱/۱۶۰۴۵۴ معاونت حقوقی رئیس جمهور (در خصوص استعلام از دولتی یا خصوصی بودن شرکت آتیه ساز حافظ)   |
| ۲۰۲۳ | ۱۴ آذر ۱۳۹۶  | ۸۸۴            | ابطال عبارت "ادیان رسمی" در بند (الف) ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه مصوب سال ۱۳۸۷ هیأت وزیران (مرتبط با نظریه ی شورای نگهبان در خصوص طرح ایجاد نظام پرستاری و طرح تشکیل سازمان نظام روانشناسی) |
| ۲۰۲۸ | ۲۱ آذر ۱۳۹۶  | ۹۳۴            | عدم ابطال دستورالعمل ۱۳۸۹/۱۰/۲۱-ط/۲۰۶/۳۰/۱۸۱ معاون نیروی انسانی و رئیس کمیته تلفیق و امور حقوقی ستاد کل نیروهای مسلح مرتبط با حفظ و بهبود سلامت کارکنان جانباز  |
| ۲۰۳۱ | ۲۸ آذر ۱۳۹۶  | ۹۴۵            | عدم ابطال بند ۱۲ مصوبه ۱۳۹۴/۵/۳ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی البرز در مورد دریافت شهریه از دانشجوی میهمان  |
| ۲۰۳۵ | ۲۸ آذر ۱۳۹۶  | ۹۴۰ الی<br>۹۴۴ | عدم ابطال بخشنامه های شماره ۶۰/۲۷۵۹۵۰-۱۳۹۴/۱۲/۲۶ و ۱۳۹۴/۵/۲۶-۶۰/۱۱۶۷۳۵ رئیس مرکز و دبیر هیأت عالی نظارت مرکز اصناف و بازرگانان ایران (در خصوص الزام فروشنندگان عینک طبی به اخذ پروانه کسب)  |
| ۲۰۴۲ | ۵ دی ۱۳۹۶    | ۱۰۰۱           | ابطال دستورالعمل شماره ۱۳۸۹/۱/۱-۱۰۰/۳۰۶۰۲۱ وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی (در خصوص کسر ساعات کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری)  |
| ۲۰۴۶ | ۵ دی ۱۳۹۶    | ۱۰۰۳           | ابطال مصوبه شماره ۳۹۷۲۱/م/ت/۹۱/۲۴۲۱ هـ - ۱۳۹۲/۲/۳ هیأت وزیران (در خصوص تأمین برخی از خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی برای مقامات و مسئولین سیاسی و اداری کشور)   |
| ۲۰۴۹ | ۵ دی ۱۳۹۶    | ۱۰۰۹           | ابطال بند ۲ از قسمت (الف) فصل هفدهم عوارض مصوب سال ۱۳۹۵ شهرداری شهرکرد با عنوان عوارض افتتاحیه (مرتبط با عوارض مطب)   |

|      |            |                  |  |
|------|------------|------------------|--|
| ۲۰۵۵ | ۵ دی ۱۳۹۶  | ۱۰۱۱             | ابطال جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۸ در خصوص عوارض تبدیل عوارض کسب و پیشه حرف پزشکی در سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ و ابطال مواد ۴۷ و ۴۸ تعرفه عوارض شهرداری کرمانشاه در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در خصوص عوارض حرف پزشکی   |
| ۲۰۵۹ | ۱۹ دی ۱۳۹۶ | ۹۴۶              | عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۱۱-د/۵۰۰/۱۷۲۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص نقل‌وانتقالات دانشجویان)   |
| ۲۰۶۱ | ۱۹ دی ۱۳۹۶ | ۱۰۵۳             | ابطال تبصره‌های ۱ و ۲ بند (۷-۵) ماده ۵ آئین‌نامه اجرایی ساماندهی نصب تابلو و تبلیغات شهری شهر اراک مصوب شورای اسلامی شهر اراک (مرتبط با تابلو معرف محل اشتغال پزشکان)  |
| ۲۰۶۵ | ۱۹ دی ۱۳۹۶ | ۱۰۴۶             | عدم ابطال ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۲۴۶/ت/۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران (در خصوص شهریه تحصیلی مشمولین شاغل به تحصیل در واحدهای پردیس خودگردان و بین‌الملل داخل دانشگاه‌های دولتی یا غیردولتی) |
| ۲۰۶۷ | ۱۹ دی ۱۳۹۶ | ۱۰۴۷             | ابطال بند ۳ گروه ۱۱ آیین‌نامه مشاغل تخصصی و فنی (موضوع ماده ۱۳ قانون نظام صنفی) تحت عنوان ساخت و تعمیر عینک‌های طبی در قسمت ساخت عینک طبی  |
| ۲۰۷۶ | ۱۹ دی ۱۳۹۶ | ۱۰۵۲             | عدم ابطال مصوبه شماره ۱۳۹۴/۹/۱۷-ص/۹۴/۴۰۷۳ شورای اسلامی شهر شیراز (در خصوص اخذ عوارض محلی شهرداری از کلیه مشمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مشمولین قوانین خاص مثل بانک‌ها، مطب پزشکان، وکلا و غیره)   |
| ۲۰۸۰ | ۲۶ دی ۱۳۹۶ | ۱۰۵۶-<br>۱۰۵۷    | ابطال ماده ۹ دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت مصوب ۱۳۹۴/۰۷/۱۵ رئیس سازمان غذا و دارو  |
| ۲۰۹۱ | ۲۶ دی ۱۳۹۶ | ۱۰۶۰ الی<br>۱۰۸۰ | عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۲-۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶ و نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۴-د/۴۶/۶۶۱۸۸ دانشگاه پیام نور (در خصوص اخذ مجوز تبدیل وضعیت دارندگان کارنامه قبولی آزمون‌های ادواری سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴)  |

|      |              |               |  |
|------|--------------|---------------|--|
| ۲۰۹۶ | ۳ بهمن ۱۳۹۶  | ۱۱۲۱          | ابطال قرارداد شماره ۱۳۹۵/۳/۱۷-پ/۱۷/۱/۵۷۰۹۵ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید صدوقی یزد با سازمان بسیج جامعه پزشکی در خصوص چگونگی نظارت بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر  |
| ۲۱۰۰ | ۳ بهمن ۱۳۹۶  | ۱۱۲۲          | ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۶/۲۷-م/۵۴۱۹/۹۵ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر واگذاری نظارت سازمان بسیج جامعه پزشکی بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر  |
| ۲۱۰۳ | ۳ بهمن ۱۳۹۶  | ۱۱۲۳-<br>۱۱۲۴ | بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۲۳-م/۴۶۷۹/۹۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص پرداخت شهریه توسط دانشجویان انتقالی) قابل طرح و امعان نظر در هیئت عمومی تشخیص نشد.  |
| ۲۱۰۵ | ۳ بهمن ۱۳۹۶  | ۱۱۲۵-<br>۱۱۲۶ | ابطال دستور هجدهم مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ هیأت امناء دانشگاه یزد و بند ۲۴ صورت جلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی مبنی بر اعطاء تخفیف شهریه به فرزندان اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاهها  |
| ۲۱۱۰ | ۱۰ بهمن ۱۳۹۶ | ۱۱۴۴          | ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای شماره ۱ آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۶ و بند ۴ از قسمت (ی) دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۶ (در خصوص پرداخت شهریه تحصیلی مطابق شهریه دوره شبانه توسط داوطلبی که در همان مقطع تحصیل و یا سایر مقاطع تحصیلی قبلی از آموزش رایگان در دانشگاههای دولتی برخوردار بوده) |
| ۲۱۱۵ | ۱۷ بهمن ۱۳۹۶ | ۱۱۶۹          | ابطال کد ۱۳۷ عمران - گرایش مهندسی زلزله (فوق لیسانس) از دفترچه ثبت نام آزمون استخدامی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران  |
| ۲۱۲۱ | ۱ اسفند ۱۳۹۶ | ۸۲۶           | ابطال نامه های شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی (در خصوص بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور)   |

|      |                    |               |   |
|------|--------------------|---------------|---|
| ۲۱۳۱ | ۲۴ بهمن ۱۳۹۶       | ۱۲۱۶          | اعتراض به مصوبه شماره ۵۳۰۳۸/ت/۲۳۵۱۳ هـ - ۱۳۹۵/۰۳/۲۰ هیات وزیران در خصوص تعیین تعرفه فلوشیپ روان پزشکی قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.  |
| ۲۱۳۴ | ۲۲ اسفند ۱۳۹۶      | ۱۲۸۹          | ابطال بخشنامه شماره ۱۰۵۰۹۰/۹۵-۱۳۹۵/۳/۳۰ سازمان بیمه سلامت ایران (در خصوص پوشش بیمه‌ای خدمات روان پزشکی به موجب ویرایش دوم کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت)   |
| ۲۱۴۰ | ۲۲ اسفند ۱۳۹۶      | ۱۲۹۲          | درخواست ابطال تصمیم متخذ در جلسه شماره ۳۰۹- ۱۳۹۶/۰۷/۱۰ شورای رقابت قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. ( در خصوص الزام دانشگاه علوم پزشکی قم بر اعطای مجوز یک داروخانه)  |
| ۲۱۴۲ | ۲۲ اسفند ۱۳۹۶      | ۱۲۹۵          | درخواست اعتراض به هفتمین دوره انتخابات گروه داروسازان هیأت مدیره نظام پزشکی اردبیل قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.   |
| ۲۱۴۳ | ۲۲ اسفند ۱۳۹۶      | ۱۲۹۷-<br>۱۲۹۸ | عدم ابطال دستورالعمل شماره ۵۰۵/۱۶۰۷/د- ۱۳۹۵/۴/۳۰ شورای آموزش پزشکی و تخصصی (در خصوص ممنوعیت جراحان عمومی از جراحی پلاستیک، ترمیمی و سوختگی برای عمل لیپوساکشن)  |
| ۲۱۵۰ | ۲۱ فروردین<br>۱۳۹۷ | ۲۲            | درخواست اعتراض به مواد ۱ و ۳ از مصوبه شماره ۶۴۷۴۴۴-۱۳۹۵/۵/۱۱ شورای حقوق و دستمزد و ابطال بند ۷ از مصوبه شماره ۷۰۳-۱/۱/س م ط- ۱۳۹۵/۵/۱۲ شورای حقوق و دستمزد نیروهای مسلح قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص ضوابط استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) شهر تهران) |

|      |                    |                   |   |
|------|--------------------|-------------------|---|
| ۲۱۵۶ | ۲۸ فروردین<br>۱۳۹۷ | ۴۵-۴۶-۴۷          | عدم ابطال دستورالعمل شماره ۵/۵۰۵/۱۶۰۷-د/۱۳۹۵/۴/۳۰ قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۱۶۶۷ معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان تهران "در خصوص ممنوعیت جراحان عمومی از عمل رینوپلاستی پلاستیک (جراحی بینی) و لیپوساکشن (برداشت بافت چربی زیر جلد شکم)" |
| ۲۱۶۲ | ۲۸ فروردین<br>۱۳۹۷ | ۶۰                | عدم ابطال دستورالعمل شماره ۱۳۹۴/۶/۲۱-۹/۱۷۰۳ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی رفسنجان در خصوص اخذ شهریه از دانشجویان (مردودی یک یا چند واحد)   |
| ۲۱۶۵ | ۱ خرداد<br>۱۳۹۷    | ۳۵۰<br>الی<br>۳۵۳ | عدم ابطال مصوبه سید و سی و یکمین جلسه شورای اسلامی شهر کرج به تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ ابلاغی به شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۲-ش/۳/۵/۸۹/۶۶۱۹ (در خصوص دریافت عوارض محلی شهرداری از کلیه مشمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مشمولین قوانین خاص مثل بانکها، مطب پزشکان، وکلا و غیره)   |
| ۲۱۷۵ | ۱ خرداد<br>۱۳۹۷    | ۳۵۵               | ابطال تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۸۵ شورای اسلامی شهر دمق در بخش تعیین عوارض یک درصد از درآمد مشمول مالیات هر یک از شعب بانکها (مرتبط با اخذ عوارض محلی شهرداری از مطب پزشکان)   |
| ۲۱۸۲ | ۸ خرداد<br>۱۳۹۷    | ۳۶۶               | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری در خصوص قوانین و مقررات حاکم بر روابط کارگر و کارفرما در مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری (مرتبط با نظارت بر مسائل حفاظت و بهداشت کار در مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری)   |
| ۲۱۸۶ | ۱۲ تیر<br>۱۳۹۷     | ۹۳۲               | عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۲/۱۷-۷۰۰/۹۲/۱۵۴۲۲ رئیس وقت سازمان بهزیستی کشور (ناظر به چگونگی صدور پروانه فعالیت و تأسیس مؤسسات برای ارائه خدمات تخصصی و بعضاً حاکمیتی سازمان بهزیستی)  |

|      |               |                     |   |
|------|---------------|---------------------|---|
| ۲۱۸۹ | ۱۲ تیر ۱۳۹۷   | ۹۳۳<br>الی<br>۹۳۵   | ۳۹۴ و تعرفه شماره ۲۰۳۷ مصوب سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مصوب شورای اسلامی شهرضا در خصوص عوارض سالیانه فعالیت فعالان اقتصادی مشمول و غیر مشمول نظام صنفی (مرتبط با عوارض محل فعالیت موسسات پزشکی)   |
| ۲۱۹۷ | ۱۹ تیر ۱۳۹۷   | ۱۲۳۷<br>الی<br>۱۲۴۰ | ابطال تبصره بند ۲۸ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر لواسان و ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر لواسان مبنی بر وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از تفکیک مندرج در ذیل بند ۱۵ تعرفه عوارض شهرداری لواسان در سال ۱۳۹۵ (در خصوص عوارض تخلفات ساختمانی اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی و اداری کاربری‌های فرهنگی، آموزشی و مذهبی و کاربری بهداشتی و درمانی) |
| ۲۲۱۳ | ۲ مرداد ۱۳۹۷  | ۱۲۶۴                | ابطال صورت جلسه شماره ۱۱۱۸۰۰/۱۳۷۶-م/۱۳۸۴/۱۰/۱۱ شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با سازمان بهزیستی (مرتبط با انتزاع بهزیستی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)  |
| ۲۲۲۰ | ۳ مرداد ۱۳۹۷  | ۱۳۲۳                | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص شمول دریافت کمک هزینه عائله‌مندی به کارمندان زن مجرد دانشگاه/ دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)   |
| ۲۲۲۲ | ۹ مرداد ۱۳۹۷  | ۱۳۱۲                | عدم ابطال بند ۱ از قسمت اول لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی را به دنبال دارند (موضوع دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی آموزش و پرورش)   |
| ۲۲۲۶ | ۱۶ مرداد ۱۳۹۷ | ۱۳۱۵                | عدم ابطال بخشنامه شماره ۴۰۰/۷۸۲۸-۴۰۰/۳/۲۹-۱۳۹۰ معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص گذراندن دوره‌ی آموزش انجام عمل اندوسکوپی توسط پزشکان فوق تخصص گوارش و پزشکان متخصص داخلی)   |

|      |                   |                  |  |
|------|-------------------|------------------|--|
| ۲۲۳۲ | ۳۰ مرداد ۱۳۹۷     | ۱۳۳۷             | ۱- عدم ابطال نامه شماره ۷۴۷۸۷-۹۴/۴۳-۹۴/۲۹-۱۳۹۴/۹/ سازمان دامپزشکی کشور ۲- عدم ابطال بند "ب" دستورالعمل ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام با سکونت‌گاه‌ها به شماره ۰۲/۳۳۸۸۴-۱۳۹۱/۱۱/۲ وزارت جهاد کشاورزی |
| ۲۲۳۶ | ۳۰ مرداد ۱۳۹۷     | ۱۳۴۵             | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص پرداخت حقوق و مزایای معوقه ناشی از عدم اجرای قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان نظام سلامت)   |
| ۲۲۴۱ | ۶ شهریور ۱۳۹۷     | ۱۳۸۰ الی<br>۱۳۹۴ | اعلام تعارض در آرای صادره شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص تبدیل وضع کارمندان قراردادی به پیمانی)  |
| ۲۲۵۰ | ۱۲ شهریور<br>۱۳۹۷ | ۸۲ الی<br>۲۷۳    | عدم ابطال بند ۱ مصوبه شماره ۵۴۲۴۰/۳۷۲۹۳-۱۳۹۶/۳/۲۱ هیأت وزیران (در خصوص کاهش تعرفه بیهوشی)  |
| ۲۲۵۶ | ۲۰ شهریور<br>۱۳۹۷ | ۱۴۰۸             | ابطال برخی کدهای کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۰۳۵۸/ت ۵۴۲۴۰ هـ-۱۳۹۶/۶/۹ هیأت وزیران (در خصوص حق فنی داروخانه‌ها)  |
| ۲۲۶۲ | ۳ مهر ۱۳۹۷        | ۱۵۵۲             | عدم ابطال ماده ۶ آیین‌نامه طرح ساماندهی تردد خودرو در پردیس دانشگاه‌های فردوسی و علوم پزشکی مشهد   |
| ۲۲۶۴ | ۱۰ مهر ۱۳۹۷       | ۱۵۶۱             | درخواست اعتراض به بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۵۷۴۴-۱۳۹۶/۴/۲۴ قابل رسیدگی و صدور رای در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص اعمال محدودیت خدمات بیمه سلامت برای اعضاء خانواده بیمه سلامت همگانی)                                  |
| ۲۲۶۸ | ۱۰ مهر ۱۳۹۷       | ۱۵۵۹             | ابطال مواد ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴ از فصل سوم آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذار سازمان بیمه سلامت ایران  |

|      |              |                  |   |
|------|--------------|------------------|---|
| ۲۲۷۷ | ۱۷ مهر ۱۳۹۷  | ۱۶۲۷ الی<br>۱۶۲۹ | ۱- ابطال بند ۳ از بند ۲ مربوط به شرایط بومی بودن مربوط به قسمت "امتیازات و سهمیه‌های قانونی" از دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۹۵ ۲- عدم ابطال جزء یک از بند ۲ قسمت (ج) اصلاحات اطلاعیه مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام از اصلاحیه سازمان سنجش آموزش کشور درباره اصلاحات مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۵ |
| ۲۲۹۳ | ۱ آبان ۱۳۹۷  | ۱۶۹۰             | ۱- ابطال بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۳/۱۰۵۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ ۲- ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ دبیر کل سازمان تامین اجتماعی و جزء ۲۶ بند الف نامه شماره ۱۰/۹۶/۴۰۸۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تامین اجتماعی   |
| ۲۳۰۰ | ۱۵ آبان ۱۳۹۷ | ۱۷۴۷             | ابطال بند (الف) شیوه‌نامه اجرایی پرداخت حق محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران   |
| ۲۳۰۴ | ۱۵ آبان ۱۳۹۷ | ۱۷۴۸             | ابطال قسمتی از بند ۲-۳ از بخش سوم دفترچه راهنمای آزمون و قسمت آخر بند ۲-۲ دفترچه راهنمای انتخاب رشته چهل و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیاری تخصصی (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶) مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی   |
| ۲۳۱۲ | ۶ آذر ۱۳۹۷   | ۱۷۸۶             | ابطال مصوبه دستور یازدهم از صورت‌جلسه پنجمین نشست عادی از دوره ششم هیأت امنای دانشگاه تهران مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ (در خصوص شهریه دانشجویان خاص شامل همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و غیر علمی و ... برای اجرا از نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ به بعد)   |

|      |             |  |   |
|------|-------------|--|---|
| ۲۳۱۸ | ۶ آذر ۱۳۹۷  | ۱۷۹۸   | درخواست اعتراض به مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ کمیته مکان‌یاب دفن زباله شهرستان پردنجان و چلیچیه قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.  |
| ۲۳۲۲ | ۶ آذر ۱۳۹۷  | ۱۸۲۲   | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور)   |
| ۲۳۲۶ | ۶ آذر ۱۳۹۷  | ۸۱۲<br>الی ۱۸۱۷<br>،۱۸۱۹<br>الی ۱۸۲۳<br>۱۸۲۸ | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص عطف به ماسبق نشدن آثار نظریه کمیسیون ماده ۱۲۰ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران)   |
| ۲۳۲۸ | ۱۳ آذر ۱۳۹۷ | الی ۱۸۰۹<br>۱۸۱۱                             | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص محاسبه تفاوت تطبیق در اضافه کار کارکنان دانشگاه علوم پزشکی)   |
| ۲۳۳۴ | ۱۳ آذر ۱۳۹۷ | ۱۸۴۱   | ابطال بخشنامه شماره ۹۵/م/۱۸۰/۳۸۰۸۸ وزارت آموزش و پرورش (در خصوص شرایط جسمانی، روانی و توانایی حسن انجام وظایف محوله برای حرفه معلمی)  |
| ۲۳۳۸ | ۲۷ آذر ۱۳۹۷ | ۱۸۸۱   | ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۲/۱ هیأت امنای دانشگاه بوعلی سینا همدان (در خصوص تفویض اختیار وظایف قانونی هیأت امناء به مراجع دیگر)  |
| ۲۳۴۲ | ۴ دی ۱۳۹۷   | الی ۱۸۹۷<br>۱۸۹۹                             | اعلام تعارض در آرای شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص برخورداری شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی موسوم به مراکز اورژانس ۱۱۵ و نیز شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شبانه‌روزی دولتی و غیردولتی از امتیازات قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت) |

|      |              |                  |   |
|------|--------------|------------------|---|
| ۲۳۴۷ | ۱۱ دی ۱۳۹۷   | ۱۹۱۷             | بطل بند ۱۵ مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد موضوع نامه شماره ۱۳۹۵/۱۲/۲-د/پ/۱۸/۹۵/۱۴۷۱۱۲ (در خصوص ذخیره نشدن مرخصی کارکنان قراردادی دانشگاه علوم پزشکی)   |
| ۲۳۵۰ | ۱۸ دی ۱۳۹۷   | ۱۹۲۹-<br>۱۹۳۰    | عدم ابطال تبصره ۲ ماده ۳ آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران موضوع تصویب نامه شماره ۸۲۴۶/ت/۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران (در خصوص شهریه دانشجویان شاهد)   |
| ۲۳۵۳ | ۱۸ دی ۱۳۹۷   | ۱۹۳۴             | عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۵۸۵۸۶۴-۱۳۹۶/۱۰/۲ سازمان اداری و استخدامی کشور (در خصوص چگونگی رسیدگی به تخلفات اداری اعضای هیأت علمی شاغل در پستهای مدیریتی و اجرایی)  |
| ۲۳۵۷ | ۲ بهمن ۱۳۹۷  | ۱۹۸۰             | ابطال بند ۲۱ از دفترچه تعرفه عوارض کسب و پیشه در خصوص مطب پزشکان، داروخانه ها و حرف پزشکی دیگر و بند ۹ ردیف ۵۹ از آیین نامه اجرایی پارکینگ موقت از تعرفه عوارض بهای خدمات سال ۱۳۹۶ مصوب شورای اسلامی شهر (مرتبط با پارکینگ موقت برای مشاغل پزشکی) |
| ۲۳۶۲ | ۲ بهمن ۱۳۹۷  | ۱۹۷۷             | ابطال بند ۴ مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۵ مصوب کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران [استان چهارمحال و بختیاری] در خصوص طرح تفصیلی فرخ شهر جهت احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی و هنری و ورزشی و بهداشتی درمانی، آموزشی و خدماتی  |
| ۲۳۶۵ | ۲۳ بهمن ۱۳۹۷ | ۲۰۴۹-<br>۲۰۴۷    | ابطال تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۱۵ آیین نامه تأسیس و اداره داروخانه ها مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۵ و ماده ۶ و تبصره ۴ بند ۴ ماده ۴ ضوابط تأسیس و اداره داروخانه ها مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱   |
| ۲۳۸۳ | ۳۰ بهمن ۱۳۹۷ | ۲۰۸۲ الی<br>۲۰۸۶ | ابطال بند (ت) قسمت ۹ دفترچه راهنمای ثبت نام آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۶   |

|      |                    |                  |   |
|------|--------------------|------------------|---|
| ۲۳۸۷ | ۳۰ بهمن ۱۳۹۷       | ۲۰۷۳ الی<br>۲۰۸۱ | ابطال بند (پ) از شرایط آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۶ موضوع مجوز استخدامی شماره ۱۳۶۸۳۹۹-۱۳۹۶/۶/۷ سازمان اداری و استخدامی کشور  |
| ۲۳۹۲ | ۷ اسفند ۱۳۹۷       | -۲۱۰۹<br>۲۱۰۸    | عدم ابطال ماده ۱۲ مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران (درخصوص اخذ شهریه از دانشجویان انتقالی و مهمان)   |
| ۲۳۹۶ | ۷ اسفند ۱۳۹۷       | ۲۱۰۴ الی<br>۲۱۰۷ | ابطال بندهای ۳-۵ و ۳ از آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷  |
| ۲۴۰۷ | ۲۷ فروردین<br>۱۳۹۸ | ۷۱-۷۰            | عدم ابطال بند ۵ مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص تعیین سهمیه موسوم به سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم و اجبار و الزام پذیرش شدگان به انجام تعهد به میزان دو و نیم برابر مدت تحصیل)                    |
| ۲۴۱۴ | ۲۷ فروردین<br>۱۳۹۸ | ۷۵               | عدم ابطال بند "ب" از فصل چهارم از "سی و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار رشته‌های فوق تخصصی بالینی پزشکی مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴" (در خصوص برقراری تعهد خدمت فارغ‌التحصیلان رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی و همچنین تعیین میزان تعهد خدمت آن‌ها با توجه به نیازهای عمومی)                      |
| ۲۴۲۱ | ۳ اردیبهشت<br>۱۳۹۸ | ۹۴               | ابطال بند "ج" ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی   |
| ۲۴۲۸ | ۳ اردیبهشت<br>۱۳۹۸ | ۹۶               | ابطال اطلاق تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرای قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۸۲/ت/۴-۵۲۸۰۷ هـ-۱۳۹۵/۴/۹ هیأت وزیران (در خصوص ارائه گواهی‌های قرنطینه ای و بهداشتی و ایمنی جهت ترخیص کالای صدور قطعی که بدون استفاده به کشور بازگشت داده می‌شود) |

|      |                     |                         |   |
|------|---------------------|-------------------------|---|
| ۲۴۳۲ | ۳ اردیبهشت<br>۱۳۹۸  | ۱۰۰                     | ابطال بند ۴ دستورالعمل شماره ۴۶۰/۱۱/۲/۲۰۱/۰۵/۲۴<br>۱۳۹۵/۲/۲۷ معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح (در خصوص درمان کارکنان وظیفه ای که در حین خدمت به مواد مخدر اعتیاد پیدا کنند)  |
| ۲۴۳۵ | ۳ اردیبهشت<br>۱۳۹۸  | ۱۰۲                     | درخواست ابطال تصمیم معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شماره ۵۰۳/۲۰۶<br>- ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص به تعویق افتادن انتخابات انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران)  |
| ۲۴۳۹ | ۱۰ اردیبهشت<br>۱۳۹۸ | ۱۵۴                     | ابطال ماده ۲۷ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۳/۹۷۵۷<br>۱۳۹۳/۷/۱۹ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور (در خصوص آزمون استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی)   |
| ۲۴۴۲ | ۱۷ اردیبهشت<br>۱۳۹۸ | ۱۸۵                     | ابطال قسمتی از ماده ۱۲۸ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴-<br>۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص برقراری فوق العاده جذب برای اعضای هیات علمی در حال ماموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی) |
| ۲۴۴۷ | ۳۱ اردیبهشت<br>۱۳۹۸ | ۲۸۸ الی<br>۳۰۵ و<br>۳۰۷ | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (در خصوص پرداخت حقوق و فوق العاده های ایام مرخصی زایمان)  |
| ۲۴۵۰ | ۷ خرداد<br>۱۳۹۸     | ۳۱۱-۳۱۲                 | ابطال بند ۱ بخش "ب" ماده واحده مصوبه ۱۲۸ جلسه رسمی مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۲ شورای اسلامی شهر تهران ابلاغی به شماره ۱۳۹۴/۸/۶-۱۶۰/۲۱۰۱/۲۰۷۹۲<br>شورای اسلامی شهر تهران در خصوص پسماند واحدهای غیر مسکونی  |

|      |               |         |  |
|------|---------------|---------|--|
| ۲۴۵۶ | ۷ خرداد ۱۳۹۸  | ۳۰۸     | عدم ابطال دستور بیست و دوم صورت جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ اولین نشست هیأت امنای دانشگاه شهید بهشتی (در خصوص دریافت شهریه از دانشجویان)   |
| ۲۴۶۰ | ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۶۷     | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری و رای وحدت رویه در خصوص افزایش حقوق بازنشستگی با لحاظ سنوات خدمتی  |
| ۲۴۶۷ | ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۱۱     | عدم ابطال ماده ۲۱ آیین نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۹/۳/۲ هیأت وزیران (درخصوص ممنوعیت اشتغال به کار با اشعه برای کسانی که به موجب آیین نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه بازنشسته شده اند)  |
| ۲۴۶۹ | ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۱۲     | ابطال بند ۲ نامه شماره ۱۳۹۴/۸/۲۷-۵/۲۰۹/۴۹۶۹ اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص ساعات کار بخش های دولتی و غیردولتی در نوبت های شب و ایام تعطیل)                                     |
| ۲۴۷۲ | ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۸۳-۵۸۴ | درخواست ابطال دستورالعمل نحوه اجرای خود کنترلی و خود اظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی و دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. |
| ۲۴۷۸ | ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۷۹     | ابطال بند ۹ مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمان های صنفی گچساران (در خصوص افزایش سهم اتاق اصناف بابت پروانه های کسب)   |
| ۲۴۸۱ | ۱۱ تیر ۱۳۹۸   | ۵۹۶     | عدم ابطال دستورالعمل اجرایی رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری  |
| ۲۴۸۸ | ۱۱ تیر ۱۳۹۸   | ۶۰۳     | عدم تعارض (در خصوص ممنوعیت تحصیل رایگان در فرض استفاده از یک بار تحصیلات آموزشی رایگان در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور)   |

|      |             |                |   |
|------|-------------|----------------|---|
| ۲۴۹۰ | ۱۱ تیر ۱۳۹۸ | ۶۰۲            | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای ثنجدت رویه در خصوص فوق العاده شغل موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری)   |
| ۲۴۹۳ | ۱۱ تیر ۱۳۹۸ | ۷۳۶ الی<br>۶۷۰ | ابطال بند " و " دفترچه شماره یک راهنمای ثبت نام شرکت در آزمون سراسری ۱۳۹۷ دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از تاریخ تصویب (در خصوص اجازه تحصیل دانش آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته های تحصیلی و دکتری عمومی (پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی) در مقطع دکتری عمومی رشته های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی صرفاً در پردیس های خودگردان و ظرفیت مازاد دانشگاه های علوم پزشکی و الزام به پرداخت شهریه) |
| ۲۵۰۱ | ۱۱ تیر ۱۳۹۸ | ۵۹۱            | ابطال عبارت "می تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده" از بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور (در خصوص هزینه های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه)   |
| ۲۵۰۵ | ۱۱ تیر ۱۳۹۸ | ۵۹۲            | عدم ابطال بند "۱" از قسمت "تذکرات مهم در خصوص شرایط عمومی" دفترچه راهنمای ثبت نام آزمون استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی در سال ۱۳۹۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص شرایط عمومی داوطلبان)  |
| ۲۵۰۹ | ۱۸ تیر ۱۳۹۸ | ۷۵۷            | ابطال بخشنامه شماره ۵/۲۱۲/۲۷۹۶-د/۱۲/۲۴-۱۳۹۴ رئیس مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بند ۴ بخشنامه شماره ۱۴/۲۵۶۹/۲۸۷۰-۱۳۹۵/۱/۱۷ مدیر توسعه سازمان و تحول اداری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کردستان (در خصوص مدارک تحصیلی اخذ شده ضمن خدمت)   |
| ۲۵۱۵ | ۲۵ تیر ۱۳۹۸ | ۷۹۳            | اعلام تعارض در آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (در خصوص اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی از حیث تعیین تاریخ شروع بیماری)   |

|      |               |         |   |
|------|---------------|---------|---|
| ۲۵۱۹ | ۲۵ تیر ۱۳۹۸   | ۸۳۴     | ابطال نامه شماره ۱۳۹۲/۱۱/۱۴-۲۳۳/۹۷/۱۸۸۳۰ رئیس امور حقوق و مزایا و مدیریت مشاغل معاونت وقت مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور(در خصوص فوق العاده سختی کار و کار در محیط های غیر متعارف نظیر کار با بیماران روانی، عفونی و کار در اورژانس) |
| ۲۵۲۲ | ۱ مرداد ۱۳۹۸  | ۸۴۸     | ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور   |
| ۲۵۲۶ | ۱ مرداد ۱۳۹۸  | ۸۳۷     | عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲-۱۳۹۲/۱۲/۲۰ هیأت مرکزی جذب اعضای هیأت علمی (در خصوص استفاده از عنوان مهندس و دکتر برای دارندگان مدرک سطح ۳ و ۴ حوزه علمیه)   |
| ۲۵۳۳ | ۱ مرداد ۱۳۹۸  | ۸۵۰-۸۴۹ | ابطال بند ۳۰ صورت جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان کهگیلویه و بویراحمد( در خصوص نحوه صدور مجوز تغییر کاربری زمینهای روستایی دارای کاربری خدمات عمومی (بهداشتی و درمانی))                 |
| ۲۵۳۶ | ۸ مرداد ۱۳۹۸  | ۹۰۹     | اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و نقض رأی شماره ۱۳۱۲-۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ابطال بند ۱ قسمت اول لیست بیماری هایی که موجب ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی است.  |
| ۲۵۳۹ | ۸ مرداد ۱۳۹۸  | ۹۱۱     | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (وحدت رویه در خصوص دریافت فوق العاده حق اشعه)   |
| ۲۵۴۴ | ۸ مرداد ۱۳۹۸  | ۹۱۲     | ابطال ماده ۵ آیین نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ (در خصوص ایجاد ممنوعیت زمانی برای بهره مندی از مزایای نخبگی)  |
| ۲۵۴۷ | ۱۵ مرداد ۱۳۹۸ | ۹۳۵     | ابطال الف) بند ۴ دستورالعمل پذیرش دانشجویی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته های گروه پزشکی مصوب مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ ب) بند ۲ قسمت ب دفترچه راهنمای ثبت نام و انتخاب رشته پذیرش صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۵          |

|      |                   |               |  |
|------|-------------------|---------------|--|
| ۲۵۵۲ | ۲۲ مرداد ۱۳۹۸     | ۱۰۳۲-<br>۱۰۳۳ | ابطال بند ۱-۲ مصوبه شماره ۱۶۸۲۴۸۸-۱۳۹۶/۱۱/۱۷ شورای عالی اداری در خصوص انتزاع دانشگاه صنعت نفت از وزارت نفت و انتقال آن به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مرتبط با انتقال موسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه های اجرایی به وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) |
| ۲۵۵۹ | ۵ شهریور ۱۳۹۸     | ۱۰۵۲          | ابطال جدول الف ماده چهارم شاخص جمعیت آیین نامه تأسیس و اداره داروخانه ها   |
| ۲۵۶۳ | ۱۲ شهریور<br>۱۳۹۸ | ۱۰۷۴          | ابطال بند ۱ صورت جلسه مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ دومین نشست عادی از دوره پنجم هیأت امنای دانشگاه تهران (مرتبط با تعیین فوق العاده اعضای هیات علمی و غیر هیات علمی پس از تأیید وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)  |
| ۲۵۶۹ | ۲۶ شهریور ۱۳۹۸    | ۱۳۰۶          | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (وحدت رویه در خصوص مرخصی زایمان)   |



---

---

آرای هیئت عمومی

دیوان عدالت اداری



## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ رأی: سه شنبه ۴ مهر ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۶۴۱

کلاس پرونده: ۸۵۵/۹۵

**موضوع:** ابطال بندهای ۱ و ۲ بخشنامه شماره ۱۳۹۱/۷/۲-د/۲۰۹/۲۲۶۱ مشاور معاونت توسعه و مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص اعمال یک مقطع تحصیلی بالاتر (مطابق قوانین ایثارگری و تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل آیین نامه اداری و استخدامی دانشگاههای علوم پزشکی - دکترای تخصصی یا (phd))

**شاکئی:** خانم مرضیه رضانی

### گردش کار:

شاکئی به موجب دادخواستی ابطال بندهای ۱ و ۲ بخشنامه شماره ۱۳۹۱/۷/۲-د/۲۰۹/۲۲۶۱ مشاور معاونت توسعه و مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً، به استحضار می‌رساند اینجانب مرضیه رضانی فرزند شهید دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا و شاغل در دفتر حقوقی دانشگاه علوم پزشکی در خصوص بخشنامه صادره مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت به شماره ۱۳۹۱/۷/۲-د/۲۰۹/۲۲۶۱ که موجبات عدم اعمال یک مقطع تحصیلی بالاتر (مطابق قوانین ایثارگری و تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل آیین نامه اداری و استخدامی دانشگاههای علوم پزشکی - دکترای تخصصی یا *Ph.D*) که بر خلاف مقررات قانونی انجام شده خواهان احقاق حقوق قانونی (اعمال دکترای تخصصی یا *Ph.D*) در چارچوب قوانین می‌باشم و نسبت به بخشنامه اصداری اعتراض داشته و ایراداتی از لحاظ حقوقی، قانونی و ماهوی به آن وارد است که ذیلاً به آن اشاره می‌گردد:

۱- مطابق با بند الف ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجلس شورای اسلامی فرزندان شهداء از کلیه امتیازات و مزایای مقرر در قوانین و مقررات مختلف برای شخص جانباز ۵۰٪ و بالاتر برخوردار می‌گردند. لذا بر این اساس مطابق ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان مصوب ۷۴ مجلس شورای اسلامی امتیاز یک مقطع تحصیلی بالاتر برای فرزندان شهداء نیز قابل اعمال خواهد بود. به این مواد قانونی به صراحت در بند ۴ بخشنامه فوق الذکر نیز اشاره گردیده اما متأسفانه در عمل به جای اعمال دکترای تخصصی، دکترای حرفه ای یا عمومی مبنای عمل قرار گرفته است.

۲- در همین راستا نیز بر اساس تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل آیین نامه اداری و استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی صراحتاً به این موضوع اشاره شد که « جانبازانی که دارای مدرک کارشناسی ارشد می باشند کماکان از مقطع تحصیلی بالاتر دکتری ( دکتری تخصصی یا *Ph.D*) بهره مند خواهند شد در این تبصره ۲ هیچگونه اشاره ای به تاریخ تصویب آیین نامه اداری استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی مصوب ۱۳۹۱/۱/۱ نشده و تبصره مورد اشاره (تبصره ۲) به طور مطلق می باشد و تاریخ تصویب آیین نامه در این خصوص مبنای عمل نبوده و نمی باشد و به همین دلیل باید صرفاً مَر قانون ملاک عمل قرار گیرد. لذا اینکه در بخشنامه صادره مبنای قضاوت را تاریخ تصویب آیین نامه اداری و استخدامی لحاظ نموده اند وجاهت قانونی لازم را ندارد و از مصادیق بارز اجتهاد در مقابل نص است در واقع در جایی که نص صریح داریم قانوناً تفسیر و اجتهاد معنایی ندارد مع الوصف در تبصره یاد شده اگر قرار بود با ایثارگران دو گونه رفتار شود و مبنای قضاوت تاریخ تصویب آیین نامه (۱۳۹۱/۱/۱) باشد باید در خود تبصره تصریح می گردید.

۳- تبعیض موجود در بندهای ۱ و ۲ بخشنامه صادره فاقد مبنای حقوقی و قانونی می باشد و بر چه اساسی با یک گروه از ایثارگران که دارای شرایط یکسان می باشند، دو رفتار کاملاً متضاد صورت می گیرد. لذا استنباط های خارج از چارچوب های قانونی قطعاً باعث ایجاد مشکل می گردد.

۴- در بند ۲ بخشنامه مقرر گردید ایثارگرانی که بعد از تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱ یعنی تاریخ ابلاغ آیین نامه اداری و استخدامی اعضاء غیر هیأت علمی موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شدند مشمول دریافت مقطع تحصیلی بالاتر یعنی دکترای حرفه ای می گردند. « که این برداشت و استنباط کاملاً در تضاد و مغایر با آیین نامه اداری و استخدامی اعضاء غیر هیأت علمی می باشد و در هیچ کجای آیین نامه اداری و استخدامی به این موضوع که تاریخ ابلاغ آیین نامه اداری و استخدامی مصوب ۱۳۹۱/۱/۱ مبنای کار قرار گیرد اشاره ای نگردیده است. چرا که تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل تکلیف را کاملاً مشخص نموده و منظور از یک مقطع تحصیلی بالاتر در خصوص فوق لیسانس همان دکترای تخصصی یا *Ph.D* می باشد نه دکترای حرفه ای در غیر اینصورت قانون گذار خود به این موضوع اشاره می نمود. لذا این استنباط با هدف قانون گذار در خصوص جامعه ی ایثارگری کاملاً مغایرت دارد.

۵- فرزندان شهداء از کلیه امتیازات و مزایای مقرر شخص جانباز ۵۰٪ و بالاتر بهره مند می شوند و تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل نیز نمونه ای از آن می باشد. مع الوصف بند ۲ بخشنامه که به جای در نظر گرفتن دکترای تخصصی یا *Ph.D*، دکترای حرفه ای را در خصوص مقطع تحصیلی بالاتر مورد لحاظ قرار داده دقیقاً مغایر با تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل ذکر شده در آیین نامه اداری و استخدامی می باشد. از لحاظ حقوقی و قانونی بخشنامه نباید مخالف قانون یا آیین نامه باشد و در صورت تعارض نباید به آن عمل کرد چرا که بخشنامه باید در راستای آیین نامه و قوانین جاری باشد لذا بخشنامه صادره توسط مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارتخانه هم در تعارض با بند الف ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجلس شورای اسلامی است، هم در تعارض با تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل موضوع فصل نهم آیین نامه اداری و استخدامی بوده و هم در تعارض مواد ۱۱۱ و ۱۱۸ آیین نامه اداری استخدامی می باشد.

۶- به استناد ماده ۱۱۱ آیین نامه اداری و استخدامی موسسه ملزم به رعایت تمامی قوانین و مقررات ایثارگران است مگر در مواردی که در این آیین نامه و دستورالعمل های آن تصریح شده باشد. « لذا اعطای یک مقطع تحصیلی بالاتر به ایثارگرانی که دارای مدرک کارشناسی ارشد می باشند می بایست مطابق با ماده ۱۱۱ آیین نامه و تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل، دکترای تخصصی یا *Ph.D* محاسبه می گردید. که متأسفانه بخشنامه بدون توجه به

مستندات قانونی ذکر شده صادر گردیده است و موجبات تضییع حقوق جامعه ایثارگری را فراهم نموده است. همچنین از لحاظ سطح تحصیلات، فوق لیسانس هم سطح و هم تراز [همتراز] دکتری حرفه ای می باشد و لذا با توجه به این موضوع اعطای مقطع دکتری حرفه ای به فوق لیسانس ها به عنوان یک مقطع بالاتر عملاً معنایی ندارد.

۷- همچنین به استناد ماده ۱۱۸ آیین نامه اداری و استخدامی مسئولیت پاسخگویی به ابهامات، تفاسیر و سوالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین نامه از سوی موسسه به عهده کمیته ۳ تا ۵ نفره منتخب از سوی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود مصوبات و تصمیمات این کمیته به منزله ی مصوبه هیأت امانا تلقی می گردد. «که در این رابطه نکات قابل تأملی به نظر می رسد که در صدور بخشنامه مورد توجه قرار نگرفته است. اولاً: قانون و آیین نامه موضوع را به صراحت تعیین تکلیف نموده است و لذا آنچه که در ابتداء بخشنامه مبنی بر ابهامات و سوالات دانشگاه ها در خصوص موضوع بیان گردیده نشان از عدم توجه کافی به مَرّ قوانین و آیین نامه مربوطه می باشد. ثانیاً: در صورت نیاز به ابهام تفسیر و سوال کمیته ۳ تا ۵ نفره منتخب از سوی وزیر عهده دار بررسی موضوع می باشد و تعیین تکلیف موضوع از سوی مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارتخانه به عنوان مبنای کار جنبه قانونی ندارد و خود نیز جای اشکال و ایراد اساسی دارد.

۸- علی هذا، با التفات به مراتب فوق مستند به اصول حقوقی و قانونی از جمله: بند الف ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجلس شورای اسلامی، ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۷۴/۴/۷ مجلس شورای اسلامی، تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل موضوع فصل نهم آیین نامه اداری و استخدامی و موضوع مواد ۱۱۱ و ۱۱۸ آیین نامه اداری و استخدامی اعضاء غیرهیأت علمی دانشگاههای علوم پزشکی که به پیوست تقدیم می گردد ابطال بندهای ۱ و ۲ بخشنامه شماره ۵۲۰۹/۲۲۶۱-د/۱۳۹۱/۷/۲- مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و برقراری مزایا و حق قانونی یک مقطع تحصیلی بالاتر (دکتری تخصصی یا *Ph.D*) از زمان اخذ مدرک تحصیلی مطابق قانون مورد درخواست می باشد. شاکای به موجب لایحه تکمیلی که به شماره ۵۸۷-۱۳۹۶/۳/۲۷ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده است اعلام کرده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با عرض ادب و تحیت

در خصوص پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۵۶۷ مستندات جدیدی واصل گردیده که همگی حکایت از آن دارد که بخشنامه شماره ۲۲۶۱-۱۳۹۱/۷/۲-د/۲۰۹/۲۲۶۱ [۱۳۹۱/۷/۲-د/۲۰۹/۲۲۶۱] مدیر کل منابع انسانی وزارت بهداشت کاملاً در تضاد و مغایرت با قوانین و مقررات موجود صادر شده به همین جهت توضیحاتی در این باب به شرح ذیل تقدیم حضور می گردد:

۱- مطابق با بند ۲ ماده ۸۸ قانون برنامه ششم توسعه فرزندان شهداء از کلیه امتیازات و مزایای مقرر در قوانین و مقررات مختلف برای شخص جانباز ۵۰٪ و بالاتر برخوردارند. (اصلاحیه قانون برنامه پنجم توسعه بند الف ماده ۴۴) که به این ماده در بند ۴ بخشنامه فوق اشاره صریح گردیده لذا بر این اساس برابر ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب سال ۷۴ مجلس شورای اسلامی امتیاز یک مقطع تحصیلی برای فرزندان شهداء نیز قابل اعمال خواهد بود و تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل نیز نمونه ای از آن می باشد.

۲- کلمه دکتری تخصصی در تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل اطلاق دارد و قیدی از حیث اینکه چه تاریخی فارغ التحصیل شده باشند ندارند. و به همین دلیل صرفاً باید مَرّ قانون ملاک عمل قرارگیرد. لذا اینکه

در بخشنامه صادره مبنای قضاوت را تاریخ تصویب آیین نامه لحاظ نموده اند و جاهت قانونی لازم را ندارد و از مصادیق بارز اجتهاد در مقابل نص است و فی الواقع در جایی که نص صریح داریم قانوناً تفسیر و اجتهاد معنایی ندارد. مع الوصف در تبصره یاد شده اگر قرار بود با ایثارگران دو گونه رفتار شود و مبنای قضاوت تاریخ تصویب آیین نامه ۱۳۹۱/۱/۱ باشد باید در خود تبصره تصریح می گردید.

۳- این که ماده ای را بپذیریم اما تبصره آن مورد قبول نباشد با موازین حقوقی سازگار نمی یابد و تبصره ۲ ماده ۲ نمونه بارز عملی آن می باشد. نکته قابل توجه این است که تبصره ۲ ماده ۲ یاد شده مجدداً در مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با هیأت امناء دانشگاههای علوم پزشکی در کتاب سوم بهمن ماه ۹۴ صفحه ۳۹۵ مجدداً تکرار شده که این خود دلالت بر بی اعتبار بودن بخشنامه فوق الذکر را دارد.

۴- با توجه به پاسخ های متفاوتی که از مدیریت منابع انسانی وزارت به شماره ۲۲۶۱ [۵/۲۰۹]-۱۳۹۱/۷/۲ و مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت به شماره ۵۰۶-۱۳۹۵/۴/۲۸ در خصوص موضوع اخذ گردید. ( اعمال مقطع دکتری تخصصی ویژه ایثارگران) دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مشخص شدن کار مکاتبه ای را با معاونت محترم توسعه وزارت به شماره ۱۵۹۱۴-۵/۱۰/۱۳۹۵ انجام داده تا تعارض موجود بین دو مدیریت این معاونت مرتفع گردد و در نهایت مقرر شد تا مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت نظر نهایی و تخصصی خود را به عنوان فصل الخطاب اعلام نماید. که این مرکز نیز مجدداً در نامه شماره ۱۶۹۶-۸/۱۱/۱۳۹۵ با تأکید بر نظریه قبلی خود (به شماره ۵۰۶-۱۳۹۵/۴/۲۸) مقطع تحصیلی بالاتر جانبازان با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد را دکتری تخصصی اعلام می نماید.

۵- در جدول شماره ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل آیین نامه دکتری عمومی یا حرفه ای به عنوان یک مقطع تحصیلی پذیرفته شده که مشکلات عدیده ای را در عمل ایجاد می نماید. به عنوان مثال: شخصی که کارشناسی ارشد پرستاری دارد مقطع بعدی برای ادامه تحصیل وی در دانشگاههای علوم پزشکی قطعاً دکتری حرفه ای نمی باشد بلکه دکتری تخصصی پرستاری می باشد. همچنین از لحاظ سطح تحصیلات، کارشناسی ارشد و دکتری حرفه ای یا عمومی در یک طراز قرار دارند به همین جهت قرار دادن دکتری عمومی به عنوان یک مقطع تحصیلی ابداع جدیدی است که روند کار را در حوزه های اجرایی اعم از آموزشی و اداری در موارد مختلف یقیناً دچار مشکل خواهد نمود. و این سیاست یک بام و دو هوا جز سردرگمی نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت.

۶- همچنین در دادنامه اصداری از شعبه سوم دیوان عدالت اداری مقطع تحصیلی بالاتر جانبازان با مدرک کارشناسی ارشد دکتری تخصصی اعلام شده است.

۷- به استناد ماده ۱۱۱ آیین نامه اداری و استخدامی موسسه ملزم به رعایت تمامی قوانین و مقررات ایثارگران است مگر در مواردی که در آیین نامه و دستورالعمل های آن تصریح شده باشد. لازم به ذکر است در هیچ کجای آیین نامه و دستورالعمل های آن تصریحی به دکتری حرفه ای نگردیده است و بالعکس در تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل که دقیقاً در راستای ماده ۱۱۱ قابل تعریف می باشد به صراحت دکتری تخصصی برای ایثارگران در نظر گرفته شده نه دکتری حرفه ای (عمومی) که مغایرت بخشنامه در اینجا به وضوح مشخص می باشد.

۹- همچنین به استناد ماده ۱۱۵ آیین نامه مسئولیت پاسخ گویی به ابهامات، تفاسیر و سوالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین نامه از سوی موسسه به عهده کمیته ۳ تا ۵ نفره منتخب از سوی وزیر خواهد بود. «که در این رابطه نکات قابل تأملی به نظر می رسد که در صدور بخشنامه مورد توجه قرار نگرفته است. اولاً: قانون و آیین نامه موضوع را به صراحت تعیین تکلیف نموده است و لذا آنچه که در ابتداء بخشنامه مبنی بر ابهامات و سوالات دانشگاه

ها در خصوص موضوع بیان گردیده نشان از عدم توجه کافی به مَر قوانین و آیین نامه مربوطه می باشد. ثانیاً: در صورت نیاز به ابهام، تفسیر و سوال کمیته منتخب از سوی وزیر عهده دار بررسی موضوع می باشد و تعیین تکلیف موضوع از سوی مدیرکل منابع انسانی وزارت با این اوصاف جنبه قانونی ندارد و خود نیز جای اشکال و ایراد اساسی دارد چرا که اداره کل محترم منابع انسانی اساساً از ابتدا صاحب صلاحیت ذاتی در حوزه صدور بخشنامه ای با چنین مختصاتی نبوده و نمی باشد.

۱۰- علی هذا، با التفات به مراتب فوق مستند به اصول حقوقی و قانونی از جمله: بند ز ماده ۸۸ قانون برنامه ششم توسعه مصوب مجلس شورای اسلامی، ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۷۴ مجلس شورای اسلامی، تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل، موضوع مواد ۱۱۱ و ۱۱۸ آیین نامه اداری و استخدامی، رأی شعبه سوم دیوان عدالت اداری و پاسخ آخرین استعلام از مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت که همگی به پیوست تقدیم می گردد، ابطال بندهای ۱ و ۲ بخشنامه شماره ۲۲۶۱ [۵/۲۰۹/۲۲۶۱]- ۱۳۹۱/۷/۲ مدیرکل منابع انسانی وزارت و برقراری حق قانونی یک مقطع تحصیلی بالاتر (دکترای تخصصی یا *Ph.D*) از زمان اخذ مدرک تحصیلی مطابق قانون مورد درخواست می باشد.

متن بخشنامه مورد شکایت به قرار زیر است:

۱- ایثارگرانی که دارای مدرک فوق لیسانس بوده و قبل از تاریخ ابلاغ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی (۱/۱/۱۳۹۱) از امتیاز مقطع تحصیلی بالاتر بهره مند بوده اند طبق مفاد تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل فوق الذکر از امتیازات مقطع تحصیلی بالاتر برخوردار می گردند.

۲- ایثارگرانی که بعد از تاریخ ۹۱/۱/۱ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس می شوند و یا با مدرک فوق لیسانس به خدمت پذیرفته می شوند و مشمول دریافت مقطع تحصیلی بالاتر می باشند، از امتیاز مقطع تحصیلی بالاتر طبق ردیف ۶ جدول شماره ۳ دستورالعمل فوق الذکر بهره مند می گردند.

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به موجب لایحه شماره ۲۸۵۸-۱۳۹۵/۱۲/۲۵، توضیح داده است که:

« مدیرکل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام:

احتراماً، در خصوص پرونده کلاسه ۸۵۵/۹۵ موضوع دادخواست خانم مرضیه رضانی به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۵/۲۰۹/۲۲۶۱-۲/۷/۱۳۹۱ مدیرکل منابع انسانی وزارت بهداشت در ارتباط با احتساب یک مقطع تحصیلی بالاتر برای ایثارگران، مطالب زیر به استحضار می رسد:

۱- شاکي محترم وفق دادخواست تقدیمی مدعی است وزارت بهداشت با صدور بخشنامه فوق الذکر در ارتباط با ایثارگرانی که از تاریخ ۱/۱/۱۳۹۱ موفق به اخذ مدرک تحصیلی بالاتر می گردند، از احتساب مدرک تحصیلی به عنوان (دکتری تخصصی) و برخوردارگی از امتیازات و مزایای مرتبط، خودداری نموده و بر این اساس نامبرده خواستار ابطال بخشنامه مورد اشاره، به دلیل مغایرت با مفاد ماده (۱۸) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان مصوب ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی و تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل مصوب هیأت امناء دانشگاه های علوم پزشکی کشور «جانبازانی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد می باشند از مقطع تحصیلی بالاتر (دکترای تخصصی یا *Ph.D*) بهره مند خواهند شد» گردیده است.

۲- در پاسخ به شکایت مطروحه لازم به ذکر است، برابر مواد (۵۰) و (۵۱) آیین نامه اداری استخدامی کارکنان

غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی مصوب هیأت امناء، اختصاص طبقات شغلی به کارکنان، بر مبنای مدارک تحصیلی (زیر دیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای عمومی، دکترای تخصصی یا *Ph.D*) و به ترتیب در شش طبقه شغلی صورت می‌گیرد. همچنین به هر یک از مشاغل اداری بر اساس عوامل نظیر وظایف و مسئولیت‌ها، سطح تخصص و مهارت‌های مورد نیاز، رتبه‌های شغلی (مقدماتی - پایه - ارشد - خبره - عالی) تعلق خواهد گرفت. با این وصف، شاغلین در بدو استخدام و در طول خدمت متناسب با مدرک تحصیلی و ارزیابی تجربه و مهارت در رتبه‌های پنج‌گانه فوق‌تر قرار داده می‌شوند. اشاره می‌نماید این اشاره می‌نماید، دستورالعمل نحوه تعیین حق شغل و شاغل، فوق‌العاده‌های شغلی و جداول (طبقات و رتبه‌های شغلی) و (امتیازات ارزیابی شغلی) از سوی هیأت امناء تصویب گردیده است.

۳- وفق جدول شماره ۲ دستورالعمل مذکور برای دارندگان دکترای عمومی (حرفه‌ای) اولین طبقه ۶ و دکترای تخصصی و *Ph.D* در ردیف هفتم مشخص شده است.

۴- در راستای تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله در حوزه منابع انسانی و اجرای دقیق بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور مبنی بر اجرای قوانین و مقررات در کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سراسر کشور بدون الزام به رعایت ضوابط عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی و صرفاً در چارچوب مصوبات هیأت امناء (آیین‌نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی) از تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱ و به منظور ایجاد وحدت رویه در اجرای موارد پیش‌بینی شده در فصل هشتم آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی و دستورالعمل نحوه تعیین شغل، حق شاغل و ... در ارتباط با حقوق و مزایای ایثارگران تغییراتی به شرح ذیل ایجاد گردید:

۱- ایثارگرانی که دارای مدرک فوق‌لیسانس بوده و قبل از تاریخ ابلاغ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی ۱۳۹۱/۱/۱ از امتیاز مقطع تحصیلی بالاتر بهره‌مند بوده‌اند، طبق مفاد تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل فوق‌الذکر کماکان از امتیازات مقطع تحصیلی بالاتر (دکتری تخصصی) برخوردار می‌گردند.

۲= ایثارگرانی که بعد از تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱ موفق به اخذ مدرک فوق‌لیسانس می‌شوند و یا با مدرک فوق‌لیسانس به خدمت پذیرفته می‌شوند و مشمول دریافت مقطع تحصیلی بالاتر می‌باشند، در طبقه شغلی ۶ جدول شماره ۲ قرار می‌گیرند و از امتیاز مقطع تحصیلی بالاتر طبق ردیف ۶ جدول شماره ۳ دستورالعمل فوق‌الذکر (دکتری حرفه‌ای) بهره‌مند می‌شوند.

۳- شایان ذکر است در اجرای تبصره ۳ ماده ۲ دستورالعمل فوق‌الذکر، محاسبه امتیاز طبقه شغلی ایثارگرانی که در مقطع تحصیلی دکتری حرفه‌ای قرار دارند، با ضریب (۱/۵) و به صورت یکسان اعمال می‌گردد. با عنایت به مطالب معروضه و رعایت مقررات و ضوابط قانونی در اقدامات این وزارتخانه، خواسته شاکتی بر هیچ مقرر قانونی منطبق نمی‌باشد، رسیدگی شایسته و رد دعوی مطروحه مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۱۱۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی مصوب هیأت امناء، مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و سوالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین‌نامه بر عهده کمیته ۳ تا ۵ نفره منتخب از

---

---

سوی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود. بر این اساس بخشنامه شماره ۱۳۹۱/۷/۲-د/۲۰۹/۲۲۶۱ مشاور معاونت توسعه و مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خارج از حدود اختیارات قانونی صادر شده و از این جهت صرفنظر از درستی و نادرستی محتوای آن، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ رأی: سه شنبه ۴ مهر ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۶۴۲

کلاس پرونده: ۴۴۴/۹۵

**موضوع:** ابطال تبصره (۱) بند (الف) جزء ۲ قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل چهاردهم مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت ملی نفت (در خصوص بازنشستگی پیش از موعد افرادی که به طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند)

**شاکي:** آقای احمد رضا صالح نژاد

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال تبصره (۱) بند (الف) جزء ۲ قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل چهاردهم مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت ملی نفت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «در مورد بازنشستگی مضمولان «قانون حفاظت در برابر اشعه» موضوع بخش ۲-الف از قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل ۱۴ مجموعه مقررات اداری و استخدامی ۱۳۸۹ کارکنان شرکت ملی نفت ایران، در تبصره ۱ آن شرط سن برای متقاضیان مطرح شده که خلاف روح قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸ است این تبصره شرط سن را برای متقاضیان بازنشستگی لازم دانسته است، در حالی که کسانی که با استفاده از قوانین حمایتی از بازنشستگی های پیش از موعد استفاده می کنند بعضاً نمی توانند حداقل شرط سنی یعنی ۵۰ سال را دارا باشند.

پرتوکاری جزو مشاغل سخت و زیان آور است و قرار دادن شرط سن برای متقاضیان بازنشستگی، جلوی استفاده آنها از قوانین حمایتی و حفاظتی را می گیرد. لازم به ذکر است که در ماده ۱ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸ که اهداف تدوین این قانون را بیان می کند به ضرورت حفاظت کارکنان در برابر اثرات زیان آور اشعه اشاره شده است و برای حمایت از پرتوکاران مزایایی را قائل شده است که یکی از آنها بازنشستگی پیش از موعد نسبت به دیگر کارکنان بخش های دولتی و خصوصی است که در بند ۳ ماده ۲۰ به آن اشاره شده است.

اینجانب پرتوکار شاغل در شرکت ملی نفت ایران با بیش از ۲۲ سال سابقه کار می باشم که به مدت ۵ سال پرتوکار گروه الف و مدت ۱۲ سال پرتوکار گروه ب (جمعاً ۱۷ سال و چهار ماه) بوده ام و مطابق مقررات می باید بتوانم با استفاده از مزایای این قانون با ۱۰ سال سنوات ارفاقی بازنشسته شوم اما به دلیل وجود قانون ذکر شده در مجموعه مقررات شرکت نفت، تلاشهای بنده برای کسب بازنشستگی در ۴ سال گذشته بی ثمر مانده است. از آنجا که تبصره مذکور، خلاف نظر قانونگذار در قانون حفاظت در برابر اشعه است و با وجود آن امکان استفاده از شرایط ارفاقی برای عده ای که در سنین زیر ۵۰ سال به ۲۰ سال سابقه کار می رساند فراهم نیست، خواهشمندم با نقض تبصره ۱ بخش ۲ - الف قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل ۱۴ امکان بهره مند شدن از مزایای قانونی را فراهم آورید ضمناً مورد مشابه این شکواییه قبلاً در مورد سازمان تأمین

اجتماعی در دادنامه شماره ۵۱۳ کلاسه پرونده ۱۸۷/۹۰ - ۱۳۹۱/۷/۲۴ مطرح گردیده و دیوان رأی به حذف شرط سنی برای پرتوکاران آن سازمان داده است. »

شاکی متعاقباً به موجب لایحه تکمیلی اعلام کرده است که:

« با توجه به این که قانونگذار در بند ۳ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸، افزایش مدت خدمت مورد قبول تا یک سال به ازای هر یک سال کار با اشعه و حداکثر تا ۱۰ سال را منحصرأً از نظر باز خرید، بازنشستگی، از کار افتادگی و تعیین حقوق وظیفه برای افرادی که به طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند بر مبنای مقدار و شرایط بالقوه پرتودهی محیط کار، قابل احتساب دانسته است و در این قانون شرط سنی در جهت بازنشستگی پیش بینی نشده است، بنابراین تبصره ۱ بخش ۲- الف قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل ۱۴ مجموعه مقررات شرکت ملی نفت ایران که بازنشستگی پرتوکاران را به رعایت شرط سنی مقید کرده است، مغایر حکم قانونگذار به شرح پیش گفته است. »

متن مقرر مورد اعتراض به قرار زیر است :

۲- بازنشستگی قبل از موعد

الف) به اختیار کارمند

کارمندان ذکور می توانند با داشتن ۵۵ سال تمام سن یا بیشتر ( ۵۰ سال تمام یا بیشتر در مورد کارمندان اناث ) و حداقل ۲۰ سال تمام سابقه خدمت معتبر (۱۵ سال تمام در مورد کارمندان اناث ) تقاضای بازنشستگی قبل از موعد نمایند که در این حالت به ازای هر سال باقیمانده تا سن بازنشستگی عادی معادل ۳ درصد از مستمري کارمند کسر می شود در مورد خدمت در مناطق بدآب و هوا ( گرمسیر) حد نصاب سن مذکور برای هر چهار سال خدمت در آن مناطق یکسال تقلیل می یابد، لیکن در هر حال نباید سن کارمندان ذکور از ۵۰ سال تمام ( ۴۵ سال تمام در مورد کارمندان اناث ) کمتر باشد.

تبصره ۱- کارمندانی که در برابر اشعه به کار اشتغال دارند، در صورتی که دارای ۵۰ سال ( آقایان ) یا ۴۵ سال ( خانم ها ) سن باشند، سنوات خدمت ارفاقی مربوط به کار با اشعه در احتساب حداقل سنوات مورد نیاز ( به ترتیب ۲۰ و ۱۵ سال ) برای بازنشستگی منظور می شود.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران به موجب لایحه شماره ح/۳۷۶۰۱۱-۱۵/۸/۱۳۹۵ توضیح داده است که:

« هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع : کلاسه پرونده ۴۴۴/۹۵ شماره پرونده ۹۵۰۹۰۵۸۰۰۰۰۰۲۲۶ شماره پرونده ۹۵۰۹۰۵۸۰۰۰۰۰۲۲۶ با سلام

احتراماً عطف به ابلاغیه مورخ ۲۸/۶/۱۳۹۵ کلاسه پرونده فوق، موضوع دادخواست آقای احمدرضا صالح نژاد به طرفیت شرکت ملی نفت ایران، به خواسته نقض و ابطال تبصره (۱) ذیل جزء (۲) بند (الف) قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل (۱۴) مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان صنعت نفت، ضمن ایفاد تصویر نامه شماره ت ه م ۳۷۲۹۱۷/ - ۱۲/۸/۱۳۹۵ سرپرست تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت، مراتب ذیل را در جهت رد دعوی شاکی به استحضار می رساند:

۱- اختیار وزارت نفت در تدوین نظامهای اداری و استخدامی شرکتهای تابعه :

طبق مفاد ماده (۱۰) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱، نظامهای اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و مزایای آن دسته از کارکنان شرکتهای تابعه وزارت نفت که در واحدهای عملیاتی و تخصصی شاغل می باشند، با

رویکرد تقویت رقابت پذیری و سرعت بخشیدن به بهره برداری از میادین مشترک و حفظ نیروی انسانی متخصص، تابع آیین نامه خاصی است که بدون الزام به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوطه و با پیشنهاد وزارت نفت و تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور تهیه می شود و حداکثر ظرف شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس جمهور می رسد. از طرفی، آیین نامه یادشده، تحت عنوان «آیین نامه نظام های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت، توسط وزارت نفت تهیه و به تأیید و توشیح ریاست جمهور رسیده و طی نامه شماره ۹۲۲۹۲-۱۳۹۳/۱۹/۱۳۹۳ رئیس دفتر و سرپرست نهاد ریاست جمهوری، جهت اجرا به وزارت یاد شده ابلاغ گردیده است که حسب مفاد ماده (۴۰) آیین نامه مذکور اعلام گردیده، مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت که تا تاریخ تصویب این آیین نامه و در چارچوب مفاد آن مجری و ملاک عمل بوده است، کماکان قابلیت اجرا خواهد داشت.

۲- مقررات و ضوابط ناظر بر بازنشستگی پرتوکاران صنعت نفت:

مطابق با مجموع مقررات اداری و استخدامی کارمندان صنعت نفت و در راستای ماده (۲۰) فصل پنجم قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۲۰/۱/۱۳۶۸ و نیز ماده (۲۰) آیین نامه اجرایی قانون مذکور موضوع تصویب نامه شماره ۱۱۲۰۲۶/ت/۵۷ هـ - ۲۹/۲/۱۳۶۲ هیأت وزیران، کلیه مزایای مقرر بر مبنای مقدار و شرایط بالقوه پرتودهی محیط کار به تشخیص واحد قانونی ( سازمان انرژی اتمی ) و طبق آیین نامه های مربوطه به کارمندانی که به طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند، تعلق گرفته و سوابق کار با اشعه آنان جهت باز خرید، بازنشستگی، از کار افتادگی و تعیین حقوق وظیفه لحاظ می شود لکن بر اساس مفاد تبصره (۱) ذیل جزء (الف) بند (۱) از قسمت ۵-۱-۱۴ مجموعه مقررات یادشده، کارمندانی که به کار با اشعه اشتغال دارند، در صورتی که دارای حداقل ۵۰ سال (آقایان) و یا ۴۵ سال ( بانوان ) سن باشند، سنوات خدمات ارفاقی مربوط به کار با اشعه در احتساب حداقل سنوات مورد نیاز برای بازنشستگی منظور می شود.

با عنایت به مراتب فوق و نظر به اینکه حفظ و نگهداری متخصصین، کارشناسان و کارمندان با تجربه یکی از دغدغه های اصلی صنعت نفت می باشد، حذف شرط سنی و یا کاهش آن جهت بازنشستگی، ضمن تحمیل هزینه های غیر ضرور به کارفرمایان جهت پرداخت مقرری/ مستمری به بازنشستگان پیش از موعد، به صلاح و صرفه صنعت نفت نبوده و از طرفی منجر به کاهش دریافتی صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت از بابت کسور بازنشستگی سهم کارمند و کارفرما تا سن تقاعد گردیده و در نتیجه افزایش مدت زمان پرداخت مستمری ، موجبات تضعیف مالی و بلکه ورشکستگی صندوق های مذکور را فراهم می سازد رسیدگی و صدور رأی شایسته مبنی بر رد شکوائیه شاکی استدعا می گردد. ضمناً، بدین وسیله آقای اسکندر حمیدیان به عنوان نماینده حقوق این شرکت، جهت حضور در آن هیأت و ثبت مرقومه حاضر، معرفی می گردند.»

متن نامه شماره ت هـ م/ ۳۷۲۹۱۷ - ۱۳۹۵/۸/۱۲ سرپرست اداره کل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت به قرار زیر است:

« با سلام

احتراماً، بازگشت به نامه های شماره ح / ۳۲۴۶۶۲ - ۱۳۹۵/۷/۱۴ و شماره ح/۳۵۰۴۹۵-۱۳۹۵/۸/۲ در خصوص ابلاغیه مورخ ۱۳۹۵/۶/۲۸ کلاسه پرونده ۴۴۴/۹۵ صادره از دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ارتباط با دادخواست نامبرده بالا، به استحضار می رساند:

۱- بر اساس اطلاعات موجود در سیستم جامع نیروی انسانی، نامبرده متولد ۱/۱/۱۳۴۷ با مدرک تحصیلی کارشناسی برق با تاریخ اولیه استخدام ۱۳۷۴/۹/۲۶ ( تاریخ استخدام رسمی ۱۳۷۶/۹/۲۶ ) بوده که هم اکنون سن وی

۴۸ سال و ۷ ماه و سابقه خدمت معتبر او از نظر بازنشستگی ۲۲ سال و ۵ ماه می باشد. ایشان از تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ لغایت ۱۳۹۳/۱۱/۱۳ دارای غیبت غیر موجه (۱ سال و ۶ ماه و ۲۵ روز بوده و از آن زمان (تاکنون ۱۰ ماه) انفصال موقت از خدمت گردیده است.

۲- در شرکت ملی نفت ایران مطابق با ماده (۲۰) فصل پنجم قانون حفاظت در برابر اشعه به افرادی که به طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند، کلیه مزایای مقرر بر مبنای مقدار و شرایط بالقوه پرتو دهی محیط کار به تشخیص واحد قانونی طبق آیین نامه های مربوطه تعلق گرفته و موردی مغایر با مقررات مورد اشاره اعمال نمی گردد. همچنین براساس ماده (۲۰) آیین نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه ( تصویب نامه شماره ۱۱۲۰۲۶/ت ۵۷ هـ - ۱۳۶۹/۲/۲۹ هیأت وزیران ) احتساب سوابق کار با اشعه جهت بازخرید بازنشستگی، از کار افتادگی و تعیین حقوق وظیفه لحاظ می شود.

۳- براساس مقررات موضوعه مربوط با بازنشستگی قبل از موعد ( تبصره اذیل جزء الف بند (۱) از قسمت

۱۴-۱-۵

مجموعه مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت ) کارمندی که در برابر اشعه به کار اشتغال دارند، در صورت که دارای ۵۰ سال (آقایان) و یا ۴۵ سال ( بانوان ) سن باشند، سنوات خدمت ارفاقی مربوط به کار با اشعه در احتساب حداقل سنوات مورد نیاز ( به ترتیب ۲۰ و ۱۵ سال ) برای بازنشستگی منظور می شود، لیکن نامبرده به دلیل نرسیدن به حداقل سن ( ۵۰ سال ) نمی تواند از بازنشستگی پیش از موعد مربوط به کار با اشعه استفاده نمایند.

۴- در راستای تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله، از آنجا که یکی از دغدغه های مدیران صنعت نفت حفظ و نگهداری متخصصین، کارشناسان کارمندان با تجربه می باشد، پیشنهاد مطروحه مبنی بر حذف شرط سنی و یا کاهش آن جهت بازنشستگی این کارمندان ( در معرض کار با اشعه )، ضمن مغایرت با مقررات مجری به دلیل تحمیل هزینه های غیر ضرور به کارفرمایان ( جهت پرداخت مقرری/ مستمری به بازنشستگان پیش از موعد )، به صلاح و صرفه صنعت نفت نمی باشد. این اقدام موجب می شود افراد با شرایط متفاوت کار در برابر اشعه و سنوات ارفاقی متفاوت (از یک تا ده سال ) به صرف یک سال کار در برابر اشعه، با ۲۰ سال سابقه کار در سایر مشاغل بتوانند در خواست بازنشستگی پیش از موعد ارائه نمایند. خاطر نشان می گردد موضوع رعایت شرط سنی، منحصر به مقررات بازنشستگی صنعت نفت نبوده بلکه در قوانین کشوری نظیر قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ مجلس محترم شورای اسلامی و نیز قانون تأمین اجتماعی کشور مجری می باشد.

بنابراین با امان نظر به توضیحات بالا و بالاخص عدم تحقق شرط سن، طرح و موضوع بازنشستگی مشارالیه فاقد محمل مقرراتی بوده، امکان پذیر نمی باشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه در ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸، شرط سنی بر تعلق مزایای مذکور در ماده قانونی یاد شده برای افراد مشمول تعیین نشده است و در ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب سال ۱۳۹۱، نظامهای اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و مزایای کارکنان شرکتهای تابعه وزارت نفت که در واحدهای

عملیاتی و تخصصی شاغل می باشند تابع آیین نامه خاصی است که صرفاً بدون الزام به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری و با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوط به تصویب رئیس جمهور خواهد رسید، بنابراین تبصره ۱ بند الف جزء ۲ قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل چهاردهم مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان صنعت نفت که در اعمال سنوات خدمت ارفاقی مربوط به کار با اشعه شرط سنی ۵۰ سال برای آقایان و ۴۵ سال برای خانمها را لحاظ کرده است، مغایر قانون تشخیص می شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - تعهد خدمت

تاریخ رأی: سه شنبه ۲۵ مهر ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۶۹۱ الی ۶۹۴

کلاس پرونده: ۵۹۴/۹۵، ۵۶۵/۹۵، ۳۵۰/۹۵، ۳۴۹/۹۵

**موضوع:** عدم ابطال ماده ۵ دستورالعمل شماره ۲ طرح تحول نظام سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص منع صدور مجوز مطب تا قبل از انجام تعهد خدمت به میزان برابر مدت تحصیل)

**شاکلی:** آقای بهمن امین منصور به وکالت از آقایان: ۱- کیوان یادگاری ۲- مهدی طریقتی ۳- نادر صوفی زاده و خانمها: ۴- سیده سهیلا طالبی نوشیروانی ۵- آرزو نگهداری ۶- هلیا شایانفر روزیتا بیداروند حیدری ۷- سارا جهانیان ۸- مهسا نصیر زاده صالح ۹- سپیده ابوالحسن زاده ۱۰- اشرف السادات حسینی بامکان ۱۱- لطیفه نفسی ۱۲- ریحانه حجی پور گدافک ۱۳- ۱۴- مرجان رعیت نیا قادیلانی ۱۵- طوبی اکبری

### گردش کار:

آقای بهمن امین منصور به وکالت از موکلین فوق الذکر، به موجب دادخواستی ابطال ماده ۵ دستورالعمل شماره ۲ طرح تحول نظام سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً، به وکالت از شکات، به استحضار می رساند:

۱- موکلان در زمره پزشکان متخصصی هستند که با اتمام موفقیت آمیز دوره دستیاری تخصصی، در حال اجرای طرح خدمت قانونی می باشند.

۲- موکلان مزبور که عموماً در قالب مقررات قانون تخصیص سهمیه به زنان مصوب ۱۳۷۲ فراغت از تحصیل یافته اند، مکلفند خدمات قانونی را وفق مقررات قوانین موضوعه به اتمام رسانند (مقررات ماده ۷ قانون اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تامین وسایل و امکانات تحصیلی اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب و نیز مقررات ماده ۱۴ قانون خدمات پزشکان و پیراپزشکان).

۳- مقررات ماده ۵ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان (مصوب ۱۳۷۵) اشعار می دارد که: «مشمولان این قانون مادام که خدمات قانونی را شروع ننموده یا معافیت اخذ نکرده باشند، مجاز به دخالت در امور پزشکی نمی باشند.» به صراحت مقررات بند الف ماده ۱ آیین نامه اجرایی این قانون «مشمولان قانون عبارتند از: گروههای پزشکی شامل پزشکان، دندانپزشکان و ... و متخصصان رشته های مذکور» می باشند.

۴- مقررات تبصره ۲ ماده واحده اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۴ مقرر می دارد: «ارائه مدرک تحصیلی مشمولان مذکور بعد از اتمام تعهد مورد نظر مجاز است و نامبرندگان در زمان تعهد

مجاز به فعالیت پزشکی در سایر نقاط کشور نیستند.

۵- طرف شکایت در سنوات ماضی به استناد مقررات پیش گفته مبادرت به صدور مجوز مطب از طریق دانشگاههای مربوطه نموده است و موکلان با ابتناء به مجوزهای صادره عموماً اقدام به خرید تجهیزات و مکان لازم با اخذ وامهایی با بهره های سنگین از بانکها نموده و به فعالیت قانونی پزشکی خود مشغول شده بودند، تا اینکه طرف شکایت از طریق تهیه و ابلاغ بخشنامه هایی به دانشگاهها و دانشکده های پزشکی و دندانپزشکی، منع صدور مجوز دایر کردن مطب را ابلاغ نموده است که من باب مثال بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۷۴-۱۳۹۲/۳/۲ برای دندانپزشکان قابل ذکر است (لازم به ذکر اینکه ابطال مفاد بندهای ۴ و ۵ این بخشنامه سابقاً و طی دادخواست جداگانه ای محل خواسته دندانپزشکان واقع شده است). که در این بخشنامه طرف شکایت صراحتاً دانشکده های ذیربط را از صدور مجوز مطب تا قبل از انجام خدمت به میزان برابر مدت تحصیل منع نموده است، که تبعات آن نه تنها تضییع منابع مالی این جوانان را باعث شده بلکه تعدد تصمیمات خلاف قانون این مرجع باعث دلسردی و ناامیدی و بی اعتمادی این جوانان متخصص به اقدامات طرف شکایت شده است.

۶- در سال جاری طرف شکایت در اجرای طرح تحول نظام سلامت، مبادرت به تهیه، تنظیم و ابلاغ بخشنامه های اجرایی این طرح نموده است، که از جمله می توان به دستورالعمل شماره ۲ تحت عنوان دستورالعمل برنامه حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم، نام یافته است، به موجب مقررات ماده ۵ دستورالعمل، متعهدان طرح خدمت قانونی (من جمله موکلان) مکلف به فعالیت تمام وقت در واحدهای درمانی/آموزشی و درمانی تابعه دانشگاهها و عدم فعالیت پزشکی در قالب مطب، درمانگاه، مراکز جراحی محدود و بیمارستانهای خصوصی، خیریه و سایر مراکز عمومی غیر دولتی و ... نموده است.

۷- تدقیق در مفاد مقررات ماده ۵ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان (شامل کلیه مشمولین این قانون، من جمله موکلان) مفید این معناست، که به دلالت التزامی مفاد این ماده، فارغ التحصیلان دوره های دستیاری تخصصی پزشکی که متعهد خدمت قانونی هستند با شروع طرح خدمت قانونی و با کسب معافیت، مجاز به دخالت در امور پزشکی می باشند و در مانحن فیه موکلان، با آغاز و انجام طرح خدمات قانونی واجد این حق شده اند و طرف شکایت (که به حکایت سوابق موجود، این حق را در سنوات ماضی به تبع الزام قانونی و احراز آغاز انجام طرح توسط موکلان و سایر ذینفعان، در مورد موکلان و سایرین اعمال کرده) با تصویب دستورالعمل های یاد شده و یا در قالب بخشنامه هایی، این حق قانونی و مکنتسب را با تشخیص خود و برخلاف مقررات قانونی از موکلان و سایر ذینفعان منع نموده است و این در حالی است که این مرجع (طرف شکایت) واجد تشخیص این حق نبوده، تا معطی آن و یا مانع آن باشد، همان طور که گفته شد حتی قانونگذار این حق را متعاقباً نیز در قالب مقررات تبصره ۲ اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی نیز پیش بینی نموده است. بدین معنا که قانونگذار طی مقررات قسمت اخیر تبصره ۲ ماده واحده اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی، مجدداً بر جواز فعالیت پزشکی این پزشکان صرفاً در منطقه معینه طرح و ممنوعیت

این فعالیت در سایر نقاط کشور تایید نموده است. بدیهی است که با وصف نفوذ و اعتبار قوانین پیش گفته و نیز با فقد دلیل قانونی مخالف، تصویب دستورالعمل شماره ۲ تحت عنوان دستورالعمل برنامه حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم، که موجب محرومیت غیر قانونی پزشکان از دایر کردن مطب در غیر ساعات اداری و در منطقه معینه اجرای طرح خدمت قانونی است و با مقررات و قوانین پیش گفته در تنافر و تغایر است، لذا با تقدیم این دادخواست و ضمانت از محضر قضات دیوان عدالت اداری استدعاندم در جهت پاسداشت حقوق شهروندی موکلان و رعایت اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با رسیدگی نسبت به ابطال این ماده از دستورالعمل مورد اعتراض اقدام فرمایند تا بعون الله حق در قضیه مطروحه جاری و عدالت که جوهره قضا در اسلام است در این رابطه مجال اعمال یابد. ضمناً

بدواً به دلیل ورود ضرر و خسارت جبران ناپذیر ناشی از اجرای این دستورالعمل، صدور دستور موقت دائر بر منع اجرا تا رسیدگی قطعی تحت تقاضاست.»

متن مقررہ مورد شکایت به قرار زیر است:

« ماده ۵- تعهدات

۱- پزشکان ماندگار مشمول این دستورالعمل مکلف به رعایت موارد زیر خواهند بود:

۱-۱- فعالیت تمام وقت در واحدهای درمانی، آموزشی و درمانی تابعه دانشگاه و عدم فعالیت پزشکی در قالب مطب، درمانگاه، مراکز جراحی محدود و بیمارستانهای خصوصی، خیریه و سایر مراکز عمومی غیر دولتی.

۱-۲- آمادگی ارائه خدمات به صورت ۲۴ ساعته و در ایام تعطیل، در قالب آنکائی، مقیمی و کلینیک عصر.

۱-۳- عدم دریافت هرگونه وجهی از بیماران خارج از روال رسمی صندوق بیمارستان»

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۳۲۴/۱۰۷/۱۳۹۵/۶/۲۹-۱ توضیح داده است که:

« ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً، در خصوص پرونده کلاسه ۳۴۹/۹۵ موضوع شکایت خانمها سیده سهیلا طالبی، آرزو نگهداری، هلیا شایانفر، سارا جهانیان، سپیده ابوالحسن زاده، مهسا نصیرزاده و روزیتا بیداروند به خواسته ابطال ماده ۵ دستورالعمل برنامه حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم مراتب ذیل به استحضار می رسد:

۱- شکات از فارغ التحصیلان مقطع تخصص با استفاده از تسهیلات سهمیه زنان می باشند که پس از فراغت از تحصیل از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جهت انجام تعهدات قانونی و قراردادی خود به مناطق معینه در اسناد تعهد ایداعی معرفی و مشغول انجام خدمات مربوطه می باشند. نامبردگان وفق مفاد دادخواست تقدیمی با این ادعا که معاونت درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وفق ماده ۵ دستورالعمل برنامه حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم ایشان را از داشتن پروانه مطب محروم نموده است، خواستار ابطال ماده مذکور می باشند.

۲- وفق ماده ۵ دستورالعمل مزبور پزشکان ماندگار مشمول دستورالعمل مکلف به فعالیت تمام وقت در واحدهای درمانی/ آموزشی/ تابعه دانشگاه بوده و مجاز به فعالیت پزشکی در قالب مطب، درمانگاه، جراحی محدود و بیمارستانهای خصوصی، خیریه و سایر مراکز عمومی غیر دولتی نمی باشند.

۳- در خصوص شکایت مطروحه لازم به ذکر است، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حوزه خود ذینفع تعهدات ماخوذه از دستیاران دوره تخصصی می باشد. برابر تبصره ۱ بند (د) ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم نیز صراحتاً تاکید گردیده که کلیه ارائه کنندگان خدمات بهداشتی و درمانی کشور اعم از دولتی و غیر دولتی موظفند از خط مشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تبعیت نمایند. همچنین وفق ماده (۱۹) دستورالعمل نحوه توزیع فارغ التحصیلان رشته های تخصصی پزشکی در سال ۱۳۹۱، پزشکان مشمول خدمات مورد تعهد موظف به اجرای کلیه ضوابط ابلاغی و طرحهای ملی و منطقه ای ارائه شده از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشند.

۴- با توجه به پیاده سازی برنامه های طرح تحول نظام سلامت (همچون ارتقاء کیفیت خدمات و مراقبتهای سلامت، دسترسی عادلانه مردم به خدمات ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته، کاهش پرداخت مردم و در نهایت توسعه جذب و ماندگاری پزشکان) فعالیت انتفاعی متعهدین در ساعات غیر اداری مغایر ضوابط، سیاستها و مقررات یاد شده تشخیص داده شد و مقرر گردید تا این گروه از پزشکان همانند سایر پزشکان شاغل در بیمارستانهای تابعه وزارت بهداشت

به طور تمام وقت در اختیار دانشگاه محل خدمت باشند. بر این اساس طی دستورالعملهای طرح تحول نظام سلامت، من جمله دستورالعمل حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم، فعالیت پزشکان به صورت تمام وقت پیش بینی گردید. ۵- صرف نظر از مراتب فوق به موجب بند ۱۰ ماده ۵۴ و تبصره ۱ ماده ۸۷ آیین نامه اداری، استخدامی و تشکیلاتی کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاهها/ دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (متناظر با بند ۹ ماده ۶۸ و ماده ۹۳ قانون مدیریت خدمات کشوری) نیز مقرر گردیده، در صورت نیاز موسسه به خدمات کارکنان، فرد ملزم به ارائه خدمات در برابر حق الزحمه تعیین شده در آیین نامه مذکور می باشد بر این اساس موسسه محل خدمت در صورت نیاز به خدمات متعهدین در ساعات غیر اداری نیز با پرداخت حق الزحمه مجاز به بکارگیری این افراد در ساعات غیر اداری می باشد. در این خصوص توجه آن مقام را به بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۵/۱۸-۱۰۰/۴۱۰ مقام عالی وزارت جلب می نماید که در حال حاضر قابلیت اجرا دارد.

۶- همچنین برابر تبصره ۲ مصوبه ۱۷۶۱۳/۱۷۷۵/۵-ت-۱۳۹۴/۲/۲۷ هیأت وزیران به کارگیری کادر درمان (غیر هیأت علمی) به صورت تمام وقت جغرافیایی پیش بینی شده است و این افراد حق انجام فعالیت در زمینه خدمات درمانی به صورت انتفاعی خارج از دانشگاه مربوطه را نخواهند داشت.

۷- توضیحاً اعلام می دارد، با توجه به اهداف برنامه تحول نظام سلامت که مهمترین آن ارتقاء کیفیت خدمات و مراقبتهای سلامت و کاهش پرداخت مردم می باشد آحاد مردم کشور تحت پوشش برنامه ماندگاری قرار داشته و این برنامه محدود به مناطق محروم نمی باشد. این موضوع در بخشنامه های شماره ۴۲۳۰/۵۴۰۰/۱۱-۱۳۹۳/۳/۱۱ و ۶۱۵۸/۵۴۰۰/۴/۱۱-۱۳۹۳/۴/۱۱ صراحتاً اعلام گردیده است.

۸- ضمناً همان گونه که آن مقام مستحضر می باشد پروانه های مطب صادره برای پزشکان به صورت موقت بوده و پس از اتمام مدت در صورت احراز شرایط قابل تمدید می باشد. لذا متعهدین در طول مدت اعتبار پروانه مجاز به فعالیت در مطب بوده و این حق در مدت اعتبار پروانه از آن سلب نمی گردد.

۹- در ارتباط با ادعای شکات دایر بر اینکه بر اساس ماده ۵ قانون خدمات پزشکان و پیراپزشکان فارغ التحصیلان دوره های دستیاری پزشکی با شروع دوره یا کسب معافیت مجاز به دخالت در امر پزشکی می باشند نیز ضمن اعلام اینکه ماده مزبور هیچ گونه ارتباطی به تعهدات دوره دستیاری که تعهداتی قانونی و قراردادی و متفاوت از تعهدات موضوع قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان می باشد، اشاره می نماید، دلیل استناد فوق الذکر برای این دفتر مشخص نمی باشد، زیرا چنانچه شکات مجاز به دخالت در امر پزشکی نباشند، اصلاً قادر به انجام خدمات مورد تعهد در موسسات پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز نیستند. زیرا دخالت در امور پزشکی موضوعی کلی و متفاوت از فعالیت در مطب یا موسسات پزشکی بخش دولتی و ... است. بر این اساس انجام خدمت از سوی متعهدین در مناطق محروم و مورد نیاز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به معنای مجاز بودن فعالیت

این افراد در امر پزشکی بوده و تمام وقتی بودن فعالیت این دسته از متعهدین هیچ گونه ارتباط به ماده ۵ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان و عدم اجازه دخالت در امر پزشکی ندارد.

۱۰- با اجرای طرح تحول نظام سلامت، شرایط و انگیزه لازم برای پزشکان با پرداخت کارانه مناسب در بخش دولتی فراهم شده، به طوری که در مناطق محروم با اجرای مفاد کتاب ارزش نسبی خدمات و مراقبتهای سلامت، درآمد پزشکان تا چندین برابر افزایش یافته است. جبران خدمت پزشکان در طرح تحول نظام سلامت در قالب برنامه های ارتقاء کیفیت ویزیت، حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم، پرداخت موقی، طرح تمام وقتی پزشکان درمانی و ... صورت می گیرد. ضمن اینکه ارائه خدمت سلامت در مطب خصوصی پزشکان مستلزم پرداخت نقدی صد در صد از سوی بیمار

می باشد، در حالی که برای دریافت این خدمت در کلینیک ویژه معادل یک هشتم تعرفه مطب از بیمار دریافت می شود. ۱۱- علی ایحال، با توجه به اینکه در شرایط کنونی طرح تحول نظام سلامت مورد استقبال و رضایت مردم قرار گرفته است و حق بهره مندی از خدمات سلامت در بخش دولتی برای مردم محقق گردیده است، تمام وقت نمودن پزشکان درمانی و خصوصاً پزشکان متعهد خدمت، موجب کاهش مشکلات نظام سلامت و رضایت بیماران را فراهم می نماید. اشاره می نماید برنامه طرح تحول نظام سلامت در شهر محل انجام تعهدات نامبرده نیز در حال اجرا می باشد و ایشان می تواند از مزایای طرح مذکور بهره مند گردد.

۱۲- ضمناً بر اساس «بند ۳» بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۷۴۱-۱۰۰/۱۳۹۳/۲۴/۱۲ مقام عالی وزارت متعهدین به خدمت سهمیه زنان (از جمله شکات این پرونده) می توانند پس از گذراندن نیمی از مدت تعهد (۴ سال که با اعمال ضرایب موضوع بند ۲ این بخشنامه ممکن است کمتر نیز باشد) با موافقت ریاست دانشگاه علوم پزشکی محل تعهد، گواهی مربوطه را در خصوص بلامانع بودن صدور یا تمدید پروانه مطب (در شهر محل انجام تعهد) دریافت نمایند. لذا با توجه به مراتب فوق الذکر رد دادخواست مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می باشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۲۵/۷/۱۳۹۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

به موجب تبصره ۱ بند د ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ کلیه ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی کشور اعم از دولتی و غیردولتی موظف شده اند از خط مشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تبعیت کنند. همچنین وفق ماده ۱۹ دستورالعمل نحوه توزیع فارغ التحصیلان رشته های تخصصی پزشکی در سال ۱۳۹۱، پزشکان مشمول خدمات مورد تعهد موظف به اجرای کلیه ضوابط ابلاغی و طرحهای ملی و منطقه ای ارائه شده از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشند. نظر به مقررات یاد شده و نیز اهداف برنامه طرح تحول نظام سلامت همانند ارتقاء کیفیت خدمات و مراقبتهای سلامت و دسترسی عادلانه مردم به خدمات ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته، کاهش پرداخت مردم و در نهایت توسعه جذب و ماندگاری پزشکان، ماده ۵ دستورالعمل برنامه حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب تشخیص نشد./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## حمایت های قانونی و حقوق شهروندی - حقوق و حمایت های افراد بیمار، معلولین و جانبازان بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ رأی: سه شنبه ۹ آبان ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۷۴۵

کلاس پرونده: ۱۳۴۶/۹۵

**موضوع:** ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۶۵۲-۱۳۶۸/۵/۳۰ هیأت وزیران (در خصوص نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۸)

**شاکي:** آقای احسان سعیدی صابر

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۶۵۲-۱۳۶۸/۵/۳۰ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

« با تقدیم احترام به استحضار می رساند: تبصره ۳ قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱/۹/۱۳۶۷ مقرر داشته است: « شاغلین مشاغل سخت و زیان آور که وظایف مربوط به شغل آنان باعث بروز ناراحتیهای جسمی و روحی می گردد، می توانند با داشتن حداقل بیست سال خدمت بر اساس درخواست کتبی خود با حداکثر ۵ سال ارفاقی بازنشسته شوند.» شروط مد نظر قانونگذار، برای استفاده از امتیاز بازنشستگی پیش از موعد و سنوات ارفاقی کاملاً در این ماده روشن است و قانونگذار با این که در مقام بیان بوده، محدودیتی برای نسبت اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور به کل خدمت در این ماده بیان نکرده است. این در حالی است که در تبصره بند ۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور به شماره ۴۵۶۶۴/ت/۶۵۲-۱۳۶۸/۵/۳۰ هیأت وزیران و در جهت تحدید حقوق مستخدمین، قید « انجام دو سوم خدمت در مشاغل یاد شده» به شرایط درخواست برای بازنشستگی شاغلین سخت و زیان آور افزوده گردیده که خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است. این تبصره اشعار می دارد: « متصدیان مشاغل سخت و زیان آور در صورتی که حداقل دارای ۲۰ سال خدمت تمام بوده و دو سوم خدمت خود را در مشاغل سخت و زیان آور موضوع این ماده خدمت نموده باشند می توانند تقاضای بازنشستگی نمایند.» با وضعیت جاری موجود به عنوان نمونه مستخدمی که با ۲۹ سال سابقه خدمت، دارای سوابق خدمتی اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور به مدت ۱۹ سال می باشد نمی تواند از امتیاز قانون یاد شده استفاده نمایند چرا که شرط دو سوم را احراز ننموده است و در مقایسه با مستخدمی که هیچ گاه در سنوات سخت و زیان آور خدمت نکرده، یکسان تلقی شده و از هیچ امتیازی برخوردار نخواهد بود با عنایت به اینکه مستخدمین دولت برای اشتغال در انواع مشاغل و تغییر آن تابع تصمیمات سازمان خود هستند، افزودن محدودیت یاد شده موجب تضییع حقوق بسیاری از مستخدمین دولت در

طی سالهای اجرای قانون گردیده است و با این بهانه که میزان اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور کمتر از دو سوم کل خدمت فرد است مستخدمین را از کل امتیاز سنوات ارفاقی سخت و زیان آور محروم کرده اند. با تقدیم احترام مجدد ابطال تبصره بند ۵ آیین نامه یاد شده مورد تقاضاست. لازم به ذکر است مفاد آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ آیین نامه قانون اصلاح بوده و ناسخ آیین نامه سال ۱۳۶۸ تلقی نمی گردد. نکته قابل توجه اینکه در آیین نامه سال ۱۳۸۵ برای مشمولین قانون اصلاح ( کارگران مشمول قانون کار) شرط دو سوم خدمت در مشاغل سخت و زیان آور حذف شده است لکن این الزام ( انجام دو سوم خدمت در مشاغل سخت و زیان آور) کماکان برای سایر مستخدمین دولت در دستگاههای اجرایی به قوت خود باقی است. ”

متن تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۶۵۲-۱۳۶۸/۵/۳۰ هیأت وزیران به قرار زیر است:

« ۵- مشاغل سخت و زیان آور و درجات مربوط به پست سازمان که عمدتاً در شرایط محیطی نامساعد از قبیل وجود گازهای شیمیایی، کار با مواد رادیواکتیو و پرتوهای مضره، محیط عفونت زا، کار در اعماق، انفجار، کار با معلولین ذهنی و جسمی و غیره انجام شود و وظایف مربوط به شغل موجب بروز ناراحتی های جسمی و روحی شدید گردد، بنا به پیشنهاد هر یک از دستگاههای مشمول این قانون و تایید شورای امور اداری و استخدامی کشور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۱: متصدیان مشاغل سخت و زیان آور در صورتی که حداقل دارای ۲۰ سال خدمت تمام بوده و خدمت خود را در مشاغل سخت و زیان آور موضوع این ماده خدمت نموده باشند می توانند تقاضای بازنشستگی نمایند. ”  
در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست معاونت امور حقوقی دولت (رئیس جمهور) به موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۳/۱۱-۲۲۵۴۲/۲۱۰۰۶، توضیح داده است که:

« جناب آقای دربین

مدیرکل محترم هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام:

بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۰۸۷۹ (کلاس ۱۳۴۶/۹۵)، موضوع ارسال نسخه دوم درخواست آقای احسان سعیدی صابر، به خواسته: « ابطال تبصره ۱ بند ۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور (تصویب نامه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۶۵۲-۱۳۶۸/۵/۳۰ هیأت وزیران)»، به پیوست ضمن ایفاد تصویب نظریات شماره ۱۱۷۱۴۰۸-۱۳۹۶/۲/۲۵ و شماره ۱۱۶۶۸۴۲-۱۳۹۶/۲/۲۳ سازمان اداری و استخدامی کشور اعلام می دارد:

۱- برابر تبصره های (۳) و (۴) ماده واحده قانون مزبور، مقرر گردیده است:

« تبصره ۳- شاغلین مشاغل سخت و زیان آور که وظایف مربوط به شغل آنان باعث بروز ناراحتیهای جسمی و روحی می گردد، می توانند با داشتن حداقل بیست سال سابقه خدمت بر اساس درخواست کتبی خود با حداکثر پنج سال ارفاق بازنشسته شوند.

تبصره ۴- آیین نامه اجرایی ماده فوق ظرف ۳ ماه با پیشنهاد سازمان امور اداری و استخدامی با همکاری بنیاد شهید و سازمان بهزیستی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.»

۲- با توجه به قانون مذکور و اینکه داشتن ۲۰ سال سابقه خدمت و نیز اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور از شرایط لازم جهت تقاضای بازنشستگی موضوع این قانون بوده و تصویب آیین نامه اجرایی مربوطه نیز بر عهده دولت قرار

گرفته است لذا هیأت وزیران اقدام به تصویب مقررہ مربوطه نموده و در تبصره (۱) بند ۵ آن، ضمن حفظ شرط قانونی مربوط به داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت، در رابطه با مدت زمان لازم جهت اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور، مقرر می دارد: «متصدیان مشاغل سخت و زیان آور در صورتی که حداقل دارای ۲۰ سال خدمت تمام بوده و دو سوم خدمت خود را در مشاغل سخت و زیان آور موضوع این ماده خدمت نموده باشند می توانند تقاضای بازنشستگی نمایند.» در خاتمه با توجه به موارد معنون و اینکه تبصره (۱) بند ۵ مقررہ مورد نظر شاکی، کاملاً در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی هیأت وزیران به تصویب رسیده است، صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مقنن در تبصره ۳ ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۷ مقرر کرده است که شاغلین مشاغل سخت و زیان آور که وظایف مربوط به شغل آنان باعث بروز ناراحتیهای جسمی و روحی می گردد می توانند با داشتن حداقل بیست سال سابقه خدمت بر اساس درخواست کتبی خود با حداکثر پنج سال ارفاق بازنشسته شوند. از این حکم قانونی این مطلب مستفاد می شود که اشخاص موضوع این تبصره باید بیست سال در مشاغل سخت و زیان آور اشتغال داشته باشند و چون در تبصره ۱ بند ۵ آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر شرط شده است که اگر کسی حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت تمام بود و دو سوم آن در مشاغل سخت و زیان آور بوده میتواند تقاضای بازنشستگی کنند و این امر هر چند از باب مساعدت بوده ولی چون مغایر قانون است و اشخاص باید عین ۲۰ سال خدمت را در مشاغل سخت و زیان آور اشتغال داشته باشند و نه دو سوم آن را، بنابراین حکم تبصره ۱ بند ۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۸ از حیث مذکور مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال میشود.

مرتضی علی اشراقی

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## بهداشت – مبارزه با دخانیات، مواد مخدر و روانگردان

تاریخ رأی: سه شنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۷۷۸

کلاس پرونده: ۴۵۳/۹۵

**موضوع:** ۱- عدم ابطال بند ۳-۴ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات  
۲- عدم ابطال نامه شماره ۱۳۹۴/۱۱/۲۴-۳۰۰/۹۳۶۹ معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱۲-۶۰/۲۶۵۲۷۱ رئیس مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت (در خصوص ممنوعیت هرگونه تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیر مستقیم یا تحریک افراد به استعمال دخانیات)

**شاکیان:** آقایان سیدعلی میرباقری و سیدعباس حسینی

### گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال بند ۳-۴ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات و ابطال نامه شماره ۱۳۹۴/۱۱/۲۴-۳۰۰/۹۳۶۹ معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱۲-۶۰/۲۶۵۲۷۱ رئیس مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده اند که:

« ریاست محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: تقاضای ابطال:

۱- بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات.

۲- نامه شماره ۱۳۹۴/۱۱/۲۴-۳۰۰/۹۳۶۳ معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

۳- نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱۲-۶۰/۲۶۵۲۱۷ رئیس مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت و به لحاظ ضرورت امر و خسارات معتنابه و غیر قابل جبران آن، تقاضای صدور دستور موقت بر موقوف الاجرا شدن موارد ۳ گانه فوق.

احتراماً، به استحضار می رساند: مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت، طی اطلاعیه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱۲-۶۰/۲۶۵۲۷۱ به کلیه تولید کنندگان، واردکنندگان و توزیع کنندگان محصولات دخانی اعلام نموده است:

استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم انواع مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی و غیره و بالعکس از مصادیق تبلیغ و تشویق و حمایت محسوب شده و ممنوع و ضروری است واحدهای تولیدی و واردکنندگان محصولات دخانی

که قبلاً نسبت به سفارش مواد اولیه یا تولید و واردات محصولات دخانی صدرالاشاره اقدام نموده اند حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۵/۶/۳۱، محصولات تولیدی با مشخصات فوق را به فروش رسانیده و از هم اکنون در خصوص سفارش بسته بندی و تولید محصولات دخانی جدید با استفاده از عناوین مذکور خودداری نمایند. بدیهی است تولید، واردات و عرضه و فروش محصولات دخانی در سطح کشور با استفاده از شکل و کاربرد عناوین بالا از تاریخ ۱۳۹۵/۷/۱ تخلف محسوب شده و با متخلفان مطابق قانون و ضوابط و مقررات مربوطه برخورد خواهد شد. همان طوری که از متن و محتوای بخشنامه ۱۳۹۴/۱۲/۱۲-۶۰/۲۶۵۲۷۱ ریاست مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور پیداست:

مستند این ممنوعیت ماده ۷ قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات مصوب سال ۱۳۸۵ ( که به نظر می رسد منظور ماده ۳ قانون باشد) و بند ۴ از ماده ۳ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون مذکور، مصوب نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات کشور مورخ ۲۷/۶/۱۳۹۳ اعلام شده است. پیوست اطلاعیه اخیر نیز نامه شماره ۱۳۹۴/۱۱/۲۴-۳۰/۹۳۶۳ معاونت بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشد که به موجب آن و با استناد به مصوبه نهمین جلسه ستاد کشوری دخانیات طی ۴ بند خطاب به معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت خواستار: اولاً: ممنوعیت استفاده از هر گونه عطر و طعم در تولیدات محصولات دخانی ( شامل توتون، قلیان و انواع سیگار) ثانیاً: اصلاح و صدور مجوزهای واردات قبلی محصولات دخانی بدون عطر و طعم

ثالثاً: اصلاح مجوزهای تولید صادره قبلی مبنی بر عدم استعمال عطر و طعم در تولید محصولات دخانی رابعاً: تقاضای اعلام مراتب این ممنوعیت جدید به دستگاههای نظارت و بازرسی و برخورد با عرضه کنندگان محصولات مربوطه، گردیده است.

نظر به اینکه این بخش از مصوبه ستاد کشوری دخانیات و مکاتبات متعاقب و ناشی از آن، خارج از حیطه اختیارات قانونی تفویضی ستاد مذکور و مغایر موازین حقوقی است، با ذکر و تفصیل مستندات قانونی ذیل، تقاضای ابطال آن و اقدامات و مکاتبات مترتب بر آن را استدعا می نماید. بدواً به لحاظ ضرورت امر و خسارات معتنابه و غیر قابل جبران آن، تقاضای صدور دستور موقت بر موقوف الاجرا شدن این نامه ها و مصوبه مذکور را تمنا دارد:

دلایل و مستندات قانونی رد مصوبه مذکور و مکاتبات متعاقب و ناشی از آن:

۱- قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، مصوب ۱۵/۶/۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی وظایف ستاد را در ماده «۲» قانون تعریف کرده است که ذیلأً معروض می گردد:

الف- تدوین دستورالعمل اجرایی مربوط به تعاریف، شمول و ویژگیهای تبلیغات.

ب- تدوین و تصویب برنامه های آموزش و تحقیقات با همکاری دستگاههای مرتبط.

ج- تعیین نوع پیامها، هشدارها، تصاویر و طرحهای مرتبط با آثار سوء اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و سلامتی دخانیات و دوره های زمانی آن موضوع ماده «۵» این قانون.

بنابراین ملاحظه می فرمایید که ابدأً ستاد وظایف و رسالتی در زمینه تعیین کیفیت، نوع و چگونگی تولید محصولات دخانی کشور ندارد بلکه صرفاً وظیفه اش آموزشی و تبلیغی است.

۲- معاون بهداشتی وزارت بهداشت در موضوع نامه خود، با استناد به ماده «۳» قانون جامع کنترل دخانیات و بند «۴» از ماده «۳» دستورالعمل ویژگیهای تبلیغات و با استفاده از مفاد موضوع ابلاغی مصوبه نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات به شماره ۱۰۰/۱۵۹۲-۱۳۹۳/۱۲/۶- موارد چهارگانه موضوع دادخواست را امضا و ابلاغ کرده است، این در حالی است که:

الف- ماده «۳» قانون مذکور صرفاً هر نوع تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیر مستقیم افراد در استعمال دخانیات

را ممنوع کرده است و با توجه به وظایف احصاء شده در ماده ۲ قانون، ستاد مذکور ابدأً حق ورود به تعیین نوع و کیفیت تولید و یا واردات مواد دخانی را نداشته است.

ب- مصوبه نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات، اساساً فاقد چنین مصوبه ای در خصوص تولید و تجارت است و همگی در حوزه وظایف فرهنگ سازی و در زمینه چگونگی تبلیغات است.

۳- مطابق تبصره «۱» از ماده «۱» قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صرفاً مسئولیت دبیرخانه ستاد و ابلاغ مصوبات را بر عهده دارد و نه مرجع وضع قانون برای وزارت صنعت، معدن و تجارت خارج از حیطه اختیارات قانونی...

۴- استحضار دارید وفق اصل «۵۸» قانون اساسی، مرجع تقنین در کشور، مجلس شورای اسلامی است و در ماده «۴» قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، به صراحت سیاستگذاری، نظارت و مجوز واردات انواع مواد دخانی، صرفاً بر عهده دولت گذاشته است و نه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. از طرفی بدیهی است تجویز ایجاد ضوابط و مقررات توسط شوراها، ستادها و غیره در قوانین عادی، منبعث از همان تفویض قانونی است و قاعدتاً خروج از حدود قصد و غرض مقنن، ضمان آور و غیرقابل تمکین است. متأسفانه در مانحن فیه چنین اتفاقی افتاده است که وزارت بهداشت، خارج از حوزه اختیارات خود و حتی مصوبه ستاد، اما به بهانه آن، برای وزارت صنعت، تعیین تکلیف کرده است و مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور هم به آن عمل کرده است.

۵- در نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل مبارزه ملی با دخانیات در مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۷، صراحتاً در خصوص ممنوعیتهای مورد اعتراض (نامه شماره ۳۰/۹۳۶۳-۱۳۹۴/۱۱/۲۴)، معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) چنین مقرر ای وجود ندارد، بلکه این نامه به استناد بند «۴» از ماده «۳» دستورالعمل اجرایی بند «الف» ماده «۲» قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات به عنوان پیوست مصوبه ستاد، تنظیم و ارسال شده است که باید گفت:

اولاً: این پیوست فاقد امضای اعضای ستاد است و در صورت تنفیذ آن نیز، به فرض صحت و وجود چنین مصوبه ای، اساساً از بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل مورد اشاره چنین استنباط و استخراجی برداشت نمی گردد که موضوع نامه ۳۰/۹۳۶۳-۱۳۹۴/۱۱/۲۴ معاون بهداشتی وزارت بهداشت به آن پرداخته است.

ثانیاً: با توجه به صراحت عبارت بند الف از ماده ۲ قانون جامع، دستورالعمل تنظیمی می باید در حدود تعبیر و عبارات مد نظر قانونگذار تهیه و تصویب گردد. این در حالی است که همان بند الف، وظیفه ستاد را تدوین دستورالعمل اجرایی مربوط به تعاریف، شمول و ویژگیهای تبلیغات ذکر کرده است و از طرفی با ملاحظه سایر بندهای ارائه شده در دستورالعمل اجرایی، این معنی و مفهوم حاصل می شود که تدوین کنندگان بند متنازع فیه، مراعات حدود اختیارات تفویضی ناظر بر تعریف شمول و ویژگیهای تبلیغات کالاهای دخانی را ننموده اند، بلکه در صدد تبیین ویژگیهای کالاهای دخانی برآمده اند، بنابراین برخلاف ظاهر و منطوق بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل، آنچه مورد اراده دبیر ستاد بوده است در حقیقت نه به معنای تعریف ویژگیهای تبلیغات کالای دخانی بلکه ممنوعیت و محدودیت در تعیین ویژگیهای اصلی کالا است که دقیقاً در حدود صلاحیتهای قانونی سازمان استاندارد ملی ایران می باشد که مطابق مقررات، وظیفه تعیین و اعلام استانداردهای کالای دخانی را بر عهده دارند. لذا ورود این گونه ای دبیر ستاد، به موضوع تعیین ویژگیهای اصل کالا و نه تبلیغات آن، تداخل و تهاوت مستقیم با وظایف قانونی سازمان ملی استاندارد ایران خواهد داشت.

ثالثاً: با اندک مذاقه در عبارت فوق، ممنوعیت مورد اشاره اساساً در این مورد خاص مردود است. زیرا عبارت مذکور چنین است که: «کاربرد شکل، عطر و طعم انواع دخانی در تولید محصولات خوراکی ممنوع است.» به عبارت دیگر طرف خطاب این ممنوعیت وزارت جهاد کشاورزی است که مقرر نموده است کاربرد

عطر و طعم مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی ممنوع است و تسری آن بر ممنوعیت کاربرد عطر و طعم در تولید مواد دخانی که سابقه ای چندین دهه در ایران و تمام دنیا دارد از عبارت فوق به دور است. رابعاً: با توجه به ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات ناظر بر تعیین وظایف ستاد، به نظر می رسد موضوع مرتبط با کاربرد شکل و یا عطر و طعم در بسته بندیهای مواد خوراکی است، به عنوان مثال، بیسکویت با شکل سیگار و یا طعم سیگار تولید نکرده والا ستاد وظیفه ای در چگونگی تولید مواد خوراکی نیز به عهده ندارد.

۶- بالحاظ اینکه، در مصوبه ستاد، چنین ممنوعیتهایی (ممنوعیت مذکور در نامه معاونت وزارت بهداشت) مشاهده نمی گردد. اولاً: نمی باید، این قانونگذاری و طرح ممنوعیت در تولید را، از اختیارات دبیر ستاد دانست، زیرا وفق ماده ۲۴ آیین نامه اجرایی قانون مذکور، معاونت سلامت وزارت بهداشت فقط وظیفه دبیر ستاد را به عهده دارد و مطابق ماده ۲۵ آیین نامه همان قانون در خصوص شرح وظایف دبیر ستاد، کوچکترین اشاره ای حاکی از تفویض چنین اختیاری به ایشان مشاهده نمی گردد و صرفاً وظایفی اداری در حدود اختیارات ایشان قرار گرفته است.

ثانیاً: پذیرش تفسیر موسع از حدود اختیارات قانونی ستاد مذکور چنانچه از نامه شماره ۳۰۰/۹۳۴۲-۱۱/۲۴-۱۳۹۴/۱۱/۲۴ معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استنباط می گردد این قابلیت را برای دبیرخانه ستاد و یا خود ستاد تلویحاً ایجاد می نماید که حتی تولید و واردات اصل کالاهای دخانی و متفرعات آن را نیز در آینده ممنوع نماید. این در حالی است که این نوع تقنین، خلاف اصل ۵۸ قانون اساسی و تعدی به اصل تفکیک قوه مقننه از قوه مجریه است. ۷- بند ۴ از ماده ۳ دستورالعمل مورد اشاره، بندی از ماده ای است که صرفاً در مقام تبیین مصادیق تبلیغ، تشویق و حمایت از محصولات دخانی است لذا باید گفت:

اولاً: کل ماده ۳ دستورالعمل مورد استناد در حوزه تبلیغی و فرهنگی است نه در حوزه صنعت و تولید. ثانیاً: بند ۴ از ماده ۳ دستورالعمل مورد اشاره چنین استنباط و استخراجی از متن به دست نمی آید که در مواد دخانی و تولیدات دخانی، عطر و طعم به کار نرود بلکه موضوع دقیقاً بدین معناست که کاربرد شکل، عطر و طعم مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی از مصادیق تبلیغ و تشویق و حمایت از تولیدات دخانی است. به عبارت دیگر طرف خطاب این ممنوعیت وزارت جهاد کشاورزی است که مقرر کرده است: کاربرد عطر و طعم مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی ممنوع است. مثلاً: نباید در تولید محصولات خوراکی و غیره از شکل سیگار برای بسته بندی استفاده شود و یا از عطر و طعم محصولات دخانی در تولیدات خوراکی و غیره استفاده شود. والا تلقی عبارت بر ممنوعیت کاربرد عطر و طعم در تولید مواد دخانی که سابقه ای چندین دهه در ایران و تمام دنیا دارد از منطوق و مفهوم آن، دور و بعید است. ۸- همان گونه که مستحضربند تنها مرجع تقنین در کشور وفق اصل ۵۸ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی است. تجویز ایجاد ضوابط مقررات توسط شوراها و ستادها و غیره در قوانین عادی، منبعت از همان تفویض قانونی است و قاعداً خروج از حدود، قصد و غرض مقنن، ضمان آور و غیر قابل تمکین است، ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات که با حضور اعضای حقوقی معینی تشکیل می گردد، وفق ماده ۲ همان قانون وظایف ستاد عبارت از تدوین دستورالعمل اجرایی مربوط به تعاریف، شمول و ویژگیهای تبلیغات و تصویب برنامه های آموزشی و تحقیقات و تعیین نوع پیامها و هشدارها مرتبط با آثار سوء اجتماعی، اقتصادی و ... موضوع ماده ۵ این قانون است. با اندک مذاقه در آنچه به عنوان نتیجه مصوبات از سوی معاون بهداشت وزیر بهداشت و دبیر ستاد مذکور به وزارت صنعت ابلاغ گردیده است، با آنچه که در اصل صورتجلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۷ ملاحظه می گردد تعارض و به نوعی قانونگذاری و خارج از وظایف ستاد است.

۹- از منظر صرفه و صلاح جامعه نیز این تصمیم، چنانچه به کیفیت اعلامی در نامه معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مورد اراده اعضای ستاد باشد، با آثار زیانبار و غیر قابل جبران زیر روبرو خواهیم شد زیرا:

الف- صنعت دخانیات در تمام دنیا خصوصاً کشورهای آمریکایی و اروپایی با اعمال بالاترین نظارتها و استانداردها همراه بوده است. این نظارت هم در بعد تولید و هم در بعد واردات مستمر بوده و با هدف کنترل و هدفمند نمودن مصرف و سلامت جامعه صورت می پذیرد. بدیهی است هیچ کدام از این کشورها به منظور حل مشکلات بهداشتی و سلامت جامعه، به صورت انتزاعی اندیشه نکرده و به جای اتخاذ تدابیر بهتر و موثرتر در انجام وظایف خود، صورت مسئله را پاک و محو نمی نمایند. متأسفانه اتخاذ این گونه تصمیمات صرفاً بر اساس یک جنبه نگرانی و بخشی نگرانی صورت گرفته و بدون توجه به تبعات اقتصادی و اجتماعی و بعضاً سیاسی با برجا گذاردن آثار سوء دیگری رها شده است. به نظر می رسد مطابق مفاد این نامه صرفاً فعالین قانونی صنعت دخانیات کشور، در معرض دید تصمیم گیران بوده و عمداً یا سهواً به اثرات اقدامات و تصمیمات خود به صورت تحلیل سیستمی فکر و عاقبت اندیشی نکرده اند. ب- امروزه با اندک گردشی در بازار دخانیات کشور با انبوهی از کالاهای دخانی قاچاق مواجه خواهید شد. محصولاتی که نه منشاء ورود و تولید آن معلوم است و نه اصل یا بدل آن به راحتی قابل احراز است. مسلماً یکی از عواقب این گونه تصمیمات نسنجیده در کوتاه مدت، به معنای بستر سازی و خیز کارتلها و مافیای قاچاق در تسخیر بازار کشور با انواع محصولات ممنوعه خواهد بود که در بلند مدت به سلب و اسقاط حقوق دولتی در خصوص عوارض و مالیات و پایمال شدن سلامت و بهداشت جامعه و فعالین قانونی و رسمی این صنعت خواهد انجامید. فعالینی که تحت انواع استانداردهای اعلامی از سوی مراجع مربوط قرار می گیرند.

ج- با توجه به تنگناهای مالی دولت در مبارزه موثر با پدیده قاچاق، اینگونه تصمیمات یک سویه، در آتیه موجبات تقویت قاچاق داخلی و بین المللی را فراهم خواهد نمود و سرمایه های کلان به دست آمده از این رهگذر، نه تنها زمینه های پولشویی و کسب ثروت نامشروع را فراهم آورد بلکه در سایر عرصه ها همچون اجتماعی و سیاسی نیز می باید منتظر حضور و قدرت نمایی این اشخاص بود.

د- اهمیت کنترل و نظارت بر کالاهای دخانی بر هیچ کس پوشیده نیست. لیکن سوال اساسی این است که آیا این گونه دستورالعملها منجر به نظارت جامع و کامل در تمامی سطوح از تولید تا عرضه خواهد شد؟ همان گونه که مستحضردید هم اینک در بخش سیگار و تنباکو علیرغم نظارتها و مبارزه های انجام شده، انبوهی از محصولات قاچاق در بازار به وفور مشاهده و عرضه می گردد و متأسفانه وجود اولویتها از یک طرف و کمبود وضع امکانات و ساختارها از سوی دیگر در مبارزه موثر با پدیده قاچاق عرصه جولان بی پروای قاچاقچیان را فراهم کرده است.

بنا بر جهات فوق و با عنایت به اینکه تصمیمات موضوع شکایت، خروج موضوعی از وظایف مندرج در ماده ۲ قانون دارد و مقنن با بیان ماده ۴ همان قانون پس از ماده ۲ و تعیین صلاحیتهای ستاد صریحاً شائبه اختیاری بی حد و حصر ستاد را در خصوص ایجاد ممنوعیت در سیاستگذاری، نظارت و مجوز واردات، دفع کرده است، لذا، نامه صادره از سوی دبیر ستاد مذکور در ایجاد سیاستگذاری و ممنوعیت استفاده از عطر و طعم در تولید محصولات دخانی و الزام به تحدید، ابطال و اصلاح مجوزهای واردات قبلی از حدود وظایف مقرر در ماده ۲ قانون خارج است و تصریح مقنن در ماده ۴ همان قانون مبنی بر سیاستگذاری و نظارت و صدور مجوز واردات انواع مواد دخانی صرفاً از طریق دولت، حاکی از حصر مسئولیت قانونی و عدم تفویض آن دارد. زیرا صدور مجوز و ایضاً سیاستگذاری طبق قانون صرفاً در اختیار دولت است و لا غیر. لذا تلقی جایگزینی ستاد مذکور در مقام دولت که مطابق قانون اساسی جایگاه حقوقی و تعریف مشخصی دارد، خلاف قانون اساسی و خارج از حیطه اختیارات تفویضی است و از طرفی در قانون موصوف نیز هیچ تجویزی برای امکان تفویض این اختیار از دولت به دیگر مراجع مشاهده نمی گردد. علی ایحال تقاضای ابطال بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات و نامه شماره

۱۳۹۴/۱۱/۲۴-۳۰/۹۳۶۳ معاون بهداشت وزارت بهداشت و نامه شماره ۶۰/۲۶۵۲۷۱-۱۳۹۴/۱۲/۱۲ رئیس مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور را استدعا دارد. ”

متن دستورالعمل و نامه های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) متن دستورالعمل اجرایی در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

« ۳-۴- استفاده از شکل و کاربری عطر و طعم انواع مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی و غیره و بالعکس. ”

ب) متن نامه شماره ۶۰/۲۶۵۲۷۱-۱۳۹۴/۱۲/۱۲ رئیس مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت به قرار زیر است:

« کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان و توزیع کنندگان محصولات دخانی

موضوع: ممنوعیت استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم

سلام علیکم

احتراماً، بر اساس ماده ۷ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات و بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون مذکور که در نهمین جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۷ ستاد کشوری کنترل دخانیات کشور تصویب و توسط رئیس جمهور ابلاغ گردید، تاکید شده « استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم انواع مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی و غیره و بالعکس » از مصادیق تبلیغ و تشویق و حمایت محسوب شده و ممنوع است. لذا معاونت بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اجرای موارد فوق، طی نامه شماره ۳۰/۹۳۶۳-۱۳۹۴/۱۱/۲۱ استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم در تولید و واردات انواع محصولات دخانی ( سیگار و تنباکو ) را ممنوع اعلام نموده است. ضروری است واحدهای تولیدی و واردکننده محصولات دخانی که قبلاً نسبت به سفارش مواد اولیه یا تولید و واردات محصولات دخانی صدراالاشاره اقدام نموده اند حداکثر تا تاریخ ۳۱/۶/۱۳۹۵ محصولات تولیدی با مشخصات فوق را به فروش رسانده و از هم اکنون در خصوص سفارش بسته بندی و تولید محصولات دخانی جدید با استفاده از عناوین مذکور، خودداری نمایند. بدیهی است تولید، واردات، عرضه و فروش محصولات دخانی در سطح کشور با استفاده از شکل و کاربرد عناوین بالا از تاریخ ۱/۷/۱۳۹۵ تخلف محسوب شده و با متخلفان مطابق قانون و ضوابط و مقررات مربوطه برخورد خواهد شد. ”

ج) متن نامه شماره ۳۰/۹۳۶۹-۱۳۹۴/۱۱/۲۴ معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به قرار زیر است:

” جناب آقای خسرو تاج

معاون محترم وزیر صنعت، معدن و تجارت

موضوع: ممنوعیت طعم دار کردن سیگار و تنباکو

با سلام و احترام

با توجه به تعهدات کشور در اجرای کنوانسیون بین المللی کنترل دخانیات از جمله مواد ۹ و ۱۳ رهنمودهای مربوطه و ماده ۳ قانون جامع کنترل دخانیات و بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل ویژگیهای تبلیغات دخانیات ابلاغیه مصوبات نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات شماره ۱۰۰/۱۵۹۲-۱۳۹۳/۱۲/۶ در خصوص ممنوعیت هرگونه اقدام در تبلیغ و ترویج و حمایت از دخانیات و استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم انواع مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی و بالعکس، خواهشمند است جهت کاهش مصرف محصولات دخانی، دستور فرمایند تدابیر لازم حاکمیتی با رعایت الزامات فوق الذکر به شرح ذیل صورت پذیرد:

۱- استفاده از هرگونه عطر و طعم در تولید محصولات دخانی ( شامل هر گونه توتون قلیان و انواع سیگار) ممنوع گردد.

۲- مجوزهای واردات صادره قبلی در هنگام تمدید اصلاح و صرفاً محصولات دخانی بدون عطر و طعم مجاز به ورود باشند.  
۳- مجوزهای تولید صادره قبلی به طریق مقتضی اصلاح گردند، به نحوی که محصول دخانی معطر و طعم دار تولید نگردد.  
۴- با توجه به موجودی انبارهای تولیدکنندگان و واردکنندگان محصولات دخانی معطر و طعم دار، نسبت به اعلام مهلت زمانی مناسب جهت ابلاغ به دستگاههای نظارت و بازرسی اقدام تا با عرضه کنندگان محصولات دخانی معطر و طعم دار پس از تاریخ یاد شده برخورد قانونی انجام پذیرد.

ضمن تشکر از توجه جنابعالی به موضوع پیشگیری از شیوع مصرف دخانیات و اقدامات ارزشمند انجام شده، با عنایت به اهمیت ضابطه مندی مواد و ترکیبات معطره محصولات دخانی در کاهش انگیزه مصرف، خواهشمند است دستور فرمایند نتیجه اقدامات انجام شده در این زمینه را برای طرح در جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات تا یک ماه آینده به این معاونت منعکس فرمایند.

در پاسخ به شکایت مذکور، مشاور وزیر و مدیرکل حقوقی وزارت صنعت، معدن و تجارت به موجب لایحه شماره ۱۹۸۴۱۴-۶۰/۱۳۹۵-۱۴/۹/۱۳۹۵ توضیح داده است که:

« ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: لایحه دفاعیه پرونده شماره ۹۵۰۹۰۵۸۰۰۰۰۵۱۸

سلام علیکم

احتراماً، عطف به ابلاغ کلاسه پرونده ۴۵۳/۹۵-۱۳۹۵/۶/۲۴-منضم به دادخواست آقایان سیدعلی باقری و سیدعباس حسینی به خواسته مذکور در دادخواست واصله ذیلاً دفاعیات این اداره کل حضورتان ارائه می گردد:

ایرادات ماهیتی

۱- بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات یکی از وظایف ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات را تدوین دستورالعمل اجرایی مربوط به تعاریف، شمول و ویژگیهای تبلیغات کالاهای دخانی اعلام می دارد. لذا بر همین اساس ستاد مذکور در راستای تکلیف قانونی و همچنین بر اساس بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات استفاده از هر گونه عطر و طعم در تولید محصولات دخانی را ممنوع اعلام کرده است.

۲- به پیوست تصویر نامه شماره ۶۰/۱۶۶۹۰۸-۱۳۹۵/۷/۲۸-رئیس مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور نیز که در خصوص دادخواست واصله تهیه شده است نیز به پیوست حضورتان ارسال می گردد.

۳- خواهان در صفحه انتهایی لایحه ضمیمه پرونده اشاره داشته اند که « صدور مجوز و سیاستگذاری طبق قانون صرفاً در اختیار دولت است» علیهذا مستند به ماده ۱ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مشاهده می شود که اغلب اعضای شورا اعضای دولت بوده و وزیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز رئیس آن محسوب می شود. مضافاً اینکه مصوبات نهمین جلسه ستاد به امضای بالاترین مقام اجرایی کشور یعنی شخص رئیس جمهور نیز رسیده است.

با عنایت به مراتب فوق از آن مقام درخواست دارد تا نسبت به رد دادخواست مطرح شده به طرفیت وزارت صنعت، معدن و تجارت انشای رأی فرمایید. در پایان جناب آقایان محمدرضا سیف الهی و روح اله میرآبی منفرداً مشترکاً، به عنوان نمایندگان حقوقی این وزارتخانه جهت ثبت لایحه دفاعیه، اخذ روگرفت اوراق پرونده و عنداللزوم ارائه دفاعیات حضورتان معرفی می گردند.

سرپرست دفتر امور حقوقی نیز به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۴۵-۱۳۹۶/۱/۱۶ توضیح داده است که:

« ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۴۵۳/۹۵ موضوع شکایت آقای سیدعلی میرباقری و سیدعباس حسینی به خواسته ابطال بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات و نامه های شماره ۳۰۰/۹۳۶۳-۱۱/۲۴-۱۳۹۴/۱۱/۲۴ معاونت بهداشت این وزارتخانه و ۱۳۹۴/۱۲/۱۲-۶۰/۲۶۵۲۷۱ مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وزارت صنعت، معدن و تجارت مراتب ذیل به استحضار می رسد:

۱- وفق شکایت مطروحه، قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات وظایف ستاد را در ماده ۲ تعریف نموده و تدوین دستورالعمل اجرایی مربوط به تعاریف، شمول و ویژگیهای تبلیغات را از وظایف ستاد برشمرده است. ستاد مزبور نیز در بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون مزبور استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم انواع مواد دخانی را در تولید محصولات خوراکی غیره و بالعکس، از مصادیق تبلیغ اعلام نموده و ممنوعیت آن را مورد تصریح قرار داده است. معاون بهداشت وزارت متبوع نیز با استناد به ماده ۳ قانون جامع کنترل دخانیات و بند مزبور، طی مکاتبه ای با وزارت صنعت، معدن و تجارت صرفاً ورود محصولات دخانی بدون عطر و طعم را به کشور مجاز اعلام نموده و تاکید داشته که مجوزهای تولید در خصوص محصولات دخانی معطر و طعم دار به گونه ای اصلاح گردد که دیگر شاهد تولید این محصولات نباشیم. شکات در حال حاضر با استناد به اینکه ستاد برابر بند الف ماده ۲ قانون مورد اشاره صرفاً اجازه تدوین دستورالعمل تبلیغات را داشته و اجازه اتخاذ تصمیمی در خصوص تولید و یا ورود مواد دخانی برابر ماده مذکور به ستاد داده نشده است متقاضی ابطال بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات و نامه های شماره ۳۰۰/۹۳۶۳-۱۱/۲۴-۱۳۹۴/۱۱/۲۴ معاونت بهداشت این وزارتخانه و ۱۳۹۴/۱۲/۱۲-۶۰/۲۶۵۲۷۱ مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وزارت صنعت، معدن و تجارت می باشند.

۲- در ارتباط با شکایت مطروحه لازم به ذکر است، برابر ماده ۱ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب سال ۱۳۸۵، به منظور برنامه ریزی برای مبارزه با مصرف مواد دخانی و حفظ سلامت عمومی، ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات که در این قانون به اختصار ستاد نامیده می شود با ترکیب زیر تشکیل می شود:

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان رئیس ستاد، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر آموزش و پرورش،

وزیر بازرگانی، فرمانده نیروی انتظامی، دو نفر از کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر، رئیس

سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به عنوان ناظر، نماینده یکی از سازمانهای غیر دولتی مرتبط با دخانیات

به انتخاب وزارت بهداشت.

برابر ماده قانون مذکور وظایف ستاد به شرح زیر است:

الف- تدوین دستورالعمل اجرایی مربوط به تعاریف، شمول و ویژگیهای تبلیغات.

ب- تدوین و تصویب برنامه های آموزش و تحقیقات با همکاری دستگاههای مرتبط.

ج- تعیین نوع پیامها، هشدارها، تصاویر و طرحهای مرتبط با آثار سوء اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و سلامتی

دخانیات و دوره های زمانی آن، موضوع ماده (۵) این قانون.

مصوبات این ستاد پس از تایید رئیس جمهور قابل اجرا است.

۳- وفق ماده ۳ قانون نیز، هر نوع تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیر مستقیم و یا تحریک افراد به استعمال

دخانیات اکیداً ممنوع اعلام شده است.

۴- وفق ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب سال ۱۳۸۶، هرگونه فعالیت یا اقدام که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در معرفی، تحریک و تشویق افراد به خرید و مصرف محصولات دخانی انجام شود، تبلیغ محسوب می گردد.

۵- بنابراین با توجه به ماده ۳ قانون که مطابق آن هر نوع تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیرمستقیم و یا تحریک افراد به استعمال دخانیات اکیداً ممنوع اعلام گردیده و همچنین آیین نامه اجرایی قانون که در آن هرگونه فعالیت و اقدام در معرفی، تحریک و تشویق افراد به خرید و مصرف محصولات دخانی را تبلیغ تعریف کرده است، ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات در دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، اقدام در استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم انواع مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی و غیره و بالعکس را از مصادیق تبلیغ محسوب کرده و به تبع، این اقدام را ممنوع نموده است.

۶- اشاره می نماید، پیش نویس دستورالعمل اجرایی مربوط به تعاریف، شمول و ویژگیهای تبلیغات بر اساس بند الف ماده ۲ قانون، با مشارکت نمایندگان تام الاختیار دستگاههای ذیربط از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت قبل از جلسه نهم تنظیم و مورد تایید قرار گرفته است. دستورالعمل فوق الذکر در نهمین جلسه ستاد کشوری کنترل دخانیات به تصویب رسیده و به امضای اعضای ستاد نیز رسیده است.

۷- مصوبات ستاد، منضم به دستورالعمل فوق الذکر، پس از توشیح ریاست جمهور در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۲ به وزارت بهداشت ابلاغ گردیده و این ابلاغیه همراه ضمیمه مربوطه در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ از طرف وزارت بهداشت به اعضای ستاد و وزرای کشور و دادگستری جهت اجرا ارسال شده است.

۸- نتایج بررسیهای انجام شده در مورد این محصولات، حاکی از وجود مقدار بسیار زیادی مواد سرطان زای قطعی به ویژه بنزین، هیدروکربنهای معطر چند حلقوی (PAH)، آلدئیدهای فرار نظیر فرم آلدئید، فلزات سنگین نظیر سرب و جیوه بوده که به لحاظ تهدید سلامت عمومی جامعه، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه را طلب می نماید.

۹- بررسیهای سیستماتیک از نتایج تحقیقات انجام شده، موید ارتباط معنی داری بین مصرف قلیان و سرطانهای ریه، دهان، مری، معده و مثانه و بیماریهای انسدادی مزمن ریوی، قلبی عروقی، سکنه مغزی، ناباروری مردان، دستگاه گوارش و اختلالات سلامت روان و وزن کم هنگام تولد می باشد.

۱۰- صرفنظر از تصریح قانونگذار و مقررات موجود در جهت جلوگیری از تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم تنباکوهای معطر و طعم دار خاطر نشان می سازد که تنباکوهای معسل یا معطر حاوی ۷۰ تا ۸۰ درصد مواد افزودنی و اسانسهای شیمیایی می باشد که برای ایجاد جذابیت، تندی زدایی و نرم کردن دود حاصله برای ایجاد تصور غلط ذهنی نسبت به بی خطر بودن و حتی پرفایده بودن این محصولات با نامگذاری انواع طعمهای میوه های پرفایده تولید می شود.

۱۱- با توجه به بند ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت مبنی بر تامین و ارتقای سطح بهداشت عمومی و ماده ۲ « آیین نامه بهداشت محیط» مصوب سال ۱۳۷۱ هیأت وزیران که در اجرای بند فوق الذکر وزارت متبوع را موظف به اقدام قانونی در موارد تهدید کننده سلامت عمومی کرده است و همچنین در راستای بند ۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات، وزارت متبوع به موجب نامه شماره ۱۳۹۴/۱۱/۲۴-۳۰/۹۳۶۳ توصیه های بهداشتی لازم را در جهت هرچه اجرایی تر شدن حکم قانون و ضوابط ابلاغی مربوطه به وزارت صنعت، معدن و تجارت منعکس کرده است.

۱۲- طبق ماده ۲۴ آیین نامه اجرایی قانون، معاون بهداشت (سلامت وقت) وزارت متبوع به عنوان دبیر ستاد

کشوری کنترل دخانیات تعیین شده است که برابر ماده ۲۵ آیین نامه، پیگیری مصوبات ستاد از وظایف اصلی دبیرخانه می باشد.

۱۳- وفق ماده ۶ آیین نامه اجرایی قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، ورود، تولید، توزیع، خرید و فروش هر نوع وسایل و کالای تبلیغی محصولات دخانی ممنوع است و با کالاها و وسایل مکشوفه تبلیغی طبق مقررات عمل خواهد شد.

۱۴- لذا با توجه به مراتب پیشگفت و نظر به گذشت حدود یک سال از ابلاغ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات (۶/۱۲/۱۳۹۳) تسریع در اقدامات اجرایی مرتبط با کاربرد عطر و طعم در مواد دخانی از سوی معاون بهداشت این وزارتخانه ( به عنوان دبیر ستاد) طی نامه موضوع شکایت به وزارت صنعت، معدن و تجارت ارسال گردیده است.

۱۵- در پاسخ به موارد مطروحه در دادخواست تقدیمی مبنی بر رعایت بالاترین میزان نظارت و استاندارد در تولید محصولات دخانی، به پیوست نتایج آزمایشات انجام شده این وزارتخانه روی ۷۷ نمونه تنباکوهای معطر مورد استفاده در مراکز عرضه محصولات دخانی که همگی حاوی مقادیر قابل توجهی از ترکیبات بیماری زا و سرطان زای بنزین، مواد آروماتیک، فلزات سنگین، سموم آلی، قارچها و باکتریهای بیماری زا بوده اند، ارائه می گردد.

۱۶- در ارتباط با ادعای مطروحه دائر بر افزایش قاچاق در صورت ممنوعیت استفاده از تنباکوهای معطر داخلی نیز اشاره می نماید. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در برخورد با کالاهای قاچاق و برنامه های منسجم ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در اجرایی نمودن قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی و همچنین شناسایی آسانتر و مشخص شدن انواع تنباکوهای معطر و معسل از غیر معطر به عنوان کالای قاچاق، دلایل مطرح شده در این زمینه فاقد محمل قانونی بوده و شکایت نیز دلیل مستند و موجهی برای ادعای مطروحه عنوان نموده اند.

بنابراین با توجه به اینکه وفق آیین نامه اجرایی قانون کنترل و مبارزه با دخانیات، هرگونه فعالیت و اقدام در معرفی، تحریک و تشویق افراد به خرید و مصرف محصولات دخانی از مصادیق تبلیغ عنوان گردیده و تردیدی در استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی و غیره و بالعکس در جهت تبلیغ محصولات مزبور نمی باشد، اقدامات صورت گرفته وفق ضوابط و مقررات بوده و بر این اساس رد دعوی شکات از آن مقام مورد تقاضا است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

بر اساس بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب سال ۱۳۸۵، تدوین دستورالعمل اجرایی مربوط به تعاریف، شمول و ویژگیهای تبلیغات از وظایف ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات تعیین شده است و مقنن در ماده ۳ قانون مذکور صراحتاً هرگونه تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیر مستقیم یا تحریک افراد به استعمال دخانیات را اکیداً ممنوع اعلام کرده است و از طرفی در ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون مذکور هر نوع اقدام یا فعالیت که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در معرفی، تحریک و تشویق افراد به خرید و مصرف محصولات

---

---

دخانی انجام شود، تبلیغ محسوب شده است. نظر به اینکه در بند ۳-۴ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات، استفاده از شکل و کاربرد عطر و طعم انواع مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی و غیره و بالعکس از مصادیق تبلیغ محسوب شده است و این مقرر در حدود اختیارات ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات تصویب شده و به کار رفتن شکل و کاربرد عطر و طعم انواع مواد دخانی در تولید محصولات خوراکی و بالعکس از مصادیق تبلیغ مواد دخانی محسوب می شود که از نظر مقنن ممنوع است، بنابراین بند ۳-۴ دستورالعمل مورد اعتراض و سایر مقررات مورد اعتراض به شرح مندرج در گردش کار، مغایر قانون و قابل ابطال تشخیص نشد. /

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ رأی: سه شنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۷۷۹ الی ۷۸۱

کلاس پرونده: ۲۶۹/۹۶، ۲۶۶/۹۶، ۲۰۹/۹۶

**موضوع:** ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۱۳۰-۱۰۰۰/۹۶/۷۲۱ سازمان تامین اجتماعی (در خصوص بازنشستگی کادر پرستاری با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور)

**شاکیان:** آقایان ۱- مهدی یوسفی ۲- صلاح الدین بهزادی سام ۳- محمدرضا شاه ملکی

**گردش کار:** شاکیان به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۶/۷۲۱-۳۰/۱/۱۳۹۶ مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده اند که: «الف- به موجب جزء «ب» بند ۱ ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۳ و تبصره ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی مقرر شده است: «افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در کارهای سخت و زیان آور اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند می توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور یک و نیم سال محاسبه خواهد شد.»

ب- در اجرای بند ۵ ماده واحده فوق الذکر اختیار تهیه آیین نامه اجرایی قانون یاد شده مشتمل بر تشخیص مشاغل سخت و زیان آور، نحوه احراز توالی و تناوب اشتغال، نحوه تشخیص فرسایش جسمی و روحی و سایر موارد مطروحه بر عهده هیأت وزیران قرار گرفته و مرجع اخیرالذکر بر حسب تکلیف قانونگذار، آیین نامه اجرایی را به تصویب رسانده است. در ماده ۱۳ آیین نامه چنین آمده است: «شرایط بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور به شرح زیر می باشد:

۱- بیمه شدگانی که حداقل ۲۰ سال سابقه کار متوالی یا ۲۵ سال سابقه کار متناوب و پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور داشته باشند بدون شرط سنی می توانند درخواست بازنشستگی از سازمان تامین اجتماعی نمایند.

۲- ..... ۳- ..... ۴- .....

۵- افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی یا ۲۵ سال متناوب سابقه پرداخت حق بیمه در مشاغل سخت و زیان آور مربوط به قبل از تاریخ تصویب قانون را داشته باشند و یا در آینده شرایط مذکور را احراز نمایند می توانند درخواست بازنشستگی خود را با رعایت بند ۱ این ماده به سازمان تامین اجتماعی تسلیم نمایند.»

ج- شغل پرستاری به موجب مصوبه شماره ۴۵۶۶۴-۱۳۶۸/۵/۳۰-۳۰ هیأت وزیران به عنوان یکی از مشاغل سخت و زیان آور شناخته شده است و در نتیجه دارندگان این شغل با رعایت شرایط مربوط می توانند درخواست

بازنشستگی نمایندند. به موجب مقررات مذکور متقاضی استفاده از امتیازات قانونی فوق الذکر با داشتن ۲۰ سال متوالی یا ۲۵ سال متناوب در کارهای سخت و زیان آور می تواند درخواست بازنشستگی خود را به سازمان تامین اجتماعی اعلام تا سازمان مذکور در صورت داشتن شرایط قانونی فرد متقاضی نسبت به صدور حکم بازنشستگی و تعیین مستمری اقدام نماید. علیرغم مصراحت مقررات یاد شده مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی به موجب بخشنامه شماره ۳۰/۱/۱۳۹۶-۱۰۰/۹۶/۷۲۱ چنین مقرر کرده است:

« با عنایت به ضرورت مدیریت منابع انسانی در پیشبرد اهداف سازمان و لزوم نگهداشت نیروهای تخصصی و با تجربه در راستای ارتقاء سطح کیفیت خدمات درمانی و افزایش رضایتمندی مراجعین و بیمه شدگان و با توجه به وجود مشکلات جذب نیروهای درمانی کارآمد در حوزه بهداشت و درمان کشور که امکان جایگزینی نیروهای خروجی را در حال حاضر دچار چالش نموده است، لذا ضروری است مدیریت درمان استان صرفاً نسبت به ارسال درخواستهای بازنشستگی کادر پرستاری با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور با سنوات خدمتی ۲۵ سال اقدام نمایند.»

با عنایت به اینکه به موجب بخشنامه مذکور شرط قانونی داشتن ۲۰ سال متوالی در کارهای سخت و زیان آور به داشتن حداقل ۲۵ سال برای پرستارانی که تمایل به استفاده از بازنشستگی بر اساس قانون مشاغل سخت و زیان آور دارند، افزایش داده شده و مانع ارسال کلیه درخواستهای متقاضیان شده است، بنابراین بخشنامه مورد شکایت خلاف جزء «ب» بند ۱ ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۳ و تبصره ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی و با توجه به بند ۵ ماده واحده قانون مزبور خارج از حدود اختیارات سازمان تامین اجتماعی میباشد در نتیجه درخواست ابطال آن را دارم. همچنین با عنایت به اینکه اجرای بخشنامه مورد شکایت موجب تضییع حق افراد زیادی شده است ابطال آن را بر اساس ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب را خواستارم.»

متن بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۱/۳۰-۱۰۰/۹۶/۷۲۱ مورد شکایت به قرار زیر است:

« احتراماً، با عنایت به ضرورت مدیریت منابع انسانی در پیشبرد اهداف سازمان و لزوم نگهداشت نیروهای تخصصی و با تجربه در راستای ارتقاء سطح کیفیت خدمات درمانی و افزایش رضایتمندی مراجعین و بیمه شدگان و با توجه به وجود مشکلات جذب نیروهای درمانی کارآمد در حوزه بهداشت و درمان کشور که امکان جایگزینی نیروهای خروجی را در حال حاضر دچار چالش نموده است، لذا ضروری است مدیریت درمان استان صرفاً نسبت به ارسال درخواستهای بازنشستگی کادر پرستاری با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور با سنوات خدمتی حداقل ۲۵ سال اقدام نمایند. - مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی و دعوی سازمان تامین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۶/۵-۷۱۰۰/۹۶/۳۲۳۷ توضیح داده است که:

« احتراماً، بازگشت به اظهاریه مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۷ صادره در پرونده کلاسه ۲۰۹/۹۶ و پیرو اعتراض اولیه شماره ۱۳۹۶/۳/۳-۷۱۰۰/۹۶/۱۱۲۴، موضوع دعوی آقای مهدی یوسفی به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۳۰/۱/۱۳۹۶-۱۰۰/۹۶/۷۲۱-۱۳۹۶/۱/۳۰ سازمان تامین اجتماعی، مستدعی است مقرر فرمایید با عنایت به دفاعیات ذیل نسبت به رد شکایت مطروحه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام لازم مبذول نمایندند.

الف) شرح شکایت و خواسته شاکی

شاکی در دادخواست ارائه شده مدعی است که به موجب جزء (ب) بند ۱ ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۳ و تبصره ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی مقرر شده است: « افرادی که

حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در کارهای سخت و زیان آور اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند می توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور ۱/۵ سال محاسبه خواهد شد.» در حالی که علیرغم مقررات یاد شده، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی به موجب بخشنامه معترض عنه مقرر نموده که مدیریت درمان استان صرفاً نسبت به ارسال درخواستهای بازنشستگی کادر پرستاری با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور با سنوات خدمتی ۲۵ سال اقدام نمایند، بنابراین به دلیل این که بخشنامه معترض عنه برخلاف جزء (ب) بند ۱ ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۳ و تبصره ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی می باشد، تقاضای ابطال آن را دارد. (ب) دفاعیات ماهوی:

شاکی در دادخواست ارائه شده مدعی است که بخشنامه معترض عنه مغایر جزء (ب) بند ۱ ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۳ و تبصره ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی می باشد در ارتباط لازم به ذکر است قانون موصوف مقرر نموده، « افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در کارهای سخت و زیان آور اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مزبور را به سازمان پرداخت باشند می توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور یک و نیم سال محاسبه خواهد شد.»

بنابراین با عنایت به اینکه مطابق جزیهای ۱ و ۲ بند الف ماده واحده فوق کارهای سخت و زیان آور تعریف شده و تکلیف کارفرمایان نیز تبیین گردیده است و از آن جایی که این امر حکایت از این دارد که کارگران مشمول قانون تامین اجتماعی مجاز به استفاده از این مزایا هستند، لذا موضوع مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور نسبت به مشمولین قانون کار می باشد و از این حیث شکایت شاکی به لحاظ عدم ارتباط قانون مورد استناد، قابل رد می باشد، ضمناً لازم به ذکر است که این امر به موجب دادنامه های شماره ۵۱۵-۵/۸/۱۳۸۷ و شماره ۹۴۵-۱۳۹۲/۱۲/۵ هیأت عمومی و دادنامه شماره ۶۴-۱۳۹۲/۱۱/۶ هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری مورد تایید قرار گرفته است.

۲- به موجب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور، کلیه وزارتخانه ها، شرکتها، موسسات دولتی، شهرداریها، بانکها، موسسات و شرکتها سازمانهایی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و همچنین بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی ایران می توانند مستخدمین معلول (اعم از جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، معلولین حوادث ناشی از کار، بیماران ناشی از شرایط خاص کار و معلولین عادی) .... با عنایت به مفاد ماده واحده و این که در متن آن به واژه (می توانند) تصریح شده، لذا دستگاههای مشمول قانون مزبور مخیرند شرایط بازنشستگی پیش از موعد را اعمال کنند.

۳- از آنجایی که سازمان تامین اجتماعی یک نهاد عمومی غیر دولتی با استقلال اداری و مالی است که به موجب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری از قانون مذکور خارج شده است و دارای آیین نامه استخدامی خاص خود می باشد، لذا با عنایت به این که در قانون تامین اجتماعی و آیین نامه استخدامی سازمان مقرر ای در خصوص احراز شرایط بازنشستگی پیش از موعد کارکنان پیش بینی نشده است، لیکن حسب ماده ۱۱۴ قانون تامین اجتماعی «ضوابط سنی و مدت خدمت برای احتساب مستمری بازنشستگی کارکنان سازمان قبل از موعد مقرر تابع ضوابط و مقررات قانون استخدام کشوری و تغییرات و اصلاحات بعدی آن خواهد بود.» از آن جایی که قانون مدیریت خدمات

کشوری اکنون جایگزین قانون استخدام کشوری شده است لذا جهت احراز شرایط بازنشستگی کارکنان سازمان در صورتی که پیش از موعد باشد بایستی حسب قانون مزبور اقدام نمود. حسب تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، مقرر گردیده سابقه مذکور در بند الف و همچنین شرط سنی مزبور در بند (ب) برای متصدیان مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان و معلولان تا پنج سال کمتر می باشد و شرط سنی برای زنان منظور نمی گردد.

بنابراین با توجه به بندهای الف و ب ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، در صورتی که شاغلین در مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان و معلولان ۲۵ سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند، زنان بدون لحاظ شرط سنی مردان با داشتن ۵۵ سال سن می توانند بازنشسته شوند و همچنین در صورتی که این افراد در مشاغل غیر تخصصی شاغل باشند با ۲۵ سال سابقه پرداخت حق بیمه و چنان چه در مشاغل تخصصی شاغل باشند با ۳۰ سال در صورت تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر می توانند در مشاغل سخت و زیان آور بازنشسته شوند. ضمناً لازم به ذکر است، کارکنان دستگاههای اجرایی از جمله سازمان تامین اجتماعی در صورتی که مشمول قانون کار باشند می توانند حسب قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی و آیین نامه اجرایی آن ( آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور) با ۲۵ سال سابقه پرداخت حق بیمه به صورت متوالی و یا ۲۵ سال سابقه پرداخت حق بیمه به طور متناوب و احراز شرایط مقرر قانونی بازنشسته شوند. مضافاً اینکه تبصره ماده ۱ آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ مقرر نموده، مشمولین قانون « نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحات بعدی آن» و همچنین مشمولین قانون «حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ و اصلاحات بعد آن» تابع قوانین و مقررات مربوط خواهند بود. بنابراین کارکنان دستگاههای اجرایی از جمله کارمندان رسمی و پیمانی سازمان منصرف از قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی و آیین نامه اجرایی مشاغل سخت و زیان آور می باشد.

ضمناً اضافه می نماید سازمان تامین اجتماعی در اجرای دستور اداری شماره ۷۲۱-۳۱/۱/۱۳۹۶ مبنی بر بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور کادر پرستاری، متقاضیانی که دارای شرایط خاص می باشند را بر اساس دستور اداری شماره ۲۰۰۹۶/۴۷۰-۳۱/۲/۱۳۹۶ مورد بررسی قرار داده و در صورت احراز شرایط و موافقت، مراتب را با رعایت سایر ضوابط و مقررات جاری جهت اقدام به اداره کل امور اداری ارسال می نمایند. با عنایت به مراتب فوق و اینکه بخشنامه معترض عنه کاملاً منطبق با قوانین و مقررات مربوطه بوده و موارد استنادی شاکی بلاذلیل می باشد تقاضای رسیدگی و رد شکایت مطروحه مورد استدعاست. »

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه کارکنان سازمان تامین اجتماعی بر حسب آیین نامه استخدامی سازمان، مشمول آیین نامه استخدامی مذکور و یا بر حسب ماده ۲۰ آیین نامه مزبور از شمول آیین نامه خارج و مشمول قانون کار می باشند و از حیث مقررات مربوط به نحوه بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور تابع مقررات مربوط به دستگاههای اجرایی بر اساس ارجاع ماده ۱۱۴ قانون تامین اجتماعی و یا قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰ می باشند و در قانون اخیرالذکر بازنشستگی به لحاظ اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور با داشتن ۲۰ سال

سابقه کار متوالی و یا ۲۵ سال متناوب پیش بینی شده است بنابراین دلالت حصری بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۶/۷۲۱-۱۳۹۶/۱/۳۰ سازمان تامین اجتماعی مبنی بر اینکه مدیریتهای درمان سازمان تامین اجتماعی صرفاً نسبت به ارسال درخواستهای کادر پرستاری سازمان موصوف که دارای حداقل ۲۵ سال سابقه می باشند اقدام نماید، خلاف قانون فوق الذکر تشخیص و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - بیمه سلامت

تاریخ رأی: سه شنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۸۱۷

کلاس پرونده: ۹۸۷/۹۵

**موضوع:** عدم ابطال نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۵-۲۸۸۰/۱/۱۶۰۴۵۴ معاونت حقوقی رئیس جمهور (در خصوص استعلام از دولتی یا خصوصی بودن شرکت آتیه ساز حافظ)

**شاکلی:** سازمان بازرسی کل کشور

### گردش کار:

سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایتنامه ای ابطال نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۵-۲۸۸۰/۱/۱۶۰۴۵۴ معاونت حقوقی رئیس جمهور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

« سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاههای اجرایی که زیر مجموعه معاونت حقوقی رئیس جمهور است طی نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۵-۲۸۸۰/۱/۱۶۰۴۵۳ عدم شمول تعریف شرکتهای دولتی را به شرکت آتیه سازان حافظ اعلام نموده است و نامه شماره ۱۳۸۶/۳/۹-۵۸۸/۲۰۸۶۵ دفتر هماهنگی و نظارت بر امور حقوقی دستگاههای اجرایی را اصلاح کرده است. این در حالی است که:

اولاً: سازمان بیمه خدمات درمانی بنا به اساسنامه شماره ۲۱۷۷۸/ت/۱۴۸۶۱-هـ-۱۳۷۴/۲/۲۲ مصوب هیأت وزیران به صورت شرکت دولتی تشکیل و صد در صد سهام آن متعلق به دولت و وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشد. (شرکت دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶).

ثانیاً: اساسنامه شرکت سرمایه گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی در تاریخ ۱۳۷۹/۵/۲۹ به تصویب مجمع عمومی شرکت رسیده است. (شرکت دولتی مشمول تعریف قسمت دوم ماده (۴) قانون محاسبات عمومی) این شرکت تابع سازمان مندرج در بند ۱ است. (صددرصد سهام این شرکت متعلق به سازمان بیمه خدمات درمانی است). ثالثاً: صد در صد سهام شرکتهای آتیه سازان حافظ و دارویی فارما شیمی نیز متعلق به سازمان بیمه خدمات درمانی است.

رایعاً: طبق مصوبه شماره ۱۰۲۸۲۸/ت/۴۷۶۴۴-هـ-۱۳۹۱/۵/۲۲ هیأت وزیران سازمان بیمه سلامت ایران به استناد بند (ب) ماده (۲۸) قانون برنامه پنجم توسعه ... از ادغام بخش درمانی صندوقهای بیمه موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و سازمان بیمه خدمات درمانی به صورت شرکت دولتی تشکیل شده است. به عبارتی به جای سازمان بیمه خدمات درمانی اینک سازمان بیمه سلامت ایران وجود دارد و تمامی وظایف و اموال و تعهدات و حقوق آن به سازمان اخیرالذکر منتقل شده است. لذا در تعلق شرکتهای سه گانه (سرمایه گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی، آتیه سازان حافظ و دارویی فارما شیمی) به سازمان بیمه سلامت ایران ابهام و تردیدی وجود ندارد.

خامساً اساسنامه مورد استناد، اساسنامه سازمان سلامت خواهد بود و اساسنامه سازمان بیمه خدمات درمان بعد از تشکیل سازمان جدید قابلیت استناد ندارد.

سادساً دفتر هماهنگی و نظارت بر امور حقوقی دستگاههای اجرایی حوزه معاون حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری طی اظهار نظر شماره ۲۰۸۶۵-۱۳۸۶/۳/۹-۱۳۸۶ شرکت آتیه ساز حافظ را شرکت دولتی دانسته است. همان طوری که در بالا ذکر شد در دولتی بودن شرکتهای سرمایه گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی (شرکت بیمه سلامت فعلی، آتیه سازان حافظ و دارویی فارما شیمی) به سازمان بیمه سلامت ایران شکی وجود ندارد و استناد به بند (ح) ماده (۷) اساسنامه سازمان خدمات درمانی و این که سرمایه شرکت از محل دو نهم باقی مانده حق سرانه تامین شده است، محمل قانونی ندارد و این گونه استدلال برای خروج شرکت مبحوث عنه و دیگر شرکتهای تابع سازمان سلامت ایران از شمول تعریف دولتی بودن، اجتهاد در مقابل نص است. ضمن اینکه در حال حاضر اساسنامه سازمان سلامت ایران حاکمیت دارد، نه اساسنامه ای که فاقد اعتبار است. بنابراین تصمیم سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوق دستگاههای اجرایی به شرح نامه صدرالذکر برخلاف قانون بوده و در اجرای تبصره (۲) بند (د) ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور درخواست ابطال آن را دارد. »

متن نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۵-۲۸۸۰/۱/۱۶۰۴۵۳ معاونت حقوقی رئیس جمهور به قرار زیر است:

« جناب آقای دکتر ادیانی

مدیرعامل محترم شرکت آتیه سازان حافظ

با سلام و احترام

عطف به نامه شماره ۱۵۶/م/ح/ص/۹۴-۱۳۹۴/۱۱/۳ در خصوص استعلام از دولتی یا خصوصی بودن آن شرکت

اعلام می دارد:

در صورتی که محل تامین سرمایه جهت تشکیل شرکت آتیه سازان حافظ، مطابق بند «ح» ماده (۷) اساسنامه آن سازمان، از محل دو نهم (۲/۹) حق سرانه بیمه درمانی بوده است، از آنجا که مطابق اصول و موازین حقوقی و بیمه ای وجوه پرداختی به عنوان حق بیمه به سازمان بیمه خدمات درمانی در زمره دارایی خود سازمان محسوب نشده و در مالکیت سازمان قرار نمی گیرد بلکه سازمان، مدیریت این وجوه و منافع را بر عهده دارد و از منظر مدیریت و اداره وجوه و ذخایر، مبادرت به سرمایه گذاری آنها در جهت حفظ منافع بیمه شدگان نموده است و با عنایت به اینکه مستندات قانونی متعددی با اِبتنای بر این مطلب تنظیم شده و حاکی از آن است، از جمله قوانین و مقررات ناظر بر نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی و به خصوص بند «د» ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع و رفاه و تامین اجتماعی که مقرر می دارد: ماده ۷- اصول و سیاستهای مالی نظام جامع تامین اجتماعی به شرح زیر می باشد: « - وجوه، اموال، ذخائر و داراییهای صندوقهای بیمه اجتماعی و درمانی در حکم اموال عمومی بوده و مالکیت آن مشاع و متعلق به همه نسلهای جامعه تحت پوشش است...» و نیز بنا به ملاک و مبنای تبصره ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور که مقرر می دارد: « تبصره- شرکتهایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال اینها به منظور به کار انداختن سپرده های اشخاص نزد بانکها و موسسات اعتباری و شرکتهای بیمه ایجاد شده یا می شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی شوند.» همچنین با توجه به اینکه بر اساس مبنای و مستندات یاد شده و دولتی نبودن شرکت فوق، مفاد ماده (۱) قانون محاسبات عمومی کشور در مورد بودجه شرکتهای دولتی به درستی در مورد آن شرکت رعایت نشده است. بنابراین همین طور که در نظرات مشابه این معاونت از جمله تحلیل مندرج در نظریه شماره ۲۷۸۱۹/۱۴۶۷۶۱-۱۳۹۴/۱۱/۱۰-۲۷۸۱۹ در مورد شرکت سرمایه گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی آمده است، شرکت آتیه سازان حافظ در صورت تامین سرمایه آن از محل

یاد شده مشمول تعریف قانونی شرکت دولتی (ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری) نبوده و در چارچوب مستندات قانونی مربوط به تشکیل شرکتهای دولتی تشکیل نشده است، ضمناً در صورت محقق بودن شرایط مندرج در این نظریه که منبعث از مستندات قانونی فوق می باشد، این نظریه ملاک و مبنای قرار گرفته و نظریه شماره ۵۸۸/۲۰۸۶۵-۱۳۸۶/۳/۹-۵۸۸/۲۰۸۶۵ در حدود مغایرت با این نظریه اصلاح می گردد «در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست معاونت امور حقوقی دولت به موجب لایحه شماره ۳۲۱۵۵/۲۴۹۱۸-۱۳۹۶/۳/۴ توضیح داده است که:

« ۱- همان گونه که در مفاد نامه مورد نظر مشاهده می گردد، با تصویب بند (د) ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳) که مقرر می دارد: « وجوه، اموال، ذخائر و داراییهای صندوقهای بیمه اجتماعی درمانی در حکم اموال عمومی بوده و مالکیت آن مشاع و متعلق به همه نسلهای جامعه تحت پوشش است. هرگونه تصرف دولت در این اموال و رابطه مالی دولت با صندوقهای موصوف در چارچوب قوانین و مقررات مورد عمل صندوقها خواهد بود.» مالکیت موارد یاد شده متعلق به دولت نبوده بلکه دولت صرفاً به نمایندگی از سوی آحاد بیمه شدگان و نیز وظیفه قانونی محوله مبنی بر عهده دار بودن مسئولیت تامین اجتماعی (بند د ماده ۶ همان قانون)، وظیفه اداره آن را بر عهده دارد. بدیهی است، صرف تشکیل شرکت دولتی برای اداره وجوه و اموال مزبور موجب دولتی شدن این اموال نبوده بلکه صرفاً سرمایه اولیه سازمان بیمه سلامت ( ماده ۵ اساسنامه) و سایر داراییهایی که بر اساس موازین شرعی و قانونی در مالکیت دولت بوده و به صورت موقت یا امانی در استفاده این سازمان است، متعلق به دولت می باشد. در ضمن در ماده ۳ اساسنامه سازمان بیمه سلامت نیز صرفاً به نحوه اداره این سازمان به صورت شرکت دولتی تصریح گردیده و بدیهی است دولت جهت اداره امور بیمه درمان ناگزیر از تطبیق وضعیت سازمان آن با یکی از دستگاههای اجرایی است که در مانحن فیه به صورت شرکت دولتی ایجاد شده است.

۲- علاوه بر موارد معنونه، به صراحت مقرر در تبصره ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور، « شرکتهایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال اینها به منظور به کار انداختن سپرده های اشخاص نزد بانکها و موسسات اعتباری و شرکتهای بیمه ایجاد شده یا می شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی شوند».

۳- مفاد نامه مورد اشاره به صورت مطلق شرکت آتیه سازان حافظ و سایر شرکتهای مربوط به سازمان بیمه سلامت را از شمول تعریف شرکت دولتی خارج ننموده بلکه این خروج مقید به « تامین سرمایه این شرکتهای محل اموال عمومی موضوع بند د ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی» گردیده است لذا متن نامه مغایرتی با موازین قانونی ندارد.

۴- لازم به ذکر است دولتی نمودن شرکتهای مربوط به سازمان بیمه سلامت که از محل وجوه و اموال بیمه شدگان است، علاوه بر ایرادات شرعی مربوطه، موجب الزام قانونی دیگر در تکلیف دولت به واگذاری آنها به بخش غیر دولتی ( برابر مفاد قانون نحوه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی) و در نتیجه واریز وجوه حاصل از فروش به حساب خزانه کل کشور خواهد شد که مغایر با موازین قانونی موصوف و مصالح و منافع قانونی بیمه شدگان و نسلهای تحت پوشش آن سازمان است.» هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، رسیدگی به شکایات،

تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها و موسسات عمومی غیر دولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می شود، از جمله صلاحیتهای و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. با عنایت به اینکه نامه مورد شکایت در مقام پاسخ به نامه مدیرعامل شرکت آتیه سازان حافظ صادر شده و نامه مذکور متضمن وضع قاعده الزام آور نیست، بنابراین قابل طرح و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## سازمان‌های حرفه‌ای - سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران

تاریخ: ۱۴ آذر ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۸۸۴

کلاس پرونده: ۹۵/۱۱۰۵

**موضوع:** ابطال عبارت "ادیان رسمی" در بند (الف) ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه مصوب سال ۱۳۸۷ هیأت وزیران (مرتبط با نظریه‌ی شورای نگهبان در خصوص طرح ایجاد نظام پرستاری و طرح تشکیل سازمان نظام روانشناسی)

**شاکی:** ۱- آقای سعید کنعانی ۲- رئیس دیوان عدالت اداری

### گردش کار:

آقای سعید کنعانی به‌موجب دادخواستی ابطال بند "الف" ماده ۱۴ آیین‌نامه فوق‌الذکر را به لحاظ مغایرت با اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "با سلام محضر قضات شریف هیأت عمومی، احتراماً آیین‌نامه مذکور که در مقام بیان شرایط برآمده، به شرح ذیل می‌باشد: ماده ۱۴- شرایط متقاضیان ایجاد مؤسسات کاریابی (اعم از عمومی و تخصصی) به شرح زیر تعیین می‌شود: الف- تابعیت جمهوری اسلامی ایران و تدین به یکی از ادیان رسمی کشور."

با توجه به اینکه تنها دین رسمی مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی، اسلام می‌باشد به کاربردن عبارت "ادیان رسمی کشور" مغایر با اصل یاد شده است چرا که کلمه "ادیان رسمی" در ماده معترض‌عنه، از این جهت که دین رسمی ایران، صرفاً اسلام است، نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا اصل یاد شده مقرر می‌دارد: "دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است" و این اصل یکی از مترقی‌ترین اصول در میان قوانین اساسی کشورهای است که صرفاً یک دین را به‌عنوان دین رسمی خود برگزیده‌اند زیرا اختصاص به معرفی یک دین رسمی در نظام حکومتی است و لذا ضروری است در نظام حقوقی ما به‌صورت منجز و صریح، رسمیت دین اسلام اعلام شود.

نکته قابل توجه در خصوص اصل ۱۲ قانون اساسی اینکه اصل مزبور در صدد بیان نمودن دین رسمی کشور است بنابراین استفاده از عبارت "ادیان رسمی" داشتن چندین دین رسمی را به ذهن متبادر می‌نماید و اساساً رسمیت بخشیدن به سایر ادیان، مغایر با اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی است. همچنین شورای محترم نگهبان در نظر شماره ۱۳۸۰/۴/۲-۸۰/۲۱/۱۶۲۲ در خصوص بررسی طرح قانونی جرائم سیاسی در مورد یکی از شرایط هیأت منصفه که به این شکل آورده شده بود: (الف- ... یا یکی از ادیان رسمی کشور مصرح در قانون اساسی...) آن را مغایر اصل ۱۲ قانون اساسی تشخیص داد. از طرف دیگر در نظریه شماره ۱۳۸۰/۵/۲۹-۸۰/۲۱/۲۰۵ در خصوص لایحه قانون کارشناسان رسمی دادگستری که در بند الف ماده ۱۵ آن (متدین به یکی از ادیان رسمی کشور...) را ذکر نموده بود، شورای نگهبان با توجه به اینکه مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی ایران اسلام می‌باشد، عبارت ادیان رسمی موضوع بند الف ماده ۱۵ مغایر اصل ۱۲ قانون اساسی شناخت.

مضافاً این شورا در نظر دیگری به شماره ۱۳۸۰/۸/۱۷-۸۰/۲۱/۲۵۶۰ در خصوص طرح ایجاد سازمان نظام پرستاری چنین اظهار نظر نمودند: "با توجه به کلمه رسمیت در تبصره ۱ ماده ۲۲ از این جهت دین رسمی ایران و مذهب جعفری اثنی عشری است این تبصره مغایر اصل ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی شناخته شد." مشابه این موارد نظر دیگری به شماره ۱۳۸۱/۱۱/۲۹-۸۱/۳۰/۲۵۲۴ جهت طرح تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، بدین شرح صادر شده است: "با توجه به کلمه رسمیت در تبصره بند ۴ ماده ۱۹ از این جهت که دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است، این تبصره مغایر اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی شناخته شد." از سویی شورای محترم نیز در نظریه شماره ۱۳۸۲/۱۲/۴-۸۲/۳۰/۶۸۰۳ در خصوص لایحه استخدام نیروی انتظامی چنین استدلال نموده‌اند "با توجه به اینکه دین رسمی کشور، اسلام است به کار بردن ادیان رسمی در بند مزبور، مغایر اصل ۱۲ قانون اساسی شناخته شد." در مورد دیگر و در بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ با نظر شماره ۱۳۸۴/۱۲/۲۴-۸۴/۳۰/۱۴۸۴۲ عبارت اقلیت‌های دینی رسمی در بند (م) تبصره ۲ را مغایر اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی شناخت. لیکن بند (الف) ماده ۱۴ آیین‌نامه معترض‌عنه، ادیان مسیحی، کلیمی و زرتشتی را با عبارت "ادیان رسمی" کشور ذکر نموده، در حالی که در اصل ۱۳ قانون اساسی از پیروان سایر ادیان با عنوان "اقلیت‌های دینی" یاد شده است.

متن بند (الف) ماده ۱۴ آیین‌نامه مذکور که مورد اعتراض قرار گرفته به شرح زیر است: "ماده ۱۴: شرایط متقاضیان ایجاد مؤسسات کارایی (اعم از عمومی و تخصصی) به شرح زیر تعیین می‌شود: الف- تابعیت جمهوری اسلامی ایران و تدین به یکی از ادیان رسمی کشور"

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست معاونت امور حقوقی دولت [حوزه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور] به موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۵/۳-۳۱۳۵۷/۳۷۴۷۴ توضیح داده است که:

"۱- با توجه به اصول (۱۲) و (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر رسمیت دین اسلام و ذکر اقلیت‌های دینی شناخته شده و با عنایت به سیاق عبارات بند "الف" ماده (۱۴) آیین‌نامه، منظور از عبارت "ادیان رسمی" در مصوبه مزبور همه ادیانی است که مطابق قانون اساسی به شکل قانونی به رسمیت شناخته شده‌اند اعم از دین اسلام و ادیان شناخته شده در اصل ۱۳ قانون اساسی (زرتشتی، کلیمی و مسیحی) و به این ترتیب عبارت موضوع شکایت مغایرتی با قوانین مربوطه ندارد. کما اینکه بند (۱) ماده (۲) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ بر همین مبنا و مفهوم تنظیم شده است.

۲- برابر اصول (۱۹)، (۲۰)، (۲۸) و بند (۴) اصل (۴۳) قانون اساسی، رعایت تساوی بین احاد ملت و همچنین آزادی آنان در انتخاب شغل، از حقوق اقتصادی و اجتماعی اشخاص محسوب گردیده و بند (الف) ماده ۴ مصوبه یاد شده نیز با رعایت این اصول به تصویب رسیده است.

۳- علاوه بر موارد یاد شده، در برخی از قوانین کشور (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)، عبارت مزبور به شرح ذیل به کار رفته است: الف- بند (ج) ماده ۵ قانون استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۷۲) در بیان شرایط داوطلبان استخدام مبنی بر "تدین به عمل به احکام اسلام یا یکی از ادیان رسمی شناخته شده در قانون اساسی". ب- بند (پ) ماده ۹ آیین‌نامه استخدامی مستخدمین هواپیمایی ملی ایران - مصوب ۱۳۹۵ شورای انقلاب، در بیان شرایط داوطلبان استخدام برای تصدی مشاغل شرکت مبنی بر "دارا بودن یکی از ادیان رسمی کشور". پ- لایحه قانونی الحاق یک تبصره به قانون منع استخدام کسانی که متدین به یکی از ادیان رسمی نیستند (مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب) با این مضمون "ماده واحده- تبصره زیر به لایحه قانونی منع استخدام کسانی که متدین به یکی از ادیان رسمی اسلام، زرتشتی، کلیمی و عیسوی نیستند در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۹ الحاق می‌گردد...". در خاتمه با

توجه به موارد معنونه و اینکه برابر تبصره (۴) قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار (مصوب ۱۳۸۰)، تصویب آیین‌نامه اجرایی مربوطه به عهده دولت قرار گرفته و مقرر شده نیز در چارچوب قوانین مربوطه به تصویب رسیده است. صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی بیمه، کار و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری ارجاع شد. هیأت مذکور به‌موجب دادنامه شماره ۱۲۵-۱۳۹۶/۶/۲۹ بند الف ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به کار حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت شاکی صادر کرد.

متن رأی هیأت تخصصی به قرار زیر است: "نظر به اینکه بند "الف" ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱ نه‌تنها با اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی مغایرت ندارد بلکه به جهت لزوم رعایت عدالت و مساوات بین آحاد مردم منطبق با اصول ۲۰، ۲۸ و ۲۹ قانون اساسی بوده و رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره به استناد بند الف ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز از تاریخ صدور قابل اعتراض از طرف رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری می‌باشد."

آقای مهدی در بین، مدیرکل هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری به‌موجب لایحه‌ای به رئیس دیوان عدالت اداری اعلام می‌کند که رأی هیأت تخصصی مغایر قانون اساسی است و از رئیس دیوان عدالت اداری درخواست می‌کند که رئیس دیوان عدالت اداری از رأی هیأت تخصصی تجدیدنظرخواهی کند.

استدلال مدیرکل هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی به قرار زیر است:

"حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی (دام عزه)

رئیس محترم دیوان عدالت اداری  
با سلام و احترام

الف: به‌موجب بند الف ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار، موضوع مصوبه شماره ۲۳۲۶۸۹/ت/۴۰۳۵۱ ک ۱۳۸۷/۱۲/۱۱- وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی دولت، از جمله شرایط لازم برای متقاضیان ایجاد مؤسسات کاریابی (اعم از عمومی و تخصصی) "تدین به یکی از ادیان رسمی کشور" تعیین شده است.

ب: در پرونده شماره ۱۱۰۵/۹۵ هیأت عمومی، آقای سعید کنعانی به‌موجب دادخواستی ابطال عبارت "ادیان رسمی کشور" در بند الف ماده ۱۴ آیین‌نامه موصوف را به جهت مغایرت با اصول ۱۳ و ۱۲ قانون اساسی درخواست کرده و هیأت تخصصی بیمه، کار و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری نه‌تنها تدین به یکی از ادیان رسمی کشور را مغایر اصول ۱۳ و ۱۲ قانون اساسی ندانسته بلکه آن را مصداق رعایت عدالت و مساوات بین آحاد مردم و منطبق با اصول ۲۸، ۲۰ و ۱۹ قانون اساسی تلقی فرموده و به‌موجب دادنامه شماره ۱۲۵-۱۳۹۶/۶/۲۹ رأی به رد شکایت صادر کرده است.

ج: طبق اصل ۱۲ قانون اساسی تنها دین رسمی کشور "اسلام" تعیین شده و به‌موجب اصل ۱۳ قانون اساسی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به‌عنوان اقلیت‌های دینی شناخته شده‌اند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود می‌توانند عمل کنند.

د: نظر به اینکه کلمه ادیان جمع کلمه دین است و در قانون اساسی ادیان رسمی موردپذیرش قرار نگرفته و طبق اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی کشور اسلام تعیین شده و ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی در اصل ۱۳ قانون

اساسی اقلیت دینی می‌باشند بنابراین عبارت ادیان رسمی کشور در بند الف ماده ۱۴ آیین‌نامه موصوف مغایر اصول ۱۳ و ۱۲ قانون اساسی به نظر می‌رسد و معتقدم رأی هیأت تخصصی به شماره مذکور مغایر قانون صادر شده است و پیشنهاد می‌کنم حضرت‌عالی در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از اختیارات خود استفاده کرده و نسبت به تجدیدنظر از رأی مذکور اقدام فرمایید. اگر رأی هیأت تخصصی نقض نشود، این نتیجه حاصل می‌شود که در کشور علاوه بر اسلام، ۳ دین رسمی دیگر داریم که البته این امر مغایر قانون اساسی است. شایسته یادکرد است شورای محترم نگهبان قانون اساسی به‌موجب نظریات شماره ۱۳۸۰/۴/۲-۸۰/۲۱/۱۶۲۲ در بررسی طرح جرائم سیاسی، ۱۳۸۰/۵/۲۹-۸۰/۲۱/۲۰۰۵ در بررسی لایحه قانون کارشناسان رسمی دادگستری، ۱۳۸۰/۸/۱۷-۸۰/۲۱/۲۵۶۰ در بررسی طرح ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران، ۸۱/۳۰/۲۵۲۴-۱۳۸۱/۱۱/۲۹ در بررسی طرح تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، ۸۲/۳۰/۶۸۰۳-۱۳۸۲/۱۲/۴ در بررسی لایحه استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و ۱۳۸۴/۱۲/۲۴-۸۴/۳۰/۱۴۸۴۲ در بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور عبارت ادیان رسمی و اقلیت‌های دینی رسمی کشور در مقررات مربوط را مغایر اصول ۱۳ و ۱۲ قانون اساسی تشخیص داده است. مهدی دربین- مدیرکل هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری"

رئیس دیوان عدالت اداری با پذیرش استدلال مذکور، در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به رأی شماره ۱۳۹۶/۶/۲۹-۱۲۵ هیأت تخصصی اعتراض می‌کند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

طبق اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنها دین رسمی کشور "اسلام" تعیین شده است و به‌موجب اصل ۱۳ قانون اساسی، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به‌عنوان اقلیت‌های دینی شناخته شده‌اند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. نظر به اینکه "ادیان" جمع کلمه دین است و در قانون اساسی ادیان رسمی مورد پذیرش قرار نگرفته و طبق اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی کشور، اسلام تعیین شده و ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی در اصل ۱۳ قانون اساسی به‌عنوان اقلیت دینی شناخته شده‌اند، بنابراین عبارت "ادیان رسمی کشور" در بند الف ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار موضوع مصوبه شماره ۲۳۲۶۸۹/ت/۴۰۳۵۱ ک-۱۳۸۷/۱۲/۱۱ وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی دولت مغایر اصول ۱۳ و ۱۲ قانون اساسی است. همچنین شورای نگهبان قانون اساسی نیز به‌موجب نظریات شماره ۱۳۸۰/۴/۲-۸۰/۲۱/۱۶۲۲ در بررسی طرح جرائم سیاسی، ۱۳۸۰/۵/۲۹-۸۰/۲۱/۲۰۰۵ در بررسی لایحه قانون کارشناسان رسمی دادگستری، ۱۳۸۰/۸/۱۷-۸۰/۲۱/۲۵۶۰ در بررسی طرح ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران، ۸۱/۳۰/۲۵۲۴-۱۳۸۱/۱۱/۲۹ در بررسی طرح تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، ۸۲/۳۰/۶۸۰۳-۱۳۸۲/۱۲/۴ در بررسی لایحه استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و ۸۴/۳۰/۱۴۸۴۲-۱۳۸۴/۱۲/۲۴ در بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور، عبارت "ادیان رسمی" در مقررات مربوط را مغایر اصول ۱۳ و ۱۲ قانون اساسی تشخیص داده است، بنابراین مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۸۴

---

---

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ حکم بر ابطال کلمه "ادیان رسمی" در بند (الف) ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه مصوب سال ۱۳۸۷ هیأت وزیران صادر می‌شود. با این رأی فقط کلمه "ادیان رسمی" ابطال می‌شود و این رأی در مقام تعیین و تغییر شرایط موضوع ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار نیست.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## حمایتهای قانونی و حقوق شهروندی - حقوق و حمایتهای افراد بیمار، معلولین و جانبازان

تاریخ: ۲۱ آذر ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۹۳۴

کلاس پرونده: ۹۵/۳۱۰

**موضوع:** عدم ابطال دستورالعمل ۱۳۸۹/۱۰/۲۱-ط/۲۰۶/۳۰/۱۸۱- معاون نیروی انسانی و رئیس کمیته تلفیق و امور حقوقی ستاد کل نیروهای مسلح مرتبط با حفظ و بهبود سلامت کارکنان جانباز

### شاکی: آقای امیر صادقی

#### گردش کار:

شاکی به موجب دادخواستی ابطال دستورالعمل ۱۳۸۹/۱۰/۲۱-ط/۲۰۶/۳۰/۱۸۱- معاون نیروی انسانی و رئیس کمیته تلفیق و امور حقوقی ستاد کل نیروهای مسلح را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "سلام‌علیکم: به استحضار می‌رساند حقیر سرهنگ بازنشسته جانباز امیر صادقی دارای یکصد و ده ماه سابقه جبهه و پنجاه درصد از کارافتادگی جانبازی بنیاد شهید و نژاد ارتش هستم و به استناد قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ و حقوق مکتسبه ایثارگری و دادنامه ۱۷۶۹ شعبه ۶ دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال دستورالعمل نامه شماره ۱۳۸۹/۱۰/۲۱-ط/۲۰۶/۳۰/۱۸۱- معاونت نیروی انسانی ستاد کل را به دلیل مغایرت با مواد ۹ و ۱۱ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به آن قانون را از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به‌منظور احقاق حق و اجرای قانون و عدالت قضایی استدعا دارم و مجدداً از تلاش و زحمات ایثارگران شما بزرگواران در دفاع شجاعانه از حریم پاسداری از قانون نهایت تشکر و قدردانی را ابراز می‌نمایم. "این‌گونه مصوبات، دستورالعمل و بخشنامه‌ها در تضاد با اهداف و منظور قانون‌گذار در حفظ کرامت و جبران لطمات قشر ایثارگر می‌باشد." در پاسخ به اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به‌موجب لایحه‌ای که به شماره ۸۷۸-۱۳۹۵/۶/۶ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده اعلام کرده است که: "ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ سلام‌علیکم: به استحضار می‌رساند عطف به اخطاریه پرونده شماره ۳۱۰/۹۵ هیأت عمومی با توجه به اینکه طی مفاد دادخواست تقدیمی نیز به‌صراحت به مغایرت دستورالعمل و بخشنامه با مواد ۹ و ۱۱ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان اشاره گردیده لذا مجدداً تقاضای ابطال نامه ستاد کل نیروهای مسلح ۱۳۸۹/۱۰/۲۱-ط/۲۰۶/۳۰/۱۸۱- معاونت نیروی انسانی ستاد کل دبیرخانه کمیته تلفیق و امور حقوقی که به استناد آن از اجرای دادنامه ۱۷۶۹ شعبه ۶ دیوان عدالت اداری در کلاس پرونده ۲۱۴۳/۸۷/۶ جلوگیری و ممانعت به عمل آورده و باعث تضییع حق و عدم بهره‌مندی حقیر و دیگر عزیزان رزمنده ایثارگر و جانباز می‌شوند، تقاضای اعمال ماده ۴۴ قانون دیوان عدالت اداری را از محضر تان تقاضا دارم."

متن دستورالعمل مورد اعتراض به قرار زیر است:

"از: معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح - دبیرخانه کمیته تلفیق و امور حقوقی

به: ذی حساب و رئیس محترم داراجا

موضوع: جانبازان رها شده از خدمت

سلام علیکم

بازگشت به نامه شماره ۷۴-۱۰۶۸-ب-ر-۱۳۸۹/۸/۱۷

با احترام، ملاک و مبنای اقدام در خصوص کسر ساعت کار یا ما به ازای آن وضعیت فرد در دوران اشتغال است. از آنجایی که موافقت دستگاه برای تعیین مابه ازای ساعت کسر الزامی است، تغییرات بعد از بازنشستگی حقی را برای دوران اشتغال ایجاد نخواهد کرد."

در پاسخ به شکایت مذکور، مشاور رئیس ستاد کل و رئیس حقوقی و امور مجلس نیروهای مسلح به موجب لایحه شماره ۱۳۸۹/۱۱۲۲/۲۳-۴۶۰۱۲/۰۲/۱۳۹۶/۳/۲۰ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: آقای امیر صادقی

بازگشت به نامه شماره: ۳۱۰/۹۵-۱۳۹۵/۶/۲۴

با احترام

نامبرده طی دادخواست تقدیمی به آن هیأت، به طرفیت ستاد کل نیروهای مسلح خواستار صدور حکم مبنی بر ابطال ابلاغیه شماره ۱۳۸۹/۱۰/۲-ط/۲۰۶/۳۰/۱۸۱ معاونت نیروی انسانی این ستاد را نموده است. برابر بررسی‌های به عمل آمده:

۱- ماده ۹ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب سال ۱۳۷۴/۳/۳۱ بیان می‌دارد: (میزان ساعت کار کلیه جانبازان با توجه به نوع و درصد جانبازی و کاهش توانایی آنان به موجب آیین‌نامه‌ای است که ...)  
۲- ماده ۱۱ قانون مذکور نیز مقرر می‌دارد: میزان ساعت کار افراد شاغل در دستگاه‌های مشمول این قانون که عهده‌دار پرستاری و مراقبت‌های ویژه جانبازان می‌گردند (برابر رأی کمیسیون پزشکی تخصصی تعیین درصد جانبازی) تا حداکثر نصف ساعت کار هفتگی مقرر با استفاده از مزایای کامل قانونی تقلیل خواهد یافت.

۳- ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مواد ۹ و ۱۱ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی، اظهار می‌دارد: (به منظور تطبیق ساعت کار جانبازان با وضعیت جسمی و روانی آن‌ها، کلیه دستگاه‌ها موظفند ضمن اعلام این آیین‌نامه به جانبازانی که تحت هر عنوان به صورت تمام وقت در دستگاه و بخش مربوط مشغول به کار هستند. در خصوص کسر ساعت کار موظف روزانه آن‌ها حسب درخواست جانباز ظرف مدت یک ماه بر اساس جدول زیر اقدام کنند...)

۴- ماده ۴ آیین‌نامه فوق تصریح می‌دارد: جانبازانی که به هر دلیل نتوانند مطابق مواد (۲) و (۳) این آیین‌نامه از کسر ساعت موظف بهره‌مند شوند با موافقت دستگاه ذی‌ربط به میزان کسر ساعت کار موظف استحقاقی به یکی از طرق زیر با آن‌ها رفتار می‌شود.

الف- احتساب اضافه کار ساعتی

ب- افزودن به مرخصی استحقاقی

ج- محاسبه مدت کسر ساعت کار موظف به عنوان سنوات خدمت مستخدم از لحاظ بازنشستگی

آنچه از مفهوم و منطوق مواد فوق مستفاد می‌گردد، ملاک و مبنای کسر ساعت کار یا مابه ازای آن، خاص وضعیت

فرد در دوران اشتغال در دستگاه‌ها می‌باشد بنابراین تغییرات بعد از بازنشستگی حقی را برای دوران اشتغال ایجاد نخواهد کرد.

با توجه به مستندات ذکر شده و مستفاد از وحدت ملاک ماده ۶۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور که مقرر می‌دارد: مبنا و مبدأ پرداخت حقوق از کارافتادگی به جانبازان از تاریخ صدور رأی کمیسیون مربوط می‌باشد، مفاد ابلاغیه شماره ۱۳۸۹/۱۰/۲-ط-۲۰۶/۳۰/۱۸۱ معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح منطبق با قانون صادر شده است و هیچ‌گونه مغایرتی با مواد ۹ و ۱۱ قانون موصوف ندارد. ضمناً در موضوع شکایات و دعاوی مشابه، آراء متعددی دال بر استحقاق دریافت حقوق از تاریخ رأی کمیسیون از سوی آن شعبه و دیگر شعبات آن دیوان صادر گردیده است که قرینه‌ای بر صحت اقدام معاونت مذکور است. بر این اساس چنانچه احراز جانبازی شاکی بعد از تاریخ بازنشستگی می‌باشد، نظر به اینکه فلسفه کسر ساعت کار به‌منظور حفظ و بهبود سلامت کارکنان جانباز و متناسب با وضعیت جسمی و روانی آنان می‌باشد، تغییرات بعد از بازنشستگی هیچ‌گونه حقی را برای دوران اشتغال وی ایجاد نخواهد کرد. با امعان نظر به مطالب فوق، از آن مرجع تقاضای رد شکایت شاکی را دارد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه دستورالعمل مورد شکایت با مقررات قانونی مورد استناد شاکی مغایرت ندارد و تصویب آن از حدود اختیارات مقام واضح، خارج نیست، بنابراین قابل ابطال تشخیص نشد.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۲۸ آذر ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۹۴۵

کلاس پرونده: ۹۵/۱۵۰۲

**موضوع:** عدم ابطال بند ۱۲ مصوبه ۱۳۹۴/۵/۳ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی البرز در مورد دریافت شهریه از دانشجوی میهمان

**شاکی:** خانم مریم کلهری

### گردش کار:

شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ۱۲ مصوبه ۱۳۹۴/۵/۳ هیأت امنای دانشگاه البرز در مورد دریافت شهریه از دانشجوی میهمان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "احتراماً به استحضار می‌رساند این‌جانب مریم کلهر دانشجوی میهمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی البرز می‌باشم. به دلایل ایرادات قانونی مطروحه در ظهر دادخواست به مصوبه هیأت امنای دانشگاه در مورد دریافت شهریه از دانشجوی میهمان اعتراض داشته و تقاضای نقض آن را دارم. این‌جانب مریم کلهر دانشجوی روزانه سال پنجم رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان می‌باشم که در سال ۱۳۹۳ به دلیل ناراحتی روحی و روانی با نظر معاون آموزشی دانشگاه همدان با توجه به نامه شماره ۱۳۹۵/۹/۲۶-م/پ/۱۶/۳۶/۳۴۲۲ معاونت دانشجویی به دانشگاه البرز منتقل شدم اما پس از گذشت دو ترم تحصیل در دانشکده پزشکی البرز و با توجه به رفع نسبی مشکلات روان‌شناختی این‌جانب به گواه نمرات کسب شده، از نظر درسی کاملاً ارتقا و تقریباً بهبودی حاصل گردیده که در اواسط ترم سوم از سوی دانشکده پزشکی البرز به ما اعلام کردند بایستی مبلغ هشتاد میلیون ریال بابت شهریه هر ترم پرداخت شود. با عنایت به اینکه شهریه جهت دانشجوی روزانه قانونی نبوده و از نظر مالی توان پرداخت نداشتم اعتراض کردم که مبنای قانونی شهریه چیست، ولی هیچ مدرکی به ما ارائه نشد و فقط شفاهاً گفتند که تصمیم هیأت امنای دانشگاه است. علی‌ای‌حال به دلیل عدم توان مالی بابت پرداخت چهارصد و هشتاد میلیون ریال برای شش ترم باقی مانده، مجبوراً مصمم به عودت به دانشگاه مبدأ (همدان) برای ادامه تحصیل شدم. لذا پس از درخواست ارائه و ارسال ریز نمرات واحدهای پاس شده به دانشگاه همدان، متأسفانه مواجه با ممانعت مسئولین دانشگاه البرز برای ارسال نمرات و اصرار آن‌ها مبنی بر دریافت شهریه شدم، لذا این‌جانب اجباراً مجاب به پرداخت شهریه (هشتاد میلیون ریالی) گردیدم که به دلیل مشکلات مالی و به خاطر جلوگیری از لطمه تحصیلی مقرر شد، مبلغ ده میلیون ریال نقد و مابقی را به‌صورت اقساط پرداخت نمایم؛ اما متأسفانه نمرات کل واحدهای پاس شده از سوی دانشگاه البرز به دانشگاه مبدأ (همدان) منتقل نگردید و تعدادی از نمرات واحدها به‌صورت گروپی نگه داشته شده است. با عنایت به اینکه برقراری و دریافت هرگونه وجه می‌بایست به‌موجب قانون باشد و مطابق ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸، تحصیل در دانشگاه‌ها

و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند، مورد حکم مقنن قرار گرفته و پرداخت شهریه در فرضی اعمال می‌شود که کسی مایل به تحصیل رایگان نباشد و در سایر قوانین دلیلی بر محدودیت تحصیل رایگان در مراکز آموزش عالی وجود ندارد و از طرفی مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، دریافت هرگونه وجه، کالا و خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود، ممنوع اعلام شده است. لذا ملزم کردن این‌جانب به پرداخت شهریه برابر شهریه دانشجوی پردیس (آزاد) علاوه بر تحمیل هزینه بسیار سنگین موجبات ظلم نیز می‌گردد که بر خلاف صریح قانون است. لذا به دلایل ایرادات قانونی مطروحه در دادخواست به مبلغ دریافتی بابت شهریه از سوی دانشگاه معترض می‌باشم و از آن مقام عالی قضایی که به حق ملجأ مظلومان و مرجع رسیدگی به مشکلات هستند، استدعا دارم: ۱- با توجه به عدم همکاری مسئولین دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی البرز برای ارائه مدارک، لطف فرموده وفق تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری دستورات لازم صادر گردد. ۲- با توجه به غیرقانونی بودن دریافت شهریه جهت دانشجوی روزانه دستور فرمایند تا نسبت به عودت مبلغ دریافتی و استرداد چک‌ها به این‌جانب و ارسال نمرات به دانشگاه همدان اقدام لازم به عمل آید. ۳- با توجه به اینکه مبالغ هنگفتی را من غیر حق از مردم اخذ کرده و از این طریق خسارات غیرقابل‌جبرانی را به ایشان تحمیل کرده است به‌نحوی که اثر سوء و نامتعرفی را از این طریق بر دانشجو و خانواده آن‌ها وارد کرده است خواهشمند است دستور نقض مصوبه هیأت امنای دانشگاه صادر فرمایند."

متن مقرر مورد اعتراض به قرار زیر است: "۱۲- به استناد قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، بند ح ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور (استفاده از ظرفیت مازاد) دانشگاه مجاز است برای آن دسته از دانشجویانی که به‌عنوان میهمان و یا انتقالی وارد دانشگاه می‌شوند و جزو ظرفیت اصلی دانشگاه قلمداد نشده و از ظرفیت مازاد دانشگاه استفاده می‌نمایند با اخذ شهریه به شکل زیر از سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ به بعد (نیمه دوم سال ۱۳۹۴) عمل نماید: الف- دانشجویان واجد شرایط مندرج در آیین‌نامه نقل‌وانتقالات به همان روال سابق به دانشگاه مقصد بدون پرداخت شهریه انتقال یابند. ب- دانشجویانی که معیارهای قطعی بند الف را نداشته باشند ولی به دلایل دیگر علاقمند به تحصیل در دانشگاه مقصد باشند در صورت تأیید شورای نقل‌وانتقالات و وجود امکانات برای پذیرش آن‌ها در قالب پردیس‌های خودگردان یا ظرفیت مازاد می‌توانند میهمان شده یا انتقال یابند. میزان شهریه این افراد معادل و همانند شهریه دانشجویان مازاد و یا پردیس‌های خودگردان با رعایت کلیه ضوابط مربوطه اعم از شهریه ثابت، متغیر و تخفیف‌ها بوده که در سال مربوطه به تصویب هیأت امنای رسیده است."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز به‌موجب لایحه شماره ۳۰۹۹۹۵۲-۱۳۹۶/۲/۲۷ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: پرونده کلاسه ۱۵۰۲/۹۵

با سلام و کمال احترام

عطف به کلاسه فوق و ابلاغ‌نامه صادره منضم به تصویر دادخواست خانم مریم کله‌ری به ظرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز مبنی بر نقض مصوبه هیأت امنای دانشگاه در مورد دریافت شهریه از دانشجوی میهمان که در تاریخ ۱۳۹۶/۱/۲۹ به دبیرخانه این دانشگاه ابلاغ گردیده قبل از انقضای مهلت قانونی مقرر در مقام دفاع و پاسخ مراتب زیر را به استحضار می‌رساند:

۱- هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور از جمله هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی البرز دارای صلاحیت ذاتی و انحصاری بر مبنای قوانین و مقررات ذی‌ربط از جمله، مفاد ماده "یک" قانون تشکیل هیأت امنای دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (مصوبه جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ - ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) و ماده "۷" قانون اخیرالذکر و بند "و" همین ماده بوده، به‌ویژه آن‌که بند "ب" ماده "۲۰" برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی به‌صراحت اعلام نموده، "دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز قانونی ذی‌ربط می‌باشند بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چارچوب مصوب و آیین‌نامه مالی و معاملاتی و اداری - استخدامی - تشکیلاتی مصوب هیأت امنای که حسب مورد به تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستان به تأیید رئیس‌جمهور می‌رسد عمل می‌نمایند." ضمناً مزید استحضار معروض می‌دارد مستفاد از ماده یک قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و تبصره ذیل آن مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی و سایر مواد قانونی مرتبط، مصوبات هیأت امنای دانشگاهی از قوت قانونی دائمی برخوردار می‌باشد.

۲- همان‌گونه که مستحضر می‌باشید میهمانی و یا انتقال دانشجویان به دلایلی که بعضاً خارج از اراده دانشجو می‌باشد، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و از یک‌طرف برای دانشجوی میهمان هیچ‌گونه بودجه‌ای در اختیار دانشگاه مقصد قرار نمی‌گیرد و همچنین عدم پرداخت شهریه توسط این دسته از دانشجویان تحمیل هزینه اضافی به دانشگاه مقصد را در پی خواهد داشت و از طرف دیگر موجب افزایش تقاضای میهمانی از سوی دانشجویان و ایجاد فشار مضاعف به دانشگاه‌های مقصد برای پذیرش دانشجو و افزایش فشار بر دانشگاه‌های مناطق دور افتاده برای موافقت با خروج دانشجو جهت میهمان شدن در دانشگاه‌های دیگر را در پی خواهد داشت. بر همین مبنا بند "۱۲" صورت‌جلسه هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی البرز مورخ ۱۳۹۴/۵/۳ که اشعار می‌دارد: "به استناد قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی بند "ح" ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور (استفاده از ظرفیت مازاد) دانشگاه مجاز است برای آن دسته از دانشجویانی که به‌عنوان میهمان و یا انتقالی وارد دانشگاه می‌شوند و جزو ظرفیت اصلی دانشگاه قلمداد نشده و از ظرفیت مازاد دانشگاه استفاده می‌نماید با اخذ شهریه به شکل زیر از سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ به بعد (نیمه دوم سال ۱۳۹۴) عمل نمایند:

الف- دانشجویان واجد شرایط مندرج در آیین‌نامه نقل‌وانتقالات به همان روال سابق به دانشگاه مقصد بدون پرداخت شهریه انتقال یابند.

ب- دانشجویانی که معیارهای قطعی بند الف را نداشته باشند ولی به دلایل دیگر علاقمند به تحصیل در دانشگاه مقصد باشند در صورت تأیید شورای نقل‌وانتقالات و وجود امکانات برای پذیرش آن‌ها در قالب پردیس‌های خودگردان یا ظرفیت مازاد می‌توانند میهمان شده یا انتقال یابند. میزان شهریه این افراد معادل و همانند شهریه دانشجویان مازاد و یا پردیس‌های خودگردان با رعایت کلیه ضوابط مربوطه اعم از شهریه ثابت، متغیر و تخفیف‌ها بوده که در سال مربوطه به تصویب هیأت امنای رسیده است." تصویب گردید.

همچنین به‌موجب تبصره "۲" بند "ک" ماده "۲۰" قانون برنامه پنجم توسعه میزان شهریه دریافتی از دانشجویان با توجه به نوع رشته و سطح خدمات آموزشی، کمک آموزشی و رفاهی ارائه شده، توسط هیأت امنای دانشگاه تعیین و اعلام می‌شود.

۳- از سوی دیگر موضوع هزینه‌های دانشجویان میهمان یا انتقالی طی متن مندرج در هامش نامه شماره

۱۶۸۷/۵۰۰/۵۰۴/۱۰۴/۱۳۹۴- معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد موافقت وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته است.

۴- ضمناً خاطر نشان می‌دارد: دانشجویانی که از دانشگاه علوم پزشکی البرز در سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور میهمان می‌شوند (به‌غیر از دانشجویان واجد شرایط مندرج در آیین‌نامه آموزشی دوره دکترای عمومی پزشکی - فصل هشتم انتقال) بر اساس مصوبات هیأت امنای همان دانشگاه‌های مقصد هزینه میهمانی را پرداخت می‌نمایند. مع‌ذک این رویه در کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور نیز اجرا می‌شود.

۵- لذا همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید صرفاً دانشجویانی که فاقد شرایط مندرج در آیین‌نامه آموزشی دوره دکترای عمومی پزشکی-فصل هشتم انتقال بوده و با درخواست و اختیار و ارائه شخصی مایل به انتقال و یا میهمانی در دانشگاه دیگر باشند موظف به پرداخت شهریه گردیده‌اند و چنانچه دانشجویی بر اساس ضوابط و مندرجات آیین‌نامه آموزشی دوره دکترای عمومی پزشکی-فصل هشتم انتقال (مشمول ماده "۵۰" آیین‌نامه آموزشی دوره دکترای عمومی پزشکی-فصل هشتم، انتقال-شامل چهار مورد خاص)، انتقال یابند یا به‌عنوان میهمان پذیرش گردد مشمول پرداخت شهریه نخواهد گردید؛ بنابراین مصوبات هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی البرز از جمله بند "۱۲" مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۵/۳ در مقام ایفای وظایف ذاتی محوله بوده و قانوناً واجد تجدیش و ایراد به نظر نمی‌رسد لذا مستدعی رسیدگی و اخذ تصمیم قانونی شایسته می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

بر اساس بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ مقرر شده، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری- استخدای- تشکیلاتی مصوب هیأت امنای که حسب مورد به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد عمل نمایند. نظر به اینکه موضوع مصوبه مورد اعتراض از مصادیق امور مالی است، لذا مصوبه معترض به مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات مقام مصوب تصویب نشده و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۲۸ آذر ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۹۴۰ الی ۹۴۴

کلاس پرونده: ۲۴۰/۹۶، ۶۶۷/۹۵، ۵۱۶/۹۵، ۵۷۳/۹۵، ۳۷۰/۹۵

موضوع: عدم ابطال بخشنامه‌های شماره ۶۰/۲۷۵۹۵۰-۶۰/۱۲/۲۶-۱۳۹۴ و ۶۰/۱۱۶۷۳۵-۶۰/۵/۲۶-۱۳۹۴ رئیس مرکز و دبیر هیأت عالی نظارت مرکز اصناف و بازرگانان ایران (در خصوص الزام فروشندگان عینک طبی به اخذ پروانه کسب)

شاکي: آقایان: ۱- علی سیفی ۲- فرهاد نیک‌سرشت ۳- آرش غفاری بهار ۴- بهروز مالکی  
۵- خانم فیروزه فریدونی

### گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواست‌هایی ابطال بخشنامه‌های شماره ۶۰/۲۷۵۹۵۰-۶۰/۱۲/۲۶-۱۳۹۴ و ۶۰/۱۱۶۷۳۵-۶۰/۵/۲۶-۱۳۹۴ رئیس مرکز و دبیر هیأت عالی نظارت مرکز اصناف و بازرگانان ایران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: درخواست ابطال نامه شماره ۶۰/۲۷۵۹۵۰-۶۰/۱۲/۲۶-۹۴ دبیر هیأت عالی نظارت بر اصناف سلام‌علیکم؛

احتراماً به استحضار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌رساند: قانون نظام صنفی ناظر بر هرگونه خریدوفروش و عرضه و ارائه خدمات و کالا بر حرفه‌های مشمول قانون بوده و مسلماً حرفه‌های مستثنی شده از قانون مذکور مشمول مفاد و مواد آن نمی‌شوند لذا جهت ارائه خدمات خود و فروش خدمات خود نیازی به کسب اجازه و دریافت پروانه کسب از دواير و اتحادیه‌های تابع قانون مذکور ندارند و از طرفی بدیهی است که نمی‌توان یک حرفه را مشمول قانون نظام صنفی دانست و از طرف دیگر همان حرفه را از شمول این قانون مستثنی نمود.

علی‌رغم صراحت آرای دیوان عدالت اداری و قوانین و مقررات امور پزشکی مبنی بر مستثنی بودن حرفه‌های وابسته به پزشکی از شمول قانون صنفی، دبیر هیأت عالی نظارت طی نام‌های به استان‌ها فروش عینک‌های طبی را در شمول قانون نظام صنفی تلقی نموده و فروشندگان عینک طبی را ملزم به اخذ پروانه کسب نموده درحالی‌که اخذ پروانه کسب در این خصوص مستلزم شمول قانون نظام صنفی بر حرفه‌های وابسته به پزشکی و از جمله سازندگان عینک طبی است، لذا دستور مندرج در ابلاغیه صادره از سوی هیأت عالی نظارت بر اصناف بلافاصله پس از صدور رأی شماره ۱۹۹ ناسخ آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و هیأت عمومی دیوان عالی کشور و متناقض با قوانین و مقررات امور پزشکی در خصوص ساخت و فروش

عینک‌های طبی است و صدور مکرر این دستورات در سال‌های اخیر نشان‌دهنده عدم توجه و لجاجت آن مقام و پافشاری بر مواضع شخصی و صنفی و غیرقانونی که منجر به ادامه تعرض و پلمپ دفاتر کار اپتومتری پس از صدور آرای لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرای قضایی گردیده است. با توجه به مقدمه فوق‌الذکر به عرض هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌رساند به استناد آرای متعدد هیئت‌های عمومی دیوان عدالت اداری و هیأت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶۹۲ سال ۱۳۸۵ و به استناد قوانین و مقررات امور پزشکی دارویی و تبصره ۳۰ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور قانون‌گذار ساخت و ارائه عینک طبی را در زمره حرفه‌های وابسته به پزشکی دانسته و آن را از شمول قانون نظام صنفی خارج نموده است و بند ۱ مصوبه ۳۵۱ هیأت عالی نظارت بر اصناف و تبصره مربوطه را در خصوص صدور و تمدید پروانه کسب را جهت سازندگان و فروشندگان عینک ابطال نموده است که مشروحاً به نظر قضات دیوان عدالت اداری می‌رسد:

الف) تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی سال ۱۳۷۵: کلمه "ارائه" و "ساخت عینک طبی" را در تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم و جامعه پزشکی کشور عیناً ذکر گردیده است که نشان‌دهنده آن است که این خدمات قابل ارائه به شهروندان بوده و قانون‌گذار بر آن صحنه گذاشته است و سؤال این است که آیا منظور قانون‌گذار از ارائه غیر از فروش آن به عموم است؟ و چون قانون‌گذار و دیوان عدالت اداری حرفه وابسته را از شمول قانون نظام صنفی مستثنی نموده سازندگان قانونی عینک طبی قادر و مجاز به دریافت دستمزد خود نمی‌باشند؟ آیا ممکن است که اجازه ساخت و ارائه عینک طبی به‌طور قانونی وجود داشته باشد ولی گرفتن دستمزد ساخت آن غیرمجاز باشد؟

ب) رأی شماره ۵۶ الی ۶۴ دیوان عدالت اداری سال ۱۳۸۳: اولاً: در این رأی ساخت عینک طبی در زمره خدمات وابسته به پزشکی به شمار آمده و شاغلان به ساخت عینک طبی که دارای موسسه و دفتر کار می‌باشند و خدمات ساخت عینک طبی ارائه می‌نمایند از شمول قانون صنفی مستثنی گردیده‌اند. ثانیاً: بند ۱ ماده ۲ و تبصره ذیل ماده مزبور و مادتهای ۳ و ۴ از مصوبه ۳۵۱ هیأت عالی نظارت بر اصناف مبنی بر صدور و تمدید پروانه کسب جهت سازندگان و فروشندگان عینک طبی توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردید که عیناً ذکر می‌گردد. "حکم صریح مقرر در تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور مصوب ۱۳۷۵ در باب تکلیف کلیه شاغلان حرفه‌های وابسته پزشکی که به نحوی دارای مؤسسه یا دفتر کار هستند و خدماتی از جمله ساخت عینک طبی ارائه می‌نمایند به شرکت در دوره‌های خاص آموزش مداوم و تعلیق صدور و تجدید مجوز یا پروانه کار آنان به ارائه گواهی شرکت در دوره‌های مذکور، مبین آن است که ساخت عینک طبی به‌حکم قانون‌گذار در زمره حرفه وابسته پزشکی قرار گرفته و صدور پروانه اشتغال آنان به حرف مذکور به عهده مراجع ذیصلاح وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. بنا بر مراتب فوق‌الذکر اولاً: بند ۳ و قسمت‌های (د)، (و)، (ه) از دستورالعمل شماره ۱۱۲۹۴-ک/۱۳۷۷/۷/۲۷ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که در جهت هدف قانون‌گذار تنظیم شده است مغایرتی با قانون ندارد. ثانیاً: با عنایت به اختصاص صدور پروانه ساخت عینک طبی به مراجع ذیصلاح وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جهت و خروج آنان از شمول قانون نظام صنفی در این خصوص بند ۱ ماده ۲ و تبصره ذیل ماده ۷۹ هیأت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی /۱۰/ مزبور و مادتهای ۳ و ۴ سیصد و پنجاهمین و یکمین جلسه مورخ ۱۲ کشور به لحاظ تداخل در وظایف و اختیارات خاص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات هیأت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و شقوق مزبور مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد."

ج) بند ۱۴ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت: در بند ۱۴ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت آمده است که صدور پروانه اشتغال صاحبان مشاغل وابسته به حرف پزشکی جزو وظایف وزارت بهداشت می‌باشد.

د) رأی وحدت رویه شماره ۶۹۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۸۵: رأی وحدت رویه شماره ۶۹۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۸۵ و مشروح پرونده در این رأی ساخت عینک طبی در زمره حرف وابسته به پزشکی قلمداد شده و رسیدگی به تخلفات و صدور رأی به تخلفات این حرفه در دادگاه انقلاب به استناد تبصره ۶ ماده ۳ قانون مقررات امور پزشکی قانونی شناخته شده است و مورد وحدت رویه قرار گرفته است که عیناً ذکر می‌شود. "بهموجب تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی کلیه شاغلان حرفه‌های وابسته پزشکی که به نحوی دارای مؤسسه یا دفتر کار هستند و خدماتی مانند ساخت عینک طبی ارائه می‌نمایند و کلیه مشمولان قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی موظف به شرکت در دوره‌های خاص آموزش مداوم هستند و صدور و تجدید مجوز کار آن‌ها منوط به ارائه گواهی شرکت در این دوره است، بنابراین بر حسب مفاد تبصره مزبور تصدی به امر ساخت عینک طبی محتاج‌الیه، داشتن پروانه کار از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و رأی شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی بر اساس ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است." (و) رأی شماره ۱۷۵ الی ۱۷۷ سال ۱۳۸۹: در این رأی صراحتاً اعلام گردیده آرای شعبه پنجم دیوان عدالت اداری در حدی که متضمن ممنوعیت تصدی به ساخت و فروش عینک طبی بدون جواز قانونی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد صحیح تشخیص داده و موافق اصول و موازین قانون اعلام می‌گردد که عیناً ذکر می‌گردد. "نظر به اینکه مطابق تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم پزشکی مصوب ۱۳۷۵ و مدلول رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۵۶ الی ۶۴-۱۳۸۳/۲/۲۷ و رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره دادنامه ۶۹۲-۱۳۸۵/۷/۱۸، تصدی به امر ساخت و فروش عینک طبی مستلزم داشتن پروانه کار از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و مطابق ماده ۹۱ قانون نظام صنفی ... و لذا دادنامه‌های شماره ۱۸۴۱، ۱۸۴۲ و ۱۸۴۳-۱۳۸۸/۸/۱۶ شعبه پنجم در حدی که متضمن ممنوعیت تصدی به ساخت و فروش عینک طبی بدون جواز قانونی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد، صحیح تشخیص و موافق اصول و موازین قانونی اعلام می‌گردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم است."

خ) رأی شماره ۱۹۹ سال ۱۳۹۴: این رأی صراحتاً اعلام نموده ارائه خدمات اپتومتری از شمول احکام کلی قانون نظام صنفی خارج است و اپتومتریست‌ها جهت ساخت و ارائه عینک طبی نیازی به اخذ پروانه کسب از اتحادیه‌های صنفی ندارند که عیناً ذکر می‌گردد. "نظر به اینکه طبق تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی مصوب سال ۱۳۷۵، ساخت عینک طبی جزء حرف وابسته پزشکی تعریف شده است و بر اساس قسمت اخیر تبصره قانونی مذکور و بند ۱۴ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صدور پروانه اشتغال به حرف وابسته پزشکی بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته است و بر اساس حکم تبصره ذیل ماده ۲ قانون نظام صنفی و رأی شماره ۵۶

الی ۶۴-۱۳۸۷/۹/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری این‌گونه حرف از شمول احکام کلی قانون نظام صنفی در مورد پروانه اشتغال برای ارائه خدمت خارج می‌باشند، بنابراین نامه معترض‌عنه که مفاداً در قالب قاعده آمره عام الشمول ارائه خدمات اپتومتری را مشمول قانون نظام صنفی دانسته مغایر قوانین فوق‌الذکر است و مستند به بند ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، ابطال می‌شود."

در هر موسسه عینک‌سازی طبیی ساخت هر عینک طبیی متوقف بر فروش آن است زیرا سفارش عینک طبیی بر اساس نسخه هر چشم و خاص هر فرد می‌باشد و شماره عینک از چشمی به چشم دیگر و حتی در دو چشم یک انسان نیز متفاوت است و ساخت هر عینک طبیی مستلزم ثبت سفارش و ارائه نسخه در عینک‌سازی قبل از ساخت می‌باشد و با تفسیر دبیر هیأت عالی نظارت قبل از ساخت و اقدام به آن می‌بایست نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه اقدام نمود. لذا بدین ترتیب تا مجوز فروش اخذ نگردد امکانی برای ساخت عینک طبیی وجود ندارد که این امر نیز متناقض با قوانین و مقررات آرای دیوان عدالت اداری مبنی بر خروج سازندگان عینک طبیی از شمول قانون نظام صنفی است. در پایان به استحضار قضات دیوان عدالت اداری می‌رساند به استناد آرای متعدد صادره از هیئت‌های عمومی دیوان عدالت اداری و دیوان عالی کشور و قوانین و مقررات امور پزشکی و دارویی مصوب مجلس شورای اسلامی شاعلان به حرفه ساخت عینک طبیی در زمره حرف وابسته به پزشکی بوده و جهت ارائه خدمات خود نیازی به اخذ پروانه کسب از اتحادیه‌های صنفی ندارند و به جهت قرار گرفتن در شمول قوانین و مقررات امور پزشکی و مشروح مذاکرات رأی ۶۹۲ سال ۱۳۸۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور رسیدگی به تخلفات آنان نیز در حدود و اختیار وزارت بهداشت و دادگاه انقلاب اسلامی است و ارائه هر خدماتی مخصوصاً ساخت عینک طبیی طبق قوانین و تعرفه‌های مقرر در وزارت بهداشت دارای قیمتی است که انجام آن متوقف بر دریافت دستمزد آن می‌باشد و بدون فروش عینک طبیی عملاً ساخت امکان‌پذیر نیست و تلقی دبیر هیأت عالی نظارت از قانون مبنی بر لزوم اخذ پروانه جهت فروش عینک طبیی به معنای شمول قانون نظام صنفی به کلیه شاعلان ساخت عینک‌های طبیی بوده و در تناقض صریح با قوانین مصوب مجلس و آرای قضایی و ناقض حقوق حرف وابسته به پزشکی است و از طرفی در رأی هیأت عمومی شماره ۵۶ الی ۶۴ سال ۱۳۸۳ بند ۱ و تبصره مربوط مصوبه شماره ۳۵۱ هیأت عالی نظارت بر اصناف در خصوص صدور پروانه کسب جهت سازندگان و فروشندگان عینک ابطال گردیده که بسیار قابل توجه و از درجه اهمیت بالایی برخوردار است لذا قانوناً اتحادیه‌های تابع وزارت صنعت و معدن جهت سازندگان و فروشندگان عینک طبیی حق صدور پروانه کسب ندارند.

لازم به ذکر است وزارت صنعت و معدن به روش‌های مختلف از پذیرش آرای متعدد دیوان عدالت اداری در طی این سال‌ها سر باز زده و کماکان با پلمپ و آزار و اذیت همکاران اپتومتریست ناشی از خواست و منافع عینک‌سازان تجربی و خصوصاً اتحادیه عینک تهران بر مواضع غیرقانونی خود پافشاری می‌نمایند و ریاست هیأت عالی نظارت در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ ضمن ابلاغ رأی ۱۹۹ (که آن‌هم تحت فشار دیوان عدالت اداری مجبور به ابلاغ رأی شده) و اقرار به خروج فعالین در حوزه عینک طبیی از شمول قانون نظام صنفی در آخر نامه ضمن تعرض به اصل رأی، تأکید می‌کند که "افرادی که مبادرت به فروش کالای موصوف می‌نمایند باید نسبت به اخذ مجوز کسب اقدام نمایند." که این در تناقض و تضاد با اصل رأی و آراء دیگر دیوان می‌باشد، اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی کشور نیز با استناد به جمله آخر نامه مذکور و بدون توجه به اصل و روح رأی ۱۹۹ مجدداً وارد دفاتر کار اپتومتری شده و اقدام به صدور اخطار پلمپ و در مواردی

اجرای پلمپ نموده‌اند لذا از آن مقام تقاضای رسیدگی عاجل داریم. به لحاظ مغایرت با تبصره ۳ ماده (۱) آموزش مداوم جامعه پزشکی سال ۱۳۷۵ و بند ۱۴ ماده (۱) قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت تقاضای ابطال نامه فوق‌الذکر در هیأت عالی نظارت را دارم.

متن بخشنامه‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

۱- "روسای محترم سازمان صنعت، معدن و تجارت سراسر کشور سلام‌علیکم

احتراماً، به پیوست تصویر دادنامه شماره ۱۹۹-۱۳۹۴/۳/۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دال بر خروج فعالان حوزه ساخت عینک طبی از شمول قانون نظام صنفی ارسال می‌گردد. بدیهی است اشخاص حقیقی و حقوقی که مبادرت به فروش کالای موصوف به مصرف‌کننده نمایند، مکلفاند وفق قوانین و مقررات نظام صنفی نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه صنف مربوط اقدام نمایند."

۲- "جناب آقای میرزاجانی

رئیس محترم انجمن علمی اپتومتری ایران سلام‌علیکم

با احترام، بازگشت به نامه شماره ۹۴/۳۰۴/ب-۱۳۹۴/۴/۲۳ پیرامون خروج رسته ساخت عینک‌سازی از شمول قانون و مقررات نظام صنفی اعلام می‌دارد:

همان‌طور که مطلعید دادنامه شماره ۱۹۹-۱۳۹۴/۳/۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دلالت بر خروج فعالان حوزه ساخت عینک طبی از شمول قانون نظام صنفی دارد. لکن چنانچه اشخاص حقیقی و حقوقی مبادرت به فروش کالای موصوف به مصرف‌کننده نمایند، مکلفاند وفق قوانین و مقررات نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه صنف مربوطه اقدام نمایند."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس مرکز و دبیر هیأت عالی نظارت اصناف و بازرگانی ایران به‌موجب لایحه تکمیلی شماره ۶۰/۱۰۶۰۶۲-۱۳۹۵/۵/۶ توضیح داده است که:

"جناب آقای قدرتی

مشاور محترم وزیر و مدیرکل حقوقی سلام‌علیکم

احتراماً، عطف به نامه شماره ۶۰/۹۵۲۲۲-۱۳۹۵/۴/۲۶ در خصوص ابلاغیه موضوع کلاسه پرونده شماره ۳۷۰/۹۵-۱۳۹۵/۴/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیرامون دادخواست آقای علی سیفی با خواسته ابطال بخشنامه شماره ۶۰/۲۷۵۹۵۰-۲۶/۱۲/۱۳۹۴ رئیس مرکز اصناف و دبیر هیأت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور، ادله و مستندات ذیل جهت ارسال به مرجع مذکور ایفاد می‌گردد:

۱- همان‌طور که مستحضرید ماده (۲) قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی در تعریف فرد صنفی مقرر می‌دارد "هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید، تبدیل، خرید، فروش، خدمات و خدمات فنی سرمایه‌گذاری کند و به‌عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر و یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزئی به مصرف‌کننده عرضه دارد فرد صنفی شناخته می‌شود" همچنین به‌موجب تبصره ذیل ماده مذکور صنوف دارای قانون خاص از شمول قانون نظام صنفی مستثنی گردیده‌اند. علی‌الاصول عمومیت حکم مقرر در این ماده، قابلیت تسری به نحوه فعالیت کلیه صنوفی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مبادرت به تولید،

تبدیل، خرید، فروش، خدمات و خدمات صنفی می‌نمایند را دارد. باین‌حال تبصره ذیل ماده مرقوم، صنفی که دارای قانون خاص می‌باشند را از شمول حکم عام مقرر در ماده مذکور خارج و آن را تخصیص داده است. ۲- بر اساس ماده (۹۱) همان قانون، کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت، پروانه تأسیس، بهره‌برداری یا اشتغال از وزارتخانه‌ها مؤسسات، سازمان‌ها یا شرکت‌های دولتی، سایر دستگاه‌های دولتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است یا نهادهای عمومی غیردولتی هستند چنانچه به عرضه کالاها یا خدمات به خرده‌فروشان یا مصرف‌کنندگان مبادرت ورزند، مکلفاند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا پروانه، به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط اقدام کنند. از آنجاکه فروش عینک طبی حرفه‌ای مستقل از چشم پزشکی می‌باشد، لذا بر اساس نص صریح مواد (۲) و (۹۱) قانون فوق و همچنین دادنامه شماره (۱۹۹) هیأت عمومی دیوان عدالت اداری افرادی که مبادرت به فروش عینک طبی می‌نمایند مکلفاند علاوه بر دریافت مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه صنف مربوطه اقدام نمایند. لیکن این امر مانع اعمال نظارت مقرر در قوانین جاری از سوی هر یک از دستگاه‌های دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی یاد شده بر فعالیت آن‌ها نخواهد بود. ۳- هیأت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور بر اساس مراتب صدرالذکر، در راستای اجرای وظایف و اختیارات مقرر در ماده ۵۵ قانون نظام صنفی و با تجویز از بند (ح) همان ماده وظیفه تعیین صنوف مشمول قانون نظام صنفی را عهده‌دار می‌باشد.

۴- در رأی شماره (۱۹۹) هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ضمن اشاره به تبصره (۳) ماده (۱) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی مصوب ۱۳۷۵، صرفاً ساخت عینک طبی جزء حرف وابسته پزشکی تعریف شده و بر اساس قسمت اخیر تبصره قانونی مذکور و بند (۱۴) ماده (۱) قانون تشکیلات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صدور پروانه اشتغال به حرف وابسته پزشکی (بینایی‌سنجی و ...) بر عهده وزارتخانه مذکور قرار گرفته است. همچنین هیأت عمومی دیوان در ادامه ضمن اشاره به تبصره ذیل ماده (۲) قانون نظام صنفی، ساخت عینک طبی را از شمول قانون نظام صنفی خارج بر شمرده است. این در حالی است که مستند به همان تبصره ماده (۲) قانون نظام صنفی کشور اولاً: صنفی که قانون خاص دارند از شمول قانون نظام صنفی خارج بوده و ثانیاً: بر اساس نص صریح همان تبصره، قانون خاص قانونی است که بر اساس آن نحوه صدور مجوز فعالیت، تنظیم و تنسيق امور واحدهای ذی‌ربط، نظارت، بازرسی و رسیدگی به تخلفات افراد و واحدهای تحت پوشش آن به‌صراحت در متن قانون مربوطه معین می‌شود. لذا مشاهده می‌شود که در قوانین مورد استناد در رأی شماره (۱۹۹) هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ‌کدام از موارد قانونی احصاء شده در قانون موخرالصدور نظام صنفی کشور وجود نداشته که بر مبنای آن بتوان فروش عینک طبی را از شمول قانون اخیر مستثنی نموده باشد. لازم به توضیح است که رأی مذکور صرفاً تصدیق به ساخت عینک طبی را مستند به تبصره (۳) ماده (۱) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور محتاج داشتن پروانه کار از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دانسته، لذا از این رأی نمی‌توان عدم نیاز به اخذ پروانه صنفی را در حرفه فروش عینک برداشت نمود.

شایان ذکر است طی نامه شماره ۱۳۹۴/۶/۳۰-۶۰/۱۴۳۶۹۴ درخواست اعمال ماده (۹۱) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه شماره (۱۹۹) هیأت عمومی جهت رسیدگی مجدد تقدیم ریاست آن مرجع گردیده است. علی‌ای‌حال با عنایت به اینکه صنف مزبور به‌طور مستقیم مبادرت به ارائه خدمات مندرج در ماده (۲) قانون نظام صنفی می‌نمایند و دادنامه شماره (۱۹۹) صرفاً ساخت عینک طبی را از شمول قواعد و مقررات نظام صنفی مستثنی نموده، لذا بخشنامه معترض‌عنه در

---

---

راستای ابلاغ نص صریح دادنامه مورد اشاره و همچنین مواد یاد شده از قانون نظام صنفی بوده و بدیهی است که مقررات قانون موصوف بر نحوه فعالیت توزیع‌کنندگان عینک طبی حاکم و اخذ پروانه کسب از اتحادیه صنف ذی‌ربط برای ادامه فعالیت آن صنف ضروری می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۹۱ قانون نظام صنفی کشور با آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۲ مجلس شورای اسلامی "اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی یا غیردولتی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت یا پروانه تأسیس، بهره‌برداری یا اشتغال از وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها یا شرکت‌های دولتی و یا سایر دستگاه‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، می‌باشند و همچنین نهادهای عمومی غیردولتی، چنانچه عرضه کالاها یا خدمات به خرده‌فروشان یا مصرف‌کنندگان مبادرت ورزند، مکلفاند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا پروانه، به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط نیز اقدام کنند..." نظر به اینکه بخشنامه‌های مورد شکایت در تبیین حکم مقنن و شیوه‌های اجرای آن صادر شده، لذا خلاف قانون و خارج از اختیارات تصویب نشده و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۵ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۰۱

کلاس پرونده: ۹۵/۱۴۵۲

**موضوع:** ابطال دستورالعمل شماره ۱۰۰/۳۰۶۰۲۱-۱۳۸۹/۱/۱ وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی (در خصوص کسر ساعات کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری)

**شاکی:** آقای یعقوب سیفی

### گردش کار:

شاکی به موجب دادخواستی در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است: "با سلام و احترام، به استحضار عالی می‌رساند: ۱- این جانب دکتر یعقوب سیفی مطابق حکم کارگزینی شماره ۶۰۳۴۳۸۲۴ در پست سازمانی پزشک عمومی در استخدامی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی به‌عنوان پزشک عمومی شاغل در اورژانس بیمارستان امام خمینی میانه هستم که ۲۱ سال و اندی است در شبکه بهداشت و درمان شهرستان میانه مشغول خدمت می‌باشم. ۲- مطابق قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب ۱۳۸۸/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی کسر ساعات کار و احتساب مزایا برای مضمولین این قانون که در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ توسط هیأت وزیران (شامل پرستاران، بهیاران، کمک بهیاران، ماماها، پزشکان، کاردان و کارشناسان اتاق عمل ...) تعیین و مشخص گردیده است. متأسفانه در دستورالعمل بخشنامه شماره ۱۰۰/۳۰۶۰۲۱-۱۳۸۹/۱/۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص کسر ساعات کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری بر خلاف موازین قانونی و بر خلاف نص صریح قانون موصوف، رسته شغلی (پزشکان) از شمول قانون و آیین اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت خارج گردیده است و عملاً حق مکتسبه مقرر در قانون و آیین‌نامه موصوف از رسته شغلی پزشکان سلب گردیده است؛ که این دستورالعمل و اقدامات مغایر قانون مصوب معتبره و آیین‌نامه آن فاقد وجهت قانونی است. ۳- مزایای استحقاقی از تاریخ لازم‌الاجرا گردیدن قانون فوق، مطابق مواد ۶ و ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت در مورد این جانب محاسبه و تأدیبه نگردیده است که صدور حکم در محکومیت خواندگان به خواسته دادخواست تقدیمی با استناد به کلیه ادله اثبات دعوی مورد استدعاست."

در پاسخ به اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به‌موجب لایحه شماره ۷۰-۱۳۹۶/۱/۲۷-۱۳۹۶ که ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده، پاسخ داده است که: "حضور مدیر دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری. با سلام و احترام؛ این جانب یعقوب سیفی عطف پرونده کلاس ۱۴۵۲/۹۵ که دستور به رفع نقض و مشخص نمودن اینکه کدام قسمت از متن بخشنامه مرتبط با خروج پزشکان از شمول قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت می‌باشد در مهلت قانونی به استحضار عالی می‌رساند: مطابق صدر ماده‌واحد قانون

ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۸/۲/۹ مقرر گردیده است (به‌منظور کارایی و اثربخشی سرمایه‌های انسانی نظام سلامت شامل شاغلین بالینی رسته بهداشتی، درمانی در بخش‌های دولتی- کشوری و لشکری و غیردولتی...) و مزایایی را برای شاغلین بالینی تعیین و تعریف نموده است که در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب هیأت وزیران شاغلین بالینی مشخص و تعیین گردیده است به این عبارت (شاغلین بالینی به کارکنان رسته بهداشتی، درمانی اطلاق می‌شود که در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شبانه‌روزی دولتی- کشوری و لشکری- و غیردولتی به بیماران بستری به‌صورت مستقیم ارائه خدمت می‌دهند و شامل پرستاران، بهیاران، کمک بهیاران، ماماها، پزشکان، کاردان‌ها و کارشناسان اتاق عمل، کاردان‌ها و کارشناسان هوشبری و شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی می‌باشند) بنابراین شمول رسته شغلی پزشکان به‌عنوان شاغلین بالینی تأیید و تصویب گردیده است اما در صدر دستورالعمل کسر ساعات کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که در اجرای قانون و آیین‌نامه فوق‌الاشعار ابلاغ گردیده است رسته شغلی پزشکان برخلاف موازین قانونی از شمول شاغلین بالینی حذف گردیده است به این عبارت (در اجرای ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت، موضوع مصوبه شماره ... هیأت وزیران، دستورالعمل کسر ساعات کار کارکنان بالینی شاغل در مراکز درمانی- بیمارستان‌ها- که شامل پرستاران، بهیاران، کمک بهیاران، کاردان‌ها و کارشناسان اتاق عمل، کاردان‌ها و کارشناسان هوشبری، ماماها و شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی می‌باشد) که بدون مجوز قانونی و برخلاف مفاد قانون و آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران حذف شمول پزشکان از دستورالعمل موصوف فاقد وجهت قانونی است. لذا مطابق خواسته دادخواست تقدیمی نسبت به حذف رسته شغلی پزشکان از دستورالعمل کسر ساعات کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری اعتراض گردیده است و تقاضای احتساب مزایا و استحقاقات مندرج در نص قانون و آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران گردیده است لذا تقاضای بذل توجه و صدور حکم به خواسته دادخواست مورد استدعاست. ضمناً با توجه به اینکه خواسته دادخواست ابطال دستورالعمل فوق‌الاشعار نمی‌باشد بلکه اعتراض به حذف شمول گروه شغلی "پزشکان" از دستورالعمل موصوف مطابق مفاد قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت و آیین‌نامه آن می‌باشد که خواسته به‌طور منجز و مشخص در ستون موضوع شکایت دادخواست تقدیمی بیان گردیده است.

متن دستورالعمل شماره ۱۰۰/۳۰۶۰۲۱-۱۰/۱-۱۳۸۹/۱۰/۱ وزارت بهداشت به شرح زیر است:

"دستورالعمل کسر ساعات کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری

در اجرای ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت، موضوع مصوبه شماره ۴۳۶۱۶/ت/۲۲۲۱۶۸-۱۳۸۸/۱۱/۱۱- هیأت وزیران، دستورالعمل کسر ساعات کار کارکنان بالینی شاغل در مراکز درمانی (بیمارستان‌ها) که شامل پرستاران، بهیاران، کمک بهیاران، کاردان‌ها و کارشناسان اتاق عمل، کاردان‌ها و کارشناسان هوشبری، ماماها و شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی می‌باشد، به شرح ذیل در ۴ ماده و ۳ تبصره جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. رسته شغلی پزشکان در این قسمت حذف گردیده است.

ماده ۱: مدت کسر ساعت کار بر مبنای سنوات خدمت حداکثر ۵ ساعت در هفته برابر جدول شماره ۱ می‌باشد.

جدول شماره ۱- کسر ساعت کار ناشی از سنوات خدمت

| سال | ماه     | سال | ماه   | سال | ماه   | سال | ماه   | سال | ماه   | سنوات خدمت             |
|-----|---------|-----|-------|-----|-------|-----|-------|-----|-------|------------------------|
| ۱۶  | به بالا | ۱۴  | تا ۱۶ | ۱۲  | تا ۱۴ | ۱۰  | تا ۱۲ | ۸   | تا ۱۰ | ۴ تا ۶                 |
| ۵   |         | ۴   |       | ۳   |       | ۲   |       | ۱   |       | ۱                      |
|     |         |     |       |     |       |     |       |     |       | میزان کسر ساعت در هفته |

تبصره: ملاک محاسبه سنوات خدمت در بخش دولتی برای کارکنان رسمی و پیمانی سنوات مندرج در احکام کارگزینی می‌باشد و مبنای محاسبه سنوات خدمت در بخش خصوصی و کارکنان قراردادی در بخش دولتی میزان پرداخت حق بیمه یا کسور بازنشستگی خواهد بود.

ماده ۲: مدت کسر ساعات کار بر اساس صعوبت کار حداکثر ۲ ساعت در هفته و مطابق جدول شماره ۲ محاسبه خواهد شد.

جدول شماره ۲- کسر ساعت کار ناشی از سختی کار به استناد قانون نظام هماهنگ

| صعوبت کار به استناد قانون نظام هماهنگ        | ۸٪ تا ۲۵٪         | ۲۶٪ تا ۵۰٪        | ۵۱٪ تا ۷۵٪         | ۷۶٪ تا ۱۰۰٪         |
|--|-------------------|-------------------|--------------------|---------------------|
| صعوبت کار به استناد قانون مدیریت خدمات کشوری | صفر تا ۳۷۵ امتیاز | ۳۷۶ تا ۷۵۰ امتیاز | ۷۵۱ تا ۱۰۰۰ امتیاز | ۱۰۰۰ امتیاز به بالا |
| کسر ساعت کار در هفته                         | نیم ساعت          | یک ساعت           | یک ساعت و نیم      | دو ساعت             |

تبصره: در حال حاضر فوق‌العاده سختی کار کارکنان بالینی بر مبنای درصدهای تعیین شده در نظام هماهنگ پرداخت برقرار می‌گردد؛ بنابراین تا وصول دستورالعمل جدید و تعیین امتیاز فوق‌العاده سختی کار مشاغل در چارچوب بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری به همان مبنای قابل احتساب می‌باشد و پس از اعمال امتیازات فوق‌العاده سختی کار بر حسب امتیازات مندرج محاسبه خواهد شد. بدیهی است در صورت نیاز و تشخیص به تغییر میزان امتیازات متعاقباً مراتب تغییرات ابلاغ خواهد شد.

ماده ۳: مدت کسر ساعت کار بابت کار در نوبت‌های غیرمتعارف یک ساعت در هفته تعیین می‌گردد و صرفاً کارکنانی که به‌صورت نوبت‌کاری در گردش اشتغال دارند از کسری ساعت مذکور بهره‌مند خواهند شد.

تبصره: ساعت کار کارکنانی که در نوبت‌های شب و ایام تعطیل اشتغال دارند با ضریب ۱/۵ محاسبه خواهد شد.

ماده ۴: مشاغل مدیران و روسای پرستاری، سوپروایزرها و سرپرستاران که از جمله رشته‌های شغلی پرستاری محسوب می‌شوند حداکثر از ۲ ساعت کاهش ساعت کار در جدول صعوبت کار (جدول شماره ۲) استفاده خواهند نمود. طرف شکایت علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضامناً آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ‌گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مقنن در قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب سال ۱۳۸۸ امتیازاتی برای شاغلین بالینی رسته بهداشتی، درمانی در بخش‌های دولتی (کشوری و لشکری) و غیردولتی پیش‌بینی کرده است و در ماده ۵ این قانون تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون بر عهده هیأت وزیران قرار گرفته و آیین‌نامه اجرایی قانون

---

---

مذکور، طی شماره ۲۲۲۱۶۸/ت/۴۳۶۱۶ هـ-۱۳۸۸/۱۱/۱۱ تصویب و ابلاغ شده و در ماده ۱ این آیین‌نامه پزشکان از جمله شاغلین بالینی رسته بهداشتی، درمانی تعیین شده و در ماده ۲ این آیین‌نامه دستورالعمل تفکیک مشاغل و نوع فعالیت حسب مورد به تصویب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح موکول شده است. نظر به اینکه وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب دستورالعمل کسر ساعت کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری که طی شماره ۱۰۰/۳۰۶۰۲۱-۱۳۸۹/۱۰/۱ ابلاغ شده، فراتر از وظیفه مقرر در ماده ۲ آیین‌نامه حکم قانون و آیین‌نامه اجرایی ناظر بر تعیین مصادیق کارکنان بالینی رسته بهداشتی، درمانی را تغییر داده و پزشکان را از شمول برخوردار از کسر ساعت کار خارج کرده و موجبات تضییع حقوق آنان را فراهم کرده است، این حکم مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ به‌ویژه فراز آخر آن و ماده ۸۸ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## حمایت‌های قانونی و حقوق شهروندی - حق برخورداری از حمایت‌های بهداشتی

تاریخ: ۵ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۰۳

کلاس پرونده: ۹۵/۱۲۵۸

**موضوع:** ابطال مصوبه شماره ۹۱/۲۴۲۱/م/ت ۳۹۷۲۱ هـ - ۱۳۹۲/۲/۳ هیات وزیران (در خصوص تأمین برخی از خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی برای مقامات و مسئولین سیاسی و اداری کشور)

### شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

معاون نظارت و بازرسی امور سیاسی و قضایی سازمان بازرسی کل کشور به‌موجب شکایت‌نامه شماره ۲۰۶۲۵۰-۱۰/۴-۱۳۹۵/۱۰/۴ اعلام کرده است که:

"رئیس محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام و تحیت: احتراماً به استحضار می‌رساند در بررسی عملکرد اداره کل رفاه، تعاون و بهداشت نهاد ریاست‌جمهوری مشخص گردید، علی‌رغم تصریح ماده ۲۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره‌های ذیل آن، نهاد ریاست‌جمهوری هزینه‌های نگهداری و اداره مهمانسرا و ... را از محل اعتبارات آن نهاد پرداخت می‌نماید. این موضوع مورد ایراد سازمان بازرسی کل کشور واقع شد و اعلام گردید از پرداخت هرگونه وجه بابت این‌گونه موارد خودداری شود. مسئولان وقت نهاد ریاست‌جمهوری جهت رفع ایراد سازمان بازرسی کل کشور، نسبت به اخذ مصوبه شماره ۹۱/۱۴۱۹۰/م/ت ۳۹۷۲۱ هـ-۱۳۹۱/۵/۹ هیأت وزیران اقدام و نهاد ریاست‌جمهوری را از مصادیق تبصره (۱) ماده ۲۳ قانون مدیریت خدمات کشوری محسوب نمودند. این در حالی است که در قانون مدیریت خدمات کشوری چنین شیوه و طریقی پیش‌بینی نشده است. بر اساس مصوبه مذکور مقرر گردید: ۱- با توجه به وظایف قانونی نهاد ریاست‌جمهوری در تأمین برخی از خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی برای مقامات و مسئولین سیاسی و اداری کشور و امور پشتیبانی مربوط به آن‌ها و ضرورت رعایت موازین امنیتی و حفاظتی در تأمین خدمات یاد شده، نهاد ریاست‌جمهوری از مصادیق تبصره (۱) ماده (۲۳) قانون مدیریت خدمات کشوری محسوب می‌شود. ۲- این تصویب‌نامه از ابتدای سال ۱۳۸۷ لازم‌الاجرا است. مصوبه مذکور مورد ایراد هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس شورای اسلامی واقع شد و هیأت مذکور طی نامه شماره ۲۳۰۱/م/ه/ب-۱۳/۱۰/۱۳۹۱ اعلام نمود: ۱- به‌موجب تبصره (۱) ماده (۲۳) قانون مدیریت خدمات کشوری دستگاه‌هایی که بر اساس وظایف قانونی خود برای ارائه خدمات به مردم عهده‌دار انجام برخی از امور- موضوع قانون- می‌باشند با رعایت احکام این فصل از حکم این ماده مستثنی می‌باشند، نظر به اینکه بند (۱) مصوبه ناظر به تأمین برخی از خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی برای مقامات و مسئولین سیاسی و اداری کشور می‌باشند، از حیث خارج بودن مفاد مصوبه از شمول قانون، مغایر قانون است. ۲- بند (۲) مصوبه نیز ناظر به عطف بماسبق نمودن تاریخ اجرای مصوبه از ابتدای

سال ۱۳۸۷، مبنیاً بر ایراد فوق، مغایرت قانون است." با عنایت به ایرادات وارده، مصوبه مذکور طی شماره ۱/۲۴۲۱/م/ت ۳۹۷۲۱ هـ- ۱۳۹۲/۲/۳ به شرح زیر اصلاح گردید. "۱- تصویب‌نامه شماره ۱۴۱۹۰/۱/۱/م/ت ۳۹۷۲۱ هـ- ۱۳۹۱/۵/۹ به شرح زیر اصلاح می‌شود: با توجه به لزوم ارائه برخی از خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی برای مقامات و مسئولین سیاسی و اداری کشور و امور پشتیبانی آن‌ها، نهاد ریاست‌جمهوری مجاز است برای تأمین خدمات یاد شده در چارچوب قوانین و مقررات مربوط از محل اعتبارات مصوب مربوط (رفاهی) با رعایت ضرورت موازین امنیتی و حفاظتی در ارائه خدمات یاد شده اقدام نماید. ۲- اقداماتی که قبلاً در زمان اعتبار تصویب‌نامه یاد شده صورت گرفته است، نیازی به تجدیدنظر ندارد." با عنایت به بررسی‌های انجام شده، مصوبه مذکور مورد ایراد هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس شورای اسلامی قرار نگرفته و نهاد ریاست‌جمهوری تاکنون نسبت به پرداخت هزینه‌های نگهداری و اداره مجتمع‌های رفاهی و ... از محل اعتبارات خود اقدام می‌نماید. این در حالی است که مصوبه مذکور دارای ایراد قانونی به شرح زیر می‌باشد: "قانون‌گذار در تبصره (۱) ماده (۲۳) قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه‌هایی که بر اساس وظایف قانونی خود برای ارائه خدمات به مردم عهده‌دار انجام برخی امور مورد اشاره در متن ماده مذکور می‌باشند را مستثنی نموده و نهاد ریاست‌جمهوری در شمول دستگاه‌های مذکور نبوده و بر اساس وظایف قانونی عهده‌دار ارائه خدمت به مردم در مواردی نظیر مهمانسرا، زائرسرا، واحدهای درمانی و ... نمی‌باشند؛ بنابراین مصوبه مذکور با تبصره (۱) ماده (۲۳) قانون مدیریت خدمات کشوری مغایرت دارد. همچنین قانون‌گذار، در تبصره ۱ ماده ۲۳ قانون مذکور، مجوزی برای هیأت وزیران مبنی بر مستثنی نمودن برخی دستگاه‌های اجرایی از جمله نهاد ریاست‌جمهوری از قانون در نظر نگرفته است."

متن مصوبه شماره ۱/۲۴۲۱/م/ت ۳۹۷۲۱ هـ- ۱۳۹۲/۲/۳ هیأت وزیران به قرار زیر است: "هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۸ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: ۱- تصویب‌نامه شماره ۱۴۱۹۰/۱/۱/م/ت ۳۹۷۲۱ هـ- ۱۳۹۱/۵/۹ به شرح زیر اصلاح می‌شود: با توجه به لزوم ارائه برخی از خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی برای مقامات و مسئولین سیاسی و اداری کشور و امور پشتیبانی آن‌ها، نهاد ریاست‌جمهوری مجاز است برای تأمین خدمات یاد شده در چارچوب قوانین و مقررات مربوط از محل اعتبارات مصوب مربوط (رفاهی) با رعایت ضرورت موازین امنیتی و حفاظتی در ارائه خدمات یاد شده اقدام نماید. ۲- اقداماتی که قبلاً در زمان اعتبار تصویب‌نامه یاد شده صورت گرفته است، نیازی به تجدیدنظر ندارد."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست معاونت امور حقوقی دولت (معاونت حقوقی رئیس‌جمهور) به‌موجب لایحه شماره ۹۶/۳۷۹۷ م- ۱۳۹۶/۳/۶ توضیح داده است که:

"جناب آقای دربین، مدیرکل محترم هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری؛ با سلام و احترام. ۱- سازمان بازرسی کل کشور مصوبه موصوف را مغایر با ماده ۲۳ قانون مدیریت خدمات کشوری عنوان و درخواست ابطال آن را نموده است. متن مصوبه یاد شده بدین شرح است: "با توجه به لزوم ارائه برخی خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی برای مقامات و مسئولین سیاسی و اداری کشور و امور پشتیبانی آن‌ها، نهاد ریاست‌جمهوری مجاز است برای تأمین خدمات یاد شده در چارچوب قوانین و مقررات مربوط از محل اعتبارات مصوب مربوط (رفاهی) با رعایت ضرورت موازین امنیتی و حفاظتی در ارائه خدمات یاد شده اقدام نماید." ایراد سازمان بازرسی در حالی است که ماده ۲۳ قانون مزبور ناظر به ممنوعیت "ایجاد" و "اداره" هرگونه مهمانسرا، زائرسرا، مجتمع مسکونی، رفاهی، واحدهای درمانی و آموزشی، فضاهای ورزشی، تفریحی و نظایر آن توسط دستگاه‌های اجرایی است. لیکن متن این مصوبه ناظر به اقدام نهاد ریاست‌جمهوری در "ارائه" و "تأمین" خدمات

درمانی، اقامتی و رفاهی است و الفاظ یاد شده به منزله ایجاد و اداره آن‌ها نمی‌باشد. در بیان این تمایز و به‌عنوان نمونه، در مواد ۱۷ و ۸۶ همان قانون (به‌رغم وجود ماده ۲۳)، دستگاه‌های اجرایی مکلف به "تأمین" خدمات از بخش غیردولتی و "تأمین" شرایط بهداشتی و ایمنی برای کارمندان خود شده‌اند که این موضوع مؤید نظر قانون‌گذار در تفاوت بین الفاظ مزبور است. بدیهی است نحوه اجرای این مصوبه از طریق روش‌های مختلف قانونی، نظیر تأمین خدمات از بخش‌های غیردولتی (ماده ۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری)، اداره مراکز موجود از طریق خودگردان درآمد- هزینه (ماده ۴۴ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت- مصوب ۱۳۸۴، تنفیذی در ماده ۲۲۴ قانون برنامه پنجم توسعه) و ... می‌باشد. ۲- اجازه مقرر در متن مصوبه موردنظر جهت تأمین خدمات موصوف منوط به "رعایت چارچوب قوانین و مقررات مربوط و نیز پرداخت از محل اعتبارات مصوب مربوط (رفاهی)" شده است. لازم به ذکر است علاوه بر اجازه قانون‌گذار به هزینه کرد اعتبارات رفاهی در قوانین بودجه سنواتی، در مفاد سایر قوانین و مقررات جاری نیز دستگاه‌های اجرایی امکان (و گاه الزام) به ارائه خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی به کارکنان را دارند. به‌عنوان نمونه، ماده ۴۰ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت دایر بر اجازه به دستگاه‌های دولتی در هزینه کرد اعتبارات رفاهی کارکنان جهت ارائه تسهیلات رفاهی و تشویق آنان ...، ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در امکان پرداخت کمک‌های رفاهی در موارد مختلف به کارکنان، مواد ۸۵ و ۸۶ همان قانون مبنی بر الزام دستگاه‌های اجرایی به تحت پوشش بیمه تکمیلی پایه و درمان کارکنان و ایجاد محیط مناسب کار و تأمین شرایط بهداشتی و ایمنی و ... قابل ذکر است. ۳- علاوه بر موارد یاد شده، لازم به ذکر است متن مصوبه مورد اشاره به دنبال ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی به مصوبه ۹۱/۱۴۱۹۰/م/ت/۳۹۷۲۱-۱۳۹۱/۵/۹، جایگزین مصوبه اخیرالذکر شده و سابقاً و در اجرای قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، به مجلس شورای اسلامی ارسال گردیده لیکن مورد ایراد آن مرجع قرار نگرفته است لذا مغایرتی بین مفاد مصوبه و قانون وجود ندارد. در خاتمه با عنایت به موارد یاد شده و اینکه مصوبه مورد اشاره در چارچوب موازین قانونی مربوطه صادر گردیده و مغایرتی با ماده ۲۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر موازین قانونی ندارد، صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه استثناء مذکور در تبصره ۱ ماده ۲۳ قانون مدیریت خدمات کشوری ناظر بر دستگاه‌هایی است که بر اساس خصایص و وظایف قانونی خود عهده‌دار انجام امور رفاهی، درمانی، آموزشی و ورزشی می‌باشند لذا بهره‌مندی اختصاصی و محول نمودن امور فوق‌الذکر به نهاد ریاست‌جمهوری که وفق ماده ۱۷ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری به‌منظور اداره امور نظارت رئیس‌جمهور مندرج در قانون اساسی تشکیل شده است مغایر ماده ۲۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و قسمت اخیر اصل ۱۳۸ قانون اساسی است و تسری اعتبار مصوبه به قبل از تصویب آن به نحو موصوف در بند ۲ مصوبه، مغایر با مفاد ماده ۴ قانون مدنی می‌باشد. لذا مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۵ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۰۹

کلاس پرونده: ۹۶/۱۷۱

**موضوع:** ابطال بند ۲ از قسمت (الف) فصل هفدهم عوارض مصوب سال ۱۳۹۵ شهرداری شهرکرد با عنوان عوارض افتتاحیه (مرتبط با عوارض مطب)

**شاکي:** اتحادیه صنف پوشاک شهرکرد

### گردش کار:

اتحادیه صنف پوشاک شهرکرد به موجب دادخواستی ابطال بند ۲ از قسمت "الف" فصل هفدهم عوارض مصوب سال ۱۳۹۵ شهرداری شهرکرد با عنوان عوارض افتتاحیه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "احتراماً به استحضار می‌رساند شهرداری شهرکرد به استناد بند ۲ قسمت الف فصل هفدهم عوارض سال ۱۳۹۵ آن شهرداری مصوب شورای اسلامی شهرکرد در قالب عوارض کسب و پیشه عوارضی را تحت عنوان عوارض افتتاحیه واحدهای صنفی به صورت مقطوع علاوه بر کلیه عوارض کسب و پیشه که در زمان صدور پروانه کسب اخذ می‌نماید، حتی برای واحدهای صنفی که قبلاً پروانه کسب دریافت داشته‌اند و عوارضات مربوطه را در زمان دریافت پروانه کسب پرداخت نموده‌اند در قبوض مربوطه لحاظ و مطالبه می‌نماید. با توجه به بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سایر سازمان‌های وابسته به آن با رعایت آیین‌نامه مالی و معاملاتی شهرداری‌ها جزو وظایف شورای اسلامی شهر اعلام شده است، لیکن از آنجاکه از بابت عوارض افتتاحیه واحد صنفی با این توضیح که درخواست کننده پروانه کسب در زمان اخذ پروانه کسب کلیه عوارضات شهرداری را پرداخت کرده است، شهرداری اصولاً ارائه‌کننده هیچ‌گونه خدمات خاصی نمی‌باشد و نبوده که استحقاق دریافت بهای آن را در قالب عوارض افتتاحیه واحد صنفی داشته باشد، لذا از آن دیوان تقاضای ابطال بند ۲ از قسمت الف فصل هفدهم عوارض مصوب سال ۱۳۹۵ شهرداری شهرکرد با عنوان عوارض افتتاحیه و صدور حکم شایسته قانونی را می‌نمایم."

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"فصل هفدهم: عوارض کسب و پیشه

الف: گروه‌بندی واحدهای صنفی

تبصره: عوارض افتتاحیه زمان صدور پروانه کسب محاسبه و از متقاضی دریافت می‌گردد. در صورت شغل یا تغییر نام پروانه کسب (انتقال پروانه) از شخصی به شخص دیگر عوارض افتتاحیه به نام شخصی جدید قابل وصول می‌باشد.

کلیه واحدهای صنفی برای محاسبه عوارض کسب و پیشه به پنج گروه زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:  
گروه اول: شامل مطب پزشکان اعم از پزشک دندانپزشک و کلیه واحدهای تجاری فعال که در ارتباط با پزشکی می‌باشد.

۱- نحوه محاسبه عوارض:  $A=3/3 TK$

$A$  = عوارض سالیانه (ریال)

$T$  = قیمت منطقه‌ای تعدیل شده برای استفاده در فرمول‌های محاسباتی شهرداری (ریال)

$K$  = ضریب کسب می‌باشد که از جدول زیر به دست می‌آید:

جدول شماره ۱۰: ضریب کسب برای واحدهای صنفی گروه اول

| ردیف | نوع مطب  | ضریب K |
|------|--|--------|
| ۱    | پزشکان متخصص و فوق تخصص                        | ۵/۱    |
| ۲    | دندانپزشکان                                    | ۸/۰    |
| ۳    | پزشکان عمومی                                   | ۴/۰    |
| ۴    | روانشناسان، دامپزشکان، پیراپزشکان و نظایر آنها | ۳/۰    |

۲- عوارض افتتاحیه: به صورت مقطوع ۵۰۰۰۰۰۰ ریال

گروه دوم: شامل نمایندگی‌های مجاز فروش خودرو- بنگاه‌های آهن‌فروشی - رستوران- آزمایشگاه‌ها و نظایر آنها- فروشگاه مصالح ساختمانی (کاشی و سرامیک)- عمده‌فروشی‌ها (خواروبار)- دفتر شرکت‌های خدماتی و مسافرتی- دفاتر مهندسی و نقشه‌کشی و نظایر آنها- مؤسسات حسابرسی- دفاتر اسناد رسمی- بورس املاک

۱- نحوه محاسبه عوارض:  $F=T \times S \times R \times 0/03$

$F$  = عوارض سالیانه (ریال)

$R$  = ضریب رونق که در جدول شمار ۱۱ مشخص شده است

$S$  = مساحت فعال واحد صنفی

تبصره: حداکثر مساحت قابل محاسبه در این گروه ۱۰۰۰ مترمربع می‌باشد.

۲- عوارض افتتاحیه: به صورت مقطوع ۴۵۰۰۰۰۰ ریال

گروه سوم: شامل فروشگاه لوازم خانگی صوتی و تصویری- داروخانه‌ها- فروشگاه‌های بزرگ- پارچه‌فروشی‌ها- خدمات فروش کامپیوتر- طلافروشی- فرش‌فروشی- لوازم یدکی- عینک‌سازی- شیرینی‌فروشی- فروش دوچرخه و موتورسیکلت- فروش لوازم بهداشتی و آرایشی- فروش چینی و بلور- تزیینات ساختمانی- عاملین فروش دخانیات- کافی شاپ و ساندویچی.

۱- نحوه محاسبه عوارض:  $0.22 \times A = T \times S \times R$

$A$  = عوارض سالیانه (ریال)

$R$  = ضریب رونق  $S$  = مساحت فعال واحد صنفی

۲- عوارض افتتاحیه: به صورت مقطوع ۴۰۰۰۰۰۰ ریال

گروه چهارم: شامل فروش مبلمان- نمایشگاه اتومبیل- سوپرمارکت‌ها- خدمات برق صنعتی- میوه‌فروشی- فروش لاستیک- الکتریکی- چلوکبابی- تعمیر ماشین‌های اداری- ظروف کرایه- طبخ- فروش تلفن همراه- فروش و تعمیر چرخ خیاطی- فروش لوازم ورزشی- فروش لوازم خیاطی و کاموا- فروش ظروف روحی و مسی- قاب‌سازی- دفاتر فنی (چاپ و تکثیر)-مهرسازی- کلیدسازی- عکاسی- مرغ و ماهی- آرایشگاه‌های زنانه و مردانه- فروش لوازم گازسوز- خرازی- تعمیر تلفن همراه- جوشکاری طلا و جواهرات- فروش صنایع دستی- سماوری- قصابی- ذغال فروشی- لوازم‌التحریر- تعمیر لوازم صوتی و تصویری- قنادی- شیشه‌بری- گل‌فروشی- ابزارفروشی- آموزشگاه‌های رانندگی- فروش کیف و کفش- تزیینات سفره عقد- فروش بدلیجات- آب‌نبات و قند ریز- تعمیر و فروش ساعت- فروش لباس مردانه و زنانه.

۱- نحوه محاسبه عوارض:  $\times 0.16 = T \times S \times R / A$

A = عوارض سالیانه (ریال)

R = ضریب رونق S = مساحت فعال واحد صنفی

۲- عوارض افتتاحیه: به صورت مقطوع ۳۵۰۰۰۰۰ ریال

گروه پنجم: شامل مکانیک سبک و سنگین- تعویض روغنی و آپاراتی- تودوزی اتومبیل- نجاری- جوشکاری درب و پنجره- بقالی و لبنیاتی- تعمیر دوچرخه و موتورسیکلت- تعمیر لوازم خانگی- خشک‌شویی- باتری‌سازی- زیربند سازی- کانال کولر- لنت کوبی- تعمیر و تأسیسات گاز- پرند فروشی- رفوگری فرش- نمدمالی- لحاف‌دوزی- قالب‌بندی و داربست فلزی- چاپخانه- کارواش- عمده‌فروشی روغن و فیلتر- تیرچه‌بلوک- قالی‌شویی- تراشکاری- تنظیم موتور- صافکاری و نقاشی- آلومینیوم‌سازی- سنگ‌تراش- اوراقی فروشی‌ها- فروش آهن‌آلات- قراضه-نانوایی- عطاری- فروشگاه سموم دفع آفات- خیاطی زنانه و مردانه- آش و حلیم- تابلونویسی- نوار فروش- ویدئوکلپ- کافی‌نت و گرم‌نت- تاکسی‌تلفنی‌ها- بازی‌های رایانه‌ای.

۱- نحوه محاسبه عوارض:  $\times 0.1 = T \times S \times R / A$

A = عوارض سالیانه (ریال)

R = ضریب رونق S = مساحت فعال واحد صنفی

تبصره: حداکثر مساحت قابل محاسبه برای این گروه ۲۰۰ مترمربع می‌باشد.

۲- عوارض افتتاحیه: به صورت مقطوع ۲۵۰۰۰۰۰ ریال

ب: توضیحات

۱- منظور از مساحت فعال آن بخش از واحد صنفی است که با محوطه فروش در ارتباط مستقیم می‌باشد.  
۲- مساحت اختصاص داده شده صرفاً به پارکینگ واحدهای صنفی فوق جز محاسبات عوارض به حساب نمی‌آید.  
۳- ضریب رونق (B) هر واحد صنفی بستگی به دسترسی آن واحد به معبر اصلی و موقعیت آن داشته و بر این اساس واحدهای صنفی به چهار گروه تقسیم می‌شوند."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر کرد به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۴/۱۴-۹۶/۱/۵۹۲

توضیح داده است که:

"رئیس دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: اتحادیه صنف پوشاک شهر کرد

با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه شماره کلاسه پرونده ۱۷۱/۹۶ - ۱۳۹۶/۲/۲۰ منضم به دادخواست اتحادیه صنف

پوشاک شهركرد مبنی بر تقاضای ابطال بند ۲ از قسمت الف فصل هفدهم عوارض كسب و پیشه تحت عنوان عوارض افتتاحیه صنوف و ادعای اینکه به استناد بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها مصوب ۱۳۷۵ هیچ‌گونه خدماتی بابت آن داده نمی‌شود و در ثانی هنگام صدور پروانه كسب این عوارض دریافت شده است و دریافت مجدد آن مبنای قانونی ندارد.

الف- شاکی به استناد بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها عوارض افتتاحیه را در زمره بهای خدماتی شناخته است که شهرداری ارائه می‌دهد و در قبال آن وجه دریافت می‌دارد درحالی‌که این‌چنین نیست زیرا تعرفه خدمات شهرداری که با استناد به بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها تعیین می‌شوند با همان نام "بهای خدمات" یا "هزینه خدمات" مانند انجام پیاده‌روسازی- آماده‌سازی اراضی برای پلاک بندی و ساخت‌وساز- فروش آسفالت و امثالهم شناخته شده و خطاب می‌گردند درحالی‌که تعرفه مورد بحث یعنی افتتاحیه كسب با نام "عوارض" شناخته و خطاب می‌شود و به‌طور کلی شهرداری‌ها در قبال دریافت عوارض خدمات مستقیمی ارائه نمی‌دهند که بخواهند هم‌وزن آن وجه دریافت نمایند، بلکه مجموعه وجودی شهرداری خدمات رسان است و این دستگاه کاملاً خدماتی، از محل دریافت همین عوارضات که از شهروندان به انحاء مختلف دریافت می‌شود اداره می‌گردد. به‌عنوان مثال شهرداری‌ها بابت ساخت پارک در شهر یا جوی و جدول یا آسفالت معابر و خصوصاً روکش‌های مداوم آسفالت- خط‌کشی- پل‌سازی- امور ترافیکی و زیباسازی و ... وجهی از مردم دریافت نمی‌کنند به‌عبارت‌دیگر وجه مستقیم دریافت نمی‌کنند که به این وجوه غیرمستقیم، عوارض گفته می‌شود.

همان‌گونه که واقفید عوارض محلی شهرداری‌ها به استناد بند ۱۶ ماده ۷۱، ماده ۷۷، ماده ۹۴ قانون شوراها مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده توسط شوراها اسلامی شهر و با تنفیذ وزیر کشور (استانداران بنا به تفویض اختیار وزیر) برقرار و یا تمدید می‌شوند و ارتباطی از نظر موضوعی با بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون مزبور ندارند. از طرفی مجموعه بازار هر شهر و صنوف مستقر در آن در دسته‌بندی خدمات بگیران شهر و قشری که بیشترین هزینه را بر ذمه شهرداری‌ها می‌گذارند در رده اول قرار می‌گیرند و نمی‌باید با تمسک به این‌گونه اقدامات و دست‌بدا مان مراجع قضایی شدن از زیر بار پرداخت عوارض شهرداری که در واقع تنها منابع تأمین بودجه شهرداری است شانه خالی کرده و فشار آن را به عهده دیگر شهروندان که خدمات کمتری نصیب می‌برند بیاندازند، هر واحد صنفی معمولاً مراجعه‌کنندگانی دارد که برای دسترسی آسان به واحد خدماتی صنفی نیاز به زیرساخت‌های بسیاری دارند که تأمین آن به عهده شهرداری است، ایجاد و آسفالت معابر- حمل‌ونقل- ساخت پارکینگ‌های عمومی و طبقاتی- مبلمان شهری و نظافت و بسیاری امور دیگر از جمله خدماتی هستند که واحدهای صنفی به گردن شهرداری می‌گذارند لیکن همواره برای پرداخت کمترین عوارض به شهرداری شکوه و گلایه می‌کنند، هر چند اگر یک مؤدی نسبت به مطالبه عوارض شهرداری اعتراضی دارد می‌باید موضوع از طریق کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری با حضور قاضی دادگستری رسیدگی شود، لیکن شاکی بدون طی مراحل قانونی مصدع اوقات شریف دیوان شده است که وظیفه دارند به اموری کلان‌تر و مهم‌تر از این موضوع بپردازند.

ب- دریافت عوارض از صنوف و ارائه‌دهندگان خدمات محلی یکی از منابع تأمین اعتبار شهرداری‌هاست که از بودجه ملی و دولتی هیچ سهمی نمی‌برند و تماماً بودجه مورد نیاز خود را در حداقل ممکن از محل همین عوارض محلی تأمین می‌کنند و این وجوه بنا بر الزام قانونی به‌طور تمام و کمال در محدوده همین شهر و برای کلیه شهروندان هزینه می‌شود. به‌بیان‌دیگر شهرداری‌ها با مشارکت شهروندان اداره می‌شوند و هر دو نسبت به هم ارتباط متقابل دارند.

شهر از شهروندان است و شهرداری نیز نگهدارنده شهر است. واحدهای صنفی در هر شهری یکی از

استوانه‌ای شهر هستند و همان‌طور که خدمات می‌برند، عوارض نیز پرداخت می‌کنند، هیأت وزیران در آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، شهرک و بخش (موضوع قانون شوراهای مصوب ۱۳۷۵) که در تاریخ ۱۳۷۸/۷/۷ مصوب کرده است، در ماده ۳ این آیین‌نامه، اماکن، واحدهای صنفی، تولیدی خدماتی، صنعتی و ... را که در محدوده شهر استقرار دارند (محدوده قانونی) یکی از منابع اصلی تأمین درآمدهای شهرداری‌ها با پرداخت عوارض برشمرده است و این ادعا که شاکه در جایی بیان داشته که شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر حق برقراری و وصول عوارض برای صنوف را ندارند، امری است موهوم و بی‌پایه و اساس. عوارض برقرار شده برای واحدهای صنفی سال‌های سال است در سراسر کشور اجرا می‌شود، خصوصاً در مرکز ایران یعنی تهران بزرگ، شهرداری تهران سالیانه بیش از یکصد میلیارد تومان از محل عوارض کسب و پیشه صنوف که شامل عوارض افتتاحیه نیز می‌شود درآمد دارد، درحالی‌که در بودجه شهرداری شهرکرد این رقم به نیم میلیارد تومان هم نمی‌رسد و متأسفانه واحدهای صنفی شهرکرد همکاری لازم را با شهرداری معمول نمی‌کنند و همواره از پرداخت عوارض شانه خالی می‌نمایند مگر وقتی که کارشان در شهرداری معطل بماند و آن موقع چون عموماً با مطالبات سال‌های گذشته شهرداری نیز مواجه می‌شوند فریاد اعتراض بلند می‌کنند.

نکته دیگر که اتحادیه پوشاک شهرکرد نسبت به آن اعتراض و تأمل نموده، دریافت عوارض افتتاحیه کسب توسط شهرداری به تعداد متعدد می‌باشد درحالی‌که عوارض افتتاحیه فقط یک‌بار و هنگام صدور پروانه کسب قابل دریافت است که در پاسخ باید گفت: این حرف که عوارض افتتاحیه هنگام صدور پروانه باید دریافت شود کاملاً درست است و شهرداری هیچ‌گاه این عوارض را بیش از یک‌بار دریافت نمی‌کند چون همان‌طور که از نامش پیداست عوارض افتتاحیه کسب نام دارد و با عوارضی که صنوف به‌طور سالیانه باید پرداخت کنند تفاوت دارد، لیکن شهرداری در مقابل دریافت هرگونه وجهی، رسید پرداخت عوارض به مؤدی ارائه می‌نماید، خصوصاً وقتی این وجوه از طریق بانک و در قالب قبوض ویژه دریافت می‌شوند که یک نسخه از آن در بانک، یک نسخه تحویل مؤدی و یک نسخه نیز در پرونده واحد صنفی در شهرداری ضبط و نگهداری می‌شود و ضمناً در سامانه رایانه‌ای شهرداری در قسمت کسب و پیشه هم ثبت می‌شوند و به همین دلیل آن را گریزی نیست اما این ادعا که هنگام صدور پروانه و افتتاح واحد صنفی، عوارض افتتاحیه پرداخت شده است، خیلی ادعای متقنی نیست زیرا در گذشته و در یک برهه زمانی به‌صورت فراگیر و در برهه‌های دیگر به‌صورت موردی، تعداد چشم‌گیری پروانه کسب موقت و حتی دائم توسط مجمع امور صنفی و اتحادیه‌های مربوط بدون طی مراحل قانونی در شهرداری و پرداخت عوارض برای متقاضیان کسب صادر شد که هیچ‌کدام برگ یا رسید عوارضی از شهرداری در اختیار نداشتند و در سیستم شهرداری نیز قبضه به ثبت نرسیده بود و این‌گونه واحدها بدون پرداخت حقوق شهر به کار و فعالیت پرداختند لیکن به‌مرور زمان که برای تمدید پروانه کسب، جابجایی واحد صنفی یا امور مربوط به ملک محل کسب مجبور به مراجعه به شهرداری می‌شدند با مطالبات شهرداری بابت عوارض کسب و پیشه و افتتاحیه مواجه می‌گردیدند و بدون شک عوارض مورد طلب شهرداری، حق شهرداری بوده و مؤدی نباید از پرداخت آن شانه خالی کند، بدیهی است در صورتی که صاحب پروانه یا صاحب‌ملک بتواند مستند یا برگ رسید پرداخت عوارض مزبور را ارائه نماید، شهرداری حق مطالبه مجدد عوارض افتتاحیه را نخواهد داشت و معمولاً هم همین‌طور است لیکن اگر چنین موردی اتفاق افتاده که با وجود قبض رسید عوارض، شهرداری دریافت مجدد آن را طلب کرد موضوع از طریق شورای اسلامی شهر که دستگاه ناظر بر امور شهرداری است و یا کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری قابل پیگرد و اصلاح می‌باشد و لزومی برای طرح دادخواست در دیوان عدالت اداری که یک پروسه زمان‌بر خواهد بود دیده نمی‌شود، علی‌ای حال از

محضر قضات و مستشاران و خبره هیأت عمومی دیوان صدور رأی مبتنی بر حمایت از شهرداری که به عموم مردم تعلق دارد را استدعا داریم."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

هر چند در بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده وضع عوارض جزء وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهرها بوده است، لکن عوارض افتتاح علاوه بر سایر عوارض قانونی است مثل عوارض احداث بنا، پذیره و غیره و در آراء مربوط به بانکها نیز عوارض افتتاح بر بانکها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین مصوبه مورد شکایت، مبنی بر وضع عوارض افتتاح، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

مرتضی علی اشراقی

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۵ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۱۱

کلاس پرونده: ۹۶/۴۰۹

**موضوع:** ابطال جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۸ در خصوص عوارض تبدیل عوارض کسب و پیشه حرف پزشکی در سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ و ابطال مواد ۴۷ و ۴۸ تعرفه عوارض شهرداری کرمانشاه در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در خصوص عوارض حرف پزشکی

شاکی: آقای منصور تاجری

### گردش کار:

شاکی به‌موجب درخواستی که به شماره ۱۳۹۶/۳/۱-۹۰۰۰/۲۱۱/۳۶۷۸۶/۲۰۰ ثبت دبیرخانه حوزه ریاست دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: "ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام و احترام شهرداری کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲۸ بر خلاف بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شهرداری‌ها و تبصره ۱ ماده ۵ قانون تجمیع عوارض، عوارض کسب حرفه پزشکی سال‌های قبل یعنی ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ را ده برابر و عوارض سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ را بیش از ۳۳٪ افزایش داده است. با استناد به موارد مطروحه یعنی تبصره ۱ ماده ۵ قانون تجمیع عوارض که اعلام می‌کند عوارض محلی جدید یا افزایش آن تا ۱۵ بهمن هر سال تصویب و اعلام عمومی گردد. درحالی‌که شهرداری سال ۱۳۹۳ عوارض سال‌های قبل (۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲) را اعلام می‌کند و نیز به استناد بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شهرداری‌ها که اعلام می‌کند عوارض محلی با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌گردد صورت می‌پذیرد درحالی‌که شهرداری کرمانشاه بدون در نظر گرفتن این بند قانونی عوارض را ده برابر اعلام می‌کند. لذا این‌جانب منصور تاجری درخواست ابطال مصوبه ۱۳۹۳/۳/۲۸ شهرداری و ابطال ماده ۴۷ و ۴۸ عوارض کسب و پیشه پزشکی سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ را دارم."

متن تعرفه‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۸ (مشاغل) حرفه پزشکی در سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲:  
"جلسه‌ای در مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۸ در خصوص تعدیل عوارض کسب و پیشه (مشاغل) حرفه پزشکی برای سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تشکیل و مقرر گردید:

بر اساس پایه قیمت سال ۱۳۸۹ برای سال‌های فوق ۱۰ (ده) برابر گردد. به‌عنوان مثال: پزشک متخصص سال ۱۳۸۹ - ۶۰۰/۰۰۰ ریال پزشک متخصص سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ - ۶۰۰۰/۰۰۰ ریال محاسبه گردد. تبصره: ابلاغ مصوبه به نظام پزشکی به مدت سه ماه مصوبه فوق معتبر بوده و در صورت عدم تصفیه بدهی سال‌های فوق، این توافقنامه از درجه اعتبار ساقط می‌گردد."

ب) تعرفه عوارض (ساختمانی، محلی، صنوف) شهرداری کرمانشاه در سال ۱۳۹۳: "ماده ۴۷: عوارض حرف پزشکی شامل عوارض مطب پزشکان، بیمارستان‌های دولتی و خصوصی و کلینیک‌های دولتی و خصوصی

| ردیف | شرح   | عوارض سالیانه خصوصی (به ریال) | عوارض سالیانه دولتی (به ریال) |
|------|---|-------------------------------|-------------------------------|
| ۱    | بیمارستان‌های (تخصصی)                                       | ۱۴۴/۰۰۰/۰۰۰                   | ۲۸۸/۰۰۰/۰۰۰                   |
| ۲    | بیمارستان‌های (عمومی)                                       | ۷۲/۰۰۰/۰۰۰                    | ۱۴۴/۰۰۰/۰۰۰                   |
| ۳    | درمانگاه و کلینیک‌های درمانی (تخصصی)                        | ۴۳/۰۰۰/۰۰۰                    | ۸۶/۰۰۰/۰۰۰                    |
| ۴    | درمانگاه و کلینیک‌های درمانی (عمومی)                        | ۲۹/۰۰۰/۰۰۰                    | ۴۲/۰۰۰/۰۰۰                    |
| ۵    | مطب پزشکان فوق تخصص   | ۱۸/۰۰۰/۰۰۰                    | -                             |
| ۶    | مطب پزشکان متخصص  | ۱۲/۰۰۰/۰۰۰                    | -                             |
| ۷    | مطب پزشکان عمومی  | ۵/۰۰۰/۰۰۰                     | -                             |
| ۸    | مطب دندانپزشکان   | ۷/۵۰۰/۰۰۰                     | -                             |
| ۹    | مطب دندان‌سازان تجربی                                       | ۵/۰۰۰/۰۰۰                     | -                             |
| ۱۰   | تزیینات و پانسمان   | ۳/۵۰۰/۰۰۰                     | -                             |
| ۱۱   | آزمایشگاه‌های طبی، رادیولوژی                                | ۱۴/۵۰۰/۰۰۰                    | ۲۹/۰۰۰/۰۰۰                    |
| ۱۲   | مطب و کلینیک‌های دامپزشکی                                   | ۳/۵۰۰/۰۰۰                     | ۷/۰۰۰/۰۰۰                     |
| ۱۳   | داروخانه‌های روزانه   | ۱۸/۰۰۰/۰۰۰                    | ۳۶/۰۰۰/۰۰۰                    |
| ۱۴   | داروخانه‌های شبانه‌روزی                                     | ۲۴/۰۰۰/۰۰۰                    | ۴۸/۰۰۰/۰۰۰                    |
| ۱۵   | سایر موارد پزشکی (تغذیه، اپتیمتر، ماماها، فیزیوتراپی و ...) | ۳/۵۰۰/۰۰۰                     | -                             |
| ۱۶   | مؤسسات خدمات پرستاری  | ۱۲/۰۰۰/۰۰۰                    | ۲۴/۰۰۰/۰۰۰                    |

تعرفه تصویبی عوارض محلی، ساختمانی، صنوف و بهای خدمات شهرداری کرمانشاه در سال ۱۳۹۴:  
 "ماده ۴۸ عوارض حرف پزشکی شامل عوارض مطب پزشکان، بیمارستان‌های دولتی و خصوصی و کلینیک‌های دولتی و خصوصی

| ردیف | شرح   | عوارض سالیانه<br>خصوصی (به ریال) | عوارض سالیانه<br>دولتی (به ریال) |
|------|---|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱    | بیمارستان‌های (تخصصی)                                       | ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰                      | ۲/۰۰۰/۰۰۰                        |
| ۲    | بیمارستان‌های (عمومی)                                       | ۶۰/۰۰۰/۰۰۰                       | ۳/۰۰۰/۰۰۰                        |
| ۳    | درمانگاه و کلینیک‌های درمانی (تخصصی)                        | ۳۶/۰۰۰/۰۰۰                       | ۷۲/۰۰۰/۰۰۰                       |
| ۴    | درمانگاه و کلینیک‌های درمانی (عمومی)                        | ۲۴/۰۰۰/۰۰۰                       | ۳۸/۰۰۰/۰۰۰                       |
| ۵    | مطب پزشکان فوق تخصص   | ۱۵/۰۰۰/۰۰۰                       | -                                |
| ۶    | مطب پزشکان متخصص  | ۱۰/۰۰۰/۰۰۰                       | -                                |
| ۷    | مطب پزشکان عمومی  | ۴/۰۰۰/۰۰۰                        | -                                |
| ۸    | مطب دندانپزشکان   | ۶/۰۰۰/۰۰۰                        | -                                |
| ۹    | مطب دندان‌سازان تجربی                                       | ۴/۰۰۰/۰۰۰                        | -                                |
| ۱۰   | تزریقات و پانسمان   | ۳/۰۰۰/۰۰۰                        | -                                |
| ۱۱   | آزمایشگاه‌های طبی، رادیولوژی                                | ۱۲/۰۰۰/۰۰۰                       | ۲۴/۰۰۰/۰۰۰                       |
| ۱۲   | مطب و کلینیک‌های دامپزشکی                                   | ۳/۰۰۰/۰۰۰                        | ۶/۰۰۰/۰۰۰                        |
| ۱۳   | داروخانه‌های روزانه   | ۱۵/۰۰۰/۰۰۰                       | ۲۰/۰۰۰/۰۰۰                       |
| ۱۴   | داروخانه‌های شبانه‌روزی                                     | ۲۰/۰۰۰/۰۰۰                       | ۲۰/۰۰۰/۰۰۰                       |
| ۱۵   | سایر موارد پزشکی (تغذیه، اپتیمتر، ماماها، فیزیوتراپی و ...) | ۳/۰۰۰/۰۰۰                        | -                                |
| ۱۶   | مؤسسات خدمات پرستاری  | ۱۰/۰۰۰/۰۰۰                       | ۲۰/۰۰۰/۰۰۰                       |

تبصره ۱: عوارض حرف پزشکی در مرکز شهر (محدوده بافت قدیمی و تاریخ) علی‌رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضمائم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف- نظر به اینکه مطابق حکم تبصره ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ شورای اسلامی شهر و بخش برای وضع عوارض برای اجراء در سال بعد صلاحیت دارند، مصوبه سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر کرمانشاه ناظر بر برقراری عوارض برای سال‌های ماقبل یعنی ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب- با توجه به اختلاف غیرقابل‌توجیه افزایش ۳۳ درصد میزان عوارض سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بدون استناد و رعایت ضوابط و اهداف و سیاست‌های اقتصادی دولت، ابلاغی از جانب وزارت کشور مصرح در بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی آن، ماده ۴۷ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۳ و ماده ۴۸ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر کرمانشاه مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراق

ی معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۹ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۹۴۶

کلاسه پرونده: ۹۵/۱۳۹۳

**موضوع:** عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۱۱-د/۵۰۰/۱۷۲۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص نقل و انتقالات دانشجویان)

### شاکي: خانم فریده جعفری

#### گردش کار:

۱- معاون آموزشی و دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب نامه شماره ۱۳۹۴/۶/۱۰-د/۵۰۰/۱۶۸۷ در موضوع نقل و انتقالات دانشجویان پیشنهادی به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارائه می‌کند و وزیر بهداشت در ۱۳۹۴/۶/۱۱ مقرر می‌دارد با نظر موافق اقدام شود.

۲- معاون آموزشی و دبیر شورای آموزش پزشکی طی بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۱۱-د/۵۰۰/۱۷۲۶ مفاد نامه پیشنهادی مذکور و موافقت وزیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را به روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ابلاغ می‌کند.

۳- خانم فریده جعفری یخفروزان ابطال بخشنامه اخیرالذکر را از دیوان عدالت اداری درخواست می‌کند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

#### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه به موجب بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۱۱-د/۵۰۰/۱۷۲۶ معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی، موافقت ۱۳۹۴/۶/۱۱ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با پیشنهاد شماره ۱۳۹۴/۶/۱۰-د/۵۰۰/۱۶۸۷ معاون آموزشی و دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی، به دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی سراسر کشور ابلاغ شده است و موافقت ۱۳۹۴/۶/۱۱ وزیر بهداشت با مفاد نامه شماره ۱۳۹۴/۶/۱۰-د/۵۰۰/۱۶۸۷ دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی، پیش‌ازاین در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۱۶۸ الی ۱۷۳-۱۳۹۶/۳/۲ ابطال شده است، بنابراین بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۱۱-د/۵۰۰/۱۷۲۶ چون فقط در مقام اعلام مفاد موافقت‌نامه وزیر بهداشت است و مستقلاً واجد قاعده آمره مستقل نیست و موضوع موافقت وزیر بهداشت

نیز منتفی شده است، بنابراین به لحاظ انتفای موضوع و بلااثر شدن بخشنامه ۱۳۹۴/۶/۱۱-۵/۵۰۰/۱۷۲۶ موضوع قابل طرح و بررسی و امعان نظر در هیأت عمومی تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - تأسیس مؤسسات پزشکی

تاریخ: ۱۹ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۵۳

کلاس پرونده: ۹۵/۱۶۴

**موضوع:** ابطال تبصره‌های ۱ و ۲ بند (۷-۵) ماده ۵ آئین‌نامه اجرایی ساماندهی نصب تابلو و تبلیغات شهری شهر اراک مصوب شورای اسلامی شهر اراک (مرتبط با تابلو معرف محل اشتغال پزشکان)

**شاکي:** آقای جمشید زند

### گردش کار:

شاکي به‌موجب دادخواستی ابطال تبصره‌های ۱ و ۲ بند (۷-۵) ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ساماندهی نصب تابلو و تبلیغات شهری شهر اراک موضوع مصوبه شماره ۱۳۹۳/۲/۶-ش/۹۳/۱۴۰ شورای اسلامی شهر اراک را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "احتراماً، به استحضار عالی می‌رساند: شورای اسلامی شهر اراک، مصوبه‌ای تحت عنوان "صلاحیه مصوبه چگونگی اخذ هزینه تبلیغات محیطی سالانه از تابلوهای منصوب صنفی در شهر اراک" وضع کرده است که بر اساس ماده ۵ بند ۷-۵ و تبصره‌های ۱ و ۲ آن تابلوهای منصوبه بر سر درب واحدهای صنفی و ... تا سقف ۴ متر، در صورتی که تابلوهای مذکور جنبه تبلیغاتی نداشته باشند، از عوارض تابلو معاف و در غیر این صورت مکلف به پرداخت عوارض تابلو هستند و در صورتی که مساحت هر یک از تابلوها از میزان تعیین شده، تجاوز نماید مشمول عوارض بر مبنای مزاد بر استاندارد تابلو می‌باشند؛ که بنا به دلایل مشروحه ذیل استدعای ابطال آن را در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری دارد.

۱- تابلوی سر درب مغازه‌ها و واحدهای صنفی صرفاً تابلوی نام و معرف شخصیت حقوقی و محل ارائه خدمات آنان بوده و متضمن تبلیغی در زمینه خدمات مزبور نیست و نباید با آن‌ها همان برخوردی شود که با تابلوهای تبلیغاتی می‌شود. پرداخت هزینه جهت نصب تابلوهای تبلیغاتی امری بدیهی است لکن نصب تابلوی معرف یک ضرورت عقلی و قانونی است و نباید مبنای پرداخت عوارض قرار گیرد. گذشته از آن نصب تابلوی معرف یک تکلیف قانونی برای اشخاص حقیقی و حقوقی است.

۲- اساساً شهرداری در خصوص نصب تابلو، خدماتی ارائه نمی‌کند تا ذی‌حق به دریافت بهای آن (عوارض یا بهای خدمات در اجرای بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها) باشد. خواه تابلوی منصوبه ۳ متر باشد یا بیشتر.

۳- برابر دادنامه شماره ۱۳۹۴/۳/۲۵-۸۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رابطه با مصوبه شورای اسلامی شهر تهران در مورد موضوع مشابه و عین مصوبه شورای شهر اراک رأی به ابطال مصوبه صادر شده است لازم به توضیح است آیین‌نامه فوق‌الذکر عیناً از شهرداری تهران کپی شده و صرفاً برخی از بندهای آن جایجا شده.



شورای اسلامی کلان‌شهر اراک پیرامون دریافت اخذ عوارض تابلوهای منصوبه بر سر درب بانک‌ها و واحدهای صنفی، صرف‌نظر از اینکه شکایت شاکي متوجه شورای اسلامی شهر اراک بوده و دفاع مقتضی از سوی شورای مذکور تقدیم آن مرجع می‌گردد و با اینکه درهرحال دادخواست نامبرده صرفاً به شورا ابلاغ شده لیکن شهرداری به‌محض اطلاع از دادخواست مشارالیه و در جهت تشریح واقعیات امر به استحضار می‌رساند اولاً: برخلاف ادعای شاکي، دادنامه شماره ۳۶۲-۱۳۹۲/۵/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری متضمن ابطال عوارض تابلو می‌باشد که برابر آن وضع عوارض برای تابلوهای معرف اماکن صنفی مغایر قانون اعلام و ابطال گردیده حال آن‌که تعرفه موضوع شکایت در پرونده جاری ناظر به عوارض برای تابلوهای تبلیغاتی می‌باشد که بدین ترتیب نسبت به رأی شماره ۳۶۲-۱۳۹۲/۵/۲۱ خروج موضوعی دارد، بدیهی است با توجه به متفاوت بودن ماهیت عوارض موصوف، موضوع از مصادیق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری خارج می‌باشد، همچنین در این خصوص شایسته ذکر است سازمان زیباسازی از مؤسسات تابعه شهرداری بوده که بر اساس مفاد اساسنامه شخصت حقوقی مستقل از شهرداری داشته که بدین ترتیب با توجه به ساختار سازمان یاد شده صلاحیت هیأت عمومی دیوان در رسیدگی به شکایات از تصمیمات سازمان مذکور محل تردید می‌باشد که بهترین دلیل مؤید این موضوع که هم‌اکنون در دسترس این شهرداری می‌باشد دادنامه پیوست صادره از شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری در پرونده کلاسه ۹۰۰۴۱۴ می‌باشد که برابر آن شعبه ۱۳ دیوان به شکایت سازمان اتوبوسرانی شهرداری اراک نسبت به رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی رسیدگی و صرف‌نظر از نتیجه رسیدگی با ورود به ماهیت دعوی مبادرت به اتخاذ تصمیم نموده که نکته قابل توجه آن است که اگر سازمان اتوبوسرانی که همچون سازمان زیباسازی از نظر شعبه دیوان همانند شهرداری از واحدهای موضوع ماده ۱۰ از سازمان‌های تابعه شهرداری می‌باشد از دستگاه‌های اجرایی تلقی می‌شد با در نظر گرفتن این موضوع که دستگاه‌های اجرایی امکان طرح دعوی در شعب دیوان عدالت اداری را ندارند مبادرت به ورود به ماهیت دعوی نمی‌نمود. ثالثاً: و صرف‌نظر از مراتب فوق، آیین‌نامه موضوع شکایت از سوی سازمان زیباسازی در اجرای تعرفه مصوب شورا و منطبق با موازین قانونی تهیه گردیده و مفاد آن به‌هیچ‌وجه متضمن وصول عوارض برای تابلوهای غیر تبلیغاتی نیست بدین وصف که برابر بند ۲ ماده ۵ آیین‌نامه مذکور، تابلوهای مربوط به اتحادیه‌های صنفی و مؤسسات به مساحت حداکثر ۲ مترمربع به‌شرط آن‌که کالا یا خدمات خاصی را تبلیغ نمایند، از پرداخت عوارض معاف می‌باشند. رابعاً: با توجه به مفهوم مخالف رأی شماره ۱۲۳۰-۱۳۹۵/۱۱/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مضبوط در پرونده کلاسه ۳۳۱/۹۵ و آراء قبلی هیأت عمومی، وضع عوارض برای تابلوهایی که متضمن تبلیغات می‌باشد مجاز بوده و بر همین اساس شورای اسلامی کلان‌شهر اراک نیز با در نظر گرفتن مفاد رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به‌موجب تبصره ۲ تعرفه شماره ۵ فصل چهارم مقرر نموده‌امکن تجاری، خدماتی، پزشکان و واحدهای صنفی، مؤسسات خیریه، مساجد و تکایا در صورتی‌که در آن‌ها به تعداد فقط یک تابلوی معرف شغل و مطابق ضوابط آیین‌نامه سازمان‌دهی تبلیغات شهری اراک و مبین استقرار محل فعالیت نصب شده باشد از پرداخت عوارض معاف می‌باشند، بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌نمایند، شورای اسلامی کلان‌شهر اراک صرفاً برای تابلوهایی که متضمن تبلیغات بوده مبادرت به وضع عوارض نموده و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در رأی شماره ۱۲۳۰-۱۳۹۵/۱۱/۱۹ صرفاً وضع عوارض برای تابلوهای غیر تبلیغاتی را ابطال کرده است و آیین‌نامه مورد شکایت نیز در همین راستا تصویب آیین‌نامه مورد شکایت بین تابلوهای تبلیغاتی و غیر تبلیغاتی تفکیک گذارده‌اند. نهایتاً با عنایت به مراتب یاد شده و مستنداً به بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و با عنایت به اینکه عوارض موضوع شکایت در قانون مالیات بر ارزش‌افزوده پیش‌بینی نشده است و در قانون یاد شده مبادرت به تعیین عوارض نمایند، استدعای صدور رأی مبنی بر رد شکایت مطروحه را از آن مرجع می‌نماید."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به آراء قبلی هیأت عمومی از جمله رأی شماره ۳۶۲-۱۳۹۲/۵/۲۱، شورای اسلامی شهر حق وضع عوارض برای تابلوهای معرف محل را ندارند. البته این حق برای شورای اسلامی شهر وجود دارد که برای نصب تابلو ضابطه و اندازه تعیین کند و اخذ عوارض برای مازاد مساحت تابلو معرف، خارج از اختیارات شورای اسلامی شهر است، بنابراین تبصره‌های ۱ و ۲ بند ۷-۵ ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی نصب تابلو مصوبه شماره ۹۳/۱۴۰/ش-۱۳۹۳/۲/۶ شورای اسلامی شهر اراک، خارج از اختیارات شورای اسلامی شهر تصویب شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۹ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۴۶

کلاس پرونده: ۹۵/۷۸۲

**موضوع:** عدم ابطال ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۲۴۶/ت/۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران (در خصوص شهریه تحصیلی مشمولین شاغل به تحصیل در واحدهای پردیس خودگردان و بین‌الملل داخل دانشگاه‌های دولتی یا غیردولتی)

**شاکي:** خانم مطهره حسینی با وکالت آقای مهدی رحیمی

### گردش کار:

آقای مهدی رحیمی به وکالت از خانم مطهره حسینی به‌موجب دادخواستی ابطال ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۲۴۶/ت/۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "این‌جانب مهدی رحیمی به وکالت از خانم مطهره حسینی فرزند علی اکبر حسینی جانباز ۳۰ درصد جنگ تحمیلی، دانشجوی رشته پزشکی واحد بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی تهران که از طریق آزمون سراسری سال ۱۳۹۱ پذیرفته شده و در حال تحصیل می‌باشد با عنایت به اینکه طبق بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، تحصیل جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر و همسر و فرزندان آنان در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی غیردولتی، پیام نور، شبانه دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی و هر موسسه و دانشگاه آموزش عالی شهریه بگیر مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رایگان می‌باشد و شهریه تحصیلی آنان باید توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت گردد. علیرغم قوانین مذکور هیأت وزیران بنا بر پیشنهاد بنیاد شهید و امور ایثارگران طی ماده ۵ مصوبه ۱۳۹۵/۱/۲۵ ابلاغ شده به شماره ۸۲۴۶/ت/۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ میزان پرداخت شهریه دانشجویان ایثارگر شاغل به تحصیل در واحدهای بین‌الملل دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی را حداکثر معادل شهریه همان رشته و مقطع تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی داخل کشور منوط کرده است که مغایر با مصوبات مجلس شورای اسلامی می‌باشد. بر اساس تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران هیأت وزیران باید میزان و شرایط پرداخت شهریه دانشجویان توسط بنیاد به دانشگاه‌ها تعیین نماید، نه اینکه برای گروه خاصی از دانشجویان محدودیت ایجاد کند. چرا که بر اساس قوانین مذکور، دانشجویان واحدهای بین‌الملل داخل کشور نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تحصیل آنان رایگان می‌باشد؛ بنابراین با توجه به اینکه میزان شهریه در واحدهای بین‌الملل از دانشگاه آزاد بیشتر است و در قوانین مذکور دلیلی بر این امر مبنی بر تعیین میزان شهریه همان رشته در دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان

مبنای پرداخت شهریه تحصیلی مضمولان بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد، تقاضای حذف و ابطال ماده ۵ مصوبه ۱۳۹۵/۱/۲۵ هیأت وزیران ابلاغ شده به شماره ۸۲۴۶/ت ۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ و الزام به پرداخت صد در صد شهریه تحصیلی موکل بنده از نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ تاکنون را دارم."

متن آیین‌نامه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است: "ماده ۵- شهریه تحصیلی مضمولین شاغل به تحصیل در واحدهای پردیس خودگردان و بین‌الملل داخل دانشگاه‌های دولتی یا غیردولتی، حداکثر معادل شهریه همان رشته و مقطع تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی داخل کشور محاسبه و پرداخت می‌شود و باقیمانده شهریه بر عهده دانشجو است."

علیرغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

در ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ بنیاد شهید و امور ایثارگران موظف است نسبت به تأمین و پرداخت صد در صد هزینه شهریه کلیه دانشجویان شاهد (همسر و فرزندان شهدا)، جانبازان بیست‌وپنج درصد و بالاتر و همسر و فرزندان آن‌ها و آزادگان و همسر و فرزندان آنان که در مؤسسات آموزش عالی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعم از دولتی و غیردولتی به تحصیل مشغول هستند اقدام کند لیکن در تبصره این ماده تعیین رشته‌های تحصیلی مورد نیاز، نوع و میزان و شرایط پرداخت هزینه شهریه دانشجویی به تصویب آیین‌نامه توسط هیأت وزیران موکول شده است. نظر به اینکه در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون فوق‌الذکر، موضوع مصوبه شماره ۸۲۴۶/ت ۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران، شهریه تحصیلی مضمولین شاغل به تحصیل در واحدهای پردیس خودگردان و بین‌الملل داخل دانشگاه‌های دولتی یا غیردولتی حداکثر معادل شهریه همان رشته و مقطع تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی داخل کشور محاسبه و تعیین شده و پرداخت باقیمانده شهریه بر عهده دانشجو قرار گرفته است، این حکم مغایر ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و تبصره ذیل آن نیست زیرا طبق ماده ۶۶ قانون یاد شده و تبصره آن پرداخت صد در صد شهریه بر اساس میزانی که تعیین شده بر عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران است و هیأت وزیران نیز میزان شهریه در واحدهای مصرح در ماده ۵ مصوبه را به میزان شهریه دانشگاه آزاد اسلامی تعیین کرده است، از طرفی حکم مقرر در بند ب ماده ۹۰ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در حال حاضر مجری است نیز قرینه‌ای است بر تأیید حکم مقرر در ماده ۵ آیین‌نامه معترض‌به و با توجه به مراتب، حکم ماده ۵ آیین‌نامه مغایرتی با قوانین موضوعه ندارد و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۱۹ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۴۷

کلاس پرونده: ۹۵/۱۰۶۲

**موضوع:** ابطال بند ۳ گروه ۱۱ آیین‌نامه مشاغل تخصصی و فنی (موضوع ماده ۱۳ قانون نظام صنفی) تحت عنوان ساخت و تعمیر عینک‌های طبی در قسمت ساخت عینک طبی

**شاکي:** آقای افشین محمدی کهرودی

### گردش کار:

آقای افشین محمدی کهرودی به‌موجب دادخواستی ابطال بند ۳ گروه ۱۱ آیین‌نامه مشاغل تخصصی و فنی (موضوع ماده ۱۳ قانون نظام صنفی) تحت عنوان ساخت و تعمیر عینک‌های طبی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "محضر ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ سلام‌علیکم. احتراماً به استحضار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌رساند، وزارت صنعت و معدن بر خلاف قوانین جاری مصوب مجلس شورای اسلامی و در مغایرت صریح با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مجدداً اقدام به تصویب و درج و گنجاندن ساخت عینک طبی در بند ۳ گروه ۱۱ آیین‌نامه مشاغل تخصصی و فنی مصوب ۱۳۹۴/۴/۱۱ و تعریف و ابلاغ کد آیسیک شماره ۵۲۳۸۲۲ تحت عنوان خرده‌فروشی عینک طبی در مشاغل صنفی نموده، درحالی‌که ساخت و فروش عینک طبی بر اساس تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی و بند ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور و آراء شماره ۵۶ الی ۶۴ سال ۱۳۸۳ و ۱۹۹ سال ۱۳۹۴ و آراء شماره ۳۰۳ و ۳۰۴ سال ۱۳۸۵ و آراء ۱۷۵ الی ۱۷۷ سال ۱۳۸۹ عیناً و صراحتاً در زمره حرف و وابسته به پزشکی قلمداد شده و عیناً مصوبه‌ای با همین عنوان (بند ۱ ماده ۲ مصوبه ۳۵۱ هیأت عالی نظارت بر اصناف) در سال ۱۳۸۳ ابطال گردیده و صدور و تمدید پروانه جهت سازندگان و فروشندگان عینک طبی توسط اتحادیه صنفی را خلاف قوانین و مقررات اعلام نموده و آن را در حدود وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دانسته و به استناد بند ۱ ماده ۲ قانون نظام صنفی به جهت قرار گرفتن در شمول قوانین خاص متعدده از شمول قانون نظام امور صنفی مستثنی تشخیص داده شده. با توجه به مقدمه فوق‌الذکر و به استناد دلایل ذیل ساخت و فروش عینک‌های طبی در زمره عینک حرف وابسته پزشکی است و از شمول نظام صنفی مستثنی می‌باشد. لذا ضمن اعلام شکایت ابطال مصوبات وزارت صنعت و معدن و هیأت عالی نظارت را در مورد عینک طبی خواستارم.

دلایل و مستندات:

۱- رأی شماره ۵۶ الی ۶۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: الف: در این رأی اقدام هیأت عالی نظارت در تصویب آیین‌نامه صدور و تمدید پروانه سازندگان و فروشندگان عینک طبی در بند ۱ ماده ۲ مصوبه ۳۵۱ هیأت عالی نظارت غیرقانونی تشخیص و کلیه ضوابط مصوب در این خصوص در مواد ۳ و ۴ نیز ابطال گردیده که عیناً ذکر می‌گردد "با

عنایت به اختصاص صدور پروانه ساخت عینک طبی به مراجع ذیصلاح وزارت بهداشت جهت اپتومتریست‌ها و خروج آنان از شمول قانون نظام صنفی در این خصوص بند ۱ ماده ۲ و تبصره ذیل ماده مزبور و مادتين ۳ و ۴ سیصد و پنجاه و یکمین جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۲ هیأت عالی نظارت بر اصناف کشور به لحاظ تداخل در وظایف و اختیارات خاص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات هیأت عالی نظارت بر اصناف کشور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و شقوق مزبور مستنداً به قسمت ۲ ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد." ب: [آداندنامه شماره ۵۶ الی ۶۴ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری] مبین آن است که ساخت عینک‌های طبی در زمره حرف وابسته به پزشکی قرار گرفته که عیناً ذکر می‌گردد: "حکم صریح مقرر در تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی مصوب ۱۳۷۵ در باب تکلیف کلیه شاغلان حرف وابسته پزشکی که به نحوی دارای موسسه یا دفتر کار هستند و خدماتی از جمله ساخت عینک طبی را ارائه می‌نمایند به شرکت در دوره‌های خاص آموزش مدام و صدور تجدید مجوز یا پروانه کار آنان به ارائه گواهی شرکت در دوره‌های مذکور، مبین آن است که ساخت عینک طبی به حکم قانون‌گذار در زمره حرف وابسته پزشکی قرار گرفته و صدور پروانه اشتغال آنان به حرف مذکور به عهده مراجع ذیصلاح وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

۲- بند ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور در خصوص صدور و تمدید پروانه حرف پزشکی و وابسته به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده. الف: عنوان شده حرف وابسته به پزشکی که به نحوی دارای موسسه و یا دفتر کار می‌باشند و خدماتی مانند ... و ساخت عینک‌های طبی ارائه می‌نمایند، مبین آن است که به حکم قانون‌گذار ساخت و ارائه عینک‌های طبی در زمره حرف وابسته به پزشکی است که عیناً ذکر می‌گردد. کلیه شاغلان حرف وابسته به پزشکی که به نحوی دارای موسسه و دفتر کار هستند و خدماتی مانند مامائی، توان‌بخشی، فیزیوتراپی، ساخت اندام مصنوعی و ساخت عینک طبی ارائه می‌نمایند و کلیه مشمولان قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۳۴ موظف به شرکت در دوره‌های خاص آموزش مداوم هستند و صدور و تجدید مجوز یا پروانه کار آن‌ها منوط به ارائه گواهی شرکت در این دوره‌هاست. ب: ... صدور و تمدید پروانه آنان منوط به ارائه گواهی شرکت در این دوره‌هاست.

۳- بند ۱۴ ماده ۱ قانون وظایف و تشکیلات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: در این ماده قانون‌گذار عیناً صدور پروانه حرف وابسته پزشکی را به وزارت بهداشت واگذار نموده که عیناً ذکر می‌گردد "صدور پروانه اشتغال صاحبان حرف پزشکی و وابسته پزشکی".

۴- بند ۱۴ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون آموزش مداوم مصوب هیأت دولت که صراحتاً ساخت عینک طبی را در زمره حرف وابسته به پزشکی قلمداد نموده که عیناً ذکر می‌گردد "شاغلان حرف وابسته پزشکی نظیر کارشناسان مامایی، کارشناسان فیزیوتراپی، ساخت اندام مصنوعی، ساخت عینک طبی، لیسانس‌های داروسازی، توان‌بخشی، دندان‌سازان تجربی و کلیه مشمولان قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی آن نیز موظف به ارائه گواهی شرکت در دوره‌های آموزش مداوم هستند و پس‌از آن نیز باید هر ۵ سال یک‌بار برای تمدید آن، پس از کسب امتیازهای لازم آموزش مداوم اقدام کنند، در غیر این صورت پروانه اشتغال آن‌ها از درجه اعتبار ساقط می‌شود."

۵- تبصره ماده ۲ قانون نظام صنفی: در این ماده حرف دارای قانون خاص را از شمول آن قانون مستثنی نموده که عیناً ذکر می‌گردد "صنوفی که قانون خاص دارند از شمول این قانون مستثنی می‌باشد قانون خاص قانونی است که بر اساس آن نحوه صدور مجوز فعالیت، تنظیم و تنسيق امور واحدهای ذی‌ربط، نظارت، بازرسی و رسیدگی به تخلفات

افراد و واحدهای تحت پوشش آن به صراحت در متن قانون مربوطه معین می‌شود." چگونگی ممکن است وقتی ساخت و ارائه عینک طبی در موسسه یا دفتر کار عیناً در تبصره ۳ ماده ۱ تبیین شده و محل آن هم با توجه به قانون محل مطب می‌تواند مسکونی نیز باشد (و در تعارض کامل با قانون نظام صنفی که سیستم قیمت‌گذاری دیگری دارد و محل کسب نیز باید تجاری کارگاهی رأی شماره ۱۹۹ سال ۱۳۹۴) مجدداً در این رأی نامه دبیر هیأت عالی نظارت بر اصناف در خصوص لزوم اخذ پروانه کسب جهت ساخت عینک‌های طبی به استناد ادله ذکر شده ابطال گردیده که عیناً ذکر می‌گردد "نظر به اینکه طبق تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی مصوب ۱۳۷۵ ساخت عینک طبی جزء حرف وابسته پزشکی تعریف شده است و بر اساس قسمت اخیر تبصره قانونی مذکور و بند ۱۴ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته است بر اساس حکم تبصره ذیل ماده ۲ قانون نظام صنفی و رأی شماره ۵۶ الی ۶۴-۱۳۸۷/۹/۱۸- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری این‌گونه حرف از شمول احکام کلی قانون نظام صنفی در مورد پروانه اشتغال برای ارائه خدمت خارج می‌باشند، بنابراین معترض‌عنه که مفاداً در قالب قاعده امره عام الشمول ارائه خدمات اپتومتری را که مشمول قانون نظام صنفی دانسته مغایر قوانین فوق‌الذکر است مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، ابطال می‌شود."

۷- رأی ۶۹۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۸۵: الف: صنفی مصوب نمودن ساخت عینک‌های طبی در تعارض کامل با این رأی است چرا که دیوان عالی کشور رأی شعبه دادگاه انقلاب در رسیدگی به پرونده افراد فاقد پروانه به استناد تبصره ۶ ماده ۳ قانون مقررات امور پزشکی را قانونی دانسته و مورد وحدت رویه قرار داده که در صورت اجرای آیین‌نامه مصوب وزیر صنعت و معدن و تجارت این حوزه در مجامع صنفی (و نه در دادگاه انقلاب) مورد بررسی و صدور رأی قرار خواهد گرفت و این موضوع ناقض قوانین و مقررات امور پزشکی و صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به پرونده جرائم حرف وابسته به پزشکی است. ب: در این رأی صراحتاً عنوان شده صدور مجوز بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که عیناً ذکر می‌گردد "تصدی به امر ساخت عینک طبی محتاج الیه به داشتن پروانه کار از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که رأی شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی بر اساس ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است."

۸- طبق تبصره ۶ ماده ۳ قانون و مقررات امور پزشکی و دارویی کشور رسیدگی به تخلفات فعالیت بدون پروانه از وزارت بهداشت بر عهده دادگاه انقلاب است و خارج از حدود و اختیارات مجامع و اتحادیه‌های صنفی است که عیناً ذکر می‌گردد "به جرائم موضوع این قانون در دادگاه انقلاب اسلامی رسیدگی خواهد شد."

۹- رأی شماره ۱۷۵ الی ۱۷۷ سال ۱۳۸۹: در این رأی آرای شعبه ۵ دیوان تا حدی که متضمن ممنوعیت تصدی ساخت و فروش عینک‌های طبی بدون مجوز وزارت بهداشت باشد صحیح و قانونی تشخیص داده شد که عیناً ذکر می‌گردد "دادنامه‌های شماره ۱۸۴۳، ۱۸۴۲ و ۱۸۴۱-۱۳۸۸/۸/۱۶- شعبه ۵ در حدی متضمن ممنوعیت تصدی به ساخت و فروش عینک طبی بدون جواز قانونی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است." ۱۰- رأی شماره ۳۰۳ الی ۳۰۵ سال ۱۳۸۵ که مجدداً رأی شماره ۵۶ الی ۶۴ سال ۱۳۸۳ در خصوص ساخت و فروش عینک طبی مورد تأیید قرار گرفته که عیناً ذکر می‌گردد "با عنایت به اینکه مدلول دادنامه شماره ۵۶ الی ۶۴-۱۳۸۳/۲/۲۷ هیأت عمومی دیوان و سوابق امر و اینکه دادنامه فوق‌الذکر بر اساس تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم

جامعه پزشکی کشور مصوب ۱۳۷۵ صادر شده و به استناد تبصره مزبور ساخت عینک طبی را در زمره حرف وابسته پزشکی اعلام داشته و صدور پروانه اشتغال آنان به حرف مزبور را منوط به صدور پروانه اشتغال توسط مراجع ذیصلاح وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دانسته است و مدلول دادنامه فوق‌الذکر مبتنی بر هدف و حکم مقنن می‌باشد بنابراین موردی برای نقض، تغییر و یا اصلاح آن در اجرای ماده ۵۳ آیین دادرسی دیوان وجود ندارد."

در پایان به استحضار ریاست و قضات و مستشاران می‌رساند به استناد مصوبات وزارت صنعت و معدن، اتحادیه‌های تابع این وزارت از قبل از صدور رأی دیوان در سال ۱۳۸۳ اقدام به تعرض به دفاتر کار اپتومتری و صدور حکم پلمپ به شاغلین حرف وابسته به پزشکی دارای پروانه ساخت و فروش عینک طبی از وزارت بهداشت نمودند نیز نمونه‌ای از ادامه تعرضات به قشر دانش‌آموخته اپتومتری می‌باشد که عمدتاً از رتبه‌های بالای کنکور و از فرزندان شهدا و ایثارگران می‌باشند که با فشار عینک‌سازان تجربی صورت می‌پذیرد می‌باشد تقاضا دارم کلیه مصوبات غیرقانونی وزارت صنعت و معدن و هیأت عالی نظارت بر اصناف در خصوص ساخت و فروش عینک‌های طبی را ابطال فرمایید."

متن آیین‌نامه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

"آیین‌نامه مشاغل تخصصی و فنی (موضوع ماده ۱۳) قانون نظام صنفی:

گروه ۱۱

۱- ...

۲- ...

۳- ساخت و تعمیر عینک طبی و آفتابی"

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به‌موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۶۸۴-۱۳۹۵/۱۰/۲۵ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: "مدیرکل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ احتراماً بازگشت به اخطاریه تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ به کلاس پرونده ۱۰۶۲/۹۵ و شماره پرونده ۹۵۰۹۰۵۸۰۰۰۰۰۶۶۴ مبنی بر رفع نقض، عرض می‌دارم که این‌جانب تقاضای ابطال بند ۳ گروه ۱۱ از آیین‌نامه مشاغل تخصصی و فنی (موضوع ماده ۱۲ قانون نظام صنفی) را دارم. با توجه به اینکه دیوان عدالت اداری قبلاً در رأی وحدت رویه هیأت عمومی دخالت اتحادیه عینک‌سازان را در صدور جواز کسب جهت عینک طبی ممنوع و بندهای مربوط را ابطال کرده است لذا تقاضای اعمال ماده ۹۲ و تسریع در بررسی موضوع را دارم."

شاکی متعاقباً به‌موجب لایحه تکمیلی که به شماره ۱۷۶۲-۱۳۹۵/۱۱/۱۶ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

"لایحه تکمیلی مربوط به شکایت کلاس پرونده ۱۰۶۲/۹۵ و شماره پرونده ۹۵۰۹۰۵۸۰۰۰۰۰۶۶۴

نام شاکی: افشین محمدی

خواستار: ابطال بند ۳ ماده ۱۱ آیین‌نامه مشاغل تخصصی (موضوع ماده ۱۳) قانون نظام صنفی چگونه وزارت صنعت و معدن و واحدهای تابعه آن می‌توانند مدعی تصدی فروش خدماتی باشند ولی قیمت‌گذاری و تعرفه‌گذاری آن خدمات در صلاحیت و حدود آن وزارتخانه و واحدهای تابعه آن نباشد؟ و اصولاً دادن اجازه فروش در فقدان قیمت و بدون اختیار و صلاحیت قیمت‌گذاری بی‌معناست.

۱- به استناد تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور و آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و آیین‌نامه اجرایی قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور مصوب هیأت دولت و حتی به اذعان خود وزارت صنعت و معدن ساخت عینک طبی در زمره خدمات وابسته به پزشکی است و صدور پروانه آن نیز بر عهده مراجع ذیصلاح در

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است ولی اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی مدعی فروش آن هستند. علیرغم این موضوع اعلام نموده‌اند فروش با کدام قیمت...؟ و نه تنها تا به حال قیمتی در اصناف و زیرمجموعه‌های مرتبط جهت ساخت عینک طبی مصوب نشده که اصولاً اصناف صلاحیت قانونی برای قیمت‌گذاری و تعیین تعرفه برای هیچ‌کدام از خدمات پزشکی و وابسته و ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی درمانی از جمله ارائه خدمات ساخت عینک طبی نداشته و ندارد و در نهایت جای بسی تعجب و شگفتی است وقتی مرجع صلاحیت‌دار در این خصوص نظام و واحدهای تابعه بهداشت و درمان کشور است و تعرفه‌ای جهت ساخت عینک طبی در نظام صنفی وجود ندارد با کدام ابزار قانونی و چه و کدام کارشناسی و بر چه چیزی اعمال کنترل و نظارت انجام خواهد شد؟

۲- بند الف ماده ۱۰ قانون توسعه دائمی کشور مصوب مجلس شورای اسلامی که عیناً ذکر می‌گردد: "تولیت نظام سلامت شامل سیاست‌گذاری‌های اجرایی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی، اعتبار سنجی و نظارت در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متمرکز می‌گردد. تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی، از جمله ارائه‌دهندگان خدمات سلامت، سازمان‌ها و شرکت‌های بیمه پایه و تکمیلی، موظفند از خط‌مشی و سیاست‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، با تأکید بر خرید راهبردی خدمات و واگذاری امور تصدی‌گری با رعایت ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و سطح‌بندی خدمات، تبعیت کنند، از زمان ابلاغ این قانون سازمان بیمه سلامت از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتزع و با حفظ شخصیت حقوقی و استقلال مالی و تمامی امکانات و بر اساس اساسنامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌شود، اساسنامه این سازمان مطابق با قانون بیمه همگانی و در قالب شرکت دولتی به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد."

۳- بند ۲ ماده ۴ قانون ترکیب و شرح وظایف شورای عالی بیمه سلامت کشور مصوب مجلس شورای اسلامی که عیناً ذکر می‌گردد: "بازنگری سالانه ارزش نسبی و تعیین تعرفه خدمات سلامت کلیه ارائه‌کنندگان خدمات بهداشتی، درمانی و تشخیصی در کشور اعم از دولتی و غیردولتی با رعایت اصل تعادل منابع و مصارف و قیمت‌های واقعی در جهت تقویت رفتارهای مناسب بهداشتی و درمانی و مبانی محاسباتی واحد و یکسان در شرایط رقابتی و بر اساس بند (۸) ماده (۱) و مواد (۸) و (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی مصوب ۱۳۷۳/۸/۳"

۴- بند "ه" ماده ۳۸ قانون پنجم توسعه کشور مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ که عیناً ذکر می‌گردد: "شورای عالی بیمه سلامت مکلف است هر ساله قبل از شروع سال جدید نسبت به بازنگری ارزش نسبی و تعیین تعرفه خدمات سلامت برای کلیه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی، درمان و تشخیص در کشور اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی با رعایت اصل تعادل منابع و مصارف و قیمت واقعی در جهت تقویت رفتارهای مناسب بهداشتی، درمانی و مبانی محاسباتی واحد و یکسان در شرایط رقابتی و بر اساس بند (۸) ماده (۱) و مواد (۸) و (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی اقدام و مراتب را پس از تأیید معاونت جهت تصویب به هیأت وزیران ارائه نماید."

۵- در بند "ز" از ماده ۸۶ قانون برنامه توسعه ششم کشور مصوب سال ۱۳۹۵ که عیناً قید گردیده: "کلیه پزشکان و پیراپزشکان (حرف وابسته به پزشکی) مؤسسات و مراکز ارائه‌دهنده خدمت، دارو و کالاهای سلامت در کشور اعم از دولتی، نهادهای عمومی، نهادهای عمومی، غیردولتی، خصوصی و خیریه موظفند ضمن رعایت تعرفه‌های وزارت بهداشت از خط‌مشی‌های مصوب وزارت بهداشت تبعیت نموده و دریافت هرگونه وجه مازاد بر تعرفه‌های مصوب دولت توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و مؤسسات و مراکز ارائه‌دهنده خدمت دارو و کالاهای سلامت حسب مورد طبق قانون مجازات مربوطه خواهد بود."

بنابراین قانون کلیه شاغلان به حرف وابسته به پزشکی که خدماتی مانند ساخت عینک طبی ارائه می‌نمایند به حکم قانون موظف به رعایت تعرفه‌های ابلاغی وزارت بهداشت می‌باشند و نه تنها هرگونه تعرفه مجامع امور صنفی یا اتحادیه‌های صنفی اصولاً جنبه اجرایی و قانونی نخواهد داشت که اساساً طبق قوانین فوق‌الذکر هرگونه تعرفه مجامع امور صنفی یا اتحادیه‌های بر عینک طبی ساخته شده و ارائه شده به‌عنوان خدمات وابسته به پزشکی در صلاحیت و حدود و اختیارات شورای عالی سلامت و هیأت دولت و وزارت بهداشت است و نه اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی. تعرفه گذاری و تعیین قیمت ارائه خدمات بهداشتی و از جمله کلیه خدمات شاغلان به حرف وابسته به پزشکی از اختیارات خاص شورای عالی بیمه سلامت کشور و هیأت دولت است که طی کتاب تعرفه‌ها به وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی ابلاغ گردیده و در کدهای ۹۰۰۳۷۵، ۹۰۰۳۸۰، ۹۰۰۳۸۵، ۹۰۰۳۹۰ و ۹۰۰۴۰۰ تعرفه مربوط به قیمت تک کانونه، دو کانونه و بیشتر قید گردیده و هر ساله توسط هیأت دولت تصویب و به وزارت بهداشت و نظام پزشکی ابلاغ می‌گردد.

چگونه فروش خدمات وابسته به پزشکی صنفی فرض گردد ولی تحت پوشش بیمه‌های خدماتی درمانی قرار گیرد؟ اتحادیه‌ها و مجامع صنفی و وزارت صنعت و معدن ناشی از خواست و منفعت‌طلبی خود و بدون توجه به حقوق عامه مردم صنفی بودن فروش را مطرح می‌نمایند درحالی‌که خریداران این خدمات از نیروهای مسلح گرفته تا بازنشستگان و کارمندان و قضات قوه قضاییه و کارمندان دادگستری کارگران و کارفرمایان کارمندان بانک‌ها و نمایندگان مجلس ... و ده‌ها میلیون ایرانی جهت خرید عینک طبی تحت پوشش و حمایت بیمه‌های خدمات درمانی طبی هستند و صنفی تلقی نمودن فروش عینک طبی مستلزم خروج این خدمات از پوشش بیمه‌های درمانی کشور و محروم کردن کلیه شهروندان از فرانشیز خرید عینک طبی است و چنین چیزی غیرمنطقی و غیرقابل‌پذیرش است و سؤال بنده از کلیت وزارت صنعت و اتحادیه‌ها و مجامع صنفی مدعی تولید فروش عینک طبی این است که درحالی‌که وزارت صنعت و معدن و واحدهای تابعه صلاحیت و اختیار قانونی تعرفه گذاری و قیمت‌گذاری خدمات حرف وابسته به پزشکی را ندارد، جایی برای صحبت از تصدی فروش این خدمات در واحدهای زیرمجموعه وزارت صنعت و معدن باقی می‌نماند؟ و آیا اصولاً فکری و اندیشه‌ای برای محروم کردن ده‌ها میلیون نفر ایرانی که نیازمند درمان و گرفتن فرانشیز این خدمات از بیمه‌های درمانی هستند شده است؟ مسئولین وزارت صنعت و معدن مستحضرند که بیمه‌های درمانی برای خرید خدمات صنفی (حبوبات، مصالح ساختمانی، اغذیه و ...) فرانشیزی پرداخت نمی‌نمایند.

ریاست و قضات و مستشاران هیأت عمومی، ساخت عینک‌های طبی به استناد قوانین و مقررات امور پزشکی و آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در زمره خدمات وابسته به پزشکی است و هرگونه قیمت‌گذاری و تعرفه گذاری بر آن نیز به مانند سایر خدمات بهداشتی درمانی و به استناد ماده ۱۰ قانون لایحه توسعه دائمی کشور از اختیارات خاص شورای عالی بیمه سلامت کشور و هیأت دولت است که هر ساله طی کتاب تعرفه سلامت به شورای عالی بیمه سلامت وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی و بیمه‌های درمانی ابلاغ می‌گردد و هرگونه دخالت وزارت صنعت و معدن در قیمت‌گذاری و فروش این خدمات غیرقانونی و خارج از صلاحیت و اختیارات و حدود این وزارتخانه می‌باشد و هیچ ساز کار قانونی در قانون نظام صنفی برای قیمت‌گذاری و تعیین تعرفه ارائه خدمات بهداشتی درمانی جهت هیچ‌کدام از حرف وابسته به پزشکی پیش‌بینی نشده لذا به استناد جمیع دلایل فوق‌مندرج در لایحه اولیه و تکمیلی ابطال مصوبات درخواستی وزارت صنعت مذکور در لایحه مبنی بر دستور صدور پروانه کسب فروش عینک طبی را خواهانم."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس مرکز و دبیر هیأت عالی نظارت به‌موجب لایحه شماره ۵۲۴/۱۲۰۶۰-۱۳۹۶/۵/۲۳ اعلام کرده است که:

اعلام کرده است که:

"رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

احتراماً، بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۵۰۹۰۵۸۰۰۰۶۶۴-۱۳۹۶/۴/۳- پیرامون دادخواست آقای افشین محمدی کهرودی به خواسته ابطال ردیف (۳) ذیل گروه (۱۱) آیین‌نامه مشاغل تخصصی و فنی موضوع ماده (۳) قانون نظام صنفی، کد آیسیک شماره ۵۲۳۸۲۲ موضوع خرده‌فروشی عینک طبی و همچنین کد آیسیک شماره ۵۲۳۸۲۹ و مشاوره ۵۱۳۶۳۲ موضوع ساخت و یا فروش عینک طبی، بدین‌وسیله مراتب ذیل جهت تشحیذ اذهان قضات تقدیم حضور می‌گردد:

۱- همان‌طور که مستحضرید ماده ۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۲ مجلس شورای اسلامی در تعریف فرد صنفی مقرر می‌دارد (هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید، تبدیل، خرید، فروش، خدمات و خدمات فنی سرمایه‌گذاری کند و به‌عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به‌شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر و یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزئی به مصرف‌کننده عرضه دارد فرد صنفی شناخته می‌شود)

همچنین به‌موجب تبصره ذیل ماده مذکور صنوف دارای قانون خاص از شمول قانون نظام صنفی مستثنی گردیده‌اند. علی‌الاصول عمومیت حکم مقرر در این ماده قابلیت تسری به نحوه فعالیت کلیه صنفی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مبادرت به تولید، تبدیل، خرید، فروش و ارائه خدمات صنفی می‌نمایند را دارد، باین‌حال تبصره ذیل ماده مرقوم، قانون خاص را صرفاً قانون مصوب مجلس شورای اسلامی که ناظر بر نحوه صدور مجوز فعالیت، تنظیم و تنسيق امور واحدهای ذی‌ربط، نظارت، بازرسی، رسیدگی به تخلفات افراد و ... دانسته و صنوف واجد قانون موصوف را از شمول حکم عام مقرر در ماده مذکور خارج و آن را تخصیص داده است.

۲- همچنین بر اساس ماده (۹۱) همان قانون، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت، پروانه تأسیس، بهره‌برداری یا اشتغال از وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها یا شرکت‌های دولتی، سایر دستگاه‌های دولتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است یا نهادهای عمومی غیردولتی هستند چنانچه به‌عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف‌کنندگان مبادرت ورزند، مکلفانند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا پروانه، نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط اقدام کنند با این وصف اشخاص مذکور در این ماده چنانچه مستقیماً به یکی از فعالیت‌های مندرج در ماده (۲) قانون نظام صنفی اشتغال ورزند، مشمول قانون موصوف و مقررات آن خواهند بود، در مانحن فیه علاوه بر صدور مجوز اولیه که در صلاحیت دستگاه‌های ذی‌ربط است، افراد مذکور صنفی و مشمول قوانین و مقررات نظام صنفی بوده و می‌باید نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه صنف مربوطه اقدام نمایند، لیکن این امر مانع اعمال نظارت مقرر در قوانین جاری از سوی هر یک از دستگاه‌های دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی یاد شده بر فعالیت آن‌ها نخواهد بود.

۳- هیأت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور بر اساس مراتب صدرالذکر، در راستای اجرای وظایف و اختیارات مقرر در ماده (۵۵) قانون نظام صنفی و با تجویز از بند (ح) همان ماده نسبت به تعیین صنف فروشندگان و تعمیرکاران عینک طبی و آفتابی اقدام کرده است.

۴- صدور پروانه کسب برای فروشندگان و تعمیرکاران عینک طبی و آفتابی در راستای احکام مندرج در مواد (۲) و (۹۱) قانون نظام صنفی کشور بوده که این امر نیز در جهت انجام وظایف وزارت بازرگانی وقت (صنعت، معدن و تجارت) در زمینه ایجاد نظام اقتصادی هماهنگ و عادلانه در حوزه تولید، توزیع و خدمات تعریف می‌شود. لذا خارج نمودن این موضوع از حوزه کاری وزارتخانه مذکور بر خلاف قواعد تعریف شده قانونی بوده و موجبات هرج‌ومرج اقتصادی و نظارتی

در این حوزه را به وجود خواهد آورد.

۵- مستحضر می‌باشید که رشته بینایی‌سنجی (اپتومتری) که یک حرفه تشخیصی محسوب می‌شود، با حرفه عینک‌فروشی که جزء حرف توزیعی و خدماتی می‌باشد دارای تمایز فاحش بوده و هرگز این دو موضوع در مفاد مکاتبات این مرکز خلط نگردیده است.

۶- رأی شماره ۱۹۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ضمن اشاره به تبصره (۳) ماده (۱) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی مصوب ۱۳۷۵ صرفاً و صرفاً ساخت عینک طبی جزء حرف وابسته پزشکی تعریف شده و بر اساس قسمت اخیر تبصره قانونی مذکور و بند (۱۴) ماده (۱) قانون تشکیلات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صدور پروانه اشتغال به حرف وابسته پزشکی بر عهده وزارتخانه مذکور قرار گرفته است. همچنین هیأت عمومی دیوان در ادامه ضمن اشاره به تبصره ذیل ماده (۲) قانون نظام صنفی این‌گونه حرف را از شمول قانون نظام صنفی خارج بر شمرده است. این در حالی است که مستند به همان تبصره ماده (۲) قانون نظام صنفی کشور اولاً: صنفی که قانون خاص دارند از شمول قانون نظام صنفی خارج بوده و ثانیاً: بر اساس نص صریح همان تبصره قانون خاص قانونی است که بر اساس آن نحوه صدور مجوز فعالیت، تنظیم و تنسيق امور واحدهای ذی‌ربط، نظارت، بازرسی و رسیدگی به تخلفات افراد و واحدهای تحت پوشش آن به صراحت در متن قانون مربوطه معین می‌شود. لذا مشاهده می‌شود که در قوانین مورد استناد در رأی شماره ۱۹۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ‌کدام از موارد قانونی احصاء شده در قانون مؤخر الصدور نظام صنفی کشور وجود نداشته که بر مبنای آن بتوان فروشندگان عینک طبی را از شمول قانون اخیر مستثنی نمود.

۷- در خصوص تمسک خواهان پرونده به دادنامه شماره ۱۹۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و دیگر دادنامه‌های مورد استناد نیز لازم به توضیح است که آراء مذکور صرفاً تصدی به ساخت عینک طبی را مستند به تبصره (۳) ماده (۱) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور محتاج الیه داشتن پروانه کار از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دانسته که این امر نیز افاده در نفی ماعدی نمی‌کند. لذا از این آراء نیز نمی‌توان عدم نیاز به اخذ پروانه صنفی را در حرفه فروشندگان و تعمیرکاران عینک طبی و آفتابی برداشت نمود.

۸- از طرفی همان‌طور که قضات امعان نظر دارند بر اساس دادنامه شماره ۸۷۲-۱۳۸۷/۱۲/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و طبق ماده‌واحد قانون محل مطب پزشکان مصوب ۱۳۶۶، فعالیت شغلی پزشکان و صاحبان حرف وابسته در ساختمان‌های مسکونی و تجاری ملکی و اجاری بلامانع است و به‌موجب قسمت آخر تبصره ذیل بند (۲۴) ماده (۵۵) قانون شهرداری دایر کردن مطب توسط مالک در محل مسکونی از نظر قانون مذکور به‌عنوان استفاده تجاری محسوب نشده است و حسب دادنامه شماره ۵۷۶-۱۳۷۱/۷/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز که در مقام ایجاد وحدت رویه انشاء شده است (اماکن استیجاری مطب پزشکان که برای عرضه خدمت علمی و تخصصی پزشکی و معالجه بیماران مورد استفاده واقع می‌شود، محل کسب و پیشه یا تجارت محسوب نمی‌گردد). در مانحن فیه به دلالت دادنامه موصوف مطب پزشکان و حرف وابسته به پزشکی از جمله اپتومتریست‌ها مادام که مبادرت به بینایی‌سنجی می‌پردازند محل کسب و پیشه تلقی نمی‌شود و بدیهی است فروش عینک در چنین اماکنی مغایر با رأی موصوف و مقررات نظام صنفی می‌باشد.

۹- مستحضرید که دادنامه شماره ۱۹۹-۱۳۹۴/۳/۴ صرفاً دلالت بر خروج فعالان حوزه ساخت عینک طبی از شمول قواعد و مقررات نظام صنفی دارد و بر اساس آن فروشندگان و تعمیرکاران عینک طبی و آفتابی از شمول قانون موصوف خارج نگردیده‌اند و در این راستا چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی مبادرت به فروش یا تعمیر کالای مذکور به مصرف کننده نمایند به دلالت نص صریح ماده (۲) قانون نظام صنفی مکلفانند وفق قانون و مقررات مربوط نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه صنف ذی‌ربط اقدام نمایند از طرفی مفاد دادنامه صدرالذکر جهت اجرا قبلاً طی نامه

شماره ۶۰/۲۷۵۹۵۰-۱۳۹۴/۱۲/۲۶ به سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت سراسر کشور ابلاغ گردیده لکن وزارتخانه متبوع لایحه شماره ۶۰/۱۴۳۶۹۴-۱۳۹۴/۶/۳۰ خطاب به ریاست دیوان عدالت اداری درخواست اعمال ماده (۹۱) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نموده که در حال بررسی در مرجع مذکور می‌باشد.

علی‌ای‌حال آیین‌نامه‌های مورد استناد شاکی در ماهیت فاقد شرایط مقرر در تبصره ذیل ماده (۲) قانون نظام صنفی می‌باشد و از طرفی بر اساس تبصره موصوف آیین‌نامه نمی‌تواند مبنای کافی جهت تخصیص صنف فروشندگان و تعمیرکاران عینک طبی و آفتابی از شمولیت قانون نظام صنفی بر نحوه فعالیت آن‌ها تلقی شود، لذا هر گونه فعالیت واحدهای موصوف تنها در چارچوب قانون نظام صنفی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن و یا اخذ پروانه کسب از اتحادیه ذی‌ربط امکان‌پذیر می‌باشد. در پایان با عنایت به مراتب فوق، رد دادخواست خواهان مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

بر مبنای تبصره ماده ۲ قانون نظام صنفی کشور صنفی که قانون خاص دارند از شمول این قانون مستثنی می‌باشند. قانون خاص قانونی است که بر اساس آن نحوه صدور مجوز فعالیت، تنظیم و تسعیم امور واحدهای ذی‌ربط، نظارت، بازرسی و رسیدگی به تخلفات افراد و واحدهای تحت پوشش آن به صراحت در متن قانون مربوطه معین می‌شود و به‌موجب تبصره سوم قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور، رشته عینک‌سازی جزء حرفه‌های وابسته پزشکی تعریف و احصاء شده است و مطابق بندهای ۱۴ و ۱۶ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب سال ۱۳۶۷، صدور پروانه اشتغال صاحبان حرف پزشکی و تعیین ضوابط مربوط به ارزیابی و نظارت، نظارت و کنترل بر واحدها و مؤسسات بهداشتی و درمانی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی محول شده است و وزارتخانه مذکور بر همین اساس آیین‌نامه‌ای تحت عنوان "آیین‌نامه تأسیس مؤسسات ساخت و فروش عینک طبی" تدوین و ابلاغ نموده است و بر اساس ماده ۲۸ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی مصوب سال ۱۳۸۳، رسیدگی به تخلفات صنفی حرف وابسته به سازمان فوق‌الذکر واگذار شده است. با توجه به مراتب صنف بینایی‌سنجی که اجازه ساخت عینک طبی را دارند از شمول قانون نظام صنفی خارج است و بند ۳ گروه ۱۱ آیین‌نامه مورد شکایت فقط در قسمت ساخت عینک طبی، مغایر قوانین فوق‌الذکر تشخیص شد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۱۹ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۵۲

کلاس پرونده: ۹۶/۱۷۸

**موضوع:** عدم ابطال مصوبه شماره ۱۳۹۴/۹/۱۷-ص/۹۴/۴۰۷۳ شورای اسلامی شهر شیراز (در خصوص اخذ عوارض محلی شهرداری از کلیه مشمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مشمولین قوانین خاص مثل بانک‌ها، مطب پزشکان، وکلا و غیره)

**شاکي:** بانک صادرات ایران با وکالت آقایان ۱- اویس آشنا و ۲- علی اصغر قائمی

### گردش کار:

آقایان اویس آشنا و علی اصغر قائمی به موجب دادخواستی ابطال مصوبه شماره ۱۳۹۴/۹/۱۷-ص/۹۴/۴۰۷۳ شورای اسلامی شهر شیراز از تاریخ تصویب را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که: "با سلام؛ احتراماً به وکالت از بانک صادرات ایران (سرپرستی استان فارس) مراتب درخواست خویش را به خواسته ابطال مصوبه ۱۳۹۴/۹/۱۷-ص/۹۴/۴۰۷۳ از زمان تصویب آن در بیست و هشتمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر شیراز به تاریخ ۹۲/۷/۲۹ به شرح ذیل به استحضار می‌رساند: مقدمتاً قابل عرض است که شورای اسلامی شهر شیراز به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۵ اقدام به تصویب مصوبه شماره ۱۴۷۳۱ در باب اخذ بهای خدمات از بانک‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه و سایر مؤسسات مالی و اعتباری و دفاتر بیمه‌ای نموده است که مصوبه اخیرالذکر حسب آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۷۲۴ الی ۷۵۹-۱۳۹۱/۱۰/۱۱ بنا به درخواست برخی منتفعین این امر طی دو فقره کلاس ۱۰۵۷/۹۰ و ۱۰۷۴/۹۱ ابطال شده است. همچنین در سال ۱۳۹۲ شورای اسلامی شهر شیراز اقدام به تصویب مصوبه شماره ۳۳۴۸۳-۱۳۹۲/۵/۹ کرده است که بر اساس آن به شهرداری شیراز اجازه داده شده است که نسبت به اخذ بهای خدمات از کلیه بانک‌ها اقدام نماید. علی‌ای حال این مصوبه نیز با همان استدلال مقرر در آراء شماره ۷۲۴ الی ۷۵۹ طی دادنامه‌های شماره ۱۶۸۱ لغایت ۱۷۳۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری محکوم به ابطال گردید. آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح مذکور در خصوص ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر شیراز با این استدلال نگارش و تحریر یافته است که "حوزه فعالیت بانکی غیر محلی و کشوری است" بنابراین مصوبات شوراهای اسلامی شهرها به شرح مندرج در گردش کار خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شوراهای اسلامی تشخیص داده شده است. علی‌ای حال شورای اسلامی شهر شیراز بر خلاف آراء مزبور و در مخالفت صریح و آشکار با قوانین آمرانه قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری اقدام به تصویب مصوبه شماره ۱۳۹۴/۹/۱۷-ص/۹۴/۴۰۷۳ نموده است که مصوبه اخیر نیز در مشابهت کامل با مصوبات باطل شده سابق‌الذکر و در باب تعیین و اخذ بهای خدمات از مؤسسات مالی و اعتباری، بانک‌ها، شرکت‌های خدمات بیمه‌ای و غیره می‌باشد. علی‌ای حال با عنایت به مراتب فوق مصوبه اخیر شورای اسلامی شهر شیراز بنا به دلایل ذیل مخدوش و قابل ابطال می‌باشد:

۱- در این بخش از دفاعیات به برخی از ادله اثباتی تخدیش چنین مصوباتی اشاره می‌شود. الف: وفق بند (ب) ماده ۳۰ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ وضع عوارض برای مؤسسات دولتی از جمله بانکها منوط به تصویب شورای اقتصاد است و شورای اسلامی، بدون مجوز شورای اقتصادی مجاز به تصویب این دسته عوارض نیست. ب: فعالیت بانکها و شعب مختلف آنها در سراسر کشور گسترده است و فعالیت آنها محلی نیست بلکه فعالیت ملی دارند و این در حالی است که وفق تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی وصول و برقراری عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷ شوراهای اسلامی اختیار وضع عوارض محلی را دارند. ج: اختیارات شورای اسلامی شهر در وضع عوارض موضوع بندهای ۱۶ و ۲۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ اصلاحی قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مقید به وضع عوارض محلی جدید حسب شرایط زمانی با رعایت ممنوعیت‌های مذکور در ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و موارد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده می‌باشد و از آنجا فعالیت شعب بانکها ملی تلقی و غیر محلی می‌باشد لذا تعیین وضع عوارض جدید ملی در صلاحیت شورای اسلامی شهر نمی‌باشد. نگاهی به مجموعه ادله فوق که بخشی از مستندات هیأت عمومی دیوان در باب ابطال مصوبات مشابه نیز می‌باشد ذهن را به صحت ادعای موکل در باب ابطال مصوبه جدید سوق می‌دهد لکن آنچه بیش از پیش دلیل ابطال مصوبه اخیرالذکر تلقی می‌شود آن است که مصوبه اخیر در تضاد و تعارض با عموماً مطلق نظر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال مصوبات مشابه سابقه است. لذا در ادامه به استحضار می‌رساند:

۲- نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۱۳۸۳/۱۱۷-۸۳/۳۰/۹۴۸۶ در پاسخ به استفساریه ریاست قوه قضائیه این‌گونه مقرر می‌نماید که "... تصویب مصوبه‌ای به همان مضمون و یا مبتنی بر همان ملاک که موجب ابطال مصوبه شده است مانند وجود مجوز قانونی، بدون اخذ مجوز جدید، بر خلاف نظریه تفسیری شورای نگهبان است." سؤال قابل طرح آن است که آیا شورای اسلامی شیراز در فاصله زمانی ابطال مصوبات اخیر تا زمان تصویب مصوبه جدید (موضوع درخواست ابطال این درخواست) مجوز جدیدی اخذ نموده یا صلاحیت جدید در باب وضع عوارض ملی کسب نموده است؟

۳- صرف‌نظر از مطالب فوق، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی آراء مستند دادخواست تقدیمی، به عدم صلاحیت شورای اسلامی شهر شیراز در تعیین وضع عوارض ملی در خصوص بانکها و مؤسسات مالی اعتباری، اعلام نظر نموده است که با تمسک به آراء موصوف شورای اسلامی شهر شیراز وفق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ملزم به رعایت مفاد آراء هیأت عمومی دیوان در تنظیم و تصویب مصوبات مشابه بعدی خواهد بود. لکن با نگاهی هر چند اجمالی به موضوع هر سه مصوبه اخیر شورای اسلامی شهر شیراز و با عنایت به استعمال واژگان مترادف و مشابه (همچون بهای خدمات، عوارض خدمات و سرانه خدمات) در مصوبات اخیر و نحوه محاسبه عوارض موصوف و هدف‌گذاری شورا در تصویب مصوبات برای تأمین خدمات شهری (همچون فضای سبز و آسفالت و غیره) به نظر می‌رسد که شورا در خصوص تنظیم و تصویب مصوبه موضوع درخواست ابطال به‌هیچ‌عنوان به نظر صائب و لازم‌الاجرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال مصوبات مشابه باطله سابقه، توجهی ننموده است لذا با تمسک به ماده ۹۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال مصوبات مشابه باطله سابقه، توجهی ننموده است لذا با تمسک به ماده ۸۳ همان قانون، تقاضای تشکیل جلسه هیأت عمومی دیوان در اسرع وقت و صدور حکم به ابطال مصوبه ۱۳۹۴/۹/۱۷-ص/۹۴/۴۷۰۳ از تاریخ تصویب آن را دارم."

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"نامه شماره ۱۳۹۳/۵۱۳/ش-۱۳۹۴/۹/۲- فرماندار شهرستان شیراز مبنی بر ایراد به مصوبه شماره ۱۳۹۲/۴/۹۴/ص-۱۳۹۴/۸/۲۰ در خصوص هزینه سالیانه خدمات از کلیه اماکن مورد استفاده فعالان اقتصادی به استثنای مشمولین قانون نظام صنفی و ... پس از وصول و ثبت به شماره ۱۳۹۴/۵۸۴۸/و-۱۳۹۴/۹/۴ دبیرخانه شورا، در یکصد و بیست و هشتمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر شیراز مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۶ با حضور ۱۹ نفر از اعضای شورا مطرح و مستند به مواد ۷۱ و ۸۰ اصلاحی قانون شوراها و با ۱۹ رأی موافق مصوبه شماره ۱۳۹۲/۴/۹۴/ص-۱۳۹۳/۸/۲۰ اصلاحی و طی ماده واحده: در جهت ایجاد درآمد پایدار شهرداری نظر به استفاده فعالان اقتصادی اعم از صاحبان حرف و مشاغل، دفاتر تجاری، مشاغل خدماتی، بنگاه‌های اقتصادی، متصدیان معاملات تجاری، مشمولین قوانین خاص از خدمات شهری از جمله فضای سبز، پارکینگ، آسفالت بلوارها و پیاده‌روها، اتوبوس، آتش‌نشانی و ... در جهت جبران قسمتی از هزینه سرانه، سهم این‌گونه مکان‌ها تحت عنوان هزینه سالیانه به شرح فرمول ذیل محاسبه و از استفاده‌کنندگان اماکن دریافت گردد.

هزینه سالیانه سرانه خدمات- مساحت زیربنای واحد استفاده‌کننده×B

B: عبارت است از یک درصد قیمت روز زمین موضوع مصوبه شماره ۱۳۹۳/۵۸۵۰/ص-۱۳۹۳/۱۱/۹- شورای اسلامی شهر تبصره ۱: بالکن و نیم‌طبقه جزء مساحت زیربنای واحد استفاده‌کننده لحاظ می‌گردد. پارکینگ، انباری و تأسیسات در طبقات جزء مساحت محاسبه نمی‌گردد.

تبصره ۲: حداکثر متراژ مساحت مورد محاسبه برای هزینه سالانه خدمات سرانه ۴۰۰ مترمربع می‌باشد.

تبصره ۳: مدت زمان اجرای مصوبه یک سال از تاریخ تصویب بوده و پس از پایان مدت شهرداری می‌بایست موضوع تمدید مدت زمان مصوبه را به همراه گزارشی از نحوه عملکرد آن به شورا ارائه نماید.

تبصره ۴: مشمولین قانون نظام صنفی، پزشکان و حرف و ابسته به پزشکی و اشخاصی که در قانون مالیات بر ارزش‌افزوده تکلیف عوارض آن‌ها مشخص گردیده است و همچنین مشمولین مصوبات شورای اسلامی شهر موضوع عوارض شغلی و بهره‌برداری موقت مشمول مندرجات این مصوبه قرار نمی‌گیرند- رئیس شورای اسلامی شهر شیراز" علی‌رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامنه آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

طبق بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۲، عوارض محلی شهرداری از کلیه مشمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مشمولین قوانین خاص مثل بانک‌ها، مطب پزشکان، وکلا و غیره با پیشنهاد وزیر کشور تصویب و اخذ این‌گونه عوارض طبق بخشنامه شماره ۱۳۶۶/۲/۵-۳۴۱/۲۳۱۳۷ وزارت کشور پس از تأیید نماینده ولی‌فقیه در حاکمیت قانون اجرا شده است و طبق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست‌های عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود و نیز به موجب بند ۲۶ ماده مذکور تصویب

---

---

نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن با رعایت آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شهرداری‌ها با رعایت مقررات مربوط از جمله وظایف و مسئولیت‌های شورای اسلامی شهرهاست و با توجه به تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب سال ۱۳۸۱ وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش هر یک از عوارض محلی که در این قانون مشخص نشده تجویز شده است و هر چند قوانین و مقررات عمومی حاکم بر بانک‌ها سراسری و ملی بوده لیکن حسب تبصره ۱ ماده ۳ قانون تجارت، محل فعالیت بانک‌ها از مصادیق واحدهای تجاری است و به همین جهت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء صادره از جمله رأی شماره ۱۱۳-۱۳۸۷/۲/۲۹ وضع عوارض کسب و پیشه (عوارض محلی) از بانک‌های دولتی، خصوصی و صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات مالی و اعتباری را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نداده است، از سوی دیگر هر چند در بند ۱۱ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، خدمات بانکی و اعتباری بانک‌ها، مؤسسات تعاونی‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه مجاز و صندوق تعاون از پرداخت مالیات معاف شده‌اند لیکن طبق تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مذکور شوراهای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آن‌ها در این قانون مشخص نشده باشد موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن هر سال برای اجرا در سال بعد تصویب و اعلام عمومی نمایند، بنابراین مصوبه شماره ۴۰۷۳/۴۰۹۴/ص-۱۳۹۴/۹/۱۷ شورای اسلامی شهر شیراز در خصوص "هزینه سالیانه خدمات از کلیه اماکن مورد استفاده فعالان اقتصادی به استثنای مشمولین قانون نظام صنفی" از جمله بانک‌ها، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تشخیص داده نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

امور دارویی، مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، سرم و فرآورده‌های بیولوژیک -  
واردات و صادرات دارو

تاریخ: ۲۶ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۵۶-۱۰۵۷

کلاس پرونده: ۹۶/۴۱۴ و ۹۵/۱۴۷۱

**موضوع:** ابطال ماده ۹ دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت مصوب ۱۳۹۴/۰۷/۱۵ رئیس سازمان غذا و دارو

**شاکي:** ۱- شرکت بین‌المللی راستی لار با وکالت آقایان محمد شاه محمدی و حمیدرضا پرتو  
۲- شرکت صنایع غذایی دینا (سهامی خاص) با وکالت آقای فرهاد نگهبان

### گردش کار:

الف- آقایان محمدشاه محمدی و حمیدرضا پرتو به وکالت از شرکت بین‌المللی راستی لار به موجب دادخواستی ابطال دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت مصوب ۱۳۹۴/۷/۱۵ رئیس سازمان غذا و دارو موضوع نامه شماره ۶۵۸/۳۳۰۸۴-۱۳۹۴/۷/۲۱ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که: "ریاست محترم دیوان عدالت اداری (هیأت عمومی)؛ الف: جنابعالی استحضار دارید در خصوص شناسایی و رهگیری کالاهای وارداتی و تولیدی داخل، از مبدأ تولید، شناسه‌ای انحصاری برای هر کالا توسط تولیدکننده برای هر کالا روی بسته کالا درج می‌شود که رهگیری آن را ممکن می‌سازد. قانون‌گذار ما نیز در برخی مقررات به این مهم توجه داشته و مجلس در برخی قوانین از جمله تبصره ۳ ذیل ماده (۱۳) و ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به این مهم اشاره کرده و اجرای آن را منوط به تصویب سازوکار اجرایی آن در قالب "آیین‌نامه" توسط "وزارت صنعت، معدن و تجارت" و "هیأت وزیران" کرده است. این تکلیف قانونی، به موجب آیین‌نامه اجرایی موسوم به "شناسه‌های کالا و رهگیری کالا موضوع ماده (۱۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۱۳/۶" موضوع نامه ۷۵۶۴۲-۱۳۹۵/۶/۲۳ "هیأت وزیران" به انجام رسید. علی‌رغم صراحت این تبصره و تعیین تکلیف برای هیأت وزیران و وزارت صنعت، معدن و تجارت در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (تبصره ذیل ماده ۱۳) در سال ۱۳۹۲، سازمان غذا و دارو در ۱۳۹۴/۷/۲۱ طی دستورالعمل اجرایی "نظام ردیابی رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت" موضوع نامه شماره ۶۵۸/۳۳۰۸۴-۱۳۹۴/۷/۲۱ اقدام به وضع مقررات و اجرای آن در سطح کشور از تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱ نموده که از جهات مختلف خارج از حدود اختیارات واضح آن (رئیس سازمان غذا و دارو و کمیته فنی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت این سازمان) بوده و در نتیجه باطل است. ب: مقررات قانونی مرتبط: ۱- در تبصره ۳ ذیل ماده (۱۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صراحتاً مقرر شده است: "آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری ستاد و دستگاه‌های اجرایی عضو آن با لحاظ

زمان‌بندی، اولویت‌کالایی و روش نصب شناسه کالا و شناسه رهگیری بر روی کالا و نحوه تخصیص نیازهای فنی هر دستگاه، ظرف سه ماه تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. همچنین در ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی شناسه‌های کالا و رهگیری کالا موضوع ماده (۱۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۷ موضوع نامه ۷۵۶۴۲-۱۳۹۵/۶/۲۳ هیأت وزیران مقرر شده: "فرآیندهای ثبت شناسه‌ها، تخصیص نام کاربری و رمز عبور، انتقال مالکیت، پاسخ استعلام شناسه‌ها و گواهی‌ها و سایر فعالیت‌های مذکور در این آیین‌نامه در سامانه جامع تجارت و دیگر سامانه‌های مرتبط به صورت رایگان می‌باشد. در ادامه در ماده ۲۰ چنین آمده است: "وزارت [وزارت صنعت، معدن و تجارت] مسئول اجرای این آیین‌نامه بوده و موظف است روند اجرای آن را سالانه به ستاد و هیأت وزیران گزارش کند". در تبصره ۲ ذیل ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز مقرر شده است: آیین‌نامه اجرایی این ماده در مورد چگونگی اجراء و میزان لازم از کالا برای استعلام مجوز مصرف انسانی با پیشنهاد وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صنعت، معدن و تجارت و ستاد تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. ج: دفاعیات و جهات مغایرت دستورالعمل موضوع شکایت با قانون: با توجه به موارد پیش گفته، دستورالعمل معترض‌عنه از جهات ذیل مغایر قانون است: ۱- تبصره ۳ ذیل ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مرجع تهیه آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ یعنی همان نظام شناسایی و رهگیری کالا را وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده است. حال آن‌که در دستورالعمل معترض‌عنه، تهیه‌کننده متن مدیرکل آمار و فناوری اطلاعات سازمان غذا و دارو است. ۲- تبصره ۲ ذیل ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مرجع تهیه آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۷، "وزارت بهداشت با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت و ستاد مبارزه با قاچاق" و مرجع وضع و تصویب آن "هیأت وزیران" تعیین شده است. حال آن‌که در دستورالعمل معترض‌عنه، تهیه‌کننده متن مدیرکل آمار و فناوری اطلاعات سازمان غذا و دارو و مقام تصویب‌کننده آن، رئیس سازمان غذا و دارو و کمیته فنی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت این سازمان اعلام شده است. وانگهی، به صراحت تبصره ذیل ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲، هدف از وضع آیین‌نامه موضوع بند (ب) ذیل ماده ۲۷ همان قانون صرفاً "در مورد چگونگی اجراء و میزان لازم برای استعلام مجوز مصرف انسانی" است و نه هدف دیگری که در دستورالعمل اجرایی معترض‌عنه دنبال و اجرا شده است. ۳ و ۴- در تبصره ۳ ذیل ماده ۱۳ و تبصره ۲ ذیل ماده ۲۷ قانون یادشده مرجع تصویب "نظام شناسایی و رهگیری کالا"، هیأت وزیران آن هم در قالب "آیین‌نامه" تعیین شده، ولی در دستورالعمل مورد اعتراض که مفاد آن مغایر با مقصود و هدف قانون‌گذار قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز می‌باشد. اولاً: مرجع تصویب، رئیس سازمان غذا و دارو و کمیته فنی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت این سازمان اعلام شده و ثانیاً: در قالب دستورالعمل اداری تصویب شده است. بند ج ذیل ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۹ نیز به صراحت مرجع وضع هرگونه مقرر در خصوص شناسه کالا را دولت تعیین کرده که ظهور در هیأت وزیران دارد و بنابراین، هر یک از ارگان‌ها نمی‌تواند راساً و بدون توجه تکلیف قانونی و اخذ مصوبه هیأت وزیران اقدامی در این خصوص به عمل آورد. ۵- با اینکه در آیین‌نامه اجرایی شناسه‌های کالا و رهگیری کالا موضوع ماده (۱۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۷ و نیز در ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص همه کالاها و خدمات به‌طور کلی و مطلق تعیین تکلیف شده است، در دستورالعمل یاد شده برخلاف حکم صریح قانون‌گذار برای برخی فرآورده‌هایی که در این دستورالعمل "سلامت‌محور" نامیده شده به‌طور خاص و البته خلاف قانون و آیین‌نامه موردنظر قانون‌گذار، تعیین تکلیف شده است. به نظر می‌رسد هدف از وضع این دستورالعمل توسط سازمان غذا و دارو، به‌طور خاص، تعیین تکلیف برای کالاهای مرتبط با مواد دارویی و بهداشتی بوده است. حال

آن که هدف از وضع تبصره ۲ ذیل ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صرفاً "در مورد چگونگی اجراء و میزان لازم برای استعمال مجوز مصرف انسانی" است و نه هدف دیگری. چه آن که در بند (ب) ذیل ماده ۲۷ آمده است: "در صورتی که کالای مکشوفه شامل مواد و فرآورده‌های خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی باشد، مرجع رسیدگی‌کننده مکلف است نسبت به استعمال مجوز مصرف انسانی کالاهای مذکور، اقدام و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است ظرف ده روز به این استعمال پاسخ دهد. ..."

در ادامه در تبصره دو ذیل ماده ۲۷ در مورد شیوه اجرای ماده مزبور، مقرر شده است: "این‌نامه اجرایی این ماده در مورد چگونگی اجراء و میزان لازم از کالا برای استعمال مجوز مصرف انسانی با پیشنهاد وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صنعت، معدن و تجارت و ستاد استاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد".

به‌بیان دیگر، ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق ۱۳۹۲ که به‌عنوان مستند وضع و تصویب، در صدر دستورالعمل معترض‌عنه بیان شده است اساساً مربوط به آزمایش کالا برای بررسی و احراز قابلیت مصارف انسانی است و ارتباطی به دستورالعمل مورد اعتراض که برای طرحی موسوم به "طرح اصالت" تصویب و اجراء شده، ندارد.

۶- با وجود اینکه در ماده ۱۹ آیین‌نامه به صراحت، کلیه خدمات مربوط به نظام رهگیری کالا رایگان اعلام شده است، ولی در ماده ۹ دستورالعمل مورد اعتراض، هزینه اجرای طرح موسوم به طرح اصالت بر عهده شرکت‌های صاحب پروانه قرار گرفته و اعلام شده که "هزینه و تعرفه ارائه خدمات توسط کمیته [کمیته فنی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت سازمان غذا و دارو] پیشنهاد، پس از تأیید ریاست سازمان ابلاغ می‌شود". بنابر ماده یک "تعاریف" دستورالعمل مورد شکایت، "کمیته فنی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت که در این ضابطه "کمیته" نامیده می‌شود، به‌منظور اجرای این ضابطه و نظارت بر حسن اجرای آن در حوزه سازمان غذا و دارو تشکیل می‌شود". جالب اینجاست که کمیته مزبور پیش از وجود، بر طبق ماده ۱۰ دستورالعمل مورد شکایت، اقدام به تصویب دستورالعملی نموده که خود، قرار بوده برای اجرای آن، تشکیل شود. ۷- قضات فاضل هیأت عمومی استحضار دارند که وفق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ دریافت هر گونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود. همچنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و یا تابع قوانین خاص هستند ممنوع می‌باشد. این در حالی است که مطابق ماده ۹ دستورالعمل مورد شکایت و رویه عملی سازمان غذا و دارو برای الصاق هر برچسب طرح اصالت مبلغی دریافت گردیده و به ادعای موکل به حساب شخصی فردی به نام علیرضا حسینی فخرآبادی در بانک اقتصاد نوین واریز می‌شود که جمع این مبالغ در سطح کشور یک رقم نجومی را تشکیل می‌دهد و اساساً مشخص نیست دریافت این وجوه و تشکیل این سرمایه نجومی بر اساس چه متن قانونی بوده و اینکه این مبلغ هنگامت کجا، چگونه، توسط چه اشخاصی و با چه مجوزی هزینه می‌شود. نمی‌توان گفت که هزینه برچسب اصالت، جزء مالیات و عوارض واردات کالا می‌باشد، چرا که بر اساس اصل پنجاه‌ویک قانون اساسی به‌عنوان قانونی که همه قوانین مصوب و سایر مقررات داخلی باید منطبق با آن باشد، "هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به‌موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به‌موجب قانون مشخص می‌شود". پر واضح است که منظور از "قانون"، مصوبات مجلس شورای اسلامی است که طی فرایند مشخصی تصویب می‌گردد. نکته دیگر اینکه دریافت هر وجهی باید مستند به قانون باشد. درحالی‌که در خصوص طرح اصالت هیچ متن

قانونی وجود نداشته و حتی در مقررات قبلی از جمله آیین‌نامه اجرایی نظام ملی طبقه‌بندی و خدمات شناسه کالا و خدمات مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحیه آن در ۱۳۸۸ نیز در این خصوص و دریافت هزینه از تولیدکنندگان و واردکنندگان حکمی وضع نشده است. مگر نه این است که طبق قانون، هر واریزی باید به صندوق دولت (خزانه) باشد؟ به علاوه هزینه کرد هر وجهی باید در قانون مشخص باشد درحالی که مستند و نحوه هزینه کرد وجوه میلیاردی دریافتی از بابت طرح اصالت مبهم و بدون حکم قانونی است. ۸- در همین راستا باید گفت مطابق تبصره ذیل ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: "کلیه مبالغ حاصل از اجرای این قانون از قبیل وجوه ناشی از فروش کالا و ارز قاچاق، وسایل ضبطی و جریمه‌های وصولی به حساب ویژه‌ای نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد". درحالی که وجوه موضوع دستورالعمل به حساب خزانه‌داری کل واریز نمی‌شود. ۹- طرح قبلی مشابه به نام طرح شبنم بود که به دستور مستقیم وزیر صنعت، معدن تجارت طی نامه مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۸ لغو و باطل شد. ولی سازمان غذا و دارو با دور زدن قانون و جایگزین کردن طرح اصالت، دستور وزیر و شیوه اجرایی که در تبصره ۲ ذیل ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیش‌بینی شده را نیز لغو نموده که بنا به اظهار موکل یکی از علل آن می‌تواند سود سرشار ناشی از اجرای طرح اصالت باشد. ۱۰- در ابتدای دستورالعمل معترض‌عنه به برخی مقررات قانونی به‌عنوان مستند تصویب دستورالعمل اشاره شده است که هیچ یک ارتباطی به موضوع نداشته و مجوز تصویب و دریافت وجه نیست. بلکه این مقررات یعنی ماده ۱۳ و ۲۷ مطابق مطالب پیشین، مؤید غیرقانونی بودن و عدم صلاحیت سازمان غذا و دارو در وضع دستورالعمل دارد؛ زیرا در این مقررات به صراحت به تصویب آیین‌نامه توسط هیأت وزیران اشاره شده است و تکلیفی را متوجه سازمان غذا و دارو در راستای تصویب و وضع دستورالعمل ننموده است. وانگهی، آخرین مقررده قانونی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ به‌ویژه، مواد ۱۳ و ۷۷ آن و آیین‌نامه اجرایی شناسه‌های کالا و رهگیری کالا موضوع ماده (۱۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۷ و نیز مواد ۱۹ و ۲۰ آیین‌نامه مزبور، است که در مواد پیش گفته، هیچ اشاره‌ای به طرح اصالت، مجوز سازمان غذا و دارو، دریافت وجه از تولید یا واردکننده و مواردی از این دست نداشته است.

برعکس به صراحت به رایگان بودن طرح و لزوم نظارت و کنترل و نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت اشاره دارد. ۱۱- اساساً پیش‌بینی طرحی موسوم به طرح اصالت یا الصاق برچسب اصالت به‌هیچ‌عنوان مانع قاچاق کالا نمی‌شود؛ زیرا این برچسب برای هر کالا به‌صورت انحصاری نیست. برای نمونه، این‌طور نیست که برچسب نصب شده روی یک محصول یا کالا، مختص و انحصاری همان محصول یا کالا باشد. اگر برچسب ملصق شده روی یک محصول برداشته شود، می‌توان آن را به همان شکل روی محصول دیگر الصاق کرد. چرا که اطلاعات برچسب‌ها، انحصاری و اختصاصی نبوده و هویت محصول قابل احراز نیست. در واقع برچسب فعلی همانند مهری است که می‌توان روی هر کاغذی زد؛ بنابراین ادعای سازمان غذا و دارو مبنی بر اینکه با نصب و الصاق برچسب اصالت می‌توان کالا را در هر مکانی ردیابی کرد صحیح نمی‌باشد؛ زیرا هر برچسب اختصاص به همان کالایی که روی آن نصب شده ندارد بلکه در وضعیت کنونی، حتی نمونه‌های تقلبی آن در بازار عرضه شده و در دسترس می‌باشد و می‌توان روی هر کالایی نصب کرد. درحالی که در ماده ۲ دستورالعمل غیرقانونی معترض‌عنه "اهداف" تصویب این دستورالعمل را فراهم آوردن "شرایط و اصولی ایمن، پایدار، منظم و قانونی برای ضابطه‌مند نمودن نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌ها" شمارش کرده که به‌هیچ‌وجه در عمل با تصویب و شیوه این دستورالعمل غیرقانونی قابل دسترسی نبوده و نیست. ۱۲- شرکت‌هایی که از سوی سازمان غذا و دارو به‌عنوان مجری طرح اصالت کالا اعلام شده‌اند همگی یا در برهه زمانی نزدیک به تهیه متن این دستورالعمل (سال ۱۳۹۳) تأسیس شده‌اند یا اینکه اساساً پیش‌تر، ایجاد شده ولی در این سال اقدام

به تغییر موضوع شرکت و گنجانیدن موضوعاتی نظیر اجرای طرح برچسب اصالت کالا و اجرای نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت کالاهای سلامت‌محور در موضوع اساسنامه خود کرده‌اند. برای نمونه شرکت دانا مد پارس در سال ۱۳۸۷ با موضوع واردات تجهیزات دندانپزشکی تأسیس و در ۱۳۹۳/۱۱/۱۹ یعنی در زمان تهیه متن دستورالعمل مورد اعتراض، موضوع خود را به اجرای طرح اصالت و ... تغییر داده است. به راستی چه ارتباطی بین واردات تجهیزات دندانپزشکی و تخصص در زمینه اجرای طرح اصالت است؟ قضات عالی مقام آیا این هم‌زمانی تأسیس شرکت یا انطباق فعالیت شرکت‌های محدودی با وضع این دستورالعمل ایجاد شائبه نمی‌کند و دسترسی به اهداف شعاری و اعلام شده پیش گفته را ناممکن نمی‌سازد؟

در پایان به جهت وجود ضرورت و فوریت امر بر مبنای محرز بودن مغایرت دستورالعمل با قانون و اینکه وجوه حاصله به حساب شخصی واریز شده که به‌طور قطع با توجه به نجومی و غیرقانونی بودن مبالغ دریافتی، استرداد آن غیرممکن و متعذر خواهد بود. نظر به اینکه ادامه اجرای دستورالعمل مورد اعتراض تا زمان اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عملاً نادیده گرفتن آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ و حکم صریح مواد ۱۳ و ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و در واقع ادامه روند غیرقانونی تحصیل وجوه حاصله توسط شرکت‌های عنوان شده می‌باشد، لذا به نظر فوریت و ضرورت امر محرز است، تقاضای صدور دستور موقت اجرای دستورالعمل مورد اعتراض موسوم به طرح اصالت دارم. بنا به جهات یادشده نیز، ابطال دستورالعمل معترض‌عنه مورد استدعاست."

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر بازرسی، پاسخگویی به شکایات و امور حقوقی سازمان غذا و دارو به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۲/۲۶-۶۶۱/۱۹۸۷۱ توضیح داده است که: "۱- وظیفه خطیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و این سازمان تأمین سلامت بهداشت عمومی است که در این راستا یکی از الزامات آن مراقبت در امر ورود و عرضه و توزیع دارو و کالاهای سلامت‌محور از طریق قانونی با رعایت استانداردهای بهداشتی است. لذا در احکام قانونی مربوط از جمله قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی آن، قانون مواد خوردنی، آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و آیین‌نامه اجرایی آن و قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷ بر وظیفه نظارت این سازمان بر فرآیند ورود، توزیع و عرضه دارو و کالاهای سلامت‌محور تأکید شده است. به اقتضای حسن اجرای این وظیفه مهم، دستورالعمل اجرایی تحت عنوان "نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت‌محور" تدوین و ابلاغ گردید که مورد ایراد و اشکال از طرف مراجع نظارتی نیز قرار دارد. با توجه به لزوم بازبینی دستورالعمل زبور در سال ۱۳۹۴ دستورالعمل جدید نظام ردیابی، رهگیر و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت‌محور تدوین و ابلاغ شد. لازم به ذکر است در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز در مواد ۱۳ و ۱۷ به بحث شناسه گذاری و رهگیری کالا نیز پرداخت شده و به همین دلیل در دستورالعمل یاد شده به این مواد قانونی نیز به‌عنوان مستند قانونی استناد شده است. ۲- یکی از ادله مطرح شده توسط شاکی فقدان اختیار و مستند قانونی برای صدور و ابلاغ دستورالعمل بوده و در این جهت طرح اشکال کرده است که مواد (۱۳) و (۲۷) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مربوط به تکلیف وزارت صنعت، معدن و تجارت است. در این خصوص مستحضرنده که در بند (پ) ماده (۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه ایجاد سامانه و ضوابط مربوط به آن به تصریح بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیش‌بینی شده و مقرر می‌دارد: "هرگونه واردات تجاری، ذخیره‌سازی، توزیع، عرضه و فروش کالاهای دارویی، واکسن، مواد زیستی (بیولوژیک)، طبیعی و سنتی، مکمل‌های تغذیه‌ای، آرایشی، بهداشتی، غذایی و ملزومات و تجهیزات پزشکی که در سامانه رهگیری و کنترل اصالت طبق ضوابطی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی اعلام می‌کند، ثبت نشده باشد جرم محسوب می‌شود و با مجرم مطابق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ برخورد می‌شود."

صرف نظر از نکته فوق مستند اصلی دستورالعمل یاد شده قوانین و مقررات مربوط به وزارت بهداشت به شرح فوق است. از طرفی استناد به مواد یاد شده از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در جهت توجه این مهم بوده است که ظرفیت‌های قانونی دیگری نیز برای متصل شدن سامانه تخصصی این سازمان به سامانه‌های مورد عمل وزارت صنعت، معدن و تجارت با توجه به آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون مزبور به‌ویژه ماده ۱۸ آیین‌نامه مذکور فراهم شده است. به‌علاوه موضوع در معاونت حقوقی رئیس‌جمهور نیز مطرح شده است که متعاقب تشکیل جلسه مشترک فی‌مابین نمایندگان این سازمان، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سازمان تعزیرات حکومتی در معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، نامه شماره ۳۱۱۲۸/۱۱۲۴۵۱-۱۳۹۵/۹/۱۴ معاونت یاد شده صادر گردید که بر تداوم فعالیت سامانه این سازمان تأکید داشته و ماده (۱۳) قانون مذکور را نافی فعالیت سامانه اختصاصی سازمان غذا و دارو ندانسته است.

۳- بر اساس ماده (۱۴) قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی، مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ ورود هر نوع فرآورده‌های بیولوژیک نظیر فرآورده‌های آزمایشگاهی، مواد غذایی، مواد اولیه دارویی و دارو منوط به اجازه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. از طرفی در قانون مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ الزامات و تکالیفی برای تولیدکنندگان، عرضه‌کنندگان و واردکنندگان این محصولات پیش‌بینی شده است.

مطابق ماده (۱) قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷ نیز تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به خدمات بهداشتی، درمانی و محصولات دارویی و مواد خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی و ... و ساخت و عرضه آن‌ها و اعمال نظارت و کنترل کیفیت بر آن‌ها (بند‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳) و تعیین ضوابط مربوط ورود، ساخت، نگهداری، صدور و مصرف داروها و مواد خوراکی، آشامیدنی، تجهیزات پزشکی، آرایشی و بهداشتی و ... (بند ۱۷) از وظایف صریح این وزارتخانه محسوب است. بی‌تردید اعمال دقیق این وظیفه حاکمیتی و نظارتی بدون بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و بسترهای IT امکان‌پذیر نیست. در این راستا ایجاد سامانه موردنظر در جهت حسن اجرای وظایف سازمان و اعمال نظارت دقیق که نتیجه آن تأمین هر چه بیشتر امنیت غذایی و سلامت مردم می‌باشد، بوده و نه تنها هیچ مغایرتی با قوانین و مقررات نداشته بلکه منطبق با اهداف مقرر در قوانین مزبور می‌باشد. نظر به مراتب فوق ملاحظه می‌فرمایید که شکایت شاکی فاقد مبنای حقوقی و مستند قانونی لازم بوده و مردود است. علی‌هذا صدور رأی مبنی بر رد دادخواست شاکی مورد تقاضا می‌باشد. ضمناً جناب آقای محمد عباسی آبادی به‌عنوان نماینده این دفتر جهت پیگیری موضوع به حضور معرفی می‌گردد."

(ب) آقای فرهاد نگهبان به وکالت از شرکت صنایع غذایی تهران دینا (سهامی خاص) به‌موجب دادخواستی ابطال دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت مصوب ۱۳۹۴/۷/۱۵ رئیس سازمان غذا و دارو موضوع نامه شماره ۶۵۸/۳۳۰۸۴-۱۳۹۴/۷/۲۱ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"احتراماً به استحضار آن مقام عالی می‌رساند: که آن مقام مستحضر هستند، جهت رهگیری و شناسایی کالاهای تولید داخلی و وارداتی، تولیدکنندگان شناسه‌ای برای هر کالا بر روی آن نصب می‌کنند که این امر مورد توجه قانون‌گذار نیز قرار گرفته و در تبصره ۳ ماده ۱۳ و ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به آن پرداخته و اجرای آن را موکول به تصویب آیین‌نامه وزارت صنعت، معدن و تجارت هیأت وزیران

کرده است. هیأت وزیران نیز به موجب آیین‌نامه اجرایی تحت عنوان شناسه‌های کالا و رهگیری کالا موضوع ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۷ موضوع نامه ۷۵۶۴۲-۱۳۹۵/۶/۲۳ به این تکلیف قانونی خود عمل کرده است. با وجود اینکه تبصره ۳ ذیل ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ این تکلیف را برای وزارت صنعت، معدن و تجارت تعیین کرده است، اما سازمان غذا و دارو در ۱۳۹۴/۷/۲۱ طی "دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت" اقدام به وضع مقررات و اجرای آن از تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱ در سطح کشور کرده است که صدور این دستورالعمل خارج از اختیارات سازمان مزبور بوده است و مغایر با قوانین و مقررات جاری کشور می‌باشد.

۱- مغایرت با ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: در تبصره ۳ ذیل ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صراحتاً مقرر می‌دارد: "آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری ستاد و دستگاه‌های اجرایی عضو آن با لحاظ زمان‌بندی، اولویت کالایی و روش نصب شناسه کالا و شناسه رهگیری بر روی کالا و نحوه تخصیص نیازهای فنی هر دستگاه، ظرف سه ماه تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد" حال آن که تهیه‌کننده دستورالعمل غیرقانونی معترض‌عنه مدیرکل آمار و فناوری اطلاعات سازمان غذا و دارو و تصویب‌کننده آن رئیس سازمان غذا و دارو می‌باشد.

۲- مغایرت با ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: تبصره ۲ ذیل ماده ۲۷ قانون مزبور نیز مرجع تعیین آیین‌نامه ماده ۲۷ را وزارت بهداشت با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مرجع تصویب آن را هیأت وزیران تعیین کرده است در حالی که تعیین‌کننده متن دستورالعمل مورد اعتراض مدیرکل آمار و فناوری اطلاعات سازمان غذا و دارو و تصویب‌کننده آن رئیس سازمان غذا و دارو می‌باشد.

۳- مغایرت با ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه: در تبصره ۳ ذیل ماده ۱۳ و تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مرجع تصویب نظام شناسایی و رهگیری کالا هیأت وزیران آن هم در قالب آیین‌نامه تعیین شده در صورتی که در دستورالعمل معترض‌عنه مرجع تصویب آن رئیس سازمان غذا و دارو اعلام شده و در قالب دستورالعمل اداری تصویب شده است حال آن که بند ج ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه صراحتاً مرجع تصویب هر گونه مقرراتی در خصوص شناسه کالا را دولت (هیأت وزیران) تعیین کرده است لذا هیچ سازمانی نمی‌تواند رأساً و بدون توجه به تکلیف قانونی و اخذ مصوبه هیأت وزیران اقدامی در این مورد انجام دهد.

۴- مغایرت با ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی شناسه‌های کالا و رهگیری کالا موضوع ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۷ موضوع نامه ۷۵۶۴۲-۱۳۹۵/۶/۲۳ هیأت وزیران که مقرر می‌دارد: "فرآیندهای ثبت شناسه‌ها، تخصیص نام کاربری و رمز عبور، انتقال مالکیت، پاسخ استعلام شناسه‌ها و گواهی‌ها و سایر فعالیت‌های مذکور در این آیین‌نامه در سامانه جامع تجارت و دیگر سامانه‌های مرتبط به صورت رایگان می‌باشد." در ادامه در ماده ۲۰ چنین آمده است: "وزارت [وزارت صنعت، معدن و تجارت] مسئول اجرای این آیین‌نامه بوده و موظف است روند اجرای آن را سالانه به ستاد و هیأت وزیران گزارش کند." لذا با وجود اینکه ماده ۱۹ آیین‌نامه مزبور صراحتاً تمام خدمات مربوط به نظام شناسایی و رهگیری کالا را رایگان اعلام کرده است اما ماده ۹ دستورالعمل مورد اعتراض هزینه‌های اجرا طرح موسوم به اصالت را بر عهده شرکت‌های تولیدکننده قرار داده و مقرر می‌دارد: "هزینه و تعرفه ارائه خدمات توسط کمیته پیشنهاد و پس از تأیید رئیس سازمان ابلاغ می‌شود." و در حال حاضر مطابق ماده ۹ دستورالعمل مورد اعتراض برای هر برچسب الصاقی طرح اصالت مبلغی دریافت می‌شود و طبق ادعای موکل به حساب شخصی فردی به نام آقای علیرضا حسینی فخرآبادی در بانک اقتصاد نوین واریز می‌گردد.

قضات دانشمند دیوان استحضار دارند که وفق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود. همچنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و یا تابع قوانین خاص هستند ممنوع می‌باشد."

۵- تبصره ذیل ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز مقرر می‌دارد: "کلیه مبالغ حاصل از اجرای این قانون از قبیل وجوه ناشی از فروش کالا و ارز قاچاق، وسایل ضبطی و جریمه‌های وصولی به حساب ویژه‌ای نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد" درحالی‌که وجوه دریافتی موضوع دستورالعمل معترض‌ عنه به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز نمی‌شود بلکه به ادعای موکل به حساب شخصی واریز می‌گردد و معلوم نیست دریافت این مبالغ بر اساس چه متن قانونی است و چگونه و با چه مجوزی هزینه می‌گردد.

۶- شایان ذکر است قبلاً نیز طرحی مشابه این طرح به نام طرح شبنم بود که با دستور وزیر صنعت، معدن و تجارت در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۸ لغو گردیده است ولی سازمان غذا و دارو قانون را دور زده و با نادیده گرفتن دستور وزیر و شیوه اجرایی که در بند ۳ ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیش‌بینی شده طرح اصالت را جایگزین آن کرده است.

۷- در مقدمه دستورالعمل مورد اعتراض به ماده ۱۳ و ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان مستند صدور آن اشاره شده که هیچ یک از اموال مذکور ارتباطی با موضوع نداشته و مجوز تصویب و دریافت وجه نمی‌باشد لیکن این مواد همان‌گونه که در مطالب پیش گفته توضیح داده شد مستند غیرقانونی بودن و عدم صلاحیت سازمان غذا و دارو در تصویب دستورالعمل معترض‌ عنه می‌باشد چرا که در مواد مذکور صراحتاً مقرر گردیده تهیه آیین‌نامه تکلیف وزارت صنعت، معدن و تجارت و تصویب آن تکلیف هیأت وزیران است نه سازمان غذا و دارو. حتی در آیین‌نامه اجرایی شناسه‌های کالا و رهگیری کالا موضوع ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و نیز مواد ۱۹ و ۲۰ این آیین‌نامه اشاره به طرح اصالت و مجوز سازمان غذا و دارو مبنی بر دریافت وجه از تولیدکنندگان یا واردکنندگان نشده است بلکه همان‌گونه که در سطور پیشین شرح داده شد صراحتاً به رایگان بودن طرح تأکید شده است.

از طرفی با اینکه در آیین‌نامه اجرایی شناسه‌های کالا و رهگیری کالا موضوع ماده ۱۳ قانون مبارزه با کالا و ارز و نیز در خود ماده ۱۳ در مورد تمامی کالاها و خدمات به‌طور مطلق تعیین تکلیف گردیده است اما در دستورالعمل مورد اعتراض بر خلاف نص صریح قانون تنها برای بعضی از این فرآورده‌ها که در این دستورالعمل غیرقانونی (سلامت‌محور) نامیده شده است تعیین تکلیف گردیده است به نظر می‌رسد هدف از این دستورالعمل سازمان غذا و دارو و به‌طور خاص تعیین تکلیف برای کالاها و مواد دارویی و بهداشتی بوده درحالی‌که هدف قانون‌گذار از وضع تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تنها "در مورد چگونگی اجرا و میزان لازم برای استعمال مجوز مصرف انسانی" است و نه هدف دیگری زیرا بند ب ماده ۲۷ مقرر می‌دارد: "در صورتی که کالای مکشوفه شامل مواد و فرآورده‌های خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی باشد، مرجع رسیدگی‌کننده مکلف است نسبت به استعمال مجوز مصرف انسانی کالای مذکور اقدام و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است ظرف ده روز به این استعمال پاسخ دهد..." تبصره ۲ ماده ۲۷ در خصوص نظارت بر اجرای ماده مزبور مقرر می‌دارد: "آیین‌نامه اجرایی این ماده در چگونگی اجرا و میزان لازم از کالا برای استعمال مجوز مصرف انسانی با پیشنهاد وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،

صنعت، معدن و تجارت و ستاد تهیه می‌شود و حداکثر ظرف ۳ ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد" به بیان دیگر ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ که به‌عنوان مستند تصویب دستورالعمل مورد اعتراض بیان شده است اساساً مربوط به آزمایش کالا برای بررسی و احراز قابلیت مصارف انسانی است و ارتباطی به دستورالعمل مورد اعتراض که برای طرحی موسوم به "طرح اصالت" تصویب و اجرا شده ندارد.

در پایان با علم به وجود ضرورت و فوریت امر بر مبنای محرز بودن مغایرت دستورالعمل معترض‌عنه با قانون و نیز با توجه به اینکه وجوه حاصله از اجرای این دستورالعمل غیرقانونی به حساب شخصی وارد می‌شود که قطعاً به دلیل زیاد بودن و غیرقانونی بودن مبالغ دریافتی، استرداد آن در آتی غیرممکن و متعذر خواهد بود و از طرفی نظر به اینکه ادامه اجرای این دستورالعمل تا زمان اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (که زمان نسبتاً طولانی می‌باشد) عملاً نادیده گرفتن آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ و نص صریح مواد ۱۳ و ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و در واقع ادامه روند غیرقانونی تحصیل وجوه حاصله می‌باشد، لذا تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای دستورالعمل مورد اعتراض را تا صدور رأی مستعدی است."

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون وزیر و رئیس سازمان غذا و دارو به موجب لایحه شماره ۶۵۵/۸۴۶۵۶-۱۳۹۶/۷/۵ توضیح داده است که: "۱- مفاد دادنامه مذکور دلالت بر توقف اجرای دستورالعمل نسبت به شاکی دارد که با توجه به اینکه دستورالعمل مزبور متضمن تکالیفی برای عرضه‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و واردکنندگان کالاهای سلامت‌محور است. لذا صرف‌نظر از بحث ماهوی که این سازمان در خصوص قانونی بودن دستورالعمل دارد، اجرای دستور موقت به جهت آن که اثر وضعی دارد و جنبه اجرایی برای این سازمان وجود ندارد مواجه با ابهام است. توضیح اینکه در اجرای دستور موقت، شاکی الزامی به رعایت دستورالعمل ندارد اما اینکه چه اقدام اجرایی قابل انجام برای سازمان متصور است تا به‌منزله اجرای دستور باشد برای این سازمان محل ابهام است. چرا که سازمان عملیات اجرایی در راستای دستورالعمل موصوف نسبت به شاکی انجام نداده است تاکنون نسبت به توقف آن در اجرای دستور مقام قضایی اقدام نماید. ۲- تاکنون وظیفه خطیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و این سازمان تأمین سلامت و بهداشت عمومی است که در این راستا یکی از الزامات آن مراقبت در امر ورود، توزیع و عرضه دارو و کالاهای سلامت‌محور از طریق قانونی با رعایت استانداردهای بهداشتی است. لذا در احکام قانونی مربوط از جمله قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی آن، قانون مواد خوردنی، آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و آیین‌نامه اجرایی آن و قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷ بر وظیفه نظارتی این سازمان بر فرآیند ورود، توزیع و عرضه دارو و کالاهای سلامت‌محور تأکید شده است. به اقتضای حسن اجرای این وظیفه مهم، دستورالعمل اجرایی تحت عنوان "نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت‌محور" تدوین و ابلاغ گردید که مورد ایراد و اشکال از طرف مراجع نظارتی نیز قرار دارد. با توجه به لزوم بازبینی دستورالعمل مزبور دستورالعمل جدید نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت‌محور در سال ۱۳۹۴ با هدف استفاده از فناوری اطلاعات جهت تحقق امرت نظارت و حسن اجرای این وظیفه مهم سازمان، تدوین و ابلاغ شد. لازم به ذکر است در مواد ۱۳ و ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز به بحث شناسه‌گذاری و رهگیری کالا پرداخته شده و به همین دلیل در دستورالعمل یاد شده به این مواد قانونی فوق به‌عنوان مستند قانونی استناد شده است. ۳- یکی از ادله مطرح شده توسط شاکی فقدان اختیار و مستند قانونی برای صدور و ابلاغ دستورالعمل بوده و در این جهت طرح اشکال کرده است که مواد (۱۳) و (۲۷) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مربوط به تکلیف وزارت صنعت، معدن و تجارت است. در این خصوص مستحضرنند که در بند (ب) ماده (۷)

قانون احکام دائمی برنامه‌ها توسط ایجاد سامانه و ضوابط مربوط به آن صراحتاً بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهاد شده و مقرر می‌دارد: "هرگونه واردات تجاری، ذخیره‌سازی، توزیع، عرضه و فروش کالاهای دارویی، واکسن، مواد زیستی (بیولوژیک)، طبیعی و سنتی، مکمل‌های تغذیه‌ای، آرایشی، بهداشتی، غذایی و ملزومات و تجهیزات پزشکی که در سامانه رهگیری و کنترل اصالت طبق ضوابطی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌کند، ثبت نشده باشد جرم محسوب می‌شود و با مجرم مطابق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ برخورد می‌شود." صرف نظر از نکته فوق مستند اصلی دستورالعمل یاد شده قوانین و مقررات مربوط به وزارت متبوع به شرح فوق است. از طرفی استناد به مواد یاد شده از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در جهت توجه این مهم بوده است که ظرفیت‌های قانونی دیگری نیز برای متصل شدن سامانه تخصصی این سازمان به سامانه‌های مورد عمل وزارت صنعت، معدن و تجارت با توجه به آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون مزبور به‌ویژه ماده ۱۸ آیین‌نامه مذکور، فراهم شده است. به‌علاوه موضوع در معاونت حقوقی رئیس‌جمهور نیز مطرح شده است که متعاقب تشکیل جلسه مشترک فی‌مابین نمایندگان این سازمان، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سازمان تعزیرات حکومتی در معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، نامه شماره ۱۳۹۵/۹/۱۴-۳۱۱۲۸/۱۱۲۴۵۱ معاونت یاد شده صادر گردید که بر تداوم فعالیت سامانه این سازمان تأکید داشته و ماده (۱۳) قانون مذکور را نافی فعالیت سامانه اختصاصی سازمان غذا و دارو ندانسته است. ۴- بر اساس ماده (۱۴) قانون مربوط به مقررات امور، پزشکی، دارویی، مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و رود هر نوع فرآورده‌های بیولوژیک نظیر فرآورده‌های آرایشی و بهداشتی، مواد غذایی، مواد اولیه دارویی و دارو منوط به اجازه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. از طرفی در قانون مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ الزامات و تکالیفی برای تولیدکنندگان، عرضه‌کنندگان و واردکنندگان این محصولات پیش‌بینی نشده است. مطابق ماده (۱) قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷ نیز تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به خدمات بهداشتی، درمانی و محصولات دارویی و مواد خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی و ... و ساخت و عرضه آن‌ها و اعمال نظارت و کنترل کیفیت بر آن‌ها (بند‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳) و تعیین ضوابط مربوط به ورود، ساخت، نگهداری، صدور و مصرف داروها و مواد خوراکی، آشامیدنی، تجهیزات پزشکی، آرایشی و بهداشتی و ... (بند ۱۷) از وظایف صریح این وزارتخانه محسوب می‌شود. بی‌تردید اعمال دقیق این وظیفه حاکمیتی و نظارتی بدون بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و بسترهای فناوری‌های نوین الکترونیکی و نرم‌افزاری امکان‌پذیر نیست. در این راستا ایجاد سامانه موردنظر در جهت حسن اجرای وظایف سازمان و اعمال نظارت دقیق که نتیجه آن تأمین هر چه بیشتر امنیت غذایی، بهداشتی و سلامت مردم می‌باشد، بوده و نه تنها هیچ مغایرتی با قوانین و مقررات نداشته بلکه منطبق با اهداف مقرر در قوانین مزبور می‌باشد. لذا نظر به مراتب فوق ملاحظه می‌فرمایید که شکایت شاکی فاقد مبنای حقوقی و مستند قانونی لازم بوده و مردود است. علی‌هذا صدور رأی مبنی بر رد دادخواست شاکی مورد تقاضا می‌باشد."

متن دستورالعمل مورد اعتراض به قرار زیر است:

"عنوان: دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت

شماره: TT ۹۴۰۷۱۵

تاریخ شروع اجرا: ۱۳۹۴/۸/۱

شماره بازنگری: ۲

تاریخ اعتبار: ۲ سال

شماره: ۱۳۹۴/۷/۲۱ تاریخ ۳۳۰۸۴/۶۵۸

دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت  
ماده ۹: هزینه و تعرفه ارائه خدمات:

هزینه پیاده‌سازی طرح ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت بر عهده شرکت‌های صاحب پروانه بوده و سازمان می‌تواند برای هر واحد فرآورده که شناسه گذاری و واجد شناسنامه‌های الکترونیکی لازم می‌شود، مبلغی را طبق مستندات ارائه شده، در تعیین قیمت فرآورده‌های مشمول قیمت‌گذاری لحاظ نماید. این هزینه در موقع ارسال اطلاعات به سامانه مرکزی به ازای هر واحد فرآورده از شرکت‌های ارسال‌کننده اطلاعات شامل شرکت‌های صاحب پروانه و غیره اخذ می‌شود. هزینه و تعرفه ارائه خدمات توسط کمیته پیشنهاد پس از تأیید ریاست سازمان ابلاغ می‌شود."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به اختیارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شرح ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به‌ویژه بند ۱۷ آن مبنی بر تعیین ضوابط مربوط به ورود، ساخت، نگهداری، صدور، مصرف و انهدام مواد بیولوژیک مخدر، خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی، آرایشی، آزمایشگاهی و فرآورده‌های دارویی و تجهیزات و ملزومات و مواد مصرفی پزشکی و توان‌بخشی و نیز ارزشیابی، نظارت و کنترل ضوابط مذکور، تصویب دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده‌های سلامت در محدوده اختیارات وزارت بهداشت است و باوجوداینکه به‌موجب بند پ ماده ۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵ مقرر شده هرگونه واردات تجاری، ذخیره‌سازی، توزیع، عرضه و فروش کالاهای دارویی، واکسن، مواد زیستی (بیولوژیک)، طبیعی و سنتی، مکمل‌های تغذیه‌ای، آرایشی، بهداشتی، غذایی و ملزومات و تجهیزات پزشکی که در سامانه رهگیری و کنترل اصالت طبق ضوابطی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌کند ثبت نشده باشد جرم محسوب می‌شود بیانگر ضرورت ثبت در سامانه رهگیری و کنترل اصالت طبق ضوابط وزارت بهداشت است. با توجه به مراتب تصویب دستورالعمل مورد اعتراض از حدود اختیارات وزارت بهداشت خارج نیست و موجبی برای ابطال دستورالعمل وجود ندارد. لیکن با توجه به اینکه در ماده ۹ دستورالعمل راجع به هزینه و تعرفه ارائه خدمات تعیین تکلیف شده و به‌موجب ماده ۶۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۹۳ دریافت و پرداخت هرگونه وجهی تحت هر عنوان توسط دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۵ قانون محاسبات عمومی باید در چهارچوب قوانین موضوعه کشور باشد در غیر این صورت در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی است، بنابراین حکم ماده ۹ دستورالعمل به علت مغایرت با ماده ۶۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۹۳، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون پیش گفته و تسری ابطال ماده ۹ دستورالعمل به زمان تصویب آن موافقت نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۲۶ دی ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۰۶۰ الی ۱۰۸۰

کلاس پرونده: ۹۶/۱۱۴/۱۱۳/۹۶، ۱۱۲/۹۶، ۱۱۱/۹۶، ۱۱۰/۹۶، ۱۰۹/۹۶، ۱۰۸/۹۶، ۱۰۷/۹۶، ۱۰۶/۹۶، ۱۰۵/۹۶، ۹۶/۹۶، ۱۱۴/۱۵

موضوع: عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱۱/۲-۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶ و نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱۱/۴-۵/۴۶/۶۶۱۸۸ و نامشماره ۱۳۹۵/۱۱۱/۴-۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶ دانشگاه پیام نور (در خصوص اخذ مجوز تبدیل وضعیت دارندگان کارنامه قبولی آزمون‌های ادواری سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴)

شاکي: خانم‌ها: ۱- فاطمه رنجبری ۲- اکرم صادقی ۳- نعیمه قره سید اصلی ۴- ژاله پورحسن  
۵- رقیه پرهیز جوان ۶- اکرم چمنی قلندری ۷- معصومه نیکی ۸- رویا شیخی یوسفی ۹- زکیه  
نقش حسینی ۱۰- زهرا علیزاده ۱۱- معصومه حسین پور برزگر ۱۲- فخرالدین صالحی ۱۳- مریم  
داغستانی ۱۴- رقیه صفرپور ۱۵- لایلا حسین پور ۱۶- رباب نیکی و آقایان: ۱۷- کریم جلیلیان  
۱۸- کرملی رحیم زاده ۱۹- عبدالله عظیمی احمدآباد ۲۰- وحید مؤیدی ۲۱- محمدعلی سردهائی

### گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواست‌هایی جداگانه ولی با متن مشابه ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱۱/۲-۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶ و نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱۱/۴-۵/۴۶/۶۶۱۸۸ دانشگاه پیام نور تهران را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

"با سلام احتراماً، به استحضار مقام عالی قضایی می‌رسانیم این‌جانبان طی قرارداد استخدامی به‌صورت قراردادی در خدمت دانشگاه پیام نور آذربایجان شرقی بوده‌ایم. اخیراً معاون اداری و مالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بخشنامه‌ای با شماره ۱۳۹۵/۱۱۱/۲-۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶ در خصوص اخذ مجوز تبدیل وضعیت دارندگان کارنامه قبولی آزمون‌های ادواری سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴ صادر و در اجرای مفاد بخشنامه مذکور، مدیرکل امور اداری دانشگاه پیام نور طی نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱۱/۴-۵/۴۶/۶۶۱۸۸ از ریاست دانشگاه پیام نور آذربایجان شرقی خواسته است مدارک مربوط به اسامی دارندگان کارنامه مجاز آزمون‌های ادواری سال‌های فوق‌الاشاره به اداره کل امور اداری ارسال و نسبت به تبدیل وضعیت استخدامی اشخاص مذکور به پیمانی اقدام گردد. حال آن‌که افرادی با سابقه همکاری قراردادی بیش از ۱۵ سال هستند که از هرجهت برای تبدیل وضعیت به پیمانی در اولویت می‌باشند. خاطر شریف مقام قضایی را به دلایلی معطوف می‌دارد که دال بر مغایرت بخشنامه و دستورات متعاقب آن با قوانین و مقررات جاری کشور دارد. اولاً: مطابق قانون اصلاح ماده (۱۴۳) قانون برنامه چهارم توسعه و اصلاح ماده (۶۹) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، آزمون ادواری برای استخدام نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی، عمومی حذف گردیده

است. ثانیاً: در کارنامه‌های آزمون استخدام ادواری تصریح شده است که اعتبار کارنامه قبولی مذکور ۵ سال است لذا اعتبار آزمون‌های ۱۳۸۴ و ماقبل منقضی است. ثالثاً: عرف اداری در دانشگاه پیام نور همواره مبتنی بر اولویت استخدام پیمانی کارمندان قراردادی به ترتیب سابقه بوده است. رابعاً: ماده ۹ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه پیام نور دلالت بر اولویت کارمندان قراردادی برای تبدیل وضعیت به پیمانی دارد و اولویتی برای دارندگان کارنامه قبولی آزمون ادواری پیش‌بینی نشده است. نظر به مراتب فوق تقاضای ابطال تصمیمات مورد شکایت و الزام دانشگاه پیام نور به تبدیل وضعیت استخدامی این‌جانب از قراردادی به پیمانی و بدواً صدور دستور موقت مبنی بر توقف اقدامات اجرایی مربوط به تصمیمات مورد شکایت را دارم."

متن بخشنامه و نامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف: بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۲-۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶:

"روسای محترم دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری  
سلام‌علیکم

با عنایت به بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۰/۲۶-۹۶۱۹۷۷-رئیس امور آمار، برنامه‌ریزی و تأمین نیروی انسانی سازمان اداری و استخدامی کشور موضوع ماده ۳۰ بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰۰/۹۳/۹۷۵۷ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست‌جمهوری، در خصوص دارندگان قبولی آزمون ادواری، خواهشمند است دستور فرمایید ضمن رعایت نکات زیر نسبت به تهیه و ارسال مدارک ذکر شده با مهر برابر اصل به اداره کل امور اداری و پشتیبانی وزارت متبوع اقدام فوری معمول فرمایند.

۱- کارنامه مجاز آزمون‌های ادواری سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ مه‌مهور به مهر سازمان سنجش آموزش کشور.

۲- برگ تکمیل شده مشخصات شغل و شاغل

۳- تصویر آخرین قرارداد همکاری با دستگاه با درج شماره شناسه قراردادی ۱۱ رقمی صادره از سازمان اداری و استخدامی کشور یا تأییدیه شماره شناسه توسط سازمان مذکور

۴- تصویر آخرین مدرک تحصیلی و مدرک تحصیلی مربوط به زمان شرکت در آزمون ادواری و اعلام پست بلا تصدی مصوب مرتبط

۵- رعایت شرایط عمومی استخدام و تأییدیه هسته‌گزینه‌ش دارای یک سال اعتبار از تاریخ صدور (الزام به درج عنوان موافقت با تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی)

۶- ریز واریز بیمه از ابتدای شروع قرارداد همکاری با دانشگاه تاکنون با تأییدیه سازمان تأمین اجتماعی یا مه‌مهور به مهر دستگاه.

۷- تصویر کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا معافیت.

بدیهی است مدارک دریافتی پس از بررسی و تائید به آن دانشگاه/موسسه/پارک عودت داده می‌شود تا موضوع به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان برای اخذ تأییدیه تأمین اعتبار از سازمان برنامه‌و بودجه کشور منعکس شود و از این طریق زمینه ثبت اطلاعات در بستر سامانه کارکنان نظام اداری کشور فراهم شود. قابل ذکر است که در صورت انطباق کلیه شرایط مذکور، شماره مستخدمی توسط سازمان اداری و استخدامی کشور صادر خواهد شد."

ب: بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۴-۵/۴۶/۶۶۱۸۸:

"جناب آقای دکتر معصومی

رئیس محترم دانشگاه پیام نور- استان آذربایجان شرقی

## با سلام و احترام

در اجرای مفاد بخشنامه شماره ۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶-۱۳۹۵/۱۱/۲ معاون اداری، مالی و مدیریت منابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در خصوص اخذ مجوز تبدیل وضعیت دارندگان کارنامه قبولی در آزمون‌های ادواری سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ خواهشمند است دستور فرمایید در اسرع وقت نسبت به ارسال مدارک ذیل مربوط به اسامی لیست پیوست مهپور به مهر برابر اصل به این اداره کل اقدام نمایند.

۱- کارنامه مجاز آزمون‌های ادواری سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ مهپور به مهر سازمان سنجش آموزش کشور.

۲- تصویر آخرین قرارداد همکاری

۳- تصویر آخرین مدرک تحصیلی و مدرک تحصیلی مربوط به زمان شرکت در آزمون ادواری

۴- ریز واریز بیمه از ابتدای شروع قرارداد همکاری با دانشگاه تاکنون با تأییدیه سازمان تأمین اجتماعی.

۵- تصویر کارت پایان خدمت یا معافیت.

۶- تصویر کارت ملی"

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی دانشگاه پیام نور به‌موجب لایحه شماره ۱۱۰۳/۶۰۶۸/ص/۱۳۹۶/۷/۱- توضیح داده است که:

"دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اهدای سلام و درود

الف) نامه‌های مورد شکایت شاکیان منطبق با مواد ۱ و ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیست زیرا اولاً: نامه‌های مزبور با هیچ یکی از قوانین بالادستی معارض نیست و ثانیاً: با عنایت به ادامه مفاد دادخواست مشخص می‌شود که تقاضای اصلی شاکیان تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی است.

ب) در خصوص تبدیل وضعیت استخدامی به پیمانی لازم است به استحضار رسانده شود:

۱- تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی منوط به قبولی در آزمون استخدامی برگزار شده منطبق با ماده ۴۱ و خصوصاً مواد ۴۴ و ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری است. این آزمون باید توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور برگزار شده و پس از اختصاص ردیف و پست استخدامی اقدام شود. علی‌رغم مکاتبات متعدد تاکنون نسبت به اختصاص ردیف و پست استخدامی به دانشگاه اقدامی نشده است، لذا به دلیل فقدان مجوز و ردیف استخدامی امکان جذب شاکیان به‌عنوان مستخدم پیمانی قانوناً امکان‌پذیر نیست. شاکیان نیز فاقد مدرک قبولی در آزمون استخدامی است. با عنایت به بخشنامه شماره ۶/۱۸۸۷۶-۶/۲/۶-۱۳۹۴ معاون اداری، مالی و مدیریت منابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از هرگونه جذب و به‌کارگیری نیروی انسانی جدید بدون اخذ مجوزهای لازم منع شده‌اند و به همین دلیل نیز هیچ‌گونه مجوز استخدامی به دانشگاه اختصاص داده نشده است. در صورت اخذ مجوز از سازمان‌های ذی‌ربط، شاکیان در اولویت تغییر وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی خواهد بود.

۲- شاکیان مشمول تصویب‌نامه‌های شماره ۳۵۹۱/ت/۱۷۲۹۶ هـ-۱۳۷۸/۱/۳ و ۱۷۵۹۸-۱۳۶۳/۳/۲۳ هیأت وزیران نیستند، کسانی مشمول مصوبات مزبور هستند که قبل از ۱۳۷۸/۳/۱ منطبق با مصوبه مزبور به استخدام دستگاه درآمده‌اند. همچنین بر اساس مفاد رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۵۵۵-۱۳۸۷/۸/۱۹ تنها زمانی وضعیت استخدامی مستخدم از قراردادی به پیمانی تبدیل می‌شود که قرارداد خرید خدمت تا قبل از ۱۳۷۸/۳/۱ منعقد شده باشد. این در حالی است که شاکیان فاقد شرط مزبور می‌باشند.

۳- به‌موجب رأی وحدت رویه شماره ۸۶۹-۱۳۸۸/۱۲/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز

دستگاه‌های اجرایی الزامی به تبدیل وضعیت به پیمانی افراد قرارداد با کار معین را ندارند.

۴- پیش‌ازاین دو نفر از همکاران دانشگاه نیز به نام‌های آقای علی غفوری و خانم میترا شایسته پور در دیوان عدالت اداری با خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی طرح دعوا کرده بودند که شعب سوم و پنجاهم دیوان عدالت اداری به استناد مراتب مزبور حکم به رد شکایت ایشان صادر کرده‌اند.

با عنایت به مراتب مزبور صدور حکم به رد دعوی شاکی مورد استعاست."

همچنین مدیرکل دفتر حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌موجب لایحه شماره ۷/۷۵/۵۳۹۶۱-۱۳۹۶/۳/۱۶ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
با سلام و احترام

بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۲-۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶ معاون اداری و مالی و مدیریت منابع وقت وزارت متبوع در راستای نامه شماره ۱۳۹۵/۱۰/۲۶-۹۶۱۹۷۷ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست‌جمهوری در خصوص دارندگان قبولی آزمون ادواری صادر گردیده است. همچنین قانون اصلاح ماده (۱۴۳) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اصلاح ماده ۶۹ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، بیان داشته است که آزمون ادواری برای استخدام نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی حذف می‌گردد. از این قانون ملغی الاثر شدن آزمون قبلی برنمی‌آید که شاکیان به استناد مواد فوق ابطال آن را درخواست نموده‌اند؛ بنابراین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی بخشنامه فوق‌الذکر نسبت به جمع‌آوری مدارک افراد مشمول، اقدام نمود تا در راستای تحقق بندهای (۲) و (۳) سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر "عدالت محوری در جذب، تداوم خدمت و ارتقای منابع انسانی" و "بهبود معیارها و روزآمدی روش‌های گزینش منابع انسانی به‌منظور جذب نیروی انسانی توانمند، متعهد و شایسته و پرهیز از تنگ‌نظری‌ها و نگرش‌های سلیقه‌ای و غیرحرفه‌ای"، به استناد ماده (۴۴) و بند (۳) قسمت (ب) ماده ۱۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری و با هدف استقرار نظام سنجش دانش عمومی، مهارت‌های شغلی و ... عمل نماید. شایان ذکر است تبدیل وضعیت آنان از محل مانده مجوزهای استخدامی در برنامه پنجم توسعه (اعم از مانده مجوزهای استانی یا مجوزهای خاص دستگاه‌های اجرایی) تأمین شده است.

اگرچه اعتبار کارنامه آزمون استخدامی ادواری ۵ ساله می‌باشد اما زمانی مورد استناد قرار می‌گیرد که شخص ذینفع تعلل در ارائه کارنامه قبولی به دستگاه داشته باشد؛ بنابراین با وجود نامه شماره ۹۶۱۹۷۷-۱۳۹۵/۱۰/۲۶ سازمان امور اداری و استخدامی و ماده (۳۰) بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰۰/۹۳/۹۷۵۷، شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، استناد شاکی به اعتبار کارنامه، مورد قبول نیست. تبدیل وضعیت اعضای قراردادی طبق ماده ۹ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیأت علمی در قالب سهمیه ابلاغی امکان‌پذیر می‌باشد با توجه به حکم کارگزینی، نامبرده کارمند دانشگاه پیام نور می‌باشد. لذا به استناد ماده ۱۰ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کلیه مراکز آموزش عالی از جمله دانشگاه پیام نور دارای شخصیت مستقل حقوقی می‌باشند و بنابراین هرگونه ادعا و یا شکایت از اقدامات مراجع مذکور، باید صرفاً به طرفیت این مراجع مطرح می‌گردد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

بهموجب بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ مقرر شده است، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری استخدامی، تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تائید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد عمل می‌نمایند. با توجه به حکم قانونی مذکور و اینکه دانشگاه‌ها تابع مصوبات هیأت امناء هستند و الزامی به رعایت قوانین عمومی ندارند و از طرفی در ماده ۹ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، امکان تبدیل وضعیت کارکنان قراردادی به استخدام پیمانی با حصول شرایطی مجاز دانسته شده است و با عنایت به اینکه ماده ۳۰ بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰/۹۳/۹۷۵۷ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور بهموجب رأی شماره ۶۵۶ الی ۱۳۹۶/۷/۱۸-۶۵۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با لحاظ ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب بخشنامه باطل نشده است در نتیجه بخشنامه‌های مورد اعتراض با قانون مغایرت ندارد و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - مبارزه با دخانیات، مواد مخدر و روان گردان

تاریخ: ۳ بهمن ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۱۲۱

کلاس پرونده: ۹۵/۹۹۷

**موضوع:** ابطال قرارداد شماره ۱۳۹۵/۳/۱۷-پ/۱۷/۱/۵۷۰۹۵ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید صدوقی یزد با سازمان بسیج جامعه پزشکی در خصوص چگونگی نظارت بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر

### شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی و رئیس کمیسیون تطبیق مصوبات دستگاه‌های اداری سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت‌نامه شماره ۱۵۰۵۰۵-۱۳۹۵/۷/۱۹-۱۳۹۵/۳/۱۷ ابطال قرارداد شماره ۱۳۹۵/۳/۱۷-پ/۱۷/۱/۵۷۰۹۵ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید صدوقی یزد با سازمان بسیج جامعه پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"احتراماً به استحضار می‌رساند، اخیراً طی قراردادی فی‌مابین دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید صدوقی یزد و سازمان بسیج جامعه پزشکی به شماره ۱۳۹۵/۳/۱۷-پ/۱۷/۱/۵۷۰۹۵ وظیفه نظارت بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر با داروهای آگونیس‌ت در سطح کشور را با مبلغ حدود بیست میلیارد ریال، به آن سازمان واگذار کرده است. از آنجاکه قرارداد مذکور ناقض قوانین و آیین‌نامه‌های موضوعه به شرح ذیل بوده، بر اساس تبصره ماده (۱) و تبصره (۲) بند (د) ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و به استناد مواد (۱۲) و (۸۰) و ذیل ماده (۳۶) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲، ضمن تقاضای صدور دستور موقت در توقف اجرای قرارداد، ابطال آن قرارداد مورد درخواست می‌باشد. در مورد این قرارداد که توسط دانشگاه علوم پزشکی یزد امضا شده چند موضوع قابل ذکر است:

۱- در قرارداد اشاره‌ای به شماره و تاریخ اعطای این اجازه از سوی وزارت بهداشت به دانشگاه مذکور نشده است.

۲- امضاء چنین قراردادی نیاز به مصوبه و اجازه هیأت امنای دانشگاه یزد به ریاست دانشگاه دارد که تاکنون چنین مدرکی ارائه نگردیده است.

۳- بر فرض وجود مصوبه هیأت امنای دانشگاه، آن مجوز فقط می‌تواند برای زیرمجموعه آن دانشگاه در استان یزد ملاک عمل قرار گیرد و نمی‌تواند برای کل کشور اعمال شود.

۴- در برنامه پنجم توسعه برای واگذاری خدمات و نیز انتخاب پیمانکار دو شرط مهم تعیین شده است، یکی غیردولتی بودن پیمانکار و دیگری اعطای این واگذاری‌ها از طریق مناقصه می‌باشد. در باب انتخاب شدن

بسیج به‌عنوان پیمانکار جهت واگذاری نظارت:

۴/۱- بسیج یک‌نهاد خصوصی و یا غیردولتی مورد اشاره برنامه پنجم نیست. "هزینه‌های آن از بودجه عمومی کشور تأمین می‌گردد، مصداق لایحه نهادهای غیردولتی نمی‌باشد، بر اساس مواد ۲ و ۳ لایحه خدمات کشوری و تصویب‌نامه شماره ۲۷۸۶۲/ت، ۳۱۲۸۱-۵/۸-۸/۸ هیأت وزیران و ماده ۳۵ اساسنامه سپاه پاسداران و بند ۳ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب و همچنین بند ۳ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی و بند (ج) ماده ۱ فصل اول قانون جرائم نیروهای مسلح، سازمان بسیج نهاد غیردولتی محسوب نشده و مشمول شرایط بند (و) ماده ۳۸ قانون برنامه توسعه پنجم که در بند (۲) ماده ۶ و دستورالعمل نظارت و ارزیابی موضوع ماده ۴ ابلاغی ستاد مبارزه با مواد مخدر به آن اشاره شده، نمی‌گردد." ۴/۲- بر اساس اساسنامه سپاه پاسداران و قوانین تشکیل و مجازات نیروهای مسلح، بسیج جزو نیروهای مسلح محسوب می‌شود.

۴/۳- واگذاری از طریق تشریفات قانونی مناقصه صورت نگرفته است.

۴/۴- مبلغ قرارداد از محل صرفه‌جویی در همان ردیف بودجه نظارت تأمین نشده است.

۵- بر اساس دستورالعمل نظارت، ارزیابی و نحوه برخورد با تخلفات مراکز درمانی و کاهش آسیب ابلاغی ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۹۲ (موضوع ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی مراکز، به‌عنوان سند جامع رویه نظارتی بالادستی: الف) نظارت بر مراکز توسط کمیته نظارت کشوری و در استان‌ها توسط کمیته نظارت استانی (منطقه‌ای) انجام می‌شود. درحالی‌که در فصل دوم تفاهم‌نامه مذکور در بخش اجراء ترکیبی به نام کمیته کشوری و استانی با عنوان کمیته ساماندهی مراکز درمان سوءمصرف مواد پیش‌بینی شده است که از نظر عنوانی و محتوایی کاملاً خلاف قوانین ابلاغی است و به نظر می‌رسد به‌موازات کمیته نظارت کشوری و استانی مصوب ستاد مبارزه با مواد مخدر پیش‌بینی شده است. ب) طبق ماده (۷) بخش وظایف کمیته نظارت استانی دستورالعمل مذکور، معرفی مؤسسات (علمی، حرفه‌ای و مؤسسات خصوصی) مجری نظارت و همچنین اعتباربخشی، از وظایف کمیته نظارت استانی شناخته شده است. همچنین در بخش فوق‌الذکر، جمع‌آوری گزارش‌ها، نظارت بر حسن اجرای فرآیند بازدید توسط موسسه مذکور و تصمیم‌گیری در مورد به‌کارگیری ارزیابی انجام شده، از وظایف کمیته نظارت استانی شناخته شده است. ج) در مواد ۴ و ۵ همان دستورالعمل نحوه نظارت، ترتیبات قانونی ابلاغ، چگونگی رویه امضاء فهرست یادآور، چگونگی ابلاغ نقایص و ترتیبات برخورد با نواقص احتمالی در صورت عدم رفع تبیین شده است. د) در ماده ۶ منابع بند ۲ قیده شده که در صورت تصویب کمیته نظارت کشوری (و نه صرفاً وزارت بهداشت) نیروی انسانی لازم برای ارزیابی مراکز توسط کمیته‌های نظارت استانی و بر اساس بند ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه از طریق مؤسسات غیردولتی قابل تأمین است. ه) در بند ۳ ماده ۱ نیز شرایط صدور مجوز مؤسسات ارزیابی غیردولتی را در صلاحیت کمیته نظارت کشوری دانسته که تدوین و ابلاغ خواهد شد. همچنین در بند ۴ ماده ۱ نیز مسئولیت آموزش و توانمندسازی کارشناسان نظارتی مؤسسات ارزیابی را در سطح کشور مشترکاً بر عهده وزارت بهداشت و بهزیستی قرارداد که برنامه توانمندسازی فوق نیز پس از تدوین باید به تصویب کمیته نظارت کشوری برسد. لذا چنان‌که آشکار است، نه در مرحله شناسایی مصداقی مؤسسات با قابلیت ارائه خدمات ارزیابی، نه در تدوین دستورالعمل مربوطه و نه در تدوین شرایط این مؤسسات و نه در مرحله آموزش آن‌ها رعایت قانون انجام نگرفته و همچنین از نظر محتوایی نیز رویکرد دستورالعمل وزارت بهداشت، ناقض دستورالعمل نظارتی بالادستی ستاد مبارزه با مواد مخدر است.

۶- چک لیست و دستورالعمل ارائه شده از سوی وزارت بهداشت برای ارزیابی و بازرسی مراکز درمان

اعتیاد ناقض قوانین موضوعه مدنی کشور (مواد ۱۲۸۴، ۱۲۸۶ و ۱۲۸۷) درباره تماس بازرسین با بیماران و موجب انتساب جرم کیفری افشای اسرار بیمار به مسئول فنی (ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، ماده ۴ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات شاغلین حرف پزشکی، مواد ۶ و ۷ منشور حقوق بیمار) است؛ زیرا تیم درمانی حق افشای اسرار بیمار را ندارد و این قانون مبتنی بر اخلاق پزشکی (سوگندنامه بقراط) قوانین جهانی و فقه اسلامی است. افشای اسرار بیمار جرم کیفری است و لذا جز در موارد مصرح در قانون قابل افشاء نبوده و قابل تفسیر موسع هم نیست و از طرفی صدور دستور از سوی مقام مافوق هم به دلیل ماهیت کیفری جرم، از مجری دستور سلب مسئولیت نمی‌کند. همچنین بر اساس پروتکل ابلاغی ستاد مبارزه با مواد مخدر، در صفحه ۱۰۲، حتی تماس درمانگر با بیمار منوط به رضایت قبلی بیمار دانسته شده که دستورالعمل ابلاغی به بازرسین از سوی وزارت بهداشت ناقض پروتکل است. علی‌ای‌حال، با توجه به این‌که: اولاً- بر اساس بند (الف) ماده (۸) و ماده (۹) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب مجلس شورای اسلامی، نظارت بر درمان امری حاکمیتی است و لذا در صلاحیت وزارت بهداشت محسوب شده و بدون حکم صریح قانون‌گذار، قابل واگذاری نیست. همچنین بر حسب ماده (۱۳) همان قانون، صرفاً امور تصدی-گری قابل واگذاری به غیر با رعایت ضوابط و تشریفات قانونی است. ثانیاً- وفق ماده (۱۷) قانون مدیریت خدمات کشوری، امور تصدی‌گری نیز از طریق مناقصه قابل واگذاری به بخش غیردولتی است که اگرچه این قانون اصالتاً درباره قرارداد مذکور قابل اجرا نیست (زیرا نظارت حاکمیت، غیر قابل واگذاری است)، لیکن شرایط ماهوی و شکلی واگذاری نیز درباره قرارداد صدرا اشاره مراعات نگردیده است. ثالثاً- قرارداد مذکور ناقض متن سیاست‌های کلی سلامت، ابلاغی مقام معظم رهبری (فروردین ۱۳۹۳) است. در ماده (۷) سیاست‌های فوق، ضمن تأکید بر واگذاری تولید سلامت به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صراحتاً بر تفکیک حوزه‌های کارکردی آن وزارتخانه تأکید گردیده که این حوزه‌ها شامل اول: وظایف ذاتی و حاکمیتی وزارت بهداشت در حوزه‌های سیاست‌گذاری، نظارت و برنامه‌ریزی راهبردی است و بیمه و خرید خدمت در بند دوم و نهایتاً امور تصدی‌گری در بند سوم مورد ذکر قرار گرفته که اجازه واگذاری به بخش‌های غیردولتی و خصوصی را صرفاً شامل بخش اخیر (بند ۳) دانسته است. از آنجاکه اجرای قرارداد مذکور تبعاتی داشته که موجب شکایت جمعی از مراکز درمانی سوءمصرف مواد شده است (لذا با توجه به فوریت پیش آمده) صدور دستور موقت توقف اجرا و ابطال قرارداد مذکور مورد درخواست می‌باشد. ضمناً، مدارک و مستندات مربوطه به پیوست ارسال می‌شود. موجب امتنان است از نتیجه تصمیم متخذه این سازمان را مطلع فرمایند."

طرف شکایت علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضائم آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ‌گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه مطابق بند (و) ماده ۳۸ قانون پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران که حاکم بر زمان انعقاد قرارداد فی‌مابین دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد و سازمان بسیج جامعه پزشکی برای واگذاری نظارت بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر با داروهای آگونئیست، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده است، واگذاری امر نظارت اولاً: ناظر به مؤسسات ارائه‌دهنده خدمت است. ثانیاً: موضوع نظارت

---

---

بایستی به مؤسسات بخش غیردولتی واگذار شود. ثالثاً: واگذاری نظارت بایستی بدون تحمیل بار مالی جدید به وزارتخانه باشد و موجب آزاد شدن منابع وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این بخش گردد. حال آن که مستنبط از ماده ۳۵ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مصوبه شماره ۲۷۸۶۲/ت/۳۱۲۸۱ هـ-۱۳۸۴/۵/۸ هیأت وزیران، سازمان بسیج دولتی است و در قوانین بودجه ذیل بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران برای آن سازمان ردیف بودجه منظور می‌شود. رابعاً: بر اساس بند ۳ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و بند ۳ قانون تبیین حدود صلاحیت‌های دادرسی و دادگاه‌های نظامی و بند (ج) ماده ۱ فصل اول قانون جرائم نیروهای مسلح، بسیج در حکم ضابط قضایی تلقی شده است، از طرفی در قرارداد مورد شکایت از منابع وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبلغ قرارداد معین شده است و در واقع مبین تحمیل بار مالی جدید به دولت می‌باشد، بنابراین قرارداد مورد شکایت که واجد قاعده آمره و عام الشمول در خصوص چگونگی نظارت بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر است، مغایر حکم بند (و) ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - مبارزه با دخانیات، مواد مخدر و روان گردان

تاریخ: ۳ بهمن ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۱۲۲

کلاس پرونده: ۹۵/۱۰۹۶

**موضوع:** ابطال بخشنامه شماره ۵۴۱۹/۹۵ م-۱۳۹۵/۶/۲۷ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر واگذاری نظارت سازمان بسیج جامعه پزشکی بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر

**شاکي:** خانم المیرا شایگان پور به وکالت کانون سراسری انجمن‌های صنفی کارفرمایی مراکز درمان سوءمصرف مواد کشور

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۵۴۱۹/۹۵ م-۱۳۹۵/۶/۲۷ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام، به استحضار می‌رساند وزارت بهداشت طی بخشنامه شماره ۵۴۱۹/۹۵ م-۱۳۹۵/۶/۲۷ با امضای قائم‌مقام معاون درمان در امور سلامت روان و اعتیاد و (دستورالعمل اجرایی منضم)، نظارت بر مراکز درمان اعتیاد سراسر کشور را به بسیج جامعه پزشکی واگذار نموده که از نظر شکلی و محتوایی مغایر قوانین مملکتی و مغایر سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری است.

۱- مغایرت با سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری (سال ۱۳۹۳): در بند ۱ ماده ۷ این سیاست‌ها، نظارت صراحتاً به‌عنوان امر حاکمیتی و غیر قابل واگذاری قید شده است. (در ماده ۷ سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری (فروردین ۱۳۹۳)، صراحتاً بر تفکیک حوزه‌های کارکردی وزارت بهداشت تأکید شده و به‌عنوان وظیفه و سیاست کلی ابلاغ گردیده که مبنای برنامه توسعه ششم و ... نیز همین تفکیک بوده است. به‌طوری‌که با تقسیم این وظایف به سه بخش شامل: بند ۱ ماده ۷: نظارت و سیاست‌گذاری و ... تحت عنوان وظیفه ذاتی خود وزارت قید شده. بیمه و ملحقات خرید خدمت در بند ۲ و نهایتاً امور تصدی‌گری در بند ۳ همین ماده که اجازه واگذاری به بخش‌های غیردولتی و خصوصی را صراحتاً شامل بخش اخیر (بند سوم) دانسته است).

۲- بر اساس بند الف ماده ۸ و ماده ۹ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب مجلس شورای اسلامی نظارت بر درمان امر حاکمیتی است و لذا در صلاحیت وزارت بهداشت محسوب شده و بدون حکم صریح قانون‌گذار قابل واگذاری نیست و حسب ماده ۱۳ همان قانون صرفاً امور تصدی که در گروه مجزا از حاکمیتی قرار گرفته قابل واگذاری به غیر با رعایت مراتب قانونی است.

۳- در بند "و" ماده ۳۸ فصل ۳ برنامه توسعه پنجم "واگذاری نظارت توسط وزارت بهداشت مشروط

به واگذاری به بخش غیردولتی شده" و با لحاظ عدم تحمیل بار مالی جدید که در این مورد رعایت نگردیده است. به طوری که الف: وفق ماد ۲ و ۳ لایحه خدمات کشوری و تصویب نامه شماره ۲۷۸۶۲/ت ۱۳۸۱/هـ- عمومی و انقلاب و بند ۳ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه های نظامی و بند ج ماده ۱ فصل اول قانون جرائم نیروهای مسلح، سازمان بسیج، نهاد غیردولتی محسوب نمی شود و مشمول شرایط بند "و" ماده ۳۸ قانون برنامه توسعه پنجم نمی شود. ثانیاً: وزارت بهداشت و دانشگاه ها دارای مجموعاً چند صد کارشناس نظارت مخدر بوده که سالانه حدود هفت، هشت میلیارد تومان بار مالی برای وزارت ایجاد می کند و تغییری در این ساختار ایجاد نشده که از محل صرفه جویی آن، هزینه مالی واگذاری تأمین شود.

۴- سیاست کلی نظام مصرح در سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر ابلاغی مقام معظم رهبری (۱۳۸۵) در حوزه درمان اعتبار غیرامنیتی کردن فضای درمان معتادان بوده است حضور بسیج در مراکز مغایر این سیاست کلی نظام است به طوری که حضور بسیج در مراکز و دسترسی به اطلاعات بیماران و استنتاج بیماران توسط بسیج باعث ایجاد احساس اضطراب و ترس از افشای اطلاعات بیماران اعتیادی شده و منجر به خروج آن ها از چرخه درمان می شود. لذا اجرای این بخشنامه خطر قطعی خروج از درمان حدود هفتصد و هشتاد هزار بیمار اعتیادی و ورود آن ها به چرخه مواد مخدر و گسترش جرم و جنایت متعاقب را در پی خواهد داشت.

۵- ضمناً به پیوست نظریه کارشناسی ۴۴۰۰ پزشک درمانگر اعتیاد کشور و اعلام نظر کارشناسی دبیران شورای هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر استان های سمنان، کرمان و همدان و نظر انجمن پزشکان عمومی کشور و رئیس سازمان نظام پزشکی و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مخالفت کارشناسی با بخشنامه و اقدام صدرالاشاره تقدیم گردیده است.

۶- نظریه کارشناسی سازمان بازرسی کل کشور دال بر اشکالات طرح و بخشنامه مورد اشاره نیز به شماره پرونده ۲۱۱/۱۱۸۹۵۴ - ۱۳۹۵/۸/۲ در دیوان عدالت اداری ثبت گردیده است. با توجه به آن که اقدام فوق طی دوره ۵ ماهه انجام می شود و در حال حاضر نیز بخشنامه در شرف اجراست و نظر به مغایرت آن با سیاست های کلی نظام و تدابیر مقام معظم رهبری و عوارض وسیع و غیرقابل جبران اجتماعی درمانی آن از نظر خروج صدها هزار بیمار اعتیادی کشور از چرخه درمان از آنجاکه سیاست های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ نسبت به سایر قوانین مربوطه اخیرتر بوده و از نظر مرجعیت و جایگاه قانونی ارجح محسوب می شود، مغایرت بخشنامه فوق با ابلاغیه مقام معظم رهبری و قانون خدمات کشوری و حتی برنامه توسعه پنجم و همچنین آشکار بودن مضرات اجرای بخشنامه لذا مستدعیست دستور توقف موقت اجرای بخشنامه فوق الذکر و سپس ابطال آن را صادر فرمایید. (بدیهی است بی اعتمادی به سیستم درمان کشور و خروج صدها هزار بیمار اعتیادی که حاصل سال ها فعالیت مراکز با حمایت نهادهای نظام بوده و آسیب های حاصله آن از مصرف دوباره مواد تا افزایش جرائم مختلف توسط این افراد غیرقابل جبران خواهد بود و قطعاً اعاده وضع سابق ناممکن).

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۴۲۱-۱۳۹۶/۷/۲۷ توضیح داده است:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۱۰۹۶/۹۵ موضوع شکایت کانون سراسری انجمن های صنفی کارفرمایی سوءمصرف مواد دائر بر درخواست توقف بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۶/۲۷-م/۹۵/۵۴۱۹ وزارت بهداشت موضوع طرح نظارت بر مراکز درمان با داروهای آگونیسست با توجه به اینکه اجرای قرارداد فی مابین دانشگاه علوم

پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد و سازمان بسیج جامعه پزشکی به شماره ۱۱۷/۱/۵۷۰۹۵/پ-۱۳۹۵/۳/۱۱۷ وفق نامه شماره ۱۳۹۶/۱۴۲۶/م-۹۶/۲/۲۷-۱۳۹۶ معاون درمان این وزارتخانه به واسطه دستور موقت صادره و پس از برگزاری جلسه با مجری (سازمان بسیج جامعه پزشکی) و کارفرما (دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی یزد) اقاله و به تبع آن، موضوع منتفی گردیده است، موضوع بخشنامه مورد اعتراض نیز که در ارتباط با موضوع قرارداد مذکور بوده منتفی و بر این اساس رد شکایت مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه مطابق بند (و) ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران که حاکم بر زمان انعقاد قرارداد فی‌مابین دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد و سازمان بسیج جامعه پزشکی برای واگذاری نظارت بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر با داروهای آگونیسیت، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده است، واگذاری امر نظارت اولاً: ناظر به مؤسسات ارائه‌دهنده خدمت است. ثانیاً: موضوع نظارت بایستی به مؤسسات بخش غیردولتی واگذار شود. ثالثاً: واگذاری نظارت بایستی بدون تحمیل بار مالی جدید به وزارتخانه باشد و موجب آزاد شدن منابع وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این بخش گردد. حال آن‌که مستنبط از ماده ۳۵ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مصوبه شماره ۲۷۸۶۲/ت/۳۱۲۸۱ هـ-۱۳۸۴/۵/۸ هیأت وزیران، سازمان بسیج دولتی است و در قوانین بودجه ذیل بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران برای آن سازمان ردیف بودجه منظور می‌شود. رابعاً: بر اساس بند ۳ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و بند ۳ قانون تبیین حدود صلاحیت‌های دادرسی و دادگاه‌های نظامی و بند (ج) ماده ۱ فصل اول قانون جرائم نیروهای مسلح، بسیج در حکم ضابط قضایی تلقی شده است، از طرفی در قرارداد مورد شکایت از منابع وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبلغ قرارداد معین شده است و در واقع مبین تحمیل بار مالی جدید به دولت می‌باشد، بنابراین قرارداد مورد شکایت که واجد قاعده آمره و عام الشمول در خصوص چگونگی نظارت بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر است، مغایر حکم بند (و) ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۳ بهمن ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۱۲۳-۱۱۲۴

کلاس پرونده: ۹۵/۴۸۵، ۹۶/۲۷۸

موضوع: بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۲۳-م/۴۶۷۹/۹۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قابل طرح و امعان نظر در هیأت عمومی تشخیص نشد(در خصوص پرداخت شهریه توسط دانشجویان انتقالی)

شاکلی: خانم‌ها مریم جعفری و محبوبه جعفری

### گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواست‌های تقدیمی ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۲۳-م/۴۶۷۹ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که: "در خصوص تقاضای انتقال از دانشگاه مبدأ به دانشگاه مقصد برابر بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۲۳-م/۴۶۷۹ وزارت بهداشت، دانشجویان انتقالی باید شهریه پرداخت نمایند. این موضوع موجب بروز مشکلاتی شده است. لذا با عنایت به ماده ۷ لایحه قانون مواد ۷ و ۸ تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸ تحصیل در دانشگاه‌های دولتی داخل کشور رایگان در قبال تعهد خدمت در نظر گرفته است. بنا به مراتب درخواست ابطال بخشنامه یاد شده را دارم."

خانم مریم جعفری در خصوص پاسخ به اخطار رفع نقص ارسالی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۵/۶/۱۳-۹۰۳ پاسخ داده است که: "مصوبه با اصل ۳۰ قانون اساسی مغایرت دارد."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۵/۱۰/۱۹-۱۶۶۷ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده توضیح داده است که: "علیرغم وجود شرایط مذکور جهت انتقال، هر ساله درخواست‌های متعددی از سوی دانشجویانی که دارای شرایط انتقال نمی‌باشند به دانشگاه‌های علوم پزشکی ارائه می‌گردد. از آنجایی که برای دانشجوی مهمان و انتقالی هیچ‌گونه بودجه‌ای در اختیار دانشگاه مقصد قرار نمی‌گیرد و عدم پرداخت شهریه توسط این دانشجویان تحمیل هزینه‌ای اضافی به دانشگاه مقصد را در پی داشته و این عدم پرداخت شهریه موجب افزایش شدید تقاضا و ایجاد فشار مضاعف به دانشگاه‌های مقصد و همچنین افزایش فشار برای دانشگاه‌های مناطق دور افتاده برای موافقت با خروج دانشجو به دانشگاه‌های دیگر را شامل می‌گردد، موضوع در معاونت آموزشی این وزارتخانه مورد بررسی قرار گرفته و موضوع از سوی جناب آقای دکتر لاریجانی معاون آموزشی به شرح ذیل برای مقام عالی وزارت گزارش گردیده که نهایتاً با نظر موافقت وزیر ابلاغ گردد. مطابق بند (ح) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مجازند ظرفیت مازاد بر سهمیه آموزش رایگان خود و یا ظرفیت‌های جدیدی که ایجاد می‌کنند، بر اساس قیمت تمام شده یا توافقی با بخش غیردولتی

و با تأیید هیأت امناء در مقاطع مختلف دانشجوی بپذیرند و منابع مالی دریافتی را حسب مورد پس از واريز به خزانه کل به حساب درآمدهای اختصاصی منظور کند." هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه بخشنامه شماره ۹۴/۴۶۷۹-م/۹۴/۶/۲۳- مفاداً ابلاغ مصوبه هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی است و مستقلاً واجد قاعده آمره و عام الشمول نیست، بنابراین قابل طرح و امعان نظر در هیأت عمومی تشخیص نشد.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۳ بهمن ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۱۲۵-۱۱۲۶

کلاس پرونده: ۹۳/۵۲۲، ۹۴/۲۲۱

**موضوع:** ابطال دستور هجدهم مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ هیأت امناء دانشگاه یزد و بند ۲۴ صورت جلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی مبنی بر اعطاء تخفیف شهریه به فرزندان اعضاء هیأت علمی و کارکنان دانشگاهها

### شاکي: ديوان محاسبات کشور

#### گردش کار:

الف- معاون حقوقی، مجلس و تفریح بودجه ديوان محاسبات کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۰۰۰/۳۶۷-۱۳۹۳/۵/۲۰ اعلام کرده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی ديوان عدالت اداری  
سلام عليكم

احتراماً، در خصوص دستور هجدهم مصوبه هیأت امناء دانشگاه یزد مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ همان گونه که مستحضرنند:

۱- وفق بند (ی) ماده (۲۰) قانون برنامه پنجم توسعه "دانشگاههای کشور، حسب مورد به تشخیص وزارتخانههای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تصویب شورای گسترش وزارتخانههای مربوط، می توانند نسبت به تأسیس شعب در شهر محل استقرار خود یا دیگر شهرها و مناطق آزاد داخل کشور و نیز در خارج کشور به صورت خودگردان و با دریافت شهریه از داوطلبان اقدام کنند."

۲- وفق بند (ک) همان مأخذ قانونی "شهریه دانشجویان جانباز بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و فرزندان آنان، فرزندان شاهد، آزادگان و فرزندان آنان و دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از محل اعتبارات ردیف مستقل معاونت تأمین شود."

۳- بر اساس دستور هجدهم صورت جلسه یازدهمین نشست عادی هیأت امنای دانشگاه یزد مصوب ۱۳۹۰/۳/۱۸ مقرر گردیده است "به استناد بند (و) ماده (۷) قانون تشکیل هیأت امناء و در اجرای بخشنامه شماره ۱۳۸۹/۱۰/۱۴-۸۹/۱۵/۷۰۶۱۷ مرکز هیأت های امناء و هیأت ممیزه، فرزندان اعضاء هیأت علمی رسمی قطعی، رسمی آزمایشی و همچنین اعضاء هیأت علمی پیمانی (دارای شرایط مندرج در تبصره (۲) اصلاحی بند "۱-۶" دستورالعمل اجرایی "بخشنامه ایجاد تسهیلات برای فرزندان اعضاء هیأت علمی مصوب ۱۳۸۸" مصوب شهریور ۱۳۸۹ به شماره ۱۳۸۹/۶/۹-و/۱۵۰۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) که در مقاطع کاردانی و کارشناسی دوره های نوبت دوم (شبانه) دانشگاه های عضو هیأت امناء

پذیرفته می‌شوند و یا بر اساس بخشنامه فوق‌الذکر به دانشگاه‌های عضو هیأت امناء منتقل و در دوره‌های مذکور مشغول به تحصیل می‌گردند. با نظر روسای دانشگاه‌های عضو هیأت امناء از ۳۰ تا ۶۰ درصد تسهیلات تخفیف شهری (ثابت و متغیر) بهره‌مند گردند."

بنابراین مفاد مصوبه صدرالاشاره متضمن اعمال تخفیف به شرح مصوبه اخیرالذکر از موجبات تبعیض ناروا مصرح در بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی بوده و مغایر با مبانی قانونی اخیرالذکر ارزیابی می‌گردد. مضافاً خاطر نشان می‌سازد دادنامه (۷۱۴-۱۳۹۱/۱۰/۱۱) اصداری از هیأت عمومی آن دیوان در خصوص ابطال قسمتی از مصوبات مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۱، ۱۳۸۵/۴/۱۱ و ۱۳۸۴/۳/۴ هیأت امناء دانشگاه‌های صنعتی شریف، تهران و امیرکبیر در اعطای تخفیف شهری که با مباحث عنه مشابهت موضوعی و حکمی دارد مؤید این مطلب می‌باشد. بنا به مراتب در اجرای مواد (۱۲) و (۱۳) قانون تشکیلات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال مصوبه مذکور از زمان صدور مورد استدعاست."

متن دستور هجدهم مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ هیأت امناء دانشگاه یزد که مورد اعتراض قرار گرفته به شرح زیر است:

"دستور هجدهم- بهره‌مندی فرزندان اعضای هیأت علمی از تخفیف شهری

مصوبه: به استناد بند "و" ماده "۷" قانون تشکیل هیئت‌های امناء و در اجرای بخشنامه شماره ۱۳۸۹/۱۰/۱۴-۸۹/۱۵/۷۰۶۱۷ مرکز هیئت‌های امناء و هیئت‌های ممیزه، مقرر گردید فرزندان اعضای هیأت علمی رسمی قطعی، رسمی آزمایشی و همچنین اعضای هیأت علمی پیمانی (دارای شرایط مندرج در تبصره "۲" اصلاحی بند "۶-۱" دستورالعمل اجرایی "بخشنامه ایجاد تسهیلات برای فرزندان اعضای هیأت علمی مصوب ۱۳۸۸" مصوب شهریور ۱۳۸۹ به شماره ۱۵۰۱۲-و/۱۳۸۹/۶/۹-وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) که در مقاطع کاردانی و کارشناسی دوره‌های نوبت دوم (شبانه) دانشگاه‌های عضو هیأت امناء پذیرفته می‌شوند و یا بر اساس بخشنامه فوق‌الذکر به دانشگاه‌های عضو هیأت امناء منتقل و در دوره‌های مذکور مشغول به تحصیل می‌گردند. با نظر روسای دانشگاه‌های عضو هیأت امناء از ۳۰ تا ۶۰ درصد تسهیلات تخفیف شهری (ثابت و متغیر) بهره‌مند گردند. معاون وزیر و رئیس مرکز هیئت‌های امناء و هیئت‌های ممیزه"

در پاسخ به شکایت مذکور رئیس دانشگاه یزد به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۳/۸/۱۷-۳۳/۱۵۳۷ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً بازگشت به نامه شماره ۱۳۹۳/۶/۲۲-۰۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۶۱۲۴ مدیر دفتر آن هیأت عمومی منضم به تصویر نامه شماره ۱۳۹۳/۵/۲۰-۲۰۰۰۰۳۶۷ معاون حقوقی، مجلس و تفریح بودجه دیوان محاسبات کشور در خصوص مفاد دستور هجدهم صورت‌جلسه یازدهمین نشست عادی هیأت امناء دانشگاه یزد مصوب ۱۳۹۰/۳/۱۸، بدین‌وسیله به استحضار می‌رساند: به‌موجب مفاد بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه: "دانشگاه‌ها، مراکز، مؤسسات آموزش عالی پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانونی مدیریت خدمات کشوری- قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری-

استخدامی- تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تائید می‌رسد، عمل می‌نمایند..."، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی به شرح فوق‌الذکر از استقلال اداری، مالی و معاملاتی برخوردار بوده و تابع مصوبات هیأت امناء دانشگاه خویش می‌باشند چون مطابق با قانون مزبور تنها مرجع قانون‌گذاری دانشگاه‌ها هیأت امناء است، بنابراین مصوبه مزبور در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ هیأت امناء وقت دانشگاه با عنایت به قانون مذکور و در راستای اختیارات قانونی خاصه بند (و) ماده ۷ قانون تشکیل هیأت امناء دانشگاه و در اجرای بخشنامه شماره ۱۳۸۹/۱/۱۴-۸۹/۱۵/۷۰۶۱۷ معاونت و رئیس مرکز وقت هیئت‌های امناء و هیئت‌های ممیزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سوی هیأت امناء دانشگاه به تصویب رسیده و از وجاهت قانونی برخوردار گردیده است، بنابراین مراتب فوق برای استحضار آن مقام رسیدگی بر طبق موازین شرعی و قانونی و صدور حکم شایسته بر رد دادخواست تقدیمی به حضور اعلام می‌گردد."

(ب) متعاقب شکایت‌نامه پیش گفته، معاون حقوقی مجلس و تفریح بودجه دیوان محاسبات کشور به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۳/۶/۲۵-۲/م/۹۷۶/۱۷۴ اعلام کرده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

احتراماً پیرو نامه شماره ۱۳۹۳/۵/۲۰-۲۰۰۰/۳۶۷ موضوع ابطال دستور هجدهم مصوبه هیأت امناء دانشگاه یزد مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ به استحضار می‌رساند: هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد نیز بر اساس بند (۲۴) صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ ابلاغی طی نامه شماره ۱۳۹۲/۱۰/۲۵-م/۹۲/۶۸۴۱ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اقدام به تخفیف شهریه فرزندان هیأت علمی و کارکنان دانشگاه در شعبه بین‌الملل نموده است که بند مذکور مغایر با مستندات ابرازی موضوع نامه صدرالاشاره می‌باشد. بنا به مراتب در اجرای مواد (۱۲) و (۱۳) قانون تشکیلات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال مصوبه مذکور از زمان صدور مورد استدعاست."

متن صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی که مورد اعتراض قرار گرفته به شرح زیر است:

"صورت‌جلسه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ ۲۴- با تخفیف تا سقف ۲۵ درصد شهریه فرزندان اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد که در شعبه بین‌الملل پذیرفته می‌شوند بر اساس شیوه‌نامه‌ای که به تائید هیأت رئیس دانشگاه می‌رسد موافقت گردید."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۷/۳۰-د/۱۰۷/۳۷۴۱ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۱۳۹۵/۱۰/۶-۲۲۱/۹۴ موضوع شکایت دیوان محاسبات کشور به خواست ابطال بند ۲۴ صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد موضوع تخفیف شهریه فرزندان هیأت علمی و کارکنان شعب بین‌الملل مراتب ذیل به استحضار می‌رساند:

۱- دیوان محاسبات کشور در شکایت خود به شماره ۱۳۹۳/۵/۲۰-۲۰۰۰/۳۶۷ علیه دانشگاه علوم پزشکی یزد متقاضی ابطال دستور هجدهم صورت‌جلسه یازدهمین نشست هیأت امناء دانشگاه مذکور دایر بر

تخفیف ۳۰ تا ۶۰ درصدی شهریه ثابت و متغیر مقاطع کاردانی و کارشناسی دوره‌های شبانه دانشگاه‌های عضو هیأت امناء مربوطه برای فرزندان اعضای هیأت علمی گردیده است. سازمان مذکور دلیل خود را جهت ابطال، تبعیض ناروا مصرح در بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی اعلام نموده است. متعاقب این شکایت، سازمان مزبور با همان دلایل متقاضی ابطال بند ۲۴ صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد گردیده است.

۲- این در حالی است که وفق بند ۲۴ مصوبه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی یزد مقرر گردیده است، با تخفیف تا سقف بیست‌وپنج درصد شهریه فرزندان اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد که در شعبه بین‌الملل پذیرفته می‌شوند بر اساس شیوه‌نامه‌ای که به تأیید هیأت رئیسه دانشگاه می‌رسد موافقت گردد.

۳- همان‌گونه که آن مقام مستحضر می‌باشند، مطابق بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری - استخدای - تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستان‌ها به تأیید رئیس‌جمهور می‌رسد، عمل می‌نمایند. اعضاء هیأت علمی ستادی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز مشمول حکم این بند هستند. حکم این بند شامل مصوبات، تصمیمات و آیین‌نامه‌های قبلی نیز می‌گردد و مصوبات یاد شده مادام که اصلاح نگردیده به قوت خود باقی هستند.

۴- همچنین برابر تبصره ۲ ماده ۲ آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کلیه واحدهای اجرایی مستقل و غیرمستقل از لحاظ سیاست‌گذاری تابع قوانین، مقررات و تصمیمات موسسه، آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها بوده و مکلف به رعایت و اجرای مصوبات هیأت امناء موسسه می‌باشد.

۵- وفق بند (ی) قانون برنامه پنجم توسعه، دانشگاه‌های کشور، حسب مورد به تشخیص وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تصویب شورای گسترش وزارتخانه‌های مربوط، می‌توانند نسبت به تأسیس شعب در شهر محل استقرار خود یا دیگر شهرها و مناطق آزاد داخل کشور و نیز در خارج کشور به‌صورت خودگردان و با دریافت شهریه از داوطلبان اقدام کنند. در تبصره ماده مذکور اعلام شده است، میزان شهریه دریافتی از دانشجویان با توجه به نوع رشته و سطح خدمات آموزشی، کمک آموزشی و رفاهی ارائه شده، توسط هیأت امناء دانشگاه تعیین و اعلام می‌شود.

۶- با توجه به اینکه تعیین شهریه شعب بین‌الملل (خودگردان) بر عهده هیأت امناء دانشگاه می‌باشد هیأت مذکور با توجه به اختیارات حاصله در این بند و در راستای ایجاد امور رفاهی برای کارکنان هیأت علمی و غیر هیأت علمی مربوطه نسبت به تخفیف تا سقف بیست‌وپنج درصد شهریه برای فرزندان مستخدمان همان دانشگاه که در شعب خودگردان همان دانشگاه پذیرفته می‌گردند اقدام نموده است که به نظر می‌رسد اقدام مذکور کاملاً وفق قوانین و مقررات می‌باشد. اشاره می‌نماید بند (ب) و (ی) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم در قانون احکام دائمی توسعه نیز تنفیذ شده است."

---

---

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه دستور هجدهم یازدهمین نشست عادی مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ هیأت امناء دانشگاه یزد و بند ۲۴ مصوبه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد مبنی بر اعطاء تخفیف شهریه به فرزندان اعضاء هیأت علمی و کارکنان دانشگاه‌های یاد شده که در دوره شبانه و شعبه بین‌الملل پذیرفته شده‌اند موجبات ایجاد تبعیض ناروا را فراهم ساخته و این امر مغایر با بند ۹ از اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و با عنایت به اینکه در موضوع مشابه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۷۱۴-۱۱/۱۰/۱۳۹۱ مصوبه ناظر بر تخفیف به اشخاص خاص را ابطال کرده است، بنابراین مصوبات مورد اعتراض مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون پیش گفته و تسری ابطال مصوبات به زمان تصویب آنها موافقت نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۰ بهمن ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۱۴۴

کلاس پرونده: ۵۴۱/۹۶

**موضوع:** ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای شماره ۱ آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۶ و بند ۴ از قسمت (ی) دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۶ (در خصوص پرداخت شهریه تحصیلی مطابق شهریه دوره شبانه توسط داوطلبی که در همان مقطع تحصیل و یا سایر مقاطع تحصیلی قبلی از آموزش رایگان در دانشگاه‌های دولتی برخوردار بوده)

شاکي: آقای محمدرضا زینلی

### گردش کار

آقای محمدرضا زینلی به موجب دادخواستی ابطال [تذکر] تبصره ۱ بند الف شرایط اختصاصی دفترچه شماره ۱ راهنمای ثبت نام آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۶ و بند ۴ از قسمت (ی) دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۶ را در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ درخواست کرده و در جهت تبیین خواسته توضیح داده است که: "احتراماً مستحضر می‌باشید که حسب آرای وحدت رویه شماره ۷۳۴ و ۷۳۵-۱۳۹۲/۱۰/۳۰ و شماره ۱۲۰۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۲ و همچنین آرای ۴۹۴ الی ۵۰۸-۱۳۹۵/۸/۴ که بر اساس آرای مذکور (۷۳۴ و ۱۲۰۵) صادر یافته‌اند و مدلول کلیه دادنامه‌های مذکور که مورد استدلال مکرر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفته، بدین شرح می‌باشد: "مطابق ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸، تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند مورد حکم مقنن قرار گرفته و پرداخت شهریه در فرضی اعمال می‌شود که کسی مایل به تحصیل رایگان نباشد و در سایر قوانین دلیلی بر محدودیت تحصیل رایگان در مراکز آموزش عالی فقط در یک مقطع وجود ندارد و از طرفی مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، دریافت هر گونه وجه، کالا و خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، ممنوع اعلام شده است."

۱- مستحضر می‌باشید که بر اساس استدلال دادنامه‌های مذکور، بدو در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۴-۱۳۹۲/۱۰/۳۰، قسمت اول بند ۳ مصوبه چهل و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر پرداخت شهریه تحصیل در مقطع دکترا توسط داوطلبی که در مقطع کارشناسی از آموزش رایگان برخوردار بوده است، مغایر احکام مقنن به شرح فوق‌الذکر تلقی گردیده و

به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲  
ابطال گردیده است.

۲- سپس در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۵-۱۳۹۲/۱۰/۳۰، نیز با این استدلال که بند ۳ جزء (ز) ردیف ۲ دفترچه ثبت نام کنکور [آزمون] سراسری سال ۱۳۹۱، مبتنی بر مصوبه هفتاد و یکمین جلسه شورای معین شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۰ صادر شده است که این مصوبه نیز در راستای تعمیم مصوبه چهل و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۷ نسبت به دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ و قبل از آن به تصویب رسیده است و بند ۳ مصوبه اخیرالذکر نیز به موجب رأی شماره ۷۳۴-۱۳۹۲/۱۰/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خلاف قانون تشخیص داده شده و ابطال گردیده است، بنابراین بند ۳ جزء (ز) ردیف ۲ دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۱ موضوع مصوبه هفتاد و یکمین جلسه شورای معین شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۰ نیز خارج از حدود اختیارات مرجع وضع، تصویب شده و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال گردیده است.

۳- متعاقباً هیأت عمومی طی رأی شماره ۱۲۰۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۲ مرقوم فرموده اند که "مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مقرر شده است که: "چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است، هر گاه مراجع مربوط مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌کند." نظر به این که در رأی شماره ۷۳۴-۱۳۹۲/۱۰/۳۰-۹۲۱۰۰۹۰۹۰۵۸۰۰۷۳۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، قسمت اول بند ۳ مصوبه چهل و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر پرداخت شهریه تحصیل در مقطع دکتری توسط داوطلبی که در مقطع کارشناسی از آموزش رایگان برخوردار بوده ابطال شده است و در بند ۳ بخش "ز" فصل سوم دفترچه آزمون سراسری سال ۱۳۹۴ که بعد از رأی مذکور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تهیه و انتشار یافته است مقرر شده که: "چنانچه داوطلب در مقطع کارشناسی از آموزش رایگان برخوردار بوده است، در صورت قبولی در دوره‌های مزبور ملزم به پرداخت شهریه مطابق مصوبات هیأت امنای دانشگاه مربوطه می‌باشد." بنابراین این بند مغایر صریح مفاد حکم مقرر در ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تنظیم و تدوین شده است و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ و ۹۲ قانون پیش گفته از تاریخ انتشار ابطال می‌شود.

۴- در ادامه همین روند "اخذ شهریه برای تحصیل مجدد در دوره روزانه" در دفترچه شماره ۱ راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۵ نیز تکرار شده است که مجدداً طی آرای وحدت رویه ۴۹۴-۱۳۹۵/۸/۴-۵۰۸ این بند نیز با استدلالی مشابه استدلال آرای قبلی، ابطال شده است: بدین شرح که "مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مقرر شده است که "چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هر گاه مراجع مربوط مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید." نظر به این که در رأی شماره ۷۳۵-۱۳۹۲/۱۰/۳۰-۹۲۱۰۰۹۰۹۰۵۸۰۰۷۳۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، قسمت اول بند ۳ مصوبه چهل و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر پرداخت شهریه تحصیل در مقطع دکتری توسط داوطلبی که در مقطع کارشناسی

از آموزش رایگان برخوردار بوده ابطال شده است و در بند "و" دفترچه شماره ۱ راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۵ و همچنین قسمتی از بند ۱ - ۸ دفترچه شماره ۲ راهنمای انتخاب رشته تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۵ دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور مقرر شده است که "با توجه به محدودیت امکانات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و لزوم توزیع عادلانه فرصت‌های موجود بین تمامی متقاضیان، پذیرش آن دسته از داوطلبانی که قبلاً با استفاده از امکانات دولتی (آموزش رایگان) تحصیلات خود را در رشته‌ای به اتمام رسانیده‌اند، در همان مقطع قبولی قبلی و در همان دوره (روزانه) امکان پذیر نمی‌باشد. این قبیل از داوطلبان در صورت تمایل می‌توانند برای دوره نوبت دوم (شبانه) در همان مقطع متقاضی شوند و یا در صورت قبولی در دوره روزانه، می‌توانند با پرداخت شهریه همانند دانشجویان دوره نوبت دوم (شبانه)، در رشته مربوط ادامه تحصیل دهند. همچنین در خصوص رشته‌های گروه علوم پزشکی نیز با توجه به محدودیت امکانات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و لزوم توزیع عادلانه فرصت‌های موجود بین تمامی متقاضیان، شرکت مجدد آن دسته از داوطلبانی که قبلاً با استفاده از امکانات دولتی (آموزش رایگان) تحصیلات خود را در رشته‌ای به اتمام رسانیده‌اند، در آزمون سراسری پذیرش دانشجو برای ورود مجدد به دانشگاه‌های دولتی و تحصیل در کلیه رشته‌هایی که پذیرش از مقطع دیپلم صورت می‌گیرد، امکان پذیر نمی‌باشد. این قبیل داوطلبان و متقاضیان در صورت تمایل می‌توانند صرفاً برای تحصیل در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد در رشته‌های گروه پزشکی ثبت نام نمایند و در صورت قبولی در آزمون سراسری، با پرداخت شهریه ادامه تحصیل دهند. ضمناً مقررات مربوط به تعهدات و طرح نیروی انسانی برای رشته‌های مشمول مرتبط با گروه پزشکی به قوت خود باقی است." بنابراین قسمت‌های مورد شکایت مغایر صریح مفاد رأی شماره ۵۸۰۰۷۳۵-۹۰۹۰۹۰۹۲۱۰۰۳۰-۱۳۹۲/۱۰/۳۰ هیأت عمومی است و حکم مقرر در ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رعایت نشده است، بنابراین به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ و ۹۲ قانون پیش گفته مقررات مورد اعتراض از تاریخ انتشار ابطال می‌شود."

ریاست محترم دیوان عدالت اداری

اساس استدلال کلیه آرای فوق‌الذکر، همان استدلال رأی اولیه شماره ۷۳۴ است که طی آن به درستی و دقت و بر اساس اصول مسلم حقوقی اعضای دیوان عدالت مرقوم فرموده‌اند که: "... تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند مورد حکم مقنن قرار گرفته و پرداخت شهریه در فرضی اعمال می‌شود که کسی مایل به تحصیل رایگان نباشد و در سایر قوانین دلیلی بر محدودیت تحصیل رایگان در مراکز آموزش عالی فقط در یک مقطع وجود ندارد و از طرفی مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، دریافت هر گونه وجه، کالا و خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، ممنوع اعلام شده است..."

از آنجاکه تحصیل رایگان در دوره کارشناسی، هیچ‌وجه مشخصه و خصوصیت متمایزی نسبت به تحصیل در سایر دوره‌ها از قبیل کارشناسی ارشد یا دکترا ندارد و همچنین مبانی قانونی استدلال هیأت عمومی دیوان نیز مقید به تحصیل در دوره کارشناسی نبوده و به صورت مطلق "تحصیل رایگان" انشا گردیده است، لذا برقراری محدودیت مشابه در دوره‌های کارشناسی ارشد نیز موجه به نظر نمی‌رسد.

این در حالی است که بند کاملاً مشابهی با بند ابطال شده دفترچه آزمون سراسری (منظور نظر آرای وحدت رویه ۴۹۴ الی ۵۰۸ - ۱۳۹۵/۸/۴ هیأت عمومی) در تبصره ۱ بند "الف" شرایط اختصاصی دفترچه شماره یک راهنمای ثبت نام راهنمای آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۶ و بند ۴ از بند "ی" دفترچه

راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۳۹۶ به چشم می‌خورد که بر همین اساس مخالف با آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان می‌باشد.

تبصره ۱ بند "الف" شرایط اختصاصی دفترچه شماره ۱ راهنمای ثبت‌نام آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۶: "تذکر مهم: بر اساس بخشنامه شماره ۱۰/۱/۱۳۸۳-۲/۴۷ معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با توجه به محدود بودن امکانات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و نیز ضرورت توزیع عادلانه امکانات مذکور بین متقاضیان، هر یک از داوطلبان ورود به آموزش عالی در هر یک از مقاطع تحصیلی تنها برای یک‌بار می‌توانند از امکانات دولتی استفاده نمایند. لذا پذیرفته شدن برای بار دوم در دوره‌های روزانه مستلزم پرداخت شهریه معادل دوره شبانه خواهد بود."

بند ۴ از بند "ی" دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۳۹۶: "۴- همان‌گونه که در دفترچه شماره ۱ آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۳۹۶ درج گردیده، با توجه به محدودیت امکانات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی از یک‌سو و لزوم توزیع عادلانه فرصت‌های موجود بین تمامی متقاضیان، پذیرش آن دسته از داوطلبانی که قبلاً با استفاده از امکانات دولتی تحصیلات خود را در رشته‌ای در همان مقطع گذرانده‌اند مجاز نیست. این قبیل داوطلبان در صورت دارا بودن سایر شرایط و ضوابط آزمون (به خصوص شرایط نظام وظیفه برای داوطلبان مرد) می‌توانند برای دوره نوبت دوم در همان مقطع داوطلب شوند و یا در صورت قبولی در دوره روزانه به شرط پرداخت شهریه دوره نوبت دوم رشته مربوط می‌توانند در رشته جدید ادامه تحصیل دهند." لذا به نظر می‌رسد که بندهای مندرج در این دو دفترچه مغایر صریح رأی هیأت عمومی می‌باشد که بدین‌وسیله از ریاست دیوان تقاضا می‌گردد که در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ دستور مقتضی صادر فرمایند."

رئیس دیوان عدالت اداری مقررهای مورد اعتراض را مغایر مفاد آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در شکایت شاکی به آن‌ها اشاره شده تشخیص داد و رسیدگی به خواسته را در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ به هیأت عمومی ارجاع کرد و در همین راستا از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان سنجش آموزش کشور خواسته شد تا نماینده خود را برای شرکت در جلسه هیأت عمومی معرفی کنند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر شده است که "چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید." نظر به اینکه در آراء شماره ۷۳۵ و ۱۳۹۲/۱۰/۳۰-۷۳۴ و ۱۳۹۴/۱۰/۲۲-۱۲۰۵، ۱۳۹۴/۱۰/۴-۵۰۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبات شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی و دفترچه‌های راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون سراسری سال‌های مختلف مبنی بر پرداخت شهریه تحصیلی مطابق شهریه دوره شبانه توسط داوطلبی که در همان مقطع تحصیل و یا سایر مقاطع تحصیلی قبلی از آموزش

رایگان در دانشگاه‌های دولتی برخوردار بوده به لحاظ مغایرت با قانون خروج از حدود اختیارات مراجع وضع ابطال شده است و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تبصره ۱ بند الف شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای شماره ۱ آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۶ و بند ۴ قسمت "ی" دفترچه انتخاب رشته کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۶ پذیرفته‌شدگان کنکور را که قبلاً در هر یک از مقاطع تحصیلی از آموزش رایگان برخوردار بوده‌اند به پرداخت شهریه معادل دوره شبانه مکلف کرده است به لحاظ مغایرت با آراء هیأت عمومی و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۹۲ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۷ بهمن ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۱۶۹

کلاس پرونده: ۹۵/۱۲۰۲

موضوع: ابطال کد ۱۳۷ عمران - گرایش مهندسی زلزله (فوق لیسانس) از دفترچه ثبت نام آزمون استخدامی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

شاکي: آقای حسین مسجدی

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی اعلام کرده است که:

"با سلام و احترام

به استحضار می‌رساند پیرو فراخوان برگزاری آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در شهریورماه ۱۳۹۵ دستگاه‌های مختلف از جمله دانشگاه علوم پزشکی ایران برای رسته شغلی تحت عنوان کارشناس راه و ساختمان و شهرسازی طی ردیف ۱۰۸۷۱ به تعداد یک نفر اعلام نیاز نموده لیکن دانشگاه علوم پزشکی ایران با محدود نمودن دایره شمول این ردیف برای رشته‌ها و گرایش‌های مختلف منطبق بر دستورالعمل آیین‌نامه مصوب وزارت بهداشت و درمان به صورت خلاف قانون و مقررات صرفاً دارندگان مدرک کارشناسی ارشد عمران با گرایش زلزله‌شناسی حق شرکت در ردیف استخدامی فوق‌الذکر را دارا بودند و مهم‌ترین علت آن موفقیت آقای مهدی میراسماعیلی در آزمون مذکور که نامبرده فرزند رئیس دانشگاه می‌باشد و دارای مدرک فوق لیسانس عمران با گرایش زلزله می‌باشد. قابل ذکر است ایشان به صورت قراردادی در دانشگاه علوم پزشکی ایران مشغول به کار می‌باشند و در آزمون مذکور نیز قبول شده در صورتی که فارغ‌التحصیلان کلیه گرایش‌های رشته‌های مهندسی عمران، مهندسی معماری، مدیریت پروژه و نقشه‌برداری، راه و ساختمان (کلیه گرایش‌ها) که در مجموع بیش از چهار گرایش تخصیص رشته‌های فوق حائز شرایط در این آزمون بودند که این امر بر خلاف بند ۹ اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی بوده و بر اساس قسمت اخیر بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات دیوان عدالت اداری که تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود قابل ابطال بوده و بدین وسیله درخواست رسیدگی و صدور رأی شایسته دارم. توضیح اینکه خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان رشته عمران با گرایش‌های مختلف از بهترین دانشگاه‌های کشور چشم انتظار چنین فرصت‌های شغلی بوده‌اند مسئولین دانشگاه علوم پزشکی ایران از جمله شخص رئیس دانشگاه و معاون پشتیبانی ایشان آقای مبارکی شرایط را به گونه‌ای تغییر دادند تا فرزند رئیس دانشگاه فارغ‌التحصیل رشته عمران با گرایش زلزله‌شناسی بتواند در آزمون موفق و قبول گردد که این بر خلاف ارزش‌ها و آرمان‌های مورد تأیید انقلاب می‌باشد."

متن کد ۱۳۷ از دفترچه ثبت نام آزمون استخدامی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمان ایران که مورد اعتراض قرار گرفته به شرح زیر است:

جدول شماره ۲- کد و دیکد شرایط احراز تحصیلی شغل محلها  
کد شرایط احراز  
کد و عنوان رشته و مقطع تحصیلی  
۱۳۷

.....  
.....  
۳۱۲۷۱ مهندسی عمران گرایش مهندسی زلزله (فوق لیسانس)  
.....  
.....

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران به موجب لایحه شماره ۱۱۵/۸۵۰۲/ص-۹۵/۱۲/۴-۱۳۹۵ توضیح داده است که:

"هیأت محترم عمومی دیوان عدالت اداری

شایان ذکر است ابلاغ نامه و دادخواست و ضامنه آن علیرغم اینکه این دانشگاه طرف شکایت بوده به وزارتخانه مذکور ابلاغ و از طریق دفتر امور حقوقی وزارتخانه واصل گردیده است. ضمناً با توجه به اعلام اخیر لیست قبول شدگان در پرتال آزمون‌های استخدامی مشترک فراگیر دستگاه‌های اجرایی کشور، از بین افرادی که حدنصاب نمره قبولی را کسب نموده‌اند بالاترین امتیاز را فردی به نام آقای بهمن احمدلو به دست آورده‌اند که هیچ‌گونه ارتباطی به مورد مطروحه در دادخواست تقدیمی ندارد و حاکی از بی‌اساس بودن ادعاها و شائبه‌های شاکی می‌باشد.

۱- علیرغم مطالب پیش گفت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران به شرحی که معروض خواهد شد در جهت رفع نیازهای خود و بر طبق موازین قانونی رشته‌های مورد نیاز تحصیلی را به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام داشته است و کد ۱۳۷ نیز از طرف سازمان سنجش برای برگزاری آزمون تعیین و در دفترچه آزمون اعلام گردیده است از این نظر شکایت مطروحه واجد ایراد شکلی می‌باشد و به لحاظ عدم تصویب مصوبه از سوی این دانشگاه، ادعای مغایرت آن با شرع یا قانون نیز در کلیت فاقد وجهت قانونی می‌باشد. لذا بر این اساس موضوع شکایت از محدوده بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری خارج و رد آن مورد درخواست است.

۲- شاکی خلاف واقع و سوابق موجود مطالبی را در رابطه با برگزاری آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی کشور، دانشگاه‌های علوم پزشکی و وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۵ و کد ۱۳۷ مندرج در دفترچه آزمون اعلام داشته است که در خصوص مطالب اخیر توضیح مطالبی را جهت تشحیذ هیأت عمومی ضروری می‌داند. آقای مهندس سیدمهدی حاجی میراسماعیلی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ یعنی ۴ سال پیش از تاریخ برگزاری آزمون و دربره ای که دو دانشگاه علوم پزشکی ایران و تهران با یکدیگر ادغام و دانشگاه با عنوان دانشگاه علوم پزشکی تهران با ریاست آقای دکتر محمدباقر لاریجانی فعالیت داشته است بر اساس ضوابطی که برای رفع نیازهای دانشگاه (دانشگاه علوم پزشکی تهران) و بهره‌مندی از خدمات کارکنان قراردادی مقرر بوده و طی مراحل مربوطه همانند سایر افراد مشابه با انعقاد قرارداد در دفتر فنی دانشگاه مشغول به خدمت می‌شود.

۳- در سال جاری و به منظور استفاده از خدمات رشته‌های مورد نیاز دانشگاه‌های علوم پزشکی سهمیه به تعداد ۶۴۸ مجوز برای رشته‌های بهداشتی و درمانی و ۱۰ مجوز برای رشته‌های غیربهداشتی و درمانی از ۱۷۰۰۰ مجوز صادره برای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، برای دانشگاه علوم پزشکی ایران تخصیص می‌یابد که حسب نیازها رشته‌های مربوطه به واحدهای مختلف تعلق می‌گیرد که یکی از آن مجوزها نیز به دفتر فنی دانشگاه اختصاص داده می‌شود با این توضیح که دفتر فنی در چارت سازمانی دارای ۴۰ پست مصوب است و کلاً از ۹ نفر در رشته‌های مهندسی به صورت قراردادی و پیمانی و رسمی و ۷ نفر به صورت مشاور برای انجام وظایف خود استفاده می‌نماید در پست‌های رسمی دفتر فنی مهندس عمرانی با گرایش مهندسی زلزله وجود ندارد و بدین جهت نیز از خدمات آقای مهندس حاجی میراسماعیل از سال ۱۳۹۱ به طور قراردادی استفاده شده است لذا همانند سایر رشته‌های تحصیلی و تخصصی در سهمیه‌های تخصیص یافته این رشته تحصیلی نیز جهت شرکت افراد واجد شرایط در آزمون توسط دانشگاه اعلام می‌شود و دیگر دانشگاه‌های علوم پزشکی در تهران نیز حسب نیازهای خود رشته‌های مهندسی ذی‌ربط را اعلام می‌نمایند توجه به کدهای ۱۲۳، ۱۲۹ و ۱۳۶ مندرج در جدول شرایط تحصیلی آزمون مؤید این مطلب است که آزمون توسط سازمان سنجش برگزار می‌شود.

۴- شاکي در دادخواست تقدیمی ادعا داشته که دانشگاه علوم پزشکی ایران برای رسته شغلی تحت عنوان کارشناس راه و ساختمان و شهرسازی ردیف ۱۰۸۷۱ به تعداد یک نفر اعلام نیاز نمود لیکن دانشگاه علوم پزشکی ایران با محدود نمودن دایره شمول این ردیف برای رشته‌ها و گرایش‌های مختلف منطبق با دستورالعمل مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به صورت خلاف قانون و مقررات صرفاً دارندگان مدرک کارشناسی ارشد عمران با گرایش زلزله‌شناسی حق شرکت در ردیف استخدامی فوق‌الذکر را دارا بودند و مهم‌ترین علت آن موقعیت آقای مهدی میراسماعیلی در آزمون مذکور این‌که نامبرده فرزند رئیس دانشگاه می‌باشد و دارای مدرک فوق لیسانس عمران با گرایش زلزله است مطالب عنوان شده با ضوابط و مستندات ارائه شده و سوابق مطابقت ندارد زیرا در آنچه به‌عنوان مستندات ارائه شده در محث با عنوان "شرایط احراز از نظر تحصیلات و تجربه" دارا بودن دانشنامه لیسانس - فوق لیسانس یا دکتری در یکی از رشته‌های تحصیلی، مهندسی عمران در کلیه گرایش‌ها به تعداد ۱۲ گرایش مجاز اعلام گردیده که دانشگاه‌های مربوطه با توجه به نیازهای خود گرایش‌ها را انتخاب نمایند که دانشگاه‌ها نیز مطابق با نیازهای خود در کدهای ۱۲۹، ۱۳۶ و ۱۳۷ در رشته‌های عمران گرایش‌های مختلف را تعیین کرده‌اند بالفرض در کد ۱۲۹ احد از دانشگاه‌ها نیاز خود را مهندس عمران گرایش راه و ساختمان و در کد ۱۳۶ دیگر دانشگاه نیز را مهندسی عمران گرایش عمران اعلام داشته و کد ۱۳۷ دیگر دانشگاه نیاز را مهندسی عمران گرایش عمران اعلام داشته و کد ۱۳۷ متعلق به این دانشگاه نیز نیاز مهندسی عمران گرایش زلزله تعیین شده است. لذا انتخاب گرایش از طرف دانشگاه‌ها مطابق با شرایط و نیازها بوده و مغایرتی با ضوابط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نداشته و مؤید این امر نیز تأیید مراتب توسط وزارتخانه و ذکر آن در دفترچه آزمون برای اطلاع متقاضیان می‌باشد ضمناً نسبت آقای مهندس حاجی میراسماعیلی با ریاست دانشگاه هیچ نقشی در روند برگزاری آزمون و تعیین گرایش نداشته به طوری که معروض گردید استخدام قراردادی فرد یاد شده در زمانی انجام یافته که ریاست دانشگاه به عهده آقای دکتر محمدباقر لاریجانی بوده و آقای دکتر سیدجواد حاجی میراسماعیلی در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۶ یعنی یک سال و دو ماه بعد از انعقاد قرارداد استخدامی به سمت ریاست دانشگاه علوم پزشکی ایران منصوب گردیده‌اند. تصویر مصدق ابلاغ این انتصاب جهت رفع هرگونه شبهه در ادعا به پیوست تقدیم می‌شود و منطقاً چگونه قابل توجیه خواهد بود که واحد اداری برای رفع

نیازهای خود در رشته و گرایش خاص مبادرت به استخدام قراردادی بکند و سپس با گذشت ۴ سال و با وجود کسب تجارب توسط همانند مستخدم قراردادی برای استخدام رسمی رشته متفاوتی را برای آزمون اعلام نماید اگر اساس استخدام و استفاده از خدمات افراد را نیاز دستگاه دولتی ندانیم پس چه معیار و ضابطه متقن دیگری برای این امر باید مد نظر باشد. مضافاً اینکه در آزمون کلیه افراد واجد شرایط دارای تخصص معین می‌توانستند شرکت نمایند و از این نظر مانعی و تزییعی برای متقاضیان وجود نداشته تا تبعیض و امر خلاف قانون ایجاد کند و شاکي نیز بر اساس رشته تحصیلی خود اگر با رشته مورد نیاز این دانشگاه تطابق نداشته مجاز به شرکت در رشته‌های اعلامی دیگر دانشگاه‌های علوم پزشکی بوده است و بر این اساس نمی‌تواند مدعی تضییع حقی برای خود باشد و ضمناً علت طرح شکایت صرفاً علیه دانشگاه به‌رغم تعیین گرایش از سوی دیگر دانشگاه‌ها نیز مشخص نیست و از این نظر نیز شکایت مطروحه واجد ایراد و بلاوجه می‌باشد.

۵- شاکي در دادخواست تقدیمی اقدامات انجام یافته را بر خلاف بند ۹ اصل ۳ و اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته، همان‌گونه که مستحضر می‌باشند اصول استنادی از قانون اساسی در مورد رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (تمام زمینه‌های مادی و معنوی) و حمایت قانون از کلیه آحاد ملت و برخورداری از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیان حکم کرده است که در خصوص عدم رعایت این اصول باید مصادیق آن تعیین و نوع تبعیض و عدم حمایت به نحو مشخص تبیین شود شاکي طی دادخواست برگزاری آزمون توسط سازمان سنجش و اعلام نیاز این دانشگاه به تخصص رشته خاص را خلاف قانون اساسی و تبعیض اعلام می‌نماید بر این اساس کلیه افرادی که رشته‌های تحصیلی آن‌ها در کلیت مورد نیاز اعلام نشده و امکان شرکت در آزمون مورد بحث و در کلان امر کلیه آزمون‌ها را پیدا نمی‌کنند می‌توانند با تمسک به اصول فوق‌الاشعار قانون اساسی ادعای تبعیض و تضییع حقوق نمایند که تصدیق خواهند فرمود مطالب عنوان شده از طرف شاکي فاقد وجاهت قانونی می‌باشد. با عنایت به مراتب معروضه و تأکید مجدد بر این مطلب که اساس طرح شکایت است یعنی استخدام قراردادی آقای مهندس سیدمهدی حاجی میراسماعیلی سال قبل از انتصاب ریاست فعلی دانشگاه، طبق ضوابط و سپس اعلام این رشته و گرایش همانند سایر رشته‌های سهمیه تخصیص یافته به تعداد شغل صرفاً بر اساس نیاز دفتر فنی به این تخصص و اهمیت موضوع مقاوم‌سازی ابنیه و املاک دانشگاه در مقابل زلزله و فارغ از موضوع نسبت فرد اخیر به ریاست دانشگاه و از آنجا که مصوبه‌ای در این خصوص به تصویب دانشگاه به‌عنوان شخص حقوقی دولتی نرسیده تا ابطال آن درخواست شود و شکایت مطروحه حاوی مطالب غیرواقعی است و شاکي به نحو نامعلوم و غیرمجاز به مدارک و اسناد دولتی مانند قرارداد استخدامی و کارنامه صادره از سازمان سنجش دسترسی پیدا کرده و آن‌ها را مورد استفاده قرار داده است لذا رسیدگی و اتخاذ تصمیم عادلانه و منطبق با موازین قانونی را از محضر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری استدعا دارد." همچنین سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۵۷-۱۳۹۶/۱/۲۸ توضیح داده است که:

"مدیرکل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

۱- شاکي وفق دادخواست تقدیمی ادعا نموده، در آزمون آبان ماه ۱۳۹۵ دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، وفق آگهی استخدامی و با توجه به اعلام نیاز دانشگاه علوم پزشکی ایران به تعداد یک نفر برای رشته شغلی تحت عنوان (کارشناس راه و ساختمان و شهرسازی- ردیف ۱۰۸۷۱) شرکت کرده است. وی همچنین مدعی است، مطابق دستورالعمل مصوب مربوط به مشاغل و پست‌های سازمانی وزارت بهداشت،

شرایط احراز رشته شغلی مورد اشاره با گرایش‌های مختلف تحصیلی مهندسی عمران امکان‌پذیر می‌باشد، مع‌هذا دانشگاه علوم پزشکی ایران با محدود نمودن دایره شمول این ردیف استخدامی به صرف دارندگان مدرک کارشناسی ارشد مهندسی عمران (گرایش مهندسی زلزله)، مانع از شرکت سایر فارغ‌التحصیلان دارای (کارشناسی ارشد مهندسی عمران) با گرایش‌های مختلف گردیده و موجبات تضییع حقوق آنان را فراهم آورده و این در حالی است که تمامی این اقدامات به‌منظور ایجاد شرایط مناسب برای به‌کارگیری و استخدام (آقای مهدی میراسماعیلی) از وابستگان ریاست دانشگاه علوم پزشکی ایران صورت گرفته است. بر این اساس نامبرده خواستار ابطال بخش مورد اشاره از مندرجات آگهی استخدامی در ارتباط با نحوه احراز شرایط رشته شغلی (کارشناس راه و ساختمان و شهرسازی ... ردیف ۱۰۸۷۱) گردیده است.

۲- در پاسخ به شکایت مطروحه لازم به ذکر است، وفق آیین‌نامه تشکیلات و طبقه‌بندی مشاغل دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی که در اجرای بند (ط) ماده (۷) قانون تشکیل هیأت امناء دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و بند (ب) ماده (۲۰) قانون برنامه پنجم توسعه کشور از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تصویب و به تأیید سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور رسیده، تعداد سطوح سازمانی و تعداد واحدهای سازمانی، مجموعه وظایف و چگونگی احراز شرایط تصدی هر پست سازمان در تشکیلات تفصیلی دانشگاه مشخص گردیده است.

۳- برابر ماده (۴۹) آیین‌نامه مورد اشاره مقرر گردیده است، پیشنهادها لازم در راستای اصلاح، تغییر شرایط احراز مشاغل قابل تخصیص در رشته‌ها و رشته‌های شغلی مشاغل اداری بر اساس عواملی نظیر (سطح تخصص، مهارت‌های مورد نیاز و در انطباق آن با نیازهای استخدامی هر دانشگاه) بر اساس ضوابط ابلاغی توسط کمیته طبقه‌بندی مشاغل مستقر در دانشگاه علوم پزشکی ذی‌ربط متشکل از معاون توسعه مدیریت و منابع، رئیس گروه توسعه سازمان و تحول اداری و مدیر منابع انسانی، پس از بررسی و تأیید برای تصویب نهایی به وزارت متبوع ارائه می‌گردد.

۴- بر این اساس، دانشگاه علوم پزشکی ایران در موعد تنظیم آگهی استخدامی جهت پست (کارشناس ساختمان) درخواست درج (گرایش زلزله) ذیل شرایط احراز شغلی را نمود و متعاقب آن، مراتب از سوی این وزارتخانه به سازمان سنجش کشور منعکس گردیده است. ضمن اینکه برابر مستندات موجود از بین متقاضیان استخدام ردیف یاد شده، ۱۷ نفر حدنصاب لازم را کسب کرده‌اند و آقای سیدمهدی حاجی میراسماعیل در زمره مردودین قرار گرفته است. اشاره می‌نماید کارنامه الصاقی به دادخواست تقدیمی نتیجه‌مقدماتی بوده و با توجه به کارنامه نهایی واصله از سازمان سنجش کشور، نامبرده برای شرکت در جذب و استخدام در اولویت قرار نگرفته‌اند؛ بنابراین ادعای شاکی دایر بر پذیرش نامبرده در آزمون استخدامی، مقرون به صحت نمی‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه در کد ۱۳۷ آگهی استخدام به‌عنوان شرایط احراز رشته شغل کارشناسی راه و ساختمان و شهرسازی محدودیت گرایش زلزله‌شناسی اعمال شده است، حال آن‌که مطابق دستورالعمل مصوب مربوط به مشاغل و پست‌های سازمانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ابتدا به شرح کد ۱۰۸۷۱ گرایش‌های

مختلف رشته تحصیلی عمران به‌عنوان شرایط احراز پست مذکور تعیین شده بوده است و قاعدتاً از لحاظ تخصصی امکان تصدی آن پست به‌وسیله کلیه گرایش‌های مهندسی عمران وجود دارد، بنابراین در تغییرات بعدی به پیشنهاد دانشگاه شرایط احراز محدود گردیده به‌ویژه اینکه تنها مصداق، فرزند یکی از مسئولین دانشگاه بوده است، موضوع از مصادیق تبعیض ناروا موضوع بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی و سوءاستفاده از اختیارات تشخیص و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ حکم بر ابطال کد ۱۳۷ از آگهی استخدام مذکور صادر و اعلام می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ: ۱ اسفند ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۸۲۶

کلاس پرونده: ۹۶/۴۱۷

**موضوع:** ابطال نامه‌های شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی (در خصوص بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور)

### شاکی: شرکت تولیدی تهران پتو با وکالت آقای رضا مهدوی‌راد

#### گردش کار:

آقای رضا مهدوی راد به وکالت از شرکت تولیدی تهران پتو به‌موجب دادخواستی ابطال نامه‌های شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "با سلام احتراماً همان‌گونه که استحضار دارند یکی از ظرفیت‌های قانونی موجود در روابط کارگر و کارفرما، قانون بازنشستگی پیش از موعد مقرر در مشاغل سخت و زیان‌آور می‌باشد. هدف قانون‌گذار از تصویب این قانون ایمن‌سازی و استانداردسازی مشاغل کارگران و رفع صفت سخت و یا پیش از موعد بازنشسته نمودن آن‌ها می‌باشد. از سال ۱۳۹۰ و با ادغام سه وزارتخانه، سازمان تأمین اجتماعی با وزارت کار و امور اجتماعی سابق ادغام و با نام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه فعالیت داد، بخشنامه‌های صادره از سوی وزارت مذکور به جای آن که در جهت تأمین منافع کارگر و کارفرما و حمایت از تولید صادر گردد، متأسفانه با رویکرد تأمین منافع سازمان تأمین اجتماعی، آن هم به‌صورت غیرقانونی و خلاف مقررات و قوانین صادر گردیده است، از جمله این بخشنامه‌ها، اظهارنظرهای مدیرکل روابط کار و جبران خدمت این وزارتخانه طی نامه‌های شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ می‌باشند.

توضیح اینکه به‌موجب قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع ماده‌واحد قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ و ماده ۱۴ آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران، بیمه‌شدگانی که دارای سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور به تاریخ قبل از تصویب این قانون باشند می‌توانند با استفاده از مزایای این قانون درخواست بازنشستگی نمایند. در این صورت با احراز شرایط مندرج در تبصره ۲ و همچنین ۴٪ میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از تصویب این قانون را یکجا به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمایند.

مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دو اظهارنظر فوق‌الذکر که دومی تأکید بر اظهارنظر اولی می‌باشد بر خلاف قوانین و مقررات مبادرت به قانون‌گذاری کرده است با این توضیح که مراجع حل اختلاف قانون کار را در مواردی که کارفرما از اجرای تکلیف قانونی خود نسبت به سازمان تأمین

اجتماعی سرباز زند و کارگر ناگزیر شخصاً نسبت به واریز آن به تأمین اجتماعی اقدام نماید را با توجه به اطلاق ماده ۱۴۸ قانون کار صالح به رسیدگی دانسته و اظهار نموده مراجع حل اختلاف قانون کار در این خصوص کارفرما را مکلف به استرداد این مبالغ به کارگر نمایند.

این اظهار نظر نوعی قانون گذاری و برخلاف قوانین و مقررات موضوعه دیگر و خارج از صلاحیت مدیرکل مذکور می باشد و صرفاً منافع سازمان تأمین اجتماعی که وابسته به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است آن هم بر خلاف قانون، تأمین کرده است، به طوری که این اظهار نظر با ماده ۴ قانون مصوب مجلس، یک آیین نامه مصوب هیأت وزیران و ۲ رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، به شرح زیر مغایرت دارد:

۱- به موجب ماده ۱۴۸ قانون کار، کارفرمایان مکلفاند براساس قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند. بدیهی است بیمه شدگانی که درخواست بازنشستگی پیش از موعد می نمایند ماده ۱۴۸ قانون کار در مورد آن ها رعایت شده است و گرنه در صورت عدم پرداخت حق بیمه، اساساً تقاضای بازنشستگی پیش از موعد منتفی است، مضافاً اینکه مبالغ موضوع قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور موضوع ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۱۴ آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور، معادل ۴٪ میزان مستمری برقراری بیمه شده نسبت به سنوات اشتغال او در مشاغل سخت و زیان می باشد و ارتباطی به حق بیمه موضوع ماده ۱۴۸ قانون کار ندارد، به عبارت دیگر ماده ۱۴۸ قانون کار مجوزی برای ایجاد صلاحیت برای رسیدگی به این امر نمی باشد یعنی ماده ۱۴۸ قانون کار ناظر به تکلیف کارفرما به پرداخت حق بیمه کارگر به مأخذ ۳۰٪ می باشد نه تکلیف کارفرما به پرداخت ۴٪ میزان مستمری.

۲- به فرض که موضوع اختلاف را با توجه به نظر مدیرکل روابط کار و جبران خدمت، ناشی از ماده ۱۴۸ قانون کار بدانیم، ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی تصریح دارد امتناع یا تأخیر کارفرما در ارسال لیست و پرداخت حق بیمه رافع مسئولیت سازمان تأمین اجتماعی در انجام وظایف و تعهدات قانونی مربوطه نمی باشد، لذا قاعده مندرج در نامه معترض عنه صادره توسط مدیرکل که بیان می دارد، در مواردی که کارفرما از اجرای تکلیف خود سرباز می زند و از پرداخت حق بیمه خودداری می نماید و کارگر ناگزیر، شخصاً نسبت به واریز حق بیمه اقدام می نماید، اصلاً مفهومی ندارد، به این دلیل که کارگر ناگزیر نیست، بلکه ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی راهکار مناسب را ارائه کرده است و امتناع یا تأخیر کارفرما را رافع مسئولیت تأمین اجتماعی نمی داند، بدیهی است در این صورت سازمان تأمین اجتماعی با ابزار قانونی که دارد و از طریق صدور اجرائیه، امکان مراجعه به کارفرما را دارد، این تکلیف قانونی سازمان تأمین اجتماعی در برابر کارگر جائی برای ناگزیر بودن کارگر باقی نمی گذارد. چرا به جای آن که سعی بر اجرای ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی و مکلف نمودن سازمان تأمین اجتماعی به اجرای وظایف خود در قبال کارگران عزیز نماییم، کارگر را ناگزیر قلمداد نماییم.

۳- ماده ۲۶۷ قانون مدنی مقرر داشته: "ایفای دین از جانب غیر مدیون هم جایز است اگر چه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسی که دین دیگری را ادا می کند اگر با اذن باشد حق مراجعه به او دارد والا حق رجوع ندارد." در ما نحن فیه که کارگر بدون اذن کارفرما این بدهی و دین را پرداخت کرده است، با توجه به صراحت ماده ۲۶۷ قانون مدنی حق مراجعه به مدیون ندارد، در نامه شماره ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ مدیرکل مذکور در توجیه نظر خود، چون این پرداخت از سوی کارگر را برای دفع ضرر می داند از ماده ۲۶۷ قانون مدنی مستثنی نموده است. یکی دیگر از ایرادات به اظهار نظر مذکور این است که از محدوده حقوق کار فراتر رفته و با وضع قانونی جدید به ماده ۲۶۷ قانونی مدنی نیز تبصره یا استثناء زده است، روشن است که قاعده لاضرر اینجا مصداقی ندارد چرا که به موجب ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی، تأخیر یا امتناع کارفرما رافع

مسئولیت سازمان تأمین اجتماعی نیست.

۴- به موجب قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور موضوع ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۱۴ آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران، ۴٪ میزان مستمری برقراری بیمه شده نسبت به سنوات اشتغال او در مشاغل سخت و زیان آور توسط سازمان تأمین اجتماعی محاسبه و مطالبه می گردد و کارفرما مکلف به پرداخت آن به طور یکجا به سازمان تأمین اجتماعی می باشد، اولاً: این مقررات اشاره به تکلیف کارفرما نسبت به سازمان تأمین اجتماعی دارد نه کارگر و ثانیاً: چون محاسبه مبالغ به موجب مواد فوق الذکر با سازمان تأمین اجتماعی می باشد، ممکن است کارفرمایان به این محاسبه معترض باشند کما اینکه تعداد زیادی از کارفرمایان به محاسبه سازمان تأمین اجتماعی معترض هستند، لذا مواد ۴۲ الی ۴۴ قانون تأمین اجتماعی در موارد اعتراض کارفرما به محاسبه سازمان تأمین اجتماعی، هیئت های بدوی و تجدیدنظر تشخیص مطالبات سازمان تأمین اجتماعی را با ترکیبی از نمایندگان قوه قضائیه، کارگران، کارفرمایان و وزارت مذکور صالح به رسیدگی دانسته است و بدیهی است که با اجرای این قاعده در مراجع حل اختلاف قانون کار، حق کارفرمایان مبنی بر اعتراض به نحوه محاسبه فوق توضیح می گردد و از این حیث نیز نامه معترض عنه برخلاف مقررات مواد ۴۲ الی ۴۴ قانون تأمین اجتماعی نیز هست.

۵- رأی وحدت رویه شماره ۳۳۴/۸۶/۳-۱۳۸۶/۱۱/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مقام تعارض آرا صادره از شعبه ۲۱ و ۱۷ دیوان عدالت اداری، دادنامه شعبه ۲۱ دیوان را که مؤید مسئولیت سازمان تأمین اجتماعی در مواردی که کارفرما از پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی استنکاف می نماید و بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور می باشد، موافق قانون تشخیص داده شده است. نامه معترض عنه با این رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز تعارض دارد.

۶- رأی وحدت رویه شماره ۷۹/ه و ۲۹-۱۳۸۰/۱۱/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بخشنامه شماره ۵۸۹ و ۵۸۹/۱ فنی سازمان تأمین اجتماعی را به دلیل تکلیف سازمان تأمین اجتماعی و اینکه امتناع یا تأخیر کارفرما در ارسال لیست و پرداخت حق بیمه رافع مسئولیت سازمان مذکور در انجام وظایف و تعهدات قانونی مربوط نمی باشد، مغایر قانون تشخیص داده و ابطال کرده است.

لذا با توجه به توضیحات، ادله و مستندات ارائه شده و مغایرت اظهارنظرهای مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی طی نامه شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ که مغایرت دارد با ماده ۱۴۸ قانون کار، مواد ۳۶ و ۴۲ الی ۴۴ قانون تأمین اجتماعی ماده ۲۶۷ قانون مدنی، قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور موضوع ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ و ماده ۱۴ آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران و با آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره های ۳۳۴/۸۶/ه-۱۳۸۶/۱۱/۳۰ و ۷۹/ه و ۲۹-۱۳۸۰/۱۱/۷ با شرح و توضیحی که ارائه شده از محضر ریاست دیوان عدالت اداری تقاضای ارجاع موضوع به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ابطال نامه های شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به موجب ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری خواستارم."

متن نامه های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) نامه شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

"جناب آقای غنیاز

مدیرکل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان  
با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۲۵/۱۲/۷۶۹۵-۱۳۹۳/۳/۲۵ در خصوص استعلام مطروحه به اطلاع می‌رسانم: با توجه به قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع ماده‌واحد قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ و همچنین ماده (۱۴) آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران، بیمه‌شدگانی که دارای سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور به تاریخ قبل از تاریخ تصویب این قانون باشند، می‌توانند با استفاده از مزایای این قانون درخواست بازنشستگی نمایند. در این صورت با احراز شرایط توسط بیمه شده کارفرمایان مربوطه مکلفاند حق بیمه مربوطه و میزان مستمری برقراری را با احراز شرایط مندرج در تبصره ۲ همچنین چهار درصد (۰/۴٪) میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از تصویب این قانون را یکجا به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمایند، لذا در مواردی که کارفرما از اجرای تکلیف خود سرباز زند و از پرداخت حق بیمه مربوط خودداری نماید و کارگر، خود، شخصاً نسبت به واریز مبالغ مربوط به سازمان تأمین اجتماعی اقدام نماید کارفرما مکلف به استرداد این مبلغ به کارگر می‌باشد. شایان ذکر است رسیدگی به این موضوع با توجه به اطلاق ماده (۱۴۸) قانون کار در صلاحیت مراجع حل اختلاف کار می‌باشد."

(ب) نامه شماره ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

"مدیران کل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان‌ها  
با سلام و احترام

همان‌گونه که مستحضرید با توجه به قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع ماده‌واحد قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ و همچنین ماده (۱۴) آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران، بیمه‌شدگانی که دارای سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور به تاریخ قبل از تاریخ تصویب این قانون باشند، می‌توانند با استفاده از مزایای این قانون درخواست بازنشستگی نمایند. در این صورت با احراز شرایط توسط بیمه شده، کارفرمایان مربوطه مکلفاند حق بیمه مربوطه و میزان مستمری برقراری را با احراز شرایط مندرج در تبصره (۲) و همچنین چهار درصد میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از تصویب این قانون را یکجا به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمایند.

در پاره‌ای موارد مشاهده می‌شود کارفرما از اجرای تکلیف خود سرباز می‌زند و از پرداخت حق بیمه کارگر خودداری می‌نماید و کارگر ناگزیر، شخصاً نسبت به واریز مبالغ مربوط به سازمان تأمین اجتماعی اقدام می‌نماید. در خصوص امکان مراجعه کارگر به کارفرما برای استرداد مبالغ پرداختی و نیز مرجع صالح برای رسیدگی ابهاماتی مطرح بود که این اداره کل برای رفع ابهامات مذکور و ایجاد وحدت رویه طی چندین نامه از جمله شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ اعلام نمود که در این موارد کارگر حق استرداد مبالغ پرداختی را از کارفرما دارد و مرجع رسیدگی به این اختلاف نیز، مراجع حل اختلاف کار هستند.

در حال حاضر بعضاً دیده می‌شود برخی کارفرمایان در صدد آنند تا با توسل به دلایل مختلف علاوه بر عدم انجام تکلیف خود مبنی بر پرداخت به‌موقع حق بیمه کارگر به سازمان تأمین اجتماعی از استرداد مبلغ به کارگر نیز خودداری نمایند. از جمله مهم‌ترین دلایل آنان نیز استناد به ماده (۲۶۷) قانون مدنی است که مقرر می‌دارد "یفای دین از جانب غیر مدیون هم جایز است اگر چه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسی که دین دیگری را ادا می‌کند اگر با اذن باشد حق مراجعه به او دارد والا حق رجوع ندارد." لذا برای

برطرف شدن هرگونه تردید و ابهام در خصوص موضوع ضمن ارسال نمونه‌ای از این قبیل استدلالات (نامه شماره ۹۵۵۷/۲۳۰/۱۲۰-۱۳۹۵/۴/۲۰ شرکت سابیر که به شماره ۶۷۲۶۳ ثبت شده است) موارد ذیل را به آگاهی می‌رسانم:

صرف‌نظر از آن‌که تعبیر تعهد قانونی کارفرما مبنی بر بیمه نمودن کارگران خود مطابق مقررات مربوط، نزد سازمان تأمین اجتماعی یا سایر صندوق‌های بیمه‌ای ذی‌ربط، به دین کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی و استناد به ماده (۲۶۷) قانون مدنی چندان صحیح به نظر نمی‌رسد و محل تردیدهایی است باین‌وجود حتی در صورت پذیرش موضوع، به استناد قاعده لاضرر که از مهم‌ترین قواعد فقهی- حقوقی کشور ما محسوب می‌شود کارگر حق استرداد مبالغی را خواهد داشت که برای استفاده از مزایای قانون بازنشستگی پیش از موعد به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است و قسمت اخیر ماده (۲۶۷) قانون مدنی که رجوع به این را مشروط به اذن او می‌داند، در غیر مواردی است که پرداخت دین دیگری به‌منظور دفع ضرر از پرداخت‌کننده است. در توضیح مطلب فوق توجه به این نکات ضروری است:

۱- قانون بازنشستگی پیش از موعد به‌منظور حمایت از کارگرانی وضع شده است که در مشاغل و یا محیط‌های غیراستاندارد مشغول فعالیت هستند و به این دلیل دچار مشکلات احتمالی متعددی از جمله بیماری‌های خاص می‌شوند.

۲- استاندارد نمودن مشاغل و یا محیط کار (کارگاه) جزو وظایف اصلی کارفرما است و لذا پرداخت هزینه‌های مربوط به آن و نیز هزینه‌های حاصل از عدم انجام اقدامات لازم برای استانداردسازی محیط کار بر عهده خود اوست.

۳- تحمیل هزینه بازنشستگی پیش از موعد کارگرانی که در نتیجه غیراستاندارد بودن مشاغل یا محیط کار باید زودتر از موعد قانونی بازنشسته شوند به خود کارگر و یا صندوق تأمین اجتماعی و عدم دریافت این هزینه‌ها از کارفرما، چیزی جز تحمیل ناروای هزینه‌های کارفرمایان به کارگر و یا بیت‌المال و جامعه نیست.

۴- جمع مقدمات فوق منجر به تصویب ماده‌واحد قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ و همچنین ماده (۱۴) آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران گردید تا کارگران در معرض آسیب‌های ناشی از غیراستاندارد بودن مشاغل یا محیط کار با بازنشستگی زودتر از موعد از آسیب‌های احتمالی بیشتر در امان بمانند.

۵- تأخیر کارفرمایان در پرداخت چهار درصد میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل موجبات تأخیر فرآیند بازنشستگی کارگران در معرض آسیب را فراهم می‌آورد.

۶- به تعویق افتادن بازنشستگی کارگران در معرض آسیب موجب ورود ضرر به کارگران می‌شود.

۷- کارگر برای دفع ضرر از خود می‌تواند با پرداخت چهار درصد مورد اشاره مقدمات بازنشستگی پیش از موعد خود را فراهم کند.

۸- مبالغی که کارگر برای دفع ضرر از خود به‌منظور استفاده از مزایای قانون بازنشستگی پیش از موعد به سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد به استناد قاعده لاضرر قابل استرداد از کارگر است. شایان ذکر است به استناد اصل (۴۰) قانون اساسی هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. در نتیجه کارفرما نیز نمی‌تواند به بهانه اعمال حق خویش در نحوه پرداخت چهار درصد حق بیمه مذکور موجبات ضرر کارگر و به‌طور غیرمستقیم جامعه را فراهم آورد و در این صورت باید خسارات وارده را فراهم آورد که کمترین حد جبران خسارت استرداد مبالغ پرداختی به کارگر است.

۹- مجدداً تأکید می‌شود قسمت اخیر ماده (۲۶۷) قانون مدنی که رجوع به دائن را مشروط به اذن او می‌داند،

در غیر موردی است که این پرداخت برای رفع ضرر از پرداخت کننده است و از جمله مهم‌ترین استثنائات وارده بر ماده (۲۶۷) مزبور جایی است که پرداخت دین برای دفع ضرر از پرداخت کننده صورت می‌گیرد. در پایان ضمن تأکید مؤکد بر الزام کارفرما به استرداد مبالغ پرداختی از سوی کارگر به سازمان تأمین اجتماعی و صلاحیت مراجع حل اختلاف کار برای رسیدگی به موضوع خواهشمندم دستور فرمایید موضوع را به نحو مقتضی به اطلاع کارشناسان ذی‌ربط برسانند."

مدیرکل حقوقی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۹-۲۲۰۵۴، تصویر لایحه جوابیه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۲-۲۱۶۸۹۰ اداره کل روابط و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را ارسال کرده است که متن آن به قرار زیر است:

"جناب آقای ولی پور

مدیرکل محترم دفتر حقوقی

با سلام و احترام

با توجه به ابلاغیه مورخ ۱۱/۱۰/۱۳۹۵ شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری در خصوص پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۱۹۰۲۰۱۰ مربوط به شکایت شرکت تولیدی تهران پتو به طرفیت این اداره کل به خواسته ابطال نامه‌های شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و شماره ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ لایحه، دفاعیه این اداره کل به شرح ذیل ارسال می‌گردد. خواهشمندم دستور فرمایید موارد ذیل عیناً به مرجع مذکور منعکس گردد:

خواهان به خواسته ابطال نامه‌های شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و شماره ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ ب ه دلیل مغایرت با ماده (۱۴۸) قانون کار، مواد (۳۶، ۴۳ و ۴۴) قانون اجتماعی و ماده (۲۶۸) قانون مدنی و قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور و برخی آرای وحدت رویه اقامه دعوی کرده است که پاسخ به شرح ذیل است: قبل از ورود به پاسخ اصلی موارد ذیل را یادآور می‌گردم:

اول- نامه شماره ۱۳۹۳/۶/۲-۱۰۳۴۳۶ در پاسخ به استعلام اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان به شماره ۲۵/۱۲/۷۶۹۵-۱۳۹۳/۳/۲۵ و نامه شماره ۱۱۶۴۸۰-۱۳۹۵/۶/۲۴ نیز با توجه به نامه برخی کارفرمایان معترض از جمله نامه شماره ۹۵۵۷/۲۳۰/۱۲۰-۱۳۹۵/۴/۲۰ شرکت سایبر و به‌منظور رفع ابهامات موجود تهیه و صادر شده است.

دوم- قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ با هدف وادار نمودن کارفرمایان به ایمن‌سازی کارگاه خود مطابق حد مجاز و استانداردهای مشخص شده در قانون کار و آیین‌نامه‌های مربوطه و سایر قوانین موضوعه، چهار درصد به نرخ حق بیمه کارگران شاغل در این کارگاه‌ها (کارگران شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور) مقرر در قانون تأمین اجتماعی افزوده تا کارگران شاغل در این کارگاه‌ها و مشاغل که به دلیل سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی کارفرما در استانداردسازی محیط کارگاه، دچار فرسایش جسمی و روحی شده‌اند بتوانند زودتر از موعد بازنشسته شوند، لیکن متأسفانه در پاره‌ای موارد برخی از کارفرمایان از پرداخت ۴ درصد فوق‌الاشاره سرباز می‌زنند و کارگر مجبور می‌شود برای استفاده از مزایای مندرج در این قانون و بازنشستگی پیش از موعد، خود شخصاً ۴ درصد حق بیمه مازاد را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید. اینک این پرسش مطرح می‌شود که:

اولاً: آیا کارگر حق استرداد مبلغ پرداختی به سازمان تأمین اجتماعی را از کارفرما دارد؟

ثانیاً: مرجع رسیدگی به این اختلاف کجاست؟

این اداره کل با توجه به دلایل مشروحه ذیل ضمن ارائه پاسخ مثبت به سؤال اول، مرجع رسیدگی به این

اختلاف را مراجع حل اختلاف کار دانسته است.

الف- در خصوص صلاحیت مراجع حل اختلاف در رسیدگی:

۱- به موجب ماده (۱۵۷) قانون کار "هرگونه اختلاف فردی بین کارفرما و کارگر یا کارآموز که ناشی از اجرای این قانون و سایر مقررات کار باشد از طریق هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف حل و فصل خواهد شد."  
۲- به موجب ماده (۱۴۸) قانون کار "کارفرمایان کارگاه‌های مشمول این قانون مکلفاند بر اساس قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند."

۳- به موجب تبصره (۱) ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی "حق بیمه سهم کارفرما ۲۰ درصد مزد یا حقوق بیمه شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه شده و کمک دولت حق بیمه به ۳۰ درصد مزد یا حقوق افزایش می‌یابد."

۴- به موجب بند (۴) قسمت (ب) قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ "از تاریخ تصویب این قانون، جهت مشمولان این تبصره (شاغلین کارهای سخت و زبان‌آور مشمول این قانون)، ۴ درصد به نرخ حق بیمه مقرر در قانون تأمین اجتماعی افزوده خواهد شد که آن هم در صورت تقاضای مشمولان قانون، به‌طور یکجا یا به‌طور اقساطی توسط کارفرمایان پرداخت خواهد شد."

۵- با توجه به موارد فوق، حق بیمه سهم کارفرما در مورد شاغلین مشاغل سخت و زبان‌آور موضوع قانون فوق‌الاشاره که در واقع جزئی از قانون تأمین اجتماعی محسوب می‌شود ۲۴ درصد مزد یا حقوق بیمه شده است که ۲۰ درصد آن باید به‌مرورزمان و ۴ درصد مابقی در هنگام بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی واریز شود.

۶- با توجه به اینکه رسیدگی به اختلافات بین کارگر و کارفرما در خصوص عدم پرداخت حق بیمه بر عهده مراجع حل اختلاف است رسیدگی به اختلافات در خصوص عدم پرداخت ۴ درصد افزایش حق بیمه شاغلین مشاغل سخت و زبان‌آور نیز بر عهده این مراجع است، امری که مقدمات فوق‌ناگزیر ما را به آن سوق می‌دهد. شایان ذکر است همان‌گونه که در صورت سرباز زدن کارفرما از پرداخت حق بیمه کارگران موضوع قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) کارگران حق طرح دعوا در مراجع حل اختلاف با خواسته اجرای ماده (۱۴۸) قانون کار و قانون فوق‌الاشاره را دارند، در صورتی که کارگر به دلیل عدم پرداخت حق بیمه توسط کارفرما و به‌منظور جلوگیری از ورود ضرر به خود، شخصاً نسبت به پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی اقدام کرده باشد، این امر (پرداخت حق بیمه توسط کارگر) تغییری در ماهیت اختلاف و در نتیجه مرجع رسیدگی به اختلاف نخواهد داد و همچنان کارگر به استناد ماده (۱۴۸) قانون کار حق مطالبه مبالغ پرداختی را خواهد داشت.

۷- شایان ذکر است سوق دادن کارگران بازنشسته به طرح دعوا و مطالبه حق مشروع خود در دادگاه‌های عمومی نتیجه‌ای در بر ندارد جز اتلاف وقت و نیروی کارگر، دادگاه‌ها (که عهده‌دار وظایف متعدد و پیچیده هستند) و مردمی که چشم انتظار رسیدگی به پرونده‌های خود در دادگاه‌های عمومی هستند. امری که در نهایت جز متضرر شدن کل جامعه و عدم تحقق هدف اصلی مقنن از تدوین قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) (ایمن‌سازی عوامل شرایط محیط کار مطابق حد مجاز و استانداردهای مشخص شده در قانون و در نهایت حذف مشاغل سخت و زبان‌آور) نتیجه دیگری در بر ندارد، زیرا کارفرمایان را به‌صورت غیرمستقیم به عدم ایمن‌سازی کارگاه و نیز عدم پرداخت حق بیمه کارگر سوق می‌دهد، چه بسا طولانی بودن روند رسیدگی به پرونده‌ها در دادگاه‌های عمومی کارگر را از مطالبه حق خود بازدارد و یا گذشت زمان و کاهش احتمالی

ارزش پول تخفیفات قابل توجهی را برای وی به بار آورد.

ب- در خصوص حق استرداد چهار درصد از کارفرمای متخلف:

منطوق قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ به صراحت کارفرمایان را مکلف به پرداخت ۴ درصد حق بیمه کارگر به سازمان تأمین اجتماعی می‌نماید و باوجوداین نص صریح تردیدی در تکلیف کارفرما به پرداخت این مبلغ به سازمان تأمین اجتماعی و به کارگر در مواردی که کارگر خود این مبلغ را پرداخت کرده است ندارد. شاکي به دنبال بهانه‌ای برای سرباز زدن از انجام وظیفه قانونی خود ایراداتی را به شرح ذیل مطرح می‌نماید:

ایراد اول: کارگر بدون اذن کارفرما این مبلغ را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده است لذا با استناد به ماده (۲۶۷) قانون مدنی حق مراجعه به کارفرما را ندارد. در پاسخ به این ادعا موارد ذیل قابل طرح است:

اول آن‌که تعبیر تعهد قانونی کارفرما مبنی بر بیمه نمودن کارگران خود مطابق مقررات مربوط، نزد سازمان تأمین اجتماعی یا سایر صندوق‌های بیمه‌ای ذی‌ربط، به دین کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی و استناد به ماده (۲۶۷) قانون مدنی صحیح به نظر نمی‌رسد و محل تردیدهایی است (پرداخت ۴ درصد حق بیمه کارگر به سازمان تأمین اجتماعی تعهدی است که کارفرما به موجب قانون در مقابل شخص کارگر بر عهده دارد و تعبیر آن به دین کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی صحیح به نظر نمی‌رسد)، با این وجود حتی در صورت پذیرش موضوع، به استناد قاعده لاضرر که از مهم‌ترین قواعد فقهی - حقوقی کشور ما محسوب می‌شود کارگر حق استرداد مبالغی را خواهد داشت که برای استفاده از مزایای قانون بازنشستگی پیش از موعد به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است و قسمت اخیر ماده (۲۶۷) قانون مدنی که رجوع به دائن را مشروط به اذن او می‌داند، در غیر مواردی است که پرداخت دین دیگری به منظور دفع ضرر از پرداخت کننده است. در توضیح مطلب فوق توجه به این نکات ضروری است:

۱- قانون بازنشستگی پیش از موعد به منظور حمایت از کارگرانی وضع شده است که در مشاغل و یا

محیط‌های غیر

استاندارد مشغول فعالیت هستند و به این دلیل دچار مشکلات احتمالی متعددی از جمله بیماری‌های

خاص می‌شوند.

۲- استاندارد نمودن مشاغل و یا محیط کار (کارگاه) جزو وظایف اصلی کارفرما است و لذا پرداخت

هزینه‌های مربوط به آن و نیز هزینه‌های حاصل از عدم انجام اقدامات لازم برای استانداردسازی محیط کار بر عهده خود اوست.

۳- تحمیل هزینه بازنشستگی پیش از موعد کارگرانی که در نتیجه غیراستاندارد بودن مشاغل یا محیط

کار باید زودتر از موعد قانونی بازنشسته شوند به خود کارگر و یا صندوق تأمین اجتماعی و عدم دریافت صرف‌نظر از اینکه سازمان تأمین اجتماعی به وظایف خود عمل کند یا خیر، کارفرما باید حق بیمه کارگر را به سازمان تأمین اجتماعی واریز نماید. شایان ذکر است سازمان تأمین اجتماعی یک نهاد عمومی متعلق به همه بیمه‌شدگان می‌باشد. امتناع کارفرما از پرداخت حق بیمه و متوقع بودن از سازمان تأمین اجتماعی در ارائه خدمات بدون ملزم نمودن کارفرما به انجام تعهدات خود، تضییع حقوق بیمه‌شدگان این صندوق و به نوعی دست بردن در اموال بیت‌المال محسوب می‌شود.

ثانیاً: عدم رعایت تکلیف قانونی کارفرما در پرداخت حق بیمه کارگر و یا حتی سازمان تأمین اجتماعی در

اجرای ماده (۳۶) قانون تأمین اجتماعی نباید موجبات ورود ضرر به کارگرانی را فراهم آورد که این قوانین در

صدد حمایت از آنان هستند، مسلماً هر تفسیری که نتیجه آن قراردادادن تکلیف کارفرما بر عهده کارگر باشد هر چند در ظاهر منطقی و صحیح به نظر برسد، نادرست و غیر قابل اجرا است. در حال عدم پرداخت ۴ درصد به سازمان تأمین اجتماعی در موعد مقرر بنا به دلایل فوق موجبات ورود ضرر به کارگر را فراهم می‌نماید. ایراد سوم: شاکی در دادخواست خود مدعی شده است که نامه‌های معترض‌عنه، موجبات تضییع حق کارفرمایان در اعتراض به نحوه محاسبه حق بیمه توسط سازمان تأمین اجتماعی موضوع مواد (۴۲) و (۴۳) قانون تأمین اجتماعی را فراهم آورده است.

در پاسخ باید گفت علت اصلی این امر - یعنی تضییع احتمالی حق کارفرما در اعتراض به نحوه محاسبه حق بیمه توسط سازمان تأمین اجتماعی - نامه‌های این اداره کل نیست بلکه اقدام خود کارفرماست، اوست که با عدم پرداخت حق بیمه کارگر، حق اعتراض را از خود سلب کرده است. کوتاهی وی در انجام وظیفه، کارگر را وادار می‌نماید تا در جهت رفع اضطرار، حق بیمه را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازد و در واقع کارفرما با این عمل خود (کوتاهی و فرار از انجام تکلیف)، حق اعتراض خود را نسبت به مبلغ تعیین شده توسط سازمان تأمین اجتماعی از بین می‌برد (قاعده اقدام).

ایراد چهارم - شاکی با استناد به برخی از آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر اینکه عدم پرداخت حق بیمه کارگر توسط کارفرما رافع مسئولیت‌های سازمان تأمین اجتماعی نیست حق کارگر در رجوع به کارفرما و مطالبه ۴ درصد حق بیمه را منکر شده است.

پاسخ این ایراد همان است که در قسمت‌های قبل مطرح شد و اجمالاً آن که در صورت کارفرما باید به تعهد قانونی خود در قبال کارگر در پرداخت حق بیمه او مطابق مقررات تأمین اجتماعی و از جمله قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) که در واقع قسمتی از قانون تأمین اجتماعی است عمل نماید.

متذکر می‌گردم متأسفانه نا امن بودن برخی کارگاه‌ها و فرار برخی کارفرمایان از انجام وظایف قانونی خود در استاندارد نمودن محیط کارگاه باعث شده تا بسیاری از مشاغل در زمره مشاغل سخت و زیان‌آور قرار گیرند، یعنی مشاغلی که موجب فرسایش جسمی و روحی کارگر می‌شود و نتیجه آن بروز انواع بیماری‌های شغلی و عوارض ناشی از آن است. (تعریف مندرج در بخش الف قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ مؤید این امر است). این بیماری‌ها به‌صورت مستقیم به کارگر و به‌طور غیرمستقیم به کل جامعه آسیب وارد می‌نماید، کارگران شاغل در چنین مشاغلی به بیماری‌های ناشی از شغل و بعضاً مرگ‌های زودرس دچار می‌شوند، خانواده چنین کارگرانی دچار آسیب‌های روحی و ضربه‌های مالی می‌شوند، هزینه‌های درمان این کارگران و بازنشستگی پیش از موعد آنان به سازمان تأمین اجتماعی و باواسطه به تمامی بیمه‌شدگان این صندوق آسیب وارد می‌نماید و این چرخه معیوب ادامه یافته کل جامعه را متضرر می‌کند. متأسفانه چنین کارفرمایان متخلفی به جای ابراز شرمساری از بی‌مبالاتی خود که چنین هزینه‌های سنگینی را به جامعه وارد می‌نماید با گردنی افراشته ادعای حق می‌نمایند و معتقدند الزام نمودن آن‌ها به انجام تکلیف قانونی و پرداخت حق و حقوق کارگر عملی ظالمانه است. بدیهی است استنباط و فهم و اجرای قوانین و مقررات باید به‌گونه‌ای باشد که مانع چنین قانون‌گریزی آشکاری گردد. در پایان ضمن درخواست رد شکایت خواهان خواهشمندم نماینده این اداره کل برای ادای توضیحات در محضر قضات دیوان عدالت اداری حاضر شود."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رای هیأت عمومی

نظر به اینکه در شرح وظایف اداره کل روابط کار و جبران خدمت مشتمل بر ۲۹ بند که حسب اعلام مدیرکل روابط کار و جبران خدمت به تأیید معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور نیز رسیده است، اختیاری در خصوص صدور بخشنامه‌های مورد شکایت ملاحظه نمی‌شود؛ بنابراین بخشنامه‌های یاد شده به لحاظ خروج از حدود اختیارات مرجع تصویب با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - تعرفه و هزینه‌های بهداشتی و درمانی

تاریخ: ۲۴ بهمن ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۲۱۶

کلاس پرونده: ۹۵/۱۲۱۹

**موضوع:** درخواست اعتراض به مصوبه شماره ۲۳۵۱۳/ت/۵۳۰۳۸ هـ - ۱۳۹۵/۰۳/۲۰ هیأت وزیران در خصوص تعیین تعرفه فلوشیپ روان‌پزشکی قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

**شاکی:** آقای مسلم ابوالحسن زاده

### گردش کار:

شاکی به موجب دادخواستی ابطال مصوبه شماره ۳۲۵۱۳/ت/۵۳۰۳۸ هـ - ۱۳۹۵/۳/۲۰ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "این‌جانب دکتر مسلم ابوالحسن زاده فارغ‌التحصیل رشته فلوشیپ (تکمیلی تخصصی) طب روان‌تنی در اسفند ماه سال ۱۳۹۰، از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران می‌باشم و در مطب خصوصی و بیمارستان‌های دولتی شهر اردبیل طبابت می‌کنم. طبق قانون تعیین تعرفه درمانی و حق ویزیت این‌جانب همانند سایر رشته‌های طبی به عهده شورای عالی بیمه سلامت مستقر در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که پس از تصویب در هیأت دولت قابلیت اجرا پیدا می‌کند. برای پنج سال متوالی به علت قصور این شورا و عدم تعیین تعرفه درمانی و حق ویزیت مستقل و شفاف و در بندی جداگانه برای رشته من (فلوشیپ طب روان‌تنی) از ابتدای سال ۱۳۹۱ تاکنون پرداختی حق ویزیت و مشاوره این‌جانب از بابت ویزیت و مشاوره بیماران سرپایی و بستری در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی از طرف سازمان‌های بیمه‌گر درمانی (از جمله خدمات درمانی و تأمین اجتماعی) و دانشگاه‌های علوم پزشکی و بیمارستان‌ها با تعرفه درمانی متخصص روان‌پزشکی (یک رده پایین‌تر از مدرک من) پرداخت شده است و از این بابت این‌جانب در ۵ سال گذشته متحمل خسارت مادی و معنوی شده‌ام. با عنایت به اینکه ماهیت ویزیت و مشاوره روان‌پزشکی به علت زمان بر بودن از ماهیت ویزیت سایر رشته‌های تخصصی و فلوشیپی و فوق تخصصی طبی جداست قانون‌گذار جهت حق ویزیت متخصص و فوق تخصص روان‌پزشکی در بندهایی جداگانه تعرفه‌ای مستقل از سایر رشته‌های طبی تعیین و ابلاغ نموده است (بند ۳ و ۴ مصوبه هیأت وزیران) ولی به علت قصور شورای عالی بیمه سلامت برای فلوشیپ طب روان‌تنی تا به امروز هیچ نوع تعرفه درمانی مستقل و شفاف نداریم. درحالی‌که طبق بند ۳ مصوبه هیأت وزیران تعرفه فلوشیپ و فوق تخصصی کلیه رشته‌های طبی مساوی اعلام شده است عدالت حکم می‌کند که تعرفه درمانی فلوشیپ و فوق تخصص روان‌پزشکی نیز به‌طور مساوی تعیین و اعلام گردد کاری که تا به حال عملی نشده است با عنایت به موارد فوق و با توجه به مدارک ضمیمه شده و از جمله مکاتبات معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل و ریاست نظام پزشکی اردبیل که اذعان به



فعالیت درج شده باشد.

تبصره ۳: متوسط زمان ویزیت برای پزشکان عمومی حداقل ۱۵ دقیقه، برای پزشکان متخصص حداقل ۲۰ دقیقه، برای پزشکان فوق تخصص ۲۵ دقیقه و روان‌پزشکان حداقل ۳۰ دقیقه می‌شود.  
تبصره ۴: پزشکان عمومی با سابقه بیش از ۱۵ سال کار بالینی، مجاز به دریافت معادل ۱۵ درصد علاوه بر تعرفه می‌باشند.

تبصره ۵: ویزیت دسته‌جمعی و حضور سایر بیماران در اتاق معاینه در زمان ویزیت بیمار ممنوعیت دارد.  
تبصره ۶: تعرفه بخش‌های وابسته به سازمان‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات دولتی غیر از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشمول تعرفه‌های فوق نبوده، طی مصوبه ۳۲۵۰۸/ت/۵۳۰۲۸ هـ-۱۳۹۵/۲/۲۰ هیأت وزیران ابلاغ گردیده است. بدیهی است همکاران کمافی السابق بیماران بی‌بضاعت و تحت پوشش نهادهای حمایتی را مد نظر قرار می‌دهند."

طرف شکایت علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضمایم آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ‌گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیت‌ها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه خواسته شاکی اعتراض به ترک فعل و عدم انجام وظیفه قانونی است و این خواسته از مصادیق مغایرت مصوبه با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط نمی‌باشد، بنابراین موضوع شکایت و خواسته مبنی بر الزام هیأت وزیران به تعیین تعرفه فلوشیپ روان‌پزشکی قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - بیمه سلامت

تاریخ: ۲۲ اسفند ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۲۸۹

کلاس پرونده: ۹۵/۷۰۶

**موضوع:** ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۳/۳۰-۱۰۵۰۹۰/۹۵ سازمان بیمه سلامت ایران (در خصوص پوشش بیمه‌ای خدمات روان‌پزشکی به‌موجب ویرایش دوم کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت)

**شاک:** آقای مهدی حامدی

### گردش کار:

آقای مهدی حامدی به‌موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۳/۳۰-۹۵/۱۰۵۰۹۰ سازمان بیمه سلامت ایران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۳ ویرایش دوم کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت طی تصویب‌نامه ۵/۵۳۷۹/ت/۵۱۷۰۰ هـ هیأت وزیران ابلاغ گردید که از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱ برای کلیه ارائه‌دهندگان خدمات سلامت در بخش‌های دولتی، عمومی غیردولتی، خصوصی و سازمان‌های بیمه‌گر پایه و تکمیلی لازم‌الاجرا می‌باشد. در این کتاب خدمات روان‌پزشکی به‌وضوح و بدون هیچ‌گونه ابهامی آورده شده‌اند. این خدمات بدون ستاره می‌باشند و طبق صفحه اول کتاب ارزش نسبی خدمات فاقد ستاره، دارای پوشش بیمه‌ای می‌باشند متأسفانه سازمان بیمه سلامت ایران به‌عنوان یکی از چهار سازمان بیمه‌گر پایه تاکنون از پذیرش این خدمات سرباز زده است و اعلام کرده است که هزینه این خدمات را تقبل نمی‌نماید. حتی در شهرستان بناب واقع در استان آذربایجان شرقی اداره بیمه آن شهرستان بدون ارائه هیچ‌گونه توضیحی از پذیرش اسناد مربوط به این خدمات سرباز زده است که این موضوع صورت‌جلسه شده و به اطلاع معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی تبریز رسانده شده است.

معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی تبریز بارها از سازمان بیمه سلامت استان آذربایجان شرقی طی نامه‌های شماره ۵/۷۳۰۰۱-۵/۱۳۹۴/۱۷/۶، ۵/۸۹۳۸۹-۵/۱۳۹۴/۷/۲۳، ۵/۱۱۸۳۰۱-۵/۱۳۹۴/۹/۳۰ و ۵/۱۲۸۸۶۲-۵/۱۳۹۴/۱۰/۲۳ خواسته است که طبق کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت، این خدمات را تحت پوشش قرار دهند. تنها دلیلی که به‌صورت شفاهی سازمان بیمه سلامت برای عدم پرداخت هزینه خدمات روان‌پزشکی عنوان نموده است، عدم وجود دستورالعمل برای کدهای مذکور است که کدهای مذکور فاقد راهنمای بالینی و استاندارد از جانب وزارت بهداشت برای پرداخت می‌باشد؛ که معاونت درمان وزارت بهداشت در نامه ۴۰۰/۹۶۷۱-د-۱۳۹۵/۳/۲۹ تصریح کرده است کدهای مذکور فاقد راهنمای بالینی بوده و عدم پوشش بیمه‌ای این خدمات بر خلاف مصوبه هیأت وزیران می‌باشد. در نهایت در دستورالعمل داخلی به شماره ۹۵/۱۰۵۰۹۰ که سازمان بیمه سلامت ایران در تاریخ ۳۰/۳/۱۳۹۵ به نمایندگی‌های تحت پوشش خود ابلاغ نمود، این خدمات را به‌صورت کاملاً محدود و با اعمال سلیقه شخصی خود قبول کرده است. به‌عنوان مثال در بند شماره

۳ این بخشنامه آمده که کد ۹۰۰۰۴۵ فقط به‌عنوان ویزیت روز اول بستری در بیماران بستری روانی قابل پرداخت است و طبقاً به‌صورت سرپایی قابل پرداخت نمی‌باشد. درحالی‌که در صفحه ۶۳ ویرایش دوم کتاب ارزش نسبی مصوبه هیأت وزیران اشاره‌ای به سرپایی یا بستری بودن این خدمت نکرده است و طبقاً به‌صورت سرپایی و بستری قابل پرداخت می‌باشد.

در بند شماره پنج این دستورالعمل پرداخت کدهای ۹۰۰۰۵۰، ۹۰۰۰۵۱، ۹۰۰۰۹۱، ۹۰۰۰۹۳ فقط در بیمارستان‌های روان‌پزشکی و یا بیمارستان‌های دارای بخش روان میسر دانسته است. درحالی‌که در شرح کدهای ذکر شده در صفحه ۳۶ و ۶۳ ویرایش دوم کتاب ارزش نسبی اشاره‌ای به اینکه این خدمات منحصراً در بخش روان‌پزشکی قابل انجام است نشده است.

در بند ۶ دستورالعمل عنوان شده کد ۹۰۰۰۹۶ تنها به‌صورت بستری در بخش روان‌پزشکی قابل پرداخت است و به‌صورت سرپایی قابل پرداخت نمی‌باشد که با شرح کد ذکر شده در صفحه ۳۶ کتاب ارزش نسبی در تناقض است.

در بند ۷ این دستورالعمل پرداخت کدهای ۹۰۰۰۱۰۰، ۹۰۰۰۱۰۵ و ۹۰۰۰۱۱۰ (که در ویرایش اول کتاب ارزش نسبی آمده، ولی در ویرایش دوم کتاب بدون تغییر مانده است) منحصراً منوط به بستری بخش روان‌پزشکی کرده است. درحالی‌که در صفحه ۴۷۶ ویرایش اول کتاب ارزش نسبی اشاره‌ای به منحصر بودن این خدمات به‌صورت بستری نکرده است.

درحالی‌که سازمان بیمه تأمین اجتماعی (دیگر سازمان بیمه‌گر پایه)، طبق بخش‌نامه شماره ۱۳۹۵/۵/۲۳-۴۰۲۰/۹۵/۱۰۸۶ پرداخت خدمات روان‌پزشکی را طبق کتاب ارزش نسبی خدمات کاملاً پذیرفته است (به‌صورت بستری و سرپایی و در تمامی بیمارستان‌ها اعم از اینکه دارا یا فاقد بخش روان‌پزشکی باشند) و در استان آذربایجان شرقی اسناد مذکور را پذیرفته و طبق کتاب ارزش نسبی پرداخت نموده است. عدم پوشش بیمه‌ای خدمات مذکور باعث ایجاد مشکلات فراوان در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بالاخص مراکز دولتی شده است. از طرفی این خدمات برای درمان بیماران روان‌پزشکی لازم است. از طرف دیگر عدم پرداخت هزینه این خدمات از جانب سازمان‌های بیمه‌گر پایه باعث ضرر مراکز درمانی شده و منجر به عدم ارائه خدمات مذکور از جانب روان‌پزشکان می‌شود که در نتیجه بیماران مراجعه‌کننده به مراکز دولتی متضرر می‌شوند، چرا که توان مالی مراجعه به بخش خصوصی را ندارند. نهایتاً مستدعی است دستور فرمایید به دلیل مغایرت بخشنامه داخلی سازمان بیمه سلامت ایران به شماره ۹۵/۱۰۵۰۹۰ با ویرایش اول و دوم کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت مصوبه هیأت وزیران نسبت به پرداخت مطالبات خدمات روان‌پزشکی ارائه شده توسط این جانب در بیمارستان‌های شهرستان بناب و ملکان از تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۰۱ طبق مصوبه هیأت وزیران به بیمارستان‌های مذکور توسط سازمان بیمه سلامت ایران، اقدام لازم را مبذول نمایید."

شاکتی به‌موجب لایحه تکمیلی که به شماره ۲۱۲۲-۱۳۹۵/۱۲/۲۸ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و عرض ادب

احتراماً پیرو شکوائیه قبلی به شماره پرونده ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۵۳ با ردیف فرعی یک به کلاسه پرونده ۷۰۶/۹۵ مبنی بر مغایرت بخشنامه داخلی سازمان بیمه سلامت ایران به شماره ۹۵/۱۰۵۰۹۰-۹۵/۳/۳۰-۱۳۹۵ با ویرایش اول و دوم کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت مصوبه هیأت وزیران و پرداخت خدمات روان‌پزشکی از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱ به بیمارستان‌های بناب و ملکان طبق مصوبه هیأت وزیران که به آن هیأت ارجاع داده شده

است، نظر به اینکه دستورالعمل جدیدی تحت شماره ۴۰۰/۳۴۵۷۲-د-۱۳۹۵/۱۱/۱۳ از طرف معاونت درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص استانداردهای روان‌پزشکی صادر شده که با بخشنامه داخلی سازمان بیمه سلامت ایران نیز در تضاد می‌باشد. این استانداردها به‌تمامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و سازمان‌های بیمه‌گر پایه از جمله سازمان بیمه سلامت ایران ابلاغ شده است. ولی کماکان سازمان بیمه سلامت ایران از قبول تعهد بیمه‌ای آن سرباز می‌زند و به‌صورت سلیقه‌ای با خدمات موردنظر برخورد می‌نماید. لذا به پیوست در دو برگ دستورالعمل استانداردهای تعیین شده وزارت بهداشت به انضمام موارد مطروحه جهت مزید استحضار تقدیم می‌گردد. به‌عنوان مثال در بند شماره ۳ این بخشنامه سازمان بیمه سلامت ایران آمده که کد ۹۰۰۰۴۵ فقط به‌عنوان ویزیت روز اول بستری در بیماران بستری روانی قابل پرداخت است و طبعاً به‌صورت سرپایی قابل پرداخت نمی‌باشد. درحالی‌که در صفحه ۲ و ۳ استاندارد کد ۹۰۰۰۴۵ "تحت عنوان مصاحبه و معاینه تشخیصی روان‌پزشکی به ازای هر جلسه (عمل مستقل)" ابلاغی وزارت بهداشت، واضحاً چنین عنوان شده است: "۳- در شرایط بستری، مصاحبه و معاینه تشخیصی روان‌پزشکی اولیه بیمار در هر بار بستری شامل این کد می‌شود. ۴- در شرایط سرپایی، در موارد زیر این خدمت لحاظ می‌شود: اولین مراجعه به هر روانپزشک اگر فاصله آخرین مراجعه بیمار به همان پزشک با مراجعه فعلی بیش از یک سال باشد." لذا این خدمت به‌صورت سرپایی نیز در شرایط فوق قابل پرداخت می‌باشد.

در بند شماره پنج بخشنامه سازمان بیمه سلامت ایران پرداخت کدهای ۹۰۰۰۵۱، ۹۰۰۰۵۰، ۹۰۰۰۹۱، ۹۰۰۰۹۳ فقط در بیمارستان‌های روان‌پزشکی و یا بیمارستان‌های دارای بخش روان میسر دانسته است. درحالی‌که در صفحه ۲ استاندارد کدهای ۹۰۰۰۵۰ "روان درمانی فردی، با رویکردهایی مانند تحلیلی، شناختی، رفتاری، شناختی-رفتاری، حمایتی و هیپنوتراپی، توسط روانپزشک، به ازای هر جلسه ۳۰ دقیقه‌ای (عمل مستقل)"، ۹۰۰۰۵۱ "روان درمانی فردی، با رویکردهایی مانند تحلیلی، شناختی، رفتاری، شناختی-رفتاری، حمایتی و هیپنوتراپی، توسط روانپزشک، به ازای هر جلسه بیش از ۳۰ دقیقه (عمل مستقل)"، ۹۰۰۰۹۱ "خانواده درمانی، زوج درمانی، درمان زناشویی و سکس تراپی تا ۳۰ دقیقه، توسط روانپزشک (عمل مستقل)"، ۹۰۰۰۹۳ "خانواده درمانی، زوج درمانی، درمان زناشویی و سکس تراپی بیش از ۳۰ دقیقه، توسط روانپزشک" ابلاغی وزارت بهداشت، واضحاً چنین عنوان شده است: "این خدمت می‌تواند در عرصه‌های بستری (بخش و بیمارستان عمومی یا روان‌پزشکی یا مراکز نگهداری و بازتوانی)، سرپایی یا جامعه نگر، در بخش دولتی، عمومی غیردولتی یا خصوصی انجام شود." بنابراین این خدمات در تمامی بیمارستان‌ها (اعم از روان‌پزشکی یا عمومی)، کلینیک‌ها و ... قابل پرداخت است.

در بند ۶ دستورالعمل سازمان بیمه سلامت ایران عنوان شده کد ۹۰۰۰۹۶ تنها به‌صورت بستری در بخش روان‌پزشکی قابل پرداخت است و به‌صورت سرپایی قابل پرداخت نمی‌باشد. درحالی‌که در صفحه ۲ استاندارد کد ۹۰۰۰۹۶ تحت عنوان گروه‌درمانی با رویکردهایی مانند تحلیلی، شناختی، رفتاری، شناختی-رفتاری، حمایتی، توسط روانپزشک، به ازای هر جلسه به ازای هر نفر، در گروه‌های ۸ تا ۱۲ نفر، ابلاغی وزارت بهداشت، واضحاً چنین عنوان شده است: "این خدمت می‌تواند در عرصه‌های بستری (بخش و بیمارستان عمومی یا روان‌پزشکی یا مراکز نگهداری و بازتوانی) یا سرپایی، در بخش دولتی، عمومی غیردولتی یا خصوصی انجام شود." بنابراین این خدمت به‌صورت سرپایی و بستری در بیمارستان‌های عمومی و روان‌پزشکی قابل پرداخت است. مستدعی است امر مقرر فرمایند در مورد شکوائیه مربوطه موارد فوق نیز مورد عنایت آن هیأت قرار گیرد."

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"نظر به سؤالات مکرر ادارات کل در خصوص کدهای روانشناسی و با عنایت به تشکیل جلسات فی‌مابین در محل دبیرخانه شورای عالی بیمه در ارتباط با شفاف‌سازی نحوه پرداخت کدهای مذکور تا اطلاع ثانوی و تعیین تکلیف نهایی، مقتضی است براساس شرایط ذیل نسبت به رسیدگی اسناد هزینه‌های مربوطه اقدام گردد.

۱- ویزیت بیمار توسط روانپزشکان در بخش سرپایی، بر اساس تعرفه مصوب هیأت دولت قابل پرداخت می‌باشد.

۲- با توجه به عدم وجود قرارداد با روانشناسان، امکان پرداخت ویزیت و خرید خدمت از این گروه از پیراپزشکان تا اطلاع ثانوی، وجود ندارد.

۳- کد ۹۰۰۰۴۵ به‌عنوان ویزیت روز اول بستری در اسناد بستری بیماران روانی قابل پرداخت می‌باشد.  
۴- کد ۹۰۰۰۴۶ به‌عنوان مشاوره بستری بیماران روانی تنها در اسناد بستری قابل محاسبه و پرداخت بوده و همزمان با کد ۹۰۰۰۴۵ غیر قابل پرداخت می‌باشد.

۵- کدهای ۹۰۰۰۵۰ و ۹۰۰۰۵۱ و ۹۰۰۰۹۱ و ۹۰۰۰۹۳ در موارد بستری و جهت بیماران حاد روانی (در بیمارستان‌های روان‌پزشکی و یا بخش روان‌پزشکی) حداکثر هفته‌ای دو جلسه جهت هر بیمار و یا احتساب پرداخت ویزیت بستری همزمان قابل محاسبه خواهند بود و در موارد سرپائی حداکثر یک جلسه در هفته و بدون محاسبه ویزیت همزمان قابل پرداخت می‌باشند.

۶- کد ۹۰۰۰۹۶ تنها در بیماران بستری (در بیمارستان‌های روان‌پزشکی و یا بخش روان‌پزشکی) به‌صورت تنها و یا ترکیبی با جلسات روان درمانی فردی تنها دو جلسه در هفته در تعهد سازمان‌های بیمه‌گر می‌باشد.  
۷- کدهای ۹۰۰۱۰۰ و ۹۰۰۱۰۵ و ۹۰۰۱۱۰ تنها برای رسیدگی به تشخیص در بیماران روانی در بخش بستری به همراه سایر سرفصل‌های هزینه‌ای اسناد بستری، قابل محاسبه و پرداخت می‌باشد.

۸- کلیه کدهای یاد شده به غیر از مجموعه تستهای روانشناسی بایستی شخصاً توسط روانپزشک ارائه گردند و تنها تستهای روانشناسی با نظارت و تائید روانپزشک قابل محاسبه و پرداخت می‌باشند."  
در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌موجب لایحه شماره ۹۶/۴۳۷۹۳۲-۹۶/۱۱/۱۸-۱۳۹۶ توضیح داده است که:  
"دفاع تکمیلی:

۱- چنانچه آن مرجع مستحضر می‌باشند، تعهدات این سازمان وفق مستندات ذیل منحصراً محدود به تعرفه‌ها و خدمات مصوبات هیأت وزیران می‌باشد و مازاد بر بیمه پایه در تعهدات بیمه‌های تکمیلی و تجاری است.

۲- ماده (۱۰) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مقرر می‌دارد: "حداقل شمول و سطح خدمات پزشکی و دارو شامل خدمات پزشکی اورژانس، عمومی و تخصصی (سرپایی و بستری) که انجام و ارائه آن در نظام بیمه

خدمات درمانی به عهده سازمان‌های بیمه‌گر قرار می‌گیرد و لیست خدمات فوق تخصصی که مشمول بیمه‌های مضاعف (مکمل) می‌باشد به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تائید شورای عالی و تصویب هیأت وزیران تعیین و اعلام می‌شود."

۳- ماده (۸) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مقرر می‌دارد: "تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی بر اساس قیمت‌های واقعی و نرخ سرانه حق بیمه درمانی مصوب به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه‌بودجه و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تائید شورای عالی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید که در این

راستاهیات وزیران سالانه و پس از جری تشریفات قانونی اخیرالذکر مبادرت به تصویب نرخ خدمات تشخیصی می‌نماید. پر واضح است که این سازمان صرفاً بر مبنای تعرفه‌های مصوب مجاز به پرداخت خواهد بود و هرگونه اقدام مغایر با رویه مذکور نقض قوانین و مقررات و موجب مسئولیت برای این سازمان خواهد بود.

۴- بر اساس بند "ز" ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه "سازمان بیمه سلامت ایران مکلف است با رعایت نظام ارجاع و سطح‌بندی خدمات بر اساس سیاست‌های مصوب نسبت به خرید راهبردی خدمات سلامت از بخش‌های دولتی و غیردولتی اقدام نماید."

۵- حسب مفاد ماده (۴) آیین‌نامه اجرایی بند "ز" ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه، "سازمان موظف است نسبت به خرید راهبردی خدمات سلامت با کیفیت، مطابق استانداردهای مصوب و مورد تعهد بیمه پایه سلامت از مراکز و فروشندگان کالاهای سلامت ... اقدام نموده و این اقدام در قالب حفظ فضای رقابتی تولید و واردات کالا و خدمات بخش سلامت و عدم ایجاد انحصار و بدون ورود مستقیم در تولید و عرضه کالا و خدمات توسط سازمان باشد.

۶- مطابق ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی بند "ز" ماده (۳۸) قانون مزبور "ملاک تعهد سازمان‌های بیمه‌گر، فهرست خدمات مورد تعهد بیمه پایه سلامت بر اساس مصوبات هیأت وزیران می‌باشد."

۷- با استناد به ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی بند "ز" ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه "وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است نسبت به تهیه و تدوین راهنماهای بالینی و استانداردهای خدمات نظام سلامت به‌منظور ارتقای کیفیت خدمات مورد تعهد بیمه پایه سلامت، هر ساله در خصوص حداقل پنجاه مورد اقدام نماید. سازمان موظف است با رعایت راهنماهای بالینی اعلام شده نسبت به خرید راهبردی خدمات اقدام نماید." و بر اساس تبصره ماده مزبور "ورود خدمات نوین به فهرست خدمات مورد تعهد بیمه پایه سلامت منوط به تدوین راهنماهای بالینی و استانداردهای خدمات مربوط می‌باشد."

علی‌هذا با عنایت به بخشنامه شماره ۲۰۳۰۷/ک/۱۱/۲۶-۱۳۷۸- معاونت وقت درمان و دبیر شورای عالی بیمه خدمات درمانی، مجموعه تستهای مورد استفاده جهت ارزیابی بالینی، شخصیت و هوش منحصرأ در شرایطی قابل پرداخت خواهند بود که در راستای رسیدن به تشخیص صحیح بیماران روانی بوده و در مواردی که جنبه SCREENiNG دارند (قابلیت‌های تحصیلی دانش آموزان و سایر بیماران نوروتیک) در تعهد پرداخت قرار دارند. ازاین‌رو مجموعه تستهای مذکور صرفاً در مراکز بیمارستانی روان‌پزشکی و یا دارای بخش‌های روان و به‌ضمیمه اسناد بستری قابل پذیرش و محاسبه بوده و در موارد سرپایی و کلینیک‌های روان‌پزشکی به علت عدم امکان کنترل موارد SCREENiNG قابل پرداخت نخواهند بود.

با عنایت به موارد یاد شده و امعان نظر به اینکه هرگونه تغییر در کدهای روان‌پزشکی مندرج در کتاب "ارزش نسبی خدمات و مراقبت‌های سلامت" نیازمند ابلاغ راهنمای بالینی از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و این امر نیز تاکنون توسط آن وزارتخانه ارائه نشده است، لذا تا زمان تحقق این امر از سوی مرجع یاد شده اقدامی در جهت اجابت خواسته شاکمی متصور نخواهد بود. بدین حیث رد دعوی خواهان از آن مرجع مورد استدعاست. شایان ذکر است با توجه به سیاست‌های خرید راهبردی سازمان، خدمات مذکور در دادخواست که پیش‌ازاین به‌صورت بستری پرداخت می‌شده است همچنان در بخش بستری بیمارستان‌های روان‌پزشکی و یا بیمارستان‌های دارای بخش روان قابل پرداخت می‌باشد. پیشاپیش از تدقیق نظر و بذل توجه ویژه حضرت‌عالی به مفاد این لایحه، لویح قبلی، دلایل و مستندات ابرازی و اهتمام به حفظ حقوق حق دولت و بیمه‌شدگان معزز این سازمان، نهایت تشکر و قدردانی به عمل می‌آید."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری

---

---

و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به تکلیف مقرر در بند (ز) ماده ۳۸ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و مفاد ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی بند مذکور مصوب سال ۱۳۹۳ هیأت وزیران که حسب آن ملاک تعهد سازمان‌های بیمه‌گر (از جمله سازمان بیمه سلامت) فهرست خدمات مورد تعهد بیمه پایه سلامت بر اساس مصوبات هیأت وزیران اعلام شده است و همچنین با توجه به مفاد ماده ۷ آیین‌نامه مذکور که بازنگری در فهرست خدمات مورد تعهد بیمه پایه سلامت را به پیشنهاد بیمه سلامت و تصویب هیأت وزیران موکول کرده است و با عنایت به مفاد بند ۱ تصویب‌نامه ۵۳۷۹/ت/۵۱۷۰۰ هـ-۱۳۹۴/۱/۲۳ هیأت وزیران که کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت پیوست آن را برای سازمان‌های بیمه‌گر پایه، لازم‌الاجرا دانسته است و با لحاظ اینکه مفاد ماده ۸ آیین‌نامه پیش گفته، متضمن اعطای اختیاری به سازمان بیمه سلامت برای تغییر در فهرست خدمات مورد تعهد بیمه سلامت نیست، بنابراین بخشنامه مورد شکایت به لحاظ محدود کردن خدمات مورد تعهد مقرر در کتاب ارزش نسبی خدمات مصوب هیأت وزیران خارج از حدود اختیار مرجع تصویب‌کننده وضع شده و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری



---

---

معاونت غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی به دیوان دستور بفرمایید."

۲- با توجه به مفاد مصوبه مورد اعتراض به نظر می‌رسد از مصادیق ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نباشد.

۳- در خصوص صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته پرونده به جلسه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ارجاع شد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیت‌ها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه تصمیم متخذ در جلسه شماره ۳۰۹-۱۳۹۶/۷/۱۰ شورای رقابت متضمن وضع قاعده آمره عام و کلی نمی‌باشد و ناظر بر اعطاء مجوز یک داروخانه است، بنابراین درخواست ابطال آن قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

مرتضی علی اشراقی

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۲۲ اسفند ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۲۹۵

کلاس پرونده: ۹۶/۱۳۶۸

**موضوع:** درخواست اعتراض به هفتمین دوره انتخابات گروه داروسازان هیأت مدیره نظام پزشکی اردبیل قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

**شاکی:** خانم سید شیوا اسبقیان

### گردش کار:

- ۱- خانم سید شیوا اسبقیان ابطال هفتمین دوره انتخابات گروه داروسازان هیأت مدیره نظام پزشکی اردبیل را خواستار شده است.
  - ۲- در خصوص صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته پرونده به جلسه هیأت عمومی ارجاع شد.
- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیت‌ها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه مرجع تصویب مصوبه مورد شکایت از جمله مراجع مذکور در بند ۱ ماده ۱۲ نیست، بنابراین درخواست ابطال مصوبات آن قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

مرتضی علی اشراقی

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۲۲ اسفند ۱۳۹۶

شماره دادنامه: ۱۲۹۷-۱۲۹۸

کلاسه پرونده: ۹۵/۹۶،۱۳۳۸/۸۷۰

**موضوع:** عدم ابطال دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۴/۳۰-د/۱۶۰۷/۵۰۵ شورای آموزش پزشکی و تخصصی (در خصوص ممنوعیت جراحان عمومی از جراحی پلاستیک، ترمیمی و سوختگی برای عمل لیپوساکشن)

**شاکلی:** ۱- آقای عبدالعلی محمدی به وکالت از (خانم‌ها بتول طاهری، پروانه منصوری و آقایان: حمید رضوانی، حسین عرب زاده و وحید معتمدی) ۲- خانم زهرا قورچیان

### گردش کار:

الف- آقای عبدالعلی محمدی به‌موجب دادخواستی اعلام کرده است که: "احتراماً به وکالت از موکلین (۵ نفر از جراحان عمومی) به تجویز مواد ۱ و ۱۹ و ۴۰ قانون دیوان عدالت اداری و به‌عنوان شکایت از دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۴/۳۰-د/۵۰۵/۱۶۰۷ دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی کشور که خطاب به اداره کل نظارت و اعتباربخشی امور درمان آن وزارت اعلام و متعاقباً از طریق اداره کل مربوطه به کلیه درمانگاه‌های تخصصی و عمومی اعلام شده و متضمن اعلام صلاحیت انحصاری و دارندگان گواهینامه فوق تخصص جراحی پلاستیک، ترمیمی و سوختگی برای عمل لیپوساکشن (اعم از لیپوماتیک، لیزر لیپولیزر، واترجت، اولتراسونیک و روش‌های مشابه) و ملاً ممنوعیت جراحان عمومی از اقدام به عمل مزبور می‌باشد، ضمن اعلام شکایت موکلین از دستورالعمل مزبور که به تعبیر ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مخالف قانون و خارج از صلاحیت مرجع صادرکننده دستورالعمل و تضییع کننده حقوق اشخاص (جراحان عمومی) است، مراتب ذیل را به استحضار می‌رسانم:

اولاً: از مذاقه در مضمون دستورالعمل موضوع شکایت، به نیکی معلوم است که دستورالعمل مزبور که مخاطب عام دارد، در ردیف نظامات و مقررات دولتی حاکم بر حرفه پزشکی قرار دارد، به‌گونه‌ای که تخلف از مفاد آن مستوجب ضمانت اجراهای انتظامی و کیفری خواهد بود.

ثانیاً: دستورالعمل مزبور از آن جهت که مطابق قانون چگونگی تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۷ مجلس شورای اسلامی، صراحتاً تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته به آن را بر اساس قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی و سایر قوانین مربوطه به‌موجب آیین‌نامه دانسته که توسط سازمان نظام پزشکی تهیه و به تصویب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد، خلاف قانون و خارج از صلاحیت مرجع تصویب‌کننده آن است زیرا از یک‌سو، مرجع اعلام‌کننده صلاحیت تعیین حدود وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی را ندارد و از سوی دیگر هیچ دستورالعملی نمی‌تواند مخالف قانون تدوین شود.

ثالثاً: صرف نظر از مراتب فوق، بر خلاف اعلام دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت

به استناد مفاد کوریکولوم آموزشی جراحان عمومی (برنامه آموزشی و ضوابط رشته تخصصی جراحی عمومی) که اتفاقاً در شورای آموزشی مزبور تصویب و تدوین گردیده است: ۱- اعمال جراحی جدار شکمی و اعمال جراحی پوست و نسج نرم و از جمله نسج چربی زیرپوست شکم در ردیف مهارت‌های پروسجیرال جراحان عمومی تأیید و تصویب شده است. ۲- در آموزش‌های تخصصی دوره جراحی عمومی، آموزش‌های تخصصی مربوط به جدار شکم و پوست و نسج نرم (از جمله نسج چربی زیرپوست شکم- بندهای ۸ و ۹ از بند ۳-۲۰ محتوای آموزشی) پیش‌بینی شده است. ۳- در اهداف آموزشی حیطه دانش و مهارت دستیاران جراحی سال‌های اول تا چهارم که به تربیت دستگاه تعیین شده است، اعمال مربوط به جدار شکم و پوست و نسج نرم (از جمله نسج چربی زیرپوست شکم) پیش‌بینی شده است.

رابعاً: با توجه به اینکه بسیاری و بلکه غالب رشته‌های تخصصی جراحی، از جراحی عمومی جدا شده‌اند، تداخل تخصصی رشته‌های مزبور با جراحان عمومی، امر بدیهی است. اینکه با جدا شدن هر رشته جراحی تخصصی از گروه جراحی عمومی، مداخله جراحان عمومی در آن رشته تخصصی را ممنوع شود، سرانجام موجب بی‌محتوایی رشته تخصصی جراحی عمومی خواهد بود.

خامساً: در عمل نیز سال‌های زیاد است که جراحان عمومی، مبادرت به عمل لیپوساکشن (در انواع روش‌ها) می‌نمایند و این امر به‌جز موارد معدود که بعضاً ناشی از خطای پزشکی بوده که در همه رشته‌های تخصصی و بلکه فوق تخصصی جراحی‌های خاص نیز متداول است، با مشکلی مواجه نبوده است. سادساً: اساساً با توجه به تعداد معدود فوق تخصصی جراحان پلاستیک، ترمیمی و سوختگی و اینکه بسیاری از شهرستان‌ها و بلکه استان‌ها فاقد فوق تخصص و بلکه تخصص مزبور هستند، اعمال و اجرای دستورالعمل مزبور عملاً متعسر و بلکه متعذر و موجب لطمه به جامعه بیماران و متقاضیان عمل مزبور خواهد بود. سابعم: و بالاخره اینکه دستورالعمل مزبور که بر خلاف قانون و مقررات و خارج از صلاحیت مقام تصویب‌کننده صادر و اعلام گردیده، از جهت اعمال محدودیت بر صلاحیت جراحان عمومی موجب تضییع حقوق این قشر از جراحان خواهد بود.

علی‌هذا با عنایت به مراتب فوق و توجهاً به اینکه دستورالعمل مزبور به جهات اعلام شده، شایسته ابطال است. تقاضای رسیدگی و صدور حکم به ابطال آن و بدو از آن جهت که اجرای آن به نحو غیرقابل جبرانی تضییع حقوق جامعه جراحان عمومی است، صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اجرای آن مورد استدعاست."

ب- خانم زهرا قورچیانی به‌موجب دادخواستی اعلام کرده است که: "احتراماً این‌جانب دکتر زهرا قورچیانی متخصص پوست و مو به شماره نظام پزشکی ۸۳۶۹۵ با توجه به حق قانونی خود و طبق مفاد آموزشی وزارت بهداشت که طی ۴ سال دوره آموزشی تخصص پوست در دانشگاه‌های علوم پزشکی اجرا می‌گردد، اقدام به انجام روش لیپوساکشن می‌نمایم. اخیراً وزارت بهداشت اقدام به صدور بخشنامه مذکور، موضوع شکایت نموده است و به‌موجب آن انجام لیپوساکشن توسط متخصص پوست را ممنوع نموده است و آن را در انحصار گروه خاصی قرار داده است. با توجه به اینکه اجرای این بخشنامه موجب تضییع حقوق این‌جانب و سایر همکاران متخصص پوست گردیده چرا که این‌جانب اقدام به خرید دستگاه لیپوماتیک نموده بودم که تعهدات مالی خرید این دستگاه گران‌قیمت جهت لیپوساکن باعث ایجاد خسارت مادی به من شده است. لذا مستدعی است اقدامات مقتضی در خصوص ابطال بخشنامه مذکور که باعث خسارات مادی و معنوی و عسر و حرج این‌جانب گردیده است را مبذول فرمایید. شایان ذکر است در همین خصوص اخیراً پرونده‌های مشابه در شعبه‌های دیوان تشکیل و موجب صدور دستور موقت در مورد دادنامه‌های شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۵۷۶ و ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۵۷۵ گردیده است که به پیوست ارسال می‌گردد."

متن دستورالعمل مورد شکایت به قرار زیر است:  
"جناب آقای دکتر سیدمحمد میردهقان  
مدیرکل محترم دفتر نظارت و اعتباربخشی امور درمان  
با سلام و احترام

پیرو نامه شماره ۱۳۹۵/۱/۲۲-د/۵۰۵/۴۸ در خصوص استعلام استفاده از دستگاه لیبوماتیک به استحضار می‌رساند که بر اساس بررسی برنامه‌های آموزشی مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام لیبوساکشن (اعم از لیبوماتیک، لیزر لیبولیزر، واترجت، اولتراسونیک و روش‌های مشابه) منحصرأ در اختیار دوره فوق تخصصی جراحان پلاستیک، ترمیمی و سوختگی می‌باشد. بدیهی است سایر متخصصین مرتبط فقط با ارائه مدرک پس از گذراندن دوره‌های مربوطه مورد تأیید وزارت بهداشت مجاز به انجام این کار می‌باشند."  
در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۳/۱-۸۰۷/۴۹۰ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیات عمومی دیوان عدالت اداری  
با اهدای سلام

۱- وفق مفاد دادخواست تقدیمی، بر اساس نامه دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی به دفتر نظارت و اعتباربخشی امور درمان این وزارتخانه، انجام لیبوساکشن (اعم از لیبوماتیک، لیزر لیبوفیز، واترجت، اولتراسونیک و روش‌های مشابه) منحصرأ در اختیار فارغ‌التحصیلان مقطع فوق تخصص جراحی پلاستیک، ترمیمی و سوختگی می‌باشد و سایر متخصصین مرتبط فقط با ارائه مدرک پس از گذراندن دوره‌های مورد تأیید وزارت بهداشت مجاز به این کار می‌باشند. حسب ادعای شکات، نامه مذکور موجب تضییع حقوق جامعه جراحان عمومی گردیده و خارج از صلاحیت مرجع صادرکننده آن است و لذا درخواست ابطال آن را دارند.

۲- بدوآ اشاره می‌نماید برخلاف ادعای مطروحه نامه معترض‌عنه قائم‌مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی با دفتر نظارت و اعتباربخشی امور درمان یکی از مکاتبات عادی و معمول در وزارتخانه بوده و به‌هیچ‌وجه در قالب بخشنامه صادر نگردیده است تا معد رسیدگی در هیات عمومی دیوان باشد.

۳- صرف‌نظر از مراتب مذکور، مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، یکی از وظایف این وزارتخانه تدوین و ارائه سیاست‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی، پژوهش، خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، بهزیستی و تأمین اجتماعی می‌باشد. برابر ماده ۷ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی و برنامه‌ریزی آموزشی پزشکی به عهده این وزارتخانه است. همچنین مطابق بند ۴ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعیین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مورد نیاز کشور و اجرای برنامه‌های تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی در جهت نیل به خودکفایی از وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام شده است.

۴- وفق قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی مصوب سال ۱۳۵۲ وظایف زیر بر عهده شورای مذکور می‌باشد:

- بررسی و تعیین احتیاجات آموزشی رشته‌های پزشکی و تخصصی، ارزشیابی و تعیین محتوای برنامه‌ها و روش‌های کلی آموزش و ایجاد هماهنگی لازم، بررسی و تعیین احتیاجات نیروی انسانی لازم در کشور در رشته‌های پزشکی و علوم وابسته و تخصص‌های پزشکی و تعیین ضوابط جهت تربیت متخصص در دانشکده‌های پزشکی و بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه‌ها از جهات زیر:

الف- برنامه و روش‌های آموزشی ب- بررسی و اظهارنظر درباره ضوابط مربوط به صلاحیت آموزشی مؤسسات پزشکی و تصویب صلاحیت آموزشی مذکور و نحوه وابستگی آن‌ها به دانشگاه‌ها بر اساس ضوابط مقرر ج- تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی امتحانات تخصصی و همچنین بررسی نحوه اجرای ضوابط و برنامه‌ها ۵- طبق ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استفاده‌کنندگان از دستگاه‌های تخصصی نظیر سونوگرافی و سی‌تی‌اسکن بایستی علاوه بر داشتن مدرک پزشکی تخصصی در رشته مربوطه حداقل دوره آموزشی لازم را که به تأیید کمیته تخصصی مربوطه در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید در یکی از مراکز علمی و دانشگاهی داخل یا خارج از کشور طی کرده باشند.

۶- در ارتباط با انجام عمل جراحی لیپوساکشن توسط جراحان عمومی نیز با توجه به اینکه مهارت عملی جراحی لیپوساکشن در برنامه آموزشی رشته تخصصی جراحی عمومی مصوب نشست شصت و هشتمین شورای آموزش پزشکی و تخصصی لحاظ نگردیده است، دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی به‌عنوان مقام تخصصی تشخیص‌دهنده موضوع وفق برنامه‌های آموزشی مصوب در پاسخ استعلام‌های انجام شده در ارتباط با استفاده از دستگاه لیپوماتیک پاسخ داده است که انجام عمل لیپوساکشن بر اساس برنامه‌های آموزشی هر دوره منحصراً در اختیار دوره فوق تخصص جراحی پلاستیک و ترمیمی و سوختگی می‌باشد و سایر متخصصین صرفاً با ارائه مدرک گذراندن دوره‌های مربوطه مورد تأیید وزارت بهداشت مجاز به انجام این کار هستند.

۷- در ارتباط با ادعای مطروحه دائر بر اینکه اعمال جراحی جدار شکمی و اعمال جراحی پوست و نسج نرم از جمله نسج چربی زیرپوست شکم در ردیف مهارت‌های پروسیجرال جراحان عمومی تأیید و تصویب شده و همچنین در آموزش‌های تخصصی دوره جراحی عمومی، آموزش‌های تخصصی مربوط به جدار شکم و پوست و نسج نرم پیش‌بینی شده است، اشاره می‌دارد خلاف آنچه عنوان گردیده، در مهارت‌های پروسیجرال اعلامی از سوی جامعه جراحان، صرفاً اشاره به اعمال جراحی پوست و نسج نرم گردیده و اعمال جراحی نسبت به نسج چربی زیرپوست شکم مورد احصاء قرار نگرفته است و جراحی پوست و نسج نرم شامل اعمال جراحی چربی زیرپوست نمی‌گردد. (صفحه ۱۰ و ۱۵ برنامه آموزشی جراحی عمومی مصوب نشست شصت و هشتمین شورای آموزش پزشکی و تخصصی خردادماه ۱۳۸۷)

۸- در ارتباط با ادعای مطروحه در موضوع ۳ بند سوم دادخواست دائر بر اینکه در اهداف آموزشی حیطه دانش و مهارت دستیاران جراحی سال‌های اول تا چهارم اعمال مربوط به جدار شکم و پوست و نسج نرم پیش‌بینی شده است نیز اشاره می‌نماید، در اهداف آموزشی حیطه دانش و مهارت دستیاران جراحی سال‌های اول تا چهارم اعمال مربوط به جدار شکم و پوست و نسج نرم (از جمله نسج چربی زیرپوست شکم) وجود ندارد. (صفحه ۲۸ برنامه آموزشی جراحی عمومی مصوب نشست شصت و هشتمین شورای آموزش پزشکی و تخصصی خردادماه ۱۳۸۷)

۹- در رابطه با موارد ادعایی در بندهای چهارم و پنجم دائر بر اینکه در عمل سال‌های زیادی جراحان عمومی مبادرت به عمل لیپوساکشن می‌نمایند نیز لازم به توضیح است مهارت عمل جراحی لیپوساکشن از ابتدا در برنامه آموزشی جراحی عمومی وجود نداشته است.

۱۰- در خصوص استناد شکات به قانون چگونگی تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته به آن اشاره می‌نماید با توجه به عدم تهیه آیین‌نامه‌های موضوع ماده‌واحده قانون مذکور از سوی سازمان نظام پزشکی و از سوی دیگر، تکالیف دستور مقرر در قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی صلاحیت حرفه‌ای متخصصین هر

رشته اقدامات لازم با توجه به برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی از سوی شورای مذکور با حضور نماینده سازمان نظام پزشکی صورت می‌گیرد. در هر حال شکات حتی به استناد عدم پیش‌بینی موضوع در آیین‌نامه‌های قانون استنادی حق دخالت در اعمال غیرمرتبط را نداشته‌اند، هر چند با توجه به مسئولیت و اختیارات وزارت متبوع در این راستا، دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی این وزارتخانه در مقام پاسخگویی به استعلام صورت گرفته در راستای تبیین موضوع اقدامات لازم را به عمل آورده است.

با توجه به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه برابر قانون تشکیل و تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و قوانین برنامه‌های توسعه تولید نظام سلامت از عمده وظایف این وزارتخانه می‌باشد، لذا برابر ضوابط و مقررات مطروحه خواسته شکات کاملاً بی‌وجه مطرح گردیده و بر این اساس رد دعوی مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."

همچنین در پیرو لایحه دفاعیه، سرپرست دفتر امور حقوقی (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) به‌موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۰۸۳-۱۳۹۶/۵/۳۰- توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً، پیرو لایحه دفاعیه شماره ۱۰۷/۴۹-۱۳۹۶/۳/۱- در خصوص پرونده کلاسه ۱۳۳۸/۹۵ موضوع شکایت خانم بتول طاهری به خواسته ابطال نامه شماره ۵۰۵/۱۶۰۷-د/۱۳۹۵/۴/۳۰- قائم‌مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی مراتب ذیل در تکمیل لایحه دفاعیه به استحضار می‌رسد:

۱- در تکمیل بند دو لایحه اعلام می‌دارد، نامه مورد اعتراض برخلاف ادعای شاکی دستورالعمل نبوده و صرفاً مکاتبه‌ای عادی و در پاسخ به استعلام دفتر نظارت و اعتباربخشی امور درمان صادر شده است. توضیحاً لازم به ذکر است با توجه به اینکه تنظیم کوریکولومهای آموزشی از وظایف شورای آموزش پزشکی و تخصصی می‌باشد، از دبیرخانه مذکور استعلام می‌گردد و این دبیرخانه صرفاً اعلام داشته است بر اساس بررسی برنامه‌های آموزشی مصوب وزارت بهداشت انجام لیپوساکشن اعم از ... منحصرأ در اختیار دوره‌های فوق تخصصی جراحان پلاستیک و ترمیمی و سوختگی می‌باشد و سایر متخصصین در صورت گذراندن دوره‌های مربوط مورد تأیید وزارت بهداشت مجاز می‌باشد. بر این اساس با توجه به اینکه صادرکننده نامه راساً نسبت به وضع قاعده‌ای اقدام ننموده و حکمی بیان نکرده و صرفاً وضع موجود در برنامه‌های آموزشی را اعلام نموده است و از برنامه آموزشی مزبور نیز شکایتی نشده است، اساساً نامه مورد اعتراض قابلیت طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را ندارد و بر این اساس رد شکایت مطروحه مورد تقاضا می‌باشد.

۲- در تکمیل بند ۳ لایحه دفاعیه نیز اشاره می‌نماید، برابر بند ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کلیه مؤسسات و واحدهای بهداشتی و درمانی و پزشکی کشور که از طریق بخش خصوصی و غیردولتی در امر بهداشت و درمان فعالیت دارند از تاریخ تصویب این قانون باید تحت نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی این وزارتخانه قرار گیرند. آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط ظرف مدت یک سال توسط این وزارت تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. برابر بند ۱۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷، تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به خدمات بهداشتی درمانی و درمانی از وظایف وزارتخانه مذکور است. لذا بر این اساس حتی اگر نامه مذکور دستورالعمل نیز محسوب گردد در راستای انتظام بخشیدن به امور مربوط به اعمال لیپوساکشن که از موضوعات درمانی است صادر شده است. وفق مستندات موجود هیچ‌گاه در برنامه‌های آموزشی رشته‌های جراحی عمومی آموزش انجام اعمال مذکور وجود نداشته و پیش‌بینی نشده است. بر این اساس این گروه از پزشکان با توجه

به مباحث آموزشی مطروحه اصولاً مجوزی برای انجام این‌گونه اعمال نداشته‌اند و چنانچه تاکنون اقدام به آن نموده‌اند تخلف محسوب می‌شده و قابل پیگیری است.

۳- ضمناً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قبلاً در شکایت مطروحه در موضوع ابطال بخشنامه شماره ۱۳۸۸/۷/۲۱-۳۰/۲/۵۸۱۵۹ مرکز نظارت و اعتباربخشی امور درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (موضوع انجام کاشت مو توسط پزشکان عمومی) طی دادنامه شماره ۱۹۷-۱۰/۸/۱۳۹۰ صراحتاً اعلام نموده است نظر به اینکه به موجب بند ۱۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷، تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به خدمات بهداشتی درمانی از وظایف وزارتخانه مذکور است و مصوبه مورد شکایت در راستای انتظام بخشیدن به امور مربوط به کاشت مو که از موضوعات بهداشتی درمانی است صادر شده است، بنابراین خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع، تشخیص نمی‌شود و قابل ابطال نیست. بر این اساس و به استناد رأی مذکور، نامه مورد اشاره و یا هر نام‌های که نسبت به تعیین و اعلام استانداردهای خدمات درمانی از سوی این وزارتخانه صادر شده باشد قابل ابطال نخواهد بود.

۴- مضافاً بر این هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۲۱۹-۱۰/۳/۱۳۸۸ در موضوع شکایت به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۱۳۷۶/۱۱/۱۵-۱۳۰۱۳ معاون درمان این وزارتخانه در خصوص انجام سونوگرافی توسط متخصصین زنان و زایمان در مطب اعلام داشته است، صلاحیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را در زمینه نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی در جهت اتخاذ روش‌های بهینه و مؤثر در امر تشخیص و درمان در مؤسسات و واحدهای بخش خصوصی و غیردولتی فعال در امور مذکور مورد تأیید قرار داده است.

۵- همچنین همان‌گونه که در بند ۵ لایحه دفاعیه اشاره شده است، برابر ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت استفاده‌کنندگان از دستگاه‌های تخصصی علاوه بر داشتن مدرک پزشکی تخصصی در رشته مربوطه باید حداقل دوره آموزشی لازم را که به تأیید کمیته تخصصی مربوطه در وزارت متبوع خواهد رسید طی کرده باشند. در خصوص پزشکان جراحی عمومی نیز با توجه به عدم آموزش لازم در دوره آموزشی مربوطه صرفاً در صورت طی دوره‌های مربوطه می‌تواند به انجام اعمال لیبوساکشن بپردازند که این امر نیز صرفاً در راستای حفظ جان مردم می‌باشد که وظیفه آن وفق قانون تشکیل و تشکیلات وزارت بهداشت، برنامه‌های توسعه و سیاست‌های کلی نظام سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری بر عهده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

۶- به‌رغم ادعای شکات در دادخواست تقدیمی دایر بر اینکه عملاً سال‌ها به این امر مبادرت داشته‌اند لازم به ذکر است که چون دخالت در این‌گونه اعمال مستلزم طی دوره‌های آموزشی تأیید شده مربوطه می‌باشد، لذا دخالت جراحان عمومی بدون طی دوره آموزشی در اعمال مذکور تخلف محسوب و اقدامات ایشان قابل پیگیری است.

همچنین بدیهی است در صورتی که این دسته از متخصصین بدون طی دوره‌های آموزشی مربوطه مورد تأیید نسبت به انجام اعمال مزبور اقدام نمایند، اعمالشون تخلف و قابل پیگیری می‌باشد. در خصوص ادعای مربوطه دایر بر تعداد معدود فوق تخصص جراحی پلاستیک در شهرستان‌ها و استان‌ها ضمن اعلام اینکه به تعداد مورد نیاز جراح فوق تخصص در استان‌های کشور وجود دارد نیز اشاره می‌نماید اعمال جراحی نظیر لیبوساکشن از اعمال جراحی فوری و مورد نیاز نمی‌باشد که وزارت بهداشت موظف به تأمین پزشک در تمامی مناطق محروم کشور باشد عدم وجود پزشک فوق تخصص این رشته موجب لطمه به بیماران گردد.

---

---

با توجه به مراتب فوق‌الذکر و مفاد لایحه شماره ۱۰۷/۴۹-۱۳۹۶/۳/۱- رد دعوی مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه دستورالعمل شماره ۵۰۵/۱۶۰۷-د/۱۳۹۵/۴/۳۰- قائم‌مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خلاف قوانین مورد استناد شاکی و نیز خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب نمی‌باشد بنابراین قابل ابطال تشخیص نشد.

مرتضی علی اشراقی

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۲۱ فروردین ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۲۲

کلاس پرونده: ۱۰۹۵/۹۵

**موضوع:** درخواست اعتراض به مواد ۱ و ۳ از مصوبه شماره ۶۴۷۴۴۴-۱۱/۵/۱۳۹۵ شورای حقوق و دستمزد و ابطال بند ۷ از مصوبه شماره ۷۰۳-۱/۱/س م ط-۱۲/۵/۱۳۹۵ شورای حقوق و دستمزد نیروهای مسلح قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص ضوابط استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) شهر تهران)

شاکي: آقای غلامحسین پور تقی با وکالت آقای مصطفی راحمی کاربزی

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی اعلام کرده است که: "احتراماً، به وکالت از آقای غلامحسین پور تقی به استحضار می‌رساند: موکل یکی از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) شهر تهران می‌باشد که این دانشگاه پیرو اجازة مقام معظم رهبری و با هویتی نظامی تشکیل گردیده است. مبنای تشکیل دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) به شرح ذیل می‌باشد:

۱- قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: ماده ۲۵ قانون فوق بیان می‌دارد: استخدام اعضای هیأت علمی مؤسسات آموزش عالی سپاه و پرداخت حق‌التدریس به اساتید این دانشگاه بر اساس مقررات استخدامی سایر هیأت علمی دانشگاه‌ها می‌باشد.

۲- اساسنامه دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج): ماده ۸ اساسنامه این دانشگاه ضمن تشریح وظایف و اختیارات هیأت امنا در بند ۹ و ۱۰ همین ماده مقرر داشته تصویب مقررات استخدامی اعضا هیأت علمی دانشگاه و تعیین میزان فوق‌العاده‌های آن‌ها مطابق با ضوابط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد. نکته: ضوابط وزارت بهداشت به شرح ضمیمه (یک) می‌باشد. قواعد و مقرراتی که می‌توان بر اساس آن ضریب حقوق مبنا را تغییر داد به شرح ذیل است:

۱- آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور مصوب اردیبهشت ۱۳۹۱: ماده ۴۷ این آیین‌نامه افزایش سالانه ضریب حقوق مبنا را در حیطه اختیارات هیأت وزیران قرار داده است. در ماده آیین‌نامه فوق: تغییر فوق‌العاده محرومیت از مطب را صرفاً منوط به توافق و قرارداد فی‌مابین موسسه و هیأت علمی قرار داده است چرا که بر مبنای ماده ۴۹ آیین‌نامه فوق‌العاده محرومیت از مطب (تمام وقتی جغرافیایی) برابر مندرجات ماده‌واحد قانون اصلاح ماده ۲ قانون اجازة پرداخت حق محرومیت از مطب مصوب ۱۳۷۵/۱۰/۱۲ مجلس شورای اسلامی و در قالب قرارداد منعقد فی‌مابین موسسه و عضو هیأت علمی می‌باشد. همچنین ماده ۵۱ آیین‌نامه فوق تغییر و اصلاح میزان فوق‌العاده ویژه هیأت علمی را با تصویب هیأت امنا امکان‌پذیر دانسته است.

۲- مطابق بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی و قانون خدمات کشوری، فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری-استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امنای که حسب مورد به تأیید وزرای تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی برسد عمل می‌نماید. شورای حقوق و دستمزد در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۳ به استناد ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری به منظور هماهنگی در تعیین حقوق و مزایا و سایر پرداختی‌های دستگاه‌های اجرایی اقدام به صدور بخشنامه شماره ۶۴۷۴۴۴ نموده است.

بند یک این بخشنامه مشمولین این مصوبه را به شرح ذیل تعیین نموده: الف: دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری ب: مستثنیات ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که شامل اعضای هیأت علمی، قضات و ... می‌باشد.

بند ۳ این بخشنامه نیز مقرر نموده که سقف خالص پرداختی ماهیانه به سایر مقامات کلیه مدیران و کارکنان مشمول این بخشنامه پس از کسر قانونی و مالیات نباید از ۳ برابر سقف حقوق تعیین شده در ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری تجاوز نماید. بخشنامه مذکور به دلایل ذیل مخالف صریح قانون می‌باشد: (ایراد عدم صلاحیت شورای حقوق و دستمزد): اولاً: در ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، اعضای هیأت علمی و قضات صراحتاً از شمول مقررات این قانون مستثنی گردیده است و شورایی که به تجویز ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری تشکیل گردیده (شورای حقوق و دستمزد) نمی‌تواند با تصویب یک بخشنامه و مشمول قرار دادن افرادی که قانون صراحتاً آنان را مستثنی نموده است اقدام به نقض صریح این قانون نماید آن هم قانونی که خود مجوز تشکیل این شورا می‌باشد.

ثانیاً: مطابق ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری: هدف اصلی از تشکیل شورای حقوق و دستمزد، هماهنگی در تعیین حقوق و مزایا است نه این که این شورا رأساً اقدام به تعیین سقف پرداخت نماید و با توجه به اینکه در حال حاضر این بخشنامه در هیچ‌یک از دانشگاه‌های علوم پزشکی غیر از دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) به اجرا در نیامده است نه تنها هدف اولیه از تأسیس این شورا مبنی بر هماهنگی در تعیین حقوق و مزایا برآورده ننموده بلکه شورای حقوق و دستمزد با تصویب بخشنامه اخیرالذکر باعث عدم هماهنگی در پرداخت حقوق و دستمزد به اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های متفاوت گردیده که در جهت اثبات مدعا فیش حقوقی دانشگاه‌های دیگر به پیوست تقدیم حضور می‌گردد.

ثالثاً: مطابق ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری: حداقل و حداکثر حقوق و مزایای مستمر شاغلین حقوق و بازنشستگان و وظیفه‌بگیران مشمول این قانون و سایر حقوق‌بگیران دستگاه اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی وابسته به دستگاه‌های اجرایی، هر سال با پیشنهاد سازمان برنامه‌بودجه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد متأسفانه بند ۳ بخشنامه فوق بیان نموده که سقف خالص پرداختی به برخی افراد از جمله اعضای هیأت علمی نباید از ۳ برابر حقوق تعیین شده در ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری تجاوز نماید که این امر تخطی از محدوده اختیارات قانونی شورای حقوق و دستمزد است چرا که مطابق ماده ۷۶ این امر صراحتاً در حیطه اختیارات هیأت وزیران است و شورا در این خصوص نیز اقدام به نقض قانون مدیریت خدمات کشوری نموده است. همچنین باید افزود که شورای عالی حقوق و دستمزد نیروهای مسلح، پیرو ابلاغ و اجرا بخشنامه صادره شورای حقوق و دستمزد طی جلسه اقدام به صدور دستورالعملی با عنوان تعیین حدود در ضوابط پرداخت ابلاغی مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۲ نموده است. در بند ۷ این دستورالعمل ذکر شده که در هر حال مجموع حقوق و فوق‌العاده‌های اعضای هیأت علمی (حقوق پایه و مرتبه، فوق‌العاده جذب، فوق‌العاده مخصوص یا فوق‌العاده

شغل، فوق العاده ویژه و فوق العاده مدیریت) نباید از حدود تعیین شده جدول (۴) تجاوز نماید. این دستورالعمل نیز نه تنها مخالف قانون است بلکه با بخشنامه شورای حقوق و دستمزد نیز مغایرت دارد. موارد مخالفت دستورالعمل مذکور با قانون به شرح ذیل می باشد:

اولاً: مطابق ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب سال ۱۳۸۶ که در حال حاضر لازم الاجرا می باشد، صدور این دستورالعمل (تصویب مقررات در خصوص تعیین میزان فوق العاده اعضای هیأت علمی) در صلاحیت هیأت امنای دانشگاه می باشد. لذا دستورالعمل صادره از ناحیه شورای عالی حقوق و دستمزد نیروهای مسلح زمانی قابلیت اجرا دارد که مطابق ضوابط وزارت بهداشت باشد و طبق بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه به تصویب هیأت امنای نیز رسیده باشد و وزیر بهداشت (وزیر مربوطه) آن را تأیید نموده باشد این در صورتی است که متأسفانه دستورالعمل مذکور سه ماه است که اجرایی گردیده و از حقوق موکل کم شده حال آن که شرایط مقرر قانونی از جمله تصویب هیأت امنای و تأیید وزیر بهداشت اصلاً رعایت نگردیده که این امر نه تنها ناقض بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، بلکه نقض صریح اصل رعایت تشریفات قانونی و اصل عدم خروج از صلاحیت است.

ثانیاً: صلاحیت شورای مزبور مطابق ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشور تعیین گردیده است و تعیین سقف حقوق در صلاحیت شورای مذکور نیست (بند ۷ دستورالعمل مذکور) بلکه مطابق ماده ۷۶ قانون فوق الذکر تعیین سقف حداقل و حداکثر حقوق و مزایای پرداختی در صلاحیت هیأت وزیران می باشد. ثالثاً: در دستورالعمل تعیین حدود در ضوابط پرداخت صادره از ناحیه شورای عالی حقوق و دستمزد نیروهای مسلح ضریب فوق العاده ثابت تغییر نموده (کاهش یافته) و ضریب متغیر فوق العاده ویژه نیز هیچ تغییری نکرده است.

رابعاً: اجرای دستورالعمل فوق الذکر مخالف اصل برابری و مساوات است چرا که دستورالعمل فوق تنها نسبت به اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) اعمال گردیده است و همکاران موکل در دیگر دانشگاهها با شرایط و کار یکسان، حقوقی به مراتب بالاتر از آنچه در حال حاضر به موکل پرداخت می شود دریافت می کنند.

خامساً: در بند ۳ بخشنامه شورای حقوق و دستمزد سقف حقوق پرداختی ماهیانه به سایر مقامات و کلیه مدیران و اعضای هیأت علمی، سه برابر سقف تعیین شده در ماده ۷۶ قانون خدمات کشوری تعیین گردیده حال آن که دستورالعمل ابلاغی از ناحیه شورای عالی حقوق و دستمزد نیروهای مسلح سقفی متغیر را برای اعضای هیأت علمی (متناسب با رتبه و پایه علمی) در نظر گرفته که مغایر با بخشنامه شورای حقوق و دستمزد می باشد. لذا با عنایت به مراتب معنونه و نظر به اینکه رسیدگی فوری به این مهم، ضروری به نظر می رسد و با توجه به اینکه موکل از یکی از شریف ترین اقشار جامعه است و به هیچ شغل دیگری غیر از تدریس در دانشگاه مشغول نمی باشد و تنها وسیله امرار معاش و تأمین معیشت وی و خانواده اش حقوق مذکور بوده و تغییر غیرقانونی حقوق موکل و نقض حقوق مکتسبه موکل باعث تزلزل در وضعیت معیشت موکل و سایر اساتید و همکاران موکل گردیده که تداوم اجرای غیرقانونی آن آثار غیرقابل انکاری بر افکار اساتید و اعضای هیأت علمی دارد و نظر به مخالفت صریح بخشنامه صادره از ناحیه شورای حقوق و دستمزد و دستورالعمل شورای عالی حقوق و دستمزد نیروهای مسلح با قانون استخدامی سپاه، اساسنامه دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، مقررات و ضوابط وزارت بهداشت، قانون مدیریت خدمات کشوری و مخالفت صریح با بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و با عنایت به اصل ۱۷۰ قانون اساسی که بیان می دارد: قضات دادگاهها مکلفاند از اجرای تصویب نامهها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است

خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند و نظر به توجه ویژه مقام معظم رهبری مبنی بر اقدام مسئولین در جهت برطرف نمودن مشکل و مسئله امتیازات هیأت علمی و حقوق و مزایای آنان مستدعی است بدو با صدور قرار دستور موقت مبنی بر منع اجرای بخشنامه صادره از ناحیه شورای حقوق و دستمزد مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۳ و منع اجرای دستورالعمل شورای عالی حقوق و دستمزد نیروهای مسلح ۱۳۹۵/۴/۱۴ و صدور دستور پرداخت حقوق موکل به روال سابق و با ارجاع موضوع به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نسبت به ابطال بخشنامه صادره از ناحیه شورای حقوق و دستمزد و ابطال دستورالعمل شورای عالی حقوق و دستمزد نیروهای مسلح مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۴، موکل و اعضای هیأت علمی زحمت‌کش شاغل در دانشگاه‌های تحت پوشش نیروهای مسلح که زحمات آنان بر کسی پوشیده نیست را جهت نیل به حقوق حقه آنان باری فرمایید."

متن مصوبات مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف: مواد ۱ و ۳ از مصوبه شماره ۶۴۷۴۴۴-۱۱/۵/۱۳۹۵ شورای حقوق و دستمزد:  
"بخشنامه به کلیه دستگاه‌های اجرایی شورای حقوق و دستمزد در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۳ به استناد ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری به‌منظور هماهنگی در تعیین حقوق و مزایا و سایر پرداختی‌های دستگاه‌های اجرایی موارد زیر را تصویب نمود.

۱- دستگاه‌های مشمول این مصوبه عبارتند از: دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله مستثنیات ماده (۱۱۷) نظیر اعضای هیأت علمی، قضات، مجلس شورای اسلامی و مرکز پژوهش‌های مجلس، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (نظیر سازمان‌های زیر نظر مقام معظم رهبری از جمله بنیاد مستضعفان و شرکت‌های تابعه آن، کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام و شرکت‌های تابعه آن و شهرداری‌ها و ...) مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، هیئت‌های مستشاری و دیوان محاسبات، نیروهای مسلح، همچنین مشمولین بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، قوه قضائیه، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، بانک‌های دولتی، بانک مرکزی، بیمه ایران، کلیه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی، سازمان انرژی اتمی و شرکت‌های تابعه، وزارت نفت و شرکت‌های تابعه، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی، شرکت شهرک‌های کشاورزی، وزارت اطلاعات، دبیرخانه شورای امنیت ملی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مناطق آزاد اقتصادی و تجاری، ستاد مبارزه با مواد مخدر، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، صندوق توسعه ملی، بنگاه‌هایی که در اجرای قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بخش غیردولتی واگذار گردیده و اکثریت اعضای هیأت مدیره آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم توسط مسئول یا مسئولان دولتی تعیین می‌گردند و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از بودجه کل کشور برای پرداخت حقوق و مزایا استفاده می‌نمایند.

۲- ...

۳- سقف خالص پرداختی ماهیانه به سایر مقامات و کلیه مدیران و کارکنان مدیریت خدمات کشوری تجاوز نماید. متوسط این سقف به‌طور سالیانه ملاک محاسبه خواهد بود.

...

ب: بند ۷ از مصوبه شماره ۷۰۳-۱/۱/س م ط-۱۳۹۵/۵/۱۲ شورای حقوق و دستمزد نیروهای مسلح:  
۷- در هر حال مجموع حقوق و فوق‌العاده‌های اعضای هیأت علمی (حقوق پایه و مرتبه، فوق‌العاده جذب، فوق‌العاده مخصوص یا فوق‌العاده شغل، فوق‌العاده ویژه و فوق‌العاده مدیریت) نباید از حدود تعیین شده جدول (۴) تجاوز نماید.

## جدول ۴

| ردیف | مرتبۀ         | مجموع امتیازی حقوق و فوق العاده‌ها |
|------|---------------|------------------------------------|
| ۱    | استاد         | ۹۷/۳۱۴/۴۱۶                         |
| ۲    | دانشیار       | ۸۹/۹۸۴/۴۹۱                         |
| ۳    | استادیار      | ۸۲/۲۵۰/۷۰۴                         |
| ۴    | مربی          | ۶۰/۲۷۵/۷۴۵                         |
| ۵    | مربی آموزشیار | ۴۱/۳۷۵/۱۹۴                         |

در پاسخ به شکایت مذکور، مشاور رئیس ستاد کل و رئیس حقوقی و امور مجلس نیروهای مسلح به موجب لایحه شماره ۱/۱۱۲۲/۲۱-۱۳۹۶/۳/۳-۳۶۱۴/۰ توضیح داده است که:

۱- شورایی تحت عنوان شورای حقوق و دستمزد در نیروهای مسلح وجود ندارد، در دولت شورای حقوق و دستمزد وجود دارد که این شورا به استناد ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و به‌منظور هماهنگی در تعیین حقوق و مزایا و سایر پرداختی‌ها، مصوبه‌ای برای دستگاه‌های اجرایی از جمله مشمولین بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و مستثنیات ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری نظیر هیأت علمی را تصویب نموده است.

۲- علت عدم ارسال لایحه از طرف شورای حقوق و دستمزد باید از شورای مذکور پیگیری گردد.

۳- ستاد کل نیروهای مسلح در راستای اجرای تدابیر مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، در خصوص تعیین حقوق و مزایا و سایر پرداختی‌های کارکنان نیروهای مسلح و همچنین در جهت هماهنگی با بخشنامه شورای حقوق و دستمزد موضوع جلسه مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۳ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و از طرفی مفاد ماده ۷۴ قانون مزبور، اقدام به ساماندهی حقوق و مزایای کارکنان نیروهای مسلح نموده است.

۴- با عنایت به مراتب فوق و مستندات ذکر شده، در مفاد بخشنامه‌های صادر شده با قانون مدیریت خدمات کشوری، مغایرتی وجود ندارد و همان‌گونه که قبلاً طی لایحه دفاعیه بیان گردیده است، صدور قرار رد شکایت شاکی مورد استدعا می‌باشد."

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، پرونده به هیأت تخصصی اداری و استخدامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۶/۱۱/۱۷-۲۹۵-۱ و بندهای ۱ و ۳ از مصوبه شماره ۶۴۷۴۴۴-۱۱/۵/۱۳۹۵ شورای حقوق و دستمزد را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافته است.

رسیدگی به بند ۷ از مصوبه شماره ۷۰۳-۱/۱-س م ط-۱۳۹۵/۵/۱۲ شورای حقوق و دستمزد نیروهای مسلح در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

---

---

## رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیت‌ها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه بند ۷ دستورالعمل معترض‌عنه متضمن وضع قاعده آمره مستقل نیست و در مقام ابلاغ مصوبات شماره ۱۸/۳/۴۰/۱۷-۴۵۰۱۸/۳/۴۰/۱۹ و ۱۳۹۵/۴/۲۲-۴۵۰۱۸/۳/۴۰/۱۷ ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی  
صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۲۸ فروردین ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۴۷-۴۶-۴۵

کلاس پرونده: ۵۱۴/۹۶، ۵۱۳/۹۶، ۳۴۰/۹۶

**موضوع:** عدم ابطال دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۴/۳۰-د/۵۰۵/۱۶۰۷ قائم‌مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۱۶۶۷ معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان تهران "در خصوص ممنوعیت جراحان عمومی از عمل رینوپلاستی پلاستیک (جراحی بینی) و لیپوساکشن (برداشت بافت چربی زیر جلد شکم)"

شاکی: آقایان ۱- غلامرضا نوروزی با وکالت آقای علی باقی ۲- حمید وحیدی ۳- خانم سیده امینه هاشمی للم

**گردش کار:**

الف) آقای غلامرضا نوروزی به‌موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۱۶۶۷ معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان تهران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری، با عرض سلام و احترام، معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی تهران پس از اعلام نظر مشورتی قائم‌مقام دبیر شورای تخصصی وزارت بهداشت به (مدیریت اعتباربخشی در آن وزارت) طی نامه ۱۳۹۵/۴/۲۲-د/۵۰۵/۱۴۳۸ و نیز نامه ۱۳۹۵/۴/۳۰-د/۵۰۵/۱۶۰۷ همان مرجع که هر دو نامه حالت مشورتی داشته و الزام‌آور نبوده است در مقام استنتاج غلط برآمده و اقدام به صدور بخشنامه مورد شکایت ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۱۶۶۷ نموده و با صدور دستور اعلام کرده که جراحان عمومی مجاز به انجام عمل رینوپلاستی پلاستیک (جراحی بینی) و لیپوساکشن (برداشت بافت چربی زیر جلد شکم) نمی‌باشند. این جانب قبل از دفاعیه قانونی، نظریه مشورتی سه تن از برترین اساتید جراحی کشور را جهت استحضار مقام قضایی تقدیم و نتیجه‌گیری را به عهده آن مقام می‌گذاریم، جراحان عمومی چندین دهه است که این اعمال و جراحی‌های بزرگ دیگر را زیر نظر وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور انجام می‌دهند.

به استحضار می‌رساند ماده‌واحد تعیین صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته مصوب مجلس تهیه آیین‌نامه اجرایی را به عهده سازمان نظام پزشکی گذاشته و تصویب آن به عهده شخص وزیر بهداشت می‌باشد و در صورت عدم تهیه آیین‌نامه تا ۶ ماه، وزیر بهداشت آیین‌نامه را تهیه و جهت بررسی به نظام پزشکی ارسال می‌نماید. طبق مدارک پیوست (نامه شماره ۱۳۹۵/۱۰/۷۰/۴۵۸۶۶-۳۹۵/۱۲/۱۴ سازمان نظام پزشکی) اعلام می‌دارد که هیچ نظری از این سازمان در خصوص نامه‌های ۱۳۹۵/۴/۳۰-د/۵۰۵/۱۶۰۷ و

نیز ۱۴۳۸/۵/۵-۱۳۹۵/۴/۲۲ قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت اخذ نگردیده است و نتیجتاً هیچ کدام از مراحل قانونی تعیین صلاحیت حرفه‌ای در بخشنامه معاونت درمان دانشگاه تهران رعایت نگردیده است و نیز شخص وزیر بهداشت هیچ نام‌های (فارغ از داشتن وجهت قانونی یا عدم آن) را امضا ننموده‌اند. از طرف دیگر با این بخشنامه و پخش آن در فضای مجازی و رسانه‌ها، دیگر بیماران به این جانب و همکاران جراح بنده مراجع نمی‌نمایند که از این طریق ضرر و زیان مادی متوجه این جانب گردیده و از طرف دیگر بیماران قبلی را با این تردید و سؤال مواجه ساخته که آیا بنده صلاحیت حرفه‌ای انجام عمل جراحی روی بینی و یا چربی زیر شکم آن‌ها را داشته‌ام یا خیر؟ که این حالت نیز برای ما ضرر و زیان معنوی و حیثیتی به بار آورده که غیرقابل جبران می‌باشد.

تقاضا دارد بدواً دستور موقت مبنی بر توقیف عملیات اجرایی بخشنامه مورد شکایت صادره از طرف معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۶۶۷ را به دلیل ورود ضرر و زیان مادی و معنوی غیرقابل جبران صادر و در مرحله بعد تقاضای ابطال این بخشنامه را داریم. ضمناً به استحضار می‌رساند در دوره مشابهی یکی از جراحان عمومی در استان آذربایجان غربی مورد شکایت مشابه قرار می‌گیرد که مدارک و در نهایت احکام برائت نهایی ایشان جهت تنویر ذهن مقام قضایی تقدیم می‌گردد."

(ب) آقای حمید وحیدی و خانم سیده امینه هاشمی لثم نیز به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۴/۳۰-۵/۵/۱۶۰۷ قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"با سلام و احترام

به پیوست تصویر بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۶۶۷ صادره از دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی که بر اساس بخشنامه شماره ۵/۵/۱۶۰۷-۱۳۹۵/۴/۳۰ قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص انحصار انجام عمل لیپوساکشن توسط جراحان پلاستیک صادر شده را به حضور ایفاد می‌دارد. نظر به اینکه اولاً: در کوریکولوم آموزشی رشته پوست آموزش‌های لازم در دوره آموزش تخصصی دانشگاهی این رشته تحت عنوان لیپوساکشن جهت لیپوفیلینگ پیش‌بینی شده و کلیه دانش‌آموختگان رشته پوست ملزم به آموزش دوره فوق می‌باشند. ثانیاً: با توجه به ابداع روش لیپوساکشن با تومیسنت برای اولین بار از سوی متخصصین پوست و وجود مدارک و دلایل فراوان از انجام این عمل توسط متخصصین پوست در تمام دنیا، صدور این بخشنامه نافی منافع شغلی و شخصی این جانب می‌باشد که در سال‌های گذشته بر اساس آموزش‌های قانونی و دانشگاهی با صرف هزینه و زمان فراوان به کسب این مهارت پرداخته‌ام؛ و با تهیه تجهیزات و دستگاه‌های گران‌قیمت در حال حاضر قادر به تأمین تعهدات مالی خود نیز نمی‌باشم، همچنین ضرر وارده به بیماران این جانب که در مراحل از سیر درمان نیاز به انتقال چربی دارند نیز وارد می‌باشد، لذا مستدعی است از آنجاکه دانشگاه مذکور بر اساس بخشنامه فوق نه تنها از انجام عمل لیپوساکشن توسط متخصصین پوست جلوگیری نموده، بلکه با تشکیل پرونده تخلف و ارجاع آن به مراجع قضایی و انتظامی نسبت به محکومیت ایشان اقدام می‌نماید، مستدعیست نسبت به ابطال بخشنامه غیرعلمی و غیرقانونی فوق اقدامات مقتضی را معمول فرمایند. مضافاً از آنجاکه اجرای این بخشنامه به جهت لزوم ادامه روند درمان بیمارانی که قبلاً مورد لیپوساکشن قرار گرفته‌اند می‌تواند خسارات غیرقابل جبرانی را وارد نماید بدو به استناد ماده ۳۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی مورد تقاضاست. شایان ذکر است در همین خصوص قبلاً پرونده‌ای در شعبه ۴ دیوان تشکیل و منجر به صدور دستور موقت

۱۹۷۰۰۴۰۰۹۹۷۰۹۶۰۲/۱۱-۱۳۹۶ شده که تصویر آن پیوست می‌باشد."

متعاقباً آقای حمید وحیدی به‌موجب لایحه تکمیلی که به شماره ۸۹۱-۱۳۹۶/۵/۲ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده اعلام کرده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با سلام و تحیت. احتراماً این‌جانب دکتر حمید وحیدی متخصص پوست و مو به شماره نظام پزشکی ۳۶۱۰۱ تقاضای ابطال بخشنامه شماره ۵۰۵/۱۶۰۷/د-۱۳۹۵/۴/۳۰ معاونت آموزشی و اجرای بخشنامه شماره ۵۰۵/۴۸/د-۱۳۹۵/۱/۲۲ معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را که به پیوست تقدیم شده است را دارم که بخشنامه اول مبنی بر محدودیت انجام عمل لیبوساکشن به یک رشته خاص و ممنوعیت برای رشته تخصصی پوست می‌باشد و فقط چند ماه قبل از صدور بخشنامه دوم که انجام این عمل را برای متخصصین مجاز شناخته شده بود را دارم. بخشنامه فوق صراحتاً و علناً برخلاف نص قانون اساسی و قانون نظام پزشکی است که اشعار بر این معنی دارد که هیچ فرد و نهادی حق ندارد بدون علت موجه حقوقی موجبات تهدید شغلی آحادی از ملت شود و مانع و رادع اشتغال به شغل مشروع وی شود و وفق ماده ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

بر اساس قانون نظام پزشکی که به پیوست ارسال شده است ذیل ماده ۳۸ قانون نظام پزشکی فصل اول از تعریف، شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه‌ای مشعر بر اینکه ... شاغلان حرفه پزشکی می‌توانند منحصرأ به درمان آن گروه از بیماران بپردازند که در دوران تحصیل دوره آموزشی آن را طی نموده و یا مدرک لازمه را از مراکز مجازی که به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد اخذ نموده باشند و با توجه به اینکه در برنامه آموزشی این‌جانب و همه متخصصین پوست و کتاب‌های مرجع آموزش داده شده که بر اساس آن‌ها آموزش و آزمون‌های متعدد و نهایی پس داده‌ایم و به‌افتخار اخذ مدرک تخصصی برآمده‌ایم و به پیوست تقدیم شده است به صراحت و شفافیت انجام عمل لیبوساکشن برای دانش‌آموختگان این رشته در نظر گرفته شده است و بارها و بارها امتحان عملی و نظری پس داده‌ایم، پس چرا باید وزارتخانه به فاصله مدت کوتاه چند ماه بعد از اشاره و اجازه صریح به انجام این عمل موصوف برای متخصصین این رشته بنا بر بخشنامه شماره ۵۰۵/۱۶۰۷/د-۱۳۹۵/۴/۳۰ در بخشنامه بعدی به شماره ۵۰۵/۴۸/د-۱۳۹۵/۱/۲۲ با توجیه و استفاده از عبارات‌های گنگ و مبهم به‌راحتی این حق را بر اساس لایه‌گری گروهی دینفع، از دانش‌آموختگان این رشته بستاند.

لذا با توجه به ادله‌های فراوان موجود که تعدادی از آن‌ها به پیوست تقدیم شده است و نیز برنامه درسی عملی و نظری مصوب وزارتخانه و اعضای هیأت‌بورد تخصصی که فراگیری آن لازمه تحصیل مدرک تخصصی نهایی است و ضمیمه می‌باشد و نیز قاعده معروف اسلامی لاضرر و لا ضرار فی الاسلام و نص صریح قانون اساسی مبنی بر عدم ایجاد محدودیت شغلی بلاوجه و مر قانون نظام پزشکی مبنی بر حق استفاده از آموزه‌های مصوب حین تحصیل و دوره آموزشی که در بالا به تفصیل و با ذکر نشانی و بند و ماده قانونی اشاره شد تقاضای رسیدگی به این حق قانونی برای خود و دانش‌آموختگان این رشته تخصصی را دارم و خواهان جلوگیری از تضییع حقوق حقه خود به هر بهانه و به نفع گروهی خاص می‌باشم. در ضمن یکی از بخشنامه‌های موصوف در دادخواست اولیه به شماره ۱۳۹۵/۱۷۱/۱۱۶۶۷/ص/۹۵-۱۳۹۵/۱۱/۱۸ به اشتباه در دادخواست درج شده و بخشنامه‌ای که تقاضای ابطال آن را دارم به شماره ۵۰۵/۱۶۰۷/د-۱۳۹۵/۴/۳۰ می‌باشد که قبلاً فوقاً اشاره شده است."

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای خانم سیده امینه هاشمی للم ارسال شده بود،

وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۰۳۹-۱۳۹۶/۵/۱۸ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده اعلام کرده است که: "با سلام. احتراماً این جانب سید امینه هاشمی لثم، پیرو اخطار به رفع نقص با موضوعات تصویر بخشنامه شماره فوق‌الذکر و مصوبات مورد شکایت مغایر با قانون به استحضار می‌رساند: بر اساس قانون نظام پزشکی، قانون ۳۸ نظام پزشکی، شاغلان حرف پزشکی می‌توانند منحصراً به درمان آن گروه از بیماران بپردازند که دانش‌آموخته آن رشته باشند لذا مغایرت با ماده ۳۸ قانون نظام پزشکی دارد. در ضمن بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۱۶۶۷ موصوف در بخشنامه به اشتباه در دادخواست درج شده و بخشنامه‌ای که تقاضای ابطال آن را دارم شماره ۱۳۹۵/۴/۳۰۵/۵۰۵/۱۶۰۷- می‌باشد و درخواست اجرای بخشنامه ۱۳۹۵/۲/۶۵/۱۰۱/۳۸۹۳"

متن مقرره‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۴/۳۰۵/۵۰۵/۱۶۰۷- قائم‌مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی بهداشت:

"جناب آقای دکتر سیدمحمد میردهقان

مدیرکل محترم دفتر نظارت و اعتباربخشی امور درمان

با سلام و احترام

پیرو نامه شماره ۱۳۹۵/۱/۲۲د/۵۰۵/۴۸- در خصوص استعلام استفاده از دستگاه لیپوماتیک به استحضار می‌رساند که بر اساس بررسی برنامه‌های آموزشی مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام لیپوساکشن (اعم از لیپوماتیک، لیزر لیپولیز، واترجت، اولتراسونیک و روش‌های مشابه) منحصراً در اختیار دوره فوق تخصصی جراحی پلاستیک، ترمیمی و سوختگی می‌باشد. بدیهی است سایر متخصصین مرتبط فقط با ارائه مدرک پس از گذراندن دوره‌های مربوطه مورد تأیید وزارت بهداشت، مجاز به انجام این کار می‌باشند. - قائم‌مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی"

ب) نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۱۶۶۷ معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان تهران:

"موضوع: اطلاع‌رسانی در خصوص شرایط خاص انجام عمل رینوپلاستی و لیپوساکشن

با سلام و احترام

پیرو نامه شماره ۱۳۹۵/۴/۲۲د/۵۰۵/۱۴۳۸- و نامه شماره ۱۳۹۵/۴/۳۰۵/۵۰۵/۱۶۰۷- قائم‌مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت متبوع به استحضار می‌رساند انجام عمل رینوپلاستی توسط پزشکان متخصص جراحی عمومی مجاز نمی‌باشد، در ضمن انجام لیپوساکشن منحصراً توسط پزشکان فوق تخصصی جراحی پلاستیک، ترمیمی و سوختگی مجاز می‌باشد. مراتب جهت اطلاع و اجرای دقیق ارسال می‌گردد." در پاسخ به شکایت مذکور، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تهران به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۵/۱۰-۹۶/ص/۱۷۱/۴۰۱۳ توضیح داده است که:

"هیأت محترم عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای غلامرضا نوروزی به طرفیت معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تهران با خواسته ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۱۶۶۷ که پیوست ابلاغ‌نامه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ پرونده کلاسه ۳۴۰/۹۶ و پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۰۴۹-۱۳۹۶/۴/۳ به این دانشگاه واصل و ابلاغ شده است و در پاسخ‌گویی به مطالب عنوان شده در دادخواست مبنی بر بی‌اعتباری بخشنامه فوق‌الاشعار مراتب ذیل را جهت استحضار هیأت به استحضار می‌رساند:

۱- در خصوص اعلام خواهان مبنی بر عدم صلاحیت معاونت درمان در صدور بخشنامه لازم به توضیح است که با توجه به ماهیت فعالیت معاونت درمان دانشگاه مبنی بر نظارت بر نحوه چگونگی ارائه خدمات، مفاد نامه شماره ۱۷۱/۱۱۶۶۷/ص/۹۵-۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵ بخشنامه نبوده و همان گونه که مستحضرید آیین نامه و یا بخشنامه سازوکار تصویب و ابلاغ مشخص دارد و مشخصاً از اختیارات وزیر بهداشت می باشد، بنابراین در موضوع مانحن فیه بخشنامه‌ای در این خصوص از طرف این معاونت صادر نگردیده و تنها در راستای وظایف محوله دانشگاه اقدام به اطلاع‌رسانی استعلامات انجام گرفته از مراکز ذیصلاح می باشد.

۲- همان گونه که مستحضر می‌باشند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مطابق با مقررات مصوب در زمینه خدمات بهداشتی درمانی و بالأخص بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب سال ۱۳۶۷ که تدوین و ارائه سیاست‌های خط‌مشی‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به خدمات بهداشتی درمانی را از زمره وظایف وزارتخانه مذکور مقرر داشته و قانون چگونگی تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی وابسته به آن مصوب سال ۱۳۷۶ تعیین وظایف و صلاحیت حرف مذکور را در صلاحیت وزارتخانه اعلام داشته است عهده‌دار وظیفه تعیین محدوده فعالیت رشته‌های پزشکی و حرف وابسته می‌باشد و تعیین دامنه ارائه خدمات در امور پزشکی نیز به‌نحوی که ذکر گردیده با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌باشد.

۳- همان گونه که در مدارک پیوست دادخواست موجود می‌باشد بر اساس وظایف تعریف شده در ماده ۱ قانون تشکیل وزارت بهداشت و همچنین با در نظر گرفتن این امر که موضوع تعیین تکلیف و صلاحیت انجام امور پزشکی در حیطه تخصصی معاونت درمان وزارت بهداشت بوده و همچنین با در نظر داشتن بند ۴ تبصره ۲ ماده ۱ قانون مارالذکر که تصریح می‌دارد (تعیین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی با وزارت مذکور بوده) مطابق استعلامات انجام گرفته در تاریخ‌های ۱۳۹۵/۱/۲۲ و ۱۳۹۵/۴/۲۴ از جانب مدیرکل دفتر نظارت و اعتباربخشی امور درمانی در خصوص انجام عمل رینوپلاستی و استفاده از دستگاه لیبوماتیک، قائم‌مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، اعلام داشتند که انجام این امر از جانب پزشکانی که دوره‌های تخصصی این موضوع را در دانشکده‌های مورد تأیید وزارت بهداشت نگذرانده‌اند امکان پذیر نمی‌باشد.

۴- پس از وصول این استعلامات و با توجه به این مطلب که نظارت بر روند درمان و اقدامات درمانی در واحدهای زیرمجموعه دانشگاه علوم پزشکی تهران با معاونت درمان دانشگاه بوده است، مفاد نامه‌های فوق‌الذکر از طریق این معاونت به مراکز درمانی تحت نظارت اعلام گردید.

۵- در پایان با توجه به این مطلب که مطابق ماده ۳۱ از فصل اول آیین‌نامه‌های انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای مشاغل حرفه‌های پزشکی و وابسته (اصلاحی سال ۱۳۹۰) ذکر گردیده است که شاغلان حرفه پزشکی می‌توانند منحصراً به درمان آن گروه از بیماران بپردازند که در دوران تحصیل دوره آموزشی آن را طی نموده و یا مدارک لازم را از مراکز مجازی که مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد کلیه اقدامات صورت گرفته در راستای اجرای وظایف معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی تهران به‌عنوان مجری بخشنامه‌ها و تصمیمات وزارتی و نهاد نظارت بر مؤسسات درمانی صورت گرفته است و همچنین با عنایت به اینکه تصمیم‌گیری در مورد امر بسیار خطیر و حساس تعیین حیطه مسئولیت‌ها و حوزه فعالیت هر تخصص بر عهده وزارت بهداشت و درمان می‌باشد، از آن مقام عالی استدعای صدور دادنامه مبنی بر رد دادخواست جناب آقای دکتر نوروزی را تقاضا دارد. ضمناً آقای تیمور طالب وند به‌عنوان نماینده این معاونت جهت ارائه لایحه معرفی می‌گردد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و

---

---

رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه نامه مورد اعتراض مبتنی بر دستورالعمل شماره ۱۶۰۷/۵۰۵-د/۱۳۹۵/۴/۳۰ قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صادر شده و دستورالعمل مذکور در خصوص این است که انجام عمل لیپوساکشن منحصرأ در اختیار دوره فوق تخصص جراحان پلاستیک، ترمیمی و سوختگی می باشد و مقرر شده سایر متخصصین مرتبط فقط با ارائه مدرک پس از گذراندن دوره های مربوط مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجاز به انجام این کار می باشند و دستورالعمل یاد شده در رأی شماره ۱۲۹۸-۱۲۹۷-۱۳۹۶/۱۲/۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال نشده است؛ بنابراین نامه شماره ۱۱۶۶۷/۱۷/ص/۹۵-۱۳۹۵/۱۱/۱۸ معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان تهران در خصوص انجام اعمال لیپوساکشن تابع رأی قبلی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص شد. مفاد مقرره مورد اعتراض در خصوص مجاز نبودن انجام عمل رینوپلاستی توسط پزشکان متخصص جراحی عمومی، با لحاظ اینکه حسب نامه شماره ۱۴۳۸/۵۰۵-د/۱۳۹۵/۴/۲۲ قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی، انجام عمل رینوپلاستی در برنامه آموزشی رشته تخصصی جراحی عمومی لحاظ نگردیده، مغایر قانون و خارج از حدود اختیار وضع و ابلاغ نشده و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۲۸ فروردین ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۶۰

کلاس پرونده: ۲۰۱/۹۶

**موضوع:** عدم ابطال دستورالعمل شماره ۱۳۹۴/۶/۲۱-۹/۱۷۰۳ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی رفسنجان در خصوص اخذ شهریه از دانشجویان (مردودی یک یا چند واحد)

**شاکي:** سازمان بازرسی کل کشور

### گردش کار:

سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی و رئیس کمیسیون تطبیق مصوبات دستگاه‌های اداری با سازمان مذکور به موجب شکایت‌نامه شماره ۲۷۰۰۵۲-۲۷/۱۸/۱۲/۱۳۹۵ اعلام کرده است که:  
"حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی ریاست محترم دیوان عدالت اداری سلام‌علیکم

احتراماً حسب وظیفه قانونی، دستورالعمل شماره ۱۳۹۴/۶/۲۱-۹/۱۷۰۳ دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در خصوص اخذ شهریه از دانشجویان بررسی شد، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان دستورالعمل مذکور را به واحدهای خود ابلاغ کرده است که بر اساس آن جهت پیشگیری از افت تحصیلی و ایجاد انگیزه در تشویق و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مبالغی تحت عنوان واحد مردودی از آنان دریافت گردد. مستند دستورالعمل مزبور مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۹/۳۰ هیأت امنا، مصوبه مورخ ۱۶۷ هیأت رئیسه دانشگاه و نامه شماره ۹۴۴-۱۳۹۴/۲/۲۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام شده است. گفتنی است مدیر امور آموزشی دانشگاه در مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰ نام‌های را به شماره ۳۱/۹/۲۵۹۱/ب به کلیه واحدهای دانشگاه ارسال و در آن میزان شهریه به ازای هر واحد مردودی را مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال اعلام کرده است. با توجه به مراتب و مطابق قوانین، اخذ هرگونه وجه توسط دستگاه‌های اجرایی باید مستند به اجازه قانون باشد و به‌علاوه در ماده (۶۰۰) قانون مجازات اسلامی، اخذ وجه خلاف قانون، موجبات تعقیب کیفری شناخته شده است و از طرف دیگر در قانون تشکیل هیأت امنا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ مورخ ۹ و ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی چنین اختیاری برای هیأت امنا دانشگاه‌ها تعیین نشده است. ضمن آن که در ماده (۱۲) آیین‌نامه شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی مصوب ۱۳۹۳ وزارت علوم مقرر گردیده است: "دانشجوی مشمول آموزش رایگان در دانشگاه‌های دولتی، در صورت حذف یا عدم کسب نمره قبولی در هر درس، برای انتخاب مجدد آن درس، در صورتی که سنوات مجاز تحصیلی دانشجوی تمام شده باشد موظف به پرداخت هزینه مربوط طبق مصوبه هیأت امنای دانشگاه می‌باشد." لذا با توجه به مراتب فوق، صدور دستورالعمل فوق بر خلاف قانون و خارج از حدود و اختیارات است. از این‌رو ابطال آن مورد درخواست می‌باشد.

موجب امتنان است از نتیجه تصمیم متخذه این سازمان را مطلع فرمایید."

متن دستورالعمل مورد اعتراض به قرار زیر است:

"دستورالعمل اخذ شهریه از دانشجویان (مردودی یک یا چند واحد)

۱- هدف و دامنه کاربرد

هدف از تدوین این دستورالعمل پیشگیری از افت تحصیلی و ایجاد انگیزه در جهت تشویق و پیشرفت تحصیلی دانشجویان بوده و دامنه کاربرد آن شامل کلیه دانشجویانی است که به دلایل مختلف در یک یا چند واحد مردود شده و در مجموعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی رفسنجان تحصیل می‌کنند.

۲- تعاریف:

دانشکده شامل دانشکده‌های پزشکی - پرستاری و مامایی - پیراپزشکی - دندانپزشکی و بهداشت می‌باشد. دانشجوی مردودی: به دانشجویی اطلاق می‌گردد که نتواند به دلایل مختلف واحد یا واحدهایی را که اخذ نموده است در پایان ترم بگذراند.

واحد درسی شامل: کلیه واحدهای ارائه شده در طول ترم تحصیلی اعم از دروس عمومی و دروس اختصاصی

۳- منابع و مستندات: مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۹/۳۰ هیأت امناء، مصوبه مورخ ۱۶۷ هیأت رئیسه، نامه شماره

۹۴۴-۱۳۹۴/۲/۲۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۴- تاریخ اجرا از نیمه اول سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵

۵- اخذ شهریه

۵/۱- شهریه هر واحد مردودی دروس عمومی برای مرتبه اول به ازاء هر واحد مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال

۵/۲- شهریه هر واحد مردودی دروس برای مرتبه‌های بعدی هر واحد مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال

۵/۳- شهریه هر واحد مردودی دروس اختصاصی برای مرتبه اول به ازاء هر واحد مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال

۵/۴- شهریه هر واحد مردودی دروس اختصاصی برای مراتب بعدی به ازاء هر واحد مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۶- واحد آموزش دانشکده پس از اطلاع از مردود شدن دانشجو مراتب را جهت پرداخت میزان جریمه اعلام می‌نماید.

۷- دانشجو موظف است مبلغ موردنظر واحد آموزش را به شماره حساب اعلامی واریز و فیش مربوطه را تحویل نماید.

۸- چنانچه دانشجو از پرداخت شهریه امتناع ورزد از ثبت نام واحدهای بعدی خودداری به عمل می‌آید.

۹- این دستورالعمل در ۹ بند تهیه و از تاریخ اجرا قابل اجرا می‌باشد.

تبصره: چنانچه مردود شدن دانشجو به تشخیص شورای آموزشی دانشگاه از جمله (دلایل پزشکی، فوت بستگان درجه یک و ...) موجه تشخیص داده شود دانشجوی موردنظر از پرداخت مبالغ موضوع بند ۵ معاف می‌گردد. - معاون آموزشی و پژوهشی"

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس اداره حقوقی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی رفسنجان به موجب لایحه شماره ۳۱/۳۳/۵۸۵/پ-۱۳۹۶/۷/۲۷ توضیح داده است که:

"مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

عطف به ابلاغیه به شماره پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۱۸۲ و کلاسه پرونده ۲۰۱/۹۶-۲/۱۹-۱۳۹۶ در پاسخ به دادخواست سازمان بازرسی کل کشور به شماره ۲۷۰۰۵۲-۱۳۹۵/۱۲/۲۸ مبنی بر اخذ شهریه از دانشجویان مردودی تحت عنوان واحد مردودی توسط این دانشگاه بدین وسیله جوابیه دانشگاه به شرح موارد

ذیل الذکر حضورتان اعلام و ارسال می‌گردد:

۱- این تصمیم در جلسه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۲ مصوب و مصوبات این جلسه طی نامه شماره ۱۳۹۳/۶/۱۵-م/۹۳/۳۲۳۴ مصوب شده توسط مقام عالی وزارت متبوع مورد تأیید و ابلاغ می‌گردد.

۲- در جلسه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان مورخ ۱۳۹۴/۹/۳۰ در بند ۹ صورت‌جلسه، بند ۱۳ صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۲ اصلاح که مورد موافقت هیأت رئیسه قرار می‌گیرد و مصوبات این جلسه نیز پس از تأیید مقام عالی وزارت طی نامه شماره ۱۳۹۴/۱۱/۴۵/۳۳۰/۱۲۰- توسط معاون برنامه‌ریزی و هماهنگی و امور حقوقی وزارت جهت اجرا به دانشگاه ابلاغ می‌گردد.

۳- ماده ۷ قوانین و مقررات مرتبط با هیأت اسناد دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور و مؤسسات وابسته به صراحت وظایف و اختیارات هیأت امناء را مشخص نموده و منطبق بر بند الف ماده مذکور این تصمیم در قالب "تصویب آیین‌نامه داخلی" اتخاذ تصمیم شده است.

۴- بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اعلام داشت که دانشگاه‌ها بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی صرفاً از قانون محاسبات عمومی و ... مستثنی بوده و فقط در چارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و اداری، استخدامی تشکیلاتی هیأت امناء که حسب مورد به تأیید مقام وزارت متبوع می‌رسد عمل می‌نماید با عنایت به اهمیت موضوع در خصوص هیأت امناء و مؤسساتی که به‌صورت هیأت امنایی و قوانین خاص خود اداره می‌شوند در برنامه ششم توسعه در قالب قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و تحت عنوان یک بخش مجزا و مستقل ذکر شده است.

۵- معاون آموزشی دانشگاه طی نامه شماره ۳۱/۹/۱۰۸-۱۳۹۴/۱/۳۰ به ریاست مرکز خدمات آموزشی وزارت متبوع در خصوص دانشجویان مشروط و پرداخت هزینه برای دروس افتاده تقاضای ارائه طریق می‌نماید، در این راستا ریاست مرکز مزبور طی نامه شماره ۵۲۱/۹۴۴-د/۱۳۹۴/۲/۲۱ اعلام داشته که در این خصوص این دانشجویان منطبق بر بند آخر (نکته) نامه شماره ۵۲۱/۶۲۷-د/۱۳۹۳/۲/۶ اقدام گردد. لذا با عنایت به موارد مشروحه فوق‌الذکر اتخاذ تصمیم و اصدار رأی شایسته و مقتضی مورد استدعاست. - رئیس اداره حقوقی دانشگاه"

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان به شرح بند ۱۳ صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۲ و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شرح نامه شماره ۹۴۴-۱۳۹۴/۲/۲۱ دریافت شهریه از دانشجویان مشروطی را فی‌الجمله مورد تجویز قرار داده است و با عنایت به اختیار هیأت امناء ناشی از بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹، دستورالعمل مورد شکایت مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نشد و قابل ابطال نیست.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۱ خرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۳۵۰ الی ۳۵۳

کلاس پرونده: ۳۵۱/۹۵، ۲۸۶/۹۳، ۱۲۶۳/۹۲، ۱۳۳۷/۹۲

**موضوع:** عدم ابطال مصوبه سیصد و سی و یکمین جلسه شورای اسلامی شهر کرج به تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ ابلاغی به شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۲-ش/۳/۵/۸۹/۶۶۱۹ (در خصوص دریافت عوارض محلی شهرداری از کلیه مضمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مضمولین قوانین خاص مثل بانک‌ها، مطب پزشکیان، وکلا و غیره)

شاکی: ۱- بانک توسعه تعاون ۲- مدیریت بانک سپه منطقه البرز ۳- بانک کارآفرین با وکالت خانم مهری نجفی ۴- بانک تجارت با وکالت خانم صائمه عبدالله پور

### گردش کار:

الف) بانک توسعه تعاون به‌موجب دادخواستی اب

ابطال مصوبه شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۲-ش/۳/۵/۸۹/۶۶۱۹ مصوب شورای اسلامی شهر کرج را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "احتراماً به استحضار می‌رساند بانک توسعه تعاون به استناد بند "و" ماده (۹) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و در راستای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در مرداد ماده سال ۱۳۸۸ تأسیس گردیده و به‌موجب نامه شماره ۱۳۸۸/۴/۲۴-۸۸/۳۰/۳۳۷۳۳ مراتب مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است. به‌موجب ماده ۵ اساسنامه، یک بانک ۱۰۰٪ دولتی بوده و تمامی سرمایه آن متعلق به بیت‌المال می‌باشد و همچنین مطابق این ماده کلیه امکانات، دارایی، نیروی انسانی و همچنین کلیه تعهدات صندوق تعاون به اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از سپرده‌ها، تفاهم‌نامه‌ها، قراردادهای و همچنین تعهدات اشخاص حقیقی و حقوقی به صندوق تعاون اعم از قراردادهای، تفاهم‌نامه‌ها، تسهیلات اعطایی سررسید نشده، سررسید گذشته و معوق با کلیه تضمینات و وثایق اخذ شده به بانک توسعه تعاون واگذار گردیده است. به اطلاع می‌رساند شهرداری کرج و به تبع آن، کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری آن شهرستان مطابق با رأی شماره ۱۳۹۲/۱۱/۱۹-۷۷/۹۲/۸۲۳ مبادرت به وضع مبلغ ۱۰/۳۹۲/۰۰۰ ریال بابت عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند برای سرپرستی بانک توسعه تعاون کرج و شعب آن می‌نماید. در ادامه لازم به ذکر است بند (۲۶) ماده (۵۵) قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ مقرر می‌دارد: پیشنهاد برقراری یا الغاء عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان عوارض اعم از کالاهای وارداتی و صادراتی کشور و محصولات داخلی و غیره جزو وظایف شهرداری‌ها می‌باشد و این در حالی است که با تصویب قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و متعاقباً مطابق بند ۱۶ ماده ۷۶ و ۸۰ قانون مذکور وضع عوارض

بر عهده شوراهای اسلامی شهر قرار داده شده است. از سوی دیگر با عنایت به آرای صادره به شماره‌های ۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۶-۱۳۹۱/۴/۲۶، ۲۲۱-۱۳۹۱/۵/۱۴، ۲-۱۳۸۹/۱/۱۶، ۳۴۴-۱۳۸۴/۴/۲۱ و آرای شماره ۷۲۴ الی ۷۵۹-۱۳۹۱/۱۱/۳ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که عموماً حکایت از این امر دارند که نوع فعالیت بانک‌ها و شعب آن‌ها کشوری بوده و فعالیت آن‌ها محلی محسوب نمی‌گردد که شوراهای اسلامی شهر بتوانند برای آن‌ها عوارض تعیین نمایند، چرا که شوراهای اسلامی شهرها فقط حق تعیین عوارض محلی را دارا می‌باشند، همچنین حسب نامه شماره ۳۵۵۰-م/۱۲/۲۳-۱۳۷۸/۱۲/۲۳ وزیر امور اقتصادی و دارایی و نامه شماره ۷۳-۷۸۵-۱۳۷۸/۶/۲۲ معاون حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری و نامه شماره ۵۴۸۴۰-۱۳۷۸/۷/۸ وزیر کشور و ابلاغیه شماره ۴۶۳۷۷ مصوب سال ۱۳۷۳ ریاست جمهوری همگی مشعر بر عدم تسری عوارض به بانک‌ها است، لازم به ذکر است در همین راستا عوارضی معادل ۳٪ طبق ابلاغیه ریاست جمهوری تحت عنوان مالیات همه ساله توسط بانک‌ها پرداخت می‌گردد که متضمن عدم تسری عوارض بر بانک‌ها می‌باشد. لذا تصمیم شهرداری کرج در خصوص دریافت عوارض و به تبع آن تعیین عوارض از سوی کمیسیون ماده ۷۷ آن شهرداری مبنی بر دریافت مبلغ ۱۰/۳۹۲/۰۰۰ ریال بابت عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند از سرپرستی بانک توسعه تعاون کرج و شعب آن کاملاً فاقد وجهت قانونی می‌باشد، زیرا همان‌گونه که در توضیحات فوق‌الذکر بدان اشاره گردید اختیار تعیین عوارض در صلاحیت شوراهای اسلامی شهر بوده و این شوراها نیز صرفاً حق تعیین عوارض محلی را دارا می‌باشند که با توجه به موارد معنونه نه تنها فعالیت بانک‌ها و شعب آن‌ها محلی محسوب نمی‌گردد، بلکه بانک‌ها به‌طور کلی از پرداخت هرگونه عوارض معاف می‌باشند. در پایان با عنایت به موارد فوق الاشعار ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر کرج به شماره ۳/۵/۸۹/۶۶۱۹-ش/۱۲-۱۳۸۹/۱۱/۱۲ در خصوص پرداخت عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند به مبلغ ۱۰/۳۹۲/۰۰۰ از سوی بانک توسعه تعاون مورد استدعا می‌باشد."

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به‌موجب لایحه شماره ۱۲/۹۳/۹۲/۹۳-۱۳۹۳/۱/۲۶ اعلام کرده است که:

"هیأت عمومی محترم دیوان عدالت اداری؛ احتراماً به استحضار می‌رساند این‌جناب مهدی محمدی نماینده حقوقی بانک توسعه تعاون با اختیارات حاصله از برگه نمایندگی به شماره ۱-۱۲۳۷/۹/۹۳-۱۳۹۳/۱/۲۶ موارد نقص اعلامی از سوی آن هیأت در خصوص پرونده کلاسه شماره ۱۲۳۷/۹۲ را به شرح ذیل تقدیم آن مقام قضایی می‌نمایم. در خصوص بند شماره ۱ موارد نقص اعلامی از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به استحضار می‌رساند: در متن رأی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری کرج به شماره ۷۷-۹۲/۹۳-۱۳۹۲/۱۱/۱۹ و بند ۱۶ از ماده ۷۱ قانون شوراها استناد و عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند جزو عوارض محلی محسوب گردیده و از بانک توسعه تعاون درخواست پرداخت شده است. لذا ابطال این قسمت از مصوبه شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۲-ش/۳/۵/۸۹/۶۶۱۹ مورد استدعا می‌باشد.

در خصوص بند شماره ۲ موارد نقص اعلامی از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موارد ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- قانون‌گذار در ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده بیان می‌دارد: "برقراری هرگونه عوارض شامل کسب و پیشه و بهای خدمات و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون تکلیف مالیات و عوارض آن‌ها معین شده است توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد و در بند ۱۱ ماده ۱۲ همین قانون خدمات بانکی و اعتباری بانک‌ها از پرداخت مالیات معاف گردیده است" لذا با توجه به اینکه تکلیف مالیات بانک‌ها در این قانون مشخص گردیده است وضع عوارض توسط



قانون گذار طبق تبصره ماده ۵۰ به شورای اسلامی شهر اختیار تعیین عوارض محلی جدید را داده است. عوارض محلی عوارضی است که حوزه عمل و شمول آن‌ها کالا و خدمات مصرفی در محدوده آن شهر، بخش و شهرک مربوط می‌باشند و با توجه به اینکه حوزه فعالیت بانک‌ها و شعب آن‌ها در نقاط مختلف بوده قطعاً محلی تلقی نمی‌گردند. مطابق ماده ۹۰ قانون نظام صنفی بانک‌ها از مصادیق واحدهای صنفی و محلی خارج هستند پس قاعدتاً شوراها شهر حق تعیین عوارض برای آن‌ها را دارند."

در پاسخ به شکایت مذکور، مشاور شهردار و مدیر حقوقی امور پیمان‌ها و اجرائیات شهرداری کرج به موجب لایحه شماره ۹۳/۵۴۷۹۹-۱۳۹۳/۵/۲۵ توضیح داده است که: "احتراماً بازگشت به اخطاریه صادره در پرونده کلاسه ۱۲۳۷/۹۲ موضوع دعوی بانک توسعه تعاون علیه شورای اسلامی شهر کرج به خواسته ابطال مصوبه اخذ عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند جهت رد دعوی شاکی به استحضار می‌رساند:

۱- آقای مهدی محمدی به‌عنوان نماینده حقوقی بانک توسعه تعاون مبادرت به امضای ذیل دادخواست و طرح دعوی نموده است. درحالی‌که اولاً: هیچ‌گونه دلیلی دائر بر ذی سمت بودن از طرف بانک ارائه نشده است. ثانیاً: طرح دعوا و امضای دادخواست به‌عنوان نماینده بانک مستلزم داشتن اختیار قانونی بر اساس اساسنامه و قانون آیین دادرسی مدنی بوده درحالی‌که شاکی هیچ‌گونه دلیل و مدرکی جهت اثبات این امر ارائه نکرده است.

۲- خواسته شاکی ابطال مصوبه شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۲-ش/۳/۵/۸۹/۶۶۱۹ شورای اسلامی شهر کرج بوده درحالی‌که نامه مذکور دلالت بر ابلاغ مصوبه شورا به شهرداری داشته و اساساً مصوبه‌ای با شماره فوق صادر نگردیده است. به بیانی دیگر نامه شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۲-ش/۳/۵/۸۹/۶۶۱۹ صرفاً ابلاغ مصوبه بوده و ابطال ابلاغیه فاقد موضوعیت قانونی است که از این حیث نیز دعوا محکوم‌به رد است.

۳- صرف‌نظر از ایرادات اساسی فوق که جهت رد دعوا کفایت می‌نماید و همان‌گونه که قضات رسیدگی کننده مستحضر هستند مصوبات شورای اسلامی شهر در راستای بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون وظایف و اختیارات شوراها و تبصره ذیل ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی تصویب و مصوبات مربوط به عوارض تا پانزدهم بهمن ماه تصویب و پس از تأییدیه به استانداری، از ابتدای سال آتی لازم‌الاجرا محسوب می‌گردد. از جمله مصوبات شورای اسلامی شهر نیز عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند مربوط به بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری است که سال ۱۳۹۰ لغایت حال به شرح ذیل تصویب و لازم‌الاجرا گردیده است:

۱-۳- مصوبه موضوع نامه شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۲-ش/۳/۵/۸۹/۶۶۱۹ شورای اسلامی شهر و تأییدیه استانداری به شماره ۲۱/۴۲/۱۱۶۴-۱۳۸۹/۱۱/۱۴ جهت اعمال در سال ۱۳۹۰.

۲-۳- مصوبه موضوع نامه شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۴-ش/۳/۵/۷۹۲۴ شورای اسلامی شهر و تأییدیه استانداری به شماره ۲۱/۱/۶۷۹۹۵-۱۳۹۰/۱۱/۹-۲۱/۱/۶۷۹۹۵ جهت اعمال در سال ۱۳۹۱.

۳-۳- مصوبه موضوع نامه شماره ۱۳۹۰/۱۱/۱۵-۳/۳/۹۱/۶۰۸۱ شورا و تأییدیه استانداری به شماره ۲۱/۱۱/۹۰۷۷۱-۱۳۹۱/۱۱/۱۵ جهت اعمال در سال ۱۳۹۲.

۴-۳- مصوبه موضوع لایحه شماره ۱۳۹۲/۱۱/۲۰-۴/۴۱/۹۲/۵۲۶۲ شورای اسلامی و تأییدیه استانداری به شماره ۲۱/۴/۶۳۵۵۶-۱۳۹۲/۱۱/۱۵ جهت اعمال در سال ۱۳۹۳.

۴- همان‌گونه که قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مستحضر هستند حسب بند ۷ ماده ۲ قانون تجارت، هر قسم عملیات بانکی و همچنین بند ۱ ماده ۳ قانون مذکور، کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک‌ها از مصادیق معاملات تجاری و بازرگانی محسوب می‌گردد که بر اساس قانون مذکور، اخذ عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند از بانک‌ها فاقد ایراد قانونی است.

۵- نحوه محاسبه و محل تأمین هزینه‌های توسعه در قانون برنامه پنجم توسعه تصریح و تعیین شده است و قانون مذکور ناقض کلیه قوانین و مقررات مغایر موخرالتصویب می‌باشد. قانون مذکور ملاک عمل در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. شورای اسلامی شهر و شهرداری‌ها در ماده ۱۷۴ قانون مذکور موظف گردیده‌اند که به روش و سیاست‌های ذیل نسبت به تدوین نظام درآمدهای پایدار شهرداری اقدام نماید:

الف) کاهش نرخ عوارض صدور پروانه در کاربری‌های تجاری، اداری، صنعتی و ... متناسب با کاربری مسکونی‌های منطقه ... و تبدیل این عوارض به عوارض و بهای خدمات بهره‌بردار.

ب) تعیین سهام شهروندان در تأمین هزینه‌های خدمات عمومی و شهری، نگهداری، نوسازی و عمرانی شهری...

ج) تبدیل عوارض موضوع درآمد شهرداری‌ها از عوارض بر املاک ناشی از مصرف و خدمات. که مصوبات شورای اسلامی شهر در راستای سیاست و نظر قانون‌گذار در برنامه پنجم توسعه بوده که پس از تصویب، اجرایی شده است که از این حیث هرگونه اعتراض یا استناد به قوانین و آراء موخرالتصویب محکوم به رد است.

۶- بانک‌ها معمولاً در بهترین مراکز تجاری شهر احداث و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و از کلیه خدمات شهری و شهرداری به‌صورت مستمر و روزانه استفاده می‌نمایند و این نوع فعالیت موجب وارد آمدن هزینه‌های گزاف بر پیکره شهر بوده که اخذ عوارض و بهای خدمات پسماند از بانک‌ها نه تنها خلاف قانون نبوده بلکه اجرای عدالت و مشارکت کلیه مشاغل در تأمین هزینه‌های عمومی شهر می‌باشد، در غیر این صورت اخذ عوارض از سایر صنوف و ارائه خدمات به بانک‌ها امری غیرعادلانه و غیرقانونی خواهد بود. با توجه به مراتب فوق و ایرادات شکلی و ماهوی فوق استدعای رسیدگی و صدور حکم بر رد دعوا را دارد."

ب) خانم مهری نجفی به وکالت از بانک کارآفرین به‌موجب دادخواستی ابطال مصوبه شماره ۱۳/۵/۸۹/۶۶۱۹/ش-۱۳۸۹/۱۱/۱۲ مصوب شورای اسلامی شهر کرج را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "با سلام به استحضار می‌رساند: شهرداری کرج با استناد مصوبه شماره ۱۳/۵/۸۹/۶۶۱۹/ش-۱۳۸۹/۱۱/۱۲-۱۳۸۹/۱۱/۱۲ شورای اسلامی کرج مبلغ ۳۴/۰۳۲/۰۰۰ ریال عوارض شغلی از این بانک مطالبه نموده است لکن با توجه به قانونی نبودن مصوبه مذکور بانک از پرداخت آن امتناع نموده و پس از طرح و رسیدگی به آن در کمیسیون ماده ۷۷ رأی به محکومیت این بانک صادر شده است. با عنایت به اینکه مصوبه شورای اسلامی کرج و متعاقب آن رأی صادره از کمیسیون ماده ۷۷ منطبق با قانون نمی‌باشد بنا به دلایل ذیل تقاضای رسیدگی و ابطال مصوبه و رأی صادره مرقوم را دارد: به‌موجب آراء متعدد صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آراء شماره ۱۳۸۸/۴/۲۱-۳۴۴، ۱۳۸۹/۱/۱۶-۲، ۴۰۶ و ۱۳۸۷/۶/۳-۴۰۷، ۱۳۹۲/۵/۲۱-۳۶۲ و ۱۳۹۲/۵/۲۱-۳۶۲ الی ۷۲۴ الی ۷۵۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و تبصره ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷ شورای اسلامی شهر صرفاً صلاحیت تصویب عوارض در نقاط محلی را دارا می‌باشند، با عنایت به اینکه فعالیت بانک‌ها غیر محلی و کشوری است لذا مصوبه شورای اسلامی شهر خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی تشخیص گردیده است. به‌طوری‌که طی آراء صادره مرقوم در فوق نیز تسریع گردیده فعالیت بانک‌ها ملی است و با توجه به اینکه شورای اسلامی هر شهر اقدام به وضع عوارض محل می‌نماید به دلیل غیر محلی بودن حوزه فعالیت بانک‌ها، مصوبات شورای اسلامی ناظر به بانک‌ها نمی‌گردد. علی‌هذا با عنایت به مراتب فوق‌الذکر تقاضای ابطال مصوبه مذکور و رأی صادره را دارد."

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکي ارسال شده بود، وی به‌موجب لایحه‌ای در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۲ پاسخ داده است که: "مصوبه مزبور در آن قسمت که مربوط به تکلیف بانک به پرداخت عوارض مربوط به نصب تابلو می‌باشد مورد اعتراض و تقاضای ابطال مصوبه را در آن

قسمت می‌نماید و صریحاً اعلام می‌نماید. بند ۱ صورت‌جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ در خصوص عوارض کسب و پیشه که عوارض بهای خدمات و پسماند را جزء عوارض مزبور می‌دانند و بر این اساس اقدام به صدور رأی نموده‌اند مورد اعتراض می‌باشد."

شاکتی متعاقباً به موجب لایحه‌ای که به شماره ۴۸۸-۱۳۹۶/۵/۷ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: "احتراماً عطف به اخطاریه مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۹ در خصوص ابطال مصوبه سید و سی و یکمین جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ شورای اسلامی کرج به استحضار می‌رساند: خواسته ابطال مصوبه سید و سی و یکمین جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ در خصوص وضع عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند مورد استدعا می‌باشد که بر این اساس شهرداری کرج بانک کارآفرین را محکوم به پرداخت مبلغ ۳۴/۰۳۲/۰۰۰ ریال بابت عوارض شغلی و بهای خدمات پسماند طبق رأی شماره ۷۷/۹۲/۸۲۷-۱۳۹۲/۱۱/۱۹-۷۷/۹۲/۸۲۷ اعضای کمیسیون ماده ۷۷ نموده است. بدو از همکاری هیأت کمال تشکر را دارد."

ج) مدیریت بانک سپه منطقه البرز به موجب دادخواستی ابطال مصوبه شماره ۳/۵/۸۹/۶۶۱۹-ش-۱۳۸۹/۱۱/۱۲ مصوب شورای اسلامی شهر کرج بابت عوارض کسب و پیشه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "احتراماً به استحضار می‌رساند: ۱- سابقاً با عنایت به اختلاف بین شهرداری و بانک‌ها در خصوص تعلق یا عدم تعلق عوارض مشاغل (کسب و پیشه) موضوع توسط بانک‌ها به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری منعکس و هیأت مذکور با ارجاع امر به کمیسیون‌های تخصصی و بررسی جمیع جهات و مستندات ارائه شده از سوی بانک‌ها برابر رأی لازم‌الاتباع به شماره ۳۴۴-۱۳۸۸/۴/۲۱-۱/۳۴۴ و آراء شماره ۷۲۴ الی ۷۵۹-۱۳۹۱/۱۰/۱۱-۷۵۹، مصوبات شورای اسلامی شهرها در خصوص وضع عوارض کسب و پیشه برای شعب بانک‌ها را ابطال نموده است.

۲- شورای اسلامی شهر کرج نیز مصوبه شماره ۳/۵/۸۹/۶۶۱۹-ش-۱۳۸۹/۱۱/۱۲ بابت عوارض شغلی و بهای خدمات صادر کرده است که مغایر با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح فوق بوده و این مصوبه مانند مصوبات شورای اسلامی مندرج در دادنامه‌های مذکور خارج از حدود صلاحیت شورا و قابل ابطال است یادآور می‌شود به جهت عدم پرداخت مبالغ تعیین شده پرونده به کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری احاله و کمیسیون مذکور علیرغم آگاهی از آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، این بانک را به پرداخت مبالغی بابت عوارض محکوم کرده است. علی‌ای حال با توجه به مطالب معنونه موارد احصایی صفحه دوم شکوائیه در جهت ابطال مصوبه فوق‌الذکر به حضور تقدیم می‌گردد.

الف) اصل ۴۴ قانون اساسی، بانک‌ها را در بخش دولتی و به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت قرار داده است و نیز اصل ۵۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد هیچ نوع مالیاتی وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون بنابراین پرداخت هرگونه وجهی از سوی شبکه بانکی تحت عنوان مالیات و عوارض جایز نبوده و منوط و موقوف به تکلیف و نص صریح قانون است.

ب) حسب ماده ۲ قانون صنفی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۳ شورای انقلاب (نظام صنفی، شخص حقیقی یا حقوقی است که به‌عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و مشاغل آزاد فعالیت می‌نماید) حال آن‌که بانک‌ها بر اساس لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸/۷/۷ شورای انقلاب و سایر مقررات مربوطه اداره می‌شوند و اطلاق صنف بر بانک‌ها در تعارض با ماهیت فعالیت آن‌ها می‌باشد و از این‌رو به‌عنوان صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل خدماتی تلقی نمی‌شوند تا مشمول پرداخت عوارض مشاغل گردند.

ج) وفق ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون فوق قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و اصلاحیه بعدی آن و کلیه مقررات خاص و عام مغایر مربوطه به دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض بر واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لغو گردیده و برقراری و دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و واردکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع می‌باشد. شایان ذکر است حسب بند ۱۱ ماده ۱۲ قانون مورد بحث خدمات بانکی و اعتباری از پرداخت مالیات معاف و به موجب ماده ۳۸ آن نرخ عوارض شهرداری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول قانون به شرح بند (الف) ماده ۳۸ قانون تعیین شده است.

د) دادنامه شماره ۱۱۳-۱۳۸۷/۲/۲۹-هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (که بعضاً شهرداری‌ها جهت مطالبه عوارض کسب و پیشه به آن استناد می‌نمایند) صرفاً شکایت موسسه قرض‌الحسنه بسیجیان در خصوص ابطال مصوبه شماره ۶۷۴۱-۱۳۸۳/۳/۱۲ شورای اسلامی شهر مشهد را رد و اعلام نموده مصوبه فوق مغایرتی با قانون ندارد مضافاً اینکه انشاء رأی موصوف، به‌گونه‌ای است که تأسیس حقوقی جدید را ایجاد ننموده و یا تکلیفی بر عهده بانک‌ها نگذاشته است بلکه صرفاً دال بر عدم مغایرت مصوبه با قانون می‌باشد و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رأی وحدت رویه صادر ننموده تا لازم‌الاتباع باشد و در رأی موصوف هیچ‌گونه دستوری مبنی بر پرداخت چنین عوارضی توسط بانک‌ها یا سایر مؤسسات صادر نشده است. رأی مذکور و مصوبه عوارض کسب و پیشه با تقدیم دادخواست حقوقی بانک ملی استان خراسان رضوی علیه شورای شهر مشهد بر اساس دادنامه شماره ۲۲۰-۱۳۹۱/۴/۲۶-۲۶ ابطال گردید و در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۸ در روزنامه رسمی در صفحات ۴ و ۵ و ۶ با کلیه استدلالات درج شده است.

ه) حسب رأی شماره ۳۴۴-۱۳۸۸/۴/۲۱-هیأت عمومی دیوان عدالت اداری فعالیت بانک‌ها در شعب مختلف آن‌ها در امور بانکی در نقاط مختلف کشور محلی نمی‌باشند تا شوراهای اسلامی شهر و بخش بتوانند برای فعالیت بانک‌ها و خدمات بانکی عوارض محلی تعیین نمایند.

و) حسب ماده ۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۳ که به تعریف فرد صنفی پرداخته است بانک‌ها در زمره صنوف قرار نمی‌گیرند مضافاً آن که به موجب ماده ۹۰ قانون مورد بحث کلیه وزارتخانه و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌های دولتی از شمول قانون مزبور مستثنی شده‌اند شایان ذکر است بانک‌ها بر اساس اعلامیه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸/۷/۷ شورای انقلاب و سایر مقررات مربوطه اداره می‌شوند و اطلاق صنف بر بانک‌ها تعارض با ماهیت فعالیت آن‌ها می‌باشد و از این رو به‌عنوان صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل خدماتی تلقی نمی‌شوند تا مشمول عوارض کسب و پیشه و مشاغل گردند.

ز) وفق رأی شماره ۶۳۳/۸۸-۱۳۸۹/۶/۲۶-هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۹۰۹۷-۱۳۸۹/۷/۱۱-نظر به اینکه حوزه فعالیت بانک‌ها و شعب آن در نقاط مختلف کشور بوده و محلی محسوب نمی‌شود لذا وضع عوارض و بهاء خدمات برای بانک‌ها توسط شورای اسلامی شهر مغایر قانون تشخیص داده شد.

ح) طبق ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون تکلیف مالیات و عوارض آن معین شده است همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات سود سهام شرکت‌ها و سود اوراق مشارکت، سود سپرده‌گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری غیر بانکی مجاز توسط شورای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد. ضمن اینکه طبق تبصره ۱ همین ماده تصریح شده که شورای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آنان در این



شهرداری محسوب می‌گردد.

۲- در سال‌های اخیر تعداد بانک‌ها اعم از دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری به نحو چشم‌گیری افزایش یافته و تعداد کثیری از بهترین مکان‌های دارای پروانه تجاری شهر در اختیار بانک‌ها و مؤسسات مذکور قرار گرفته و این در حالی است که عوارض مصوب با در نظر گرفتن عوارض واحدهای مذکور در بودجه شهرداری پیش‌بینی گردیده است.

۳- همان‌گونه که به حضور اعلام گردید بانک‌ها و مؤسسات از ساختمان‌های دارای پروانه و پایان کار تجاری استفاده می‌نماید و اخذ عوارض از واحدهای مذکور بدون توجه به نوع فعالیت تجاری از حقوق قانونی شهرداری است با این توضیح که شهرداری نسبت به تعیین عوارض شغلی بر اساس مساحت واحد تجاری و ارزش معاملاتی املاک اقدام می‌نماید و نوع فعالیت واحد تجاری به‌عنوان مثال لبنیات، میوه‌فروشی، لوازم منزل و غیره از نظر این شهرداری و ضوابط اخذ عوارض تجاری هیچ‌گونه تفاوتی ندارد و پرداخت عوارض شغلی به خاطر فعالیت در واحدهای تجاری از وظایف قانونی بهره‌بردار واحد تجاری و حقوق قانونی شهرداری است.

۴- از طرفی در ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب و تصریح گردیده است که شوراهای اسلامی شهر و شهرداری‌ها و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط موظف هستند تا پایان سال اول برنامه از طریق تدوین نظم درآمدهای پایدار شهرداری‌ها با اعمال سیاست‌های ذیل اقدام نمایند:

الف) کاهش نرخ عوارض صدور پروانه در کاربری‌های تجاری، اداری، صنعتی متناسب با کاربری مسکونی‌های منطقه با توجه به شرایط اقلیمی و موقعیت محلی و نیز تبدیل این عوارض به عوارض و بهای خدمات به بهره‌برداری از واحدهای احداثی این کاربری‌ها و همچنین عوارض بر ارزش‌افزوده اراضی و املاک ناشی از اجرای طرح‌های توسعه شهری.

ب) تعیین سهام شهروندان در تأمین هزینه‌های خدمات عمومی و شهری، نگهداری، نوسازی و عمران شهری و همچنین تعیین سهم دولت در ایجاد زیرساخت‌های عمران شهری و حمل‌ونقل.

ج) تبدیل عوارض موضوع درآمد شهرداری‌ها از عوارض بر املاک ناشی از مصرف و خدمات.

همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ و مؤخر بر کلیه قوانین مورد استناد سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد که در آن ضرورت و تکلیف شوراهای در اخذ عوارض و در تأمین هزینه‌های عمومی و شهری و تبدیل اخذ عوارض بر املاک به عوارض ناشی از مصرف و خدمات تعیین شده است و قانون مذکور فاقد هر گونه معافیت و استثناء می‌باشد. ضمن اینکه بانک‌ها نیز بهره‌بردار مکانی می‌باشند که شهرداری پروانه آن را به‌صورت تجاری صادر نموده که مطابق بند الف ماده ۱۷۴ قانون توسعه پنج‌ساله پنجم مقرر است عوارض و بهای خدمات از بهره‌بردار اخذ گردد لذا عوارض مربوطه را می‌باید بانک‌ها پرداخت نمایند. علی‌هذا با عنایت به مراتب معروض مجدداً صدور رد دعوی مطروحه را استدعا دارد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

طبق بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۲، عوارض محلی شهرداری از کلیه مشمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مشمولین قوانین خاص مثل بانک‌ها، مطب پزشکان، وکلا و غیره با پیشنهاد وزیر کشور تصویب و اخذ این‌گونه عوارض طبق بخشنامه شماره

وزارت کشور پس از تأیید نماینده ولی فقیه در حاکمیت قانون اجراء شده است و طبق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تصویب لوائح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود و نیز به موجب بند ۲۶ ماده مذکور تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن با رعایت آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شهرداری‌ها با رعایت مقررات مربوط از جمله وظایف و مسئولیت‌های شورای اسلامی شهرها است و با توجه به تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب سال ۱۳۸۱، وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش هر یک از عوارض محلی که در این قانون مشخص نشده تجویز شده است و هر چند قوانین و مقررات عمومی حاکم بر بانک‌ها سراسری و ملی بوده لیکن حسب تبصره ۱ ماده ۳ قانون تجارت، محل فعالیت بانک‌ها از مصادیق واحدهای تجاری است و به همین جهت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء صادره از جمله رأی شماره ۱۱۳-۱۳۸۷/۲/۲۹ وضع عوارض کسب و پیشه (عوارض محلی) از بانک‌های دولتی، خصوصی و صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات مالی و اعتباری را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نداده است. از سوی دیگر هر چند در بند ۱۱ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، خدمات بانکی و اعتباری بانک‌ها، مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه مجاز و صندوق تعاون از پرداخت مالیات معاف شده‌اند لیکن طبق تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مذکور، شوراهای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آن‌ها در این قانون مشخص نشده باشد، موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد، تصویب و اعلام عمومی نمایند. همچنین طبق رأی شماره ۱۰۳۳-۱۳۹۶/۱۰/۱۲ هیأت عمومی این‌گونه مصوبات مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهرها تشخیص نگردیده و ابطال نشده‌اند، بنابراین مصوبات مورد شکایت مغایر قانون و خارج از حدود اختیار مرجع تصویب نبوده و قابل ابطال نیست.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۱ خرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۳۵۵

کلاس پرونده: ۴۱/۹۵

**موضوع:** ابطال تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۸۵ شورای اسلامی شهر دماق در بخش تعیین عوارض یک درصد از درآمد مشمول مالیات هر یک از شعب بانکها (مرتبط با اخذ عوارض محلی شهرداری از مطب پزشکیان)

### شاکي: بانک صادرات همدان با وکالت آقای جلال مهدی

#### گردش کار:

آقای جلال مهدی به وکالت از بانک صادرات همدان به موجب دادخواستی ابطال مصوبات شورای اسلامی شهر دماق در استان همدان در خصوص وضع عوارض ۱٪ درآمد مشمول مالیات، وضع عوارض بهای خدمات عمومی و عمرانی، عوارض افتتاح بانک‌های دولتی، عوارض سالیانه بانکها، عوارض صدور پروانه کسب و پیشه (حق افتتاح) مربوط به سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "با سلام و احترامات وافر؛ احتراماً این جانب به وکالت از موکل به استحضار می‌رساند شورای شهر همدان از سال ۱۳۹۲ تاکنون به شرح مصوبات پیوست مبادرت به وضع عوارض تحت عناوینی مختلف از قبیل سالیانه، کسب و پیشه و مشاغل و محلی می‌نماید و متعاقباً با طرح موضوع در کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری نماینده شهرداری با اظهار بر اینکه عوارض مورد مطالبه منصرف از قانون نظام صنفی می‌باشد کمیسیون را اقناع به الزام بانک در پرداخت عوارض موضوع اختلاف می‌نماید. علی‌هذا بنا به جهات و مستندات ذیل وضع عوارض تحت عناوین مزبور برای بانک غیرموجه و بر خلاف نصوص صحیح قانون است.

۱- وحدت ملاک آرای شماره ۷۲۴ الی ۷۵۹-۱۳۹۱/۱۰/۱۱ و رأی شماره ۲۲۱-۱۳۹۱/۴/۲۶ دیوان عدالت اداری مضبوط در پرونده‌های کلاس ۲۹۱/۸۷ و ۶۳۳/۸۸ که از نظر موضوع و محتوا با موضوع مورد بحث کاملاً مطابقت دارد و بر اساس آراء مذکور مصوبات صادر شده از شورای شهرهای مذکور در دادنامه با قانون تشخیص و ابطال گردیده‌اند.

۲- با امعان نظر به مکاتبات معموله ملاحظه می‌گردد که شورای اسلامی شهر دماق بانک را در ردیف مشاغل موضوع قانون صنفی قرار داده و مبادرت به وضع عوارض نموده است. حسب ماده ۲ قانون صنفی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۳ شورای انقلاب اسلامی "فرد صنفی شخص حقیقی یا حقوقی است که به‌عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و مشاغل آزاد فعالیت می‌نماید" حال آن‌که بانکها بر اساس اعلامیه قانونی اداره امور بانکها مصوب ۱۳۵۷/۷/۷ شورای انقلاب اسلامی و سایر مقررات مربوطه اداره می‌شوند، اطلاق صنف یا صنوف بر بانکها در تعارض با ماهیت فعالیت آنهاست و علاوه بر آن حوزه فعالیت بانکها و شعب آن‌ها در نقاط مختلف کشور محلی تلقی نمی‌شود.

۳- مفهوم و منطوق مواد ۱ و ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه توسعه اقتصادی و چگونگی برقراری و وصول

عوارض موسوم به تجمیع عوارض، مفید اختیار شورای شهر در وضع و برقراری عوارض خارج از مقررات قانونی نسبت به بانکها نمی باشد. از طرفی اختیار مندرج در بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ نیز منوط به رعایت سایر شرایط و موازین قانونی است.

۴- حسب نامه شماره ۳۵۳۰/م-۱۳۷۸/۱۲/۲۳ و وزیر اقتصاد و دارایی وقت و نامه شماره ۷۸۵۰۷۳/م-۱۳۷۸/۶/۲۲ معاون حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری و نامه شماره ۵۴۸۴۰-۱۳۷۸/۷/۸ وزیر کشور وقت همگی مشعر به عدم تسری عوارض کسب و پیشه به بانکها و عوارض مشابه می باشد.

۵- علی هذا بنا به مراتب مذکور از آن مقام ابطال مصوبات مورد شکایت در قسمت های مربوط به وضع عوارض سالیانه، کسب، پیشه مشاغل و محلی برای بانکها مورد استدعاست.

۶- ضمناً قابل ذکر است که شورای شهر و شهرداری دمق علیرغم پیگیری های مکرر جهت ارائه تصویر مصوبات همکاری لازم را به عمل نیاورده در پاسخ درخواست نامه شماره به این جانب ابلاغ گردید. علی هذا خواهشمند است دستور مقتضی را جهت استعلام ارائه تصویر مصوبات از طرف شکایت صادر فرمایید."

متن تعرفه در قسمت های مورد اعتراض به قرار زیر است:

سال ۸۵

|  |   |
|--|---|
| عوارض ۱٪ درآمد مشمول مالیات: عوارض ۱٪ از درآمد هر یک از شعب بانکها               |   |
| ۱٪ درآمد مشمول مالیات  |   |
| توضیحات:   | نظر به متن نامه شماره ۱۱۶۳/۲/۳۴/۱۴۶۱ - ۱۳۷۷/۲/۲۲ ارسالی از وزارت کشور، با توجه به درآمد بانکها ناشی از عملیات بانکی و کارمزد دریافتی پس از کسر سود و جوایز پرداختی به صاحبان سپرده و... که میزان آن همه ساله توسط کمیسیون تعیین ضرایب مالیاتی تعیین می گردد. ۱٪ درآمد مذکور مشخص و بایستی توسط هر یک از شعب بانکها به شهرداری های ذی ربط پرداخت گردد، این امکان را به کلیه شهرداری ها می دهند که نسبت به وصول عوارض ۱٪ درآمد مشمول مالیات اقدام نمایند. |
|  | با عنایت به بخشنامه ۱۳۷۷/۳/۳۴-۱۱۷۱۹/۷/۵-۱۳۴۷ و بخشنامه شماره ۲/۱۵/۳/۳۴/۱۴۱۱ از وزارت کشور   |
| آیین نامه بهای خدمات فوق الذکر پس از تنظیم به تصویب شورای اسلامی شهر خواهد رسید. |   |

|   |       |
|---|-------|
| بهای خدمات عمومی و عمرانی   |       |
| ۱ -   | ..... |
| ۲ -   | ..... |
| ۳ - بانکها، مؤسسات مالی اعتباری، دفاتر شرکتها و نمایندگی ها، آژانس های مسافرتی و دفاتر بازرگانی |       |
| شرح محاسبه: ۱۲ × ۲٪ ارزش معاملاتی اعیانی × مترائ اعیانی   |       |
| آیین نامه بهای خدمات فوق الذکر پس از تنظیم به تصویب شورای اسلامی شهر خواهد رسید.                |       |

سال ۱۳۸۸

آیین نامه بهای خدمات فوق الذکر پس از تنظیم به تصویب شورای اسلامی شهر خواهد رسید.



ولیکن متأسفانه شاکی علیرغم تعیین تکلیف قانون‌گذار راجع به اعتراض به مصوبات شوراها بدون مقدمه، به طرح دعوا در آن دیوان نموده است (که این مطلب در آراء صادره از محاکم تجدیدنظر و بدوی به صراحت اشاره شده است.) و چنانچه شاکی مدعی است مصوبه شورا در رابطه با وضع عوارض بر بانکها خلاف مقررات می‌باشد می‌باید حسب تجویز و تکلیف قانونی قانون‌گذار موضوع را در هیأت حل اختلاف مواد ۷۹ و ۸۰ قانون شوراها مطرح تا حسب مورد نسبت به اصلاح، ابطال یا تأیید مصوبه شورا اقدام نماید.

۳- همان‌طور که مستحضرد شوراها به‌موجب بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شوراها و همچنین تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه موسوم به تجمیع عوارض مصوب سال ۱۳۸۱ و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ که مقرر داشته: شورای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آن‌ها در این قانون مشخص نشده باشد، موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم ماه هر سال برای اجرا در سال بعد تصویب و اعلام عمومی نمایند که تعرفه عوارض محلی شهر دهم در راستای همین قانون از ابتدای سال ۱۳۸۲ همه ساله پس از پیشنهاد شهرداری به تصویب شورای اسلامی شهر دهم رسیده است و پس از تأیید وزارت کشور (استانداری همدان) اعلام عمومی گردیده تا در سال بعد لازم‌الاجرا باشد که عوارض سالیانه بانکها (عوارض بر ساختمان‌های شعب بانکها) یکی از عناوین همین تعرف می‌باشد و همان‌طور که استحضار دارید وضع این عوارض بر ساختمان شعب بانکها و با توجه به مساحت زیربنا و موقعیت مکانی (بر اساس قیمت منطقه بندی دارایی) تصویب و تأیید گردیده و این عوارض هیچ ارتباطی به عملکرد، فعالیت و عملیات بانکی، سود سپرده و عملیات مالی اشخاص نزد بانکها و کسب و پیشه به علت ممنوعیت قانونی نداشته و ندارد و عوارض بر کلیه ساختمان شعب بانکها (عوارض سالیانه بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری) مانند عوارض بر کلیه ساختمان‌های تجاری، خدماتی، مسکونی و ... با توجه به اینکه در قوانین فوق تعیین تکلیف نگردیده‌اند و ممنوعیت قانونی نیز نداشته وضع و برقرار شده است که لازم به ذکر است از عناوین دیگر تعرفه عوارض محلی مانند عوارض ساخت‌وساز (مسکونی، تجاری و اداری و ...) عوارض تفکیک عرصه و اعیان، عوارض ماشین‌آلات (به‌غیراز آنچه در قانون تعیین تکلیف گردیده‌اند) عوارض ارزش‌افزوده ناشی از تغییر عرض معبر، عوارض بر اصناف و واحدهای خدماتی، اداری، تجاری و ... و عوارض بر قراردادهای پیمانکاری، عوارض آتش‌نشانی، عوارض بر تراکم و سایر عناوین تعرفه دیگر ... که در قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مانند عوارض سالیانه بانکها تعیین تکلیف نگردیده‌اند و اختیار تصویب این قبیل عوارض را به‌موجب قانون در اختیار شورای اسلامی شهرها قرار داده، وضع و برقرار گردیده است.

۴- به‌موجب دادنامه‌های پیوست که با موضوع دعوی مشابه بانک‌های استان همدان علیه برخی شهرداری‌ها صادر شده مقرر داشته که شوراها شهر به‌موجب بند ۱۶ از ماده ۷۱ قانون شوراها اختیار وضع عوارض را دارند و عوارض مذکور که مصوبه شورا است قانونی تلقی می‌گردد و چنانچه هر کس مدعی است که عوارض مذکور خلاف قانون است یا از اختیار شوراها خارج است می‌باید ابتدا جهت ابطال مصوبه شورا به هیأت حل اختلاف موضوع ماده ۷۹ و ۸۰ قانون شورا مراجعه تا هیأت یاد شده به موضوع اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

۵- در خصوص استناد شاکی به دولتی بودن بانکها به استحضار می‌رساند: اولاً: به صراحت ماده ۱۰ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه که مقرر داشته کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مغایر با این قانون لغو می‌گردد و همچنین به‌موجب نص صریح ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده که مقرر داشته کلیه قوانین و مقررات خاص و عام لغو و فسخ شده است که این مطلب در آراء صادره پیوست از سوی محاکم قضایی اشاره شده و عوارض سالیانه بانکها که در تعرفه عوارض محلی تصویب و تأیید گردیده جهت عملکرد عملیات مالی و فعالیت بانکی و کسب و پیشه و به‌عبارت‌دیگر غیر محلی نبوده است که موجب ممنوعیت قانونی باشد بلکه

عوارض معینه به عنوان عوارض محلی بر ساختمان‌های شعب بانک بوده و مبنای محاسبه عوارض فوق مساحت زیربنای بانک و قیمت منطقه بندی دارایی می‌باشد و هیچ ارتباطی به عملکرد مالی و عملیات و فعالیت بانکی نداشته است و منعی جهت آن به علت عدم تعیین تکلیف آن (عوارض بر ساختمان‌های شعب بانک) در قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ و قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم موسوم به تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ وجود ندارد.

۶- قانون گذار برای برخی از کالاها و خدمات در قوانین فوق به صراحت تعیین تکلیف نموده است اما در خصوص سایر کالاها و خدمات که در قانون فوق، تکلیف آن‌ها معین نشده به موجب تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم مصوب ۱۳۸۱ و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ اختیار وضع و برقراری این قبیل عوارض و بهای خدمات را به شوراهای اسلامی شهرها واگذار کرده است و شهرداری و شوراهای اسلامی شهر هم حسب تأکید قوانین و مقررات اقدام به تصویب تعرفه عوارض محلی با رویکرد منابع درآمدی پایدار (به لحاظ خودگردان بودن شهرداری‌ها) اقدام کرده است البته با رعایت مقررات شکلی و اعلان عمومی تا پانزدهم بهمن ماه هر سال و تأیید آن توسط وزارت کشور (استانداری) که این اقدامات (تصویب تعرفه عوارض محلی و عوارض سالیانه بانک‌ها و سایر عوارض تصویبی) کاملاً منطبق با قانون صورت گرفته است و نکته‌ای که لازم به ذکر است جهت استحضار ارائه گردد این است که مبنای وضع و محاسبه این عوارض (عوارض سالیانه) صرفاً برای ساختمان‌های شعب بانک‌ها که آن هم بر اساس مساحت زیربنای احداثی و قیمت منطقه بندی دارایی که غیر ملی است در نظر گرفته شده است نه فعالیت و عملکرد مالی بانک‌ها و این عوارض و سایر عوارض محلی از بابت خدمات ارائه شده از سوی شهرداری‌ها وضع و برقرار شده و می‌شود. ۷- در خصوص استناد دیگر شاکه به دادنامه مورد اشاره همان‌طور که در صدر توضیح داده شده عوارض موصوف، عوارض سالیانه بانک‌ها آن هم بر شعب و ساختمان وضع شده که بر اساس میزان بنا و قیمت منطقه بندی محاسبه می‌شود نه عملکرد مالی سود مشارکت و فعالیت بانکی زیرا وضع عوارض بر سود مشارکت عملکرد و فعالیت بانکی و اوراق مشارکت، سود سهام، کسب و پیشه به موجب قوانین فوق ممنوع است؛ اما عوارض سالیانه بانک‌ها که بر شعب آن‌ها وضع شده مانند عوارض سایر ساختمان‌های اداری، خدماتی، تجاری و مسکونی می‌باید عوارض را پرداخت نمایند و وضع آن هیچ‌گونه ممنوعیتی نداشته و حتی در قوانین فوق عوارضی که تعیین تکلیف نشده وضع آن توسط شورا هم تجویز شده است و هر شخص حقیقی یا حقوقی، دولتی یا خصوصی نسبت به مصوبه شورا اعتراض داشته باشد می‌باید حسب بند ۴ فوق‌الذکر اقدام نماید.

۸- آراء صادره از شعب بدوی و تجدیدنظر راجع به شکوائیه شاکه و تعدادی از بانک‌ها و شهرداری‌ها با همین عنوان در شعب مختلف مطرح گردیده که منجر به صدور رأی مبنی بر قانونی بودن تعرفه عوارض بر بانک‌ها شده است که تعدادی از آراء مذکور جهت استحضار به پیوست ارسال می‌گردد.

۹- ضمناً با توجه به دادنامه‌های پیوستی همگی دلالت بر این دارد که عوارض بر تسهیلات، عملیات و فعالیت بانکی، سود سپرده‌گذاری اشخاص، عملیات بانکی اشخاص نزد بانک‌ها، به علت مغایرت قانونی، وضع عوارض بر آن‌ها ممنوع می‌باشد ولی وضع عوارض بر ساختمان‌ها و محل شعب بانک‌ها (تحت عنوان عوارض سالیانه) آن هم بر اساس قیمت منطقه بندی عرصه دارایی و مساحت زیربنای بانک هیچ‌گونه مغایرتی با قوانین ندارد.

لذا با توجه به مراتب فوق اقدامات شورای اسلامی شهر دمق در تصویب تعرفه عوارض محلی خصوصاً عوارض بر بانک‌ها (عوارض بر ساختمان‌های شعب بانک‌ها نه فعالیت و عملکرد مالی بانک‌ها) منطبق با قوانین و مقررات بوده و به تأیید وزارت کشور نیز رسیده است و با عنایت به اینکه شهرداری‌ها حسب قانون یک موسسه عمومی غیردولتی هستند که با تأمین منابع درآمدی خصوصاً پایدار و همچنین ارائه خدمات هر چه بیشتر و

اداره شهر، نیازمند دریافت عوارض و بهای خدمات از کلیه شهروندان و مؤسسات دولتی و غیردولتی می‌باشند و عدم پرداخت عوارض توسط دستگاه‌های دولتی خود نوعی انتقال عوارض بر عهده مردم و شهروندان عزیز می‌باشد و از آنجاکه کلیه آحاد جامعه اعم از دولتی و غیردولتی و شهروندان عزیز مکلف به تمکین از قوانین و مقررات و تعرفه‌های عوارض محلی که مستند به قوانین صدرالذکر تصویب و تأیید شده است می‌باشد. از جنابعالی و سایر قضات شریف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به جهت رعایت حفظ حقوق حقه مردم و مشارکت کلیه آحاد جامعه (اعم از دولتی و غیردولتی، خصوصی و عمومی و شهروندان و مؤدیان و ...) در اداره امور شهر و تمکین از قوانین و مقررات و با توجه به اینکه شهرداری‌ها یک موسسه عمومی غیردولتی و خودگردان می‌باشند و به‌منظور احقاق حقوق شهروندان و بیت‌المال تقاضای رسیدگی و صدور حکم مقتضی مبنی بر تأیید عوارض محلی شهرداری و شورای شهر دمق و رد شکوائیه شاکی مورد استدعاست.<sup>۱۱</sup>

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف- نظر به اینکه در خصوص تقاضای ابطال مصوبات سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر دمق مبنی بر تعیین عوارض بهای خدمات و کسب و پیشه بانک‌ها، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قبلاً به‌موجب دادنامه‌های شماره ۱۶۸۱ الی ۱۷۳۵-۱۳۹۳/۱۰/۸ و ۲۷۵ الی ۲۹۳-۱۳۹۴/۳/۱۸ و ۱۰۴۳ الی ۱۰۵۷-۱۳۹۴/۹/۳ عوارض مذکور را ابطال کرده است، بنابراین موجبی جهت رسیدگی مجدد به این قسمت‌ها از شکایت شاکی وجود ندارد و موضوع مشمول مدلول دادنامه‌های یاد شده است.

ب- طبق بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۲، عوارض محلی شهرداری از کلیه مشمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مشمولین قوانین خاص مثل بانک‌ها، مطب پزشکی، وکلا و غیره با پیشنهاد وزیر کشور تصویب و اخذ این‌گونه عوارض طبق بخشنامه شماره ۱۳۶۶/۲/۵-۳۴۱/۲۳۱۳۷ وزارت کشور پس از تأیید نماینده ولی فقیه در حاکمیت قانون اجراء شده است و طبق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تصویب لوائح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود و نیز به‌موجب بند ۲۶ ماده مذکور تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن با رعایت آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شهرداری‌ها با رعایت مقررات مربوط از جمله وظایف و مسئولیت‌های شورای اسلامی شهرها است و با توجه به تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب سال ۱۳۸۱، وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش هر یک از عوارض محلی که در این قانون مشخص نشده تجویز شده است و هر چند قوانین و مقررات عمومی حاکم بر بانک‌ها سراسری و ملی بوده لیکن حسب تبصره ۱ ماده ۳ قانون تجارت، محل فعالیت بانک‌ها از مصادیق واحدهای تجاری است و به همین جهات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء صادره از جمله رأی شماره ۱۱۳-۱۳۸۷/۲/۲۹ وضع عوارض کسب و پیشه (عوارض محلی) از بانک‌های دولتی، خصوصی و صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات مالی و اعتباری را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نداده است. از سوی دیگر هر چند در بند ۱۱ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده،

خدمات بانکی و اعتباری بانکها، مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه مجاز و صندوق تعاون از پرداخت مالیات معاف شده‌اند لیکن طبق تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مذکور، شوراها، شوراهای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد، موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد، تصویب و اعلام عمومی نمایند. همچنین طبق رأی شماره ۱۰۳۳-۱۳۹۶/۱۰/۱۲ هیأت عمومی این‌گونه مصوبات مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهرها تشخیص نگردیده و ابطال نشده‌اند، بنابراین مصوبات مورد شکایت در قسمت‌های بهای خدمات عمومی و عمرانی، عوارض کسب و پیشه، عوارض و بهای خدمات افتتاح سالیانه بانک، عوارض نصب و سالیانه عابر بانکها مغایر قانون و خارج از حدود اختیار نبوده و قابل ابطال نیست.

ج- نظر به اینکه مطابق ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب سال ۱۳۸۱ برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه به درآمدهای اخذ محاسبه مالیات توسط شوراها، شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع اعلام شده بود و ممنوعیت مذکور به‌موجب ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ مجدداً مورد حکم قانون‌گذار قرار گرفته است، بنابراین تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۸۵ شورای اسلامی شهر دمشق در بخش تعیین عوارض یک درصد از درآمد مشمول مالیات هر یک از شعب بانکها خلاف قانون و خارج از حدود اختیار شورای اسلامی شهر دمشق تشخیص داده می‌شود و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت کار

تاریخ: ۸ خرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۳۶۶

کلاس پرونده: ۸۴۲/۹۷

**موضوع:** اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری در خصوص قوانین و مقررات حاکم بر روابط کارگر و کارفرما در مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری (مرتبط با نظارت بر مسائل حفاظت و بهداشت کار در مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری)

**شاکی:** آقای فرزاد احمدی

### گردش کار:

جمعی از کارکنان منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) دادخواستی به خواسته ابطال رأی شماره ۱۳۹۲/۲/۱-ش/۵۷۵ هیأت حل اختلاف سازمان منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) به شعب دیوان تقدیم کرده‌اند که در شعبه ۱۸ بدوی مورد رسیدگی قرار گرفته است. شعب ۵ و ۴ تجدیدنظر در مقام تجدیدنظرخواهی از آرای صادره از آن شعبه، آرای معارض صادر کرده‌اند. شعبه ۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری با این استدلال که مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری و دارای قانون و مقررات خاص بوده و رابطه بین کارگر و کارفرما در آن‌ها بر اساس قانون کار حل‌وفصل نمی‌گردد حکم به رد شکایت صادر کرده و شعبه ۵ تجدیدنظر با این استدلال که رأی شعبه ۱۸ وفق موازین قانونی صادر شده حکم به ورود شکایت صادر کرده است.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۳۹۲/۲/۱-ش/۵۷۵ با موضوع دادخواست آقای غلامرضا موسوی به طرفیت اداره کار و اشتغال منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) و به خواسته اعتراض به رأی شماره ۱۳۹۲/۲/۱-ش/۵۷۵ هیأت حل اختلاف به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۲/۲/۱-ش/۵۷۵-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۱۹۲۸ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است: در خصوص شکایت شاکی علیه اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی اداره کار و اشتغال ویژه اقتصادی بندر امام خمینی به خواسته اعتراض به رأی شماره ۱۳۹۲/۲/۱-ش/۵۷۵-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۱۹۲۸ هیأت حل اختلاف دیوان با بررسی مدارک ابزاری از جمله شکایت شاکی و دفاعیات مشتکی‌عنه ادعای مطروحه را مقرون به صحت تشخیص داده به استناد مواد ۴ و ۷ از مقررات نیروی انسانی بیمه و تأمین اجتماعی منطقه ویژه اقتصادی و ماده ۷ و ۳۴ و ۱۴۸ از قانون کار و ماده ۲۱ و ۲۷ از همان قانون رسیدگی هیأت بر خلاف قانون آمره است و عرف و آداب برخلاف قانون فاقد اعتبار است. لذا حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض‌عنه و ارجاع امر به هیأت هم‌عرض جهت رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌کند. این رأی برابر مواد ۱۰ و ۶۵ از قانون دیوان عدالت اداری ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل

شکایت در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رای مذکور به موجب رأی شماره ۱۴۱۵-۹۵۵۵۰۹۹۷۰۹۳۰-۹۳/۸/۲۸-شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

ب: شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۰۳۴۰ با موضوع دادخواست آقای فرزاد احمدی به طرفیت اداره کار و اشتغال منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) و به خواسته اعتراض به رأی شماره ۵۷۵/ش-۱۳۹۲/۲/۱ هیأت حل اختلاف به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۳-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۱۴۰۳ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت شاکی علیه اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی اداره کار و اشتغال ویژه اقتصادی بندر امام خمینی به خواسته اعتراض به رأی شماره ۵۷۵/ش-۱۳۹۲/۲/۱ هیأت حل اختلاف دیوان با بررسی مدارک ابرازی از جمله شکایت شاکی و دفاعیات مشتکی عنه ادعای مطروحه را مقرون به صحت تشخیص داده به استناد مواد ۴ و ۷ از مقررات نیروی انسانی بیمه و تأمین اجتماعی منطقه ویژه اقتصادی و ماده ۷ و ۳۴ و ۱۴۸ از قانون کار و ماده ۲۱ و ۲۷ از همان قانون رسیدگی هیأت بر خلاف قانون آمه است و عرف و آداب برخلاف قانون فاقد اعتبار است. لذا حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض عنه و ارجاع امر به هیأت هم‌عرض جهت رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌کند. این رأی برابر مواد ۱۰ و ۶۵ از قانون دیوان عدالت اداری ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

در اثر تجدیدنظرخواهی اداره کار و اشتغال منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی از رأی مذکور شعبه ۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۷۸-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۴۰-۱۳۹۳/۸/۲۵-چنین رأی صادر می‌کند.

اولاً: ماده ۴ استنادی شعبه بدوی طی ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۷ قانون برنامه چهارم توسعه حذف شده و استناد به آن مجوز قانونی ندارد. ثانیاً: ماده ۷ استنادی هم در مورد تنظیم قرارداد است ضمن آن که منظور از قرارداد را قرارداد کتبی دانسته نتیجتاً چنانچه رابطه کارگر و کارفرما بر اساس اظهارات شفاهاً صورت گرفته باشد قانوناً قابل امعان نظر نیست و استناد به قرارداد شفاهی موجب نقض رأی هیأت نمی‌گردد. ثالثاً: مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری دارای قانون و مقررات خاص بوده و رابطه بین کارگر و کارفرما در آن‌ها بر اساس قانون کار حل و فصل نمی‌گردد. علی‌هذا باتوجه به مراتب فوق رأی شعبه بدوی که به مقررات قانون کار و ماده ۴ منسوخه استناد نموده و نیز توجهی بر عدم وجود قرارداد کتبی و عدم ارسال لایحه ننموده است قابل نقض است. لذا مستنداً به ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی ضمن نقض رأی شعبه به شماره ۱۳ صادره از شعبه حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

ج: شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۸۱۹۶ با موضوع دادخواست آقای محمدرضا کردستانی به طرفیت اداره کار و اشتغال منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) و به خواسته اعتراض به رأی شماره ۵۷۵/ش-۱۳۹۲/۲/۱ هیأت حل اختلاف به موجب دادنامه شماره ۱۹۰۶-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۱۴۰۳ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت شاکی علیه اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی اداره کار و اشتغال ویژه اقتصادی بندر امام خمینی به خواسته اعتراض به رأی شماره ۵۷۵/ش-۱۳۹۲/۲/۱ هیأت حل اختلاف دیوان با بررسی مدارک ابرازی از جمله شکایت شاکی و دفاعیات مشتکی عنه ادعای مطروحه را مقرون به صحت تشخیص داده به استناد مواد ۴ و ۷ از مقررات نیروی انسانی بیمه و تأمین اجتماعی منطقه ویژه اقتصادی و ماده ۷ و ۳۴ و ۱۴۸ از قانون کار و ماده ۲۱ و ۲۷ از همان قانون رسیدگی هیأت بر خلاف قانون آمه است و عرف و آداب برخلاف

قانون فاقد اعتبار است. لذا حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض عنه و ارجاع امر به هیأت هم‌عرض جهت رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌کند. این رأی برابر مواد ۱۰ و ۶۵ از قانون دیوان عدالت اداری ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۲۶۹-۹۵۵۵۰۹۹۷۰۹۳۰۹۳۰۸/۱۴-۱۳۹۳/۸ شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

د: شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۰۳۶۲ با موضوع دادخواست آقای محمود لایامی پور به طرفیت اداره کار و اشتغال منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) و به خواسته اعتراض به رأی شماره ۵۷۵/ش-۱۳۹۲/۲/۱ هیأت حل اختلاف به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۱۸۰۹۹۷۰۹۲۰۹۲۴/۶/۱۳۹۲ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت شاکی علیه اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی اداره کار و اشتغال ویژه اقتصادی بندر امام خمینی به خواسته اعتراض به رأی شماره ۵۷۵/ش-۱۳۹۲/۲/۱- هیأت حل اختلاف دیوان با بررسی مدارک ابرازی از جمله شکایت شاکی و دفاعیات مشتکی عنه ادعای مطروحه را مقرون به صحت تشخیص داده به استناد مواد ۴ و ۷ از مقررات نیروی انسانی بیمه و تأمین اجتماعی منطقه ویژه اقتصادی و ماده ۷ و ۳۴ و ۱۴۸ از قانون کار و ماده ۲۱ و ۲۷ از همان قانون رسیدگی هیأت بر خلاف قانون آمره است و عرف و آداب برخلاف قانون فاقد اعتبار است. لذا حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض عنه و ارجاع امر به هیأت هم‌عرض جهت رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌کند. این رأی برابر مواد ۱۰ و ۶۵ از قانون دیوان عدالت اداری ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

در اثر تجدیدنظرخواهی اداره کار و اشتغال منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی از رأی مذکور، شعبه ۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۷۷-۹۵۵۴۰۹۹۷۰۹۳۰۹۳۰۸/۲۵-۱۳۹۳/۸ چنین رأیی صادر می‌کند.

اولاً: ماده ۴ استنادی شعبه بدوی طی ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۷ قانون برنامه چهارم توسعه حذف شده و استناد به آن مجوز قانونی ندارد. ثانیاً: ماده ۷ استنادی هم در مورد تنظیم قرارداد است ضمن آن که منظور از قرارداد را قرارداد کتبی دانسته نتیجتاً چنانچه رابطه کارگر و کارفرما بر اساس اظهارات شفاهاً صورت گرفته باشد قانوناً قابل امعان نظر نیست و استناد به قرارداد شفاهی موجب نقض رأی هیأت نمی‌گردد. ثالثاً: مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری دارای قانون و مقررات خاص بوده و رابطه بین کارگر و کارفرما در آن‌ها بر اساس قانون کار حل و فصل نمی‌گردد. علی‌هذا با توجه به مراتب فوق رأی شعبه بدوی که به مقررات قانون کار و ماده ۴ منسوخه استناد نموده و نیز توجهی بر عدم وجود قرارداد کتبی و عدم ارسال لایحه ننموده است قابل نقض است. لذا مستنداً به ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی ضمن نقض رأی شعبه به شماره ۱۳ صادره از شعبه حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.  
ثانیاً: مطابق ماده ۲ مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری صنعتی

جمهوری اسلامی ایران موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۴۳۳۰/ت ۲۵ ک-۱۶/۳/۱۳۷۳ اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران، کلیه کارگران، کارفرمایان و کارگاه‌های واقع در مناطق آزاد، مشمول مقررات تصویب‌نامه مذکور هستند و در ماده ۵ همان مصوبه، وزارت کار و امور اجتماعی به‌واسطه ایجاد واحد کار و خدمات اشتغال در هر یک از مناطق آزاد بر تنظیم امور بازار کار، نظارت بر مسائل حفاظت و بهداشت کار و سایر امور اقدام می‌کند و به‌موجب بند (الف) ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، اداره سازمان‌های مناطق آزاد منحصرأ بر اساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و اقتصادی و صنعتی و اصلاحات بعدی آن و قانون کار است. نظر به اینکه در موارد اجمال و ابهام و سکوت مقررات منطقه‌ای، قانون عام و سرزمینی و آمره بر موضوع حاکمیت دارد و در خصوص پرداخت مزایای انگیزشی از جمله عیدی و پاداش سنوات در مقررات منطقه ویژه اقتصادی پیش‌بینی نشده است، بنابراین مقررات قانون کار در این موارد اعمال خواهد شد و آراء صادره از شعبه هجدهم به شماره دادنامه‌های ۱۹۲۸/۱۸۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۱۹۰۶ و ۱۳۹۲/۹/۳۰-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۱۹۰۶/۲۶-۱۳۹۲/۹ که بر ورود شکایت شاکیان صادر شده است، همچنین آراء شعبه پنجم تجدیدنظر به شماره دادنامه‌های ۱۲۶۹/۱۲۶۹۰۹۵۵۵۰۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۱۴۱۵ و ۱۳۹۳/۸/۱۴-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۱۴۱۵ که بر تائید آراء یاد شده شعبه هجدهم صادر شده است، صحیح و موافق قانون و مقررات تشخیص شد. این رأی با استناد به بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - تأسیس مؤسسات پزشکی

تاریخ: ۱۲ تیر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۹۳۲

کلاس پرونده: ۶۵۱/۹۶

**موضوع:** عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۲/۱۷-۷۰۰/۹۲/۱۵۴۲۲-۸۸۰۲۴-۱۳۹۶/۴/۳۱ اعلام کرده است که: ناظر به چگونگی صدور پروانه فعالیت و تأسیس مؤسسات برای ارائه خدمات تخصصی و بعضاً حاکمیتی سازمان بهزیستی)

### شاکی: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

معاون حقوقی و نظارت همگانی و رئیس کمیسیون تطبیق مصوبات دستگاه‌های اداری با قانون در سازمان مذکور، به موجب شکایت‌نامه شماره ۸۸۰۲۴-۱۳۹۶/۴/۳۱ اعلام کرده است که:

"حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی، رئیس محترم دیوان عدالت اداری، سلام‌علیکم. احتراماً به استحضار می‌رساند: بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۲/۱۷-۷۰۰/۹۲/۱۵۴۲۲-۸۸۰۲۴-۱۳۹۶/۴/۳۱ رئیس وقت سازمان بهزیستی کشور در این سازمان بررسی شد. توجه جنابعالی را به نتایج بررسی‌ها به شرح زیر جلب می‌نماید:

۱- در مصوبه مذکور آمده است: "پیرو بخشنامه‌های شماره ۸۰۴/۲۰۳۸-۱۳۸۵/۸/۱۰ و ۸۰۰/۸۵۰-۸۰۰/۸۵۰-م/۱۱-۱۳۸۷/۵/۱۶ و به استناد مصوبات جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۸ کمیسیون عالی ماده ۲۶ در خصوص صدور مجوز تأسیس مراکز و مؤسسات غیردولتی برای کارکنان سازمان بهزیستی موارد ذیل اعلام می‌گردد:

در خصوص اعطای پروانه تأسیس جهت ایجاد مؤسسات غیردولتی، عضویت کلیه کارکنان به‌عنوان عضو هیأت مدیره بلامانع ولی عضویت آنان با سمت مدیرعامل و بازرس موسسه ممنوع می‌باشد. در خصوص تأسیس مراکز غیردولتی صدور پروانه فعالیت برای رئیس سازمان، معاونین رئیس سازمان، مدیران کل استانی و ستادی ممنوع می‌باشد. در صورت موافقت کتبی رئیس سازمان، معاونین سازمان و مدیران کل استانی می‌توانند پروانه فعالیت مراکز غیردولتی را دریافت نمایند. همچنین در صورت موافقت کتبی معاونین سازمان، صدور پروانه فعالیت برای مدیران کل ستادی مربوطه نیز بلامانع می‌باشد."

۲- سازمان بهزیستی کشور طی سنوات گذشته در اجرای ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت اقدام به تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌های شماره ۸۰۴/۲۰۳۸-۱۳۸۵/۸/۱۰ و ۸۰۰/۸۵۰-م/۱۱-۱۳۸۷/۵/۱۶ مبنی بر خودداری از صدور موافقت اصولی و پروانه فعالیت مراکز برای ریاست و معاونین سازمان، مشاوران رئیس سازمان، مدیران کل ستادی و استانی، معاونین و مشاورین مدیران کل ستادی و استانی، روسای بهزیستی شهرستان‌ها، کارشناسان ناظر و مربوطه، مسئولان حراست، روسای اداری، مالی و اشتغال و مسئولان بازرسی و امور حقوقی در سازمان نموده است.

۳- در بخشنامه صدرالذکر برخی از محدودیت‌ها بخشنامه قبلی تعدیل و حکم قانون محدود شده است و مفهوم مخالف بخشنامه مذکور این است که اولاً: سایر کارکنان سازمان بهزیستی اجازه تأسیس مراکز توان بخشی را داشته و ثانياً: با قیود قسمت اخیر بخشنامه همه مدیران آن سازمان می‌توانند مجوز برای تأسیس مراکز مذکور اخذ نمایند، این در حالی است که در بند (الف) و (ب) ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، تنها اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی با داشتن صلاحیت‌های فنی لازم می‌توانند اقدام به دریافت مجوز فعالیت از سازمان بهزیستی نمایند. همچنین به استناد تبصره (۱) ماده مذکور نهادهای متشکل از کارکنان دستگاه‌های واگذارکننده مشروط بر قطع رابطه استخدامی آن‌ها با دستگاه‌های دولتی می‌توانند طرف قرارداد سازمان بهزیستی باشند، بنابراین بخشنامه صدرالذکر خلاف قانون می‌باشد. بنا به مراتب و در اجرای تبصره (۲) ماده (۲) قانون تشکیل این سازمان خواهشمند است خلاف قانون بودن مصوبه مورد اشاره در هیأت عمومی آن دیوان مطرح و به‌طور فوق‌العاده و خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار گیرد. موجب امتنان است از تصمیم متخذه این سازمان را مطلع فرمایید."

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:  
"مدیران کل محترم بهزیستی استان‌ها"

سلام‌علیکم

با صلوات بر محمد و آل محمد (ص) و احترام، پیرو بخشنامه‌های شماره ۸۰۴/۲۰۳۸-۱۳۸۵/۸/۱۰ و ۸۵۰/۸۵۰-۸۰۰/۱۱-م/۱۶/۵/۱۳۸۷ و به استناد مصوبات جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۸ کمیسیون عالی ماده ۲۶ در خصوص صدور مجوز تأسیس مراکز و مؤسسات غیردولتی برای کارکنان سازمان بهزیستی موارد ذیل اعلام می‌گردد:

در خصوص اعطای پروانه تأسیس جهت ایجاد مؤسسات غیردولتی، عضویت کلیه کارکنان به‌عنوان عضو هیأت مدیره بلامانع ولی عضویت آنان با سمت مدیرعامل و بازرس موسسه ممنوع می‌باشد.  
در خصوص تأسیس مراکز غیردولتی صدور پروانه فعالیت برای رئیس سازمان، معاونین رئیس سازمان، مدیران کل استانی و ستادی ممنوع می‌باشد.

در صورت موافقت کتبی رئیس سازمان، معاونین سازمان و مدیران کل استانی می‌توانند پروانه فعالیت مراکز غیردولتی را دریافت نمایند. همچنین در صورت موافقت کتبی معاونین سازمان، صدور پروانه فعالیت برای مدیران کل ستادی مربوطه نیز بلامانع می‌باشد."

علی‌رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضمائم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۱۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: نظر به اینکه بخشنامه مورد شکایت ناظر به چگونگی صدور پروانه فعالیت و تأسیس مؤسسات برای ارائه خدمات تخصصی و بعضاً حاکمیتی سازمان بهزیستی موضوع اصول ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی و قانون راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور می‌باشد، بنابراین از مصادیق شرکت‌ها و مؤسسات تجاری که طبق قانون منع تصدی بیش از یک شغل کارکنان دولت مجاز به عضویت در هیأت مدیره آن‌ها نمی‌باشند، خارج است و

صدور آن مطابق ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت جزء اختیارات و صلاحیت‌های سازمان بهزیستی است.

ثانیاً: بندهای (الف) و (ب) ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت صرفاً متضمن جواز واگذاری امکان ارائه خدمات موضوع ماده ۲۶ قانون مرقوم و صدور جواز فعالیت آن خدمات برای اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی بوده و مبین ممنوعیت فعالیت کارکنان بهزیستی در ارائه خدمات موصوف نمی‌باشد در نتیجه بخشنامه مورد شکایت مغایرتی با بندهای (الف) و (ب) ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ندارد.

ثالثاً: شرایط تبصره ۱ ذیل بند (د) ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ناظر به حکم بند (د) ماده مرقوم است که موضوعی متفاوت با موضوع مورد حکم در بندهای (الف) و (ب) ماده ۸۸ قانون یاد شده است در نتیجه بخشنامه مورد شکایت از این حیث نیز مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۱۲ تیر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۹۳۳ الی ۹۳۵

کلاس پرونده: ۷۱۴/۹۵، ۸۷۳/۹۵، ۹۰۸/۹۵

**موضوع:** عدم ابطال بند ۱۸ تعرفه شماره ۲۰۳۴ مصوب ۱۳۹۵ و تعرفه شماره ۲۰۳۸ مصوب سالهای ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ و تعرفه شماره ۲۰۳۷ مصوب سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مصوب شورای اسلامی شهرضا در خصوص عوارض سالیانه فعالیت فعالان اقتصادی مشمول و غیر مشمول نظام صنفی (مرتبط با عوارض محل فعالیت موسسات پزشکی)

**شاکي:** آقایان بهرام عربلو و بابک رجائی و خانم مریم علی اکبری

### گردش کار:

الف) آقای بابک رجائی و خانم مریم علی اکبری هر یک به موجب دادخواستی جداگانه ابطال تعرفه شماره ۲۰۳۴ موضوع عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر شهرضا را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

"با عرض سلام و احترام به استحضار می‌رساند که شورای اسلامی شهر شهرضا طبق تعرفه ۲۰۳۴ جهت سال ۱۳۹۵ برای دفاتر بیمه اقدام به تصویب عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول نظام صنفی نموده است. درحالی‌که با توجه به قانون مالیات ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ شرکت‌های بیمه اعم از شعب و نمایندگی مشمول پرداخت مالیات ارزش افزوده و عوارض آن می‌باشند و حکم مقرر در تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ دلالت بر آن دارد که شوراها و شوراهای اسلامی شهر صرفاً برای تصویب عوارض محلی صلاحیت دارند. با عنایت به مقررات فوق‌الذکر و اینکه حوزه فعالیت دفاتر بیمه‌ای غیر محلی و کشوری است، به نظر می‌رسد که مصوبه شورای اسلامی شهر شهرضا به شماره ۲۰۳۴ خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهرضا می‌باشد.

در ضمن در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آراء شماره ۳۳۱ الی ۳۲۷-۱۳۹۵/۵/۱۲ با موضوع تعیین عوارض برای بانک‌ها و دفاتر بیمه و همچنین شماره دادنامه ۸۱۶ الی ۸۳۶-۱۳۹۴/۴/۱۳ با موضوع ابطال مصوبات تعدادی از شوراها و شوراهای اسلامی شهرهای کشور در خصوص وضع عوارض، (از جمله ابطال تعرفه ۲۰۴۰ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۱ در خصوص محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول قانون نظام صنفی شورای اسلامی شهر شهرضا) به صراحت مصوبه‌ها توسط دیوان عدالت اداری ابطال شده است. لذا خواهشمند است دستورات لازم جهت بررسی مصوبه فوق‌الذکر و ابطال آن را مبذول فرمایید."

ب) آقای بهرام عربلو نیز به موجب دادخواستی ابطال ردیف ۱۸ (دفاتر بیمه) تعرفه شماره ۲۰۳۴ از دفترچه عوارض سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر شهرضا و ابطال مصوبه‌های مربوط به تعرفه ۲۰۳۸

از دفترچه عوارض سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و تعرفه شماره ۲۰۳۷ سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مصوب شورای اسلامی شهر شهرضا در خصوص تعرفه عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول قانون نظام صنفی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "با سلام و احترام؛ بدین وسیله به استحضار می‌رساند: شهرداری شهرضا بر اساس مصوبه جلسه ۱۹۱- ۱۳۹۴/۱/۱۷ شورای اسلامی شهر شهرضا، طبق بند ۱۸ تعرفه شماره ۲۰۳۴ دفترچه عوارض سال ۱۳۹۵ و همچنین طبق تعرفه ۲۰۳۸ سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، تعرفه ۲۰۳۷ سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ اقدام به اخذ عوارض از دفاتر بیمه می‌نماید. اینک به دلایل زیر ابطال مصوبه‌های فوق‌الذکر مورد خواسته است:

۱- شوراهای شهر طبق بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون وظایف و انتخابات شوراهای و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۸/۳/۱ اختیار وضع عوارض را داشته ولی با تصویب قانون تجمیع عوارض به صراحت مواد ۱ و ۱۰ قانون مزبور از ابتدای سال ۱۳۸۲ برقراری و دریافت هرگونه وجوه از جمله مالیات و عوارض اعم از ملی و محلی از تولیدکنندگان کالاها، ارائه‌دهندگان خدمات و همچنین کالاهای وارداتی صرفاً به‌موجب قانون مزبور صورت می‌پذیرد و کلیه قوانین خاص و عام مغایر با این قانون و همچنین قوانین و مقررات مربوط به برقراری اختیار و اجازه برقراری و دریافت وجوه که توسط هیأت وزیران و سایر مراجع از جمله شوراهای شهر ملغی گردید.

۲- اگر چه وفق بند ۱۶ از ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، صلاحیت تصویب عوارض و همچنین تغییر نوع و میزان آن از جمله وظایف شوراهای اسلامی شهرها است اما حکم مقرر در تبصره ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ دلالت بر این معنی دارد که شوراهای اسلامی شهر برای تصویب عوارض محلی صلاحیت دارند و مجاز به تعیین و تصویب عوارض کشوری و ملی نمی‌باشند و با توجه به اینکه حوزه فعالیت بیمه‌ها کشوری می‌باشد لذا وضع و برقراری عوارض توسط شوراهای اسلامی برای بیمه‌ها از صلاحیت آن‌ها خارج است. در توضیح عوارض محلی به استحضار می‌رساند: عوارض محلی عوارضی است که حوزه عمل و شمول آن کالاها و خدمات مصرفی در محدوده آن شهر، بخش و شهرک مربوط می‌باشد و با توجه به اینکه حوزه فعالیت بیمه‌ها و شعب و دفاتر آن‌ها در نقاط مختلف کشور بوده و محلی تلقی نمی‌شود لذا وضع عوارض و بهای خدمات برای بیمه مغایر با قانون است.

۳- مطابق ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران موسوم به تجمیع عوارض، برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاها و وارداتی و همچنین آن دسته از خدمات که در ماده (۴) این قانون تکلیف مالیات و عوارض آن‌ها معین شده است. همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات و ... توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد. ممنوعیت اخذ عوارض از درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات در ماده (۵۰) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ نیز تصریح گردیده و نظر به اینکه بیمه‌ها مالیات متعلقه را در پایان سال مالی به استناد مواد (۹۳) و (۹۵) قانون مالیات‌های مستقیم پرداخت می‌نمایند، لذا اخذ عوارض موصوف علاوه بر مالیات پرداختی فاقد توجیه قانونی است چرا که به استناد ماده (۵۲) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون موسوم به تجمیع عوارض و اصلاحیه آن و سایر قوانین عام و خاص مربوط به دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض بر ارائه خدمات لغو گردیده، لذا وضع عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر و به تبع، آن اخذ توسط شهرداری‌ها غیرقانونی می‌باشد.

۴- با توجه به قوانین مذکور علاوه بر اینکه ۹ درصد از میزان فروش بیمه‌نامه تحت عنوان مالیات بر ارزش‌افزوده (۶ درصد) عوارض شهرداری (۳ درصد) توسط شرکت‌های بیمه پرداخت می‌گردد دفاتر بیمه نیز

۹ درصد از میزان درآمد خود را تحت عنوان مالیات بر ارزش افزوده (۶ درصد) عوارض شهرداری (۳ درصد) به صورت فصلی (هر سه ماه یکبار) پرداخت می نمایند.

با توجه به دلایل فوق و همچنین آراء مشابهی که در این زمینه از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر شده است از جمله می توان به شماره دادنامه ۳۲۷ الی ۳۳۱ مندرج در کلاسه پرونده ۶۲۵/۹۰، ۲۰۹/۹۳، ۷۰۱/۹۳ و ۳۵۴/۹۴ دیوان عدالت اداری (هیأت عمومی) اشاره کرد که تعیین عوارض یاد شده را خارج از صلاحیت و حدود اختیارات شورای اسلامی شهر دانسته است. لذا ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر شهرضا در جلسه ۱۹۱-۱۳۹۴/۱۱/۱۷ با موضوع تعرفه عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول قانون نظام صنفی به شماره تعرفه ۲۰۳۴ ردیف ۱۸ (دفاتر بیمه) دفترچه عوارض سال ۱۳۹۵ و همچنین ابطال مصوبه های مربوط به تعرفه ۲۰۳۸ دفترچه عوارض سال ۱۳۹۴ و سال ۱۳۹۳ و تعرفه ۲۰۳۷ و سال ۱۳۹۱ و سال ۱۳۹۲ مورد خواسته است. لازم به ذکر است که مصوبات شورای اسلامی شهر در اختیار عموم قرار داده نمی شود از این رو ارائه متن کامل مصوبه برای این جانب مقدور نمی باشد لذا صرفاً صفحه مربوط به دفترچه عوارض سال ۱۳۹۵ به پیوست ارسال می گردد."

متن تعرفه های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) تعرفه شماره ۲۰۳۴:

موضوع تعرفه: عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول قانون نظام صنفی

تاریخ اجرا از: ۱۳۹۵/۱۱

| مصوبه قبلی<br>(بهمن ۱۳۹۳) | مصوب<br>بهمن ماه ۱۳۹۴ |                                      |
|---------------------------|-----------------------|--------------------------------------|
| ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال            | ۳/۴۵۰/۰۰۰ ریال        | ۱- مراکز فیزیوتراپی                  |
| ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال            | ۳/۴۵۰/۰۰۰ ریال        | ۲- مراکز سونوگرافی                   |
| ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال            | ۳/۴۵۰/۰۰۰ ریال        | ۳- آزمایشگاهها                       |
| ۳/۳۰۰/۰۰۰ ریال            | ۳/۸۰۰/۰۰۰ ریال        | ۴- دندانپزشک                         |
| ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال            | ۴/۶۰۰/۰۰۰ ریال        | ۵- پزشکان جراح                       |
| ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال            | ۲/۸۰۰/۰۰۰ ریال        | ۶- پزشکان متخصص                      |
| ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال            | ۱/۱۵۰/۰۰۰ ریال        | ۷- پزشکان عمومی                      |
| ۱/۶۵۰/۰۰۰ ریال            | ۱/۹۰۰/۰۰۰ ریال        | ۸- دامپزشکان و داروخانه های دامپزشکی |
| ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال            | ۴/۶۰۰/۰۰۰ ریال        | ۹- داروخانه و لوازم پزشکی            |
| ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال            | ۵/۷۵۰/۰۰۰ ریال        | ۱۰- درمانگاهها صرفاً بخش خصوصی       |

|                 |                 |  |
|-----------------|-----------------|--|
| ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال  | ۲/۳۰۰/۰۰۰ ریال  | ۱۱- دفاتر وکالت                        |
| ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال  | ۶/۹۰۰/۰۰۰ ریال  | ۱۲- دفاتر اسناد رسمی                   |
| ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال  | ۳/۴۵۰/۰۰۰ ریال  | ۱۳- دفاتر اسناد رسمی ازدواج و طلاق     |
| ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال  | ۴/۶۰۰/۰۰۰ ریال  | ۱۴- آموزشگاه‌های رانندگی               |
| ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال  | ۲/۳۰۰/۰۰۰ ریال  | ۱۵- دفاتر مهندسی                       |
| ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال  | ۳/۴۵۰/۰۰۰ ریال  | ۱۶- آموزشگاه‌های زبان                  |
| ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال  | ۵/۷۵۰/۰۰۰ ریال  | ۱۷- دفاتر پست و مخابرات                |
| ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال  | ۳/۴۵۰/۰۰۰ ریال  | ۱۸- دفاتر خدمات بیمه                   |
| ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال | ۱۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال | ۱۹- کارگزاری تأمین اجتماعی و پلیس + ۱۰ |

ب) تعرفه شماره ۲۰۳۷:

موضوع تعرفه: عوارض سالیانه فعالیت فعالان اقتصادی مشمول و غیر مشمول نظام صنفی

تاریخ اجرا از: ۱۳۹۱/۱/۱

معادله محاسبه عوارض

عوارض سالانه فعالیت فعالان اقتصادی در شهر به متر مربع

الف: این عوارض با عوامل متعدد وابسته است از جمله:

- ۱- تأثیر موقعیت ملک در کسب درآمد بر حسب واقع شدن در بر خیابان‌های اصلی و فرعی، کوچه‌ها، میدان‌ها، بازار و پاساژ، راسته، چهارراه، خیابان و محلات
  - ۲- تأثیر نوع فعالیت در کسب درآمد از جمله عمده‌فروشی، نمایندگی، نمایشگاه، تجملاتی و تشریفاتی و لوکس، دفاتر شرکت‌های خدماتی و توزیعی و فنی و مهندسی و کشاورزی و ...
  - ۳- در نظر گرفتن اماکن خدماتی، بهداشتی، درمانی و ... تفاوت قائل شدن آن از حرف لوکس، تجاری، بازرگانی
- فرمول عوارض فعالیت در شهر  $A \times B \times C \times D \times E \times F =$  عوارض سالانه و حرفه بر حسب متر مربع  
A: رتبه حرفه بوده که در سه سطح به شرح زیر رتبه‌بندی می‌شود.

رتبه اول - با ضریب ۳

شامل آهن‌فروشی، آیینه و شمعدان و لوستر، آلومینیوم فروشی، اسباب‌بازی، الکتریکی، بارفروشی، بزاز، بدلیجات طلا و نقره، بانک، تریکو و پوشاک و لباس فروشی، پیمانکاری، حسابرسی، درب و پنجره فروشی، دفترخانه، رادياتور فروشی، ساعت فروشی، سنگ فروشی، صرافى‌ها، طلا و جواهرفروشی ظروف پلاستیک و آلومینیوم، فرش و موکت فروشی ماشینی قنادی، کفش فروشی، کاموا و پشم فروشی، کالای دندانپزشکی و لوازم آن کالای صوتی و تصویری و لوازم کامپیوتر و لوازم آن گل‌فروشی، لاستیک‌فروشی، لوازم‌خانگی، لوازم بهداشتی ساختمان و لوله لوازم‌پدکی ماشین‌آلات، لوازم عکاسی، لباس زیر زنانه، لباس ورزشی، موتورسیکلت و دوچرخه و لوازم آن مقاطعه‌کاری، نوار و سی دی فروشی، نایلون و شمع و ظروف پلاستیک، نمایندگی



شورای شهر شهرضا، در مقدمه به استحضار اعضای آن هیأت می‌رساند تعرفه ضمیمه دادخواست شاکی تاکنون به هیچ‌وجه به‌تنهایی مورد مطالبه این شهرداری قرار نگرفته زیرا تعرفه مذکور مصوب سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ می‌باشد که تاکنون دفاتر بیمه از پرداخت آن خودداری کرده‌اند و شاکیان با ادله غیر مرتبط سعی در مصادره به مطلوب و انحراف در مسیر دادرسی را دارند. در خصوص تعرفه‌های مورد اشاره (تعرفه‌ها از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵) بدین‌وسیله موارد ذیل را در پاسخ به موارد مطروحه دادخواست ارسالی اعلام می‌دارد:

۱- نظر به اینکه عوارض محلی شهرداری در راستای اجرای تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده و همچنین بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن در محدوده قانونی حریم شهر تهیه و به تصویب شورای اسلامی شهر رسیده، ملاک عمل برای شهرداری در محاسبات کلیه عوارض دفترچه عوارض موصوف می‌باشد. لذا نظر به اینکه مصوبات شورای شهر پس از سیر مراحل قانونی برای کلیه ساکنان آن شهر حکم قانون را داشته، لازم‌الاجراست؛ بنابراین پرداخت عوارض برای کلیه دفاتر بیمه در سطح شهر الزامی است.

۲- در خصوص حدود اختیارات شوراها در زمینه وضع عوارض محلی به آگاهی می‌رساند: عوارض مورد مطالبه شهرداری از نوع فعالیت دفاتر بیمه که قانون خاص و عام بر دفاتر دلالت دارد نیست زیرا نوع فعالیت شرکت‌های بیمه از نظر چگونگی ارائه خدمات، در سطح ملی است ولی محل استقرار دفاتر بیمه که در محدوده قانونی شهر قرار گرفته و دارای فعالیتی از نوع بازاریابی و کسب درآمد به‌صورت شخصی می‌باشد که در جهت فروش انواع بیمه‌نامه‌ها که نوعی فعالیت بازاریابی بوده، میسر می‌گردد. لذا با عنایت به اینکه محل استقرار دفاتر در سطح شهر شهرضا بوده و این استقرار خواه‌ناخواه عوارضی را به شهر به‌صورت آشکارا و پنهان وارد می‌نماید و به همین دلیل شهرداری عوارضی را تحت عنوان عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول نظام صنفی (محل استقرار) که پس از طی مراحل قانونی، از دفاتر بیمه مطالبه نموده و از آنجا که شهرداری‌ها متولی اداره امور شهر می‌باشند، در جهت تکافوی هزینه‌های شهر، شوراهای اسلامی هر شهر به استناد قوانین صدرالاشاره مجاز به وضع و تصویب عوارض محلی می‌باشند.

۳- الف- در ابتدا متذکر می‌گردد با اجرایی شدن قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، قانون موسوم به قانون تجمیع عوارض مورد اشاره شاکیان، منسوخ گردیده است، ولی چنانچه منسوخ نیز نگردیده بود مطابق ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (قانون موسوم به قانون تجمیع عوارض) که دلالت بر منع برقراری هرگونه عوارض به انواع کالاهای وارداتی داشته و در ماده ۴ همین قانون آن دسته از خدمات که ذکر نام گردیده قانون‌گذار منع برقراری عوارض را یادآور گردیده است که با بررسی بند و تبصره‌های ماده ۴ در خصوص نوع خدمات بیمه به‌صورت خاص و یا حتی عام موردی عنوان نگردیده چرا که اگر قانون‌گذار منعی در جهت اخذ عوارض از نوع خدمات بیمه را نیز مد نظر داشت به‌صورت خاص مانند سایر موارد یادآور می‌گردید. مجدداً متذکر می‌گردد عوارض مورد مطالبه شهرداری از نوع خدمات دفاتر بیمه نمی‌باشد که حتی در صورتی که در قانون صدرالاشاره متذکر می‌گردید ایجاد مانع نماید بلکه عوارض مورد مطالبه شهرداری، از محل استقرار دفاتر بیمه که در محدوده شهر شهرضا است، می‌باشد و ارتباطی به نوع خدمت یا خدمات دفاتر بیمه که به‌صورت ملی است به‌هیچ‌وجه از انحاء ندارد. همان‌طور که مؤدی اذعان نموده بیمه‌ها، مالیات متعلقه را که در پایان سال مالی بر اساس مواد (۹۳) و (۹۵) قانون مالیات‌های مستقیم پرداخت می‌نمایند، کاملاً صحیح می‌باشد چرا که مواد ذکر شده در ذیل فصل چهارم همین قانون با عنوان مالیات بر درآمد، مشاغل بحث می‌نماید ولی مؤدی به این نکته توجه ننموده که اولاً: عوارض و مالیات دو مقوله جدا از هم می‌باشد که توسط دو سازمان مجزا، جذب و حتی نحوه هزینه آن نیز

به صورت کاملاً متفاوت می‌باشد. ثانیا: مأخذ اخذ عوارض مورد مطالبه شهرداری از درآمد دفاتر بیمه نمی‌باشد و همان طور که قبلاً نیز ذکر گردید با توجه به عنوان تعرفه مذکور (اخذ عوارض از محل استقرار دفاتر) می‌باشد که ارتباطی با مأخذ درآمد دفاتر ندارند. دفاتر بیمه می‌توانند در هر نقطه از شهر که منع قانونی نداشته باشند اقدام به باز نمودن دفتر خود نموده و بنا به استعداد و ظرفیت خویش اقدام به کسب درآمد به هر میزان نمایند و از نظر شهرداری نیز معنی در این خصوص نیز عنوان نگردیده است. جز اینکه در هر محل از محدوده شهر با هر میزان از درآمد به علت ایجاد عارضه‌های آشکار و پنهان به شهر باید عوارض متعلق به خود را پرداخت نمایند.

۴- در خصوص استنادات ارائه شده به شهرداری از جمله مکاتبات سندیکای بیمه‌گران ایران و بیمه مرکزی مبنی بر مستثنی بودن شرکت‌های بیمه از پرداخت عوارض محلی مبنی بر عدم اخذ عوارض موصوف از دفاتر بیمه با موضوع عوارض غیرقانونی برقرار شده بر درآمدهای ناشی از حق بیمه خطاب به وزیر کشور و وزیر امور اقتصاد و دارایی و ... به آگاهی می‌رساند همان‌طور که از موضوع نامه موصوف مشخص می‌گردد عوارض مورد درخواست سایر شهرداری‌ها، از درآمدهای ناشی از حق بیمه می‌باشد که با موضوع عوارض مورد مطالبه شهرداری با عنوان عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول نظام صنفی بسیار متفاوت است. لازم به ذکر است بر اساس تبصره ذیل ماده ۱۸۱ قانون برنامه پنجم توسعه هرگونه تخفیف، بخشودگی حقوق و عوارض شهرداری‌ها توسط دولت و قوانین مصوب، منوط به تأمین آن در بودجه سالانه کشور است. در غیر این صورت بخشودگی و تخفیف حقوق و عوارض شهرداری ممنوع است.

۵- به استناد آراء هیأت عمومی شماره ۲۲۰-۱۳۹۱/۴/۲۶ در خصوص اخذ عوارض با عنوان کسب و پیشه از بانک‌ها و در خصوص دادنامه‌های ۸۱۶ الی ۸۳۶ که مربوط به عوارض کسب و پیشه بانک‌ها و عوارض سالیانه، ماهانه، افتتاح و بهای خدمات برای بانک‌ها و عابر بانک‌ها و همچنین ۳۳۱ الی ۳۲۷ بهای خدمات از بانک‌ها، بهای خدمات از دفاتر بیمه، عوارض تابلو و ... دادنامه ۷۱۰ در خصوص اخذ عوارض تابلو بانک‌ها، می‌باشد که حتی از نظر عنوانی با تعرفه عوارض این شهرداری (محل استقرار) مطابقت نداشته و ندارد.

در خصوص منع اخذ عوارض با توجه به قانون مالیات بر ارزش افزوده معروض می‌دارد اجرای قانون موصوف منعی در جهت اخذ عوارض یاد شده نبوده و نیست چرا که ارزش افزوده (مالیات و عوارض) حاصل از نوع فعالیت دفاتر بیمه بر اساس همین قانون پس از ارائه خدمات، به مصرف‌کننده نهایی، ارزش افزوده حاصل از خدمت ارائه شده را وصول و پس از مدت مقرر شده مکلف به پرداخت آن به اداره امور مالیاتی (اداره دارایی) می‌باشد در واقع دفاتر بیمه در این خصوص حکم امانت‌داری را دارد (که باید ظرف مدت مقرر این امانت که همان ارزش افزوده خدمات است، از مصرف‌کننده نهایی اخذ نموده و تأدیه نماید) با این وصف دفاتر بیمه عوارض موضوع تعرفه مورد اشاره را نه تنها پرداخت ننموده بلکه مشخص می‌گردد از زمان اجرایی شدن حتی قانون مالیات بر ارزش افزوده، منعی جهت وصول این عوارض که بتوان به عنوان عوارض مضاعف فرض نمود وجود ندارد و حتی با وجود اینکه مأخذ درآمد دفاتر بیمه زیر چتر قانون مالیات بر ارزش افزوده قرار می‌گیرد و توسط اداره امور مالیاتی وصول می‌گردد با توجه به عنوان تعرفه عوارض محلی شهرداری شهرضا در خصوص دفاتر بیمه نظر به اینکه از نظر مأخذ اخذ که بابت محل استقرار دفاتر در سطح شهر که شهرداری وصول آن را ادعا می‌کند، متفاوت می‌باشد.

۶- به استناد نامه شماره ۳۹۲۳۲-۱۱/۸/۱۳۹۵ دفتر برنامه‌ریزی و بودجه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کل کشور وضع عوارض بر دفاتر بیمه به صورت محلی با نحوه محاسبه مساحت و موقعیت را بلا مانع اعلام نموده است.

لذا نظر به اینکه قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۵۲۲۰۱/۳۰/۹۲-۱۳۹۲/۸/۱۹ نظر

فقهای شورای نگهبان مبنی بر عدم مغایرت تعرفه عوارض محلی را اعلام کرده است، بنابراین در اجرای حکم مقرر در ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان موجبی برای ابطال تعرفه یاد شده (عوارض محلی) از این حیث در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وجود ندارد و مطابق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی آن تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود، از جمله وظایف شورای شهر می‌باشد و به موجب تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷، شوراهای اسلامی شهر و بخش، جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آن‌ها در این قانون مشخص نشده باشد موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن هر سال برای اجراء در سال بعد تصویب و اعلان عمومی نمایند؛ بنابراین با توجه به اینکه تعرفه عوارض محلی با رعایت مقررات قانونی مذکور به تصویب رسیده است از آن مقام عالی تقاضای رد ادعای شاکی را دارد.

علی‌هذا در اجرای دستور تصاویر تعرفه‌های عوارض محلی در این خصوص مربوط به سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ به همراه سایر استنادات اشاره شده در این لایحه جهت استحضار و بهره‌برداری مساعد به پیوست ارسال می‌گردد. شایان ذکر است تعرفه شماره ۲۰۳۷ با عنوان "عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول نظام صنفی" در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مشابه و در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ نیز مشابه بوده است. - رئیس شورای اسلامی شهر شهرضا"

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۱۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه سابقاً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۱۰۵۲-۱۳۹۶/۱۰/۱۹- مصوبه شماره ۱۳۹۴/۹/۱۷-ص-۹۴/۴۰۷۳ شورای اسلامی شهر شیراز در خصوص هزینه سالیانه خدمات از کلیه اماکن مورد استفاده فعالان اقتصادی به استثنای مشمولین قانون نظام صنفی را خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تشخیص نداده است، بنابراین با توجه به استدلال مندرج در رأی یاد شده بند ۱۸ تعرفه شماره ۲۰۳۴ مصوبه سال ۱۳۹۵ و تعرفه شماره ۲۰۳۸ مصوبه سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و تعرفه شماره ۲۰۳۷ سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مصوب شورای اسلامی شهرضا در خصوص عوارض سالیانه فعالیت فعالان اقتصادی مشمول و غیر مشمول نظام صنفی، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب تشخیص داده نشد و قابل ابطال نیست.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - مالیات و عوارض سلامت

تاریخ: ۱۹ تیر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۲۳۷ الی ۱۲۴۰

کلاس پرونده: ۳۹۲/۹۶، ۶۷/۹۶، ۲/۹۶، ۱۲۶۳/۹۵

**موضوع:** ابطال تبصره بند ۲۸ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر لواسان و ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر لواسان مبنی بر وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از تفکیک مندرج در ذیل بند ۱۵ تعرفه عوارض شهرداری لواسان در سال ۱۳۹۵ (در خصوص عوارض تخلفات ساختمانی اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی و اداری کاربری‌های فرهنگی، آموزشی و مذهبی و کاربری بهداشتی و درمانی)

شاکلی: ۱- شریف شریفی نارانی با وکالت ناصر یوسفی هزاری ۲- امیر کفشینه پور با وکالت بهمن رنجبر و عباس پور ابراهیمی آرانی ۳- کمال الدین کیانی ۴- رضا جعفری امجد و مریم جعفری امجد و نرگس پهلوان میرآقا با وکالت خلیل رزمجو

### گردش کار:

الف) آقای ناصر یوسفی هزاری به وکالت از آقای شریف شریفی نارانی به موجب دادخواستی ابطال مصوبه یکصد و یکمین جلسه مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۴ شورای اسلامی شهر لواسان در خصوص: (۱) عوارض تخلفات ساختمانی در قالب عوارض پذیره، اضافه تراکم یا مازاد تراکم و عوارض زیربنای اضافه برای پرونده‌های طرح شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی و اداری کاربری‌های فرهنگی، آموزشی و مذهبی و کاربری بهداشتی و درمانی، (۲) عوارض ارزش افزوده: الف- حاصل از تبدیل کاربری ب- حاصل از توسعه شهری ج- ورود به محدوده قانونی ناشی از طرح تعریض یا توسعه شهری د- عوارض ناشی از تفکیک و (۳) بهای خدمات و حق بازدید و کارشناسی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام و تحیات. احتراماً به استحضار می‌رساند این‌جانب ناصر یوسفی هزاری به وکالت از آقای شریف شریفی نارانی در خصوص مصوبه شورای شهر لواسان (مصوبه یکصد و یکمین جلسه شورای لواسان مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۴ بخش پیوستی مربوطه از دفترچه عوارض شهرداری لواسان راجع به ۱- عوارض تخلفات ساختمانی در قالب عوارض پذیره، اضافه تراکم یا مازاد تراکم و عوارض زیربنای اضافه برای پرونده‌های طرح شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی و اداری کاربری‌های فرهنگی، آموزشی، ورزشی و مذهبی و کاربری بهداشتی و درمانی ۲- عوارض ارزش افزوده: الف) حاصل از تبدیل کاربری، ب) حاصل از توسعه شهری، ج) ورود به محدوده قانونی ناشی از طرح تعریض یا توسعه شهری د) عوارض ناشی از تفکیک. ۳- بهای خدمات و حق بازدید و کارشناسی، به شرح خواسته با توجه به خروج شورا از حدود اختیارات خود و تصویب مقرر بر خلاف مفاد قانونی، درخواست ابطال مصوبه را در سه بخش ذیل استدعا دارد: بخش اول: مشخصات مصوبه مورد اعتراض شورای شهر لواسان در بند ۱ دفترچه تعرفه عوارض شهرداری سال

۱۳۹۵ در خصوص عوارض زیر بنا جهت صدور پروانه و عوارض زیربنای اضافه برای پرونده‌های طرح شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ با در نظر گرفتن مفاد نامه شماره ۸۵۹۶۶/۳۴-۱۳۸۶/۷/۷ مدیرکل امور شهرداری‌های وزارت کشور به شرح جدول ذیل محاسبه می‌نماید:

| ردیف | مساحت                   | ضریب فرمول محاسباتی | حداقل عوارض هر متر مربع |
|------|-------------------------|---------------------|-------------------------|
| ۱    | تا ۱۷۰ متر مربع         | P.S                 | ۲۰۰۰۰                   |
| ۲    | تا ۳۲۰ متر مربع         | .S۳/۱P.             | ۲۲۰۰۰                   |
| ۳    | تا ۴۷۰ متر مربع         | .S۷/۱P.             | ۲۴۰۰۰                   |
| ۴    | تا ۶۲۰ متر مربع         | .S۸/۱P.             | ۲۶۰۰۰                   |
| ۵    | تا ۷۷۰ متر مربع         | .S۷P.               | ۲۸۰۰۰                   |
| ۶    | از ۷۷۱ متر مربع به بالا | .S۸P.               | ۳۰۰۰۰                   |

و بر اساس تبصره‌های آن بند مبالغی به‌عنوان عوارض زیربنای مسکونی، تجاری صنعتی و اداری، کاربری فرهنگی، آموزشی، مذهبی و کاربری بهداشتی و درمانی مندرج در صفحه ۱ و ۲ دفترچه تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۵ بندهای یک تا چهارم بخشنامه شماره ۲۴۱۵/۱/۳-۱۳۹۶/۱۱/۳۰ غیر از صدور رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ آن عوارض را محاسبه و اخذ می‌نمایید.

بند ۲. عوارض مزاد بر تراکم مسکونی صفحه ۲ دفترچه مصوبه شورای شهر لواسان.

بند ۳. عوارض احداث زیربنای اعیانی تجاری، اداری و صنعتی. صفحه ۳ دفترچه مصوبه شورای شهر لواسان.

بند ۴. عوارض مزاد بر تراکم واحدهای تجاری، اداری و صنعتی. صفحه ۴ دفترچه مصوبه شورای شهر لواسان که از بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ شهرداری لواسان علاوه بر رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ اقدام به اخذ عوارض مذکور می‌نمایید.

با توجه به دلایل و مستندات ذیل مصوبه مذکور مغایر با ضوابط و قوانین و مقررات و خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده (شورای شهر لواسان) می‌باشد چون‌که قانون‌گذار به شرح ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن انواع تخلفات ساختمانی از جمله عدم رعایت اصول شهرسازی، فنی، بهداشتی و اضافه بنای زائد بر مساحت زیربنای مندرج در پروانه ساختمانی اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی و اداری را تبیین و مشخص نموده و تعیین و تکلیف تخلفات ساختمانی اعم از تخریب، تعطیل و اعاده به وضع مجاز و یا تعیین جریمه در صلاحیت کمیسیون‌های مقرر در ماده مزبور قرار داده توضیح این‌که با عنایت به این‌که قانون‌گذار در زمینه مرجع تعیین عوارض و کیفیت احتساب جرائم تخلفات ساختمانی و وصول آن‌ها در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها تعیین تکلیف نموده بنابراین مفاد مصوبه شورای شهر لواسان که متضمن وضع قاعده آمره در خصوص وصول عوارض پذیره و اضافه تراکم زیر بنای مزاد بر تراکم و عوارض ارزش‌افزوده از تبدیل کاربری و عوارض کسری پارکینگ بخش اول علاوه بر جرائم تخلفات ساختمانی می‌باشد خارج از حدود اختیارات قانونی شورای شهر می‌باشد توضیح این‌که ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن (تبصره ۲ و ۳) حکم بناهای مزاد بر تراکم و سایر موارد را از لحاظ نحوه رسیدگی تعیین جریمه میزان و نحوه وصول آن تعیین کرده است

به صراحت تبصره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ ماده مذکور بعد از اتخاذ تصمیم توسط کمیسیون موضوع تبصره یک آن ماده شهرداری مکلف به وصول جریمه بر اساس نظر کمیسیون می‌باشد لیکن شورای شهر لواسان بدون وجود اختیارات قانونی اقدام به صدور مصوبه فوق‌الذکر نموده و در آن علاوه بر جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ دریافت عوارض متعلقه (پذیره و اضافه تراکم و کسری پارکینگ و پیش‌آمدگی بالکن و غیره) نسبت به بنای خلاف را نیز مقرر کرده است.

این در حالی است که در ما نحن فیه قانون شهرداری صریحاً شهرداری را مکلف به وصول جریمه بر اساس نظر کمیسیون ماده ۱۰۰ کرده است. بر این اساس مصوبه فوق‌الذکر فاقد وجهت قانونی و خارج از حیطه اختیارات بوده و عدول شورای شهر لواسان از موازین قانونی می‌باشد. با عنایت به مطالب فوق‌الذکر وجوه مذکور بر خلاف ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز می‌باشد. در این قانون دریافت هر گونه وجه کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط نهادهای عمومی غیردولتی (شهرداری‌های) ممنوع شده است و از آنجاکه اخذ وجوهی به‌عنوان عوارض پذیره و عوارض اضافه بنا و عوارض پیش‌آمدگی بالکن، عوارض کسری پارکینگ و عوارض تبدیل کاربری و غیره از کمیسیون ماده ۱۰۰ را خلاف قانون شهرداری‌ها دانسته شده لذا هیچ توجیهی برای اخذ این وجوه را نپذیرفته است. توضیحاً لازم به ذکر است در موارد مشابه مصوبه‌ای از شورای شهرهای مختلف صادر شده و آنچه در دیوان عدالت اداری مطرح و منتهی به ابطال آن مصوبات گردیده است ضمن اشاره به آن موارد مغایرت مصوبه شورای شهر لواسان با آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معروض می‌دارد:

اخذ عوارض اضافه بنا و تراکم علاوه بر جریمه‌های مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ به‌غیراز این‌که خلاف مقررات می‌باشد مغایر رویه قضایی نیز هست. به‌عنوان نمونه آراء ذیل قابل‌ذکر است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعددی به صراحت اصل موضوع مورد استفاده توسط شورای اسلامی شهرها و بخشنامه‌های صادره جهت وضع و تعیین عوارض سالانه را غیرقانونی و مورد ابطال قرار داده است عبارت است از:

۱ - اخذ عوارض اضافه بنا در تخلفات ساختمانی علاوه بر جریمه مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ خلاف ماده مذکور و تبصره‌های مقرر است. با توجه به این‌که قانون‌گذار در خصوص اضافه بنا یا تخلفات ساختمانی به شرح تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری اصلاحی سال ۱۳۵۸، تعیین تکلیف کرده آن قسمت از مصوبه شورای اسلامی شهر در تجویز اخذ عوارض اضافه بنا خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع می‌باشد ابطال شده. (مستند رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۷۷۰-۱۳۹۱/۱۱/۲)

۲ - وضع قاعده آمره در خصوص وصول عوارض زیر بنا، پذیره، اضافه تراکم علاوه بر جرائم تخلفات ساختمانی خلاف قانون ابطال شده است. (مستند رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به دادنامه شماره ۳۵۴ لغایت ۳۵۸-۱۳۸۰/۱۱/۱۴)

۳ - پس از الزام مالک به پرداخت جریمه تخلفات ساختمانی، وضع عوارض خاص در خصوص احداث بنای مازاد بر تراکم مندرج در پروانه ساختمانی با احکام مقنن در باب تفویض اختیار وضع عوارض به شورای اسلامی شهر منافات و مغایرت دارد ابطال شده. (مستند رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به دادنامه شماره ۸۴۸-۱۳۸۷/۱۲/۱۱) ۴ - وضع عوارض تخلفات ساختمانی علاوه بر جریمه‌های موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مبالغی تحت عنوان‌هایی مانند عوارض اضافه بنا، پذیره از شهروندان اخذ می‌گردد خلاف قانون است و خروج از حدود اختیارات شورا است ابطال شده. (مستند رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۲۴۲-۱۳۹۵/۴/۱)

با توجه به اعلام آرای که در موارد مذکور، در روزنامه‌های رسمی حتی اعلام مستقیم آن توسط اشخاص

در شورا تأثیری در روند نادرست آن شورا نداشته و مرجع مذکور نسبت به موضوع بی‌اعتنا بوده و با ایجاد تبصره‌ها و به‌اصطلاح ایجاد شاخ و برگ اضافی به اصل موضوع ابطالی توسط هیأت دیوان عدالت اداری موجبات دور زدن قوانین و آرای آن دیوان را فراهم می‌نماید. بنا به مراتب و نظر به این‌که مصوبه شورای اسلامی شهر لوسان در خصوص عوارض تخلفات ساختمانی در قالب عوارض پذیره و اضافه تراکم با ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها مغایرت دارد وضع عوارض توسط شورای اسلامی مذکور در تجویز اخذ عوارض پذیره و اضافه تراکم خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات آن شورا می‌باشد که در رأی ۱۳۹۵/۴/۱-۲۴۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تصریح گردیده: مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر شده است: "چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید" لذا مستنداً به مواد ۱۳، بند ۱ ماده ۱۲، ۸۸ و ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه تصریح شده در بندهای فوق، شورای اسلامی شهر لوسان و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری لوسان را از زمان تصویب آن شورا و خارج از نوبت در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را دارم.

بخش دوم: مشخصات مصوبه مورد اعتراضی شورای شهر لوسان در بندهای ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۳، ۱۷، ۲۴، ۲۷ و ۲۸ دفترچه تعرفه عوارض شهرداری سال ۱۳۹۵ مبنی بر خدمات مهندسی و حق بازدید و کارشناسی صفحه‌های ۴ و ۶ دفترچه مصوبه شورای شهر لوسان. ۱ - بهای خدمات در بندهای ۵، ۶، ۷، ۱۷، ۲۴، ۲۷ و ۲۸ مصوبه مزبور شورای شهر لوسان مرقوم گردیده است عوارضی تحت عنوان بهای خدمات نسبت به مازاد تراکم برای شورای اسلامی شهر پیش‌بینی نشده است و عوارض بهای خدمات مغایر قانون و از حدود اختیار شورای اسلامی شهر خارج است ابطال شده است و تقاضای ابطال بندهای مذکور را دارد. (مستند به رأی وحدت رویه شماره ۱۲۵۹-۱۳۹۱/۹/۲۰- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)

۲ - بند ۱۳ حق بازدید، کارشناسی وضع عوارض بر درآمد حق نظاره مهندسان از این حیث که مصادیق ارائه خدمات و مأخذ محاسبه مالیات است خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر می‌باشد و ابطال گردیده. (مستند رأی وحدت رویه شماره ۶۶۴-۱۳۹۱/۹/۲۷- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)

با عنایت به این‌که اخذ وجوه در بندهای ۱ و ۲ مذکور بر خلاف ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز می‌باشد در این قانون دریافت هر گونه وجه کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط نهادهای عمومی غیردولتی (شهرداری‌ها) ممنوع شده است و با توجه به تجمع عوارضی قانون‌گذار اخذ چنین وجوهی را از ناحیه شهرداری نپذیرفته است، به استناد آرای وحدت رویه‌های موصوف ابطال شده است، تقاضای ابطال بندهای فوق مصوبه شورای لوسان را دارم.

بخش سوم: مشخصات مصوبه به مورد اعتراضی شورای شهر لوسان در بند ۹ عوارض ارزش‌افزوده حاصل از تبدیل کاربری.

قسمت ذیل تبصره بند ۱۵ عوارض ارزش‌افزوده ناشی از تفکیک.

بند ۱۷ ارزش‌افزوده ناشی از توسعه شهری.

بند ۱۸ عوارض ارزش‌افزوده ورود به محدوده قانونی ناشی از طرح‌های تعریض و توسعه شهری.

با توجه به این‌که در قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۹۰ در خصوص کسر سطوح مغایر و قدر السهم شهرداری در هنگام تقاضای تفکیک تعیین تکلیف شده است و تغییر کاربری نیز از

اختیارات کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی و شهرسازی و معماری است و با توجه به رأی شماره ۴-۱۳۹۱/۱/۱۴ و شماره ۱۹۸-۱۳۹۲/۳/۲۰ دیوان عدالت اداری به استناد مصوبه شورای شهر متقاضی مکلف به پرداخت عوارض ارزش افزوده به شهرداری برای تغییر کاربری، تفکیک، تعریض و توسعه شهری شده است. مغایر قانون است و ابطال گردیده. (مستنداً به رأی وحدت رویه شماره ۷۷۱-۷۷۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)

مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده: "چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبه بعدی الزامی است. هر گاه مراجع مربوطه مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید." نظر به این‌که رأی شماره ۱۸۱۸-۱۳۹۲/۱/۶ و رأی شماره ۳۸۱-۱۳۹۰/۹/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را در خصوص عوارض ارزش افزوده ناشی از تفکیک و افزاز به لحاظ مغایرت قانون و خروج از حدود اختیارات ابطال شده است. (مستنداً رأی شماره ۷۷۳-۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری) لذا به استناد مواد ۱۳، بند ۱ ماده ۱۲، ۸۸ و ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه تصریح شده در بندهای فوق شورای اسلامی شهر لواسان مبنی بر جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری لواسان از زمان تصویب و خارج نوبت در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را دارم.

حالی‌ه به شرح معروضه و با توجه به بطلان چنین عوارضی از ناحیه دیوان عدالت اداری و اعتراض موکل آقای شریف شریفی نارانی مستند به آراء وحدت رویه رأی دیوان عدالت اداری صورت گرفته متأسفانه مورد توجه اکثریت اعضا قرار نگرفته و با استدلال واهی و بدون توجه به قانون و رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رأی به پرداخت عوارض موکل در خصوص مازاد تراکم داده‌اند و احدی از آن عضو اعتراض موکل را وارد دانسته "و با توجه به رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری دایر بر ابطال اخذ عوارض مازاد بر تراکم (معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران) و لازم‌الاجرا بودن رأی دیوان در خصوص مورد برای کلیه دوایر و سازمان‌های دولتی، اخذ عوارض مازاد بر تراکم علاوه بر جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ غیرقانونی تشخیص و نظر خلاف آن را دارم"، اصدار رأی نموده است که حتی عضو شورا که خود سوابق قضایی داشته نسبت به رأی دیوان تمکین نموده و آن رأی را واجد ابطال دانسته متأسفانه سایر اعضا نسبت به آراء دیوان تمکین ننموده‌اند و نص صریح آراء وحدت رویه مبنی بر ابطال چنین مصوبات سایر شهرها را هم مورد توجه قرار نداده‌اند و ادعان داشته می‌بایستی از طریق هیأت این مصوبه باطل گردد تا ما بتوانیم اقدام نماییم. با توجه به این‌که دیوان عدالت اداری در آرای مشابه اخذ چنین وجهی را در شهرهای دیگر خلاف قانون قلمداد کرده و به استناد ماده ۳۰۱ که مقرر می‌دارد "کسی که عمداً یا اشتباهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند" و ماده ۳۰۲ قانون مذکور که اشعار می‌دارد: "اگر کسی که اشتباهاً خود را مدیون می‌دانست آن دین را تأدیبه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق، اخذ کرده است استرداد نماید" هم‌چنین ماده ۳۰۳ در این رابطه تصریح دارد که: "هر کسی که مالی را من غیرحق، دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است اعم از این‌که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل" شهرداری لواسان با مصوبه مذکور نسبت به اخذ چنین مبالغی خلاف قانون و من غیرحق، مبادرت می‌ورزد لذا جلوگیری از اخذ این وجوه غیرقانونی مستلزم اقدام اعضای محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بر اساس ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ مبنی بر ابطال مصوبه از زمان تصویب می‌باشد. لذا از آن ریاست تقاضای ابطال مصوبه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد ماده ۹۲ قانون تشکیلات آیین دادرسی دیوان عدالت

اداری مصوب ۱۳۹۲ و آرای وحدت رویه شماره ۷۷۳-۱۰/۷-۱۳۹۵ و ۲۴۲-۱/۴/۱۳۹۵ صادره از هیأت دیوان عدالت اداری را به شرح معروضه و خارج از نوبت استدعا دارد."

ب) آقایان بهمن رنجبر و عباس پورابراهیمی آرائی به وکالت از آقای امیر کفشینه پور به موجب دادخواستی ابطال مصوبه تعیین تعرفه عوارض شهرداری لواسان در سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر لواسان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری، با سلام و دعای خیر، احتراماً اینجانبان بهمن رنجبر و عباس پورابراهیمی آرائی به وکالت از آقای امیر کفشینه پور در خصوص مصوبه شورای اسلامی شهر لواسان راجع به عوارض تخلفات ساختمانی در قالب عوارض زیر بنا و مزاد تراکم و سایر موارد مزاد بر جریمه‌های مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها به علت خروج شورا از حدود اختیارات خود و تصویب مقرره‌ای برخلاف مواد قانونی، درخواست ابطال مصوبه مذکور را به شرح ذیل به استحضار آن عالی‌مقام معروض می‌دارد. مقدمتاً به استحضار می‌رساند شورای اسلامی شهر لواسان به موجب مصوبه‌ای مبادرت به تصویب مقرره‌ای نموده که طی آن علاوه بر جریمه‌های موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، مبالغی تحت عنوان عوارض زیربنا، مزاد تراکم و ... از شهروندان اخذ می‌گردد. با عنایت به دلایل و مستندات ذیل مصوبه مذکور مغایر با قوانین و مقررات است:

۱- ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها و تبصره‌های آن حکم بناهای مزاد تراکم و سایر موارد را از لحاظ نحوه رسیدگی، تعیین جریمه، میزان و نحوه وصول آن معین کرده است. به صراحت تبصره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ ماده مذکور بعد از اتخاذ تصمیم توسط کمیسیون موضوع تبصره ۱ آن ماده، شهرداری مکلف به وصول جریمه بر اساس نظر کمیسیون می‌باشد لکن شورا بدون وجود اختیار قانونی اقدام به صدور مصوبه‌ای نموده و در آن علاوه بر جریمه‌های کمیسیون ماده ۱۰۰، دریافت عوارض متعلقه را (عوارض زیربنا، مزاد تراکم مسکونی و درمانی و ...) نسبت به بنای خلاف مقرر کرده‌اند، این در حالی است که در مانحن فیه قانون شهرداری‌ها صراحتاً شهرداری را مکلف به وصول جریمه بر اساس نظر کمیسیون ماده ۱۰۰ نموده است.

۲- اخذ وجوه مذکور خلاف ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت می‌باشد، در این قانون دریافت هرگونه وجه، کالا یا خدمات تحت هر عنوانی از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط نهادهای غیردولتی، غیر از مواردی که در مقررات قانونی معین شده، ممنوع شده است و از آنجا که اخذ وجوهی به‌عنوان عوارض مزاد تراکم و زیر بنا خلاف قانون شهرداری‌ها، دانسته شده است هیچ‌گونه توجیهی برای اخذ این وجوه پذیرفته نیست.

۳- مطابق با ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها و تبصره‌های ذیل آن عدم رعایت الزامات مقرر برای اخذ پروانه، احداث بنا یا احداث زائد بر مندرجات پروانه ساختمانی مستلزم رسیدگی به موضوع در کمیسیون ماده ۱۰۰ و اتخاذ تصمیم آن کمیسیون به ابقای بنا یا اخذ جریمه یا قلع بنای مستحدثه با رعایت ضوابط مربوط است، بر این اساس اخذ مبالغ دیگر علاوه بر میزان جریمه‌های مقرر در رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ تحت عناوینی مانند عوارض کسر فضای آزاد، عوارض زیربنا، عوارض مزاد تراکم خلاف قانون است. (مستفاد از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۵۲۹-۱۳۹۳/۹/۲۴).

۴- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۳۵۴ الی ۳۵۸-۱۱/۴/۱۳۸۰ وضع قاعده آمره در خصوص وصول عوارض زیربنا، اضافه تراکم و تغییر کاربری علاوه بر جرائم تخلفات ساختمانی را خلاف قانون دانسته است. افزون بر آن آرای مشابهی در این خصوص به شرح ذیل مبنی بر غیرقانونی بودن اخذ عوارض علاوه بر جریمه‌های مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ صادر گردیده است.

دادنامه شماره ۸۴۸-۱۳۸۷/۱۲/۱۱-۱۳۸۷ در خصوص ابطال بند ۶ ماده ۲۵ مصوبه ضوابط تفکیک اعیانی شورای

اسلامی شهر اردبیل (اخذ عوارض علاوه بر جریمه‌های مندرج در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها) دادنامه شماره ۷۷۰-۱۱/۲-۱۳۹۱/مبنی بر اینکه اخذ عوارض اضافه بنا در تخلفات ساختمانی علاوه بر جریمه‌های مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ خلاف ماده مذکور و تبصره‌های مقرر است. دادنامه شماره ۱۵۲۹-۱۳۹۳/۹/۲۴-مبنی بر خلاف قانون بودن اخذ مبالغ زائد بر جریمه مقرر در رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ تحت عنوان عوارض کسر فضای آزاد.

دادنامه شماره ۱۸۱۸-۱۳۹۳/۱۱/۶- در خصوص بند ۳ ماده ۱۴ تعرفه عوارض محلی مصوبه ۱۳۸۹ شورای اسلامی شهر اردبیل (ابطال اخذ عوارض علاوه بر جریمه‌های مندرج در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها) ۵- همان‌طور که استحضار دارند شورای شهر تابع قانون واحد در سراسر کشور می‌باشد و امکان تغییر مقررات موضوعه حسب مناطق جغرافیایی مختلف نیست، علی‌ای‌حال اصل عدالت مالیاتی نیز اقتضا می‌کند زمانی که اخذ عوارض که از شهروندان بخشی از این کشور مغایر با قانون شناخته شده است نمی‌توان اخذ همان وجه را از شهروندان دیگر جایز و قانونی قلمداد کرد چرا که این امر با اصل ۲۰ و بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر یکسانی افراد در برابر قانون مغایر است.

۶- نظر به مراتب فوق‌الذکر و با عنایت به ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در خصوص لازم‌الرعایه بودن آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای مراجع مربوط و با لحاظ اصل ۱۰۵ قانون اساسی و ماده ۶ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۹۲/۱/۲۷ مبنی بر لزوم عدم مغایرت مصوبات شورا با موازین اسلام و قوانین و مقررات کشور و عدم خروج شورا از حدود وظایف و اختیارات، استنکاف شورای اسلامی شهر لواسان از آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و مغایرت مصوبه مبحث عنه با مقررات فوق‌الذکر محرز و مسلم است. ضمناً با توجه به فوریت امر و احتمال تخریب ملک موکل از سوی شهرداری با عنایت به اختیارات قانونی که در این مورد دارا می‌باشد و همچنین سکونت خانواده موکل در ملک مستنداً به مواد ۳۴ الی ۴۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری خواهشمند است بدو با صدور دستور موقت به‌منظور توقف عملیات اجرایی (تخریب) موافقت فرمایید.

شاکي به‌موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۴۳۵-۱۳۹۶/۷/۱۷ ثبت دفتر اداره کل هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: "احتراماً این‌جانب به وکالت از موکل در پرونده کلاسه ۲/۹۶ مطروحه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به استحضار عالی می‌رساند: با التفات و توجه به دلایل ذکر شده در دادخواست تقاضای ابطال بندهای ۱، ۲، ۴، ۱۱ و ۲۸ مصوبه تعیین عوارض سال ۱۳۹۵ لواسان را دارد." در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکیان ارسال شده بود، به‌موجب لایحه شماره ۲/۹۶-۱۳۹۶/۲/۱۲ اعلام کرده‌اند که: "ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با سلام، احتراماً پیرو اخطار رفع نقض دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص درخواست ابطال مصوبه تعیین تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ لواسان منتشره در روزنامه ایران مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ مراتب ذیل را به استحضار می‌رساند:

اولاً: مصوبه مذکور با عنایت به تاریخ تصویب آن خلاف آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حاکم بر زمان تصویب به شرح مذکور در بند ۴ درخواست می‌باشد لذا اعمال مفاد ماده ۹۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مبنی بر لزوم رعایت آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای مراجع مربوط مورد استدعاست.

ثانیاً: مصوبه مذکور مغایر با ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به شرح مذکور در بند ۲ درخواست می‌باشد علی‌هذا مصوبه موصوف از این جهت خلاف قانون می‌باشد.

ثانیاً: مصوبه مذکور در قسمت عوارض زیربنا و مزاد تراکم و وضع قواعد آمره در این خصوص علاوه بر جرمه‌های مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها به دلایل مذکور در درخواست و با عنایت به مقررات حاکم بر زمان تصویب آن خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورا می‌باشد لذا درخواست ابطال مصوبه مذکور در قسمت عوارض زیربنا و مزاد تراکم مورد استدعاست.

رابعاً: شورای شهر در مقدمه مصوبه به موقعیت جغرافیایی لواسان اشاره نموده و بر این اساس اقدام به وضع عوارض غیرعادلانه و غیرمنصفانه نموده است، مضاف بر آن در خصوص عوارض زیربنا و مزاد تراکم برخلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی خود اقدام نموده است، این در حالی است که توجیه شورا با عنایت به اصل ۲۰ و بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی مشروح در بند ۵ درخواست به هیچ‌وجه محمل قانونی ندارد.<sup>۱۱</sup>

ج) آقای خلیل رزمجو به وکالت از آقای رضا جعفری امجد و خانم مریم جعفری امجد و نرگس پهلوان میرآقا به موجب دادخواستی الزام به صدور پروانه عدم خلاف و ابطال قسمتی از مصوبه شهرداری لواسان مربوط به اخذ عوارض در سال ۱۳۹۵ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه ۲۴۲-۱۳۹۵/۴/۱ مصوبات شهرداری کرج را برای اخذ عوارض که مبنای قانونی نداشته و برخلاف مفاد تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری بوده ابطال نموده و مراتب در روزنامه رسمی کشور اعلام گردیده است و سایر شهرداری‌های کشور ملزم به رعایت و اجرای رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌باشند. متأسفانه شهرداری لواسان پس از آن که آراء کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ در شعبه ۳۱ دیوان نقض و دستور رسیدگی مجدد صادر گردید و ساختمان احداثی مشمول اخذ جرمه گردید طبق تبصره‌های ذیل ماده ۱۰۰ قانون مبلغ یک میلیارد و پنج میلیون تومان تعیین جرمه و سپس پرداخت گردید در صدور گواهی عدم خلاف که مجوز برای ادامه ساخت می‌باشد خودداری و مستند به مصوبه خود برای اخذ عوارض در سال ۱۳۹۵ که در روزنامه شماره ۱۴۳ ایران در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ منتشر گردیده با محاسباتی که انجام داده ادعای اخذ مبلغ شش میلیارد و چهارصد میلیون بابت عوارض متعلقه را دارد که پرداخت چنین وجهی برای موکلین امکان‌پذیر نبوده و از طرفی مصوبه شهرداری برای اخذ عوارض در سال ۱۳۹۵ مستند به قانون مصرح نمی‌باشد و همانند مصوبه شهرداری کرج می‌باشد و در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۸ طی نام‌های به شهرداری لواسان متذکر لیکن توجهی نمودند لذا چون مصوبه شهرداری لواسان برای اخذ عوارض در سال ۱۳۹۵ قسمتی از آن که مربوط به زمین و مسکن و ساخت‌وساز می‌باشد فاقد ریشه قانونی است استدعای ابطال آن قسمت را که از ماده ۱ تا ۲۱ مصوبه بوده و الزام شهرداری لواسان که جرمه قانونی را دریافت نموده الزام به صدور گواهی عدم خلاف دارم."

شاکي به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۷۷۶-۱۳۹۶/۹/۱۳ ثبت دفتر اداره کل هیأت عمومی و هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: "در رابطه با پرونده‌های شماره هـ/ع/۱۰۲۹/۹۶ و هـ/ع/۳۹۲/۹۶ که در رابطه با تخلف شهرداری لواسان مبنی بر وضع عوارض شهرداری در سال ۱۳۹۵ راجع به امور ساختمانی که از مختصات ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های الحاقی به آن می‌باشد تقدیم گردیده اعم از اینکه رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت هیأت عمومی دیوان و یا یکی از شعبات باشد ضمن استدعای لف‌هر دو فقره پرونده چون مربوط به امر واحدی می‌باشد را داشته و به عرض می‌رساند که در مقدمه مصوبه شهرداری که در روزنامه ایران در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ درج مبنا و منشاء مصوبه خود را بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ و بند ۱۶ ذیل ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و تبصره ۱۰ ماده ۵ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده قرار داده است که برای بی‌ارتباط بودن موارد ذکر شده با مفاد ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن به شرح زیر معروض می‌دارد:

۱- بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری مربوط به برقراری عوارض شهر مربوط به کالاهای وارداتی و صادراتی و محصولات داخلی می‌باشد و هیچ‌گونه چسبندگی با تعیین جریمه تخلفات ساختمانی ندارد بنابراین اخذ جریمه از متخلفین امور ساختمانی مستند به این ماده بر خلاف قانون می‌باشد زیرا اخذ هرگونه جریمه باید مستند به مصوبه صریح قانون‌گذار باشد و لاغیر.

۲- با ملاحظه بند ۲۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی به‌طور صریح و بدون نیاز به استدلال بی‌پایه و اساس بودن این استناد را باوجود ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن با تخلفات ساختمانی بیان می‌دارد و لذا مستند به مواد ذکر شده برای اخذ جریمه برخلاف قانون می‌باشد زیرا اخذ هرگونه وجهی از افراد باید مستند به مصوبه صریح قانون‌گذار باشد و با تشخیص هر یک از شهرداران و شوراهای اسلامی

۳- مفاد ماده ۵ قانون ارزش‌افزوده بر این است که مستند به تصمیمی که بر توسعه شهر گرفته شود مالک بدون اینکه عملی انجام داده شود به خاطر تصمیم دیگران بلاجهت صاحب ثروتی بشود و یا اینکه با عمل خلافی که مالک انجام داده باشد و تغییر در کاربری ایجاد گردد و ارزش‌افزوده حاصل شود در صورتی که ماده ۱۷ مصوبه شهرداری صرفاً با تشخیص مقام تصویب‌کننده عوارض به وجود آمده هیچ ربطی به ماده ۵ قانون ارزش‌افزوده ندارد و اصولاً موکل هیچ اعیانی موجود را به مسکونی تبدیل ننموده و کاربری عرصه یا اعیان همان است که پروانه ساختمانی بوده و تغییری حاصل نگردیده است با این ترتیب مبنا و منشاء مواد ۱، ۲ و ۱۷ مصوبه اخذ عوارض وسیله شهرداری لواسان در سال ۱۳۹۵ که در روزنامه ایران مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۵ درج و در پرونده موجود می‌باشد مستند به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی نمی‌باشد و استدعای ابطال مواد ذکر شده را از دیوان عدالت اداری دارم."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر لواسان به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۵/۸-۳۶۱ توضیح داده است که: "مدیرکل محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با سلام. احتراماً در پاسخ به درخواست آقای خلیل رزمجو موضوع پرونده کلاسه ۳۹۲/۹۶ به خواسته الزام به صدور عدم خلاف و ابطال قسمتی از مصوبه شهرداری مربوط به اخذ عوارض در سال ۱۳۹۵ اشعار می‌دارد:

۱- از آنجایی که خواسته اول شاکای الزام به صدور عدم خلاف می‌باشد و این خواسته جزء اختیارات احصاء شده هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نمی‌باشد و طرح آن در هیأت عمومی فاقد مبنای قانونی می‌باشد.

۲- با عنایت به اینکه لایحه عوارض شهرداری‌های کل کشور به تصویب شورای اسلامی آن شهر می‌رسد و مصوبه شورای شهر می‌باشد نه مصوبه شهرداری، لذا شکایت از این بابت نیز فاقد مبنای قانونی است.

۳- آنچه از همه موضوعات مطروحه مهم‌تر است منجز بودن خواسته و الزام شاکای به تبیین خواسته بر مبنای مدارک و مستندات می‌باشد که متأسفانه با مطالعه متن شکوائیه آقای خلیل رزمجو که حاوی مطالبی غیر مرتبط با لایحه عوارض است ابطال قسمتی از لایحه عوارض که مربوط به ساخت و ساز می‌باشد درخواست می‌نماید و اصولاً مشخص نمی‌باشد اعتراض مشارالیه به کدام بند تحت چه عنوان و دلایل غیرقانونی بودن آن چیست؟ لذا شکایت آقای خلیل رزمجو به دلیل عدم تجزیه و مبهم بودن خواسته فاقد مبنای قانونی است."

د) آقای کمال الدین کیانی به‌موجب دادخواستی ابطال ماده ۱ و تبصره ۳ (ماده ۲) تعرفه عوارض شهرداری لواسان در سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر لواسان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "ریاست محترم دیوان عدالت اداری، با سلام. احتراماً همان‌گونه که استحضار دارند قانون‌گذار در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها و تبصره‌های آن انواع تخلفات ساختمانی از جمله "اضافه بنای زائد بر مساحت مندرج در پروانه" و نیز "مازاد بر تراکم مجاز" را مشخص و تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم در

خصوص آن‌ها را اعم از تخریب، تعطیل و یا تعیین جریمه در صلاحیت کمیسیون مقرر در ماده مزبور قرار داده است از سوی دیگر حسب ماده ۵ قانون موسوم به تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ وضع هرگونه عوارض محلی جدید و یا افزایش هر یک از عوارض محلی را با رعایت ضوابط و مقررات مربوط، به شورای اسلامی شهر محول نموده است. نظر به اینکه پس از الزام مالک به پرداخت جریمه تخلفات ساختمانی از سوی کمیسیون مزبور، شهرداری تنها مکلف است بر اساس رأی صادره توسط کمیسیون نسبت به وصول جریمه اقدام نماید لذا وضع هرگونه عوارض در خصوص موارد مطروحه در کمیسیون و اتخاذ تصمیم شده با احکام مقنن در باب تفویض اختیار وضع عوارض به شورای اسلامی شهر منافات و مغایرت آشکار دارد.

شورای اسلامی شهر لواسان به موجب ماده ۱ و نیز تبصره ۳ ماده ۲ تعرفه عوارض شهرداری لواسان سال ۱۳۹۵ علاوه بر جریمه مصوب کمیسیون ماده ۱۰۰ در خصوص "اضافه بنا" و "مازاد بر تراکم" موضوع رأی شماره ۱۱۴۱/ص/۹۵-ک-۱۳۹۵/۱۰/۷ دریافت "عوارض زیربنا" و نیز "عوارض مازاد بر تراکم" را مصوب و شهرداری آن را در جهت صدور گواهی پایانکار در پرونده شماره ۳۶۲۴ طبق برگ شماره ۹۵۱۴۶۸-۱۳۹۵/۱۱/۴ مربوط به بنای احدائی این‌جانب در سال ۱۳۷۲ در پلاک ۸۰۷ فرعی از ۲۰ اصلی مطالبه نموده است. با توجه به مراتب فوق بندهای مذکور از مصوبه مارالذکر شورای اسلامی شهر لواسان متضمن تعیین "عوارض اضافه بنا" و نیز "عوارض مازاد بر تراکم" علاوه بر جریمه مقرر از سوی کمیسیون، خارج از حیطه اختیارات قانونی مقرر و فاقد وجهه قانونی و عدول از موازین قانونی محسوب شده و به تبع آن وصول عوارض مذکور از سوی شهرداری بر خلاف ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در جهت تضییع حقوق قانونی شهروندان و فاقد محمل قانونی می‌باشد در رابطه با وضع عوارض از سوی برخی شورای اسلامی شهرها برای تخلفات ساختمانی که قبلاً توسط کمیسیون بررسی و منجر به صدور حکم دائر بر پرداخت جریمه شده است و نیز ابطال مصوبات مربوطه آراء بسیاری از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر شده که ذیلاً به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- دادنامه شماره ۳۵۴ الی ۳۵۸-۱۳۸۰/۱۱/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بخشنامه شماره ۱۳۸۳۱-۸۰/۷۹۰-۱۳۷۹/۷/۲۵ شهرداری تهران که متضمن وضع قاعده آمره در خصوص وصول "عوارض زیربنا" "پذیره"، "اضافه تراکم" و "تغییر کاربری" علاوه بر جرائم تخلفات ساختمانی بوده است.

۲- دادنامه شماره ۸۴۸-۱۳۸۷/۱۲/۱۱ مبنی بر ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر اردبیل به دلیل آن‌که پس از الزام مالک به پرداخت جرائم تخلفات ساختمانی، وضع عوارض خاص در خصوص احداث "بنای مازاد بر تراکم" مندرج در پروانه ساختمانی با احکام قانونی مقنن مغایرت و منافات دارد.

۳- دادنامه شماره ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱-۱۳۸۶/۱۱/۱۲ مبنی بر ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر یزد به جهت آن‌که قانون‌گذار در تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها تکلیف تخلف "عدم رعایت پارکینگ و کسری آن را" معین و متخلف را بر اساس رأی کمیسیون‌های مقرر در آن ماده به پرداخت جریمه محکوم نموده لذا وضع عوارض در مورد "عدم رعایت پارکینگ و یا کسری آن" خلاف هدف و حکم مقنن بوده و غیرقانونی می‌باشد.

۴- دادنامه شماره ۷۷۰-۱۳۹۱/۱۰/۱۸ دایر بر ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر بوشهر به دلیل مغایرت قانونی دریافت "عوارض حذف یا کسر پارکینگ" پس از تعیین جریمه از سوی کمیسیون ماده ۱۰۰.

۵- دادنامه شماره ۵۳۳-۱۳۹۲/۸/۱۳ که طی آن مصوبه شورای اسلامی شهر گرگان در خصوص مطالبه عوارض "عدم نصب پنجره دوجداره و عدم اجرای سقف شیروانی با طرح سفالی رنگی" پس از رسیدگی و تعیین جریمه توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ ابطال گردیده است.

۶- دادنامه شماره ۱۹۵-۱۳۹۲/۴/۱۱ که طی آن مصوبه شورای اسلامی شهر خرم‌آباد در ارتباط با وصول عوارض از "ساختمان‌هایی که برخلاف پروانه از یک واحد به دو واحد یا بیشتر" تبدیل شده و از سوی کمیسیون ماده ۱۰۰ به پرداخت جریمه محکوم شده‌اند ابطال گردیده است.

۷- دادنامه شماره ۱۵۲۹-۱۳۹۳/۱۰/۱۴ مبنی بر ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر خرم‌آباد در خصوص دریافت عوارض "کسر فضای آزاد" به دلیل آن‌که مطابق ماده ۱۰۰ و تبصره‌های آن عدم رعایت الزامات مقرر برای احداث بنا و یا احداث بنا زائد بر مندرجات پروانه ساختمانی مستلزم رسیدگی موضوع در کمیسیون ماده ۱۰۰ و اتخاذ تصمیم آن کمیسیون بر ابقاء بنا یا اخذ جریمه می‌باشد لذا اخذ مبالغ دیگر علاوه بر جریمه مقرر از سوی کمیسیون ماده ۱۰۰ تحت عنوان "عوارض کسر فضای آزاد" خلاف قانون می‌باشد.

۸- دادنامه شماره ۸۶۹-۱۳۹۴/۷/۲۲ که طی آن مصوبه شورای اسلامی شهر یزد در خصوص دریافت "عوارض حذف و یا کسر پارکینگ" پس از تعیین تکلیف موضوع از سوی کمیسیون ماده ۱۰۰ و تعیین جریمه حسب آراء متعدد صادره قبلی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است (۷۷۰-۱۳۹۱/۱۸/۱۰ و ۱۹۷ الی ۱۰۰-۱۳۹۲/۲/۱۶ و ۱۱۶-۱۳۹۳/۲/۲۲)

۹- دادنامه شماره ۱۲۵۹-۱۳۹۴/۱۲/۱۲ که طی آن مصوبه شورای اسلامی شهر اردبیل در ارتباط با وصول "عوارض بهای خدمات نسبت به مازاد بر تراکم" از مالکینی که پرونده تخلفات ساختمانی آن‌ها پیشتر توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ رسیدگی و منجر به صدور حکم بر پرداخت جریمه شده بود ابطال گردیده است. ۱۰- دادنامه شماره ۱۱۶-۱۳۹۲/۲/۲۳ که طی آن مصوبه شورای اسلامی شهر شیروان در خصوص دریافت "عوارض کسر یا عدم تأمین پارکینگ" به دلیل مغایرت صریح با تبصره ۵ ماده ۱۰۰ و متعاقب پرداخت جریمه ابطال گردیده است.

۱۱- دادنامه شماره ۱۰۴۱-۱۳۹۳/۶/۲۴ که طی آن بخشنامه شهرداری زنجان در خصوص اخذ هرگونه تعهد یا تحمیل هرگونه شرایط به مالکینی که پرونده آن‌ها به لحاظ تخلفات ساختمانی از سوی کمیسیون ماده ۱۰۰ رسیدگی و منجر به دریافت جریمه شده باطل شده است.

با عنایت به ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و رأی هیأت عمومی شماره ۱۰۱۸-۱۳۹۳/۶/۱۷ و نیز با استناد به آراء صدرالذکر که در موارد مشابه صادر شده، ابطال ماده ۱ و نیز تبصره ۳ ماده ۲ تعرفه عوارض شهرداری مصوب سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر لوانسان مورد استعنا می‌باشد. ضمناً در خصوص خلاف شرع بودن مصوبه موصوف ادعا و شکایت ندارم."

متن تعرفه در قسمت‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) بند (۹) عوارض ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری:

۹- عوارض ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری: برای محاسبه عوارض ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری در صورتی که هنگام صدور پروانه احداث بنا، امکان تأمین توقفگاه مطابق دستورالعمل‌های شماره ۱۳۷۱/۶/۴-۱۰۷۴۰/۱/۳/۳۴ و ۱۳۹۴/۸/۲۰-۹۴/۴۲/۴۰۷۷۹ وزارت کشور برای مالکین فراهم نباشد شهرداری می‌بایست نسبت به وصول عوارض ارزش افزوده ناشی از تبدیل کاربری به شرح ذیل عمل نماید.

$$K \times P \times K (\text{متر}^2 \text{ یک واحد توقفگاه}) = (25 \text{ متر مربع})$$

در فرمول  $K$  ضریب مربوط به بناهای با کاربری مسکونی برابر ۱۲ و کاربری تجاری ضریب ۱۵ و واحدهای صنعتی و مشاغل مزاحم شهری و اداری ضریب ۱۵ و سایر بناها ضریب ۱۵ می‌باشد.

تبصره یک: عوارض عدم امکان تأمین توقفگاه در فرمول فوق‌الذکر نباید از سی میلیون ریال کمتر باشد. تبصره دو: در مواردی که توقفگاه تأمین نشده در کمیسیون ماده صد مشمول جریمه گردیده علاوه

بر جریمه می‌بایست عوارض ارزش‌افزوده حاصل از تبدیل کاربری را نیز پرداخت نماید."

(ب) بند (۱۵) درآمد حاصل از فروش و جمع‌آوری زباله:

"۱۵- درآمد حاصل از فروش و جمع‌آوری زباله: با عنایت به بخشنامه شماره ۹۵۲۳۵/۲-۱۳۸۵/۷/۱۷ وزارت کشور اعلامی از سوی مدیرکل امور شهری و روستایی وقت استانداری تهران طی نامه شماره ۶۲-۱۱۰۹۷۰-۱۳۸۵/۸/۱۷ تا انجام ممیزی اراضی و ابنیه شهر لواسان، بهاء مدیریت پسماند به شرح ذیل محاسبه می‌گردد:

(الف) بهای خدمات هر واحد مسکونی، سالانه ۱/۱۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

(ب) بهاء مدیریت پسماند سالن‌های غذاخوری و رستوران‌ها و فست‌فودها به ازای هر مترمربع اعیانی ماهانه ۱۰/۰۰۰ ریال و رستوران‌ها و فست‌فودهای دارای باغچه علاوه بر اعیانی سالانه ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و تالارهای پذیرائی هر مترمربع اعیانی ماهانه ۵/۰۰۰ ریال محاسبه می‌گردد.

(ج) بهاء مدیریت پسماند واحدهای تجاری پر زباله به ازاء هر مترمربع ماهیانه مبلغ ۱۰/۰۰۰ ریال و واحدهای تجاری کم زباله به ازاء هر مترمربع ماهیانه مبلغ ۵/۰۰۰ ریال دریافت می‌گردد.

(ذ) ادارات نیز بر مبنای واحد مسکونی به ازای هر طبقه محاسبه می‌گردد.

(د) بهاء مدیریت پسماند سالانه بانک‌های دولتی، خصوصی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات مالی و اعتباری به استناد دادنامه شماره ۱۱۳-۱۳۸۷/۲/۲۹-هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی نامه شماره ۱۹۵۸۲۲-۴۲-۱۳۸۷/۱۱/۲۶ مدیرکل دفتر امور شهری استانداری تهران سالانه ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. (ه) پسماند مراکز بهداشتی و درمانی و بهداشتی توسط مراکز درمانی و بهداشتی با روش مصوب جمع‌آوری زباله‌های درمانی به مراکز مربوطه تحویل گردد.

تبصره: بهاء مدیریت پسماند مربوط به سال‌های گذشته (۱۳۸۷ به بعد) نیز به مأخذ بندهای بالا اخذ می‌گردد. عوارض ارزش‌افزوده ناشی از تفکیک: برای محاسبه عوارض افزایش سرانه خدمات عمومی به استناد ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها با کاربری‌های مختلف و با رعایت ضوابط فنی و شهرسازی از فرمول ذیل استفاده می‌شود: قیمت منطقه‌ای طبق تعرفه دارایی  $\times$  مساحت  $\times$  ضریب  $K \times S \times P$

ضریب برای اراضی با کاربری‌های مختلف به شرح ذیل می‌باشد:

باغ ویلا و مسکونی: ۱۲۰ درصد، کشاورزی: ۴۰ درصد، صنعتی و مشاغل مزاحم شهری: ۸۰ درصد، تجاری: ۱۸۰ درصد، اداری: ۱۰۰ درصد، خارج محدوده و سایر کاربری‌ها: ۸۰ درصد.

تبصره: عوارض هرگونه افزایش سرانه خدمات عمومی صورت گرفته خارج از ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها که بدون هماهنگی با شهرداری به انجام رسیده با ۳۰ درصد افزایش نسبت به فرمول‌های بالا محاسبه و وصول می‌شود. هزینه استفاده از اماکن ورزشی: هزینه استفاده از اماکن ورزشی و امکانات در اختیار واحد فرهنگی - ورزشی شامل مجموعه ورزشی شهدای لواسان زمین ورزشی تربیت‌بدنی در سال ۱۳۹۵ به شرح ذیل است:

| ساعت              |
|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------------|
| ۲۲:۳۰ تا ۲۱ | ۲۱ تا ۱۹:۳۰ | ۱۹:۳۰ تا ۱۸ | ۱۸ تا ۱۶:۳۰ | ۱۶:۳۰ تا ۱۵ | ۱۵ تا ۱۳:۳۰ | ۱۳:۳۰ تا ۱۲ | شرح               |
| ۶۰۰/۰۰۰     | ۶۰۰/۰۰۰     | ۶۰۰/۰۰۰     | ۶۰۰/۰۰۰     | ۵۵۰/۰۰۰     | ۳۵۰/۰۰۰     | ۲۰۰/۰۰۰     | زمین شماره ۱ شهدا |
| ۴۰۰/۰۰۰     | ۴۰۰/۰۰۰     | ۴۰۰/۰۰۰     | ۴۰۰/۰۰۰     | ۳۵۰/۰۰۰     | ۳۰۰/۰۰۰     | ۱۵۰/۰۰۰     | زمین شماره ۲ شهدا |
| ۵۰۰/۰۰۰     | ۵۰۰/۰۰۰     | ۵۰۰/۰۰۰     | ۵۰۰/۰۰۰     | ۴۵۰/۰۰۰     | ۳۵۰/۰۰۰     | ۲۰۰/۰۰۰     | تربیت بدنی        |

| سهم مربی | سهم شهرداری | اجاره   | سانس اجاره              |
|----------|-------------|---------|-------------------------|
|          |             |         | سالن                    |
| -        | ۱۰۰ درصد    | ۷۰۰/۰۰۰ | سالن تختی               |
| ۵۰ درصد  | ۵۰ درصد     | ۷۰۰/۰۰۰ | بدنسازي و کار با دستگاه |
| ۵۰ درصد  | ۵۰ درصد     | ۶۰۰/۰۰۰ | CXWORKOUT               |
| ۵۰ درصد  | ۵۰ درصد     | ۸۰۰/۰۰۰ | پيلاتس ۳ روز            |
| ۵۰ درصد  | ۵۰ درصد     | ۵۰۰/۰۰۰ | والیبال                 |
| ۵۰ درصد  | ۵۰ درصد     | ۶۰۰/۰۰۰ | ژيمناستیک               |
| ۵۰ درصد  | ۵۰ درصد     | ۵۰۰/۰۰۰ | ایروبیک                 |

روزهای پنجشنبه و جمعه هزینه زمین‌های ورزشی به صورت آزاد محاسبه خواهد شد.

در مورد کلاس‌های آموزشی و اوقات فراغت شهریه بر اساس نوع کلاس تعیین می‌گردد."

ج) بند (۱۷) عوارض ارزش‌افزوده حاصل از توسعه شهری:

"۱۷- عوارض ارزش‌افزوده حاصل از توسعه شهری:

الف- عوارض ارزش‌افزوده ورود به محدوده قانونی ناشی از طرح‌های توسعه شهری: بارعایت ضوابط و

مقررات شهرسازی پس از اخذ نظریه مراجع ذیصلاح به شرح ذیل محاسبه و وصول می‌گردد.

۱- عوارض عرصه‌های غیرمسکونی (شامل فضای سبز - بهداشتی - فرهنگی و ...) به مسکونی طبق فرمول P.S.۵

۲- عوارض عرصه‌های غیر اداری و خدماتی (شامل مسکونی - باغ و سبز حفاظتی و ...) به اداری و خدماتی

طبق فرمول P.S.۷

۳- عوارض عرصه‌های غیرتجاری به تجاری طبق فرمول P.S.۱۰ محاسبه می‌گردد. چنانچه توسعه شهری در

خصوص ملک همراه با کاهش ارزش‌افزوده باشد مشمول پرداخت عوارض ارزش‌افزوده ناشی از توسعه شهری نمی‌شود.

ب- بهای خدمات ارزش‌افزوده حاصل از انطباق کاربری:

۱- تبدیل کاربری اعیان غیرمسکونی به مسکن برحسب فرمول P.S ۲

۲- عوارض تبدیل کاربری اعیانی غیر اداری به اداری بر حسب فرمول P.S ۴

۳- عوارض تبدیل کاربری اعیانی غیرتجاری به تجاری بر حسب فرمول P.S ۶

P ارزش منطقه‌ای اعیانی طبق دفترچه وزارت دارایی و S مساحت تغییر کاربری شده است."

د) بند (۱۸) عوارض ارزش‌افزوده ناشی از اجرای طرح‌های تعریض یا توسعه معابر شهری:

"۱۸- عوارض ارزش‌افزوده ناشی از اجرای طرح‌های تعریض یا توسعه معابر شهری: عوارض ارزش‌افزوده

برای املاکی که بر اساس اجرای طرح ماده‌واحد و یا تفصیلی و غیره در معرض طرح تعریض و اصلاح معابر قرار

گرفته و بر اثر اجرای طرح طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری شامل مرغوبیت و ارزش‌افزوده می‌گردند

به شرح ذیل محاسبه می‌گردد:

۱- چنانچه اصلاحیه کمتر از ۳۰ درصد ملک باشد یا لحاظ ۱۵ درصد کارشناسی باقیمانده ملک

محاسبه می‌شود.

۲- چنانچه اصلاحیه بین ۳۰ تا ۵۰ درصد ملک باشد یا لحاظ ۱۷ درصد کارشناسی باقیمانده ملک

محاسبه می‌شود.

۳- چنانچه اصلاحیه بین ۵۰ تا ۸۰ درصد ملک باشد یا لحاظ ۲۰ درصد کارشناسی باقیمانده ملک

محاسبه می‌شود.

۴- چنانچه اصلاحیه بیش از ۸۰ درصد ملک باشد در صورتی که جبران غرامت در قالب پروانه ساختمانی امکان‌پذیر باشد ضمن عدم لحاظ عوارض ارزش‌افزوده به‌صورت تراکم سیار به شرح ردیف‌های الف تا ج بند ۱۹ محاسبه می‌شود.

در صورتی که جبران غرامت بابت اصلاحیه به‌صورت صدور تراکم سیار امکان‌پذیر باشد بدون لحاظ عوارض ارزش‌افزوده به‌صورت ذیل محاسبه می‌گردد.

الف- به ازای دو مترمربع اصلاحیه یک مترمربع تراکم سیار تجاری:

ب- به ازای سه مترمربع اصلاحی دو مترمربع تراکم سیار اداری

ج- به ازای یک متر اصلاحیه سه مترمربع تراکم سیار مسکونی."

هـ) بند (۲۸) عوارض بهای خدمات شهر ایمن و هوشمند: (عوارض اختصاصی شهر لوسان)

"۲۸- عوارض بهای خدمات شهر ایمن و هوشمند (عوارض اختصاصی شهر لوسان): با توجه به حرکت

پیشرو شهر لوسان جهت دستیابی به‌عنوان شهر ایمن کشور و نصب سیستم نظارت تصویری شهر جهت پیش‌بینی‌روزی تردد عوارض بهای خدمات شهر هوشمند با فرمول ذیل از واحدهایی با کاربری‌های مسکونی، تجاری و اداری اخذ می‌گردد.

$$S \times K \times (P * 0.101)$$

در فرمول فوق P قیمت اعیانی بر مبنای دفترچه ارزش معاملاتی دارای با توجه به کاربری مرتبط و K ضریب محاسبه عوارض می‌باشد که برای کاربری مسکونی ۰/۵ اداری ۱ و تجاری ۲ و S مساحت خالص تجاری، اداری و مسکونی موردنظر می‌باشد بدیهی است عوارض مذکور مشمول فضاهای با کاربری مشاعات نمی‌شود. تبصره: فیلم‌های دوربین شهری با مجوز مراجع ذی‌ربط قضایی و موافقت شهرداری، به بهای دقیقه‌ای ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر لوسان به‌موجب لایحه شماره ۱۶۰-۱۳۹۶/۲/۳۱ توضیح داده است که: "مصوبات پس از پیشنهاد شهرداری و بررسی در شورای شهر نهایتاً مورد تصویب شورا قرار می‌گیرد که عوارض‌های مورد اعتراض شاکیان که پس از تخلیفات ساختمانی و صدور آراء کمیسیون ماده ۱۰۰ غیر از جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ و همچنین عوارض تفکیک غیر از عوارض موضوع ماده ۱۰۱ قانون شهرداری، از اشخاص مطابق یکصد و یکمین مصوبه دفترچه عوارض شورای شهر لوسان اخذ می‌گردد که مورد اعتراض شهروندان به استناد آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد که با توجه به قانون شهرداری موضوع در کمیسیون ماده ۷۷ مطرح و اعضای کمیسیون بر اساس مصوبه شورای شهر لوسان اعتراض آن‌ها را به دلیل اینکه آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص مصوبه شورای شهر لوسان نمی‌باشد را رد و رأی به پرداخت عوارض را صادر می‌نمایند. گرچه مصوبات مشابه در شهرهای دیگر توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است لیکن تاکنون رأی از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شورای شهر لوسان صادر نگردیده است، لذا به شرح معروضه جهت تعیین تکلیف، اتخاذ تصمیم مقتضی از آن مقام مورد استدعاست."

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری پرونده به هیأت تخصصی عمران، شهرسازی و اسناد دیوان عدالت اداری ارجاع شد و هیأت مذکور در خصوص خواسته شاکی، بند یک مبنی بر عوارض بنای صدور پروانه ساختمانی مسکونی تک‌واحدی، بند ۲ مبنی بر عوارض مازاد بر تراکم مسکونی، بند ۳ تحت عنوان عوارض احداث زیربنای اعیانی تجاری، اداری، صنعتی به‌صورت تک‌واحدی و مجتمع، بند ۴ تحت عنوان عوارض مازاد بر تراکم واحدهای تجاری، اداری و صنعتی، بند ۱۱ عوارض پیشروی طولی مازاد

بر سطح اشغال، بند ۱۸ عوارض ارزش افزوده ناشی از اجرای طرح‌های تعریض یا توسعه عابر شهری و بند ۲۸ تحت عنوان عوارض بهای خدمات شهر ایمن و هوشمند به جزء تبصره آن از تعرفه عوارض شهرداری لواسان در سال ۱۳۹۵ از مصوبات شورای اسلامی شهر لواسان را به‌موجب دادنامه شماره ۴۶۱-۱۳۹۷/۲/۳۱ مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات ندانسته است و رأی به رد شکایت شاکی صادر کرده است. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ صدور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات قطعیت یافته است. در راستای رسیدگی به بند ۹ در خصوص عوارض ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری، بند (۱۵) درآمد حاصل از فروش و جمع‌آوری زباله، قسمت (الف) و (ب) بند ۱۷ عوارض ارزش افزوده حاصل از توسعه شهری و بند (۲۸) عوارض بهای خدمات شهر ایمن و هوشمند (عوارض اختصاصی شهر لواسان) پرونده در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۱۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای تفکیک در تمام اشکال آن در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده‌اند، بنابراین مصوبه شورای اسلامی شهر لواسان مبنی بر وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از تفکیک مندرج در ذیل بند ۱۵ تعرفه عوارض شهرداری لواسان در سال ۱۳۹۵ به دلایل مندرج در رأی شماره ۳۱۵-۱۳۹۶/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

ب- با توجه به سیر تاریخی وضع و اخذ عوارض محلی طبق بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۲ عوارض محلی از جمله عوارض تغییر کاربری با پیشنهاد وزیر کشور تصویب و با توجه به بخشنامه شماره ۱۳۷۵/۲۳۱۳۷-۳۴۱/۲۳۱۳۷-۱۳۶۶/۲/۵ بعد از تأیید نماینده ولی فقیه از مضمولین اخذ شده است و طبق رأی شماره ۵۸۷-۱۳۸۳/۱۱/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تجویز اخذ عوارض دیوانی از جمله تغییر کاربری بعد از ابقاء مستحذات در کمیسیون ماده ۱۰۰ به شرح مقرر در بخشنامه‌های شماره ۲۴۱۵۰/۳-۱۳۶۹/۱۱/۳۰ و ۱۰۷۴۰/۱۱/۳۴-۱۳۷۱/۶/۴ وزارت کشور، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نگردیده است. با توجه به بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی تصویب لوائح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست‌های عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود از جمله وظایف و مسئولیت‌های شورای اسلامی شهرهاست و نظر به تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران موسوم به تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش عوارض محلی که در این قانون مشخص نشده تجویز شده است و در حاکمیت قانون اخیرالذکر قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۲۲ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴ در مقام تسریع در امر توسعه هتل‌ها و اقامتگاه‌ها و سایر تأسیسات گردش گردشگر به تغییر کاربری توسط کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در بند ۴ ماده مذکور به وضع و پرداخت عوارض ناشی از تغییر کاربری با عبارت "عوارض ناشی از تغییر کاربری و فروش تراکم به اقساط پنج تا ده ساله از شروع

بهره‌برداری توسط سرمایه‌گذاران به شهرداری مربوطه پرداخت خواهد شد." به صراحت بیان نظر نموده است و حسب تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷ وضع عوارض محلی جدید که تکلیف آن‌ها در این قانون مشخص نشده باشد تجویز شده است و در حاکمیت همین قانون طبق بند هـ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ جمهوری اسلامی ایران به تغییر کاربری در کمیسیون ماده ۵ مذکور و عوارض تغییر کاربری و سایر عوارض شهرداری در مقام ساماندهی و بهینه‌سازی بخشی از املاک و فضاهای آموزشی، ورزشی و تربیتی خود با عبارت "تغییر کاربری به پیشنهاد شورای آموزش و پرورش و تصویب کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران صورت می‌گیرد و از پرداخت کلیه عوارض شامل تغییر کاربری، نقل و انتقال املاک، گواهی بهره‌برداری، احداث، تخریب و بازسازی و سایر عوارض شهرداری معاف می‌باشند" تصریحاً اشاره شده است؛ بنابراین وضع عوارض برای ارزش‌افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک بعد از تصمیم کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران موضوع بند ۹ و ردیف (ب) بند ۱۷ مصوبه مورد شکایت، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات نیست. لذا مصوبه قابل ابطال تشخیص نشد.

ج- نظر به اینکه در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب سال ۱۳۶۷، برای استفاده از مزایای ورود به محدوده شهر در قالب اخذ زمین رایگان حداکثر تا ۲۰ درصد تعیین تکلیف شده و اخذ عوارض برای ورود به محدوده مطابق جزء الف بند ۱۷ مصوبه مورد شکایت تحت عنوان عوارض ارزش‌افزوده ورود به محدوده قانونی ناشی از طرح‌های توسعه شهری مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

د- با توجه به اینکه پس از صدور مجوز از ناحیه مقام قضایی طبق مواد ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری و ۲۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۴۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری شهرداری موظف به انجام تکلیف قانونی است و منوط نمودن این تکلیف به پرداخت وجه از سوی متقاضی و موافقت شهردار مغایر موازین قانونی مذکور است، بنابراین تبصره بند ۲۸ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر لاسان با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## حمایت‌های قانونی و حقوق شهروندی - حق برخورداری از حمایت‌های بهداشتی

تاریخ: ۲ مرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۲۶۴

کلاس پرونده: ۸۸۸/۹۶

**موضوع:** ابطال صورت جلسه شماره ۱۳۷۶/۱۱/۸۰۰/۱۱/۸۰-م/۱۱/۸۰/۱۳۸۴ شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با سازمان بهزیستی (مرتبط با انتزاع بهزیستی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

### شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت‌نامه شماره ۱۰۲۴۶۷-۱۳۹۶/۵/۱۱۷- ابطال صورت جلسه شماره ۱۳۷۶/۱۱/۸۰۰/۱۱/۸۰-م/۱۱/۸۰/۱۳۸۴ شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با سازمان بهزیستی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است:

"حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی، رئیس محترم دیوان عدالت اداری، سلام‌علیکم. احتراماً به استحضار می‌رساند:

۱- حسب بررسی‌ها، سازمان بهزیستی کشور اقدام به هزینه کرد مبالغ بسیاری از محل مشارکت‌های مردمی خاص در خصوص برخی اقدامات عمرانی سازمان از جمله ساخت طبقه دهم ساختمان ستاد بهزیستی در تهران، ساختمان ساماندهی در تهران، ساختمان هتل واقع در خزرآباد ساری، ساختمان چند منظوره در بابلسر و همچنین اقدامات عمرانی انجام گرفته در اردوگاه و خوابگاه شهید عضیمی بابلسر، زائرسرای مشهد، اردوگاه شهید بهشتی خزرآباد، اردوگاه و استخر حبیب ابن مظاهر تنکابن و اردوگاه شهید قدوسی نیاوران می‌نماید.

۲- در بررسی تکمیلی، ملاحظه گردیده این موضوع در سازمان مذکور مسبوق سابقه بوده و پشتوانه استنادی آن صورت جلسه تنظیمی به شماره ۱۳۷۶/۱۱/۸۰۰/۱۱/۸۰-م/۱۱/۸۰/۱۳۸۴ شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی می‌باشد. شورای مذکور طی این مصوبه مقرر داشته‌اند: "بر اساس مفاد تبصره ۲-۴ قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۹ مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی با حضور امضاء کنندگان ذیل تشکیل جلسه داد و با توجه به وظایف مصرح قانونی، تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ نمود: با عنایت به اهداف عالی سازمان بهزیستی کشور و از آنجاکه نحوه کمک و مددسانی به جامعه هدف آن سازمان برای ریاست سازمان بهزیستی کشور (دبیر شورا) واضح، مبرهن و مشخص می‌باشد، لذا اعضای شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی به موجب این صورت جلسه موافقت می‌نمایند رئیس سازمان بهزیستی کشور (دبیر شورا) به نمایندگی از سوی اعضای شورا، راه‌ها و شیوه‌های دستیابی به جلب حداکثری مشارکت‌های مردمی را با توجه به صرفه و صلاح و صلاح سازمان

و جامعه هدف تعیین و برای حفظ منافع معلولین، ایتم، زنان سرپرست خانوار، آسیب دیدگان اجتماعی، افراد در معرض آسیب و اقشار مستضعف، درآمد حاصل از جلب کمک‌های مردمی را در حوزه‌هایی که سازمان از نظر اعتبارات در تنگنا قرار دارد از جمله کمک به آموزش، توان‌بخشی، حرفه‌آموزی، تأمین مسکن و ازدواج معلولان و فرزندان بی‌سرپرست، حمایت و کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و آسیب دیدگان اجتماعی، مؤسسات خیریه و هیأت امنایی، مجتمع‌ها و واحدهای سازمان بهزیستی و تکمیل و راه‌اندازی واحدهای نیمه‌تمام و غیره با صلاحدید خود هزینه نماید و تشخیص ایشان به‌عنوان تشخیص اعضای شورای مرکزی بوده و در خصوص موارد مذکور اختیار کامل خواهند داشت. در صورتی که به هر دلیل بنا به تشخیص دبیر شورا (رئیس سازمان) نیاز به طرح موضوع در جلسه شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی باشد نسبت به تعیین تاریخ جلسه و طرح موضوع به‌منظور سیاست‌گذاری آن اقدام لازم را به عمل می‌آورد.

۳- متعاقب تصویب این صورت‌جلسه، مبالغ مأخوذه از طریق جلب مشارکت‌های مردمی، حسب صلاحدید و نظر شخص رئیس سازمان و در حوزه‌های مختلف هزینه گردیده است. این در حالی است که به لحاظ قانونی و منطقی ایرادات و اشکالاتی به شرح ذیل بر مصوبه فوق مطرح می‌باشد:

الف- فلسفه تشکیل شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی مبتنی بر استفاده از خرد جمعی، مشارکت حداکثری و ایجاد زمینه به‌منظور نظارت دقیق و هدفمند نمودن منابع حاصل از مشارکت‌های مردمی در راستای اهداف مقرر برای سازمان بهزیستی کشور بوده است که عملاً با تفویض و انتقال کلیه اختیارات به رئیس سازمان بهزیستی کشور (دبیر شورا) این اهداف محقق نشده و عملاً فلسفه وجودی شورای مشارکت‌های مردمی موضوعیت خود را از دست داده است به‌نحوی که از زمان تنظیم صورت‌جلسه مذکور شورای مرکزی مشارکت‌های سازمان بهزیستی جلسه‌ای را تشکیل نداده به تعبیری دیگر با تنظیم این صورت‌جلسه عملاً به حیات اداری و اجتماعی شورا خاتمه داده است.

ب- اعضای شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی کشور به‌موجب صورت‌جلسه مذکور هزینه کرد اعتبارات حاصل از محل مشارکت‌های مردمی را بسیار گسترده دیده‌اند و مفاد صورت‌جلسه به‌گونه‌ای تنظیم شده است که امکان هزینه کرد آن در هر بخشی که رئیس سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان دبیر شورا صلاح بداند وجود دارد و اختیار کامل و بی‌قیدوشرطی در این زمینه اعطا شده است که در نتیجه ملاحظه می‌گردد سازمان بهزیستی کشور بخش عمده‌ای از اعتبارات را صرف انجام پروژه‌های عمرانی سازمان بهزیستی نموده است و عملاً سیاست‌گذاری‌های بودجه‌ای سازمان مذکور بلااثر شده است. به‌عبارت‌دیگر سازمان بهزیستی از محل منابع مورد اشاره بودجه عمرانی برای خود تحصیل نموده است و ذیحساب و مدیرکل امور مالی سازمان مذکور نیز به علت ماهیت منابع مورد اشاره هیچ‌گونه نظارتی بر هزینه کرد و مستندسازی آن ندارد.

ج- با عنایت به ضوابط و مقررات جاری کشور مبنای قانونی خاصی برای این اقدام ملاحظه نمی‌شود و انطباقی نیز با اصل تفویض اختیار ندارد؛ زیرا اختیار فردی به فرد دیگر مطرح نبوده و اختیارات یک جمع به یک نفر انتقال یافته است و با فرض اینکه امکان دارد هرگونه انحراف یا سوءاستفاده‌ای از منابع آن به وجود آید مسئولیت متوجه تمامی اعضای است که اختیارات خود را بدون قید و شرط واگذار نموده‌اند.

د- با عنایت به مفاد تبصره ۲-۴ قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۱۹ ترکیب اعضای شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی کشور مشخص و معین شده است که با توجه به آن حضور وزیر بهداشت و درمان (به‌عنوان رئیس شورا) و شهردار تهران (عضو شورا) در جلسه ضرورت داشته است و در متن قانون نیز پیش‌بینی نشده است که افراد مذکور می‌توانند معاون خود و یا فرد دیگری را به نمایندگی به‌منظور حضور در جلسه شورا و امضای مصوبات آن تعیین نمایند این

در حالی است که در متن مصوبه مورد اشاره اثری از حضور افراد مورد اشاره وجود ندارد و به بیان دیگر مصوبه مورد اشاره به دلیل عدم تأیید از سوی اعضای تعیین شده در قانون، دارای ایراد است.

هـ- با عنایت به مفاد تبصره ۲-۴ قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور ملاحظه می‌گردد قانون‌گذار امکان تفویض اختیار اعضای شورای مرکزی سازمان بهزیستی کشور را در قانون پیش‌بینی ننموده و با این وصف انتقال وظایف و اختیارات اعضای شورا به رئیس سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان دبیر شورا محمل قانونی ندارد.

و- شورا اختیار نداشته است، هدایای مردم را در غیر محل‌هایی که اعطاکندگان تعیین نموده‌اند، اجازه هزینه دهد.

مراتب اعلام می‌شود تا دستور فرمایند موضوع در هیأت عمومی دیوان مطرح و نسبت به ابطال آن اقدام نمایند." متن صورت‌جلسه مورد اعتراض به قرار زیر است: "صورت‌جلسه شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی بر اساس مفاد تبصره ۲-۴ قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۹ مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی با حضور امضاء کنندگان ذیل تشکیل جلسه داد و با توجه به وظایف مصرح قانونی، تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ نمود: با عنایت به اهداف عالی سازمان بهزیستی کشور و از آنجاکه نحوه کمک و مددسانی به جامعه هدف آن سازمان برای ریاست سازمان بهزیستی کشور (دبیر شورا) واضح، مبرهن و مشخص می‌باشد، لذا اعضای شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی به‌موجب این صورت‌جلسه موافقت می‌نمایند رئیس سازمان بهزیستی کشور (دبیر شورا) به نمایندگی از سوی اعضای شورا، راه‌ها و شیوه‌های دستیابی به جلب حداکثری مشارکت‌های مردمی را با توجه به صرفه و صلاح سازمان و جامعه هدف تعیین و برای حفظ منافع معلولین، ایتم، زنان سرپرست خانوار، آسیب دیدگان اجتماعی، افراد در معرض آسیب و اقشار مستضعف، درآمد حاصل از جلب کمک‌های مردمی را در حوزه‌هایی که سازمان از نظر اعتبارات در تنگنا قرار دارد از جمله کمک به آموزش، توان‌بخشی، حرفه‌آموزی، تأمین مسکن و ازدواج معلولین و فرزندان بی‌سرپرست، حمایت و کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و آسیب دیدگان اجتماعی، مؤسسات خیریه و هیأت امنائی، مجتمع‌ها و واحدهای سازمان بهزیستی و تکمیل و راه‌اندازی واحدهای نیمه‌تمام و غیره با صلاحدید خود هزینه نماید و تشخیص ایشان به‌عنوان تشخیص اعضای شورای مرکزی بوده و در خصوص موارد مذکور اختیار کامل خواهند داشت. در صورتی‌که به هر دلیل بنا به تشخیص دبیر شورا (رئیس سازمان) نیاز به طرح موضوع در جلسه شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی باشد نسبت به تعیین تاریخ جلسه و طرح موضوع به‌منظور سیاست‌گذاری آن اقدام لازم به عمل می‌آورد."

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی سازمان بهزیستی کشور به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۹/۱-۹۰/۹۶/۱۲۹۹۱۷ توضیح داده است که: "ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، موضوع: در خصوص دادخواست سازمان بازرسی کل کشور به کلاسه پرونده ۸۸۸/۹۶، با صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ص)، احتراماً در خصوص کلاسه پرونده ۸۸۸/۹۶ به شماره پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۶۲۳-۱۳۹۶/۷/۱۱ موضوع شکایت سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال صورت‌جلسه تنظیمی به شماره ۱۳۸۴/۱۰/۱۱-م/۱۱/۸۰۰/۱۳۷۶ شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با سازمان بهزیستی مطروحه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موارد ذیل را در دفاع از حقوق سازمان بهزیستی کشور به استحضار عالی می‌رساند: ایرادات شکلی: با استناد به تبصره ۲ بند (د) ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵ حدود اختیارات سازمان بازرسی کشور به‌صورت حصری و محدود و فقط در خصوص گزارش‌های

بازرسی در ارتباط با آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق‌الذکر باشد جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد؛ که با استناد به نامه شماره ۱۰۲۴۶۷-۱۳۹۶/۵/۱۷-م/۱۱/۱۸۰۰/۱۳۷۶ سازمان بازرسی کل کشور خواسته سازمان بازرسی کل کشور ابطال صورت‌جلسه تنظیمی به شماره ۱۳۸۴/۱۰/۱۱-م/۱۱/۸۰۰/۱۳۷۶ شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی کشور می‌باشد که با توجه به حدود اختیارات قانونی سازمان بازرسی کل کشور جهت ارسال دادخواست و شکایت به دیوان عدالت اداری ابطال صورت‌جلسه از شمول اختیارات قانونی آن سازمان خارج می‌باشد و طرح درخواست مبنی بر ابطال صورت‌جلسه در حدود و صلاحیت اختیارات قانونی سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد زیرا صورت‌جلسه موصوف مشمول هیچ‌کدام از عناوین آیین‌نامه، تصویب‌نامه، بخشنامه و دستورالعمل صادره از جانب مقامات دولتی نمی‌گردد. ایرادات ماهوی:

۱- به استناد لایحه قانونی تشکیل سازمان بهزیستی این سازمان در جهت تحقق مفاد اصول ۲، ۳ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است و با استناد به تبصره ۲-۴ قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب سال ۱۳۵۹، شورایی به نام شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی و به‌منظور جلب کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در ستاد مرکزی سازمان بهزیستی و با دبیری رئیس سازمان بهزیستی تشکیل می‌گردد و با استناد به شق ۱ جزء ۷ بند ج تبصره ۲-۴ ماده ۲ همان قانون وظیفه شورا جلب کمک‌های مادی و معنوی اشخاص حقیقی و حقوقی به‌منظور حل مسائل و مشکلات اقشار محروم و معلول و ایتمام می‌باشد.

۲- با استناد به فراز پایانی به ماده ۷۱ مکرر قانون محاسبات عمومی کشور هدایای اهدایی به سازمان بهزیستی کشور هدایای خاص تلقی می‌شود و چنانچه اهداکننده هدف خود را اعلام نکند با نظر شورای مشارکت‌های مردمی به مصرف خواهد رسید نظر به وظایف گسترده قانونی و ذاتی سازمان بهزیستی کشور و همان‌گونه که از ماده فوق استنباط می‌گردد وجوهی که به سازمان بهزیستی کشور اهدا می‌گردد می‌بایست با نظر شورای مشارکت‌های مردمی این سازمان و در جهت اهداف سازمان بهزیستی کشور به مصرف خواهد رسید و همان‌گونه که در صورت‌جلسه تنظیمی به شماره ۱۳۸۴/۱۰/۱۱-م/۱۱/۸۰۰/۱۳۷۶ شورای مشارکت‌های مردمی مشخص است اعضای شورای مشارکت‌های مردمی اختیاراتی را به دبیر شورا (رئیس سازمان بهزیستی کشور) جهت کشف راه‌ها و شیوه‌های دستیابی به جلب حداکثری مشارکت‌های مردمی با توجه به صرفه و صلاح سازمان بهزیستی و جامعه هدف در جهت حفظ منافع معلولین، ایتمام، زنان سرپرست خانوار، آسیب دیدگان اجتماعی، افراد در معرض آسیب و اقشار مستضعف داده و در مواردی که سازمان بهزیستی از نظر اعتبارات در تنگنا قرار دارد از جمله کمک به آموزش، توان‌بخشی، حرفه‌آموزی، تأمین مسکن و ازدواج معلولان و فرزندان بی‌سرپرست، حمایت و کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و آسیب دیدگان اجتماعی، مؤسسات خیریه و هیأت امنایی، مجتمع‌ها و واحدهای سازمان بهزیستی و تکمیل و راه‌اندازی واحدهای نیمه‌تمام بهزیستی هزینه نماید که تمامی این موارد به‌صورت حصری و تماماً در چارچوب وظایف ذاتی و قانونی سازمان بهزیستی کشور می‌باشد و نه خارج از آن که با استناد به ماده ۷۱ مکرر قانون محاسبات عمومی کشور هدایای اهداء شده به سازمان بهزیستی کشور هدایای خاص تلقی می‌شود و چنانچه اهداکننده هدف خود را مشخص نکند این هدایا با نظر شورای مشارکت‌های مردمی بهزیستی به مصرف خواهد رسید. همان‌گونه که مستحضرید یکی از وظایف ذاتی دبیر هر شورا اجرای تصمیمات آن شورا و ارائه گزارش می‌باشد که با استناد به صورت‌جلسه تنظیمی به شماره ۱۳۸۴/۱۰/۱۱-م/۱۱/۸۰۰/۱۳۷۶ شورای مرکزی مشارکت‌های

مردمی سازمان بهزیستی اجرای تصمیمات شورا جهت اجرای به دبیر شورا (رئیس سازمان بهزیستی کشور) ابلاغ شده است و هیچ‌گونه اختیارات قانونی فراتر به دبیر شورا داده نشده است و دبیر شورا می‌بایست تصمیمات اعضای شورا اجرا و اقدامات صورت گرفته را به شورا گزارش دهد.

۳- با استناد به شق ۳ جزء ۷ بند ج تبصره ۲-۴ ماده ۲ قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ سیاست‌گذاری در مورد مصرف بهینه اموال منقول و غیرمنقول بر اساس اولویت‌های مربوطه با شورای مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی می‌باشد که با استناد به فراز نهایه صورت جلسه ۱۳۷۶/۱۱/۸۰/م-۱۱/۱۳۸۴ شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی بهزیستی سیاست‌گذاری در اختیار اعضای شورا می‌باشد و این سیاست‌گذاری به دبیر شورا تفویض نشده است و فقط اختیار کامل اجرای تصمیمات شورا به دبیر شورا (رئیس سازمان بهزیستی کشور) ابلاغ شده است و دبیر شورا هیچ‌گونه اختیاری در زمینه سیاست‌گذاری ندارد.

۴- در خصوص بند ۱ نامه شماره ۱۰۲۴۶۷-۱۳۹۶/۵/۱۷ سازمان بازرسی کشور موضوع گزارش آن سازمان مبنی بر هزینه کرد درآمد مشارکت‌های مردمی در مراکز و ابنیه سازمان بهزیستی می‌بایست چنین گفت که ساختمان اردوگاه آموزشی و تربیتی واقع در خزرآباد ساری، ساختمان چند منظوره ویژه معلولین در بابلسر و همچنین اقدامات عمرانی در اردوگاه آموزشی، تربیتی شهید عظیمی بابلسر، زائرسرای معلولان در مشهد مقدس، اردوگاه آموزشی، تربیتی شهید بهشتی خزرآباد، اردوگاه آموزشی، ورزشی و استخر حبیب ابن مظاهر تنکابن، این مراکز صرفاً مراکز آموزشی، پرورشی، ورزشی و زیارتی ویژه جامعه هدف بهزیستی بوده که بعضاً این مراکز با استناد به قانون تشکیل سازمان بهزیستی کشور از ادغام ۹ موسسه که در زمان قبل از انقلاب اسلامی در زمینه خدمات‌رسانی به معلولان، کودکان بی‌سرپرست، زنان بی‌سرپرست فعالیت داشته به سازمان بهزیستی کشور انتقال یافته و فقط مورد استفاده افراد معلول، کودکان بی‌سرپرست قرار می‌گیرد و در خصوص اردوگاه شهید قدوسی نیاوران این مجموعه مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست تحت نظارت سازمان بهزیستی می‌باشد که نگهداری آن ابنیه از وظایف سازمان بهزیستی می‌باشد که آن ابنیه بعضاً با فقدان بودجه تملک‌داری در معرض تخریب قرار گرفته و بلااستفاده می‌گردد.

۵- در خصوص جزء الف بند ۳ نامه شماره ۱۰۲۴۶۷-۱۳۹۶/۵/۱۷ سازمان بازرسی کشور، همان‌گونه که در سطوح بالاتر نیز بیان شد شکی نیست که منظور از تشکیل شورا استفاده از خرد جمعی می‌باشد و با تشکیل این شورا با کلیه اعضای قانونی آن در مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۱ شورا تصمیمات خود را طی صورت‌جلسه‌ای مکتوب و صرفاً جهت اجرا مصوبات شورا به دبیر همان شورا ابلاغ می‌نماید و سیاست‌گذاری را در اختیار خود نگهداشته و به دبیر هیچ‌گونه اختیار سیاست‌گذاری داده نشده است.

۶- در خصوص جزء (ب) بند ۳ نامه شماره ۱۰۲۴۶۷-۱۳۹۶/۵/۱۷ سازمان بازرسی کشور، همان‌گونه که به آن اشاره شد با استناد به فراز پایانی به ماده ۷۱ مکرر قانون محاسبات عمومی کشور هدایای اهدایی به سازمان بهزیستی کشور هدایای خاص تلقی می‌شود و چنانچه اهداکننده هدف خود را اعلام نکند با نظر شورای مشارکت‌های مردمی به مصرف خواهد رسید که با عنایت به وظایف ذاتی و قانونی گسترده سازمان بهزیستی کشور که به طیف عظیمی از جامعه خدمت‌رسانی می‌کند که در صورت جلسه شماره ۱۳۷۶/۱۱/۸۰/م-۱۱/۱۳۸۴ نیز به آن‌ها اشاره شده است، اختیار هزینه کرد این هدایا صرفاً در راستای اهداف سازمان بهزیستی کشور و با نظر شورای مشارکت‌های مردمی سازمان بوده و نه خارج از آن وظایف که استناد سازمان بازرسی کل کشور در این بند هیچ‌گونه وجاهت و پایه و اساس قانونی ندارد.

۷- در خصوص جزء (ج) بند ۳ نامه شماره ۱۰۲۴۶۷-۱۳۹۶/۵/۱۷ سازمان بازرسی کشور که همان‌گونه

که بیان شد شورای مشارکت‌ها هیچ‌گونه تفویض اختیاری را به رئیس سازمان بهزیستی کشور نداده است و صرفاً مصوبات شورا جهت اجرا و ارائه گزارش به دبیر شورا ابلاغ گردیده است و هیچ‌گونه اختیاری از جمع به فرد داده نشده است و فقط اجرای تصمیمات شورا به دبیر شورا داده شده است.

۸- در خصوص جزء (د) بند ۳ نامه شماره ۱۰۲۴۶۷-۱۳۹۶/۵/۱۷- سازمان بازرسی کشور به استحضار می‌رساند، به استناد قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳ سازمان بهزیستی کشور از وزارت بهداشت منتزع شده و با تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی به آن وزارتخانه ملحق شده است و به استناد ماده‌واحد قانون تشکیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۰ به آن وزارتخانه ملحق می‌شود و بجای وزیر بهداشت در شورای مشارکت‌های مردمی با سازمان بهزیستی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی جایگزین وزیر بهداشت شده است و در هیچ کجای تبصره ۲-۴ قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور اشاره‌ای به اینکه حضور معاون یا نماینده وزیر بهداشت (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و شهردار در شورا منع قانونی دارد وجود نداشته و قانون فوق در این رابطه سکوت کرده است پس حضور نماینده رئیس شورا یا نماینده شهردار در شورای مشارکت‌های مردمی سازمان هیچ‌گونه منع قانونی ندارد و این در صورتی است که در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۱ وزیر رفاه و تأمین اجتماعی وقت شخصاً حضور داشته است.

۹- با استناد به فراز پایانی صورت‌جلسه تنظیمی به شماره ۱۳۷۶/۱۳۸۰/۱۱/۸۰۰/۱۱-م/۱۳۸۴/۱۰/۱۱ شورای مشارکت‌های مردمی با تصمیم دبیر شورا (رئیس سازمان بهزیستی کشور) جلسه شورای مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی کشور با حضور کلیه اعضا در مورخ ۱۸/۶/۱۳۹۵ تشکیل می‌گردد و در این جلسه تصمیماتی در جهت سیاست‌گذاری جدید توسط اعضای قانونی شورا گرفته شده و در همین راستا صورت‌جلسه‌ای هم تنظیم شده که مصوبات صورت‌جلسه مورد استناد سازمان بازرسی کل کشور در این جلسه مؤخر شورای مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی کشور نسخ ضمنی شده است و دیگر مورد استناد نمی‌باشد.

با عرض پوزش از تصدیق اوقات قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و دفاعیات مطرح شده و با توجه به اینکه درخواست ابطال صورت‌جلسه از حدود اختیارات سازمان بازرسی کشور تصریح شده تبصره ۲ بند (د) ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵ نمی‌باشد و با تشکیل شورای مشارکت‌های مردمی در سال‌های اخیر و مصوبات مؤخر شورا صورت‌جلسه مورد استناد سازمان بازرسی کل کشور به شماره ۱۳۷۶/۸۰۰/۱۱-م/۱۳۸۴/۱۰/۱۱-م/۱۳۸۴/۱۰/۱۱ نسخ ضمنی شده و بلائثر، می‌باشد و در راستای اجرای قوانین و با توجه به این امر که درخواست ابطال صورت‌جلسه از حدود اختیارات قانونی سازمان بازرسی کل کشور خارج می‌باشد، لذا خروج درخواست شماره ۱۰۲۴۶۷-۱۳۹۶/۵/۱۷- سازمان بازرسی کل کشور از دستور جلسه هیأت عمومی دیوان و عنداللزوم صدور رأی بر عدم ابطال صورت‌جلسه شماره ۱۳۷۶/۱۳۸۰/۱۱-م/۱۳۸۴/۱۰/۱۱-م/۱۳۸۴/۱۰/۱۱ مشارکت‌های مردمی با سازمان بازرسی از آن هیأت مورد استعنا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

---

---

## رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه مطابق ماده ۲ قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب سال ۱۳۷۵ جلب کمک‌های مادی و معنوی اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز نظارت بر نحوه مصرف وجوه خاص اهدایی به سازمان بهزیستی و سیاست‌گذاری در مورد مصرف بهینه اموال منقول و غیرمنقول اهدایی از وظایف شورای مشارکت‌های مردمی می‌باشد، بنابراین تفویض اختیار اعضای شورای مذکور به رئیس سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان دبیر شورا خلاف مقصود و مراد مقنن است و به همین خاطر صورت‌جلسه شماره ۱۳۷۶/۱۱/۸۰/م-۱۱/۱۰/۱۳۸۴ شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۳ مرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۳۲۳

کلاس پرونده: ۱۷۲۹/۹۷

**موضوع:** اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص شمول دریافت کمک هزینه عائله‌مندی به کارمندان زن مجرد دانشگاه/ دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

### شاکي: خانم میترا بهشتی نژاد

#### مقدمه:

بهموجب بند ۴ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ مقرر شده کارمندان زن شاغل مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری که فاقد همسر بوده یا همسر آنان معمول و از کارافتاده شده یا خود به‌تنهایی متکفل مخارج فرزندان هستند مستحق دریافت کمک هزینه عائله‌مندی می‌باشند. بند یاد شده مورد تفسیر مجلس شورای اسلامی قرار گرفت که حاصل از قانون تفسیر بند مذکور مصوب سال ۱۳۹۰ می‌باشد که مقرر داشته زنان مجرد شاغل، از حق عائله‌مندی برخوردار می‌شوند. شاکیان از زنان مجرد شاغل در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان هستند و با استناد به قوانین یاد شده، الزام دانشگاه متبوعشان به پرداخت حق عائله‌مندی از دیوان عدالت اداری درخواست کرده‌اند. شعب دیوان در رسیدگی به این‌گونه دادخواست‌ها آراء معارض صادر می‌کنند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۳۰۰۲۸۵ با موضوع دادخواست خانم بهجت امینی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان و به خواسته الزام به پرداخت حق عائله‌مندی زنان از تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱ به‌موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۰۰۹۹ به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۱/۸-۱۳۹۵/۱/۸ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است: نظر به اینکه بر اساس بند ۴ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون تفسیر بند ۴ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ کارمندان زن شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری که دارای همسر نبوده و یا همسر آنان معلول یا از کارافتاده کلی می‌باشد و یا خود به‌تنهایی متکفل مخارج فرزندان هستند از مزایای کمک هزینه عائله‌مندی و اولاد برخوردار می‌باشند و مطابق مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در خصوص قانون مذکور زنانی که ازدواج نکرده‌اند یا ازدواج کرده‌اند و از همسر خود جدا شده‌اند مشمول قانون موصوف هستند بنابراین با توجه به مراتب فوق‌الاشاره و رأی وحدت رویه شماره ۸۲۰-۱۳۹۱/۱۱/۹ و ۳۹۴-۱۳۸۹/۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و با عنایت به اینکه حسب سند کلی تصویر پیوست

شاکی فاقد همسر می‌باشد لذا شکایت شاکی وارد تشخیص و مستند به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادر شده ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد. رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۵۶۶۰۹۵۶۴۰۹۵۰۹۹۷۰۹۵۰۱۷/۱۳۹۵/شعبه ۱۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

ب: شعبه ۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۲۰۰۱۷۳ با موضوع دادخواست خانم میترا بهشتی نژاد به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان و به خواسته الزام به پرداخت حق عائله‌مندی از تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱ به موجب دادنامه شماره

۱۳۹۵/۳/۳-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۰۳۵۳ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به مفاد بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اینکه از تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱ آیین‌نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی مصوب هیأت امنای مربوطه حاکمیت یافته است که به موجب تبصره ۳ بند ۵ ماده ۵۴ آن، پرداخت کمک هزینه عائله‌مندی به کارکنانی که ازدواج نکرده‌اند و از جمله شاکی تجویز نشده است، لذا شاکی استحقاق دریافت کمک هزینه عائله‌مندی از تاریخ فوق‌الذکر به بعد را ندارد و مستنداً به مواد مذکور و ماده ۱۰ و مفهوم مخالف ماده ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است. رأی مذکور بدون اعتراض به تقاضای تجدیدنظر خواهی، قطعیت یافت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: با توجه به اینکه مطابق بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ و ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بدون رعایت بعضی از قوانین از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری بر اساس مصوبات هیأت امناء که به تأیید وزرای مربوطه می‌رسد عمل می‌کنند و در تبصره ۳ بند ۵ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری، استخدامی و تشکیلاتی کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه/دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، هزینه عائله‌مندی کارمندان زن شاغل، بازنشسته، از کارافتاده و وظیفه بگیر مشمول آیین‌نامه که همسر ندارند منحصراً برای زنانی که همسر آن‌ها فوت شده و یا زنانی که مطلقه شده‌اند در نظر گرفته است، بنابراین زنان شاغلی که فاقد همسر هستند و سابقه ازدواج ندارند مشمول دریافت کمک هزینه عائله‌مندی نیستند و رأی شعبه دوم دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۰۳۵۳-۱۳۹۵/۳/۳ که به رد شکایت صادر شده صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۲۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## حمایت‌های قانونی و حقوق شهروندی - حق برخورداری از حمایت‌های بهداشتی

تاریخ: ۹ مرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۳۱۲

کلاس پرونده: ۶۶۸/۹۶

**موضوع:** عدم ابطال بند ۱ از قسمت اول لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی را به دنبال دارند (موضوع دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی آموزش و پرورش)<sup>۱</sup>

### شاکی: آقای آسو رحیمی

#### گردش کار:

شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ۱ از قسمت اول لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی را دارند (موضوع دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی آموزش و پرورش) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"سلام‌علیکم

۱- این‌جانب فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه ارومیه می‌باشم و دوره آموزشی تربیت مدرس را نیز سپری نموده‌ام. طبق مفاد آگهی منتشره در شهریور ۱۳۹۴ جهت استخدام پیمانی دبیر ادبیات فارسی در آزمون آموزش و پرورش شرکت نمودم. ۲- حسب مندرجات کارنامه صادره حائز رتبه اول گردیدم. متعاقباً جهت سایر مراحل از جمله مصاحبه و معاینه دعوت شدم. ۳- طبق مدارک پزشکی موجود علیرغم سلامت کامل جسمی و روحی و با وصف سپری نمودن کلیه مراحل استخدام با موفقیت کامل به استناد بخشنامه موضوع شکایت به دلیل کوتاهی چهار سانتیمتر قد (۱۵۶ سانتیمتر به جای ۱۶۰ سانتیمتر) از روال استخدام حذف شدم. آنچه در این خصوص شایسته امعان نظر است:

اولاً: در شرایط عمومی و اختصاصی مندرج در آگهی استخدام به هیچ‌وجه داشتن قد معینی به‌عنوان شرط استخدام درج نشده بود. ثانیاً: شرط داشتن قد معین جهت احراز شغل دبیری در هیچ‌یک از قوانین حاکم لحاظ نشده است. ثالثاً: شاید داشتن شرایط فیزیکی بدنی خاص در رشته تربیت بدنی قابل توجه به نظر رسد ولیکن چنین شرایطی از سایر رشته‌های تحصیلی از جمله ادبیات فارسی خروج موضوعی دارد. رابعاً: این‌جانب به‌صورت حق‌التدریسی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ در دانشگاه علمی کاربردی به تدریس اشتغال داشتم و از سال تحصیلی ۱۳۹۴ تاکنون با دبیرستان به‌صورت حق‌التدریسی همکاری می‌نمایم و به شهادت کلیه همکاران در مراکز آموزشی یاد شده از موفقیت کامل در امر تدریس و تربیت دانش آموزان برخوردار بودم. بنا به مراتب فوق و نظر به اینکه از نظر شرع انور اسلام و طبق اصل ۲۸ قانون اساسی اصولاً هر کس حق

۱- این رای به موجب رای شماره ۹۰۹ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸ نقض گردیده است. رای مذکور را می‌توانید در صفحه ۲۵۳۶ این مجموعه ملاحظه نمایید...

دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند و این اصل بر مبنای نظریه عدالت اجتماعی وضع گردیده است که بر لزوم رفع تبعیض در استخدام و شرایط کار تأکید می‌کند که از جمله حقوق بنیادین انسان محسوب می‌شود و در همین راستا ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) انفصال از خدمت و مجازات حبس از دو ماه تا ۳ سال را برای مقامات و مأمورین حکومتی که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، پیش‌بینی نموده است و با التفات به اینکه اصولاً در عرصه علم و دانش ملاک شایسته‌سالاری است و چهار سانتیمتر کوتاهی یا بلندی قد به هیچ‌وجه توانایی یا ناتوانی هیچ شخصی را مدلل نمی‌نماید و با عنایت به اینکه بخشنامه موضوع شکایت نه‌تنها حقوق مسلم استخدامی این‌جانب را که حائز رتبه اول آزمون ورودی بوده‌ام پایمال کرده است بلکه حقوق مکتسبه این‌جانب را که قبلاً مدت‌ها به‌صورت حق‌التدریسی در آموزش و پرورش خدمت نموده‌ام نیز نادیده گرفته است و علاوه بر تضييع حق منجر به تغییر مسیر زندگی این‌جانب شده است، لذا با اجازه حاصل از بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ابطال بند ۱ از قسمت اول لیست بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام آموزش و پرورش دارند از بخشنامه موضوع شکایت از محضر عالی مورد استدعاست."

شاکي به‌موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۳۷۷-۱۳۹۶/۷/۱۲ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

"هیأت محترم عمومی دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

احتراماً عطف به نامه شماره ۶۶۸/۹۶-۱۳۹۶/۶/۱۷ به استحضار می‌رساند این‌جانب آسو رحیمی به شماره پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۴۷۷ نکاتی به شرح زیر به‌عنوان دلایل شرعی برای تجدیدنظر در خصوص رد این‌جانب در آزمون استخدامی آموزش و پرورش به علت کوتاهی قد به حضور ایفاد می‌گردد.

همان‌گونه که مستحضرد معجزه پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) با امر به خواندن آغاز شده است و در آیات متعدد کسب علم و دانش را حق طبیعی عموم مردم دانسته و آن را جدا کننده ایمان و کفر و شناخت تمدن‌های بشری را تلویحاً از راه کسب علوم با استفاده از ابزارهای شناخت (سمع و بصر و فواد) به‌عنوان لزومات اصلی کسب این معارف، تنها راه برتری و تمایز انسان‌ها را تقوا یا همان کنترل معرفی می‌نماید. "ان اکرمکم عندالله اتقیکم"

بنابراین در سایه تعالیم قرآنی و آموزه‌های رسول مکرم اسلام (ص) برده‌ای سیاهپوست بدون داشتن کنیه و نسب و ظاهر مناسب تبدیل به معلم بزرگ تاریخ می‌شوند. همچنین در روایتی دیگر پیامبر اکرم (ص) کافه حربی را که بزرگترین دشمن دین خداست را در ازای باسواد کردن ده نفر مسلمان آزاد می‌کند و یا در مسجد جمع کسانی را که مشغول تعلم و تعلیم هستند را به جمع عبادت‌کنندگان ترجیح می‌دهد، همچنین ذکر شده است که زکات علم نشر و تعلیم آن است.

پیامبر اسلام باز می‌فرماید: "العلم مال مال یشران کل عیب و الجهل و الفقر یکشفان کل عیب" یعنی علم و مال هر عیبی را می‌پوشاند و جهل و فقر هر عیبی را نمایان می‌سازند و باز می‌فرماید در برابر کسی که از او دانش می‌آموزید یا دانش می‌دهید با نرمی برخورد کنید و یا اینکه می‌فرماید هر کس صاحب علمی را حقیر بشمارد مرا حقیر نموده است و هر کس مرا حقیر بشمارد کافر است، بنابراین کسب علم و دانش و ترویج و تعلیم آن از نظر اسلام یک ضرورت است که فارغ از تبعیضات نژادی و جنسیتی و ظاهری انسان‌هاست و آیات و احادیث فراوانی در این خصوص موجود است که در ظرفیت این قلم خارج است. لذا این‌جانب با کمال احترام به قوانین و نظر به‌صرف منابع مالی، علمی، ملی برای تحصیل و احراز امتیازات لازم در این آزمون استخدامی

شرکت که به علت چهار سانتیمتر کوتاهی قد که امری تقدیری از طرف خداوند متعال است از این سفارش و موهبت الهی محروم و تمامی زحمات بنده و توان علمی و آموزشی‌ام را نادیده گرفته‌اند لذا استدعا دارم در این خصوص تجدیدنظر فرموده و مسئله را دوباره بررسی و این‌جانب را مساعدت فرمایید."

متن مقرر مورد اعتراض به قرار زیر است:

"لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی دارند:

بند ۱- قد، وزن، فشار خون، BMI

۱- قد (به سانتیمتر) ... محدوده قابل قبول قد: (۱) خانم‌ها ۱۵۰ تا ۱۸۵ و (۲) آقایان ۱۶۰ تا ۱۹۵ سانتیمتر

(در رشته تربیت بدنی حداکثر قد محدودیت ندارد)

۲- شاخص BMI (توسط سیستم محاسبه می‌شود) BMI= حداقل ۱۷ و حداکثر ۳۵ قابل قبول است)"

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش به‌موجب لایحه شماره

۱۳۹۶/۸/۲-۸۱۰/۱۴۱۳۸۵ توضیح داده است که:

"دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

عطف به شماره پرونده ۱۳۹۶/۶/۱۷-۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۷۷ در خصوص شکایت آقای آسو رحیمی به

استحضار می‌رساند:

۱- بر اساس بند "ت" ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری درخواست‌کننده

ابطال مصوبات باید دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده را به‌وضوح در درخواست خود تصریح نماید که با ملاحظه دادخواست

شاکی این اقدام معمول نگردیده و مشخص نیست که اطلاعیه مذکور با کدام یک از موارد ذکر شده در بند "ت" ماده

۸۰ مغایرت دارد عدم اقدام در این جهت با ضمانت اجرا و حکم مقرر در بند ۳ ماده ۸۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مواجه، لذا تقاضای رد خواسته مطابق مستند اخیرالذکر مورد استدعاست.

۲- به استناد قسمت شرایط عمومی استخدام اطلاعیه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ریاست‌جمهوری

در خصوص استخدام پیمانی در مشاغل وزارت آموزش و پرورش "داشتن سلامت جسمانی، روانی و توانایی

برای انجام کاری که استخدام می‌شوند برابر ضوابط آموزش و پرورش که در مرحله مصاحبه مورد سنجش

قرار می‌گیرند" بر اساس بند ۱ بخش چهارم دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت‌های پزشکی

در خصوص استخدام پیمانی سال ۱۳۹۴، آموزش و پرورش داشتن حداقل ۱۶۰ سانتیمتر قد را جز شرایط

اختصاصی قرار داده که داوطلبان باید حائز این شرط باشند.

۳- به‌موجب آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۴۷۴ و ۴۷۵-۱۳۹۶/۵/۱۷ مفاد و

شرایط مقرر در آگهی‌های استخدام از حیث الزام به رعایت آن توسط داوطلبان استخدام و صلاحیت قانونی

دستگاه‌های استخدام‌کننده نسبت به درج شرایط اختصاصی جهت داوطلبان استخدام مورد تأیید هیأت عمومی

دیوان عدالت اداری قرار گرفته است.

۴- دستگاه‌های اجرایی به استناد بند "ز" ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری و آیین‌نامه مربوط

و همچنین ماده ۴۳ این قانون می‌توانند شرایط استخدامی خود را علاوه بر شرایط عمومی موضوع ماده ۴۲،

ملاک عمل قرار دهند.

با عنایت به مراتب فوق و اینکه شرایط اختصاصی این وزارت در راستای قانون، در آگهی انجام مصاحبه به

اطلاع داوطلبان رسیده و با ملاحظه آراء وحدت رویه مذکور و مفاد بند، اقدامات آموزش و پرورش در جهت درج

شرایط استخدام (داشتن حداقل ۱۶۰ سانتیمتر قد برای داوطلبان مرد) اقدامی قانونی و در حدود صلاحیت و اختیارات محسوب می‌شود، بنابراین رد خواسته شاکی مورد استدعاست.

در خصوص ادعای مغایرت موضوع بند ۱ قسمت اول لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی دارند از دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی آموزش و پرورش با شرع مقدس اسلام، قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به‌موجب لایحه شماره ۹۶/۱۰۲/۴۰۵-۱۳۹۶/۱۱/۳ اعلام کرده است که: "بخشنامه مذکور خلاف موازین شرع دانسته نشد از جهت خلاف قانون بودن تشخیص امر به عهده آن دیوان محترم است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً: استخدام در دستگاه‌های اجرایی تابع شرایط عمومی و اختصاصی مذکور در قانون مدیریت خدمات کشوری است و برابر بند "ز" ماده ۴۲ قانون مذکور داشتن سلامت جسمانی و روانی و توانایی افراد برای انجام کاری که استخدام می‌شوند به‌موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت دولت می‌رسد موقوف شده است و در ماده ۳ تصویب‌نامه شماره ۱۳۹۸/۴/۲۳-۸۸۳۸۳/۴۴۱۷۸ هیأت دولت به دستگاه‌های اجرایی این اختیار داده شده است تا صلاحیت و توانایی انجام کار داوطلبانی که برای آن استخدام می‌شوند را از طریق آزمون علمی، مصاحبه تخصصی و معاینات پزشکی احراز نمایند. ثانیاً: معیارهای توانایی جسمی و شرایط فیزیکی مناسب افراد برای تصدی هر شغل موضوعی تخصصی می‌باشد و در ارتباط با موضوع مورد بحث وزارت آموزش و پرورش به مرجع تخصصی صلاحیت دارد شرایط لازم برای توانایی انجام مشاغل آموزشی را از جمله داشتن قد مناسب جهت تدریس به دانش آموزان در دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی تعیین کرده است و در اطلاعیه استخدامی مربوطه نیز به سنجش توانایی افراد برابر ضوابط فوق اشاره شده است. ثالثاً: مصوبه مورد شکایت در مورد شرایط احراز شغل آموزشی است و با اصل ۲۸ قانون اساسی مبنی بر آزادی افراد مغایرتی ندارد و رابعاً: شورای نگهبان نیز آن را خلاف موازین شرع مقدس ندانسته است، بنابراین مقرره مورد شکایت از جهت اینکه در چهارچوب اختیار قانونی مرجع صدور بوده و مغایرتی نیز با قوانین و شرع ندارد، قابل ابطال تشخیص داده نشد.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - تأسیس مؤسسات پزشکی  
نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۶ مرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۳۱۵

کلاس پرونده: ۶۰۴/۹۶

موضوع: عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۰/۳/۲۹-۴۰۰/۷۸۲۸ معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص گذراندن دوره‌ی آموزش انجام عمل آندوسکوپی توسط پزشکان فوق تخصص گوارش و پزشکان متخصص داخلی)

شاکی: جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران

گردش کار:

جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران به‌موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۴۰۰/۷۸۲۸-۱۳۹۰/۳/۲۹ معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین بهرامی

با سلام

احتراماً ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات و در راستای رعایت حقوق بیماران عزیز و احتراز از تبعات سوء ارجاع مکرر ایشان و عدم تحقیق هزینه‌های گزاف که همانا به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله تعالی) "ما می‌خواهیم اگر کسی در خانواده‌ای مریض شد آن خانواده جز رنج بیمارمداری رنج دیگری نداشته باشد" به استحضار می‌رساند:

۱- جامعه متخصصین داخلی ایران (تأسیس ۱۳۷۶) دارای ۲۱۵۶ نفر پزشک عضو اعم از متخصص داخلی، فوق تخصص گرایش‌های متعدد به‌طوری‌که هیأت مدیره هم در جلسه و تعدادی فوق تخصص غدد و گوارش داخلی حضور دارد.

۲- در بین رشته‌های پزشکی گرایش تخصص داخلی دارای اهمیت دو چندان می‌باشد به‌طوری‌که به "مادر طب" مشهور است.

۳- همکاران رزیدنت داخلی که مایل‌اند بعد از تخصص در امر گوارش و آندوسکوپی فعالیت نمایند باید زیر نظر متخصص داخلی حداقل ۵۰ مورد آندوسکوپی را آموزش ببینند.

۴- کلیه متخصصین داخلی در طی دوران تخصص خود علاوه بر آشنایی با مباحث علمی تخصصی در زمینه انجام آندوسکوپی دوره‌های متعددی را آموزش می‌بینند.

۵- متعاقب ایجاد رشته‌های فوق تخصصی در گرایش تخصص داخلی برخی با مقاصد اقتصادی و احتمالاً غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی سعی در بار نمودن تکالیفی مالایطاق نسبت به متخصصین داخلی و ارجاع مکرر بیماران نموده‌اند.

۶- از این رهگذر بخشنامه ۴۰/۷۸۲۸-۱۳۹۰/۳/۲۹ معاون درمان وزارت بهداشت دارد (بخشنامه معترض‌عنه) اشعار می‌دارد: "رئیس/سرپرست محترم دانشگاه/دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی... **موضوع:** تفویض صدور مجوز آندوسکوپی؛ با صلوات بر محمد و آل محمد (ص) و تقدیم احترام، در راستای بخشنامه شماره ۳۷۸۳۱۰-۱۳۸۹/۷/۲۴ مقام وزارت در خصوص تفویض امور اجرایی به دانشگاه‌ها به‌منظور تمرکززدایی از ستاد تسهیل و تسریع امور رجوع، اصلاح و بهینه‌سازی ...، بدین‌وسیله صدور و تمدید مجوز آندوسکوپی تشخیصی فوقانی دستگاه گوارش و رکتوسیگموئیدوسکوپی توسط متخصصین داخلی، با رعایت مفاد بخشنامه ۲/۸۲۶۶۳-س/۱۳۸۳/۶/۱، از تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱ به جنابعالی تفویض می‌گردد. ضمن آرزوی توفیق در انجام این مهم، توجه به نکات ذیل ضروری است: ۱- انجمن متخصصین گوارش و کبد ایران، طبق روال گذشته کماکان صلاحیت صدور گواهینامه طی دوره مذکور را خواهد داشت و متخصصین داخلی پس از اخذ گواهی این انجمن باید مدارک مربوط را جهت اخذ مجوز به آن دانشگاه تسلیم نمایند. ۲- آن دسته از متخصصین داخلی که دوره آموزشی آندوسکوپی دستگاه گوارش را ضمن دوره دستیاری گذرانده‌اند، لازم است دانشگاه مربوطه رسانده و سپس جهت صدور مجوز نهایی به آن دانشگاه ارائه نمایند. ۳- مجوز مربوطه در محل مطب پزشک متقاضی، با ارائه پروانه مطب معتبر (یا در محل بیمارستان مورد فعالیت و به تقاضای رئیس بیمارستان مربوطه) به مدت تاریخ اعتبار پروانه مطب و حداکثر تا ۲ سال صادر و تمدید آن منوط به ارائه گواهی دوره بازآموزی دوسالانه آندوسکوپی و تأیید آن دانشگاه می‌باشد. ۴- برای هر فرد متقاضی تنها یک مجوز و فقط در یک محل (مطب یا بیمارستان) صادر می‌گردد." دکتر سیدحسن امامی رضوی

۷- با مذاقه در بخشنامه‌های ذکر چند ایراد مهم و اساسی و بیان آن‌ها به شرح ذیل اقرب به ایصال خواهد بود: الف) انحصار صدور گواهی طی دوره آندوسکوپی به انجمن گوارش بدون رعایت مفاد ماده ۳۱ آیین‌نامه انتظامی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌ای پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی صورت گرفته است. بدین توضیح: درحالی‌که کلیه متخصصین داخلی در طی دوران تحصیل دوره انجام آندوسکوپی را زیر نظر وزارت بهداشت فرا می‌گیرند مع‌الوصف برخلاف نص صریح ماده ۳۱ از انجام این مهم وفق بخشنامه معترض‌عنه محروم شده‌اند، لذا به‌موجب قانون اساسی این بخشنامه مصداق تبعیض ناروا و ترجیح بلامرجه انجمن گوارش نسبت به جامعه متخصصین داخلی است.

ب) به‌موجب قانون "چگونگی تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته به آن" باید صلاحیت مربوط به هر رشته توسط آیین‌نامه‌ای باشد که توسط "سازمان نظام پزشکی" تهیه و به تصویب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برسد. لذا اولاً: در وضع مقرر فوق آیین‌نامه توسط سازمان نظام پزشکی تهیه نگردیده است و ثانیاً: توسط وزیر ابلاغ نشده است لذا از حیث مرجع تشریفات وضع نیز قابل خدشه می‌باشد. ج) بخشنامه معترض‌عنه اشعار می‌دارد فردی که گواهی مربوطه را از انجمن متخصصین گوارش دریافت دارد صرفاً به مدت ۲ سال و آن هم فقط در یک محل حق استفاده دارد! صرف‌نظر از اینکه این بدعت و تبعیض ناروا علاوه بر تحدید صلاحیت فردی یک پزشک باعث ارجاع مکرر بیماران به مراکز متعدد می‌شود و عملاً فرد بیمار دچار سردرگمی و تحمل هزینه‌های متعدد می‌گردد و عملاً یک پزشک (دارای صلاحیت) فقط با یک دستگاه (یا در محل مطب یا بیمارستان) می‌تواند اقدام به آندوسکوپی نماید. عملاً هر سال در جامعه پزشکان متخصص داخلی بازآموزی آخرین دست آوردهای آندوسکوپی آموزش و گواهی داده می‌شود.

با عنایت به مراتب معنونه فوق و در راستای جلوگیری از هجمه ناصواب و جفای ناروای به بیماران عزیز و متخصصین داخلی خدوم میهن اسلامی مان استدعای امعان نظر به شرح مرقوم، تقاضای ابطال بخشنامه صاداری از دیوان عدالت اداری (وفق مواد ۱۲ و ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۲۲/۹/۱۳۹۰) مورد استدعاست."

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"رئیس/ سرپرست محترم دانشگاه/دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی..."

موضوع: تفویض صدور مجوز آندوسکوپی

سلام علیکم

با صلوات بر محمد و آل محمد (ص) و تقدیم احترام، در راستای بخشنامه شماره ۲۷۸۳۱۰-۱۳۸۹/۷/۲۴-۲۷۸۳۱۰ مقام وزارت در خصوص تفویض امور اجرایی به دانشگاهها به منظور تمرکززدایی از ستاد، تسهیل و تسریع امور ارباب رجوع، اصلاح و بهینه سازی امور، بدین وسیله صدور و تمدید مجوز آندوسکوپی تشخیص فوقانی دستگاه گوارش و رکتوسیگموئیدوسکوپی توسط متخصصین داخلی، با رعایت مفاد بخشنامه ۲/۸۲۶۶۳/س-۱۳۸۲/۶/۱ از تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱ به جنابعالی تفویض می گردد. ضمن آرزوی توفیق در انجام این مهم، توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱- انجمن متخصصین گوارش و کبد ایران، طبق روال گذشته کماکان صلاحیت صدور گواهینامه طی دوره مذکور را خواهد داشت و متخصصین داخلی پس از اخذ گواهی این انجمن باید مدارک مربوط را جهت اخذ مجوز به آن دانشگاه تسلیم نمایند.

۲- آن دسته از متخصصین داخلی که دوره آموزشی آندوسکوپی دستگاه گوارش را ضمن دوره دستیاری گذرانده اند، لازم است گواهی طی دوره مذکور توسط رئیس بخش گوارش بیمارستان محل آموزش را، به تائید معاونت آموزشی دانشگاه مربوطه رسانده و سپس جهت صدور مجوز نهایی به آن دانشگاه ارائه نمایند.

۳- مجوز مربوطه در محل مطب پزشک متقاضی، با ارائه پروانه مطب معتبر (یا در محل بیمارستان مورد فعالیت و به تقاضای رئیس بیمارستان مربوطه) به مدت تاریخ اعتبار پروانه مطب و حداکثر تا ۲ سال صادر و تمدید آن منوط به ارائه گواهی دوره بازآموزی دوسالانه آندوسکوپی و تائید آن دانشگاه می باشد.

۴- برای هر فرد متقاضی تنها یک مجوز و فقط در یک محل (مطب یا بیمارستان) صادر می گردد. - معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی"

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۲۲۸-۱۳۹۶/۱۲/۶-۱ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیات عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۶۰۴/۹۶ موضوع شکایت جامعه متخصصین داخلی ایران به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۴۰۰/۷۸۲۸-۱۳۹۰/۳/۲۹-۴۰۰/۷۸۲۸ معاون درمان وقت وزارت متبوع مراتب ذیل به استحضار می رسد:

۱- شاکی وفق مفاد دادخواست تقدیمی ادعا نموده است که معاونت درمان وقت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی طی نامه مورد اعتراض صدور گواهی دوره آندوسکوپی را به انجمن متخصصین گوارش سپرده است و بدون رعایت ماده ۳۱ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلین حرفه های پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی، در حالی که کلیه متخصصین داخلی در طی دوران تحصیل انجام آندوسکوپی را فرا می گیرند، این گروه از متخصصین را از این حق محروم کرده است. ضمن اینکه شاکی با استناد به قانون چگونگی تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته به آن صدور این بخشنامه را از حیث عدم رعایت

تشریفات قابل خدشه می‌داند. شاکي همچنين به مدت اعتبار گواهی‌های صادره از انجمن متخصصین گوارش و استفاده از گواهی مربوطه در یک محل (بیمارستان یا مطب) نیز معترض می‌باشد.

۲- در خصوص شکایت مطروحه لازم به ذکر است، مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، یکی از وظایف این وزارتخانه تدوین و ارائه سیاست‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی، پژوهش، خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، بهزیستی و تأمین اجتماعی می‌باشد.

۳- برابر ماده ۷ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی و برنامه‌ریزی آموزشی پزشکی به عهده این وزارتخانه است. همچنین مطابق بند ۴ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعیین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مورد نیاز کشور و اجرای برنامه‌های تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی در جهت نیل به خودکفایی از وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام شده است.

۴- همچنین برابر بند ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کلیه مؤسسات و واحدهای بهداشتی و درمانی و پزشکی کشور که از طریق بخش خصوصی و غیردولتی در امر بهداشت و درمان فعالیت دارند از تاریخ تصویب این قانون باید تحت نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی این وزارتخانه قرار گیرند.

۵- برابر بند ۱۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷، تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به خدمات بهداشتی درمانی و درمانی از وظایف وزارتخانه مذکور است.

۶- وفق قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی مصوب سال ۱۳۵۲ وظایف زیر بر عهده شورای مذکور می‌باشد:

بررسی و تعیین احتیاجات آموزشی رشته‌های پزشکی و تخصصی، ارزشیابی و تعیین محتوای برنامه‌ها و روش‌های کلی آموزش و ایجاد هماهنگی لازم، بررسی و تعیین احتیاجات نیروی انسانی لازم در کشور در رشته‌های پزشکی و علوم وابسته و تخصص‌های پزشکی و تعیین ضوابط جهت تربیت متخصص در دانشکده‌های پزشکی و بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه‌ها از جهات زیر:

الف - برنامه و روش‌های آموزشی ب- بررسی و اظهارنظر درباره ضوابط مربوط به صلاحیت آموزشی مؤسسات پزشکی و تصویب صلاحیت آموزشی مذکور و نحوه وابستگی آن‌ها به دانشگاه‌ها بر اساس ضوابط مقرر ج- تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی امتحانات تخصصی و همچنین بررسی نحوه اجرای ضوابط و برنامه‌ها.

۷- طبق ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استفاده‌کنندگان از دستگاه‌های تخصصی نظیر سونوگرافی و سی‌تی‌اسکن باید علاوه بر داشتن مدرک پزشکی تخصصی در رشته مربوطه حداقل دوره آموزشی لازم را که به تأیید کمیته تخصصی مربوطه در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید در یکی از مراکز علمی و دانشگاهی داخل یا خارج از کشور طی کرده باشند.

۸- شاکي با استناد به ماده ۳۱ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی (شاغلان حرف پزشکی می‌توانند منحصرأ به درمان آن گروه، از بیماران بپردازند که در دوران تحصیل دوره آموزشی آن را طی نموده و یا مدارک لازم را از مراکز مجازی که به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد، اخذ نموده باشند) مدعی می‌باشد، کلیه متخصصین داخلی در طی دوران تحصیل انجام آندوسکوپی را زیر نظر وزارت بهداشت فرا می‌گیرند ولی از انجام این مهم وفق بخشنامه مذکور محروم شده‌اند. در این خصوص لازم به ذکر است:

اولاً، دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی طی نامه شماره ۵/۵۱/۶۲۰۴-د/۱۳۹۶/۱۱/۱۱ اعلام

کرده است، مهارت عملی آندوسکوپي در برنامه آموزشی رشته تخصصی داخلی مصوب شصت و هشتمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی خرداد سال ۱۳۸۷ لحاظ نگردیده بود، ولی در برنامه آموزشی بازنگری شده رشته تخصصی مذکور مصوب هشتاد و چهارمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی مهارت آندوسکوپي تشخیصی فوقانی UPPER GI لحاظ گردیده است. لذا با توجه به اینکه بخشنامه مورد اعتراض مربوط به سال ۱۳۹۰ می‌باشد و برابر نامه فوق‌الذکر مهارت عملی آندوسکوپي در برنامه آموزشی رشته تخصصی داخلی تا قبل از سال ۱۳۹۵ پیش‌بینی نشده بود، استناد شاکي به ماده ۳۱ آیین‌نامه مزبور منتفی است. اشاره می‌نماید مهارت عملی آندوسکوپي تحتانی بر اساس برنامه آموزشی مصوب رشته تخصصی بیماری‌های داخلی در برنامه آموزشی رشته داخلی لحاظ نشده است.

ثانیاً: در بخشنامه مذکور صراحتاً اعلام شده است متخصصین داخلی که در دوره آموزشی آندوسکوپي تشخیصی دستگاه گوارش را ضمن دوره نگذرانده‌اند پس از اخذ گواهی از انجمن متخصصین گوارش و کبد می‌توانند مجوز دریافت نمایند و آن‌هایی که دوره را ضمن دستیاری دوره آموزشی مذکور را گذرانده‌اند می‌توانند پس از تأیید گواهی دوره مجوز دریافت نمایند. لذا ادعای انجمن دائر بر محرومیت متخصصین داخلی از انجام آندوسکوپي نیز بلاوجه است.

۹- در ارتباط با استناد شاکي به قانون چگونگی تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته به آن لازم به ذکر است:

اولاً: وفق ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، استفاده‌کنندگان از دستگاه‌های تخصصی علاوه بر داشتن مدرک پزشکی تخصصی در رشته مربوطه، موظف به طی حداقل دوره آموزشی لازم که به تأیید کمیته تخصصی مربوطه در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده است در یکی از مراکز علمی و دانشگاهی داخل یا خارج از کشور می‌باشند، لذا اتخاذ تصمیم در خصوص چگونگی فعالیت متخصصین برای استفاده از دستگاه‌های تخصصی بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده و ارتباطی با سازمان نظام پزشکی ندارد.

ثانیاً: وفق ماده‌واحد قانون چگونگی تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته به آن سازمان نظام پزشکی موظف بوده ظرف مهلت شش ماه از تصویب قانون نسبت به تهیه آیین‌نامه‌های مربوطه اقدام نماید و آن را به تصویب وزارت بهداشت برساند و چنانچه سازمان نظام پزشکی ظرف مدت شش ماه از تصویب این قانون اقدام به تهیه آیین‌نامه‌های موضوع ماده‌واحد بالا ننماید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است پس از کسب نظر از سازمان نظام پزشکی اقدام به تهیه یا اصلاح آیین‌نامه‌های لازم کند. سازمان نظام پزشکی در مهلت مقرر قانونی نسبت به تهیه آیین‌نامه‌ها اقدام ننموده است. وزارت بهداشت نیز صلاحیت و وظایف شاغلان حرفه‌های پزشکی را در حدود برنامه‌های آموزشی مربوط به هر رشته اعلام می‌دارد که اتفاقاً در نشست‌های شورای آموزش پزشکی و تخصصی با حضور نماینده سازمان نظام پزشکی تصویب و با امضاء وزیر بهداشت ابلاغ می‌شود. ضمن اینکه وفق ماده ۳۱ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی شاغلان حرف پزشکی می‌توانند منحصراً به درمان آن گروه از بیماران بپردازند که در دوران تحصیل دوره آموزشی آن را طی نموده و یا مدارک لازم را از مراکز مجازی که به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد، اخذ نموده باشند. بر این اساس سازمان نظام پزشکی با اعلام اینکه تعیین وظایف و صلاحیت حرفه‌ای شاغلان پزشکی و وابسته به آن را منوط به برنامه آموزشی دوره تخصصی مربوطه می‌باشد، اقدامات این وزارتخانه را تأیید نموده است.

۱۰- ضمناً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قبلاً در شکایت مطروحه در موضوع ابطال بخشنامه شماره

۱۳۸۸/۷/۲-۳۰/۲/۵۸۱۵۹ مرکز نظارت و اعتباربخشی امور درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (موضوع انجام کاشت مو توسط پزشکان عمومی) طی دادنامه شماره ۱۹۷-۱۳۹۰/۸/۱۰- صراحتاً اعلام نموده است نظر به اینکه به موجب بند ۱۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷، تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به خدمات بهداشتی درمانی از وظایف وزارتخانه مذکور است و مصوبه مورد شکایت در راستای انتظام بخشیدن به امور مربوط به کاشت مو که از موضوعات بهداشتی درمانی است صادر شده است، بنابراین خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع، تشخیص نمی‌شود و قابل ابطال نیست. بر این اساس و به استناد رأی مذکور، نامه مورد اشاره و یا هر نام‌های که نسبت به تعیین و اعلام استانداردهای خدمات درمانی از سوی این وزارتخانه صادر شده باشد قابل ابطال نخواهد بود.

۱۱- مضافاً بر این هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۲۱۹-۱۳۸۸/۳/۱۰ در موضوع شکایت به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۲۸۰۱۳-۱۳۷۶/۱۱/۱۵ معاون درمان این وزارتخانه در خصوص انجام سونوگرافی توسط متخصصین زنان و زایمان در مطب اعلام داشته است، صلاحیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را در زمینه نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی در جهت اتخاذ روش‌های بهینه و مؤثر در امر تشخیص و درمان در مؤسسات و واحدهای بخش خصوصی و غیردولتی فعال در امور مذکور مورد تأیید قرار داده است.

۱۲- در ارتباط با اعتبار دوساله گواهی‌های آموزشی و صدور آن صرفاً برای یک محل نیز لازم به توضیح است دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی طی نامه شماره ۵/۵۰۵/۶۶۰۰-۱۳۹۶/۱۱/۲۸ اعلام کرده است که گواهی‌های مزبور توسط انجمن گوارش ایران صادر می‌گردد.

با توجه به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه برابر قانون تشکیل و تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و قوانین برنامه‌های توسعه تولید نظام سلامت از عمده وظایف این وزارتخانه می‌باشد، لذا برابر ضوابط و مقررات مطروحه خواسته شکات کاملاً بی‌وجه مطرح گردیده و بر این اساس رد دعوی مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد. "

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه در بخشنامه مورد شکایت انجام آندوسکوپی برای پزشکان فوق تخصص گوارش به جهت طی دوره آندوسکوپی در ضمن تحصیل به دوره فوق تخصص مجاز دانسته شده و در مورد متخصصین داخلی، انجام آندوسکوپی به داشتن گواهی دوره مربوطه در ضمن تحصیل یا گذراندن دوره پس از فراغت از تحصیل موکول شده است و با این اوصاف بخشنامه منطبق با کوریکولوم آموزشی و نیز منطبق با اختیارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شرح بندهای ذیل ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و حکم ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون اخیرالذکر و ماده ۳۱ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی شاغلین حرف پزشکی و وابسته مصوب شورای عالی نظام پزشکی می‌باشد، در نتیجه مغایر قانون و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - دامپزشکی و پیشگیری از امراض مسری و سریع الانتشار در انسان و حیوان و آفات نباتی و بازرسی حیوانات و نباتات

تاریخ: ۳۰ مرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۳۳۷

کلاس پرونده: ۸۲۰/۹۶

**موضوع:** ۱- عدم ابطال نامه شماره ۷۴۷۸۷-۹۴/۴۳-۱۳۹۴/۹/۲۹- سازمان دامپزشکی کشور ۲- عدم ابطال بند "ب" دستورالعمل ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام با سکونت گاه‌ها به شماره ۲۰/۳۳۸۸۴-۰۲-۱۳۹۱/۱۱/۲ وزارت جهاد کشاورزی

**شاکی:** آقای حسین گل محمدی با وکالت آقای مهدی اکبریان

### گردش کار:

آقای حسین گل محمدی با وکالت آقای مهدی اکبریان به موجب دادخواستی اعلام کرده است که: "ریاست محترم، حسب مستندات پیوستی و به وکالت از موکل به استحضار می‌رساند: ۱- موکل این جانب مالک یک واحد مرغداری گوشتی ۳۰ هزار قطعه‌ای در قریه فوتم از توابع شهرستان جویبار می‌باشد. نظر به اینکه دو تن از مجاورین موکل در حریم مرغداری اقدام به ساخت بنای مسکونی و استخر شنا نموده بودند، موکل طبق ماده ۶ قانون نظام جامع دامپروری مصوب ۱۳۸۸ به ناچار اقدام به طرح دعوی اقلع و قلع بناها در شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی جویبار تحت کلاس ۹۴۰۲۰۹ می‌نماید که حالیه در جریان رسیدگی است. در پی استعلام دادگاه از سازمان نظام دامپزشکی استان، مرجع مذکور با استناد به دستورالعمل ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام به شماره ۲۰/۳۳۸۸۴-۰۲-۱۳۹۱/۱۱/۲ وزارت جهاد کشاورزی و نامه شماره ۷۴۷۸۷-۹۴/۴۳-۱۳۹۴/۹/۲۹ سازمان دامپزشکی کشور اظهار داشت که "خانه‌های مسکونی و خانه‌های کارگری و بالطبع انبارهای محصولات و ملزومات کشاورزی در خانه‌های مسکونی (که در تعریف سکونت‌گاه قرار نمی‌گیرند) مشمول رعایت حریم بهداشتی از اماکن دامی و صنایع وابسته به دام نخواهد بود، این در حالی است که سازمان دامپزشکی کشور متولی تأمین بهداشت دام، شناسایی کانون‌های آلوده و پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های دامی بوده و درجهات نیل به این اهداف با توجه به قوانین و آیین‌نامه‌های بالادستی، از جمله قانون سازمان دامپزشکی کشور مصوب ۱۳۵۰، آیین‌نامه اجرایی نظارت بهداشتی دامپزشکی مصوب ۱۳۸۷ و نظام جامع دامپزشکی کشور مصوب ۱۳۸۸، اقدام به تدوین ضوابط و موازین بهداشتی و اعمال نظارت بر چرخه و زنجیره تولید، نگهداری، پرورش، حمل، کشتار دام و توزیع فرآورده‌های خام دامی می‌نماید و یکی از مهم‌ترین ضوابط بهداشتی تعیین و ابلاغ فواصل اماکن دامی و صنایع وابسته با اماکن مسکونی می‌باشد. از آنجاکه احداث اماکن دامی از قبیل (مراکز پرورش و نگهداری گونه‌های مختلف طیور و انواع ماکیان و دام) می‌تواند موجبات بروز اشاعه بیماری‌های خطرناک شود. از این‌رو در جهت احداث اماکن فوق، اولاً: مجموعه فوق

باید دارای ساختار بهداشتی متناسب باشد پس نقشه سازه‌ها لزوماً باید به تأیید سازمان دامپزشکی برسد تا این اطمینان حاصل شود دام در مکانی ایمن و مصون از تعرض فضای آلوده منطقه نگهداری شده پرورش یابد. ثانیاً: در صورت ابتلاء گله به بیماری اماکن دامی اطراف و جمعیت انسانی مجاور به جهت بعد مسافت به بیماری مذکور مبتلا نخواهند شد. نتیجتاً مقررات بهداشتی قرنطینه‌ای ابلاغی سازمان تضمین‌کننده سلامت بهداشتی جمعیت دامی موجود در واحد پرورش از طریق جلوگیری از ورود بیماری به واحد و اشاعه بیماری از واحد به اطراف می‌باشد. در وهله دوم تضمین‌کننده سلامت بهداشتی جمعیت و سرمایه‌های دامی و جمعیت انسانی است. متأسفانه وزارت جهاد کشاورزی در بند (ب) ماده ۲ دستورالعمل (ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام با سکونت‌گاه‌ها" به شماره ۳۳۸۸۴/۲۰-۰۲/۱۱/۱۳۹۱ با اقتباس ناشیانه از قانون تقسیمات کشوری در تعریف سکونت‌گاه این‌گونه اشاره دارد "سکونت‌گاه‌ها: سکونت‌گاه‌ها به کلیه شهرها، روستاها، شهرک‌های مسکونی و مجتمع‌های مسکونی که دارای حداقل بیست خانوار ساکن می‌باشند اطلاق می‌شود". به تبعیت از تعریف یاد شده سازمان دامپزشکی کشور طی نامه شماره ۹۴/۴۳/۷۴۷۸۷-۱۳۹۴/۲۹/۱۳۹۴ خطاب به اداره کل دامپزشکی مازندران این‌گونه اشاره دارد "لذا خانه‌های مسکونی و یا خانه‌های کارگری و بالطبع انبارهای محصولات و ملزومات کشاورزی در خانه‌های مسکونی (که در تعریف سکونت‌گاه قرار نمی‌گیرند) مشمول حریم بهداشتی از اماکن دامی و صنایع وابسته دام نخواهد بود و ملاک تشخیص جمعیت خانوار، آخرین سرشماری ایران می‌باشد". اولاً: چنین مقرره‌ای برخلاف اطلاق ماده ۶ قانون نظام جامع دامپروری کشور بوده و وزارت جهاد کشاورزی با توجه به وظایف سازمانی، صلاحیت و اختیار تعیین چنین مقرره خلاف قانونی را ندارد. ثانیاً: ماده ۲ قانون تقسیمات کشوری علاوه بر تعداد خانوار تعداد جمعیت را نیز (۱۰۰ نفر) لحاظ قرار داده است به عبارت بهتر موضوع اصلی تعداد جمعیت انسانی است نه صرفاً تعداد خانوار که متأسفانه وزارت جهاد کشاورزی عمده‌تعداد جمعیت را ملحوظ نکرده است. ثالثاً: قیاس مقررات قرنطینه‌ای که ضامن سلامت بهداشتی جمعیت‌های انسانی و دامی است با تقسیمات کشوری که جهت اختصاص بودجه و تشکیلات و ساختار اداری است قیاس مع‌الفارق است چرا که اگر جدول فواصل ضوابط استقرار اماکن دامی با جمعیت انسانی به کلان‌شهرها، مراکز استان‌ها، مراکز شهرستان، شهر با بیش از ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت تا ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت بیش از صد خانوار و تا ۱۰۰ خانوار تقسیم شده و بر اساس تعداد جمعیت بعد فواصل نیز تغییر کرده است به خاطر این است که هر چه تعداد جمعیت انسانی بیشتر شود مسبب مخاطرات بهداشتی نیز بیشتر خواهد شد (میزان تردد خودروها و غیره) پس مفاد نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱۸-۹۴/۵۴/۹۴۱۶۴-۱۳۹۴/۱۲/۱۸-۹۴/۲۸۱۲/۲۱۲۴۲-۹۴/۱۲/۱۸-۹۴/۱۲/۱۸ اداره کل دامپزشکی مازندران مؤید مدعای یاد شده می‌باشد. تالی فاسد مقرره اخیر آن است که در نواحی ساحلی شمال کشور به جهت تراکم روستاها ایجاد تک خانه‌های مسکونی که به‌عنوان تفرجگاه مرفهین غیربومی تحت پوشش خانه‌های کارگری ساخته می‌شود موجبات اتصال به روستاها را فراهم نموده علاوه بر اینکه مخاطرات بهداشتی زیادی از طرف جمعیت انسانی به جمعیت دامی را فراهم می‌نماید، موجبات اقامه دعاوی زیادی از طرف مالکین خانه‌های مسکونی به طرفیت مالکین اماکن دامی (ناشی از انتشار بوی نامطبوع در هوا و غیره) و بالعکس شده بعضاً محاکم به‌رغم سبق احداث واحدهای دامی جهت جلوگیری از تنش اجتماعی حکم به تعطیلی و یا صرف هزینه‌های ساختاری غیر مربوط به خاطر رفاه ساکنین تک خانه‌ها می‌نمایند. با توجه به مراتب به جهت اینکه اجرای مقررات ناصواب صدرالذکر موجبات ورود خسارت غیرقابل‌جبران برای جمعیت انسانی و دامی را فراهم می‌کند وفق ماده ۳۶ قانون دیوان عدالت اداری ضمن تقاضای صدور دستور موقت جهت جلوگیری از اجرای مفاد نامه شماره ۱۳۹۴/۹/۲۹-۹۴/۴۳/۷۴۷۸۷ سازمان دامپزشکی کشور و بند

(ب) دستورالعمل ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام با سکونت‌گاه‌ها، مآلا خواهان ابطال مقرره‌های مذکور و لحاظ حریم بهداشتی بر اساس ضوابط استقرار اماکن دامی وفق بند (الف) ماده ۱۰ قانون اخیرالذکر مورد استدعاست."

متن مقرره‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف: نامه شماره ۷۴۷۸۷-۹۴/۴۳-۱۳۹۴/۹/۲۹-۱۳۹۴ سازمان دامپزشکی کشور:

"جناب آقای دکتر سیدحسین رضوانی

مدیرکل محترم دامپزشکی استان مازندران

موضوع نامه: "ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام با سکونت‌گاه‌ها" با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۱۵۳۴۷/۱۵۳۴۴/۹۴-۱۳۹۴/۹/۱۸-۹۴ در خصوص ضوابط استقرار و فواصل خانه کارگری و انبار محصولات و ملزومات کشاورزی و همچنین خانه‌های مسکونی خارج از بافت روستا، بدین‌وسیله به استحضار می‌رساند:

۱- به استناد بند (ب) ماده (۲) دستورالعمل ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام با سکونت‌گاه‌ها (موضوع ابلاغیه شماره ۰۲۰/۳۳۸۸۴-۱۳۹۱/۱۱/۲-۰۲ وزیر جهاد کشاورزی) ارسالی طی بخشنامه شماره ۷۸۲۹۹/۱۰/۹۱/۱۱/۹-۱۳۹۱، سکونت‌گاه‌ها به کلیه شهرها، روستاها، شهرک‌های مسکونی و مجتمع‌های مسکونی که دارای حداقل بیست خانوار ساکن می‌باشند، اطلاق می‌شود. ملاک تشخیص جمعیت خانوار، آخرین سرشماری مرکز آمار ایران می‌باشد. لذا خانه‌های مسکونی و یا خانه‌های کارگری و بالطبع انبارهای محصولات و ملزومات کشاورزی در خانه‌های مسکونی (که در تعریف سکونت‌گاه‌ها قرار نمی‌گیرد) مشمول رعایت حریم بهداشتی از اماکن دامی و صنایع وابسته به دام نخواهند شد.

۲- رعایت دستورالعمل "ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام با سکونت‌گاه‌ها" نافی ضوابط و مقررات سایر ارگان‌های مسئول قانونی از جمله سازمان حفاظت محیط‌زیست نخواهد بود."

ب: بند ب دستورالعمل ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن و صنایع وابسته به دام با سکونت‌گاه‌ها به شماره ۰۲۰/۳۳۸۸۴-۱۳۹۱/۱۱/۲-۰۲ وزارت جهاد کشاورزی:

"ماده ۲- تعاریف: اصطلاحات و تعاریف مندرج در این دستورالعمل در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند. الف) محدوده و حریم شهر، محدوده شهرک و روستا، مطابق با قانون تعاریف محدوده و حریم شهر روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها مصوب ۱۳۸۴ تبصره ۱: در مورد شهرهای فاقد طرح هادی یا جامع تا زمان تهیه طرح جامع یا هادی، محدوده طرح‌های مصوب قبلی آن‌ها ملاک عمل خواهد بود. تبصره ۲: در مورد روستاها، محدوده مصوب طرح هادی روستایی، ملاک عمل خواهد بود و برای روستاهای فاقد طرح هادی محدوده روستا تا زمان تهیه طرح هادی روستایی، توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تعیین می‌شود. ب) سکونت‌گاه‌ها: سکونت‌گاه‌ها به کلیه شهرها، روستاها، شهرک‌های مسکونی و مجتمع‌های مسکونی که دارای حداقل بیست خانوار ساکن می‌باشند، اطلاق می‌شود، ملاک تشخیص جمعیت خانوار، آخرین سرشماری مرکز آمار ایران می‌باشد."

طرف شکایت علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضمائم آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ‌گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به

صدر رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه تاکنون آیین نامه اجرایی ماده ۶ قانون جامع نظام دامپروری تدوین و ابلاغ نشده است و قاعدتاً مقررات سابق حاکم است و با عنایت به اختیارات موضوع ماده ۱۹ قانون سازمان دامپزشکی و ماده ۱ و بندهای ذیل ماده ۳ قانون مذکور، تصویب مقررات مورد شکایت از اختیارات مرجع تصویب کننده مقررات مورد اعتراض می باشد و مغایر قانون نیست و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## پیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۳۰ مرداد ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۳۴۵

کلاس پرونده: ۱۷۹۳/۹۷

**موضوع:** اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص پرداخت حقوق و مزایای معوقه ناشی از عدم اجرای قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان نظام سلامت)

**شاکي:** آقایان و خانمها: ۱- صلاح‌الدین بهزادی ۲- آقاشاهی مدیرکل دبیرخانه مرکزی و دفاتر استانی دیوان عدالت اداری ۳- مهدی شرفی مقدم ۴- ترانه ملک ۵- مهسان کاردان با وکالت یدالله کاردان ۶- سليله شادمان قادی ۷- فاطمه خلیلی

### گردش کار:

به دنبال تصویب قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان نظام سلامت و آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۸۸ و اجرای آن با تأخیر آن از سال ۱۳۹۱ به بعد، درخواست‌هایی متعدد با موضوع پرداخت حقوق و مزایای معوقه ناشی از عدم اجرای قانون مزبور، به دیوان عدالت اداری تقدیم و منجر به صدور دادنامه‌های مختلف از شعب بدوی و تجدیدنظر در جهت الزام حقوق معوقه ناشی از عدم اجرای قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان نظام سلامت شده است.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۴۰۴۴، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۴۰۹۷ با موضوع دادخواست آقایان سیدجواد توکلی اله آبادی و محمدحسن بیوکی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام به پرداخت مابه‌التفاوت قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت تا بهمن ماه ۱۳۹۱ به موجب دادنامه‌های شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰۱۶۶۶، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰۱۶۶۵ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به محتویات پرونده و توجهاً به اینکه قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۳۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در بند ۵ آن اجرای قانون را موکول به تنظیم آیین‌نامه اجرایی نموده که به تصویب هیأت وزیران برسد و آیین‌نامه اجرایی در مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ توسط هیأت وزیران تصویب گردیده و در مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۱ جهت اجراء ابلاغ گردیده است بنابراین مشتکی عنه موظف به اجرای قانون از تاریخ تصویب آیین‌نامه بوده و نظر به اینکه در قانون مزبور اجرای آن را منوط به تنظیم ضابطه اجرایی یا دستورالعمل ننموده بنابراین استناد مشتکی عنه به تنظیم ضابطه اجرایی و اجرای قانون متعاقب ضابطه اجرایی فاقد محمل قانونی است با توجه به مراتب مزبور شکایت شاکي وارد تشخیص و حکم بر ورود آن صادر و اعلام می‌گردد رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان است.

آرای مذکور به موجب آرای شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۱۰۳۲، ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۱۰۲۵، ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۱۰۲۵، ۱۳۹۴/۵/۱۹-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۱۰۳۲

شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۴۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۲۶۱ با موضوع دادخواست خانم لیلا قاصدجلابو به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته پرداخت معوقه ناشی از کاهش ساعت کاری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۳/۸/۱۰-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۴۴۰۰۴۸۳ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

به موجب ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ هیأت وزیران ساعات کار کارکنان بالینی در بخش‌های دولتی و غیردولتی در نوبت‌های شب و ایام تعطیل با ضریب ۱/۵ محاسبه می‌گردد و مشمولین این ماده اجازه کار بیش از دوازده ساعت متوالی را نداشته و می‌توانند در صورت نیاز، ماهانه حداکثر ۸۰ ساعت بر اساس دستورالعمل ماده ۲ این آیین‌نامه با توافق کارفرما اضافه‌کاری انجام دهند و ماده ۱ این آیین‌نامه پرستاران را جزء شاغلین بالینی محسوب نموده است، بنا به مراتب ذکر شده دفاع خواننده و استناد وی به دستور اداری فوق‌الاشعار با توجه به تاریخ تصویب قانون و آیین‌نامه‌های فوق‌الذکر و نیز با رعایت اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران غیرموجه است مضافاً با استنباط از ماده ۵ آیین‌نامه صدرالذکر ساعاتی را که شاکیه بیش از ساعت موظفی اقدام به ارائه خدمات نموده است به‌عنوان اضافه کار تلقی در نتیجه با استناد به مقررات مرقوم و نیز رأی شماره ۱۶۴-۲۰/۱۲/۱۳۷۰-هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و به لحاظ تحقق حق مکتسبه و نیز رعایت اصل عدم تبرع (راجع به ساعات خارج از وظیفه کاری) و به دلیل احراز تصبیح حقوق موضوع ماده ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم به ورود شکایت و الزام خواننده به اجابت خواسته ایشان از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون ارتقای بهره‌وری صادر و اعلام می‌شود. این رأی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۳۹۴/۹/۴-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۳۰۲۵۹۶ شماره شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۲۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده‌های شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۱۱۳۶، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۹۶۲۴، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۹۸۶۸، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۳۸۳۷، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۸۳۸۳۷ با موضوع دادخواست‌های خانم‌ها منیژه رضانی، رؤیا تیموری، زکیه صالحی و آقای حسین دارابی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام به پرداخت مابه‌التفاوت قانون ارتقاء بهره‌وری تا بهمن ماه سال ۱۳۹۱ به موجب دادنامه‌های شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۸۰۱۷۱۵، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۸۰۱۷۱۴، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۸۰۱۷۱۳، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۸۰۲۲۲۵ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به اینکه سازمان تأمین اجتماعی تلویحاً اقرار دارد که قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت در سازمان تأمین اجتماعی اجرایی گردیده و در حال پرداخت و اجرا می‌باشد فلذا شکایت شاکی موجه تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

آراء مذکور به موجب آراء شماره ۱۳۹۴/۱/۳۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۲۰۹، شعبه ۵ تجدیدنظر، ۱۳۹۳/۱۰/۱-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۱۷۲۳ شعبه ۵ تجدیدنظر، ۱۳۹۳/۱۰/۱-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۲۰۸، شعبه ۵ تجدیدنظر، ۱۳۹۴/۱/۳۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۲۰۸، شعبه ۵ تجدیدنظر، ۱۳۹۵/۷/۳-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۸۳۷ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۲۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۰۶۰۵،

۹۴۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۱۹۸۵ با موضوع دادخواست‌های خانم‌ها مرجان رضازاده و زهره مؤید به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام به پرداخت معوقه ناشی از تأخیر در اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری به‌موجب دادنامه‌های شماره ۱۳۹۴/۵/۲۱-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۱۲۰۱ و ۱۳۹۴/۱۲/۱۷-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۲۶۴۹ و شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به اینکه به‌موجب ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ هیأت دولت که مقرر داشته ساعات کار کارکنان بالینی در بخش‌های دولتی و غیردولتی در نوبت‌های شب و ایام تعطیل با ضریب ۱/۵ محاسبه گردد و مفاد ماده ۱ آیین‌نامه فوق‌التوصیف که پرستاران را جزء شاغلین بالینی محسوب نموده است، بنا به مراتب فوق و به لحاظ تحقق حق مکتسبه شکایت مطروحه را دارد تشخیص و مستنداً به ماده ۱۰ و ۱۱ و ۶۵ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ حکم به ورود شکایت و الزام خواننده به اجابت خواسته شاکی به شرح دادخواست از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون استنادی خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

آرای مذکور به‌موجب آرای شماره ۱۳۹۶/۳/۸-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۹۳۲-۱۳۹۴/۸/۲۳-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۵۶۹ شعبه ۱۳ تجدیدنظر و آرای شماره ۱۳۹۶/۳/۸-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۵۶۹ شعبه ۲۱ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۱۳۹۴/۸/۲۳-۹۴۰۹۹۸۰۹۰۲۱۰۱۵۸۹ و ۱۳۹۴/۸/۲۳-۹۴۰۹۹۸۰۹۰۲۱۰۱۵۸۹ و ۱۳۹۴/۸/۲۳-۹۴۰۹۹۸۰۹۰۲۱۰۱۵۸۹ و ۱۳۹۴/۸/۲۳-۹۴۰۹۹۸۰۹۰۲۱۰۱۵۸۹ با موضوع دادخواست‌های خانم‌ها نجیبه آهنگر دارابی، شهربانو جعفری مؤخر، معصومه ذبیحی حاجیکلائی و آقای مجید حمزه به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی مدیریت درمان استان مازندران و به خواسته الزام به پرداخت حقوق معوقه ناشی از عدم اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان نظام سلامت به‌موجب دادنامه‌های شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۴۹۴، ۱۳۹۴/۱۲/۱۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۴۹۴، ۱۳۹۴/۱۲/۱۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۴۹۴ و ۱۳۹۴/۱۱/۲۵-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۵۱۹ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به اینکه قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت در سال ۱۳۸۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و سپس در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۱ آیین‌نامه اجرایی آن از سوی هیأت وزیران به تصویب و جهت اجرا به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ گردید و به‌موجب مصوبه شماره ۱۱۰۰/۹۱/۱۵۰۰-۱۳۹۱/۱۰/۵ هیأت مدیره سازمان تأمین اجتماعی ضوابط اجرایی قانون مذکور از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۱ اجرایی گردیده و با عنایت به اینکه عدم تأمین اعتبار جهت اجرای مصوبه به ماقبل از تاریخ مذکور (از ۱۳۸۸/۱۱/۱۱ لغایت ۱۳۹۱/۱۰/۳۰) مسقط حق مکتسب و قانونی افراد نمی‌باشد، لذا با توجه به مراتب فوق شکایت شاکی را وارد تشخیص مستند به مواد ۳-۱۰ و ۱۱ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت مبنی بر اجابت خواسته شاکی صادر و اعلام می‌نماید. این رأی ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۱۳۹۶/۲/۲۳-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۰۵۱۴ شعبه ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

و: شعبه ۲۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۱۳۹۴/۸/۲۳-۹۴۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۲۰۵۵ و ۱۳۹۴/۸/۲۳-۹۴۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۲۰۴۷ با موضوع دادخواست‌های خانم‌ها سلیمه شادمان قادی و فاطمه خلیلی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی مازندران و به خواسته الزام خواننده به پرداخت حقوق معوقه ناشی از عدم اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان نظام سلامت به‌موجب دادنامه‌های شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۲۵۹۳ و ۱۳۹۴/۱۲/۱۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۲۵۹۳

۱۳۹۴/۱۲/۱۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۲۵۹۱ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به محتویات پرونده و اظهارات شاکی به شرح دادخواست و ضامناً آن و مفاد لایحه دفاعیه طرف شکایت که تحت شماره ۳۸۹۹-۹۴/۱۲/۱ ثبت دفتر گردیده و ضمن بررسی دلایل و مدارک ابرازی از ناحیه طرفین نظر به اینکه حسب مصوبه شماره ۱۱۰۰/۹۱/۱۵۰-۱۳۹۱/۱۰/۵ هیأت مدیره سازمان تأمین اجتماعی ضابطه اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری نظام سلامت مقرر شده که از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ قابلیت اجرایی داشته باشد و با توجه به این مطلب که طرف شکایت به‌موجب لایحه دفاعیه ارسالی اعلام داشته از تاریخ موصوف مذکور در فوق (۱۳۹۱/۱۱/۱) در مراکز درمانی تابعه سازمان تأمین اجتماعی قانون موصوف اجرایی گردیده بنا به مراتب فوق الزام خوانده به اجابت خواسته شاکی به اجرای قانون موصوف قبل از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ وجود ندارد. علی‌هذا شکایت مطروحه غیر وارد تشخیص و مستند به مفهوم مخالف ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

آراء مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافته است.

ز: شعبه اول بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۳۷۰۲۹-۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۳۷۰۲۹ با موضوع دادخواست خانم ترانه ملک به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام به پرداخت مابه‌التفاوت قانون ارتقاء بهره‌وری به‌موجب دادنامه شماره ۱۰۱۹۲۳-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰-۹۳۰۸/۱۴-۱۳۹۳/۸ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به محتویات پرونده و مفاد لایحه دفاعیه طرف شکایت که اعلام داشته طبق مصوبه هیأت مدیره سازمان به شماره ۱۱۰۰/۹۱/۱۵۰-۱۳۹۱/۱۰/۵ تاریخ اجرای قانون استنادی شاکی را از ۱۳۹۱/۱۱/۱ اعلام نموده و برای ماقبل آن اعتباری از ناحیه دولت تأمین نشده و مطابق ماده ۲۶ قانون برنامه توسعه پنجم ایجاد تعهد مالی خارج از قوانین بودجه ممنوع بوده علی‌هذا اقدامات طرف شکایت در چارچوب مقررات بوده و مستنداً به ماده ۱۰ از قانون دیوان حکم به رد شکایت صادر می‌شود. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان است.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافته است.

ح: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۳۰۶۲۳-۹۴۰۹۹۸۰۹۰۰۳۰۶۲۳ با موضوع دادخواست خانم مهسان کاردان با وکالت آقای یدالله کاردان به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام به پرداخت معوقه ناشی از تأخیر در اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری به‌موجب دادنامه شماره ۱۰۸۰-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۱۰۸۰-۱۳۹۵/۴/۱ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به اینکه براساس بند ج ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی اجرای تصمیمات و احکام دولت در جهت کاهش منابع یا مصارف یا افزایش مصارف و تعهدات صندوق و مؤسسات بیمه‌ای منوط به تأمین منابع مالی آن از طرف دولت می‌باشد، بنابراین با توجه به اینکه اعتبار مذکور در زمان اجرای قانون توسط دولت تأمین و پرداخت نگردیده است به‌عبارت‌دیگر اجرای مصوبه مذکور منوط به تأمین بار مالی از طرف دولت بوده است از طرفی دیگر براساس ماده ۲۶ قانون برنامه توسعه ایجاد هرگونه تعهد بیمه‌ای و بار مالی خارج از ارقام مقرر در قوانین بودجه برای صندوق‌های بیمه‌ای ممنوع اعلام گردیده است لذا شکایت شاکی را غیر وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادر شده ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیته یافته است.

ط: شعبه ۲۱ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۵۸۶۷۳، ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۴۱۲۳ با موضوع دادخواست‌های آقایان صلاح‌الدین بهزادی سام و مهدی شرفی مقدم به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام به اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان نظام سلامت و پرداخت معوقات ناشی از کاهش ساعت کاری به‌موجب دادنامه‌های شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۰۳۶۳-۱۳۹۳/۳/۱۹ و ۱۳۹۳/۳/۲۰-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۰۳۷۲ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به اوراق و محتویات پرونده و دفاعیات طرف شکایت نظر به اینکه وفق مواد ۹ و ۱۴ اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی، بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص برنامه‌بودجه و صورت‌های مالی سازمان بر عهده شورا و هیأت مدیره آن می‌باشد و با عنایت به اینکه حسب مصوبه ۱۱۰۰/۹۱/۱۵۰۰-۱۳۹۱/۱۰/۵ هیأت مدیره آن سازمان ضابطه اجرائی قانون ارتقاء بهره‌وری نظام سلامت اعلام و مقرر گردیده از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ قابلیت اجرائی دارد و نظر به اینکه طرف شکایت به‌موجب لایحه دفاعیه خود اعلام داشته از تاریخ موصوف (۱۳۹۱/۱۱/۱) در مراکز درمانی تابعه سازمان تأمین اجتماعی قانون موصوف اجرائی گردیده بنابراین الزام قانونی بر اجابت خواسته شاکی بر اجرای قانون موصوف قبل از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ وجود ندارد لذا به استناد مواد ۳ و ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید. این رأی به استناد ماده ۶۵ همان قانون ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به‌موجب دادنامه‌های شماره ۲۵/۳/۱۳۹۴-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۸۴۲ و ۹۵/۲/۱۲-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۰۴ آراء مذکور را عیناً تأیید کرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: با توجه به اینکه قانون‌گذار در ماده‌واحد قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب سال ۱۳۸۸ کلیه شاغلین بخش دولتی و غیردولتی را مشمول قانون اعلام کرده است و با تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور شرایط لازم‌الاجرا شدن آن محقق شده است و اجرای آن در سازمان تأمین اجتماعی به تصویب ضابطه اجرایی قانون یاد شده موکول نشده است، بنابراین کلیه مشمولین این قانون از جمله مستخدمین سازمان تأمین اجتماعی از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون مستحق برخورداری از حقوق وضع شده در قانون می‌باشند و عدم تأمین اعتبار یا تأخیر در اعمال آن حقوق مکتسبه مشمولین قانون را از بین نخواهد برد. با توجه به مراتب آراء صادر شده به وارد دانستن شکایت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری



۱۳۹۳/۵/۱۲، ۱۳۹۳/۳/۲۱-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۵۲۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:  
 نظر به اینکه شاکی در اجرای آیین‌نامه انتقال از کلان‌شهرها و در اجرای مصوبه ۳۰۲۵۵۹/ت/۴۵۴۳۶-۸۹/۱۱/۱۶ کارگروه نمایندگان رئیس‌جمهور می‌بایستی وضعیت خدمتی شاکی از قراردادی به پیمانی تبدیل می‌یافت علی‌هذا با این وصف شکایت شاکی را وارد دانسته و مستنداً به مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم بر الزام مشتکی‌عنهما به تبدیل وضعیت شاکی از قراردادی به پیمانی صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۱۰۰۶ و دادنامه شماره ۱۳۹۳/۵/۵-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۲  
 ۱۳۹۳/۵/۵ به ترتیب به‌موجب آراء شماره ۱۴۱۱-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۱۴۱۱-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۲۷۱ شعبه ۹ تجدیدنظر و شماره ۱۳۹۵/۵/۱۷-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۲۷۱ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

در سایر موارد تجدیدنظرخواهی صورت نگرفته است.  
 ب: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۳۰۰۹۹۲ با موضوع دادخواست خانم رقیه حیدرنیا به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به خواسته تبدیل وضعیت از قراردادی به پیمانی به‌موجب دادنامه شماره ۱۵۱۳-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۱۵۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه شاکی در اجرای مصوبه نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور به شماره ۱۳۸۹/۸/۲۵-۱۹۲۴۸۳ از کلان‌شهر تهران در سال ۱۳۹۱ به بیمارستان بوعلی اردبیل منتقل شده است بنابراین براساس بند ۹ دستورالعمل که مقرر داشته کارکنان قرارداد انجام کار معین که در اجرای مصوبات دولت و کارگروه انتقال به مناطق و دستگاه‌هایی که فهرست اسامی و مشاغل آن‌ها توسط معاونت توسعه رئیس‌جمهور تعیین می‌شود منتقل گردند با رعایت مقررات تبدیل وضعیت می‌شوند لذا دستگاه متبوع شاکی مکلف بوده که در راستای مقررات به وظیفه قانونی خود در این خصوص عمل نماید با این وصف تخلف از قوانین و مقررات توسط خواندگان محرز بوده و شکایت شاکی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادر شده ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر دیوان عدالت می‌باشد.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی در مهلت مقرر قانونی، به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۹/۱۸-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۲۰۲۶ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری قطعی یافته است.

ج: شعبه ۵۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده ۹۳۰۹۹۸۰۹۵۷۵۰۰۶۶۷ با موضوع دادخواست آقای اسلام پناهی آذرمنوان به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی استان اردبیل و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به خواسته تبدیل وضعیت از قراردادی به پیمانی به خاطر انتقال از کلان‌شهر تهران به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۲-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۷۵۰۰۳۳۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به مدارک ابرازی خواهان آن که دلالت بر اثبات حقانیت خواسته دارد و از طرفی با توجه به اینکه طرف شکایت دلیلی مبنی بر بی حقی شاکی ارائه نکرده است بنابراین خواسته قابل اجابت تلقی می‌گردد و مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره در بازه زمانی ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد. رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۹۵۴۴۰۰۸۸۳-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۴۰۰۸۸۳ شعبه ۱۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۵۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۵۷۵۰۰۵۱۹ با موضوع دادخواست آقای محمد سلیمی به طرفیت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان قم و معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی ریاست جمهوری و به خواسته الزام به تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی بر اساس مصوبه انتقال از قانون شهرها به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۷۵۰۰۶۴۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

چون انتقال شاکی از تهران به قم در راستای تصویب‌نامه‌های مربوط به انتقال از کلان‌شهرها از جمله تصویب‌نامه‌های شماره ۹۳۱۳۸ ات/۵۳۷۹۰۹ - ۸۶/۶/۱۲ و ۱۳۸۸/۱۲/۲۷-۲۶۴۷۲۷/۴۴۱۸۶ هیأت وزیران صورت گرفته است می‌بایست تمامی مزایای مقرر در آن تصویب‌نامه‌ها به شاکی تعلق بگیرد اقدامات دستگاه‌های اجرایی و تصمیمات هیأت دولت به‌عنوان بالاترین نهاد تصمیم‌گیرنده در امور اداری و استخدامی قانونی تلقی می‌شود و حقی برای شهروندان ایجاد می‌کند و رعایت این دو حق مکتسبه برای همه لازم است و سلب آن‌ها نیازمند تصریح بعدی قانون‌گذار دارد. درباره شاکی تمامی فرآیند مزبور انجام شده است و حتی به هسته‌گزینش معرفی شده و بر اساس نامه شماره ۱۳۹۱/۱۰/۲۸-۵۴۷۹۷ معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی استانداری قم برای شاکی پست بلا تصدی کارشناس روابط عمومی را تعیین می‌کند و جهت اخذ شماره مستخدم در سامانه کارکنان نظام اداری ثبت‌نام شده است و عدم تأیید نهایی معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) فاقد توجیه قانونی است. بنا بر همه مراتب پیش گفت شعبه با احراز شرایط قانونی مستند به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم بر ورود شکایت را صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره در بازه زمانی بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.  
رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافت.

ه: شعبه ۴۵ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۵۷۰۰۱۷۷۱ با موضوع دادخواست خانم راضیه محمدی کاودول به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، کارگروه انتقال استانداری اردبیل، معاونت توسعه رئیس‌جمهور، دانشگاه علوم پزشکی تهران و به خواسته تبدیل وضعیت از قراردادی به پیمانی موضوع انتقال از کلان‌شهرها، دریافت هزینه انتقال به‌موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۷۰۰۷۴۳-۱۳۹۵/۴/۲۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی نظر به اینکه شاکی در اجرای آیین‌نامه انتقال از کلان‌شهر به و مصوبه ۱۳۸۸/۱۲/۲۷-۲۶۲۷۴۷ منتقل گردیده و بر همین مبنا به دلالت بند ۹ تصویب‌نامه شماره ۱۹۲۴۸۳ ات/۰۴۵۴۳۶ هیأت وزیران و نیز تصمیم نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور در کارگروه مسکن ضرورت داشت که وضعیت استخدامی شاکی به پیمانی تغییر یابد علی‌هذا با این اوصاف شکایت شاکی را وارد دانسته و مستنداً به مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم بر الزام مشتکی‌عنه‌ها به تبدیل وضعیت شاکی از قراردادی به پیمانی صادر و اعلام می‌دارد و اما در خصوص دریافت هزینه انتقال با توجه به پرداخت آن به شاکیه و اینکه موجبات رسیدگی به شکایت منتفی گردیده مستنداً به بند ج ماده ۵۳ قانون دیوان قرار رد شکایت صادر رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۱۶۰۵-۱۳۹۶/۵/۲۹ شعبه ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

و: شعبه ۵۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۹۱۶۸۳ با موضوع

دادخواست آقای عبدالله سلیمی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۶۳/۳/۲۳-۱۷۵۹۸ و ۱۳۷۸/۳/۱-هـ-۳۵۹۱/ت/۱۷۲۹۶ شماره ۱۳۹۳/۹/۲۶-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۷۵۰۱۸۲۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مطروحه به شرح فوق‌الذکر با توجه به مدارک ابرازی و لایحه دفاعیه طرف شکایت، نظر به اینکه شاکی مشمول تصویب‌نامه‌های شماره ۱۷۲۹۶/ت/۳۵۹۱-هـ-۱۳۷۸/۳/۱ و ۱۳۶۳/۳/۲۳-۱۷۵۹۸ هیأت وزیران نبوده و به‌موجب مواد ۴۴ و ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و مواد ۵۱ و ۵۷ و ۲۲۶ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران هرگونه به‌کارگیری نیروی انسانی رسمی و پیمانی در دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری ممنوع است و جذب نیروی انسانی نیز با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی موکول به آزمون عمومی است. ضمناً بر اساس مفاد رأی شماره ۱۳۸۷/۸/۱۹-۵۵۵ شماره ۱۳۸۷/۸/۱۹-۵۵۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تنها زمانی امنیت استخدام مستخدم از قراردادی به پیمانی تبدیل می‌گردد که به استخدام قرارداد خرید خدمت تا قبل از ۱۳۷۸/۳/۱ منعقد شده باشد که این شرایط در پرونده حاضر نشده است بنابراین شکایت قابل اجابت نیست و شعبه مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت را صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره در مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۱۳۹۴/۵/۲۱-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۱۷۲۶ شماره ۱۳۹۴/۵/۲۱-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۱۷۲۶ شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ز: شعبه ۴۵ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۵۷۰۰۰۱۷۶ با موضوع دادخواست آقای صیاد اله نظری گیوی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، معاونت توسعه رئیس‌جمهور و به خواسته تبدیل وضعیت از قراردادی به پیمانی به‌موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۷۰۰۰۶۱۰-۱۳۹۵/۳/۲۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به مدارک ابرازی خواهان که دلالت بر اثبات خواسته دارد و از طرفی با توجه به این‌که طرف شکایت دلیلی مبنی بر بی حقی شاکی ارائه نکرده است بنابراین خواسته قابل اجابت تلقی می‌گردد و مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره در بازه زمانی ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد. در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۶/۹/۵-۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۲۶۰۷ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

با توجه به اینکه در بند ۲۱ تصمیم نامه شماره ۱۵۲۰۳۸/ت/۴۵۳۳۶ ن ۱۳۸۹/۷/۷-۱۳۸۹/۷/۷-اولاً: معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور مجاز به تبدیل نمودن وضعیت استخدامی کارکنان قراردادی به پیمانی اعلام گردیده ثانیاً در تبدیل وضعیت کارکنان مذکور می‌بایست مقررات ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری را رعایت نماید که این امر موکول به شرکت در آزمون عمومی و قبولی در آن است بنا به مراتب و به لحاظ عدم تکلیف دستگاه در تبدیل وضعیت شاکی و عدم ارائه دلیل از ناحیه شاکی مبنی بر شرکت در آزمون عمومی و قبولی در آن اعتراض تجدیدنظرخواه وارد تشخیص ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته حکم بر رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ح: شعبه ۵۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۹۰۳۹۲ با موضوع دادخواست آقای اکبر روشنی مغانلو به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، معاونت توسعه مدیریت و نیروی انسانی رئیس‌جمهوری و به خواسته تبدیل وضعیت کاری از تبصره پیمانی به‌موجب دادنامه شماره

۰۳۷۶۰۰۹۵۷۵۰۹۹۷۰۹۳۰۹۳۴/۱۴-۱۳۹۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در مصوبه تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهوری به شماره ۱۲۰۵۶۹/ت/۴۴۸۰۹ ن ۱۳۸۹/۵/۳۱- الزام به تبدیل وضعیت استخدامی به دست نمی آید و اعمال آن هم منوط به برخی شرایط از جمله اعلام فهرست پست‌های سازمانی با نام برای معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری شده است بنابراین اقدامات طرف‌های شکایت منطبق با قانون بوده است و به همین جهت مستند به ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره در بازه زمانی ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۳۹۳/۱۱/۲۱-۱۰۹۸-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۱۰ شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ط: شعبه ۵۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۶۸۳/۰۹۰۰۰۹۹۸۰۹۲۰ با موضوع دادخواست آقای عبدالله سلیمی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۳/۹/۲۶-۱۳۹۳-۱۸۲۸-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۷۵۰۱۰ شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری صادر کرده است:

در خصوص شکایت مطروحه به شرح فوق‌الذکر با توجه به مدارک ابزازی و لایحه دفاعیه طرف شکایت، نظر به اینکه شاکی مشمول تصویب‌نامه‌های شماره ۱۷۲۹۶/ت/۳۵۹۱ هـ/۱۳۷۸/۳/۱- و ۱۳۶۳۳/۳/۲۳- ۱۷۵۹۸- هیأت وزیران نبوده و به موجب مواد ۴۴ و ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و مواد ۵۱ و ۵۷ و ۲۲۶ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران هرگونه به‌کارگیری نیروی انسانی رسمی و پیمانی در دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری ممنوع است و جذب نیروی انسانی نیز با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی موکول به آزمون عمومی است. ضمناً بر اساس مفاد رأی شماره ۱۳۸۷/۸/۱۹-۵۵۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تنها زمانی امنیت استخدام مستخدم از قراردادی به پیمانی تبدیل می‌گردد که به استخدام قرارداد خرید خدمت تا قبل از ۱۳۷۸/۳/۱ منقذ شده باشد که این شرایط در پرونده حاضر نشده است بنابراین شکایت قابل اجابت نیست و شعبه مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت را صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره در مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۳۹۴/۵/۳۱-۱۷۲۶-۹۴۰۹۹۸۰۹۵۶۰۰۱۰ شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ی: شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۴۴۹۲/۰۹۰۰۰۹۹۸۰۹۳۰ با موضوع دادخواست آقای رسول موسوی سادات به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اردبیل و به خواسته الزام طرف شکایت به تبدیل وضع استخدامی از قرارداد کار معین به پیمانی با توجه به انتقال از کلان‌شهر به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۸/۳-۱۹۰۸-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۴۰۱۰ شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری صادر کرده است:

با بررسی مندرجات اوراق پرونده و مراتب مذکور در گردش و ملاحظه مستندات طرفین شکایت نظر به اینکه شاکی در اجرای مصوبه شماره ۱۳۸۸/۱۲/۲۷-۴۴۱۸۶/۲۶۲۷۴۷- هیأت وزیران متقاضی الزام طرف شکایت به تبدیل وضعیت استخدامی وی از قرارداد کار معین به استخدام پیمانی شده است درحالی‌که در هیچ‌یک از مواد ۲۱ گانه مصوبه مذکور چنین موضوعی پیش بینی نشده است و از طرفی بر اساس بند ۲۱ تصمیم نامه شماره ۱۵۲۰۳۸/ت/۴۵۳۳۶ ن-۱۳۸۹/۷/۷- نمایندگان ویژه رئیس جمهور، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور مجاز به تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان قراردادی (که در اجرای مصوبات

هیأت وزیران و کارگروه انتقال از تهران به شهرهای دیگر منتقل شده‌اند) با رعایت ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و دستورالعمل مربوط، به استخدام پیمانی است که لازمه آن داشتن ردیف استخدامی در دستگاه منتقل الیه می‌باشد درحالی‌که شاکی مراحل مذکور در ماده ۴۴ قانون یاد شده را سپری نکرده و طرف شکایت اعلام کرده که ردیف استخدامی در این خصوص تخصیص داده نشده است بنا به مراتب الزام قانونی بر اجابت خواسته وجود ندارد شکایت غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۶/۱۰/۱۴-۱۳۹۶/۱۰/۱۴ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند.

با مذاقه در اوراق و محتوای پرونده، بر مبنای تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۹/۲/۴-۴۴۴۸۱/۲۲۷۹۹-هیأت وزیران و بند ۹ مصوبه شماره ۱۹۲۴۸۳ ت/۴۵۴۳۶ ن ۱۳۸۹/۸/۲۵- نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور در کارگروه انتقال کارکنان از تهران "کارکنان انجام کار معین که در اجرای مصوبات دولت و کارگروه به مناطق و دستگاه‌هایی که فهرست اسامی و مشاغل آنها توسط معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور تعیین خواهد شد منتقل گردند، با رعایت مقررات مربوط تبدیل وضعیت می‌شوند." نظر به اینکه تجدیدنظرخواه در زمان حاکمیت تصویب‌نامه موصوف الذکر و سایر بخشنامه و دستورالعمل‌های معاونت مذکور که متضمن لزوم تبدیل وضعیت کارکنان انتقالی از کلان‌شهرها از قراردادی به پیمانی بوده و نامبرده نیز از کلان‌شهر تهران به شهرستان اردبیل انتقال یافته و مطابق احکام کارگزینی انتقال وی در اجرای مقررات فوق‌الذکر بوده لذا شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان با در نظر گرفتن مراتب فوق‌الذکر و به استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن نقض دادنامه شعبه بدوی دیوان حکم به ورود شکایت و الزام تجدیدنظر خوانده به تبدیل وضعیت مشارالیه از قرارداد انجام کار معین به پیمانی صادر و اعلام می‌کند. رأی صادره قطعی است.

ک: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۳۹۳۶/۱۰/۱۰۰۰۹۹۸۰۹۳۰ با موضوع دادخواست آقای مسعود درخشان نیا به طرفیت استانداری خوزستان و به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۵-۱۳۹۳/۱۰/۱۰۰۰۹۹۷۰۹۳۰ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مذکور نظر به اینکه وفق بند ۱۵ و ۱۶ تصمیم نمایندگان و نیز رئیس‌جمهور در کارگروه انتقال تحت شماره ۱۳۸۱۷/۳/۱۱۸-۱۳۹۰/۲/۱۸-۴۶۲۳۶ نیروهای کارشناسی قرارداد کار معین به پیمانی تبدیل وضعیت می‌بایند درحالی‌که در ما نحن فیه شاکی کاردان الکترونیک بوده و نیروی کارشناسی تلقی نمی‌گردد علی‌هذا با این وصف اجابت خواسته میسر نبوده و ضمن غیر وارد دانستن شکایت مستندا به مواد ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد. رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافت.

ل: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۳۹۳۶/۱۰/۱۰۰۰۸۵۱۲ با موضوع دادخواست خانم نگار هاشمی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی البرز، وزارت بهداشت، استانداری البرز و به خواسته الزام به اجرای کامل و صحیح مصوبه دولت در خصوص انتقال از کلانشهرها به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۲/۷/۸-۱۳۹۲/۳/۱۵۴۵۳-۹۲۰۳۰۱۵۴۵۳-۹۲۰۳۰۱۵۴۵۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه در خصوص حقوق و مزایا شاکی دلیل و مدرک محکمه‌پسندی که مبین نقض قوانین و





و با توجه به اینکه در بند ۱ مصوبه ۱۳۸۸/۱۱/۲۷-۴۴۱۸۶/۲۶۴۷۲۷-۱۳۸۸/۱۱/۲۷ آیین‌نامه اعطای تسهیلات به کارکنان دستگاه‌های اجرایی متقاضی انتقال از تهران هرگونه تبدیل وضعیت در فرآیند استخدام رسمی و پیمانی را موکول به رعایت قوانین و مقررات مربوط به‌ویژه برگزاری آزمون و رعایت اصل برابری فرصت‌ها دانسته است لذا خواسته شاکی قابل اجابت نمی‌باشد و تخلفی از قوانین و مقررات از سوی دستگاه‌های اجرایی طرف شکایت صورت نگرفته است و مستنداً به موارد فوق و مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل درخواست تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۱۳۹۷/۲/۲۵-۱۳۹۷/۲/۲۵-۹۷۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۶۴۹-۹۷۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۶۴۹ شعبه ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: مصوبات هیأت وزیران و کارگروه انتقال از کلان‌شهرها دلالتی بر الزام دستگاه‌های اجرایی به تبدیل وضع کارمندان قراردادی به پیمانی ندارد و مصوبات مربوطه در باب تبدیل وضعیت استخدامی از قرارداد کار معین به پیمانی محدود به رعایت مقررات قانونی شده است و چون در مقررات قانونی از جمله تبصره ماده ۳۲ و ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۵۷ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تبدیل وضع کارکنان قراردادی به پیمانی پیش‌بینی نشده است و استخدام پیمانی صرفاً از طریق برگزاری آزمون عمومی پذیرفته شده است، بنابراین موجبی برای الزام دستگاه‌ها به تبدیل وضعیت وجود ندارد؛ بنابراین آراء صادر شده به رد شکایت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مرتضی علی اشراقی

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - تعرفه‌ها و هزینه‌ای بهداشتی - درمانی

تاریخ: ۱۲ شهریور ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۸۲ الی ۲۷۳

کلاس پرونده: ۵۳۵/۹۶، ۶۵۶/۹۶، ۱۱۲۹/۹۶، ۶۵۵/۹۶، ۱۷۳۱/۹۶، ۱۶۵/۹۷، ۱۶۶/۹۷، ۱۶۷/۹۷، ۱۶۸/۹۷، ۱۶۹/۹۷، ۱۷۰/۹۷، ۱۷۱/۹۷، ۱۷۲/۹۷، ۱۷۳/۹۷، ۱۷۴/۹۷، ۱۷۵/۹۷، ۱۷۶/۹۷، ۱۷۷/۹۷، ۱۷۸/۹۷، ۱۷۹/۹۷، ۱۸۰/۹۷، ۱۸۱/۹۷، ۱۸۲/۹۷، ۱۸۳/۹۷، ۱۸۴/۹۷، ۱۸۵/۹۷، ۱۸۶/۹۷، ۱۸۷/۹۷، ۱۸۸/۹۷، ۱۸۹/۹۷، ۱۹۰/۹۷، ۱۹۱/۹۷، ۱۹۲/۹۷، ۱۹۳/۹۷، ۱۹۴/۹۷، ۱۹۵/۹۷، ۱۹۶/۹۷، ۱۹۷/۹۷، ۱۹۸/۹۷، ۱۹۹/۹۷، ۲۰۰/۹۷، ۲۰۱/۹۷، ۲۰۲/۹۷، ۲۰۳/۹۷، ۲۰۴/۹۷، ۲۰۵/۹۷، ۲۰۶/۹۷، ۲۰۷/۹۷، ۲۰۸/۹۷، ۲۰۹/۹۷، ۲۱۰/۹۷، ۲۱۱/۹۷، ۲۱۲/۹۷، ۲۱۳/۹۷، ۲۱۴/۹۷، ۲۱۵/۹۷، ۲۱۶/۹۷، ۲۱۷/۹۷، ۲۱۸/۹۷، ۲۱۹/۹۷، ۲۲۰/۹۷، ۲۲۱/۹۷، ۲۲۲/۹۷، ۲۲۳/۹۷، ۲۲۴/۹۷، ۲۲۵/۹۷، ۲۲۶/۹۷، ۲۲۷/۹۷، ۲۲۸/۹۷، ۲۲۹/۹۷، ۲۳۰/۹۷، ۲۳۱/۹۷، ۲۳۲/۹۷، ۲۳۳/۹۷، ۲۳۴/۹۷، ۲۳۵/۹۷، ۲۳۶/۹۷، ۲۳۷/۹۷، ۲۳۸/۹۷، ۲۳۹/۹۷، ۲۴۰/۹۷، ۲۴۱/۹۷، ۲۴۲/۹۷، ۲۴۳/۹۷، ۲۴۴/۹۷، ۲۴۵/۹۷، ۲۴۶/۹۷، ۲۴۷/۹۷، ۲۴۸/۹۷، ۲۴۹/۹۷، ۲۵۰/۹۷، ۲۵۱/۹۷، ۲۵۲/۹۷، ۲۵۳/۹۷، ۲۵۴/۹۷، ۲۵۵/۹۷، ۲۵۶/۹۷، ۲۵۷/۹۷، ۲۵۸/۹۷، ۲۵۹/۹۷، ۲۶۰/۹۷، ۲۶۱/۹۷، ۲۶۲/۹۷، ۲۶۳/۹۷، ۲۶۴/۹۷، ۲۶۵/۹۷، ۲۶۶/۹۷، ۲۶۷/۹۷، ۲۶۸/۹۷، ۲۶۹/۹۷، ۲۷۰/۹۷، ۲۷۱/۹۷، ۲۷۲/۹۷، ۲۷۳/۹۷، ۲۷۴/۹۷، ۲۷۵/۹۷، ۲۷۶/۹۷، ۲۷۷/۹۷، ۲۷۸/۹۷، ۲۷۹/۹۷، ۲۸۰/۹۷، ۲۸۱/۹۷، ۲۸۲/۹۷، ۲۸۳/۹۷، ۲۸۴/۹۷، ۲۸۵/۹۷، ۲۸۶/۹۷، ۲۸۷/۹۷، ۲۸۸/۹۷، ۲۸۹/۹۷، ۲۹۰/۹۷، ۲۹۱/۹۷، ۲۹۲/۹۷، ۲۹۳/۹۷، ۲۹۴/۹۷، ۲۹۵/۹۷، ۲۹۶/۹۷، ۲۹۷/۹۷، ۲۹۸/۹۷، ۲۹۹/۹۷، ۳۰۰/۹۷، ۳۰۱/۹۷، ۳۰۲/۹۷، ۳۰۳/۹۷، ۳۰۴/۹۷، ۳۰۵/۹۷، ۳۰۶/۹۷، ۳۰۷/۹۷، ۳۰۸/۹۷، ۳۰۹/۹۷، ۳۱۰/۹۷، ۳۱۱/۹۷، ۳۱۲/۹۷، ۳۱۳/۹۷، ۳۱۴/۹۷، ۳۱۵/۹۷، ۳۱۶/۹۷، ۳۱۷/۹۷، ۳۱۸/۹۷، ۳۱۹/۹۷، ۳۲۰/۹۷، ۳۲۱/۹۷، ۳۲۲/۹۷

موضوع: عدم ابطال بند ۱ مصوبه شماره ۳۷۲۹۳/۵۴۲۴۰-۱۳۹۶/۳/۲۱ هیأت وزیران (در خصوص کاهش

تعرفه بیهوشی)

شاکیان: ۱- حجت‌الله جلوداری ۲- مریم السادات مصلاهی ۳- آقای سیدرضا ساداتی به وکالت از (محمد عاشوری کیپور چالی - سید سعیدجهانبخش - مهدی فتحي) ۴- فاطمه فرهودی ۵- سمیه بنی یعقوب (حسن تقی زاده- محسن چیت سازی- امیرحسین نجفی ابرندآبادی- علی اکبر محمدشاهی- لادن محمدی- علی فیض- کاظم محمودی نشلی- غلامرضا رضوان- علی عموشاهی) ۶- کیوان نیکنام ۷- حمید زنده نام ۸- هاله وظیفه‌شناس ۹- نگار ورناسری ۱۰- محمدرضا قندی زاده دزفولی ۱۱- فرهمند کلانتری ۱۲- محمدرضا درودیان ۱۳- حسین باقرشاهی ۱۴- پرستو آریانا ۱۵- محمد مهدی دادرش ۱۶- علی حسنی گورگانی ۱۷- آناهید ملکی ۱۸- سینا دهدشتی ها ۱۹- نوذر نساجیان ۲۰- محمدرضا مهاجر ۲۱- لیلا سعیدی نیا ۲۲- مهران نوئین اصفهانی

۲۲- ابراهیم اسپهبدی ۲۴- نازلی اربابی ۲۵- علیرضا سلیمی نیا ۲۶- رضا باغبانیان ۲۷- فاطمه جواهر فروش زاده ۲۸- سارا جریر احمدی ۲۹- رضا عاطف یکتا ۳۰- افشار اعتمادی آل آقا ۳۱- ساره عبدالهی ۳۲- امیر حدائق ۳۳- سیدخلیل پسته ۳۴- کامیار خوارزمی ۳۵- ابوالفضل ملاجان ۳۶- مسعود محسنی ۳۷- اصغر جباری ۳۸- محمودعلی یوسفی ۳۹- بهزاد صدری ۴۰- حمید خسرو ضمیری ۴۱- حمیدرضا صانعی ۴۲- نعیمه نعیمی بافقی ۴۳- مرتضی هاشمیان ۴۴- روح اله موحدی نیا ۴۵- رضا پور فلاح کوشالی ۴۶- الهام مقدم خراسانی ۴۷- شروین فرخنده کیش مقدم ۴۸- منصور سلطان زاده ۴۹- محمدرضا قدرتی ۵۰- محسن جمالزاده ۵۱- سیده افسانه فهیم ۵۲- مصطفی فرجی ۵۳- نوید زمانیان ۵۴- فاطر صائب ۵۵- علیرضا سعدآبادی ۵۶- کاظم کاظم نژاد ۵۷- عبدالرحمن توفیقی راد ۵۸- آرش هروآبادی ۵۹- راضیه همایون ۶۰- حسین محمدی نسب ۶۱- محمد اسماعیلی ۶۲- سیدحسین طراوتی ۶۳- علی تفتیک ۶۴- منصور سیدی ۶۵- مهرداد نوروزی ۶۶- بهمن آیین چهره ۶۷- یداله صابری ۶۸- مینا عبدی ۶۹- مصطفی باقرآبادی ها ۷۰- فرانک امانی به وکالت از حمیدرضا ربانیان ۷۱- حمیرا یزدی نژاد ۷۲- کورش نیک نیائی ۷۳- محسن شانه ساززاده ۷۴- حمیده کریمی ۷۵- محسن فلاح اردیزی ۷۶- حسین ستوده ۷۷- ابوالقاسم یوسفی ۷۸- محمدابراهیم زاده معبود ۷۹- محمدرضا فاضل ۸۰- سعید رضوی ۸۱- مهرداد بهزادی ۸۲- فردین رشادکوچصفهانی ۸۳- کامران متقی ۸۴- آرش جعفریه ۸۵- محمد آبروش ۸۶- نرگس رحیمی ۸۷- مسعود نشیبی ۸۸- زهرا سیاح ورگ ۸۹- محمدحسن شمس الاحرار ۹۰- محسن ناسوقی ۹۱- یاشار ایرانپور ۹۲- سارا پور صالحان ۹۳- سعید مالک ۹۴- فرحزاد جنت مکان ۹۵- مریم مخلوق ۹۶- سید محمدرضا رضوی زاده ۹۷- محمد الموتی ۹۸- محمد سلیمانی فر ۹۹- علیرضا اولی پور ۱۰۰- محمدرضا شفاف ۱۰۱- فریبا معتمدی ۱۰۲- علیرضا خواجه نصیری ۱۰۳- آذین میر صدرائی ۱۰۴- امیر حسین نجفی ۱۰۵- بتول غفاری ۱۰۶- حسین کاشانی ۱۰۷- بهرام آریانفر ۱۰۸- حسین علی شریف ۱۰۹- حجت اله بهادری ۱۱۰- نگار ادهمی ۱۱۱- مریم جمشیدی ۱۱۲- سیدمجتبی مرعشی ۱۱۳- زهرا رحیمی ۱۱۴- کامران محمودی ۱۱۵- کیهان عظیمی ۱۱۶- محمدرضا لشگری نیا ۱۱۷- الهام شیخ ویسی ۱۱۸- پدram سهرابی ۱۱۹- فرشته امیری ۱۲۰- لادن محرم زاده ۱۲۱- محمود آقازارتی ۱۲۲- محمد سعیدی ۱۲۳- الهام مدنی ۱۲۴- کاوه میرمظفری ۱۲۵- ابوالفضل آفریده ۱۲۶- صفیه بهبودی به وکالت از محمدمهدی قیامت ۱۲۷- مجید ارشادی ۱۲۸- مصطفی خواجه احسنی ۱۲۹- محمد غفاری پور ۱۳۰- مهدی ابراهیمی منفرد ۱۳۱- معصومه لطیفی شاهاندشتی ۱۳۲- محسن جوان ۱۳۳- ایران امیرپور ۱۳۴- صاحب آب روشن ۱۳۵- کامبیز اسدی ۱۳۶- فاطمه حاجی محمدی ۱۳۷- محمد قاسمی ۱۳۸- وحیدرضا عشوری ۱۳۹- شیما ترابی ۱۴۰- علیرضا زردان ۱۴۱- بابک فرزاد ۱۴۲- کاوه به آیین ۱۴۳- مریم درخشانی ۱۴۴- مرجان حسن ولی ۱۴۵- احمدرضا مهتدی ۱۴۶- آرش معاریان ۱۴۷- مراد بیات ۱۴۸- امیرحسین اورندی ۱۴۹- سمیه صادقی ۱۵۰- وحید گودرزی ۱۵۱- پوپک پور وحیدی ۱۵۲- شعله نسیون پور ۱۵۳- احسان باستان حق ۱۵۴- محمد دلجوی فرد ۱۵۵- نادرعلی ناظمیان یزدی ۱۵۶- جواد صبائی ۱۵۷- محمدرسول نیکخواه رانکوهی ۱۵۸- اردشیر صدیق افشار ۱۵۹- سیامک توکلی ۱۶۰- مسعود گنجی ۱۶۱- عبدالحسین برادران توکلی ۱۶۲- علی ذبیحی ۱۶۳- مریم نجفیان اشرفی ۱۶۴- ابراهیم صاحبدل ۱۶۵- سوده کوهستانی ۱۶۶- آریتا خالوئی پور ۱۶۷- مهشید وزیر ۱۶۸- جعفر وکیلی ۱۶۹- حسین ستاری ۱۷۰- محمد یوسفی ۱۷۱- عماد شفای ۱۷۲- مرجان شهبابی ۱۷۳- بابک سبزی وند ۱۷۴- نیکنام باقری ۱۷۵- شیرین سلاجقه ۱۷۶- جعفر صالحی ۱۷۷- سپیده بیگ زاده ۱۷۸- لادن محمدی ۱۷۸- سهی نخعی ۱۷۹- سیدمحمدرضا گوشه ۱۸۰- فرهاد سلطانی ۱۸۱- الهام شیداگلبد ۱۸۲- ربابه داودی ۱۸۳- علی موافق ۱۸۴- سیامک بیانی ۱۸۵- نازنین ابراهیمی ۱۸۶- معصومه علیرزاده ۱۸۷- رضا آخوندزاده ۱۸۹- یاشار تیموریان

گردش کار:

شاکبان همگی به موجب دادخواستهای جداگانه ولی با متن کاملاً مشابه ابطال بند ۱ مصوبه شماره

۱۳۷۲۹۳/۳۷۲۴۰-۵۴۲۴۰/۳۱۳۱-۱۳۹۶ هیأت وزیران را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:  
"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً به استحضار می‌رسانم دولت با مصوبه شماره ۱۳۷۲۹۳/۳۷۲۴۰-۵۴۲۴۰/۳۱۳۱-۱۳۹۶ تصمیم دارد هزینه‌های سوء تدبیر در سیاست‌های بهداشت و درمان را از جیب پزشکان و عمدتاً متخصصین بیهوشی جبران نماید. علی‌هذا با توجه به:

- ۱- عدم افزایش - بیهوشی طی چند سال گذشته بنا به تصریح رئیس سازمان نظام پزشکی
- ۲- نرخ تورم سالیانه اعلامی بانک مرکزی
- ۳- نرخ تورم سالیانه اعلامی مرکز آمار ایران
- ۴- بالاتر بودن ریسک شغلی متخصصین بیهوشی نسبت به سایر متخصصین با عنایت به جدول ریسک بیمه مرکزی ایران
- ۵- ضرورت رعایت اصل تداوم حقوق مکتسبه
- ۶- بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی دال بر ممنوعیت تبعیض (مصوبه معنونه، در قیاس متخصصین بیهوشی نسبت به سایر متخصصین، تبعیض ناروا اعمال کرده است)

۷- اصل ۲۰ قانون اساسی

- ۸- اهمیت مراقبت‌های ویژه و بیهوشی برای کشور چنان بالاست که کشورهای پیشرفته درصد قابل توجهی از تولید ناخالص ملی را برایش لحاظ می‌کنند.
- ۹- وظیفه ذاتی دولت در کم کردن فشار زندگی و پیروی از آیه ۱۵۷ سوره اعراف (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي کانت علیهم)

۱۰- ضرورت رعایت اصل انصاف

کاهش تعرفه بیهوشی هیچ توجیه منطقی و قانونی ندارد، لذا تقاضای ابطال بند ۱ مصوبه ۱۳۷۲۹۳/۳۷۲۴۰-۵۴۲۴۰ هیأت دولت را دارم."

در پاسخ به اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای آقای حاجت اله جلوداری ارسال شده بود، به‌موجب لایحه شماره ۹۸۱ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده، پاسخ داده است که:  
"دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

عطف به اخطاریه رفع نقص پرونده کلاسه ۵۳۵/۹۶ و شماره ۵۸۰۰۴۳۵/۰۹۰۹۹۸۰۹۶۰۹۶، به استحضار می‌رسانم در دادخواست ۹ دلیل اشاره به خلاف قانون بودن مصوبه دارند و تنها در یک بند از موضوع شرع مقدس به پرونده نگاه شده است. بدیهی است که شارع مقدس فقط کلیات و اصول را اعلام و تشریح می‌نماید و مصادیقی چون موضوع این پرونده را قید نمی‌نماید. علی‌ای حال یادآور می‌شوم بنده ۱ مصوبه معنونه، مشکلات و موانع بسیاری برای متخصصین بیهوشی به وجود می‌آورد که بروز این مشکلات بر خلاف وظیفه ذاتی دولت اسلامی در کم کردن فشار زندگی است. این وظیفه ذاتی دولت به‌طور صریح در آیه ۱۵۷ سوره اعراف اعلام شده است "و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي کانت علیهم". این آیه دولت اسلامی را موظف می‌کند تا بار گران را از دوش انسان‌ها بردارد و بند و زنجیرها را بگشاید. دولت قول داده بود قفل‌ها را باز کند نه اینکه قفل‌های بیشتری بر امور بزند و هزینه سوء تدبیر در طرح تحول سلامت را از جیب امثال متخصصین بیهوشی بردارد. ضمناً آیین مذکور عیناً به‌عنوان مستند قانونی در مقدمه قانون اساسی، بخش شیوه حکومت

در اسلام، پاراگراف ۳ خط آخر نیز قرار گرفته است.

حکم شرعی دیگر آیه ۵۸ سوره نساء است "اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل" این حکم شرعی نیز عیناً و صراحتاً در مقدمه قانون اساسی، بخش قضا در قانون اساسی خط آخر قید شده است. بر این اساس تصمیم گیران باید بین متخصصین، عدالت را رعایت کنند. ضمناً تقاضا دارم به استدلال‌های ۹ گانه خلاف قانون بودن مصوبه نیز دقت لازم به عمل آید. پیشاپیش از بذل توجه و عدالت‌طلبی هیأت سپاسگزاری می‌کنم."

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"جناب آقای هاشمی وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

جناب آقای ربیعی وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی

جناب آقای نوبخت معاون محترم رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور

با سلام، پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان برنامه‌بودجه کشور در خصوص اصلاح کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت در جلسه هیأت وزیران ۱۳۹۶/۳/۲۸ مطرح و ضمن تصویب اصلاحات زیر مقرر شد سایر تغییرات کتاب یاد شده با تأیید وزیران بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور ظرف یک ماه با تأکید بر کاهش بودن و نداشتن بار مالی برای دولت تهیه و نتیجه به‌عنوان مصوبه هیأت وزیران ابلاغ شود:

۱- تعرفه خدمات بیهوشی و درد در بخش‌های دولتی، عمومی غیردولتی و خصوصی و خیریه نسبت به ویرایش دوم، بیست‌وپنج درصد (۲۵٪) کاهش یابد.

۲- سرجمع خدمات سونوگرافی، بیست و دو و نیم درصد (۲۲/۵٪) نسبت به ویرایش دوم کاهش می‌یابد.

۳- آنژیوگرافی عروق کرونر (۸) واحد (۵ واحد جزء حرفه‌ای و ۳ واحد جزء فنی) و اکوکاردیوگرافی غیر مادرزادی (کد ۹۰۰۷۸۵) (۱/۵) واحد (۱ واحد جزء حرفه‌ای و ۰/۵ واحد جزء فنی) کاهش می‌یابد و در خدمت آنژیوپلاستی عروق کرونر (۳) واحد از جزء حرفه‌ای کم و به جزء فنی اضافه می‌شود.

۴- علامت # خدمات ویزیت و مشاوره در بخش بستری و اورژانس اضافه می‌شود و ارزش ضریب ریالی این خدمات در بخش خصوصی، بیست درصد (۲۰٪) بالاتر از ضریب ریالی سایر خدمات سربایمی محاسبه می‌شود.

۵- دو خدمت شیمی درمانی (کدهای ۹۰۱۵۴۰ و ۹۰۱۵۴۵)، سی درصد (۳۰٪) کاهش می‌یابد.

۶- ارزش نسبی ویتامین D۳ (کدهای ۸۰۱۵۱۰ و ۸۰۱۵۱۵) از (۱/۸) واحد به (۱) واحد کاهش می‌یابد.

۷- بخش دارویی ارزش نسبی خدمات پزشکی هسته‌ای حذف می‌شود."

در خصوص ادعای شکات مبنی بر مغایرت مصوبه شماره ۵۴۲۴۰/۳۷۲۹۳-۱۳۹۶/۳/۲۱-هیأت وزیران با شرع مقدس اسلام، قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به‌موجب نامه شماره ۹۶/۱۰۲/۴۰۴۷-۹۶/۱۱/۳-۱۳۹۶ اعلام کرده است که:

"رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و تحیت

موضوع بند ۱ مصوبه شماره ۵۴۲۴۰/۳۷۲۹۳-۱۳۹۶/۳/۳۱-هیأت دولت، در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۷

فقه‌های معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقها به شرح ذیل اعلام می‌گردد: "با توجه به اینکه هیأت دولت ظاهراً حق جعل این‌گونه مصوبات را دارد بنابراین مصوبه مذکور خلاف موازین شرع شناخته نشد."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست معاونت امور حقوقی دولت به‌موجب لایحه شماره ۳۴۱۸۸/۱۶۲۲۷۵-

۱۳۹۶/۱۲/۱۷ توضیح داده است که:

"جناب آقای دربین

مدیرکل محترم دفتر هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری  
با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۳۵ (کلاسه ۵۳۵/۹۶)، موضوع ارسال نسخه دوم درخواست آقای حجت اله جلوداری به خواسته "ابطال بند ۱ نامه شماره ۱۳۹۶/۳/۳۱-۵۴۲۴۰/۳۷۲۹۳ هیأت دولت اعلام می‌دارد:

۱- ایراد شکلی مطروحه در نظریات موصوف دایر بر اینکه تصمیم یاد شده (مورد اعتراض شاکی) صرفاً در مقام بیان و ابلاغ تصمیم داخلی و مقدماتی هیأت دولت به مبادی ذی‌ربط بوده و به‌عنوان مصوبه نهایی در این زمینه محسوب نمی‌گردد مورد تأکید است.

۲- همان‌گونه که در نظریات مذکور، اشاره گردیده است، کتاب یاد شده بعد از گذشت حدود سه دهه و برای اولین بار در سال ۱۳۹۳ مورد بازنگری قرار گرفته و در ویرایش اول و دوم آن تعرفه خدمات موردنظر شاکی به میزان ۱۲۰ درصد (بیش از نرخ رسمی تورم) افزایش یافته است. متعاقباً با توجه به اینکه افزایش نامتعارف مذکور موجب افزایش هزینه‌های غیر ضرور و سازمان‌های بیمه‌گر و مردم (بدون ارتقاء در کیفیت خدمات) شده است لذا موضوع در هیأت وزیران مطرح و مقرر گردید تعرفه خدمات یاد شده به شرح مقرر در بند (۱) نامه مورد اشاره به میزان ۲۵ درصد کاهش یابد که در مجموع با لحاظ افزایش‌های قبلی، همچنان این رقم بیشتر از نرخ رسمی تورم در مجموع سنوات ۱۳۹۳ تاکنون می‌باشد.

۳- در ضمن در رابطه با صلاحیت شورای عالی بیمه سلامت کشور و هیأت وزیران در تأیید و تصویب مقررات مربوط به بازنگری ارزش نسبی و تعیین تعرفه خدمات سلامت (بالاخص با تأکید قانون‌گذار به رعایت اصل تعادل منابع و مصارف و قیمت واقعی خدمات)، نظر آن مرجع را به مفاد ماده (۹) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۵) به شرح ذیل معطوف می‌دارد:

"ماده ۹- الف- شورای عالی بیمه سلامت کشور مکلف است هر ساله قبل از تصویب بودجه سال بعد در هیأت وزیران نسبت به بازنگری ارزش نسبی و تعیین تعرفه خدمات سلامت برای کلیه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی، درمان و تشخیصی در کشور اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی با رعایت اصل تعادل منابع و مصارف و قیمت واقعی در جهت تقویت رفتارهای مناسب بهداشتی، درمانی و مبنای محاسباتی واحد و یکسان با حق فنی واقعی یکسان برای بخش دولتی و غیردولتی در شرایط رقابتی و بر اساس بند (۸) ماده (۱) و مواد (۸) و (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳ اقدام و مراتب را پس از تأیید سازمان برنامه‌بودجه کشور، قبل از پایان هر سال برای سال بعد جهت تصویب به هیأت وزیران ارائه کند. این بند به‌عنوان یک ماده بعد از ماده (۲) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳ الحاق می‌گردد." در خاتمه با توجه به موارد معنونه، صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

الف: با توجه به اینکه مطابق تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت

---

---

اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نظر فقهای شورای نگهبان از بعد شرعی برای هیأت عمومی لازم الاتباع است و قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۳۹۶/۱۱/۳-۹۶/۱۰۲/۴۰۴۷ اعلام کرده است که فقهای شورای نگهبان بند ۱ مصوبه شماره ۱۳۹۶/۳/۳۱-۵۴۲۴۰/۳۷۲۹۲ هیأت وزیران را خلاف شرع تشخیص نداده‌اند، بنابراین در اجرای احکام قانونی فوق‌الذکر حکم بر عدم ابطال بند ۱ مصوبه مورد اعتراض از بُعد شرعی صادر می‌شود.

ب: مطابق بند الف ماده ۹ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵، بازنگری ارزش نسبی و تعیین تعرفه خدمات سلامت برای کلیه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی، درمان و تشخیص در کشور اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی با رعایت اصل تعادل منابع و مصارف و قیمت واقعی در جهت تقویت رفتارهای مناسب بهداشتی، درمانی و مبنای محاسباتی واحد و یکسان با حق فنی واقعی یکسان برای بخش دولتی و غیردولتی در شرایط رقابتی و بر اساس بند ۸ ماده ۱ و مواد ۹ و ۸ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب سال ۱۳۷۳ بر عهده هیأت وزیران قرار گرفته است. نظر به اینکه بازنگری ارزش نسبی و تعیین تعرفه هم ناظر بر افزایش و هم ناظر بر کاهش تعرفه و ارزش نسبی است و فقط با افزایش ملازمه ندارد و از طرفی مصوبه علاوه بر کاهش تعرفه بیهوشی در موارد دیگر نیز کاهش دارد و از مصادیق تبعیض ناروا نیست و با مقررات مورد استناد شاکیان مغایرت ندارد، بنابراین بند ۱ مصوبه مورد اعتراض مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات، تصویب نشد و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

بودجه و امور مالی - بیمه سلامت - تعرفه‌ها و هزینه‌های بهداشتی - درمانی

تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۴۰۸

کلاس پرونده: ۸۴۴/۹۶

موضوع: ابطال برخی کدهای کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۰۳۵۸/ت/۵۴۲۴۰ هـ-۱۳۹۶/۶/۹ هیأت وزیران (در خصوص حق فنی داروخانه‌ها)

شاکي: آقای قاسم لطفيان همداني

گردش کار:

آقای قاسم لطفيان همداني به موجب دادخواستی ابطال کدهای ۹۰۲۰۱۵، ۹۰۲۰۲۰، ۹۰۲۰۲۱، ۹۰۲۰۲۲، ۹۰۲۰۲۵ و ۹۰۲۰۲۶ از کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۰۳۵۸/ت/۵۴۲۴۰ هـ-۱۳۹۶/۶/۹ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "با سلام و احترام به استحضار عالی می‌رساند: هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۶/۸ بدون توجه به احکام مکرر آن مرجع اقدام به تصویب مصوبه مورد ادعا در کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت نموده که در خصوص حق فنی داروخانه‌ها رعایت احکام صادر نگردیده و خدمات پزشکان داروساز را در ردیف خدمات تشخیصی جهت برخورداری از حق فنی قرار داده است. لذا چون مصوبه مذکور در خصوص خدمات فنی که این بار آن را تغییر و به مدیریت خدمات دارویی تفسیر نموده‌اند مخالف قوانین موجد حق می‌باشد تقاضای ابطال آن از زمان تصویب مورد استدعاست."

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکي ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۷۱۸-۱۳۹۶/۸/۳۰ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

"هیأت محترم عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام احتراماً عطف به اخطاریه رفع نقص ۱۳۹۶/۸/۸ شماره پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۶۳ کلاس بایگانی ۸۴۴/۹۶ آن هیأت در خصوص موارد نقص دادخواست تقدیمی که در اخطاریه آمده است به شرح ذیل رفع نقص می‌گردد:

- ۱- مصوبه مورد شکایت با قسمت اخیر اصل ۱۷۰ قانون اساسی مغایرت دارد.
- ۲- مصوبه مورد شکایت در بند ۷ ماده ۱ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور و مفهوم این قانون مغایرت دارد زیرا فرانشیز را قسمتی از درمان می‌داند که بیمه شده باید در زمان دریافت خدمات درمانی پرداخت نماید حال که فرانشیز قسمتی از هزینه درمان می‌باشد کدام بیمه درمانی حق فنی را جزئی از درمان می‌داند که بتوان نسبت به حق بیمه از خدمات دارویی از کتاب نسبی فرانشیز دریافت و سهم بیمه‌گر را لحاظ نمود؟ مگر نه این است که خوانندگان از اهالی بیمه می‌باشند چرا و چگونه آن را در ردیف فرانشیز درج



|   |      |      |   |    |        |
|---|------|------|---|----|--------|
| • | ۰/۰۲ | ۰/۰۸ | مدیریت خدمات دارویی برای نسخ سرپایی، به ازای هر نسخه با رعایت استانداردهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (این کد برای داروهای OTC قابل گزارش و اخذ نمی‌باشد) (هزینه مکانیزاسیون به صورت جداگانه قابل محاسبه و اخذ نمی‌باشد).        | *# | ۹۰۲۰۲۰ |
| • | •    | ۰/۰۱ | مدیریت خدمات دارویی برای داروهای OTC (هزینه مکانیزاسیون به صورت جداگانه قابل محاسبه و اخذ نمی‌باشد).  | *# | ۹۰۲۰۲۱ |
| • | ۰/۰۲ | ۰/۰۸ | مدیریت خدمات دارویی برای داروهای ترکیبی، به ازای هر قلم دارو با رعایت استانداردهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (هزینه مکانیزاسیون به صورت جداگانه قابل محاسبه و اخذ نمی‌باشد). (این کد با کد ۹۰۲۰۲۰ قابل گزارش و محاسبه نمی‌باشد) | *# | ۹۰۲۰۲۲ |
| • |      | ۴/۵  | خدمات مدیریت درمان دارویی به درخواست پزشک معالج و حضور رودر روی پزشک داروساز بر بالین بیمار و ارائه مشاوره و انجام مداخلات لازم)  | *# | ۹۰۲۰۲۵ |
| • |      | ۴    | تلفیق دارویی برای بیماران بستری بر اساس استانداردهای ابلاغی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی   | *# | ۹۰۲۰۲۶ |

در پاسخ به شکایت مذکور، معاونت امور حقوقی دولت [حوزه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور] به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۳/۲۳-۳۵۲۴۶/۳۷۴۷۸ توضیح داده است که:

"جناب آقای دربین

مدیرکل محترم دفتر هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری  
با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۶۳۵ (کلاسه ۸۴۴/۹۶)، موضوع ارسال نسخه دوم درخواست آقای قاسم لطفیان همدانی، به خواسته "ابطال تعرفه مدیریت خدمات دارویی موضوع کدهای ۹۰۲۰۱۵، ۹۰۲۰۲۰، ۹۰۲۰۲۲، ۹۰۲۰۲۵، ۹۰۲۰۲۶ و تصویب‌نامه شماره ۷۰۳۵۸/ت/۵۴۲۴۰-هـ/۱۳۹۶/۶/۹ هیأت وزیران (ویرایش کتاب سوم ارزش نسبی خدمات سلامت)" ضمن ایفاد تصویر نظریه شماره ۱۰۷/۶۲۲۱/د-۱۳۹۶/۱۲/۱۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اعلام می‌دارد:  
دفاع ماهوی:

۱- برابر جزء (۶) بند (۹) سیاست‌های کلی نظام سلامت (ابلاغی ۱۳۹۳)، در تدوین حق فنی به‌عنوان

یکی از اهداف توسعه کمی و کیفی بیمه‌های بهداشتی و درمانی مقرر گردیده است: "۹- توسعه کمی و کیفی بیمه‌های بهداشتی و درمانی با هدف: ۹-۶- تدوین تعرفه خدمات و مراقبت‌های سلامت مبتنی بر شواهد و بر اساس ارزش افزوده با حق فنی واقعی یکسان برای بخش دولتی و غیردولتی."

۲- در راستای اجرای سیاست‌های کلی یاد شده، برابر ماده (۹) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (لازم‌الاجراء از ابتدای سال ۱۳۹۶)، در رابطه با تعیین تعرفه خدمات سلامت و نیز حق فنی واقعی، عنوان می‌گردد: "ماده ۹- الف- شورای عالی بیمه سلامت کشور مکلف است هر ساله قبل از تصویب بودجه سال بعد در هیأت وزیران نسبت به بازنگری ارزش نسبی و تعیین تعرفه خدمات سلامت برای کلیه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی، درمان و تشخیص در کشور اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی با رعایت اصل تعادل منابع و مصارف و قیمت واقعی در جهت تقویت رفتارهای مناسب بهداشتی، درمانی و مبنای محاسباتی واحد و یکسان با حق فنی واقعی یکسان برای بخش دولتی و غیردولتی در شرایط رقابتی و بر اساس بند (۸) ماده (۱) و مواد (۸) و (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳ اقدام و مراتب را پس از تأیید سازمان برنامه‌بودجه کشور، قبل از پایان هر سال برای سال بعد جهت تصویب به هیأت وزیران ارائه کند. این بند به‌عنوان یک ماده بعد از ماده (۲) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳ الحاق می‌گردد." لازم به توضیح است عبارت "حق فنی" در احکام مرتبط قانون برنامه پنجم توسعه (بند ه- ماده ۳۸) که مبنای ویرایش کتاب‌های اول و دوم ارزش نسبی خدمات سلامت و همچنین صدور دادنامه شماره ۴۴- ۱۳۹۷/۱/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بوده است، وجود نداشته و این عبارت در احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، به شرح فوق مورد تصریح و حکم قانون‌گذار قرار گرفته است.

۳- با توجه به موارد مزبور، هیأت وزیران برابر تصویب‌نامه مورد اشاره اقدام به تعیین حق فنی داروخانه‌ها که از مصادیق بارز خدمات سلامت (موضوع بندهای ۴، ۵ و ۱۲ سیاست‌های کلی سلامت، ماده ۱ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و ...) می‌باشد، با عنوان مدیریت خدمات دارویی نموده که کاملاً در چارچوب موازین قانونی مربوطه می‌باشد.

۴- لازم به توضیح است، برابر مصوبات مربوطه (نظیر ماده ۲۴ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها، مصوبه سال ۱۳۹۱ هیأت وزیران در تعیین نحوه ارائه خدمات حرفه‌ای در داروخانه‌ها و ...) اهم خدمات دارویی موصوف شامل مواردی از قبیل تشخیص داروی تجویز شده توسط پزشک مربوط، تشخیص اصلی بودن داروی تجویز شده و معتبر بودن تاریخ مصرف آن، ارائه توضیحات لازم به بیمار در خصوص نحوه مصرف و عوارض داروی مورد نیاز، ساخت داروهای ترکیبی تجویز شده توسط پزشک مربوط و ... می‌باشد. در خاتمه با توجه به موارد معنونه صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.

متن نامه شماره ۱۰۷/۶۲۲۱/د-۱۴/۱۲/۱۳۹۶ دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به قرار زیر است:

"سرکار خانم تقی‌زاده

ریاست محترم امور تنظیم لوائح و تصویب‌نامه‌ها و دفاع از مصوبات دولت

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۸۴۴/۹۶ موضوع شکایت آقای قاسم لطفیان همدانی به خواسته ابطال کدهای ۹۰۲۰۱۵، ۹۰۲۰۲۰، ۹۰۲۰۲۱، ۹۰۲۰۲۲، ۹۰۲۰۲۵، ۹۰۲۰۲۶ و ۹۰۲۰۲۶ از کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۰۳۵۸/ت ۵۴۲۴۰-هـ ۱۳۹۶/۶/۹ هیأت وزیران مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- نامبرده در دادخواست تقدیمی با این ادعا که کدهای فوق‌الذکر از مصوبه مذکور با بند ۷ ماده ۱ قانون

بیمه همگانی کشور مغایرت دارد و همچنین با اعلام این موضوع که سازمان‌های بیمه از اجرای مصوبه مذکور خودداری می‌نمایند و بار مالی پرداخت هزینه‌های آن بر عهده بیمه‌گذار قرار گرفته است متقاضی ابطال کدهای مورد اشاره در کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت شده است.

۲- کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت مستند به بند الف ماده ۹ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه کشور پس از تأیید شورای عالی بیمه سلامت کشور به تصویب هیأت وزیران رسیده است.

۳- مطابق بند (الف) ماده (۹) قانون احکام دائم برنامه‌های توسعه، شورای عالی بیمه سلامت کشور مکلف است هر ساله قبل از شروع سال جدید نسبت به بازنگری ارزش نسبی و تعیین تعرفه خدمات سلامت برای کلیه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشت، درمان و تشخیص در کشور اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی اقدام و مراتب را پس از تأیید سازمان برنامه و بودجه کشور جهت تصویب به هیأت وزیران ارائه نماید. لذا تعیین ارزش نسبی و تعرفه خدمات سلامت جهت کلیه ارائه‌دهندگان خدمات سلامت از وظایف اصلی و مؤکد شورای عالی بیمه سلامت کشور می‌باشد و بر این اساس تعیین ارزش نسبی برای مدیریت خدمات دارویی نیز که از جمله خدمات سلامت می‌باشد یکی از تکالیف قانونی شورای مذکور بوده است.

۴- اشاره می‌نماید که این مجموعه به‌طور همه جانبه به ساماندهی و ارزش‌گذاری کلیه فعالیت‌های درمانی، تشخیصی و دارویی پرداخته به‌نحوی که به‌عنوان مثال خدمت گزارش پزشکی در دادگاه به ازای هر ساعت با کد ۹۰۱۹۰۰ که به‌طور مستقیم ماهیت تشخیصی و درمانی ندارد نیز در این کتاب دارای کد می‌باشد. بر این است کلیه خدمات دارویی نیز در کتاب مذکور که توسط انجمن پزشکی آمریکا (AMA) به‌طور سالیانه برای کلیه کشورهای دنیا به‌روزرسانی می‌شود، دارای کد مشخص می‌باشند.

۵- لازم به توضیح است وفق بند ۱۵ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین مبنای محاسبه هزینه‌های خدمات تشخیصی و درمانی، دارویی، بهزیستی و تعیین تعرفه‌ها در بخش دولتی و غیردولتی و ... از وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد. همچنین برابر بند ۶-۹ سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری نیز تدوین تعرفه خدمات و مراقبت‌های سلامت مبتنی بر شواهد و بر اساس ارزش افزوده با حق فنی واقعی یکسان برای بخش دولتی و غیردولتی از وظایف این وزارتخانه اعلام شده است. لذا در این راستا و با توجه به مسئولیت‌های حاکمیتی وزارت متبوع و شفاف‌سازی و صحه نهادن بر وظایف تشخیصی درمانی پزشکان داروساز، در پی تدوین کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت کشور بر مبنای استانداردهای جهانی صورت گرفته و بنا بر ماهیت ذاتی خدمات و مسئولیت‌ها و مداخلات الزامی داروسازان و شکل و جایگاه ارائه و با توجه به اینکه خدمات داروسازان در نظامات سلامت جزو ارکان اصلی خدمات تشخیصی درمانی محسوب می‌گردد، استانداردهای لازم در آن طی کدهای خدمتی برای ارائه در مؤسسات مختلف پزشکی مورد تصریح قرار گرفته است.

۶- لازم به ذکر است، از آنجاکه تحویل صحیح دارو به بیمار و راهنمایی بیمار در مورد چگونگی مصرف صحیح داروها اهمیت بسیاری دارد بنابراین خدماتی که توسط دکتر داروساز انجام می‌شود، بخشی از فرایند درمان و تکمیل‌کننده چرخه درمان بیماران می‌باشد. این خدمات در قالب مدیریت خدمات دارویی برای نسخ سرپایی به ازای هر نسخه مطابق استاندارد بین‌المللی تعریف شده است، لازم به ذکر است استاندارد مدیریت خدمات دارویی مطابق قانون توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تدوین و جهت اجرا ابلاغ شده است و رعایت آن در سراسر کشور الزامی می‌باشد. در این راستا به پیوست تصویر پاسخ‌های معاونت غذا و دارو و دبیرخانه شورای عالی بیمه سلامت نیز جهت استحضار و بهره‌برداری به پیوست ایفاد می‌گردد. " هیأت

---

---

عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه در مواد ۷ و ۸ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب سال ۱۳۷۳ و بند الف ماده ۹ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵، هیأت وزیران صرفاً برای تعیین تعرفه و ارزش نسبی خدمات در حوزه خدمات تشخیصی، درمانی واجد اختیارات است و تعیین تعرفه و ارزش نسبی خدمات در حوزه خدمات دارویی خارج از صلاحیت هیأت وزیران است و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در موارد مشابه به شرح دادنامه شماره ۴۴-۱۳۹۷/۱/۲۸ رأی به ابطال مصوبه مشابه صادر کرده است، بنابراین کدهای مورد شکایت مغایر قانون و خارج از حدود اختیار مرجع تصویب تشخیص شد و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## کلیات و ساختار - سازمان‌های تابعه و وابسته

تاریخ: ۳ مهر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۵۵۲

کلاس پرونده: ۱۴۷۹/۹۶

**موضوع:** عدم ابطال ماده ۶ آیین‌نامه طرح ساماندهی تردد خودرو در پردیس دانشگاه‌های فردوسی و علوم پزشکی مشهد

### شاکي: آقای جاوید رستمی

#### گردش کار:

شاکي به‌موجب دادخواستی ابطال ماده ۶ آیین‌نامه طرح ساماندهی تردد خودرو در پردیس دانشگاه‌های فردوسی و علوم پزشکی مشهد را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "صلاحیت شکلی: بر اساس بند ۱ (الف) ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، شکایت از کلیه سازمان‌های دولتی من جمله دانشگاه‌ها وارد دارد.

رسیدگی ماهوی: در ماده ۶ آیین‌نامه طرح ساماندهی تردد خودرو دانشگاه فردوسی مشهد، حق تعیین و بازرسی خودرو مراجعین به حراست دانشگاه سپرده شده است که شاکي به دلایل زیر خواستار ابطال آن است: آیین‌نامه دانشگاه فردوسی مشهد صریحاً با اصل ۲۲ قانون اساسی "حیثیت، جان، مال و حقوق، مسکن و شغل از تعرض مصون است مگر در صورت تجویز قانون" می‌باشد. آیین‌نامه مذکور صریحاً در تقابل با ماده ۱۷ میثاق مدنی سیاسی که دولت ایران به آن پیوسته است هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه و مکاسب مورد مداخله خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون باشد. آیین‌نامه مذکور صریحاً در تقابل با ماده ۱۸ اعلامیه اصلاحیه‌های قاعده حقوق بشر می‌باشد. طبق ماده ۹۶ و ۲۴ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۸ و همچنین مواد ۵۴ و ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حریم خصوصی چنان مصونیت دارد که تنها با حکم قضایی می‌توان آن را نقض کرد و حتی اگر طرح کلی در دستان ضابطان قضایی باشد حال آن‌که حراست دانشگاه اصلاً ضابط قضایی هم محسوب نمی‌گردد.

طبق نظریات مشورتی ۱۳۶۴/۸/۱۷-۷/۴۴۲۴ و ۱۳۷۶/۹/۱۷-۷/۷۷۴۷ و ۱۳۸۰/۸/۳-۷/۴۶۶۲ صریحاً هر تفتیش خودرو را نیازمند حکم قضایی موردی می‌داند.

بخشنامه ۱۳۷۹/۸/۱-۱/۷۸/۱۲۶۷ و ۱۳۸۰/۳/۶-۱/۸۰/۴۲۸۹ از سوی ریاست وقت قوه قضاییه به ممنوعیت این نوع بازرسی‌ها و لزوم صدور دستور مخصوص قضایی اشاره دارد."

متن آیین‌نامه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

"آیین‌نامه طرح ساماندهی تردد خودرو در پردیس دانشگاه‌های فردوسی و علوم پزشکی مشهد تاریخ

بروزرسانی ۱۳۸۹/۶/۲

۶- انتظامات دانشگاه (سرنگهبان یا مامور گشت) به منظور انجام مأموریت‌های محوله مجاز می‌باشند در حضور مالک و یا راننده، نسبت به بازرسی خودرو اقدام نمایند."

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر حقوقی دانشگاه فردوسی مشهد به موجب لایحه شماره ۱۴۷۹-۹۶-۱-۱۳۹۶/۱/۱۵ توضیح داده است که:

"مدیریت محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام:

در خصوص کلاسه پرونده ۹۶۰۱۴۷۹ و شماره پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۲۰۳ با شماره بایگانی ۹۴۵۵۳ موضوع دعوی آقای جاوید رستمی مبنی بر ابطال ماده ۶ آیین‌نامه طرح ساماندهی تردد خودرو در پردیس دانشگاه‌های فردوسی مشهد و علوم پزشکی مشهد به استحضار می‌رساند: آیین‌نامه طرح ساماندهی تردد خودرو به علت گستردگی فضای فیزیکی دانشگاه، الزام به مراقبت از اموال دانشگاه و بیت‌المال مسلمین، وصول گزارشاتی مبنی بر پنهان کردن برخی اموال در اتومبیل‌های خروجی و جلوگیری از وقوع سرقت و نیز در راستای وظایف و اختیارات محوله به حراست‌ها طبق آیین‌نامه "وظایف حراست در حفاظت از فضای عمومی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی" مصوب ۱۳۹۵/۴/۱۲ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و شیوه‌نامه اجرایی آن و نیز دستورالعمل "شرح وظایف حراست دانشگاه‌ها و مؤسسات تابعه" به تصویب هیأت رئیسه دانشگاه رسیده است. بر این اساس و طبق قاعده "اذن در شی اذن در لوازم آن است" و "اختیار، فرع و نتیجه مسئولیت است" فقط نگهبان یا مامور گشت به منظور انجام مأموریت‌های محوله مجاز است در حضور مالک و یا راننده، نسبت به بازرسی خودرو اقدام نماید. با عنایت به مراتب فوق رد شکایت شاکی مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه بند ۶ آیین‌نامه طرح ساماندهی تردد خودرو در پردیس دانشگاه‌های فردوسی، علوم پزشکی مشهد به موجب بند ۱ و تبصره آن از آیین‌نامه یاد شده ناظر بر اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه‌های فردوسی، علوم پزشکی و جهاد دانشگاهی و دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و تخصصی PhD و نیز جانبازان ۲۵ درصد به بالا و معلولینی است که پس از مطالعه کامل آیین‌نامه مورد شکایت و پذیرش شرایط آن نسبت به تکمیل و ارسال فرم لازم برای دریافت مجوز تردد خودرو در پردیس دانشگاه اقدام می‌کنند و متقاضی، الزامی در قبول شرایط مذکور در آیین‌نامه ندارد و دانشگاه نیز تکلیفی با موافقت تردد خودروی کلیه متقاضیان یاد شده به محیط دانشگاه ندارد و الزامات و تکالیف موردنظر در راستای اعمال نظارت مسئولین مربوطه در حفظ و حراست از محدوده دانشگاه و مراقبت از اموال آن می‌باشد، بنابه مراتب مذکور و اینکه محدوده دانشگاه محیط اداری است و حریم خصوصی افراد تلقی نمی‌شود لذا مقرر به اعتراض مغایر مقررات استنادی شاکی و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب تشخیص نشد و قابل ابطال نیست.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

بودجه و امور مالی - بیمه سلامت - تعرفه‌ها و هزینه‌های بهداشتی - درمانی

تاریخ: ۱۰ مهر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۵۶۱

کلاس پرونده: ۱۴۲۰/۹۶

**موضوع:** درخواست اعتراض به بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۵۷۴۴-۱۳۹۶/۴/۲۴ قابل رسیدگی و صدور رأی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص اعمال محدودیت خدمات بیمه سلامت برای اعضاء خانواده بیمه سلامت همگانی)

**شاکي:** آقای مهدی رحیمی

**گردش کار:**

شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۵۷۴۴-۱۳۹۶/۴/۲۴ سازمان بیمه سلامت ایران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"احتراماً به استحضار عالی می‌رساند این‌جانب مهدی رحیمی دارای دفترچه بیمه درمانی سلامت همگانی از استان همدان می‌باشم که افراد تحت تکفل بنده همسر و دو فرزندم می‌باشند. اخیراً بیمه سلامت همگانی اقدام به صدور دستورالعمل شماره ۹۶/۲۷۸۱۶۱-۱۳۹۶/۷/۳۰-نموده و اداره کل بیمه سلامت استان همدان نیز پیرو آن دستورالعمل اقدام به صدور دستورالعمل شماره ۱۳۹۶/۸/۱-۹۶/۲۷۸۵۳۰-نموده و برابر این دستورالعمل محدودیت‌های بسیاری برای اعضاء خانواده بیمه سلامت همگانی قائل گردیده است از جمله اینکه برابر این بخشنامه دارندگان بیمه سلامت فقط در مراکز دولتی و پزشکان خانواده، مشمول بیمه خواهند بود و در مراکز خصوصی آزاد محاسبه می‌گردد و همچنین در هر روز فقط یک برگه از نسخه دفترچه بیمه را می‌توان استفاده کرد و مازاد بر آن آزاد محاسبه می‌شود و یا اینکه نسخ دارویی فقط به شرط تجویز توسط پزشکان شاغل در مراکز دولتی، دانشگاهی در داروخانه‌های طرف قرارداد قابل پذیرش می‌باشد و در بخشنامه تذکر داده که این مصوبه مشمول بیمه‌شدگان صندوق‌های دیگر این سازمان از جمله کارکنان دولت و روستائیان، سایر اقبالا ر و ایرانیان نمی‌شود و ارائه خدمات به این بیمه‌شدگان کماکان به قوت خود باقی است و این نکات قابل تأمل است ۱- بیمه‌شدگان بیمه سلامت همگانی جملگی از افراد ضعیف و فقیر جامعه می‌باشند که از هیچ بیمه دیگری برخوردار نیستند. ۲- دولت جمهوری اسلامی ایران با بهانه‌های ارائه خدمات درمانی از طریق بیمه سلامت و ... یارانه دولتی قریب به ۱۰ میلیون نفر ایرانی را در طی چند سال گذشته به دفعات قطع نموده است. ۳- هدف از طرح بیمه سلامت در دولت یازدهم قرار گرفتن افراد فاقد هرگونه بیمه از جمله اقشار کم درآمد زیر چتر بیمه بود تا هزینه‌های بالای خدمات پزشکی و دارویی به‌عنوان یک سد در مقابل پروسه درمان نباشد. ۴- در سال ۱۳۹۳ جشن بیمه سلامت همگانی از طریق رئیس‌جمهور وقت و فعلی برگزار و رئیس‌جمهور آن را تحقق یک رویای دیرینه عنوان نمود و طی سخنرانی اعلام نمود که رضایتمندی مردم از چند اصل نشأت می‌گیرد که اولین و مهمترین آن‌ها اجرای عدالت است و ... ۵- در طول مدت یک ماه

تبلیغات ریاست جمهوری، رئیس جمهور منتخب در ستادهای انتخاباتی خویش به تأسیس و پایه ریزی بیمه سلامت تکیه می‌کرد و با افتخار بیمه سلامت را وسیله تبلیغ خویش برای انتخاب مجدد نموده بود. ۶- در حال حاضر حدود بیش از ۱۱ میلیون نفر تحت بیمه همگانی سلامت می‌باشند از جمله مددجویان کمیته امداد و بهزیستی و... لذا قطعاً محدود شدن خدمات این بیمه‌شدگان به‌ویژه برای آن‌هایی که با بیماری درگیر هستند سخت خواهد بود این بیمه‌شدگان برای دریافت خدمات تنها باید به مراکز دولتی مراجعه نمایند و در هر روز فقط یک نوبت حق بیمار شدن و یا مراجعه به بیمارستان دولتی را دارند به طوری که مثلاً اگر در صبح فردی دچار سرماخوردگی شود و به بیمارستان دولتی برود دولتی محاسبه می‌شود آن هم فقط ویزیت آن، حال اگر در همان روز و یا یک ساعت بعد دچار شکستگی عضوی شود باید به‌طور آزاد محاسبه شود ... ۷- این بخشنامه کاملاً موجب تبعیض بین اقشار پر درآمد و اقشار ضعیف است چرا که حق استفاده از بخش خصوصی توسط اقشار کم درآمد و ضعیف جامعه نادیده گرفته شده است و باید دقت داشت که بخش‌های دولتی کمتر از ۴۵٪ از خدمات سلامت را انجام می‌دهند و بیش از ۵۵٪ خدمات پزشکی در ایران در حوزه غیردولتی است و نمی‌توان به این راحتی آن را نادیده گرفت. ۸- این بخشنامه ایرادات فراوانی دارد که موجب تضییع حق اقشار کم درآمد شده است از جمله اینکه محدودیت در دسترسی به امکانات بهداشتی و دارویی برای افراد ضعیف و فقیر جامعه دارد و دیگر اینکه همه داروخانه‌ها از پذیرش نسخه بیمه سلامت امتناع می‌نمایند. ۹- با تصویب این بخشنامه علاوه بر اینکه حق بسیاری از اقشار کم درآمد ضایع گردیده و موجب بی‌عدالتی می‌باشد بابتی برای ورود افراد سودجو و کلاهبرداران در عرصه بهداشت و درمان شده چرا که در طول کمتر از ۲۰ روز که از اجرایی شدن این بخشنامه می‌گذرد افراد سودجو با بهانه‌های واهی و کذب از جمله اینکه دارو را از محل خاصی تهیه نمایند و... اقدام به اخذ وجوه غیر حقه از مردم ضعیف می‌نمایند و قطعاً ادامه آن تالی فاسد خواهد داشت. لذا از آنجاکه این بخشنامه برخلاف اصول مسلم قانون اساسی از جمله بندهای ۹ و ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۰ و اصل ۲۹ قانون اساسی می‌باشد تقاضای ابطال آن را خواستارم بدو با استناد به ماده ۳۴ قانون دیوان عدالت اداری جهت جلوگیری از تضییع حقوق عامه مردم و جلوگیری از ورود خسارت بیشتر به عموم مردم که جبران آن متعسر و در این مورد غیرممکن می‌باشد تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اجرای بخشنامه‌های مذکور را خواستارم."

همچنین شاکی به‌موجب لایحه تکمیلی که به شماره ۹۶-۱۴۲۰-۳ مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۰ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: "احتراماً این‌جانب مهدی رحیمی شاکی پرونده کلاسه بایگانی ۱۴۲۰/۹۶ مطروحه در هیأت تخصصی، پژوهشی دیوان عدالت اداری به طرفیت سازمان بیمه سلامت ایران به عرض عالی می‌رساند موضوع شکایت این‌جانب ابطال بخشنامه شماره ۱۴۵۷۴۴/۹۶-۱۳۹۶/۴/۲۶ صادره از سازمان بیمه سلامت ایران در خصوص محدودیت بیمه سلامت همگانی می‌باشد که منجر به صدور بخشنامه‌های استانی به شماره‌های ۹۶/۲۷۸۵۳۰-۱۳۹۶/۸/۱ اداره کل بیمه سلامت استان همدان و ۹۶/۲۷۸۱۶۱-۱۳۹۶/۷/۳۰ اداره کل بیمه سلامت استان گیلان و سایر استان‌های کشور گردیده است لذا بدین‌وسیله اصلاح می‌شود خواسته این‌جانب به‌طور صحیح و شفاف ابطال بخشنامه شماره ۱۴۵۷۴۴/۹۶-۱۳۹۶/۴/۲۶ سازمان بیمه سلامت ایران می‌باشد که دلایل و دفاعیات خویش را در شرح شکایت تقدیم آن مقام نموده‌ام که تقاضای رسیدگی را خواستارم."

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"اداره کل بیمه سلامت استان

موضوع: بیمه‌شدگان رایگان

## با سلام و احترام

با عنایت به نامه شماره ۱۰۱/۸۲۲-د/۱۰۱/۸۲۲-۱۴۹۶/۴/۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ابلاغ تصویب‌نامه هیأت وزیران به شماره ۳۷۹۹۱/ت ۵۴۰۴۸-هـ ۱۳۹۶/۴/۳ و با توجه به مفاد بند الف تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کشور، موارد ذیل جهت استحضار و اجرا ابلاغ می‌گردد: از ابتدای مرداد ماه ارائه خدمات سرپایی (به جز دارو) و بستری به بیمه‌شدگانی که به‌صورت یارانه از منابع دولتی و بدون مشارکت بیمه شده در پرداخت حق بیمه تحت پوشش بیمه همگانی قرار دارند محدود به مراکز دولتی دانشگاهی می‌باشد. در مناطقی که طبق اعلام دانشگاه‌های علوم پزشکی، ارائه خدمات تخصصی در بیمارستان‌های دولتی دانشگاهی کافی نباشد، هزینه‌های تشخیصی درمانی بیمه‌شدگان فوق که به بیمارستان‌های غیر دانشگاهی طرف قرارداد مراجعه نمایند در تعهد سازمان می‌باشد. ضروری است ادارات کل استانی نسبت به اطلاع‌رسانی مناسب به مؤسسات و مراکز طرف قرارداد اقدامات لازم را می‌پذیرند.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان بیمه سلامت ایران به‌موجب لایحه شماره ۱۸/۲/۱۳۹۷-۹۷/۵۵۳۶۸ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

توضیحاً موارد ذیل جهت استحضار به حضور اعلام می‌گردد:

اولاً: شاکی در دادخواست تقدیمی به آن شعبه و در بیان خواسته خود به اشتباه به صدور بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۸/۱-۹۶/۲۷۸۵۳۰-د/۱۰۱/۸۲۲-۱۳۹۶/۴/۴-۱۰۱/۸۲۲ نامه شماره ۱۳۹۶/۴/۴ مشاور وزیر و مدیرکل حوزه وزارتی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در رابطه با مفاد تصویب‌نامه شماره ۳۷۹۹۱/ت ۵۴۰۴۸-هـ ۱۳۹۶/۴/۳ هیأت وزیران صادر گردیده است.

ثانیاً: سازمان متبوع حسب نامه شماره ۱۰۱/۸۲۲-د/۱۰۱/۸۲۲-۱۳۹۶/۴/۴ مشاور وزیر و مدیرکل حوزه وزارتی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص وظایف سازمان بیمه سلامت ایران و محل تأمین اعتبار مربوطه) که بر اساس تصویب‌نامه شماره ۳۷۹۹۱/ت ۵۴۰۴۸-هـ ۱۳۹۶/۴/۳ هیأت وزیران صادر و ابلاغ گردیده است ملزم و مکلف به تمکین از مراجع قانونی فرادست خود در موارد مرتبط می‌باشد.

ثالثاً: مستنداً به نامه شماره ۱۰۱/۸۲۲-د/۱۰۱/۸۲۲-۱۳۹۶/۴/۴ مشاور وزیر و مدیرکل حوزه وزارتی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با توجه به بند "الف" تبصره (۱۷) قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کشور که مقرر می‌دارد: "به‌منظور رعایت عدالت در سلامت و پایداری منابع، در سال ۱۳۹۶ ارائه بسته خدمات بیمه پایه تعریف شده برای کلیه اقشار که بر اساس آزمون وسیع به‌صورت رایگان تحت پوشش بیمه پایه سلامت قرار می‌گیرند، حتی الامکان از طریق نظام ارجاع، پزشک خانواده و در مراکز دانشگاهی خواهد بود. بهره‌مندی از سطح خدمات بالاتر اعم از خدمات ارائه شده در مراکز غیردولتی و بیشتر از بسته خدمات بیمه پایه تعریف شده فوق‌الذکر، مستلزم مشارکت مالی بیمه‌شدگان در پرداخت حق سرانه بیمه خواهد بود." ارائه خدمات سرپایی (به جز دارو) و بستری به بیمه‌شدگانی که به‌صورت یارانه از منابع دولتی و بدون مشارکت بیمه شده در پرداخت حق بیمه تحت پوشش بیمه همگانی قرار دارند محدود به مراکز دولتی دانشگاهی می‌باشد و همچنین در مناطقی که طبق اعلام دانشگاه‌های علوم پزشکی، ارائه خدمات تخصصی در بیمارستان‌های دولتی دانشگاهی کافی نباشد، هزینه‌های تشخیصی درمانی بیمه‌شدگان فوق که به بیمارستان‌های غیر دانشگاهی طرف قرارداد مراجعه نمایند، در تعهد سازمان متبوع می‌باشد.

---

---

رابعاً: این سازمان پیرو بخشنامه صادره شماره ۱۳۹۶/۴/۲۶-۹۶/۱۴۵۷۴۴ (در راستای اجرای تصویبنامه شماره ۳۷۹۹۱/ت/۵۴۰۴۸ هـ-۱۳۹۶/۴/۳ هیأت وزیران) مبادرت به صدور دستورالعمل اجرایی شماره ۱۵۱۳۰۸-۹۶/۱۵۱۳۰۸-۱۳۹۶/۴/۲۸ مبنی بر "مراجعات بیمه‌شدگان صندوق بیمه همگانی به بخش دولتی در سال ۱۳۹۶ (موضوع تصویبنامه یاد شده هیأت وزیران)" نموده است که طی بند (۶) آن ارائه خدمات (به جز دریافت دارو) به بیمه‌شدگان بیمه همگانی اعم از بستری و سرپایی می‌بایست در مراکز دولتی صورت پذیرد. خامساً: با عنایت به مشکلات عدیده مربوط به عدم کفایت کمی و کیفی خدمات تشخیصی درمانی در برخی از استان‌ها و ضرورت ایجاد و برقراری عدالت در بهره‌مندی از خدمات سلامت و متناسب سازی منابع و مصارف مربوطه و اصلاح رفتار درمانی در بیمه‌شدگانی که سهم حق بیمه آنان توسط دولت تأمین و از بیمه رایگان بهره‌مند می‌شوند، مقرر گردید بیمه‌شدگان صندوق بیمه سلامت همگانی جهت دریافت خدمات بستری و سرپایی (به جز دارو) صرفاً به مراکز دولتی مراجعه نمایند. البته با عنایت به مراتب قانونی معنونه و اقدامات صورت پذیرفته این سازمان در راستای تمکین و اجرای قوانین و مقررات فرادستی، رد خواسته شاکای از آن مقام مورد استدعا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

#### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۴/۲۶-۹۶/۱۴۵۷۴۴ سازمان بیمه سلامت ایران متضمن وضع قاعده الزام‌آور مستقل نیست و به‌موجب آن مفاد مصوبه شماره ۳۷۹۹۱/ت/۵۴۰۴۸ هـ-۱۳۹۶/۴/۳ هیأت وزیران ابلاغ شده است، بنابراین از مقوله مقررات بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نیست و در نتیجه قابل رسیدگی و صدور رأی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - بیمه سلامت

تاریخ: ۱۰ مهر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۵۵۹

کلاس پرونده: ۶۵۳/۹۶

موضوع: ابطال مواد ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴ از فصل سوم آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه سلامت ایران

### شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

معاون حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور و رئیس کمیسیون تطبیق مصوبات دستگاه‌های اداری با قانون در سازمان مذکور به‌موجب شکایت‌نامه شماره ۹۱۴۷۵-۱۳۹۶/۵/۴ اعلام کرده است که:  
"حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی  
رئیس محترم دیوان عدالت اداری  
سلام‌علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند: آیین‌نامه استخدامی و آیین‌نامه مالی و معاملاتی شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه سلامت، در اجرای تبصره (۲) بند (د) ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با قانون تطبیق داده شد که توجه آن جناب را به مطالب زیر معطوف می‌دارد:

آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذاری در مورخ ۱۳۷۹/۹/۸ به تصویب هیأت مدیره شرکت رسیده و از زمان تصویب تاکنون به‌عنوان مبنای پرداخت حقوق و مزایا در شرکت موصوف قرار گرفته است به رغم تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری در سال ۱۳۸۸ به مفاد آن توجهی نشده است:

الف- عدم اخذ موافقت شورای حقوق و دستمزد برای تائید آیین‌نامه وفق ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری به‌منظور هماهنگی در تعیین حقوق و مزایا، شرکت سرمایه‌گذاری مکلف بوده است تا موافقت شورای حقوق و دستمزد را قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم برای تعیین و یا تغییر مبنای و مقررات حقوق و مزایای کارمندان و یا هر نوع پرداخت جدید کسب نماید، به‌موجب ماده ۱۲۷ قانون مذکور کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر با این قانون از تاریخ تصویب فاقد اعتبار بوده که آیین‌نامه شرکت یاد شده نیز از تاریخ تصویب این قانون فاقد اعتبار قلمداد می‌گردد. باین‌وجود به ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری عمل نمی‌گردد.  
ب- پرداخت بخشی از حقوق به‌عنوان محرومیت از کار انتفاعی

در ماده ۱۴ آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذاری موضوعی تحت عنوان فوق‌العاده محرومیت از کار انتفاعی وجود دارد که بر اساس نظر مدیرعامل شرکت، قابل پرداخت به مدیرعامل، اعضای هیأت مدیره و مدیران ستادی می‌باشد بهره‌گیری از این ماده به شرح ادامه گزارش منجر به دریافت‌های غیرقانونی توسط

کارکنان شرکت شده است. مجموع مبلغ پرداختی از محل از این محل به دو فرد مشمول آن (معاون راهبردی و مدیر امور مالی) از فروردین ۱۳۹۴ تا آذر ۱۳۹۵ به شرح جدول زیر می باشد:

| مبالغ پرداختی از آئتم حق محرومیت از کار انتفاعی برای دو نفر<br>(آقایان جمشید بحرینی معاون راهبردی و رسول داودی معاون مالی) |                |               |                |          |
|--|----------------|---------------|----------------|----------|
| ۱۳۹۵   |                | ۱۳۹۴          |                |          |
| معاون راهبردی  | مدیر امور مالی | معاون راهبردی | مدیر امور مالی |          |
| ۳۵/۰۹۰/۴۰۰   | ۱۷/۵۴۵/۲۰۰     | -             | ۱۵/۳۹۰/۵۲۷     | فروردین  |
| ۳۵/۰۹۰/۴۰۰   | ۱۷/۵۴۵/۲۰۰     | -             | ۱۵/۳۹۰/۵۲۷     | اردیبهشت |
| ۳۵/۰۹۰/۴۰۰   | ۱۷/۵۴۵/۲۰۰     | -             | ۱۵/۳۹۰/۵۲۷     | خرداد    |
| ۳۵/۰۹۰/۴۰۰   | ۱۷/۵۴۵/۲۰۰     | -             | ۱۵/۳۹۰/۵۲۷     | تیر      |
| ۳۵/۰۹۰/۴۰۰   | ۱۷/۵۴۵/۲۰۰     | -             | ۱۵/۳۹۰/۵۲۷     | مرداد    |
| ۳۵/۰۹۰/۴۰۰   | ۱۷/۵۴۵/۲۰۰     | -             | ۱۵/۳۹۰/۵۲۷     | شهریور   |
| ۳۳/۹۵۸/۴۵۲   | ۱۶/۹۷۹/۲۲۶     | -             | ۱۴/۸۹۴/۰۵۸     | مهر      |
| ۳۳/۹۵۸/۴۵۲   | ۱۶/۹۷۹/۲۲۶     | -             | ۱۴/۸۹۴/۰۵۸     | آبان     |
| ۳۳/۹۵۸/۴۵۲   | ۱۶/۹۷۹/۲۲۶     | ۸/۹۳۶/۴۳۵     | ۱۴/۸۹۴/۰۵۸     | آذر      |
|  |                | ۲۹/۷۸۸/۱۱۶    | ۱۴/۸۹۴/۰۵۸     | دی       |
|  |                | ۲۹/۷۸۸/۱۱۶    | ۱۴/۸۹۴/۰۵۸     | بهمن     |
|  |                | ۲۸/۷۹۵/۱۷۹    | ۱۴/۳۹۷/۵۸۹     | اسفند    |
| ۳۱۲/۴۱۷/۷۵۶  | ۱۵۶/۲۰۸/۸۷۸    | ۹۷/۳۰۷/۸۴۶    | ۱۸۱/۲۱۱/۰۳۹    | جمع      |

مجموع فوق العاده از کار انتفاعی دریافتی فی المثل توسط معاون راهبردی در سال ۱۳۹۵ تا پایان ماه آذر ۳۱۲/۴۱۷/۷۵۶ ریال بوده است. همچنین مجموع فوق العاده محرومیت از کار انتفاعی دریافتی توسط مدیر امور مالی در سال ۱۳۹۵ تا پایان ماه آذر ۱۵۶/۲۰۸/۸۷۸ ریال بوده است. با توجه به موارد فوق الذکر درصد قابل توجهی از حقوق و مزایای نامبردگان از محل فوق العاده محرومیت از کار انتفاعی حاصل شده است، حال آن که در قوانین جاری به این فوق العاده هیچ گونه اشاره ای نشده است. مضافاً اینکه به شرح بخش اول گزارش

موافقت شورای حقوق و دستمزد نیز در این خصوص اخذ نشده است. لذا بند ۱۴ آیین‌نامه استخدامی شرکت مغایر با قوانین بالادستی حاکم بر موضوع پرداخت حقوق و مزایا می‌باشد.

#### ج- پرداخت اضافه‌کاری به‌عنوان فوق‌العاده مستمر

در محاسبه مبلغ هر ساعت اضافه‌کاری در شرکت موصوف کلیه آیتم‌های فوق‌العاده با حقوق مبنا جمع شده و در فرمول محاسبه اضافه کار لحاظ می‌شود. این نحوه محاسبه برخلاف قانون است. در ماده ۱ دستورالعمل اجرایی بند (۹) ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری محاسبه اضافه کار بر اساس مجموع امتیازات شغل، شاغل و مدیریت ضربدر ضریب ریال سالی تقسیم بر ۱۷۶ می‌باشد که در آیین‌نامه شرکت موصوف برخلاف قانون مدیریت خدمات کشوری حقوق، فوق‌العاده شغل و فوق‌العاده جذب مبنا محاسبه و پرداخت اضافه کار قلمداد می‌گردد که منجر بر پرداخت‌های نامتعارف و غیرقانونی از این محل شده است. مازاد بر این، بر اساس آیین‌نامه فعلی سقف ساعات اضافه کار کارکنان در ماه ۱۲۰ ساعت بوده و بدون توجه به تعداد ساعات اضافه‌کاری که کارکنان در دستگاه ورود- خروج ثبت می‌کنند، صرفاً با تشخیص مدیرعامل و به‌صورت حق ثابت به برخی افراد تعلق می‌گیرد. حال آن‌که پرداخت اضافه کار از جمله فوق‌العاده‌های غیر مستمر محسوب می‌شود و ایجاد حق ثابت از محل این آیتم در فیش حقوقی پرسنل محل اشکال بوده و این وضعیت مغایر با تبصره ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد. لذا پرداخت آن به‌صورت فوق‌العاده مستمر غیرقانونی تلقی می‌گردد.

در ماده (۹۹) قانون مدیریت خدمات کشوری و ضوابط اجرایی آیین‌نامه استخدامی پرداخت اضافه کار منوط به انجام کار اضافی شده و تأیید و تصویب مدیرعامل صرفاً پس از انجام کار اضافی از اعتبار قانونی برخوردار خواهد بود. حال آن‌که طبق بررسی‌های هیأت بازرسی مشخص شده، برخی کارکنان بدون ثبت ساعات اضافه‌کاری و تنها با تأیید مدیرعامل از این آیتم بهره‌مند شده‌اند. بنا به مراتب و با توجه به اینکه آیین‌نامه استخدامی شرکت مذکور برخلاف قانون است، ابطال آیین‌نامه مذکور و اعمال ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری از آن مقام درخواست می‌گردد. موجب امتنان است از تصمیم متخذه این سازمان را مطلع فرمایید."

متن آیین‌نامه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

#### "فصل سوم- حقوق و مزایا

ماده ۱۱- حقوق و مزایای مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره با توجه به بازار کار و حجم مسئولیت‌های شرکت از طریق مجمع عمومی تعیین می‌گردد.

ماده ۱۲- حقوق و مزایای کارکنان شرکت به استثنای مشمولین ماده ۱۱ بر اساس جدول پیوست شماره ۱ تعیین و ارتقاء رتبه آنان نیز با توجه به شرایط احراز و مسئولیت‌های پست مورد تصدی و سوابق خدمت و تجربه مکتسبه با پیشنهاد سرپرست بلافاصله مستخدم و تأیید مدیر امور اداری و تصویب مدیرعامل صورت می‌پذیرد. تبصره: تشخیص رتبه شغلی کارکنان با توجه به تجربه مفید و مدرک تحصیلی مرتبط با شغل مورد تشخیص و ارتقاء به آن بر اساس جدول شماره ۲ تعیین می‌گردد.

ماده ۱۳- فوق‌العاده، اضافه کار ساعتی و مأموریت و سایر هزینه‌های رفاهی کارکنان شرکت طبق ضوابطی که به تأیید هیأت مدیره خواهد رسید محاسبه و پرداخت می‌گردد.

تبصره: تا زمانی که ضوابط این ماده تهیه و به تأیید هیأت مدیره نرسیده است طبق قانون کار عمل می‌شود. ماده ۱۴- به مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌های تحت پوشش و همچنین مدیران ستادی شرکت ماهیانه معادل حقوق و فوق‌العاده شغل و حق جذب به‌عنوان فوق‌العاده محرومیت از کار انتفاعی با تشخیص مدیرعامل شرکت قابل پرداخت است."

در پاسخ به شکایت مذکور، وکیل شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی به‌موجب لایحه شماره ۹۱۳۰۴-۱۳۹۶/۱۱/۱- توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
با سلام

احتراماً عطف به نامه شماره ۱۳۹۶/۸/۱۶-۶۵۳/۹۶ دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ضمن عذرخواهی از تأخیر پاسخ به دلیل روند امور اداری که اشاره خواهد شد ضمن تقدیم وکالت نامه، لایحه دفاعیه شرکت موکل را در خصوص پرونده کلاسه ۶۵۳/۹۶ جهت تشحیذ ذهن آن مقام، قضات شریف هیأت تخصصی و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در سه قسمت تقدیم حضور می‌گردد. اضافه می‌نماید دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱۶ ضمن ارسال نامه بازرسی کل کشور را به وزارت بهداشت و درمان ابلاغ شده است که دفاعیه خود را اعلام نمایند. سرپرست دفتر حقوقی وزارت یاد شده ابلاغیه دیوان را در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۴ به سازمان بیمه سلامت ارسال نموده تا دفاعیه تنظیم گردد، مدیرکل حقوقی این سازمان هم در همین ایام تغییر کرده لذا به همین جهت تهیه لایحه دفاعیه اندکی با تأخیر مواجه شده که امیدوارم عذر ما را موجه تلقی فرمایید.

بخش اول: استدلال سازمان بازرسی کل کشور و پاسخ آن سازمان بازرسی کل کشور ضمن بازرسی از سازمان بیمه سلامت به مبالغ پرداختی به مدیران و کارکنان شرکت سرمایه‌گذاری بیمه خدمات درمانی ایراد گرفته و در نهایت به‌موجب نامه شماره ۹۱۴۷۵-۱۳۹۶/۵/۴- تقاضای ابطال آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذاری بیمه سلامت را نموده است. استدلال سازمان بازرسی کل کشور این است که پرداخت‌های شرکت سرمایه‌گذاری سازمان سلامت خارج از ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری است چون برابر این ماده هرگونه پرداخت باید به تصویب شورای حقوق و دستمزد برسد و چنین مصوبه‌ای وجود ندارد. سازمان بازرسی بند ۱۴ آیین‌نامه استخدامی شرکت را مغایر قوانین بالادستی دانسته ولی در نتیجه‌گیری ابطال کل آیین‌نامه را تقاضا کرده است. استدلالی که در گزارش سازمان بازرسی کل کشور آمده است مبتنی بر دولتی بودن این شرکت است لیکن با توجه به مستندات و استدلال‌های ذیل، برداشت آن سازمان تضعیف می‌گردد:

- ۱- عدم مطابقت استدلال و نتیجه‌گیری: همان‌طور که اشاره شد استدلال سازمان بازرسی متمرکز بر مغایر قانون بودن بند ۱۴ آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذاری سازمان سلامت است ولی در پایان تقاضای ابطال کل آیین‌نامه شده که حکایت از بی‌دقتی مسئولین سازمان دارد.

- ۲- عدم شمول ماده ۷۴ به شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه سلامت: یکی از ایرادات وارده از نظر سازمان بازرسی کل کشور، عدم اخذ موافقت شورای حقوق و دستمزد برای تائید آیین‌نامه می‌باشد که در پاسخ به این ایراد باید گفت، به استناد ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف به اخذ موافقت شورای حقوق و دستمزد می‌باشند و مطابق با ماده ۵ قانون مذکور، منظور از دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند. در واقع مراد از مؤسسات یا شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام آن‌ها است، مؤسسات یا شرکت‌های دولتی یا عمومی غیردولتی است که عموماً قانونی و به بیان دیگر قوانین و مقررات عمومی دولت شامل آن‌ها نمی‌شود، مگر با ذکر نام آن‌ها در مورد خاص.

مقصود از مقررات عمومی دولت آن دسته از مقررات است که قوه مجریه از جهت نظارتی که بر سازمان‌ها

و نهادهای تابعه دارد اعمال می‌کند؛ بنابراین شرکت‌هایی که غیردولتی بوده و مستقیماً از نظارت قوه مجریه خارج هستند (مانند شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه سلامت ایران) مشمول قوانین و مقررات عمومی دولتی یا عمومی غیردولتی نبوده و تابع آیین‌نامه‌ها و مقررات اساسنامه خود می‌باشند و زمانی که در آیین‌نامه‌ها و اساسنامه خود در ارتباط با موضوعات خاص مواردی را تعریف یا پیش‌بینی نکرده باشند، ملزم به تبعیت از قوانین و مقررات قانون تجارت بوده و بر طبق اصول بازرگانی اداره می‌شود. در واقع ملاک تشخیص این قبیل مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی مقررات قانون تجارت و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه آنهاست و اگر این اشخاص حقوقی به موجب قانون خاص به منظور انجام وظایف و خدمات عمومی تشکیل نشده باشند یا با تصویب و تأیید مجلس شورای اسلامی ایجاد یا ملی یا دولتی نشده باشند، غیردولتی محسوب شده و مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری نمی‌باشند.

۳- مراجعه به قانون استخدام کشوری در موارد سکوت قانون مدیریت خدمات کشوری

یکی دیگر از ایرادات وارده از نظر سازمان بازرسی کل کشور، اشاره به ماده ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که مقرر داشته: "کلیه قوانین و مقررات عام و خاص به جز قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی مغایر با این قانون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد." در پاسخ به این ایراد باید گفت: قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ را می‌توان دو قانون عام در حوزه روابط اداری-استخدامی به شمار آورد؛ زیرا مطابق موادی چند از قوانین مذکور، تعدادی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها از شمول مقررات قوانین عام استخدامی خارج و تابع قوانین و مقررات خاص خود گردیده‌اند. نکته دیگر که می‌باید در خصوص قوانین مزبور در نظر بگیریم آن است که با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون استخدام کشوری تنها در مواردی که مغایر با این قانون است، نسخ شده گردیده است. به بیانی دیگر مطابق با ماده ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری: "کلیه قوانین و مقررات عام و خاص به جز قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مغایر با این قانون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد؛ بنابراین می‌توان اذعان داشت در آن مواردی که هر دو قانون حکمی دارند قانون استخدام کشوری نسخ شده و قانون مدیریت خدمات کشوری حاکم است، اما در مواردی که قانون مدیریت خدمات کشوری ساکت است می‌توان به قانون استخدام کشوری مراجعه نمود و مقصود از لغو، نسخ برخی از مواد قانون استخدام کشوری می‌باشد نه آیین‌نامه و اساسنامه شرکت‌های غیردولتی که مطابق با قوانین و مقررات قانون تجارت و اصول بازرگانی تشکیل شده و اداره می‌گردند.

۴- تشخیص رئیس دستگاه در پرداخت اضافه‌کاری

یکی دیگر از ایرادات وارده از نظر سازمان بازرسی کل کشور، پرداخت اضافه‌کاری به عنوان فوق‌العاده مستمر و با تأیید مدیرعامل شرکت تا سقف ۱۲۰ ساعت است که در پاسخ به این ایراد نیز می‌توان گفت: مطابق با ماده ۵۹ قانون کار: در شرایط عادی ارجاع کار اضافی به کارگر با شرایط ذیل مجاز است:

الف- موافقت کارگر ب- پرداخت ۴۰٪ اضافه به مزد هر ساعت کار عادی.

در قوانین کار، ساعات کار اصولاً به صورت هفتگی تعیین شده است. به میزان ۳۶ ساعت برای کارگران شاغل در کارهای سخت و زیان‌آور و زیرزمینی و ۴۴ ساعت برای سایر کارگران. اکنون طبق قانون مدیریت خدمات کشوری، حداکثر اضافه‌کاری کارمندان، ۱۷۵ ساعت در ماه است، اما پیش از این طبق قانون مصوب سال ۱۳۶۴، حداکثر ساعت اضافه‌کاری کارمندان در ماه ۱۲۰ ساعت بود! بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری همه کارکنان دولت می‌توانند تا ۵۰ درصد حقوق و مزایای خود را در قالب اضافه‌کاری دریافت کنند و ۲۰ درصد کارمندان به تشخیص رئیس دستگاه و با معیار نیاز دستگاه به خدمات آن‌ها از این قاعده مستثنی هستند.

در واقع حتی بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری مبنای انجام و پرداخت حقوق اضافه‌کاری، تأیید و تشخیص رئیس دستگاه می‌باشد و در شرکت‌های غیردولتی که در پرداخت حقوق و اضافه‌کاری بر اساس طرح طبقه‌بندی مشاغل و مطابق با مدرک تحصیلی از قوانین و مقررات کار تبعیت می‌کنند (مانند شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی)، ارجاع و انجام کار اضافی به کارمندان، اولاً: با موافقت و رضایت آن‌ها بود. ثانیاً: به‌منظور ایجاد انگیزه لازم در کارمندان و برای اینکه آن‌ها مقدار حقوق و دستمزد پرداختی را با کار انجام شده خود مرتبط و منصفانه بدانند تأیید بخشی از ساعات اضافه‌کاری به مدیرعامل و بعضاً به مدیران کارمندان محول شده است و این امر منافاتی با قانون کار ندارد. در واقع آنچه به‌عنوان معیار انگیزشی در حقوق و دستمزد به حساب می‌آید درک عادلانه و منصفانه بودن حقوق و دستمزد از جانب کارکنان است و وجود نظام پرداختی که کارکنان منصفانه بودن آن را به خوبی لمس و حس نمایند از اهم امور در جهت افزایش بهره‌وری به حساب می‌آید.

#### ۵- سایر موارد

در خصوص موارد دیگر مورد اشاره در گزارش بازرسی از قبیل پرداخت مبالغ و وجوهی به برخی از مدیران این شرکت به‌عنوان محرومیت از کار انتفاعی و یا نحوه میزان پرداخت حقوق و مزایای مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره نیز باید اظهار نمود، چنانچه در بخش شرح ماوقع به‌طور مفصل به موضوع غیردولتی بودن این شرکت و ادله و مستندات اثبات آن پرداخت شد، در نتیجه مناطق و ملاک عمل و اقدامات نیز اساسنامه شرکت و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی شرکت که مصوب هیأت مدیره شرکت و بعضاً مصوب مجمع شرکت بوده است و از بدو تأسیس این شرکت بدین صورت عمل می‌شده و تبدیل به رویه شده است و چنانچه تخلف و تخلصی صورت می‌گرفت علی‌القاعده مجمع این شرکت که همانا سازمان بیمه خدمات درمانی (سازمان بیمه سلامت ایران) می‌باشد، علی‌القاعده می‌باید آن را تأیید نمی‌کرد که همواره گزارشات حسابرسی به تأیید مجمع رسیده است و دیگر بر این شرکت از این باب جریم نیست.

بخش دوم: دلایل دولتی نبودن شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه سلامت

علی‌رغم استدلال سازمان بازرسی کل کشور که پاسخ آن تقدیم گردید به دلایل مشروحه ذیل شرکت ... دولتی نبوده و در زمره شرکت‌های غیردولتی است.

#### ۱- تبصره ذیل ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور

چنانچه مستحضرید شرکت سازمان بیمه خدمات درمانی بر اساس بند (ح) ماده ۷ اساسنامه سازمان بیمه خدمات درمانی در سال ۱۳۷۸ تشکیل گردید که از جمله وظایف شرکت مذکور انجام سرمایه‌گذاری از محل (۲/۹) باقیمانده حق سرانه بیمه و سایر منابع به‌منظور ایجاد سود و حفظ ارزش وجوه بیش از ۴۰ میلیون نفر بیمه شده می‌باشد. با این وصف الزاما باید گفت چنانچه به واسطه سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی بر مبنای بند فوق و از محل ۲/۹ باقیمانده سرانه حق بیمه تشکیل شده باشد، بنا به تصریح تبصره ذیل ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور دولتی محسوب نخواهد شد.

#### ۲- نامه شماره ۱۳۸۴/۲/۲-۲/۵۱۲/۷۲ هیأت دوم حسابرسی شرکت در دیوان محاسبات

دومین استدلال بر غیردولتی بودن شرکت مفاد نامه حسابرس هیأت دوم حسابرسی شرکت در دیوان محاسبات به شماره ۱۳۸۴/۲/۲-۲/۵۱۲/۷۲ می‌باشد. در این نامه به صراحت عنوان شده است که شرکت سرمایه‌گذاری بیمه خدمات درمانی چنانچه از محل منابع ۲/۹ سرانه بیمه خدمات درمانی موضوع بند (ح) ماده ۷ اساسنامه سازمان تشکیل شده باشد در عداد شرکت‌های دولتی قرار نمی‌گیرد.

#### ۳- نامه ۱۳۹۴/۱۱/۱۰-۲۷۸۱۹/۱۴۶۷۶۱ دفتر امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های

#### اجرائی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور

علاوه بر استدلال فوق، دفتر امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرائی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور در پاسخ به استعلام مشاور نهاد و دبیر هیأت نظارت به سفرهای خارجی کارکنان دولت در خصوص شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی در نامه ۲۷۸۱۹/۱۴۶۷۶۱-۳۹۴/۱۱/۱۰ به صراحت چنین عنوان می‌نماید (... لذا در صورتی که آورده و سرمایه مربوط به تشکیل شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی از محل سپرده‌های اشخاص نزد سازمان بیمه خدمات درمانی تأمین شده باشد، شرکت مذکور مشمول استثناء مندرج در تبصره ذیل ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور قرار گرفته و به‌عنوان شرکت دولتی قلمداد نمی‌گردد)

#### ۴- عدم استفاده از منابع و اعتبارات دولتی

مطلب مهم دیگری که علاوه بر استدلالات فوق الاشعار می‌باشد می‌باید بدان اضافه نموده این است که این شرکت از بدو تأسیس آن تا کنون به‌هیچ‌عنوان از منابع بودجه عمومی دولت استفاده نکرده و نیز جزء شرکت‌های پیوست ضمیمه بودجه ارسالی به مجلس جهت تصویب بودجه نبوده است و لذا با توجه به ماهیت حقوقی مستقل شرکت و مستندات مربوط به شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی وفق قانون تجارت تأسیس گردیده و صرفاً تابع اساسنامه شرکت و قانون تجارت حاکم بر کلیه شرکت‌های تجاری اداره می‌شود.

#### ۵- نبودن در فهرست شرکت‌های دولتی پیوست لوایح بودجه سنواتی

از سال ۱۳۹۲ که این شرکت تأسیس گردیده تا کنون هیچ سالی در فهرست شرکت‌های دولتی پیوست لوایح بودجه سنواتی قرار نداشته است که نشانه غیردولتی بودن آن است.

#### ۶- نامه شماره ۱۶۰۴۵۳/۱۶۰۴۵۳-۲۸۸۰/۱۲/۵-۱۳۹۴ معاونت حقوقی رئیس‌جمهور

همچنین مطابق با استعلام به عمل آمده از معاونت حقوقی رئیس‌جمهور در خصوص ماهیت حقوقی شرکت آتیه سازان به شماره ۱۶۰۴۵۳/۱۶۰۴۵۳-۲۸۸۰/۱۲/۵، شرکت آتیه سازان (یکی دیگر از شرکت‌های زیرمجموعه سازمان بیمه سلامت ایران) در صورت تأمین سرمایه از محل یاد شده مشمول تعریف قانونی شرکت دولتی (ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و محاسبات عمومی) نبوده و در چارچوب مستندات قانونی مربوط به شرکت‌های دولتی تشکیل نشده است.

#### ۷- تشکیل شرکت دولتی تنها با اجازه مجلس امکان‌پذیر است

بر اساس تبصره ۱ و ۴ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران که در سال تأسیس این شرکت قانون حاکم و لازم‌الاتباع بوده است، تشکیل شرکت دولتی تنها با اجازه مجلس شورای اسلامی و مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی با کسب مجوز از هیأت وزیران مجاز بوده (به جز سرمایه‌گذاری بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و بیمه‌ها که از این الزام مستثنی شده بودند؛ بنابراین این تأسیس این شرکت در زمره سرمایه‌گذاری بیمه‌ای (متکی به سازمان بیمه خدمات درمانی) قلمداد نمود که وصف دولتی بر آن مترتب نبوده و یک شرکت غیردولتی محسوب می‌شود.

#### بخش سوم: نتیجه‌گیری

از آنچه در بالا شرح آن رفت روشن می‌شود که شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی به‌عنوان یک شرکت غیردولتی تابع مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت و مقررات قانونی تجارت بوده و مطابق با قوانین حاکم در سال ۱۳۷۸ تشکیل و ثبت شده است و پس از ثبت شخصیت حقوقی پیدا کرده است، بر خلاف شرکت‌های دولتی که با اجازه قانون تشکیل می‌شوند و به‌محض ایجاد دارای شخصیت حقوقی هستند و نیاز به ثبت ندارند. ماهیت این شرکت بر اساس استعلامهای به عمل آمده غیردولتی بوده و با هیچ یک از فاکتورهای

تعیین‌کننده دولتی بودن که در قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون محاسبات عمومی موجود است منطبق نبوده و تابع آیین‌نامه و اساسنامه و قانون و اصول عرفی و حقوقی قانون تجارت می‌باشد و در استخدام و به کارگیری کارمندان و تعیین حقوق و مزایای آن‌ها از قانون کار تبعیت کرده است که در این رابطه چند فقره از آراء صادره از مراجع ادارات کار (شعب مختلف هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف) که حکایت از رابطه استخدامی کارگری و کارفرمایی دارد و نه مقررات استخدامی مؤسسات و شرکت‌های دولتی تقدیم حضور می‌گردد. علی‌هذا خواهشمند است مبتنی بر اسناد و مدارک موجود در پرونده و استدلالهای مطروحه رأی به رد خواسته سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی (سازمان بیمه سلامت ایران) صادر گردد تا خدمات‌رسانی به بیماران که درآمد این شرکت کمک حال آنان است با اخلاف مواجه نگردد. در پایان از دقت نظر اعضای آن شعبه سپاسگزاری می‌شود."

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران نیز به‌موجب لایحه شماره ۹۷/۱۱۵۴۶۴-۱۳۹۷/۳/۲۸ اعلام کرده است که:

"حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و تحیت

احتراماً پیرو نامه شماره ۹۷/۶۸۲۲۰-۱۳۹۷/۲/۲۶ در خصوص شکایت سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال فصل سوم آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذاری سازمان بیمه خدمات درمانی، اعلام می‌دارد: برابر تصمیم متخذه در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۳/۱ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سرمایه‌گذاران سازمان بیمه خدمات درمانی (هیأت مدیره سازمان بیمه سلامت ایران)، فصل سوم آیین‌نامه استخدامی شرکت یاد شده، راجع به حقوق و مزایای کارکنان اصلاح و مقرر گردید: "پرداخت حقوق و مزایای مستمر و غیر مستمر کارکنان، مشمول ضوابط و مقررات حاکم بر پرداخت‌ها در سازمان بیمه سلامت ایران در چارچوب قوانین مربوطه می‌باشد". بنا به مراتب فوق از آنجاکه سازمان بیمه سلامت ایران اقدامات قانونی لازم را در ارتباط با موضوع شکایت انجام داده است، موجب امتنان است دستور فرمایید وفق ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قرار رد درخواست صادر شده و پرونده مختومه گردد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: شرکت سرمایه‌گذاری بیمه خدمات درمانی که با تجویز بند (ح) ماده ۷ اساسنامه سازمان بیمه خدمات درمانی تشکیل شده، سهام آن صد در صد متعلق به سازمان بیمه سلامت ایران به‌عنوان یک سازمان دولتی است و سرمایه در اختیار آن نیز ناشی از حق سرانه درمان (سهام دولت، دستگاه حمایت‌کننده یا بیمه‌گذار و بیمه‌شونده) می‌باشد که وفق ماده ۴ و بند (ب) ماده ۶ اساسنامه سازمان بیمه خدمات درمانی تماماً متعلق به دولت است و با توجه به تعریف ماده ۴ قانون محاسبات عمومی یک شرکت دولتی محسوب و از این حیث مقررات استخدامی و حقوق مزایای کارکنان آن تابع مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی است.

ثانیاً: با توجه به دولتی بودن شرکت مذکور، فصل سوم آیین‌نامه استخدامی شرکت سرمایه‌گذاری بیمه خدمات درمانی که مصوب ۱۳۷۹/۹/۸ هیأت مدیره شرکت است با قوانین حاکم در زمان تصویب آن مغایرت

دارد زیرا در وضع این مصوبه موافقت شورای حقوق و دستمزد موضوع ماده ۱۲ قانون مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی جهت تعیین حداقل و حداکثر پرداختی به مستخدمین اخذ نشده و تفویض اختیار به هیأت مدیره شرکت جهت تعیین بدون قید و شرط اضافه کاری در ماده ۱۳ آیین‌نامه معترض‌عنه مغایر ماده ۷ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت ناظر به ماده ۳۹ قانون استخدام کشوری و ماده ۱۹ مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی است. از طرفی برقراری فوق‌العاده محرومیت از کار انتفاعی مذکور در ماده ۱۴ آیین‌نامه مورد شکایت فاقد مبنای قانونی و مغایر مواد ۱۲ و ۱۴ مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی است و دلیل قانونی بر جواز برقراری آن وجود ندارد.

ثالثاً: علاوه بر مغایرت مصوبه مذکور با قانون به شرح فوق، با توجه به ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، پرداخت حقوق و مزایای کارکنان شرکت‌های دولتی از جمله شرکت مذکور از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون مدیریت خدمات کشوری مشمول قانون مذکور بوده و فصل سوم آیین‌نامه مورد اعتراض به جهت مغایرت با مواد قانونی فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری به استناد ماده ۱۲۷ قانون یاد شده و عمل به آن تا زمان اصلاحیه تخلف از قوانین و مقررات محسوب می‌شود. با توجه به مراتب فوق و از آنجایی که تقاضای ابطال مصوبه مذکور از تاریخ تصویب، درخواست شده است، لذا به جهت رفع آثار ناشی از اجرای مصوبه معترض‌عنه، مواد ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴ فصل سوم آیین‌نامه مورد اعتراض مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۷ مهر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۶۲۷ الی ۱۶۲۹

کلاس پرونده: ۱۱۸۵/۹۶، ۹۶۴/۹۶، ۳۹۴/۹۶

**موضوع:** ۱- ابطال بند ۳ از بند ۲ مربوط به شرایط بومی بودن مربوط به قسمت "امتیازات و سهمیه‌های قانونی" از دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۹۵ ۲- عدم ابطال جزء یک از بند ۲ قسمت (ج) اصلاحات اطلاعیه مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام از اصلاحیه سازمان سنجش آموزش کشور درباره اصلاحات مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۵

**شاکي: آقایان: ۱- پیمان محمدی ۲- احمد قربانی ۳- سیدحسن قربانی**

### گردش کار:

آقای پیمان محمدی به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال بند ۱ قسمت ۲ بند (ج) "اطلاعیه سازمان سنجش آموزش کشور درباره اصلاحات مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۵" در خصوص شرایط بومی بودن مربوط به قسمت امتیازات و سهمیه‌های قانونی و الزام دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان به ادامه مراحل پذیرش راجع به قبولی خواهان در آزمون فوق‌الذکر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام و تحیت. با استعانت از خداوند متعال و احتراماً مستنداً به بند ۱ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری با عنایت به اینکه مصوبه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در قسمت بند ۱ بندج مندرج در اصلاحیه سازمان سنجش و آموزش کشور، راجع به آزمون استخدام سال ۱۳۹۵ دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان باعث تضییع حقوق افراد و از جمله باعث تضییع حقوق روستائیان (متولدین روستا) شده است و با شرع انور اسلام و قانون اساسی و قانون رعایت حقوق شهروندی و نیز با تصمیمات کشوری منافات دارد، ابطال آن را به شرح لایحه تکمیلی استدعای دارم و نیز با عنایت به پذیرش بنده در آزمون استخدامی به‌عنوان نفر اول و تقاضای ابطال مصوبه مذکور و الزام دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان به ادامه سایر مراحل پذیرش بنده در رشته قبولی را دارم. جهت سهولت در خواندن تقاضای مذاقه در لایحه تکمیلی پیوستی دادخواست را دارم."

متن لایحه تکمیلی به قرار زیر است:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) و درود و بی پایان

به روح پر فتوح بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) و ارواح طیبه ی شهدای گلگون کفن این مرز و بوم و آرزوی سلامتی و تعجیل در فرج حضرت تولی عصر (ارواحنا له الفداء) و طول عمر و دفع بلیات از نائب برحقش، مقام عظمای ولایت، حضرت امام خامنه ای (مد ظله العالی) و عرض ادب و احترام خالصانه به محضر حضرت عالی

احتراما به استحضار می‌رساند در مقام تظلم خواهی از تصمیمات موضوع بند ۱ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت، بدین‌وسیله مطالب ذیل جهت صدور حکم شایسته به استحضار می‌رسد:

شرحی از موضوع: بنده دارای مدرک تحصیلی کارشناسی حسابداری و محل تولد بنده شهرستان قروه در استان کردستان می‌باشد. همسر بنده نیز اهل روستای قلیان از توابع شهرستان سنندج استان کردستان می‌باشد. بنده حسب اعلام سازمان سنجش در آزمون استخدامی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کردستان شرکت نموده و درحالی‌که دارای سهمیه فرزند جانباز بودم اما با سهمیه آزاد نفر اول آزمون استخدامی در شهرستان سنندج برای رشته شغلی مسئول خدمات مالی (انبار داری سنندج شدم). پس از انجام مراحل استخدامی، متأسفانه دانشگاه علوم پزشکی کردستان پس از طی مراحل استخدام، بنده را از پذیرش سایر مراحل منع نمودند و دلیل آن را اصلاحیه سازمان سنجش مصوبه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در رابطه با اصلاح بند ۲ قسمت ج دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون اعلام می‌کنند. در این قسمت آمده است که شرایط بومی بودن مربوط به قسمت امتیازات و سهمیه های قانونی مندرج در صفحات ۹ و ۱۰ دفترچه راهنمای ثبت‌نام به شرح ذیل اصلاح می‌گردد.

شرایط بومی بودن: افرادی که حداقل دارای یکی از ویژگی‌های پانزده گانه ذیل باشند حسب مورد داوطلب بومی محل مورد تقاضا، بومی شهرستان یا استان تلقی می‌گردد.

۱- محل تولد داوطلب با همسر وی با محل مورد تقاضا برای استخدام یکی باشد.

۲- شهرستان محل تولد داوطلب یا همسر وی با شهرستان محل مورد تقاضا برای استخدام یکی باشد. از آنجاکه محل تولد همسر بنده روستای قلیان از توابع شهرستان سنندج می‌باشد، لذا بنده بومی محلی شناخته نشده‌ام و بومی شهرستان اعلام شده‌ام! مبنای شهرستان و استان برای تعیین بومی بودن تقسیمات کشوری در زمان ثبت‌نام بوده است. درحالی‌که مدیریت نیروی انسانی دانشگاه با این ادعا که محل صدور شناسنامه همسر روستای قلیان (۵ کیلومتری شهر سنندج) بوده و حقیر فاقد شرایط استخدام بومی می‌باشم و ملاک بومی محل مورد تقاضا از نظر آن مدیریت شهر می‌باشد، نه شهرستان. این مصوبه وزارت بهداشت از این لحاظ شایسته ابطال است که این مصوبه با شرع انوار اسلام و قانون اساسی منافات دارد. چرا که در یک روستا بسیاری از مشاغل و پست های شغلی استخدامی دانشگاه علوم پزشکی وجود ندارد و از این لحاظ حق یک روستایی تزییع می‌شود به عبارت دیگر یک فرد روستایی صرفاً فقط زمانی بومی محلی شناخته می‌شود که دانشگاه علوم پزشکی برای آن روستا فردی را استخدام نماید. حالیه که معمولاً بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی در شهرستان مستقر می‌باشد که در یک روستا.

لذا از این لحاظ این مصوبه وزارت بهداشت باعث تزییع حق افراد به خصوص روستاییان می‌گردد و با شرع اسلام و قانون اساسی منافات دارد و بر خلاف عدالت اسلامی است و شایسته ابطال است چرا که بومی روستایی و بومی شهرستان در تصمیمات استخدامی کشور وجود ندارد و هر دو بایستی بومی شهرستان تلقی شوند. همچنین دانشگاه علوم پزشکی کردستان نیز با وجود اینکه بنده نفر اول پذیرشی در آزمون نهایی بوده‌ام و تمام مراحل استخدام را انجام داده‌ام اما از پذیرش بنده به جهت همین مصوبه وزارت بهداشت در موضوع آزمون استخدامی ممانعت می‌کند؛ که تقاضای ابطال مصوبه مذکور به شرح خواسته و نیز الزام دانشگاه علوم

پزشکی کردستان به ادامه مراحل پذیرش بنده جهت جلوگیری از تضییع حق این جانب مورد تقاضاست." در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکای ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۰۴۱-۱۳۹۶/۵/۲۳ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده‌است که: "خاطر عالی مقامان را معطوف می‌دارد پیرو مراتب مرقومی در شکوائیه تقدیمی، سال قبل در پی اطلاع‌رسانی سازمان سنجش آموزش کشور از برگزاری آزمون استخدامی دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان و انطباق شرایط عمومی و اختصاصی پذیرش منظوره با شرایط حقیر و سوابق شایان خدمتی قریب پنج ساله فعالیت مستمر و صادقانه ام در واحد حسابداری بیمارستان شهید بهشتی شهرستان قروه کردستان (طی قرارداد کار معین مورخ ۱۳۹۱/۳/۲ لغایت حال)، با وجود امکان بهره‌مندی از سهمیه ایثارگری ابوی ارجمندم {آقای مسعود محمدی جانباز ۲۵٪ جنگ تحمیلی} و عدم استفاده از سهمیه مذکور، با استعانت از حضرت حق و تکیه بر دانش و تجربیات کاری و شغلی خویش، مبادرت به ثبت‌نام در آزمون مربوطه نمودم که به حمدلله نیز به شرح کارنامه پیوستی به‌عنوان نفر اول پذیرشی در نتیجه نهایی یک برابر ظرفیت در رشته شغلی {مسئول خدمات مالی ستاد دانشگاه علوم پزشکی کردستان} معرفی گردیدم که در مراجعات حضوری و در سیر مراحل قانونی امر و تشریفات لازم و ارائه مدارک موجود دال بر تحقق خواسته مشروع و قانونی ام، با استماع دلایل واهی و بی‌اساس از جانب مسئول مربوطه، متأسفانه نه اینکه موجبات پذیرش فراهم نگردید به صراحت تمام نیز موجبات تضییع حقوقم حاصل آمده که بسی جای تأسف و تأثر داشته و دارد!

من حیث المجموع که با پذیرش همسر در شرایط تقریباً مساوی و اشتغال ایشان از تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۷ در بیمارستان جدید الاحداث کوثر سنندج و سکونت چند ساله حقیران در سنندج و تطابق موضوع بومی بودنمان در منطقه، پس از امورات ثبت‌نام، وزارت مبادرت به صدور اصلاحیه‌ای برخلاف قوانین تشریحی ذیل‌الذکر نموده درحالی‌که این تبعیض مخالف صریح (بندهای ۹ و ۶ از اصل ۳ و اصول ۴-۱۹-۲۰ و ۲۸) از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده و حقیر منطبق بر اصول ۳۴ و ۱۷۳ از همان قانون و در مقام تظلم خواهی مبادرت به طرح دعوی در دیوان به امید انشاء الله احقاق حقوقم نموده‌ام و در عنایت به کتاب اجوبه الاستفتائات مقام عظمی ولایت و رهبر عالی قدر جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به سؤال ۱۹۸۴ که مدعی گردیده‌اند: اگر ادارات دولتی قوانینی وضع کنند که تا حدی با احکام اسلامی منافات داشته باشد تبعیت از آن جایز است؟ حضرت آقا مخالفت صریح خویش را اعلام نموده‌اند و مدعی گردیده‌اند اگر کسی اطلاع از چنین قوانینی یافت، واجب است آن را به مقامات مسئول اطلاع دهد و در توجه به ماده ۸ از حقوق شهروندی که تشریح می‌نماید (اعمال هرگونه تبعیض به‌ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی و فرصت‌های شغلی ممنوع بوده و دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی خوداری نماید و در مواد مشابه (۲۰-۲۱-۷۷) به موارد مترادف مبحث اشارات آشکارا گردیده و پیرو مواد ۱۳ و ۱۴ از قانون استخدام کشوری و مواد ۴۱ الی ۵۲ از قانون خدمات کشوری و انطباقش با شرایط مذکورم این حق لهم ایجاد گردیده و این جانب در آزمون مربوطه قبول شده‌ام و مطابق اصل مساوات (هراسانی حق بهره‌برداری از همه حقوق دارد و بدون فرق و تفاوت‌هایی نژادی و رنگ و پوست و جنسیتی و موقعیت جغرافیایی و...) شایسته دولت اسلامی نبوده و نیست که حال ملاک پذیرش حقیر را به نسبت شهرستان و شهر و روستا و بومی و غیربومی بودنم قلمداد نماید درحالی‌که شرایط مد نظر استخدامی هم بدواً از جانب رعایت شده است. استدعایم مرجع قضایی لطف نموده و در جهت رضایت حضرت حق و احقاق حقوق پایمال شده‌ام پیرو آیه مبارکه: (واقسطوا، ان الله یحب المقسطین حجرات ۹ - مطابق عدل عمل کنید، همانا خداوند دوست می‌دارد آن‌ها را که طالب عدالتند) و احادیث مکرم نبوی (عدل الساعه خیر من عباده سبعین سنه قیام لیلها

وصیام نهارها - ساعتی عدالت بهتر از هفتاد سال عبادت است که شبهایش به نماز و روزهایش به روزه بگذرد - مشکاه الانوار ص ۳۱۶) و (عدل الناس من رضی للناس ما یرضی لنفسه و کره لهم ما یکره لنفسه - عادلترین مردم کسی است که برای مردم همان را پسندد که برای خود می پسندد و برای آنان نپسندد آنچه را برای خود نمی پسندد - من لایحضرالفقیه ج ۴ ص ۳۹۵ - نهج الفصاحه ص ۲۲۰) ابطال مصوبه من غیرحق و الزام دانشگاه مذکور به سیر مراحل پذیرش و استخدام با وجود اولویتهای تشریحی ضمن تحقق خواسته مشروع و برحقم، موجبات رضایت حضرت باریتعالی را نیز در پی خواهد داشت با عنایت به اصل ۱۶۷ از قانون اساسی حکم مقتضی را لهم اصدار نماید تا بیش از مدت اخیر در بلاتکلیفی و سرگردانی غوطه ور نگردم."

شاکی متعاقباً به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۲/۵-۲۵۹۶ اعلام کرده است که:

"با سلام و احترام به استحضار عالی می‌رساند این‌جانب پیمان محمدی فرزند مسعود ساکن شهرستان سنندج می‌باشم، شاکی پرونده کلاسه ۳۹۴/۹۶ مطروحه در هیأت عمومی مرجع قضایی به طرفیت ۱- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و... به خواسته های معنونه: ۱- ابطال اصلاحیه مصوبه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مربوط به ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت مذکور در سال ۱۳۹۵ به شرح متن درخواست ارسالی ۲- الزام دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی استان کردستان به ادامه مراحل پذیرش و استخدام به جهت قبولی در آزمون مربوطه و ... بوده که بدین‌وسیله پیرو دعوای تقدیمی و لوایح ارسالی به محضر مبارک و اطلاع از اشتباه تاییبی در خصوص درج بند ۲ به جای ۱، قسمت ۲ بند ج اصلاحیه معترض‌عنه، با تقدیم این تقاضانامه، عاجزانه و ملتسانه از محضر ارجمندان صمیمانه استدعامندم لطف نموده و با عنایت به ادعای برحق مطروحه ام و چگونگی تضييع آشکارای حقوق مشروع و قانونی حقیر که ابتدائاً و در سیر مراحل قانونی امر و تشریفات لازم و منطبق بر بند یک از شرایط بومی بودن داوطلبین آزمون مربوطه (شهرستان محل تولد داوطلب یا همسر وی با شهرستان محل تقاضا برای استخدام یکی باشد) درج شده در صفحه ۹ دفترچه راهنمای ثبت‌نام مذکور) و به پیروی از مندرجات شناسنامه همسر و سکونت چندین ساله ایشان و دیگر اعضای خانواده در شهر سنندج (منطبق بر مدارک تحصیلی مشارالیه و حتی قبل از تاریخ محرمیت فی‌مابین ۱۳۹۴) و سکونت مشترک حقیران در طول ۳ سال اخیر در شهر سنندج و تکیه بر توان علمی خویش و سوابق پیشین فعالیت صادقانه ام و... مبادرت به ثبت‌نام نمودم و در اصلاحیه مقرر وزارت، در عدم توجه به برخی از اصول مستند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حذف فواصل طبقاتی و تبعیض ناروا و برخورداری تک تک آحاد اجتماع از حقوق شهروندی، با الحاق بند یک به قسمت ۲ بند ج اصلاحیه، تأکید خود را معطوف به استخدام فقط متولدین داخل شهر سنندج (حتی با وجود عدم اخذ امتیاز مناسب در آزمون علمی) نموده و افراد خارج از نظر وزارت با وجود تولدشان در محدوده شهر سنندج یا قسمت منفصل شهری یا عدم تحصیلاتی در داخل مدارس شهر سنندج، نه حق استفاده از سهمیه‌های مرتبط به شهرستان و شهر و روستای خود را دارند و به‌عنوان غیربومی هم در خارج از استان خویش، عملاً امکانی به استخدامشان وجود ندارد که به حق تضييع آشکارای حقوق این‌جانب و افراد مشابه حقیر بوده و هست و تفسیر وزارت و بهانه ابرازیشان، درج عنوان روستای قلیان (پنج کیلومتری شهر سنندج) به‌عنوان محل تولد همسرم بوده و در انتشار آگهی استخدام پیمانی سال ۱۳۹۶ از جانب وزارت مذکور و اطلاع واثق ایشان از طرح دعوای برحقم در مرجع قضایی، بند مذکور از شرایط بومی حذف گردیده و منطبق بر شرایط مندرج بومی بودن شرکت کنندگان در آزمون دفترچه پیشین، به همان بند اشاره گردیده است، ترتیب اثری شایسته اتخاذ فرمایید تا انشاء الله با احراز حقانیت ادعا و تخلف وزارت، ضمن ابطال بند یک از قسمت ۲ از بند ج اصلاحیه مذکور (محل تولد داوطلب یا همسر وی با محل مورد تقاضا برای استخدام یکی باشد)، موجبات ممانعت از

تضییع حقوق مشروع و قانونی حقیر را نیز به شایستگی فراهم آورید." شاکی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۲۳۸۶-۱۳۹۶/۱۲/۵ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ را تقاضا کرده است.

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۳۸۷-۱۳۹۶/۷/۲۴ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با اهدای سلام. احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۳۴۴ (۳۹۴/۹۶) موضوع شکایت آقای پیمان محمدی به خواسته ابطال اصلاحیه بند (۲) قسمت دوم بند (ج) مصوبه این وزارتخانه مربوط به شرایط بومی ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی در سال ۱۳۹۵، مطالب زیر به استحضار می‌رسد:

۱- وفق مفاد دادخواست تقدیمی شاکی مدعی است، از جمله شرکت کنندگان در آزمون سال ۱۳۹۵ می‌باشد که بر اساس شرایط مندرج در راهنمای ثبت‌نام ذیل بند (۲) قسمت (ج) مربوط به (امتیازات و سهمیه‌های قانونی) در دفترچه راهنمای آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی در سال ۱۳۹۵ و با توجه به محل تولد همسر، روستای قلبان از توابع سنندج، سهمیه بومی محل مورد تقاضا را برای استخدام در رشته شغلی مسئول خدمات مالی (انبارداری) در دانشگاه علوم پزشکی کردستان انتخاب نموده است، معهداً با توجه به اصلاحات صورت گرفته وفق اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۵/۴ سازمان سنجش آموزش کشور در خصوص اعلام شرایط داوطلبان بومی در دفترچه راهنمای آزمون استخدام، مسئولین ذی‌ربط برای ایشان به استناد بند (۲) قسمت (ج) اطلاعیه فوق‌الذکر برای ایشان (سهمیه بومی شهرستان) را لحاظ و با توجه به اولویت‌های استخدامی، پس از کسر سهمیه‌های قانونی ایثارگران و معلولین عادی، اقدام به اعلام قبولی فرد دیگری به ترتیب نمره مکتسبه و با سهمیه (بومی محل مورد تقاضا) نموده‌اند. با این وصف و به موجب این دادخواست ضمن اعتراض به نتایج آزمون، خواستار ابطال اصلاحیه مربوط به شرایط بومی بودن شرکت کنندگان در آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی در سال ۱۳۹۵ بند (۲) قسمت دوم بند (ج) وفق اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۵/۴ سازمان سنجش آموزش کشور و الزام به ادامه مراحل استخدامی شده است.

۲- در پاسخ به شکایت مطروحه لازم به ذکر است همان‌گونه که آن مقام مستحضر می‌باشند وفق ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حدود صلاحیت هیأت عمومی رسیدگی به شکایات اشخاص از آیین‌نامه‌ها و ... در مواردی است که مصوبه مورد اعتراض به دلیل مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط از اختیارات صادر شده باشد. در دادخواست حاضر شاکی اعلام نموده است که از چه جهت متقاضی ابطال اصلاحیه بوده و این اصلاحیه مغایر با کدام یک از ضوابط و مقررات می‌باشد.

۳- صرف‌نظر از ایراد مذکور اشاره می‌نماید، در حال حاضر هر گونه استخدام و به کارگیری کارکنان جدید در دستگاه‌های اجرایی مطابق با بخشنامه شماره ۹۳/۹۷۵۷/۲۰۰-۱۳۹۳/۷/۱۹ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری تحت عنوان (دستورالعمل نحوه برگزاری امتحان عمومی و تخصصی برای استخدام افراد در دستگاه‌های اجرایی) منوط به شرکت در آزمون استخدامی و احراز صلاحیت‌های عمومی و تخصصی نحوه برگزاری امتحانات عمومی و تخصصی انجام می‌گیرد.

۴- در این راستا آزمون استخدامی متمرکز و سراسری به منظور استخدام ادواری در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، با نظارت سازمان امور اداری و استخدامی کشور در شهریور ماه ۱۳۹۵ و بر اساس دستورالعمل فوق‌الذکر توسط سازمان سنجش آموزش کشور برگزار شده است. برابر بند (۳) اعلام امتیازات و سهمیه‌های

قانونی مندرج در دفترچه راهنمای آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، امتیازات و سهمیه‌های استخدامی برای شرکت کنندگان در آزمون، به ترتیب اولویت‌های قانونی سهمیه‌های ایثارگران- معلولین عادی- بومی محل مورد تقاضا (شهرستان یا استان) و بر مبنای نمرات فضلی مکتسبه اعمال شده است. در نهایت نتایج آزمون مورد اشاره توسط سازمان سنجش آموزش کشور استخراج و به تفکیک کارنامه‌های اولیه در دسترس شرکت کنندگان در آزمون قرار داده شده است.

۵- در بند سوم قسمت (امتیازات و سهمیه‌های قانونی) دفترچه راهنمای آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی در سال ۱۳۹۵ اعلام گردیده است: (کلیه سهمیه‌های استخدامی پس از کسر سهمیه‌های استخدامی ایثارگران و معلولین عادی، به داوطلبان بومی محل مورد تقاضا در صورت برخورداری از شرایط مندرج در دفترچه آزمون و کسب حدنصاب نمره، به ترتیب نمره فضلی اختصاص خواهد یافت. در صورتی که ظرفیت مورد نیاز هر یک

از رشته‌های شغلی از بین داوطلبان استخدام بومی محل مورد تقاضا تکمیل نگردد، پذیرش بقیه افراد تا تکمیل ظرفیت از بین داوطلبان با اولویت "بومی استان" و سپس داوطلبان "غیر بومی" همان رشته بر مبنای نمره فضلی صورت می‌پذیرد.

تبصره: در مواردی که محل مورد تقاضا "روستا" می‌باشد، سهمیه استخدامی ابتدا به بومی روستای موردنظر و در صورت عدم تکمیل ظرفیت به ترتیب، به بومی شهرستان ذی‌ربط، استان و فرد غیر بومی اختصاص می‌یابد.

بنابراین ملاحظه می‌گردد، موضوع در اولویت قرار گرفتن داوطلبان (بومی محل مورد تقاضا) که قبلاً نیز در پذیرش نیروی انسانی برای مشاغل روستایی در تمامی آزمون‌های استخدامی رعایت می‌گردید، در دفترچه آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی اعلام و (داوطلبان بومی روستا) نسبت به (داوطلبان بومی شهرستان یا استان) در اولویت پذیرش قرار گرفته‌اند.

۶- همان‌گونه که مستحضرد به‌موجب مواد ۶ و ۷ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت متبوع عهده‌دار برنامه‌ریزی به‌منظور توزیع متناسب و عادلانه نیروی انسانی و سایر امکانات و تسهیلات بهداشتی، درمانی کشور با تأکید بر اولویت برنامه‌های بهداشتی و رفع نیاز مناطق محروم و نیازمند و نیز فراهم نمودن تسهیلات لازم برای برخورداری همگان از خدمات درمانی و گسترش مراکز درمانی دولتی می‌باشد؛ بنابراین وزارتخانه به‌منظور افزایش ماندگاری نیروهای پذیرفته شده در آزمون‌های استخدامی و پیشگیری از جابجایی موقت یا دائمی همواره در سیاست‌های تأمین نیروی انسانی مورد نیاز دانشگاه‌های علوم در سطح کشور نسبت به موضوع "بومی‌گزینی" اهتمام ورزیده و در تمامی آزمون‌های استخدامی، مراتب را به‌صورت شفاف اعلام کرده است.

۷- با این وصف و با توجه به ارزیابی کارشناسی صورت گرفته توسط کارگروه استخدام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متشکل از کارشناسان ستادی و دانشگاه‌های ذی‌ربط، تسری مراتب اولویت پذیرش داوطلبان بومی محل مورد تقاضا به (مناطق شهری) مورد تصویب قرار گرفت و پیشنهاد مذکور پس از تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور به‌عنوان ناظر آزمون، طی اصلاحات مندرج در بند (۲) قسمت دوم بند (ج) اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۵/۴ سازمان سنجش آموزش کشور به اطلاع شرکت کنندگان در آزمون استخدامی‌رسانده شد.

۸- در ارتباط با خواسته شاکي مبنی بر الزام خواندگان به ادامه مراحل استخدامی، از آنجاکه نامبرده متولد شهرستان قروه بوده و با توجه به محل تولد همسر (روستای قلیان از توابع سنندج)، متقاضی سهمیه (محل

مورد تقاضا) گردیده است. شایان ذکر است نظر به اینکه انتشار اصلاحیه طی بند (۲) قسمت (ج) اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۵/۴ سازمان سنجش آموزش کشور قبل از برگزاری آزمون صورت گرفته، امکان ویرایش مجدد برای شرکت کنندگان از جمله مشارالیه فراهم بوده است، با این وصف بدیهی است برابر شرایط مندرج در بند (۲) قسمت دوم بند (ج) اطلاعیه مذکور، دواطلب بومی محل مورد تقاضا (شهر سنندج) نسبت به ایشان به عنوان دواطلب بومی شهرستان (توابع شهرستان سنندج) در اولویت پذیرش و جذب ایشان قرار گرفته است. با عنایت به مطالب معروضه و رعایت مقررات قانونی در اقدامات وزارت بهداشت، رسیدگی شایسته و رد شکایت مطروحه از محضر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورد استدعاست."

(ب) آقای احمد قربانی به موجب دادخواستی ابطال بند ۳ از بند ۲ مربوط به شرایط بومی بودن مربوط به قسمت "امتیازات و سهمیه‌های قانونی" از دفترچه راهنمای ثبت نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۹۵ و الزام به تکمیل فرآیند استخدام در دانشگاه علوم پزشکی بابل را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام و احترام. به استحضار می‌رساند این جانب احمد قربانی در سومین آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی در سال ۱۳۹۵، در رشته شغل "کارشناس شبکه" دانشگاه علوم پزشکی بابل شرکت نموده و با کسب بالاترین نمره در کارنامه صادره از سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان فرد برگزیده جهت انجام سایر مراحل جذب و استخدام و تشکیل پرونده کارگزینی به دانشگاه علوم پزشکی بابل معرفی شدم. پس از بررسی مدارک و کسر برخی امتیازات و تغییر وضعیت بومی این جانب به بومی استانی، مجدداً امتیاز این جانب بالاترین نمره آزمون در بین سایر افراد شرکت کننده دارای حدنصاب گردید. با این وجود پس از اعلام نتیجه نهایی، این جانب به عنوان پذیرفته شده نهایی جهت گزینش و استخدام قطعی معرفی نشده و فرد دیگری با نمره آزمون کمتر و صرفاً به دلیل شرایط "بومی شهرستان" پذیرفته شده نهایی گردید. در بند ۳ بخش امتیازات و سهمیه‌های قانونی، صفحه ۹ دفترچه استخدام دانشگاه‌های علوم پزشکی سال ۱۳۹۵، نحوه اعمال سهمیه استخدامی بدین صورت بیان شده است: "کلیه سهمیه استخدامی پس از کسر سهمیه‌های استخدامی ایثارگران (مندرج در بند یک) و معلولین عادی (مندرج در بند دو) به دواطلبان بومی محل مورد تقاضا در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب نمره، به ترتیب نمره فضلی، اختصاص خواهد یافت. در صورتی که ظرفیت مورد نیاز هر یک از رشته‌های شغلی مندرج در آگهی استخدام از بین دواطلبان استخدام بومی محل مورد تقاضا، تکمیل نگردد، پذیرش بقیه افراد تا تکمیل ظرفیت از بین دواطلبان با اولویت "بومی استان" و سپس دواطلبان "غیر بومی" همان رشته شغلی به ترتیب نمره فضلی صورت می‌پذیرد.

تصوره: در مواردی که محل مورد تقاضا "روستا" می‌باشد سهمیه استخدامی پس از کسر سهمیه‌های قانونی فوق الذکر در ابتدا به بومی روستای مورد نظر و در صورت عدم تکمیل ظرفیت به ترتیب، به بومی شهرستان ذریبط، استان و فرد غیر بومی اختصاص می‌یابد." در توضیح این بخش از دفترچه، اطلاعیه ای در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۵ تحت عنوان "اطلاعیه سازمان سنجش آموزش کشور در خصوص اعلام اسامی چند برابر ظرفیت سومین آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی کشور در سال ۱۳۹۵ به منظور انجام سایر مراحل جذب و استخدام" در سایت سازمان سنجش آموزش کشور انتشار یافت که در بخشی از آن بیان شده است: "تذکر بسیار مهم: ظرفیت هر کد شغل محل مورد تقاضا صرفاً به دواطلبان بومی "شغل محل مورد تقاضا" اختصاص می‌یابد و در صورت عدم تکمیل ظرفیت، معرفی چند برابر به ترتیب از دواطلبان "بومی شهرستان" و در صورت عدم تکمیل از بین بومی شهرستان این ظرفیت به دواطلبان "بومی استان" اختصاص

خواهد یافت. به عبارت دیگر داوطلبان دارای حدنصاب با حالت بومی "شغل محل مورد تقاضا" ممکن است با نمره کل کمتر نسبت به سایر داوطلبان با حالت بومی شهرستان یا بعد از آن بومی استان، که دارای نمره کل بالاتر هستند برای مراحل بعدی معرفی شوند. به عبارتی ممکن است داوطلب دارای حدنصاب با حالت بومی شغل محل مورد تقاضا با نمره کل ۱۵/۱۵ برای سایر مراحل معرفی شود لیکن داوطلبی با حالت بومی شهرستان یا استان با نمره کل مثلاً ۴۰/۵۲ معرفی نشود." با عنایت به توضیحات فوق، تبعیض اعمال شده در بند ۳ بخش "امتیازات و سهمیه قانونی" مندرج در دفترچه استخدامی کاملاً مشخص و واضح است بگونه ای که داوطلب "بومی شهر محل تقاضا" صرفاً با کسب "حدنصاب آزمون" که در صفحه ۱۰ دفترچه آزمون به صورت "پنجاه درصد بالاترین نمره مکتسبه در آن آزمون" تعریف شده است، از اولویت صد درصدی نسبت به داوطلب "بومی شهرستان" و یا "بومی استان" که بالاترین نمره را کسب کرده است، برخوردار می‌گردد. لازم به ذکر است بر اساس دفترچه ثبت‌نامی وضعیت بومی دارای ضرایب خاص نبوده و تغییری در نمره نهایی شرکت کنندگان ایجاد نمی‌کند. شرایط مزبور در حالی است که در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی بر "رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در همه زمینه‌های مادی و معنوی" تأکید شده است. همچنین در اصل نوزدهم قانون اساسی بیان شده است که "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود". همچنین در اصل بیست و هشتم قانون اساسی تصریح شده است: "دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید؛ بنابراین مستثنی بودن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نیز دانشگاه‌های علوم پزشکی از قانون مدیریت خدمات کشوری به استناد بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، نمی‌تواند مجوزی برای ایجاد شرایط استخدامی مغایر با اصول ذکر شده قانون اساسی کشور باشد. لذا از دیوان عدالت اداری تقاضا دارد در راستای رفع تبعیض و ایجاد عدالت استخدامی و احقاق حق این‌جانب، نسبت به ابطال بند ۳ بخش امتیازات و سهمیه‌های قانونی، مندرج در صفحه ۹ دفترچه استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی سال ۱۳۹۵ و الزام دانشگاه علوم پزشکی بابل به تکمیل فرآیند استخدام این‌جانب با عنایت به کسب بالاترین نمره در رشته شغل "کارشناس شبکه" در آزمون استخدامی سال ۱۳۹۵، رأی لازم صادر فرمایند."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌موجب لایحه شماره ۱۰۷/۲۰۳۷-۱۳۹۶/۱۱/۴ توضیح داده است که:

"با اهدای سلام؛ احتراماً، در خصوص پرونده کلاسه (۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۰۳۷) ۱۱۸۵/۹۶ موضوع دعوای آقای احمد قربانی به خواسته ابطال بند سوم بخش امتیازات و سهمیه‌های قانونی دفترچه استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۵، مطالب زیر به استحضار می‌رسد:

۱- وفق مفاد دادخواست تقدیمی شاکی ادعا نموده، در بند سوم مربوط به بخش امتیازات و سهمیه‌های قانونی دفترچه استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۵، نحوه اعمال سهمیه استخدامی بدین صورت بیان شده است: (کلیه سهمیه استخدامی پس از کسر سهمیه استخدامی ایثارگران (مندرج در بند یک) و معلولین عادی مندرج در (بند دوم) به داوطلبان بومی محل مورد تقاضا در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب نمره، به ترتیب نمره فضلی اختصاص خواهد یافت. در صورتی که ظرفیت مورد نیاز هر یک از رشته‌های شغلی مندرج در آگهی استخدامی از بین داوطلبان استخدام بومی محل مورد تقاضا تکمیل نگردد، پذیرش بقیه افراد تا تکمیل ظرفیت از بین داوطلبان با اولویت "بومی استان" و سپس داوطلبان "غیر بومی" همان رشته بر مبنای نمره فضلی صورت می‌پذیرد.

تبصره: در مواردی که محل مورد تقاضا روستا می‌باشد، سهمیه استخدامی پس از کسر سهمیه‌های قانونی فوق‌الذکر، در ابتدا به بومی روستای موردنظر و در صورت عدم تکمیل ظرفیت به ترتیب، به بومی شهرستان ذی‌ربط، استان و فرد غیر بومی اختصاص می‌یابد. متعاقب آن و در توضیح این بخش از دفترچه، اطلاعیه ای در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۵ تحت عنوان "اطلاعیه سازمان سنجش کشور در خصوص اعلام اسامی چند برابر ظرفیت سومین آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی کشور در سال ۱۳۹۵ به‌منظور انجام سایر مراحل جذب و استخدام" انتشار یافت که در آن اعلام شده است: (تذکر بسیار مهم: ظرفیت هر کد شغل محل مورد تقاضا صرفاً به داوطلبان بومی "شغل محل مورد تقاضا" اختصاص می‌یابد و در صورت عدم تکمیل ظرفیت معرفی چند برابر به ترتیب از داوطلبان بومی شهرستان و در صورت عدم تکمیل، این ظرفیت به داوطلبان بومی استان اختصاص خواهد یافت. به‌عبارت‌دیگر داوطلبان شهرستان یا استان که دارای نمره کل بالاتر هستند، برای مراحل بعدی معرفی می‌شوند. به عبارتی ممکن است داوطلب دارای حدنصاب با حالت بومی شغل محل مورد تقاضا با نمره کل ۱۵/۱۵ برای سایر مراحل معرفی شود، لیکن داوطلبی با حالت بومی شهرستان یا استان با نمره کل ۴۰/۵۲ معرفی نشود.)

۲- نامبرده در ادامه مدعی است، با توجه به توضیحات مذکور تبعیض اعمال شده کاملاً مشخص و واضح بوده و باعث می‌گردد داوطلب (بومی شهر مورد تقاضا) صرفاً با کسب حدنصاب آزمون طبق صفحه دهم دفترچه آزمون یعنی با کسب ۵۰ درصد بالاترین نمره مکتسبه در آن آزمون، از اولویت صد در صدی نسبت به سایر داوطلبان (بومی شهرستان و یا بومی استان) که بالاترین نمره را هم کسب کرده باشد، برخوردار گردد. ضمن اینکه به همین دلیل نیز نامبرده که در آزمون استخدامی برای رشته شغلی (کارشناس شبکه) در دانشگاه علوم پزشکی بابل شرکت و بالاترین نمره در آزمون را کسب نموده است، به‌عنوان پذیرفته شده نهایی جهت گزینش و استخدام معرفی نگردیده است. با این وصف و از آنجاکه ضوابط مورد اشاره، با اصول ۹ و ۲۸ قانون اساسی در ارتباط با حقوق مساوی مردم و وظایف دولت برای امکان اشتغال و شرایط مساوی برای همه افراد، در مغایرت است مشارالیه نظر به مطالب پیش گفته و به‌موجب این دادخواست، ابطال ضوابط موردنظر را و الزام دانشگاه علوم پزشکی بابل را به تکمیل فرآیند مربوط به استخدام و به کارگیری خود را خواستار شده است.

۳- در پاسخ به شکایت مطروحه اشعار می‌دارد از آنجاکه وفق بند (ب) ماده (۲۰) قانون پنجم برنامه توسعه کشور و در حال حاضر ماده یکم قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری، استخدامی، تشکیلاتی مصوب هیأت امنا که حسب مورد به تأیید وزراء علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد عمل می‌نمایند؛ بنابراین دانشگاه‌ها به‌عنوان مؤسسات مستقل با حدود وظایف و اختیارات مندرج در قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ - ۱۳۶۷/۱۲/۹ - ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ و شورای عالی انقلاب فرهنگی) و همچنین قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی (مصوب مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی) اداره می‌شوند.

۴- در این راستا کارگروه استخدامی مستقر در ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متشکل از کارشناسان ستادی و دانشگاه‌های ذی‌ربط، ضوابط مصوب برای استخدام در آزمون سال ۱۳۹۵

(از جمله امتیازات و سهمیه‌های مقرر) را پس از ارزیابی کارشناسی تخصصی و نظرسنجی از مراکز بهداشتی درمانی سراسر کشور، بر اساس برنامه‌ریزی به‌منظور توزیع متناسب و عادلانه نیروی انسانی و سایر امکانات و تسهیلات بهداشتی، درمانی و با تأکید بر اولویت برنامه‌های بهداشتی و رفع نیاز مناطق محروم و برخورداری همگان از خدمات درمانی و گسترش مراکز درمانی دولتی تدوین کرده است. آنچه در ارزیابی‌های مذکور مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است، افزایش ماندگاری نیروهای پذیرفته شده در آزمون استخدامی و دانشگاه‌های علوم در سطح کشور از جمله با پیشگیری از درخواست‌های جابجایی و انتقال و ... قبول شدگان پس از استخدام و جذب بوده که منجر به جابجایی موقت یا دائمی نیروی انسانی مورد نیاز موجبات اختلال در خدمات بهینه در نظام سلامت و بهداشت را فراهم می‌نماید.

۵- بنابراین در اجرای مفاد ماده ۳۳ آیین‌نامه اداری استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی و بازرینی ضوابط مربوط به امتیازات "بومی‌گزینی"، اصلاحاتی دستورالعمل اجرایی مصوب ۱۳۹۱/۹/۱ معمول گردیده و ضوابط مورد اشاره تحت عنوان "دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون استخدامی" در ۴۵ ماده و ۲۵ تبصره از سوی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مورد تصویب نهایی قرار گرفته است.

با این وصف برابر بند (ب) ماده (۳۰) دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون‌های استخدامی، فرد بومی شهرستان دارای حدنصاب به دلایل فوق‌الذکر، نسبت به فرد بومی استان یا غیر بومی شرکت در آزمون استخدامی دارای اولویت در پذیرش و جذب خواهد بود. با عنایت به مطالب معروضه و با توجه به تصمیمات اتخاذ شده بر مبنای اختیارات قانونی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، رسیدگی شایسته و رد دعوی مطروحه مورد استدعا می‌باشد."

(ج) آقای سیدحسن قربانی به‌موجب دادخواستی ابطال بخشی از اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۵ سازمان سنجش آموزش کشور در خصوص اعلام اسامی چند برابر ظرفیت سومین آزمون استخدامی تمرکز دستگاه‌های اجرایی کشور در سال ۱۳۹۵ به‌منظور انجام سایر مراحل جذب و استخدام (انجام مراحل مصاحبه و سایر مراحل گزینش) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "احتراماً این‌جانب سیدحسن قربانی که در آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۸ با شماره پرونده ۳۰۴۸۴۵۱ شرکت کرده و در خوشه شغلی پرستار مربوط به شهرستان فردوس (۱۱۰۳۴) دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در مرحله اول حدنصاب نمره قبولی را آورده، با توجه به ظرفیت سهمیه استخدامی که ده نفر بوده است نمره کل نهایی و سهمیه‌های قانونی (ایثارگران و معلولین) در شغل محل انتخابی اصلی برای شرکت در سایر مراحل جذب و استخدام معرفی شده و پذیرفته شده‌ام و در مرحله ارائه مدارک، پس از انتخاب وضعیت بومی شغل محل مورد تقاضا، جهت مستندات مربوطه شناسنامه را ارائه نموده‌ام که البته در شناسنامه بنده محل تولد: روستای سرن، دهستان باغستان، شهرستان فردوس درج گردیده است. لذا با توجه به اینکه ظرفیت‌های پذیرش صرفاً از بین افراد شغل محل تقاضا استخدام و تکمیل می‌شوند، بنده بومی شهرستان تلقی گردیده و در آزمون پذیرفته نشده‌ام؛ اما این‌جانب ۴ سال از سنوات تحصیل را در دبیرستان نمونه دولتی علامه طباطبایی شهرستان فردوس گذرانده‌ام که مستندات مربوطه به پیوست می‌باشد (سه سال مقطع متوسطه و یک سال پیش دانشگاهی) با توجه به این مدارک بنده بومی شغل محل مورد تقاضا هستم و لذا از شما مسئول تقاضای رسیدگی و بررسی مدارک را دارم چرا که طبق بند الف ۳ مربوط به شغل محل مورد تقاضا آگهی مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۵ سازمان سنجش جزو افراد بومی شغل محل مورد تقاضا هستم. همچنین شماره دانش آموزی بنده ۲۱۴۵۵۰۵۱۵ که دارای پرونده الکترونیکی در سازمان سنجش و آموزش و پرورش می‌باشد نیز درج گردیده که جهت بررسی سوابق تحصیلی این‌جانب قابل پیگیری است. خواهشمندم موضوع را بررسی نموده تا حقی

که از بنده ضایع شده است باز پس گرفته شود اگر مدارک مربوط به چهار سال سنوات تحصیلی مورد پذیرش قرار گیرد، در آزمون قبول می‌شوم تقاضای رسیدگی از سوی شما مسئول را دارم. با توجه به اینکه سازمان سنجش مدارک بنده را پس از قبولی بنده بررسی نموده و نتایج نهایی را بر اساس مصوبه ناعادلانه بومی شغل محل مورد تقاضا اعلام نموده است و اینکه حق بنده را ضایع نموده و امکان جایگزین شدن داوطلبی که نمره قبولی را کسب نکرده است می‌باشد و این موضوع ضرر غیرقابل جبرانی بر حقوق مکتسبه ام وارد می‌کند، لذا تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر توقف را دارم. اما مسئول درخواست اصلی و عمومی و نکته مهم و شکایت این جانب بدین قرار است که:

در زمان ثبت‌نام در سومین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه علوم پزشکی کشور، سازمان سنجش دو مورد وضعیت بومی را مثل تمام آزمون‌های دیگر تعیین می‌کند که شامل بومی شهرستان و بومی استان می‌باشد اما پس از برگزاری آزمون استخدامی مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۱ سازمان سنجش طی اطلاعیه ای از شرکت کنندگانی که نمره قبولی را کسب کرده‌اند می‌خواهد که مجدداً وضعیت بومی خود را بررسی نمایند و در این مرحله "بومی شغل محل مورد تقاضا" را به دو مورد بومی استان و شهرستان اضافه می‌کند و اظهار می‌کند که قبول شدگان صرفاً از بین بومیان شغل محل مورد تقاضا انتخاب خواهند شد و در صورت عدم تکمیل سپس از بین بومیان شهرستان و استان تکمیل خواهد شد که البته عدم تکمیل در شهر شغل محل مورد تقاضا (فردوس) غیرممکن است. بومی شغل محل مورد تقاضای از نظر سازمان سنجش بدین گونه تعریف شده است: داوطلب باید صرفاً در شهر مورد نظر متولد شده باشد و نه شهرستان مورد نظر، به طور مثال شهرستان فردوس واقع در استان خراسان جنوبی دارای سه بخش مرکزی، اسلامی و خانکوک می‌باشد که هر یک دارای چندین روستا هستند و روستای سرند که محل تولد این جانب نیز هست در دهستان باغستان واقع شده است. حال از نظر سازمان سنجش افرادی که متولد خود شهر فردوس (و نه روستاهای این شهرستان) هستند در اولویت مستقیم قرار داشته و صرفاً آن‌ها بومی شغل محل مورد تقاضا هستند؛ یعنی حق تمام افراد و مردمی که در بیرون از این شهر متولد شده‌اند چه در روستاها و چه در سایر بخش‌های این شهرستان به همین آسانی تضییع گردیده و نمی‌توانند در رقابتی عادلانه شرکت داشته باشند. چرا که قبل از روستاییان صرفاً این مردم شهر فردوس هستند که در اولویت مستقیم قرار گرفته‌اند و این خلاف قوانین موضوعه مملکتی و شرع مقدس انور است. طبق اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها (محل تولد) سبب امتیاز نخواهد بود. طبق بند ۸ ماده ۱۹ سند نهایی چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، تأکید بر رفع محرومیتها خصوصاً در مناطق روستایی کشور شده است که البته با این مصوبه سازمان سنجش کشور کمک شایانی به افزایش محرومیت روستاها می‌شود. این یعنی ظلم در حق تمام روستاییان و سایر بخش‌های کلیه شهرهای کشور، آن وقت دولت مدام شعار می‌دهد که مهاجرت از روستاها زیاد شده و باید روستاها آباد گردند و ... با توجه به این مصوبه که سازمان سنجش آن را اعمال نموده است، تبعیض بسیار آشکاری بین متولیدن شهر و روستا آن هم در یک شهرستان واحد را شاهد هستیم که بسیار به دور از عدالت و انسانیت و آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ یعنی بدین ترتیب این جانب باید منتظر باشم تا در روستای سرند بیمارستانی ساخته و افتتاح شود تا بومی آنجا محسوب شوم و بتوانم شامل بومی شغل محل مورد تقاضا باشم و استخدام شوم! شما مسئول که در حال خواندن این شکایت هستید حتماً این جانب را درک می‌کند و متوجه این تبعیض و بی عدالتی آشکار شده‌اید که سازمان سنجش پس از برگزاری آزمون استخدامی تبعیض و بی عدالتی را اعمال کرده و بین متولیدن شهر و روستاهای واقع در یک شهرستان تفاوت می‌گذارد و این بی عدالتی آشکار است. مثلاً بنده که با نمره بالایی

در این آزمون جزو ده نفر قبول شده بوده‌ام و باید بدون مصاحبه و ... استخدام می‌شده‌ام (با توجه به نظریه سازمان سنجش گروه شغلی پرستار برابر ظرفیت اعلام شده است و مستقیماً استخدام می‌شوند) با توجه به اینکه در شناسنامه ام نوشته شده که در یکی از روستاهای این شهرستان متولد شده‌ام، بومی فردوس محسوب نشده‌ام و مردود اعلام شده‌ام و این پایان ماجرا نیست چرا که در شرایط بومی محل مورد تقاضا چهار بند دیگر نیز آمده است که به‌طور مفصل در اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۵ سازمان سنجش در قسمت استفاده‌ها درج شده است. مثلاً همسر و فرزندان کارمندان رسمی و پیمانی دولت یا نیروهای مسلح نیز در گروه بومی شغل محل مورد تقاضا قرار گرفته‌اند.

به‌طور کلی ۵ گروه را در بومی شغل محل مورد تقاضا قرار داده و آن‌ها را در اولویت مستقیم استخدام گذاشته و در صفحه اول اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۵ صراحتاً اظهار می‌کند که استخدام صرفاً از بومیان شغل محل مورد تقاضا صورت خواهد گرفت... ۵ گروه ذکر شده در اولویت استخدام باشند و بعد می‌رسد نوبت به بومیان شهرستان و ما بدبختهای روستایی!... خودم و همه شما قضات را به عدالت و برابری دعوت می‌کنم. دو درخواست اصلی بنده از شما قضات این است که:

۱- رسیدگی به وضعیت استخدامی بومی این‌جانب با توجه به اینکه بنده ۴ سال دبیرستان را در شهر فردوس گذرانده‌ام بومی شغل محل مورد تقاضا محسوب می‌شود (با توجه به بند الف ۳ اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۵ سازمان سنجش) اما برای ارائه مدرک موردنظر گزینه شناسنامه را علامت زده‌ام (بند الف ۱ اطلاعیه ۱۳۹۵/۱۰/۵ سازمان سنجش) که روستای سرند به‌عنوان محل تولدم درج گردیده و سازمان سنجش نیز بر اساس محل تولد وضعیت بومی بنده را "بومی شهرستان" تلقی نموده است و نه بومی شغل محل مورد تقاضا (شهر فردوس) و آن را نپذیرفته و رد کرده است و در آخرین مرحله استخدامی بنده را نپذیرفته است و از دور خارج کرده است بنده تقاضای اعمال بند سوم الف اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۵ سازمان سنجش را دارم (چهار سال از دوران تحصیلی در شهر موردنظر گذرانده شده است)

۲- این‌جانب تقاضای حذف وضعیت بومی "شغل محل مورد تقاضا" را از سومین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی کشور و دانشگاه‌های علوم پزشکی که توسط سازمان سنجش در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۱ برگزار شده است و پس از برگزاری آزمون و اعلام نتایج اعمال شده است را دارم تا حق و حقوق میلیون‌ها روستایی ضایع نگردد و شاهد تبعیضی چنین آشکار در حکومت جمهوری اسلامی ایران نباشیم. (لازم به ذکر است که بومی در کشور فقط به دو صورت بومی شهرستان و بومی استان تعریف شده است اما سازمان سنجش پا را فراتر گذاشته و بومی دیگری را تعریف و اعمال نموده است که باعث تضییع حق روستاییان و سایر بخش‌های شهرستان‌ها گردیده است. بنده متولد روستای سرند می‌باشم و در سومین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه‌های علوم پزشکی به‌عنوان بومی شهرستان تلقی شده‌ام و نه بومی شغل محل مورد تقاضا، زیرا تولد این‌جانب روستای سرند می‌باشد و شغل محل مورد تقاضا شهر فردوس است و به همین آسانی در آخرین مرحله از استخدام پس از کسب نمره قبولی عالی بنده را مردود اعلام می‌کنند.

قانون‌گذاری که در تهران بزرگ این چنین مصوبه و قانونی را وضع و اجرا می‌کند، مسلماً روستایی نبوده و نیست تا حال بنده و سایر روستا نشینان را درک کند ولی شما قضات دیوان عدالت اداری حتماً درک خواهید کرد که این مصوبه خطرناک چقدر باعث تضییع حقوق مردم روستایی و خارج از شهرها شده است. با وضع و اجرای چنین مصوباتی، هیچ روستا نشین یا کسی که محل تولد وی در حدود ۳۰ سال پیش روستا بوده است، نمی‌تواند پیشرفتی داشته باشد و باز هم این شهرنشینان هستند که موقعیتهای شغلی را اشغال می‌کنند حتی بدون مهارت و دانش کافی زیرا ملاک سازمان سنجش محل تولد داوطلبین بوده است و اظهار می‌کند

داوطلبین بومی شغل محل مورد تقاضا با نمره خیلی پایین نسبت به داوطلبین بومی شهرستان در اولویت استخدام هستند و هرگز در روستاها دانشگاه یا بیمارستان یا اداره ای تأسیس نمی‌شود که بنده روستایی بتوانم آنجا استخدام شوم."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و قوانین سازمان اداری و استخدامی کشور به موجب لایحه شماره ۱۶۷۹۴۴۲-۱۳۹۶/۱۱/۱۵ توضیح داده است که:

"مدیر دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
با سلام و احترام

بازگشت به شماره پرونده ۱۳۹۶/۹/۲۶-۹۵۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۱۲۴ و پیرو نامه شماره ۱۶۲۴۸۰۰-۱۳۹۶/۱۰/۱۹ در خصوص شکایت آقای سیدحسن قربانی اعلام می‌دارد:

۱- در خصوص موضوع مورد شکایت نامبرده از سوی امور آمار، برنامه‌ریزی و تأمین نیروی انسانی این سازمان با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکاتبه به عمل آمد که توجه آن شعبه را به نامه شماره ۱۳۹۶/۱۱/۴-۲۰۹/۱۰۲۸ وزارت مزبور و ضمائم آن منضم به نامه شماره ۱۳۹۶/۱۱/۹-۹۶۶۶۱۴ امور آمار، برنامه‌ریزی و تأمین نیروی انسانی معطوف می‌دارد.

۲- همان‌گونه که استحضار دارند به موجب بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به اعتراضات اشخاص حقیقی و یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و ... در مواردی قابل طرح در هیأت عمومی است که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد. درحالی‌که همان‌گونه که ملاحظه می‌نمایند علی‌رغم اینکه شاکی تقاضای ابطال وضعیت بومی شغل محل مورد تقاضا از سومین آزمون استخدامی سال ۱۳۹۵ را نموده ولی در دادخواست تقدیمی استدلالی مبنی بر این‌که تعیین وضعیت بومی شغل محل مورد تقاضا خلاف کدام قانون و یا کدام مقوله شرعی می‌باشد ارائه ننموده است. لذا تقاضای نامبرده از مصادیق موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی نمی‌گردد به علاوه با توجه به قسمت اخیر نامه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نامبرده بر اساس اولویت بومی و نمره فضلی به استخدام پیمانی دانشگاه متبوع خود درآمده است. لذا در خصوص موضوع مورد شکایت شخصی شاکی تضییع حقی صورت نپذیرفته است، فارغ از اینکه خواسته شخصی ایشان اصولاً از مصادیق قابل طرح در هیأت عمومی نمی‌باشد و اصلح آن بود که خواسته شخصی خود را در یکی از شعب دیوان طرح می‌نمود. علی‌هذا با عنایت به موارد یاد شده خواسته شخصی شاکی قبال طرح در هیأت عمومی نبوده ضمن اینکه محقق گردیده است. همچنین تقاضای دیگر نامبرده منطبق با مقررات نبوده و رد شکایت ایشان در این خصوص در راستای منافع و مصالح حاکمیت و حقوق بیت‌المال مورد استدعاست."

متن مقرره‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

"دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۱- ...

۲- ...

۳- کلیه سهمیه استخدامی پس از کسر سهمیه‌های استخدامی ایثارگران (مندرج در بند یک) و معلولین عادی (مندرج در بند دو)، به داوطلبان بومی محل مورد تقاضا در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب نمره به ترتیب نمره فضلی، اختصاص خواهد یافت. در صورتی که ظرفیت مورد نیاز هر یک از رشته‌های شغلی مندرج در آگهی استخدامی از بین داوطلبان بومی محل مورد تقاضا، تکمیل نگردد،

پذیرش بقیه افراد تا تکمیل ظرفیت از بین داوطلبان با اولویت "بومی استان" و سپس داوطلبان "غیربومی" همان رشته شغلی به ترتیب نمره فضلی صورت می‌پذیرد.

تصره: در مواردی که محل مورد تقاضا "روستا" می‌باشد سهمیه استخدامی پس از کسر سهمیه‌های قانونی فوق‌الذکر در ابتدا به بومی روستای موردنظر و در صورت عدم تکمیل ظرفیت به ترتیب، به بومی شهرستان ذی‌ربط، استان و فرد غیر بومی اختصاص می‌یابد.

اطلاعیه سازمان سنجش آموزش کشور درباره اصلاحات مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۵

ج) اصلاحات مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام:  
۱- تذکر ۱ قسمت "مدارک مورد نیاز در هنگام ثبت‌نام" مندرج در صفحه ۴ دفترچه به صورت ذیل اصلاح می‌گردد:

ملاک عمل برای محاسبه تاریخ گواهی فراغت از تحصیل، معافیت دائم و پایان خدمت نظام وظیفه داوطلبان روز برگزاری آزمون (۱۳۹۵/۶/۱۹) و ملاک عمل برای مشمولین بند ۲ شرایط اختصاصی مندرج در صفحه ۲ دفترچه آخرین روز ثبت‌نام و محاسبه سن آن‌ها از تاریخ ۱۳۹۵/۴/۲۸ می‌باشد.

۲- شرایط بومی بودن مربوط به قسمت "امتیازات و سهمیه‌های قانونی" مندرج در صفحات ۹ و ۱۰ دفترچه راهنمای ثبت‌نام به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

شرایط بومی بودن: افرادی که حداقل دارای یکی از ویژگی‌های پانزده گانه ذیل باشند. حسب مورد داوطلب بومی محل مورد تقاضا، بومی استان یا شهرستان تلقی می‌گردند.  
یک- محل تولد داوطلب یا همسر وی با محل مورد تقاضای برای استخدامی یکی باشد.

دو - ...

...

اطلاعیه سازمان سنجش آموزش کشور در خصوص اعلام اسامی چند برابر ظرفیت سومین آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی کشور در سال ۱۳۹۵ به منظور انجام سایر مراحل جذب و استخدام (انجام مراحل مصاحبه و سایر مراحل گزینش)

...

...

تذکر بسیار مهم: ظرفیت هر کد شغل محل مورد تقاضا صرفاً به داوطلبان بومی "شغل محل مورد تقاضا" اختصاص می‌یابد و در صورت عدم تکمیل ظرفیت، معرفی چند برابر به ترتیب از داوطلبان "بومی شهرستان" و در صورت عدم تکمیل از بین بومی شهرستان این ظرفیت به داوطلبان "بومی استان" اختصاص خواهد یافت. به عبارت دیگر داوطلبان دارای حدنصاب با حال بومی "شغل محل مورد تقاضا" ممکن است با نمره کل کمتر نسبت به سایر داوطلبان با حال بومی شهرستان یا بعد از آن بومی استان که دارای نمره کل بالاتر هستند برای مراحل بعدی معرفی شوند؛ بنابراین دقت لازم در خصوص تعیین حالت بومی در سایت سازمان صورت پذیرد.

مثال: آزمون استخدامی برای بیمارستان شهر کارون از توابع شهرستان اهواز در استان خوزستان می‌باشد. داوطلب رشته محل مذکور در صورتی که مشمول یکی از بندهای پنجگانه گزینه "الف" برای شهر کارون باشد، "بومی محل مورد تقاضا" تلقی خواهد شد. لیکن چنانچه داوطلبی دارای یکی از ویژگی‌های پنجگانه گزینه "ب" باشد مثلاً محل تولد ایشان اهواز باشد، برای رشته محل مذکور "بومی شهرستان" محسوب می‌شود. در صورتی که فردی در اندیمشک (یکی از شهرستان‌های استان خوزستان) حداقل چهار (۴) سال سابقه

پرداخت حق بیمه داشته باشد، برای رشته محل فوق‌الذکر، "بومی استان" محسوب می‌شود. لذا در صورتی که این ظرفیت از بین داوطلبان دارای حدنصاب "بومی محل مورد تقاضا" تکمیل نشود به بومی شهرستان و پس از آن به بومی استان و در نهایت به غیر بومی اختصاص می‌یابد. به عبارتی ممکن است داوطلب دارای حدنصاب با حالت بومی شغل محل مورد تقاضا با نمره کل ۱۵/۱۵ برای سایر مراحل معرفی شود لیکن داوطلبی با حالت بومی شهرستان یا استان با نمره کل مثلاً ۵۲/۴۰ معرفی نشود.

لذا موکداً اعلام می‌دارد داوطلبان مذکور لازم است بعد از مطالعه دقیق تعاریف و نکات ذیل، چنانچه مغایرتی در اطلاعات مندرج در هر یک از بندهای حالت بومی، نوع بومی مشاهده نموده‌اند، جهت اصلاح مورد یا موارد مذکور حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ با ورود به سیستم، نسبت به اصلاح موارد اقدام نمایند. بدیهی است نتایج معرفی شدگان صرفاً بر اساس حالت بومی اعلام شده در این مرحله صورت خواهد گرفت. ضمناً داوطلبان فاقد حدنصاب با توجه به آن که حدنصاب فارغ از نوع بومی است کارنامه خود را مشاهده خواهند نمود و نیاز به مشاهده ویرایش نوع بومی ندارند.

شرایط بومی بودن خود را مطابق با شرح ذیل با دقت مطالعه و در صورت لزوم اصلاح نمایید:

الف) "بومی محل مورد تقاضا" به فردی اطلاع می‌شود که یکی از شرایط ذیل را داشته باشد:

الف-۱- محل تولد داوطلب یا همسر وی با محل مورد تقاضا برای استخدام یکی باشد.

الف-۲- همسر و فرزندان کارمندان رسمی و پیمانی دولت و یا نیروهای مسلح (اعم از شاغل و یا بازنشسته) که محل خدمت فعلی یا بازنشستگی آنان با محل مورد تقاضا برای استخدام آنان یکی باشد.

الف-۳- طی شدن حداقل چهار (۴) سال از سنوات تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و یا دبیرستان) داوطلب به‌صورت متوالی یا متناوب در محل مورد تقاضا برای استخدام.

الف-۴- داشتن حداقل چهار (۴) سال سابقه پرداخت حق بیمه برای داوطلب در محل مورد تقاضا برای استخدام.

الف-۵- پدر، مادر و یا همسر داوطلب حداقل چهار (۴) سال سابقه پرداخت حق بیمه در محل مورد تقاضا برای استخدام را داشته باشند."

در خصوص ادعای مغایرت موضوع مصوبه مورد اعتراض با شرع مقدس اسلام، قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به‌موجب لایحه شماره ۹۶/۱۰۲/۴۰۴۸-۹۶/۱۱۳-۱۳۹۶/۱۱/۳ اعلام کرده است که:

"جزء ۲ از بند (ج) [جزء یک از بند ۲ قسمت (ج)] مصوبه مورد شکایت خلاف موازین شرع تشخیص داده نشده از جهت خلاف قانون بودن تشخیص امر به عهده آن دیوان است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف: نظر به اینکه قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان قانون اساسی به‌موجب نامه شماره ۹۶/۱۰۲/۴۰۴۸-۹۶/۱۱۳/۳ اعلام کرده است که جزء ۲ از بند (ج) [جزء یک از بند ۲ قسمت (ج)] مصوبه مورد شکایت توسط فقهای شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص نشده است، بنابراین در اجرای حکم تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان رأی به عدم ابطال مصوبه مورد اعتراض از بُعد ادعای مغایرت با موازین شرعی صادر می‌شود.  
ب: با توجه به اینکه به‌موجب بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رفع تبعیضات ناروا و

ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله وظایفی است که دولت برای تحقق آن باید همه امکانات خود را به کار برد و اصل ۲۸ قانون اساسی نیز مقرر داشته: "دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید" و اعطای امتیاز و اولویت استخدامی برای اشخاص بومی در هیچ یک از قوانین کشور لحاظ نشده است و امتیازبومی بودن از یک طرف، امتیاز خاص برای بخشی از افراد جامعه و از طرفی ایجاد محدودیت و محرومیت برای بخش دیگری از افراد جامعه در این زمینه به وجود می‌آورد و از این حیث نیاز به تصریح قانون‌گذار دارد و آراء متعددی نیز از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اعمال امتیاز و اولویت برای افراد بومی در استخدامهای دولتی را خلاف قانون اعلام کرده است، بنابراین مقرر مقرر مورد شکایت اولاً: به جهت اینکه برای افراد بومی در جهات مختلف اولویت‌های استخدامی قائل شده و حتی باعث محرومیت داوطلبان مناطق محروم از دسترسی به فرصت‌های شغلی در مناطق برخوردار شده است و با پیش‌بینی "بومی محل مورد تقاضا" حتی برای داوطلبان واجد شرایط روستایی جهت استخدام در شهرهای مجاور روستا محدودیت ایجاد کرده است، مغایر با قانون تشخیص داده می‌شود. ثانیاً: اقدام کارگروه استخدام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که مغایر با دستورالعمل‌های برگزاری آزمون‌های استخدامی که نوع سومی از امتیاز بومی برای استخدام را تحت عنوان "بومی محل مورد تقاضا" در دفترچه آزمون استخدامی مقرر داشته است، خارج از حدود اختیار مرجع تصویب‌کننده تشخیص داده می‌شود در نتیجه مقررات مورد شکایت مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## درمان و توان بخشی - اقدامات تشخیصی

تاریخ: ۱ آبان ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۶۹۰

کلاس پرونده: ۱۴۰۵/۹۶

**موضوع:** ۱- ابطال بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه شدگان موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۳/۱۰۵۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ ، ۲- ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ دبیر کل سازمان تامین اجتماعی و جزء ۲۶ بند الف نامه شماره ۱۰/۹۶/۴۰۸۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تامین اجتماعی

**شاکی:** آقای محب روحانی

### گردش کار:

شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه شدگان موضوع: معرفی بیمه شدگان به کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی به شماره ۱۰۰۰/۹۳/۱۰۵۹۶-۱۳۹۳/۱۰/۲۸، بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹-۱۳۹۴/۱۰/۲۸ مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، جزء (۲) بند الف نامه شماره ۱۰/۹۶/۴۰۸۷-۱۳۹۶/۶/۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تامین اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با احترام استحضار دارند که سازمان تامین اجتماعی در راستای ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، دستور اداری شماره ۱۰۰۰/۹۴/۹۱۱۴۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۸ [۱۱۴۵۹]-۱۰۰۰/۹۴ با موضوع آرای دیوان عدالت اداری در حوزه کمیسیون های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی را تدوین و جهت رعایت و اجرا به ادارات کل تامین اجتماعی و مدیریت درمان تامین اجتماعی استان ها ابلاغ نمود. بند (۲) دستور اداری فوق اشاره مقرر می دارد: چنانچه علیرغم ارسال مدارک و مستندات مورد اشاره و دفاعیه صورت گرفته رأی کمیسیون پزشکی از حیث نقض حکم مبنی بر طرح و بررسی مجدد در کمیسیون پزشکی صادر گردد ضرورتی به اعتراض واحدهای اجرایی به رأی صادره دیوان عدالت اداری نداشته و پرونده در هر صورت حسب بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه شدگان به کمیسیون پزشکی هم عرض اجراء می گردد با مذاقه به مواد و بندها و تبصره های قانون جدید تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ با موضوع ارجاع پرونده به هیأت هم عرض منحصرأ در ماده ۷۵ قانون جدید دیوان در شعب تجدیدنظر و با پذیرش قضات دیوان بر اشتباه خود در رأی صادره از نظر شکلی و یا ماهوی و یا در ماده ۷۹ و در صورت پذیرش رئیس قوه قضاییه و یا ریاست دیوان در تشخیص رأی صادره از شعب دیوان در مغایرت و مخالفت بین شرع یا قانون باشد پرونده به شعب هم عرض ارجاع می گردد. متعاقباً این دستور اداری اداره کل درمان مستقیم سازمان تامین اجتماعی طی دستور اداری شماره

۱۳۹۶/۶/۷-۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ و به بهانه پاسخ به استعلام مدیر درمان تأمین اجتماعی استان گیلان و ارسال رونوشت آن به کلیه مدیریتهای درمان سراسر کشور و به منظور رعایت مفاد آن با طرح مجدد پرونده‌ها در کمیسیون‌های پزشکی و راهنمایی‌های صورت گرفته در آن مقرر گردید که در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری، چنانچه قاضی صادرکننده رأی تأکید بر طرح مجدد پرونده در همان شعبه صادر کنند رأی قطعی و نهایی باشد در آن صورت پرونده به شعبه صادرکننده رأی نهایی ارجاع ... در غیر این صورت پرونده به هیأت هم عرض‌سال و تصمیم‌گیری خواهد شد. استحضار دارند:

اولاً: که این اقدام سازمان تأمین اجتماعی در تقابل با مفاد ماده ۶۳ قانون جدید دیوان عدالت اداری بوده که مقرر می‌دارد: در صورت وارد دانستن ایراد شکلی و یا ماهوی مؤثر در رأی شعبه دیوان مکلف است با ذکر همه موارد پرونده را به منظور رسیدگی و صدور رأی مقتضی مطابق ماده ۱۱ قانون دیوان و تبصره ذیل آن به مرجع مربوطه اعاده نماید.

ثانیاً: واحدهای اجرایی سازمان تأمین اجتماعی در استان‌ها و در راستای این دستورالعمل اداری و با فاصله زمانی زیاد و بعد مسافت و به منظور اطلاع دادرسی و تحمیل هزینه‌های اضافی به متقاضیان، پرونده بیماران متقاضی شرکت در کمیسیون‌های پزشکی به سایر استان‌ها و پرونده کلیه متقاضیان واحد درآمدی سازمان تأمین اجتماعی را به واحد هیئت‌های سازمان مستقر در تهران ارسال می‌دارند. لذا با عنایت به موارد مطروحه و مدارک و مستندات پیوست استدعای رسیدگی و صدور دادنامه مقتضی با ابطال بند (۲) دستور اداری ۱۳۹۶/۶/۷-۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ و بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان به شماره ۱۳۹۶/۱۱/۲۸-۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ و بند (۲) دستور اداری شماره ۱۳۹۶/۶/۷-۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی را به دلیل مغایرت با قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و خارج از حدود وظایف سازمان تأمین اجتماعی در وضع مقررات دولتی را خواستاریم." شاکي به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۳۹۶/۱۱/۱۶-۲۲۸۲ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

احتراماً پیرو دادخواست این جانب محب روحانی مبنی بر ابطال بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان و بند (۲) دستور اداری ۱۳۹۶/۱۱/۲۸-۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ در حوزه کمیسیون پزشکی و بند (۲) دستور اداری شماره ۱۳۹۶/۶/۷-۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی تسلیم دیوان عدالت اداری نموده که تحت شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۱۵۰ ثبت و جهت طرح به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ارجاع گردیده بود، لذا موضوع شکایت و خواسته این جانب به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ابطال بند ۵۳ بخشنامه ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان.

ابطال بند (۲) دستور اداری شماره ۱۳۹۶/۱۰/۲۸-۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ در حوزه کمیسیون پزشکی.

ابطال بند (۲) دستور اداری شماره ۱۳۹۶/۶/۷-۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی.

هر سه مورد به دلیل مغایرت با قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و خارج از حدود وظایف سازمان تأمین اجتماعی در وضع مقررات دولتی می‌باشد، لذا ابطال آن‌ها را خواستارم." متن مقررهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان به شماره ۱۳۹۳/۱۰/۲۸-۱۰۰۰-۱۰۵۹۶/۹۳/۱۰۰۰:

۵۳- معرفی بیمه‌شدگان به کمیسیون پزشکی هم عرض به واسطه آرای دیوان عدالت اداری با توجه به

نوع رأی کمیسیون پزشکی نقض شده حسب مورد بدوی و یا تجدیدنظر به صورت موردی به کمیسیون بدوی و یا تجدیدنظر انجام خواهد پذیرفت."

(ب) بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۱۰/۲۸-۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی:  
"۲- چنانچه علیرغم ارسال مستندات مورد اشاره و دفاعیه صورت گرفته رأی کمیسیون پزشکی از حیث تاریخ نقض و حکم مبنی بر طرح و بررسی مجدد در کمیسیون پزشکی صادر گردد، ضرورتی به اعتراض واحد اجرایی به رأی صادره دیوان عدالت اداری وجود نداشته و پرونده در هر صورت حسب بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان به کمیسیون پزشکی هم عرض ارجاع گردد."  
(ج) جزء (۲) بند الف نامه شماره ۱۳۹۶/۶/۷-۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی:

"۲- با توجه به بند ۲ دستور اداری شماره ۱۳۹۴/۱۰/۲۸-۱۱۴۵۹ مدیرعامل سازمان در کلیه مواردی از آراء فوق که تصریح به بررسی مجدد و یا طرح در کمیسیون مربوطه شده و در دادنامه دیوان عدالت اداری تأکیدی به طرح مجدد پرونده در کمیسیون پزشکی صادرکننده رأی نگردیده، لازم است پرونده به کمیسیون پزشکی هم عرض ارجاع گردد."

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۲/۳-۳۲۲/۹۷/۷۱۰۰ توضیح داده است که:

"احتراماً؛ عطف به اظهاریه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۶ صادره در پرونده کلاسه ۹۶۰۱۴۰۵ و پیرو اعتراض اولیه شماره ۱۳۹۶/۸۳۱۹-۷۱۰۰/۹۶/۸۳۱۹-۷۱۰۰/۹۶/۸۳۱۹ در خصوص شکایت آقای محب روحانی به خواسته، ۱- ابطال بند ۵۳ بخشنامه ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان، ۲- ابطال بند (۲) دستور اداری شماره ۱۳۹۴/۱۰/۲۸-۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ در حوزه کمیسیون پزشکی، ۳- ابطال بند (۲) دستور اداری شماره ۱۳۹۶/۶/۷-۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی، مستدعی است مقرر فرمائید با عنایت به دفاعیات ذیل نسبت به رد شکایت مذکور در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام لازم مبذول نمایند.

(الف) شرح شکایت و خواسته شاکی

شاکی در دادخواست تقدیمی اظهار داشته که در بند (۲) دستور اداری ۱۳۹۴/۱۰/۲۸-۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ مقرر گردیده، چنانچه علیرغم ارسال مدارک و مستندات مورد اشاره و دفاعیه صورت گرفته رأی کمیسیون پزشکی از حیث نقض حکم مبنی بر طرح و بررسی مجدد در کمیسیون پزشکی صادر گردد ضرورتی به اعتراض واحدهای اجرایی به رأی صادره دیوان عدالت اداری نداشته و پرونده در هر صورت حسب بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان به کمیسیون پزشکی هم عرض ارجاع می‌گردد، با بررسی قانون جدید تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ با موضوع ارجاع پرونده به هیأت هم عرض منحصراً در ماده ۷۵ قانون جدید دیوان عدالت اداری در شعب تجدیدنظر و یا پذیرش قضات دیوان بر اشتباه خود در رأی صادره از نظر شکلی و یا ماهوی و یا در ماده ۷۹ و در صورت پذیرش رئیس قوه قضائیه و یا ریاست دیوان در تشخیص رأی صادره از شعب دیوان در مغایرت و مخالفت بین شرع یا قانون باشد پرونده به شعب هم عرض ارجاع می‌گردد؛ که این موضوع در دستور اداری شماره ۱۳۹۶/۶/۷-۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ نیز پیش‌بینی شده است که این اقدام سازمان در تقابل با مفاد ماده ۶۳ قانون جدید دیوان عدالت اداری بوده که مقرر می‌دارد، در صورت وارد دانستن ایراد شکلی و یا ماهوی مؤثر در رأی شعبه دیوان مکلف است با ذکر همه موارد پرونده را به منظور رسیدگی و صدور رأی مقتضی مطابق ماده ۱۱ قانون دیوان و تبصره ذیل آن به مرجع مربوطه اعاده نماید.

بنابراین از این حیث تقاضای ابطال بند (۲) دستوراداری شماره ۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ - ۱۳۹۶/۶/۷ و بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان به شماره ۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ - ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ و بند (۲) دستور اداری شماره ۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ - ۱۳۹۶/۶/۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی را دارد.

#### ب) دفاعیات ماهوی

شاکی در دادخواست تقدیمی عنوان داشته که در بند ۳ دستور اداری شماره ۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ - ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ با موضوع: آراء دیوان عدالت اداری در حوزه کمیسیون های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی، مقرر گردیده چنانچه علیرغم ارسال مستندات مورد اشاره و دفاعیه صورت گرفته رأی کمیسیون پزشکی از حیث تاریخ نقض و حکم مبنی بر طرح و بررسی مجدد در کمیسیون پزشکی صادر گردد، ضرورتی به اعتراض واحد اجرائی به رأی صادره دیوان عدالت اداری وجود نداشته، پرونده در هر صورت حسب بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان به کمیسیون پزشکی هم عرض ارجاع گردد. در ادامه با بررسی قانون جدید تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری با موضوع ارجاع پرونده به هیأت هم عرض منحصراً در ماده ۷۵ قانون جدید دیوان در شعب تجدیدنظر و با پذیرش قضات دیوان بر اشتباه خود در رأی صادره از نظر شکلی و یا ماهوی و یا در ماده ۷۹ و در صورت پذیرش رئیس قوه قضائیه و یا ریاست محترم دیوان در تشخیص رأی صادره از شعب دیوان در مغایرت و مخالفت بین شرع یا قانون باشد پرونده به شعب هم عرض ارجاع می‌گردد.

متعاقب دستور اداری یادشده، اداره کل درمان مستقیم طی دستور اداری ۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ - ۱۳۹۶/۶/۷ و در پاسخ به استعلام مدیر درمان تأمین اجتماعی استان گیلان اعلام داشته ضمن رعایت مفاد نامه مذکور مقرر نموده که در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری، چنانچه قاضی صادرکننده رأی تأکید بر طرح مجدد پرونده در همان شعبه صادرکننده رأی قطعی و نهایی باشد در آن صورت پرونده به شعبه صادرکننده رأی نهایی ارجاع، در غیر این صورت پرونده به هیأت هم عرض ارسال و تصمیم‌گیری خواهد شد. لذا این اقدام در تقابل با مفاد ماده ۶۳ قانون جدید دیوان عدالت اداری بوده که مقرر می‌دارد: در صورت وارد دانستن ایراد شکلی و یا ماهوی مؤثر در رأی، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد پرونده را به منظور رسیدگی و صدور رأی مقتضی مطابق ماده ۱۱ قانون دیوان و تبصره ذیل آن به مرجع مربوطه اعاده نماید. در این ارتباط لازم به ذکر است که استنباط شاکی از مواد مطروحه بنابه دلایل ذیل صحیح نمی‌باشد.

در بند ۵۳ بخشنامه ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان مقرر گردیده، "معرفی بیمه‌شدگان به کمیسیون پزشکی هم عرض به واسطه آرای دیوان عدالت اداری با توجه به نوع رأی کمیسیون پزشکی نقض شده، حسب مورد بدوی و یا تجدیدنظر به صورت موردی به کمیسیون بدوی و یا تجدیدنظر انجام خواهد پذیرفت" در این ارتباط لازم به ذکر است حدود صلاحیت دیوان عدالت اداری از حیث اعتراض به رأی صادره از مراجع شبه قضائی، در بند دوم از ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی دیوان پیش‌بینی شده که شکایت از آراء موصوف منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها اعلام شده است. لیکن طبق ماده ۶۳ قانون مذکور هر گاه شعبه رسیدگی کننده رأی کمیسیون معترض‌عنه را واجد ایراد شکلی یا ماهوی مؤثر تشخیص دهد نسبت به نقض رأی معترض‌عنه اقدام می‌کند؛ بنابراین ملاحظه می‌فرمائید که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به آراء موصوف داشته و در صورت نقض رأی معترض‌عنه، موضوع را جهت رسیدگی به هیأت رسیدگی کننده یا هم عرض ارجاع می‌نماید و سازمان نیز مکلف به اجرای آراء شعب دیوان عدالت اداری می‌باشد. در این راستا و با توجه به این‌که تصمیمات قضات دیوان عدالت اداری در خصوص شکایت مطروحه، با خواسته مشابه، متفاوت می‌باشد و در برخی از موارد مفاد رأی صادره، بررسی پرونده را به کمیسیون

صادرکننده رأی ارجاع می‌نماید و در برخی دیگر موضوع به کمیسیون پزشکی مربوطه و یا کمیسیون پزشکی ارجاع گردد. لذا در مفاد رأی صادره تصریحی مبنی بر رسیدگی در شعبه صادرکننده رأی نمی‌گردد، بنابراین بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان به‌منظور رعایت اصل بی‌طرفی و در جهت حسن اجرای آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری تنظیم و صادرگردیده است تا موضوع مورد اعتراض بیمه شده مجدداً در مرجع قانونی هم عرض و هم‌تراز دیگری مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا حقی از بیمه شده ضایع نگردد؛ و همچنین براساس دادنامه شماره ۶۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اعلان نظر قضایی در امور پزشکی وجه قانونی نداشته و کمیسیون پزشکی می‌تواند رأی موردنظر خود را از لحاظ پزشکی اعلام نماید؛ بنابراین با عنایت به مراتب فوق ملاحظه می‌فرمائید که بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان ناشی از تصمیمات متفاوت قضات دیوان عدالت اداری در خصوص موضوع مشابه مطروحه و در راستای اجرای احکام صادره در خصوص ماده ۶۳ قانون دیوان عدالت اداری است و در تقابل با مفاد ماده ۶۳ قانون مذکور نبوده و از این حیث خواسته شاکی قابل رد می‌باشد.

شاکی در بخشی از دادخواست تقدیمی عنوان داشته که ارجاع پرونده به هیأت هم عرض منحصراً در ماده ۷۵ قانون جدید دیوان در تجدیدنظر و با پذیرش قضات دیوان بر اشتباه خود در رأی صادره از نظر شکلی یا ماهوی است، در این ارتباط نیز لازم به ذکر است که ماده ۷۵ قانون جدید دیوان عدالت اداری در خصوص اشتباه قاضی در مرحله تجدیدنظر پیش‌بینی شده است. رعایت ماده مذکور در صورتی است که حداقل یک قاضی از دو قاضی و یا دو قاضی از سه قاضی صادرکننده رأی در شعبه تجدیدنظر وی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود ببرند مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می‌دارند، رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می‌دهد؛ بنابراین رعایت ماده مذکور منحصراً در خصوص اشتباه قاضی در مرحله تجدیدنظر می‌باشد. درحالی‌که بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان با عنایت به موارد پیشگفت، در جهت اجرای آراء شعب دیوان عدالت اداری بوده، در نتیجه موضوع آن‌ها متفاوت از یکدیگر می‌باشد و از این حیث نیز شکایت مطروحه قابل رد می‌باشد.

شاکی در قسمتی از شکایت مطروحه عنوان نموده که ارجاع پرونده به هیأت هم عرض منحصراً در ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت اداری پیش‌بینی شده و در صورت پذیرش رئیس قوه قضائیه و ریاست دیوان در تشخیص رأی صادره از شعب دیوان در مغایرت و مخالفت بین شرع یا قانون باشد پرونده به شعب هم عرض ارجاع می‌گردد. در این ارتباط لازم به ذکر است که براساس ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت اداری یکی از صلاحیت‌های شعب تجدیدنظر رسیدگی به اعتراض از آرای قطعی است که از جانب رئیس دیوان یا رئیس قوه قضائیه خلاف بین شرع یا قانون تشخیص گردیده‌اند که در اکثر مواقع اعلام آن از ناحیه اشخاص به‌عنوان رئیس دیوان یا رئیس قوه قضائیه صورت می‌پذیرد که در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان رأی قطعی شعب دیوان را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می‌نماید رأی صادره قطعی است. از طرفی بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان در جهت اجرای آراء شعب دیوان عدالت اداری بوده درحالی‌که به‌موجب ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت اداری که آراء قطعی صادره که خلاف بین شرع یا قانون تشخیص گردیده‌اند جهت رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می‌گردد؛ بنابراین استناد شاکی به ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت اداری در خصوص موضوع مطروحه موضوعیت نداشته و از این حیث خواسته شاکی قابل رد می‌باشد.

شاکی در بخش دیگری از دادخواست مطروحه تقاضای ابطال بند (۲) دستور اداری ۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷-۱۳۹۶/۶/۷ را دارد، در این ارتباط نیز لازم به ذکر است که در بند ۲ دستور اداری

معتراض‌عنه مقرر گردیده "چنانچه علیرغم ارسال مستندات مورد اشاره و دفاعیه صورت گرفته رأی کمیسیون پزشکی صادر گردد، ضرورتی به اعتراض واحد اجرائی به رأی صادره دیوان عدالت اداری وجود نداشته و پرونده در هر صورت حسب بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان به کمیسیون پزشکی هم عرض ارجاع گردد. با عنایت به این‌که وفق ماده ۶۵ قانون دیوان عدالت اداری، "کلیه آراء شعب بدوی دیوان به درخواست یکی از طرفین یا وکیل یا قائم‌مقام و یا نماینده قانونی آن‌ها، قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر است، مهلت تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از ایران دو ماه از تاریخ ابلاغ است." در این ارتباط وفق مفاد بند یادشده، به‌منظور جلوگیری از اعتراض‌های بی مورد به آراء صادره دیوان عدالت اداری، افزایش حجم پرونده‌های شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، اطاله دادرسی و در جهت رضایت مندی بیمه‌شدگان صادر شده و واحدهای اجرائی سازمان را بنا به دلایل مورد اشاره از حق اعتراض قانونی منع نموده است.

شاکلی در بخش بعدی شکایت تقاضای ابطال بند ۲ دستوراداری شماره ۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ - ۱۳۹۶/۶/۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی را دارد. در این ارتباط نیز لازم به توضیح است که نامه شماره ۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ - ۱۳۹۶/۶/۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان در پاسخ به استعلام مدیریت درمان استان گیلان صادر شده و صرفاً در جهت نحوه و حسن اجرای دستور اداری ۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ - ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ در آن تصریح شده است؛ بنابراین نامه یادشده اجرای مفاد دادنامه صادره از دیوان عدالت اداری را تبیین نموده و ضابطه جدیدی در خصوص موضوع شکایت وضع نگردیده است. ضمناً به‌موجب بند یک ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری حدود و صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را، رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آئین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها را از حیث مخالفت مدلول آن‌ها با شرع یا قانون تعیین کرده است. درحالی‌که شاکلی تقاضای ابطال بند ۲ نامه شماره ۴۰۱۰/۹۶/۴۰۸۷ - ۱۳۹۶/۶/۷ اداره کل درمان مستقیم که در پاسخ به استعلام مدیریت درمان استان گیلان صادر شده را دارد؛ بنابراین نامه معتراض‌عنه یک نامه اداری بوده و ناظر به مورد خاص می‌باشد و از مصادیق احصاء شده در بند ۱ ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری، خارج و مشمول آئین‌نامه و دستورالعمل که بر مبنای روند تشریفات خاص تصویب می‌گردد نیست، لذا از این حیث خواسته شاکلی قابل رد می‌باشد. به نظر می‌رسد موارد مورد اشتناد شاکلی از جمله مواد ۷۵ و ۷۹ دیوان عدالت اداری، ناظر به اعلام شکایت مجدد سازمان از دادنامه‌های صادره از شعب دیوان عدالت اداری می‌باشد که در این ارتباط همان‌طور که قبلاً تشریح گردیده، ماده ۷۵ قانون دیوان عدالت اداری در خصوص اشتباه قاضی در مرحله تجدیدنظر پیش‌بینی شده و ماده ۷۹ قانون دیوان نیز در خصوص آرای قطعی شعب دیوان است که برخلاف بین شرع یا قانون اصدار یافته است؛ بنابراین سازمان فقط در خصوص آرای قطعی شعب دیوان که برخلاف بین شرع یا قانون می‌باشد می‌تواند تقاضای اعمال ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت اداری را از ریاست دیوان درخواست نماید و این امر نیز مانع اجرای دادنامه قطعی نمی‌باشد. با عنایت به مراتب فوق و این‌که ادعای شاکلی و موارد مورد اشتناد وی بلاذلیل می‌باشد، اقدامات سازمان منطبق با قوانین و مقررات جاری صورت پذیرفته است تقاضای رسیدگی و رد شکایت مطروحه مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

الف- نظر به اینکه در بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان موضوع بخشنامه شماره ۱۰۵۹۶/۱۰۹۳/۱۰۰۰-۱۳۹۳/۱۰/۲۸-۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ منطبق با آرایه‌ای که شعب دیوان عدالت اداری صادر می‌کنند ارجاع پرونده حسب مورد به مرجع مصرح در رأی، مورد تصمیم قرار گرفته است، بنابراین مغایر قانون و قابل ابطال تشخیص نشد.

ب- حکم ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مبنی بر اینکه هرگاه شعبه رسیدگی کننده دیوان آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند ۲ ماده ۱۰ قانون را واجد ایراد شکلی یا ماهوی مؤثر تشخیص دهد، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آن‌ها پرونده را به مرجع مربوطه اعاده کنند، مفید این معنی است که پرونده باید به همان مرجع رسیدگی کننده برای رفع نقص یا تبعیت ماهیتی اعاده شود و نه هیأت هم عرض. از طرفی در فرض برداشتهای متفاوت از حکم این ماده و صدور آراء معارض از سوی شعب دیوان، مرجع رفع تعارض و تعیین تکلیف و صدور رأی وحدت رویه، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است؛ بنابراین بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹-۱۳۹۴/۱۰/۲۸-۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی و جزء ۲ بند (الف) نامه شماره ۴۰۸۷/۹۶/۴۰۱۰-۴۰۱۰/۹۶/۶/۷-۱۳۹۶/۶/۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر اینکه پس از نقض تصمیم کمیسیون‌های پزشکی در دیوان و عدم تصریح شعبه دیوان در رسیدگی به پرونده در همان کمیسیون و یا کمیسیون هم عرض، پرونده به هیأت هم عرض ارجاع شود، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان تأمین اجتماعی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۵ آبان ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۷۴۷

کلاس پرونده: ۱۲۴۵/۹۶

**موضوع:** ابطال بند (الف) شیوهنامه اجرایی پرداخت حق محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

**شاکي:** خانم سیده فاطمه مظفری آهنگر کلایبی

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال شیوهنامه اجرایی پرداخت حق محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران و برقراری این فوق‌العاده بر اساس بخشنامه وزارت بهداشت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "با عرض سلام و احترام به استحضار می‌رساند این‌جانب با مشخصات صدرالذکر دندانیپزشک و کارمند رسمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران با پست سازمانی کارشناس نظارت بر درمان و فرزند شهید می‌باشم آنچه مورد استدعاست با امعان نظر به دستورالعمل ابلاغی از سوی وزارت بهداشت و درمان در تعاقب قانون مصوبه پیوستی دائر بر برقراری فوق‌العاده حق محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی مستفاد از اجرای بند ۱۴ ماده ۵۴ آیین‌نامه استخدامی تأکید بر تسری ضوابط مربوطه از قانون و ماده‌واحدده مصرحه در آن مبنی بر فرآیند چگونگی اجرای دستورالعمل اما آنچه مورد تأمل است و سیاق حاضر بر اساس شیوهنامه اجرایی مدون شده توسط دانشگاه علوم پزشکی مازندران خلاف و تناقض با دستورالعمل را دارد زیرا دایره شمول را اعضا و سلیقه‌ای اعمال نموده است و اجرای این شیوهنامه که از تاریخ ۱/۱/۱۳۹۶ ابلاغ گردیده به‌نوعی تضییع حق را دامن زده است بدین سبب بنده تقاضایی را در این راستا مبنی بر برخورداری و شمولیت از مزایای دستورالعمل مارالذکر به ریاست دانشگاه ارائه نموده‌ام آنچه در مانحن فیه بدان مستند نموده‌اند همان عدم شمولیت را اشاره و پاسخ داده‌اند لذا به‌منظور تشحیذ ذهن آن مقام قضایی اسناد مربوطه را پیوست و استدعای مذاقه و مساعدت در این موضوع را نموده و تقاضای ابطال شیوهنامه اجرایی ابلاغی از سوی دانشگاه علوم پزشکی مازندران مضافاً برقراری فوق‌العاده معنونه را بر اساس قانون مدونه برای خویش داشته و می‌نمایم. مضافاً شایان ذکر است تقاضای مطالبات معنونه ضمن خسارات وارده متعلقه را نیز از تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱ خواهانم. شایان ذکر است همان‌طوری که آن مرجع قضایی کاملاً واقف به موضوع می‌باشند توجهها و تطابقاً و مستنداً به قانون موضوعه دیوان، یکی از موارد ابطال مصوبات، عدم رعایت سلسله مراتب اداری و خارج از حدود اختیار بودن مقام تأیید کننده می‌باشد که این شیوهنامه ابلاغی مربوطه توسط ریاست دانشگاه مصداق بارز آشکار تعارض با دستورالعمل مذکور می‌باشد که بر خلاف نظر وزارتخانه اعمال گردیده است و در این مقوله نهاد پایین دست نمی‌تواند خلاف دستورالعمل مقام مافوق را وضع نماید لذا مجدداً تصریح بر

ابطال شیوهنامه اجرایی و رد تعاقب آن خواهان کلیه مطالبات و معوقات و برقراری فوق‌العاده مربوطه را دارم." در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به‌موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۳۹۶/۱۱/۱۰-۱۰۰۹۶۰۱۲۴۵ ثبت دفتر اداره کل هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: "ریاست محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با سلام، احتراماً معطوفاً به ابلاغ اخطاریه رفع نقض پرونده کلاسه شماره ۱۳۹۶/۱۰/۵-۹۶۰۱۲۴۵ به شماره بایگانی ۸۸۶۴۰ و موارد ایرادی، مراتب به پیوست به شرح ذیل تقدیم حضور می‌گردد.

۱- در خصوص تعیین مصداق دقیق موضوع مورد شکایت در شیوهنامه اجرایی بند الف دایره شمول توجهاً به محدودیت ایجاد شده که این ماده موصوفه را تخصیص و مقید به افراد و پستهای خاص نموده است و این قیود و محصور نمودن با کلیات عام مطروحه در ماده قانونی بند ۷۴ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضا غیر هیأت علمی در مقام مغایرت و تناقض برمی‌آید موجبات اتلاف و تضییع حق بنده می‌باشد.

۲- در اجرای بند ۱۴ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی به صراحت مضمولین برخوردار از این امتیاز را تعیین و مشخص نموده است و با نگاه کلیات و مساعدت و موسع آن را وضع نموده که در تعاقب آن تدوین و ابلاغ شیوهنامه اجرایی مغایرت با اهداف مقنن است.

۳- بنده با تصریح مورد مطالبه خویش توجهاً فرزند شهید بوده مضافاً با سابقه ۱۲ سال خدمت در پست کارشناس نظارت بدون حق ایجاد مطب این مستثنی نمودن شیوهنامه حق مکتسبه ام را ضایع و خواهان ابطال شیوهنامه اجرایی در بند مربوطه و برخوردار از حق محرومیت از مطب می‌باشم."

متن شیوهنامه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

"شیوهنامه اجرایی پرداخت محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی

این شیوهنامه در اجرای دستورالعمل برقراری فوق‌العاده حق محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی مصوب هیأت اماناء مورخ ۱۳۹۶/۲/۲ و بند ۱۴ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی، جهت ساماندهی در پرداخت فوق‌العاده مذکور تدوین گردیده و از تاریخ تصویب در دانشگاه (۱۳۹۶/۱/۱) قابل اجرا می‌باشد. الف- دایره شمول:

۱- کلیه پزشکان (اعم از پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی)، دامپزشکان و همچنین دارندگان مدرک دکترا در رشته‌های گروه پیراپزشکی، بهداشتی، توان‌بخشی، پرستاری و مامایی اعم از رسمی، پیمانی، قراردادی که به‌عنوان معاون، مدیر، معاون مدیر، رئیس گروه، رئیس اداره و کارشناس مسئول واحد مستقل ستاد شهرستان، استان و یا بیمارستان که با حکم کارگزینی و یا ابلاغ انشایی مصوب کمیته اجرایی دانشگاه، در یکی از سمتهای فوق فعالیت می‌نمایند.

تبصره: پزشکان طرحی و تعهدی در صورت داشتن شرایط فوق، مشمول می‌گردند.

۲- این دستورالعمل شامل نیروهای قراردادی ماده ۸۸ و شرکتی نمی‌گردد.

۳- کلیه پزشکان خانواده روستایی و شهری که در استخدام (قراردادی، پیمانی و رسمی) دولت هستند به جهت قرارداد گلوبال و دریافت سرانه بر اساس جمعیت و گروه‌های هدف، مشمول دریافت محرومیت از مطب نمی‌شوند.

۴- کلیه پزشکان خانواده روستایی و شهری که از برنامه خارج شوند، مشمول دریافت محرومیت از مطب نمی‌شوند.

۵- کلیه شاغلین پزشک، دندانپزشک و داروساز در رده های کارشناسی ستاد شبکه ها و معاونتها مشمول دریافت محرومیت از مطب نمی‌شوند."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی مازندران به‌موجب

لایحه شماره ۱۳۹۶/۱۰/۴-ح-۱۸/۲۶-۱۳۹۶ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ سلام‌علیکم. احتراماً در خصوص پرونده کلاسه به شماره بایگانی ۹۶۰۱۲۴۵ موضوع دعوی خانم دکتر سیده فاطمه مظفری آهنگر کلایی به خواسته ابطال شیوه‌نامه اجرایی پرداخت حق محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی دفاعیات این دانشگاه به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

۱- در اجرای بند ۱۴ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری و استخدامی کارکنان هیأت علمی دستورالعمل برقراری حق محرومیت از مطب در هیأت امناء مطرح و مورد تصویب و تأیید قرار گرفت. مطابق ماده‌واحده موسسه مجاز است با تشخیص بالاترین مقام اجرایی به شاغل حرف سلامت که دارای مدرک دکتری در رشته‌های گروه پزشکی (پزشکی - دندانپزشکی و داروسازی) و دامپزشکی که مستقلاً توان اشتغال در خارج از محیط کار را دارند، در قبال انجام وظایف و مأموریت‌های محوله به میزان ۶۰ ساعت در ماه غیر از ساعت اداری معادل ۱۰۰ درصد حقوق ثابت به‌عنوان حق محرومیت از مطب بپردازد لذا قانون، حق محرومیت از مطب را تجویز نموده است نه تکلیف.

۲- حسب قانون پرداخت فوق‌العاده حق محرومیت از مطب، موسسه مجاز است به دارندگان مدارک دکتری در رشته‌های گروه پزشکی ... که به‌صورت تمام وقت انجام وظیفه می‌نمایند و به دلیل نیاز موسسه فعالیت آنان را در مراکزهای دولتی و غیردولتی و مطب‌های خصوصی ممنوع کرده باشد موظف است نسبت به برقراری حق محرومیت از مطب آنان اقدام نماید لذا این دانشگاه هیچ‌گونه نیازی به خدمات نامبرده در غیر ساعات موظفی نداشته و ندارد، بنابراین ایشان می‌تواند در بعد از ساعت اداری و غیر موظفی نسبت به کار غیر انتفاعی در مراکزهای دولتی و غیردولتی و مطب‌های خصوصی اقدام نماید و لذا هیچ‌گونه حقی برای نامبرده متصور نمی‌باشد.

۳- بر اساس شیوه‌نامه اجرایی پرداخت حق محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی که در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲ تدوین گردید دایره شمول و برخورداری از مزایای فوق را کلیه شاغلین پزشک، دندانپزشک و داروساز ... که تحت عنوان معاون، مدیر، معاون مدیر، رئیس گروه، رئیس اداره و کارشناس مسئول واحد مستقل ستاد شهرستان یا استان اشتغال دارند در نظر گرفته است در صورتی که نامبرده به‌عنوان کارشناس دندانپزشکی در حوزه ستادی مشغول به خدمت می‌باشد مضافاً اینکه با عنایت به صراحت بند ۵ شیوه‌نامه اجرایی پرداخت حق محرومیت کلیه شاغلین پزشک، دندانپزشک و داروساز ... که در رده‌های کارشناسی ستاد شبکه‌ها و معاونتها مشغول به خدمت می‌باشند مشمول دریافت محرومیت از مطب نمی‌گردند. لذا با عنایت به مطالب معنونه تقاضای رد شکایت نامبرده مورداستدعا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران بر اساس اختیار ناشی از بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران که در ماده یک قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵ تکرار و تنفیذ شده، به شرح ماده‌واحده موضوع دستورالعمل برقراری فوق‌العاده محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی تصریحاً افراد مشمول بهره‌مندی از فوق‌العاده مذکور را مشخص کرده است و تشخیص شرایط و افراد مشمول ماده‌واحده را بر عهده رئیس موسسه نهاده

---

---

است، بنابراین در قسمت دایره شمول شیوه‌نامه مورد شکایت ابلاغی از سوی رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران که افراد مشمول را محدود کرده است به جهت مغایرت با مصوبه هیأت امناء، خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب تشخیص شد و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۵ آبان ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۷۴۸

کلاس پرونده: ۱۰۴۵/۹۶

**موضوع:** ابطال قسمتی از بند ۲-۳ از بخش سوم دفترچه راهنمای آزمون و قسمت آخر بند ۲-۲ دفترچه راهنمای انتخاب رشته چهل و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیاری تخصصی (سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷) مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

### شاکي: آقای سامان شریفی عقيلي

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال (۱) تصمیم و مقرر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر لزوم کسب ۸۵٪ حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی جهت تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی در آزمون دستیاری (۲) الزام وزارت بهداشت به اصلاح نتیجه قبولی در دوره ۴۴ آزمون دستیاری بدون لحاظ و اعمال تصمیم و مقرر مورد اعتراض (کسب ۸۵٪ حدنصاب قبولی) در فرایند پذیرش وفق قانون اصلاح بند ۲ قانون برقراری عدالت آموزشی و معرفی به دانشگاه محل پذیرش (قسمتی از بند ۳/۲ از بخش سوم دفترچه راهنمای آزمون و قسمت آخر بند ۲-۲ دفترچه راهنمای انتخاب رشته محل چهل و چهارمین دوره پذیرش دستیاری تخصصی) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام و احترام، این جانب پزشک عمومی، بومی استان گلستان و متقاضی سهمیه مناطق محروم در چهل و چهارمین دوره آزمون دستیاری که در رشته تخصصی طب اورژانس دانشگاه علوم پزشکی شاهرود واقع در استان سمنان پذیرفته شده‌ام ضمن اعتراض به نحوه پذیرش و در جهت تبیین خواسته های مطروحه به استحضار می‌رسانم:

۱- به دلالت ماده‌واحد قانون اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۰ مجلس شورای اسلامی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی موظف است ۳۰ درصد ورودی رشته‌های دستیاری تخصصی پزشکی را از طریق جذب دانشجوی بومی با اولویت مناطق محروم پذیرش نماید. ۲- با عنایت به قوانین موضوعه ملاحظه می‌گردد چه در بند ۳ سابق مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۹ چه در متن بند ۳ اصلاحی هیچ‌گونه نصاب نمره ای برای تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی پیش‌بینی نگردیده است و مقنن در این باب سکوت نموده است اما همین قانون‌گذار در بند ۴ و ۵ همین قانون (قانون برقراری عدالت آموزشی) شرط استفاده از سهمیه‌های آن بندها را منوط به کسب حداقل ۸۰٪ نمره آخرین فرد پذیرفته شده نموده است که بیانگر صلاحیت مقنن در این امر است به‌عبارت‌دیگر در بند (۳) تحقق دو شرط بومی بودن و انتخاب مناطق محروم کافی است تا سهمیه به داوطلب تعلق یابد. ۳- از طرفی طبق ضوابط و مقررات آزمون، صرفاً

داوطلبی مجاز به انتخاب رشته است که کف نمره قبولی آزمون را کسب کرده باشد (۱۵۰ نمره از ۶۰۰ نمره) بنابراین چنین داوطلبانی از نظر علمی جهت تحصیل در رشته‌های تخصصی مجاز شناخته شده و باید در رقابتی جداگانه و داخل در سهمیه مناطق محروم و بدون مقایسه با نمرات داوطلبان آزاد، مورد پذیرش قرار گیرند. ۴- با این توصیف در قسمتی از بند ۳/۲ دفترچه راهنمای آزمون و همچنین قسمت آخر بند ۲-۲ دفترچه راهنمای انتخاب رشته- محل چهل و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی، تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی منوط به کسب ۸۵٪ حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی توسط داوطلبان بومی گردیده است. ۵- ملاحظه می‌گردد این قسمت از مفاد دفترچه‌ها که تصمیم اتخاذ شده از سوی وزارت بهداشت است مغایر با حکم صریح مقنن بوده و موافق با روح و متن قانون اصلاحی مورد استناد نیست و علی‌رغم این که قانون‌گذار با وجود علم و اشراف بر موضوع در این باب سکوت نموده ولیکن وزارت بهداشت به غیر از بومی بودن و محروم بودن منطقه که شروط مورد نظر قانون‌گذار است، قید سومی را مبنی بر لزوم کسب ۸۵٪ حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی به متن بند ۳ موضوع ماده‌واحد استنادی الحاق کرده که مقرره‌ای الزام‌آور و محدود کننده می‌باشد چرا که در صورت عدم کسب چنین حدنصابی، هدف مقنن که جذب ۳۰ درصد داوطلب بومی است محقق نخواهد شد (مراجعه به آمار پذیرفته‌شدگان روشن کننده موضوع است) حال جای این سؤال است که آیا وزارت بهداشت اجازه اتخاذ چنین تصمیم محدود کننده‌ای را دارد یا موظف است در صورت دارا بودن شرایط مورد نظر مقنن و کسب کف نمره آزمون توسط داوطلبان بومی، سهمیه مناطق محروم را به آنان اختصاص دهد؟

۶- بی‌گمان با توجه به وصف امره بودن قانون و نظر به این که در متن قانون اصلاحی و تبصره‌های پنج‌گانه آن، حقی برای وزارت بهداشت در مقام وضع آیین‌نامه یا بخشنامه یا هر مصوبه دیگری که مرتبط با قانون اصلاحی باشد پیش‌بینی نشده است و با عنایت به این که تعیین حدنصاب نمره برای هر سهمیه منوط به حکم صریح مقنن یا ماذون از قبل قانون‌گذار است و مؤید این مطلب نیز رجوع به قوانین مشابه مانند سهمیه رزمندگان یا تبصره ماده ۷۰ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران یا بند ۴ و ۵ قانون عدالت آموزشی مصوب ۱۳۸۹ است که در همه موارد، قانون‌گذار حدنصاب نمره را به‌عنوان شرط لازم برای استفاده از هر سهمیه تعیین نموده نه وزارت بهداشت. شایان ذکر است اختیار حاصل از قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی برای وزارت بهداشت مجوزی جهت تعیین حدنصاب نمره سهمیه‌های قانونی نبوده و این امر همانند سایر سهمیه‌ها نیاز به حکم صریح مقنن دارد لذا تصمیم وزارت بهداشت در تعیین ضابطه‌ای مغایر و فراتر از متن بند ۳ اصلاحی قانون برقراری عدالت آموزشی به شکلی که تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی را منوط به کسب ۸۵ درصد حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی نموده است، اقدامی خارج از حدود اختیارات آن وزارتخانه بوده و به دلیل این که موافق با حکم صریح مقنن نیست بی‌شک اقتضای ابطال آن را دارد. لذا خواهشمند است با بررسی قضیه بیان شده اولاً: نسبت به ابطال تصمیم مقرر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که مبین تصریح به کسب حداقل ۸۵٪ حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی جهت تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی این مناطق است و در قسمتی از بند ۳/۲ از بخش سوم دفترچه راهنمای آزمون و همچنین در قسمت آخر بند ۲-۲ دفترچه راهنمای انتخاب رشته - محل چهل و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی سال تحصیلی ۹۶-۹۷ درج شده اقدام و اتخاذ تصمیم نمایند. ثانیاً: با ابطال تصمیم و مقرر مورد اشاره، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی را ملزم نمایند بدون لحاظ و اعمال تصمیم و مقرر یاد شد در فرایند پذیرش، نسبت به اصلاح نتیجه قبولی این‌جانب در آزمون دستگیری دوره ۴۴ با توجه به اولویت‌های انتخاب رشته-محل وفق قانون اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی و لحاظ

اولویت مقرر در تبصره ۳ آن اقدام و نتیجه را به دانشگاه محل پذیرش جدید اعلام نمایند. تفصیل مطالب معروضه به شرح لایحه مضبوط به این دادخواست است که خواستار بذل عنایت به آن می‌باشم. ضمناً مستحضر می‌دارد پرینت مدارک استنادی مربوط به آزمون دستیاری از سایت مرکز سنجش آموزش پزشکی به آدرس [www.SANJES hp.ir](http://www.SANJES hp.ir) اخذ شده است."

متن لایحه تکمیلی به قرار زیر است:

"فضات محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: لایحه تکمیلی

با سلام

احتراماً این جانب سامان شریفی عقلی ضمن پوزش از این که مطالب مندرج در ستون خواسته به دلیل محدودیت جا در اندازه ای کوچکتر از معمول تایپ شده است موارد زیر را به منظور توضیحات بیشتر به استحضار می‌رسانم:

خواسته ها

۱- ابطال تصمیم و مقرر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر لزوم کسب ۸۵٪ حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی جهت تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی در آزمون دستیاری ۲-الزام وزارت بهداشت به اصلاح نتیجه قبولی این جانب در دوره ۴۴ آزمون دستیاری بدون لحاظ و اعمال تصمیم و مقرر مورد اعتراض (کسب ۸۵٪ حدنصاب قبولی) در فرایند پذیرش وفق قانون اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی و سپس معرفی به دانشگاه محل پذیرش تصمیم و مقرر مورد اعتراض در قسمتی از بند ۳/۲ از بخش سوم دفترچه راهنمای آزمون و قسمت آخر بند ۲-۲ دفترچه راهنمای انتخاب رشته- محل چهل و چهارمین دوره پذیرش دستیار تخصصی سال تحصیلی ۹۶-۹۷ درج شده است.

الف: لزوم کسب ۸۵ درصد حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی جهت تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی موافق با روح و متن ماده واحد قانون اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی نیست. نیاز مناطق محروم به نیروی متخصص پزشکی بر کسی پوشیده نیست و مشکلات ناشی از اقامت افراد غیر بومی در این مناطق نیز از جمله عواملی است که ماندگاری پزشکان غیر بومی در مناطق محروم را متزلزل می‌نماید. شرایط خاص و نیاز شدید مناطق محروم به پزشک متخصص به حدی بوده که قوه مقننه در جهت رفع نیاز مناطق محروم با تصویب قانون و اختصاص سهمیه به متقاضیان خدمت در مناطق محروم که بومی آن منطقه نیز باشند در مقابل ایجاد شرایط سهل تر جهت پذیرش در رشته‌های تخصصی ماندگاری آنان را در مناطق محروم با اخذ تعهد خدمت به میزان ۳ برابر مدت تحصیل پایدارتر نموده. به همین جهت با اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی وزارت بهداشت موظف گردید ۳۰ درصد ورودی رشته‌های دستیاری تخصصی پزشکی را از طریق جذب دانشجوی بومی با اولویت مناطق محروم پذیرش نماید. بی شک تمام داوطلبان بومی که کف نمره قبولی در آزمون دستیاری یعنی ۱۵۰ نمره از ۶۰۰ نمره را کسب نموده‌اند و مجاز به انتخاب رشته شده‌اند می‌باید مشمول این ۳۰ درصد قرار بگیرند و هرگونه محدود نمودن پذیرش این دسته از داوطلبان بومی در رشته محل های انتخابی به دلیل عدم کسب ۸۵ درصد حدنصاب آن رشته محل، موافق با حکم صریح قانون گذار نیست. چرا که چنین داوطلبی صلاحیت علمی آزمون دستیاری را احراز کرده و جهت انتخاب رشته مجاز شناخته شده و دیگر لزومی به کسب حدنصاب مجدد ندارد و باید از سهمیه قانونی استفاده کند مگر این که خود مقتن در متن قانون لزوم کسب حدنصاب خاصی را جهت استفاده از سهمیه صریحاً مورد حکم قرار داده باشد.

ب- تعیین حدنصاب نمره جهت استفاده از سهمیه مناطق محروم نیازمند حکم صریح قانون گذار یا ماذون از قبل مقنن است نگاهی بر قوانین جاری یا آیین‌نامه‌های اجرایی آن به خوبی نشان می‌دهد در تمامی موارد، حدنصاب نمره جهت استفاده از آن سهمیه در متن قانون ذکر شده یا اجازه تعیین آن در آیین‌نامه اجرایی به مجری قانون داده شده است در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ماده ۴ قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی: در این ماده تعیین حدنصاب قبولی موکول به تدوین آیین‌نامه اجرایی، آن هم با همکاری چندین وزارتخانه و تصویب هیأت وزیران شده است که نشان از اهمیت این موضوع از نظر قانون‌گذار دارد به عبارت دیگر لزوم کسب حدنصاب نمره برای استفاده از هر سهمیه موضوعی است که ضرورت وجود آن را مقنن تشخیص می‌دهد و تعیین آن نیز یا به حکم صریح قانون‌گذار است یا ماذون از قبل مقنن است. در این رابطه می‌توان به رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۳۶۲-۱۱/۱۴/۱۳۸۰ اشاره نمود که ماده ۱۰ اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر که حدنصاب نمره لازم در مورد رشته‌های تخصصی پزشکی را بدون رعایت شرایط و ضوابط موردنظر مقنن تغییر داده، ابطال نموده است.

۲- تبصره ذیل ماده ۷۰ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران که در این تبصره مقنن به صراحت حدنصاب لازم جهت استفاده از سهمیه مربوطه را تعیین نموده است.

۳- بند ۴ و ۵ قانون برقراری عدالت آموزشی مصوب ۱۳۸۹ در مورد سهمیه مریبان رسمی و سهمیه نیروهای مسلح که در این بندهای قانونی نیز به تفکیک قانون‌گذار استفاده از سهمیه‌های آن بندها را منوط به کسب حداقل ۸۰ درصد حدنصاب نمره آخرین فرد پذیرفته شده نموده است. بنا به مراتب به خوبی مشخص است اگر قانون‌گذار لازم می‌دید که استفاده از سهمیه مناطق محروم نیز منوط به کسب حدنصاب خاصی از نمره آخرین فرد پذیرفته شده گردد می‌توانست این حدنصاب را در متن بند ۳ همانند بند های ۴ و ۵ قانون مورد حکم قرار دهد ولی آنچه مشخص است چه در بند ۳ سابق چه در بند ۳ اصلاحی قانون برقراری عدالت آموزشی استفاده از سهمیه مناطق محروم منوط به کسب حدنصاب نمره ای نشده و مقنن با وجود علم به موضوع در این باب سکوت نموده است ضمن این‌که تدوین آیین‌نامه اجرایی یا مصوبه دیگری نیز در این خصوص پیش‌بینی نگردیده است.

ج- بر اساس تبصره ۳ ماده‌واحد قانون اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی تحصیل دانشجویان بومی در دانشگاه‌های استان مربوطه در اولویت می‌باشد طبق این اولویت قانونی صرف‌نظر از نمره می‌باید امتیاز ویژه‌ای برای آن دسته از داوطلبان بومی که اولین اولویت انتخاب رشته خود را از دانشگاه استان بومی خود برای تحصیل انتخاب نموده‌اند در نظر گرفته شود تا بتوانند از این اولویت قانونی جهت پذیرش در رشته‌های دانشگاه استان خود بهره‌مند گردند. حال جای این سؤال است که اولویت تبصره یاد شده چگونه در فرایند پذیرش داوطلبان بومی مؤثر واقع شده است؟

در پایان ضمن درخواست صدور حکم به شرح خواسته‌های مطروحه در دادخواست تقدیمی و اصلاح نتیجه قبولی در آزمون دستیاری دوره چهل و چهارم وفق ماده‌واحد قانون اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی، امیدوارم توانسته باشم دلایل اعتراض خود را به نحوه اجرای قانون یاد شده در آزمون پذیرش دستیاری به استحضار آن مقام رسانده باشم."

متن مقررهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

دفترچه راهنمای انتخاب رشته- محل آزمون پذیرش دستیار تخصصی چهل و چهارمین دوره (سال

تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶)

"۲-۲- سهمیه مناطق محروم: در دفترچه راهنمای ثبت نام شرایط استفاده از مناطق محروم به طور کامل توضیح داده شد و علاقمندان به استفاده از این سهمیه در صورت داشتن شرایط اقدام نمودند. در این دفترچه ظرفیت دانشگاه‌ها برای داوطلبان سهمیه مناطق محروم در هر رشته جهت سپردن تعهد به مناطق محروم استان‌ها در چهل و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی در جدول شماره ۳ آمده است داوطلبان واجد شرایط استفاده از مناطق محروم می‌بایست با توجه به ظرفیت هر رشته که در جدول آمده و نیاز استان خود (محل تعهد) رشته مورد نظر را انتخاب و برای تحصیل در آن رشته می‌توانند نسبت به انتخاب رشته مورد نظر در کلیه دانشگاه‌های کشور اقدام نمایند. متقاضیانی که موفق به کسب ۸۵ درصد حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی خود گردند با رعایت کلیه مندرجات این راهنما در زمینه پذیرش، سهمیه مذکور به آن‌ها تعلق می‌یابد."

"۳-۲- سهمیه مناطق محروم: بر اساس قانون برقراری عدالت آموزشی مصوب مجلس شورای اسلامی و اصلاحیه ماده ۳ آن، ۳۰٪ ظرفیت دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ۱۰ قطب آموزشی (کلان منطقه) کشور (در قالب ظرفیت) در رشته‌های مورد نیاز (که متعاقباً اعلام می‌گردد) به متقاضیان واجد شرایط پذیرش استفاده از سهمیه مناطق محروم که موفق به کسب حداقل ۸۵٪ حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی خود گردند با رعایت کلیه مندرجات این راهنما در زمینه پذیرش در سهمیه مذکور تعلق می‌یابد. (شرایط انتخاب رشته-محل در دانشگاه‌های قطب آموزشی مربوطه متعاقباً در راهنمای مربوطه اعلام خواهد گردید."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۲۲۴۲-۱۳۹۶/۱۲/۵-۱ توضیح داده است که: "ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با اهدای سلام. احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۱۰۴۵/۹۶ موضوع شکایت آقای سامان شریفی عقیلی به خواسته ابطال قسمتی از بند ۲/۲ از بخش سوم دفترچه راهنما و قسمت آخر بند ۲-۲ دفترچه انتخاب رشته/محل چهل و چهارمین دوره پذیرش دستیار (موضوع لزوم کسب ۸۵ درصد حدنصاب قبولی در رشته/محل انتخابی جهت تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی در آزمون دستیار) مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- شاکای وفق مفاد دادخواست تقدیمی ادعا نموده متقاضی پذیرش با استفاده از سهمیه قانون برقراری عدالت آموزشی در چهل و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی بوده و در رشته تخصصی طب اورژانس دانشگاه علوم پزشکی شاهرود پذیرفته شده است. ایشان حسب ادعای مطروحه مدعی می‌باشد در ماده ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۹ و قانون اصلاح بند ۳ ماده واحده قانون مذکور مصوب سال ۱۳۹۲ اشاره به تعیین حدنصاب نشده است، معهداً در دفترچه راهنمای آزمون دوره مذکور، پذیرش در سهمیه مذکور منوط به کسب حداقل ۸۵ درصد حدنصاب قبولی در رشته/محل انتخابی شده است. نامبرده در حال حاضر به این موضوع معترض بوده و متقاضی ابطال قسمتی از بند ۲/۲ از بخش سوم دفترچه راهنمای آزمون و قسمت آخر بند ۲/۲ دفترچه راهنمای انتخاب رشته/محل چهل و چهارمین دوره پذیرش دستیار (موضوع لزوم کسب ۸۵ درصد حدنصاب قبولی در رشته/محل انتخابی جهت تعلق سهمیه مناطق محروم به داوطلبان بومی در آزمون دستیار) شده است.

۲- در خصوص شکایت مطروحه لازم به ذکر است، مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، یکی از وظایف این وزارتخانه تدوین و ارائه سیاست‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها

و نیز برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی، پژوهش، خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، بهزیستی و تأمین اجتماعی می‌باشد.

۳- برابر ماده ۷ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی و برنامه‌ریزی آموزشی پزشکی به عهده این وزارتخانه است. همچنین مطابق بند ۴ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعیین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مورد نیاز کشور و اجرای برنامه‌های تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی در جهت نیل به خودکفایی از وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام شده است.

۴- وفق قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی مصوب سال ۱۳۵۲ وظایف زیر بر عهده شورای مذکور می‌باشد:

بررسی و تعیین احتیاجات آموزشی رشته‌های پزشکی و تخصصی، ارزشیابی و تعیین محتوای برنامه‌ها و روش‌های کلی آموزش و ایجاد هماهنگی لازم، بررسی و تعیین احتیاجات نیروی انسانی لازم در کشور در رشته‌های پزشکی و علوم وابسته و تخصص‌های پزشکی و تعیین ضوابط جهت تربیت متخصص در دانشکده‌های پزشکی و بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه‌ها از جهات زیر:

الف: برنامه و روش‌های آموزشی ب: بررسی و اظهارنظر درباره ضوابط مربوط به صلاحیت آموزشی مؤسسات پزشکی و تصویب صلاحیت آموزشی مذکور و نحوه وابستگی آن‌ها به دانشگاه‌ها بر اساس ضوابط مقرر ج: تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی امتحانات تخصصی و همچنین بررسی نحوه اجرای ضوابط و برنامه‌ها

۵- در بند ۳ ماده‌واحد قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۹ مقرر گردیده است، ده درصد (۱۰٪) سهمیه مازاد بر ظرفیت در رشته‌های دستیاری پزشکی (رشته‌های مورد نیاز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) به مناطق محروم به داوطلبان بومی اختصاص می‌یابد و پذیرفته‌شدگان مکلف‌اند به مدت سه برابر طول مدت تحصیل را صرفاً در مناطق محروم خدمت کنند و افرادی که سابقه خدمت در این مناطق را دارند حداکثر تا ۵ سال از تعهد خدمتشان کسر می‌گردد. همچنین مطابق قانون اصلاح بند (۳) ماده‌واحد قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است سی درصد (۳۰٪) ورودی‌های رشته‌های پزشکی عمومی، دستیاری تخصصی پزشکی و سایر رشته‌های گروه پزشکی را از طریق جذب دانشجوی بومی با اولویت مناطق محروم و متناسب با نیاز استان‌ها و در چارچوب نظام سطح‌بندی پذیرش نماید. لذا همان‌گونه که آن مقام ملاحظه می‌فرمایند در قانون مذکور و اصلاحیه آن صرفاً اولویت مناطق محروم و پذیرش داوطلب بومی و رعایت تناسب با نیاز استان‌ها در رعایت چارچوب نظام سطح‌بندی مورد تأکید قرار گرفته و ممنوعیتی دایر بر تعیین حدنصاب اعلام نگردیده، بلکه چگونگی تعیین پذیرش با در نظر گرفتن موارد فوق بر عهده این وزارتخانه نهاده شده است.

۶- در موضوع ۲ هشتادمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت شیوه‌نامه پذیرش دانشجوی بومی در سهمیه مناطق محروم منطبق با قانون برقراری عدالت آموزشی مطرح و به تصویب می‌رسد. در شیوه‌نامه مذکور کاهش حدنصاب قبولی برای متقاضیان این سهمیه مورد تصویب قرار می‌گیرد. لذا بر این اساس متقاضیان استفاده از سهمیه مذکور در صورت کسب ۸۵ درصد حدنصاب قبولی رشته/محل انتخابی (با در نظر گرفتن اولویت‌های انتخابی متقاضی) امکان پذیرش در سهمیه مذکور را دارند. لذا مفاد دفترچه راهنمای آزمون چهل و چهارم که ایشان متقاضی ابطال برخی از بندهای آن می‌باشند بر مبنای مصوبه نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی می‌باشد.

- ۷- اشاره می‌نماید در هیچ قسمتی از قانون مذکور و اصلاحیه آن، اعلام نشده است که مقررات کلی پذیرش مرتبط با نحوه پذیرش دستیار تخصصی برای متقاضیان این سهمیه مورد عمل قرار نگیرد. مقررات کلی پذیرش با رعایت ضوابط و سهمیه‌های اعلامی با اولویت‌های ذیل می‌باشد:
- نمره کل تراز شده آزمون پذیرش دستیار در هر رشته به‌طور جداگانه اولین انتخاب رشته/محل
- ۸- اولویت پذیرش در شرایط مساوی با سایر شرکت کنندگان، مورد اقدام خواهد گرفت.
- ۹- لازم به توضیح است، وفق مفاد قانون، در هر رشته/محل ۳۰ درصد ظرفیت به افراد واجد شرایط و متقاضی استفاده از سهمیه مناطق محروم تخصیص داده شده و ظرفیت موردنظر صرفاً توسط افراد متقاضی سهمیه تکمیل شده است و این گروه از متقاضیان در رقابت با سایر شرکت کنندگان قرار نگرفته‌اند. ضمن اینکه در میان متقاضیان استفاده از سهمیه موردنظر با رعایت مقررات کلی پذیرش و وفق انتخاب رشته/محل داوطلبان اقدام به پذیرش شده است.
- ۱۰- ایشان به تعیین حدنصاب ۸۵ درصد برای سهمیه مذکور معترض می‌باشند. در این خصوص لازم به ذکر است، برعکس تصور شاکی تعیین نصاب مذکور در راستای مساعدت به این گروه از متقاضیان بوده است؛ زیرا همان‌گونه که فوقاً اشاره گردید، قبولی در آزمون دستیاری در ابتدا منوط به کسب حدنصاب قبولی می‌باشد، لذا در صورت عدم تعیین نصاب ۸۵ درصد، متقاضی پذیرش ملزم به کسب حدنصاب آن رشته/محل برای استفاده از سهمیه موضوع قانون برقراری عدالت آموزشی بوده است و این امکان وجود داشته‌ا که ایشان اصلاً در آزمون پذیرفته نشود. با توجه به مراتب فوق‌الذکر رد دعوی مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."
- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۳ ماده‌واحد قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب سال ۱۳۸۹ مقرر شده است، ده درصد سهمیه مازاد بر ظرفیت در رشته‌های دستیاری پزشکی (رشته‌های مورد نیاز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) به مناطق محروم به داوطلبان بومی اختصاص می‌یابد و پذیرفته‌شدگان مکلف‌اند به مدت ۳ برابر طول مدت تحصیل را صرفاً در مناطق محروم خدمت کنند و افرادی که سابقه خدمت در این مناطق را دارند حداکثر تا پنج سال از تعهد خدمتشان کسر می‌گردد. در قانون اصلاح بند ۳ قانون پیش گفته مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر شده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است سی درصد ورودی های رشته‌های پزشکی عمومی، دستیاری تخصصی پزشکی و سایر رشته‌های گروه پزشکی را از طریق جذب دانشجوی بومی با اولویت مناطق محروم و متناسب با نیاز استان‌ها و در چهارچوب نظام سطح‌بندی پذیرش نمایند. نظر به اینکه در بند ۳/۲ از بخش سوم صفحه ۱۲ دفترچه راهنمای آزمون و قسمت آخر بند ۲-۲ صفحه ۷ دفترچه راهنمای انتخاب رشته محل چهل و چهارمین دوره پذیرش دستیاری ملهم از تصمیم هشتمین نشست مورخ ۱۳۹۳/۹/۱ شورای آموزش پزشکی و تخصصی که به تأیید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده، اعمال سهمیه مناطق محروم مصرح در قوانین یاد شده به کسب ۸۵٪ حدنصاب قبولی در رشته محل انتخابی موکول شده، مقررات مذکور موجب تحدید حکم مقنن شده و وضع آن هم از حدود اختیارات شورای آموزش پزشکی و تخصصی و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خارج است و هم مغایر قوانین مذکور است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸

---

---

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## پیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۶ آذر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۷۸۶

کلاس پرونده: ۱۵۵۰/۹۶

**موضوع:** ابطال مصوبه دستور یازدهم از صورت جلسه پنجمین نشست عادی از دوره ششم هیات امنای دانشگاه تهران مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ (در خصوص شهریه دانشجویان خاص شامل همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و غیر علمی و ... برای اجرا از نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ به بعد)

**شاکی:** سازمان بازرسی کل کشور

### گردش کار:

سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۱۵۱۰۵-۴/۱۰/۱۳۹۶ اعلام کرده است که: "حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی؛ رئیس محترم دیوان عدالت اداری؛ سلام علیکم. احتراماً دستور یازدهم مصوبه ۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت امنای دانشگاه تهران از جهت انطباق با قانون در دستور کار کمیسیون تطبیق مصوبات دستگاه های اداری این سازمان قرار گرفت. در دستور یازدهم مصوبه یاد شده مقرر شده است: "هیأت امنای به استناد بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، شهریه دانشجویان خاص شامل همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و غیر علمی و ... برای اجرا از نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ به بعد تصویب کرد". مصوبه مذکور برای همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی تخفیف شهریه به میزان ۸۰٪ شهریه مصوب در نظر گرفته شده است. این امر تبعیض ناروا بوده و بر خلاف اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. چرا که به موجب اصل ۳ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، تمهیدات لازم را برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم به کار برد. یکی از موارد رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی است، در حالی که با اجرای مصوبه فوق الذکر همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و غیر علمی از این امتیاز تبعیض آمیز برخوردار می گردند. (گفتنی است چنانچه در رسیدگی به دستور یازدهم مصوبه ۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت امنای دانشگاه تهران به مصوبه جلسه ۶۳۰-۱۳۸۷/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی استناد شود باید گفت به موجب اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طرف دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی صلاحیت تعیین حدود و اختیارات یکی مرجع قضایی قانونی (که مورد اشاره قانون اساسی نیز قرار گرفته) را ندارد. ضمن آن که در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲) حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان به شرح زیر اعلام شده است: رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده

از اختیارات یا تخلفات در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می‌شود... و در تبصره آن صرفاً رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضاییه و آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضاییه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است. مفهوم مخالف آن این است که به غیر از این مصوبات، مصوبات سایر دستگاه‌های دولتی از جمله مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قابل رسیدگی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. از این رو شایسته است بدون توجه به مصوبه جلسه ۶۳۰-۱۳۸۷/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به مصوبه مغایر با قانون هیأت امنای دانشگاه تهران رسیدگی شود. بنا به مراتب موضوع در اجرای تبصره ۲ بند (د) ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اعلام می‌شود، خواهشمند است دستور فرمایید رسیدگی به مصوبه فوق‌الذکر در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفته و از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند."

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

صورتجلسه پنجمین نشست عادی از دور ششم هیأت امنای دانشگاه تهران ۱۳۹۵/۱۰/۷

|   |
|---|
| دستور یازدهم: (مصوبه ۱۳۹۵/۶/۲ کمیسیون دائمی): تعیین شهریه دانشجویان خاص   |
| مصوبه: "هیأت امنای به استناد بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، شهریه دانشجویان خاص شامل همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و غیرهیأت علمی دانشگاه، حائزین رتبه های برتر علمی، قهرمانان ورزشی و دانشجویان روشندل را (به شرح پیوست شماره سه) برای اجرا از نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵ به بعد تصویب کرد." |

پیوست شماره سه (موضوع مصوبه یازدهم)

شهریه دانشجویان خاص دانشگاه تهران شامل همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی دانشگاه، حائزین رتبه های برتر علمی، قهرمانان ورزشی و دانشجویان روشندل

| ردیف | مشمولین   | شهریه مصوب هیأت امنای   |
|------|---|---|
| ۱    | همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی رسمی و پیمانی شاغل و بازنشسته دانشگاه تهران که با پرداخت شهریه پذیرفته می شوند   | به میزان "۸۰" درصد شهریه مصوب                                 |
| ۲    | دانشجویان رتبه اول مقطع کارشناسی ارشد کلیه رشته‌های تحصیلی (ورودیهای مشترک با حداقل ۸ واحد درس اصلی) که با پرداخت شهریه پذیرفته می شوند.<br>دانشجویان رتبه اول مقطع کارشناسی در پردیس کیش که با پرداخت شهریه پذیرفته می شوند. | به میزان "۸۰" درصد شهریه مصوب در هر نیم سال تحصیلی احراز رتبه |

|   |  |   |
|---|--|---|
| مدال طلا: "۸۰" درصد شهریه مصوب<br>در نیمسال اخذ مدال  | قهرمانان ورزشی دارنده مدال المپیادهای ورزشی<br>و یا عنوان قهرمانی مسابقات سراسری دانشگاهها<br>در حین تحصیل | ۳ |
| مدال نقره: "۸۰" درصد شهریه مصوب<br>در نیمسال اخذ مدال |  |   |
| مدال برنز: "۸۰" درصد شهریه مصوب<br>در نیمسال اخذ مدال |  |   |
| به میزان "۸۰" درصد شهریه مصو                          | دانشجویان روشندل معرفی شده از سوی سازمان<br>بهبیستی استان محل سکونت  | ۴ |

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر کل امور حقوقی دانشگاه تهران به موجب لایحه شماره ۱۵۱/۴۴۱۹۰-۱۳۹۷/۲/۲۴ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با سلام و احترام، در خصوص کلاسه پرونده ۹۶۰۱۵۵۰ (شماره بایگانی ۴۳۲۷۰) موضوع گزارش سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر مغایرت مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت امنای دانشگاه تهران (مصوبه مربوط به تعیین شهریه دانشجویان خاص دانشگاه تهران) با اصل ۱۳۱ قانون اساسی به استحضار می‌رساند: هیأت امناء دانشگاه تهران به منظور ترغیب دارندگان مدالهای المپیاد ورزشی به ادامه تحصیل، تسهیل ادامه تحصیل نابینایان و نیز ساماندهی شرایط تحصیل فرزندان و همسران اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی در پردیس‌های خودگردان به تجویز قانون شهریه تحصیلی این اشخاص را تعیین می‌نماید (مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷) و سازمان بازرسی کل کشور با خوانش نادرست مصوبه و برجسته نمودن واژگان "فرزندان و همسران اعضای هیأت علمی" و سوء برداشت از میزان تخفیف، گزارش حاضر را مستنداً به اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مفهوم متشکک تبعیض ناروا به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقدیم نموده که به شرح زیر پاسخ آن به عرض می‌رسد و در ضمن تقاضا دارد نماینده دانشگاه تهران در جلسه هیأت عمومی حاضر شده و جهت پیشگیری از ابطال مصوبه‌ای که با رعایت انصاف و عدالت جهت تسهیل ادامه تحصیل دانشجویان دارای شرایط خاص تصویب شده، توضیحات جامع و کاملی در خصوص اعتبار مصوبه حاضر ارائه نماید.

ایرادات ماهوی موجب رد شکایت:

۱- مصوبه هیأت امناء دانشگاه با قوانین و مقررات منطبق بوده و در حدود اختیارات این هیأت می‌باشد. به جهاتی که ذیلاً آورده می‌شود مصوبه هیأت امناء در حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده بوده و با هیچ یک از قوانین از جمله اصل سوم قانون اساسی هیچ‌گونه تنافی ندارد.

اول- دانشگاه‌ها از استقلال اداری، مالی و معاملاتی برخوردار بوده و تابع مصوبات هیأت امنای خود می‌باشند؛ همان‌طور که قضات دیوان عدالت اداری استحضار دارند مطابق قوانین متعدد از جمله قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳- ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی)، ماده ۱۰ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

موضوع (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه (که در زمان تصویب مصوبه هیأت امنای دانشگاه لازم‌الاجرا بوده) و همچنین ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه که در حال حاضر لازم‌الاجرا می‌باشد، "دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی ... بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط به عدالت توجه نموده و شرایط تحصیل در پردیسهایی که غالباً در رقابت با مؤسسات آموزش عالی آزاد و معوض هستند، تسهیل کرده است. آیا تسهیل در تحصیل، مصداق تبعیض است؟

۲- مصوبه هیأت امناء منصرف از امور علمی می‌باشد و کلیه افراد زیرمجموعه دانشگاه را شامل شده و متضمن هیچ‌گونه تبعیضی برای دیگران نیست.

هیأت امنای دانشگاه تهران در خصوص نحوه قبولی اشخاص برای ورود به مقاطع تحصیلی هیچ‌گونه مصوبه‌ای نداشته و کلیه متقاضیان پس از طی مراحل قانونی و گزینش علمی وارد مقاطع تحصیلی شده و هیچ تفاوت و امتیازی برای اشخاص پیش‌بینی نکرده است و کلیه اشخاص با یکدیگر برابر می‌باشند. پس این تصور که دانشگاه قصد دارد به نابینایان، دارندگان مدال و فرزندان و همسران اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی مجانی و بدون رعایت امور علمی مدرک بدهد، نادرست و غیرقابل قبول است. در مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت امنای دانشگاه، صرفاً در خصوص "شهریه دانشجویان خاص دانشگاه" اظهارنظر شده و در این مصوبه برای اشخاص دارای شرایط خاص تخفیف اندکی (حدود ۲۰٪) پیش‌بینی شده و فرزندان و همسران اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه تهران نیز به لحاظ فوق ساماندهی شده و از این تخفیف اندک بهره‌مند شده‌اند. مستخدمین دانشگاه تهران شامل دو گروه "عضو هیأت علمی" و "عضو غیر هیأت علمی" می‌باشد و هیأت امناء دانشگاه نیز فرزندان و همسران تمامی مستخدمین دانشگاه اعم از هیأت علمی و غیر هیأت علمی را مشمول حکم قرار داده و تمام اشخاص مرتبط با دانشگاه می‌توانند از این تخفیف بهره‌مند شوند؛ بنابراین بین اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی هیچ‌گونه تبعیضی وجود ندارد. سازمان بازرسی مدعی است این مصوبه از مصادیق تبعیض ناروا است، اما در گزارش این سازمان مشخص نیست با این مصوبه بین چه اشخاص تبعیض ایجاد شده است؟ وقتی دانشگاه قصد ساماندهی شهریه دانشجویان مرتبط خود را دارد، آیا باید فرزندان و همسران دیگران نیز که معلوم نیست چه اشخاصی هستند، در نظر بگیرد؟ توجه به اینکه شهریه دریافتی از دانشجویان جزء درآمدهای اختصاصی دانشگاه تهران است و هیأت امناء مرجع تصمیم‌گیری در خصوص نحوه هزینه کرد این درآمد می‌باشد، این سؤال اساسی مطرح می‌شود، مطابق مصوبه هیأت امناء دانشگاه بین چه اشخاصی تبعیض ایجاد شده است؟ چه گروه و یا شخصی باید همچون نابینایان، دارندگان مدال و فرزندان و همسران اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی از این امتیاز بهره‌مند شوند که با مصوبه هیأت امناء دانشگاه تهران از آن محروم شده‌اند؟ فرزندان کارکنان ایران خودرو یا فرزندان مستخدمین وزارت خارجه و یا غیره که باید در این مصوبه لحاظ شوند که اگر نشده است، تبعیض ایجاد شده است؟

۳- مصوبه هیأت امناء دانشگاه تهران هیچ عنوان از مصادیق تبعیض ناروا نمی‌باشد. همان‌طور که ریاست معظم و قضات دیوان عدالت اداری نیز به خوبی واقفند، حقوق و قانون مملو از اصل و استثناء است به همین علت نیز با شایع شدن تخصیص و استثنا با عبارت فقهی "ما من عام الا و قد خص" روبرو هستیم که هیچ عامی وجود ندارد که تخصیص نخورده باشد و هیچ اصلی بدون استثنا نیست. به عبارت دیگر ورود استثناء بر اصل و وضع تخصیص برای حکم عام، تبعیض محسوب نمی‌شود اگر این‌گونه بود قانون‌گذار به کرات دست به تخصیص و استثناء نمی‌زد. علت تصویب قوانین خاص این است که هر استثنایی

"تبعیض" محسوب نمی‌شود، هر تبعیضی نیز "تبعیض ناروا" نمی‌باشد. برخی مواقع برابری، نوعی تبعیض است برای نمونه اگر برای ده نفر که هر یک سن و سال و اندازه ای متفاوت دارند، به یک شماره کفش خریده شود، این برابری نیست بلکه نابرابری و تبعیض

است. تبعیض ناروا وقتی مصداق دارد که افراد مشمول حکم عام که در شرایط مساوی قرار دارند، بدون وجه مرجح، تجزیه و تفکیک شده و برخی را بدون وجه مرجحی از شمول حکم عام خارج سازیم. به همین جهت نیز در بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی، با اضافه شدن قید "ناروا" برای "تبعیض" (تبعیض ناروا)، دولت موظف شده تا تنها از تبعیضهایی رفع اثر نماید که ناروا است. بر این اساس حتی اگر ورود استثناء بر اصل و تخصیص حکم عام، در ذات و ماهیت خود متضمن تبعیض باشد، اما چون برخی از افراد مشمول حکم کلی دارای ویژگی و شرایطی خاص هستند مقنن آنان را با وضع استثناء و تخصیص از شمول حکم عام خارج می‌سازد، بدیهی است چنین ترتیبی تبعی ناروا به شمار نمی‌آید. در غیر این صورت قانون‌گذار در قوانین متعدد خود به این تبعیض دست نمی‌زد. (مواد ۱ و ۲ قانون مالیات‌های مستقیم، ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی، قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی، ماده ۴۱ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، قانون جامع خدمات‌رسانی ایثارگران و مواد ۸۷ و ۸۸ قانون برنامه پنجم توسعه از جمله قوانینی هستند که افرادی را شمول حکم کلی مستثنی دانسته و برای آنان حکم خاص پیش‌بینی نموده و چنین ترتیبی تبعیض ناروا به شمار نمی‌آید.) علاوه بر قوانین مذکور، مطابق قانون آیین دادرسی مدنی اقامه دعوا در دادگستری مستلزم پرداخت هزینه دادرسی است اما قوانین متعدد اشخاص حقیقی و یا حقوقی را از پرداخت هزینه دادرسی معاف نموده است. از جمله می‌توان از "ماده ۳۲ قانون توزیع عادلانه آب" در خصوص معافیت شرکت‌های آب منطقه‌ای، "ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه" در خصوص معافیت سازمان حج، "ماده ۱۰ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی" در خصوص معافیت شرکت پست و اصلاحیه ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص معافیت افراد تحت پوشش کمیته امداد و مددجویان مستمری بگير سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه دادرسی نام برد. همگان بی‌تردید مقررات مربوط به معافیت از هزینه دادرسی را تسهیل در دادخواهی می‌دانند و از اطلاق عنوان تبعیض در دسترسی به عدالت امتناع دارند و در غیر این صورت چرا مقنن بسیاری از سازمان‌ها و نهادها را از پرداخت هزینه دادرسی معاف نموده و حتی برای دعاوی راجع به بیت‌المال و منابع طبیعی و ملی و اعضای تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی و غیره، معافیت دادرسی برقرار نموده؟ چرا که این لحظه سازمان بازرسی مانع تصویب این مقررات نشده یا با طرحها و لوایح آن مخالفت نکرده و مسئله تبعیض را مطرح نکرده است. آیا فقط تبعیض ناروا در دانشگاه روی می‌دهد و امکان برقراری چنین تبعیضی در مجلس شورای اسلامی و مراجع قانون‌گذاری نیست؟ هیأت امناء دانشگاه تهران نیز در حدود اختیارات قانونی خود و برای ایجاد رغبت به تحصیل و آموزش در پردیس‌های خودگردان دانشگاه که در رقابت با مؤسسات آموزش عالی و آزاد و غیر انتفاعی هستند و اساساً دانشجویان تمایلی به ثبت‌نام در آنجا ندارند، برخی از دانشجویان که دارای شرایط خاص و ویژه می‌باشند را از شمول حکم کلی خارج نموده و برای آن حداکثر ۲۰ درصد تخفیف (و نه ۸۰٪) در شهریه تحصیلی پیش‌بینی نموده است که اساساً چنین اقدامی از مصادیق تبعیض ناروا نمی‌باشد و اگر خلاف این نظر پذیرفته شود قوانین و مقررات بسیاری از مصادیق تبعیض ناروا تلقی خواهد شد، درحالی‌که از نظر علمی و منطقی چنین امری قابل پذیرش نیست. این اشخاص از لحاظ علمی بر دیگران ترجیحی ندارند و فقط وقتی یک دانشجوی نابینا پذیرفته شد به علت نابینایی همچون ایثارگران از میزان مشخص و محدودی تخفیف برخوردار می‌باشد. با عنایت به مراتب مذکور مختصراً به جهات ذیل گزارش سازمان بازرسی قابل طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت

---

---

اداری نمی‌باشد. لذا اتخاذ تصمیم شایسته دائر بر رد شکایت سازمان بازرسی مورد استدعاست.  
اول- گزارش سازمان بازرسی کل کشور با مصوبه هیأت امناء دانشگاه تهران مغایرت داشته و منطبق با واقع نمی‌باشد.

دوم- هیأت امناء به استناد بند (ب) و بند (ح) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و تبصره ۱ این ماده قانوناً مجاز به تعیین شهریه کلیه دانشجویان از جمله دانشجویان دارای شرایط خاص می‌باشد و مصوبه مذکور در حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده بوده و با هیچ یک از قوانین از جمله اصل ۳ قانون اساسی هیچ‌گونه تنافی ندارد.

سوم- مصوبه هیأت امناء منصرف از امور علمی می‌باشد و کلیه افراد زیرمجموعه دانشگاه را شامل شده و متضمن هیچ‌گونه تبعیضی برای دیگران نیست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

#### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه برابر بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است و هیأت امناء دانشگاه تهران بدون رعایت مفاد این اصل برای فرزندان پرسنل دانشگاه، امتیاز قائل شده و شهریه آنان را به میزان ۸۰ درصد مصوب کرده است، وجاهت قانونی ندارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت محیط و اماکن عمومی

تاریخ: ۶ آذر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۷۹۸

کلاس پرونده: ۹۴۴/۹۶

**موضوع:** درخواست اعتراض به مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ کمیته مکان یاب دفن زباله شهرستان پردنجان و چلیچه قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

### شاکي: آقای سعید فروغی

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ کمیته مکان یاب دفن زباله شهرستان پردنجان و چلیچه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"احتراماً این جانب به استحضار آن مرجع می‌رساند حسب پروانه بهره‌برداری پیوست مجوز برداشت سنگ لاشه جهت تولید شن و ماسه در دامنه کوه جونک را از کلیه مراجع قانونی از جمله معادن و صنایع، جهاد کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و شبکه بهداشت و غیره را اخذ نموده ایم و از سال ۱۳۸۰ تا کنون اقدام به استفاده از معدن مذکور نموده ایم متأسفانه علیرغم اینکه مطابق کروکی پیوست با نقاط uTm مشخص حق بهره‌برداری از معدن مذکور به این جانب اعطاء گردیده است متأسفانه کمیته مکان یاب دفن پسماند شهرهای پردنجان و چلیچه میزان ۱/۱ هکتار از زمین مذکور را جهت دفن زباله‌های شهری مذکور انتخاب نمود که این موضوع باعث تعطیلی معدن این جانب می‌گردد توضیح اینکه محل دفن زباله‌های مذکور در فاصله حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ متری محل برداشت فعلی سنگ قرار دارد و مشرف بر آن است از طرف دیگر در فصول بارندگی شیرابه‌ها و فضولات خارج شده از زباله‌ها وارد کارگاه (معدن) گردیده و در ادامه با ترکیب با شن‌ها وارد منازل تک تک خریداران شن و در نتیجه وارد منازل مسکونی مردم گردیده ناخواسته مردم را در معرض انواع بیماری قرار می‌دهد لذا مستدعی است با عنایت به مخاطرات مذکور و اینکه با صدور مجوز قانونی برای این جانب حقوق مکتسبه ایجاد گردیده است لذا مستدعی است حکم به ابطال تصمیم کمیته مکان یاب دفن پسماند و الزام خواندگان به تغییر مکان دفع پسماند صادر فرمایید."

در پی به اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری برای شاکي ارسال شده بود، به موجب لایحه شماره ۱۸۲۸-۱۳۹۶/۹/۱۴ که ثبت دفتر این اداره کل شده پاسخ داده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام. احتراماً این جانب سعید فروغی شاکي پرونده کلاس ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۸۳۰ که جهت رفع نقض در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ثبت گردیده است به استحضار می‌رساند مصوبه مورد اعتراض اولاً: با مواد ۱۹، ۲۳ و ۲۶ قانون معادن در تعارض است چرا که هر گونه دخل و تصرف اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده معادن ممنوعیت قانونی دارد. ثانیاً: مطابق با ماده

۶۸۸ قانون مجازات اسلامی هر اقدامی که بهداشت عمومی را تهدید نماید غیرمجاز بوده و مشمول مجازات مقرر در قانون خواهد شد و با عنایت به اینکه مجوز معدن قبلاً صادر گردیده است لذا مصوبه‌ای که مواد معدنی ساختمانی را آلوده نماید مشمول ممنوعیت مندرج در ماده فوق‌الذکر خواهد بود."

متن صورت‌جلسه مورد اعتراض به قرار زیر است: "صورت‌جلسه کمیته مکان یاب دفن پسماند شهرهای پردنجان و چلیچیه؛ احتراماً پیرو دعوت نامه شماره ۱۵۲۷۸/۹۴/ف/۱۱/۱۱/۱۳۹۴- کمیته مکان یاب شهرستان در مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ در محل شهرداری پردنجان تشکیل و پس از بازدید از محل پیشنهادی مقرر گردید محل فعلی به‌عنوان مکان دفن پسماند شهرهای پردنجان و چلیچیه با رعایت کلیه قوانین و مقررات زیست محیطی و موارد ذیل مورد استفاده قرار گیرد.

۱- مقرر گردید محل موردنظر به مساحت فعلی ۱/۱ هکتار فنس کشی گردد تا مانع پراکنده شدن زباله ها و ورود حیوانات و لگردد.

۲- مقرر گردید زباله‌هایی که از دیپوی خاکریز سرریز شده‌اند پاکسازی شده و به داخل ترانشه حفر شده ریخته شوند و از این به بعد در خارج از محدوده دیپوی خاکریزی شده زباله ای تخلیه نشود و همچنین قسمت پایین که به سمت مسیل است توسط یک دیپوی خاکی مسدود شود.

۳- حفر ترانشه جهت دفن زباله باید صورت گیرد و این ترانشه باید به‌گونه‌ای باشد که عمق آن تا سطح ایستایی آبهای زیر زمینی حداقل دو متر باشد.

۴- هدایت آبهای سطحی و روان آبها به طرفین محل دفن زباله به‌گونه‌ای که زباله‌های تخلیه شده توسط روان آبها برده نشوند.

۵- جلوگیری از پراکنش زباله در محل و آلوده نشدن آبهای سطحی و زیرزمینی

۶- نصب تابلو و راهبند و ممانعت از ورود افراد متفرقه به محل دفن زباله

۷- سوزاندن زباله در محل اکیداً ممنوع می‌باشد.

۸- جمع‌آوری بهداشتی شیرابه های زباله و دفن بهداشتی شیرابه ها طبق ضوابط فنی و بهداشتی

۹- نظر به اینکه شهرک بازیافت زباله و کارخانه کود کمپوست استانبی چهارمحال و بختیاری در دست بررسی و اجراست پس از شروع طرح مذکور مکان فوق تعطیل و پسماندهای خانگی به شهرک منتقل یابد.

۱۰- مقرر گردید با توجه به موافقت ضمنی نمایندگان ادارات یک نسخه از طرح توجیهی مشاور همراه با نقشه و مختصات جغرافیایی به ادارات ارسال گردد."

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل حفاظت محیط زیست استانبی چهارمحال و بختیاری به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۱۱/۸-۹۶/۱۸۴۵۱ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ موضوع: پاسخ به دادخواست آقای سعید فروغی؛ با سلام. احتراماً در پاسخ به دادخواست آقای سعید فروغی در پرونده شماره ۰۸۳۰۰۹۵۸۰۹۹۸۰۹۶۰ به کلاسه ۹۴۴/۹۶ با موضوع تقاضای صدور حکم بر ابطال مصوبه کمیته مکان یاب دفن پسماند شهرستان فارسان به طرفیت این اداره کل به استحضار می‌رساند:

۱- با عنایت به توسعه روزافزون مناطق شهری و افزایش بی‌رویه جمعیت، تولید انواع زباله اجتناب‌ناپذیر است و امروزه چگونگی دفع زباله ها یکی از دغدغه های محیط زیست شهری می‌باشد. از طرف دیگر یافتن یک محل دفن مناسب به علت وجود عوامل و پارامترهای متعدد دخیل در این امر همواره از جمله مسائل وقت گیر و مهم بوده است. کمیته مکان یاب دفن زباله متشکل از کارشناسان و نمایندگان فرمانداری شهرستان، اداره صنعت و معدن، شرکت آب منطقه‌ای، شهرداری مربوطه، اداره جهاد کشاورزی شهرستان، مرکز بهداشت

شهرستان، دفتر امور شهری و روستایی استانداری و در نهایت اداره حفاظت محیط زیست شهرستان اقدام به بررسی و تعیین محل دفن زباله می‌نمایند. در خصوص تعیین مکان موضوع شکایت، این اداره کل به‌عنوان یکی از اعضای کمیته تنها یک حق رأی داشته و متولی تعیین فاصله تا صنایع و معادن، اداره صنعت، معدن و تجارت است که در لیست تأیید کنندگان محل مورد نظر می‌باشد و در مانحن فیه با تصویب اعضای کمیته مکان یاب محل مورد نزاع جهت دفن زباله شهرهای پردنجان و چلیچه تعیین گردیده است. با این وصف اعلام شکایت علیه این اداره کل موجه نمی‌باشد.

۲- در رابطه با مکان دفن زباله موضوع شکایت به استحضار می‌رساند طبق گواهی صادره از سوی رئیس شورای اسلامی شهر پردنجان و همچنین نامه شماره ۱۳۹۶/۱۱/۱-۱۱۳۸ شهرداری پردنجان قدمت محل دفن زباله در محل مورد نزاع به قبل از سال ۱۳۸۰ و پیش از زمان صدور مجوز بهره‌برداری معدن آقای فروغی بر می‌گردد، بنابراین ایرادی در این خصوص به این اداره کل و کمیته مکان یاب وارد نیست.

۳- در خصوص ادعای خواهان مبنی بر فاصله کم محل دفن تا محل برداشت سنگ (۱۵۰ الی ۲۰۰ متر)، به استحضار می‌رساند با بررسی‌های به عمل آمده توسط کارشناسان اداره حفاظت محیط زیست شهرستان فارس طی نامه شماره ۹۶/۱۸۲۶۳ فاصله مکان دفن تا معدن آقای فروغی ۳۴۸ متر و تا کارگاه سنگ شکن ایشان حدود ۵۳۰ متر می‌باشد. با این وصف با توجه به مسافت‌های زیاد محل دفن تا معدن و کارگاه سنگ شکن مذکور ادعای مشارالیه صحیح نمی‌باشد.

۴- در خصوص ادعای دیگر خواهان مبنی بر عدم انطباق مکان دفن زباله با مواد (۱۹، ۲۳ و ۲۶) قانون معادن، به استحضار می‌رساند اولاً: ماده ۱۹ قانون معادن متوجه این اداره کل نبوده و مشمول حفاران غیرمجاز معادن است. ثانیاً: محل دفن زباله خارج از محدوده بهره‌برداری و برداشت است. لذا استناد خواهان به مواد ۲۳ و ۲۶ قانون مذکور فاقد وجهت قانونی می‌باشد. ضمن اینکه مستنداً به تبصره ۱ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی تشخیص اینکه اقدامات صورت گرفته تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست می‌باشد حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی است نه افراد. لذا از آنجایی که تاکنون در این خصوص گزارشی واصل نگردیده بنابراین ادعای آلودگی و تهدید علیه بهداشت از سوی خواهان از پایه بی‌اساس است.

۵- مزید استحضار ذکر این نکته ضروری است که سازمان حفاظت محیط زیست بهره‌برداری از معدن آقای فروغی را با در نظر گرفتن ضوابط زیست محیطی و دارا بودن شرایط لازم تأیید نموده و تعیین مساحت بهره‌برداری یا محدوده اکتشاف از اختیارات سازمان صنعت معدن و تجارت می‌باشد با این وصف هیچ‌گونه قصوری از جانب این اداره کل صورت نگرفته تا مسبب مسئولیتی گردد. لذا با عنایت به موارد پیش گفت و به‌منظور جلوگیری از جری شدن سایر مدعیان تقاضای رد دادخواست خواهان مورد درخواست می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم

---

---

صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیت‌ها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ کمیته مکان یاب دفن زباله شهرستان پردنجان و چلیچه متضمن وضع قاعده الزام‌آور کلی نیست و در خصوص مورد خاص به تصویب رسیده است، بنابراین قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در اجرای بند ۱ ماده ۱۲ قانون یاد شده تشخیص نشد و رسیدگی به خواسته دیگر مبنی بر الزام به تغییر مکان دفن پسماند به شعبه دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ: ۶ آذر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۸۲۲

کلاس پرونده: ۲۸۷۵/۹۷

**موضوع:** اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور)

**شاکي:** رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان نجف آباد اصفهان

## گردش کار:

بهموجب بند (۴) قسمت (ب) قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱، مقرر شده است که: "از تاریخ تصویب این قانون جهت مشمولان این تبصره (شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مشمول این قانون) چهار درصد (۴٪) به نرخ حق بیمه مقرر در قانون تأمین اجتماعی افزوده خواهد شد که آن هم در صورت تقاضای مشمولان قانون، به طور یکجا یا به طور اقساطی توسط کارفرمایان پرداخت خواهد شد." گروهی از کارگران شهرستان نجف آباد که در مشاغل سخت و زیان آور اشتغال داشته‌اند، با توجه به اینکه کارفرمایان آن‌ها تکلیف مقرر در ماده فوق مبنی بر پرداخت چهار درصد حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور را انجام نداده‌اند، خود رأساً به پرداخت این چهار درصد اقدام کرده و پس از مدتی با خواسته "الزام کارفرما به استرداد چهار درصد حق بیمه پرداختی" در هیأت حل اختلاف کار شهرستان نجف آباد طرح دعوا کرده‌اند. هیأت حل اختلاف کار شهرستان نجف آباد پس از احراز رابطه کار میان کارگران و کارفرمایان و احراز پرداخت چهار درصد حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور توسط کارگر، در چهار مورد رأی به ورود شکایت و الزام کارفرما به استرداد چهار درصد حق بیمه پرداخت توسط کارگر و در یک مورد با این استدلال که کارگر در زمان طرح دعوا بازنشسته بوده، رأی به رد شکایت او صادر کرده است. کارفرمایان در خصوص چهار رأی صادره مبنی بر ورود شکایت کارگران و کارگر شاکي در خصوص رأی صادره مبنی بر رد شکایتش، در شعب دیوان اعتراض کرده‌اند و شعب دیوان عدالت اداری در مقام رسیدگی به اعتراضات مطروحه نسبت به آرای هیأت حل اختلاف کار نجف آباد، از جهت پذیرش یا عدم پذیرش صلاحیت هیأت حل اختلاف کار برای رسیدگی به خواسته "الزام کارفرما به استرداد چهار درصد حق بیمه پرداختی توسط کارگر بابت حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور" آرای مختلفی را به شرح زیر صادر کرده‌اند:

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۱۹۰۲۳۴۰، ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۱۹۰۲۳۴۶ و ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۱۹۰۲۳۴۷ با موضوع دادخواست

شرکت ریسندگی و بافندگی نجف آباد به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی نجف آباد و به خواسته نقض آراء شماره ۱۳۹۵/۱۱/۲۶-۵۲۴، ۱۳۹۵/۱۱/۲۳-۴۸۷، ۱۳۹۵/۱۱/۱۹-۲۲۰۲، ۱۳۹۵/۱۱/۱۹-۴۹۵ هیأت حل اختلاف به موجب دادنامه‌های شماره ۱۳۹۶/۲/۲۵-۴۳۳-۱۹۰۰۹۶۰۹۹۷، ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۱۹۰۰۴۳۴-۹۶۰۹۹۷۰۹۰۱۹۰۰۴۳۳-۱۳۹۶/۲/۲۵ و ۱۳۹۶/۲/۲۵-۹۶۰۹۹۷۰۹۰۱۹۰۰۴۳۵-۱۳۹۶/۲/۲۵ رأی صادر کرده است:

بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌نهایی مانند هیأت حل اختلاف کار منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها قابل فرجام خواهی در دیوان عدالت اداری است. روش رسیدگی فرجامی از نوع شکلی است رسیدگی شکلی در مقابل ماهوی می‌باشد که روش مراجع تالی است. با بررسی ادله و مدارک ابرازی و استدلالات به عمل آمده تخطی از مواد ۱۴۸ و ۱۵۷ قانون کار و بند ب-۶ قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی رخ داده است. براساس ماده ۱۵۷ قانون کار صلاحیت مراجع حل اختلاف محدود به اختلاف ناشی از مقررات کار است. در ماده ۱۴۸ کارفرما مکلف به بیمه کردن کارگر است و در صورت عدم پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی تکلیفی (از سوی کارگر) به پرداخت آن به کارگر پیش‌بینی نشده است بنابراین حکم بر نقض رأی معترض‌عنه (نسبت به شاکي و در محدوده اعتراض) صادر تا اعضای هیأت با توجه به استدلال دیوان و بررسی جامع ادله و مدارک طرفین و انجام تحقیقات مقتضی مبادرت به رسیدگی مجدد نمایند. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

ب: شعبه ۱۸ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۱۸۰۱۲۶۰ موضوع دادخواست شرکت کیسه بافی اقبال به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان نجف آباد و به خواسته نقض دادنامه قطعی شماره ۱۳۹۵/۶/۲۷-۲۸۵ هیأت حل اختلاف کار به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۶/۲/۲۳-۴۴۶-۹۶۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۰۴۴۶-۹۶۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۰۴۴۶ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه رأی قطعی شماره ۲۸۵-۱۳۹۵/۶/۲۷ هیأت حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان نجف آباد در راستای حدوث اختلاف فیما بین کارگر و کارفرما بر اساس مواد ۲، ۳، ۱۴۸ و ۱۵۷ و سایر مواد از قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام حل و فصل گردیده و از ناحیه خواهان دلیل مؤثر و موجهی که موجبات نقض یا بی‌اعتباری رأی معترض به را فراهم آورد ارائه و ابراز نگردیده و از طرفی در رسیدگی از حیث شکلی و ماهوی و رعایت قوانین و مقررات ایراد و اشکالی ثابت نیست لذا با عدم احراز نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها در مبانی استدلال رأی خواسته غیرموجه تشخیص و با اجازه حاصله از ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ضمن تأیید رأی معترض به حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

ج: شعبه ۲۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۲۰۰۰۹۱۸ موضوع دادخواست آقای غلامرضا احمدی کیا به طرفیت اداره کار و امور اجتماعی اصفهان و به خواسته اعتراض به رأی شماره ۱۳۹۵/۷/۱۱-۳۱۱ صادره از هیأت حل اختلاف و درخواست نقض آن به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۱۲/۱۴-۲۶۵۲-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۲۰۰۲۶۵۲ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست آقای غلامرضا احمدی کیا به طرفیت خوانده و در اعتراض به رأی شماره ۳۱۱-

۱۳۹۵/۷/۱۱ با توجه به شرح شکایت شاکی و دفاع خواننده و اسناد و محتویات پرونده متشکله در اداره کار و اظهارات طرفین نظر به اینکه شاکی بازنشسته گردیده است از طرفی همان گونه که در متن دادخواست قید گردیده مبلغ مربوط به ۴٪ سختی کار که برابر ماده ۴ آیین نامه اجرایی کارهای سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران تکلیف کارفرما بوده است که اقدام نکرده و شخص کارگر به هر دلیل آن را پرداخت نموده است بر این اساس ایرادی متوجه رأی در اداره کار نیست حکم به رد شکایت شاکی مستندا به ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر و اعلام می گردد. رأی صادره با توجه به اقامتگاه اعلامی ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به درخواست هر یک از طرفین یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنها خواهد بود متذکر می گرد شاکی نظریه ترفعی بودن موضوع می تواند در دادگستری محل علیه کارفرما طرح دادخواست نموده چنانچه ثابت شود تقصیری متوجه کارفرما باشد بدیهی است احقاق حق خواهد شد.

در اثر تجدیدنظر خواهی از رأی مذکور، شعبه ۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۶/۸/۱۴-۱۳۹۵۴۰۲۲۵۴۰۹۵۵۴۰۹۹۷۰۹۶۰ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می کند.

عمده دلیل در رأی شعبه بدوی بازنشستگی شاکی است که به موجب رأی هیأت عمومی بازنشستگی مانع احتساب سوابق سخت و زیان آور یا هر حقی که از کارگر تزییع شده است نمی گردد ضمن آن که کارفرما مکلف بوده در هنگام اشتغال حق بیمه را مطابق نوع کار و مدت و تمام جوانب لزوم الرعايه پرداخت نماید که عدم انجام مانع الزام به انجام هیچ یک از قبیل کارفرما - اداره کار و تأمین اجتماعی نیست. علی هذا مستنداً به ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی ضمن نقض رأی شعبه بدوی حکم به ورود شکایت شاکی دائر بر نقض رأی هیأت حل اختلاف و رسیدگی مجدد صادر و اعلام می گردد. رأی قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: مطابق ماده ۱۴۸ قانون کار، کارفرمایان کارگاه های مشمول قانون مکلف شده اند بر اساس قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه کردن کارگران واحد خود اقدام کنند. در بند ۴ جزء (ب) قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۷ و ۷۲ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۷۱ که در سال ۱۳۸۰ تصویب شده قانون گذار مقرر کرده از تاریخ تصویب این قانون جهت مشمولان این تبصره چهار درصد به نرخ حق بیمه مقرر در قانون تأمین اجتماعی افزوده خواهد شد که آن هم در صورت تقاضای مشمولان قانون، به طور یک جا یا به طور اقساطی توسط کارفرمایان پرداخت خواهد شد. نظر به اینکه ۴٪ حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور در اصلاح قانون تأمین اجتماعی به قانون افزوده شده است، کارفرمایان مطابق ماده ۱۴۸ قانون کار مکلف اند حق بیمه مذکور برای کارگران واجد شرایط شامل حق بیمه موضوع ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی و ۴٪ به موضوع قانون فوق الذکر برای مشمولان آن را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کنند. از آنجاکه در پرونده های موضوع تعارض کارفرما به تکلیف مقرر عمل نکرده و کارگران واجد شرایط، حق بیمه یاد شده را خود به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده است و در اجرای ماده ۱۵۷ قانون کار با مراجعه به هیئت های حل اختلاف کار، استرداد

---

---

وجوه پرداختی را مطالبه کرده و هیئت‌های حل اختلاف کار شکایت کارگران را وارد تشخیص داده‌اند و اعتراض کارفرمایان در شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری رسیدگی شده و به‌موجب دادنامه شماره ۴۴۶/۲/۲۳-۱۳۹۶ رأی بر غیر وارد دانستن شکایت صادر شده این رأی صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. رأی صحیح شعبه ۱۸ به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## درمان و توان بخشی - امور تشخیصی

تاریخ: ۶ آذر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۸۱۲، ۱۸۱۷، ۱۸۱۹، ۱۸۲۳، ۱۸۲۸ الی

کلاس پرونده: ۲۶۱۴/۹۷، ۲۶۱۹/۹۷، ۲۶۱۶/۹۷، ۲۶۱۷/۹۷ و ۲۸۷۶/۹۷ الی ۲۸۸۱/۹۷

**موضوع:** اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص عطف به ماسبق نشدن آثار نظریه کمیسیون ماده ۱۲۰ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران)

**شاکی:** آقایان سعید هدایتی، شهریار صفری راد، حسین مهرزاد خسمخی، فرزاد بیگی خیرنجانی، باقری زیاری (معاون قضایی دیوان عدالت اداری)، ولی اله حیدرنژاد، محمد محمودی کهنه گورابی، رسول طایبی زاده، محمدرضا تقوی سرشت، صمد عبادیان، محسن محدث (مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه)

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۶ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۵۲۷۸۸ با موضوع دادخواست آقای سعید هدایتی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام خوانده به تمامی حقوق و مزایای عقب افتاده از تاریخ بازنشستگی ۱۳۶۹/۶/۱۸ به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۶۰۰۱۵۷-۱۳۹۱/۱/۲۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

شاکی اعلام داشته این جانب آزاده جانباز ۲۵٪ جنگ تحمیلی بعد از رهایی از اسارت در کمیسیون تخصصی ۱۲۰ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۱۳۶۹/۶/۱۸ بازنشسته تلقی گردیدم اما اولین پرداختی به این جانب بابت بازنشستگی ۱۳۸۸/۱۱ بوده و از آن تاریخ (۱۳۸۸/۱۱/۳۰) حقوق خود را دریافت می‌نمایم اما حقوق و مزایای عقب افتاده را از زمان بازنشستگی ۱۳۶۹/۶/۱۸ تقاضا دارم. نظر به اینکه مشتکی عنه در لایحه تقدیمی در رابطه با رأی کمیسیون مزبور مبنی بر عطف به ماسبق نمودن آثار نظریه خود اذعان دارد لذا خواسته شاکی به حق تشخیص داده می‌شود و مشتکی عنه ملزم است برابر مقررات مطالبه معوقات حقوق جانبازی نامبرده را از زمان رأی کمیسیون ماده ۱۲۰ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران در حق شاکی پرداخت نماید. این رأی قطعی است.

در اجرای ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ نسبت به دادنامه شماره ۱۵۷-۱۳۹۱/۱/۲۷ صادره از شعبه مذکور، شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۰۹۲۰۰۵۲۷۰۹۰۰۹۹۷۰۹۲۰۹۲۰۷/۱۶-۱۳۹۲ با استدلال ذیل چنین رأیی صادر کرده است:

با توجه به محتویات پرونده نظر به این که شاکی به عنوان آزاده جانباز براساس تصمیم کمیسیون ماده ۱۲۰ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۱۸/۶/۱۳۶۹ بازنشسته گردیده است بنابراین نامبرده استحقاق دریافت حقوق بازنشستگی که از تاریخ مزبور دارا است با این وصف تعیین تاریخ تشکیل کمیسیون برای این منظور در دادنامه ۱۵۷-۱۳۹۱/۲/۲۷ شعبه ششم دیوان عدالت اداری مبنای قانونی نداشته و مبتنی بر اشتباه

است، لذا هیأت شعبه با اختیار حاصله از ماده ۱۲۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و با پذیرش اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ضمن نقض دادنامه موصوف حکم به ورود شکایت مطروحه و الزام سازمان مشتکی عنه به پرداخت حقوق بازنشستگی شاکی از تاریخ ۱۳۶۹/۶/۱۸ را صادر و اعلام می‌نماید. این رأی قطعی است.

ب- شعبه ۵ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۸۵۹۵ با موضوع دادخواست آقای حسین حسن زاده به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح و به خواسته الزام به پرداخت معوقات حقوق بازنشستگی از زمان استحقاق به‌موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۵۰۰۳۰-۱۳۹۳/۱/۱۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با عنایت به اینکه طبق صورت‌جلسه شماره ۱۳۸۷/۲/۲-۲۸۷۹ شورای عالی پزشکی وضعیت شاکی مشمول بند (ج) ماده ۱۰۸ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته لذا صرف شمول بند (ج) ماده ۱۰۸ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتن طبق صورت‌جلسه سه شورای مذکور از موجبات برقراری حقوق بازنشستگی از تاریخ مصدومیت نمی‌باشد زیرا تشخیص جانبازی و مشمول بند (ج) قرار گرفتن از موجبات برقراری حقوق از تاریخ آخرین نظریه کمیسیون ماده ۱۲۰ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده که در قضیه ما نحن فیه بر همین اساس اقدام شده است، بنابراین شکایت شاکی را غیر وارد تشخیص و حکم به رد شکایت مطروحه صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۱۳۹۳/۱۰/۲۸-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۰۷۱۶ شعبه دوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: آثار نظریه کمیسیون ماده ۱۲۰ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه وضعیت شخص منطبق با یکی از وضعیتهای ماده ۱۰۸ قانون یاد شده است از زمان صدور نظریه کمیسیون قابل اعمال است و دلیل قانونی وجود ندارد که آثار نظریه کمیسیون مذکور به پیش از تصمیم کمیسیون عطف شود؛ بنابراین رأی شعبه ۵ دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۵۰۰۳۰-۱۳۹۳/۱/۱۸ که در شعبه دوم تجدیدنظر تأیید شده و بر رد شکایت صادر شده صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی با استناد به بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## پیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۸۰۹ الی ۱۸۱۱

کلاس پرونده: ۲۶۱۲/۹۷، ۲۶۱۳/۹۷، ۲۶۱۵/۹۷

**موضوع:** اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص محاسبه تفاوت تطبیق در اضافه کار کارکنان دانشگاه علوم پزشکی)

### شاکي: آقای فیروز فاضلی

#### گردش کار:

در خصوص دادخواهی تعدادی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی به طرفیت دستگاه متبوع خود و به خواسته پرداخت مابه‌التفاوت اضافه‌کاری با احتساب تفاوت تطبیق بین آرای شعب دیوان عدالت اداری تعارض اعلام شده است.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۶۷۲۵۳، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۷۲۵۸، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۰۵۷۷، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۴۸۹۰، ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۶۷۲۵۴ با موضوع دادخواست‌های خانم‌ها زینب فخرالدین آرانی، آمنه پناهنده، صبا نظری و آقایان احمد مصدق و مهرداد شاهی نژاد به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و به خواسته مطالبه مابه‌التفاوت اضافه کار به‌موجب دادنامه‌های شماره ۱۳۹۳/۱۲/۲-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۲۸۴۱، ۱۳۹۳/۱۱/۱۱-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۲۷-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۲۴، ۱۳۹۳/۲/۶-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۲۰۵، ۱۳۹۳/۱۱/۱۱-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۲۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مذکور نظر به اینکه به صراحت تبصره ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مشمول کسور بازنشستگی هر یک از کارمندان که به‌موجب قوانین و مقررات قبلی دریافت می‌نمودند کاهش یابد تا میزان دریافتی قبلی تفاوت تطبیق دریافت خواهند نمود و این تفاوت تطبیق در محاسبه حقوق بازنشستگی نیز منظور می‌گردد و با عنایت به اینکه طبق رأی شماره ۱۳۹۱/۶/۶-۳۰۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تعیین اضافه کار می‌بایستی تفاوت تطبیق مورد لحاظ قرار گیرد علی‌هذا با این وصف محاسبه تفاوت تطبیق در تعیین اضافه کار ضرورت داشته و ضمن وارد دانستن شکایت مستنداً به مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم بر الزام مشتکی‌عنه به پرداخت مابه‌التفاوت اضافه کار که با لحاظ تفاوت تطبیق در محاسبه اضافه کار حاصل خواهد شد صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد. آرای شماره ۱۳۹۳/۱۱/۱۱-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۲۸۴۱، ۱۳۹۳/۲/۶-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۲۳ به‌موجب آرای شماره

۱۹۷۴-۹۵۵۹۰۹۹۷۰۹۵-۹۵/۸/۱۳۹۵، ۱۳۹۳/۱۰/۱۶-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۶۴۳، ۱۳۹۵/۸/۲۲-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۹۹۷۴  
تجدید نظر و دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی شماره ۲۷-۱۰۰۰۰۲۷-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۰۲۷، شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۳۲۴-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۳۲۴-۱۳۹۳/۸/۲۶ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض کرده است:  
نظر به اوراق پرونده و مدافعات دانشگاه علوم پزشکی لرستان از آنجاکه موجب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و بند ب ماده ۲۰ قانون پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران دانشگاهها بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات حاکم به دستگاههای دولتی به ویژه قانون مدیریت خدمات کشوری و تنها در چارچوب مصوب و آیین نامه های مالی، معاملاتی مصوب هیأت امناء که به تأیید رئیس جمهوری رسیده باشد عمل می نمایند با توجه به بند ۱۰ ماده ۵۴ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی مصوب هیأت امناء مورد محاسبه برای تعیین اضافه کار مشخص و تفاوت تطبیق در زمره ارقام مذکور نبوده و از سوی دیگر رأی شماره ۳۰۰-۱۳۹۱/۶/۶-۱۳۹۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خروج موضوعی از موضوع شکایت شاکی که در زمره مقررات قانونی مذکور بوده، داشته لذا تجدیدنظرخواهی دانشگاه تجدیدنظر خواه وارد شعبه به استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن نقض دادنامه معترض به شکایت شاکی را غیر وارد و حکم به رد شکایت وی صادر و اعلام می دارد. رأی صادره قطعی است.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی شماره ۲۵-۱۰۰۰۰۲۵-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۰۲۵، شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۴۸۸-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۴۸۸-۱۳۹۳/۹/۱۹-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۴۸۸ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض کرده است:  
نظر به اوراق پرونده و بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۶ و بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنج ساله مصوب ۱۳۸۹ و بند ۱۰ ماده ۵۴ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای غیر علمی دانشگاهها از آنجاکه حسب مقررات مذکور هیأت امنای دانشگاه در محاسبه اضافه کار تفاوت تطبیق را از موارد محاسبه در میزان اضافه کاری مورد محاسبه قرار نداده اند بنابراین الزام به محاسبه آن مبنای قانونی ندارد لذا تجدیدنظرخواهی دانشگاه علوم پزشکی لرستان وارد ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می گردد. رأی صادره قطعی است.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی شماره ۲۴-۱۰۰۰۰۲۴-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۰۲۴، شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۳۲۵-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۳۲۵-۱۳۹۳/۸/۲۷-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۳۲۵ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می کند:  
نظر به اوراق پرونده و مدافعات دانشگاه علوم پزشکی لرستان از آنجاکه به موجب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و بند ب ۲۰ قانون پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران دانشگاه بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات حاکم به دستگاههای دولتی به ویژه قانون مدیریت خدمات کشوری و تنها در چارچوب مصوب و آیین نامه های مالی، معاملاتی مصوب هیأت امناء که به تأیید رئیس جمهوری رسیده باشد عمل می نمایند با توجه به بند ۱۰ ماده ۵۴ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی مصوب هیأت امناء اقدام مورد محاسبه برای تعیین اضافه کار مشخص و تفاوت تطبیق در زمره اقدام مذکور نبوده و از سوی دیگر رأی شماره ۳۰۰-۱۳۹۱/۶/۶-۱۳۹۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خروج موضوعی از موضوع شکایت شاکی که در زمره مقررات قانونی مذکور بوده، داشته، لذا تجدیدنظرخواهی دانشگاه تجدیدنظر خواه وارد شعبه به استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن نقض دادنامه معترض به شکایت شاکی را غیر وارد و حکم به رد شکایت وی صادر و اعلام می دارد. رأی صادره قطعی است.

ب: شعبه اول بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۵۵۶۹۶-۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۵۵۶۹۶ ب موضوع دادخواست آقای بهروز رفیعی پور به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان لرستان

و به خواسته الزام دانشگاه به پرداخت مابه‌التفاوت اضافه‌کاریهای پرداختی به دلیل عدم محاسبه تفاوت تطبیق به‌موجب دادنامه شماره ۱۰۱۶۸۹/۱۰۹۹۷۰۹۰۰۹۲۰۷-۱۳۹۲/۱۰/۷ صادر کرده است:

نظر به اینکه هر چند بر اساس رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۳۰۰-۱۳۹۱/۶/۶ ماده ۱ دستورالعمل اجرایی بند ۹ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهوری که طی بخشنامه ۱۳۸۸/۲/۲۱-۲۰۰/۱۴۵۹۳ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست‌جمهوری ابلاغ شده است، از همان تاریخ (۱۳۸۸/۲/۲۱) ابطال گردیده و در تعیین اضافه کار باید تفاوت تطبیق که تابعی از حقوق ثابت است مورد لحاظ قرار گیرد و لاکن دانشگاه‌ها بر اساس ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم و ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم از مورخ ۱۳۸۴/۱/۱ تاکنون بر اساس آیین‌نامه‌های اداری و استخدامی و مالی مصوب هیئت‌های خود اداره می‌شوند و از اجرای سایر قوانین از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنی می‌باشند و با عنایت به بند ۱۰ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی مصوب هیأت امناء مجوزی جهت محاسبه و پرداخت آئتم تفاوت تطبیق تصویب نکرده‌اند، بنابراین به استناد مراتب فوق‌الاشاره و اینکه شاکی دلیل و مدرک مؤثر و وجهی که موجب اجابت خواسته وی گردد ارائه ننموده و طرف شکایت وفق مقررات قانونی اقدام نموده است و مستنداً به ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید، رأی صادره مستنداً به ماده ۶۵ قانون اخیرالذکر ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور، شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۴/۷-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۷۱۸ چنین رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه شاکی (تجدیدنظرخواه) از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ تقاضای احتساب تفاوت تطبیق در پرداخت اضافه‌کاری را نموده است و با توجه به اینکه آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ تصویب گردیده است و قبل از تصویب آیین‌نامه مذکور کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی تابع مقررات قانون مدیریت خدمات کشوری بوده‌اند و چون طبق بند ۹ ماده ۶۸ و رأی وحدت رویه شماره ۳۰۰-۱۳۹۱/۶/۶ احتساب تفاوت تطبیق در اضافه‌کاری مقرر شده است علی‌هذا ضمن پذیرش تجدیدنظرخواهی و نقض رأی معترض‌عنه از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ تاریخ تصویب آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیأت علمی حکم به ورود شکایت دایر بر احتساب تفاوت تطبیق در پرداخت اضافه‌کاری صادر و اعلام می‌نماید، لیکن نسبت به مدت بعد از تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ به دلیل اجرایی شدن آیین‌نامه یاد شده و عدم پیش‌بینی تفاوت تطبیق در پرداخت اضافه‌کاری رأی معترض‌عنه در این قسمت موافق مقررات تشخیص

و ضمن رد تجدیدنظرخواهی رأی معترض‌عنه تائید می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ج: شعبه ۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۶۸۹۶۴-۱۰۹۹۸۰۹۰۰۹۱۰ با موضوع دادخواست آقای فیروز فاضلی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی لرستان و به خواسته الزام دانشگاه به پرداخت مابه‌التفاوت اضافه‌کاری پرداختی به دلیل عدم محاسبه تفاوت تطبیق که تابعی از حقوق و مزایای ثابت و مستمر در پرداخت اضافه‌کاری به‌موجب دادنامه شماره ۲۰۷۴۸-۲۰۰۹۹۷۰۹۰۰۹۳۰۶/۲۵-۱۳۹۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست آقای فیروز فاضلی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی لرستان به خواسته الزام دانشگاه به پرداخت مابه‌التفاوت اضافه‌کاریهای پرداختی به دلیل عدم محاسبه تفاوت تطبیق که تابعی از حقوق و مزایای ثابت و مستمر در پرداخت اضافه‌کاری برابر ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری شعبه



تطبیق در اضافه کاری و پرداختی از تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۱ لغایت اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ صادر و اعلام می‌گردد و نسبت به مدت بعد از تاریخ مذکور به دلیل لازم‌الاجرا شدن مصوبه هیأت امناء رأی صادره مطابق مقررات اصدار یافته و ضمن رد تجدیدنظرخواهی رأی معترض‌عنه در این قسمت تأیید می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

هـ: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۶۷۲۵۰ با موضوع دادخواست خانم فاطمه رحیم آرانی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی کاشان و به خواسته دریافت مابه‌التفاوت اضافه کار از تاریخ اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری به‌موجب دادنامه شماره ۱۸۱۱/۳۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰/۱۳۹۳/۹/۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه مطابق بند ۱۰ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری و استخدامی دانشگاه‌ها، تفاوت تطبیق در محاسبه فوق‌العاده اضافه کار لحاظ نمی‌گردد؛ بنابراین شکایت شاکی موجه نیست لذا رأی به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است. و: شعبه ۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۰۹۰۲۲۶۰ با موضوع دادخواست آقای غلامرضا عرب سعیدی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و به خواسته دریافت مابه‌التفاوت اضافه کار از تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱ تاکنون به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۳/۲۲-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۳۸۵ با شرح زیر رأی صادر کرده است:

با ملاحظه اوراق و محتویات پرونده در خصوص شکایت شاکی به شرح دادخواست تقدیمی و با توجه به لایحه جوابیه طرف شکایت و نظر به اینکه اولاً: دانشگاه‌ها برابر بند ب از ماده ۲۰ برنامه پنجم توسعه تابع نظرات و تصمیمات هیأت امناء می‌باشند و در این خصوص هیأت امناء نحوه محاسبه اضافه کار را به صراحت بند ۱۰ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور بر مبنای فرمول (حق شغل + حق مدیریت + حق شاغل = جمع ردیفها تقسیم بر عدد ۱۷۶) تعیین نموده و موضوع خارج از ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری است و رأی وحدت رویه شماره ۳۰۰-۱۳۹۱/۶/۶-۱۳۹۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قابل تسری به دانشگاه‌های علوم پزشکی نمی‌باشد. شکایت شاکی در موقعیت فعلی غیر وارد تشخیص و مستفاد از ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره وفق ماده ۶۵ قانون دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

ز: شعبه ۴۱ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۴۱۰۱۵۷۳ با موضوع دادخواست آقای مصطفی نصراله زاده به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی کاشان و به خواسته دریافت مابه‌التفاوت اضافه کار از تاریخ اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری تاکنون به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۵/۱۷-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۴۱۰۰۶۶۶ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به بررسی اوراق و محتویات پرونده مطابق بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش و پرورش از لحاظ اداری و استخدامی صرفاً در چهارچوب مصوبات هیأت امناء اداره می‌گردند و بر اساس بند ۱۰ ماده ۵۶ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی تفاوت تطبیق در محاسبه فوق‌العاده اضافه کار لحاظ نمی‌گردد؛ بنابراین شکایت مطروحه غیرموجه تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به

صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: به موجب بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری فقط در چارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری - استخدامی - تشکیلاتی مصوب هیأت امناء عمل می‌کنند.

مطابق بند (۱۰) ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور که از تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱ اجرایی شده است دانشگاه‌ها مکلف و موظف شدند در پرداخت اضافه‌کاری فقط حق شغل، حق شاغل و فوق‌العاده مدیریت را محاسبه و پرداخت کنند. در بند "ز" ماده ۵۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مقرر شده که تفاوت تطبیق موضوع تبصره ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در محاسبه فوق‌العاده‌های موضوع بند ۹ ماده ۶۸ قانون مذکور لحاظ نمی‌شود و اضافه‌کاری یکی از مصادیق بند ۹ ماده ۶۸ قانون یاد شده است. آنچه هیأت عمومی در رأی شماره ۳۰۰-۱۳۹۱/۶/۶ و در زمان حاکمیت بند "ز" ماده ۵۰ قانون فوق‌الذکر و برخلاف آن استدلال کرده و در تعیین اضافه‌کار، تفاوت تطبیق را مورد لحاظ قرار داده بود به واسطه رسیدگی به تقاضای ابطال بخشنامه سال ۱۳۸۸ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور به لحاظ مغایرت آن با جزء (ب) از بند ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ به‌عنوان قانون حاکم در زمان وضع بخشنامه بوده و بخشنامه از تاریخ تصویب آن ابطال شد، بنابراین از زمان حاکمیت قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در خصوص دستگاه‌هایی که مشمول حکم قانون مذکور هستند و از زمان اجرایی شدن آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور به شرح فوق‌الذکر، دلیلی وجود ندارد که تفاوت تطبیق در محاسبه اضافه‌کار لحاظ شود. از این‌رو رأی صادر شده به غیر وارد دانستن شکایت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۸۴۱

کلاس پرونده: ۸۴۸/۹۶

موضوع: ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۲/۱۸ - ۹۵/م/۱۸۰/۳۸۰۸۸ وزارت آموزش و پرورش (در خصوص شرایط جسمانی، روانی و توانایی حسن انجام وظایف محوله برای حرفه معلمی)

شاکی: خانم زهره کریمی

### گردش کار:

شاکی به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۲/۱۸ - ۹۵/م/۱۸۰/۳۸۰۸۸ وزارت آموزش و پرورش را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ ضمن عرض سلام و ادب و احترام به استحضار عالی می‌رساند حسب تجویز حاصله از ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری قبل از ورود به ماهیت دعوی نسبت به تصمیم غیرقانونی و صدور بخشنامه ناقض قانون و اعمال سلیقه در برابر قانون توسط مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش که موجبات نقض و اجرا نشدن مصوبه کمیسیون منابع انسانی شورای عالی آموزش و پرورش (موضوع جلسه ۱۳۹۵/۹/۱ - ۲۵۴ که علاوه بر اینکه خود حکم قانون را دارد در راستای تحقق بند "ز" ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب شده است) معترض بوده و خواهان ابطال بخشنامه فوق‌الذکر و بازگرداندن حق استخدامی به این‌جانب می‌باشم."

۱- این‌جانب پذیرفته شده سه برابر ظرفیت آزمون استخدامی پیمانی سال ۱۳۹۵ موضوع مجوز شماره ۶۸۴۳۷۰ - ۱۳۹۵/۵/۳۰ در رشته دبیری ریاضی شهرستان قروه (استان کردستان) می‌باشم.  
۲- مرحله دوم جهت پذیرش در استخدامی انجام مصاحبه و معاینات پزشکی می‌باشد به استناد بند "ز" ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری که در آگهی استخدام نیز آمده است) که در این مرحله در مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ قبل از ورود به مصاحبه تنها رقیب این‌جانب به نام خانم محبوبه ثنائی زواره در معاینات پزشکی به دلیل کوتاهی قد (۱۴۸ سانتی متر) توسط پزشک معتمد به دلیل اینکه حداقل قد برای استخدام بانوان در حرفه معلمی طبق مصوبه کمیسیون منابع انسانی شورای عالی آموزش و پرورش ۱۵۵ سانتی متر می‌باشد رد صلاحیت شدند و از انجام مصاحبه باز ماندند.

۳- در اعلام نتایج نهایی در کمال ناباوری خانم محبوبه ثنائی زواره (که در مرحله پزشکی به دلیل نداشتن شرایط جسمی حرفه معلمی طبق قانون رد صلاحیت شده بودند) به‌عنوان پذیرفته شده نهایی به هسته گزینش معرفی شدند که این‌جانب مراتب اعتراض خود را جهت روشن شدن موضوع طی نامه‌های شماره

۵۶۵۳-۱۳۹۶/۱/۲۶ و پیرو همین درخواست جهت پیگیری توسط نامه شماره ۳۷۷-۱۳۹۶/۱/۲۸ از طریق فرمانداری قروه به مدیریت آموزش و پرورش استان کردستان تقدیم نمودم.

۴- مدیریت سازمان آموزش و پرورش کردستان در پاسخ به اعتراض این جانب طی نامه شماره ۹۴۱۸/۵۲۲۲۰-۱۳۹۶/۲/۱۶ را از طریق سیستم اتوماسیون اداری به فرمانداری شهرستان قروه ارسال نمودند که در این جوابیه عنوان نموده‌اند که مسئولین وزارتی متعاقباً بنا به دلائل و مصالحی که خود تشخیص داده‌اند طی بخشنامه‌ای اندازه قد را برای استخدام بانوان به ۱۵۰ کاهش داده است حال با توجه به اینکه در آگهی استخدام به صراحت آمده است که سلامت جسمانی و توانایی حسن انجام وظیفه برای حرفه معلمی به استناد بند "ز" ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری طبق ضوابط و مقررات آموزش و پرورش در مرحله مصاحبه و معاینات پزشکی مورد سنجش قرار می‌گیرد و این مقررات و ضوابط ذکر شده در آگهی استخدام بر اساس مصوبه جلسه ۲۵۴-۱۳۹۵/۹/۱ کمیسیون منابع انسانی شورای عالی آموزش و پرورش (که خود حکم قانون را دارد) در شیوهنامه انجام مصاحبه به صراحت آمده است و فرد مورد اعتراض بر این اساس رد صلاحیت شده است. حال با لحاظ توضیحات مذکور و با توجه به اینکه بخشنامه مورد اعتراض طبق آنچه در جوابیه آمده است توسط یکی از مسئولین وزارتی به صورت انفرادی (بدون در نظر گرفتن مصوبه جلسه ۲۵۴-۱۳۹۵/۹/۱ و نیز بدون در نظر گرفتن بند ز ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری) آن هم حدود ۲ ماه بعد از اعلام نتایج اولیه صادر شده و نیز خلاف قانون بودن بخشنامه و ضرر غیرقابل جبرانی که به حقوق مکتسبه این جانب وارد آورده است خواهشمندم نسبت به بررسی موضوع و دستور ابطال بخشنامه و کان لم یکن کردن قبولی اشخاصی (از جمله خانم محبوبه ثنائی زواره) که با استفاده از این بخشنامه پذیرفته شده‌اند و بازگرداندن حق استخدامی به این جانب اقدام فرمایید.

۵- علی‌رغم مراجعات مکرر و درخواست در مورد ارائه بخشنامه مورد اعتراض به بنده سازمان آموزش و پرورش از ارائه بخشنامه به دلیل آنچه محرمانه بودن بخشنامه نامیدند از ارائه آن به این جانب امتناع ورزیدند که این موضوع خود جای سؤال دارد که بخشنامه‌ای که در رابطه با استخدام شوندگان است اگر بر خلاف قانون نیست چرا باید محرمانه باشد و در اختیار آن‌ها قرار نگیرد؟

۶- لازم به ذکر است این جانب طی دو مرحله اعتراض خود را از طریق سایت پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش در مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۴ و اعتراض مجدد در ۱۳۹۶/۴/۹ با کد شکایت ۲۱۵۷۷ و کد پیگیری ۷۸۰۸۵۳۰۶۶ ثبت نموده‌ام که تا این تاریخ جوابیه قانع کننده‌ای به این جانب ارائه نشده است."

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"مدیرکل محترم اداره کل استان

آذربایجان شرقی/ آذربایجان غربی/ کردستان/ یزد/ گیلان/ زنجان/ چهارمحال و بختیاری/ خراسان رضوی/

فارس/ شهر تهران/ اردبیل/ اصفهان

موضوع: ملاک قراردادن حدود قد

با سلام و احترام، حسب دستور مقام عالی وزارت مبنی بر ملاک عمل قرار دادن حدود "قد" (موضوع نامه شماره ۶۳۷۳۶۷-۹۵/م/۱۴۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۴) جهت بررسی ویژگی‌های جسمانی معرفی شدگان آزمون استخدام پیمانی سال ۱۳۹۵، موجب امتنان است دستور فرمایید داوطلبانی که به علت مشکل فوق از روند آزمون کنار گذاشته شده‌اند مجدداً شرایط آنان مورد بررسی قرار گرفته، چنانچه "قد" داوطلبان زن در محدوده (۱۵۰ تا ۱۵۵ سانتی متر) و مردان (۱۵۵ تا ۱۶۰ سانتی متر) باشد در فرآیند جذب و پذیرش قرار گرفته و با رعایت سایر شرایط و ضوابط مربوط، مصاحبه استخدامی به عمل آید. شایان ذکر است در صورت انجام مصاحبه استخدامی، امتیاز آنان در سامانه درج شود و چنانچه امکان درج در سامانه فراهم نباشد اطلاعات

آنان حداکثر تا آخر وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ در اختیار این مرکز قرار گیرد. رئیس مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و فناوری اطلاعات " در پاسخ به شکایت مذکور، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش به موجب لایحه شماره ۸۱۰/۱۴۱۸۵۳-۱۳۹۶/۸/۳ توضیح داده است که:

"دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با سلام و احترام. در خصوص دادخواست خانم زهره کریمی با موضوع "ابطال بخشنامه شماره ۹۵/م/۱۸۰/۳۸۰۸۸ مورخ ۹۵/۱۲/۱۸ وزارت آموزش و پرورش" لایحه دفاعیه این دفتر به شرح ذیل تقدیم می‌گردد.

۱- براساس بند "ت" ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری درخواست کننده ابطال مصوبات باید دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده را به وضوح در درخواست خود تصریح نماید که با ملاحظه دادخواست شاکی این اقدام معمول نگردیده و مشخص نیست که اطلاعیه مذکور با کدام یک از موارد ذکر شده در بند "ت" ماده ۸۰ مغایرت دارد، همان گونه که مستحضرید اعلام مغایرت یک تصمیم با مصوبات دولت و یا مغایرت دو بخشنامه و یا مغایرت با مصوبات شورای آموزش و پرورش از مصادیق ماده مذکور و اصل ۱۷۰ قانون اساسی نبوده و عدم اقدام در این جهت با ضمانت اجرا و حکم مقرر در بند ۳ ماده ۸۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مواجه خواهد بود، لذا رد خواسته مطابق مستند اخیرالذکر مورد استدعاست.

۲- نامبرده در متن دادخواست، ادعای مغایرت بخشنامه مذکور را با مصوبه جلسه ۲۵۴-۱۳۹۵/۹/۱ کمیسیون منابع انسانی شورای عالی آموزش و پرورش نموده است، همان گونه که در بند فوق اعلام شد، اولاً: مصوبه کمیسیون مذکور از مصادیق قانون و شرع نبوده و قابل رسیدگی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیست ثانیاً به استناد بندهای ۱ و ۳ شرح وظایف کمیسیون منابع انسانی موضوع آیین نامه کمیسیون های شورای عالی آموزش و پرورش مصوب جلسه ۸۸۸ شورای عالی آموزش و پرورش، این کمیسیون متولی انجام کارهای کارشناسی مورد نیاز شورای عالی آموزش و پرورش، در موضوعات تعیین شده می باشد و صرفاً مرجع صالح برای بررسی و پیشنهاد شرایط و ضوابط جذب معلمان به شورای عالی است و راساً نمی تواند مصوبه لازم الاجرا در این خصوص صادر نماید، بلکه به استناد بند ۱۱ ماده ۶ قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش مرجع صلاحیت دار برای تصویب شرایط و ضوابط مذکور، شورای عالی آموزش و پرورش می باشد.

۳- ضوابط مربوط به ویژگی های جسمانی به استناد ماده ۱ و ۳ آیین نامه اجرایی بند "ز" ماده ۴۲، ماده ۴۳ و ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و همچنین دستورالعمل شماره ۲۰/۹۳/۹۷۵۷-۱۳۹۳/۷/۱۹ سازمان اداری و استخدامی کشور بوده است. به استناد ماده ۱ و ۳ آیین نامه اجرایی بند "ز" ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری به شماره ابلاغی ۴۴۱۷۸/۸۸۳۸۴-۱۳۸۹/۴/۲۳ وزراء عضو بند ۱ و ۲ ماده ۱۲ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش و مطابق مفاد دفترچه راهنمای آزمون استخدامی آموزش و پرورش در سومین آزمون متمرکز دستگاه های اجرایی کشور (آبان ماه ۱۳۹۵)، بخشنامه شماره ۱۸۰/۱۸۸۱۸۹/۲۵-۱۳۹۵/۱۰/۲۶ و همچنین نامه شماره ۹۵/م/۱۸۰/۳۸۰-۱۳۹۵/۱۲/۱۸ از ایشان مصاحبه به عمل آمده است براین اساس وی با کسب نمره کل نهایی ۶۰۷۱ نتوانسته در مقایسه با سایر داوطلبان در همان کد شغل محل در ردیف قبول شدگان نهایی قرار گیرد.

۴- به موجب آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری به شماره های ۴۷۴ و ۴۷۵-۱۳۹۶/۵/۱۷ مفاد و شرایط مقرر در آگهی های استخدام از حیث الزام به رعایت آن توسط داوطلبان استخدام و صلاحیت قانونی دستگاه های استخدام کننده نسبت به درج شرایط اختصاصی جهت داوطلبان استخدام مورد تأیید هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفته است.

۵- شرایط مشاغل اختصاصی وزارت آموزش و پرورش از لحاظ شرایط احراز مشاغل و ... تحت عنوان طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان طی جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۳ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، تصویب و طی بخشنامه شماره ۲۲۰/۹۱/۴۳۰۷۵-۱۳۹۱/۱۱/۲۴ جهت اجرا از سوی معاونت راهبری منابع انسانی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور به وزارت متبوع ابلاغ شده است و بر همین اساس وزارت آموزش و پرورش با رعایت شرایط احراز و ارتباط رشته‌های تحصیلی با شغل مورد تقاضا و سایر ضوابط اقدام به تهیه و پیشنهاد آگهی استخدام پیمانی سال ۱۳۹۵ به سازمان اداری و استخدامی کشور نموده و سازمان مذکور نیز طی نامه شماره ۱۲۲۸۹۴-۱۳۹۵/۷/۱۷ آگهی مذکور را تأیید نموده است.

بنا به مراتب مذکور و نظر به اینکه دادخواست مطروحه، بدون اعلام مستند قانونی خلاف شرع یا خلاف قانون بودن یا خروج از اختیارات این وزارتخانه طرح و تقدیم شده است، همچنین با عنایت به اینکه مراتب فوق و اختیارات قانونی آموزش و پرورش در جهت تعیین شرایط و مقررات لازم برای استخدام معلمان و اینکه شرایط اختصاصی در آگهی استخدام به اطلاع داوطلبان رسیده و با ملاحظه آراء وحدت رویه مذکور و اینکه احقاق حق نامبرده و پذیرش آن در صلاحیت هیأت عمومی نمی‌باشد لذا اقدامات آموزش و پرورش در جهت درج شرایط استخدام، اقدامی قانونی و در حدود صلاحیت و اختیارات محسوب می‌شود رد شکایت مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

هر چند وزارت آموزش و پرورش مجاز است به استناد بند (ز) ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری و رعایت آیین‌نامه اجرایی مربوط، معیارهای توانایی جسمی و شرایط فیزیکی مناسب برای استخدام مشاغل از جمله میزان قد داوطلبین برای مشاغل آموزشی را تعیین کند و رأی شماره ۱۳۱۲-۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مؤید این امر است، لیکن از آنجایی که در دفترچه آزمون استخدامی سال ۱۳۹۵ وزارت آموزش و پرورش مقرر شده، داشتن سلامت جسمانی، روانی و توانایی حسن انجام وظایف محوله برای حرفه معلمی طبق ضوابط و مقررات آموزش و پرورش مورد سنجش قرار می‌گیرد و در آن مقطع زمانی طبق مصوبه آموزش و پرورش قد مناسب برای داوطلبان زن جهت استخدام ۱۵۵ سانتی متر تعیین شده است، ثانیاً: دستگاه‌های اجرایی موظف هستند شرایطی را که وفق مقررات قانونی تعیین و در آگهی استخدام درج کرده‌اند، رعایت کنند و آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۴۷۵ و ۴۷۴-۱۳۹۶/۵/۱۷ شرایط قید شده در آگهی‌های استخدامی را الزام‌آور دانسته است و داوطلبان با آگهی از این موضوع در آزمون شرکت کرده‌اند، بنابراین تغییر بعدی شرایط آزمون استخدامی که در نامه رئیس مرکز برنامه‌ریزی، منابع انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش پس از برگزاری آزمون به کاهش میزان قد داوطلبین زن از ۱۵۵ به ۱۵۰ سانتی متر صادر شده، مغایر با بند "ز" ماده ۴۲ و ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری از حیث عدم رعایت شرایط آگهی استخدام است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## پیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۸۸۱

کلاس پرونده: ۱۵۴۷/۹۶

**موضوع:** ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۲/۱ هیأت امنای دانشگاه بوعلی سینا همدان (در خصوص تفویض اختیار وظایف قانونی هیأت امناء به مراجع دیگر)

### شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۱۵۰۸۳-۱۳۹۶/۱۰/۴، ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۲/۱ هیأت امنای دانشگاه بوعلی سینا همدان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی، رئیس محترم دیوان عدالت اداری، سلام علیکم. احتراماً مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۲/۱ هیأت امنای دانشگاه بوعلی سینا همدان از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت. در مصوبه مذکور تصریح شده است "مصوبه به استناد بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه انتخاب موسسه حسابرسی برای انجام حسابرسی دانشگاه های عضو به کمیسیون دائمی هیأت امناء تفویض گردید". با توجه به اینکه در قوانین مربوط مجوزی برای تفویض اختیار وظایف قانونی هیأت امناء به مراجع دیگر پیش بینی نگردیده و در بند (ه) ماده ۷ قانون تشکیل هیأت امنای دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز چنین اجازه ای ملاحظه نمی شود و اختیارات هیأت امناء دانشگاه ها به اعتبار شخصیت اعضای آن است و هر نوع تفویض و واگذاری اختیار در دستگاه های دولتی به مراجع دیگر، مستلزم اجازه مراجع قانونی است، بنابراین مصوبه مذکور خارج از اختیار هیأت امنای آن دانشگاه می باشد، از این رو در اجرای تبصره ۲ بند (د) ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اعلام می شود، خواهشمند است دستور فرمایید رسیدگی به مصوبه فوق الذکر در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گیرد.

گفتنی است چنانچه در رسیدگی به مصوبه هیأت امنای دانشگاه بوعلی سینا به مصوبه جلسه ۶۳۰ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی استناد شود، باید گفت به موجب اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوبات خلاف قوانین و مقررات اسلامی و یا خارج از حدود اختیارات واضعین قابل ابطال در دیوان عدالت اداری می باشد. از طرف دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی صلاحیت تحدید حدود و اختیارات یک مرجع قضایی قانونی (که مورد اشاره قانون اساسی نیز قرار گرفته) را ندارد. ضمن آن که در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲) حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان

به شرح زیر اعلام شده است: "۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلفات در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می‌شود ... " و در تبصره آن صرفاً رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضاییه و آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضاییه و مصوبات تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است. مفهوم مخالف آن این است که به غیر از این مصوبات، مصوبات سایر دستگاه‌های دولتی از جمله مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قابل رسیدگی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. از این رو شایسته است بدون توجه به مصوبه جلسه ۶۳۰-۱۳۸۷/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به مصوبه خلاف هیأت امنای دانشگاه بوعلی سینا همدان رسیدگی و اتخاذ تصمیم شود."

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

هیأت امناء دانشگاه بوعلی سینا

صورت جلسه پنجمین نشست عادی از دوره هفتم هیأت امنای مورخ ۱۳۹۵/۲/۱

دستور هفتم: (موضوع مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ کمیسیون دائمی)

گزارش حسابرسی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ و انتخاب موسسه حسابرسی برای سال مالی ۱۳۹۴

دانشگاه‌های عضو هیأت امناء

مصوبه: به استناد بند "ب" ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و بند "هـ" ماده ۷ قانون نحوه تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و ماده ۵۵ آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها، گزارش حسابرسی سال ۱۳۹۲ دانشگاه نهند و گزارش حسابرسی سال ۱۳۹۳ دانشگاه‌های بوعلی سینا و ملایر، پس از استماع اعضا به تصویب رسید و مقرر گردید در خصوص انجام موارد ذیل اقدام مقتضی معمول گردد. همچنین انتخاب موسسه حسابرسی برای انجام حسابرسی سال ۱۳۹۴ دانشگاه‌های عضو، به کمیسیون دائمی هیأت امنای آتی تفویض گردید.

موارد مربوط به دانشگاه بوعلی سینا:

- ۱- انجام تعدیل سنواتی بابت زمین‌های دانشگاه
- ۲- پیگیری رفع ایراد ثبت سوابق ریالی عملیات انبار در سیستم حسابداری
- ۳- تفکیک اقلام اموال و اثاثیه سنوات گذشته
- ۴- پیگیری استقرار سیستم حسابداری دارایی‌های ثابت
- ۵- سامان دهی ساختمان‌های فاقد سند مالکیت
- ۶- پیگیری اسناد مالکیت املاک تصرف نشده واقع در تپه مصلی از طریق استانداری و مسئولین ارشد

استان

موارد مربوط به دانشگاه ملایر:

- ۱- اقدام برای استقرار نظام حسابداری تعهدی
  - موارد مربوط به دانشگاه نهند:
  - ۱- تعیین تکلیف ملک خریداری شده از اداره اطلاعات شهرستان نهند تا نشست بعدی هیأت امناء
  - ۲- تأدیه ذخیره سنوات کارکنان از محل اعتبارات دانشگاه
- دستور هشتم: (موضوع مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۲ کمیسیون دائمی)

جابجایی بخشی از اعتبارات مصوب هزینه‌ای برنامه کارشناسی دانشگاه ملایر به برنامه خدمات رفاهی دانشجویان

مصوبه: به استناد بند "ب" ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، تبصره ۲ ماده ۲۶ آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه و با عنایت به نامه شماره ۳۴۱۰-۱۰/۲۱/۱۳۹۴ دانشگاه ملایر با جابجایی مبلغ ۸/۷۸۰ میلیون ریال اعتبارات مصوب هزینه‌ای برنامه کارشناسی سال ۱۳۹۴ این دانشگاه به برنامه خدمات رفاهی دانشجویان، با رعایت مفاد آیین‌نامه مالی و معاملاتی و کلیه ضوابط و مقررات مربوطه و مشروط به انجام کلیه تعهدات و پرداخت مطالبات موافقت به عمل آمد. - مشاور وزیر و رئیس مرکز هیئت‌های امناء و هیئت‌های ممیزه در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس دانشگاه بوعلی سینا به‌موجب لایحه شماره ۱۳۳-۱۳۹۷/۱/۲۰ توضیح داده است که: "مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ بازگشت به ابلاغیه شماره ۱۵۴۷/۹۶-۱۳۹۶/۱۲/۸ موضوع پرونده شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۲۴۲ در خصوص ایراد سازمان بازرسی کل کشور به مصوبه هفتم هیأت امنای مورخ ۱۳۹۵/۲/۱ این دانشگاه به استحضار می‌رساند: موارد درخواستی دانشگاه‌ها جهت اخذ مجوز هیأت امناء ابتدا در کمیسیون دائمی هیأت امناء به‌صورت تخصصی بررسی شده و مصوبات این کمیسیون جهت تأیید نهایی در دستور کار هیأت امناء قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۴، نامه (درخواست) انتخاب و رزومه مؤسسات حسابرسی از سوی دانشگاه‌های عضو جهت بررسی اولیه و تأیید کمیسیون واصل نشده بود لذا موضوع، بدون بررسی در کمیسیون دائمی هیأت امناء به‌طور مستقیم در دستور کار هیأت امناء قرار گرفت و از آنجایی که این موضوع (انتخاب مؤسسات حسابرسی) مصوبه اولیه کمیسیون دائمی را نداشت و از طرفی جلسه بعدی هیأت امناء ۱۳۹۵/۱۱/۲ بوده و تعیین مؤسسات حسابرسی در این جلسه برای سال ۱۳۹۴ با تأخیر زیادی مواجه می‌شده و لازم بوده که هر چه سریعتر نسبت به انتخاب مؤسسات حسابرسی اقدام گردد، بنابراین بر اساس تصمیم هیأت امناء مقرر گردید که استثنائاً فقط برای سال ۱۳۹۴ (صرفاً به مدت یک سال) انتخاب مؤسسات حسابرسی دانشگاه‌ها به کمیسیون دائمی تفویض گردد که این تصمیم برای سال ۱۳۹۴ انجام شده و به اتمام رسیده است. همچنین برابر مستندات پیوست و بر اساس بند "ز" ماده ۷ قانون نحوه تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و ماده ۱۷ آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها، تعیین مؤسسات حسابرسی برای سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ در تاریخ‌های ۱۳۹۵/۱۱/۲ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۴ توسط خود هیأت امناء مصوب شده و انجام گرفته است. لذا با عنایت به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه مصوبه موضوع پرونده فقط مربوط به سال ۱۳۹۴ بوده و اجرا شده است استدعای رد تقاضای سازمان بازرسی را دارد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه در بندهای (ز) و (ه) ماده ۷ مصوبه جلسات ۱۸۳ و ۱۸۱ سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی موسوم به قانون تشکیل هیأت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، وظایف و اختیارات هیأت امناء به‌طور صریح مشخص شده است و تعیین حسابرِس و خزانه‌دار جزء اختیارات هیأت امناء قرار داده شده و امکان تفویض اختیار هیأت امناء در این خصوص پیش‌بینی نشده است، بنابراین اینکه هیأت امناء دانشگاه در مصوبه ۱۳۹۵/۲/۱ انتخاب موسسه حسابرسی برای سال ۱۳۹۴ دانشگاه را به کمیسیون دائمی

---

---

دانشگاه واگذار و تفویض کرده از حدود اختیارات هیأت امناء خارج است و مغایر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است، بنابراین مصوبه ۱۳۹۵/۲/۱ هیأت امناء دانشگاه، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماد ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

محمدکاظم بهرامی  
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۴ دی ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۸۹۷ الی ۱۸۹۹

کلاس پرونده: ۱۷۹۴/۹۷، ۱۷۹۶/۹۷، ۱۷۹۷/۹۷

**موضوع:** اعلام تعارض در آرای شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص برخورداری شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی موسوم به مراکز اورژانس ۱۱۵ و نیز شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شبانه‌روزی دولتی و غیردولتی از امتیازات قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت)

**شاکی:** آقایان محمدابراهیم رباط جزئی، دکتر عبدالرضا فاضل (رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گلستان)، داراب با فکر، جمال رضایی اوریمی

### گردش کار:

در خصوص دادخواست اشخاص به خواسته الزام مرکز مدیریت و حوادث فوریت‌های پزشکی به اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری و بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب سال ۱۳۸۸ و پرداخت معوقه ناشی از آن، شعب دیوان عدالت اداری آراء معارض صادر کرده‌اند که به شرح زیر ذکر می‌شود.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳، ۲۱، ۳۸ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۲۰۴۱، ۲۱۰۲۱۰۹۰۹۹۸۰۹۴۰، ۲۱۰۰۴۶۶، ۲۱۰۰۳۴۹، ۲۱۰۰۴۸۳۰۰، ۲۱۰۰۰۹۳۰۰، ۲۱۰۰۱۷۷، ۲۱۰۰۹۹۸۰۹۶۰، ۲۱۰۰۳۵۰، ۲۱۰۰۳۴۸، ۲۱۰۰۳۴۸، ۲۱۰۰۱۹۲۴، ۲۱۰۰۴۶۵، ۲۱۰۰۹۹۸۰۹۵۰، ۲۱۰۰۴۸۷۷۶ با موضوع دادخواست آقایان عباس میر، محمدرضا فغانی، قاسم حمیدی زاده، جواد صعودی، حسن زکی کللی، حسین شاعری، عبدالمحمد گندم ریزی، حمیدرضا شبانکاره فرد، حجت آقا یارلو، محمدجواد باقری هاشم آباد، مهدی سرخوش به طرفیت مرکز فوریت‌های پزشکی کشور و به خواسته الزام به اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری برای کارکنان فنی مرکز فوریت‌های پزشکی به‌موجب دادنامه‌های ۱۳۹۵/۱۱/۲۴ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۰۸۹۹، ۱۳۹۵/۶/۳ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۱۱۱۳، ۱۳۹۵/۷/۴ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۱۱۱۳، ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۰۶۰۴ - ۱۳۹۶/۴/۱۴، ۱۳۹۶/۴/۱۴ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۲۷۴۹، ۱۳۹۴/۱۲/۱ - ۱۳۹۶/۷/۱۱، ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۱۲۵۲ - ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۲۰۷، ۱۳۹۶/۷/۱۹ - ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۱۳۳۴، ۱۳۹۶/۴/۱۴ - ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۰۶۰۲ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۱۱۱۲، ۱۳۹۵/۱۱/۲۴ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۰۳۰۲۷۳۳، ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۲۷۳۳ - ۱۳۹۶/۱۲/۱ به شرح زیر رأی صادر کرده‌اند:

نظر به اینکه به‌موجب قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت قانون مذکور در مورد شاغلین بالینی رسته بهداشتی درمانی می‌باشد و بر اساس ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۸ شاغلین بالینی



استناد به ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته به شماره ۸۱۳ مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۳ حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد رأی صادره قطعی است.

ج: شعبه ۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۰۹۰۰۶۴۶ با موضوع دادخواست آقایان امید آدی زاده، نیما نیازی ساعی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان گلستان و به خواسته الزام به اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت و درخواست پرداخت از تاریخ اجرای آن و غرامت عدم پرداخت به‌موجب دادنامه‌های شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۸۴۴، ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۸۴۰ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با ملاحظه عنوان و محتویات پرونده در خصوص شکایت شاکی به شرح دادخواست تقدیمی و با توجه به لایحه جوابیه طرف شکایت و نظر به اینکه قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۳۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در بند ۵ آن اجرای قانون را موکول به تنظیم آیین‌نامه اجرایی نموده و هیأت وزیران در مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ این آیین‌نامه را تصویب و در ۱۳۸۸/۱۱/۱۱ ابلاغ نموده و در ماده یک این آیین‌نامه اجرایی شاغلین بالینی: به کارکنان رسته بهداشتی و درمانی اطلاق می‌شود که در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شبانه‌روزی دولتی و غیردولتی به بیماران بستری به‌صورت مستقیم ارائه خدمت می‌کند و با توجه به اینکه کارمندان اورژانس ۱۱۵ به بیماران بستری ارائه خدمت نمی‌کنند و وظیفه آن‌ها انتقال بیماران به بیمارستان می‌باشد، مشمول مفاد قانون و آیین‌نامه ارتقاء نمی‌گردند لذا دعوا را غیر وارد تشخیص و مستفاد از ماده ۱۰ قانون تشکیلات و دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره وفق ماده ۶۵ قانون دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

د: شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۷۸۷۱۷ با موضوع دادخواست آقای جمال رضایی اوریمی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی مازندران و به خواسته الزام طرف شکایت به قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت از تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۱ به‌موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۰۴۰۰۱۰۳ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه مطابق ماده یک قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی سلامت، شاغلین بالینی به کارکنان رسته بهداشتی درمانی اطلاق می‌شود که در بیمارستان‌ها به‌صورت مستقیم ارائه خدمت می‌نمایند و از طرفی مطابق دستورالعمل‌های وزارتی اعطای مزایای موضوع خواسته در صورتی قابل پرداخت می‌باشد که شیفت کاری دوازده ساعت متوالی باشد که وضعیت شاکی از شمول آن‌ها خارج است علی‌هذا الزام قانونی بر اجابت خواسته وجود ندارد شکایت غیر وارد تشخیص و حکم به رد دادخواست صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

ه: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۸۱۸۲ با موضوع دادخواست آقای پرویز قاسمی به طرفیت وزارت بهداشت و درمان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه و به خواسته مطالبات نظام ارتقاء بهره‌وری به‌موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۰۲۹۹۲ - ۹۳۰۹۹۷/۱۲/۲۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مذکور نظر به اینکه مزایای مذکور در قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب ۱۳۸۸ شامل کلیه مشاغلین بالینی رسته بهداشتی، درمانی بوده و می‌بایستی کارکنان شاغل

در بخش اورژانس نیز از مزایای قانون مذکور برخوردار گردند و با عنایت به اینکه صرف اشتغال بیش از دوازده ساعت کار مانع از برخورداری مشمول از مزایای قانون مرقوم نمی‌باشد علی‌هذا با این اوصاف شکایت شاکی را وارد تشخیص و به استناد مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم بر ورود شکایت صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب محترم تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۱۳۸۳/۲۱۸۳-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۳-۱۳۹۵/۸/۳ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تائید شده است.

و: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۴۵۱۱ با موضوع دادخواست آقای حسین شاعری به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان قزوین و به خواسته الزام به اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۹۳/۱۰/۱۶، ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۲۴۹۳ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری صادر کرده است.

در خصوص شکایت مذکور به‌اینکه وفق مصوبات شماره ۱۳۸۸/۱۱/۱۱-۱۳۸۸/۱۱/۱۱-۴۳۶۱۶/ت/۲۲۲۱۶۸-۱۳۸۸/۱۰/۱۱ و ۱۰/۳۰۶۰۲۱ هیأت وزیران مزایای قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی مصوب ۱۳۸۸ علاوه بر مستخدمینی که به‌صورت مستقیم به بیماران ارائه خدمات می‌دهند شامل رشته شغلی فوریت‌های پزشکی نیز می‌گردد و توجهاً به‌اینکه حسب دلالت حکم کارگزینی شماره ۲۸/۲۳۵۲ شاکی در پست سازمانی تکنسین فوریت‌های پزشکی اشتغال دارد لذا با این وصف شکایت شاکی را وارد تشخیص و مستنداً به مبانی اشعاری و مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲ حکم بر ورود شکایت صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب محترم تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۱۳۹۵/۸/۱۱-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۲۲۹۳ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تائید شده است.

ز: شعبه دوم بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۶۴۲۷۵ با موضوع دادخواست آقای ادربیس کر به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گلستان و به خواسته عدم اجرای قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان نظام سلامت جهت کارکنان اورژانس ۱۱۵ (تکنسینهای فوریت‌های پزشکی) به‌موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۱۳۷۱-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۳-۱۳۹۵/۱۱/۶ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص خواسته شاکی به طرفیت مشتکی‌عنه و بخواسته فوق‌الذکر با التفات به جمیع اوراق پرونده و مفاد دادخواست و دلایل و مدارک پیوست آن و توجهاً به مفاد لایحه تقدیمی از سوی طرف شکایت که طی آن ضمن ایراد شکلی که مورد پذیرش واقع نگردید اعلام داشته است موضوع در دست بررسی بوده به‌محض حصول نتیجه مراتب از طریق معاونت از طریق معاونت توسعه و منابع انسانی وزارت بهداشت ابلاغ خواهد شد؛ بنابراین با توجه به اینکه دفاع و ایراد طرف شکایت مؤثر و موجه تشخیص نگردید شکایت شاکی وارد است حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره وفق ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب محترم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به‌موجب رأی شماره ۱۳۹۵/۷/۲۴-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۱۷۱۸ شعبه ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تائید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و

رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان عدالت اداری تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: مطابق قانون ارتقاء بهره وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب سال ۱۳۸۸ به منظور کارایی و اثر بخشی سرمایه‌های انسانی نظام سلامت شاغلین رشته بهداشتی، درمانی در بخش‌های دولتی (کشوری و لشکری) و غیردولتی امتیازاتی پیش‌بینی شده و در بند ۵ قانون مذکور تصویب آیین نامه اجرایی قانون به عهده هیأت وزیران محول شده و در ماده یک آیین نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره وری کارکنان بالینی نظام سلامت، شاغلین بالینی به کارکنان رشته بهداشتی درمانی اطلاق شده و صراحتاً شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی از جمله مصادیق شاغلین بالینی تعیین شده است، بنابراین فارغ از اینکه شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی در بیمارستان و مراکز درمانی اشتغال داشته باشند و یا در مراکز فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی موسوم به مراکز اورژانس ۱۱۵، مشمول احکام قانون مذکور و آیین نامه اجرایی آن هستند. با توجه به مراتب آراء صادر شده به وارد دانستن شکایت به شرح مندرج در گردش کار که شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی موسوم به مراکز اورژانس ۱۱۵ و نیز شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی بیمارستانها و مراکز درمانی شبانه روزی دولتی و غیر دولتی را مشمول احکام قانون یاد شده تلقی کرده است صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۱ دی ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۹۱۷

کلاس پرونده: ۱۲۲۹/۹۶

**موضوع:** ابطال بند ۱۵ مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد موضوع نامه شماره ۱۴۷۱۱۲/۱۸/۹۵/پ-د-۱۳۹۵/۱۲/۲ (در خصوص ذخیره نشدن مرخصی کارکنان قراردادی دانشگاه علوم پزشکی)

### شاکي: آقای هوشنگ دهقانی

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی، ابطال بند ۱۵ مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری و الزام به احتساب یا بازخرید مرخصی استفاده نشده مطابق کارکنان پیمانی آن دانشگاه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ احتراماً به استحضار می‌رساند این‌جانب خواهان صدورالذکر با عنایت به حکم بازنشستگی شماره ۱۰-۱۱-۱۳۹۵/۱۲/۲۶ به افتخار بازنشستگی از دانشگاه علوم پزشکی استآنچه‌چهارمحال و بختیاری نایل گردیدم و با عنایت به اینکه بنا به نیاز واحد مربوطه از بدو خدمت (۱۳۶۶/۷/۱) بیش از ۱۵ روز مرخصی استحقاقی خود را استفاده نموده‌ام اما علی‌رغم اینکه بر اساس ماده ۳ دستورالعمل موضوع بند ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اداری، استخدامی و تشکیلاتی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه مرخصی استفاده نشده‌این دسته از کارکنان قراردادی به میزان ۱۵ روز در پایان سال بازخرید می‌گردد و نیز با توجه به بخشنامه شماره ۱۴/۴۰۳۶۵۰ الف-۱۳۸۶/۱۱/۱۳ دفتر مدیریت منابع انسانی وزارت متبوع که اشعار می‌دارد: با توجه به ماده ۳ دستورالعمل تبصره ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اداری، استخدامی اعضای غیر هیأت علمی، نحوه استفاده از مرخصی استحقاقی و استعلاجی افراد مشمول همانند کارکنان پیمانی خواهد بود خواننده از بازخرید ایام مرخصی استفاده نشده‌این‌جانب و پرداخت آن استنکاف نموده و با طرح موضوع در هیأت رئیسه دانشگاه و تصویب بند ۱۵ مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ موضوع نامه شماره ۱۳۹۵/۴۷۱۱۲/۱۸/۹۵/پ-د [۱۴۷۱۱۲/۱۸/۹۵/پ-د] ریاست دانشگاه موجبات تضییع حقوق این‌جانب را فراهم نموده است.

علی‌ای‌حال با در نظر گرفتن این مهم که این‌جانب بنا به ضرورت و نیاز واحد مربوطه از ایام مرخصی استحقاقی خود استفاده نموده به‌موجب ماده ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای لغو مصوبه مذکور هیأت رئیسه دانشگاه و الزام خواننده به بازخرید ایام مرخصی استفاده نشده نظیر کارکنان پیمانی دانشگاه مورد استدعا می‌باشد. ضمناً شایان ذکر است جمع مرخصی لحاظ شده در طول خدمت برای این‌جانب یکصد و ده روز محاسبه گردیده است."

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌هایی که به شماره ۱۲۲۹-۹۶-۱-۱۳۹۶/۱۲/۸ و ۲۵۲۳ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی شده، پاسخ داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با سلام و تحیات. احتراماً عطف به اخطاریه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۶ در خصوص پرونده کلاسه ۱۲۲۹/۹۶ مطروحه در آن مرجع موارد ذیل که حکایت از نقض قوانین و مقررات را توسط هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی استان چهارمحال و بختیاری را دارد، به شرف عرض می‌رسانم همان‌گونه که مستحضر می‌باشید به موجب بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و همچنین ماده یک قانون احکام دائمی کشور، دانشگاه‌های علوم پزشکی صرفاً مکلف به تبعیت از آیین‌نامه اداری و استخدامی مصوب هیأت امنای خود می‌باشند، همچنین بر اساس بند ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اخیرالذکر مرخصی استفاده نشده کارکنان تبصره ۳ موضوع آیین‌نامه اخیرالذکر همانند سایر کارکنان پیمانی به مدت ۱۵ روز در پایان هر سال قابل ذخیره می‌باشد. ولی متأسفانه هیأت رئیسه خواننده به موجب بند ۵ [۱۵] مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲ موضوع نامه شماره ۱۸/۹۵/۱۴۷۱۱۲ پ/د/ب/د برخلاف آیین‌نامه مرقوم مدت مرخصی استفاده نشده این‌جانب را به لحاظ عدم وجود سابقه غیر قابل ذخیره دانسته از این‌رو موجبات تضییع حقوق بنده را فراهم نموده است. علی‌هذا با مطمع نظر داشتن این مهم که مصوبه هیأت رئیسه مغایر با بند ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی مصوب هیأت امنای دانشگاه می‌باشد تصدیق خواهید فرمود. مصوبه مذکور علاوه بر نقض آشکار مصوبات هیأت امنای خارج از حدود اختیارات هیأت رئیس دانشگاه تصویب و اجرا گردیده است."

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با سلام و تحیات. احتراماً عطف به اخطاریه آن مرجع در خصوص پرونده کلاسه ۱۲۲۹/۹۶ مطروحه در آن مرجع موارد ذیل که حکایت از نقض قوانین و مقررات را توسط هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی استان چهارمحال و بختیاری را دارد، به شرف عرض می‌رسانم همان‌گونه که مستحضر می‌باشید به موجب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و همچنین ماده یک قانون احکام دائمی کشور، دانشگاه‌های علوم پزشکی صرفاً مکلف به تبعیت از آیین‌نامه اداری و استخدامی مصوب هیأت امنای خود می‌باشند و به واقع مصوبات هیأت امناء در حکم قانون بوده و برای دانشگاه‌های علوم پزشکی لازم‌الاجرا می‌باشد. علی‌ای‌حال با عنایت به این مهم که دستورالعمل انقضاء قرارداد موضوع تبصره ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اداری و استخدامی و تشکیلاتی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی به‌عنوان یکی از مصوبات هیأت امناء لازم‌الاجرا می‌باشد و همچنین با مطمع داشتن این حکم که بر اساس بند ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اخیرالذکر مرخصی استفاده نشده کارکنان تبصره ۳ موضوع آیین‌نامه اخیرالذکر همانند سایر کارکنان پیمانی به مدت ۱۵ روز در پایان هر سال قابل ذخیره می‌باشد. از این‌رو تصدیق خواهید فرمود مصوبه هیأت رئیسه خواننده موضوع بند ۱۵ مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲ موضوع نامه شماره ۱۸/۹۵/۱۴۷۱۱۲ پ/د/ب/د برخلاف آیین‌نامه مرقوم مدت مرخصی استفاده نشده این‌جانب را به لحاظ عدم وجود سابقه غیر قابل ذخیره دانسته از این‌رو موجبات تضییع حقوق بنده را فراهم نموده است. علی‌هذا با مطمع نظر داشتن این مهم که مصوبه هیأت رئیسه مغایر با بند ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی مصوب هیأت امنای دانشگاه می‌باشد تصدیق خواهید فرمود مصوبه مذکور علاوه بر نقض آشکار مصوبات هیأت امنای خارج از حدود اختیارات هیأت رئیسه دانشگاه تصویب و اجرا گردیده است."

متن مصوبه مورد اعتراض به شرح زیر است:

"دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری

بسمه تعالی  
معاون محترم توسعه مدیریت و منابع  
با سلام و احترام

کلیه مصوبات صورت جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ هیأت رئیسه دانشگاه به شرح زیر حضورتان ارسال می گردد: مستدعی است دستورات لازم را در راستای اجرای مصوبات مذکور صادر و نتیجه اقدامات را به دفتر این جانب اعلام فرمایید.

۱۵- نامه شماره ۱۳۹۵/۱۰/۱۵-د/پ/۱۸/۹۵/۱۳۳۷۸۹ معاون توسعه مدیریت و منابع در ارتباط با تعیین تکلیف مرخصی های پرسنل تبصره ۳ ماده ۲ در سال های ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸ و ۱۳۸۷ مطرح و با توجه به عدم وجود سابقه و ارسال نامه مکتوب در پایان سال به کلیه پرسنل و نداشتن اعتراض در مهلت تعیین شده برای هیچ کدام از پرسنل ذخیره مرخصی لحاظ نگردد. - رئیس دانشگاه"

طرف شکایت علی رغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضامنه آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه به موجب ماده یک قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب بهمن سال ۱۳۹۵ و بند (ب) از ماده ۲۰ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران که در زمان صدور مصوبه مورد شکایت حاکم بوده است، دانشگاه ها در چارچوب مصوبات و آیین نامه های مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تأیید وزیر مربوطه می رسد عمل می کنند و در ماده ۷۱ آیین نامه اداری و استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی مصوب سال ۱۳۹۱ مقرر شده: "... حداکثر نیمی از مرخصی سی روزه کارمندان در هر سال قابل ذخیره شدن است." بنابراین هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی استان چهارمحال و بختیاری خارج از حدود صلاحیت خود مقرر به مورد شکایت مبنی بر عدم ذخیره شدن مرخصی کارکنان قراردادی را تصویب کرده اند و از این روی بند ۱۵ مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ هیأت رئیسه دانشگاه موضوع نامه شماره ۱۳۹۵/۱۲/۲-د/پ/۱۸/۹۵/۱۴۷۱۱۲ مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود. رسیدگی به خواسته موردی شاکی به شعبه دیوان عدالت اداری ارجاع می شود.

محمد کاظم بهرامی  
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۸ دی ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۹۲۹-۱۹۳۰

کلاس پرونده: ۸۲۸/۹۷، ۱۱۱/۹۷

**موضوع:** عدم ابطال تبصره ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۲۴۶/ت/۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران (در خصوص شهریه دانشجویان شاهد)

### شاکي: آقای توحيد کاظمي

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستي، ابطال تبصره ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۲۴۶/ت/۵۰۵۵۸ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"با سلام واحترام؛ این‌جانب توحيد کاظمي در مقام شکایت معروض می‌دارد: تبصره (۲) ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده (۶۶) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۵ هیأت وزیران که اشعار می‌دارد "فارغ‌التحصیلان مقاطع تحصیلی در دوره روزانه دانشگاه‌های دولتی مجدداً در همان مقطع یا مقطع پایین‌تر، مشمول بهره‌مندی از خدمات این آیین‌نامه نمی‌شوند" مغایر با متن صریح ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران می‌باشد. ماده ۶۶ قانون مزبور اشعار می‌دارد: "بنیاد موظف است نسبت به تأمین و پرداخت صد در صد (۱۰۰٪) هزینه شهریه کلیه دانشجویان شاهد (همسر و فرزندان شهدا)، جانبازان بیست‌وپنج درصد و بالاتر و همسر و فرزندان آنها و آزادگان و همسر و فرزند آنان را که در مؤسسات آموزش عالی غیر انتفاعی غیردولتی، پیام نور، شبانه دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی و هر مؤسسه و دانشگاه آموزش عالی شهریه بگیر مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مشغول به تحصیل می‌باشند، اقدام نماید."

متأسفانه هیأت وزیران در تبصره ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران خلاف مصرح ماده ۶۶ قانون مذکور اقدام نموده است و باعث تضییع حقوق این‌جانب که در واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی در مقطع دکتری در رشته مالی- حقوقی مالی مشغول به تحصیل می‌باشم گردیده است و بنیاد شهید و امور ایثارگران از پرداخت شهریه این‌جانب و سایر خودداری می‌ورزد. لازم به ذکر است که این‌جانب قبلاً در سال ۱۳۹۵ در مقطع دکتری رشته حسابداری دوره روزانه دانشگاه شهید چمران اهواز فارغ‌التحصیل شده‌ام و بنیاد شهید به استناد تبصره ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران از پرداخت شهریه بنده در دانشگاه آزاد امتناع می‌ورزد.

خاطرنشان می‌نماید در صورتی که نظر هیأت وزیران در خصوص تبصره ۲ ماده ۳ آیین‌نامه مذکور، اختیار حاصل از تبصره ماده ۶۶ باشد باید معروض بدارم واگذاری آیین‌نامه اجرایی به هیأت وزیران، عملی مرسوم و قانونی بوده و دولت نمی‌تواند در تنظیم آن خلاف مصرح قانون عمل نماید و هرگونه تفویض اختیار فقط در چارچوب قانون بوده و هیأت وزیران نمی‌تواند در مقام قانون‌گذار خلاف مصرح ماده ۶۶ که بنیاد را موظف به پرداخت و تأمین صد در صد هزینه شهریه کلیه دانشجویان شاهد (همسر و فرزندان شهدا) می‌داند و استثنایی از این بابت قائل نیست عمل نماید و علی‌رغم تأکید ماده ۶۶ که کلیه فرزندان شهدا را مشمول بهره‌مندی از امکانات این ماده و قانون مزبور می‌داند، اقدام به تصویب آیین‌نامه نماید و بخشی از جامعه ایثارگر را که جزو نخبگان کشور هستند از شمول این ماده (ماده ۶۶ قانون) مستثنی نماید. افزون بر این هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قبلاً طی دادنامه ۶۲۴-۱۳۹۶/۷/۴ رأی به ابطال ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی بند ۹۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور داده است. علی‌هذا با عنایت به موارد فوق‌الذکر و در راستای حفظ و صیانت از حقوق ایثارگران به‌ویژه جامعه نخبگان ایثارگر تقاضای ابطال تبصره ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را دارم. با عنایت به اینکه دانشگاه آزاد با امتناع بنیاد شهید از پرداخت شهریه این‌جانب بعد از گذشت ۳ ترم از تاریخ شروع تحصیل بنده، از ثبت‌نام و انتخاب واحد این‌جانب خودداری می‌نماید خواهشمند است با ابطال تبصره ۲ ماده ۳ آیین‌نامه مزبور امکان ادامه تحصیل بنده را ضمن الزام بنیاد شهید به پرداخت شهریه ترم‌های قبل و آتی فراهم نمایید." متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"وزارت علوم، تحقیقات و فناوری- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی- بنیاد شهید و امور ایثارگران- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۵/۱/۲۵ به پیشنهاد بنیاد شهید و امور ایثارگران با همکاری وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به استناد تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران- مصوب ۱۳۹۱- آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده یاد شده را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱-...

...

ماده ۳: تعداد نیمسالهای پرداخت شهریه متناسب با آیین‌نامه‌های آموزشی مربوط در مقاطع تحصیلی به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف-...

...

تبصره ۱:...

تبصره ۲: فارغ‌التحصیلان مقاطع تحصیلی در دوره‌های روزانه دانشگاه‌های دولتی مجدداً در همان مقطع یا مقطع پایین‌تر مشمول بهره‌مندی از خدمات این آیین‌نامه نمی‌شوند. - معاون اول رئیس‌جمهور" طرف شکایت علی‌رغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضامناً آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ‌گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رای هیأت عمومی

نظر به اینکه مطابق صراحت تبصره ذیل ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، تعیین شرایط پرداخت شهریه و نیز میزان آن به آیین‌نامه اجرایی محول شده و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز پیش از این به‌موجب رأی شماره ۱۰۴۶-۱۹/۱۰/۱۳۹۶ با همین استدلال ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را ابطال نکرده است، بنابراین هیأت وزیران با رعایت تشریفات و جواز تبصره قانونی مذکور و در حدود اختیارات قانونی به وضع مقررره مورد شکایت مبادرت کرده است و مغایرتی با قانون ندارد و قابل ابطال نیست.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## پیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۸ دی ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۹۳۴

کلاس پرونده: ۸۷/۹۶

**موضوع:** عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۵۸۵۸۶۴-۱۳۹۶/۱۰/۲ سازمان اداری و استخدامی کشور (در خصوص چگونگی رسیدگی به تخلفات اداری اعضای هیأت علمی شاغل در پستهای مدیریتی و اجرایی)

**شاکي:** آقای مرتضی سلیمان زاده

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی، ابطال بخشنامه شماره ۱۵۸۵۸۶۴-۱۳۹۶/۱۰/۲ سازمان اداری و استخدامی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:  
"جناب حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا بهرامی  
رئیس محترم دیوان عدالت اداری  
با سلام

احتراماً در خصوص بخشنامه شماره ۱۵۸۵۸۶۴-۱۳۹۶/۱۰/۲ رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور خطاب به نمایندگان وزراء (رؤسای سازمانها) و مسئولین هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری در ارتباط با چگونگی رسیدگی به تخلفات اداری اعضای هیأت علمی شاغل در پستهای مدیریتی و اجرایی، بدین وسیله ذیلاً به استحضار می‌رساند:

۱- در بخشنامه یاد شده مقرر شده است: در مواردی که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارای سمتهای اداری و اجرایی هستند چنانچه در خصوص مسئولیت‌های اداری و اجرایی خود مورد اتهام تخلفات اداری مندرج در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری قرار گیرند مرجع صالح به رسیدگی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری دستگاه اجرایی محل خدمت بوده که حسب قانون رسیدگی به تخلفات اداری به اتهامات آنها رسیدگی خواهد شد" این در حالی است که حسب صراحت ماده ۱۸ قانون پیش گفته اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از شمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری خارج بوده و تابع مقررات مربوط به خود هستند.

۲- از طرفی وفق تبصره ذیل ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۵/۵/۵ هیأت وزیران و اصلاحات بعدی تخلفات اعضای هیأت علمی مأمور در دستگاه‌های اجرایی (خارج از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی کشور) در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر انتظامی دانشگاه یا موسسه مأموریت دهنده رسیدگی می‌شود. لذا با عنایت به مغایرت بخشنامه شماره ۱۵۸۵۸۶۴-۱۳۹۶/۱۰/۲ سازمان امور اداری و استخدامی کشور با نصوص صریح مواد قانونی

فوق الاشاره از محضر آن مقام ابطال بخشنامه یاد شده مورد استدعاست.

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"نمایندگان وزرا (روسای سازمان‌ها) و مسئولین هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری؛ دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری،

با سلام و احترام: با توجه به مکاتبات و پیگیریهای سازمان بازرسی کل کشور در ارتباط با چگونگی رسیدگی به تخلفات اداری اعضای هیأت علمی شاغل در پست های مدیریتی و اجرایی، موضوع در جلسه شماره ۱۳۹۶/۹/۲۹-۸۳۶ هیأت عالی نظارت مطرح و به شرح ذیل اتخاذ تصمیم شد: در مواردی که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارای سمت‌های اداری و اجرایی هستند، چنانچه در خصوص مسئولیت‌های اداری و اجرایی خود مورد اتهام تخلفات اداری مندرج در ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری قرار گیرند؛ مرجع صالح به رسیدگی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری دستگاه اجرایی محل خدمت بوده که حسب قانون رسیدگی به تخلفات اداری به اتهامات آن‌ها رسیدگی خواهد شد. مقتضی است ضمن ابلاغ موضوع به هیئت‌های تابعه، از این تاریخ مطابق مقرر فوق عمل نمایند."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و قوانین سازمان اداری و استخدامی کشور به موجب لایحه شماره ۱۳۲۷۸۶-۱۳۷۹/۳/۲۲ توضیح داده است که: "مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ موضوع: شکایت آقای مرتضی سلیمان زاده، با سلام و احترام؛ بازگشت به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۱۲۱ (شماره بایگانی ۰۴۷۹۱-۱۳۹۷/۲/۲۲) موضوع شکایت آقای مرتضی سلیمان زاده از تصمیم جلسه شماره ۱۳۹۶/۹/۲۹-۸۳۶ هیأت عالی نظارت به شرح: "در مواردی که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارای سمت‌های اداری و اجرایی هستند، چنانچه در خصوص مسئولیت‌های اداری و اجرایی خود مورد اتهام تخلفات اداری مندرج در ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری قرار گیرند؛ مرجع صالح به رسیدگی، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری دستگاه اجرایی محل خدمت بوده که حسب قانون رسیدگی به تخلفات اداری به اتهامات آن‌ها رسیدگی خواهد شد."

موضوع بخشنامه شماره ۱۵۸۵۸۶۴-۱۳۹۶/۱۰/۲ معاون رئیس‌جمهور، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور و رئیس هیأت عالی نظارت، با هماهنگی به عمل آمده امور سلامت اداری، صیانت از حقوق مردم و دبیر هیأت عالی نظارت به استحضار می‌رساند: "به موجب قسمت اخیر ماده (۱۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به اقتضای شغل خود که اشتغال به امور آموزشی و پژوهشی بوده از شمول این قانون خارج شده‌اند. مذاقه در عناوین تخلفات انتظامی مندرج در ماده (۷) قانون و مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نیز مؤید همین معنا است که قانون‌گذار در تصویب این قانون نیز به خصائص مشاغل آموزشی و پژوهشی توجه داشته و در ماده قانونی فوق صرفاً تخلفاتی را احصاء نموده که احتمال ارتکاب آن‌ها از سوی اعضای هیأت علمی در ارتباط با وظایف آموزشی و پژوهشی وجود دارد. با همین نگرش قانون‌گذار از پرداختن به عناوین تخلفاتی که مصادقاً به امور اداری، اجرایی و مدیریتی باز می‌گردد اجتناب نموده است. این در حالی است که امروزه تعداد قابل توجهی از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در دستگاه‌های اجرایی مشغول خدمت شده‌اند و در برخی موارد این اشتغال نه از طریق مأموریت از سوی واحد آموزشی متبوع بلکه در عمل از طریق تصدی همزمان دو پست سازمانی (تدریس در دانشگاه و مسئولیت همزمان اداری) صورت گرفته است. گستردگی حضور اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی در دستگاه‌هایی اجرایی که بخش قابل توجهی از آن نیز مربوط به مشاغل مدیریتی است موجب گردیده که بخشی از گزارش‌های تخلفاتی مهم دستگاه‌های نظارتی (درون قوه مجریه

یا خارج از آن) از جمله سازمان بازرسی کل کشور به این قبیل افراد اختصاص یابد؛ اما از آنجاکه بسیاری از این تخلفات و اقدامات مغایر قوانین و مقررات بر اساس قوانین و مقررات مربوط به اعضای هیأت علمی تخلف انگاری نشده‌اند، توقف رسیدگی در هیئت‌های انتظامی را در پی داشته که این موضوع بارها مورد اعتراض سازمان بازرسی و دیگر نهادهای نظارتی قرار گرفته و به درخواست آن‌ها موضوع توسط هیأت عالی نظارت بررسی و منتهی به اتخاذ تصمیم شده است. در مجموع محدودیت‌ها و معاذیری که برای رسیدگی به تخلفات اداری اعضای هیأت علمی شاغل در پستهای اجرایی و مدیریتی دستگاه‌های اجرایی بر اساس قانون و مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی و توسط هیئت‌های انتظامی ذی‌ربط وجود دارد، به شرح ذیل است:

۱- بسیاری از موارد تخلفاتی مندرج در ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری از جمله: "ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت، اخاذی، اختلاس، تبعیض یا اعمال غرض در اجرای قوانین و مقررات، ارتباط و تماس غیرمجاز با اتباع بیگانه، رشوه خواری و ..." در مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی مورد تصریح قرار نگرفته‌اند. چنان‌که ملاحظه می‌شود؛ مهمترین تخلفات موضوع قانون رسیدگی به تخلفات اداری نظیر اختلاس، اخاذی، رشوه خواری و سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری که رسیدگی فوری، سریع و قاطع اداری را می‌طلبد بر اساس مقررات مربوط به اعضای هیأت علمی تخلف انگاری نشده و بر همین مبنا، رسیدگی به آن‌ها در هیئت‌های انتظامی غیرممکن شده است.

۲- بر خلاف قانون رسیدگی به تخلفات اداری، رسیدگی هیأت‌های انتظامی به آن دسته از تخلفات انضباطی که واجد جنبه جزایی نیز می‌باشند؛ به استناد بند "۱۷" ماده (۷) قانون و مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، به اثبات قبلی موضوع در مرجع قضایی منوط شده و در چنین مواردی هیئت‌های انتظامی برای رسیدگی و تعیین مجازات اداری باید منتظر طی شدن فرآیند و تشریفات طولانی رسیدگی در مرجع قضایی بمانند درحالی‌که به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری نه تنها چنین محدودیتی وجود ندارد بلکه به تصریح قسمت اخیر ماده (۱۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری، هر گونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری نیست.

۳- برخی از تخلفات مندرج در ماده (۷) قانون و مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی با قید کلمه "دانشگاه" تخصیص خورده است برای مثال: "تخلف از اجرای قوانین و مقررات دانشگاه"، "تعدد از اجرای دستورات قانونی مقامات دانشگاه"، "افشای اسناد محرمانه دانشگاه" که این موضوع در بسیاری از موارد منتهی به توقف رسیدگی و بی‌کیفری اداری می‌گردد چرا که این اسناد دانشگاه نیست که افشاء شده بلکه اسناد دستگاه اجرایی است. قوانین و مقررات دانشگاه نیست که نقض شده بلکه مقررات مربوط به دستگاه اجرایی است و این دستور مقامات دانشگاه نیست که از آن تعدد شده باشد بلکه دستورات قانونی و لازم‌الاتباع مقامات عالی دستگاه اجرایی است که نسبت به آن تعدد صورت گرفته است.

در این میان نکته حائز اهمیت آن است؛ که با توجه به خلاءهای قانونی موجود همان‌گونه که اشاره شد تصدی پستهای اجرایی و مدیریتی از سوی اعضای هیأت علمی اغلب نه از طریق مأموریت از دانشگاه و موسسه آموزشی مربوط بلکه در عمل از طریق تصدی همزمان دو پست سازمانی (تدریس در دانشگاه و مسولیت همزمان اداری) صورت می‌پذیرد که با این اوصاف مبنای حقوقی استدلال شاکی منتفی خواهد بود. لازم به ذکر است که تصمیم یاد شده پس از مکاتبات و پیگیریهای سازمان بازرسی، طرح موضوع در جلسات متعدد هیأت عالی نظارت و استماع توضیحات و نظرات معاون حقوقی و امور مجلس و مسئول هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر نمایندگان آن وزارت به اتفاق آراء

اعضای هیأت عالی نظارت (از جمله رأی مثبت نماینده رئیس قوه قضائیه) اتخاذ گردیده است. " ضمناً عنایت دارند در مواردی که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارای سمت‌های اداری و اجرایی و به لحاظ مسئولیت‌های اداری و اجرایی خود مورد اتهام تخلفات اداری مندرج در ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری قرار می‌گیرند دیگر از حیث عضو هیأت علمی بودن اتهامی متوجه آن‌ها نیست که براساس مقررات مربوط به رسیدگی به تخلفات اعضای هیأت علمی مورد رسیدگی واقع گردد. با عنایت به مراتب فوق رد شکایت مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: قسمت اخیر ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که اعضای هیأت علمی را از شمول قانون مذکور مستثنی کرده، ناظر به مواردی است که این افراد به امور آموزشی و پژوهشی اشتغال داشته باشند و منصرف از اشتغال آن‌ها در نقش کارمند اداری دستگاه اجرایی است. ثانیاً: با مذاقه در عناوین تخلفات اداری احصاء شده در ماده ۷ قانون و مقررات انتظامی اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها مشخص می‌شود، تخلفات احصاء شده مربوط به مواردی است که در ارتباط با وظایف آموزشی و پژوهشی صورت می‌گیرد و متفاوت از تخلفات مندرج در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری بوده و نوع و سختی آن‌ها یکسان نیست. ثالثاً: در ماده ۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که قانون مؤخر است رسیدگی به وقوع تخلفات اداری در هر یک از دستگاه‌های مشمول آن قانون را در صلاحیت هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آن دستگاه قرار داده است، بنابراین مصوبه مورد شکایت بر خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع آن نیست و قابل ابطال تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - تعرفه‌ها و هزینه‌های بهداشتی - درمانی

تاریخ: ۲ بهمن ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۹۸۰

کلاس پرونده: ۱۴۲۳/۹۶

**موضوع:** ابطال بند ۲۱ از دفترچه تعرفه عوارض کسب و پیشه در خصوص مطب پزشکان، داروخانه‌ها و حرف پزشکی دیگر و بند ۹ ردیف ۵۹ از آیین نامه اجرایی پارکینگ موقت از تعرفه عوارض بهای خدمات سال ۱۳۹۶ مصوب شورای اسلامی شهر (مرتبط با پارکینگ موقت برای مشاغل پزشکی)

**شاکي:** سازمان نظام پزشکی و شورای هماهنگی استان یزد با وکالت آقایان احسان موته باریکر سفی و سید محمود موسوی

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی، ابطال مصوبات شورای اسلامی شهر یزد موضوع صورت جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ در خصوص بندهای ۲۱ و ۵۹ دفترچه تعرفه عوارض کسب و پیشه و بهای خدمات پارکینگ موقت پزشکان، داروخانه‌ها و حرف وابسته دیگر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "ریاست محترم کل دیوان عدالت اداری؛ با سلام. احتراماً اینجانبان احسان موته و سید محمود موسوی به وکالت از سازمان نظام پزشکی شهر یزد به استحضار عالی می‌رسانیم شورای اسلامی شهرستان یزد به ادعای اجرای قانون و دستورالعمل‌های مربوطه در واقع بر خلاف این نصوص اقدام به تصویب مصوبه‌ای بر خلاف موازین قانونی در خصوص اخذ عوارض سالیانه بابت پارکینگ موقت و کسب و پیشه از پزشکان، داروخانه‌ها، کلینیک‌های درمانی و حرف وابسته نموده موارد و عللی که بزعم اینجانبان غیرقانونی بودن اقدامات مشتکی عنه و نتایج بعدی را اثبات می‌نماید ذیلاً معروض می‌گردد.

شهرداری یزد با ارسال اخطاریه برای تعدادی از پزشکان و متصدیان داروخانه‌های استان یزد و کلینیک‌های درمانی از جمله نامه شماره ۱۸۶۸۳/۲۳۰-۹۶۰۰۱۳۹۶/۴/۲۸-۹۶۰۰ به‌عنوان اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان یزد درخواست ارسال پرونده ملکی خانم دکتر سعیده هاشمی نموده تا به صدور اجرائیه نسبت به وصول عوارض سالیانه پارکینگ موقت بر اساس رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری اقدام گردد. حال با توجه به مراتب معنونه و در جهت تبیین خواسته اعلام می‌داریم:

**الف:** نظر به اینکه شورای اسلامی شهرستان یزد در تصویب ردیف ۵۹ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۶ شهرداری یزد با عنوان آیین‌نامه اجرایی پارکینگ موقت رعایت مفاد رأی شماره ۳۲۱ الی ۳۲۶-۱۳۹۵/۵/۱۲ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را ننموده است با این توضیح که در رأی اخیرالذکر هیأت عمومی دیوان مصوبه شورای اسلامی شهر میبد از توابع استان یزد بابت عوارض سالیانه پارکینگ موقت پزشکان و حرف پزشکی ابطال گردیده است لذا شورای اسلامی شهرستان یزد می‌بایستی مطابق ماده

۹۲ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تبعیت کرده و از تصویب ردیف ۵۹ دفترچه تعرفه تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی پارکینگ موقت خودداری می‌نمود با عنایت به مراتب معنونه ابطال بند ۹ ردیف ۵۹ و تبصره مصوبه یاد شده در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی و ماده ۱۳ از قانون فوق‌الذکر مورد استدعاست.

ب: ابطال اطلاق ردیف ۲۱ از دفترچه تعرفه عوارض کسب و پیشه سال ۹۶ از مطب پزشکان، داروخانه‌ها و حرف وابسته به پزشکی.

نظر به اینکه شورای اسلامی شهرستان یزد در تصویب اطلاق ردیف ۲۱ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ از پزشکان و داروخانه‌ها و حرف وابسته به پزشکی از جهت شمول عوارض حق کسب و پیشه از پزشکان و حرف وابسته نیز رعایت مفاد رأی شماره ۹۵۰۱۰۰۹۰۹۰۵۸۷۸-۹۵۰۱۰۰۹۰۹۰۵۸۷۸ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد و سایر آراء هیأت عمومی در زمینه حذف، کسر و عدم تأمین پارکینگ نگردیده است با این توضیح که در رأی اخیرالذکر هیأت عمومی مصوبه شورای مذکور بابت عوارض حق کسب و پیشه از پزشکان و حرف وابسته ابطال شده است لذا شورای مذکور می‌بایستی مطابق ماده ۹۲ از قانون تشکیلات دیوان عدالت اداری تبعیت می‌نمود و از تصویب اطلاق ردیف ۲۱ از تعرفه عوارض حق کسب و پیشه از پزشکان، داروخانه‌ها و حرف وابسته خودداری می‌نمود حال با توجه به مفاد نامه شماره ۱۳۹۶/۹/۸-۹۶۰۰۴۲۴۰۲-۹۶۰۰۴۲۴۰۲ شهرداری یزد که در مقام پاسخ به استعلام شماره ۱۳۹۶/۸/۲۵-۷/۹۶۰۸۳۳۳۹ سازمان نظام پزشکی استان یزد ارسال گردیده است مستند اخذ عوارض کسب و پیشه سال ۱۳۹۶ از پزشکان، داروخانه‌ها و حرف وابسته ردیف ۲۱ از تعرفه عوارض ۹۶ می‌باشد در نتیجه با توجه به مراتب صدرالبیان ابطال اطلاق ردیف ۲۱ از تعرفه یادشده مستنداً به ماده ۹۲ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مورد استدعاست."

آقای احسان موده باریکر سفی به وکالت از شاکی به‌موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۶-۱۴۲۳-۱-۱۳۹۷/۳/۵ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده است اعلام کرده است که:

"هیأت محترم عمومی دیوان عدالت اداری؛ با سلام. احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۱۴۲۳/۹۶ آن هیأت در ارتباط با شکایت موکل سازمان نظام پزشکی استان یزد نسبت به ابطال تعرفه عوارض محلی سال ۹۵ شورای اسلامی شهر یزد در قسمت‌های اخذ عوارض سالیانه مشاغل از پزشکان و حرف وابسته و اخذ عوارض به‌عنوان پارکینگ موقت به استحضار عالی می‌رساند نظر به اینکه در ستون ضمیمه و مستندات فرم دادخواست تقدیمی درج شماره رأی ۵۷۷-۱۳۹۶/۶/۲۱-۱۳۹۶/۶/۲۱ مبتنی بر اشتباه بوده و همان‌طور که در شرح شکایت اعلام شده رأی صحیح ۷۸-۱۳۹۵/۲/۲۱-۱۳۹۵/۲/۲۱ می‌باشد ضمناً در ارتباط با درخواست ابطال ردیف ۵۹ تعرفه مورد شکایت (پارکینگ موقت) نظر آن هیأت را به دادنامه ۸۱۹-۱۳۹۵/۱۰/۲۰ که در ارتباط با مصوبه شورای اسلامی شهر میبد در اخذ عوارض پارکینگ موقت صادر شده است و در مفاد آن به دادنامه شماره ۳۲۱ الی ۳۲۶-۱۳۹۵/۵/۱۲ هیأت عمومی اشاره شده است جلب می‌نمایم."

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای وکیل شاکی آقای احسان موده باریکر سفی ارسال شده بود، وی به‌موجب لایحه ۱۳۹۷/۵/۱۴ توضیح داده است که:

"مدیر دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با سلام. احتراماً، عطف به اخطاریه رفع نقص شماره ۱۱۷۲-۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۱۷۲-۱۳۹۷/۵/۱۴ صادره در پرونده کلاسه ۱۴۲۳/۹۶ آن هیأت مبنی بر اعلام جهات مغایرت بندهای ۲۱ و ۵۹ مصوبه دفترچه عوارض مصوبه شورای اسلامی شهر یزد به استحضار عالی می‌رساند:

الف- بند ۲۱ تعرفه عوارض موردنظر به شرح استدلال به عمل آمده در دادخواست مغایر ماده واحده قانون محل پزشکان مصوب سال ۱۳۶۶ و نیز قسمت آخر تبصره ذیل بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری می باشد که در این خصوص مجدداً نظر آن هیأت را به رأی شماره ۷۸-۱۳۹۵/۲/۲۱ آن هیأت که در خصوص مورد مشابه حکم به ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد صادر شده است جلب می نماید.

ب- در خصوص بند ۵۹ تعرفه عوارض موردنظر به استحضار می رساند از آنجاکه مقنن در تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری تکلیف عدم رعایت پارکینگ یا کسری آن را معین و تخلف را بر اساس رأی کمیسیون های مقرر در آن ماده به پرداخت جریمه محکوم کرده است لذا دریافت عوارض در این خصوص علاوه بر جریمه تعیینی بر خلاف حکم قانون و مراد مقنن است در این قسمت نیز نظر آن هیأت را به مفاد دادنامه شماره ۳۲۶ الی ۳۲۱-۱۳۹۵/۵/۱۲ که در خصوص مورد مشابه حکم بر ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد از توابع استان یزد که عوارض پارکینگ موقت، تجاری، بانکها، داروخانهها و مطب پزشکان را ابطال نموده است جلب می نماید. حال با توجه به مراتب معنونه و استدلالات قانونی یادشده و مشروح دادخواست تقدیمی درخواست ابطال بندهای ۲۱ و ۵۹ تعرفه سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر یزد مورد استدعاست."

متن تعرفه مورد اعتراض به شرح زیر است:

"تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۶ شهرداری یزد مصوب شورای اسلامی شهر یزد  
۲۱- عوارض سالیانه کلیه مشاغل برای سال ۹۶

الف) عوارض کسب و پیشه بیش از سه دهم درصد از درآمد مشمول مالیات قطعی قبل از کسر بخشودگی محاسبه نگردد.

ب) جهت محاسبه عوارض کسب و پیشه، سال آخرین درآمد مشمول مالیات قطعی شده قبل از کسر بخشودگی، به ازای هر سال ۱۰ درصد به درآمد مشمول اضافه می گردد.

محاسبه عوارض برابر فرمول ذیل می باشد:

$$K = [(T \times P \times 0.004 \times 0.1) + (D \times 0.003 \times 0.9)] \leq D \times 0.03$$

K = عوارض کسب و پیشه (سالیانه)

T = تعرفه مصوب سال ۱۳۶۶ و فهرست اضافه شده به صورت سالیانه

P = قیمت منطقه ای روز محل

D = درآمد مشمول مالیات قطعی شده قبل از کسر بخشودگی سال جاری

ردیف ۵۹- آیین نامه اجرایی پارکینگ موقت:

۱- این آیین نامه در اجرای ردیف ۶۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری تنظیم شده است.

۲- وصولی این ردیف به حساب جداگانه ای واریز و نگهداری خواهد شد.

۳- شهرداری درآمد این ردیف را فقط برای اجاره محل و در جهت احداث پارکینگ موقت هزینه خواهد نمود.

۴- اگر در محلی که این بهای خدمات اخذ می شود پارکینگ دائم توسط شهرداری تأمین شده باشد شهرداری می تواند بهای خدمات اخذ شده را در محل های دیگر و صرفاً جهت تأمین پارکینگ موقت و یا دائم هزینه نماید.

۵- در بودجه سنواتی معادل درآمد پیش بینی شده برای این بهای خدمات باید هزینه اجاره و دیگر هزینه های مرتبط با احداث و یا ایجاد پارکینگ دائم در نظر گرفته شود.

- ۶- اخذ بهای خدمات پارکینگ موقت هیچ‌گونه حقی برای مالک و یا مؤدی در خصوص تثبیت کاربری و امثالهم ایجاد نمی‌کند.
- ۷- اگر تبدیل و یا تغییر در نوع استفاده از ساختمان به‌گونه‌ای باشد که کسر پارکینگ برای همسایگان مزاحمتی داشته باشد و مورد شکایت واقع شود شهرداری باید برابر ضوابط با آن برخورد نماید.
- ۸- محاسبه مساحت پارکینگ باید بر اساس ضوابط طرح‌های مصوب ملاک عمل شهرداری باشد.
- ۹- مؤسسات پولی و مالی و دارخانه‌ها و مطب پزشکان و دیگر واحدهایی که کسر پارکینگ دارند مشمول این تعرفه خواهند شد.
- تبصره: داروخانه‌ها و مطب پزشکان که قبل از سال ۱۳۶۵ به‌صورت داروخانه و مطب دایر بوده از پرداخت این بهای خدمات معاف می‌باشند.
- ۱۰- طبقه‌بندی مطب‌ها بر اساس مراجعات به شرح ذیل می‌باشد:
- الف) مطب پزشکان متخصص و فوق تخصص و ... در بلوار طالقانی و کوچه‌های منشعب بر آن و خیابان امام و کوچه برخوردار و کوچه روشن بر اساس ۱۰۰٪ تعرفه این ردیف محاسبه می‌گردد و پزشکان عمومی مشمول این بند بر اساس ۷۵٪ تعرفه می‌باشند.
- ب) مطب پزشکان متخصص و فوق تخصص و ... که در سایر معابر هستند مشمول ۷۵٪ و پزشکان عمومی مشمول ۵۰٪ تعرفه فوق می‌باشند.
- ج) در صورتی که پزشک عمومی در منطقه‌ای باشد (به غیر از موارد بند الف) که تا شعاع ۱۰۰۰ متری مطب این پزشک، پزشک عمومی دیگری وجود نداشته باشد از پرداخت این بهای خدمات معاف می‌باشد. این آیین‌نامه پس از ابلاغ قابل اجرا می‌باشد."
- طرف شکایت علی‌رغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضامم آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ‌گونه پاسخی ارسال نکرده است.
- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

- الف- با توجه به اینکه در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض به نسبت درآمد مأخذ محاسبه مالیات در محاسبه نحوه میزان عوارض سالیانه مشاغل در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۲۱ با عنوان عوارض سالیانه کلیه مشاغل از تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۶ مصوب شورای اسلامی شهر یزد به دلایل مندرج در رأی شماره ۱۵۵ و ۱۵۶ مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.
- ب- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین ردیف ۵۹ تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی پارکینگ موقت از تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۶ مصوب شورای اسلامی شهر یزد به دلایل مندرج در رأی شماره ۹۷ الی

---

---

۱۰۰-۱۳۹۲/۲/۱۶ و رأی شماره ۵۷۳- ۱۳۹۶/۶/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغانر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی  
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - امتیازات غیرمنقول بخش سلامت

تاریخ: ۲ بهمن ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۱۹۷۷

کلاس پرونده: ۹۵۹/۹۶

**موضوع:** ابطال بند ۴ مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۵ مصوب کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران [استان چهارمحال و بختیاری] در خصوص طرح تفصیلی فرخ شهر جهت احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی و هنری و ورزشی و بهداشتی درمانی، آموزشی و خدماتی

### شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور و رئیس کمیسیون تطبیق مصوبات دستگاه‌های اداری با قانون در سازمان مذکور به موجب شکایت‌نامه شماره ۱۱۵۸۱۵-۱۳۹۶/۶/۱ اعلام کرده است که:

"حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی؛ رئیس محترم دیوان عدالت اداری؛ سلام‌علیکم. احتراماً به استحضار می‌رساند در بررسی عملکرد شهرداری فرخ‌شهر و کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (استان چهارمحال و بختیاری) در خصوص نحوه تغییر کاربری در اراضی ملی واگذار شده واقع در حریم شهر فرخ‌شهر از فضای سبز به باغ ویلا، ملاحظه شده است، بیش از ۱۳۱ هکتار از اراضی ملی در اجرای تبصره ۱۰ قانون برنامه اول توسعه ... جهت اجرای طرح فضای سبز به موجب قرارداد شماره ۷۳۱-۱۳۷۰/۶/۲۰ از طریق اداره کل زمین شهری استان به شهرداری فرخ‌شهر واگذار گردیده است. زمین مذکور در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۲۵ به موجب بند ۴ صورت‌جلسه کمیسیون ماده ۵ استان چهارمحال و بختیاری، از فضای سبز به باغ ویلا تغییر کاربری داده شده و پس از آن میزان ۶۴ هکتار آن به اشخاص واگذار شده است که این اقدام مغایر با قوانین و مقررات مربوط بوده است؛ زیرا اولاً: تغییر کاربری زمین مذکور با استناد به تبصره ۱۰ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱۰ قانون برنامه اول توسعه ... ممنوع بوده است، چرا که در تبصره مذکور مقرر شده بود، دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط به هیچ‌وجه مجاز به استفاده از اراضی مزبور در غیر از کاربری تعیین شده نمی‌باشند و در صورت تغییر کاربری یا منتفی شدن اجرای طرح، بایستی این‌گونه اراضی فوراً جهت استفاده سایر دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط به سازمان زمین شهری اعاده نمایند. ثانیاً: اراضی مذکور خارج از محدوده و طرح تفصیلی شهر فرخ‌شهر قرار داشته و تغییر کاربری آن خارج از وظایف و اختیارات کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بوده است. به موجب ماده صدرالاشاره بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آن‌ها در هر استان به وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار و به عضویت رئیس شورای شهرستان و شهردار و نمایندگان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسکن و

شهرسازی و نماینده مهندس مشاور تهیه‌کننده طرح و عضویت نماینده وزارت کشاورزی انجام می‌شود. از این‌رو تغییر کاربری بیش از ۱۳۱ هکتار اراضی ملی خارج از محدوده و طرح تفصیلی شهر فرخشهر از فضای سبز به باغ ویلا، خلاف قانون و خارج از حدود وظایف و اختیارات قانونی آن کمیسیون بوده است. بنا به مراتب ابطال بند ۴ مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۵ کمیسیون ماده ۵ استأنج‌پهار محال و بختیاری، درخواست می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید به موضوع رسیدگی و این سازمان را از نتیجه تصمیم متخذ مطلع نمایند."

متن صورت جلسه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

صورت جلسه کمیسیون ماده ۵ طرح تفصیلی فرخشهر مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۵:

"۴- درخواست ۱۳۷۵/۷/۱۵-۵/۵۶۷۰ شهرداری در خصوص ایجاد منطقه باغ ویلا و سیاحتی در اراضی محدوده شمال جاده فرخشهر و شهرکرد خارج از حریم جاده مطرح و تصویب گردید و مقرر شد طرح مربوطه توسط مهندسین مشاور دیصلاح تهیه و طبق ضوابط به سازمان مسکن و شهرسازی ارائه گردد."

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل اداره کل راه و شهرسازی استأنج‌پهار محال و بختیاری به‌موجب لایحه شماره ۱۳۹۶/۹/۱۲-۹۶/۴/۱۶۹۰۲ توضیح داده است که:

"با سلام و احترام؛ بازگشت به کلاسه پرونده ۹۵۹/۹۶-۱۳۹۶/۷/۲۶ پیرامون بررسی و اعلام نظر در خصوص دادخواست سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال بند ۴ مصوبه کمیسیون ماده ۵ استان، تغییر کاربری از فضای سبز و ایجاد منطقه باغ ویلا و سیاحتی در اراضی محدوده شمال جاده فرخشهر-شهرکرد به استحضار می‌رساند اراضی ملی مذکور به مساحت ۱۳۱ هکتار به‌موجب قرارداد واگذاری شماره ۷۳۱-۱۳۷۰/۶/۲۰ از طریق سازمان زمین شهری وقت به شهرداری فرخشهر جهت اجرای فضای سبز واگذار می‌گردد و متعاقب آن بنا به درخواست شهرداری فرخشهر طی نامه شماره ۱۳۷۶/۵/۲۵-۵/۴۰۲۴ در خصوص تغییر کاربری فضای سبز به باغ ویلا موضوع با هماهنگی و بنا به تأکید مدیریت ارشد استان (وقت) در کمیسیون ماده ۵ استان مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۵ مطرح و وفق بند ۴ کمیسیون مذکور با تغییر کاربری فضای سبز به باغ ویلا و سیاحتی در ۶۴ هکتار از اراضی ملی و ملکی این اداره کل موافقت می‌شود و بعد از طی مراحل تغییر کاربری، قرارداد اولیه با شهرداری به استناد مفاد مصوبه هیأت نمایندگی به شماره ۴۰۶-۱۳۸۰/۳/۲۸ ابطال و مجدداً قرارداد مشارکت آماده‌سازی طرح به شماره ۴۷۲۵-۱۳۸۰/۴/۱۰ با عنوان قرارداد مشارکت و آماده‌سازی باغ شهر فی‌مابین سازمان مسکن و شهرسازی استان (وقت) و شهرداری فرخشهر منعقد و بعد از مشخص شدن سهم مشارکت طرفین قرارداد طی صورت جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۳، شهرداری فرخشهر اقدام به فروش قطعات سهم خود به اشخاص حقیقی و حقوقی نموده و به همین منوال منجر به ایجاد باغ ویلا و حصارکشی قطعات و همچنین مراحل آماده‌سازی عملیات زیربنایی طرح شامل: زیرسازی و احداث معابر در حد بستر، اجرای جوی و جدول و کانال‌های دفع آب‌های سطحی، حفر چاه، اجرای شبکه لوله‌کشی آب، احداث منبع آب و ... می‌گردد و در همین حین تهیه طرح جامع شهر فرخشهر از ناحیه مهندسان مشاور ذی‌صلاح در دستور کار مراجع ذی‌ربط استانی قرار می‌گیرد و اراضی مذکور در موعد بررسی طرح در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان در محدوده طرح جامع شهر قرار می‌گیرند ولیکن در زمان بررسی و تصویب نهایی طرح جامع در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مورخ ۱۳۸۵/۳/۸ اراضی مذکور از محدوده شهر خارج و در حریم مصوب طرح جامع به‌صورت یک پهنه یکپارچه با عنوان بالغ لحاظ و تثبیت می‌گردند و در حال حاضر اراضی موردنظر در حریم شهر فرخشهر با کاربری باغ قرار دارند ولیکن با توجه به ساخت‌وسازهای وسیع و حصارکشی اکثر قطعات فروخته شده، انجام مراحل آماده‌سازی، احداث بنا در قطعات طرح تفکیکی، حقوق ایجاد شده جهت اشخاص حقیقی و حقوقی و باغ ویلاهای وسیع شکل‌گرفته در صورت ابطال مصوبه کمیسیون ماده ۵ استان

مسائل و مشکلات حقوقی و اجتماعی و ... عدیده‌ای که به واسطه اشتباه مسئولین وقت گریبان گیر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و متقاضیان می‌باشد مضاعف‌تر و حادث‌تر شده و با حقوق مکتسبه ایجاد شده و وضعیت موجود شکل گرفته چگونه می‌شود برخورد کرد لذا از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری استدعا دارد چاره‌اندیشی مناسبی در راستای نحوه رفع مشکل به وجود آمده به عمل آورند."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند (الف) تبصره ۱۰ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۸ مقرر شده بود، وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان زمین شهری) موظف است در کلیه شهرهای کشور، اراضی با کاربری‌های آموزشی، فرهنگی و خدماتی و در قالب طرح‌های مصوب شهری را جهت احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی و هنری و ورزشی و بهداشتی درمانی، آموزشی و خدماتی پس از تملک، به‌طور رایگان به دستگاه‌های ذی‌ربط واگذار کند. در ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی تبصره مذکور مقرر شده بود که دستگاه‌های ذی‌ربط به هیچ‌وجه مجاز به استفاده از اراضی مزبور در غیر از کاربری تعیین شده نمی‌باشند و در صورت تغییر کاربرد یا منتفی شدن اجرای طرح بایستی این‌گونه اراضی را فوراً جهت استفاده سایر دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط به سازمان زمین شهری اعاده نمایند. نظر به اینکه واگذاری اراضی در اجرای مقررات مذکور برای احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی و هنری و ورزشی و بهداشتی درمانی، آموزشی و خدماتی بوده و ایجاد منطقه باغ ویلا از جمله مصادیق بند الف تبصره ۱۰ قانون فوق‌الذکر نیست، بنابراین بند ۴ مصوبه مورد اعتراض مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - تأسیس مؤسسات پزشکی

تاریخ: ۲۳ بهمن ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۲۰۴۹-۲۰۴۷

کلاس پرونده: ۲۹/۹۵-۹۱۸/۹۶

موضوع: ابطال تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۵ و ماده ۶ و تبصره ۴ بند ۴ ماده ۴ ضوابط تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱

شاکي: ۱- انجمن داروسازان ایران با وکالت آقای حمیدرضا سعیدی ۲- معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس سازمان غذا و دارو ۳- آقای کیوان لطفی

### گردش کار:

الف: آقای حمیدرضا سعیدی وکیل انجمن داروسازان ایران و معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس سازمان غذا و دارو به‌موجب دادخواست و شکایت‌نامه شماره ۱۳۹۷/۳/۲-۶۵۵/۱۸۶۲۹ ابطال تصمیم‌های شماره ۲۸۲-۱۳۹۵/۱۲/۲، ۲۹۵-۱۳۹۶/۳/۲۲-۱۳۹۶ شورای رقابت و ابطال تصمیم ۱۳۹۶/۱۰/۴-هت-۱۹/۹۶ هیأت تجدیدنظر شورای رقابت را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

متن دادخواست وکلای انجمن داروسازان ایران:

"توقیراً ضمن عرض ادب، به تجویز اصل ۱۷۳ از قانون اساسی و توجهاً به اصل حاکمیت قانون و نه حکومت اشخاص مستنداً به ادله و امارات احصایی مشعر بر استحقاق پذیرش ابطال تصمیم شماره ۲۸۲-۱۳۹۵/۱۲/۲ شورای رقابت از سوی آن قضاات عالی مقام به وکالت از سوی موکل به‌عنوان متولی صنفی جامعه داروسازی کشور بدو استدعای صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای تصمیم معترض‌عنه به جهت فوریت ضرورت جلوگیری از اضرار و ورود خسارات جبران‌ناپذیر ناشی از اجرای تصمیم خارج از صلاحیت ذاتی مشتکی‌عنه بنا به قاعده فقهی "لاضرر و لااضرار فی الاسلام" به استحضار عالی می‌رساند:

اولاً: قانون‌گذار به جهت حساسیت خاص حوزه سلامت و بهداشت عمومی و ارتباط مستقیم فعالیت شاغلین حرف پزشکی با جان و سلامت آحاد و عموم هموطنان به‌موجب بند ۱۴ ذیل ماده ۱ از قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت مصوب ۱۳۹۷/۳/۳ و به صراحت ماده ۱ از قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی مصوب ۱۳۴۴ ایجاد و فعالیت هر نوع مؤسسه پزشکی را منوط به اجازه و تحت نظارت مستقیم وزارت بهداشت مقرر داشته است، لذا تجویز ماده ۲۴ از قانون مرقوم وزارت بهداشت را به‌عنوان یگانه مرجع صالح مکلف به تنظیم آیین‌نامه‌های مربوطه و ضوابط اجرای قانون نموده است.

ثانیاً: قانون‌گذار با نگاه ویژه به حوزه سلامت به‌موجب صدر تبصره ۲ ذیل بند ج از ماده ۳ قانون اجرای سیاست اصل ۴۴ با خروج موضوعی فعالیت‌های حوزه سلامت از شمول قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ چنین اراده خویش را به منصف ظهور رسانیده است.

تبصره ۲- فعالیت‌های حوزه‌های سلامت، آموزش و تحقیقات و فرهنگ مشمول این قانون نیست. ولیکن با کمال تأسف مشتکی‌عنه بنا به انگیزه‌های مالاکلام! خارج از حدود صلاحیت ذاتی و اختیارات قانونی با ورود غیرمجاز به فعالیت حوزه سلامت نسبت به چگونگی ضوابط تنسیقی اعطای مجوز داروخانه از مصادیق مؤسسات پزشکی ماده ۱ از قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی مصوب ۱۳۴۴ و با تلقی غلط داروخانه به مثابه بنگاه اقتصادی و با ادعای غیر مقرون به واقع ممانعت از وضعیت انحصار و حذف رویه ضد رقابتی علی‌رغم مخالفت صریح وزارت بهداشت به‌عنوان متولی حوزه سلامت و یگانه مرجع صالح صدور پروانه مؤسسات پزشکی و تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی مربوطه حسب تجویز ماده ۲۴ از قانون مزبور طی تصمیم معترض‌عنه بر توقف اجرای مواد ۴ و ۱۵ از آیین‌نامه داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳ متضمن رعایت نصاب جمعیتی و حد فاصله تأسیس داروخانه اتخاذ تصمیم و یا متعاقباً به‌موجب تصمیم بعدی شماره ۲۹۵-۱۳۹۶/۳/۱۰ قبل از قطعیت تصمیم معترض‌عنه بر اجرای آن اصرار لذا وزیر بهداشت را نیز به پرداخت مبلغ یک میلیارد ریال جریمه محکوم نموده است.

ثالثاً: جالب آن‌که برخلاف استدلال فاقد پشتوانه منطقی و قانونی شورای رقابت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به‌موجب مفاد دادنامه‌های شماره ۱۳۸۰/۲/۲-۲۶/۸۰ و ۱۳۸۰/۲/۴-۳۸۸/۸۶ در طی ۲ مرحله طرح دعوی به خواسته ابطال محدودیت جمعیت و محدودیت فاصله در تأسیس داروخانه، حسب استدلال مرقوم هیأت عمومی ضمن تأیید و تأکید بر ضرورت توزیع عادلانه دارو و تدارک امکان تسهیلات لازم به‌منظور دسترسی آحاد و عموم افراد در سراسر کشور با توجه به میزان جمعیت و تصریح بر تشخیص مسائل مذکور که از نوع امور فنی و تخصصی و تعیین آن از وظایف و در زمره مسئولیت‌های خاص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است بر وجاهت قانونی مقررات حاوی تعیین نصاب جمعیتی و قید فاصله فی‌مابین داروخانه به شرح مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه لاحق داروخانه‌ها صحه و تعیین این مقررات را در حدود اختیارات قانونی وزارت بهداشت اعلام و آن را قابل ابطال ندانسته است.

رابعاً: به‌موجب بند ۵ از سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه سلامت مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۸ به‌عنوان سند بالادستی نظام مبنی بر ممانعت از تقاضای القائی در بازار دارو و مصرف آن به وضوح تصمیم معترض‌عنه با ادعای ایجاد رقابت اقتصادی در حوزه دارو در تعارض آشکار می‌باشد.

خامساً: با عنایت به مفاد تصمیم معترض‌عنه مبنی بر حذف مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه اجرایی داروخانه‌ها با ادعای واهی و بی‌اساس رویه ضد رقابتی بدیهی و مسلم است منصرف از خروج موضوعی فعالیت حوزه سلامت از قلمروی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (حسب تبصره ۲ ذیل بند ج از ماده ۳ قانون مرقوم) از آنجاکه حسب موازین قانونی آیین‌نامه اجرایی به تجویز اصل ۱۳۸ از قانون اساسی از سوی هر یک از وزراء و یا هیأت وزیران تصویب و مآلاً در حکم قانون تلقی می‌گردد بدیهی است یگانه مرجع صالح جهت ابطال آیین‌نامه‌ها و مصوبات دولتی ... دیوان عدالت اداری می‌باشد.

سادساً: از آنجاکه تصمیم معترض‌عنه مبنی بر حذف مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه داروخانه‌ها مشمول حال تأسیس تمامی مؤسسات پزشکی (داروخانه) در سطح کشور به‌عنوان آیین‌نامه عام الشمول، ملاک اعطاء و مناصب صدور جواز تأسیس داروخانه از سوی دانشگاه‌های علوم پزشکی در سطح کشور می‌باشد به جهت عمومیت مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه داروخانه‌ها و تصمیم معترض‌عنه نسبت بدان تقاضا ابطال در صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری محسوب می‌گردد. بدین حیث حسب ادله، امارات و قرائن قانونی موجود واضح و مبرهن است نگاه غلط اقتصادی به نوع و ماهیت فعالیت مؤسسات پزشکی و شاغلین حرف پزشکی با ادعای فضای رقابتی در فروش دارو و منع انحصار و تلقی داروخانه به مثابه بنگاه اقتصادی همانند بوتیک‌ها، رستوران‌ها،

تالارهای پذیرایی، سوپرمارکت‌ها، نمایشگاه‌های اتومبیل و ... علاوه بر فقدان وجاهت عقلی و قانونی تصمیم معترض‌عنه حسب ادله حکمی و جهات موضوعیه پیش گفت در مانحن فیه موجبات آسیب جدی سلامت و بهداشت عمومی به واسطه حذف غیرقانونی کنترل و نظارت عالی وزارت بهداشت به‌عنوان متولی رسمی حوزه سلامت را باعث و با ایجاد رقابت ناسالم در عرضه دارو به مردم و تحمیل هزینه بلاوجه به اقتصاد خانواده‌ها عملاً مانعیت جدی و خطرناک در توزیع عادلانه و دسترسی سهل مردم به مراکز دارویی خصوصاً در شهرهای خارج از مراکز استان به واسطه هجوم داروخانه‌ها از شهرهای کوچک به مراکز اصلی شهرها از طریق حذف مانعیت و ده‌ها تالی فاسد آشکار و پنهان دیگر از پیامدهای ورود غیرقانونی و فاقد مجوز و خارج از حدود صلاحیت شورای رقابت در حوزه سلامت و دیدگاه غلط اقتصادی به این حوزه به وضوح فقد وجاهت عقلی و قانونی تصمیم معترض‌عنه را هویدا، محرز و مسلم می‌سازد.

سابقاً: با توجه به ماده ۶۵ از قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر اجرای تصمیمات شورا قبل از قطعیت از محضر عالی مستدعی است به تجویز ماده ۳۴ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به جهت فوریت و ضرورت جلوگیری از خسارات و اضرار مادی جامعه داروسازی کشور و تعذر و تعسر در جبران آن و با توجه به تصمیم مؤخر الصدور شماره ۲۶۵-۱۳۹۶/۳/۱۰ شورای رقابت مبنی بر اصرار به اجرای تصمیم ۲۸۲ قبل از قطعیت و جریمه یکصد میلیون تومانی وزیر بهداشت بدو با صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای تصمیم معترض‌عنه از ایجاد هرج‌ومرج در نحوه فعالیت و صدور مجوز تأسیس داروخانه به‌عنوان موسسه پزشکی از ورود خسارت مادی و معنوی به جامعه داروسازی کشور و مردم شریف و بیماران نیازمند از ظلم و تالی فاسد ناشی از اجرای تصمیم معترض‌عنه تا رسیدگی ماهوی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تحت استدعای قانونی می‌باشد."

متن شکایت‌نامه شماره ۱۳۹۷/۳/۲-۶۵۵/۱۸۶۲۹ معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس سازمان غذا و دارو:

"حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: درخواست ابطال تصمیمات شماره ۲۸۲-۱۳۹۵/۱۲/۲ و ۲۹۵-۱۳۹۶/۳/۲۲ شورای رقابت و ۹۶/۱۹ هـ ت-۴/۱۰/۱۳۹۶ هیأت تجدیدنظر شورای رقابت

سلام‌علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند شورای رقابت طی تصمیم شماره ۲۸۲-۱۳۹۵/۱۲/۲ با تعبیر اقدام ضد رقابتی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را از اجرای مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها منع نموده است و علیرغم اعتراض و تجدیدنظرخواهی این سازمان، هیأت تجدیدنظر شورای رقابت تصمیم نامه شماره ۱۹/۹۶ هـ ت-۴/۱۰/۱۳۹۶ را مبنی بر رد تجدیدنظرخواهی این سازمان صادر و وزارت بهداشت را مکلف به اصلاح رویه طی تصمیم شماره ۲۹۵-۱۳۹۶/۳/۲۲ محکوم به پرداخت جریمه نقدی نموده است. حال با عنایت به ایرادات اساسی تصمیمات فوق‌الاشاره اعتراض این وزارت به شرح ذیل مطرح و ابطال تصمیمات مزبور مورد استدعاست:

الف) ایرادات شکلی

۱- ایراد قانونی وارد به رأی شورا از جهت توقف اجرای احکام مربوط به مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها (از حیث صلاحیت شورا)

۱-۱- مستند قانونی ارائه شده شورای رقابت برای ورود به موضوع مجوز فعالیت داروخانه‌ها، تبصره ۲

ذیل ماده ۷ اصلاحی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳ عنوان شده است؛ که مقرر می‌دارد: "هر یک از مراجع صادرکننده مجوز کسب‌وکار موظفاند درخواست متقاضیان مجوز کسب‌وکار را مطابق شرایط مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور دریافت و بررسی کنند. صادرکنندگان مجوز کسب‌وکار اجازه ندارند به دلیل "اشباع بودن بازار"، از پذیرش تقاضا یا صدور مجوز کسب‌وکار امتناع کنند. امتناع از پذیرش مدارک و درخواست مجوز و تأخیر بیش از ظرف زمانی تعیین شده در پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور در صدور مجوز برای متقاضیانی که مدارک معتبر مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی یاد شده را ارائه داده‌اند، مصداق "اخلال در رقابت" موضوع ماده ۴۵ این قانون است و شورای رقابت موظف است به شکایت ذی‌نفع رسیدگی و بالاترین مقام مسئول دستگاه مربوطه را به مجازات تعیین شده در بند ۱۲ ماده ۶۱ این قانون محکوم کند." درحالی‌که در تبصره مزبور هیچ‌گونه تجویز و اختیاری برای شورای رقابت جهت اصلاح یا حذف احکام از قوانین و مقررات مربوط به فعالیت‌های تخصصی حوزه سلامت پیش‌بینی نشده است. از طرفی حکم مزبور، در مقام بیان نسخ قوانین و مقررات قبلی نیز نبوده است تا شورای رقابت بتواند آن را نسخ مقررات قبلی دانسته و هر اقدام برخلاف آن را، یک اقدام ضد رقابتی تلقی نماید.

۱-۲- بر اساس احکام اسناد بالادستی از جمله بند ۷-۱ سیاست‌های کلی سلامت، ابلاغی مقام معظم رهبری و قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی آن و قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷، وزارت بهداشت متولی امر سیاست‌گذاری، نظارت و راهبری امر سلامت بوده و به‌طور خاص در خصوص فعالیت داروخانه‌ها در قوانین صدرالذکر مرجع صدور مجوز و تعیین شرایط لازم برای اعطای مجوز، وزارت بهداشت می‌باشد. لذا آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳ ابلاغی وزیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مستند به اختیارات قانونی است که تاکنون قانون بعدی این اختیار را نسخ ننموده است. از این‌رو با توجه به اینکه شورای رقابت اختیار لغو یا اصلاح آیین‌نامه‌ها و مقررات دولتی را ندارد، لذا شورای رقابت نمی‌تواند اقدام موافق با قوانین و مقررات وزارت بهداشت در خصوص عدم صدور مجوز به اشخاصی که شرایط مقرر در آیین‌نامه مزبور را ندارند، به‌عنوان تخلف محسوب نماید. بدیهی است چنانچه موارد موردنظر در آیین‌نامه از نظر شورای فوق مغایر با قانون است، ضرورت داشت در اجرای اصل ۱۷۳ قانون اساسی و به استناد مقررات قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ اقدام به طرح دادخواست ابطال مواد مزبور از آیین‌نامه یاد شده از سوی شاکی را در دیوان عدالت اداری نموده و در صورت ابطال مواد مزبور، ممکن بود بحث اجرای تبصره ۲ ماده ۷ اصلاحی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی قابل طرح و استناد باشد از این‌رو جهت رأی صادره به جهت آن‌که شورا به‌نوعی به موضوعاتی که در صلاحیت تخصصی دیوان عدالت اداری است ورود نموده واجد ایراد قانونی است.

۱-۳- شورای نگهبان در نظریات تفسیر خود از جمله نظریه شماره ۸۳/۳۰۸۳-۹۶۶۲/۳۰۸۳-۱۳۸۳/۱۱/۲۷ در مواردی که مصوبه‌ای به دلیل مغایرت قانونی ابطال می‌شود زمان اجرای رأی را زمان صدور رأی دانسته و مصوبه ابطال شده را از زمان صدور رأی هیأت عمومی غیرقابل اجرا دانسته و در مواردی که قبلاً اجرا گردیده، اقدامات صورت گرفته قبلی را دارای منشأ اثر قانونی می‌داند مگر اینکه دلیل ابطال مصوبه، مغایرت شرعی آن بوده باشد. بر همین اساس ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیز آراء صادره از هیأت عمومی در خصوص ابطال را از زمان صدور رأی هیأت عمومی واجد اثر می‌داند.

۱-۴- در تصمیم شماره ۲۹۵ شورای رقابت به رأی شماره ۴۳۵-۴۳۴-۱۳۹۰/۱۰/۱۲- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اشاره شده درحالی‌که در رأی مزبور، هیأت عمومی دیوان مفاد آیین‌نامه داروخانه‌ها

آیین‌نامه قبلی که از جهت بحث محدودیت‌های ظرفیتی و جغرافیایی مشابه آیین‌نامه سال ۱۳۹۳ است) را مغایر با قانون ندانسته است. لذا رأی مزبور نیز دلالت بر تائید دیدگاه قانونی وزارت متبوع دارد.

۱-۵- در سنوات گذشته چندین بار ابطال آیین‌نامه تأسیس داروخانه‌ها از جهت محدودیت‌های نصاب جمعیتی و رعایت فاصله مورد اعتراض قرار گرفته و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه‌های متعدد از جمله شماره ۳۷۶-۱۳۸۷/۵/۳ و شماره ۳۸۸-۱۳۸۶/۶/۴ و شماره ۶۹-۱۳۷۰/۶/۱۹ و شماره ۱۵۸-۱۳۷۱/۸/۹ آیین‌نامه را مغایر قانون تشخیص نداده و بر اختیارات وزارت بهداشت در تعیین این شرایط صحه گذاشته است.

۲- استثنای قانونی فعالیت‌های حوزه بهداشت و سلامت از شمول قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و خروج موضوعی فعالیت‌های حوزه وزارت بهداشت از صلاحیت شورای رقابت بر اساس تبصره ۲ بند (ج) ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی "فعالیت‌های حوزه‌های سلامت، آموزش و تحقیقات و فرهنگ مشمول این قانون نیست" لذا قانون‌گذار به صراحت فعالیت‌های سلامت را از شمول قانون یاد شده مستثنی نموده است، بنابراین احکام فصل نهم قانون یاد شده نیز نسبت به فعالیت‌های حوزه سلامت قابل اعمال و تسری نمی‌باشد و در نتیجه شورای رقابت بر طبق قانون یاد شده صلاحیت ورود به فعالیت‌های موضوع این حوزه را نخواهد داشت.

(ب) اشکالات ماهوی رأی شورا و مغایرت آن با قوانین خاص حوزه وزارت بهداشت:

۱- صلاحیت خاص وزارت بهداشت در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ارزشیابی و نظارت بر حوزه فعالیت داروخانه‌ها:

در بند ۷-۱ سیاست‌های کلی سلامت مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۸، "تولیت نظام سلامت شامل: سیاست‌گذاری‌های اجرایی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی و نظارت" بر عهده "وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی" قرار داده شده است. بند (الف) ماده ۷۲ قانون برنامه ششم توسعه، در اجرای سیاست‌های کلی سلامت، تولیت نظام سلامت از جمله بیمه سلامت شامل: سیاست‌گذاری اجرایی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی، اعتبار سنجی و نظارت را در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متمرکز کرده است. تعیین شرایط تأسیس داروخانه‌ها به‌عنوان یکی از مراکز ارائه دهنده خدمات از جنس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بوده و بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار دارد. نتیجتاً محدود کردن صلاحیت سیاست‌گذاری وزارت بهداشت با سیاست‌های کلی سلامت مخالف است.

۲- تأسیس مؤسسات پزشکی، دارویی و داروخانه‌ها از دیرباز شاهد تصویب احکام قانونی متعدد بوده است. از آن جمله "قانون مربوط به مقررات امور پزشکی دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی" مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات و الحاقات متعدد آن، قانون نحوه تأمین دارو در مناطق محروم و نیازمند کشور مصوب ۱۳۶۴/۱/۶، "قانون مجوز اداره مستقل داروخانه به‌وسیله کمک داروسازان کشور"، مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۸، "قانون الزام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به معرفی مسئول فنی واجدالشرایط برای اداره داروخانه‌هایی که در مناطق محروم و جمعیت زیر پنجاه هزار نفر فاقد مسئول فنی"، مصوب ۱۳۶۷/۲/۱۱ می‌باشند. از طرفی دلیل توجه قانون‌گذار به این حوزه و تصویب احکام قانونی متعدد، حساسیت موضوع درمان و دارو است. هرچند فعالیت شورای رقابت در بازارها و حمایت از رقابت برای رفع انحصار ضروری به نظر می‌رسد، اما دولت‌ها معمولاً در حوزه‌هایی که شکست بازار رخ می‌دهد ناگزیر به مداخله می‌باشند. تاریخچه تصویب قوانین و مقررات مختلف راجع به تأسیس داروخانه که در طول سال‌ها به تصویب رسیده‌اند نیز به همین موضوع برمی‌گردد و بنابراین حوزه سلامت، درمان و دارو ناگزیر است با سیاست‌گذاری دولت‌ها همراهی نماید. تعداد زیاد قوانین و مقررات مصوب این حوزه در طول تاریخ قانون‌گذاری مؤید این امر است.

۳- همه مجوزهایی که در قوانین پیش‌بینی می‌شوند از یک مبنا پیروی نمی‌کنند، مجوزهایی که تشکیلات صنفی صادر می‌کنند، تفاوت‌های ذاتی با مجوزهایی دارد که سازمان غذا و دارو صادر می‌نماید شرایط حاکم بر این مجوزها باید با لحاظ این تفاوت‌ها در نظر گرفته شود. سیاست‌گذاری نادرست و برنامه‌ریزی شتاب‌زده در حوزه کالاهای سلامت‌محور و محل‌های انبارش یا توزیع و عرضه آن از جمله داروخانه‌ها، به دلیل عدم تقارن اطلاعات، ممکن است به آسیب‌های جدی نسبت به سلامت افراد جامعه و ارائه خدمات به موقع دارویی منجر شده و حیات شهروندان را به خطر اندازد.

۴- تخصصی بودن فعالیت داروخانه‌ها، تفاوت چشم‌گیر در اطلاعات مصرف‌کنندگان و متخصصان در این حوزه ارتباط فعالیت داروخانه‌ها با سلامت جامعه و عدم تقارن اطلاعات سبب شده است که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از دیرباز به اشکال مختلفی مثل تعرفه‌گذاری، قیمت‌گذاری، سیاست‌گذاری و سایر موارد نقش ناظر را در این حوزه ایفا نماید.

۵- تکلیف وزارت بهداشت در برنامه‌ریزی مصرف منطقی دارو:

سلامت یکی از موضوعات مهم و حساس می‌باشد که از یک‌طرف یک امر حاکمیتی از جهت سیاست‌گذاری و نظارت محسوب می‌شود و از طرفی فعالیت بخش‌های غیردولتی نیز در این زمینه منوط به رعایت الزامات قانونی خاص است، به‌نحوی که در بند ۵ سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی توسط مقام معظم رهبری، وزارت بهداشت مکلف است، با اجرای برنامه‌های تجویز و مصرف منطقی دارو، سعی در کاهش مصرف بی‌رویه آن در کشور نماید. به همین دلیل بر مبنای احکام قانونی مرتبط در قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ و دستورالعمل‌های مربوطه، تبلیغ دارو برای عامه مردم و بیماران ممنوع است. لذا به جهت ارتباط موضوع دارو با سلامت مردم، نمی‌توان آن را مشمول مطلق قواعد اقتصادی از جمله بازار آزاد و رقابتی دانست همچنین در بسیاری از کشورها در جهت کنترل عرضه و تقاضا در حوزه دارو، مقررات سخت‌گیرانه‌ای به‌ویژه از جهت برقراری محدودیت‌های جغرافیایی و ظرفیتی پیش‌بینی می‌کنند. چراکه حذف این‌گونه محدودیت‌ها موجب رشد تقاضای القایی برای مصرف بیشتر دارو می‌شود.

۶- صلاحیت وزارت بهداشت در سطح‌بندی خدمات جامع و همگانی سلامت:

سطح‌بندی خدمات جامع و همگانی بر اساس بند (ث)، ماده ۷۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی) بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته است. رأی بدوی شورای رقابت در انتهای سال گذشته و در زمان اجرای برنامه پنجم توسعه صادر شده که در بند (ج) ماده ۳۲ مقرر می‌داشت: "سامانه خدمات جامع و همگانی سلامت مبتنی بر ... سطح‌بندی خدمات ... توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باز طراحی می‌شود..." همچنین بند (ث) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه مقرر می‌کند: "وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است در اجرای نظام خدمات جامع و هماهنگ سلامت با اولویت بهداشت و پیشگیری بر درمان و مبتنی بر مراقبت‌های اولیه سلامت، با محوریت ... سطح‌بندی خدمات ... اقدام نماید... سطح‌بندی تمامی خدمات تشخیصی و درمانی بر اساس نظام ارجاع مبتنی بر پزشک خانواده و اجازه تجویز این‌گونه خدمات صرفاً بر اساس راهنماهای بالینی، طرح فاقد نام تجاری (ژنریک) و نظام دارویی ملی کشور خواهد بود"

سطح‌بندی خدمات معادلی است که برای Stratification و Segmentation مورد استفاده قرار می‌گیرد. سطح‌بندی جمعیت و طبقه‌بندی خطر، دو مفهومی هستند که برای کمک به درک نیازهای جمعیتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این طریق برنامه‌ریزی و ارائه خدمت حوزه سلامت بهتر مدیریت خواهد شد. سطح‌بندی جمعیت و گروه‌بندی جمعیت بر اساس دو ملاک است: اولاً- به چه خدمات سلامتی

نیاز دارند و ثانیاً- چه زمانی به این خدمات سلامت نیاز خواهند داشت. در حال حاضر بیشتر متخصصان سلامت اقدام به سطح‌بندی جمعیت با هدف ارائه کارآمد خدمات سلامت می‌نمایند. تعیین شرایط جمعیتی و مسافتی در آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها، با هدف سطح‌بندی خدمات‌رسانی دارویی در حوزه سلامت انجام گرفته است؛ بنابراین الزاماً اعمال این سطح‌بندی جمعیتی خدمات داروخانه‌ها در زمره صلاحیت‌ها و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار دارد.

۷- عدم انطباق رأی با ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴:

هر چند در تبصره ۲ ماده ۷ اصلاحی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، عدم صدور مجوز به دلیل اشباع بازار را به‌عنوان مصداق اخلال در رقابت موضوع ماده ۴۵ ذکر نموده است، این اقدام منطبق با بندهای مختلف ذیل ماده ۴۵ نمی‌باشد تا بدین ترتیب ضمانت اجرای مقرر در تبصره مزبور یعنی بند ۱۲ ماده ۶۱ توسط شورای رقابت اعمال گردد؛ اما صدور حکم به استناد بند ۳ ماده ۶۱ در واقع توسعه حکم تبصره ۲ ماده ۷ اصلاحی قانون است. از طرفی با توجه به موارد فوق‌الذکر تحقق تخلف موضوع تبصره ۲ ماده ۷ اصلاحی زمانی است که در قوانین و مقررات مربوطه بحث محدودیت‌های ظرفیتی و جغرافیایی پیش‌بینی نشده باشد در غیر این صورت چنانچه چنین اختیاری برای مرجع صدور مجوز باشد، سرپیچی نمودن از اجرای قانون، خود نوعی بی‌قانونی محسوب می‌شود.

علی‌هذا نظر به مراتب فوق با در نظر گرفتن اهمیت و حساسیت بالای سلامت مردم و با لحاظ تفاوت منطقی میان عرضه دارو و ملزومات پزشکی با سایر کالاها و بی‌معنی بودن موضوع رقابت در خصوص ارائه دارو به جهت ممانعت از خلط این موضوع با موضوعات صرفاً اقتصادی و با در نظر گرفتن آثار و عواقب زیان‌بار نگاه صرف تجاری به عرضه دارو، صدور حکم به ابطال تصمیمات فوق‌الاشاره شورای رقابت مورد استدعاست.<sup>۱۱</sup> متن مقررهای مورد اعتراض به شرح زیر است:

الف: تصمیم شماره ۲۸۲-۱۳۹۵/۱۲/۲ (شورای رقابت)

"در خصوص مجوز داروخانه:

به استناد ماده ۶۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی "شورای رقابت تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی است" و بر اساس بند ۱ ماده ۵۸ این قانون "تشخیص مصداق رویه‌های ضد رقابتی" از وظایف و اختیارات این شورا است. از منظر اقتصادی و تعریف محدوده بازار، رقابت هر داروخانه معمولاً جغرافیایی است و لذا انحصار و رقابت در هر محدوده جغرافیایی تعریف می‌شود. در خصوص موضوع پرونده حاضر، عمل به مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه مصوب ۱۳۹۳ جهت صدور مجوز تأسیس داروخانه‌ها باعث ممانعت و مشکل کردن ورود بنگاه‌های جدید به بازار می‌شود. از سوی دیگر با عنایت به آن‌که این محدودیت‌ها با منطق اشباع بازار به دلیل حفظ وضعیت و سود انحصاری بنگاه‌های موجود وضع شده است، به استناد تبصره ۲ ماده ۷ قانون، اخلال در رقابت به استناد رویه ضد رقابتی تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۱، ۶، ۷ اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تشخیص داده شد. بنابر موارد فوق: به‌منظور ممانعت از بروز وضعیت انحصاری و رویه ضد رقابتی با استناد به بند ۳ ماده ۶۱ قانون، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نسبت به توقف رویه ضد رقابتی موضوع مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳ که به‌منزله عدم پذیرش درخواست مجوز به دلیل اشباع بازار می‌باشد اقدام به‌مراتب را به کلیه نهادهای ذی‌ربط و مجری این آیین‌نامه اعلام نماید. دانشگاه علوم پزشکی ارومیه ضمن توقف رویه ضد رقابتی موضوع مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳ که به‌منزله عدم پذیرش درخواست مجوز به دلیل اشباع بازار می‌باشد، درخواست صدور مجوز شاکی را در چارچوب سایر مواد آیین‌نامه مذکور بررسی و اقدام لازم به عمل آورد.<sup>۱۲</sup>

ب: تصمیم شماره ۲۹۵-۱۳۹۶/۳/۲۲ (شورای رقابت): "تصمیم جلسه ۲۹۵-۱۳۹۶/۳/۲۲ شورای رقابت: با توجه به تصمیمات متخذه از سوی شورای رقابت به شماره‌های ۲۸۲-۱۳۹۵/۱۲/۲ و ۲۹۰-۱۳۹۶/۲/۱۱ مبنی بر الزام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به توقف رویه ضد رقابتی موضوع مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳ و ابلاغ این تصمیمات در نامه‌های شماره ۱۹/۹۵/۶۱۴۱-۱۳۹۵/۱۲/۱۷ به سازمان غذا و دارو و شماره ۱۰/۹۶/۳۵۲-۱۳۹۶/۲/۱۶ به وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و عدم اجرای مفاد آن بدون عذر موجه قانونی و با لحاظ رأی شماره ۴۳۴-۴۳۳-۱۳۹۰/۱۰/۱۲ وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عدم صدور مجوز توسط وزارت مستکی‌عنه، مصداق دفاع بلاوجه "اشباع بازار" تشخیص داده شد. لذا با استناد به بند ۱۲ ماده ۶۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی منبعث از تبصره ۲ ماده ۷ اصلاحی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳/۴/۱ که مقرر می‌دارد "... صادرکنندگان مجوز کسب‌وکار اجازه ندارند به دلیل "اشباع بودن بازار" از پذیرش تقاضا یا صدور مجوز کسب‌وکار امتناع کنند." شورا وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را به‌عنوان بالاترین مقام مسئول دستگاه اجرایی مربوطه علاوه بر الزام به صدور مجوز تأسیس داروخانه در حق شاکی آقای کیوان لطفی به پرداخت یک میلیارد ریال جریمه نقدی در حق دولت نیز محکوم می‌نماید. این تصمیم به‌موجب ماده ۶۳ قانون ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیأت تجدیدنظر شورای رقابت می‌باشد."

ج: تصمیم شماره ۱۹/۹۶/هت-۱۳۹۶/۱۰/۴ (هیأت تجدیدنظر شورای رقابت): "تصمیم هیأت تجدیدنظر در خصوص تجدیدنظرخواهی معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس سازمان غذا و دارو نسبت به تصمیم‌های شماره ۲۸۲ و ۲۹۵ شورای رقابت که به‌موجب آن‌ها اولاً: شکایت آقای کیوان لطفی مبنی بر الزام وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو به حذف شرط فاصله مکانی و جمعیت از مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳ به‌عنوان یک‌رویه ضد رقابتی موجود در آیین‌نامه، به استناد تبصره ۲ ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از مصادیق اخلال در رقابت تشخیص و بر اساس تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون مزبور ایجاد رویه ضد رقابتی از نظر شورای رقابت محرز و وفق بند ۳ ماده ۶۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تجدیدنظرخواه به توقف هرگونه رویه ضد رقابتی محکوم گردیده است. ثانیاً: دانشگاه علوم پزشکی ارومیه مکلف گردیده است ضمن توقف رویه ضد رقابتی موضوع مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳ که به‌منزله عدم پذیرش درخواست مجوز به دلیل اشباع بازار می‌باشد، درخواست صدور مجوز خواهان را در چارچوب سایر مواد آیین‌نامه مذکور بررسی و اقدام لازم به عمل آورد."

نظر به اینکه در بخش اول تصمیم شماره ۲۸۲ شورای رقابت دایر بر توقف هرگونه ایجاد و اعمال رویه ضد رقابتی توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به استناد بند ۳ ماده ۶۱ قانون مرقوم، ایجاد محدودیت مکانی، جمعیتی و زمان کار موجب اخلال در رقابت و ایجاد ممانعت برای ورود بنگاه‌های جدید می‌گردد و وزارتخانه مرقوم به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قانونی در این مورد مقرر شناخته شده و ملزم به اصلاح رویه ضد رقابتی گردیده و در پاسخ به تصمیم مرقوم ضمن قبول ایراد، قول اصلاح آن را هم داده‌اند. لذا تصمیم شورای رقابت در این بخش مطابق موازین تشخیص و تأیید می‌گردد. در خصوص بند دوم تصمیم شماره ۲۸۲ با توجه به عدم اعتراض و تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه (دانشگاه ارومیه) نسبت به آن تکلیفی در این بخش متوجه هیأت نمی‌باشد. همچنین در خصوص تصمیم جلسه شماره ۲۹۵ شورای رقابت نظر به اینکه محکوم‌علیه (وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) نسبت به آن اعتراضی به عمل نیآورده است معاون ایشان و رئیس سازمان غذا و دارو فاقد سمت قانونی در این زمینه است. لذا در این قسمت بر تصمیم شورا با رعایت عدم

تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه، هیأت مواجه با هیچ‌گونه تکلیفی نمی‌باشد." در پاسخ به شکایت از تصمیمات شورای رقابت، رئیس شورای رقابت به‌موجب لایحه شماره ۲۷۱۹ - ۹۶ - ۱۰ ص - ۱۳۹۶/۸/۲۹ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ سلام‌علیکم. در خصوص دعوای انجمن داروسازان ایران مبنی بر ابطال تصمیم شماره ۲۸۲ شورای رقابت و در جهت رد شکایت بلاوجه شاکی به استحضار می‌رساند: شاکی در دادخواست خود مرکز ملی رقابت و شورای رقابت را توأمان طرف دعوا قرار داده است. در این خصوص لازم به ذکر است شخصیت حقوقی مرکز ملی رقابت، جدای از شورای رقابت است، به‌موجب ماده ۵۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مرکز ملی رقابت مؤسسه‌ای دولتی شناخته می‌شود، لذا شاکی بدواً طرف دعوای خود را مشخص سازد تا معلوم شود که در مقام دفاع چه کسی و با چه قواعدی از حقوق دفاعی خود بهره‌مند گردد.

الف: شورای رقابت در مقام رسیدگی به امور ترافعی انشاء تصمیم کرده است و در مقام تدوین، وضع و تصویب دستورالعمل نبوده است.

اول) موضوع در صلاحیت هیأت عمومی دیوان نیست. توضیح اینکه هیأت عمومی صالح به ابطال تصمیمات شورای رقابت که در مقام رسیدگی به امور ترافعی صادر می‌شود نیست. در حقیقت شورای رقابت دو نقش اساسی دارد:

یک- رسیدگی به شکایات از بروز رویه‌های ضد رقابتی موضوع ماده ۶۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

دو- وظایف و تکالیف عمومی شورا در انتظام حقوق رقابت به‌طور کلی موضوع ماده ۵۸ قانون مذکور. شورای رقابت در رسیدگی به شکایت آقای کیوان لطفی در خصوص عدم صدور مجوز (ناشی از اشباع بازار) به‌عنوان اقدامی که مانع تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و رقابتی است، وارد رسیدگی شده و با توجه به شکایات وارده و پس از استماع ادله طرفین و طی فرآیند دادرسی، به استناد ماده ۶۱ قانون یاد شده مبادرت به تصمیم و صدور رأی نموده است، علی‌هذا شاکیان در صورت اعتراض به تصمیم متخذه می‌توانند از طریق فرآیندهای پیش‌بینی‌شده وفق مواد ۶۳ به بعد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تجدیدنظرخواهی کنند که در تصمیم شورا نیز تصریح شده است؛ بنابراین شورای رقابت در این خصوص در مقام، تدوین، وضع و تصویب دستورالعمل نیست و لذا این تصمیم هیأت از مصادیق آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نمی‌باشد و مآلاً از صلاحیت آن هیأت عمومی خارج است.

دوم) شورای رقابت بر اساس متن صریح ماده ۹۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و در مقام رسیدگی چنانچه موادی از قوانین و مقررات مختلف را در مقام تعارض با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تشخیص دهد، به‌عنوان مرجع انشاء‌کننده رأی می‌بایست مبادرت به حل اختلاف و یا فصل خصومت در خصوص رویه‌های ضد رقابتی نماید و در این خصوص از ابزارهای رسیدگی قضایی به مانند هر مرجع رسیدگی‌کننده استفاده می‌کند. شورای رقابت می‌تواند از قواعد تفسیر اصولی و حقوقی استفاده کند. در این راستا مفهوم نسخ به‌عنوان یک مفهوم اصولی و قانونی در شورا مطرح و این مرجع اولاً- تعارض میان مقررات آیین‌نامه مورد استناد شاکی و قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ مخصوصاً تبصره ۲ ماده ۷ همین قانون را احراز کرده است. ثانیاً: در مقام صدور رأی، مفهوم نسخ را اعمال نموده است. قضات شریف به‌خوبی مستحضر هستند که مفهوم نسخ جدای از مفهوم ابطال آیین‌نامه است و در واقع شورای رقابت هیچ‌گاه خود را صالح به

ابطال آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران ندانسته است.

ب: کسب‌وکار داروخانه‌ای مصدق‌ای از کسب‌وکارهای موضوع تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون است. (اول شورای رقابت با احراز اقتصادی بودن فعالیت‌های حوزه سلامت به‌ویژه داروخانه‌ها آن را از مصادیق حرفه و کسب‌وکارهای مشمول تبصره ۲ ماده ۷ قانون دانسته است، توضیح اینکه شاکی به تبصره ۲ بند ج ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی استناد کرده است، درحالی‌که اساساً استناد به این مقررۀ فاقد مبنای حقوقی و حاکی از عدم اطلاع دقیق از حوزه‌های دیگر قانون است. در این خصوص لازم به ذکر است تبصره فوق‌الذکر ناظر بنا به تصریح قسمت اخیر آن که مقرر می‌دارد: "... و هرگونه واگذاری به بخش غیردولتی در این حوزه مطابق لایحه‌ای است که به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد" ناظر به فرایند امر واگذاری‌ها به بخش‌های غیردولتی است. در حقیقت دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین متولی امر اقتصاد، بر اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مکلف شده است تا حوزه‌های قابل‌واگذاری را به بخش غیردولتی واگذار کند، لذا سیاست‌گذاران و واضعان قانون، قلمرو این واگذاری‌ها را به‌گونه‌ای تعریف کرده‌اند تا حتی‌الامکان دولت فقط به نظارت در امور واگذار شده بپردازد، بنابراین اصل بر این است که همه موضوعات قابل واگذاری است، مگر اینکه مقنن بنا به ملاحظاتی آن را از شمول واگذاری به بخش خصوصی معاف کند، لذا دولت حوزه سلامت، آموزش و غیره را به‌موجب این تبصره از شمول واگذاری‌ها خارج کرده است. نکته حائز اهمیت اینکه این بدان معنا نیست که این حوزه‌ها به‌هیچ‌وجه قابل واگذاری نباشد. شاهد مثال نقض این موضوع این است که در حوزه آموزش و فرهنگ مدارس مختلفی تحت عنوان مدارس غیرانتفاعی وجود دارد که به مردم واگذار شده است. در این خصوص دولت به‌عنوان نماینده مردم تنها در امر سیاست‌گذاری حاکم بر امر آموزش ورود می‌کند و از مدیریت و تصدی‌گری این حوزه‌ها خود را فارغ می‌داند و سیاست‌گذاری‌های کلان در امر آموزش، تدوین کتب درسی، انتصاب معلمان و غیره در اختیار دولت همچنان باقی مانده است؛ بنابراین فهم و تفسیر قانون در گروه فهم دقیق حدود و قلمرو آن است؛ بنابراین حتی در خود واگذاری نیز باید به این موضوع توجه داشت که امور مختلف از حیث سیاست‌گذاری همچنان در اختیار دولت است، اما بخش‌هایی که مردم نیز می‌توانند کارگزار آن باشند به مردم واگذار می‌شود.

دوم) در حال حاضر داروخانه‌ها در اختیار مردم و داروسازان به‌عنوان بخش خصوصی قرار دارد و هیچ فردی نمی‌تواند مدعی شود که داروخانه در اختیار مردم قرار ندارد. دارندگان مجوزهای داروخانه در حال حاضر چه می‌کنند؟ آیا صرفاً به ارائه خدمات و آن‌هم به شکل مجانی اقدام می‌کنند یا داروخانه‌ها نیز به‌عنوان کسب‌وکار در فرآیند گردش ثروت قرار دارند؟ تولید امر داروخانه‌ها داروخانه‌داری امر حاکمیتی نیست، بدیهی است وقتی دولت بیمارستان را نیز در اختیار بخش خصوصی قرار می‌دهد و معتقد است می‌توان بخش‌هایی از حوزه سلامت از حیث مدیریت و بهره‌برداری را به غیر واگذار کرد، قاعدتاً و طبیعتاً به حوزه‌های دیگر آن نیز موضوع سرایت خواهد کرد و نمی‌توان از تسری آن به بخش‌های دیگر جلوگیری کرد. در حال حاضر بسیاری از حوزه‌های درمان به مردم واگذار شده است و حضور مردم در طولانی‌مدت سبب کاهش هزینه‌های درمان شده است، بنابراین استناد به تبصره فوق حتی با این ادعا که حوزه سلامت مستثنا از واگذاری شده است، بنا به توضیحات فوق‌الذکر مردود و غیر مقبول است.

ج: قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مؤخر بر رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است: استناد شاکی به رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص عدم ابطال آیین‌نامه موردنظر ناظر به سال ۱۳۸۶ می‌باشد، در این خصوص لازم به ذکر است در زمان شکایت از آیین‌نامه تأسیس داروخانه‌ها، اساساً قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به تصویب نرسیده بوده است. همچنین موضوع تبصره ۲ ماده ۷ قانون

اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۹۳ به تصویب رسیده است و استناد به این موضوع زمانی منطقی خواهد بود که در زمان قانون فوق در دیوان رسیدگی می‌شد، موضوع تبصره ۲ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ ناظر به ممنوعیت اعلام و اعمال هرگونه اشباع است. چیزی که در قوانین قبلی به‌هیچ‌وجه سابقه نداشته است و موضوع آیین‌نامه دقیقاً اعمال ضابطه اشباع در منطقه جغرافیایی خاص است، لذا از این حیث دو مقرر (جعل واضح) شأنیت یکسان ندارد. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی قاعده حقوقی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است، اما آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران است و حتی در مقام اعمال، تقدم با قانون است و نه آیین‌نامه، چه رسد به اینکه اساس موضوع از حیث مفهومی نیز تعارض دارد و قانون مقدم حاکم است (تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح) به‌علاوه وفق ماده ۹۲ همین قانون، مقررات معارض نیز نسخ شده است.

با عنایت به جمیع جهات یاد شده نظر به اینکه شورای رقابت در مقام رسیدگی به امر ترافعی در خصوص اختلاف حاصله در اجرای قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مبادرت به اتخاذ تصمیم کرده است و هیچ‌گاه در مقام ابطال آیین‌نامه و غیره بر نیامده و صرفاً با اعمال قواعد اصولی و تفسیری حقوقی مفهوم نسخ را در مقام انشاء رأی اعمال کرده است، بناء علی‌هذا و نظر به مراتب مذکور در فوق، رد شکایت بلاوجه شاکی مورد استدعاست."

ب- آقای کیوان لطفی به‌موجب درخواستی که به شماره ۱۳۹۴/۱۲/۹-۹۰۰۰/۲۱۱/۱۸۸۸۴۱/۲۰۰ ثبت دبیرخانه حوزه ریاست دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که: "موضوع: درخواست ابطال ماده ۲ و ماده ۱۵ آیین‌نامه تأسیس داروخانه شماره ۱۴۷۴۵۳/۶۶۵ ابلاغی ۱۳۹۳/۱۲/۵ و نیز ابطال ماده ۶ و بند سوم ماده ۴ و تبصره ۴ بند ۴ ضوابط تأسیس داروخانه ۱۳۹۴/۴/۳۱ توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ سلام‌علیکم. این‌جانب (بعد از شش سال خدمت در مناطق محروم شهر اسلام آباد غرب و صحنه و پس از گذشت نه سال از فارغ‌التحصیلی) درخواست ابطال مجوز داروخانه خود را در اسلام آباد غرب در مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۵ به معاونت دارو و غذا داده‌ام و متقاضی تأسیس داروخانه در زادگاهم کرمانشاه هستم، کرمانشاه حدود ۴۰ ظرفیت خالی برای تأسیس داروخانه دارد (با توجه به اصلاحاتی که در ابلاغی سال ۱۳۹۳ وزیر گنج‌انده شده و از این بابت از ایشان ممنونم) و تاکنون تنها ۷ نفر متقاضی تأسیس هستند که همچون این‌جانب منتظر و در نوبتند؛ اما بوروکراسی اداری در معاونت غذا و دارو و عدم همکاری ایشان با این‌جانب و نیز آیین‌نامه‌هایی که به نظر من مطابق با شرایط بومی مناطق مختلف کشور نیست و به‌صورت کلی تدوین شده مانع از تأسیس داروخانه‌های جدید مطابق با نیاز شهر کرمانشاه و به تبع آن منجر به بیکاری این‌جانب شده است، زیرا دانشگاه تنها سالی یک‌بار و در روزی مشخص آن‌هم به‌صورت مبهم و دیوان‌سالاری اقدام به صدور مجوز می‌کند.

راه‌حل: ۱- در صورت امکان تمامی اطلاعات لازم برای تأسیس داروخانه به‌صورت آنلاین و شفاف و به‌روز در دسترس ذی‌نفعان تأسیس داروخانه باشد. از قبیل آمار داروخانه‌های مورد نیاز و ظرفیت‌های خالی و افراد در نوبت متقاضی تأسیس و امتیازات مکتسبه ایشان.

۲- در صورت امکان سازمان غذا و دارو تسریع در رسیدگی به امورات ارباب‌رجوع را در اولویت قرار دهد و اموراتی را که می‌توان به روز انجام داد با وضع آیین‌نامه‌های دست و پاگیر یک سال به تأخیر نیندازد. به‌عنوان نمونه یکی از شواهد کلی بودن آیین‌نامه و ضوابط در مقایسه شهرهایی همچون تهران و کرمانشاه مشهود است چون در تهران تقاضا برای تأسیس بیش از ظرفیت می‌باشد ولی در کرمانشاه ظرفیت‌های زیادی برای تأسیس خالی مانده است ولی آیین‌نامه‌ها و ضوابط برای هر دو شهر به یک شیوه تدوین گردیده.

راه‌حل: در صورت امکان تا پر شدن ظرفیت تأسیس داروخانه در کرمانشاه به سرعت و بدون وقفه مجوز تأسیس داروخانه صادر گردد.

یکی دیگر از موادی در آیین‌نامه که باید به آن توجه بیشتری شود موادی است که رعایت فواصل داروخانه‌ها را تا ۱۵۰ و در مواردی ۵۰۰ متر الزام‌آور کرده و این خود موجب ایجاد انحصار شعاع یا حریم امنیتی برای عده‌ای از داروخانه‌ها شده که گاهی ده برابر میانگین فروش دیگر داروخانه‌ها را به خود اختصاص داده است و فروش آن‌ها به دلیل نسخ غیر بیمه‌ای و یا اقلام غیر بیمه‌ای گران قیمت و آرایشی بهداشتی و تجهیزات پزشکی که گاهی ۹۵٪ قیمت نسخه را شامل می‌شود توسط بیمه‌ها و سازمان غذا و دارو و حتی سازمان‌های مالیاتی به علت خرید محصولات آرایشی و بهداشتی رسمی از منابع غیررسمی قابل‌ردیابی نیست. به‌عنوان مثال: داروخانه‌ای که میزبان نسخ تخصصی پوست می‌باشد و یک نسخه ۵۰۰/۰۰۰ هزار تومانی متخصص پوست (که ۹۵٪ آن را اقلام آرایشی بهداشتی غیر بیمه‌ای شامل می‌شود و به همین دلیل توسط سازمان‌های بیمه‌گر قابل پیگیری نیست) در مقایسه با داروخانه‌ای دیگر که میزان نسخه ۵۰۰۰ تومانی پزشک عمومی می‌باشد (که ۷۰٪ آن را هم اقلام بیمه‌ای تشکیل می‌دهد و ملاک فروش داروخانه توسط سازمان‌های بیمه‌گر قرار می‌گیرد) لذا داروخانه بخت برگشته دوم حتی اگر در یک روز یک‌صد نسخه ۵۰۰۰ تومانی را خدمات‌رسانی کند به علت هزینه نیروی انسانی بالا و نیز درصد زیادی از سرمایه‌اش که به حساب بیمه‌ها می‌رود به نصف سود یک نسخه داروخانه اولی نخواهد رسید. (جدول فواصل ماده ۱۵ آیین‌نامه تأسیس داروخانه و ماده ۶ ضوابط تأسیس داروخانه)

راه‌حل: در صورت امکان سازمان غذا و دارو الزام به رعایت فاصله داروخانه‌ها را برداشته و صلاحیت تعیین فاصله داروخانه‌ها را به بازار عرضه و تقاضا و تدبیر خود بیماران و مردم بسپارد و از سویی دولت وظیفه اطلاع‌رسانی در رابطه با نیاز به تأسیس داروخانه در مناطق مختلف را عهده‌دار باشد. (نه تعیین محل داروخانه‌ها و توزیع آن‌ها در سطح شهر) زیرا که نیاز به تأسیس داروخانه در مکان‌های مختلف فرمول بسیار پیچیده و متغیری دارد که اساتید بر آن واقفند و جهت‌دهی و مکان‌یابی اجباری تنها مشکلات و شبهات ایجاد مفسده اقتصادی و ایجاد یأس در میان همکاران را زیادتر می‌کند.

از موارد دیگر که باید بیشتر مد نظر قرار گیرد اشراف اطلاعاتی مسئولین و کارمندان دانشگاه علوم پزشکی دخیل در کار دارو می‌باشد به‌صورتی که مؤسس درصد تأمل‌برانگیزی از پرفروش‌ترین داروخانه‌های شهر کرمانشاه را درصدی از شاغلین یا مسئولین دانشگاه علوم پزشکی و نهادهای وابسته و سازمان‌های مرتبط با کار دارو در گذشته و حال حاضر تشکیل می‌دهند که برای خود مجوزی با حاشیه سود امن ایجاد کرده‌اند و در حال فروش‌های فوق‌العاده روزانه با استفاده از قانون انحصار فاصله داروخانه‌ها و اشراف اطلاعاتی انحصاری هستند. (این ادعا با استفاده از مشاهده میدانی و مشورت کارشناسان امین و طعم ظلم چشیده مشغول به کار در این حرفه قابل اثبات است)

راه‌حل: کارکنان معاونت دارو کرمانشاه یا در خدمت دولت باشند یا به مشاغل خصوصی خود مشغول شوند و دولت عنوان کار را به افرادی بسپرد که ارزش‌های اولویت‌دارتر ایشان، رشد و صلاح جامعه اسلامی است نه کسب ثروت برای خود و اطرافیان خود.

از ایرادت دیگری که می‌توان بر آیین‌نامه ذکر کرد این است که من باید پروانه قبلی خود را در اسلام آباد غرب ابطال کنم و خطر فساد داروهایم و یا گذاشتن چوب حراج بر داروهایم به داروخانه‌های دیگر را تا گذراندن این پروسه مبهم و طولانی جهت کسب اجازه مجدد فعالیت بپذیرم. البته در این میان عده‌ای که تمکن مالی دارند می‌توانند به‌سرعت و بدون معطلی و بدون اینکه همانند افرادی چون من شش سال تمام در شهرستانی محروم‌تر و در غربت به میهن خود خدمتی کرده باشند و سه سال از این نه سال بعد از

فارغ‌التحصیلی را با روزگار مشقت‌بار بیکاری سر کرده باشد و خون دل خورده باشد، مجوز داروخانه (و شعاع انحصار امتیاز فروش آن را) را خریداری کنند و حتی با مقاومتی که این افراد و داروخانه‌های قدیمی‌تر (که از شعاع غیر قابل نفوذ انحصاری حریم داروخانه خود راضیند) تحت لوای باند قدرت و ثروت چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، مانع از تأسیس داروخانه‌های جدید در شهر کرمانشاه می‌شوند و این در حالی است که ما در شهر کرمانشاه جهت افزایش رضایتمندی شهروندان و توجه به رفاه ایشان نیاز مبرم به تأسیس داروخانه داریم و از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی توقع داریم دسترسی مردم به خدمات سلامت و زمینه رقابت سالم و فعالیت افرادی که شایستگی خدمت را دارند اما امکانات مالی را ندارند فراهم آورد (ماده ۲ آیین‌نامه و بند ۳ ماده ۴ و تبصره ۴ بند ۴ ضوابط جدید تأسیس و اداره داروخانه)

راه‌حل: ۱- درخواست تمامی افراد دارای شرایط تأسیس داروخانه توسط دانشگاه پذیرفته شود و در صورت صدور مجوز جدید مجوز قبلی ایشان خودبه‌خود ابطال گردد.

۲- حق صدور مجوز داروخانه صرفاً برای دولت محفوظ بماند و کسی حق خریدوفروش آن را نداشته باشد زیرا دولت با تعیین سقف مجوز فعالیت داروخانه در یک محدوده یا شهر کسب منافع را برای مؤسسين تضمین می‌کند لذا این حق متعلق به عموم مردم و در جهت رفاه حال ایشان است و کسی غیر از نماینده مردم یا همان دولت حق واگذاری آن را ندارد. البته لازم به ذکر است در آیین‌نامه ابلاغی سال ۱۳۹۳ موضوع دادوستد مجوز داروخانه محدودشده و از این بابت از وزیر و تیم همراهشان ممنونیم اما خواستاریم موضوع خریدوفروش مجوز به‌صورت قطعی ممنوع شود."

متن مقررهای مورد اعتراض به شرح زیر است:

الف- ماده ۲ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۵:

"ماده ۲) هر شخص حقیقی در صورت نداشتن مجوز و پروانه تأسیس داروخانه و سایر مؤسسات و مراکز پزشکی با احراز شرایط صلاحیت مؤسس می‌تواند صرفاً یک مجوز و پروانه تأسیس داروخانه مطابق ضوابط اخذ نماید. تبصره ۱: دانشگاه مکلف است مدارک متقاضیان تأسیس داروخانه را اخذ و در صورت واجد شرایط بودن طبق ضوابط و با توجه به نیاز منطقه و اولویت متقاضی در کمیسیون قانونی طرح نماید. تبصره ۲: در صورت تقاضای تأسیس مشترک داروخانه توسط دو یا چند داروساز، طبق ضوابط مربوطه اقدام خواهد شد.

ماده (۱۵) فاصله داروخانه‌ها از یکدیگر با توجه به جمعیت شهرها و طبق جداول زیر تعیین می‌گردد.

تبصره ۱- فاصله‌های مندرج در "جداول ب، ج و د، حداکثر تا ۵٪ تغییر قابل اغماض است.

تبصره ۲- احتساب فاصله داروخانه‌ها از یکدیگر از وسط در ورودی اصلی داروخانه مبدأ تا وسط در ورودی اصلی داروخانه جدید از کوتاهترین فاصله محل عبور عابر پیاده بر اساس عرف محل (نظر دانشگاه) خواهد بود.

تبصره ۳- رعایت فواصل موجود در جدول الف بین داروخانه‌های شبانه‌روزی و روزانه برای تأسیس و یا انتقال داروخانه‌های جدید روزانه یا شبانه‌روزی نیز الزامی است.

تبصره ۴- در صورتی که حداقل ۱۰ مطب فعال پزشکی در فواصل ذکر شده برحسب جمعیت جداول "د" در شعاع حریم قانونی داروخانه دایر موجود در محل طبق ضوابط اعلام شده وجود داشته باشد، تأسیس یا انتقال محل داروخانه‌های بعدی به ازای هر ۱۰ مطب فعال با تصویب کمیسیون دانشگاه بلامانع است. در این صورت حداقل فاصله داروخانه جدید از داروخانه موجود به یک چهارم فواصل مندرج در جداول "ب و ج" کاهش خواهد یافت.

## جدول ب- فاصله داروخانه‌های روزانه از یکدیگر بر مبنای جمعیت شهر:

|   |  |         |
|---|--|---------|
| ۱ | تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت                  | ۵۰ متر  |
| ۲ | از ۲۵۰ هزار نفر تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت  | ۱۰۰ متر |
| ۳ | از ۵۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر جمعیت | ۱۵۰ متر |
| ۴ | بیش از یک میلیون نفر جمعیت             | ۲۰۰ متر |

## جدول ج- فاصله داروخانه‌های شبانه‌روزی از یکدیگر بر مبنای جمعیت شهر:

|   |  |          |
|---|--|----------|
| ۱ | تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت                  | ۲۵۰ متر  |
| ۲ | از ۲۵۰ هزار نفر تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت  | ۵۰۰ متر  |
| ۳ | از ۵۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر جمعیت | ۱۰۰۰ متر |
| ۴ | بیش از یک میلیون نفر جمعیت             | ۱۵۰۰ متر |

## جدول د- فاصله داروخانه‌های روزانه دایر از مطب‌ها بر مبنای جمعیت شهر:

|   |  |         |
|---|--|---------|
| ۱ | تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت                  | ۲۵ متر  |
| ۲ | از ۲۵۰ هزار نفر تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت  | ۵۰ متر  |
| ۳ | از ۵۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر جمعیت | ۷۵ متر  |
| ۴ | بیش از یک میلیون نفر جمعیت             | ۱۰۰ متر |

ب: بند ۳ و تبصره ۴ بند ۴ ماده ۴ و ۶ ضوابط تأسیس داروخانه مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱:  
ماده (۴) شرایط ثبت‌نام متقاضی تأسیس داروخانه:  
...۱

۲-...۳- دارا نبودن همزمان مجوز یا پروانه تأسیس در یکی از مراکز یا مؤسسات پزشکی تبصره: متقاضیان داروسازی که در مناطق ۳/۵ و ۳,۵/۵ اقدام به تأسیس داروخانه نموده‌اند، می‌توانند بدون ابطال داروخانه خود متقاضی تأسیس داروخانه در محل دیگر (در صورت کسب حدنصاب امتیاز آن) باشند و با حائز شرایط بودن جهت تأسیس داروخانه در محل دیگر موضوع ابطال مجوز داروخانه قبلی و تأسیس داروخانه در محل جدید به‌طور همزمان در کمیسیون مطرح می‌گردد (در صورت تغییر ضریب محرومیت منطقه ملاک محاسبه، زمان تأسیس اولیه داروخانه می‌باشد).

۴- هر فرد می‌تواند در ۳ منطقه مختلف (شهر یا روستای تابعه هر دانشگاه) متقاضی تأسیس داروخانه باشد.  
تبصره ۱:...

تبصره ۲:...

تبصره ۴: فقط متقاضیانی که تا سه ماه قبل از تاریخ استعلام دانشگاه درخواست رسمی تأسیس داروخانه داشته‌اند در اولویت‌بندی شرکت می‌کنند (منظور از استعلام، تاریخ اعلام نیاز دانشگاه به تأسیس داروخانه در محل موردنظر است)

ماده ۶) احداث یا انتقال محل یک باب داروخانه در فاصله نصف فواصل مندرج در جدول ب تبصره ۴ ماده ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها از داروخانه‌ای که به تأیید سازمان‌های بیمه‌گر میانگین تعداد نسخ و فروش نسخه‌های بیمه‌ای آن در ماه از ۲ برابر میانگین نسخ داروخانه‌های آن شهر طی سال‌های گذشته بیشتر باشد مجاز می‌باشد."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۸۲۰-۱۳۹۵/۹/۲۲ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۲۹/۹۵ موضوع دادخواست آقای کیوان لطفی دایر بر ابطال مواد ۲ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس داروخانه‌ها ابلاغی به شماره ۱۴۷۴۵۳/۶۶۵/۱۲/۵-۱۳۹۳/۱۲/۵ و مواد ۶ و بند سوم ماده ۴ و تبصره ۴ ماده ۴ ضوابط تأسیس داروخانه ابلاغی به شماره ۶۰۴۰۵/۶۶۵/۴-۱۳۹۴/۵/۴ مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- شاکلی طی دادخواست تقدیمی اعلام نموده، ضمن درخواست ابطال پروانه داروخانه خود در اسلام آباد غرب در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۲۵، متقاضی تأسیس داروخانه در کرمانشاه می‌گردد که وفق ادعای وی در زمان تقاضای ایشان دارای ۴۰ ظرفیت خالی و ۷ نفر متقاضی تأسیس داروخانه بوده است، لیکن به دلیل اینکه آیین‌نامه مورد اعتراض به‌صورت سراسری تهیه و تدوین گردیده و شرایط متقاضیان بومی در آن رعایت نگردیده، تاکنون موفق به تأسیس داروخانه نشده است. شاکلی همچنین به الزام رعایت فاصله داروخانه‌ها نیز معترض بوده و مدعی گردیده که این امر موجب انحصار شعاع یا حریم امنیتی برای بعضی از داروخانه‌ها شده است. وی بر این اساس متقاضی ابطال مواد ۲ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس داروخانه‌ها ابلاغی به شماره ۱۴۷۴۵۳/۶۶۵/۱۲/۵-۱۳۹۳/۱۲/۵ و مواد ۶ و بند سوم ماده ۴ و تبصره ۴ ماده ۴ ضوابط تأسیس داروخانه ابلاغی به شماره ۶۰۴۰۵/۶۶۵/۴-۱۳۹۴/۵/۴ شده است.

۲- در خصوص ادعاهای مطروحه لازم به ذکر است، مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت مصوب ۱۳۶۷ تدوین و ارائه سیاست‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی پژوهش، خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، بهزیستی و تأمین اجتماعی بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

۳- بند ۱۳ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت نیز اعلام می‌دارد انجام نظارت و کنترل کیفی و همچنین تعیین ضوابط و مقررات لازم برای صدور پروانه‌های مؤسسات دارویی از وظایف وزارت بهداشت می‌باشد.

۴- بر اساس ماد ۲۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی آن، وزارت بهداشت مکلف است آیین‌نامه‌های مربوطه را تهیه و به مورد اجرا بگذارد.

۵- وفق ماده ۲۰ قانون مذکور تنها مرجع تشخیص صلاحیت افرادی که می‌خواهند مبادرت به تأسیس مؤسسات پزشکی نمایند یا به‌عنوان مسئول فنی در مؤسسات مذکور مشغول به کار شوند، کمیسیون‌هایی تحت عنوان کمیسیون‌های تشخیص بوده و رأی این کمیسیون‌ها قطعی است.

۶- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در راستای تکلیف قانونی خود پس از برگزاری جلسات تخصصی و بهره‌برداری از نظرات کارشناسان مجرب و متخصص، مبادرت به تهیه و تنظیم آیین‌نامه و ضوابط تأسیس داروخانه نموده و در تنظیم آن شرایط و تعداد متقاضیان و همچنین ظرفیت تأسیس داروخانه را در نقاط مختلف کشور در نظر گرفته است. صرف‌نظر از موارد یاد شده که تعداد کثیر فارغ‌التحصیلان داروسازی که وارد بازار کار شده و تقاضای اشتغال به حرفه تخصصی خود را از این وزارتخانه دارند، تنظیم مقررات و اعمال

محدودیت‌ها در این ضوابط و مقررات را اجتناب‌ناپذیر نموده است.

۷- وفق ماده ۲ آیین‌نامه داروخانه‌ها "هر شخص حقیقی در صورت نداشتن مجوز و پروانه تأسیس داروخانه و سایر مؤسسات و مراکز پزشکی با احراز شرایط صلاحیت مؤسس می‌تواند صرفاً یک مجوز و پروانه تأسیس داروخانه مطابق ضوابط اخذ نماید" بدین مفهوم که یک شخص حقیقی نمی‌تواند در یک زمان مؤسس دو داروخانه باشد. به این دلیل پس از تقاضای نامبرده دائر بر تأسیس داروخانه در کرمانشاه، تقاضای نامبرده در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ کمیسیون قانونی ماده ۲۰ مطرح و با ابطال مجوز داروخانه‌ایشان در اسلام‌آباد غرب موافقت گردید.

۸- به‌منظور تشویق داروسازان به خدمت در مناطق محروم وفق تبصره بند ۳ ماده ۴ ضوابط تأسیس داروخانه‌ها، به افرادی که در مناطق سه و نیم و سه و نیم پنجم اقدام به تأسیس داروخانه نموده‌اند این امتیاز داده شده که بتوانند بدون ابطال پروانه داروخانه دائر خود، متقاضی تأسیس داروخانه در محل دیگری (در صورت کسب حدنصاب امتیاز آن) باشند، معهداً اسلام‌آباد غرب جزء مناطق مذکور محسوب نمی‌گردد. از طرفی تأسیس داروخانه جدید نیازمند بررسی توسط دانشگاه و اقداماتی از سوی متقاضی خواهد بود یکی از این اقدامات، معرفی محل می‌باشد که باید توسط کارشناسان دانشگاه مورد بازدید و تأیید قرار گیرد.

۹- مطابق تبصره ۳ بند ۴ ماده ۴ ضوابط تأسیس داروخانه: "دانشگاه موظف است در صورت لزوم صدور مجوز تأسیس داروخانه، اولویت‌بندی کلیه متقاضیان تأسیس داروخانه را در یک جدول انجام دهد. جهت یکسان‌سازی عملیات اولویت‌بندی و شفاف نمودن وضعیت نوبت متقاضی، درخواست‌های وارده کلیه متقاضیان تا پایان سال شمسی توسط دانشگاه بررسی شده و در نیمه اول سال بعد نتایج اولویت‌بندی را از طریق سایت دانشگاه مربوطه اطلاع‌رسانی نماید..." بر این اساس و با توجه به جدول حدنصاب جمعیتی مندرج در ماده ۴ آیین‌نامه تأسیس داروخانه‌ها، اولویت‌بندی جهت تأسیس داروخانه پس از اعلام جمعیت از طرف استانداری در همان سال صورت می‌گیرد.

۱۰- با توجه به درخواست شاکی دائر بر تأسیس داروخانه در کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه طی نامه شماره ۱۳۹۴/۴/۹-پ/۷/۵۰۵/۹۵/۷۲۶۳ از نامبرده جهت تکمیل مدارک برای تأسیس داروخانه در شهرستان کرمانشاه دعوت به عمل آورده و صدور مجوز تأسیس داروخانه در شهر کرمانشاه برای نامبرده در مهر ماه سال ۱۳۹۵ صادر شده است، بنابراین به‌رغم اعلام شاکی، کمیسیون مربوطه اقدام به تصویب درخواست وی دایر بر تأسیس داروخانه در کرمانشاه نموده است.

۱۱- از جمله موارد مطروحه در دادخواست، ایراد در خصوص فواصل داروخانه‌ها از یکدیگر می‌باشد که در این خصوص توجه آن مقام را به آراء شماره ۱۵۸-۱۳۷۱/۸/۹ و ۶۹-۱۳۷۰/۶/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دائر بر اینکه موضوع فاصله داروخانه‌ها مندرج در آیین‌نامه مذکور خلاف قانون نمی‌باشد، جلب می‌نماید.

۱۲- اشاره می‌نماید در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صلاحیت و وظایف هیأت عمومی رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، اعلام شده است. در پرونده حاضر صرف‌نظر از اینکه شاکی هیچ دلیل و مستند قابل اعتنایی جهت اثبات ادعای مطروحه ارائه ننموده است، در دادخواست تقدیمی نیز اعلام نگردیده که مفاد تبصره مورد اعتراض مغایر با کدام قانون یا دستور شرعی بوده و یا عدم صلاحیت وزارت متبوع در تدوین تبصره مورد اعتراض بر چه مبنایی است.

با توجه به مراتب موصوف، شکایت مطروحه بر اساس نظرات و توقعات شخصی و کاملاً غیر تخصصی مطرح

گردیده و لذا رد شکایت بی‌وجه شاکی از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد." متعاقباً سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌موجب لایحه شماره ۱۰۷/۲۰۹۰-۱۳۹۵/۱۰/۱۹-۱ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با اهدای سلام. احتراماً، پیرو لایحه شماره ۱۰۷/۱۸۲۰-۱۳۹۵/۹/۲۲ در خصوص شکایت آقای کیوان لطفی به خواسته ابطال مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۵ و همچنین ابطال تبصره ۳ بند ۴ ضوابط تأسیس و اداره داروخانه مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ پاسخ تکمیلی به شرح ذیل ایفاد می‌گردد:

۱- استناد نامبرده به ماده ۵۲ و تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در جهت ابطال مواد ۴ و ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۵ مردود می‌باشد، زیرا برابر تبصره ۲ بند ج ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، فعالیت‌های حوزه‌های سلامت، آموزش و تحقیقات و فرهنگ مشمول قانون مورد اشاره نبوده و هرگونه توسعه توسط بخش‌های دولتی و غیردولتی و همچنین هرگونه واگذاری به بخش غیردولتی در این حوزه‌ها منوط به لایحه‌ای شده است که به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

۲- تاکیداً اضافه می‌نماید بند ج ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه به ارائه خدمات سلامت وفق مقررات مربوط به سطح‌بندی خدمات تصریح نموده است. در بند ۱ ماده ۷ سیاست‌های مزبور تولیت، سیاست‌گذاری اجرایی، برنامه‌ریزی راهبردی، ارزشیابی و نظارت نظام سلامت کشور به این وزارتخانه محول شده است. لذا بر این اساس استناد نامبرده به مواد ۵۲ و تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی فاقد وجهت قانونی است.

۳- در ارتباط با درخواست نامبرده دائر بر ابطال تبصره ۳ بند ۴ ماده ۴ ضوابط تأسیس و اداره داروخانه مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ لازم به توضیح است، در حال حاضر ضوابط تأسیس و اداره داروخانه‌ها با تاریخ اجرای ۱۳۹۵/۷/۲۵ مورد اجرا بوده و از تاریخ اجرای ضابطه مذکور تمامی ضوابط قبلی از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. مراتب جهت استحضار ایفاد می‌گردد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه اولاً طبق ماده ۶۲ قانون اصلاح مواد ۱ از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۷، شورای رقابت مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی است و بر اساس بند ۱ ماده ۵۸ این قانون، تعریف مصادیق نیز در صلاحیت شورای رقابت است. ثانیاً: عموم و اطلاق تعریف مندرج در ماده ۱ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۹۳ از لفظ "مجوز کسب‌وکار" شامل پروانه‌های تأسیس داروخانه‌ها می‌شود، از طرفی طبق تبصره ۲ ذیل ماده ۷ قانون اخیرالذکر صادرکنندگان مجوز کسب‌وکار اجازه ندارند به دلیل "اشباع بودن بازار" از پذیرش تقاضا یا مجوز کسب‌وکار امتناع کنند، بنابراین تصمیمات شورای رقابت که مورد تقاضای ابطال واقع شده مغایر قانون و خارج از حدود اختیار وضع نشده و قابل ابطال تشخیص نشد. همچنین با توجه به مراتب فوق حکم ماده ۲ و تبصره ۲ ماده ۲ آیین‌نامه

تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۵ و بند ۳ ماده ۴ ضوابط تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ مغایرتی با قوانین مورد استناد شاکی ندارد و در حدود اختیار صادر شده، بنابراین قابل ابطال تشخیص نشد. لیکن از آنجاکه در تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۵ و ماده ۶ و تبصره ۴ بند ۴ ماده ۴ ضوابط تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ برخلاف استدلال صدرالذکر تأسیس داروخانه به نیاز منطقه و رعایت فاصله داروخانه‌ها از یکدیگر و محل مدنظر مرجع صدور مجوز موکول شده است و تحمیل این شرایط با رویه‌های ضد رقابتی موردنظر مقنن به شرح فوق‌الذکر منافات دارد و از طرفی با لحاظ احکام یاد شده استناد به اشباع بودن بازار برای عدم صدور مجوز کسب‌وکار توجیه قانونی ندارد، بنابراین مقررات یاد شده مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۳۰ بهمن ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۲۰۸۲ الی ۲۰۸۶

کلاس پرونده: ۱۷۰۲/۹۷، ۱۵۸۱/۹۷، ۱۳۷۰/۹۷، ۸۱۹/۹۷، ۳۹۹/۹۷

موضوع: ابطال بند (ت) قسمت ۹ دفترچه راهنمای ثبت نام آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۶

شاکي: آقایان: احمدرضا طاهرنژاد، علیرضا یزدانی مقدم، محسن آزاد، علی اکبر کیخا و خانم‌ها: شهلا فرجی، مریم نادری، مریم قبادی، نازنین محمدی، فریده بدخشان زاده، سحر روشن چراغ، آرزو کرمی، نسرين پرویزیان، پریوش محرابی، مرضیه کهزادی، زهرا جعفری، نرگس حکمتیان زاده پور، مرضیه رجایی فر، سیده معصومه عابدی، سارا معادی، راضیه باقری فرد

### گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواست‌هایی با مضمون واحد ابطال بند (ت) قسمت ۹ صفحه ۱۳ دفترچه راهنمای ثبت نام آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۶ را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و عرض ادب

احتراماً به استحضار می‌رساند علیرغم تأکید ویژه این نهاد بر عدم تخصیص امتیاز به نیروهای قراردادی و شرکتی در آزمون‌های استخدامی دستگاه‌های اجرایی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی این قانون را در آزمون استخدامی خود مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱ نادیده گرفته و با در نظر گرفتن این امتیاز، حق جمع‌کنندگی از شرکت‌کنندگان در آزمون را ضایع کرده است. لذا ما به استناد بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی، همچنین ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و رأی وحدت رویه صاداری از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۳۶-۱۳۹۶/۱/۱۵، درخواست حذف این امتیاز ناعادلانه و لغو سایر مراحل آزمون تا به نتیجه رسیدن شکایت به حق ما را از آن مقام استدعا داریم. با توجه به اینکه ادامه مراحل این آزمون ضرر و خسارت جبران‌ناپذیر بر ما وارد می‌آورد، از دیوان خواهشمندیم دستور فرمایید در این زمینه اقدام عاجل انجام گیرد."

متن مصوبه مورد اعتراض به شرح زیر است: "ت) امتیاز کارکنان شاغل غیررسمی: به نمره مکتسبه کارکنان قراردادی کار معین موسسه یا سایر مؤسسات تابعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (که خدمت آنان تا انتشار آگهی استخدام تداوم داشته باشد) صرفاً در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب آزمون، به ازاء هر سال سابقه خدمت در هر یک از دانشگاه‌ها و مؤسسات تابعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دو (۲) درصد و حداکثر تا بیست (۲۰) درصد نمره کل، در آزمون کتبی

اضافه خواهد شد.

به نمره مکتسبه کارکنان شرکتی شاغل در مشاغل تخصصی موسسه یا سایر مؤسسات تابعه وزارت متبوع (که از طریق فراخوان و در فضای رقابتی وارد دانشگاه شده باشند و خدمت آنان تا انتشار آگهی استخدام تداوم داشته باشد) صرفاً در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب آزمون، به ازاء هر سال تجربه مربوط و مشابه با شغل مورد درخواست در دانشگاه‌ها و مؤسسات تابعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دو (۲) درصد و حداکثر تا بیست (۲۰) درصد نمره کل، در آزمون کتبی اضافه خواهد شد.

تذکر مهم: به سنوات خدمت (یا تجربه مربوط و مشابه) در قالب قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان (طرح نیروی انسانی) و یا خدمت در سایر دستگاه‌های دولتی یا بخش خصوصی امتیازی تعلق نمی‌گیرد.<sup>۱۱</sup> در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌موجب لایحه شماره ۱۰۷/۴۳۷-۱۳۹۷/۳/۲۸-۱ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی؛ با اهدای سلام. احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۲۹۰ موضوع دعوی آقای علیرضا یزدانی به خواسته ابطال بند (ت) قسمت ۹ صفحه ۱۳ دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۶، به استحضار می‌رسد:

۱- وفق مفاد دادخواست تقدیمی شاکی ادعا نموده، وفق بند (ت) ذیل قسمت نهم تحت عنوان (امتیازات و سهمیه‌های قانونی و نحوه اعمال آن‌ها) دفترچه راهنمای آزمون استخدامی سال ۱۳۹۶ برای "کارکنان غیررسمی" شاغل در دانشگاه‌های علوم پزشکی و مؤسسات تابعه وزارت بهداشت، امتیازاتی به ازای هر سال سابقه خدمت مربوط و مشابه لحاظ گردیده که این موضوع در مغایرت با مفاد دادنامه شماره ۱۳۹۶/۱/۱۵-۳۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال ماده ۲۸ بخشنامه شماره ۲۰/۹۳/۹۷۵۷-۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰ (دستورالعمل نحوه برگزاری امتحان عمومی و تخصصی برای استخدام افراد در دستگاه‌های اجرایی) معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور می‌باشد. بر این اساس مشارالیه خواستار رسیدگی به موضوع و ابطال بند (ت) قسمت ۹ صفحه ۱۳ دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی سال ۱۳۹۶ گردیده است.

۲- در ارتباط با شکایت نامبرده شایان ذکر است، دعوی مشابه به خواسته ابطال بند (ت) قسمت ۹ صفحه ۱۳ دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور سال ۱۳۹۶ مربوط به "امتیازبندی کارکنان شاغل دارای تجربه و سابقه کاری" بر اساس دادنامه شماره ۱۳۹۶/۱۲/۲۰-۹۶۰۹۹۷۹۰۲۴۰۳۳۳۹ صادره از سوی شعبه ۴۰ (۲۴ سابق) دیوان عدالت اداری و طی کلاسه پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۲۴۲۱۶۹ جهت اجرای تشریفات قانونی به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ارسال گردیده است.

۳- معهداً در پاسخ به شکایت مطروحه اشعار می‌دارد، وفق مفاد بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور و در حال حاضر ماده یکم قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری- استخدامی- تشکیلاتی مصوب هیأت امناء عمل می‌نمایند و با حدود وظایف و اختیارات مندرج در قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳-۱۳۶۷/۱۲/۹-۱ و ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) و همچنین قانون نحوه انجام امور مالی و

معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی اداره می‌شوند و از شمول مقررات و ضوابط آزمون‌های استخدامی مورد اشاره شاکی خارج می‌باشند.

۴- در این راستا به‌منظور ارزیابی کارشناسی مجدد تمامی ضوابط مصوب برای استخدام در آزمون‌های استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، کارگروه استخدامی در ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متشکل از کارشناسان ستادی و دانشگاه‌های ذی‌ربط تشکیل و پس از نظرسنجی از مراکز بهداشتی درمانی سراسر کشور، دستورالعمل‌ها و ضوابط جدید تدوین گردید و متعاقب آن ضوابط مربوط به "امتیازبندی مناسب برای کارکنان شاغل دارای تجربه و سابقه کاری" تدوین گردید.

۵- متعاقب آن و بر اساس اختیارات هیأت امناء دانشگاه‌های علوم پزشکی و در اجرای مفاد ماده ۳۳ آیین‌نامه اداری استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، پس از بازبینی ضوابط مربوط به امتیازات "بومی‌گزینی" اصلاحاتی در دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون‌های استخدامی مصوب ۱۳۹۱/۹/۱ معمول گردیده و در قالب "دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون استخدامی" در ۴۵ ماده ۲۵ تبصره از سوی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مورد تصویب نهایی قرار گرفت. پس از تصویب نهایی مراتب در دفترچه راهنمای آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی برای شرکت‌کننده در آزمون سال ۱۳۹۶ به‌صورت شفاف اعلام شده است.

۶- در این راستا و به‌منظور بهره‌برداری از تجربه و تخصص کارکنان شاغل بالاخص در رشته بهداشتی درمانی و جلوگیری از هدر رفتن سرمایه انسانی و ارتقای انگیزه برای ادامه خدمت به‌ویژه در مناطق محروم و دورافتاده، طبق ماده ۳۱ دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون‌های استخدامی، مقرر گردیده: "کارکنان قراردادی و شرکتی موسسه یا سایر مؤسسات تابعه وزارت متبوع که خدمت آنان تا انتشار آگهی استخدام تداوم داشته باشد، به‌منظور شرکت در آزمون استخدامی رسمی و پیمانی در صورت کسب حدنصاب نمره از اولویت برخوردار هستند. بدین ترتیب که به نمره کتبی مکتسبه این دسته از کارکنان، صرفاً در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب آزمون به ازاء هر سال تجربه مربوط و مشابه در دانشگاه‌ها و مؤسسات تابعه وزارت بهداشت، دو درصد و حداکثر تا بیست درصد نمره کل، اضافه خواهد شد.

با عنایت به مطالب معروضه و با توجه به اعتبار قانونی تمامی مصوبات و یا تصمیمات اتخاذ شده بر مبنای اختیارات قانونی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، رسیدگی شایسته و رد دعوی مطروحه مورد استدعا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه به‌موجب بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله وظایفی است که دولت برای تحقق آن باید همه امکانات خود را به کاربرد و در اصل ۲۸ قانون اساسی مقرر شده: "دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید." و متأثر از این اصول، ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری اصل کلی در استخدام و ورود به خدمت دولتی را بدین گونه مقرر کرده است که: "ورود به خدمت و تعیین صلاحیت استخدامی افرادی

که داوطلب استخدام در دستگاه‌های اجرایی می‌باشند، بر اساس مجوزهای صادره، تشکیلات مصوب و رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصت‌ها انجام می‌شود." و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در رأی شماره ۱۳۹۶/۸/۹-۷۴۳، ماده ۲۸ بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰/۹۳/۹۷۵۷ جانشین معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور مبنی بر "به نمرات مکتسبه کارکنان قراردادی که دارای شماره شناسه می‌باشند به ازای هر سال سابقه خدمت در هر یک از دستگاه‌های اجرایی، دو درصد و حداکثر تا بیست درصد نمره کل، در هر یک از حیطه‌های امتحان مشترک و مصاحبه استخدامی آنان اضافه خواهد شد." را مغایر قانون تشخیص و ابطال کرده است، بنابراین هر چند دانشگاه‌ها به موجب ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مجاز شده‌اند، بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری و فقط در چارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد عمل نمایند، لیکن این امر نافی رعایت قواعد کلی و اصول اساسی در اتخاذ تصمیمات هیأت امناء نیست، بنابراین مصوبه مورد شکایت به جهت ایجاد تبعیض ناروا و عدم رعایت اصل برابری فرصت‌ها در استخدام دولتی مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۳۰ بهمن ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۲۰۷۳ الی ۲۰۸۱

کلاس پرونده: ۲۱۹۹/۹۷، ۱۴۷۱/۹۷، ۱۴۶۶/۹۷، ۱۴۲۷/۹۷، ۱۴۲۶/۹۷، ۱۳۷۱/۹۷، ۱۳۶۷/۹۷، ۸۶۰/۹۷، ۳۹۳/۹۷

**موضوع:** ابطال بند (پ) از شرایط آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۶  
موضوع مجوز استخدامی شماره ۱۳۶۸۳۹۹-۱۳۹۶/۶/۷ سازمان اداری و استخدامی کشور

**شاکلی:** آقایان پوریا بهرامی، شهریار نوراللهی، محمد یاراحمدی، امیر ایزدی، علیرضا سالاری نژاد، امین اله سالمی و خانم‌ها: ویدا آذرکیش، ذلیخا محمدی و مهناز آبیاری

### گردش کار:

شاکلیان به موجب دادخواست‌هایی با مضمون واحد ابطال بند (پ) از شرایط آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۶ موضوع مجوز استخدامی شماره ۱۳۶۸۳۹۹-۱۳۹۶/۶/۷ سازمان اداری و استخدامی کشور را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:  
"رئیس محترم دیوان عدالت اداری؛ با سلام: احتراماً این جانب پوریا بهرامی با مشخصات فوق به‌عنوان شاکی در سال ۱۳۹۶ پیرو آگهی استخدام مندرج در سایت سازمان سنجش و آموزش کشور از محل مجوز استخدامی ۱۳۶۸۳۹۹ در آزمون مربوطه شرکت نمودم و حسب کارنامه اعلامی در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۷ دارای نمره نهایی ۳۷/۶۹ می‌باشم. در این آگهی نمره حدنصاب ردیف استخدامی مذکور ۲۳/۱۹ بوده است. عرایض به شرح زیر معروض می‌دارم:

۱- بند "پ" آگهی آزمون چنین عنوان داشته است که کلیه سهمیه استخدامی هر دانشگاه به داوطلبان بومی تعلق گیرد. این بند به صراحت خلاف ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و اصل ۳ قانون اساسی (بند ۹) می‌باشد که اعمال هرگونه تبعیض را ممنوع نموده و اساساً اعمال تبعیض در استخدام و جذب نیروی انسانی و محدود و منحصر نمودن آن به قشر خاص فاقد توجیه قانونی داشته‌اند این در حالی است که بند "پ" آگهی مذکور سهمیه استخدامی را منحصر به افراد بومی نموده و دستگاه اجرایی "دانشگاه علوم پزشکی کردستان" نیز این‌گونه اقدام نموده است که این امر خلاف قانون بوده و تقاضای بررسی و ابطال آن را خواستارم.

۲- ماده ۲۷ دستورالعمل نحوه برگزاری امتحانات عمومی و تخصصی در دستگاه‌های اجرایی (بخشنامه ۱۳۹۳/۷/۱۹-۱۷۵۷/۹۳/۲۰۰ مصوب معاونت توسعه و مدیریت سرمایه انسانی رئیس‌جمهور در خصوص دادن امتیاز (سهمیه) برای داوطلبان بومی چنین مقرر نموده است که نمره داوطلبان بومی استان با ضریب ۱/۲ و بومی شهرستان با ضریب ۴ محاسبه می‌گردد؛ یعنی برای جلوگیری از مهاجرت افراد از محل خود و همچنین سایر علل و عوامل برای داوطلبان بومی بر اساس بخشنامه فوق‌الذکر امتیاز خاص در نظر گرفته شده و این

امتیاز با ضریب نمره کل اولیه در ضرایب مذکور حاصل شده و در نمره کل نهایی داوطلب نمایان می‌شود یعنی نمره کل نهایی حاصل جمع امتیازات داوطلب با اعمال سهمیه‌های مربوطه است که ملاک نهایی برای دعوت به سایر مراحل استخدامی و پذیرش می‌باشد. لذا اعمال مجدد محدودیت خاص مثل بومی بودن و ... بر نمره نهایی خلاف قوانین مذکور و ماده ۲۷ بخشنامه مزبور است. باین حال دستگاه اجرایی دانشگاه علوم پزشکی کردستان بدون توجه به این بخشنامه و سایر قوانین مربوطه در اقدامی غیرقانونی از دعوت این جانب به سایر مراحل استخدامی، گزینش و پذیرش خودداری نموده است. این در حالی است که این جانب با کسب نمره کل نهایی ۳۷/۶۹ (که همان نمره اولیه‌ام بوده) نیز جزء دارندگان امتیاز (حدنصاب) برای دعوت به انجام سایر مراحل استخدامی می‌باشم. حال نظر به عرایض فوق‌الذکر با بررسی موضوع از آن مقام خواستار ابطال بند "پ" شرایط استخدامی مجوز ۱۳۶۸۳۹۹ و اقدام دانشگاه علوم پزشکی کردستان در زمینه عدم دعوت حائزین شرایط عامی غیربومی به سایر مراحل آزمون استخدامی و همچنین الزام دانشگاه علوم پزشکی کردستان به رعایت قانون و دعوت از این جانب به‌عنوان دارنده حدنصاب مقرر علمی ردیف استخدامی ۲۴۶۸ (کارشناس اتاق عمل) مجوز استخدامی فوق‌الذکر به سایر مراحل استخدام می‌باشم."

متن مصوبه مورد شکایت به شرح زیر است:

"پ) سهمیه آزاد

کلیه سهمیه استخدامی هر دانشگاه پس از کسر سهمیه‌های استخدامی ایثارگران (مندرج در بند الف) و معلولین عادی (مندرج در بند ب) به داوطلبان بومی "شهرستان" در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب نمره، به ترتیب نمره فضلی، اختصاص خواهد یافت. در صورتی که ظرفیت مورد نیاز هر یک از رشته‌های شغلی مندرج در آگهی استخدام از بین داوطلبان بومی شهرستان تکمیل نگردد، پذیرش بقیه افراد تا تکمیل ظرفیت از بین داوطلبان با اولویت "بومی استان" و سپس داوطلبان "غیربومی" همان رشته شغلی به ترتیب نمره فضلی صورت می‌پذیرد.

تبصره: در مواردی که رشته مورد تقاضا در "روستا" می‌باشد سهمیه استخدامی، پس از کسر سهمیه‌های قانونی فوق‌الذکر، در ابتدا به بومی روستای موردنظر (دارای یکی از شرایط چهارگانه بومی مندرج در ذیل) در صورت کسب حدنصاب نمره و در صورت عدم تکمیل ظرفیت به ترتیب به بومی "شهرستان" ذی‌ربط و بومی "استان" و فرد غیربومی اختصاص می‌یابد؛ که در این صورت داوطلبان بومی روستای مورد تقاضا برای استخدام، بایستی گزینه موردنظر را در تقاضانامه ثبت‌نام انتخاب نمایند.

شرایط بومی بودن: افرادی که حداقل دارای یکی از ویژگی‌های زیر باشند، حسب مورد داوطلب بومی "شهرستان یا بومی "استان" تلقی می‌گردند."

بومی شهرستان:

- ۱- شهرستان محل تولد داوطلب یا همسر وی با شهرستان رشته محل یکی باشد.
  - ۲- همسر و فرزندان کارمندان رسمی و پیمانی دولت و یا نیروهای مسلح (اعم از شاغل و یا بازنشسته) که شهرستان محل خدمت فعلی یا بازنشستگی آنان یا شهرستان رشته محل یکی باشد.
  - ۳- داوطلب حداقل چهار (۴) سال از سنوات تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی) را به‌صورت متوالی یا متناوب در شهرستان رشته محل طی کرده باشد.
  - ۴- داوطلب پدر، مادر و یا همسر داوطلب حداقل چهار (۴) سال سابقه پرداخت حق بیمه در شهرستان رشته محل را داشته باشند.
- بومی استان:

- ۱- استان محل تولد داوطلب یا همسر وی با استان رشته محل یکی باشد.
- ۲- همسر و فرزندان کارمندان رسمی و پیمانی دولت و یا نیروهای مسلح (اعم از شاغل و یا بازنشسته) که استان محل خدمت فعلی یا بازنشستگی آنان با استان شغل محل مربوطه یکی باشد.
- ۳- داوطلب حداقل چهار (۴) سال از سنوات تحصیل (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی) را به‌صورت متوالی یا متناوب در استان شغل محل طی کرده باشد.
- ۴- داوطلب پدر، مادر و یا همسر داوطلب حداقل چهار (۴) سال سابقه پرداخت حق بیمه در استان شغل محل را داشته باشند."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌موجب لایحه شماره ۱۰۷/۴۷۸-۱۳۹۷/۳/۳۰ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ با اهدای سلام، احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۳۱۱ موضوع دعوی آقای پوریا بهرامی به خواسته ابطال بند (پ) از شرایط استخدامی آزمون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۶، به استحضار می‌رسد:

۱- وفق مفاد دادخواست تقدیمی شاکی ادعا نموده، وفق بند (پ) دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۶ (کلیه سهمیه استخدامی هر دانشگاه پس از کسر سهمیه‌های استخدامی ایثارگران و معلولین به داوطلبان بومی شهرستان در صورت برخورداری از شرایط مندرج در آگهی و کسب حدنصاب نمره، به ترتیب نمره فاضلی اختصاص خواهد یافت. در صورتی که ظرفیت مورد نیاز هر یک از رشته‌های شغلی مندرج در آگهی استخدامی از بین داوطلبان استخدام بومی محل مورد تقاضا تکمیل نگردد، پذیرش بقیه افراد تا تکمیل ظرفیت از بین داوطلبان با اولویت "بومی استان" و سپس داوطلبان غیربومی صورت می‌پذیرد.

۲- بر پایه این ادعا برای داوطلبان غیربومی احتمال قبولی بسیار کمی وجود داشته و تبعیض اعمال شده باعث می‌گردد داوطلب صرفاً با کسب نمره مکاتبه با درصد پایین‌تر پذیرفته گردد. وی ضوابط مورد اشاره را با ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰۰۹/۷۵۷۹۳-۲۰۰۹ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست‌جمهوری دائر بر اعمال ضریب برای سهمیه بومی مغایر و خلاف اصل شایسته‌سالاری و برابری فرصت‌ها در استخدام‌های دولتی دانسته و به‌موجب دادخواست ارائه شده، متقاضی ابطال ضوابط مورد اشاره گردیده است.

۳- در ارتباط با شکایت نامبرده شایان ذکر است، در حال حاضر دعوی آقای امین اله سالمی تحت پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۲۶۰ در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به خواسته مشابه "ابطال بند (پ) قسمت نهم با عنوان امتیازات و سهمیه‌های قانونی و نحوه اعمال آن‌ها از دفترچه آزمون استخدامی سال ۱۳۹۶ دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور" مطرح رسیدگی می‌باشد.

۴- معهداً در پاسخ به شکایت مطروحه اشعار می‌دارد، وفق مفاد بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور و ماده یکم از قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری-استخدامی-تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تأیید علوم،

تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد، عمل می‌نمایند؛ بنابراین دانشگاه‌ها به‌عنوان مؤسسات مستقل با حدود وظایف و اختیارات مندرج در قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳- ۱۳۶۷/۱۲/۹ و ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) و همچنین قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی (مصوب مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی) اداره می‌شوند.

۵- در این راستا کارگروه استخدامی مستقر در ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متشکل از کارشناسان ستادی و دانشگاه‌های ذی‌ربط، ضوابط مصوب برای استخدام در آزمون سال ۱۳۹۶ (از جمله امتیازات و سهمیه‌های مقرر) را پس از ارزیابی کارشناسی تخصصی و نظرسنجی از مراکز بهداشتی درمانی سراسر کشور، بر اساس برنامه‌ریزی به‌منظور توزیع متناسب و عادلانه نیروی انسانی و سایر امکانات و تسهیلات بهداشتی-درمانی و با تأکید بر اولویت برنامه‌های بهداشتی و رفع نیاز مناطق محروم و برخوردار همگان از خدمات درمانی و گسترش مراکز درمانی دولتی تدوین نموده است. آنچه در ارزیابی‌های مذکور مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است، افزایش ماندگاری نیروهای پذیرفته‌شده در آزمون استخدامی و دانشگاه‌های علوم در سطح کشور بوده است و هدف نهایی آن پیشگیری از تحمیل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از درخواست‌های جابجایی و انتقال و ... قبول‌شدگان پس از استخدام و جذب و جابجایی موقت یا دائمی نیروی انسانی می‌باشد. بدیهی است با عدم رفع این مشکل، یکی از موانع اساسی برنامه‌ریزی درازمدت در ارائه خدمات بهینه در نظام سلامت و بهداشت همچنان پایدار مانده و چالشی فرا روی دانشگاه‌های علوم پزشکی خواهد بود.

۶- متعاقب آن و وفق اختیارات هیأت امناء دانشگاه‌های علوم پزشکی و در اجرای مفاد ماده ۳۳ آیین‌نامه اداری استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، پس از بازبینی ضوابط مربوط به امتیازات "بومی‌گزینی" اصلاحاتی در دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون‌های استخدامی مصوب ۱۳۹۱/۹/۱ معمول گردیده و در قالب "دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون استخدامی" در ۴۵ ماده ۲۵ تبصره از سوی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مورد تصویب نهایی قرار گرفت.

۷- برابر بند (پ) ماده ۳۰ دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون‌های استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی در خصوص امتیازات "بومی‌گزینی" به دلایل فوق‌الذکر مقرر گردیده، در سهمیه آزاد شرکت‌کنندگان در آزمون استخدامی، متقاضیان بومی در صورت برخوردار از شرایط آگهی استخدام و کسب حدنصاب نمره در اولویت پذیرش و جذب قرار گیرند. با این وصف برابر مفاد دستورالعمل اجرایی مذکور مصوب هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، فرد بومی دارای حدنصاب به دلایل فوق‌الذکر نسبت به فرد بومی شرکت‌کننده در آزمون استخدامی دارای اولویت در پذیرش و جذب خواهد بود.

۸- متعاقب آن و پس از تصویب نهایی مراتب از سوی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مورد تصویب نهایی، در دفترچه راهنمای آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی برای شرکت‌کننده در آزمون سال ۱۳۹۶ به‌صورت شفاف اعلام شده است.

با عنایت به مطالب معروضه و با توجه به تصمیمات اتخاذ شده بر مبنای اختیارات قانونی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، رسیدگی شایسته و رد دعوی مطروحه مورد استدعا می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

---

---

## رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه به موجب بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله وظایفی است که دولت برای تحقق آن باید همه امکانات خود را به کاربرد و در اصل ۲۸ قانون اساسی مقرر شده: "دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید." بنابراین بومی‌گزینی در استخدام‌های دولتی هر چند به نظر امتیاز برای افراد بومی به نظر می‌رسد، لیکن در عین حال برای فرد بومی و سایر افراد ایجاد محدودیت و محرومیت در امکان استخدام در سایر نقاط کشور را به وجود می‌آورد، در حالی که چنین مجوزی در هیچ‌یک از قوانین کشور پیش‌بینی نشده است و اعطای این‌گونه امتیازات و ایجاد محدودیت و محرومیت‌ها برای افراد جامعه نیاز به تصریح قانون‌گذار دارد و این امر در آراء متعددی از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خلاف قانون اعلام و ابطال شده است. بنا به مراتب، مقرره مورد شکایت به علت مغایرت با قوانین ذکر شده مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۲۱۰۸-۲۱۰۹

کلاس پرونده: ۱۰۳/۹۷، ۱۰۲/۹۷

موضوع: عدم ابطال ماده ۱۲ مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران (درخصوص اخذ شهریه از دانشجویان انتقالی و مهمان)

### شاکي: آقای امیرمحمد طلوعی و خانم نگار مهتاب

#### گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه با مضمون و محتوایی واحد ابطال مصوبه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران مبنی بر اخذ شهریه از دانشجویان مهمان و انتقالی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:  
"احتراماً به استحضار می‌رساند:

- ۱- به موجب ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۸۵ که مقرر می‌دارد: تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند مورد حکم مقرر قرار گرفته و پرداخت شهریه در فرضی اعمال می‌شود که کسی مایل به تحصیل رایگان نباشد.
- ۲- به موجب ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، دریافت هرگونه وجه، کالا و خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، ممنوع اعلام شده است.
- ۳- به موجب ماده ۶۰ قانون الحاقی برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی مصوب سال ۱۳۹۳ اخذ هرگونه وجه در قبال انجام وظایف قانونی دستگاه‌های اجرایی نیازمند حکم مقنن است و در مور هزینه نقل و انتقال دانشجویان حکمی در قوانین موضوعه وجود ندارد.
- ۴- وضع شهریه توسط هیأت امناء باید در چارچوب قانون و مطابق مقررات خاص انجام شود و هیأت امناء دانشگاه نمی‌توانند فراتر از حیطه اختیارات و وظایف خود تصمیم بر اخذ شهریه از دانشجویان مهمان و انتقالی بگیرند.
- ۵- همان‌طور که مستحضرد انتقال دانشجویان مطابق آیین‌نامه نقل و انتقال صورت می‌گیرد و چنانچه با انتقال دانشجو مطابق آیین‌نامه مربوطه موافقت گردد نمی‌توان ادامه تحصیل در دانشگاه مقصد را منوط به پرداخت شهریه نمود لذا گرفتن هرگونه وجهی توسط مؤسسات دولتی باید مطابق با قانون باشد و مقرر کردن شهریه جزء اختیارات هیأت امناء یا حتی خود دانشگاه نمی‌باشد.

۶- با عنایت به موارد فوق و همچنین دادنامه شماره ۱۷۳-۱۳۹۶/۳/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر اخذ شهریه برابر شهریه دانشجویان پردیس (آزاد) و ملزم کردن دانشجویان به پرداخت آن علاوه بر تحمیل هزینه بسیار سنگین موجبات ظلم نیز می‌گردد که برخلاف صریح قوانین فوق‌الذکر است، بنابراین از آن مقام درخواست صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اخذ شهریه از دانشجویان مهمان و انتقالی که موجب تضییع حقوق دانشجویان انتقالی شده است را با توجه به ماده ۳۵ و ۳۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و سپس ابطال مصوبه هیأت امناء دانشگاه مذکور را خواستاریم."

متن صورت جلسه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

"صورت جلسه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ دومین جلسه سال جاری هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی ایران در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ با حضور اعضای هیأت امنای دانشگاه در محل ستاد مرکزی دانشگاه با تلاوت آیاتی چند از کلام... مجید تشکیل و پس از بحث و بررسی موارد ذیل مورد تصویب قرار گرفت.

۱- ...

...

۱۲- به استناد قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، بند ح ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور (استفاده از ظرفیت مازاد) دانشگاه مجاز است برای آن دسته از دانشجویانی که به‌عنوان میهمان و انتقالی وارد دانشگاه می‌شوند و جزو ظرفیت اصلی دانشگاه قلمداد نشده و از ظرفیت مازاد دانشگاه استفاده می‌نمایند و با اخذ شهریه به شکل زیر از سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ به بعد (نیمه دوم سال ۱۳۹۴) عمل نماید:  
الف- دانشجویان واجد شرایط مندرج در آیین‌نامه نقل و انتقالات به همان روال سابق به دانشگاه مقصد بدون پرداخت شهریه انتقال یابند.

ب- دانشجویانی که معیارهای قطعی بند الف را نداشته باشند ولی به دلایل دیگر علاقمند به تحصیل در دانشگاه مقصد باشند در صورت تأیید شورای نقل و انتقالات و وجود امکانات برای پذیرش آن‌ها در قالب پردیس‌های خودگردان یا ظرفیت مازاد می‌توانند میهمان شده یا انتقال یابند، میزان شهریه این افراد معادل و همانند شهریه دانشجویان مازاد و یا پردیس‌های خودگردان با رعایت کلیه ضوابط مربوطه اعم از شهریه ثابت، متغیر و تخفیف‌ها بوده که در سال مربوطه به تصویب هیأت امناء رسیده است."

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران به‌موجب لایحه شماره ۱۰۰/۷۷۳۱/ص/۹۶-۱۵/۱۲/۱۳۹۶ توضیح داده است که:

"دفاع در ماهیت شکایت مطروحه:

۲-۱- در متن دادخواست تقدیمی موادی از قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلی اطفال و جوانان ایرانی و قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت برای اثبات ادعا مستند واقع شده است به‌طوری‌که حتماً مسبوق و مستحضر می‌باشند دانشگاه‌ها مطابق با مقررات قانونی ذی‌ربط مانند قانون تشکیل هیأت امناء دانشگاه‌ها و مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۲-۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی از سابق دارای استقلال در اداره امور خود بر اساس مصوبات هیأت امناء بوده‌اند که این استقلال و اختیار به‌موجب بند الف ماده ۴۹ برنامه توسعه چهارم جمهوری اسلامی ایران و سپس بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه توسعه پنجم مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ به نحو کامل مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفته است و در نهایت ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور با تأیید مراتب اختیار و استقلال کامل دانشگاه مقرر

داشته است که "دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌ها و ... که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی کشور، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، اداری و استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امناء عمل می‌کنند." عنایت می‌فرمایند که حتی قانون محاسبات عمومی برای دانشگاه‌ها لازم‌الرعایه نمی‌باشد لذا به‌طریق اولی سایر مقررات نیز لازم‌الاجرا نبوده و بر این مبنا مصوبه مورد بحث هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی ایران بر اساس اختیار قانونی حاصل از مجوزهای مشخص و مسلم قانونی ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه در زمان اعتبار و همچنین بند ح ماده اخیر به تصویب رسیده است و از نظر موازین قانونی خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌باشد و ادعای مغایرت آن با مقررات اعلامی شاکی در کلیت بی‌وجه است.

۲-۲- انتقال دانشجویان فاقد شرایط مقرر در آیین‌نامه که صرفاً بر اساس درخواست نامبردگان انجام می‌یابد تابع ضوابط مقرر در مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ هیأت امناء می‌باشد که پس از انتشار اطلاعیه در سایت دانشگاه منوط و مشروط به پرداخت شهریه مطابق با بند ۳ اطلاعیه مذکور تعداد دانشجویان مازاد بر ظرفیت و پردیس خودگردان بوده‌اند که تعدادی از متقاضیان از زمره شاکی، با اطلاع کامل از ضوابط و پذیرش کامل شرایط مقرر متقاضی اشتغال به تحصیل به‌صورت میهمان یا انتقال به این دانشگاه می‌شوند و موافقت با درخواست نامبردگان نیز مطابق کلیت ضوابط مقرر یعنی لزوم و وجوب پرداخت شهریه معمول شده است و علاوه بر جواز قانونی این اقدام از نظر اجرایی و عملی نیز این دانشگاه دارای اعتبار مشخص برای دانشجویان پذیرفته شده در آزمون‌های مربوطه بوده و چنانچه دانشجویی خارج از این برنامه قصد استفاده از مزیت تحصیل در این دانشگاه را داشته باشد تأمین هزینه تحصیل از طریق اخذ شهریه مقدور خواهد بود و راه‌حل قانونی دیگری برای این امر متصور نیست لذا بر این مبنا نیز اقدام معموله در مورد شاکی و سایر دانشجویان مشابه منطبق با موازین قانونی و اصول منطقی انجام یافته است.

۳-۲- مستند دیگر شاکی آراء شماره ۱۶۸ الی ۱۷۳ هیأت عمومی مبنی بر ابطال نامه (بخشنامه) شماره ۱۶۸۷/۵۰۱-د/۱۳۹۴/۶/۱-۵ معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است با عنایت به مندرجات آراء اخیرالذکر مشخص و مسلم می‌شود استدلال مندرج در آراء بر این اساس صورت پذیرفته که حکم مقرر در بند ح ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ متضمن تجویز جذب دانشجوی مازاد بر سهمیه رایگان با ایجاد فرصت جدید مربوط به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است و ارتباطی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ندارد لذا بر این اساس استناد به دادنامه مذکور در مانحن فیه که اتخاذ تصمیم قانونی توسط هیأت امناء دانشگاه و منطبق با استدلال فوق‌الاشعار می‌باشد فاقد موضوعیت بوده و مردود است.

۴-۲- همان‌گونه که معروض گردید اقدام در مورد شاکی بر اساس مصوبه قانونی و سپس تقاضای نامبرده و با اطلاع و پذیرش شرایط مقرر انجام یافته است و خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌باشد و از طرفی اشتغال به تحصیل نامبرده فوق در این دانشگاه به استناد بند ۱۲ مصوبه هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی ایران مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ صورت گرفته و ادعای ابطال این مصوبه مبنای جواز قانونی برای استفاده از مصوبه توسط دانشجوی موصوف را نیز بلااعتبار می‌کند و اقدام معموله در این خصوص را در کلیت ملغی‌الاثراً می‌نماید و علی‌الاصول پس از بی‌اعتباری مصوبه، شاکی می‌باید به دانشگاه مبدأ رجوع نماید در غیر این صورت تحصیل بدون پرداخت شهریه مصداق کامل استفاده از مزایای بدون مجوز قانونی و من غیر حق و بدون استحقاق

بوده و متضمن تحدید، تضییق و تضییع حقوق سایر متقاضیان که درخواست آن‌ها به لحاظ عدم اجابت شرط پرداخت شهریه مورد پذیرش واقع نشده است خواهد بود و از این نظر نیز شکایت مطروحه فاقد هرگونه توجیه قانونی و عادلانه می‌باشد و قابلیت طرح ندارد.

با عنایت به دادنامه ۹۴۵-۱۳۹۶/۹/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و نظر به مراتب معروضه فوق و همان‌گونه که به استحضار رسید اقدامات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران وفق ضوابط قانونی و جواز حاصل از اختیارات مصرح در بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و سایر مجوزهای قانونی انجام یافته است لذا رسیدگی و صدور رأی شایسته منطبق با موازین قانونی را از محضر آن مرجع تقاضا دارد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

بر اساس بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ مقرر شده، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری، استخدامی، تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد عمل نمایند. نظر به اینکه موضوع مصوبه مورد اعتراض از مصادیق امور مالی است و از طرفی به‌موجب بند ح ماده ۲۰ قانون پیش گفته دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مجاز بوده‌اند از ظرفیت مازاد بر سهمیه آموزشی رایگان خود و یا ظرفیت‌های جدیدی که ایجاد می‌کنند، بر اساس قیمت تمام شده یا توافقی با بخش غیردولتی و با تأیید هیأت امناء در مقاطع مختلف دانشجو بپذیرند، بنابراین مصوبه معترض به مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات مقام مصوب تصویب نشده و قابل ابطال تشخیص نشد. ضمناً موضوع مصوبه به لحاظ تفاوت مرجع تصویب آن با مرجع تصویب مصوبه موضوع رأی شماره ۱۷۳-۱۳۹۶/۳/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، از شمول رأی مذکور خارج است و ارتباطی با آن ندارد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی  
صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۹۷

شماره دادنامه: ۲۱۰۴ الی ۲۱۰۷

کلاس پرونده: ۱۱۳۱/۹۶، ۱۱۳۰/۹۶، ۷۶۸/۹۶، ۷۶۶/۹۶

موضوع: ابطال بندهای ۳-۵ و ۳ از آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷

شاکي: خانم‌ها نسیم فروزنده شهرکی، طناز سرمدی، فاطمه صبوری و فرزانه دانشور به  
وکالت از آقای احمد منبتي

### گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواست‌هایی با مضمون واحد ابطال بندهای ۳-۵ و ۳ از آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷ را خواستار شده و اعلام کرده‌اند که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری؛ سلام‌علیکم. احتراماً به استحضار می‌رساند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اخیراً مستند به تبصره ۲ ماده ۶ قانون مربوط به مقررات پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی (اصلاحی ۱۳۶۷/۱/۲۳) با نقض ضوابط و مقررات قانونی و اسناد بالادستی اقدام به تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ای تحت عنوان "آخرین نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات دوره پزشکی و دارویی و مواد خوراکی مصوب ۱۳۶۷" در مورخ ۱۳۹۶/۲/۳ نموده و در اقدامی عجولانه و بدون اینکه آیین‌نامه مذکور را به طریق قانونی ابلاغ نماید در سایت وزارتخانه اطلاعیه‌ای در خصوص فراخوان پذیرش دوره تکمیلی علوم آزمایشگاهی منتشر نموده است. از آنجاکه آیین‌نامه تصویبی بنا به دلایل و مستندات که به شرح آتی اعلام می‌گردد، مغایر با ضوابط قانونی می‌باشد و به تبع آن تعداد زیادی از کسانی که وفق فراخوان منتشره اقدام به ثبت‌نام نموده‌اند، فاقد صلاحیت علمی و تخصصی هستند و برگزاری امتحان موضوع فراخوان موجب ورود افرادی با تخصص‌های غیر مرتبط به عرصه سلامت جامعه می‌گردد و سلامتی شهروندان را به‌طور جدی با خطر غیرقابل جبران مواجه می‌نماید از طرف دیگر موجب دلسردی پزشکان جوان برای ادامه تحصیل در رشته بسیار مشکل پاتولوژی می‌گردد، لذا بدو تقاضای صدور دستور موقت دأثر بر جلوگیری از اجرای آیین‌نامه مورد اعتراض و جلوگیری از ثبت‌نام و برگزاری امتحان و سپس ابطال آیین‌نامه مورد اعتراض را دارد.

بخش اول: دلایل مؤید تقاضای صدور دستور موقت: بنا به شرح آتی اجرای این آیین‌نامه و برگزاری امتحان موجب ورود افراد غیرپزشک و فاقد مدرک طب عمومی به عرصه مهم و حیاتی تخصص بالینی پزشکی می‌شود و به‌عنوان مثال باعث می‌شود کسی که دارای کارشناسی و کارشناسی ارشد حشره‌شناسی و پی

اچدی ایمونولوژی هست ظرف مدت ۲ سال تمام حیطه‌های آزمایشگاهی از جمله خون‌شناسی، انگل‌شناسی، میکروب‌شناسی و بیوشیمی را آموزش ببیند و آزمایشگاه که محل تشخیص بیماری‌های انسان است را اداره نماید. بدون شک و تردید موجب افت شدید کیفیت آزمایش و افزایش تجویزهای اشتباه در حوزه‌های مختلف پزشکی و اختلاف در روند ارتباط مؤثر کلینیک و پاراکلینیک تشخیص و درمان شده و از این رهگذر سلامتی و جان مردم به خطر خواهد افتاد. این موضوع مورد تأیید تمامی انجمن‌های تخصصی و سازمان‌های نظام پزشکی سراسر کشور و همچنین کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز می‌باشد که طی مکاتبات عدیده از وزیر خواسته‌اند اجرای آن را متوقف کنند مضافاً اینکه فراخوان برگزاری امتحان موجب دلسردی کلیه رزیدنت‌های پاتولوژی کشور (۳۵۰ نفر) به خاطر ورود غیرپزشک به عرصه مسئولیت فنی آزمایشگاه تشخیص طبی شده است و ادامه این روند موجب تقلیل تقاضا برای ادامه تحصیل در رشته بسیار سخت و حساس پاتولوژی و نتیجتاً کاهش متخصص در این بخش خواهد شد. لذا مستفاد از ماده ۳۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بدو تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اجرای آیین‌نامه معترض‌عنه و همچنین جلوگیری از برگزاری امتحان مورد تقاضاست.

بخش دوم: مقدمه و شرح ماقع:

الف- استانداردهای بین‌المللی در زمینه تصدی مسئول فنی در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی: مطابق استانداردهای بین‌المللی از جمله CLIA و CAP که در نظام آموزشی، درمانی و بهداشتی کشور نیز مبنای عمل می‌باشد صرفاً پزشکان متخصص رشته پاتولوژی هستند که واجد صلاحیت برای تصدی مسئول آزمایشگاه‌های تشخیص طبی می‌باشند. این اشخاص پس از گذراندن دوره هفت ساله پزشکی عمومی، گذراندن دوره طرح نیروی انسانی به مدت ۲ سال، شرکت در آزمون کشوری دستیاری و قبولی و گذراندن دوره ۴ ساله دستیاری تخصصی و قبولی در امتحانات دشوار ارتقای سالانه و نهایتاً گذراندن دوره طرح تخصصی نیروی انسانی در مناطق محروم اجازه می‌یابند به‌عنوان مسئول فنی آزمایشگاه‌های تشخیص طبی مشغول به کار شوند. تصدی فنی بایستی لزوماً از علم پزشکی، آناتومی و پاتوفیزیولوژی بدن انسان، انواع بیماری‌ها، بالین بیمار، ارزیابی صحت آزمایشات و تطابق آن‌ها با بالین بیمار، تشخیص بیماری‌ها و نحوه درمان آن‌ها اطلاعات کافی و وافی داشته باشد زیرا اطلاعات مذکور جهت حصول جواب صحیح آزمایشات ضروری است و نقش کلینیکال پاتولوژیست بررسی جواب آزمایشات و ارزیابی و تطابق آن‌ها با هم و با بالین بیمار است تا چنانچه اشتباهاتی در مراحل مختلف آزمایشات روی دهد به موقع تشخیص داده شود و در گام بعدی با تعیین منابع خطا و برطرف کردن آن و تکرار آزمایشات، اطلاعات واقعی از وضعیت بیمار در اختیار پزشک معالج قرار داده شود و بدین‌وسیله از صدور تجویزهای اشتباه جلوگیری به عمل آید.

ب- تصویب قانون مبنی بر تجویز تصدی فنی آزمایشگاه توسط غیر پاتولوژیست و علل آن: مطابق ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ و تبصره ۲ ماده ۶ قانون به شرح زیر اصلاح شد:

"تبصره ۲- افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی بوده و مدرک آن‌ها مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی یا افرادی که دارای پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند رشته‌های کمبود را در کلاس‌هایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران و سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی که امکان دارند می‌گذرانند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصص مجاز به تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی خواهند بود. آیین‌نامه کلاس‌ها و

کارآموزی و نحوه تأمین بودجه آن را وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معین می‌کند." این حکم به واسطه کمبود نیروی انسانی متخصص پاتولوژی در کشور در زمان تصویب و به‌منظور فراهم نمودن بستری برای جبران کمبود یاد شده در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی به تصویب رسیده به‌عبارت‌دیگر حکم مذکور برخلاف الگوهای آموزشی روز دنیا و استانداردهای بین‌المللی و صرفاً به‌عنوان یک استثناء در آن مقطع زمانی به‌منظور تأمین نیاز آزمایشگاه‌ها به مسئول فنی تصویب شده است. در اینجا لازم به توضیح است همان‌طور که ملاحظه می‌گردد در متن قانون از کلمه "بوده" استفاده شده و چنین به نظر می‌رسد که حکم ناظر به افرادی است که تا زمان تصویب قانون مدارک موردنظر را اخذ نموده‌اند و به بعدازآن تسری ندارد. معاونت حقوقی وزارت بهداشت نیز برای جلوگیری از بروز چنین برداشتی، در متنی که روی سایت قرار می‌دهد کلمه "بوده" را به کلمه "می‌باشد" و "هستند" تغییر داده است.

ج- تصویب آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۶ قانون: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اجرای قسمت اخیر تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶، آیین‌نامه اجرایی را ابتدا در سال ۱۳۶۷ تصویب و طی نامه دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی به دانشگاه‌های علوم پزشکی ابلاغ می‌نماید. تا اینکه اخیراً در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۳ آیین‌نامه مورد اعتراض را با عنوان آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات دوره پزشکی داوریی و مواد خوراکی مصوب ۱۳۶۷ تصویب می‌نماید.

د- وضعیت فعلی کشور از حیث تعداد فارغ‌التحصیلان متخصص پاتولوژی: همان‌طور که عرض شد فلسفه اصلی تصویب تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون مذکور کمبود نیروی انسانی متخصص پاتولوژی جهت تصدی فنی آزمایشگاه‌های تشخیص طبی در آن مقطع زمانی بوده است و چون حکم مزبور برخلاف اصول رایج در دنیا و نیز کشور در بخش تصدی امور فنی آزمایشگاه تشخیص طبی بود، قانون‌گذار به‌منظور به حداقل رساندن آسیب‌ها و نواقص ناشی از آن، شروط حداقلی را برای واگذاری تصدی فنی به غیر متخصصین پاتولوژی در متن تبصره قرار داده است. اینکه افراد بایستی حتماً دارای مدرک دکترای گروه پزشکی (پزشکی، داروسازی و دامپزشکی) بوده و علاوه بر آن دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی هم باشند یا افراد باید دارای مدرک پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی باشند، متأسفانه وزارت بهداشت از سال ۱۳۶۷ که اولین آیین‌نامه را تصویب نموده پس‌ازآن هر بار سعی نموده این شروط حداقلی قانون‌گذار را در آیین‌نامه‌های بعدی کم‌رنگ‌تر نماید و دایره واجدین شرایط استفاده از تبصره مزبور را گسترش دهد. به‌گونه‌ای که طبق آیین‌نامه معترض‌عنه شخصی که دارای کارشناسی و کارشناسی ارشد حشره‌شناسی است و پی‌اچ‌دی ایمونولوژی، می‌تواند ظرف ۲ سال تمام موضوعات آزمایشگاهی را آموزش ببیند و متصدی فنی آزمایشگاه شود.

۲- در حال حاضر کشور، آن شرایط خاص سال ۱۳۶۷ را ندارد زیرا بر اساس آمار بیش از ۱۸۰۰ متخصص پاتولوژی وجود دارد و هر سال بیش از ۱۰۰ نفر فارغ‌التحصیل جدید نیز به آن می‌پیوندند. مجموع آزمایشگاه‌های تشخیص درمانی و بهداشتی سطح ۳ که نیازمند متصدی فنی می‌باشند ۳۹۲۸ آزمایشگاه می‌باشد و از آنجا که هر متخصص پاتولوژی می‌تواند در دو آزمایشگاه متصدی فنی باشد بنابراین با ۱۸۰۰ پزشک متخصص پاتولوژی که در کشور وجود دارد، تعداد ۳۶۰۰ آزمایشگاه را پوشش می‌دهند و تعداد ۳۲۸ آزمایشگاه مشکل دارد که آن‌هم حداکثر تا ۳ سال آینده مشکل نیروی انسانی پاتولوژی آن‌ها مرتفع می‌شود.

ه- نظریه کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص طرح الحاقی یک تبصره به ماده ۶ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوراکی مصوب سال ۱۳۶۷، مؤید این است که واگذاری تصدی امور فنی به غیرپزشکان متخصص پاتولوژی غیرمنطقی و غیر صحیح و غیرعلمی

و معقول می‌باشد.

و- لازم به توضیح است که مطابق مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس مندرج در صفحه ۲۵ روزنامه رسمی شماره ۱۲۵۹۷ به لزوم پزشک بودن متصدی آزمایشگاه تأکید شده است. بخش سوم: دلایل و مستندات تعارض آیین‌نامه معترض‌عنه:

الف- مغایرت با بند ۲-۸ سیاست‌های کلی نظام در بخش سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری: مطابق بند مزبور افزایش کیفیت و ایمنی خدمات و مراقبت‌های سلامت با استقرار و ترویج نظام حاکمیت بالینی و تعیین استانداردها به‌عنوان یک سیاست مهم در بخش سلامت مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. حال آن‌که آیین‌نامه معترض‌عنه با توجه به توضیحات مندرج در بخش مقدمه (به‌ویژه بند الف) برخلاف استانداردهای پذیرفته شده می‌باشد و به‌شدت کیفیت و ایمنی خدمات پزشکی را کاهش داده و سلامتی شهروندان را در معرض خطر جدی قرار داده است؛ زیرا موجب ورود افراد غیرپزشک و فاقد مدرک طب عمومی به عرصه مهم و حیاتی تخصص بالینی پزشکی می‌شود و علاوه بر ایجاد بی‌عدالتی آموزشی و با ایجاد راه میانبر برای تبدیل پی اچ دی تکرشته‌ای به کلینیکال پاتولوژی و ورود انبوهی از افراد فاقد پشتوانه علمی کافی، انگیزه پزشکان جوان برای انتخاب و ادامه تحصیل در رشته پاتولوژی به‌شدت کاهش یافته و عملاً منجر به افت شدید کیفیت و در نهایت نابودی این رشته بنیادی خواهد شد. به‌علاوه باعث اختلال در روند ارتباط مؤثر کلینیک و پاراکلینیک تشخیص و درمان شده و در صورت اجرا ضمن سلب اعتماد پزشکان به نتایج آزمایشات موجب انحراف مسیر درمان خواهد شد. شایان ذکر است در سال ۱۳۶۷ در اجرای آیین‌نامه اجرایی مذکور، گروهی از پی اچ دی‌های تکرشته‌ای علوم پایه در زمان وزارت دکتر فرهادی در آزمون تخصصی زیر نظر بورد پاتولوژی شرکت کردند و پس از برگزاری سه دوره امتحان صرفاً یک نفره قبولی را اخذ نمود و با چنین نتیجه‌ای از آن زمان تا اتمام دوره وزارت خانم دکتر وحید دستجردی اجرای تبصره مذکور متوقف شده بود.

ب- رفع موجبات موضوع حکم تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون: همان‌طور که در مقدمه توضیح داده شد حکم تبصره یاد شده به‌منظور رفع نیاز حاد و فوری کشور به متصدی فنی آزمایشگاه در آن مقطع زمانی بوده و در حال حاضر بنا به توضیحات ارائه شده در قسمت (د) بخش اول به اندازه کافی پزشکان متخصص پاتولوژی در کشور وجود دارد و نیازی به استفاده از راه‌حل خلاف اصول پذیرفته شده بین‌المللی در این بخش نمی‌باشد و چنانچه نیازی هم در این بخش وجود داشته باشد، حاد و فوری نیست و وزارت بهداشت بایستی با استفاده از حکم مندرج در بند (ت) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه ظرفیت تربیت پزشکان متخصص پاتولوژی را افزایش دهد. علی‌هذا نیازی به تصویب آیین‌نامه جدید (معترض‌عنه) وجود ندارد.

ج- مغایرت با بند (ت) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه: مطابق بند مذکور "به‌منظور متناسب‌سازی کیفیت و کمیت تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی با نیازهای نظام سلامت کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است نیازهای آموزشی و ظرفیت ورود کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی علوم پزشکی اعم از دولتی و غیردولتی را متناسب با راهبردهای پزشک خانواده، نظام ارجاع و سطح‌بندی خدمات و نقشه جامع علمی کشور تعیین نموده و اقدامات لازم را به عمل آورد". متأسفانه وزارت بهداشت با وجود اینکه ۳۰ سال از تصویب تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون می‌گذرد و فرصت کافی برای تربیت پزشک متخصص پاتولوژی داشته و دارد و به‌جای اینکه از ظرفیت این بند و مقررات مشابه گذشته استفاده نماید و مشکل را از طریق افزایش ظرفیت تربیت متخصصان پاتولوژی حل نماید همچنان اصرار دارد که موضع را از طریق ورود افراد غیرمتخصص در یکی از بنیادی‌ترین مراکز مرتبط با سلامت و جان مردم حل نماید.

د- مغایرت برگزاری امتحان با حکم تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون: چنانچه قائل به حاکمیت تبصره

مذکور باشیم، کماکان استفاده از حکم آن مستلزم برگزاری امتحان ورودی نمی‌باشد؛ زیرا در تبصره ۲ مقرر شده: "رشته‌های کمبود را در کلاس‌هایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران و سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی که امکان دارند می‌گذرانند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصص مجاز به ...". همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایند در قانون به آزمون تخصصی اشاره شده است. با این تفاوت که آزمون مذکور بایستی پس از شرکت در کلاس و کارآموزی، برگزار شود، نه قبل از برگزاری کلاس و کارآموزی (اقدامی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مرتکب شده است)

هـ- ذکر برخی از تعارضات بندهای آیین‌نامه با قوانین: ۱- بند ۳ آیین‌نامه: در متن تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ مقرر شده: "... یا افرادی که دارای پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده ...". اما در بند ۳ آیین‌نامه عبارت دیگری به آن اضافه شده و آن عبارت "یا تخصص بوده‌اند و پس از اخذ تخصص" می‌باشد. این عبارت قطعاً در آینده باعث ورود افراد دیگری غیر از دارندگان مدرک پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی خواهد شد.

۲- بند ۵-۲: این بند دایره استفاده از تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون را به دانش‌آموختگان کارشناسی یا کارشناسی ارشد غیر علوم آزمایشگاهی نیز تسری داده است. به‌عنوان مثال کارشناس رشته زیست‌شناسی را هم شامل می‌شود.

۳- بند ۵-۳: اولاً- برخلاف قسمت صدر تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون که در آن رشته‌های گروه پزشکی شامل پزشکی، داروسازی و دامپزشکی تعیین شده در بند ۵-۳ آیین‌نامه، رشته دندانپزشکی را هم به رشته‌های مذکور اضافه نموده. ثانیاً- طبق تبصره مذکور صرفاً افراد دارای پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی مشمول می‌شوند حال آن‌که در این بند از کارشناس علوم آزمایشگاهی صحبت نموده نه پی‌اچ‌دی. ثالثاً- برخلاف قسمت صدر تبصره ۲ اصلاحی که دارندگان دکترای گروه پزشکی (داروسازی، دامپزشکی و پزشکی) در صورتی که دارای تخصص در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی باشند، مشمول قرار داده است در این بند ذکری از این موضوع نشده است.

۴- نکات مهمی که در آیین‌نامه مغفول مانده است: الف- قانون‌گذار در قسمت اخیر تبصره ۲ قانون، وزارت بهداشت را موظف نموده تا در خصوص چند موضوع در آیین‌نامه تعیین تکلیف نماید که عبارتند از: کلاس‌ها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه؛ اما متأسفانه تنها چیزی که در آیین‌نامه تعیین تکلیف نشده موارد مذکور است. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در موضوع مشمولین تبصره که به‌صورت شفاف بیان شده و نیازی به آیین‌نامه نداشته به‌گونه‌ای معارض با حکم قانون تبیین نموده و دایره مشمولین موضوع تبصره با به نحو بسیار وسیعی گسترش داده است.

ب- دو عبارت مهم و اساسی در متن تبصره ۲ به‌کاررفته که در آیین‌نامه به آن پرداخته نشده است که عبارتند از: "رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی" و "آزمون تخصصی".

در خصوص بالینی ذکر چند نکته لازم است. اولاً: در آیین‌نامه سال ۱۳۶۷ ملاک بالینی بودن، بررسی هیأت ممتحنه بود تخصصی پاتولوژی اعلام شده بود که در این آیین‌نامه حذف شده است. ثانیاً: دوره تکمیلی علوم آزمایشگاهی فاقد ضوابط آموزشی و استانداردهای لازم جهت اعطای مجوز به دانش‌آموختگان پی‌اچ‌دی علوم پایه بدون گذراندن واحدهای طب عمومی و بالینی است. ثالثاً: مطابق معیارها و استانداردهای بین‌المللی نظیر CLIA (بند ۴۹۳۰۱۴۴۱) تنها آن دسته از دارندگان مدارک پی‌اچ‌دی بالینی محسوب می‌گردند که بعد از گذراندن دوره پی‌اچ‌دی و سابقه چندین سال کار در آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی و گذراندن دوره‌های حداقل دو یا سه ساله در رشته خود موفق به کسب یکی از بوردهای ملی شوند. با این توصیف هیچ

یک از مدعیان پی اچ دی در کشور ما بالینی محسوب نمی‌شوند. در پایان به دلیل عدم دسترسی به اصل اسناد امکان تصدیق تصویر اسناد وجود ندارد (موضوع تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری)"  
متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

"این‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۹۶/۲/۳

۱- این مصوبه تنها برای اجرای قانون مصوب "تبصره ۲ ماده ۴ نحوه اداره آزمایشگاه‌ها مصوب سال ۱۳۶۷" مجلس شورای اسلامی و در مرحله اول به صورت محدود در ۴ دانشگاه علوم پزشکی تهران، شیراز، مشهد و اصفهان در سقف ظرفیت ۳۰ درصد مزاد هر رشته محل برای رشته آسیب‌شناسی به مدت ۳ سال اجرا می‌گردد.

۲- مسئولیت اجرای این مصوبه به صورت مشترک برعهده دبیرخانه شورای آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی و دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی خواهد بود.

۳- شرایط عمومی ورود به دوره

کلیه افرادی که در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی (ایمنی‌شناسی پزشکی، انگل‌شناسی پزشکی، باکتری‌شناسی پزشکی، بیوشیمی بالینی، ژنتیک پزشکی، میکروبی‌شناسی پزشکی، قارچ‌شناسی پزشکی، ویروس‌شناسی پزشکی و هماتولوژی آزمایشگاهی و بانک خون) دارای دکتری تخصصی P.h.D یا تخصص بوده‌اند و پس از اخذ تخصص یا P.h.D حداقل ۴ سال سابقه کار در رشته تخصصی (معادل حداقل سنوات مربوط به تعهدات خدمات آموزش رایگان) در رشته مربوط برخوردار باشند، می‌توانند وارد این دوره شوند.

۴- نحوه پذیرش

۴-۱- در سال ۱۳۹۵ و (سال‌های پس‌از آن) این مصوبه در همان سقف ذکر شده در بند ۱ با فراخوان انجام خواهد شد.

۴-۲- پس از فراخوان کمیته ۶ نفره منتخب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نامه ۵۰۰/۶۵۵/د-۱۳۹۵/۹/۲۸ سازوکار مصاحبه و انتخاب افراد واجد صلاحیت را انجام خواهد داد.

۴-۳- پس از تعیین افراد در سقف مذکور در بند ۱ دانشگاه‌های علوم پزشکی فوق‌الذکر موظف به پذیرش و آموزش پذیرفته‌شدگان می‌باشند.

۵- طول دوره و شکل نظام

۵-۱- با توجه به سوابق تحصیلی پذیرفته‌شدگان، طول دوره تکمیلی بین ۱۸ تا ۳۶ ماه خواهد بود.  
۵-۲- دانش‌آموختگانی که مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد غیر علوم آزمایشگاهی دارند، ملزم به گذراندن یک نیم سال از دروس منتخب علوم آزمایشگاهی و دو نیم سال از دروس منتخب فیزیوپاتولوژی هستند، لذا طول دوره برای این گروه از داوطلبین حداکثر ۳۶ ماه خواهد داد.

۵-۳- دانش‌آموختگان دکتری عمومی گروه پزشکی (داروسازی، دندانپزشکی، دامپزشکی) و کارشناس علوم آزمایشگاهی ملزم به گذراندن دو نیم سال از دروس منتخب فیزیوپاتولوژی هستند. لذا طول دوره برای این گروه از داوطلبین حداکثر ۳۰ ماه خواهد داد.

۵-۴- دانش‌آموختگان دوره پزشکی عمومی معاف از گذراندن دروس منتخب علوم آزمایشگاهی و فیزیوپاتولوژی هستند. لذا طول دوره برای این گروه از داوطلبین حداکثر ۲۴ ماه خواهد بود.

۵-۵- داوطلبین هر سه گروه پس از طی دوره‌های فوق و با تأیید عدم نیاز به دوره، به گروه‌های آموزشی آسیب‌شناسی دانشگاه جهت دوره کلینیکال پاتولوژی معرفی و طبق ضوابط برنامه آموزشی دوره

تخصصی کلینیکال پاتولوژی این دوره را طی می‌نمایند. (طول دوره دو ساله براساس دوره‌های قبلی طی شده تا ۱۸ ماه قابل تقلیل است).

۵-۶- دوره آموزش برای مشمولین به صورت تمام وقت و میزان تعهدات مطابق ضوابط قانون وزارت براساس شرایط ورود خواهد بود.

۶- شرایط فارغ‌التحصیلی

۶-۲- کلیه واجدین شرایط پس از طی دوره تکمیلی موظف به گذراندن حداقل‌های امتحان ارتقاء ۳-۴ و گواهینامه دوره تخصصی آسیب‌شناسی کلینیکال هستند و پس از کسب حدنصاب قبولی، فارغ‌التحصیل این رشته (کلینیکال پاتولوژی) محسوب می‌شوند.

۶-۳- واجدین مدرک گواهینامه، مجاز به شرکت در دانشنامه تخصصی کلینیکال پاتولوژی هستند و پس از کسب حدنصاب، مدرک دانشنامه کلینیکال پاتولوژی به آنان اعطاء می‌گردد.

۷- پس از سه سال از اجرای آزمایشی این دوره و ارزشیابی دوره آموزش، تصمیم مقتضی جهت توسعه رشته محل‌های آموزش توسط معاونت آموزشی اتخاذ خواهد شد.

این آیین‌نامه در تاریخ ... به تأیید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده است." در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شرح لایحه شماره ۱۰۷/۲۲۵۵-۱۳۹۶/۱۲/۵ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۸۹۵/۹۶ موضوع شکایت خانم الهام عسگری به خواسته ابطال آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۶۷ مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- شاکی در دادخواست تقدیمی ادعا نموده وزارت بهداشت اخیراً مستند به تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۶۷ اقدام به تهیه آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره مذکور نموده و متعاقب آن فراخوان پذیرش دوره تکمیلی علوم آزمایشگاهی را منتشر نموده است. وی در حال حاضر با این استناد که آزمون موضوع فراخوان موجب ورود افراد با تخصص‌های غیر مرتبط به عرصه سلامت می‌گردد، متقاضی ابطال آیین‌نامه گردیده است.

۲- شاکی در ابتدای دادخواست ادعا نموده وزارت بهداشت بدون اینکه آیین‌نامه مزبور را به طرق قانونی ابلاغ نماید، در اقدامی عجولانه نسبت به اعلام فراخوان آزمون اقدام نموده است. در این خصوص لازم به ذکر است، آیین‌نامه مزبور، آیین‌نامه داخلی وزارت بهداشت می‌باشد که اجرای مفاد آن بر عهده معاونت آموزشی است و لذا لزومی به ابلاغ آن به دانشگاه‌ها و ... نبوده است. ضمناً منظور از عبارت "ابلاغ قانونی" در خصوص آیین‌نامه داخلی مشخص نمی‌باشد. لذا لازم بود شاکی منظور خود را از عبارت ابلاغ قانونی و یا نحوه ابلاغ قانونی در خصوص آیین‌نامه‌های این چنین اعلام می‌نمود. ضمن اینکه چنانچه آیین‌نامه مزبور در دسترس نبوده است، این سؤال مطرح می‌شود شاکی چگونه نسخه‌ای از آن را دریافت و پیوست دادخواست تقدیمی ارائه نموده است.

۳- صرف‌نظر از مراتب فوق‌الذکر اشاره می‌نماید، در سال ۱۳۳۴ قانونی با عنوان "قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی" بعضاً مورد اصلاح مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است.

۴- به موجب ماده ۴ قانون اصلاح فوق‌الاشعار، تبصره ۱ و ۲ ماده ۶ سابق اصلاح و تبصره‌هایی به ذیل آن

افزوده گردید. وفق تبصره ۲ از ماده ۴ مقرر گردیده است: "افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی بوده و مدرک آن‌ها مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند و دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی یا افرادی که دارای پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند رشته‌های کمبود را در کلاس‌هایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران و سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی که امکان دارند می‌گذرانند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصصی مجاز به تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی خواهند بود. آیین‌نامه کلاس‌ها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه آن را وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معین می‌کند." همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد به تصریح قانون مزبور وزارت بهداشت مکلف بوده آیین‌نامه کلاس‌ها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه آن را تهیه و ابلاغ نماید تا مشمولین این قانون بتوانند با استفاده از مزایای آن در کلاس‌های مربوطه شرکت و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و پذیرش در آزمون‌های تخصصی به تصدی امور فنی آزمایشگاه تشخیص طبی اشتغال یابند.

۵- پس از تصویب قانون مذکور در سال ۱۳۶۷ آیین‌نامه‌ای برای اجرای آن تهیه که پس از دو دوره اجرا به دلیل تعارضات بین‌رشته‌ای متوقف گردید. در طول سال‌های توقف اجرای آیین‌نامه، وزارت متبوع به‌طور مستمر با تقاضای گروه‌های ذینفع برای اجرای قانون مواجه بوده که نهایتاً در سال ۱۳۸۸ با تشکیل کمیته مشترک از گروه‌های موافق و مخالف آیین‌نامه‌ای در سال ۱۳۸۹ به تصویب شورای معین شورای عالی برنامه‌ریزی می‌رسد که پس از ابلاغ مجدداً به دلیل واکنش و اعتراض گروه‌های دارای تعارض منافع متوقف می‌گردد.

۶- با توقف بخشنامه‌های مذکور، مشمولین قانون با توجه به بلاتکلیفی چندین ساله ناگزیر از طرح دعوا در دیوان عدالت اداری می‌گردند که به‌طور نمونه می‌توان به رأی صادره به نفع آقای قبادی نژاد در سال ۱۳۸۷ اشاره نمود.

۷- با توجه به پیگیری افراد ذینفع در سال ۱۳۹۳ رئیس وقت کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت بهداشت از سوی مقام عالی وزارت مسئول بررسی ابعاد مختلف موضوع و جمع‌بندی نظرات گروه‌های تخصصی مختلف می‌گردد و پس از ارائه گزارش از سوی ایشان کمیته‌ای شش‌نفره در سال ۱۳۹۵ از گروه‌های موافق و مخالف تشکیل می‌گردد تا آیین‌نامه جدیدی با در نظر گرفتن نظرات این گروه‌ها تنظیم گردد که آیین‌نامه پیوست تنظیم می‌شود.

۸- شاکی ادعا نموده فلسفه اصلی تصویب تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون مذکور کمبود نیروی انسانی پاتولوژی جهت تصدی آزمایشگاه‌های تشخیص طبی در آن مقطع زمانی بوده است و تلویحاً اشاره نموده در حال حاضر باوجود تعداد کافی پاتولوژیست ضرورتی به اجرای قانون نمی‌باشد. در این خصوص لازم به ذکر است اولاً: قوانین جاری کشور مصوب مجلس شورای اسلامی تا زمانی که از سوی مرجع تصویب ابطال نگردد و یا به‌موجب قانونی دیگر ملغی الاثر نگردد لازم‌الاجرا می‌باشد. قانون مذکور نیز تاکنون از سوی مجلس شورای اسلامی ابطال نگردیده و به قوت خود باقی می‌باشد. ضمناً در قوانین جاری کشور به جز در مواردی که خود قانون‌گذار تصریح نموده باشد قوانین مشمول مرور نمی‌گردد تا بتوان ادعا نمود قانونی مشمول مرور زمان گردیده و در حال حاضر قابلیت اجرا ندارد. لذا این وزارتخانه مجوزی برای عدم اجرای مفاد قانون صرفاً به دلیل اینکه متخصصین رشته پاتولوژی به اجرای آن معترض می‌باشند، ندارد. ضمن اینکه یکی از مراجع پیگیر جهت اجرای قوانین و مقررات از سوی دستگاه‌های دولتی، دیوان عدالت اداری می‌باشد که در این موضوع به‌خصوص با صدور آراء مختلف علیه وزارت بهداشت و متعاقب آن نامه‌های اجرای احکام، این وزارتخانه را به تصویب آیین‌نامه مذکور و اجرای قانون ملزم نموده است. ثانیاً: در حال حاضر نیاز به مسئول فنی آزمایشگاه‌های

تشخیص طبی بسیار فراتر از آمار ۳۹۲۸ مسئول فنی است که شاکي برآورد کرده‌اند. مزید اطلاع در حال حاضر بسیاری از آزمایشگاه‌های تشخیص طبی به‌ویژه در شهرستان‌ها با کمبود مسئول فنی روبرو هستند. همچنین شایان ذکر است با توجه به تعدد آزمایشات و ارائه خدمات تخصصی در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی، ضروری است مسئول فنی حضور فعال و پویایی در عرصه نظارت و بازبینی خدمات آزمایشگاهی داشته باشد که این امر می‌تواند تا حضور تمام وقت هر مسئول فنی فقط در یک آزمایشگاه تشخیص طبی تعریف شود. علاوه بر این، طبق مستندات علمی از جمله اصول مندرج در آیین‌نامه‌های تخصصی بین‌المللی CLIA و CAP، ارائه خدمات تخصصی توسط دانش‌آموختگان دکترای تخصصی رشته‌های علوم پایه پزشکی یک دوره تخصصی تکمیلی را با موفقیت گذرانده‌اند، امری کاملاً پذیرفته شده است.

۹- اشاره می‌نماید وفق قانون تشکيلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، وظیفه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رسیدگی به آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و ... می‌باشد که برخلاف قانون و یا شرع بوده و یا خارج از حدود اختیارات دستگاه مربوطه تصویب شده باشد. در خصوص آیین‌نامه مورد شکایت این وزارتخانه در راستای حکم مندرج در قانون نسبت به تدوین آیین‌نامه مورد اعتراض اقدام نموده است. لذا موضوع در حدود قانون و اختیارات این وزارتخانه بوده است.

۱۰- در ارتباط با ادعای شاکي دائر بر اینکه چنانچه قائل به حاکمیت تبصره مذکور باشیم استفاده از حکم آن مستلزم برگزاری آزمون ورودی نمی‌باشد نیز لازم به ذکر است، وظیفه تهیه آیین‌نامه کلاس‌ها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد. بر این اساس نحوه پذیرش داوطلبین واجد شرایط برای شروع دوره مزبور نیز بر عهده این وزارتخانه می‌باشد. طبق روال مرسوم از ابتدای تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معیار پذیرش در تمامی مقاطع تحصیلی برگزاری آزمون ورودی ویژه هر دوره می‌باشد و در خصوص رشته‌های وزارت علوم نیز پذیرش دانشجویان در مقاطع گوناگون توسط سازمان سنجش آموزش کشور تنها با برگزاری آزمون صورت می‌گیرد و برگزاری آزمون تنها روش عادلانه مرسوم و قابل اجرا با هدف پذیرش تعداد مشخصی از واجدین شرایط از بین تعداد بسیار زیاد داوطلبین اولیه در سراسر کشور می‌باشد. لذا این وزارتخانه با در نظر گرفتن شرایط و بررسی اعتبارات، ظرفیت پذیرش در آیین‌نامه ۱۵ نفر در سال اعلام نموده است. با توجه به تعداد زیاد متقاضی و محدود بودن ظرفیت پذیرش سالانه، برگزاری آزمون جهت امکان ورود افراد با توجه به نمره مکتسبه اجتناب‌ناپذیر بوده است. وفق مفاد آیین‌نامه مورد اشاره متقاضیان در ابتدا ملزم به شرکت در آزمون دومرحله‌ای کتبی و مصاحبه بوده و پس از پذیرش مکلف به طی دوره‌های تکمیلی که ترکیبی از کلاس‌های نظری، عملی و دوره‌های کارورزی در بخش‌های آزمایشگاه‌های تخصصی می‌باشند، خواهند بود. در پایان دوره نیز برای این افراد گواهی طی دوره تکمیلی علوم آزمایشگاهی صادر خواهد شد تا بتوانند از مزایای آن بهره‌مند گردند.

۱۱- همچنین وفق مفاد ماده ۳ آیین‌نامه مشمولین ورود به دوره صرفاً اشخاصی می‌باشند که در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی دارای دکترای تخصصی یا تخصص بوده‌اند. ضمن اینکه از زمان تصویب تبصره ۲ ماده ۴ قانون، افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی بوده و مدرک آن‌ها مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی می‌باشند یا افرادی که دارای پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند متصدی مسئولیت فنی آزمایشگاه‌های تشخیص طبی در بخش مربوطه بوده‌اند، واجد صلاحیت گذراندن دوره تکمیلی می‌باشند.

۱۲- در ارتباط با آن قسمت از دادخواست شاکي دائر بر اینکه مطابق استانداردهای بین‌المللی صرفاً

پاتولوژیست‌ها واجد صلاحیت برای تصدی مسئولیت فنی آزمایشگاه‌های تشخیص طبی می‌باشند نیز لازم به توضیح است، دوره‌های تکمیلی علوم آزمایشگاهی در همه کشورها مرسوم و متداول است و بر اساس برنامه‌های آموزشی رشته‌های مختلف، سرفصل‌های مورد نیاز به صورت جبرانی، اجباری و اختیاری، کارورزی و کارآموزی لحاظ می‌شوند. جالب آن که برخلاف ادعای نامبرده، طبق آمار متقن و مستندات علمی در بسیاری از کشورها از جمله در اتحادیه اروپا غالب مسئولان فنی آزمایشگاه‌های تشخیص طبی نه تنها از پزشکان بلکه از دانش‌آموختگان رشته‌های علوم آزمایشگاهی می‌باشند. دقت در متن انگلیسی آیین‌نامه تخصصی مربوط به حوزه مسئولیت فنی و ارائه خدمات در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی موسوم به CLIA و CAP که نامبرده به آن‌ها استناد کرده است، بیانگر امکان حضور دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف آزمایشگاهی در ارائه خدمات تشخیص پزشکی به عنوان مسئول فنی آزمایشگاه می‌باشد.

۱۳- در مورد بند "ج" بخش سوم دادخواست مطروحه موضوع مغایرت آیین‌نامه با بند (ت) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه نیز اشاره می‌نماید، برخلاف آنچه ایشان اظهار نموده است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در طول سالیان اخیر با بهره‌گیری از راهکارهای علمی هیئت‌های ممتحنه، ارزشیابی و برنامه‌ریزی رشته‌های علوم پزشکی از جمله رشته آسیب‌شناسی که متشکل از منتخبی از اساتید با تجربه و متخصص شاعل به امر آموزش در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور می‌باشند و نیز فراهم آوردن تمامی امکانات و تجهیزات تخصصی ضروری برای آموزش و دوره تخصصی آسیب‌شناسی، از تمام توان و ظرفیت آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور استفاده نموده است تا نیاز به ارائه خدمات تخصصی دانش‌آموختگان این رشته در تمامی نقاط کشور برطرف شود. این امر در حالی است که بسیاری از دانشگاه‌های علوم پزشکی هنوز موفق به کسب مجوز لازم برای شروع آموزش دوره تخصصی آسیب‌شناسی از سوی هیأت ممتحنه، ارزشیابی و برنامه‌ریزی رشته آسیب‌شناسی نشده‌اند؛ بنابراین اجرای این قانون دقیقاً یکی از راهکارهای مهم در دستیابی به بند (ت) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه می‌باشد که در آن به منظور متناسب‌سازی کیفیت و کمیت نیروی انسانی گروه پزشکی با نیازهای نظام سلامت کشور، موظف شده است نیازهای آموزشی و ظرفیت ورود کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی علوم پزشکی اعم از دولتی و غیردولتی را متناسب با راهبردهای پزشک خانواده نظام ارجاع و سطح‌بندی خدمات و نقشه جامع علمی کشور تعیین نموده و اقدامات لازم را به عمل آورد.

۱۴- در خصوص موضوع مورد اعتراض شاکي دائر بر تسری موضوع تبصره به دارندگان مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زیست‌شناسی و یا دندان‌پزشکان لازم به ذکر است، از آنجاکه در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی اعلام شده است: "... یا افرادی که دارای پی اچ دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند..." لذا با توجه به اینکه برخی از دارندگان مدرک دکترای تخصصی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی ممکن است با مدرک کارشناسی ارشد و یا دکترای دندانپزشکی وارد مقطع مذکور شده باشند، این موضوع در آیین‌نامه پیش‌بینی شده است؛ بنابراین آیین‌نامه مزبور از نظر شرایط ورود به دوره با مفاد قانون مغایرتی ندارد. با توجه به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه تمام اقدامات صورت گرفته وفق ضوابط و مقررات قانونی بوده است، رد شکایت مطروحه مورد تقاضا می‌باشد."

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و هیأت مذکور به موجب دادنامه‌های ۳۳۴، ۳۳۱-۱۹/۱۰/۱۳۹۷، بند ۲-۵ از آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۷۶ را قابل ابطال تشخیص

نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به بندهای ۳-۵ و ۳ از آیین‌نامه مذکور در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف- با عنایت به اینکه قانون‌گذار به شرح تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷ صرفاً دارندگان مدرک دکتری در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی از گروه پزشکی را مشمول حکم خود قرار داده است، بنابراین در بند ۳-۵ آیین‌نامه مورد شکایت که دارندگان مدرک دکتری دندانپزشکی نیز مشمول حکم قانون‌گذار قرار گرفته‌اند، به جهت توسعه موضوع حکم قانونی خارج از حدود اختیار مرجع وضع مصوبه و مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب- با عنایت به اینکه نظر قانون‌گذار به شرح مذکور در تبصره ۲ ماده ۴ قانون فوق‌الذکر صراحتاً ناظر به دارندگان مدرک رشته‌های علوم آزمایشگاهی است و اینکه مدرک (دکتری تخصصی) با تخصص متفاوت است، بنابراین بند ۳ آیین‌نامه مورد شکایت که علاوه بر دارندگان مدرک رشته‌های علوم آزمایشگاهی، متخصصین را نیز اضافه کرده خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص می‌شود و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی - تعهد خدمت

تاریخ: ۲۷ فروردین ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۷۰-۷۱

کلاس پرونده: ۴۱/۹۷-۱۰۳۳/۹۶

**موضوع:** عدم ابطال بند ۵ مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص تعیین سهمیه موسوم به سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم و اجبار و الزام پذیرش شدگان به انجام تعهد به میزان دو و نیم برابر مدت تحصیل)

### شاکي: آقایان: کامبیز خزایی و محمد خوانین

#### گردش کار:

الف- آقای کامبیز خزایی به موجب دادخواستی ابطال بند ۵ مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری زید عزه العالی

احتراماً بدینوسیله به استحضار می‌رساند: ۱- قبل از اعلام ممنوعیت سهمیه بندی در پذیرش دانشجوی موضوع ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب ۱۳۸۹، برای پذیرش در رشته‌های دستیاری پزشکی، سهمیه های متعدد و رنگارنگی وجود داشت: از جمله سهمیه آزاد- سهمیه مناطق محروم- سهمیه زنان و سهمیه مازاد مناطق محروم چالب تر اینکه، طول مدت خدمت پزشکان متخصص پس از اخذ تخصص در نقاط محروم و نیازمند نیز کاملاً سلیقه ای شده بود به نحوی که پذیرش شدگان سهمیه آزاد و سهمیه مناطق محروم فقط برابر طول دوره تخصص خود موظف به انجام خدمت قانونی در نقاط محروم و نیازمند بودند درحالی که پذیرش شدگان سهمیه زنان سه برابر مدت تحصیل و پذیرش شدگان سهمیه مازاد مناطق محروم دو و نیم برابر مدت تحصیل موظف به انجام خدمت قانونی در نقاط محروم و نیازمند بودند. اینکه اتخاذ تصمیم به این نحو از اجلا مصادیق اصل ممنوعیت تبعیض ناروا موضوع بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هست یا خیر و اینکه شان نزول تصویب قانونی که عنوان آن به خوبی مبین هدف قانون گذار از وضع آن است یعنی (قانون برقراری عدالت آموزشی) که صرفاً هدف آن رفع بی عدالتی ها، نابرابری ها و ظلم هایی بود که بر پذیرش شدگان رشته‌های دستیاری پزشکی طول سال‌های متممادی وارد شده است امری است علیحده که ذکر کامل آن از موضوع خواسته این دادخواست خارج است.

۲- گرچه قانون گذار در تبصره ۲ ماده واحده فوق‌الذکر، کلیه قوانین و مقررات سهمیه بندی ناعادلانه و غیر منصفانه را لغو و ظلم بالسویه برای همگان را عدل دانسته است اما اشکال اساسی این است که نسخ صریح

مزبور ناظر به زمان تصویب قانون مرقوم به بعد است نه به قبل آن، یعنی با وصف اینکه قانون گذار مهر ابطال بر برخی مقررات ناعادلانه به سهمیه بندی گذشته زده است مع الوصف به واسطه جلوگیری از بروز برخی مشکلات اجرایی از تسری آن به گذشته خودداری کرده است.

۳- یکی از مقررات مربوط به سهمیه بندی ناظر به زمان قبل از تصویب قانون اخیرالذکر، مصوبه شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی است که به موجب آن سهمیه ای با عنوان مازاد مناطق محروم مورد تصویب شورای مذکور قرار گرفت طول مدت خدمت پزشکان قبول شده سهمیه مذکور پس از اخذ تخصص نیز، دو و نیم برابر مدت تحصیل تعیین شده است. مصوبه مورد درخواست ابطال مزبور از دو جهت قابل ابطال به نظر می‌رسد:

الف) خارج از حدود اختیارات بودن:

بر اساس قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی مصوب ۱۳۵۲/۵/۳ مجلس سنای نظام سیاسی قبل از انقلاب، شورای آموزش پزشکی و تخصصی، اساساً اختیار قانونی برای تعیین طول مدت خدمت پزشکان متخصص پس از اخذ تخصص در نقاط محروم و نیازمند را نداشته است به عبارت دیگر، صرف نظر از اینکه به دلیل قلت پزشکان متخصص در قبل از انقلاب از یک طرف و عدم توجه نظام سیاسی وقت به نقاط محروم و نیازمند از طرف دیگر بحث تعیین طول مدت خدمت پزشکان متخصص توسط شورای آموزش پزشکی و تخصصی سالبه به انتفاء موضوع بود، چون شرح وظایف قانونی شورای آموزش پزشکی و تخصصی در ماده ۱ قانون تشکیل - به روشنی - احصاء و شمارش شده است و در هیچ یک از بندهای هفتگانه ماده ۱ قانون مرقوم اساساً به موضوع تعیین طول مدت خدمت پزشکان متخصص پس از اخذ تخصص در نقاط محروم و نیازمند اشاره‌ای نشده است، بنابراین به دلیل سکوت قانون گذار در مقام بیان از یک طرف و حاکمیت اصل عدم صلاحیت مقام عمومی (یعنی مقام عمومی و از جمله آن شورای پزشکی موصوف حق انجام هیچ عملی را ندارد مگر اینکه قانون گذار اختیار انجام آن عمل را صریحاً داده باشد) از طرف دیگر باید گفت مصوبه شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی که متضمن وضع قاعده امره دو و نیم برابر مدت تحصیل به عنوان خدمت در نقاط محروم و نیازمند است خارج از حدود اختیارات شورای مذکور بوده است، لذا مصوبه مورد درخواست ابطال مزبور از این حیث در خور ابطال از زمان تصویب می‌باشد.

ب) خلاف قانون بودن:

بر اساس مصوبه مورد درخواست ابطال، متقاضیان سهمیه مازاد مناطق محروم موظف اند دو و نیم برابر مدت تحصیل در مناطق محروم و نیازمند خدمت نمایند این در حالی است که ماده ۱۴ از قانون مربوط به خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۱۳۷۵ مصرح است: "به منظور تربیت پزشک متخصص مورد نیاز مناطق محروم و نیازمند کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است به هنگام پذیرش دستیار تخصصی، سهمیه های جداگانه ای را برای مناطق محروم نیازمند کشور اختصاص دهد. دستیاران تخصصی استفاده کننده از سهمیه مذکور موظف اند پس از انجام دوره تخصص، برابر طول دوره تخصص (نه دو نیم برابر مدت تحصیل) به عنوان خدمات قانونی موضوع این قانون در نقاط مربوطه انجام دهند و پس از انجام خدمات مذکور پروانه دائم دریافت خواهند نمود." بنابراین چنان که تأیید و تصدیق می‌فرماید طول مدت خدمت قانونی پزشکان متخصص پس از اخذ تخصص در نقاط محروم و نیازمند صرفاً برابر مدت تحصیل آنان است نه دو و نیم برابر مدت تحصیل و در این خصوص هیچ تفاوت معنی داری بین پذیرش شدگان مناطق محروم (قانونی) و پذیرش شدگان سهمیه مازاد مناطق محروم (مقرراتی) وجود ندارد به عبارت دیگر، مقررات ماده ۱۴ قانون مرقوم برای کلیه پذیرش شدگان رشته دستیار پزشکی از نقطه نظر قانونی کاملاً اطلاق دارد و شامل

همه قبول شدگان رشته دستیاری پزشکی می‌شود خواه سهمیه آزاد باشد خواه سهمیه مناطق محروم (قانونی) با سهمیه مازاد مناطق محروم (مقرراتی) بنابراین مصوبه مورد درخواست ابطال از این حیث مغایر مقررات قانون موصوف نیز می‌باشد. وانگهی اصل ممنوعیت اعمال تبعیض در بندهای ۹ و ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. بدین ترتیب: "تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون همچنین رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی" از جمله اهداف حکومت جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین در مانحن فیه از آنجا که اعمال دو نوع مدت برای پزشکان متخصص پس از اخذ تخصص در نقاط محروم و نیازمند:

الف- برابر طول مدت تحصیل برای دستیاران تخصصی استفاده کننده از سهمیه مناطق محروم وفق ماده ۱۴ قانون مرقوم

ب- دو و نیم برابر مدت تحصیل برای دستیاران تخصصی استفاده کننده از سهمیه مازاد مناطق محروم وفق مصوبه شصت و پنجمین جلسه شورای آموزش پزشکی و تخصصی.

ناشی از دو گونه مقررات اعز از قانونی و دولتی موجب تبعیض ناروا می‌گردد و طبق اصل عقلی و قانونی در صورت بروز تردید در اعمال تبعیض یا عدم تبعیض، اصل بر ممنوعیت اعمال تبعیض است نه اصل بر حمایت از اعمال تبعیض لذا از این حیث نیز مصوبه مورد درخواست ابطال در خور ابطال از زمان تصویب می‌باشد. در خاتمه با توجه به مراتب فوق چون مصوبه مورد درخواست ابطال هم از حیث خارج از حدود و اختیارات بودن و هم از حیث مغایرت با قانون به شرح پیش گفته در خور ابطال می‌باشد، بنابراین بدو صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اجرای مصوبه مورد درخواست ابطال تا زمان رسیدگی نهایی و نهایتاً ابطال مصوبه مزبور از زمان تصویب مورد استدعا می‌باشد."

متن مصوبه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

"شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی کشور مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱

موضوع ۵: ماده واحده پیشنهادی معاونت محترم آموزشی و امور دانشجویی طرح و به صورت زیر به تصویب رسید:

به منظور ارتقای سلامت در مناطق محروم و کمک به ماندگاری نیروهای انسانی تخصصی کارآمد در این مناطق به شاغلین در این مناطق که حداقل ۵ سال سابقه خدمت در منطقه مذکور را داشته باشند و حداقل ۸۰٪ نمره حد نصاب را در رشته‌های مورد نیاز کسب کرده باشند سهمیه‌های زیر اضافه بر سهمیه مندرج در ماده ۷ مصوبه چهل و هفتمین نشست شورا و اصلاحات بعد از آن تخصیص می‌یابد.

الف) ظرفیت جذب نشده در سایر سهمیه‌ها مطابق مصوبات شصت و چهارمین نشست

ب) سهمیه مازاد حداکثر ۲۵٪ با توجه به شرایط آموزشی گروه‌های آموزشی مربوطه در رشته‌های مورد

نیاز به تصویب معاونت آموزشی و امور دانشجویی وزارت

تعیین رشته‌های مورد نیاز، تعیین مصادیق شمول، امتیازات تشویقی، نحوه اخذ تعهد و مدت آن، تعیین نقاط محروم در سطح بیمارستان و شهرستان و سایر شرایط و ضوابط طبق دستورالعملی خواهد بود که مشترکاً توسط معاونین آموزشی و امور دانشجویی و سلامت وزارت متبوع سالیانه تهیه و به تصویب وزیر خواهد رسید. تبصره: معاونین توسعه و آموزشی و امور دانشجویی برای گروه‌هایی که سهمیه مازاد برای آن‌ها تعیین می‌شود بودجه‌های کمک آموزشی ویژه‌ای را در بودجه‌های سنواتی منظور می‌نمایند."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه‌های شماره ۱۳۹۶/۱۱/۱۵-۱۰۷/۲۰۹۴ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۵-۴۱-۷۹ و مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۳ توضیح داده است که:

## "ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اهدای سلام

احتراماً، به استحضار می‌رسد:

۱- قبل از تصویب قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی، سهمیه‌های متفاوتی برای پذیرش در دوره تخصص وجود داشته که یکی از این سهمیه‌ها (سهمیه مازاد مناطق محروم) بوده که میزان تعهدات آن دو و نیم برابر مدت تحصیل اعلام شده است. وی در ادامه با استناد به اینکه ۱- شورای آموزش پزشکی و تخصصی اصولاً اختیاری برای تعیین طول خدمت پزشکان متخصص ندارد و ۲- میزان تعهدات سهمیه مناطق محروم در ماده ۱۴ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان نصف و برابر مدت تحصیل تعیین شده است و تعیین میزان تعهدات پذیرفته شدگان سهمیه مذکور به میزان دو و نیم برابر مدت تحصیل مغایر قانون می‌باشد متقاضی ابطال مصوبه مذکور شده است.

۲- در ارتباط با شکایت مطروحه لازم به ذکر است، شاکی در دادخواست تقدیمی متقاضی ابطال شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی شده است، این در حالی است که نشست مذکور دارای بندهای مختلف یا موضوعات متفاوت می‌باشد و شاکی مشخص ننموده که درخواست ایشان ابطال کدام یک از بندهای نشست مورد اشاره است. بر این اساس خواسته ایشان در این جهت مبهم و نامشخص می‌باشد و لازم بوده قبل از ارسال دادخواست به این وزارتخانه نسبت به اصلاح آن اقدام می‌نمود.

۳- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در راستای اهداف و وظایف محوله و تأمین بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آن، نسبت به تربیت نیروی متخصص از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی و بهداشتی وفق قوانین و مقررات اقدام می‌نماید و افرادی که جهت تحصیل در دوره‌های مختلف پزشکی انتخاب و گزینش می‌شوند، با توجه به مقاطع تحصیلی و مهارت‌های دیگر که برای پذیرش رشته‌ها و دوره‌ها وجود دارد، حسب مقررات موجود، ملزم به انجام خدمت در نقاط مورد نیاز کشور به تشخیص این وزارتخانه می‌باشند. با توجه به دوره‌های مختلف و سهمیه‌های متفاوت، این افراد دارای تعهدات مختلفی می‌باشند. افرادی که در آزمون دستیاری تخصصی پذیرفته می‌شوند نیز برابر قوانین و مقررات مختلف دارای تعهد خدمت می‌باشند که بر حسب نوع سهمیه‌ای که پذیرفته شده‌اند، این تعهدات متفاوت است.

۴- دبیرخانه شورای آموزش پزشکی با بررسی نیازهای کشور در مناطق محروم، در موضوع ۵ شصت و پنجمین نشست شورا سهمیه‌ای به نام سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم را تصویب می‌نماید. وفق مفاد مصوبه مذکور، متقاضیانی قادر به استفاده از سهمیه مذکور جهت پذیرش بوده‌اند که در زمان ثبت‌نام در آزمون دستیاری حداقل ۵ سال سابقه کار در مشاغل مدیریتی یا غیرمدیریتی (بهداشتی، درمانی، پژوهشی، آموزشی) در وزارت بهداشت و یا سازمان‌های وابسته در مناطق محروم به صورت کارمند پیمانی، رسمی-آزمایشی یا رسمی-قطعی داشته باشند و اشتغال آنان تا زمان قبولی مستمر باشد بر اساس مصوبه مذکور این گروه از متقاضیان علاوه بر استفاده از ظرفیت مازاد به میزان ۲۵٪ و نیز احتساب حد نصاب نمره قبولی به میزان ۸۰٪ حد نصاب در رشته/محل مورد تقاضا، به لحاظ پذیرش از امتیازات مرتبط با سوابق خدمتی خود در مناطق محروم نیز استفاده نموده‌اند.

۵- در موضوع ۵ شصت و پنجمین نشست صراحتاً قید شده بود که تعیین رشته‌های مورد نیاز، تعیین مصادیق شمول، امتیازات تشویقی، نحوه اخذ تعهد و مدت آن، تعیین نقاط محروم در سطح بیمارستان و شهرستان و سایر شرایط و ضوابط طبق دستورالعملی خواهد بود که سالیانه تصویب می‌گردد. لذا مدت تعهدات این گروه از پذیرفته شدگان همه ساله پس از بازبینی با توجه به شرایط تعیین و با امضاء وزیر وقت با ابلاغ

در مرحله ثبت نام آزمون دستیاری به اطلاع کلیه داوطلبان رسانده می‌شود. لذا به نظر می‌رسد شاکی مصوبه شصت و پنجم نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی را مطالعه نکرده است، زیرا معلوم نیست نامبرده درخواست ابطال کدام یک از بندهای مصوبه مذکور را نموده است.

۶- اما در خصوص ادعای نامبرده دایر بر اینکه میزان تعهدات سهمیه مناطق محروم در ماده ۱۴ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان نصف و برابر مدت تحصیل تعیین شده است و تعیین میزان تعهدات پذیرفته شدگان سهمیه مازاد مناطق محروم به میزان دو و نیم برابر مدت تحصیل مغایر قانون می‌باشد نیز لازم به ذکر است، همان‌گونه که آن مقام ملاحظه می‌فرمایند سهمیه موضوع ۵ نشست شصت و پنجم (سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم) سهمیه ای کاملاً متفاوت از سهمیه مناطق محروم موضوع ماده ۱۴ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان می‌باشد. زیرا سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم صرفاً مخصوص کارمندان رسمی و پیمانی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور برای خدمت در مناطق مورد نیاز و محروم دانشگاه محل استخدام متقاضی بوده و نحوه پذیرش آن تابع مقررات و مصوبات اختصاصی مربوطه می‌باشد. در حالی که سهمیه موضوع ماده ۱۴ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان عام و کلی بوده و تمامی فارغ‌التحصیلان مقطع پزشکی عمومی بدون هرگونه قید و شرطی در صورت تمایل می‌توانستند متقاضی استفاده از آن سهمیه باشند.

۷- شاکی در دادخواست تقدیمی اعلام نموده که شورای آموزش پزشکی و تخصصی اختیاری برای تعیین طول مدت خدمت پزشکان متخصص مناطق محروم نداشته و تعیین مدت تعهد خدمت به میزان دو و نیم برابر مدت تحصیل برای پذیرفته شدگان سهمیه مزبور خارج از حدود اختیارات شورای مذکور می‌باشد.

۸- در این خصوص لازم به ذکر است، قانون‌گذار در ماده ۸ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایران مصوب ۱۳۵۸/۷/۳۰ مقرر نموده است: "دانشجویان و هنرجویان دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات عام‌المنفعه که برای خدمت در دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های مذکور آموزش می‌بینند، مکلفاند طبق تعهدنامه رسمی که در بدو ورود برابر مقررات مربوط از آنان اخذ می‌شود، تعهدات خود را انجام دهند و در آگهی پذیرش دانشجو و هنرجو برای این نوع مؤسسات، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها تعهدنامه مزبور باید حاوی شرایط تحصیل و کیفیت و ضمانت اجرایی تعهدات باشد" همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، حکم ماده مزبور در ارتباط با پذیرش دانشجو جهت تأمین نیازهای نیروی انسانی دستگاه‌های اجرایی می‌باشد و به موجب آن دستگاه‌های پذیرنده با توجه به نیازها و برنامه‌های خود نسبت به پذیرش و اعطاء بورس به متقاضیان اقدام و پذیرفته شده نیز وفق سند تعهد محضری متعهد می‌گردد پس از تحصیل، خدمات قانونی خود را مطابق برنامه‌های دستگاه پذیرنده به انجام رسانند. همچنین وفق ماده ۷ مصوبه جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰-۱۳۷۷/۷/۲۱ و ۱۳۷۷/۸/۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی، هر وزارتخانه حسب نیاز و تشخیص خود درباره اخذ تعهد خدمت یا لغو تعهد دانشجویان تصمیم‌گیری کند. لذا اقدامات وزارت بهداشت و شورای آموزش پزشکی و تخصصی در این خصوص کاملاً وفق ضوابط و مقررات بوده است. در این ارتباط توجه آن مقام را به دادنامه شماره ۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱ هیات عمومی دیوان عدالت اداری جلب می‌نماید.

۹- لازم به ذکر است، تمامی پذیرفته شدگان با استفاده از سهمیه مذکور وفق مفاد دفترچه‌های راهنمای آزمون در ابتدای تحصیل مطلع بوده اند که سهمیه مورد اشاره سهمیه ای متفاوت از سهمیه موضوع ماده ۱۴ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان و مخصص کارمندان رسمی و پیمانی دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌باشد و با علم و آگاهی و در صحت و سلامت عقل نسبت به انتخاب تعهد مزبور اقدام و متعهد گردیده‌اند که پس از فراغت از تحصیل به مدت دو و نیم برابر مدت تحصیل در مناطق معینه از سوی دانشگاه محل استخدام خدمت نمایند.

۱۰- اشاره می‌گردد، موضوع خواسته شاکی ابطال نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی از زمان تصویب می‌باشد. مدت تعهد پذیرفته شدگان با استفاده از سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم که شاکی خواهان ابطال آن گردیده در نشست مذکور اعلام نشده است. لذا با توجه به موضوع شکایت، آنچه که در هیأت عمومی دیوان قابل رسیدگی است، شرایط پذیرش با استفاده از سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم می‌باشد. با توجه به اینکه از سال ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۸۹ تعداد زیادی دستیار با استفاده از سهمیه مذکور پذیرفته شده و در حال حاضر فارغ‌التحصیل گردیده‌اند، به فرض ابطال مصوبه مذکور، دوره تحصیلی کلیه فارغ‌التحصیلان استفاده کننده از سهمیه مورد اشاره برای پذیرش در دوره دستیاری (در صورت عدم استفاده از این سهمیه امکان پذیرش در دوره دستیاری را نداشته اند) کان لم یکن گردیده و این وزارتخانه موظف به ابطال گواهینامه/دانشنامه این پذیرفته شدگان می‌باشد.

با توجه به مراتب فوق و نظر به اینکه، شرایط هر آزمون در دفترچه همان سال ذکر می‌گردد و نامبرده کلیه شرایط آزمون را می‌دانسته است و سهمیه مذکور امتیاز و تشویقی برای افرادی بوده که به‌طور مستمر تا زمان شرکت و قبولی در آزمون در نقاط محروم مشغول به کار بوده اند، رد ادعای مشارالیه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

ب- آقای محمد خوانین به موجب دادخواستی ابطال بند ۵ مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند این جانب طبق گواهی پایان خدمت شماره ۹۶/۱۶۴۷۸۱۳-۱۳۹۶/۹/۲۸ معاونت درمان وزارت علوم پزشکی فارغ‌التحصیل سال ۱۳۹۲ از دانشگاه علوم پزشکی شیراز سهمیه ورودی مازاد مناطق محروم دانش آموخته رشته تخصصی قلب و عروق می‌باشم که طبق مفاد گواهی مزبور تعهدات خود را به انجام رسانده ام. اما متأسفانه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بهانه واهی و غیرقانونی طبق مصوبه شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی مدعی است که این جانب باید ۲/۵ برابر دوره تخصصی در مناطق محروم و انجام وظیفه نمایم که تصمیم و ادعای شورای آموزش پزشکی در نشست مذکور به دلایل ذیل خلاف قانون می‌باشد:

۱- ماده ۱۴ مربوط به قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۱۳۷۵/۳/۱۲ صراحتاً موظفی دستیاران تخصصی را برابر طول دوره تخصصی تعیین نموده است (۴ سال)

۲- طبق تبصره ۱ ماده ۱۴ همان قانون این جانب دارای پروانه دائم پزشکی هستم و باید نصف دوره تخصصی در مناطق محروم خدمت می‌نمودم (۲ سال) که این تبصره هم در مورد این جانب اعمال نگردیده است.

۳- طبق رأی وحدت رویه شماره ۵۰۵-۵۰۴ دیوان عدالت اداری افزایش طول خدمت پزشکان متخصص را پس از اخذ تخصص بیشتر از دوره تخصص مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار "شورای آموزش پزشکی و تحقیق" در وضع مقررات دولتی می‌داند.

مع‌الوصف طبق مدارک تقدیمی این جانب حتی یک سال بیشتر از برابر دوره تخصصی را در مناطق محروم خدمت نموده ام. النهایه مستدعی است با عنایت به موارد مذکور و مدارک تقدیمی اولاً نسبت به ابطال مصوبه نشست شصت و پنجمین شورای آموزش پزشکی و تخصصی. ثانیاً نسبت به الزام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به صدور گواهی پایان تعهدات دوره تخصصی رأی مقتضی را صادر فرمایید.<sup>۱۲</sup>

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به

---

---

صدر رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه در بند ۵ مصوبات شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی کشور مطلبی مبنی بر تعیین سهمیه موسوم به سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم و اجبار و الزام پذیرش شدگان به انجام تعهد به میزان دو و نیم برابر مدت تحصیل نه تصریحاً و نه تلویحاً حکمی ملاحظه نمی‌شود، بنابراین از این جهت بند ۵ مصوبه مذکور قابل ابطال تشخیص نشد.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی - تعهد خدمت

تاریخ: ۲۷ فروردین ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۷۵

کلاس پرونده: ۱۸۸۸/۹۶

**موضوع:** عدم ابطال بند "ب" از فصل چهارم از "سی و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار رشته‌های فوق تخصصی بالینی پزشکی مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴" (در خصوص برقراری تعهد خدمت فارغ‌التحصیلان رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی و همچنین تعیین میزان تعهد خدمت آن‌ها با توجه به نیازهای عمومی)

**شاکي:** آقایان: ۱- آرش مرادی ۲- مجید البرزی ۳- جمال جلیلی شهری ۴- علی صابری ۵- یونس عبدالعلیان همگی با وکالت آقای بهمن امین منصور

### گردش کار:

آقای بهمن امین منصور به وکالت از موکلین خویش به موجب دادخواستی ابطال بند "ب" از فصل چهارم از "سی و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار رشته‌های فوق تخصصی بالینی پزشکی مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴" را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"الف- موکلان در زمره پزشکان و دستیاران فوق تخصص دوره‌های سی ام و سی و یکم و سی و دومین دوره دستیاری فوق تخصص بالینی پزشکی در رشته عروق می‌باشند که با اتمام دوره دستیاری، مشغول طی دوره تعهد مربوطه بود و یا مآلاً دوره تعهد مربوطه را آغاز خواهند نمود.

ب- حسب استحضار، تعهدات دستیاران دوره‌های فوق تخصصی، عموماً در قالب مقررات وضع شده توسط طرف شکایت، تحت عنوان "راهنمای آزمون پذیرش دوره‌های دستیار فوق تخصصی بالینی پزشکی" محل تعریف می‌یابد که وضوحاً مقررات یاد شده می‌باید با تبعیت از مقررات و قوانین موضوعه تصویب و اجرا گردد.

ج- رشته تخصصی موکلان (جراحی عروق) یکی از زیر شاخه‌های پنجگانه جراحی عمومی است (رشته تحصیلی جراحی عمومی به پنج شاخه فوق تخصص منشعب می‌شود که عبارتند از: جراحی پلاستیک و ترمیمی- جراحی عروق- جراحی کودکان- جراحی قفسه صدری- جراحی قلب و عروق) که از مجموعه زیر شاخه‌های یاد شده و به موجب تصمیم طرف شکایت و با وصف مشابَهت مبنای پیش نیاز آموزشی (جراحی عمومی) مدت تعهد فوق تخصصی خون سرطان بالغین، نفرولوژی روانپزشکی کودکان، جراحی کودکان، جراحی قلب و عروق خون و سرطان کودکان، عفونی کودکان و کلیه کودکان وفق مقررات بند ۲-۲ سی امین و طی بند مشابه در مقررات مربوط به دوره‌های سی و یکم و سی و دوم دوره دستیاری فوق تخصصی پزشکی بالینی معادل مدت آموزش تعیین شده که اخیراً و بنا به تصمیم طرف شکایت جراحی قفسه صدری نیز در زمره رشته‌های تخصصی با مدت تعهد معادل مدت آموزش تعیین شده است و این در حالی است که مدت تعهد موکلان (رشته فوق تخصص عروق) با وصف مشابَهت مبنای آموزشی (جراحی عمومی) به میزان دو برابر

مدت آموزش معین شده است.

د) طرف شکایت در سال جاری و طی نامه شماره ۱۳۹۶/۴/۳۱-د/۵۰۵/۱۸۹۶ مدت تعهد رشته فوق تخصصی جراحی عروق و جراحی قفسه صدری را در دوره سی و چهارمین دوره دستبازی فوق تخصصی را معادل طول مدت آموزش تعیین نموده است و این در حالی است که طول مدت تعهد این رشته‌های فوق تخصصی در دوره‌های سی ام و سی و یکم و سی و دوم و سوم به میزان دو برابر مدت آموزش معین شده است. (ه) همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایند طرف شکایت طی دو دوره متوالی مدت تعهد متفاوت برای یک رشته فوق تخصصی معین کرده است که با این وصف دستیاران دوره ماقبل موظف به طی دوره تعهد به میزان دو برابر و دستیاران معین رشته فوق تخصصی در دوره لاحق بر آن (با گذشت حتی چند ماه تفاوت زمان پذیرش) مکلف به طی دوره تعهد به میزان برابر مدت آموزش شده‌اند و این در حالی است که طرف شکایت هیچ توجیه منطقی و عقلانی برای ترجیح یک دوره آموزشی در یک رشته یکسان فوق تخصصی و در سنوات متوالی آموزشی نداشته و ندارد و تصدیق می‌فرمایند که حتی با فرض حق تعیین مدت تعهد از سوی طرف شکایت، طرف موصوف مجاز به اعمال این‌گونه تبعیض بین نبوده و نخواهد بود و تکلیف وضع مقررات نباید موجب وضع مقررات تبعیض آمیز این چنینی باشد، به نحوی که یک دستیار فوق تخصص در رشته فوق تخصصی یکسان و به صرف ورود در یک سال قبل مکلف گردد حداقل مدت ۳ سال تعهد مازاد بگذراند که این امر مفید اقدام تبعیض آمیز طرف شکایت در مورد موکلان بوده و حتی استناد به دریافت سند تعهد محضری که متضمن این تبعیض بین باشد، نمی‌تواند نافی اقدام تبعیض آمیز و خلاف قانون اساسی (بند ۹ اصل ۳) باشد و همان‌طور که طرف شکایت این تغییرات را برای دستیاران فوق تخصص قفسه صدری و معین رشته فوق تخصصی موکلان (جراحی عروق) در سال جاری اعمال نمود و بخشی از اقدامات تبعیض آمیز خود را منتفی نمود، به راحتی قادر به اعمال این تغییر برای موکلان در دوره‌های قبل که مشغول طی دوره تعهد دو برابر مستند می‌باشند. علی‌هذا در اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز بند ۹ اصل ۳ قانون مزبور که تبعیض را از سوی مراجع اجرایی نفی نموده است، استدعایم طرف شکایت را ملزم به رفع تبعیض و کاهش مدت تعهد موکلان به میزان معینه برای همین رشته فوق تخصصی در سال جاری بنمایند." در پی اخطار رفع نقیصه که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۳/۵-۹۶/۱۸۸/۸/۲ پاسخ داده است که:

"احتراماً در اجابت مفاد اخطاریه شماره ۱۳۹۶/۳/۵-۹۶/۱۸۸/۸/۲ صادره بر روی پرونده کلاسه ۹۶۰۱۸۸۸ در جهت تنجیز خواسته، موارد زیر را به استحضار عالی می‌رساند:

۱- همان‌طور که در دادخواست تقدیمی به استحضار رسید: موکلان دستیاران فوق تخصص دوره‌های سی ام و سی و یکم و سی و دوم و سوم فوق تخصصی جراحی عروق می‌باشند که به استناد راهنمای پذیرش دوره‌های فوق و در اجرای مفاد بند ۲/۵ راهنمای موصوف طول مدت تعهد آنان با وصف مشابهت با سایر زیر شاخه‌های تخصصی جراحی عمومی (به وصف مندرج در بند ۲/۱ راهنمای پذیرش دوره‌های یاد شده) دو برابر مدت تحصیل درج گردیده است، درحالی‌که سایر زیر شاخه‌های جراحی عمومی در دوره‌های فوق تخصص وفق مقررات بند ۲/۱ (معادل دوره قید گردیده) که نه تنها این وجه تفاوت فاقد دلیل منطقی است، بلکه همین موکلان در قیاس با پذیرفته شدگان دوره سی و چهارم که به موجب بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۴/۳۱-د/۵۰۵/۱۸۹۶ و در تخصص جراحی عروق مواجه با تبعیض جدیدی (حتی در همین رشته فوق تخصصی) گردیده‌اند به وجهی که دوره تعهد جراحی عروق دوره سی و چهارم برابر نامه یاد شده (در طول دوره و طول مدت تحصیل) قید گردیده لکن موکلان در همین رشته فوق تخصصی در دوره‌های قبل (سی و سوم و سی و

دوم و سی و یکم ...) مواجه با مدت تعهد دو برابر شده‌اند، بنابراین تخصیص موضوع نامه یاد شده فوق به صرف دوره سی و چهارم فوق تخصصی عروق و انصراف پذیرفته شدگان دوره‌های قبل از مفاد این بخشنامه تبعیض بین و ناروا فی مابین پذیرفته شدگان یک رشته تحصیلی فوق تخصصی در دو سال متوالی است. علی‌هذا حتی اگر مرجع تصویب این بخشنامه (شورای آموزش پزشکی) را واجد صلاحیت وضع این مقررات بدانیم این امر نباید موجب وضع مقررات تبعیض آمیز در یک رشته فوق تخصصی در طول ۲ سال گردد، به طوری که پذیرفته شده دوره قبل مواجه با تعهد ۳ سال بیشتر گردد، لذا تصدیق می‌فرمایید در انصراف موکلان از دایره شمول بخشنامه یاد شده تبعیض و خلاف مقررات بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی است. لذا ابطال این مصوبه و تصویب مصوبه عادلانه تحت تقاضاست."

متن مقرر مورد اعتراض به قرار زیر است:

دفترچه سی و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار رشته‌های فوق تخصصی بالینی پزشکی مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴:

" فصل چهارم: تعهدات

الف- .....

ب- تعهدات پذیرفته شدگان رشته‌های فوق تخصصی نفرولوژی، خون و سرطان بالغین، بیماری‌های ریه، مراقبت‌های ویژه، کلیه کودکان، قلب کودکان، روماتولوژی کودکان، روانپزشکی کودک و نوجوان، جراحی کودکان، جراحی عروق و جراحی قفسه صدری در این دوره به میزان برابر طول دوره آموزشی مصوب خواهد بود."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۷۰۵-۱۳۹۷/۵/۳ توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهداء سلام،

احتراماً، در خصوص پرونده کلاسه ۹۶۰۱۸۸۸ موضوع شکایت آقایان آرش مرادی، مجید البرزی، جمال جلیلی شهری، علی صابری و یونس عبدالعلیان به خواسته رفع تبعیض و یکسان سازی دوره تعهد همانند پذیرفته شدگان دوره سی و چهارم دستیاری دوره فوق تخصصی رشته جراحی عروق، مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- نامبردگان از پذیرفته شدگان رشته جراحی عروق سی امین، سی و یکمین و سی و دومین دوره دستیاری مقطع فوق تخصص بالینی رشته جراحی عروق می‌باشند که برابر مفاد دفترچه راهنمای آزمون سال قبولی و ضوابط و مقررات مربوطه متعهد گردیده‌اند پس از فراغت از تحصیل به میزان دو برابر مدت تعهدات مربوطه را در مناطق مورد نیاز این وزارتخانه به انجام برسانند. شکات در دادخواست تنظیمی با ادعای اینکه در سال پذیرش آنان تعهدات برخی از رشته‌های فوق تخصصی برابر مدت تحصیل تعیین شده است و در دوره سی و چهارم پذیرش دستیار فوق تخصصی نیز مدت تعهد پذیرفته شدگان رشته جراحی عروق به برابر مدت تحصیل کاهش پیدا نموده است، متقاضی یکسان سازی دوره تعهد همانند پذیرفته شدگان دوره سی و چهارم دستیاری دوره فوق تخصصی رشته جراحی عروق گردیده‌اند.

۲- در شکات یادشده سابقاً دعوایی با همین مضمون و محتوا لیکن تحت عنوان ابطال بندهای ۲/۵ راهنمای پذیرش سی و امین و ۲/۱ سی و یکمین و سی و دومین دوره دستیاری فوق تخصصی بالینی پزشکی در هیأت عمومی دیوان مطرح نموده‌اند که طی دادنامه شماره ۲۶۷-۱۳۹۶/۱۰/۳۰ به استناد موارد زیر منجر به رد شکایت شده است.

- در دادنامه مذکور مقرر گردیده است: "... با توجه به اوراق و محتویات پرونده و توضیحات طرفین شکایت در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۶ هیأت تخصصی نظر به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح دادنامه شماره ۵۳۵ - ۱۳۹۱/۸/۱ اساس اختیار وزارت بهداشت در اخذ تعهد محضری برای خدمت در واحدهای تابعه وزارت بهداشت بعد از فراغت از تحصیل را بر اساس قانون اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسائل و امکانات اطفال و جوانان ایرانی مورد تأیید قرار داده است. از طرفی بندهای مورد شکایت بر اساس اختیار ناشی از مصوبه پنجاهم شورای آموزش پزشکی و تخصصی در سال ۱۳۸۲ تدوین گردیده است بنابراین در مجموع شکایت مطروحه موجه به نظر نمی‌رسد و بندهای مورد شکایت مغایر قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص نمی‌گردد."

۳- صرف نظر از مراتب مذکور در ارتباط با شکایت مطروحه لازم به ذکر است، بر اساس قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تدوین و ارائه سیاست‌ها، تعیین خط مشی‌ها و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی، تعیین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مورد نیاز و اجرای برنامه‌های تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی از وظایف این وزارتخانه است.

۴- همچنین بر اساس قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی مصوب سال ۱۳۵۲ وظایف زیر بر عهده شورای مذکور می‌باشد:

- بررسی و تعیین احتیاجات آموزشی رشته‌های پزشکی و تخصصی، ارزشیابی و تعیین محتوای برنامه‌ها و روشهای کلی آموزش و ایجاد هماهنگی لازم، بررسی و تعیین احتیاجات نیروی انسانی لازم در کشور در رشته‌های پزشکی و علوم وابسته و تخصص‌های پزشکی و تعیین ضوابط جهت تربیت متخصص در دانشکده‌های پزشکی و بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه‌ها از جهات زیر:

الف - برنامه و روشهای آموزش ب- بررسی و اظهارنظر درباره ضوابط مربوط به صلاحیت آموزشی مؤسسات پزشکی و تصویب صلاحیت آموزشی مذکور و نحوه وابستگی آن‌ها به دانشگاه‌ها بر اساس ضوابط مقرر ج- تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی امتحانات تخصصی و همچنین بررسی نحوه اجرای ضوابط و برنامه‌ها. ۵- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در راستای اهداف و وظایف محوله و تأمین بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آن، نسبت به تربیت نیروی متخصص از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی و بهداشتی وفق قوانین و مقررات اقدام می‌نماید و افرادی که جهت تحصیل در دوره‌های مختلف پزشکی انتخاب و گزینش می‌شوند، با توجه به مقاطع تحصیلی و مهارت‌های دیگر که برای پذیرش رشته‌ها و دوره‌ها وجود دارد، حسب مقررات موجود، ملزم به انجام خدمت در نقاط مورد نیاز کشور به تشخیص این وزارتخانه می‌باشند. با توجه به دوره‌های مختلف و سهمیه‌های متفاوت، این افراد دارای تعهدات مختلف می‌باشند که ذیلاً به استحضار می‌رسد:

اول: تعهد خدمت موضوع قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان:

- وفق ماده ۱ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان "کلیه افراد ایرانی با تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر که پس از ۱۳۶۷/۴/۱ از مراکز آموزش عالی گروه پزشکی در داخل یا خارج از کشور فارغ‌التحصیل شده و یا می‌شوند، مکلف‌اند حداکثر ۲۴ ماه اول پس از فراغت از تحصیل خود را در داخل کشور و در مناطق مورد نیاز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تشکیلات تابعه آن خدمت نمایند."

دوم: تعهد دوره دستیاری:

- افرادی که در آزمون دستیاری تخصصی پذیرفته می‌شوند، نیز دارای تعهد خدمت می‌باشند که بر حسب نوع سهمیه‌ای که پذیرفته شده‌اند، این تعهدات متفاوت است.

سوم: تعهدات دوره فوق تخصص:

- افرادی که در آزمون فوق تخصص پذیرفته می‌شوند، نیز دارای تعهد خدمت می‌باشند که بر اساس ماده ۱۵ مقررات و آیین‌نامه‌های دوره‌های آموزش فوق تخصصی مصوب نشست های دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی و تبصره‌های آن مصوب پنجاهمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی ملزم به ارائه تعهدنامه محضری به میزان دو برابر مدت آموزش می‌باشند. همچنین در تبصره ماده مذکور اعلام شده است، اخذ تعهد از پذیرفته شدگان آزاد دوره‌های فوق تخصصی به صورت خاص می‌باشد و محل انجام تعهد خدمت این دسته از پذیرفته شدگان بر اساس نیاز دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی کشور توسط معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و قبل از پذیرش در اختیار داوطلبان قرار می‌گیرد.

۶- آزمون پذیرش دستیار فوق تخصص سالی یکبار برگزار می‌گردد و مراحل و شرایط پذیرش در هر دوره آزمون با توجه به ضوابط اعلامی در راهنمای آزمون همان دوره صورت می‌پذیرد. همان‌گونه که فوقاً اشاره گردید، میزان تعهدات کلیه پذیرفته شدگان دوره‌های دستیاری فوق تخصصی برابر مصوبات نشست های شورای آموزش پزشکی و تخصصی دو برابر مدت تحصیل می‌باشد و این موضوع صراحتاً هر ساله در راهنمای دوره‌های دستیاری اعلام و کلیه پذیرفته شدگان با علم و اطلاع از این موضوع نسبت به ثبت‌نام و سپردن سند تعهد اقدام می‌نمایند. در راهنمای آزمون دوره‌های پذیرش شکات نیز صراحتاً در بندهای مورد اعتراض اعلام شده است: "کلیه پذیرفته شدگان آزمون پذیرش دستیار فوق تخصص ملزم به سپردن تعهد محضری عام به میزان دو برابر مدت تخصصی به نفع وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند."

۷- با توجه به عدم اقبال جهت شرکت در برخی از رشته‌های فوق تخصصی از سوی متخصصین دوره‌های پزشکی و نیاز کشور به رشته‌های مذکور، پیشنهاد تقلیل تعهدات برای رشته‌های کم متقاضی طی نامه شماره ۱۳۹۰/۱۰/۱۸-۵۰۵/۳۹۳۹ و به‌منظور تربیت افراد واجد شرایط جهت پوشش مناطق محروم و مورد نیاز به مقام وزارت وقت ارائه و مورد تأیید ایشان قرار می‌گیرد.

۸- برابر نامه مذکور اعلام شده است، باتوجه به بررسی های به عمل آمده و کاهش چشمگیر آمار شرکت کنندگان متقاضی در برخی از رشته‌های فوق تخصصی به‌منظور ایجاد جاذبه در رشته‌های مذکور پیشنهاد می‌گردد. با کاهش میزان تعهدات خاص پذیرفته شدگان در این رشته ها از دو برابر به برابر مدت آموزش کاهش یابد. لذا همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید کاهش تعهدات در رشته‌های اعلامی در نامه فوق‌الذکر صرفاً به دلیل کاهش چشمگیر آمار شرکت کنندگان در رشته‌های مزبور و تشویق جهت شرکت در این رشته ها بوده است.

۹- سال ۱۳۹۳ در موضوع ۵ هشتادمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی اعلام می‌گردد متقاضیان شرکت در آزمون پذیرش دستیار دوره‌های فوق تخصص مورد نیاز و کم متقاضی می‌توانند پس از قبولی در آزمون دانشنامه تخصصی رشته مادر در همان سال، جهت مصاحبه شفاهی به هیأت امتحانه دوره فوق تخصصی مربوطه معرفی و پس از قبولی در آزمون شفاهی به صورت مستقیم به عنوان دستیار دوره فوق تخصصی پذیرش و از مهر همان سال آموزش خود را شروع نمایند. تبصره: فهرست رشته‌های مورد نیاز و کم متقاضی هر سال پس از طرح در کمیسیون دائمی معین به تأیید شورا خواهد رسید.

۱۰- برابر موضوع ۶ نشست مذکور رشته‌های فوق تخصصی کم متقاضی مورد نیاز هر ساله، با پیشنهاد معاونت درمان و منوط به تأیید کمیسیون دائمی شورای آموزش پزشکی و تخصصی به عنوان رشته‌های محروم اعلام می‌گردند و داوطلبین رشته‌های فوق‌الذکر می‌توانند پیش از انجام خدمات قانونی در آزمون

پذیرش دستیار فوق تخصصی شرکت نمایند. تبصره: در صورت اشباع نشدن نیاز و اعلام نیاز معاونت درمان، رشته‌های مذکور مجدداً محروم اعلام خواهند گردید.

۱۱- وفق دستور ۱۴ هفتاد و هشتمین کمیسیون دائمی معین شورای آموزش پزشکی و تخصصی مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۵ (موضوع تعیین رشته‌های فوق تخصصی محروم و کم متقاضی برای سال ۱۳۹۵) اعلام می‌گردد در راستای اجرای موضوعات ۵ و ۶ هشتادمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های فوق تخصصی مشروحه ذیل در پذیرش دستیار تخصصی سال ۱۳۹۵ تکمیل ظرفیت نشده‌اند:

رشته فوق تخصصی بیماری‌های قلب و عروق، رشته فوق تخصصی کلیه کودکان، رشته تخصصی قلب کودکان، رشته فوق تخصصی جراحی کودکان، رشته فوق تخصصی روماتولوژی کودکان، رشته فوق تخصصی روانپزشکی کودک و نوجوان، رشته فوق تخصصی جراحی عروق و .... لذا در راستای اجرای موضوع ۱ نشست ۸۲ شورا و موضوع ۲ نشست ۸۲ شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های فوق در جلسه بحث و به شرح ذیل مورد توافق حاضرین قرار گرفت.

- تمامی رشته‌های فوق‌الذکر به جز رشته تخصصی قلب و عروق و رشته فوق تخصصی جراحی قلب و عروق به عنوان رشته محروم کم متقاضی تائید و به صورت مستقیم پذیرش خواهند شد و مشمول مصوبات ۵ و ۶ نشست ۸۰ و ۱ و ۲ نشست ۸۲ خواهند بود.

۱۲- ضمناً ذکر این نکته ضروری است، مراحل پذیرش در هر دوره از آزمون پذیرش با توجه به شرایط همان دوره صورت پذیرفته و شرایط پذیرش و تعهدات دوره‌های قبل و بعد قابل تسری به یکدیگر نمی‌باشد. ضمن اینکه در دفترچه راهنمای سی و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار فوق تخصصی نیز صراحتاً اعلام شده است تعهدات پذیرفته شدگان برخی از رشته‌های فوق تخصصی نفرولوژی، خون و سرطان بالغین، ... و جراحی عروق در این دوره به میزان برابر طول دوره آموزشی مصوب خواهد شد.

۱۳- همچنین از آنجا که وفق ضوابط شورای آموزش پزشکی و تخصصی مدت تعهدات کلیه دستیاران دوره فوق تخصص دو برابر مدت تحصیل می‌باشد و تعهدات رشته‌های مذکور در برخی از دوره‌های پذیرش دستیار به صورت استثناء کاهش یافته است، چنانچه مقرر گردد تغییری در مدت تعهدات صورت گیرد لازم است مدت تعهدات دستیارانی که تعهدات آن‌ها کاهش یافته است، همانند سایر رشته‌ها به دو برابر افزایش یابد.

با توجه به اینکه حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی است که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود و در این پرونده اقدام و یا تصمیمی بر خلاف شرع یا قانون معمول نگردیده، رد دعوا از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه مطابق قانون اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸ و بندهای ۱، ۶ و ۷ ذیل ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و

آموزش پزشکی مصوب سال ۱۳۶۷ و بندهای ۱ و ۴ ذیل ماده ۱ قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی مصوب سال ۱۳۵۲، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای برقراری تعهد خدمت فارغ‌التحصیلان رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی و همچنین تعیین میزان تعهد خدمت آن‌ها با توجه به نیازهای عمومی اختیار دارد و این معنی در دادنامه شماره ۲۶۷-۱۳۹۶/۱۰/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مورد تأیید قرار گرفته است، بنابراین بند (ب) فصل چهارم دفترچه سی و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار رشته‌های فوق تخصصی بالینی پزشکی مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ در تعیین میزان تعهد خدمت رشته‌های مذکور در این بند به میزان طول دوره آموزشی در حدود اختیارات آن شورا بوده و با قانون مغایرت ندارد و قابل ابطال تشخیص نشد./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - تاسیس موسسات پزشکی

تاریخ: ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۹۴

کلاس پرونده: ۶۶/۹۷

**موضوع:** ابطال بند "ج" ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

**شاکي:** آقای خسرو دانشبند با وکالت از آقای رضا معتمدی و خانم سمیه امینی

### گردش کار:

آقای رضا معتمدی و خانم سمیه امینی به وکالت از آقای خسرو دانشبند به موجب دادخواستی ابطال بند ج ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص طبی ابلاغی سال ۱۳۹۲ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری  
با سلام واحترام

ضمن ارائه یک برگ اصل وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی از سوی آقای خسرو دانشبند مؤسس آزمایشگاه دکتر دانشبند به عنوان موکل اعلام وکالت نموده و به استحضار می‌رساند: موکل به عنوان دارنده پروانه تأسیس حقیقی آزمایشگاه تشخیص طبی به نام خود با عنوان آزمایشگاه دکتر دانشبند واقع در شهر شیراز، در چهارچوب حقوق به رسمیت شناخته شده قانونی، متقاضی تبدیل پروانه تأسیس حقیقی صادره به نامه خسرو دانشبند به پروانه تأسیس حقوقی به نام شرکت آزمایشگاه دکتر دانشبند (سهامی خاص) گردیده است. لکن بند "د" ماده ۵ اصلاحیه آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص طبی ابلاغیه سال ۱۳۹۲ با محروم ساختن سایر انواع شرکت (اعم از سهامی با مسئولیت محدود و ...) حق دریافت پروانه به نام شخصیت حقوقی (به‌صورت شرکت) را صرفاً در انحصار شرکت‌های تعاونی قرار داده و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص طبی شهرستان شیراز با تقاضای موکل مخالفت نموده است که این امر با بدیهیات و مسلمات حقوقی و قانونی به رسمیت شناخته شده در کشور برای اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی در تعارض بوده و اسباب تعرض به حقوق حقه آن‌ها را فراهم می‌نماید، لذا جهت تنویر موضوع به شرح ذیل موارد مخالفت بند "د" ماده ۵ اصلاحیه

آیین‌نامه فوق را با قوانین اساسی و اصول مسلم حقوقی و قانون تجارت و آیین‌نامه‌های دولتی به اطلاع می‌رساند:

الف- مخالفت با اصول ۲۰، ۴۴، ۲۸ و ۴۳ بند ۴ قانون اساسی به عنوان اساسنامه حقوقی کشور و نیز مفاد بند ۱۹ از اصل سوم قانون اساسی:

طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی کشور جمهوری اسلامی ایران بر پایه ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است و فعالیت در این ۳ قسمت تا جایی که با اصول دیگر این قانون مطابق بوده و از حدود قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی ایران است در حالی که بند "د" آیین‌نامه اداره و تشکیل آزمایشگاه‌های تشخیص طبی بدون وجود جهت قانونی و حقوقی و یا حتی منطقی دارا شدن این حق را منحصر به شرکت‌های تعاونی نموده است که فاقد وجهه قانونی می‌باشد. طبق اصل ۲۸ قانون اساسی، هر کسی حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند و دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد نماید و با توجه به اینکه حق عبارتست از اقتداری که قانون به اشخاص می‌دهد تا عملی را انجام دهند و یا در انجام و عدم انجام آن آزاد باشند، بنابراین آزادی رکن اصلی و اساسی حق می‌باشد و همه اشخاص تابع سرزمین جمهوری اسلامی با شرایط مساوی و بدون اعمال تبعیض حق‌گزینش مشاغل خود را طبق مقررات و قانون اساسی دارا می‌باشند. همچنین بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی نیز رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کار معین را جز حقوق اساسی اشخاص برشمرده است و بند ۹ از اصل سوم این قانون دولت را موظف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می‌نماید. در حالی که ایجاد انحصار و محدودیت موصوف نقض آشکار حقوق اساسی شناخته شده در معتبرترین سند حقوقی کشور یعنی قانون اساسی است.

ب- مخالفت با ماده ۵۵۸ قانون تجارت:

به موجب ماده ۵۵۸ قانون تجارت "اشخاص حقوقی می‌توانند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شوند که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند وظایف و حقوق ابوت، بنوت و امثال ذالک بنابراین کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون (من جمله شرکت‌های سهامی خاص) دارای شخصیت حقوقی می‌باشند که قانون برای آن‌ها قائل گردیده است و اشتغال به امور آزمایشگاه‌های تشخیص طبی مانند سایر مشاغل حقی است که برای همه آحاد و اتباع جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده و اشخاص حقوقی (شرکت‌های تجاری به صورت مطلق و بدون تخصیص) دارای این حق بوده و نمی‌توان بدون هیچ موجب قانونی افراد را از حقوق مسلم خود محروم ساخت و آزادی و اختیار مستقر شده در پناه قانون را مورد تهدیدی قرار داده و یا آن را خدشه دار کرد.

ج- مخالفت با قوانین مربوطه و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی وزارت بهداشت:

مخالفت با ماده ۱۹۲ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷، آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی آن، این ماده به منظور افزایش کارایی و توسعه خدمات بهداشتی و درمانی در کشور و ایجاد تسهیلات و دسترسی مردم به این خدمات در بند "۳" درمان و ارائه خدمات بهداشتی را در مناطق شهری به عهده دولت قرار داده لکن تصریح می‌نماید: توسعه آن با مشارکت بخش خصوصی و تعاونی خواهد بود. از طرفی بند (ج) ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۲ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۵ هیأت وزیران در بند "ت" ماده ۲ مشخصاً در تعریف بخش غیردولتی اشاره می‌نماید که تأسیس آزمایشگاه‌های تشخیص طبی و ... طبق دستورالعمل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی توسط بخش خصوصی و تعاونی و غیره خواهد بود. ماده ۳، این آیین‌نامه نیز توسعه و مشارکت بخش غیردولتی در امر بهداشت و درمان از جمله آزمایشگاه‌های تشخیص طبی را در قالب سه بخش تعاونی، خصوصی و خیریه محقق می‌داند. متعاقباً در سال ۱۳۸۹ نیز قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) به شماره ۴۱۹/۷۳۲۸۵ به تصویب رسید که در بند الف ماده ۳۴ این قانون تصریح گردیده

است: از بخش های خصوصی و تعاونی برای ایجاد شهرکهای دانش سلامت حمایت به عمل آید تا یکپارچگی در تأمین توسعه و تخصیص عادلانه منابع عمومی سلامت ایجاد و حفظ شود و در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۴ دستورالعمل شماره ۱۰۵/۶۸۵/د ش- با عنوان دستورالعمل واگذاری خدمات سلامت در راستای اهداف برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور فراهم آوردن زمینه های توسعه مشارکت بخش غیردولتی تصویب گردید که این دستورالعمل نیز در بند ۸ ماده ۱ خود در تعریف بخش غیردولتی اشخاص حقوقی را اعم از شرکت های خصوصی یا تعاونی می داند و برای واگذاری تصدی امور بهداشتی و درمانی، شرکت های تجاری (اعم از خصوصی و تعاونی) را در یک مقام به رسمیت می شناسد. مجدداً در قسمت "واگذاری" نیز بخش غیردولتی را شامل خصوصی یا تعاونی معرفی می کند.

د- دوگانگی در عملکرد:

علاوه بر این دانشگاه علوم پزشکی فسا به منظور واگذاری خدمات آزمایشگاه تحت پوشش خود از طریق برگزاری مناقصه در سال ۱۳۹۵ جهت حمایت از فارغ التحصیلان رشته های علوم پزشکی برای تصدی شرکت های تعاونی اولویت قابل شده لکن سایر اشکال شرکت های تجاری را نیز به شرکت در مناقصه دعوت می نماید که این خود نشانه بارز عملکرد و رویکرد دوگانه و متناقض در حوزه وزارت بهداشت است که این تناقض و تعارض و مانع تراشی های موجود فاقد جایگاه و بستر حقوقی باعث پیچیدگی امور اداری می گردد و این در حالیست که بر اساس آرای قضات شورای رقابت وزارتخانه های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ... نیز برخی تشکل ها و اصناف ملزم به رفع موانع کسب و کار برخی متقاضیان هستند به گونه ای که شرایط باید دست و پاگیر و پیچیده نباشد تا موجب دلزدگی و سردی متقاضیان کسب و کار شود. اما ایجاد این محدودیت مصداق بارز ایجاد مانع در فضای کسب و کار است لذا خواهشمند است با عنایت به جمیع جهات مذکور و امعان نظر به حفظ و صیانت و احترام به حقوق اشخاص در راستای حفظ نظم عمومی و اجتماعی و لزوم احترام به اساسی ترین سند حقوقی کشور (قانون اساسی) نسبت به صدور حکم مبنی بر ابطال بند "د" ماده "۵" اصلاحیه آیین نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه های تشخیص پزشکی ابلاغی ۱۳۹۲ و امکان صدور پروانه تأسیس آزمایشگاه تشخیص پزشکی به نام سایر اشخاص حقوقی اقدام فرمایید."

متعاقباً وکلای شاکي به موجب لایحه ای که به شماره ۹۷-۶۶-۷ مورخ ۱۳۹۷/۹/۵ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیئت های تخصصی شده اعلام کرده اند که:

" ریاست محترم هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری  
با سلام و احترام

در خصوص پرونده شماره ۶۶/۹۷ مبنی بر طرح دعوی موکل (آقای خسرو دانشبد) به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به استحضار می رساند: خواسته دعوی مشخصاً ابطال بند "ج" ماده ۵ آیین نامه تأسیس و اداره آزمایشگاه های تشخیص پزشکی ابلاغی طی نامه شماره ۱۰۱/۷۱۴-د/۱۳۹۲/۵/۲۳ (منضم به آیین نامه فوق) می باشد تقدیم می گردد.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

" آیین نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه های تشخیص پزشکی

این آیین نامه به استناد مواد ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۲۰ و ۲۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی، مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ (با اصلاحات بعدی) و بندهای ۱۱ و ۱۶ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷ و ماده ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و آیین نامه اجرایی آن مصوب سال ۱۳۶۵ هیأت وزیران و اصلاحات سال ۱۳۶۶ تهیه و به

شرح زیر اعلام می‌گردد:

.....

ماده ۵: اجازه تأسیس آزمایشگاه به اشخاص حقیقی و یا حقوقی پس از تصویب کمیسیون قانونی و اخذ مجوزهای قانونی و با شرایط ذیل داده می‌شود:

الف..

ب...

ج) اشخاص حقیقی متقاضی تأسیس آزمایشگاه باید دارای یکی از مدارک ذیل باشند:

۱- دکتری تخصصی آسیب شناسی بالینی یا تشریحی (یا هر دو)

۲- دکتری تخصصی علوم آزمایشگاهی

۳- دکترای حرفه‌ای علوم آزمایشگاهی

۴- دکتری تخصصی یا دارندگان مدرک (P hD) با گرایش بالینی در یک یا چند مورد از موارد قید

شده در ماده ۳ "

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۶۲۷-۱۳۹۷/۴/۲۳ توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً، در خصوص پرونده کلاسه ۹۷۰۰۰۶۶ موضوع شکایت آقای خسرو دانشبد به خواسته ابطال بند ج ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص طبی سال ۱۳۹۲ مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- شاکی در دادخواست مطروحه ادعا نموده دارند پروانه تأسیس آزمایشگاه طبی دانشبد بوده و متقاضی تبدیل پروانه تأسیس مربوطه به شرکت آزمایشگاه دکتر دانشبد (سهامی خاص) می‌باشد، معیناً وفق بند ج) ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی اشخاص حقوقی صرفاً می‌توانند در قالب شرکت‌های تعاونی خدمات بهداشتی درمانی و در مناطق مورد نیاز دانشگاه متقاضی تأسیس آزمایشگاه باشند. وی در حال حاضر به ایجاد این انحصار در آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی معترض بوده و متقاضی ابطال بند ج ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص طبی سال ۱۳۹۲ گردیده است.

۲- در خصوص شکایت مطروحه لازم به ذکر است در هیچ یک از ضوابط و مقررات مربوطه و یا در آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌ها مقرره‌ای جهت تبدیل پروانه پیش‌بینی نشده است. لذا چنانچه نامبرده قبلاً وفق ضوابط و مقررات قانونی نسبت به دریافت پروانه تأسیس آزمایشگاه به نام خود اقدام نموده باشد، جهت دریافت پروانه تأسیس آزمایشگاه به نام شرکت لازم است پروانه قبلی ابطال و تقاضای صدور پروانه به نام شخصیت حقوقی را به دانشگاه علوم پزشکی مربوطه ارائه تا روند مربوطه (طرح در کمیسیون قانونی) طی گردد.

۳- مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، یکی از وظایف این وزارتخانه تدوین و ارائه سیاست‌ها، تعیین خط مشی‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی، پژوهش، خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، بهزیستی و تأمین اجتماعی می‌باشد. همچنین برابر بند ۱۴ همان ماده صدور پروانه اشتغال صاحبان حرف پزشکی و وابسته پزشکی نیز

از وظایف این وزارتخانه است.

۴- برابر بند ۱۲ ماده ۱ قانون مذکور، صدور، تمدید و لغو موقت یا دائم پروانه‌های مؤسسات پزشکی دارویی بهزیستی و کارگاه‌ها و مؤسسات تولید مواد خوراکی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی از وظایف وزارت بهداشت اعلام شده است.

۵- مطابق ماده ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب سال ۱۳۶۴، کلیه مؤسسات و واحدهای بهداشتی و درمانی و پزشکی کشور که از طریق بخش خصوصی و غیردولتی در امر بهداشت و درمان فعالیت دارند از تاریخ تصویب این قانون باید تحت نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی این وزارتخانه قرار گیرند.

۶- بند ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ این قانون مقرر می‌دارد، اجازه تأسیس مراکز و مؤسسات پزشکی خصوصی فقط به اشخاص حقیقی و حقوقی که مدارک آن‌ها توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأیید شده و صلاحیت آنان به تأیید کمیسیون ماده ۲۰ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی و اصلاحات بعدی آن برسد، داده می‌شود و به موسس یا موسسان این‌گونه مراکز یا مؤسسات بیش از یک پروانه تأسیس داده نخواهد شد.

۷- اشاره می‌نماید به موجب ماده ۱ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، ایجاد هر نوع موسسه پزشکی نظیر بیمارستان، زایشگاه، تیمارستان، آسایشگاه، آزمایشگاه، پلی کلینیک، مؤسسات فیزیوتراپی، الکتروفیزیوتراپی و ... به هر نام و عنوان باید با اجازه وزارت بهداشت و اخذ پروانه مخصوص باشد، متصدیان مؤسسات مزبور ملزم به رعایت مقررات فنی مذکور در آیین‌نامه مربوط می‌باشند.

۸- برابر ماده ۲۰ قانون مذکور نیز، به‌منظور رسیدگی به صلاحیت کسانی که می‌خواهند در مؤسسات پزشکی و داروسازی مصرح در ماده یکم عهده‌دار مسئولیت فنی گردند و یا تقاضای صدور یکی از پروانه‌های مربوط به این قانون را بنمایند و رسیدگی به صلاحیت ورود و ساخت داروهای اختصاصی کمیسیون‌هایی به‌نام کمیسیون‌های تشخیص ... در وزارت بهداشت به ریاست معاون وزارت بهداشتی تشکیل می‌گردد و رأی اکثریت قطعی خواهد بود.

۹- بر این اساس همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، به استناد قوانین و مقررات فوق‌الذکر تدوین کلیه ضوابط و شرایط مربوط به تأسیس و بهره‌برداری مؤسسات پزشکی از وظایف این وزارتخانه اعلام و آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی نیز با استناد به ضوابط و مقررات مزبور به تصویب رسیده است.

۱۰- مضافاً به اینکه در بند (۷-۱) سیاست‌های کلی سلامت مصوب ۱۳۹۳/۰۱/۱۸، "تولیت نظام سلامت شامل سیاست‌گذاری‌های اجرایی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی و نظارت" برعهده "وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی" قرار داده شده است. بند (الف) ماده ۷۲ قانون برنامه ششم توسعه، در اجرای سیاست‌های کلی سلامت، تولیت نظام سلامت از جمله بیمه سلامت شامل سیاست‌گذاری اجرائی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی، اعتبارسنجی و نظارت را در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متمرکز کرده است. بر این اساس تعیین شرایط تأسیس آزمایشگاه به عنوان یکی از مراکز ارائه دهنده خدمات سلامت از جنس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بوده و برعهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار دارد و محدود کردن صلاحیت سیاست‌گذاری وزارت بهداشت با سیاست‌های کلی سلامت مخالف است.

۱۱- برابر قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران اهداف بخش تعاونی (من جمله شرکت‌های تعاونی) به شرح ذیل می‌باشد:

ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل، قرار دادن وسائل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی، جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت، قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود، پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر، توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم، کمک به تأمین عدالت اجتماعی و توانمند سازی اقشار متوسط و کم در آمد.

۱۲- فعالیت تعاونی، مشارکتی است که به موجب آن، عده‌ای از افراد هم‌صنف برای دستیابی به منافع مشترک گرد هم می‌آیند و سرمایه معینی را در میان می‌گذارند و به‌صورت جمعی خدماتی را ارائه می‌دهند. برابر ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی، شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به‌منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می‌شود.

۱۳- در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی نیز به بخش تعاونی و شرکت‌های تعاونی اهمیت خاصی داده شده است و یکی از وظایف دولت را اقدام مؤثر در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد، حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی و ... اعلام نموده است.

۱۴- لذا با توجه به مراتب مذکور قید شرکت تعاونی در آیین‌نامه و اجازه تأسیس آزمایشگاه به شرکت‌های تعاونی در راستای جلوگیری از انحصار و در راستای توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بوده است و بر این اساس بر خلاف ادعای شاکی اقدامات این وزارتخانه در بند مزبور صرفاً در راستای عدم تمایل دولت به ایجاد انحصار و محدودیت و تلاش در جهت بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی و پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص تنظیم شده است.

۱۵- نامبرده در دادخواست تقدیمی به آراء شورای رقابت دائر بر الزام وزارت بهداشت و برخی از تشکل‌ها و اصناف به رفع موانع کسب‌وکار اشاره نموده است در این خصوص لازم به ذکر است. تبصره ۲ ذیل بند (ج) ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی فعالیت‌های حوزه‌های سلامت، آموزش و تحقیقات و فرهنگ را از شمول قانون مذکور خارج نموده است و هرگونه توسعه توسط بخش‌های دولتی و غیردولتی و همچنین هرگونه واگذاری به بخش غیردولتی در این حوزه‌ها را بر عهده لایحه‌ای قرار داده که ظرف مدت یک سال از ابلاغ این قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. بر این اساس قانون‌گذار صریحاً فعالیت‌های حوزه سلامت را از شمول قانون یاد شده مستثنی کرده است. بنا براین شورای رقابت نمی‌تواند به استناد احکام فصل نهم قانون یاد شده در موضوع سلامت ورود کند.

۱۶- اشاره می‌نماید حسب اعلام معاونت درمان این وزارتخانه طی نامه شماره ۳۲۱۷۷/د ۴۰۰ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی در حال بازنگری می‌باشد که در صورت بازنگری و ایجاد تغییراتی در ماده مورد اعتراض نتایج به استحضار آن مرجع نیز خواهد رسید. لذا با توجه به مراتب مذکور صدور حکم به رد شکایت نامبرده از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

---

---

## رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه هرگونه اعمال محدودیت برای فعالیت‌های اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مستلزم مجوز قانونی است و از آنجا که در قوانین مربوط محدودیتی برای تأسیس آزمایشگاه در قالب سایر شرکت‌ها (غیر از شرکت‌های تعاونی) تجویز نشده است و هیچ یک از مستندات ابراز شده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز متضمن اعطای اختیاری برای اعمال این محدودیت نیست و از طرفی محدودیت اعمال شده مغایر بند ۹ اصل ۳، اصل ۲۸، بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی و همچنین ماده ۸۸ قانون تجارت است، بنابراین بند ج ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی خارج از حدود اختیار و معایر قانون وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت عمومی و اقدامات پیشگیرانه

تاریخ: ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۹۶

کلاس پرونده: ۸۱/۹۷

**موضوع:** ابطال اطلاق تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرای قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۱۸۲/ت/۵۲۸۰۷-هـ-۱۳۹۵/۴/۹ هیأت وزیران (در خصوص ارائه گواهی های قرنطینه ای و بهداشتی و ایمنی جهت ترخیص کالای صدور قطعی که بدون استفاده به کشور بازگشت داده می‌شود)

شاکي: خانم منصوره محمدی

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۳ ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرای قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۱۸۲/ت/۵۲۸۰۷-هـ-۱۳۹۵/۴/۹ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

به استحضار می‌رساند که تبصره ۳ ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی الحاقی در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۹ در مخالفت صریح و آشکار با بند "ش" ماده ۱۹ قانون امور گمرکی قرار دارد و مصداق بارز تصویب‌نامه دولتی خلاف قانون می‌باشد، لذا درخواست ابطال تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی موضوع مصوبه مذکور در هیأت عمومی دیوان، به شرح ذیل می‌گردد: ماده ۶۵ قانون امور گمرکی مقرر می‌دارد: "ترخیص کالای صدور قطعی که بدون استفاده به کشور بازگشت داده می‌شود منوط به ارائه اسناد صدور مربوطه و حسب مورد گواهی های قرنطینه ای و بهداشتی و ایمنی و بازپرداخت وجوه دریافتی و اعاده امتیازات استفاده شده و جوایز صادراتی بابت صدور کالا است." همچنین به موجب بند "ش" ماده ۱۱۹ این قانون و همچنین ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی و تبصره ۲ ذیل آن "کالاهای صادراتی که به هر علت عیناً بازگشت داده شود با رعایت مقررات ماده ۶۵ این قانون از پرداخت حقوق ورودی معاف هستند". در سال ۱۳۹۵ طی تصویب‌نامه شماره ۴۱۱۸۲/ت/۵۲۸۰۷-هـ-۱۳۹۵/۴/۹ هیأت وزیران متن زیر به عنوان تبصره ۳ به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی الحاقی شد: "تبصره ۳- واردات قطعی فرشهای دستباف صادراتی برگشتی از مبادی رسمی توسط صادر کننده، پس از احراز تولید در ایران از سوی گمرک با رعایت مفاد تبصره ۲، مشمول معافیت بند "ش" ماده ۱۱۹ قانون خواهد بود."

اساساً هدف از الحاق این تبصره معافیت فرشهای مستعمل از پرداخت حقوق ورودی بوده است، چرا که

در غیر این صورت دلیلی برای مجزا کردن فرش از سایر کالاهای اصیل ایرانی مانند پسته و زعفران وجود نداشت و تبصره می‌توانست به‌طور کلی کالای اصیل ایرانی که پس از صدور قطعی به هر علت در خارج از کشور به فروش نرسیده اند را مشمول معافیت مذکور در ماده بدانند، ضمن اینکه اگر هدف از الحاق این تبصره، صرفاً معافیت فرشهای نو و غیر مستعمل بود، اساساً نیازی به الحاق آن نبود چرا که پیش از الحاق این بصره نیز با وجود بند "ش" ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی این هدف تأمین شده بود. علاوه بر این اطلاق تبصره مذکور در خصوص "فرش دستباف صادراتی برگشتی" سبب می‌شود که فرشهای مستعمل و کهنه نیز در دایره شمول آن قرار بگیرد. این در حالی است که اگر مقصود تبصره مذکور معافیت تمامی فرشهای صادراتی از حقوق ورودی پس از اعاده به کشور باشد، این تبصره در حدودی که فرشهای مستعمل و دست دوم را هم دربر می‌گیرد اساساً مخالف نص صریح قانون در تبصره بند "ش" ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی است. تبصره بند "ش" بیان می‌دارد: "منظور از کلمه عیناً در این قانون آن است که روی کالای صادراتی بازگشت شده به کشور، در خارج عملی انجام و یا از آن استفاده نشده باشد. نتیجه اینکه تبصره ۳ ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی در حال حاضر از اساس دارای اشکال و در تناقض با آن چیزی است که مد نظر قانون‌گذار در تبصره بند "ش" ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی است و البته مشخص است که آیین‌نامه اجرایی یک قانون نمی‌تواند در بردارنده مفادی مغایر با نص آن قانون باشد. نهایتاً اینکه مغایرت تبصره ۳ ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی با تبصره بند "ش" ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی محرز بوده و مصوبه مذکور هیأت دولت خلاف منظور و هدف قانون‌گذار وضع شده است و با توجه به اینکه آیین‌نامه، دستورالعمل و تصویب‌نامه دولتی که به موجب یک قانون تهیه می‌شود، اختیار موسع نمودن محدوده قانون را ندارد و تنها باید در چارچوب قانون تدوین گردد، لذا در جهت انطباق با قانون و رفع مغایرت موجود، ضروری است که تبصره ۳ ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۱۸۲/ت/۵۲۸۰۷-هـ/۱۳۹۵/۴/۹ هیأت وزیران ابطال گردد."

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

" ماده ۱۲۱- چنانچه کالای صادراتی قطعی به تشخیص گمرک عیناً (موضوع تبصره بند (ش) ماده (۱۱۹) قانون) و بدون استفاده یا تعمیر به کشور بازگشت داده شود با رعایت مفاد ماده (۶۵) قانون بدون پرداخت حقوق ورودی قابل ترخیص می‌باشد.

تبصره ۱- چنانچه کالای صادرات قطعی بازگشت داده شده به کشور به تشخیص گمرک در خارج استفاده یا تعمیر شده باشد، بدون نیاز به ثبت سفارش، پس از پرداخت حقوق ورودی قابل ترخیص می‌باشد.  
تبصره ۲- در همه موارد ترخیص کالای صادرات قطعی بازگشتی (از جمله صادرات قطعی که از محل ورود موقت برای پردازش که به کشور بازگشت داده می‌شود) منوط به ارائه اسناد صدور مربوط و اخذ گواهی های قرنطینه ای و بهداشتی و ایمنی و بازپرداخت وجوه دریافتی و اعاده امتیازات استفاده شده بابت صدور کالا (از جمله استرداد حقوق ورودی بابت کالای صادرات قطعی از محل ورود موقت برای پردازش) می‌باشد.

الحاق تبصره (۳) به ماده (۱۲۱) آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی

شماره ۴۱۱۸۲/ت/۵۲۸۰۷-هـ/۱۳۹۵/۴/۹

الحاق تبصره (۳) به ماده (۱۲۱) آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی

وزارت امور اقتصادی و دارایی- گمرک جمهوری اسلامی ایران

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۵/۴/۲ به پیشنهاد شماره ۶۰/۲۲۲۳۳۶-۱۳۹۵/۱۰/۲۰ وزارت صنعت، معدن و تجارت و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد: متن زیر به عنوان تبصره (۳) به ماده (۱۲۱) آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۶۲۷۵۸/ت/۴۷۷۷۵-هـ

۱۳۹۱/۱۲/۲۹ الحاق می‌شود:

تبصره ۳- واردات قطعی فرشهای دست بافت صادراتی برگشتی از مبادی رسمی توسط صادرکننده، پس از احراز تولید در ایران از سوی گمرک، با رعایت مفاد تبصره (۲)، مشمول معافیت بند (ش) ماده (۱۱۹) قانون خواهد بود.- معاون اول رئیس‌جمهور"

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور تنظیم لوایح و تصویب‌نامه‌ها و دفاع از مصوبات دولت (معاون حقوقی رئیس‌جمهور) به موجب لایحه شماره ۳۶۱۳۱/۹۶۰۷۰-۱۳۹۷/۷/۲۱ توضیح داده است که:

"جناب آقای دربین

مدیرکل محترم دفتر هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری  
با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۰۰۱۱۶ (کلاس ۹۷۰۰۰۸۱)، موضوع ارسال نسخه دوم درخواست خانم منصوره محمدی، "ابطال تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی (تصویب‌نامه شماره ۴۱۱۸۲/ت/۵۲۸۰۷-ه-۱۳۹۵/۴/۹-هیأت وزیران)"، اعلام می‌دارد:

۱- برابر ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی و بند (ش) آن مقرر شده است:

"ماده ۱۱۹- علاوه بر معافیت‌های مذکور در جدول تعرفه گمرکی ضمیمه آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات و معافیت‌های دیگری که به منجب قوانین، تصویب‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای مصوب مجلس شورای اسلامی برقرار شده است، موارد زیر نیز از پرداخت حقوق ورودی معاف می‌باشد:  
ش- کالاهای صادراتی که به هر علت عیناً بازگشت داده شود با رعایت مقررات ماده ۶۵ این قانون.  
تبصره- منظور از کلمه عیناً در این قانون آن است که روی کالای صادراتی بازگشت شده به کشور، در خارج عملی انجام و یا از آن استفاده نشده باشد."

در ضمن مفاد حکم ماده ۶۵ قانون موصوف، عنوان می‌دارد: "ماده ۶۵- ترخیص کالای صدور قطعی که بدون استفاده به کشور بازگشت داده می‌شود منوط به ارائه اسناد صدور مربوطه و حسب مورد گواهی‌های قرنطینه‌ای و بهداشتی و ایمنی و بازپرداخت وجوه دریافتی و اعاده امتیازات استفاده شده و جوایز صادراتی بابت صدور کالا است.

تبصره- ترخیص کالای برگشتی که در خارج مورد استفاده یا تعمیر قرار گرفته، طبق شرایطی است که در حدود مقررات این قانون در آیین‌نامه اجرایی تعیین می‌شود."

۲- با توجه به موارد مرقوم، هیأت وزیران در ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی مربوطه، مقرر می‌دارد: "ماده ۱۲۱- چنانچه کالای صادرات قطعی به تشخیص گمرک عیناً (موضوع تبصره بند (ش) ماده (۱۱۹) قانون) و بدون استفاده یا تعمیر به کشور بازگشت داده شود با رعایت مفاد ماده ۶۵ قانون بدون پرداخت حقوق ورودی قابل ترخیص می‌باشد.

تبصره ۱- چنانچه کالای صادرات قطعی بازگشت داده شده به کشور به تشخیص گمرک در خارج استفاده یا تعمیر شده باشد، بدون نیاز به ثبت سفارش، پس از پرداخت حقوق ورودی قابل ترخیص می‌باشد.

تبصره ۲- در همه موارد ترخیص کالای صادرات قطعی بازگشتی (از جمله صادرات قطعی که از محل ورود موقت برای پردازش که به کشور بازگشت داده می‌شود) منوط به ارائه اسناد صدور مربوط و اخذ گواهی‌های قرنطینه‌ای و بهداشتی و ایمنی و بازپرداخت وجوه دریافتی و اعاده امتیازات استفاده شده بابت صدور کالا (از جمله استرداد حقوق ورودی بابت کالای صادرات قطعی از محل ورود موقت برای پردازش) می‌باشد."

۳- در ادامه با توجه به اینکه فرش دستباف یکی از اقلام مهم صادراتی کشور بوده و برای جذب سلیقه

مشتریان بازار کشورهای هدف، در مواردی که به صورت مستعمل انجام یا با انجام عملیات شیمیایی، کهنه شور می‌گردند و اینکه تشخیص مورد استفاده قرار داده شدن یا نشدن فرش دستباف مستعمل از سوی گمرک، در موارد برگشت صادراتی عملاً غیر ممکن می‌باشد، لذا برابر مصوبه مورد نظر شاک، تبصره ۳ موصوف به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون، به شرح ذیل ملحق گردیده است:

"تبصره ۳- (الحاقی مصوب ۱۳۹۵/۴/۹ هیأت وزیران): واردات قطعی فرشهای دست بافت صادراتی برگشتی از مبادی رسمی توسط صادر کننده، پس از احراز تولید در ایران از سوی گمرک، با رعایت مفاد تبصره (۲)، مشمول معافیت بند (ش) ماده (۱۱۹) قانون خواهد بود."

در خاتمه با توجه به موارد معنونه و اینکه حکم مقرر در تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه موصوف در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه به تصویب دولت رسیده است و همچنین تأکید بر اینکه برابر تبصره ماده ۶۵ قانون امور گمرکی، نحوه ترخیص کالای برگشتی حتی در فرض استفاده یا تعمیر قرار گرفتن نیز منوط به شرایط مقرر در آیین‌نامه اجرایی گردیده است، صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

بر اساس ماده ۶۵ قانون امور گمرکی مصوب سال ۱۳۹۰ مقرر شده: "ترخیص کالای صدور قطعی که بدون استفاده به کشور بازگشت داده می‌شود، منوط به ارائه اسناد صدور مربوطه و حسب مورد گواهی های قرنطینه ای و بهداشتی و ایمنی و بازپرداخت وجوه دریافتی و اعاده امتیازات استفاده شده و جوایز صادراتی بابت صدور کالا است." و بر مبنای بند ش ماده ۱۱۹ همان قانون، کالاهای صادراتی که به هر علت عیناً بازگشت داده می‌شود با رعایت مقررات ماده ۶۵ این قانون از پرداخت حقوق ورودی معاف هستند و به موجب تبصره این بند، منظور از کلمه عیناً در قانون آن است که روی کالای صادراتی بازگشت شده به کشور، در خارج عملی انجام و یا از آن استفاده نشده باشد. با توجه به مراتب فوق، اطلاق تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی که بر اساس آن واردات قطعی فرشهای دست بافت صادراتی برگشتی از مبادی رسمی توسط صادر کننده، پس از احراز تولید در ایران از سوی گمرک، با رعایت مفاد تبصره ۲ مشمول معافیت بند (ش) ماده ۱۱۹ قانون خواهد بود، به دلیل آن که فرشهای مستعمل را نیز می‌تواند در برگیرد، بر خلاف حکم مقرر در بند ش ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی است و به همین جهت اطلاق تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۲۱ آیین‌نامه مورد شکایت مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات مقام مصوب وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود/

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - مبارزه با دخانیات، مواد مخدر و روانگردان درمان و توانبخشی - خدمات درمانی

تاریخ: ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۱۰۰

کلاس پرونده: ۱۴۵۷/۹۶

موضوع: ابطال بند ۴ دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۲/۲۷-۴۶۰۱۱/۲/۲۰۱/۰۵/۲۴ معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح (درخصوص درمان کارکنان وظیفه ای که در حین خدمت به مواد مخدر اعتیاد پیدا کنند)

شاکي: آقای محسن قاسمی (دادیار وقت شعبه دوم دادرسی نظامی خراسان جنوبی)

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۴ دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۲/۲۷-۴۶۰۱۱/۲/۲۰۱/۰۵/۲۴ معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح در خصوص اعتیاد کارکنان وظیفه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری  
سلام علیکم

احتراماً در اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی و با عنایت به موارد ذیل تقاضای ابطال دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۲/۲۷-۴۶۰۱۱/۲/۲۰۱/۰۵/۲۴ صادره از معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح که تصویر آن به پیوست تقدیم می‌گردد را دارم.

مطابق بند ۴ دستورالعمل مذکور چنانچه کارکنان وظیفه معتاد پس از طی مهلت قانونی یک ماهه که به آن‌ها داده می‌شود درمان نشده باشند یا مجدداً به اعتیاد مبتلا شوند در شمول بند ۳ ماده ۳۹ قانون وظیفه عمومی بوده و می‌بایست از خدمت ترخیص و به حوزه وظیفه عمومی اعزام کننده آنان ارجاع و در صورت ترک اعتیاد مجدداً به همان محل خدمت که از آن ترخیص گردیده‌اند اعزام می‌شوند، اما مطابق تبصره ۴ ماده ۳۹ قانون خدمت وظیفه عمومی، نیروهای مسلح مکلف‌اند در حین خدمت کارکنان وظیفه ای را که به مواد مخدر اعتیاد دارند شناسایی و در واحدهای مستقل و مخصوص به کارگیری و به مراجع ذی‌ربط برای ترک اعتیاد در مدت یک ماه توسط پزشک معالج معرفی نمایند و در طول خدمت تحت مراقبتهای لازم قرار دهند لذا به نظر می‌رسد دستورالعمل مارالذکر سربازان معتادی که در حین خدمت سربازی هستند را از مصادیق تبصره ۳ ماده ۳۹ دانسته درحالی‌که تبصره ۴ این ماده صراحتاً در این خصوص مقرراتی را پیش‌بینی کرده است و در واقع دستورالعمل خلاف تبصره ۴ می‌باشد و از طرفی ترخیص سربازی که در یگان خدمتی پذیرفته شده و در حین خدمت می‌باشد و ارجاع او به حوزه نظام وظیفه و اعزام مجدد او به خدمت در صورت ترک اعتیاد امری خلاف منطق می‌باشد و وظیفه یگان خدمتی است که سرباز معتاد

را تحت درمان قرار دهد."

متن دستورالعمل در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

" ۴- با عنایت به مراتب فوق، نکات زیر جهت حسن اجرای مقررات و مصوبه ابلاغی اعلام می‌گردد:  
الف) مراکز آموزش سازمان‌های نیروهای مسلح حداکثر ۷۲ ساعت پس از پایان پذیرش مشمولین (قبل از شروع آموزش) در صورت شناسایی مشمولین معتاد و احراز اعتیاد آنان ضمن حذف و ترخیص افراد مذکور از دوره آموزش، نسبت به عودت آنان به همراه نامه‌ای با امضای فرمانده مرکز به حوزه‌های وظیفه عمومی مربوط اقدام نمایند. فرآیند معرفی آنان تا تهیه سامانه مناسب توسط سازمان وظیفه عمومی به صورت مکاتبه بوده و یک نسخه از نامه به همراه مستندات (نتیجه آزمایش و ...) را به افراد مزبور و نسخه دیگر را از طریق اداری به حوزه وظیفه عمومی اعزام کننده افراد ارسال می‌نمایند تا وفق تبصره ۳ ماده ۳۹ قانون خدمت وظیفه عمومی از طریق حوزه‌های وظیفه عمومی برای ترک اعتیاد به مدت حداکثر ۶ ماهه به مراجع ذی‌ربط معرفی گردند.

ب) در صورتی که کارکنان وظیفه پس از شروع آموزش نظامی و یا حین خدمت توسط مبادی ذی‌ربط معتاد تشخیص داده شوند، وفق تبصره ۴ ماده ۳۹ قانون خدمت وظیفه عمومی به مراجع ذی‌ربط برای ترک اعتیاد در مدت یک ماه معرفی و این مدت برای بار اول جزو مدت خدمت دوره ضرورت آنان محاسبه می‌گردد.

ج) چنانچه کارکنان وظیفه معتاد پس از طی مدت قانونی (یک ماه) درمان نشده باشند و یا پس از ترک مجدداً به اعتیاد مبتلا شوند در شمول بند ۳ ماده ۳۹ بوده و می‌بایست از خدمت ترخیص و به همراه مدارک و مستندات (نتیجه آزمایش و ...) به حوزه وظیفه عمومی اعزام کننده آنان ارجاع و در صورت ترک اعتیاد و تأیید حوزه وظیفه عمومی و پزشک معتمد به همراه مدارک سلامت مجدداً به همان نیرو (محل خدمت) که از آن ترخیص گردیده‌اند اعزام خواهند شد. - معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح"  
مشاور رئیس ستادکل نیروهای مسلح و رئیس حقوقی و امور مجلس نیروهای مسلح به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۱۰/۱۵-۳۶۱۲/۳۰۶۱/۷۳، نامه شماره ۱۳۹۷/۱۰/۱۲-۲۲۱۳/۱/۱۲/۹۷۴۳۱-۱۳۹۷/۱۰/۱۲ معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح را ارسال کرده که متن آن به قرار زیر است:

" از: معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح- اداره سرمایه انسانی سرباز

به: گیرندگان محترم زیر

موضوع: نحوه برخورد با کارکنان معتاد

پیرو نامه ۱۳۹۵/۲/۲۷-۴۶۰۱۱/۲/۲۰۱/۰۵/۲۴

سلام‌علیکم

با صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ص) و با احترام،

همان‌گونه که ماده ۳۹ قانون خدمت وظیفه عمومی اشعار می‌دارد و همواره مورد تأکید بوده، تعیین تکلیف و احراز سطح سلامت کارکنان وظیفه (معاف، معاف از رزم یا سالم) توسط شورای پزشکی انجام خواهد شد لذا عودت کارکنان وظیفه معتاد از مراکز آموزشی پس از احراز اعتیاد و رأی شورای پزشکی انجام خواهد شد و وظیفه عمومی می‌بایست پس از دریافت نظر شورای پزشکی نیروهای مسلح به نامبردگان فرصت ترک اعتیاد دهد و در صورت کسب سلامتی، آنان را مجدداً به یگان خدمتی یا مرکز آموزش مربوط اعزام نماید. خواهشمند است دستور فرمایید مراتب در حسن اجرای مقررات مد نظر قرار گیرد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری

و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق تبصره ۴ از ماده ۳۹ قانون خدمت وظیفه عمومی اصلاحی سال ۱۳۹۰ مقرر شده، چنانچه از کارکنان وظیفه در حین خدمت به مواد مخدر اعتیاد پیدا کنند ضمن شناسایی وی از سایر سربازان جدا نموده و در واحدهای مستقل و مخصوص به کارگیری و به مقامات صالحه جهت ترک اعتیاد در مدت یک ماه توسط پزشک معالج معرفی می‌شوند. نظر به اینکه در قسمت (ج) بند ۴ بخشنامه معترض‌عنه برخلاف تبصره ۴ ماده ۳۹ قانون مرقوم مقرر گردیده که چنانچه کارکنان وظیفه در حین خدمت معتاد شوند و پس از مدت قانونی یک ماه درمان نشوند یا پس از ترک اعتیاد مجدداً مبتلا شوند مطابق بند ۳ ماده ۳۹ قانون اشاره شده از خدمت ترخیص و به حوزه وظیفه عمومی اعزام‌کننده ارجاع تا در صورت ترک اعتیاد مجدداً اعزام شوند، این قسمت از بخشنامه مورد شکایت مغایر قانون فوق‌الذکر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۱۰۲

کلاس پرونده: ۱۸۶۲/۹۶

موضوع: درخواست ابطال تصمیم معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شماره ۵۰۳/۲۰۶ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد (در خصوص به تعویق افتادن انتخابات انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران)

شاکی: انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران با وکالت آقای بهمن کریمی گلنار

### گردش کار:

آقای بهمن کریمی گلنار به وکالت از انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران به موجب دادخواستی ابطال تصمیم معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی که طی نامه شماره ۵۰۳/۲۰۶-۱۳۹۶/۱۰/۱۷ دبیر کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی ابلاغ شده است را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" در کمال احترام و نظر به مستندات پیوست و وفق بند الف ماده ۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به استحضار شریف می‌رساند که موکل پیرو مصوبه مورخ ۱۳۷۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۸۲ ضمن رعایت کلیه الزامات قانونی تاکنون به فعالیت پرداخته و مطابق با آیین‌نامه انتخابات انجمن های علمی گروه پزشکی مصوب آذر ماه ۱۳۹۴ در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۱ قصد برگزاری انتخابات و تعیین اعضای هیأت مدیره و بازرسان خویش را دارد، لیکن در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ به موجب تصمیم شماره ۲۰۶/۵۰۳ صادره از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بلاجهت ممنوع از برگزاری انتخابات در چند روز آتی شده است. حال این تصمیم اتخاذ شده به طور متقن و واضحاً با الف) مفاد ماده ۳ آیین‌نامه نحوه تشکیل و شرح وظایف کمیسیون موضوع ماده ۴ مصوبه دویست و شصت و دومین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی دایر بر شرح وظایف کمیسیون رسیدگی و بررسی صلاحیت هیأت مدیره انجمنها. ب) صراحت بندهای ۱، ۵، ۶ و ماده ۵ و ماده ۱۳ آیین‌نامه انتخابات انجمنهای علمی گروه پزشکی مبنی بر شرایط تشکیل کمیته انتخابات و شرح وظیفه آن. پ) عدم وجود هرگونه اختیار قانونی برای کمیسیون در تعلیق و یا توقف انتخابات پیش از برگزاری آن در مقرره‌های مذکور. ج) تائید روند انتخابات از سوی نماینده انجمن های علمی گروه پزشکی طی صورت جلسه مورخ ۱۳۹۶/۹/۲. د) مخالف بودن تصمیم معترض عنه با شرایط صدور رأی از سوی کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی به جهت عدم رعایت حد نصاب (دو سوم) مقرر در ماده ۴ آیین‌نامه نحوه تشکیل و شرح وظایف آن در صورتی که تصمیم مذکور از سوی رئیس کمیسیون و صرفاً به جهت اعتراضات واصله بدون مهمل قانونی و بدون تشکیل جلسه با حضور اعضای مجاز. ی) خلاف اصول دادرسی عادلانه و

مسلمات حقوق، مغایر و در تضاد است. از این رو با نظر به موارد معنونه و اینکه تاریخ برگزاری انتخابات ماهها پیش اعلام و توسط کاندیداها در سراسر کشور ثبت‌نام و از اعضا جهت شرکت در روز انتخابات دعوت به عمل آمده و همه این روند با نظارت و تأیید کمیسیون مزبور صورت پذیرفته و توقف بلاجهت آن موجب ورود خسارتی غیر قابل جبران می‌گردد، وفق مواد ۳۴ و ۳۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در بدو امر رسیدگی و صدور دستور موقت و متعاقباً حکم بر ابطال تصمیم معترض‌عنه مورد استدعاست.<sup>۱</sup> متن مقررده مورد اعتراض به قرار زیر است:

" جناب آقای دکتر شهینی زاده

رئیس محترم انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران  
با سلام

احتراماً بازگشت به نامه‌های آن انجمن وزین بر اساس دستور معاون آموزشی وزارت بهداشت و رئیس کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی جلسه ای در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ تشکیل گردید و مقرر شد انتخابات آن انجمن (در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۱) با توجه به اعتراضات واصله به تعویق افتد و پس از بررسی شکایات واصله در کمیته تخلفات کمیسیون و اعلام نظر بر آن اساس نسبت به نحوه برگزاری و زمان انتخابات در آینده اقدام گردد. دبیر کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی<sup>۲</sup> در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۶۴۱-۱۳۹۷/۴/۲۴ توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده شماره بایگانی ۹۷۱۷۵ موضوع شکایت انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران به خواسته صدور حکم به ابطال تصمیم کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی به شماره ۲۰۶/۵۰۳-۱۳۹۶/۱۰/۱۷ مراتب ذیل در رد شکایت مطروحه به استحضار می‌رسد:

۱- انجمن مذکور طی دادخواست مطروحه مدعی می‌باشد در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۱ قصد برگزاری انتخابات را داشته معهداً کمیسیون انجمن های علمی وزارت بهداشت وفق نامه شماره ۲۰۶/۵۰۳-۱۳۹۶/۱۰/۱۷ به انجمن اعلام نموده با توجه به اعتراضات واصله به وزارت بهداشت، انتخابات انجمن به تعویق افتد تا پس از بررسی موضوع در کمیته تخلفات انجمن در خصوص برگزاری انتخابات اعلام نظر گردد. شاکي در حال حاضر به مفاد نامه مذکور معترض بوده و درخواست ابطال آن را دارد.

۲- در ارتباط با شکایت وارده لازم به ذکر است، اولاً: نامه مورد اعتراض صرفاً مکاتبه ای عادی از سوی دبیر کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی وفق ضوابط با رئیس انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران بوده و به هیچ وجه در قالب بخشنامه یا آیین نامه و مقررده صادر نگردیده و لذا قابلیت رسیدگی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را ندارد. ثانیاً: پس از صدور نامه مورد اعتراض در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ از سوی کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ (دو روز بعد از صدور نامه مذکور) کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی با حضور کمیته تخلفات کمیسیون مذکور بررسی و نتیجه طی نامه شماره ۱۳۹۶/۱۰/۱۹-۵۰۳/۲۰۹ به انجمن مزبور ابلاغ شده است. بر این اساس حتی در صورت ابطال نامه شماره ۲۰۶/۵۰۳-۱۳۹۶/۱۰/۱۷ نیز اثری بر آن مترتب نخواهد بود، زیرا نامه اخیر که نتیجه بررسی کمیته تخلفات می‌باشد پس از نامه مورد اعتراض صادر گردیده است.

۳- صرف نظر از مراتب مذکور لازم به توضیح است، برابر ماده ۱ مصوبه نحوه تشکیل و صدور انجمن های

علمی و ادبی و هنری مصوب دویست و شصت و دومین جلسه مورخ ۱۳۷۰/۸/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تأسیس انجمنهای علمی و ادبی و هنری و موافقت نهایی با تشکیل آن‌ها و صدور مجوز تأسیس و تجدید پروانه و نظارت بر حسن انجام کار آن‌ها بر حسب مورد بر عهده وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

۴- وفق ماده ۳ مصوبه مذکور، اساسنامه این انجمن ها و هرگونه تغییر در مواد آن باید به تصویب وزارت مربوط برسد. مطابق ماده ۴ نحوه تشکیل و صدور انجمن های علمی و ادبی و هنری مصوب دویست و شصت و دومین جلسه مورخ ۱۳۷۰/۸/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیدگی به درخواست تأسیس انجمن های مذکور و بررسی صلاحیت علمی و عمومی هیأت مؤسس و هیأت مدیره و تصویب آن‌ها با کمیسیونی است که تحت نظر وزیر مربوطه تشکیل می‌گردد.

۵- بر اساس ماده ۱ آیین‌نامه نحوه تشکیل و شرح وظایف کمیسیون موضوع ماده ۴ مصوبه مذکور (مجرا در زمان صدور نامه مورد اعتراض) رسیدگی به امور انجمن های علمی گروه پزشکی با کمیسیون انجمن های علمی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

۶- همچنین برابر ماده ۳ آیین‌نامه مورد اشاره رسیدگی به درخواست تأسیس انجمن صدور مجوز بررسی صلاحیت‌های علمی و عمومی اعضای هیأت مؤسس و هیأت مدیره، صدور مجوز تأسیس انجمن، تصویب اساسنامه انجمن و تصویب هرگونه تغییر در اساسنامه، تعیین نماینده برای نظارت بر حسن اجرای انتخابات انجمن ها، نظارت بر حسن انجام کار انجمن ها، تعیین هیأت بررسی تخلفات انجمن ها و تصویب تصمیمات هیأت بررسی تخلفات از جمله وظایف کمیسیون مزبور می‌باشد. همچنین وفق تبصره ۱ ماده ۱۰ آیین‌نامه نیز رسمیت جلسه مجمع عمومی با رعایت شرایط مندرج در اساسنامه مصوب منوط به حضور نماینده تام‌الاختیار کمیسیون و طبق تبصره همان ماده رسمیت هیأت مدیره انتخابی منوط به تأیید کمیسیون گردیده است.

۷- برابر ماده ۲ آیین‌نامه انتخابات انجمن های علمی گروه پزشکی، با توجه به مدت اعتبار پروانه فعالیت انجمن های علمی گروه پزشکی، هیأت مدیره انجمن باید شش ماه قبل از اتمام مهلت قانونی نسبت به معرفی کمیته انتخابات به دبیرخانه کمیسیون اقدام نماید در صورت عدم برگزاری مجمع عمومی در مهلت قانونی و با دلایل موجه، با درخواست هیأت مدیره وقت و موافقت کمیسیون مدت اعتبار پروانه حداکثر برای یک دوره شش ماهه قابل تمدید است و کمیته انتخابات انجمن باید شش ماه پیش از اتمام پروانه تشکیل شود. ۸- پروانه فعالیت انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران در مهر ماه سال ۱۳۹۵ به پایان رسیده که بنا بر درخواست انجمن و طبق آیین‌نامه انتخابات انجمن های علمی پروانه مذکور به مدت شش ماه تمدید می‌گردد. همان گونه که فوقاً اشاره گردید کمیته انتخابات باید شش ماه پیش از اتمام پروانه تشکیل می‌گردید که این اقدام با ماهها تأخیر انجام گرفت و انجمن در مهر ماه سال ۱۳۹۶ اسامی اعضای کمیته انتخابات را به دبیرخانه کمیسیون اعلام می‌نماید.

۹- بر این اساس در راستای تعامل با انجمن مزبور در برگزاری انتخابات مربوطه ناظر کمیسیون جهت شرکت در جلسات کمیته به انجمن معرفی می‌گردد.

۱۰- وفق گزارش ناظر دبیرخانه انجمن های علمی در کمیته انتخابات همواره تأکید بر برگزاری انتخابات به‌صورت الکترونیک بوده و تصمیمی جهت برگزاری آن به شکل حضوری مطرح نبوده است.

۱۱- لکن در نهایت در آگهی مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت اول تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۰ برای برگزاری انتخابات به‌صورت حضوری تعیین می‌شود و سپس مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۱ را برای انتخابات تعیین می‌نماید معهداً قبل از برگزاری، شکایات و اعتراضات متعددی به

کمیسیون انجمن های علمی وزارت متبوع اصل می شود.

۱۲- برابر ماده ۱۲ آیین نامه نحوه تشکیل و شرح وظایف کمیسیون ماده ۴ اعلام شده است به منظور نظارت بر فعالیت های انجمن ها و نیز رسیدگی به تخلفات احتمالی آن ها هیأت رسیدگی به تخلفات تشکیل می شود. بنابراین با توجه به اعتراضات واصله به کمیسیون، کمیته تخلفات در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ تشکیل و به اعتراضات رسیدگی می نماید و پیرو آن در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ جلسه کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی با حضور اعضای کمیسیون و اعضای کمیته تخلفات تشکیل که پس از بررسی شکایات و گزارش کمیته، جهت جلوگیری از تضییع احتمالی حقوق اعضای شرکت کننده و ایجاد شرط برابری و عادلانه در برگزاری انتخابات طی نامه شماره ۵۰۳/۲۰۹-۱۳۹۶/۱۰/۱۹ رأی کمیته تخلفات و کمیسیون را به انجمن اعلام و در نامه مورد اشاره اعلام می گردد: "ضمن ادای احترام به اعضای انجمن و حق انتخاب فرد اعضا، انتظار دارد در جهت رعایت حقوق شهروندی و پرهیز از هرگونه شبهه در برگزاری انتخابات و همچنین ایجاد شرایطی برابر برای داوطلبین، انتخابات انجمن در روز ۱۳۹۶/۱۰/۲۱ برگزار نگردد. در این جهت و در اجرای ماده ۱۳ اساسنامه انجمن، نماینده کمیسیون در تاریخ مذکور در مجمع حاضر نخواهد بود و به لحاظ عدم حضور نماینده کمیسیون انتخابات فاقد رسمیت لازم بوده و قانوناً اثری بر آن مترتب نخواهد گردید." اشاره می نماید وفق تبصره ماده ۱۳ اساسنامه انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران در صورت عدم حضور نماینده کمیسیون انجمن علمی هیچ یک از جلسات مجامع عمومی انجمن رسمیت نخواهد داشت.

۱۳- لیکن علیرغم مکاتبات مذکور انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۳ مبادرت به تشکیل مجمع عمومی فوق العاده نموده که در این رابطه اعتراضات بسیاری به این وزارتخانه اصل گردیده و بدیهی است تصمیمات مجمع مذکور مورد تأیید این وزارتخانه نمی باشد. با توجه به مراتب مذکور رد شکایت مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می شود، از جمله صلاحیت ها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه نامه مورد شکایت مبنی بر تعویق و عدم برگزاری انتخابات انجمن دندانپزشکان عمومی متضمن وضع قاعده آمره الزام آور کلی و عام الشمول نبوده و ناظر به یک انجمن خاص است، بنابراین از مصادیق بند ۱ ماده ۱۲ قانون یاد شده تشخیص نمی شود و در نتیجه قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیست و پرونده جهت رسیدگی موردی به شعبه دیوان عدالت اداری ارجاع می شود./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۱۵۴

کلاس پرونده: ۱۳۱۴/۹۷

موضوع: ابطال ماده ۲۷ بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰۰/۹۳/۹۷۵۷ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور (در خصوص آزمون استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی)

### شاکي: آقای امين زمان نيا

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال ماده ۲۷ بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰۰/۹۳/۹۷۵۷ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری- با تقدیم سلام و احترام به استحضار می‌رساند این‌جانب امین زمان نیا در آزمون استخدامی دانشگاه علوم پزشکی جهرم مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱ که توسط سازمان سنجش آموزش کشور برگزار گردید در رشته شغلی کارشناس امور اداری از شهرستان شیراز شرکت نمودم که پس از اعلام نتایج طبق کارنامه پیوست حد نصاب نمره لازم را در آزمون کسب نمودم لذا پس از مراجعه به واحد کارگزینی دانشگاه مذکور و ارائه کارنامه مشخص گردید در لیست اسامی اعلام شده به دانشگاه، افراد پذیرفته شده با احتساب ضریب بومی بودن در اولویت قرار گرفته‌اند. حال آن‌که چنانچه انتخاب افراد صرفاً بر اساس نمره فضلی (بدون احتساب ضریب بومی بودن در تصحیح نمرات) باشد نتیجه متفاوت از اسامی اعلام شده می‌باشد.

با عنایت به موارد فوق‌الذکر مستنبط از آراء ۳۴۹ و ۱۲۶۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و مطابق با ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری که تصریح می‌دارد " ورود به خدمت و تعیین صلاحیت استخدامی افرادی که داوطلب استخدام باشند بر اساس مجوزهای صادره، تشکیلات مصوب و رعایت شایستگی و برابری فرصتها انجام می‌شود"، نظر به اینکه اولویت دادن افراد با احتساب ضریب بومی و نه نمره اکتسابی در آزمون استخدامی مغایر با ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و ناقض اصل برابری فرصتها می‌باشد از آن مقام تقاضای ابطال ماده ۲۷ بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۷/۱۹-۲۰۰/۹۳/۹۷۵۷ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و دستور موقت مبنی بر توقف روند استخدامی دانشگاه مذکور تا مشخص شدن نتیجه رأی این‌جانب را می‌نمایم."

من مقرر مرد اعتراض به شرح زیر است:

" ماده ۲۷- نمره داوطلبان بومی استان با ضریب "یک و دو دهم" (۱/۲) و بومی شهرستان با ضریب

"یک و چهار دهم" (۱/۴) نمره مکتسبه در هر حیطة از امتحان مشترک و مصاحبه استخدامی محاسبه می‌گردد."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و قوانین سازمان اداری و استخدامی کشور (ریاست‌جمهوری) به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۷/۸-۳۴۹۸۳۱ توضیح داده است که:

"با سلام و احترام  
بازگشت به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۳۵۰ (شماره بایگانی ۲۳۲۷۳) - ۱۳۹۷/۵/۹ به استحضار می‌رساند:

با توجه به هماهنگی به عمل آمده با امور آمار، برنامه‌ریزی و تأمین نیروی انسانی این سازمان این نتیجه حاصل شده که بر اساس ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور دانشگاه‌ها و مراکز وابسته به وزارت بهداشت از قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنی گردیده‌اند و بر اساس تبصره ۲ قانون فوق‌الذکر صرفاً مجوز استخدام جدید و توسعه تشکیلات اداری وزارت مذکور منوط به تأیید این سازمان است. در این راستا وزارت بهداشت پس از اخذ سهمیه استخدامی از این سازمان به صورت مستقل بر اساس قوانین و مقررات خاص آن دستگاه اقدام به انتشار آگهی استخدامی نموده و این سازمان آگهی استخدام دستگاه مذکور را تأیید نموده است.

همان‌طور که اعلام گردید آزمون دستگاه مذکور بر اساس قوانین و مقررات مربوط به دستگاه مذکور بوده و شکایت نامبرده مبنی بر ابطال ماده ۲۷ بخشنامه شماره ۱۳۹۷/۷/۱۹-۲۰۰/۹۳/۹۷۵۷ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی (اعمال امتیاز ۱/۲ به افراد بومی استان و ۱/۴ به افراد بومی شهرستان) به موضوع آزمون استخدامی دستگاه مذکور مرتبط نمی‌باشد. عنایت دارند پیش‌بینی امتیاز برای داوطلبان بومی در ماده ۲۷ دستورالعمل امتحانات یا مسابقات استخدامی موضوع بخشنامه مذکور به لحاظ فراهم نمودن امکان حفظ نیروی بومی در منطقه مربوطه و نیز با توجه به اعطای فرصت به نیروی انسانی مناطق محروم که از امکانات کمتری نسبت به مناطق برخوردار بهره‌مندند صورت پذیرفته است. با توجه به مراتب فوق رد شکایت ایشان مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۰ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه به موجب بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله وظایفی است که دولت برای تحقق آن باید همه امکانات خود را به کار برد و در اصل ۲۸ قانون اساسی نیز مقرر شده "دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید." و ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری تصریح دارد به اینکه: "ورود به خدمت و تعیین صلاحیت استخدامی افرادی که داوطلب استخدام در دستگاه‌های اجرایی می‌باشند بر اساس رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصتها انجام پذیرد." بنابراین بومی گزینی در استخدامهای دولتی هر چند امتیاز برای افراد بومی به نظر می‌رسد در عین حال برای فرد بومی و سایر افراد ایجاد محدودیت و محرومیت در امکان استخدام در سایر نقاط کشور را به وجود می‌آورد درحالی‌که چنین مجوزی در هیچ یک از قوانین

---

---

کشور پیش‌بینی نشده است و اعطای این‌گونه امتیازات و ایجاد محدودیت‌ها و محرومیت‌ها برای افراد جامعه نیاز به تصریح قانون‌گذار دارد و این امر در آراء متعددی از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خلاف قانون اعلام و ابطال شده است، بنابراین مقرره مورد شکایت به علت مغایرت با قوانین ذکر شده مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی  
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۱۸۵

کلاس پرونده: ۳۸۶/۹۷

**موضوع:** ابطال قسمتی از ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته و بخشنامه شماره ۱۳۹۱/۸/۲۹-۱۰۰/۱۲۴۴ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص برقراری فوق‌العاده جذب برای اعضای هیأت علمی در حال مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی)

### شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۸۵۱۱۳-۱۳۹۶/۱۲/۲۱ اعلام کرده است که:

" حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند موضوع نحوه اجرای نامه شماره ۱۳۹۱/۸/۲۹-۱۰۰/۱۲۴۴ وزیر وقت وزارت بهداشت و درمان در رابطه با برقراری فوق‌العاده جذب و مخصوص برای اعضای هیأت علمی در حال مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت.

۱- در نامه شماره ۱۳۹۱/۸/۲۹-۱۰۰/۱۲۴۴ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور آمده است که در پاسخ به سوالات و ابهامات دانشگاه‌ها در ارتباط با پرداخت ضرایب یک و دو دهم فوق‌العاده جذب و فوق‌العاده مخصوص اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی موضوع تبصره ماده ۵۰ آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی در مدت زمانی که به مأموریت آموزشی و بورس و فرصت مطالعاتی عزیمت می‌نمایند مراتب در کمیته ماده ۱۲۸ آیین‌نامه پیش‌گفت مطرح و اتخاذ تصمیم گردیده و در نهایت موافقت شده به‌منظور جلوگیری از ایجاد خلل در اجرای ماده ۷۲ آیین‌نامه اداری و استخدامی کماکان نسبت به پرداخت فوق‌العاده‌های جذب و مخصوص اعضای هیأت علمی با ضریب ۱/۲ در دوران استفاده از مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی و بورسیه اقدام گردد.

۲- به موجب ماده ۵۰ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی: "فوق‌العاده جذب همواره بر اساس درصدی از حقوق مبنای اعضای هیأت علمی تعیین می‌گردد و در حال حاضر ضرایب مصوب پیوست مورد اجرا می‌باشد. تغییر و اصلاح آن با پیشنهاد مشترک معاونت توسعه مدیریت و منابع و معاونت آموزشی

وزارتخانه و تصویب هیأت امناء امکان پذیر می باشد.

تبصره- میزان ضرایب فوق العاده جذب و فوق العاده مخصوص برای اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی یک و دو دهم برابر ضرایب مصوب می باشد. اعمال این ضرایب در دوران استفاده از مأموریت آموزشی، بورسیه و فرصت مطالعاتی مقدور نمی باشد."

۳- ماده ۱۲۸ آیین نامه مذکور (که بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴-۱۳۹۱/۸/۲۹- وزیر وقت بهداشت و درمان مستند به آن صادر شده است) اشعار می دارد: "مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سوالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین نامه از سوی موسسه به عهده ۳ تا ۵ نفر منتخب از سوی وزیر خواهد بود، این کمیته زیر مجموعه مستقیم وزیر بوده و مجموعه مصوبات و تصمیمات کمیته به منزله مصوبه هیأت امناء تلقی می گردد."

۴- مطابق ماده ۱ قانون احکام دائمی توسعه کشور دانشگاهها دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاههای دولتی در چهارچوب مصوبات و آیین نامه های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که به تأیید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می رسد، عمل می نمایند.

بنا به مراتب اولاً: آن قسمت از ماده ۱۲۸ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی که مصوبات کمیته مسئول پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سوالات مربوط به آیین نامه را در حکم مصوبه هیأت امناء قرار داده است، به دلیل آن که وظایف و اختیارات هیأت امناء قائم به شخص بوده و قابل واگذاری به غیر نمی باشد، فاقد وجهت قانونی است. ثانیاً: بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴-۱۳۹۱/۸/۲۹- وزیر وقت بهداشت و درمان در خصوص پرداخت فوق العاده جذب و مخصوص به اعضای هیأت علمی در زمان مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی بر مبنای تصمیم کمیته ماده ۱۲۸ آیین نامه پیش گفته فاقد مبنای قانونی است. چرا که مبنای آن تصمیم کمیته مذکور در ماده ۱۲۸ آیین نامه می باشد و وظیفه کمیته مذکور صرفاً مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر مطروحه در خصوص آیین نامه مذکور بوده و اتخاذ تصمیم در پرداخت فوق العاده های جذب و مخصوص به اعضای هیأت علمی در زمان مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی (که وضع قانون و مقرره می باشد) خارج از وظایف کمیته مذکور به شمار می رود، از طرف دیگر در ماده ۵۰ آیین نامه یاد شده بر ممنوعیت پرداخت فوق العاده های جذب و مخصوص به اعضای هیأت علمی در زمان مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی تأکید شده است.

از این رو خواهشمند است دستور فرمایید مغایرت ماده ۱۲۸ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی با قوانین موضوعه و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴-۱۳۹۱/۸/۲۹- وزیر وقت بهداشت و درمان به دلیل خروج از اختیارات واضح در هیأت عمومی دیوان (خارج از نوبت) مطرح و نسبت به ابطال آنها تصمیم لازم اتخاذ گردد. مزید امتنان است از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند."

متن مقررهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴-۱۳۹۱/۸/۲۹- وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی:

" رئیس/سرپرست محترم دانشگاه/دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ....

با سلام و تحیت

در پاسخ به سوالات و ابهامات دانشگاهها در ارتباط با پرداخت ضرایب یک و دو دهم فوق العاده جذب و فوق العاده مخصوص اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی (موضوع تبصره ماده ۵۰ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی) در مدت زمانی که به مأموریت آموزشی و بورس و فرصت مطالعاتی عزیمت می نمایند مراتب در کمیته موضوع ماده ۱۲۸ آیین نامه پیش گفت مطرح و به شرح ذیل اتخاذ تصمیم گردید:

نظر به اینکه برابر اعلام دانشگاه‌ها قبل از ابلاغ آیین‌نامه اداری و استخدامی جدید در ایام مأموریت آموزشی و بورس و فرصت مطالعاتی پرداخت فوق‌العاده جذب و فوق‌العاده مخصوص اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی با ضریب یک و دو دهم صورت می‌پذیرفته و به‌منظور جلوگیری از ایجاد خلل در اجرای ماده ۷۲ آیین‌نامه اداری و استخدامی (موضوع بهره‌مندی اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی از مزایای افزایش ضریب ۱/۲ در هنگام بازنشستگی) موافقت گردید. اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی در دوران استفاده از مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی و بورسیه کما فی السابق از فوق‌العاده‌های جذب و مخصوص با ضریب ۱/۲ بهره‌مند شوند. لکن پرداخت فوق‌العاده محرومیت از مطب آنان برابر مفاد تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۴۰ آیین‌نامه پیش گفت مقدور نمی‌باشد. - وزیر "

ب) آیین‌نامه اداری- استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته:

" ماده ۱۲۸- مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سوالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین‌نامه از سوی موسسه به عهده کمیته ۳ تا ۵ نفره منتخب از سوی وزیر خواهد بود. این کمیته زیر مجموعه مستقیم وزیر بوده و مجموعه مصوبات و تصمیمات کمیته به منزله مصوبه هیأت امناء تلقی می‌گردد. "

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۵/۹-۱۷/۷۵۹ توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۷۰۰۳۸۶ موضوع شکایت سازمان بازرسی کل کشور به خواسته ابطال قسمتی از ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴-۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- سازمان مذکور وفق مفاد دادخواست تقدیمی ادعا نموده با توجه به اینکه وظایف و اختیارات هیأت امناء قائم به شخص بوده و قابل واگذاری به غیر نمی‌باشد لذا آن قسمت از ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی که مصوبات کمیته مسئول پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سوالات مربوط به آیین‌نامه را در حکم مصوبه هیأت امناء قرار داده است فاقد وجهت قانونی است. سازمان مذکور همچنین به بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴-۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص پرداخت فوق‌العاده جذب و مخصوص به اعضای هیأت علمی در زمان مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی به این دلیل که از سوی کمیته ماده ۱۲۸ در این خصوص اتخاذ تصمیم شده است و موضوع خارج از حیطه وظایف کمیته بوده نیز معترض گردیده و درخواست ابطال آن را کرده است.

۲- در ارتباط با شکایت مطروحه لازم به توضیح است، وفق ماده ۱ قانون احکام دائمی توسعه کشور دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستانها و پارک‌های علم و فناوری که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی کشور، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تائید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستانها به تائید رئیس‌جمهور در مورد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و

تحقیقاتی وابسته به نیروهای مسلح به تأیید رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می‌رسد، عمل می‌کنند. بر این اساس آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور با توجه به بند الف ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و در حال حاضر ماده ۱ قانون احکام دائمی دارای اعتبار می‌باشد. ۳- برابر ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها کمیته ای ۳ تا ۵ نفره جهت پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سوالات مطروحه در خصوص مفاد آیین‌نامه پیش‌بینی شده است که کمیته مذکور زیر نظر مستقیم وزیر که رئیس هیأت امنای می‌باشد، فعالیت می‌نماید. همچنین در ماده فوق اشاره اعلام شده است مصوبات و تصمیمات کمیته به منزله مصوبه هیأت امنای تلقی می‌گردد.

۴- بنابراین کمیته مذکور به هیچ عنوان در هیچ یک از وظایف هیأت امنای دخالت نداشته، تصمیم جدیدی اتخاذ نمی‌نماید و هیچ یک از وظایف هیأت امنای نیز به کمیته تفویض نشده است بلکه کمیته صرفاً در مصوبات ابهام و یا نیاز به تفسیر مصوبه‌ای که به تصویب هیأت امنای رسیده در خصوص رفع ابهام اقدام می‌کند. ضمناً شاکای نیز دلیل و مستندی دایر بر اینکه وظایف هیأت امنای مندرج در قانون نحوه تشکیل هیأت امنای دانشگاه‌ها و یا سایر ضوابط و مقررات به کمیته تفویض شده باشد ارائه ننموده است.

۵- لازم به توضیح است دیوان عدالت اداری سابقاً وفق دادنامه شماره ۱۳۹۶/۷/۱۱-۶۴۱ هیأت عمومی نسبت به تأیید کمیته ماده ۱۱۸ آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی (مشابه کمیته ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی) اقدام و اعلام کرده است. مطابق ماده ۱۱۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی مصوب هیأت امنای مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و سوالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین‌نامه بر عهده کمیته ۳ تا ۵ نفره منتخب از سوی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود و بر این اساس بخشنامه شماره ۱۳۹۱/۷/۲-د/۲۲۶۱/۲۰۹ مشاور معاونت توسعه و مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خارج از حدود اختیارات قانونی اعلام کرده است. ۶- صرف نظر از مراتب فوق کمیته ماده ۱۲۸ از سال ۱۳۹۲ عملاً غیرفعال بوده و مصوبه‌ای نداشته و موارد ارجاعی به این کمیته در دستور کار مشترک هیأت امنای دانشگاه‌ها قرار گرفته و پس از تصویب هیأت امنای اجرایی خواهد شد. ضمن اینکه بازنگری آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی از جمله ماده ۱۲۸ آیین‌نامه در دستور کار بازنگری جهت تصویب در هیأت امنای دانشگاه‌ها قرار دارد.

۷- در خصوص نامه شماره ۱۳۹۱/۸/۲۹-۱۰۰/۱۲۴۴ وزیر وقت بهداشت و درمان نیز لازم به توضیح است نامه مورد اشاره در راستای اجرای موضوع ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی که در حال حاضر و در زمان تنظیم نامه مورد اشاره لازم‌الاجرا بوده جهت رفع ابهام در ضرایب فوق‌العاده جذب و فوق‌العاده مخصوص اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی و جلوگیری از اختلال در اجرای ماده ۷۲ آیین‌نامه اقدام کرده است. لذا با توجه به مراتب فوق‌الذکر رد دعوی صادره از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه تصمیم‌گیری و وضع مقرر در امور استخدامی کارکنان عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی دانشگاه طبق بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و نیز ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، بر عهده هیأت امنای دانشگاه‌ها قرار گرفته و در مواد قانونی موصوف تفویض

اختیار در این خصوص برای هیأت امناء پیش‌بینی نشده است، بنابراین ماده ۱۲۸ آیین‌نامه مصوب هیأت امناء و به تبع آن بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۳۴۴-۱۳۹۱/۸/۲۹- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری





قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رأی معترض‌عنه نقض و در اجرای بند پ ماده ۵۳ قانون فوق‌الذکر قرار رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: با توجه به اینکه در تبصره ۲ قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب سال ۱۳۹۲ به دولت اجازه داده شده است مرخصی زایمان مادران را به ۹ ماه افزایش دهد و هیأت وزیران نیز به موجب مصوبه شماره ۹۲/۹۲۰۹۱/ت/۴۶۵۲۵۷ هـ-۱۳۹۲/۴/۱۹-۱۳۹۲ مدت مرخصی زایمان (یک و دو قلو) زنان شاغل در بخش های دولتی و غیردولتی ۹ ماه تمام با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط تعیین کرده است و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به موجب رأی شماره ۲۲۴-۲۲۵ مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۲ بند موصوف از مصوبه مذکور را ابطال نکرده است، بنابراین پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط در بخش غیردولتی در مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه از حقوق مادران شاغل در بخش های غیردولتی است و از آنجا که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیش از این در رأی شماره ۱۳۲۸-۱۳۹۳/۸/۱۹ با استناد به ماده ۶۴ قانون تأمین اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی را در صورتی از پرداخت حقوق و مزایای ایام مرخصی زایمان واجد تکلیف ندانسته که کارفرمایان طبق قوانین و مقررات مکلف باشند حقوق یا مزد بیمه شدگان را بپردازند، بنابراین چون در قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب سال ۱۳۹۲ و مصوبه شماره ۹۲/۹۲۰۹/ت/۴۶۵۲۷ هـ-۱۳۹۲/۴/۱۹ هیأت وزیران، تکلیفی متوجه کارفرمایان زنان شاغل در بخش غیردولتی در پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های ایام مرخصی زایمان پیش‌بینی نشده است، سازمان تأمین اجتماعی مکلف به پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط است و رویه جاری در سازمان تأمین اجتماعی در خصوص مورد چه در زمانی که مرخصی زایمان طبق ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوب سال ۱۳۷۴ و قانون اصلاح ماده ۳ قانون مذکور مصوب سال ۱۳۸۶، ۴ و ۶ ماه تعیین شده بود، حقوق مربوط به مادران پرداخت می‌شده است، بنا به مراتب با افزایش مرخصی زایمان به ۹ ماه نیز تکلیف کماکان متوجه سازمان تأمین اجتماعی است و آراء صادر شده به وارد دانستن شکایت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات تشخیص شد.

این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت محیط و اماکن عمومی

تاریخ: ۷ خرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۳۱۱-۳۱۲

کلاس پرونده: ۴۱۶/۹۷، ۱۵۵۴/۹۷

**موضوع:** ابطال بند ۱ بخش "ب" ماده واحده مصوبه ۱۲۸ جلسه رسمی مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۲ شورای اسلامی شهر تهران ابلاغی به شماره ۱۳۹۴/۸/۶-۱۶۰/۲۱۰۱/۲۰۷۹۲ شورای اسلامی شهر تهران در خصوص پسماند واحدهای غیر مسکونی

**شاکلی:** سازمان بازرسی کل کشور و آقای علیرضا شکفته

### گردش کار:

الف) سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۵۰۳۶-۱۳۹۷/۳/۹ اعلام کرده است که:

"حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی  
رئیس محترم دیوان عدالت اداری  
سلام علیکم

احتراماً مصوبه شورای اسلامی شهر تهران پیرامون نحوه تعیین مدیریت پسماندهای عادی از جهت انطباق با قانون در "کمسیون تطبیق مصوبات دستگاههای اداری" این سازمان مورد رسیدگی قرار گرفت که نتیجه به شرح ذیل اعلام می گردد:

۱- شورای اسلامی شهر تهران به موجب بند (ب) مصوبه ابلاغی شماره ۱۳۹۴/۸/۶-۱۶۰/۲۱۰۱/۲۰۷۹۲ در روش محاسبه بهای خدمات مدیریت پسماند عادی غیرمسکونی، قیمت منطقه‌ای واحد مربوط (آخرین ارزش معاملاتی املاک موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم) را به عنوان ردیفی برای محاسبه بهای خدمات مدیریت پسماند واحدهای غیر مسکونی تعیین نموده است.

۲- به موجب ماده ۸ قانون مدیریت پسماند (مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰) مقرر شده است: "مدیریت اجرایی می تواند هزینه‌های مدیریت پسماند را از تولیدکننده پسماند با تعرفه‌ای که طبق دستورالعمل وزارت کشور توسط شوراهای اسلامی بر حسب نوع پسماند تعیین می شود، دریافت نموده و فقط صرف هزینه‌های پسماند نماید."

۳- وزارت کشور در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۷ دستورالعمل نحوه تعیین بهای خدمات مدیریت پسماندهای عادی شهری را ابلاغ نموده است که طبق جز (۱) بند (ب) ماده ۶ دستورالعمل یاد شده، بهای خدمات تولیدکنندگان پسماند تجاری و اداری، معادل ۵۰ درصد عوارض کسب (با توجه به نوع کسب) تعیین شده و در مورد مشاغل بر زباله، به شورای اسلامی تنها اجازه داده است، علاوه بر بهای خدمات جزء (۱) بند مذکور، بر اساس تعرفه و روش اجرایی متناسب با نوع پسماند (خشک- تر و حجم یا وزن) هزینه مربوط را تعیین نماید.

۴- با توجه به مصوبه شماره ۵۷۷۸/ت/۵۴۲۰۲ هـ-۱۳۹۶/۱/۲۶ هیأت وزیران (که در آن مبنای ارزش معاملاتی املاک از دفترچه ارزش معاملاتی سال ۱۳۹۲ به دفترچه سال ۱۳۹۵ تغییر داده شده) بهای خدمات مدیریت پسماند به افزایش حدود ۴ الی ۵ برابری بهای خدمات مدیریت پسماند منجر شده است.

بنا به مراتب با توجه به اینکه شورای اسلامی مکلف بوده، تعرفه خدمات مدیریت پسماند را طبق دستورالعمل وزارت کشور تعیین نماید و در آن دستورالعمل تصریحی بر این که قیمت منطقه‌ای (قیمت معامله ای) واحدها مربوط به عنوان ردیفی جهت تعیین بهای مدیریت خدمات پسماند عادی تعیین شود، ملاحظه نمی‌شود از این رو بند (ب) مصوبه ابلاغی شماره ۱۳۹۶/۸/۶-۱۶۰/۲۱۰/۲۰۷۹۲ شورای اسلامی شهر تهران برخلاف حکم مقرر در ماده ۸ قانون مدیریت پسماند و خارج از حدود اختیارات شورای شهر یاد شده بوده و ابطال آن در هیأت عمومی دیوان (به صورت فوق العاده و خارج از نوبت) درخواست می‌گردد. در خاتمه موجب امتنان است از نتیجه تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند."

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

" (ب) به منظور عادلانه نمودن روش محاسبه بهای خدمات مدیریت پسماند عادی غیرمسکونی موضوع بندهای "ب" و "ج" مصوبه (چگونگی محاسبه و اخذ بهای خدمات مدیریت پسماند) ابلاغی به شماره ۱۳۹۶/۳/۱۸۷-۱۶۰-۱۳۸۸/۳/۲ ادغام و به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

نحوه محاسبه بهای خدمات مدیریت پسماند واحدهای غیر مسکونی:

$$E2 \times CD) \times E1 + C1) \times C = W1$$

بهای سالانه خدمات مدیریت پسماند واحد غیر مسکونی در شهر تهران = C  
متوسط تولید پسماند در هر گروه شغلی (مطابق جدول پیوست این مصوبه ممه‌ور به مهر شورای اسلامی

شهر تهران) = W1

(سرانه تولید پسماند در شهر تهران) = ۰/۶۹ کیلوگرم R

(هزینه جمع آوری حمل یک کیلوگرم پسماند عادی) = ۴۲۷ ریال C1

(هزینه دفع یک کیلوگرم پسماند عادی در شهر تهران) = ۲۵۵ ریال CD

قیمت منطقه‌ای واحد مربوط (آخرین ارزش معاملاتی املاک موضوع ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم) = P

مساحت واحد غیرمسکونی (مترمربع) = S

(ضریب تشویق جهت گسترش تفکیک از مبدأ) یک = E2 = (۱)

ضریب تعدیل بهای خدمات مدیریت پسماند (مطابق جدول پیوست این مصوبه ممه‌ور به مهر شورای

اسلامی شهر تهران) = E3

تصوره یکم (۱):

با توجه به اصلاح شیوه محاسبه پسماند واحدهای غیر مسکونی، در موارد خاص که بهای خدمات مدیریت

پسماند واحد غیر مسکونی تغییر زیادی داشته باشد، بهای پسماند سال جاری آن نباید از پنج برابر سال گذشته بیشتر و یا از یک پنجم سال گذشته کمتر باشد."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر تهران به موجب لایحه شماره ۱۶۰/۲۳۴۴۶-

۱۳۹۷/۸/۱۳ توضیح داده است که:

" حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی

ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: پرونده کلاسه ۹۷۰۱۵۵۴ با شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۸۸۲

## با سلام و احترام

عطف به پرونده کلاسه ۹۷۰۱۵۵۴ با شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۸۸۲ موضوع مکاتبه مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۵ مدیر دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ثبت شده با شماره ۱۶۰/۲۱۵۰۵-۱۳۹۷/۷/۲۴ در دبیرخانه شورای اسلامی شهر تهران در خصوص ارسال نسخه دوم دادخواست سازمان بازرسی کل کشور به خواسته "ابطال بند (ب) مصوبه ابلاغی شماره ۱۶۰/۲۱۰۱/۲۰۷۹۲-۱۶۰/۲۱۰۱/۲۰۷۹۲ شورای اسلامی شهر تهران"، مراتب ذیل را در رد خواسته یاد شده به استحضار می‌رساند:

۱- مصوبه مورد اعتراض، اصلاحیه مصوبه "اصلاحیه چگونگی محاسبه و اخذ بهای خدمات مدیریت پسماند- ابلاغی به شماره ۱۶۰/۱۸۸۵/۵۰۱۳-۱۳۹۳/۳/۳ می‌باشد.

۲- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص متن اولیه مصوبه موضوع شکایت، رسیدگی و در دادنامه شماره ۵۸۰-۱۳۹۰/۱۲/۲۲ خود اعلام نموده است: "مصوبه یکصد و نود و دومین جلسه رسمی- علنی- فوق‌العاده شورای اسلامی شهر تهران (دوره سوم) به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ با موضوع "چگونگی محاسبه و اخذ بهای مدیریت پسماند" در راستای قانون یاد شده و دستورالعمل مذکور وزارت کشور به تصویب شورای اسلامی شهر تهران رسیده است، با قانون مغایرت ندارد و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر تهران نمی‌باشد و قابل ابطال تشخیص داده نمی‌شود."

۳- همان‌گونه که مستحضرد مصوبه موضوع شکایت از مصادیق بهای خدمات است. بر اساس تبصره ۴ ذیل ماده ۵۵ قانون شهرداری، حمل زباله از محل تا مکان تخلیه زباله که باید خارج از محدوده شهر باشد تکلیف قانونی شهرداری نیست و در نتیجه بابت حمل آن می‌تواند هزینه ارائه خدمات دریافت نماید.

۴- پس از تصویب قانون مدیریت پسماند توسط مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۰ و تصویب آیین‌نامه اجرایی آن توسط هیأت وزیران در تاریخ ۱۴۸۴/۵/۱ و ابلاغ دستورالعمل نحوه تعیین بهای خدمات توسط وزیر کشور به شماره ۱۳۸۵/۷/۱۷-۳/۹۵۲۲۵/۳، متن اولیه مصوبه موضوع شکایت بر مبنای قوانین و مقررات فوق خصوصاً مواد (۷) و (۸) قانون مدیریت پسماند، توسط شورای اسلامی شهر تهران تصویب و طی نامه شماره ۱۳۸۸/۳/۲-۱۶۰/۱۲۶۰/۳۱۸۷ به شهرداری تهران ابلاغ گردید.

۵- مصوبه موضوع شکایت نیز، در یکصد و هشتاد و دومین جلسه رسمی - علنی- فوق‌العاده شورای اسلامی شهر تهران (دوره چهارم) به تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۲ به استناد بند بیست و ششم (۲۶) ماده هفتاد و یکم (۷۱) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ مجلس شورای اسلامی و با عنایت به مفاد ماده هشتم (۸) قانون مدیریت پسماند و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۴/۵/۵ و همچنین تصویب‌نامه شماره ۵۱۰۲۴/ت/۲۸۹۱۰ هـ-۱۳۹۴/۳/۹ هیأت وزیران و دستورالعمل "نحوه تعیین بهای خدمات مدیریت پسماندهای عادی" ابلاغی به شماره ۱۳۸۵/۷/۱۷-س/۳/۹۵۲۲۵ وزارت کشور و پیرو مصوبات شورای اسلامی شهر تهران ابلاغی به شماره ۱۶۰/۱۲۶۰/۳۱۸۷-۱۶۰/۱۶۶۴/۵۷۹۲ و ۱۳۹۱/۱۱/۱۶-۱۶۰/۱۷۲۱/۲۳۶۱۵ و ۱۳۹۱/۳/۲۸ به تصویب رسیده است.

۶- همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید مصوبه مورد اعتراض بر مبنای قوانین و مقررات جاری به تصویب رسیده و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در دادنامه شماره ۵۸۰-۱۳۹۰/۱۲/۲۲ خود شکایت نسبت به غیرقانونی بودن متن اولیه مصوبه را رد نموده و آن را غیر قابل ابطال تشخیص داده است. با توجه به مراتب معروضه فوق، رد شکایت موضوع دادخواست تقدیمی مورد استدعاست."

(ب) آقای علیرضا شکفته به موجب دادخواستی ابطال مصوبه شماره ۱۳۹۴/۶/۲۲ تحت عنوان اصلاح شیوه محاسبه پسماند واحدهای غیر مسکونی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

## " ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً به استحضار می‌رساند شهرداری تهران با استناد به مصوبه شماره ۱۸۲-۱۳۹۴/۶/۲۲ شورای اسلامی شهر تهران تحت عنوان اصلاح شیوه محاسبه پسماند واحدهای غیرمسکونی به صورت ناروا اقدام به افزایش بی رویه بهای خدمات مدیریت پسماند واحدهای غیرمسکونی را نموده که بنا بر موارد معروضه ذیل خواستار ابطال مصوبه صدرالاشاره و استرداد مبالغ دریافت شده من غیر حق می‌باشد:

الف- تا سال ۱۳۹۳ بهای مدیریت خدمات پسماند واحدهای غیر مسکونی بر اساس مصوبات قبلی شورای اسلامی شهر تهران ۵۰٪ عوارض کسب و پیشه واحدهای غیرمسکونی، برای واحدهایی که میزان تولید زباله آن‌ها حسب جداول تعیین شده توسط آن شورا بیش از حد معمول برآورد می‌گردید بین ۷۰٪ تا ۱۰۰٪ مبلغ عوارض کسب و پیشه تعیین گردیده بود.

ب- به استناد ماده واحده مصوبه شماره ۱۸۲-۱۳۹۴/۶/۲۲ به منظور اصلاح شیوه پسماند واحدهای غیرمسکونی به شهرداری تهران اجازه داده شده است در سال ۱۳۹۴ به جهت تعدیل بهای خدمات مدیریت پسماند واحدهای غیرمسکونی با استفاده از شیوه محاسبه ای گنگ و مبهم که اجزاء آن به درستی تعریف نگردیده و مصوبه آن به پیوست تقدیم حضور می‌باشد محاسبه و نظر به اینکه استفاده از این روش نامفهوم باعث تغییرات زیادی در بهای مدیریت خدمات پسماند می‌گشته به موجب تبصره یکم ذیل ماده واحده مورد اشاره مقرر نموده است که بهای پسماند سال جاری "سال تعدیل بهاء" هر واحد غیرمسکونی نباید از ۵ برابر سال گذشته بیشتر یا از یک پنجم سال گذشته کمتر باشد که این امر فقط در سال ۱۳۹۴ به جهت تعدیل بهای مدیریت پسماند مناط عمل بوده و تجویز شده است.

ج- به پیوست قبوض بهای مدیریت پسماند ۵ واحد غیرمسکونی متعلقه به تفکیک در سال ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ به انضمام جدول مقایسه ای ایفاد می‌گردد. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد عوارض محاسبه شده بدون رعایت نرخ رسمی تورم که در سال ۱۳۹۶ از سوی دولت تک رقمی (بالغ بر ۱۰٪) اعلام کرده است این ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد یعنی بین ۱۰ تا ۲۰ برابر نرخ تورم رسمی کشور بهای خدمات ارائه شده را افزایش داده است.

د- بنا به صلاحیت قانونی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری‌ها در خصوص اعتراض به عوارض تعیین گردیده مراتب اعتراض به‌طور مکتوب ارائه گردید که متأسفانه کمیسیون مزبور از ثبت اعتراض و رسیدگی به آن امتناع نمود که متعاقب آن مراتب اعتراض طی اظهارنامه رسمی شماره ۰۶۸۷۷۰۶-۱۳۹۶۲۲۰۰۰۶۱۲/۲۳-۱۳۹۶ که حسب گواهی ابلاغ و اظهارنامه در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱۴ ابلاغ گردیده است نیز بدون پاسخ مانده است.

ه- مراتب اعتراض کتبی به دفتر شهردار تهران نیز منعکس گردیده که متأسفانه معاونت فنی و ممیزی شهرداری تهران طی مرقوم شماره ۳۱۹/۱۴۶۸۹۶۳-۱۳۹۶/۱۲/۲۶ با استناد به تبصره یکم ذیل ماده واحده مصوبه شماره ۱۸۲-۱۳۹۴/۶/۲۲ افزایش بهای مدیریت پسماند واحدهای غیرمسکونی را به گونه ای که بهای خدمات مذکور بیش از ۵ برابر (۵۰۰ درصد) سال گذشته نباشد مجاز دانسته حال آن‌که ملاک تجویز تبصره مورد استناد فقط در سال ۱۳۹۴ به منظور اصلاح بهای مدیریت خدمات پسماند بوده است و استفاده در هر سال از آن به منظور تعیین بهای خدمات ارائه شده از نظر قانونی و منطقی مجاز نمی‌باشد.

از آنجا که افزایش هزینه‌های عمومی از جمله بهای خدمات مدیریت پسماند می‌باید با رعایت قانون اساسی و قوانین مساعد به حال مردم و عرف تعیین گردد علاوه بر اینکه روش محاسبه در نظر گرفته شده برای تعیین بهای مدیریت خدمات پسماند واحدهای غیرمسکونی به حکایت مصوبه شورای اسلامی شهر تهران مبهم و نامفهوم می‌باشد به‌صورتی غیرعادلانه و مغایر با بندهای ۲، ۱۰، ۱۲ اصل ۳ و اصل ۴ قانون اساسی و

اوضاع و احوال اقتصادی مردم و نرخ تورم اعلامی توسط دولت برای سال ۱۳۹۶ که در حدود ده درصد اعلام گردیده تعیین شده است. نظر به اینکه بهای مدیریتی خدمات پسماند بیش از نرخ تورم اعلامی از ناحیه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران محاسبه گردیده به موجب بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مصوبه مورد اشاره شورای اسلامی شهر تهران و استرداد مابه‌التفاوت غیرقانونی عوارض دریافت شده مورد استدعاست."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر تهران به موجب لایحه شماره ۱۶۰/۱۰۲۳۹-۱۳۹۷/۴/۱۷ توضیح داده است که:

"حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی

ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: پرونده کلاسه ۹۷۰۰۴۱۶ با شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۳۱۰ و شماره بایگانی ۲۷۹۴۹

سلام‌علیکم

احتراماً عطف به پرونده ۹۷۰۰۴۱۶ موضوع مکاتبه مورخ ۱۳۹/۳/۵ مدیر دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ثبت شده به شماره ۱۳۹۷/۳/۱۹-۱۶۰/۶۹۵۰ در دبیرخانه شورای اسلامی شهر تهران در خصوص ارسال نسخه دوم دادخواست آقای علیرضا شکفته به خواسته "ابطال مصوبه شماره ۱۳۹۴/۶/۲۲-۱۸۲ تحت عنوان اصلاح شیوه محاسبه پسماند واحدهای غیر مسکونی" مراتب ذیل را در رد خواسته مشارالیه به استحضار می‌رساند:

۱- همان‌گونه که مستحضرد، مطابق ماده ۷ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰ مدیریت اجرایی کلیه پسماندها غیر از صنعتی و ویژه در شهرها به عهده شهرداری‌ها می‌باشد.

۲- پس از تصویب قانون فوق‌الذکر و تصویب آیین‌نامه اجرایی مربوطه توسط هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱ و ابلاغ دستورالعمل نحوه تعیین بهای خدمات توسط وزارت کشور با شماره ۳/۹۵۲۲۵/۳-۱۳۸۵/۱۷ مصوبه "چگونگی محاسبه و اخذ بهای خدمات مدیریت پسماند" توسط شورای اسلامی شهر تهران تصویب و طی نامه شماره ۱۳۸۶/۴/۱۹-۱۶۰/۸۹۸/۶۲۳۵ به شهرداری تهران ابلاغ گردید.

۳- شکایت مطروحه نسبت به مصوبه اخیرالذکر در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و بر مبنای دادنامه شماره ۱۳۹۰/۱۲/۲۲-۵۸۰ موضوع کلاسه پرونده ۹۷۸/۸۸ غیر قابل ابطال و در محدوده اختیارات شورای اسلامی شهر تهران تشخیص داده شد.

۴- بر مبنای قوانین و مقررات صدرالذکر و با استناد به تصویب‌نامه شماره ۲/۲۸۹۱۰ ت/۵۱۰۲۴ هـ-۱۳۹۴/۳/۹ هیأت وزیران، مصوبه موضوع پرونده حاضر پس از اصلاح در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۲ با شماره ۱۶۰/۲۱۰/۲۰۷۹۲-۱۳۹۴/۸/۶ به شهرداری تهران ابلاغ شد.

۵- حسب مندرجات متن دادخواست مربوطه شاکی با توجه به مندرجات فرم اعلام عوارض شکایت خود را مطرح نموده است.

۶- با عنایت به ماده هشتم آیین‌نامه نحوه وضع و وصول عوارض مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ مصوب هیأت وزیران، در صورتی که مؤدیان در مورد میزان و نحوه محاسبه و وصول و سایر موضوعات عوارضی که توسط شوراها وضع می‌گردد اعتراض و یا شکایتی ندارد، مرجع آن کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری می‌باشد.

۷- به استناد تبصره ذیل ماده هشتم آیین‌نامه اخیرالذکر، دیوان عدالت اداری، مرجع رسیدگی به آراء کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها است.

۸- شاکی بدون طی مراحل قانونی مذکور به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مراجعه و شکایت نموده است.

۹- با عنایت به مراتب فوق، در صورتی که شاکی به میزان و نحوه محاسبه عوارض شکایت دارند طی

---

---

نمودن مسیر مقرر در قانون برای طرح شکایت خود نزد آن مرجع ضروری به نظر می‌رسد.  
۱۰- با توجه به مراتب معروضه فوق رد شکایت موضوع دادخواست تقدیمی مورد استدعاست. " هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۷ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

طبق ماده ۸ قانون مدیریت پسماندها مصوب سال ۱۳۸۳، مدیریت اجرایی می‌تواند هزینه‌های مدیریت پسماند را از تولید کننده پسماند با تعرفه‌ای که طبق دستورالعمل وزارت کشور توسط شوراهای اسلامی بر حسب نوع پسماند تعیین می‌شود دریافت کند و فقط صرف هزینه‌های پسماند نماید و در بند یک بخش ب دستورالعمل نحوه تعیین بهای خدمات مدیریت پسماندهای عادی شهر مصوب سال ۱۳۸۶، بهای خدمات مدیریت پسماند صنوف ۵۰٪ عوارض کسب با توجه به نوع کسب تعیین شده است. بنابراین روش محاسبه بهای خدمات مدیریت پسماند عادی غیرمسکونی با فرمول  $C = W_1 \times (C_1 + E_1) \times (CD \times E_2)$  در مصوبه ابلاغی شماره ۱۳۹۴/۸/۶-۱۶۰/۲۱۰۱/۲۰۷۹۲ شورای اسلامی شهر تهران مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۷ خرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۳۰۸

کلاس پرونده: ۸۷۶/۹۷

**موضوع:** عدم ابطال دستور بیست و دوم صورت جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ اولین نشست هیأت امنای دانشگاه شهید بهشتی (در خصوص دریافت شهریه از دانشجویان)

**شاکلی:** سازمان بازرسی کل کشور

### گردش کار:

سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۶۷۸۶-۱۳۹۷/۱/۲۰ اعلام کرده است که:

" حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی  
رئیس محترم دیوان عدالت اداری  
سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند هیأت امنای دانشگاه شهید بهشتی به موجب دستور بیست و دوم مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ (دریافت شهریه از دانشجویان) تصریح داشته است "به استناد ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و بند (و) ماده (۷) قانون تشکیل هیئت‌های امناء، هیأت امناء با تعیین شهریه‌های پیش‌بینی شده در آیین‌نامه‌های آموزشی از نیمسال اول تا سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ برابر شهریه نوبت دوم موافقت نمود". در حالی که: اولاً: در بندهای (ح)، (ط) و (ی) قانون برنامه پنجم توسعه اخذ شهریه از دانشجویان نوبت دوم پیش‌بینی گردیده و در خصوص اخذ شهریه از دانشجویان دوره روزانه دانشگاه‌های دولتی مطلبی بیان نشده است. ثانياً: در ماده ۷ قانون تشکیل هیئت‌های امناء دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، تعیین شهریه برای نیمسال اول در شمار وظایف و اختیارات هیأت امنای دانشگاه‌ها بیان نشده است. بنا به مراتب خواهشمند است دستور بیست و دوم مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ هیأت امنای دانشگاه شهید بهشتی به دلیل خروج از اختیارات واضح در هیأت عمومی دیوان (خارج از نوبت) مطرح و نسبت به ابطال آن از زمان تصویب (موضوع ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری) تصمیم لازم اتخاذ فرمایند. مزید امتنان است از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند."

متن صورت جلسه مورد اعتراض به قرار زیر است:

" صورت جلسه اولین نشست هیأت امنای دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰

دستور بیست و دوم: (موضوع کمیسیون دائمی مورخ ۱۳۹۶/۳/۷)

تعیین شهریه‌های پیش‌بینی شده در آیین‌نامه‌های آموزشی از نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶

مصوبه: به استناد ماده "۱" قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و بند "و" ماده "۷" قانون تشکیل هیئت‌های امناء، هیأت امناء با تعیین شهریه‌های پیش‌بینی شده در آیین‌نامه‌های آموزشی از نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ برابر با شهریه نوبت دوم موافقت نمود. - مشاور وزیر و رئیس مرکز هیئت‌های امناء و هیئت‌های ممیزه" در پاسخ به شکایت مذکور، مشاور رئیس و مدیر امور حقوقی دانشگاه شهید بهشتی به موجب لایحه شماره ۳۴۰/۹۷-ص/۱۴/۱۳۹۷ توضیح داده است که:

" حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه واصله از دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص شکایت سازمان بازرسی کل کشور از دستور بیست و دوم از مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ هیأت امنای این دانشگاه (موضوع پرونده کلاسه ۹۷۰۰۸۷۶ و شماره پرونده ۳۷۶-۰۵۸۰۹۰۵۸۰۹۹۸۰۹۷۰ به شماره بایگانی ۸۲۱۷۹-۱۳۹۷/۴/۱۳) مبنی بر خارج بودن آن از اختیارات مقام واضح، موارد زیر به استحضار می‌رسد:

۱- همان‌گونه که مستحضردید دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پژوهشی و فناوری از حیث مسائل آموزشی تابع مقررات مصوب و ابلاغی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشند و بر این اساس، دریافت شهریه آن هم نه از همه دانشجویان روزانه بلکه صرفاً از دانشجویان اخذکننده دروس جبرانی یا دانشجویان مردودی، انتقالی یا مهمان در دو آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته مصوب ۱۳۹۴/۷/۴ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم برای دانشجویان ورودی ۱۳۹۴ و بعد از آن و "آیین‌نامه میهمانی و انتقال دانشجویان دوره‌های کاردانی و کارشناسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی" به شماره ۱۸۵۰۳/۱۰-۱۳۸۹/۷/۱ مصوب وزارت علوم پیش‌بینی شده است. در آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد در خصوص دروس جبرانی به موارد ذیل اشاره شده است:

الف) تعریف شماره ۱۷: درس جبرانی: درسی است که به تشخیص گروه آموزشی گذراندن آن برای رفع کمبود دانش یا مهارت دانشجو ضروری است.

ب) تبصره ۱ ماده ۹: کسب نمره قبولی ۱۲ در دروس جبرانی، الزامی است ولی نمره مذکور در میانگین نیمسال و کل دانشجو محاسبه نمی‌شود و هزینه این دروس طبق تعرفه مصوب هیأت امناء موسسه از دانشجو دریافت می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود آیین‌نامه صدراشعار تشخیص گذراندن دروس جبرانی را بر عهده گروه تخصصی مربوطه و در راستای تقویت دانش یا مهارت دانشجویان قرار داده و تعیین هزینه این‌گونه دروس را نیز به هیأت امنای دانشگاه‌ها واگذار کرده است. بنابراین دانشگاه در این خصوص، صرفاً به تکلیفی که از سوی آیین‌نامه وزارتی برای هیأت امناء پیش‌بینی شده عمل نموده است. مطابق مصوبه ۱۳۹۶/۳/۲۰ هیأت امنای دانشگاه شهید بهشتی نیز شهریه پیش‌بینی شده در آیین‌نامه‌های آموزشی (از جمله شهریه دروس جبرانی) برابر شهریه نوبت دوم دانشجویان تعیین شده است. همچنین در خصوص دانشجویان میهمان، به موجب تبصره ۱ ماده ۶ "آیین‌نامه میهمانی و انتقال دانشجویان دوره‌های کاردانی و کارشناسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی" به شماره ۱۸۵۰۳/۱۰-۱۳۸۹/۷/۱ مصوب وزارت علوم: "دانشجویان دوره روزانه دانشگاه‌ها در دوره میهمانی ملزم به پرداخت شهریه مطابق تعرفه دانشجویان نوبت دوم می‌باشند." بنابراین تکلیف دانشجویان مهمان و دانشجویان اخذکننده واحدهای جبرانی به پرداخت شهریه روزانه صرفاً در مصوبات وزارتی تعیین شده است و هیأت امنای دانشگاه در این خصوص مداخلیتی جز عمل به مصوبات وزارت متبوع نداشته است.

۲- سازمان بازرسی کل کشور در نامه شماره ۶۷۸۶-۱۳۹۷/۱/۲۰ به رئیس دیوان عدالت اداری ادعا نموده‌اند

که: "در ماده ۷ قانون تشکیل هیئت‌های امنا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، تعیین شهریه برای نیمسال اول در شمار وظایف و اختیارات هیأت امنای دانشگاه‌ها پیش‌بینی نشده است". در پاسخ به این ادعا باید گفت اولاً: در بند (و) ماده ۷ قانون مذکور "تصویب نحوه وصول درآمدهای اختصاصی و مصرف آن" جزء وظایف و اختیارات هیأت امنای پیش‌بینی شده است. در همین راستا آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه مصوب ۱۳۹۴/۶/۱۴ در بند ۱۴-۲ خود ضمن تعریف درآمدهای اختصاصی موسسه در بند (ب) ماده ۲۷، انواع و نحوه وصول و مصرف آن‌ها را به دستورالعمل پیوست شماره ۱ آیین‌نامه مذکور ارجاع داده است. در بند (ث) ماده ۱ "دستورالعمل انواع و نحوه وصول و مصرف درآمدهای اختصاصی موضوع بند (ب) ماده ۲۷ آیین‌نامه مالی و معاملاتی" نتایج حاصل از فعالیت‌های آموزشی در زمره درآمدهای اختصاصی موسسه تعیین شده است. بنابراین از آنجا که درآمدهای مذکور بی‌تردید ناشی از فعالیت‌های آموزشی موسسه و دریافت آن نیز در آیین‌نامه‌های آموزشی وزارت علوم و هیأت امنای پیش‌بینی شده است. ادعای خروج مصوبه از اختیارات واضح صحیح به نظر نمی‌رسد. ثانیاً: همان‌گونه که مستحضرید وظایف و اختیارات هیأت امنای دانشگاه‌ها صرفاً در قانون مصوب سال ۱۳۶۷ بیان نشده است بلکه به مرور از سال ۱۳۶۷ به بعد قوانین و مقررات دیگر مانند قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه چهارم و پنجم و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور یا آیین‌نامه‌های وزارتی به‌صورت پراکنده وظایف و اختیاراتی را علاوه بر موارد مندرج در ماده ۷ قانون تشکیل هیئت‌های امنا برای این هیأت‌ها پیش‌بینی نموده‌اند. بنابراین از این منظر نیز ادعای خروج هیأت امنای از محدوده صلاحیت خویش تنها با استناد به ماده ۷ قانون تشکیل هیأت امنای صحیح نمی‌باشد. ثالثاً: سازمان بازرسی کل کشور هم با علم به نکته اخیر در مکاتبه شماره ۲۷۸۱۶۰-۱۳۹۶/۱۲/۱۴ با وزیر علوم، تحقیقات و فناوری صراحتاً به این نکته اشاره می‌نماید که با عنایت به لازم‌الاجرا بودن مصوبات وزارت علوم برای دانشگاه‌ها طبق بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور "تخلف یا جرمی از سوی مسئولین اجرایی دانشگاه (شهید بهشتی) در این خصوص احراز نگردید".

۳- با عنایت به محدودیتهای بودجه‌ای سنوات اخیر سازمان برنامه‌بودجه، بودجه دانشگاه‌ها را بر اساس ظرفیت پذیرش دانشجو و تعداد سنوات مجاز تحصیلی تعیین و به دانشگاه‌ها پرداخت می‌نماید. بنابراین در صورتی که دانشجویی به دلیل حذف برخی دروس، عدم قبولی در درس مربوطه و ضرورت انتخاب مجدد آن به عنوان درس مردودی یا جبرانی موظف به انتخاب مجدد برخی دروس باشد، تأمین بودجه لازم برای دانشجوی مذکور به دانشگاه‌ها تحمیل می‌شود و سازمان مذکور نیز به دلیل تنها یکبار تخصیص بودجه برای دانشجویان روزانه، بودجه اضافه دیگری به دانشگاه تخصیص نخواهد داد به‌عبارت‌دیگر دانشجویان مذکور در انتخاب مجدد واحدهای مذکور، "ظرفیت مازاد بر سهمیه آموزش رایگان" محسوب می‌شوند و دولت جهت اتمام تحصیل آنان بودجه‌ای به دانشگاه پرداخت نمی‌نماید. از این حیث، برخلاف ادعای سازمان بازرسی کل کشور از دید سازمان برنامه‌بودجه موضوع تابع منطق مندرج در بند (ح) ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه کشور می‌باشد و دانشگاه می‌تواند با تصویب هیأت امنای با قیمت تمام شده از دانشجویان مذکور شهریه دریافت نماید.

لذا با توجه به نکات فوق‌الذکر مصوبه هیأت امنای دانشگاه کاملاً در حدود وظایف و اختیارات مرجع واضح بوده و هیچ عملی خلاف قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های آموزشی مصوب و ابلاغی وزارت متبوع در این دانشگاه صورت نگرفته است و با عنایت به تأیید این مراتب در نامه شماره ۲۷۸۱۶۰-۱۳۹۶/۱۲/۱۴ سازمان بازرسی کل کشور به مقام عالی وزارت، صدور رأی مقتضی نسبت به رد شکایت آن سازمان از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری

---

---

و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه مصوبه مورد شکایت مفاداً از مصادیق امور مالی است و مطابق ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی اختیار وضع مصوبه را بدون الزام به لحاظ سایر قوانین و مقررات دارد و رأی شماره ۹۴۵-۱۳۹۶/۹/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز موید همین معنی است، بنابراین مصوبه مورد اعتراض مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وضع نشده است و ابطال نشد./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۲۱ خرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۵۶۷

کلاس پرونده: ۹۰۸/۹۸

**موضوع:** اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری و رای وحدت رویه در خصوص افزایش حقوق بازنشستگی با لحاظ سنوات خدمتی

**شاکي:** آقای مهدی درببین (مدیرکل هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری)

### گردش کار:

برابر ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، در هنگام تعیین حقوق بازنشستگی به کارمندی که بیش از سی سال خدمت دارند به ازای هر سال خدمت مازاد بر سی سال، دو و نیم درصد (۲/۵٪) رقم تعیین شده حقوق بازنشستگی علاوه بر حقوق تعیین شده محاسبه و پرداخت می‌گردد. بر این اساس در پی اعتراض تعدادی از اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران و تقدیم دادخواست به شعب دیوان عدالت اداری مبنی بر اعمال ماده ۱۰۴ قانون مذکور، شعب دیوان عدالت اداری آراء معارضی صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۵۳۵۳۶/۰۰۰۰۹۹۸۰۹۱۰ با موضوع دادخواست آقای حسین آقائی نیا به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری- دانشگاه تهران و به خواسته افزایش حقوق بازنشستگی با لحاظ سنوات خدمتی به موجب دادنامه شماره ۱۲۲۶/۰۰۲۰۹۹۷۰۹۳۰-۹۳۰۹۹۷۰۹۳۰/۱۳۹۳/۹/۲۹ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مطروحه به شرح فوق‌الذکر با توجه به مدارک ابرازی و لایحه دفاعیه طرف شکایت با عنایت به حکم بازنشستگی شماره ۳۴۰۰۰۹۱۰۴-۱۳۸۹/۷/۱۷-مدت خدمت شاکي ۴۶ سال و ۱۱ ماه و ۱۴ روز بوده است و مطابق ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت علمی دانشگاهی در زمان اشتغال تابع آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی و خارج از شمول قانون اخیرالذکر می‌باشند اما در زمان بازنشستگی و از حیث مقررات بازنشستگی به جهت رعایت مواد ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت علمی به دلیل عدم وجود نص خاص در آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی در موارد عام در قانون مذکور مشمول حکم مقرر در ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشند یعنی در هنگام بازنشستگی و تعیین حقوق مربوطه به کارمندی که بیش از ۳۰ سال خدمت دارند به ازای هر سال خدمت مازاد بر سی سال ۲/۵ درصد رقم تعیین شده حقوق بازنشستگی علاوه بر حقوق تعیین شده محاسبه و پرداخت خواهد گردید. علی‌هذا شعبه مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و احراز خدمت مازاد بر سی سال شاکي به مدت ۴۶ سال (بدون احتساب ماههای خدمت کمتر از یک سال)

حکم به ورود شکایت به شرح خواسته مطروحه صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافت.

ب: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۶۱۴۲ با موضوع دادخواست آقای حسن احمدی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری - دانشگاه تهران و به خواسته افزایش حقوق بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۳۶۰۵-۹۱۰۹۹۷/۱۱/۲۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به اوراق و محتویات پرونده و مضمون لوایح دفاعیه مشتکی‌عنهما با توجه به اطلاق ماده ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری در خصوص شمول قانون مذکور در مورد کلیه بازنشستگان وظیفه بگیران یا مستمری بگیران صندوق بازنشستگی کشوری که بین تخصیص حکم ماده ۱۱۷ قانون مذکور می‌باشد و با عنایت به حکم ماده ۱۴ قانون موصوف دایر بر لزوم افزایش حقوق بازنشستگان به میزان ۲/۵ درصد به ازای هر سال حکم به الزام سازمان بازنشستگی به اجرای حکم ماده ۱۰۴ از زمان استحقاق صادر و اعلام می‌گردد. در خصوص شکایت به طرفیت دانشگاه تهران به جهت عدم توجه شکایت به آن دانشگاه به استناد بند ب ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری با لحاظ ماده ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. این رأی بر طبق ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ قطعی است. رأی مذکور به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافت.

ج: شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۱۲۶۵ با موضوع دادخواست آقای ایرج ملک پور به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری - دانشگاه تهران و به خواسته افزایش حقوق بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۳۱۹۸-۹۱۰۹۹۷/۱۲/۲۶ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست شاکی دائر بر صدور حکم بر الزام طرفهای شکایت به افزایش حقوق بازنشستگی در قبال هر سال مزاد بر ۳۰ سال خدمت به میزان ۲/۵ درصد با توضیح اینکه عضو هیأت علمی مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران بوده و در سال ۱۳۵۵ استخدام و در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۵ با ۳۶ سال سابقه خدمت بازنشسته گردیده و حقوق بازنشستگی وی با اعمال مفاد ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و افزایش ۲/۵ درصدی به ازای هر سال خدمت مزاد بر ۳۰ سال برقرار گردیده اما بعد از مدتی از پرداخت ۲/۵ درصد خودداری و حقوق وی را کاهش دادند با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه دفاعیه دانشگاه تهران به شماره فوق‌الذکر مبنی بر اینکه حقوق بازنشستگی نامبرده با احتساب ۲/۵ درصد به ازای هر سال مزاد بر سی سال محاسبه گردید اما سازمان بازنشستگی کشوری به دلیل عدم شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر اعضای هیأت علمی به استناد ماده ۱۱۷ قانون مذکور از تأیید آن امتناع و به ناچار مبادرت به اصلاح احکام صادره و کاهش حقوق وی نمودند و با التفات به مفاد لایحه دفاعیه سازمان بازنشستگی کشوری به شماره مزبور دائر بر اینکه اعضای هیأت علمی از حیث بازنشستگی و وظیفه مشمول مقررات بازنشستگی و وظیفه فصل هشتم قانون استخدام کشوری و اصلاحات بعدی آن بوده و به موجب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری از شمول این قانون خارج هستند و افزایش ۲/۵ درصد فاقد مبنای قانونی بوده است علی‌هذا نظر بر اینکه اعضای هیأت علمی برابر قوانین قبلی از جمله ماده ۳ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ و تبصره ۴ ماده ۲ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰ در قبال سنوات خدمت مزاد بر سی سال از افزایش خاصی بهره‌مند بوده اند و در ماده ۳۴ آیین‌نامه

استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها پیش‌بینی گردیده: در مواردی که آیین‌نامه ساکت باشد تابع قوانین و مقررات عمومی استخدام کشوری هستند و با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری قوانین عمومی قبلی فسخ و قانون مذکور جایگزین قوانین شده است و ماده ۱۰۴ قانون در مانحن فیه حاکمیت می‌یابد و ماده ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری بازنشستگان اعضای هیأت علمی و قضات را مشمول این قانون تلقی نموده و جمع قوانین استنادی دلالت بر اختصاص ماده ۱۱۷ قانون در خروج اعضای هیأت علمی از شمول آن منحصر در اعضای هیأت علمی شاغل خواهد داشت و بازنشستگان مشمول آن باقی خواهند بود از طرفی ماده ۹۹ آیین‌نامه جدید استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پژوهشی و فناوری اصلاحی ۱۳۹۰ افزایش حقوق بازنشستگی به ازای هر سال خدمت مزاد بر ۳۰ سال به میزان ۲/۵ درصد تصویب و تجویز نموده است بنا به مراتب یاد شده شکایت وارد تشخیص و به استناد مواد مذکور و مواد ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم بر الزام طرفهای شکایت به افزایش مجدد حقوق بازنشستگی شاکی به میزان ۲/۵ درصد در قبال هر سال مزاد بر سی سال خدمت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است. رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیّت یافت.

د: شعبه ۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۸۸۴۰ با موضوع دادخواست آقای علیرضا طلائی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری- دانشگاه تهران و به خواسته الزام به افزایش حقوق بازنشستگی به لحاظ سنوات خدمتی مزاد بر ۳۰ سال به میزان ۲/۵ درصد برای هر سال و پرداخت معوقه به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۰۴۱۵-۱۳۹۴/۵/۱۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی به طرفیت مشتکی عنه و به خواسته فوق‌الذکر با التفات به جمیع اوراق پرونده و مفاد دادخواست و دلایل و مدارک پیوست آن و نظر به پاسخ و دفاع طرف اول شکایت و نظر به ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها را از شمول قانون مذکور خارج دانسته است و رأی وحدت رویه شماره ۵۸۷-۱۳۹۰/۱۲/۲۲ هیأت دیوان عدالت اداری نیز مؤید همین مطالب می‌باشد. بنابراین خواسته شاکی مبنی بر افزایش حقوق بازنشستگی مزاد بر ۳۰ سال خدمت برای هر سال به میزان ۲/۵ درصد که مستنداً به ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری تقاضا نموده است با کیفیات موصوف وارد تشخیص نگردید حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره وفق ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری طرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد. در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۲۷۶۸-۱۳۹۴/۱۲/۱۶ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

تجدیدنظرخواهی وارد به نظر می‌رسد زیرا اولاً: ملاحظه احکام مندرج در مواد ۱۰۹ به بعد قانون مدیریت خدمات کشوری مبین تخصیص امتیازاتی برای قضات و هیأت علمی بازنشسته می‌باشد که مفید این استنباط است که استثناء مندرج در ماده ۱۱۷ قانون مزبور ناظر به حقوق و مزایای زمان اشتغال اعضای هیأت علمی و قضات است و آنان پس از بازنشستگی مشمول مقررات قانون مدیریت می‌باشد و از آنجایی که خواسته تجدیدنظرخواه در مرحله بدوی مطالبه مزایایی که مربوط به زمان بازنشستگی است بنابراین مشمول احکام موصوف می‌باشد ثانیاً: گرچه حسب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها از شمول مقررات این قانون خارج و مشمول آیین‌نامه استخدامی خاص خود شده‌اند نظر به اینکه در مورد سنوات خدمت بیش از سی سال در آیین‌نامه مذکور هیچ‌گونه مقرراتی وضع نشده است و بر اساس ماده ۳۴ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی در مورد سکوت در باب بازنشستگی باید از مقررات عام استخدامی جهت تعیین تکلیف استفاده نمود بنابراین چون قانون مدیریت خدمات کشوری قانون عام استخدامی بوده و بر مبنای ماده

۱۰۴ قانون مذکور در هنگام تعیین حقوق بازنشستگی به کارکنانی که بیش از ۳۰ سال خدمت دارند به ازاء هر سال خدمت مزاد بر ۳۰ سال باید دو و نیم درصد رقم تعیین شده حقوق بازنشستگی علاوه بر حقوق تعیین شده محاسبه و پرداخت شود بنابراین ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته حکم به ورود شکایت و الزام طرفهای شکایت به افزایش حقوق بازنشستگی شاکی با لحاظ سنوات خدمتی مزاد بر سی سال به میزان ۲/۵ درصد بر مبنای ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت حقوق معوقه از تاریخ بازنشستگی تا زمان اجرای حکم صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ه: شعبه ۲۱ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۹۳۹۵ با موضوع دادخواست آقای جواد فرهودی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری و به خواسته اعتراض به کاهش حقوق بازنشستگی و درخواست الزام خوانده به اجرا و اعمال حکم ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۱/۳/۸-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۲۱۰۰۶۱۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه حسب بند (ج) ماده ۲ قانون استخدام کشوری، اعضای هیأت علمی از نظر استخدامی تابع مقررات خاص خود می‌باشند و در ماده ۳۴ آیین‌نامه استخدامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اعضاء هیأت علمی جز در مواردی که در این آیین‌نامه تصریح شده از لحاظ مقررات بازنشستگی و حقوق و مزایای آن تابع قوانین بازنشستگی مستخدمین رسمی کشوری می‌باشند و با در نظر گرفتن اینکه در آیین‌نامه فوق‌الاشعار پیش‌بینی مقرراتی در باب سنوات خدمت بیش از سی سال و نحوه محاسبه سنوات بیش از سی سال نشده است لذا در اجرای آیین‌نامه فوق‌الذکر اعضاء هیأت علمی می‌توانند از مقررات مستخدمین رسمی کشوری در باب حقوق بازنشستگی بیش از سی سال استفاده نمایند و با امعان نظر به اینکه قانون استخدام کشوری با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری فسخ شده است و توجهاً به اینکه در ماده ۱۰۴ قانون اخیر الذکر پیش‌بینی نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی در سنوات بیش از سی سال شده است و بر اساس آن در هنگام تعیین حقوق بازنشستگی به کارمندانی که بیش از سی سال خدمت دارند به ازای هر سال خدمت مزاد بر سی سال دو و نیم درصد رقم تعیین شده حقوق بازنشستگی علاوه بر حقوق تعیین شده محاسبه و پرداخت شود امور نظام‌های جبران خدمت معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور نیز طی نامه شماره ۳۲۲/۱۳۷۷۲۹-۱۳۸۹/۱/۱ خطاب به مدیرکل امور فنی سازمان بازنشستگی کشوری اعلام کرده اعمال ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد اعضاء هیأت علمی که پیش از سی سال خدمت نموده‌اند در محاسبه بازنشستگی بلا اشکال و منطبق با مقررات قانونی بوده و قانوناً نیز سازمان بازنشستگی کشوری مکلف به تبعیت از نظر معاونت فوق‌الذکر می‌باشد علی‌هذا حکم به ورود شکایت و الزام سازمان بازنشستگی کشوری به اجراء و اعمال ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره در اجرای ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ قطعی و لازم‌الاجرا است.

رأی مذکور به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعیت یافت.

و: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۰۸۰۴ با موضوع دادخواست آقای عبدالرسول فروزانی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اعمال و محاسبه ۲/۵ درصد به ازاء هر سال خدمت مزاد بر ۳۰ سال از سوی بازنشستگی و دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به موجب دادنامه شماره ۳۲۶-۳۰۰۳۰۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۹۳۲/۲/۱۳-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۰۳۲۶ به شرح زیر رأی صادر کرده است: از توجه به جمعی اوراق پرونده و دفاعیات مشتکی‌عنهما نظر به اینکه مطابق سیاق موادی از قانون مدیریت

خدمات کشوری که مربوط به دوره بازنشستگی است از جمله مواد ۱۰۹ به بعد استثناء موضوع ماده ۱۱۷ قانون یاد شده ناظر به زمان اشتغال اعضاء هیأت علمی بوده و با توجه به درج عنوان اعضاء هیأت علمی در موادی از قانون که مراجع [ارجاع] به بازنشستگی است این مقررات از جمله حکم موضوع ۱۰۴ شامل حال شاکی می‌گردد در نتیجه حکم به ورود شکایت شاکی و الزام خواندگان به اقدام در مورد حکم ماده قانونی موصوف در حق شاکی صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۳/۱۰/۱۶-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۶۳۹ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

نظر به اوراق پرونده و ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها را از شمول قانون مذکور خارج نموده استدلال شعبه بدوی صادر کننده رأی مبنی به این که خروج اعضای هیأت علمی از قانون مذکور ناظر به زمان اشتغال بوده و نه زمان بازنشستگی موجه نمی‌باشد چرا که اساس مقرر ماده ۱۰۳ قانون مذکور در مورد اعمال محاسبه دو و نیم درصد به ازای هر سال مازاد بر سی سال ناظر به زمان بازنشستگی است بنابراین استدلال مذکور مخدوش می‌باشد با توجه به ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و مفاد ماده ۳ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ و مفاد رأی شماره ۵۸۷-۱۳۹۰/۱۲/۲۲-هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تجدیدنظرخواهی از دادنامه تجدیدنظر خواسته دارد و ضمن نقض آن حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره قطعی است.

ز: شعبه ۴۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۴۰۰۸۰۱ با موضوع دادخواست آقای ایرج ملک محمدی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری و به خواسته الزام طرف شکایت به افزایش حقوق بازنشستگی با لحاظ سنوات خدمتی مازاد بر ۳۰ سال به میزان ۲/۵ درصد برای هر سال بر مبنای ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۰۱۸-۱۳۹۵/۱۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با بررسی مندرجات اوراق پرونده و مراتب مذکور در گردش کار و ملاحظه مستندات طرفین شکایت و با احراز اینکه شاکی عضو هیأت‌تعلیمی دانشگاه تهران بوده است با قبول مفاد لایحه دفاعیه و مستندات قانونی مذکور در آن و استدلال به عمل آمده، نظر به اینکه به استناد ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضاء هیأت علمی از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری خارج بوده و در نتیجه ماده ۱۰۴ قانون مذکور نیز شامل آنان نمی‌شود و دادنامه شماره ۵۸۷-۱۳۹۰/۱۲/۲۲-هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز صراحتاً اعضای هیأت علمی را از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنی کرده است و به لحاظ اینکه قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ در خصوص اعضای هیأت علمی مورد عمل می‌باشد و حقوق بازنشستگی آنان بر اساس امتیاز ردیف آخرین مرتبه علمی و بر اساس ۳۰ سال سنوات خدمت محاسبه و پرداخت می‌گردد و شاکی نیز با مرتبه علمی "استاد" بازنشسته شده است و بر همین مبنا حقوق بازنشستگی وی پرداخت می‌شود الزام قانونی بر اجابت خواسته و اعمال ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد نامبرده وجود ندارد علی‌هذا شکایت غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۲۵۵۸-۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۲۵۵۸-۱۳۹۶/۸/۲۷-شعبه ۲۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تائید شده است.

ح- شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۲۵۷۰ با موضوع دادخواست خانم نسرین فریدونی به وکالت از آقای سعید واعظ به طرفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دانشگاه شهید بهشتی تهران) - سازمان بازنشستگی کشوری و به خواسته افزایش حقوق نسبت به مدت مازاد بر ۳۰ سال خدمت به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۰/۱۱/۸-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۳۴۵۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست شاکی دایر بر صدور حکم بر الزام طرفهای شکایت به افزایش حقوق و مزایای قانونی موضوع مواد ۱۰۴ و ۱۰۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ به میزان ۲/۵ درصد مربوط به ۶ سال و ۵ ماه خدمت مازاد بر ۳۰ سال خدمت با این توضیح که موکل در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱ با مدت ۳۶ سال و ۵ ماه خدمت و با سمت استاد تمامی از دانشگاه شهید بهشتی تهران بازنشسته شده است با توجه به مندرجات اوراق پرونده و مفاد لوائح دفاعیه طرفهای شکایت به شماره‌های مذکور نظر به اینکه طبق صراحت ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها و ... از شمول قانون مزبور مستثنی شده‌اند و موکل شاکی نیز عضو هیأت علمی دانشگاه بوده است علی‌هذا الزام قانونی بر اجابت خواسته وجود ندارد شکایت غیر وارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم به رد دادخواست صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: با توجه به اینکه اولاً: به موجب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، اعضاء هیأت علمی از شمول مقررات قانون مذکور خارج هستند لذا به جز مواردی که به‌طور خاص حکمی را برای اعضاء هیأت علمی مقرر کرده سایر مقررات آن در مورد اعضاء هیأت علمی قابل اعمال نیست. توضیحاً اینکه بازنشستگی اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها کماکان مشمول ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ می‌باشد که مقرر کرده: "محدودیت حداکثر پرداخت در حقوق بازنشستگی و وظیفه حذف می‌گردند و درهرحالت معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی که ملاک کسور بازنشستگی است در دو سال آخر خدمت با اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی مبنای تعیین حقوق بازنشستگی یا وظیفه خواهد بود." درحالی‌که حقوق بازنشستگان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری ماده ۱۰۴ قانون مذکور بر آن‌ها اعمال می‌شود. ضمناً مشمول دریافت حداکثر حقوق موضوع ماده ۷۶ این قانون نیز می‌باشد. ثانیاً: افزایش ۲/۵ درصد به حقوق بازنشستگی کارمندان که بیش از سی سال خدمت دارند موضوع ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، یک حکم خاص در خصوص مشمولین قانون مدیریت خدمات کشوری است که با رعایت ماده ۱۰۳ بازنشسته شده‌اند و تعمیم آن به سایر کارکنان خارج از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری مستلزم صراحت قانون است و به غیر از قانون‌گذار، هیچ مرجع دیگری از جمله هیأت امنای دانشگاه‌ها صلاحیت وضع مقرره ای را ندارد که بدون تأمین اعتبار، بار مالی بر صندوق های بازنشستگی تحمیل کند و بند ۳ ماده ۲۶ و بند ت ماده ۲۲۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ و مواد متناظر آن در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین مربوطه بر این امر تأکید دارند. ثالثاً حکم مقرر در مواد ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری متفاوت از حکم مقرر در ماده ۱۰۴ قانون مذکور است. توضیحاً اینکه قانون‌گذار در ماده ۱۰۹ در یک حکم خاص برای آن دسته از بازنشستگانی که تا سال ۱۳۸۵ بازنشسته یا از کار افتاده و یا فوت کرده‌اند افزایشی را در حقوق بازنشستگی آن‌ها در صورتی که حقوقشان کمتر از حاصل ضرب ضریب ریالی دریافتی آن‌ها که با توجه به شاخص هزینه زندگی در لایحه بودجه سالیانه پیش‌بینی شده می‌باشد، مقرر داشته است و این امر به افرادی که پس از سال ۱۳۸۵ بازنشسته شده‌اند و مشمول ماده ۱۰۴ قانون هستند ارتباطی ندارد و نحوه محاسبه آن نیز کاملاً متفاوت با روش محاسبه در ماده ۱۰۴ قانون مذکور است. ماده ۱۱۰ قانون مذکور نیز که مربوط به بازنشستگان، موظفین یا مستمری بگیران اعضای هیأت علمی و قضات بازنشسته، از کارافتاده و فوت شده در زمان تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد، در صدد انطباق حقوق این افراد با ماده ۱۰۹ قانون یاد شده و افزایش آن در صورتی که مبلغ آن کمتر از حاصل ضرب ضریب ریالی موضوع ماده ۱۰۹ بوده است، می‌باشد و اساساً ارتباطی به تعیین حقوق بازنشستگان بعد از لازم‌الاجرا شدن قانون مدیریت خدمات کشوری ندارد. بنا به مراتب آراء صادر شده مبنی بر رد شکایت شاکیان به شماره ۳۴۵۴/۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۴-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۸/۱۱/۸-۱۳۹۰/شعبه ۴، ۳۹۰۰۶۳۹-۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶-۱۳۹۳/۱۰/۱۶ شعبه ۱۰ تجدیدنظر، ۱۸-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۰۱۱-۱۳۹۵/۱۱/۷-شعبه ۴۴ بدوی که به شرح دادنامه شماره ۲۵۵۸/۹۵۶۰۰۲۵۵۸-۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶-۱۳۹۶/۸/۲۷-شعبه ۲۷ تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفته است صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ: ۲۱ خرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۵۱۱

کلاس پرونده: ۱۵۸۵/۹۷

**موضوع:** عدم ابطال ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۹/۳/۲ هیأت وزیران (درخصوص ممنوعیت اشتغال به کار با اشعه برای کسانی که به موجب آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه بازنشسته شده اند)

شاکي: آقای مرتضی اشرفی

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۹/۳/۲ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با عرض ادب به استحضار می‌رساند: قانون‌گذار طبق بند ۳ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰ مصوب نموده است که کسانی که به کار با اشعه اشتغال دارند بتوانند با افزایش خدمت مورد قبول تا یک سال به ازای هر سال کار با اشعه حداکثر این افزایش تا ده سال و منحصرأ از نظر بازخرید یا بازنشستگی از کارافتادگی و تعیین حقوق وظیفه از مزایای بازنشستگی استفاده کنند. هیأت وزیران بر خلاف متن قانون و برخلاف اختیارات قانونی و آنچه مورد نظر قانون‌گذار بوده است، طبق ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۹/۳/۲ مصوب نموده است که "هر شخصی که بر اساس مفاد مقررات این آیین‌نامه بازنشسته می‌گردد مجاز به اشتغال مجدد به کار با اشعه نخواهد بود." درحالی‌که این قید در متن قانون ذکر نشده و قانون‌گذار هیچ شرطی برای بازنشسته شدن و استفاده از مزایای آن وضع نکرده است ولی مصوبه هیأت وزیران موجب شده که افرادی که با استفاده از بند سوم ماده ۲۰ قانون پیش گفته به افتخار بازنشستگی نائل شده‌اند نتوانند مجدداً در سایر بخشها کار کنند و حتی سازمان انرژی اتمی به استناد ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی، اجازه مسئولیت فنی بخش‌های رادیولوژی را به افراد بازنشسته نمی‌دهد و آن‌ها را از حق قانونی محروم می‌کند. به عبارت دیگر اگر یک پزشک رادیولوژیست با استفاده از ماده ۲۰ قانون، چند سالی زودتر بازنشسته شود تا پایان عمر باید بیکار بماند و نه تنها اجازه ندارد با اشعه کار کند. حتی اجازه ندارد مسئولیت فنی بخش رادیولوژی را بر عهده بگیرد. درست مانند اینکه بگوییم پرستاری که با استفاده از مزایای سختی کار زودتر بازنشسته شده تا پایان عمر، حق اشتغال به پرستاری و حتی حق مدیریت پرستاری را ندارد. لذا مستدعی است نسبت به ابطال ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۹/۳/۲ اقدام گردد."

متن آیین‌نامه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

" آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۳/۲ بنا به پیشنهاد شماره ۳۰/۳۲۳۵۲-۱۳۶۸/۹/۸ سازمان انرژی اتمی ایران آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ را به شرح زیر تصویب نمود:  
"ماده ۲۱- هر شخصی که بر اساس مفاد مقررات قانون و این آیین‌نامه بازنشسته می‌گردد، مجاز به اشتغال مجدد به کار با اشعه نخواهد بود."

علی‌رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضمائم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.  
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

#### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸ یک قانون حمایتی محسوب شده و در جهت حفظ سلامت افراد در کار با اشعه وضع شده است و مصوبه مورد شکایت نیز همسو با روح قانون مذکور کار با اشعه را برای افرادی که به همین دلیل پیش از موعد و با ارفاق بازنشسته شده‌اند منع کرده است، بنابراین ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه مغایرتی با قانون ندارد و در نتیجه ابطال نشد.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۲۱ خرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۵۱۲

کلاس پرونده: ۹۷/۸۹۹

**موضوع:** ابطال بند ۲ نامه شماره ۱۳۹۴/۸/۲۷-۵/۲۰۹/۴۹۶۹ اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص ساعات کار بخش‌های دولتی و غیردولتی در نوبت‌های شب و ایام تعطیل)

**شاکي:** آقای صلاح الدین بهزادی

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۲ نامه شماره ۱۳۹۴/۸/۲۷-۵/۲۰۹/۴۹۶۹ اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

احتراماً به پیوست تصویر بخشنامه سرپرست اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شماره ۱۳۹۴/۸/۲۷-۵/۲۰۹/۴۹۶۹ با موضوعیت مغایرت با مواد ۲ و ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب مجلس شورای اسلامی که در آن عنوان نموده ضریب یک و نیم ایام شب و تعطیل موضوع ماده ۳ قانون ارتقای بهره‌وری و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور از ساعات موظف تعیین شده در بند ۱ نامه فوق کسر نمی‌گردد از حیث قانونی مغایر با بند ۳ قانون ارتقای بهره‌وری و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون بوده در نص صریح قانونی کاهش ساعات کاری ناشی از سابقه تا ۸ ساعت تقلیل در هفته تصریح گردیده و ضرایب ۱/۵ شب کاری و ۱/۲ ناشی از ماده آیین‌نامه اجرایی قانون نیز تصریح گردیده است و عملاً شیفتهای موظف ماهانه را مشمول ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی و ۳ قانون از حیث ضرایب شامل ندانسته و ضرایب را فقط به اضافه کار تعمیم داده و آن را مختص ساعات موظفی ماهیانه ندانسته لذا با توجه به اینکه مغایر با نص صریح قانونی و آیین‌نامه اجرایی آن در هر دو مورد می‌باشد. ضرایب ۱/۵ ناشی از شب کاری و ۱/۲ عصر کاری را در شیفت موظفی مغفول گذاشته است تقاضای ابطال بخشنامه فوق مورد استدعا می‌باشد."

متعاقباً آقای صلاح الدین بهزادی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۷-۸۹۹-۱-۱۳۹۷/۸/۶ ثبت دفتر هیأت عمومی شده است اعلام کرده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

احتراماً در خصوص پرونده شماره ۹۷۰۰۸۹۹ (مانحن فیه ابطال بخشنامه ۱۳۹۴/۸/۲۷-۵/۲۰۹/۴۹۶۹ به استحضار می‌رساند:

۱- آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقای بهره‌وری توسط هیأت وزیران در مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ به تصویب رسیده است.  
۲- هیأت وزیران به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کار و رفاه و تأمین اجتماعی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سازمان نظام پرستاری، سازمان نظام پزشکی آیین‌نامه اجرایی فوق را تصویب نموده است.

۳- سرپرست اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خارج از وظایف و حدود اختیارات اقدام به اضافه نمودن قید حذف ضرایب ۱/۵ شب کاری ناشی از مواد ۲ و ۵ آیین‌نامه اجرایی و ضرایب ناشی از سابقه در خصوص شیفت موظفی نموده است و قانون‌گذار هیچ‌گونه قیدی در جهت عدم اجرای قانون ارتقای بهره‌وری در خصوص شیفت موظفی تعیین ننموده است و مغایر با بند ۱ و ۳ قانون و ۲ و ۵ آیین‌نامه اجرایی عمل نموده است. " متن مقرر در مورد اعتراض به شرح زیر است:

" جناب آقای دکتر شهرامی

مشاور و معاون محترم اجرایی معاونت درمان

موضوع بازگشت به نحوه اعمال قانون ارتقاء بهره‌وری در محاسبه ساعت موظف و غیر موظف گروه پرستاری

سلام‌علیکم

احتراماً بازگشت به نامه شماره ۴۰۰/۱۹۷۷۹-د ۱۳۹۴/۸/۴ در خصوص نحوه محاسبه ساعات موظف افراد در

اجرای قانون ارتقای بهره‌وری به استحضار می‌رساند:

۱- .....

۲- ضریب ۱/۵ ایام شب و تعطیل موضوع ماده ۳ قانون ارتقای بهره‌وری و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور از ساعات موظف تعیین شده در بند ۱ این نامه کسر نمی‌گردد. بلکه در کارکرد ماهانه فرد ثبت شده و در ساعات کار غیر موظف محاسبه می‌شود بدین ترتیب فرد مورد بحث در بند ۱ چنانچه در ماه مورد نظر دو شیفت شب انجام داده باشد ۱۴ ساعت کار ناشی از اعمال ضریب ۱/۵ برای وی در ساعات غیر موظف مورد محاسبه قرار می‌گیرد. سرپرست اداره کل منابع انسانی "

در پاسخ به شکایت مذکور، دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (معاونت حقوقی و امور مجلس) به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۹۵-۱۳۹۸/۱/۳۱-۱ توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده شماره بایگانی ۹۳۷۳۷ موضوع شکایت آقای صلاح الدین بهزادی سام به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۸/۲۷-د/۲۰۹/۴۹۶۹-د/۲۰۹/۴۹۶۹ سرپرست وقت اداره کل منابع انسانی مراتب ذیل به استحضار می‌رسد: شاکي وفق دادخواست تقدیمی ادعا نموده بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۸/۲۷-د/۲۰۹/۴۹۶۹ سرپرست وقت اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت که برابر آن ضریب یک و نیم شب و ایام تعطیل موضوع بند ۳ قانون ارتقاء بهره‌وری و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون از ساعات موظف تعیین شده در بند ۱ بخشنامه مذکور کسر نمی‌گردد مغایر ماده ۳ قانون و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی مربوطه بوده و بر این اساس متقاضی ابطال بخشنامه گردیده است. به موجب بند ۳ قانون ارتقاء بهره‌وری، دولت می‌تواند ساعات کار بخش‌های دولتی و غیردولتی در نوبت‌های شب و ایام تعطیل را با ضریب ۱/۵ و در نوبت عصر با ضریب ۱/۲ محاسبه نماید و همچنین مشمولین این ماده اجازه کار بیش از دوازده ساعت متوالی را ندارند و می‌توانند حداکثر معادل نصب ساعت کار موظف ماهانه، با توافق کارفرما اضافه کار انجام دهند.

ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره‌وری نیز مقرر می‌دارد ساعات کار کارکنان بالینی در بخش‌های دولتی

و غیردولتی در نوبت های شب و ایام تعطیل با ضریب (۱/۵) محاسبه می‌گردد. مشمولین این ماده اجازه کار بیش از دوازده ساعت متوالی را نداشته و می‌توانند در صورت نیاز ماهانه حداکثر (۸۰) ساعت بر اساس دستورالعمل ماده ۲ آیین‌نامه با توافق کارفرما اضافه‌کاری انجام دهند. با اعمال این ضریب هیچ یک از کارکنان مجاز به صرف زمان جهت خوابیدن در طی شیفت‌های شب و ایام تعطیل نمی‌باشند. همان‌گونه که استحضار دارید برابر بند ۱ ماده واحده قانون ارتقاء بهره‌وری، ساعت کار هفتگی شاغلین موضوع این قانون با توجه به صعوبت کار، سابقه خدمت و کار در نوبت کاربهای غیرمتعارف، به تناسب در هفته حداکثر تا هشت ساعت تقلیل می‌یابد. همچنین وفق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور میزان ساعات کار کارکنان مشمول آیین‌نامه ۴۴ ساعت در هفته می‌باشد و با توجه به صعوبت کار، سابقه خدمت و کار در نوبت کارهای غیر متعارف طبق دستورالعملی که به تفکیک مشاغل و نوع فعالیت توسط وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تعیین و ابلاغ می‌گردد، حداکثر تا هشت ساعت در هفته تقلیل می‌یابد. این دستورالعمل در بخش‌های دولتی و غیردولتی لازم‌الاجرا خواهد بود.

بنابراین از آنجا که سقف تقلیل ساعت کار بر اساس قانون حداکثر ۸ ساعت در هفته اعلام شده است حداکثر ۸ ساعت مذکور در ساعات موظفی کارمند مشمول قانون قابل احتساب بوده و امکان کسر ضریب ۱/۵ شب و ایام تعطیل از ساعات موظف تعیین شده وجود نخواهد داشت بلکه در کارکرد ماهانه فرد ثبت شده و ساعات کار غیر موظف محاسبه می‌گردد. در غیر این صورت مشمولین ساعت موظفی خود را صرفاً با چند شیفت شب و تعطیل تکمیل می‌نمایند که این کار نقض غرض خواهد بود. بر این اساس تصویر نامه شماره ۱۳۹۸/۱/۲۷-د/۲۰۹/۳۴۶ اداره کل منابع انسانی وزارتخانه نیز جهت استحضار و بهره‌برداری ایفاد می‌گردد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه بند ۳ قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب سال ۱۳۸۸ مقرر کرده است که "دولت می‌تواند ساعات کار بخش‌های دولتی و غیردولتی در نوبت های شب و ایام تعطیل را با ضریب ۱/۵ و در نوبت عصر با ضریب ۱/۲ محاسبه نماید..." و بین کسانی که ساعات موظفی خود را در نوبت های فوق‌الاشاره اشتغال به کار دارند و یا کسانی که در ساعات غیر موظف (در قالب اضافه کار) انجام وظیفه می‌کنند، تفاوتی قائل نشده است، بنابراین از آنجایی که در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، هیأت وزیران دستگاه‌های مجری را مکلف کرده که ساعات کار کارکنان بالینی در بخش‌های دولتی و غیردولتی در نوبت های شب و ایام تعطیل را با ضریب ۱/۵ محاسبه کند و لفظ (می‌تواند) در بند ۳ قانون موصوف به موجب ماده ۵ آیین‌نامه مذکور از حالت اختیار خارج و افاده تکلیف می‌کند، بنابراین بند ۲ بخشنامه مورد شکایت در مقید کردن ضرایب فوق‌الاشاره به اضافه کار برخلاف اطلاق ماده ۳ قانون یاد شده بوده و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود./

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

امور دارویی، مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، سرم و فراورده های بیولوژیک -  
بهداشت مواد خوردنی و آشامیدنی  
بودجه و امور مالی - تعرفه ها و هزینه های بهداشتی - درمانی

تاریخ: ۲۸ خرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۵۸۴-۵۸۳

کلاس پرونده: ۹۷۶/۹۷، ۸۲۵/۹۷

موضوع: درخواست ابطال دستورالعمل نحوه اجرای خود کنترلی و خود اظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی و دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

شاکي: ۱- اتحادیه فروشندگان مواد غذایی و پروتئینی شهرستان ملارد ۲- اتحادیه صنف آرایشگران مردانه شهرستان ملارد

### گردش کار:

الف) اتحادیه فروشندگان مواد غذایی و پروتئینی شهرستان ملارد به موجب شکایت نامه شماره ۱۳۹۶/۱۲/۱۲-۴/۱۳/۲۳۴۶/۶۹ ابطال دستورالعمل نحوه اجرای خود کنترلی و خود اظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی با کد ۱۸۰۳۹۲۰۳، دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی با کد شماره ۱۸۰۳۹۲۱۲ و نامه شماره ۳۰/۳۱۵۶-۱۳۹۵/۱۱/۶-۳۰/۳۱۵۶ معاون [وقت] بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

با عرض مطالب ذیل الذکر در اجرای ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری و اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی از آن جهت که مصوبات دستورالعمل نحوه اجرای خود کنترلی و خود اظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی به شماره ۱۸۰۳۹۲۰۳ و دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی به شماره ۱۸۰۳۹۲۱۲ و نامه شماره ۳۰/۳۱۵۶-۱۳۹۵/۱۱/۶-۳۰/۳۱۵۶ معاونت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به همراه لیست هزینه های تعریفی برای خدمت دفاتر خدمات بهداشتی وزارت بهداشت بر خلاف نص صریح قانون مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی می باشد. ضمن درخواست ابطال دستورالعمل های مذکور با عنایت به آن که اجرای مفاد دستورالعمل های یاد شده شامل تحمیل هزینه برای متصدیان واحد صنفی مرتبط با شبکه بهداشت و درمان زیر مجموعه اتحادیه های صنفی تحت پوشش اتاق اصناف شهرستان می نماید. وفق ماده ۳۴ قانون دیوان عدالت اداری صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای دستورالعمل های مذکور تا صدور رأی نهایی نیز را صادر فرمایید.

۱- مطابق بند ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله

وظایف ذاتی وزارت بهداشت تأمین بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آن از طریق اجرای برنامه‌های بهداشتی خصوصاً در زمینه بهداشت محیط می‌باشد.

۲- قانون مواد خوردنی و آشامیدنی مشتمل به ۱۸ ماده است که ماده ۱۳ آن نحوه کنترل و برخورد با متخلفین مراکز تهیه، توزیع نگهداری، فروش و حمل و نقل مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و اماکن عمومی مشخص می‌سازد و مطابق ماده مذکور این امر می‌باید توسط مامور وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام پذیرد و مطابق تبصره ۳ ماده صدرالاشاره تدوین آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ مواد خوردنی و آشامیدنی نیز بر عهده وزارت بهداشت می‌باشد. با عنایت به مواد مطروحه اجرای ماده ۱۳ قانون خوردنی و آشامیدنی بر اساس آیین‌نامه اجرایی آن که به تصویب وزارت بهداشت می‌رسد بر عهده وزارت بهداشت می‌باشد که این امر متأسفانه در دستورالعمل‌های مورد شکایت با مضمون خود کنترلی و خوداظهاری بر مبنای سه روش توسط وزارت بهداشت به متصدی واحد صنفی تبدیل شده است که در همه این روشها متصدی ملزم به پرداخت هزینه یا به مشاورین بهداشت و یا به دفاتر خدمات بهداشتی می‌باشد این در حالی است که از یک سو برخلاف دستورالعمل نحوه اجرای خودکنترلی و خوداظهاری مصوب وزارت بهداشت به هیچ وجه امکان استفاده از مشاورین بهداشت توسط اتحادیه‌های صنفی و متصدی واحد صنفی وجود ندارد و بالاجبار می‌باید فقط با دفاتر خدمات بهداشتی قرارداد منعقد گردد و از سوی دیگر میزان هزینه خدمات توسط وزارت بهداشت به دفاتر خدمات بهداشت اعلام شده است که تعیین میزان مبالغ پرداختی بسیار بالاتر بوده و در اخذ تصویب آن چه مبنا و چه قانونی استناد گردیده مشخص نمی‌باشد."

ب) اتحادیه صنف آرایشگران مردانه شهرستان ملارد به موجب دادخواستی ابطال دستورالعمل نحوه اجرای خود کنترلی و خود اظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی با کد ۱۸۰۳۹۲۰۳، دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی به شماره ۱۸۰۳۹۲۱۲ و نامه شماره ۳۰۰/۳۱۵۶-۱۳۹۵/۱۱/۶ معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" سلام علیکم: احتراماً به استحضار می‌رساند این‌جانب با مشخصات فوق‌الذکر تقاضای ابطال مصوبه و دستورالعمل مذکور از وزارت بهداشت را خواهانم و همچنین وفق مواد ۳۴ و ۳۵ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای صدور دستور موقت را جهت جلوگیری از هرگونه عملیات اجرایی را خواهانم با صدور رأی قطعی و نهایی دیوان عدالت اداری وفق دلایل و استنادات ذیل:

در ابتدا اینکه دستورالعمل مذکور از وزارت بهداشت برخلاف نص صریح قانون مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی می‌باشد چرا که مطابق بند ۲ ماده ۱ قانون وظایف بهداشت، از جمله وظایف ذاتی وزارت بهداشت، تأمین بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آن از طریق اجرای برنامه‌های بهداشتی خصوصاً در زمینه بهداشت محیط می‌باشد. همچنین وفق قانون مواد خوردنی و آشامیدنی مشتمل بر ۱۸ ماده می‌باشد که ماده ۱۳ قانون مزبور، نحوه کنترل و برخورد با تلفیق مراکز تهیه و توزیع را مشخص می‌سازد و مطابق ماده مذکور این امر می‌بایست توسط مامور وزارت بهداشت انجام پذیرد و مطابق تبصره ۳ ماده مذکور، تدوین آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ بر عهده وزارت بهداشت می‌باشد که این امر متأسفانه در دستورالعمل‌های وزارت بهداشت اجرا گردیده و توسط اتحادیه‌های صنفی صورت می‌گیرد و اجباراً می‌باید فقط با دفاتر خدمات بهداشتی قرارداد منعقد گردد که تأمین مبالغ پرداختی بسیار بالا می‌باشد که موجبات لطمات و آسیبهای فراوانی را به ملت فراهم کرده است و باعث تضییع حق و حقوق ملت خواهد گردید، چرا که این اقدام هزینه‌های مالی بی‌اساس و غیر موجه را بر خانواده ها تحمیل خواهد کرد، حال با توجه به این اوصاف از حضور آن مقام تقاضای رسیدگی و ابطال دستورالعمل مذکور

را خواهانم، خواهشمندم اقدامات مربوطه در این خصوص مبذول فرمایید."

متن لایحه تکمیلی به قرار زیر است:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

با عرض مطالب ذیل الذکر در اجرای ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری و اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی از آن جهت که مصوبات دستورالعمل نحوه اجرای خود کنترلی و خوداظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی به شماره ۱۸۰۳۹۲۰۳ و دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی به شماره ۱۸۰۳۹۲۱۲ و نامه شماره ۳۰۰/۳۱۵۶-۱۳۹۵/۱۱/۶ معاونت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به همراه لیست هزینه‌های تعریفی برای خدمت دفاتر خدمات بهداشتی وزارت بهداشت بر خلاف نص صریح قانون مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی می‌باشد. ضمن درخواست ابطال دستورالعمل‌های مذکور با عنایت به آن که اجرای مفاد دستورالعمل‌های یاد شده شامل تحمیل هزینه برای متصدیان واحد صنفی مرتبط با شبکه بهداشت و درمان زیرمجموعه اتحادیه‌های صنفی تحت پوشش اتاق اصناف شهرستان می‌نماید. وفق ماده ۳۴ قانون دیوان عدالت اداری صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای دستورالعمل‌های مذکور تا صدور رأی نهایی نیز را صادر فرمایید.

۱- مطابق بند ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله وظایف ذاتی وزارت بهداشت تأمین بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آن از طریق اجرای برنامه‌های بهداشتی خصوصاً در زمینه بهداشت محیط می‌باشد.

۲- قانون مواد خوردنی و آشامیدنی مشتمل به ۱۸ ماده است که ماده ۱۳ آن نحوه کنترل و برخورد با متخلفین مراکز تهیه، توزیع نگهداری، فروش و حمل و نقل مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و اماکن عمومی مشخص می‌سازد و مطابق ماده مذکور این امر می‌باید توسط مامور وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام پذیرد و مطابق تبصره ۳ ماده صدرالاشاره تدوین آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ مواد خوردنی و آشامیدنی نیز بر عهده وزارت بهداشت می‌باشد.

با عنایت به مواد مطروحه اجرای ماده ۱۳ قانون خوردنی و آشامیدنی بر اساس آیین‌نامه اجرایی آن که به تصویب وزارت بهداشت می‌رسد بر عهده وزارت بهداشت می‌باشد که این امر متأسفانه در دستورالعمل‌های مورد شکایت با مضمون خود کنترلی و خوداظهاری بر مبنای سه روش توسط وزارت بهداشت به متصدی واحد صنفی تبدیل شده است که در همه این روشها متصدی ملزم به پرداخت هزینه یا به مشاورین بهداشت و یا به دفاتر خدمات بهداشتی می‌باشد این در حالی است که از یک سو برخلاف دستورالعمل نحوه اجرای خودکنترلی و خوداظهاری مصوب وزارت بهداشت به هیچ‌وجه امکان استفاده از مشاورین بهداشت توسط اتحادیه‌های صنفی و متصدی واحد صنفی وجود ندارد و بالاچار می‌باید فقط با دفاتر خدمات بهداشتی قرارداد منعقد گردد و از سوی دیگر میزان هزینه خدمات توسط وزارت بهداشت به دفاتر خدمات بهداشت اعلام شده است که تعیین میزان مبالغ پرداختی بسیار بالاتر بوده و در اخذ تصویب آن چه مبنا و چه قانونی استناد گردیده مشخص نمی‌باشد."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۷۵۴-۱۳۹۷/۵/۹ توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۷۰۰۸۲۵ موضوع شکایت اتحادیه آرایشگران مردانه ملارد به خواسته ابطال دستورالعمل نحوه اجرای خودکنترلی و خوداظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی با کد شماره ۱۸۰۳۹۲۰۳ و دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی با کد شماره ۱۸۰۳۹۲۱۲ و نامه شماره ۳۰/۳۱۵۶-۱۳۹۵/۱۱/۶ معاون وقت وزارت بهداشت مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- شاکی وفق دادخواست تقدیمی ادعا کرده است قانون مواد خوردنی و آشامیدنی مشتمل بر ۱۸ ماده است که ماده ۱۳ آن نحوه کنترل و برخورد با متخلفین مراکز تهیه و توزیع و نگهداری، فروش و.. مواد خوردنی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و اماکن عمومی را مشخص می‌سازد و مطابق ماده مذکور، این اقدام باید توسط مامورین وزارت بهداشت انجام پذیرد. مع هذا این امر در دستورالعمل‌های مورد شکایت با مضمون خودکنترلی و خوداظهاری بر مبنای سه روش به متصدی واحد صنفی تفویض گردیده و در همه روشها متصدی ملزم به پرداخت هزینه به مشاورین بهداشت و یا به دفاتر خدمات سلامت می‌باشد این در حالی است که به هیچ وجه امکان استفاده از مشاورین بهداشت توسط اتحادیه‌های صنفی و متصدی واحد صنفی نبوده و بالاچار باید با دفاتر خدمات بهداشتی قرارداد منعقد گردد که هزینه آن بسیار بالا می‌باشد و مبنای اخذ هزینه نیز مشخص نگردیده است.

۲- در ارتباط با شکایت مطروحه لازم به ذکر است، اولاً: با توجه به تصویب دستورالعمل عمومی دفاتر خدمات سلامت و ضوابط اجرایی انجام خدمات ممیزی بهداشتی دفاتر خدمات سلامت که با امضاء مقام عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۹ طی نامه شماره ۳۰/۴۸۴۷ د و ۳۰/۴۸۴۶ د از سوی معاون بهداشت وزارت متبوع ابلاغ شده است، دستورالعمل نحوه اجرای خودکنترلی و خوداظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی با کد شماره ۱۸۰۳۹۲۰۳ و دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی با کد شماره ۱۸۰۳۹۲۱۲ که شاکی متقاضی ابطال آن می‌باشد ملغی الاثر گردیده و در حال حاضر لازم‌الاجرا نمی‌باشد. ضمناً نامه شماره ۳۰/۳۱۵۶-۱۳۹۵/۱۱/۶ نیز صرفاً نامه‌ای خبری و مکاتبه‌ای اداری جهت اطلاع رسانی راه اندازی پایلوت دفاتر خدمات بهداشتی بوده و حاوی حکم یا تصمیمی نمی‌باشد لذا بر این اساس و با توجه به منتفی بودن موضوع شکایت رد دادخواست مطروحه از آن مقام مورد تقاضاست.

ثانیاً: شاکی در هیچ قسمت از دادخواست مطروحه اعلام ننموده به چه دلیل و به استناد کدام ضوابط و مقرره متقاضی ابطال دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی گردیده و دستورالعمل مذکور برخلاف کدام ضابطه یا مقرره می‌باشد ایشان در این قسمت هیچ دلیل و مدرکی و یا استنادی اعلام ننموده‌اند.

۳- صرف نظر از مراتب مذکور لازم به ذکر است بر اساس بند ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأمین بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آن از طریق اجرای برنامه‌های بهداشتی خصوصاً در زمینه بهداشت محیط، از وظایف مهم این وزارتخانه می‌باشد.

۴- بر اساس ماده ۱۳ قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی "تخلف از مقررات بهداشتی نظیر عدم رعایت بهداشت فردی، وضع ساختمانی، وسایل کار ممنوع است و مستوجب مجازات می‌باشد. مقررات بهداشتی مربوط به مراکز تهیه و تولید، نگهداری، توزیع، فروش و حمل و نقل مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و اماکن عمومی در آیین‌نامه اجرایی این ماده تعیین خواهد شد... مامورینی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای نظارت بهداشتی اماکن و مراکز موضوع این ماده تعیین می‌شوند مکلف‌اند متخلفین از مقررات بهداشتی را با ذکر موارد تخلف با تنظیم گزارشی به مسئول بهداشت محل معرفی نمایند. مسئول بهداشت محل در صورت تأیید گزارش به صاحب مرکز و یا مسئولین مربوطه اخطار می‌نماید نسبت به رفع نواقص بهداشتی در مهلت تعیین شده اقدام کند در صورت

عدم رفع موارد تخلف، دستور تعطیل محل و مهر و موم و یا لاک و مهر آن را صادر می‌نماید و پس از برطرف شدن نواقص و تأیید مسئول بهداشت محل از واحد مربوط رفع تعطیل و فک و موم خواهد شد. در تمام موارد مذکور پرونده جهت رسیدگی به دادگاه صالحه ارجاع می‌گردد. مقررات بهداشتی، وظایف و مسئولیت‌های بهداشت محل و مامورین نظارت مدت زمانهای لازم برای رفع نواقص بهداشتی و سایر امور مربوطه در اجرای این ماده واحده در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد." همچنین برابر تبصره ۳ ماده مورد اشاره "آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تدوین می‌گردد."

۵- آیین‌نامه اجرایی مذکور در سال ۱۳۹۲ بازنگری و به تصویب وزیر وقت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده است. در بند ۱۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده مذکور اماکن عمومی تعریف شده است و آرایشگاه‌های مردانه نیز از جمله اماکن مزبور می‌باشند. همچنین در بندهای ۲۲ و ۲۳ ماده ۱ نیز خودکنترلی بهداشتی و خوداظهاری بهداشتی تعریف شده است.

۶- برابر بند ۲۲ ماده ۱ آیین‌نامه، خودکنترلی بهداشتی، کنترل و پایش مداوم مالک، مدیر یا تصدی مراکز یا اماکن عمومی یا ارائه دهنده خدمات در زمینه کنترل موارد بحرانی و غیربحرانی و انطباق شرایط بهداشتی واحد خود با قوانین و مقررات بهداشتی می‌باشد. همچنین وفق بند ۲۳ ماده ۱ نیز، خوداظهاری بهداشتی، اظهار مالک، مدیر یا تصدی مراکز یا اماکن عمومی یا ارائه دهنده خدمات در فواصل بازرسی بهداشتی مبنی بر انطباق محل، کالا و خدمات ارائه شده با قوانین و مقررات بهداشتی می‌باشد که از طریق تهیه و تنظیم اظهارنامه و ارائه آن به مسئول بهداشت محل صورت می‌گیرد، تعریف شده است.

۷- برابر ماده ۲۴ آیین‌نامه فوق‌الذکر مالکین، مدیران و متصدیان مراکز یا اماکن مشمول آیین‌نامه موظفند از خدمات دانش‌آموختگان بهداشت محیط به‌منظور خودکنترلی بهداشتی در محل کار خود به ترتیبی که توسط معاونت بهداشت وزارت بهداشت با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط ... مشخص خواهد شد استفاده نمایند. همچنین برابر ماده ۲۵ آیین‌نامه مورد اشاره مالکین، مدیران و متصدیان مراکز یا اماکن مشمول آیین‌نامه موظفند به ترتیبی که توسط معاونت بهداشت وزارت بهداشت یا همکاری شورای اصناف کشور و دستگاه‌های اجرایی مذکور در ماده ۲۴ مشخص خواهد شد شرایط بهداشتی و بهسازی محل فعالیت خود را بر اساس ضوابط ابلاغی معاونت بهداشت وزارت بهداشت اظهار نمایند.

۸- بر این اساس در دستورالعمل نحوه اجرای خودکنترلی و خوداظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی روشهای خودکنترلی و خوداظهاری مراکز و اماکن عمومی به سه روش اعلام شده است:

- استفاده از مشاورین بهداشت که دارای گواهی ممیزی بهداشتی معتبر می‌باشند (مشاورین ساعتی یا مستخدمین واحدهای صنفی)

- خود مدیر، متصدی یا مالک واحد صنفی که دارای شرایط اعلامی می‌باشند.

- از طریق عقد قرارداد با دفاتر خدمات سلامت دارای پروانه فعالیت

۹- بر این اساس همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید برخلاف ادعای مطروحه در دادخواست اولاً: خوداظهاری و خودکنترلی بهداشتی امری متفاوت از بازرسی و نظارت بازرسین وزارت بهداشت بوده و وظایف نظارتی و بازرسی وفق قانون و آیین‌نامه توسط بازرسین وزارت بهداشت صورت می‌گیرد و در آیین‌نامه نیز بر این امر تأکید شده است که این موضوع در مواد ۲۲، ۴، ۲، ۳۰ و ۳۱ و.. صراحتاً اعلام شده است. ثانیاً: مراکز و اماکن عمومی مختار می‌باشند وفق مفاد دستورالعمل به هر یک از روشهای فوق نسبت به خوداظهاری و خودکنترلی اقدام نمایند و اینکه این امر صرفاً از طریق دفاتر خدمات بهداشتی امکان‌پذیر می‌باشد فاقد وجهت قانونی است. لازم به توضیح است این موضوع طی نامه شماره ۳۰۰/۲۹۱۸-۱۱/۱۳۹۵/۱ به وزارت صنعت، معدن و

تجارت ابلاغ و از سوی وزارت مذکور طی نامه شماره ۶۰/۲۶۰۵۷۳-۱۳۹۵/۱۲/۱- به اتاق اصناف ایران و زیر مجموعه ها اطلاع رسانی شده است و در به کارگیری مشاوران برای اتاقهای اصناف، اتحادیه‌ها و واحدهای صنفی ممنوعیتی در این رابطه تعیین و ابلاغ نشده است.

۱۰- در ارتباط با ادعای شاکی در خصوص هزینه‌هایی که از سوی دفاتر خدمات بهداشتی جهت انجام خدمات اخذ می‌گردد، ذکر این نکته ضروری است که کلیه خدمات نظارت حاکمیتی وزارت بهداشت بر واحدهای صنفی رایگان می‌باشد و هیچ وجهی از این بابت اخذ نمی‌گردد. در مورد دفاتر خدمات بهداشتی چون این دفاتر بخش خصوصی محسوب می‌گردد لذا تابع روابط بین خدمت دهنده و خدمت گیرنده بوده و این وزارتخانه از نظر اینکه وفق قانون تأمین بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آن از طریق اجرای برنامه‌های بهداشتی خصوصاً در زمینه بهداشت محیط، از وظایفش می‌باشد شرایط احراز کارشناسان بهداشت محیط شاغل در امر ممیزی را تعیین کرده است و تعرفه‌های مازاده را بر اساس تعرفه‌های خدمات بهداشت محیط و حرفه‌ای مصوب هیأت وزیران به شماره ۷۸۱۷/ت/۴۹۷۱۹ هـ-۱۳۹۵/۱/۲۸ تنظیم و توسط مقام عالی وزارت ابلاغ کرده است. لذا با توجه به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه دستورالعمل‌های مورد اعتراض در حال حاضر و وفق دستورالعمل‌های ابلاغی بعدی لازم‌الاجرا نبوده و کان لم یکن تلقی می‌گردند رد شکایت مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیت‌ها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه دستورالعمل‌های مورد شکایت فی نفسه متضمن وضع قاعده آمره الزام آور نیست و در اجرای آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی تنظیم شده، بنابراین مستقلاً قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۲۸ خرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۵۷۹

کلاس پرونده: ۸۳۰/۹۷

**موضوع:** ابطال بند ۹ مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمان‌های صنفی گچساران (در خصوص افزایش سهم اتاق اصناف بابت پروانه های کسب)

### شاکي: آقای داریوش فولادی وندا

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۹ مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمان‌های صنفی گچساران مصوب سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" احتراماً با توجه به اینکه منابع درآمد مالی اتحادیه‌های صنفی بر اساس تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون نظام صنفی و بر اساس آیین‌نامه مربوط که به تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۲ مشتمل بر ۱۷ ماده و ۱۲ تبصره به تصویب هیأت مالی نظارت رسیده و منابع مالی اتاق اصناف نیز بر اساس ماده ۳۷ قانون نظام صنفی و آیین‌نامه مربوط که مشتمل بر ۲۹ ماده در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ به تصویب هیأت عالی نظارت رسیده است می‌باشد. کمیسیون نظارت شهرستان گچساران علاوه بر مبالغ قید شده در دو آیین‌نامه مربوط مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال نیز تصویب نموده‌اند که هر متقاضی پروانه کسب به حساب اتاق اصناف واریز نمایند که در قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه قید نشده و غیرقانونی می‌باشد که نمونه فیش تحویل به متقاضیان به پیوست می‌باشد. ضمناً اتاق اصناف هیچ‌گونه خدمات غیر موظف نیز انجام نمی‌دهند فقط پروانه کسبهای صادره از سوی اتحادیه را در سایت ثبت می‌نماید که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال وجه نقد دستی از متقاضیان دریافت می‌نماید. ضمناً جلسه کمیسیون تاریخ فوق‌الذکر اصلاً رسمیت نداشته است. لذا تقاضای دستور موقت از آن دیوان دارم که از اجرای آن فوراً جلوگیری شود."

متن مصوبه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

۹ نامه شماره ۵۳۶-۱۳۹۶/۵/۳ اتاق اصناف شهرستان گچساران در خصوص مشکلات مربوط به تأمین هزینه‌های مربوطه مطرح با پیشنهاد افزایش سهم اتاق اصناف بابت پروانه کسبهای صادره توسط اتحادیه‌ها از ۹۰۰/۰۰۰ ریال به ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال موافقت گردید. در طول سال هیأت رئیسه اتاق اصناف شهرستان گچساران در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۵/۱۷-۱۲۴/۳۶۶۸۹۵ توضیح داده است که:

" مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: جوابیه دادخواست آقای داریوش فولادی و ندا

با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

احتراماً در پاسخ به دادخواست آقای داریوش فولادی و ندا تحت کلاسه پرونده ۹۷۰۰۸۳۰ با شماره بایگانی ۷۶۲۱۴ با خواسته ابطال مصوبه ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمان‌های صنفی شهرستان گچساران اشعار می‌دارد:

۱- تصمیم کمیسیون نظارت بر سازمان‌های صنفی شهرستان گچساران دایر بر تصویب وصول مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ در راستای اختیارات ناشی از بند ۳ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی موضوع میزان نحوه دریافت منابع مالی اتاق اصناف شهرستانها بوده که آیین‌نامه مذکور مقرر نموده خدمات آموزشی تحت عنوان خدمات غیر موظف به متقاضیان اعم از افراد حقیقی و حقوقی ارائه گردد که شرح خدمات قابل ارائه و قراردادهای منعقد شده به ضمیمه نامه شماره ۵۳۶-۱۳۹۶/۵/۳ در جلسه موصوف مطرح و با اکثریت آراء مصوب گردیده و منافاتی با شرح وظایف و اختیارات کمیسیون نظارت ندارد.

۲- بنا به تقاضای متعدد مراجعین و متقاضیان جهت انجام خدمات ثبت شناسه ملت کارت واحدهای صنفی، ثبت‌نام در سامانه اصناف و تهیه تصویر از مدارک و پرینت آن‌ها و به لحاظ جلوگیری از ایاب و ذهاب و مراجعه مجدد و تکریم ارباب رجوع خدمات مذکور با پرداخت هزینه ۳۵۰/۰۰۰ ریال انجام می‌گردد. اولاً انجام این خدمت مربوط به متقاضیان و بنا به خواست آن‌ها بوده و منبع درآمدی برای اتاق اصناف نمی‌باشد. ثانیاً: واحد عرضه کننده این خدمات فاقد رابطه مالی با اتاق اصناف بوده و علی‌الاصول اخلال اخذ وجه مورد ادعا به اتاق اصناف و یا انتفاع اتاق از آن فاقد موضوعیت می‌باشد.

۳- خواسته عدم رسمیت جلسه مذکور نیز فاقد استناد و محمل قانونی باشد چنانچه مستحضرد حد نصاب تشکیل جلسات کمیسیون نظارت و قانونی بودن تصمیمات متخذه موضوع ماده ۴۸ و ۴۹ قانون نظام صنفی در شهرستانها هفت نفر می‌باشد که نصاب اعضاء حاضر در جلسه برای رسمیت و نافذ بودن مصوبات جلسه رعایت گردیده و افراد دارای سمت در جلسه عبارتند از ردیف ۱- خلیفه حسنی با سمت نماینده فرمانداری ۲- رضا شریفی با سمت رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان گچساران و رئیس کمیسیون ۳- حمید بخشایی با سمت نماینده شورای اسلامی شهر گچساران ۴- طهماسب کرمی پور با سمت مدیر امور مالیاتی ۵- سیدمحسن کاظمی با سمت نماینده نیروی انتظامی (اداره اماکن عمومی) ۶- حمید فولادی و ندا با سمت نماینده شبکه بهداشت و درمان شهرستان ۷- حبیب گرگی زاده با سمت نماینده انجمن حمایت از حقوق مصرف‌کننده شهرستان گچساران بنابراین عدم رسمیت جلسه با لحاظ ترکیب و سمت اعضاء موضوعیت ندارد. بنا علی‌هذا تقاضای رد خواسته و ابرام مصوبه کمیسیون نظارت بر سازمان‌های صنفی شهرستان گچساران مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

مطابق بند ب ماده ۴۸ قانون نظام صنفی، کمیسیون نظارت در شهرستان‌های غیر از مرکز استان مرکب است از رؤسا یا معاونان ذی‌ربط ادارات و نهادهای موجود، صنعت، معدن و تجارت، امور مالیاتی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تئزیرات حکومتی، نیروی انتظامی، انجمن حمایت از مصرف‌کنندگان شهرستان، اتاق

بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی شهرستان، اتاق تعاون شهرستان، بسیج اصناف، رئیس و نایب رئیس اتاق اصناف شهرستان و رئیس شورای اسلامی شهرستان و بر اساس تبصره ۱ ماده ۴۸ قانون مذکور مقرر شده جلسات کمیسیون نظارت در شهرستان‌های هر استان با حضور حداقل هفت نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر خواهد بود. نظر به اینکه بر اساس صورت جلسه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمان‌های صنفی شهرستان گچساران از هفت عضو شرکت کننده در جلسه این کمیسیون، برخی از افراد به عنوان نماینده دستگاه مربوطه شرکت کرده و از رؤسا و معاونین ذی‌ربط ادارات و نهادهای مقرر در بند (ب) ماده ۴۸ قانون یاد شده نبوده‌اند، بنابراین حد نصاب مقرر در تبصره ۱ ماده ۴۸ قانون مذکور برای تشکیل جلسه کمیسیون نظارت شهرستان رعایت نشده است، به همین دلیل مصوبه مذکور به علت عدم تشکیل جلسه به نحو مقرر در قانون، اعتبار قانونی ندارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۱ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۵۹۶

کلاس پرونده: ۴۱۴/۹۷

موضوع: عدم ابطال دستورالعمل اجرایی رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

شاکي: آقای علی دهقان بنادکی

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال دستورالعمل اجرایی رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" به استحضار عالی می‌رساند کمیته های انضباطی دانشگاه‌ها بر اساس آیین‌نامه انضباطی مصوب سال ۱۳۷۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها تشکیل گردیدند در ماده ۱۳ آیین‌نامه به وزارتین علوم و بهداشت اجازه داده شده شیوه‌نامه اجرایی را تهیه و ابلاغ نمایند که آخرین شیوه‌نامه اجرایی سال ۱۳۸۸ با امضای دو وزیر وقت به دانشگاه‌ها ابلاغ گردید. در سال ۱۳۹۵ وزارت علوم دستورالعملی را به تصویب رساند و با امضای وزیر علوم جهت اجرا به دانشگاه‌ها ابلاغ نمود که بنا به شرح ذیل تقاضای ابطال دستورالعمل مذکور را دارد.

۱- در ماده ۱۳ آیین‌نامه انضباطی مصوب سال ۱۳۷۴ به وزارتین علوم و بهداشت پس از تصویب شورای انقلاب فرهنگی اجازه ابلاغ شیوه‌نامه اجرایی را می‌دهد که پس از آن در مصوبه ۴۳۰ این اختیار را به وزارتخانه‌های مربوط ارجاع می‌دهد و شیوه‌نامه‌های اجرایی تاکنون بر اساس همین مصوبات با امضای دو وزیر تصویب و جهت اجرا ابلاغ می‌گردید. ولی برخلاف رویه سابق در سال ۱۳۹۵ وزارت علوم به تنهایی دستورالعملی را تهیه و جهت اجرا ابلاغ نمود.

۲- با مذاقه در ماده ۱۳۹ دستورالعمل صفحه ۳۸ و پیوست مصوبات جلسه ۴۲۹ هیچ ارتباط موضوعی با مصوبه مذکور نداشته و بند ۱ مصوبه ۴۳۰ نیز در واقع در تائید ماده ۱۳ آیین‌نامه انضباطی صادر شده است و اجازه جدیدی برای تصویب چنین دستورالعملی صادر نشده است.

۳- آیین‌نامه مقرراتی کلی است که مقامات صالح به‌منظور تنظیم امور سازمان خود آن را وضع می‌کنند و شیوه‌نامه اجرایی آن نباید برخلاف آیین‌نامه وضع شود در واقع شیوه‌نامه اجرایی شرح مواد و چگونگی اجرای آیین‌نامه‌هاست که در دستورالعمل موصوف این موضوع رعایت نشده و موادی برخلاف آیین‌نامه و مواد جدیدی ایجاد شده است.

۴- آیین‌نامه انضباطی و تشکیل کمیته های انضباطی برای رسیدگی به تخلفات دانشجویی و تنبیه

انتظامی دانشجویان تشکیل شده و نه بحث رسیدگی به مجازات مجرمین، بنابراین اختلاط موضوع جرم و تخلف و وارد نمودن آیین دادرسی کیفری در دستورالعمل انضباطی نه در توان دانشگاه‌هاست و نه رسالت واقعی کمیته های انضباطی و تکلیف مالا یطاقی است. یقیناً جرائم در بحث حقوق الناس و حدود الهی می‌باید در محاکم قضایی رسیدگی شود و کمیته های انضباطی فعل مجرمانه را از باب انتظامی و شأن دانشجویی مورد تنبیه قرار دهد.

۵- وارد نمودن مباحثی همچون تفهیم اتهام، جرح و تعدیل شهود و استماع اظهارات گواهان در باب اثبات جرم مباحثی است که در نزد حاکم شرع و یا ماذون از طرف وی می‌باید صورت پذیرد که در اصل ۱۶ در صفحه ۳ و ۴ دستورالعمل بند ب به آن اشاره شده است.

۶- دستورالعمل انضباطی تمامی موارد رسیدگی به پرونده را محرمانه تلقی کرده و بنابراین اسناد و اوراق پرونده نیز همچون گزارش‌های خبری مخصوصاً اداره حراست نیز جز اسناد محرمانه و تابعی از قانون اسناد محرمانه می‌باشد و اختیار دادن کپی از این اسناد به دبیر کمیته به دانشجویان متخلف برخلاف قوانین بالادستی و حاشیه ساز خواهد بود. دستورالعمل موضوع دارای ایرادات نگارشی و حقوقی متعدد می‌باشد که در توضیح قوانین این موضوع پسندیده نمی‌باشد. لذا با توجه به موارد یاد شده تقاضای رسیدگی و ابطال دستورالعمل مذکور مورد استدعاست."

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۷-۴۱۴-۲ مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۱ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده پاسخ داده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

در خصوص ابلاغ رفع ابهام از شکوائیه این جانب با شماره پیگیری ۹۷۰۰۴۱۴ در پاسخ به استحضار عالی می‌رساند.

۱- دستورالعمل مورد شکایت برخلاف آیین‌نامه انضباطی مصوب سال ۱۳۷۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و ابلاغ شده است.

- دستورالعمل مذکور برخلاف مصرح ماده ۱۳ آیین‌نامه که به وزارتین علوم و بهداشت اجازه داده که شیوه‌نامه اجرایی را تهیه و ابلاغ نمایند تصویب و به اجرا گذاشته شده است و چون اولاً: تنها توسط وزیر علوم امضا و ابلاغ شده فاقد وجاهت قانونی است. ثانیاً: وزارتین تنها مجاز به تصویب شیوه‌نامه اجرایی هستند نه دستورالعمل

- توجیه ماده ۱۳۹ صفحه ۳۸ دستورالعمل در تصویب دستورالعمل موصوف و پیوست مصوبات جلسه ۴۲۹ هیچ ارتباط موضوعی با مصوبه مذکور نداشته و بند ۱ مصوبه ۴۳۰ نیز در واقع در تائید ماده ۱۳ آیین‌نامه انضباطی صادر شده است و اجازه جدیدی برای تصویب چنین دستورالعملی صادر نشده است.

۲- بر اساس مواد تصریح شده شیوه‌نامه اجرایی و یا دستورالعمل می‌بایست توسط دو وزارتخانه مصرح در آیین‌نامه انضباطی تهیه و با امضا دو وزیر همانند شیوه‌نامه اجرایی سال ۱۳۸۸ ابلاغ گردد."

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۴/۱۷-۷/۷۵/۸۳۵۴۴، تصویر نامه شماره ۳۳۳۴۱-۱۳۹۷/۴/۱۰-۳۳۳۴۱ مدیرکل دفتر حقوقی و پاسخگویی به شکایات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را ارسال کرده که متن آن به قرار زیر است:

"جناب آقای دکتر آقابابایی

مدیرکل محترم دفتر حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
با سلام و احترام؛

بازگشت به نامه شماره ۶۲۸۰۶/۷۵/۷-۱۳۹۷/۳/۲۷ جنابعالی در خصوص دادخواست آقای علی دهقان بنادکی به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع شکایت تقاضای ابطال دستورالعمل انضباطی دانشجویان وزارت علوم، موارد زیر در پاسخ به آگاهی می‌رسد:

۱- به استناد بند (۱) ماده (۱۲) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بند (ت) ماده (۸۰) همان قانون، در تقاضای ابطال مصوبات در هیأت عمومی دیوان، دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده باید به صراحت ذکر شود. این در حالی است که در ما نحن فیه، شاکی مصوبه، در متن دادخواست هیچ‌گونه دلیلی مبنی بر مغایرت دستورالعمل اجرایی رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان با شرع، قانون اساسی، قانون عادی و یا خارج بودن آن از صلاحیت مقام وضع کننده ارائه نشده است.

۲- با استناد به اصل یک صد و سی و هشتم قانون اساسی، هر یک از وزیران در حد وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. باید متذکر گردید، این دستورالعمل به استناد مصوبات جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب وزیر علوم رسیده است و مطابق مصوبه شورای عالی که سیاست‌ها و ضوابط فعالیت‌های مربوط به اساتید و دانشجویان (مانند هیئت‌های گزینش، بررسی تخلفات، کمیته انضباطی و ...) را معین می‌کند، بررسی مواد آیین‌نامه‌های اجرائی و اصلاح آن‌ها و یا تعیین ترکیب اعضای این هیأت‌ها و تأیید نمایندگان معرفی شده از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها برای عضویت در این هیأت‌ها، حسب مورد به وزارتخانه مربوط ارجاع شده است. همچنین این دستورالعمل صرفاً ناظر بر موضوعات اجرایی شیوه‌نامه مصوب سال ۱۳۸۸ بوده و در خصوص تنبیهات و تخلفات و ترکیب اعضاء مقرر در شیوه‌نامه مذکور، تأسیس جدیدی ایجاد نکرده است و صرفاً به عنوان آیین‌نامه اجرایی ابلاغ گردیده و کاملاً نیز مطابق با آیین‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب سال ۱۳۷۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

- ماده ۱۳ آیین‌نامه انضباطی مصوب ۱۳۷۴ در شورای عالی انقلاب فرهنگی، صراحتاً هیچ‌گونه تکلیفی برای تأیید شیوه‌نامه اجرایی مد نظرش توسط هر دو وزارتخانه بهداشت و علوم ایجاد نکرده و در هیچ کجا، اعتبار شیوه‌نامه اجرایی مد نظرش را مشروط به تأیید هر دو وزارتخانه علوم و بهداشت و امضای هر دو وزیر ندانسته است، بلکه تنها روند تهیه آن را به صورت کلی بیان کرده است. - حتی به فرض پذیرش ادعای شاکی در خصوص لزوم امضای توأمان هر دو وزیر مزبور ذیل شیوه‌نامه اجرایی به استناد ماده ۱۳ آیین‌نامه فوق‌الذکر (مصوب سال ۱۳۷۴)، این برداشت از این ماده آیین‌نامه مذکور متعاقباً و به موجب بند اول از مصوبات جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوب سال ۱۳۷۷) صریحاً نسخ شده است؛ چرا که در این ماده صراحتاً اختیار تدوین یا اصلاح آیین‌نامه اجرایی درباره کمیته‌های انضباطی، حسب مورد به وزارتخانه مربوط سپرده شده است. - شاکی خود نیز در شکوائیه اش دچار تناقض‌گویی شده است؛ از سویی شیوه‌نامه اجرایی مصوب سال ۱۳۸۸ را که به صراحت در موارد متعددی و از جمله در بندهای الف و ب و ج از ماده یک، مواد ۳ و ۴ و ۵ آیین‌نامه انضباطی را به استناد بند اول مصوبات جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر داده، معتبر می‌داند و از سوی دیگر، استناد وزیر محترم علوم به همان بند از مصوبات جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی (که اختیار تدوین یا اصلاح آیین‌نامه اجرایی برای کمیته‌های انضباطی را به وزارتخانه مربوطه می‌دهد) برای تدوین و ابلاغ دستورالعمل اجرایی انضباطی را فاقد اعتبار می‌داند. حال

آن که در شیوه‌نامه اجرایی انضباطی مصوب ۱۳۸۸، به کرات به مصوبات جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی استناد شده و با استناد بدان، مفاد آیین‌نامه انضباطی تغییر یافته است؛ لذا اگر بخواهیم این مصوبات مؤخر بر آیین‌نامه انضباطی را دارای اعتبار بدانیم (که البته دارای اعتبار هم هست)، اساساً باید تدوین دستورالعمل اجرایی انضباطی توسط وزارتخانه مربوطه را نیز معتبر و در حیطه اختیارات محوله به وزارتخانه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی بدانیم. بدیهی است که دلیل تصویب بند اول مصوبات جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تکمیل فرآیند جداسازی وزارتخانه‌های بهداشت و علوم و اقتضات خاص هر کدام از این وزارتخانه‌ها در رسیدگی‌های انضباطی و تخلفات و تنبیهات است که تدوین و ابلاغ آیین‌نامه اجرایی انضباطی خاص برای هر وزارتخانه را لازم و ضروری کرده بود.

۳- شاکای در بند (۳) دادخواست ادعا نموده‌اند که در دستورالعمل موصوف موادی بر خلاف آیین‌نامه و مواد جدیدی ایجاد شده است! صرف نظر از این که این گونه کلی‌گویی و مغلق‌گویی زیننده دادخواست حقوقی نمی‌باشد، ایشان به صراحت موارد خلاف بودن دستورالعمل با آیین‌نامه شورای عالی انقلاب فرهنگی را به‌طور مستند و مستدل ذکر نکرده‌اند. ضمن آن که همان‌گونه که ذکر شد، در تقاضای ابطال مصوبه، مغایرت آن با شرع، قانون اساسی یا قانون عادی باید به صراحت ذکر شود که شاکای ناتوان از اثبات این امر بوده‌اند. توضیح موارد مذکور در بند فوق را به شرح ذیل به استحضار می‌رساند:

دستورالعمل اجرایی چیزی جز تفصیل و تشریحی بر مستندات انضباطی موجود (آیین‌نامه انضباطی و شیوه‌نامه‌های انضباطی پیشین) نیست و در راستای جهت‌گیری اصلی و روح حاکم بر این اسناد حقوقی تدوین و تنظیم شده است.

- دستورالعمل اجرایی کوشیده تا خلاءها و فقدانهای موجود در شیوه‌نامه‌های پیشین را به خوبی پوشش داده و ضمن سازگاری کامل با آیین‌نامه انضباطی و سایر اسناد حقوقی بالادستی نظیر قانون اساسی و قوانین موضوعه، با تفصیل حداکثری در راستای هدف ایجاد وحدت رویه در میان شوراهای انضباطی دانشگاه‌های کشور گام بردارد.

- دستورالعمل اجرایی به واسطه ظرفیت‌های حقوقی و مزایای ذکرشده، می‌تواند هم به کارآمدی و تأثیر صحیح شوراهای انضباطی به عنوان نهادی انتظام بخش به امور دانشگاه‌ها و مدیران دانشگاهی یاری رساند و هم در راستای ایجاد رضایت خاطر، بازسازی و تقویت اعتماد دانشجویان به این نهاد و کاهش شکافها و نارضایتی‌ها و ناخرسندی‌های متصور پیشین گامهای موثری بردارد.

- در تدوین دستورالعمل انطباق کامل با مقررات بالادستی به‌ویژه آیین‌نامه انضباطی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز قوانین عام کشوری (از جمله قانون اساسی) مورد تأکید بوده و در شکل دهی به محتوای آن، مقررات مختلف موجود در نظام حقوقی کشور، از جمله قوانین مرتبط و مشابه با رسیدگی به تخلفات انضباطی و انتظامی و نیز قوانین و مقررات اداری موجود در نظام آموزش عالی منبع الهام قرار گرفته است.

۴- در خصوص موارد مورد ادعای شاکای در بندهای چهارم و پنجم و شش دادخواست تقدیمی، موارد ذیل را جهت تشحیذ ذهن مقام قضایی به استحضار می‌رسد:

- بسیاری از اصول حاکم بر رسیدگی‌های انضباطی و مواد بعدی دستورالعمل، اصول ناظر بر کلیه رسیدگی‌ها اعم از حقوقی، کیفری و اداری است مانند اصل مستند و مستدل بودن رأی و یا اصل ارائه مبانی تصمیم و اصل بی‌طرفی و اصل حق دفاع و...

- تعداد زیادی از اصول حاکم بر رسیدگی‌های انضباطی از زمره اصول بدیهی، بنیادین و اساسی حقوقی است که در فرض عدم بیان نیز، قاعدتاً بر هر رسیدگی حقوقی حاکم است مانند اصل بی‌طرفی و اصل احترام

به حقوق و آزادی های اشخاص و...

- تعداد قابل توجهی از اصول حاکم بر رسیدگی های انضباطی، مانند اصل حق دفاع و یا اصل منع تجسس و یا اصل بی طرفی، مبتنی بر اصول و ادله شرعی و فرامین امام راحل (مانند فرمان ۸ ماده ای امام خمینی) و متون قانونی کشور است.

- تسری حاکمیت اصول اساسی دادرسی منصفانه به دادرسی های اداری، آنجا که ضمانت اجراها دارای ماهیت تنبیهی می باشند، اصلی بدیهی و پذیرفته شده است. خصوصاً اینکه ضرورت توجه به دفاع از شأن و کرامت انسان و حقوق بنیادین وی و تضمینات مربوط به تأمین و حفظ و دفاع از این حقوق، آنچنان مهم و اساسی است که مواد متعددی از قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور بدان اختصاص یافته و در شرع مقدس نیز توجه ویژه ای به آن شده است.

- تسری الزام به مراعات اصول اساسی منصفانه از مراجع قضایی به مراجع شبه قضایی منحصر به شیوه نامه حاضر نیست، بلکه در قوانینی مانند قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قانون کار، قانون مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی و قوانین و مقررات پزشکان به ترتیب برای رسیدگی درون سازمانی به تخلفات کارمندان، کارگران، اعضای هیأت علمی، و پزشکان نیز فرآیندهایی برای عادلانه و منصفانه ساختن رسیدگی ها مقرر شده است. - با اخذ وحدت ملاک از رأی شماره ۱۱۹-۱۳۶۹/۵/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد الزام هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری به مراعات اصول بدیهی داورى مانند ابتدای آرای صادره بر دلایل متقن و ضوابط شرعی و قانونی به سایر مراجع شبه قانونی از جمله مراجع انضباطی دانشجویی می توان ضرورت درج مقررات مراعات اصول اساسی منصفانه در مقررات اخیر را موجه شمرد.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصولی مانند ضرورت قانونی بودن مراجع رسیدگی کننده، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل منع شکنجه، اصل علنی بودن محاکمه جز در موارد خاص، اصل ابتدای رسیدگی بر قوانین موضوعه، اصل حرمت منزل و ... را مورد تأکید قرار داده است. علاوه بر آن در متون دینی و نیز سیره پیشوایان اسلامی نیز مصادیقی از استناد به اصول دادرسی منصفانه دیده می شود؛ از این رو اقتباس اصول دادرسی منصفانه در اجرای افق مطلوب متون دینی و نیز اصول متعدد قانون اساسی است.

- دانشجویان به دلیل نقش تعیین کننده خود در تحولات کشور همواره مخاطب قدرت بوده اند. به منظور ایجاد تعادل میان این مفاهیم، تضمین آزادی های شهروندی و بشری دانشجویان به ویژه آزادی بیان و عقیده و نیز آزادی خردورزی و دانش آموزی و نیز حفظ منافع مالی و حمایت از شأن دانشگاه و نیز موازین اخلاقی و سیاسی جامعه، وجود مقرراتی مبتنی بر اصول دادرسی منصفانه ضروری و بلکه حیاتی است.

- ادعای ورود مباحث آیین دادرسی کیفری به آیین دادرسی انضباطی، ادعای غیرواقعی و ناشی از کم اطلاعاتی شاکی از مفاد آیین دادرسی کیفری است؛ توضیحاً اینکه باید میان به رسمیت شناختن حقوق شاکی و متهم در رسیدگی های انضباطی و یا مستدل و مستند بودن آرای صادره و دیگر اصول اساسی حاکم بر رسیدگی ها با دیگر مفاد آیین دادرسی تفاوت قائل شد؛ چه این که بسیاری از مباحث آیین دادرسی کیفری مانند صدور قرارهای تأمین و نظارت و احاله و معاینه محلی و ... در دستورالعمل انضباطی پیش بینی نشده است، چرا که آن مباحث اختصاص به رسیدگی های کیفری داشته و از زمره اصول بنیادین و اساسی حاکم بر تمامی رسیدگی ها نمی باشند.

مثال های طرح شده در شکوائیه، تماماً از زمره اصول بدیهی و حقوق شاکی و متهم در تمامی رسیدگی ها است؛ به عنوان مثال اگر بخواهیم امکان جرح و تعدیل شهود توسط شاکی و متهم در رسیدگی های انضباطی را از بین برده و آن را تنها در دادرسی در محاکم دادگستری و نزد مقام قضایی صالح بپذیریم، ناچاریم صدور

رای انضباطی مبتنی بر شهادت شهود نزد مرجع غیر قضایی را نیز معتبر بدانیم! حال آن که وقتی شهادت شهود را به درستی یکی از اثبات ادله در رسیدگی های انضباطی می دانیم، طبیعتاً باید متقابلاً حق جرح و تعدیل شهود را هم به طرف مقابل دعوی بدهیم چرا که این دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

- لزوم پیش‌بینی حق دفاع و ملزومات آن برای متهم، از آنچنان قطعیت شرعی و قانونی برخوردار است که تشکیک در آن بر خلاف موازین شرعی و مبانی حقوقی مسلم است؛ لزوم تفهیم اتهام، یکی از بدیهی ترین ملزومات حق دفاع متهم است. متهم چگونه می خواهد و می تواند در برابر اتهام خود دفاع کند، وقتی که حتی عنوان اتهامی خود را نمی‌داند؟!

- اصل شفافیت و دسترسی به پرونده در نظام حقوق کنونی به دفعات در مقررات جاری کشور پیش‌بینی شده است که از جمله می‌توان به احکام مندرج در مواد ۶، ۱۱ و ۱۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (حق دسترسی به اطلاعات شخصی و اطلاعات موجد حق یا تکلیف عمومی) و ماده ۲۰ و ۲۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و ماده ۱۷ آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت و ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی اعضاء هیأت علمی و ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات و بند ۴ قسمت ج ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و مواد ۵۷، ۹۶، ۳۸۱ از قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۰۰، ۱۵۱، ۱۹۱، ۲۲۳، ۳۴۲، ۳۵۱ و ۶۸۰ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ و ماده ۲۲ اجرای احکام مدنی و ماده ۱۸ و ۲۲۲ قانون امور حسبی و ماده ۴۵ قانون جرائم رایانه ای و ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی کار اشاره نمود.

ذکر مصادیقی از این اصل در مقررات فوق بدین جهت است که اجرای اصل شفافیت و دسترسی به پرونده که یکی از مصادیق آن امکان مطالعه پرونده و اخذ تصویر یا رونوشت از اوراق پرونده می‌باشد ضامن و از لوازم و مقتضیات فراهم نمودن و اجرای حق دفاع برای متهم است. در واقع زمانی یک متهم می‌تواند از خود به نحو کامل دفاع نماید که امکان مطالعه و مشورت با دیگری در خصوص مستنداتی که علیه وی ارائه می‌شود را داشته باشد و اگر امکان مطالعه یا کپی برای متهم وجود نداشته باشد صرفاً به وی تفهیم اتهام گردد بدون اینکه امکان مطالعه شکوائیه که علیه وی وجود دارد برای وی فراهم باشد در واقع امکان حق دفاع برای متهم به تخلف، فراهم نیامده است. اصل حق دفاع، بنیادی ترین اصل در یک دادرسی عادلانه است و صیانت از این حق و امکان اجرای آن برای متهم به تخلف، لوازم ضروری دارد که همه نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی کنونی ما بدان پایبند است و یکی از آن لوازم، حق مطالعه پرونده و اخذ کپی یا رونوشت از اوراق پرونده می‌باشد.

- محدودیت‌های اصل شفافیت و دسترسی به پرونده: هرچند تردیدی در اصل شفافیت و دسترسی در مقررات کنونی وجود ندارد اما این اصل و حق به‌صورت مطلق نبوده و به جهت مصلحت مهمتری در موارد زیر تخصیص خورده و به‌صورت محدود اجرا می‌شود. به عنوان نمونه در ماده ۳۵۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری آمده است که دادن تصویر اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و یا امنیت داخلی و خارجی ممنوع است. همچنین در ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است که کارمندان دادگاه مجاز نیستند تصویر یا رونوشت اسناد یا مدارکی که نسبت به آن‌ها ادعای جعلیت شده مادام که به موجب حکم قطعی نسبت به آن‌ها تعیین و تکلیف نشده است به اشخاص تسلیم نمایند مگر با اجازه دادگاه که در این صورت باید در حاشیه آن تصریح شود که نسبت به این سند ادعای جعلیت شده است. پیرو همین دغدغه های منطقی علاوه بر اینکه مقررات فوق الاشاره به عنوان قوانین مادر می‌تواند در شوراها انضباطی اجرا شود، دستورالعمل اجرایی جدید رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان، سه حکم خاص در جهت تهدید حق مطالعه (اصل شفافیت و دسترسی) دارد. در ماده ۵ آمده است که چنانچه رئیس

حراست و یا انتظامات دانشگاه اعلام نماید که به سبب محرمانه بودن امکان معرفی مأمور یا کارشناس گزارش کننده وجود ندارد، دبیرخانه شورای انضباطی با اتکا به شواهد و قرائن دیگر صحت یا عدم صحت گزارش را احراز می‌کند. همچنین در ماده ۳۲ پس از ذکر اصل حق مطالعه و حق کپی از اوراق پرونده برای دانشجو آمده است در صورتی که به تشخیص دبیر به لحاظ محرمانگی اوراق امکان کپی از آن‌ها نباشد دانشجو می‌تواند از آن‌ها رونوشت تهیه کند. همچنین در تبصره ماده ۳۲ آمده است که در موارد ضروری، دبیر با موافقت رئیس شورای بدوی می‌تواند مشخصات گواهان را تا جلسه شورای بدوی به دانشجو اعلام نکند. در این حالت باید امکان مطالعه گواهی گواهان برای وی فراهم شود.

- شاکي به این مسأله توجه نداشته که تخلفات انضباطی اعم از عناوین مجرمانه و یک سری عناوین متخلفانه دیگر است و حتی در ماده ۷ آیین‌نامه انضباطی، رسیدگی به جرائم نیز در صلاحیت کمیته های انضباطی دانسته شده است و لذا تدبیر آیین دادرسی عادلانه و منصفانه برای رسیدگی به این تخلفات، نه تنها امری لازم و ضروری است، بلکه نادیده گرفتن اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی های منجر به تنبیهات انضباطی بعضاً شدیدتر از مجازاتها، مصداق بارز نقض حق الناس و موجد مسئولیت شرعی و قانونی است. در پایان متذکر می‌گردد، دستورالعمل اجرایی انضباطی دانشجویان مصوب وزارت علوم، پس از بررسی‌ها و کارشناسی های فراوان با هدف ضابطه مند نمودن فعالیت کمیته های انضباطی و رعایت حقوق دانشجویان در فرآیند رسیدگی به تخلفات انضباطی آنان تدوین یافت و متن آن نیز با بسیاری از اساتید برجسته دانشکده‌های حقوق مورد مشورت قرار گرفته است و به جرأت می‌توان گفت برای اولین بار اصول دادرسی منصفانه و عادلانه در رسیدگی به تخلفات دانشجویی و دستورالعمل مذکور مورد توجه قرار گرفته است. از این حیث دستورالعمل مذکور با رعایت کلیه اصول قانون اساسی، موازین شرعی و ملاحظه کلیه قوانین بالا دستی به تصویب مقام عالی وزارت رسیده است و ادعای مغایرت آن با قوانین مذکور بدون ذکر هیچ دلیل و مستند روشنی، وارد نمی‌باشد. لذا نظر به جمیع جهات و نکات ذکر شده و با عنایت به عدم توانایی شاکي در اثبات مغایرت دستورالعمل با موازین شرعی، قانون اساسی و یا قانون عادی، صدور رأی شایسته مبنی بر رد درخواست ایشان از جانب مقام قضایی رسیدگی کننده، مورد استدعا است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه از حکم ماده ۱۳ آیین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه ۳۵۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۴ تهیه شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه لزوماً توسط وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی (علوم، تحقیقات و فناوری) و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌صورت مشترک استنباط نمی‌شود و منعی در تهیه شیوه‌نامه توسط هر یک از وزارتخانه‌های یاد شده برای دانشگاه‌های زیر مجموعه خود وجود ندارد، بنابراین دستورالعمل انضباطی دانشجویان وزارت علوم مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قابل ابطال تشخیص نشد./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۱ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۶۰۳

کلاس پرونده: ۴۷/۹۸

**موضوع:** اعلام عدم تعارض آراء شعب دیوان عدالت اداری (درخصوص ممنوعیت تحصیل رایگان در فرض استفاده از یک بار تحصیلات آموزشی رایگان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور)

**شاکي:** آقای حمید جباری

### گردش کار:

۱- آقای حمید جباری به موجب دادخواستی به‌طور خلاصه اعلام کرده است که: در آراء شماره ۷۳۴-۷۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰، ۱۲۰۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۲، ۴۹۴ الی ۵۰۸-۱۳۹۵/۹/۷، ۱۸۱-۱۳۹۶/۳/۲ و ۱۱۴-۱۳۹۶/۱۱/۱۰ مؤسسات آموزش عالی کشور و همچنین مصوبات شورای عالی برنامه‌ریزی پزشکی ناظر بر ممنوعیت تحصیل رایگان در فرض استفاده از یک بار تحصیلات آموزشی رایگان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور را ابطال کرده است لیکن در مورد مشابه به موجب رأی شماره ۱۳۹۶/۶/۷-۵۴۴ رأی به عدم ابطال مصوبه مشابه صادر کرده است.

۲- آراء هیأت عمومی ناظر بر ابطال مصوبات به قرار زیر است:  
الف: رأی شماره ۷۳۴ و ۷۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰:

**گردش کار:** در پرونده‌های منتهی به این رأی ابطال قسمتی از بند سوم چهل و پنجمین مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بند ۳ جزء (ز) ردیف ۲ دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۱ درخواست شده بود و متن هر دو مقرر مذکور به قرار زیر بوده است:

" ۳- چنانچه داوطلب در مقطع کارشناسی از آموزش رایگان برخوردار بوده است، در صورت قبولی در دوره‌های دکتری عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی و یا مجدداً در مقطع کارشناسی (روزانه)، مطابق ضوابط مربوط ملزم به پرداخت شهریه می‌باشد. "

" رأی هیأت عمومی

نظر به این که بند ۳ جزء (ز) ردیف ۲ دفترچه ثبت‌نام کنکور [آزمون] سراسری سال ۱۳۹۱، مبتنی بر مصوبه هفتاد و یکمین جلسه شورای معین شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۰ صادر شده است که این مصوبه نیز در راستای تعمیم مصوبه چهل و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۷ نسبت به دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ و قبل از آن به تصویب رسیده است و بند ۳ مصوبه اخیر الذکر نیز به موجب رأی شماره ۷۳۴-۱۳۹۲/۱۰/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خلاف قانون تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۳ جزء (ز) ردیف ۲ دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۱

موضوع مصوبه هفتاد و یکمین جلسه شورای معین شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۰ نیز خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تصویب شده و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری<sup>۱</sup>

ب: در پرونده‌های منتهی به آراء شماره ۱۲۰۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۲ و ۴۹۴ الی ۵۰۸-۱۳۹۵/۹/۷ و ۱۳۹۶/۳/۲-۱۸۱ و ۱۱۴۴-۱۳۹۶/۱۱/۱۰ ابطال مصوبات مشابه با لحاظ رأی شماره ۷۳۵-۷۳۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ هیأت عمومی در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری درخواست شده بود و هیأت عمومی با لحاظ حکم ماده ۹۲ قانون یاد شده مصوبات مشابه را ابطال کرده است.

۳- رأی هیأت عمومی ناظر بر عدم ابطال مصوبه:

در پرونده منتهی به رأی شماره ۵۴۴-۱۳۹۶/۶/۷ شاکی ابطال بند ح-۲ مصوب پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی پزشکی را درخواست کرده بود که متن آن به قرار زیر می‌باشد:

"ح) نحوه تحصیل مجدد داوطلبان دارای مدرک کارشناسی ارشد، دکترای عمومی (پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی) و دکترای حرفه‌ای دامپزشکی:

مطابق مصوبه پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵، دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته‌های تحصیلی و دکترای عمومی (پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی) و دکترای حرفه‌ای دامپزشکی با رعایت شرایط ذیل از طریق قبولی در آزمون سراسری در مقطع دکترای عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی پردیس‌های خودگردان (شعب بین الملل سابق) دانشگاه‌های علوم پزشکی و یا ظرفیت‌های مازاد تحصیل نمایند: (۱) لزوم گذراندن طرح نیروی انسانی برای دانش‌آموختگان مشمول طرح. (۲) دارا نبودن هرگونه تعهد خدمت به ارگان یا دستگاه‌های اجرایی و عدم دارا بودن تعهدات سهمیه بومی و یا سهمیه مناطق محروم. (۳) نداشتن ممنوعیت تحصیل از نظر سازمان نظام وظیفه.

لازم به ذکر است کلیه پذیرفته شدگان در پردیس‌های خودگردان (شعب بین الملل سابق) و یا ظرفیت‌های مازاد (اعم از اینکه در مقاطع قبلی تحصیل، از آموزش رایگان برخوردار بوده اند و یا نبوده اند) ملزم به پرداخت شهریه مطابق مصوبات هیأت امنای دانشگاه و مصوبات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۵۴۴-۱۳۹۶/۶/۷ مصوبه مذکور را به علت عدم مغایرت با قوانین ابطال نکرد.

۴- رسیدگی به تعارض در آراء هیأت عمومی در دستور کار جلسه ۱۳۹۸/۴/۱۱ هیأت عمومی قرار گرفت و هیأت عمومی با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه در مصوبه پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی پزشکی موضوع رأی شماره ۵۴۴-۱۳۹۶/۶/۷ موضوع شکایت ناظر بر دریافت شهریه از پذیرفته شدگان در دوره‌های پردیس بین المللی و ظرفیت مازاد بوده و هیچ دلالتی بر ممنوعیت تحصیل داوطلبینی که مقطع کارشناسی ارشد خود را در دوره روزانه تحصیل کرده‌اند ندارد، بنابراین تعارضی با مفاد آراء هیأت عمومی سابق و قوانین موضوعه ندارد، لذا به لحاظ عدم احراز تعارض موضوع از مصادیق اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نمی‌گردد./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## پیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۱ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۶۰۲

کلاس پرونده: ۹۰۶/۹۸

**موضوع:** اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص فوق العاده شغل موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری)

**شاکي:** آقایان سیدجواد هاشمی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان مازندران

### گردش کار:

تعدادی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان گیلان به خواسته برقراری فوق العاده شغل موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت کشوری و بند ۱۲ ماده ۵۴ آیین نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاهها و دانشکدههای علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی در دیوان عدالت اداری طرح شکایت می کنند. در خصوص شکایت آنها از سوی شعب رسیدگی کننده دیوان عدالت اداری به شرح زیر آراء متعارضی صادر شده است.

گردش کار پروندهها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۶۹۳/۳۰۳۰۹۰۰۳۰۹۹۸۰۹۵۰ با موضوع دادخواست آقای سیدجواد هاشمی اسکلکی به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان گیلان و به خواسته برقراری فوق العاده ویژه موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و یا بند ۱۲ ماده ۵۴ آیین نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاهها و دانشکدههای علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی به موجب دادنامه شماره ۱۰۳۵/۳۰۳۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۹۹۷۰۹۶۰-۱۳۹۶/۴/۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه به موجب بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و بند ۱۲ ماده ۵۴ آیین نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاهها و دانشکدههای علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی فوق العاده ویژه در موارد خاص با توجه به عواملی از قبیل بازار کار داخلی و بین المللی، ریسک پذیری تأثیر اقتصادی فعالیتها در درآمد و غیره برای حداکثر ۲۵ درصد از مشاغل مؤسسه حداکثر تا ۵۰ درصد سقف امتیاز حقوق ثابت و فوق العادههای مستمر حسب دستورالعمل مصوب هیأت امنای تعیین می شود در حالی که در مانحن فیه خوانده اعلام کرده دستورالعمل اجرایی آن با لحاظ مشاغل مورد نظر تاکنون از سوی هیأت امنای تدوین نشده است و مصوبه هیأت وزیران به شماره ۱۳۸۰۹۱/ت-۵۰۰۰۰-۱۳۹۳/۱۱/۱۵ نیز برقراری فوق العاده ویژه موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری را صرفاً برای مشاغل تخصصی ستاد وزارتخانهها



ب: اولاً: بر اساس بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ کارکنان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از حیث مقررات اداری و استخدامی تابع آیین‌نامه‌های مصوب هیأت امناء هستند و از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله دریافت فوق‌العاده ویژه موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ آن و مصوبات هیأت وزیران در این خصوص خارج هستند. ثانیاً: فوق‌العاده ویژه مقرر در بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، منحصر به موارد خاص و مشروط به پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران است. هیأت وزیران در خصوص پرداخت فوق‌العاده مزبور به کارکنان دستگاه‌های اجرایی دو مصوبه کلی داشته است. یکی مصوبه شماره ۸۳۴۴۷/ت/۴۸۷۲۹-هـ-۱۳۹۲/۴/۹ است که به موجب مصوبه دیگر به شماره ۱۲۷۸۲۳ ت ۴۸۷۲۹-هـ-۱۳۹۲/۷/۱۶ به دلیل ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی و عدم تأمین بار مالی توسط هیأت وزیران لغو شده است. دیگری مصوبه شماره ۱۳۸۰۹۱/ت/۵۰۰۰۰-هـ-۱۳۹۳/۱۱/۱۵ است که حکم آن مخصوص کارکنان ستادی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مستقل زیر نظر رئیس‌جمهور و سازمان‌های ستادی با حیطه وظایف ملی است و شامل حال شکات پرونده‌ها که از کارمندان دانشگاه علوم پزشکی گیلان هستند نمی‌شود. ثالثاً: فوق‌العاده ویژه موضوع ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، نیز برای موارد خاص و برای حداکثر ۲۵ درصد از مشاغل است، مشاغلی که تعیین آن‌ها و نیز تعیین میزان فوق‌العاده قابل پرداخت به تهیه دستورالعمل مصوب هیأت امناء موکول شده است و حسب اعلام دانشگاه علوم پزشکی گیلان و مدیرکل حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تاکنون چنین دستورالعملی تهیه و تدوین نشده است. بدیهی است بدون تهیه دستورالعمل مذکور امکان شناسایی مشاغل مورد نظر و تعیین میزان فوق‌العاده پرداختی به آنان وجود ندارد. با عنایت به مراتب فوق رأی شماره ۱۳۹۶/۴/۳-۹۶۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۳۵ شعبه سوم که به رد شکایت صادر شده و در شعبه ۲۵ تجدیدنظر به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۷/۴/۲۰-۹۷۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۲۳۷ تأیید شده است صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۱ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۷۳۶ الی ۶۷۰

کلاس‌ه پرونده: ۱۴۶۴/۹۶، ۱۴۶۵/۹۶، ۱۴۶۷/۹۶، ۱۴۶۸/۹۶، ۱۴۶۹/۹۶، ۱۵۱۲/۹۶، ۱۵۱۳/۹۶، ۱۵۱۴/۹۶، ۱۵۱۵/۹۶، ۱۵۱۶/۹۶، ۱۵۱۷/۹۶، ۱۵۱۸/۹۶، ۱۵۲۵/۹۶، ۱۵۶۸/۹۶، ۱۵۹۸/۹۶، ۱۵۹۹/۹۶، ۱۶۰۰/۹۶، ۱۶۰۱/۹۶، ۱۶۰۲/۹۶، ۱۶۰۳/۹۶، ۱۶۰۴/۹۶، ۱۶۰۵/۹۶، ۱۶۰۶/۹۶، ۱۶۰۷/۹۶، ۱۶۰۸/۹۶، ۱۶۴۲/۹۶، ۱۸۴۲/۹۶، ۵۳/۹۸، ۵۴/۹۸، ۵۵/۹۸، ۵۶/۹۸، ۵۷/۹۸، ۵۸/۹۸، ۵۹/۹۸، ۶۰/۹۸، ۶۱/۹۸، ۶۲/۹۸، ۶۳/۹۸، ۶۴/۹۸، ۶۵/۹۸، ۶۶/۹۸، ۶۷/۹۸، ۶۸/۹۸، ۶۹/۹۸، ۷۰/۹۸، ۷۱/۹۸، ۷۲/۹۸، ۷۳/۹۸، ۷۴/۹۸، ۷۵/۹۸، ۷۶/۹۸، ۷۷/۹۸، ۷۸/۹۸، ۷۹/۹۸، ۸۰/۹۸، ۸۱/۹۸، ۸۲/۹۸، ۸۳/۹۸، ۸۴/۹۸، ۸۵/۹۸، ۸۶/۹۸، ۸۷/۹۸، ۸۸/۹۸، ۸۹/۹۸، ۹۰/۹۸، ۹۱/۹۸، ۹۲/۹۸، ۹۳/۹۸

موضوع: ابطال بند " و " دفترچه شماره یک راهنمای ثبت‌نام شرکت در آزمون سراسری ۱۳۹۷ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از تاریخ تصویب (در خصوص اجازه تحصیل دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته‌های تحصیلی و دکتری عمومی (پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی) در مقطع دکتری عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی صرفاً در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد دانشگاه‌های علوم پزشکی و الزام به پرداخت شهریه)

شاکي: آقايان ۱- سيد داريوش خاموشي ۲- اميرعباس بور ۳- محسن نيك انجام ۴- ابراهيم مير باقري ۵- حامد عزيزاده بيدراني ۶- ابوذر سبزي ۷- سيامند محمودي آذر ۸- پويا ترکمان ۹- عادل عليپور ۱۰- علي کيان ۱۱- سامان زندکريمي ۱۲- علي سياهکالي ۱۳- سيد وحيد بلوري ۱۴- محمد رحمانی گلستان ۱۵- حسين متدين ۱۶- سعید اثباتي ديز ۱۷- حسين محمودي ۱۸- مجتبي عفت پناه حصارى ۱۹- حسين آزادي ۲۰- محمد بيات ۲۱- محمد نجفي قدوسي ۲۲- امين اله اميدوند چالي ۲۳- محمد ايرواني محمدآبادي ۲۴- حسن درودگران ۲۵- مهدي منادي ۲۶- حميد صفري زتاب ۲۷- ساسان محمدي ۲۸- اکبر رضابور مقصودلو ۲۹- امين رضايي دو ۳۰- عليرضا جماراني ۳۱- يوسف سلطان آبادي ۳۲- ياسر نصير پور ۳۳- عبدالعزیز رحمانی کم ۳۴- سيد سراج حميدي و خانم ها: ۳۵- مليحه خليلي ۳۶- ندا فاضلي سنگاني ۳۷- نگين ويسی ۳۸- الهه رحيمي زارعی ۳۹- راضيه کاظمی ۴۰- معصومه عبدالهي ۴۱- رقيه بهمني ۴۲- سحر فرهنگند ۴۳- رعنا موسی زاده ۴۴- مريم نصيري تاج آبادي ۴۵- نيره نوایي ۴۶- فاطمه سادات حسيني ۴۷- فاطمه امين نژاد ۴۸- راحله نوروزي ۴۹- نوشين حکمتي پور ۵۰- طيبه توکلي وردنجاني ۵۱- حکيمه عزيزاده ۵۲- الناز رنجبر بهتاشي ۵۳- فاطمه کناري زاده دزفول ۵۴- آسيه ايزانلو ۵۵- بيता درخشاني ۵۶- رضوان کرمي ۵۷- سلماز دستاني ۵۸- سيده مليحه دهقانيان ۵۹- مرضيه باقري ۶۰- بنفشه ترحمی ۶۱- آسيه صفامنش ۶۲- صغري کريمي ۶۳- محبوبه راهزاني ۶۴- راحله قهري ۶۵- زهرا توکلي ۶۶- فاطمه قاسمي ۶۷- فرزانه سادات تیموری طوفال

## گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواستهای جداگانه با مضمون و محتوایی واحد ابطال بند "و" دفترچه شماره یک راهنمای ثبت نام شرکت در آزمون سراسری ۱۳۹۷ دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده اند که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

احتراماً به استحضار می‌رساند به موجب بند "و" مندرج در صفحه ۵ دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۷ دانشگاه و مؤسسات عالی سراسر کشور که توسط سازمان سنجش کشور منتشر شده مقرر شده است که: "با توجه به رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۶/۶/۷ مبنی بر عدم ابطال مصوبه پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵، دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته‌های تحصیلی و دکتری عمومی (پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی) می‌توانند با رعایت شرایط ذیل از طریق قبولی در آزمون سراسری در مقطع دکتری عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی صرفاً در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد دانشگاه‌های علوم پزشکی تحصیل نمایند." و در ادامه و در تکمیل همین بند در همان صفحه از دفترچه مذکور قید شده است که: "کلیه پذیرفته شدگان در دوره‌های پردیس خودگردان و یا ظرفیت مازاد (اعم از اینکه در مقاطع قبلی تحصیلی از آموزش رایگان برخوردار بوده اند یا نبوده اند) ملزم به پرداخت شهریه مطابق مصوبه هیأت امنای دانشگاه و مصوبات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند.

دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته صرفاً قادر به تحصیل در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد می‌باشند." لذا بنا به دلایل زیر از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، خواستار ابطال بند "و" دفترچه شماره یک راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون سراسری ۱۳۹۷ دانشگاهها و مؤسسات عالی سراسر کشور می‌باشیم:

۱- از محتویات این بند، صریحاً این مطلب استنباط می‌شود که حق تحصیل رایگان از دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد، در صورت قبولی در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی سلب شده است. که این مطلب مطابق با "موارد مطروحه در ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸" نمی‌باشد، چرا که طبق این ماده، تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند مورد حکم مقنن قرار گرفته و پرداخت شهریه در فرضی اعمال می‌شود که کسی مایل به تحصیل رایگان نباشد و در سایر قوانین دلیلی بر محدودیت تحصیل رایگان در مراکز آموزش عالی فقط در یک مقطع وجود ندارد و از طرفی مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ دریافت هرگونه وجه، کالا و خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، ممنوع اعلام شده است.

۲- الحاق این بند به دفترچه آزمون سراسری سال ۱۳۹۷، مبتنی بر رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۷ در دادنامه شماره ۵۴۴ مبنی بر عدم ابطال مصوبه پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ می‌باشد که توجه شما را در این خصوص به نکته مهم زیر جلب می‌نمایم: در رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۵۴۴ آمده است که: "نظر به اینکه مقرره مورد اعتراض با مستندات مورد استناد شاکیان مغایرت ندارد، بنابراین قابل ابطال تشخیص نشد." و در واقع الحاق بند "و" به دفترچه آزمون سراسری سال ۱۳۹۷ بر طبق حکمی آمده است که عدم ابطال

یک مصوبه (نه ابطال آن) آن هم به دلیل عدم کفایت مستندات شاکی آن پرونده و نه چیز دیگری صادر شده است. همان‌طور که مطلع هستید ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، رعایت مفاد آرای هیأت عمومی برای مصوبات بعدی را با قید "در صورت ابطال یک مصوبه" آورده است، در صورتی که در این مورد، وزارت بهداشت عدم ابطال یک مصوبه را ملاک اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قرار داده است.

۳- در قسمتی از بند ۱-۸ مندرج در صفحه ۶ دفترچه انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۶ (دفترچه شماره ۲) آمده است: "طبق ابلاغیه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بند "و" شرایط اختصاصی مندرج در صفحه ۵ دفترچه راهنمای ثبت‌نام (دفترچه شماره ۱) آزمون سراسری سال ۱۳۹۶ ابطال شده است، لذا محدودیتی برای تحصیل مجدد آن دسته از داوطلبانی که قبلاً با استفاده از امکانات دولتی (آموزش رایگان) تحصیلات خود را در رشته ای به پایان رسانده‌اند وجود ندارد."

همان‌طور که مشاهده می‌شود ابلاغیه دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۷ با مطلبی که در بند "و" دفترچه شماره ۱ راهنمای ثبت‌نام شرکت در آزمون سراسری ۱۳۹۷ دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی سراسر کشور در صفحه ۵ درج شده است همخوانی ندارد. مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، مقرر شده است که: "چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است." از طرفی در تصویب بند "و" دفترچه ثبت‌نام کنکور سراسری ۱۳۹۷ مندرج در صفحه ۵ آن دفترچه، مفاد آرای ۱۲۰۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۲، ۴۹۴، ۱۳۹۵/۸/۴-۵۰۸ و ۱۴۶۷-۱۳۹۶/۳/۲-۱۳۹۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رعایت نشده است چرا که در آن آراء به صراحت قید شده است که:

"با توجه به اینکه مطابق ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸، تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به‌صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند مورد حکم مقنن قرار گرفته و پرداخت شهریه در فرضی اعمال می‌شد که کسی مایل به تحصیل رایگان نباشد و در سایر قوانین دلیلی بر محدودیت تحصیل رایگان در مراکز آموزش عالی فقط در یک مقطع وجود ندارد و از طرفی مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، دریافت هرگونه وجه، کالا و خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، ممنوع اعلام شده است."

"بند "و" دفترچه شماره یک راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۵ و قسمتی از بند ۱-۸ دفترچه راهنمای انتخاب رشته تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۵ در خصوص عدم پذیرش آن دسته از داوطلبانی که قبلاً با استفاده از امکانات دولتی (آموزش رایگان) تحصیلات خود را در رشته ای به اتمام رسانیده‌اند در همان مقطع قبولی قبلی و در همان دوره (روزانه) و امکان ثبت‌نام این قبیل از داوطلبان در دوره نوبت دوم (شبانه) در همان مقطع و پرداخت شهریه همانند دانشجویان دوره شبانه در صورت قبولی در دوره روزانه، ابطال شده است."

"تصویب بند "و" دفترچه آزمون سراسری سال ۱۳۹۶ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، پذیرش آن دسته از داوطلبانی که قبلاً با استفاده از امکانات دولتی (آموزش رایگان) تحصیلات خود را در رشته ای به اتمام رسانیده‌اند، در همان مقطع قبولی قبلی و در همان دوره (روزانه) امکان‌پذیر ندانسته است، بند "و" دفترچه آزمون سراسری سال ۱۳۹۶ به لحاظ مغایرت با مفاد آراء هیأت عمومی با استناد به

بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال شده است."

لذا با توجه به موارد مطروحه فوق و همچنین اجرای صحیح مقررات ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مبنی بر رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی، دادخواست ابطال بند "و" دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۷ دانشگاهها و مؤسسات عالی کشور، جهت احقاق حقوق تحصیل مجدد رایگان در سه رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی صرف نظر از سابقه داشتن مدرک دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد، به شما ریاست دیوان عدالت اداری داده می شود. همچنین جهت جلوگیری از تضییع حقوق داوطلبان کنکور سراسری، صدور دستور موقت جهت ابطال بند "و" دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۷ برای داوطلبان دارای مدرک کارشناسی ارشد جهت انتخاب رشته و قبولی در دوره های روزانه پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی به عنوان داوطلبان کنکور سراسری ۱۳۹۷ از ریاست دیوان عدالت اداری مورد استدعاست."

متن دستورالعمل مورد اعتراض به قرار زیر است:

دفترچه راهنمای ثبت نام شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۷۹:

"و) با توجه به رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۶/۶/۱۷ مبنی بر عدم ابطال مصوبه پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵، دانش آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته های تحصیلی و دکتری عمومی (پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی) می توانند با رعایت شرایط ذیل از طریق قبولی در آزمون سراسری در مقطع دکتری عمومی رشته های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی صرفاً در پردیس های خودگردان و ظرفیت مازاد دانشگاه های علوم پزشکی تحصیل نمایند.

- لزوم گذراندن طرح نیروی انسانی برای دانش آموختگان مشمول طرح.
- دارا نبودن هرگونه تعهد خدمت به ارگان یا دستگاه های اجرایی و عدم دارا بودن تعهدات سهمیه بومی و یا سهمیه مناطق محروم.

- نداشتن ممنوعیت تحصیل از نظر سازمان نظام وظیفه.

- کلیه پذیرفته شدگان در دوره های پردیس خودگردان و یا ظرفیت مازاد (اعم از اینکه در مقاطع تحصیلی قبلی تحصیل، از آموزش رایگان برخوردار بوده و یا نبوده اند) ملزم به پرداخت شهریه مطابق مصوبه هیأت امنای دانشگاه و مصوبات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشند.

- دانش آموختگان مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته صرفاً قادر به تحصیل در پردیس های خودگردان و ظرفیت مازاد می باشند."

در پاسخ به شکایات مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۸۱۹-۱۳۹۷/۱۰/۱۹ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص خواسته ابطال بند او دفترچه شماره یک راهنمای ثبت نام شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۷ دانشگاهها و مؤسسات عالی سراسر کشور مراتب ذیل به استحضار می رسد:

۱- نامبردگان وفق دادخواست تقدیمی مدعی گردیده وفق مفاد دفترچه کنکور سراسری، دانش آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته های تحصیلی و دکتری عمومی (پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی) صرفاً می توانند با رعایت شرایط مندرج در دفترچه از طریق قبولی در آزمون سراسری در

مقطع دکتری عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد دانشگاه‌های علوم پزشکی تحصیل نمایند. در حال حاضر به شرط مذکور معترض بوده و به موجب این دادخواستها متقاضی ابطال بند او دفترچه شماره یک راهنمای ثبت‌نام شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۷ دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی سراسر کشور شده‌اند.

۲- در ارتباط با شکایت نامبردگان لازم به ذکر است، همان‌گونه که در دفترچه کنکور سراسری سال ۱۳۹۷ صراحتاً اعلام شده است، بند (و) دفترچه راهنمای آزمون سراسری سال ۱۳۹۷ بر اساس مصوبه پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی تنظیم شده است. درخواست ابطال مصوبه مذکور سابقاً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و برابر دادنامه شماره ۵۴۴-۱۳۹۶/۶/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رأی به عدم ابطال مصوبه مورد اشاره صادر شده است. لذا با توجه به مراتب فوق‌الذکر طرح شکایات به خواسته ابطال بند مورد اشاره به دلیل اینکه موضوعی که بند مذکور بر آن مبنا در دفترچه اعلام شده است در هیأت عمومی مطرح و حکم به عدم ابطال صادر شده است فاقد وجاهت قانونی است.

۳- مضافاً به اینکه بر اساس ماده واحده "خروج تصمیمات و آراء صادره از هیأت‌ها و کمیته‌های تخصصی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در خصوص امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی، مصوب ششصد و سی امین جلسه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی" آن دسته از تصمیمات و آراء نهائی و قطعی صادره در هیأت‌ها و کمیته‌های تخصصی فعال در وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی مصوب از جمله: تصمیمات و آراء نهائی هیئت‌های امناء، ممیزه و انتظامی اساتید و کمیته انضباطی دانشجویان و همچنین تصمیمات و آراء نهائی در خصوص بازنشستگی، ارتقاء، ارزیابی و پذیرش علمی، بورس دانشجویان و فرصت مطالعاتی که صرفاً در رابطه با امور و شئون تخصصی علمی، آموزشی و پژوهشی صادر شده باشد، قابل شکایت و رسیدگی در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نخواهد بود. با توجه به اینکه خواسته نامبردگان دارای شأن آموزشی و تخصصی می‌باشد، برابر ماده واحده مذکور رسیدگی به آن در صلاحیت هیأت عالی تجدیدنظر این وزارتخانه می‌باشد.

۴- صرف نظر از مراتب فوق‌الذکر لازم به ذکر است، به استناد بند ۲۰ مصوبه جلسات ۴۲۹-۴۳۰ مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۱ و ۱۳۷۷/۸/۵ و نامه شماره ۴۲۲۹/دش- ۱۳۷۷/۱۱/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مواد ۲ و ۷ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب سال ۱۳۶۴ بندهای ۱، ۴ و ۱۶ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷، تشکیل شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی به منظور تحقق سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در امر برنامه‌ریزی و تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی تشکیل گردید. از جمله وظایف شورای مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی در سطح آموزش عالی گروه پزشکی در راستای خط مشی کلی و سیاست‌های آموزشی و پژوهشی برنامه‌ریزی درسی در مقاطع تحصیلی و رشته‌های مختلف دانشگاهی و اصلاح، تغییر و بازنگری برنامه‌های مصوب و تصویب نهایی برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشی و درسی دوره‌های تخصصی علوم پزشکی، تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های آموزشی و پژوهشی، تغییر و اصلاح آیین‌نامه‌ها، تدوین ضوابط بررسی صلاحیت علمی داوطلبان استخدام در هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پزشکی کشور و تصویب آیین‌نامه‌های آن، تعیین نوع مدرک تحصیلی، جنسیت قابل پذیرش و درصد آن، نوع و

میزان نقص عضو مؤثر، مواد امتحانی و ضرایب آن، ضوابط گزینش علمی و شرایط اختصاصی در آزمونهای ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، تعیین نوع عناوین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی گروه پزشکی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری عمومی و P.h.D)، ایجاد رشته‌ها و دوره‌های آموزشی و پژوهشی در سطح آموزش عالی و بررسی، حذف یا ادغام رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی در مقاطع مختلف دانشگاهی. تعیین ضوابط ارزیابی کار هر یک از دبیرخانه‌های شوراها، گروه پزشکی و تخصصی و ایجاد هماهنگی و تنظیم فعالیت آن‌ها بر اساس خط مشی آموزشی و پژوهشی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی.

۵- از آنجا که رقابت فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد و بالاتر متقاضی شرکت مجدد در کنکور سراسری جهت پذیرش در مقطع دکتری عمومی با داوطلبان دارای مدرک دیپلم که از سطح علمی و تجربه کمتری برخوردار می‌باشند، رقابتی عادلانه نبوده و نظر به بررسی آمار مربوط به تعداد قبول شدگان این گروه در دانشگاه‌های دولتی، عملاً فرصت تحصیل در دانشگاه‌های دولتی برای اولین بار از داوطلبان دیپلم در هر سال تحصیلی محدود می‌گردد، شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی در راستای حمایت از داوطلبان دیپلم متقاضی تحصیل در دوره‌های روزانه دانشگاه‌های علوم پزشکی در پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی به شرح ذیل اتخاذ تصمیم می‌نماید که بند (و) دفترچه راهنمای آزمون سراسری سال ۱۳۹۷ نیز به استناد آن تنظیم شده است.

۶- وفق مصوبه مورد اشاره دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته‌های تحصیلی و دکتری عمومی (پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی) می‌توانند با رعایت شرایط ذیل از طریق قبولی در آزمون سراسری در مقطع دکتری عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی صرفاً در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد دانشگاه‌های علوم پزشکی تحصیل نمایند:

- لزوم گذراندن طرح نیروی انسانی برای دانش‌آموختگان مشمول طرح - دارا نبودن هرگونه تعهد خدمت به ارگان یا دستگاه‌های اجرایی و عدم دارا بودن تعهدات سهمیه بومی و یا سهمیه مناطق محروم - نداشتن ممنوعیت تحصیل از نظر سازمان نظام وظیفه - کلیه پذیرفته شدگان در دوره‌های پردیس خودگردان و یا ظرفیت مازاد (اعم از اینکه در مقاطع تحصیلی قبلی تحصیل، از آموزش رایگان برخوردار بوده و یا نبوده اند) ملزم به پرداخت شهریه مطابق مصوبه هیأت امنای دانشگاه و مصوبات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند - دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته صرفاً قادر به تحصیل در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد می‌باشند.

۷- در دادخواست تقدیمی به دادنامه‌های شماره ۱۳۹۴/۱۰/۲۲-۱۲۰۵ و ۴۹۴ الی ۵۰۸/۴/۱۳۹۵ و ۱۳۹۶/۳/۲-۱۴۶۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اشاره شده است. این درحالی است که دادنامه‌های مزبور ارتباطی با شکایت حاضر نداشته و موضوع آن‌ها در خصوص بند سوم از چهل و پنجمین مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت متبوع دائر بر اخذ شهریه از فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی با استفاده از آموزش رایگان بوده که در دوره‌های روزانه دانشگاه‌های سراسری در مقطع پزشکی عمومی، دندانپزشکی و داروسازی پذیرفته می‌شوند، بوده است.

۸- در دادخواست تقدیمی به ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ اشاره شده که در آن مقرر شده است، در یافت هرگونه وجه، کالا و خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود ممنوع می‌باشد. در این خصوص لازم به ذکر است در بند او دفترچه کنکور سال ۱۳۹۷ اعلام شده است، دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته‌های تحصیلی و دکتری عمومی (پزشکی،

دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی) می‌توانند با رعایت شرایط ذیل از طریق قبولی در آزمون سراسری در مقطع دکتری عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی صرفاً در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد دانشگاه‌های علوم پزشکی تحصیل نمایند و کلیه پذیرفته شدگان در دوره‌های پردیس خودگردان و یا ظرفیت مازاد (اعم از اینکه در مقاطع تحصیلی قبلی تحصیل، از آموزش رایگان برخوردار بوده و یا نبوده‌اند) ملزم به پرداخت شهریه مطابق مصوبه هیأت امنای دانشگاه و مصوبات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند. وفق بند (ح) قانون برنامه پنجم توسعه، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مجازند از ظرفیت مازاد بر سهمیه آموزش رایگان خود و یا ظرفیت‌های جدیدی که ایجاد می‌کنند، بر اساس قیمت تمام شده یا توافقی با بخش غیردولتی و با تأیید هیأت امناء در مقاطع مختلف دانشجو بپذیرند و منابع مالی دریافتی را حسب مورد پس از واریز به خزانه کل به حساب درآمدهای اختصاصی منظور کنند. همچنین برابر بند (ی) قانون مذکور، دانشگاه‌های کشور، حسب مورد به تشخیص وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تصویب شورای گسترش وزارتخانه‌های مربوط، می‌توانند نسبت به تأسیس شعب در شهر محل استقرار خود یا دیگر شهرها و مناطق آزاد داخل کشور و نیز در خارج کشور به صورت خودگردان و با دریافت شهریه از داوطلبان اقدام کنند. وفق بند الف و ب ماده ۲ قانون احکام دائمی دانشگاه‌های کشور، حسب مورد به تشخیص وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تصویب شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های مربوط، می‌توانند نسبت به تأسیس شعب در مناطق آزاد تجاری - صنعتی و نیز در خارج از کشور به صورت خودگردان و با دریافت شهریه از داوطلبان اقدام کنند. ب- پذیرش دانشجو در شعب دانشگاه‌ها در مناطق آزاد تجاری/صنعتی، برای دانشجویان غیرایرانی بدون آزمون سراسری انجام می‌شود. ضوابط پذیرش دانشجو برای دوره کارشناسی توسط شورای سنجش و پذیرش دانشجو موضوع ماده (۲) قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۹۲ و برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی با پیشنهاد دانشگاه‌ها و حسب مورد با تأیید یکی از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌شود. بر این اساس اخذ وجه از دانشجویان مشغول به تحصیل در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد کاملاً قانونی بوده و استناد به ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت کاملاً بی وجه مطرح شده است.

۹- در رابطه با ادعای شاکیان دائر بر اینکه چون در دادنامه شماره ۵۴۴ هیأت عمومی اعلام شده، مقرره مورد اعتراض (مصوبه پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی) با مستندات مورد اعتراض مغایرت نداشته، بنابراین عدم ابطال مصوبه به دلیل عدم کفایت مستندات بوده است، نیز لازم به ذکر است همان‌گونه که آن مقام مستحضرد موضوعات مطروحه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از تمامی جنبه‌های قانونی از سوی قضات هیأت عمومی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس حکم به ابطال یا عدم ابطال صادر می‌گردد و صرفاً به مستندات شاکیان در جلسات هیأت عمومی اکتفا نمی‌گردد. ثانیاً: اگر این‌گونه باشد درخواست ابطال هر مصوبه‌ای باید بارها قابلیت طرح در هیأت عمومی را داشته باشد و با شکایت هر شخصی آن موضوع مجدداً در هیأت مذکور مطرح رسیدگی گردد. این در حالی است که هر موضوعی صرفاً یک بار در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طرح داشته و در صورت طرح مجدد وفق ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی قرار رد دادخواست صادر می‌شود. ضمناً برابر ماده ۹۱ قانون مذکور طرح آراء قبلی هیأت عمومی برای رسیدگی مجدد در هیأت عمومی، صرفاً در موارد ادعای اشتباه یا مغایرت با قانون یا تعارض با یکدیگر، مستلزم اعلام اشتباه از سوی رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان یا تقاضای کتبی و مستدل بیست نفر از قضات دیوان است که در خصوص دادنامه مذکور چنین اقدامی صورت نگرفته است.

۱۰- شاکیان ادعا کرده‌اند وفق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رعایت مفاد آرای هیأت عمومی برای مصوبات بعدی در صورت ابطال یک مصوبه می‌باشد ولی وزارت بهداشت عدم ابطال یک مصوبه را در بند او دفترچه کنکور ملاک اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان قرار داده است. در این خصوص نیز لازم به توضیح است این ادعای نیز همانند سایر ادعاها مبهم و بدون توجه به مفاد دفترچه و ضوابط و مقررات بیان شده است. اولاً: دفترچه کنکور توسط سازمان سنجش و آموزش کشور تنظیم شده است و نه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. ثانیاً: در بند او دفترچه کنکور هیچ اشاره‌ای به ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان نشده است. ثالثاً: اشاره به رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در بند مزبور صرفاً از باب تأکید و اطلاع رسانی بوده است و حتی لزومی به اشاره آن نیز نبوده است زیرا مصوبه جلسه پنجاه و یکم شورای عالی برنامه‌ریزی به قوت خود باقی و قابلیت اجرا دارد. با توجه به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه اقدامات مذکور وفق ضوابط و مقررات قانونی صورت گرفته است، رد شکایات مطروحه از آن مقام مورد تقاضاست."

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تشخیص نشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه به موجب مصوبه معترض‌عنه مقرر شده است، دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی ارشد صرفاً قادر به تحصیل در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت‌مآزاد می‌باشند و طبق فراز اول این مصوبه کلیه پذیرفته‌شدگان در دوره‌های پردیس خودگردان و ظرفیت‌مآزاد ملزم به پرداخت شهریه می‌باشند، که مآلاً نتیجه مصوبه مذکور ممنوعیت تحصیل رایگان آن دسته از داوطلبانی است که در دوره روزانه مقطع دکتری پزشکی پذیرفته شده‌اند لیکن مقطع کارشناسی ارشد خود را در دوره‌های روزانه گذرانده‌اند و با عنایت به اینکه به موجب ماده ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸ تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به صورت رایگان و در قبال اخذ تعهد خدمت برای مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند می‌باشد و هیچ دلیل قانونی وجود ندارد بر اینکه استفاده از تحصیل رایگان برای داوطلبان واجد شرایط ناظر به یک دوره یا یک مقطع می‌باشد و ایجاد ممنوعیت از تحصیل در دوره روزانه برای کسانی که در رشته دکتری پزشکی پذیرفته شده‌اند به خاطر این که در مقطع کارشناسی ارشد در دوره روزانه تحصیل کرده‌اند و از آموزش رایگان برخوردار بوده‌اند و همچنین اجبار به تحصیل در دوره‌های پردیس بین‌المللی و ظرفیت‌مآزاد و اخذ شهریه مغایر قانون مارالذکر و اصل ۳۰ قانون اساسی و ماده ۶۰ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت تشخیص شد و مقرره مورد اعتراض به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - بیمه سلامت - تعرفه ها و هزینه های بهداشتی - درمانی

تاریخ: ۱۱ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۵۹۱

کلاس پرونده: ۱۷۱۰/۹۷

**موضوع:** ابطال عبارت "می‌تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده" از بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور (در خصوص هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه)

### شاکي: آقای بهمن زبردست

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال عبارت "می‌تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده" از بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"با سلام و احترام، ضمن تقدیم بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، به استحضار می‌رساند بنا به ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم، هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه، همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه ایرانی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد و در این ماده نه ذکری از این که چه سهمی از پرداختی بیمه شدگان تأمین اجتماعی از درآمد مشمول مالیاتشان کسر شود شده نه اختیاری به سازمان مالیاتی جهت تعیین این میزان داده شده اما در بند ۲ بخشنامه مورد اعتراض، بدون ذکر مبنای محاسبه "صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده" تأمین اجتماعی موافقت شده، که حتی اگر هم سازمان امور مالیاتی اختیاری برای تعیین این میزان می‌داشت، باز هم در مغایرت با ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی بود که بر مبنای آن "نه درصد از مأخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۸ این قانون حسب مورد برای تأمین هزینه‌های ناشی از موارد مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ این قانون (حوادث و بیماریها و بارداری) تخصیص می‌یابد و بقیه به سایر تعهدات اختصاص خواهد یافت." لذا با عنایت به اینکه تعیین مبنای کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی، اساساً خارج از حدود اختیارات رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور بوده، در مغایرت با ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی نیز می‌باشد، از آن مقام عالی درخواست ابطال این مبنای کسر غیرقانونی و حذف عبارت "می‌تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده" از بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ را دارم."

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ در خصوص حق بیمه‌های درمانی و درآمد حقوق

شماره: ۱۳۸۳/۱۱/۷-۱۹۴۱۸/۴۳۸۵/۲۱۱

سازمان امور اقتصادی و دارایی استان- شورای عالی مالیاتی- اداره کل امور مالیاتی استان- دفتر فنی مالیاتی- اداره کل- هیأت عالی انتظامی مالیاتی- دفتر- دادستانی انتظامی مالیاتی- دبیرخانه هیئت‌های موضوع ماده ۲۵۱ مکرر- پژوهشکده امور اقتصادی- دانشکده امور اقتصادی- جامعه حسابداران رسمی ایران- سازمان حسابرسی پیرو بخشنامه شماره ۴۰۰۶/۱۰۰۸۱-۴/۳۰ مورخ ۱۳۸۱/۲/۱ چون در خصوص اجرای حکم ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن خصوصاً حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بابت بیمه عمر و بیمه‌های درمانی که معمولاً به صورت مستمر و اقساط ماهیانه انجام می‌شود از طرف ادارات امور مالیاتی، کارفرمایان و مؤدیان مالیاتی سوالاتی مطرح شده است، لذا موارد زیر را یادآور می‌گردد:

۱-.....

۲- کارفرمایان بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده و کارفرمایان بیمه شدگان سازمان خدمات درمانی و سایر مؤسسات بیمه گر ایرانی نیز می‌توانند با کسر کل سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده خود از درآمد حقوق آنان و با قید میزان آن در فهرستهای حقوق، تسلیمی به اداره امور مالیاتی ذی‌ربط مالیات متعلق را محاسبه نمایند- رئیس کل سازمان امور مالیاتی "

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۱۷/۱۷-ص/۲۱۲/۱۵۸۲۷ توضیح داده است که:

" جناب آقای دربین

مدیرکل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

در خصوص کلاسه ۹۷۰۱۷۱۰ و به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۶۹۴ موضوع دادخواست آقای بهمن زبردست به خواسته ابطال عبارت "می‌توانند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده" بند ۲ بخشنامه شماره ۱۹۴۱۸/۴۳۸۵/۲۱۱-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ سازمان امور مالیاتی کشور، ضمن ارسال تصویر نامه شماره ۱۳۹۷/۶/۲۷-د/۲۳۲/۳۲۲۶۷ که در پاسخ به دادخواست مشارالیه تهیه گردیده به استحضار می‌رساند:

۱- در خصوص عدم مغایرت بند ۲ بخشنامه مذکور با ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم توضیحات

به شرح زیر می‌باشد:

بر اساس ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ "... حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه ایرانی بابت انواع بیمه عمر و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد" با عنایت به ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی "حق بیمه از اول مهر ماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان بیست و هشت درصد مزد یا حقوق است که هفت درصد آن بر عهده بیمه شده و هجده درصد آن بر عهده کارفرما و سه درصد به وسیله دولت تأمین خواهد شد." و حسب تبصره ۱ همان ماده "از اول سال ۱۳۵۵ حق بیمه سهم کارفرما بیست درصد مزد یا حقوق بیمه شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه شده و کمک دولت کل حق بیمه به سی درصد مزد یا حقوق افزایش می‌یابد." همان‌گونه که در این ماده بیان شده سهم بیمه شده هفت درصد از حق بیمه است. با توجه به نامه شماره ۱۳۸۲/۱۲/۳-۵۰۱۳/۱۰۸۴۱۶ "اداره کل امور فنی بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی

از تاریخ ۱۳۵۵/۱/۱ به بعد از ۷۰٪ حق بیمه سهم کارمند ۲ واحد جهت امور درمانی و ۵ واحد به سایر موارد تخصیص می‌یابد. با لحاظ اینکه در ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم حق بیمه پرداختی هر شخص بابت بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد و با توجه به اینکه صرفاً ۲ واحد از ۷ واحد حق بیمه پرداختی بیمه شده جهت امور درمانی تخصیص می‌یابد، بر اساس بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ مقرر شده است "کارفرمایان بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده از درآمد آنان و با قید میزان آن در فهرستهای حقوق تسلیمی به اداره امور مالیاتی ذی‌ربط مالیات متعلق را محاسبه نمایند.

۲- در خصوص عدم مغایرت بند ۲ بخشنامه مذکور با ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی توضیحات زیر ارائه می‌شود:

بر اساس ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی "نه درصد مأخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۸ این قانون حسب مورد برای تأمین هزینه‌های ناشی از موارد مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ این قانون تخصیص می‌یابد و بقیه به سایر تعهدات اختصاص خواهد یافت." ۹ درصد مذکور مجموع سهم بیمه شده (۲٪)، کارفرما (۶٪) و دولت (۱٪) مأخذ محاسبه حق بیمه می‌باشد. نظر به توضیحات مذکور در بند ۱ این لایحه و با توجه به تعیین سهم ۲ درصدی بیمه شده از ۹٪ مأخذ محاسبه حق بیمه که در ماده ۲۹ قانون بدان اشاره شده و به لحاظ اینکه صرفاً ۲ واحد از ۷ واحد سهم بیمه شده جهت تأمین هزینه‌های ناشی از حوادث، بیماریها و بارداری (درمان) تخصیص یافته، بند ۲ بخشنامه مورد شکایت مغایرتی با مفاد ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی ندارد.

با لحاظ مراتب فوق و عدم مغایرت بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ با ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم و ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی رسیدگی و صدور رأی شایسته مبنی بر رد شکایت شاکه، مورد درخواست می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

بر اساس ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم، هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه خود یا همسر و اولاد و پدر و مادر و برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی و همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه ایرانی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد. همچنین به موجب ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی "نه درصد از مأخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۸ این قانون حسب مورد برای تأمین هزینه‌های ناشی از موارد مذکور در بندهای (الف) و (ب) ماده ۳ این قانون تخصیص می‌یابد و بقیه به سایر تعهدات اختصاص خواهد یافت."

بنابه مراتب فوق بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور که بر اساس آن مقرر شده است که کارفرمایان بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده و کارفرمایان بیمه شدگان سازمان خدمات درمانی و سایر مؤسسات بیمه گر ایرانی نیز می‌توانند با کسر کل سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده خود از درآمد حقوق آنان و با قید میزان آن در فهرستهای حقوق تسلیمی به اداره امور

مالیاتی ذی ربط، مالیات متعلق را محاسبه نمایند از جهت کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده مغایر با حکم مقرر در ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم و ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی است و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود./

مرتضی علی اشراقی  
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۱ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۵۹۲

کلاس پرونده: ۱۳۱۷/۹۷

**موضوع:** عدم ابطال بند "۱" از قسمت "تذکرات مهم در خصوص شرایط عمومی" دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی در سال ۱۳۹۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص شرایط عمومی داوطلبان)

### شاکي: آقای حمیدرضا صالحی

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی حذف بند "۱" از قسمت "تذکرات مهم در خصوص شرایط عمومی" دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی در سال ۱۳۹۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "احتراماً به استحضار آن مقام می‌رساند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دفترچه ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی سال ۱۳۹۶ که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱ برگزار گردیده در بند ۱ تذکرات مهم در خصوص شرایط عمومی داوطلبان (ادامه شرایط پذیرش داوطلبان در قسمت ۲) قید کرده است "افرادی که مجاز به شرکت در این آزمون نیستند عبارتند از: مستخدمین رسمی، ثابت و پیمانی دستگاه‌های اجرایی و بازنشسته و بازخرید خدمت آن‌ها، این‌جانب نیز کارمند پیمانی یکی از دستگاه‌های اجرایی می‌باشم که در آزمون مذکور شرکت نموده و حد نصاب نمره را کسب نموده‌ام. لذا با توجه به موارد ذیل تقاضای حذف بند مذکور را از دفترچه استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۶ جهت ادامه روند استخدامی خود دارم.

۱- عطف به دادنامه شماره ۱۰۵۸-۱۳۹۶/۱۰/۲۶ در خصوص پرونده کلاس ۱۰۸/۹۶ موضوع شکایت آقای فرزادانیا در مورد مشابه که به پیوست تقدیم گردیده است.

۲- برخلاف اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که اشعار می‌دارد: هر کس حق دارد هر شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

۳- در ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری که شرایط عمومی استخدامی در دستگاه‌های اجرایی را بیان می‌دارد، هیچ‌گونه منعی در خصوص شرکت کارمندان پیمانی در آزمونهای استخدامی وجود ندارد.

۴- برخلاف بند ۲ سیاست‌های کلی نظام اداری، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است که اشعار می‌دارد: عدالت محوری در جذب، تداوم خدمت و ارتقای منابع انسانی.

۵- در ماده ۷ آیین‌نامه استخدام کارکنان پیمانی موضوع تبصره ۶ قانون استخدام کشوری هیچ‌گونه منعی در خصوص شرکت کارمندان پیمانی در آزمونهای استخدامی وجود ندارد.

۶- در مواد ۱۳ و ۱۴ قانون استخدام کشوری هیچ‌گونه منعی برای شرکت کارمندان در آزمونهای استخدامی وجود ندارد.

در پایان به استناد مواد ۱۲ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری خواهشمندم رأی به حذف این عبارت غیرقانونی و غیر منطقی جهت جلوگیری از تضییع حق این‌جانب از دفترچه های آزمون استخدامی از زمان انتشار آن صادر فرمایید."

متن دستورالعمل مورد اعتراض به قرار زیر است:

" تذکرات مهم در خصوص شرایط عمومی:

افرادی که مجاز به شرکت در این آزمون استخدامی نیستند عبارتند از:

۱- مستخدمین رسمی، ثابت و پیمانی دستگاه‌های اجرایی و یا بازنشسته و بازخرید خدمت آن‌ها"  
در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۷/۳-۱۰۷/۱۱۷۳ توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه (۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۵۸۸) موضوع دعوی آقای حمیدرضا صالحی به خواسته ابطال بند (یکم) از بخش تذکرات در خصوص شرایط عمومی در دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۶ به استحضار می‌رسد:

۱- وفق مفاد دادخواست تقدیمی شاکی ادعا نموده وفق بند (یکم) از قسمت تذکرات مهم در خصوص شرایط عمومی شرکت کنندگان در آزمون استخدامی سال ۱۳۹۶ این وزارتخانه در صفحه سوم دفترچه راهنمای آزمون "مستخدمین رسمی، ثابت و پیمانی دستگاه‌های اجرایی و یا کارکنان بازنشسته و بازخرید خدمت آن‌ها" مجاز به شرکت در آزمون استخدامی مورد اشاره نمی‌باشند که این موضوع در مغایرت با حقوق اساسی اشخاص، شرایط عمومی استخدام در مقررات قانونی مصوب رأی شماره ۱۰۵۸-۱۳۹۶/۱۰/۲۶-هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بخشی از مندرجات دفترچه راهنمای سومین آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. بر این اساس مشارالیه خواستار رسیدگی به موضوع و ابطال (بند یکم در قسمت تذکرات مهم) مندرج در صفحه سوم دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۶ شده است.

۲- در پاسخ به شکایت مطروحه اشعار می‌دارد، بخشی از خواسته مطروحه مبنی بر ابطال مندرجات دفترچه راهنمای سومین آزمون استخدامی در ارتباط با (عدم اجازه شرکت کارکنان بازنشسته و بازخریدی در آزمون استخدامی مذکور) نظر به ممنوعیتهای مقرر در خصوص به کارگیری افرادی که در اجرای قوانین و مقررات قانونی مربوطه بازنشسته و بازخرید می‌گردند، در دستگاه‌های اجرایی و کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی کل کشور استفاده می‌کنند، وفق ماده واحده قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان بلاوجه بوده و در مغایرت با مقررات قانونی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۳- از سوی دیگر و در ارتباط با بخش دیگری از خواسته شاکی در دادخواست تقدیمی، همان‌گونه که مستحضرد وفق مفاد بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور و در حال حاضر ماده یکم قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان های دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها

و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری-استخدامی-تشکیلاتی مصوب هیأت امناء عمل می‌نمایند و با حدود وظایف و اختیارات مندرج در قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳-۱۳۶۷/۱۲/۹ و ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) و همچنین قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی اداره می‌شوند و از شمول مقررات و ضوابط آزمونهای استخدامی مورد اشاره شاکی خارج می‌باشند. ۴- در این راستا و بر اساس اختیارات هیأت امناء دانشگاه‌های علوم پزشکی و در اجرای مفاد ماده (۳۳) آیین‌نامه اداری استخدامی کارمندان غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، با ارزیابی مجدد ضوابط مصوب برای استخدام در آزمونهای استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و پس از نظرسنجی از مراکز بهداشتی درمانی کشور، کارگروه استخدامی در ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نسبت به بازبینی دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمونهای استخدامی اقدام نموده و متعاقب اعمال اصلاحات لازم "دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون استخدامی" در ۴۵ ماده و ۳۵ تبصره از سوی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مورد تصویب نهایی قرار گرفت. بر این اساس ضوابط و مقررات مصوب مبنای برگزاری آزمون استخدامی سال ۱۳۹۶ دانشگاه‌های علوم پزشکی قرار گرفته و در دفترچه راهنمای آزمون استخدامی برای شرکت کنندگان در آزمون اعلام شده است.

با عنایت به مطالب معروضه و با توجه اعتبار قانونی تمامی مصوبات و یا تصمیمات اتخاذ شده بر مبنای اختیارات قانونی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، رسیدگی شایسته ورد دعوی مطروحه مورد استعداست." هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: هر چند در قوانین عمومی از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری حکمی متضمن محدودیت برای کارکنان پیمانی و رسمی دستگاه‌های اجرایی برای شرکت در آزمونهای استخدامی وجود ندارد و به همین لحاظ هیأت عمومی طی دادنامه شماره ۱۰۵۱-۱۳۹۶/۱۰/۲۶ مقرر مندرج در دفترچه سومین آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی کشور در شهریور ماه ۱۳۹۵ را ابطال کرده است لیکن از آنجا که برابر ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه مصوب ۱۳۹۵، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستانها و پارک‌های علم و فناوری دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول قوانین و مقررات عمومی خارج هستند، من جمله به صراحت از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری خارج شده‌اند و فقط تابع مصوبات هیأت امنای می‌باشند، ثانیاً: به موجب قانون منع به کارگیری بازنشستگان مصوب سال ۱۳۹۵ به کارگیری افرادی که در اجرای قوانین و مقررات مربوطه بازنشسته یا با خرید شده یا بشوند در کلیه دستگاه‌های اجرایی ممنوع است و به تبع شرکت آن‌ها در آزمونهای استخدامی دستگاه‌های اجرایی ممنوع می‌باشد و ثالثاً: از آنجا که به موجب ماده ۵ دستورالعمل اجرایی برگزاری آزمون استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌ها مصوب هیأت امناء مقرر شده است: "استخدام افراد بازنشسته و با خرید شده و مستخدمین رسمی، پیمانی موسسه و سایر دستگاه‌های اجرایی به هر نحو ممنوع می‌باشد" و رابعاً: استناد به اصل ۲۸ قانون اساسی در ادعای مغایرت مصوبه با قانون موضوعیت ندارد چرا که به موجب اصل مذکور مقرر شده "... دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون،

برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید" و اقتضاء شرایط مساوی ایجاد می‌کند دولت امتیاز استخدام جدید را برای کسانی فراهم نماید که تاکنون از چنین امتیازی برخوردار نشده‌اند درحالی‌که مستخدمین رسمی و پیمانی دستگاه‌های اجرایی پیشتر از این امتیاز استفاده کرده‌اند، بنابراین مقرره مورد شکایت من حیث المجموع در چارچوب اختیارات مرجع وضع بوده و با لحاظ اختیارات هیأت امناء دانشگاه ناشی از ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور خارج از موضوع دادنامه شماره ۱۰۵۱-۱۳۹۶/۱۰/۲۶ هیأت عمومی است و مغایرتی با قوانین ندارد و قابل ابطال تشخیص داده نشد.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۸ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۷۵۷

کلاس پرونده: ۱۲۴۹/۹۶

**موضوع:** ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۲۴-د/۲۱۲/۲۷۹۶-رئیس مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بند ۴ بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱/۱۷-۱۴/۲۵۶۹/۲۸۷۰ مدیر توسعه سازمان و تحول اداری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کردستان (در خصوص مدارک تحصیلی اخذ شده ضمن خدمت)

شاکي: آقای محمدرضا زرین

### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۲۴-د/۲۱۲/۲۷۹۶-رئیس مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بند ۴ بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱/۱۷-۱۴/۲۵۶۹/۲۸۷۰ مدیر توسعه سازمان و تحول اداری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کردستان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و عرض ادب و احترام معروض می‌دارد که این‌جانب شاکي به عنوان بهورز شاغل در دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان با داشتن ۲۷ سال سابقه خدمت در روستاها هستم که در زمان استخدام با مدرک تحصیلی زیر دیپلم شروع به فعالیت کرده‌ام و در ضمن خدمت و دوره آموزشی را طی کرده‌ام و باید (طبق مقررات این دوره یک گروه تحصیلی قرار گیرد) بلکه در حین خدمت موفق به ادامه تحصیل و اخذ مدارک دیپلم شده‌ام. منطبق با ضوابط وزارت بهداشت طی دوره ۲ سال بهورزی شامل یک پایه تحصیلی می‌باشد و قوانین مدیریت خدمات کشوری و ماقبل از آن اخذ مدارک تحصیلی بالاتر در ضمن خدمت برای مستخدمین موجب افزایش پایه تحصیلی به عنوان فوق دیپلم ارتقاء حقوق مزایای مربوطه می‌گردید و هر دو پایه (طی دوره آموزشی دو ساله بهورزی و اخذ مدرک دیپلم با مزایای کاردانی) قبلاً محاسبه شده است که اخیراً مرکز توسعه مدیریت تحول اداری وزارت بهداشت طی بخشنامه مورد تقاضای ابطال خطاب به دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور از جمله استان کردستان به عنوان یکی از طرفین شکایت در بند ۴ بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان چنین دستور داده‌اند که برای بهورزانی که در بدو استخدام با مدرک زیر دیپلم استخدام شده دوره آموزشی بهورزی این دسته از مشمولین به عنوان یک مقطع تحصیلی بالاتر قابل احتساب بوده و لذا اخذ مدرک دیپلم را که جزوی از مزایای تحصیلی کاردانی می‌شوند را برای بنده حذف کرده‌اند و مدارک تحصیلی بالاتر که ضمن خدمت اخذ شده را غیر قابل ترتیب اثر شناخته است این در حالی بوده که در

سنوات گذشته چنین رویه و ضوابطی وجود نداشته و قانون اصلی نیز تغییر نکرده است. لذا چون من شاکی مشمول بند ۴ بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی کردستان می شوم و این دستورالعمل و بخشنامه اداری وزارت و به تبع آن دانشگاه علوم پزشکی کردستان موجب تضییع حقوق و مزایای بنده و امثال من در اواخر خدمت می گردد با تقدیم این شکایت تقاضای بررسی و رسیدگی و ورود شکایت و در نهایت صدور حکم به بطلان بخشنامه‌های صدرالذکر را دارم."

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه شماره ۱۹۶۱۲۴۹-۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ پاسخ داده است که:

" دبیرخانه محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام، عطف به اخطار رفع نقص پرونده کلاسه ۹۶۰۱۲۴۶ آن هیأت برای این جانب محمدرضا

زرین به عنوان شاکی در خصوص موارد نقص شامل:

۱- بخشنامه مورد شکایت مغایر کدام قانون و ماده قانونی می باشد.

۲- ارسال تصویر مصوبه مورد شکایت اقدام شود.

۳- تعیین دقیق قسمت مورد شکایت در متن بخشنامه و نامه مورد شکایت.

حال به ترتیب پاسخهای موارد نقص اعلامی به تفکیک جهت استحضار و درج سابقه و رسیدگی به شکایت

و پذیرش شکایت را به شرح متن دادخواست تقدیم دارم:

۱- بخشنامه مورد نظر در واقع مغایر بندهای ذیل ماده ۶۵ و ۶۶ قانون مدیریت خدمات کشوری می باشد زیرا که مطابق آن قانون و مواد استنادی مستخدمین در ضمن خدمت علاوه بر اینکه از مزایای دوره تخصصی و آموزشی مرتبط با سمت شغل خود برخوردار هستند بلکه اگر با ادامه تحصیل موفق به اخذ مدرک تحصیلی بالاتر از مدرک زمان استخدام شوند باید مزایای مدرک تحصیلی اخذ شده ضمن خدمت نیز منتفع باشند. اما بخشنامه مورد تقاضای ابطال با متن این مواد از قانون و قصد مقنن منافات و تناقض دارد.

۲- تصویر مصوبه مورد شکایت شامل بخشنامه ۱۴/۲۵۶۹/۲۸۷۰-۱۴/۱۱/۱۷-۱۳۹۵ دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان قبلاً به ضمیمه شکایت ارسال شده است که در سطر اول این بخشنامه به نامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۲۴-۵/۲۱۲/۲۷۶۹ مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت متبوع (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) استناد دارد که به جز تصویر بخشنامه استان که قبلاً تقدیم و اینک نیز به پیوست تقدیم می گردد بنده بخشنامه صادره از مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارتخانه را در اختیار ندارم و تنها شماره آن در نامه موجود درج است.

۳- تعیین دقیق قسمت مورد شکایت بنده در بخشنامه اعلامی فوق عبارت است از: بند ۴ بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان (که عنوان داشته: در صورتی که بهورزان موضوع بند یک در حین خدمت موفق به اخذ مدرک تحصیلی دیپلم کامل متوسطه شوند مزایای آموزش دوره بهورزی به جای یک مقطع تحصیلی بالاتر به صورت تجربه مرتبط محسوب می گردد و ملاک عمل آخرین مدرک تحصیلی اخذ شده می باشد) که این بند از بخشنامه موجب شده که در واقع هم دوره دو ساله بهورزی و هم اخذ مدرک دیپلم برای بنده یک پایه منظور کرده است. درحالی که تا تاریخ تیر ماه ۱۳۹۵ این دو مدرک بنده (اخذ دیپلم حین خدمت و طی دوره آموزش بهورزی) مجزا بوده اند و از مرداد سال ۱۳۹۵ این دو پایه به یک پایه کاهش یافته است. طبق قانون وقتی بنده در حین خدمت دیپلم گرفته ام باید مزایای فوق دیپلم منظور گردد و چون دوره آموزش دو ساله بهورزی هیچ گونه سنوایی محسوب نمی گردید یک پایه تحصیلی داده می شد زمانی که بنده دیپلم گرفته ام باید مزایای فوق دیپلم محسوب شود که منظور نشده است."

متن بخشنامه‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

۱) بخشنامه شماره ۲۷۹۶/۲۱۲-د-۱۳۹۴/۱۲/۲۴ رئیس مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی:

" معاونین محترم توسعه مدیریت و منابع دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سراسر کشور با سلام و احترام با توجه به مکاتبات مکرر دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور در خصوص نحوه احتساب دوره آموزشی بهورزی (دوره دو ساله یا ۱۸ ماهه) برای بهورزان شاغل در پست بهورزی مراتب ذیل اعلام می‌گردد:

۱- بهورزانی که در بدو استخدام دارای مدارک تحصیلی پایان دوره راهنمایی (سیکل) و یا دیپلم می‌باشند، در هنگام اشتغال در شغل بهورزی از مزایای یک مقطع بالاتر (به ترتیب دیپلم و کاردانی) برخوردار می‌شوند.  
۲- در صورتی که بهورزان موضوع بند یک، در حین خدمت موفق به اخذ مدرک تحصیلی بالاتر شوند (با رعایت مقررات ادامه تحصیلی بهورزان) مزایای آموزش دوره بهورزی به جای یک مقطع بالاتر فقط به صورت تجربه مرتبط محسوب می‌گردد و ملاک عمل آخرین مدرک تحصیلی اخذ شده می‌باشد.

۳- بهورزانی که با مدرک تحصیلی کاردانی مرتبط و پس از طی دوره آموزش بهورزی در رشته شغلی بهورز استخدام شوند دوره آموزشی بهورزی به عنوان تجربه محاسبه می‌شود.

۴- بهره‌مندی از مزایای فوق، تنها در صورتی قابل اعمال است که بهورزان در شغل بهورزی اشتغال داشته باشند و در صورت تغییر عنوان نامبردگان مزایای مذکور بلاثر می‌گردد.  
قابل ذکر است تاریخ اجرای این دستورالعمل ۱۳۹۲/۲/۲۲ می‌باشد."

۲) بند ۴ بخشنامه شماره ۲۵۶۹/۲۸۷۰-۱۳۹۵/۱/۱۷ مدیر توسعه سازمان و تحول اداری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی کردستان:

" ۴- در صورتی که بهورزان موضوع بند یک، در حین خدمت موفق به اخذ مدرک تحصیلی دیپلم کامل متوسطه شوند مزایای آموزش دوره بهورزی به جای یک مقطع تحصیلی بالاتر به صورت تجربه مرتبط محسوب می‌گردد و ملاک عمل آخرین مدرک تحصیلی اخذ شده می‌باشد."

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۱۶-۱۳۹۷/۲/۳ توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۰۴۹ موضوع شکایت آقای محمدرضا زرین به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۲۷۹۶/۲۱۲-د-۱۳۹۴/۱۲/۲۴ مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری این وزارتخانه، مطالب زیر به استحضار می‌رسد:

۱- وفق مفاد دادخواست تقدیمی شاکی مدعی است، از بهورزان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی کردستان می‌باشد که در بدو خدمت با مدرک تحصیلی زیر دیپلم شروع به کار نموده و ضمن خدمت، دوره آموزشی مربوط به بهورزی را گذرانده است. همچنین پس از اخذ مدرک دوره آموزشی بهورزی به موجب "دستورالعمل مصوب این وزارتخانه در خصوص نحوه احتساب دوره آموزشی بهورزی (دوره دو ساله یا ۱۸ ماهه)" از مزایای یک مقطع بالاتر تحصیلی (دیپلم) برخوردار شده است. وی در ادامه اعلام نموده با توجه به اینکه در سنوات اخیر با اتمام تحصیل در مقطع تحصیلی دوره دوم متوسطه موفق به اخذ مدرک دیپلم



تحصیلی کاردانی مرتبط نیز مشابه موارد ذکر شده بوده و فقط به عنوان تجربه مرتبط محسوب خواهد شد.

۵- از سوی دیگر مواد ۶۵ و ۶۶ قانون مدیریت خدمات کشوری که مورد استناد شاکی قرار گرفته است در ارتباط با طبقه بندی مشاغل در پنج رتبه (مقدماتی- پایه- ارشد- خیره- عالی) بر اساس عواملی نظیر تحصیلات، دوره‌های آموزشی و مهارت، سنوات خدمت و تجرب و اختصاص حداقل و حداکثر امتیازات لازم مطابق جداول ارزشیابی مشاغل بوده و ماده (۷۰) قانون مدیریت خدمات کشوری در ارتباط با چگونگی شرایط تصدی مشاغل اختصاصی به تناسب وظایف پستهای قابل تخصیص به هر شغل می‌باشد. علاوه بر اینکه بر اساس همین ماده قانونی، تصویب نهایی ضوابط و شرایط تصدی مشاغل توسط شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری صورت می‌گیرد.

۶- در این راستا شورای مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری موضوع ماده ۷۰ قانون مدیریت خدمات کشوری وفق بند یکم بخشنامه شماره ۱۷۰۰۶۱-۱۳۹۳/۱/۲۴ (تعیین شرایط تصدی مشاغل) در خصوص (تحصیلات) مقرر نموده است: "اثر استخدامی مدارک تحصیلی ماخوذه نسبت به مدارک تحصیلی ارائه شده در بدو استخدام کارکنان رسمی و پیمانی، تنها برای یک مقطع تحصیلی بالاتر از جمله (زیر دیپلم به دیپلم) در صورت پیش‌بینی شرایط احراز شغل مورد تصدی کارمند و کسب موافقت کتبی دستگاه با ادامه تحصیل قابل احتساب می‌باشد." با این وصف ملاحظه می‌گردد که موارد ذکر شده در دستورالعمل مصوب وزارت متبوع برای کارکنان شاغل در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور که مشمول آیین‌نامه اداری، استخدامی و تشکیلاتی کارکنان غیر هیأت علمی می‌باشند، نیز با مفاد بخشنامه فوق‌الذکر مطابقت دارد.

۷- شایان ذکر است، بند یکم بخشنامه شماره ۱۷۰۰۶۱-۱۳۹۳/۱۲/۲۴ شورای مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری برابر رأی شماره ۳۶۹ الی ۳۷۲-۱۳۹۶/۴/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطابق قانون بوده و با توجه به مواد ۶۲، ۶۷ و ۷۰ قانون مدیریت خدمات کشوری قابل ابطال تشخیص نشده است.

۸- محاسبه مدارک تحصیلی شاکی که تصدی شغل به‌روری را بر عهده دارد بر اساس نحوه احتساب دوره آموزشی به‌روری (دوره دو ساله یا ۱۸ ماهه) برای شاغلین در پستهای به‌روری صورت گرفته و ایشان یک بار از مزایای مدرک تحصیلی دیپلم در ارتقاء طبقه و رتبه شغلی بهره‌مند شده است. بنابراین خواسته مطروحه مبنی بر استفاده مجدد از مزایای مقطع تحصیلی بالاتر (کاردانی) به دلیل اخذ مدرک تحصیلی (دیپلم) وجه قانونی ندارد.

با توجه به مراتب فوق‌الذکر و از آنجا که دستورالعمل ابلاغی از سوی این وزارتخانه با اختیارات قانونی اعطایی از ماده ۵۶ آیین‌نامه اداری استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور انطباق داشته و مفاد آن در مغایرت با سایر مقررات و ضوابط قانونی مورد اشاره نمی‌باشد رسیدگی شایسته و رد دعوی مطروحه مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه اولاً: تلقی مدرک تحصیلی به عنوان مدرک بالاتر از حیث استفاده از مزایای استخدامی، نیاز به حکم قانون‌گذار دارد، آن چنان‌که در قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان و ماده ۸۸ قانون برنامه ششم توسعه در خصوص جانبازان پیش‌بینی شده است. ثانیاً: مطابق بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه

پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه‌ها و سایر مراکز و مؤسسات مذکور در بند یاد شده تابع مقررات استخدامی مصوب هیأت امناء خود می‌باشند و در موارد سکوت مقررات عام استخدامی حاکم است و ثالثاً: مصوبه مورد شکایت در زمان صدور، فاقد مصوبه هیأت امناء بوده و در قوانین عام استخدامی نیز چنین حکمی وجود نداشته است، بنابراین بند ۴ بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱/۱۷-۱۴/۲۵۶۹/۲۸۷۰ مدیر توسعه سازمان و تحول اداری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کردستان و بخشنامه شماره ۲۱۲/۲۷۹۶-د-۱۳۹۴/۱۲/۲۴ رئیس مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خارج از حدود اختیارات مرجع مصوب تشخیص شد و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

## درمان و توانبخشی - اقدامات تشخیصی صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت‌های قانونی

تاریخ: ۲۵ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۷۹۳

کلاس پرونده: ۱۳۱۹/۹۸

**موضوع:** اعلام تعارض در آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (در خصوص اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی از حیث تعیین تاریخ شروع بیماری)

**شاکی:** مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی

### گردش کار:

شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواست‌هایی با موضوع "اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی از حیث تعیین تاریخ شروع بیماری" آرای معارض صادر کرده‌اند. گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۱۷۰۰۹۹۵، ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۶۹۳۴ و ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۷۵۵۶۷ با موضوع دادخواست آقایان ناصر صفاجو، یونس حبیبی و اسماعیل تربتی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی به موجب دادنامه‌های شماره ۱۳۹۵/۲/۱۵-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۳۳۳، ۱۳۹۴/۲/۶-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۱۱۵۸ و ۱۳۹۳/۵/۱۹-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۱۱۵۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با عنایت به محتویات پرونده و اظهارات طرفین دعوی بشرح دادخواست و لایحه تقدیمی و نظریه کمیسیون پزشکی و سایر مستندات پیوست نظر به اینکه با صدور رأی شماره ۱۳۸۵/۲/۱۷-۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع تاریخ شروع بیماری از رأی شماره ۶۱-۱۳۷۷/۳/۲۳ هیأت مستثنی گردید و قابل امعان نظر قضایی است و با توجه به اینکه مراد و مقصود قانون‌گذار از تاریخ شروع و شدت بیماری زمانی است که بیمه شده قادر به کار و فعالیت نباشد درحالی‌که اشتغال و بیمه پردازی شاکی پس از تاریخ تعیین شده ادامه داشته است بنابراین تاریخ شروع بیماری تعیین از ناحیه کمیسیون مخدوش و شکایت طرح شده وارد تشخیص گردید و مستنداً به آراء ذکر شده و مواد ۹۱ قانون تأمین اجتماعی و ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رأی به ورود شکایت و ابطال نظریه کمیسیون از جهت تاریخ شروع بیماری و طرح و بررسی مجدد در کمیسیون با رعایت مقررات مربوط و حقوق قانونی شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی است.

رأی مذکور به موجب آراء شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۶۰۰۱۶۰-۱۳۹۵/۵/۱۸-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۱۲۷۶، ۱۳۹۵/۴/۲۳ و ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۰۱۰۷ در شعب ۱۶ و ۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۴۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۷۶۰۸۱ با موضوع دادخواست آقای امیر عادل روئین تن اصفهانی به طرفیت سازمان بیمه تأمین اجتماعی و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی تأمین اجتماعی به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۷۴۰۰۶۳۰-۱۳۹۴/۳/۱۹ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت امیر عادل روئین تن اصفهانی با توجه به مجموع اوراق پرونده و نظر به وقوع حادثه و بیماری شاکی که منجر به از کار افتادگی گردید و نظر به اینکه در رأی شماره ۷۹-۱۳۸۵/۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع تاریخ بیماری از رأی شماره ۶۱-۱۳۷۷/۳/۲۳ هیأت مذکور مستثنی گردید و قابل امعان نظر قضایی است و از طرفی مراد قانون‌گذار نسبت به تاریخ بیماری زمانی است که بیمه شده قادر به فعالیت شغلی نمی‌باشد، بنابراین تاریخ تعیین شده از سوی کمیسیون پزشکی مخدوش است ضمن نقض نظریه در خصوص تاریخ شروع بیماری به استناد ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و ارجاع امر به کمیسیون موصوف و طرح و بررسی مجدد مدارک پزشکی شاکی و سپس اعلام نظر از جهت تاریخ شروع بیماری صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۷۶۰۸۱-۱۳۹۵/۴/۲ شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۱۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۱۲۰۰۸۵۸ با موضوع دادخواست خانم زهرا مالکی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته ابطال نظریه کمیسیون پزشکی به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۲۰۴۵-۱۳۹۴/۱۲/۲ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص [دادخواست] خانم زهرا مالکی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی آذربایجان غربی (کمیسیون پزشکی) به خواسته ابطال نظریه کمیسیون پزشکی تجدیدنظر از حیث تاریخ با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و ضمائم آن و لایحه دفاعیه مشتکی عنه نظر به اینکه مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۹-۱۳۸۵/۱۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تعیین تاریخ بیماری از سوی کمیسیونهای پزشکی فاقد مجوز قانونی بوده بر این اساس شکایت شاکی وارد است مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۱ و ۶۵ قانون دیوان عدالت اداری و رأی وحدت رویه فوق‌الذکر حکم به ورود شکایت و حذف تاریخ بیماری از نظریه کمیسیون پزشکی و برقراری مستمری از کارافتادگی از زمان تشکیل کمیسیون پزشکی صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۱۹۱۹-۱۳۹۵/۶/۱۰ شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۲۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۲۹۰۰۵۲۲ با موضوع دادخواست آقای علی اکبر عنبرستانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته اعتراض و نقض رأی کمیسیون پزشکی به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۹۰۰۲۴۵-۱۳۹۴/۲/۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

خواسته شاکی به شرح دادخواست تقدیمی علیه سازمان تأمین اجتماعی اعتراض به نظریه کمیسیون پزشکی که شروع بیماری منجر به کارافتادگی کلی وی را به علت عارضه بیماری تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۸ اعلام نموده تا به علت شرط فقدان ۹۰ روز سابقه پرداخت حق بیمه ظرف یک سال آخر قبل از وقوع بیماری منجر به از کار افتادگی کلی محروم از برقراری مستمری از کار افتادگی کلی شده بود که حسب رأی وحدت رویه

شماره ۷۹-۱۳۸۵/۱۲/۱۷ [۱۳۸۵/۲/۱۷] که کمیسیون را در خصوص تاریخ تشخیص شروع بیماری را صالح ندانسته لذا شکایت وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم به ورود شکایت و طرح در کمیسیون مربوطه صادر می‌شود. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۲۷۵-۹۵۵۶۰۹۹۷۰۹۵۰۹۵۰۴/۲۳-۱۳۹۵ شعبه ۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تائید شده است.

ه: شعبه ۴۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۰۰۵ با موضوع دادخواست آقای سیدماندنی دانیالی به طرفیت اداره کل تأمین اجتماعی و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی به موجب دادنامه شماره ۱۶۱۰-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۵۰۱۵-۱۳۹۱/۵/۱۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه بر اساس مفاد دادنامه شماره ۷۹-۱۳۸۵/۳/۱۷ [۱۳۸۵/۲/۱۷] هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تعیین تاریخ شروع بیماری منجر به از کارافتادگی خارج از حیطه صلاحیت کمیسیون پزشکی می‌باشد لذا با تعیین تاریخ ۱۳۹۰/۴/۷ (تاریخ آنژیوگرافی) به عنوان تاریخ ابتلا بیماری منجر به از کارافتادگی نظریه کمیسیون تجدیدنظر پزشکی در باب تعیین تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۸ ابطال می‌گردد. رأی صادره شده قطعی است. و: شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۱۶۰۲۷۲۸ با موضوع دادخواست آقای سیدمحمد ساداتی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته ابطال آراء کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر به لحاظ تعیین زمان از کارافتادگی و شروع بیماری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۲۳-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۲۳۹۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

هر چند کمیسیون پزشکی، شاکی آقای سید محمد ساداتی را از کار افتاده کلی تشخیص داده و تاریخ ابتلاء بیماری منجر به از کار افتادگی وی را مشخص نموده است لکن شاکی دلیل، مدرک و مستندی که بیانگر تاریخ از کار افتادگی کلی وی غیر از آنچه که در نظریه کمیسیون پزشکی ذکر شده است باشد ارائه ننموده است و اینکه با استناد به رأی شماره ۷۹-۱۳۸۵/۱۲/۱۷ [۱۳۸۵/۲/۱۷] هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مدعی شده که کمیسیون پزشکی حق تعیین تاریخ را ندارد استنباط صحیحی از رأی مزبور نبوده زیرا به موجب رأی ۶۱-۱۳۷۷/۳/۲۳-۹۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری کلیه آراء کمیسیونهای پزشکی قابل اعتراض و شکایت در دیوان عدالت اداری نبوده که به موجب رأی ۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری کلمه تاریخ از رأی مزبور حذف شده و هر فرد بیمه پردازی که مدعی از کار افتادگی کلی بوده لکن تاریخ مذکور در رأی کمیسیون پزشکی سبب شده وی شرایط ماده ۷۵ قانون تأمین اجتماعی را احراز نکند می‌تواند با ارائه دلایل و مستندات نسبت به رأی کمیسیون پزشکی صرفاً از حیث تاریخ در دیوان شکایت نماید، لذا کمیسیونهای پزشکی حق تعیین تاریخ را نداشته اند و چنین حقی از این مرجع توسط رأی هیأت عمومی دیوان گرفته نشده است و اگر تاریخی برای از کار افتادگی کلی تعیین شود اصولاً احراز شرایط ماده ۷۵ قانون تأمین اجتماعی مقدور نیست و تعیین تاریخ توسط پزشکان کمیسیون پزشکی که متخصص بوده و کار کارشناسی انجام می‌دهند امری منطقی، عقلایی، فنی می‌باشد و در این پرونده نیز شاکی دلیل، مستندی ارائه ننموده است، لذا شعبه شکایت را غیر موجه و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۳۱۸۳-۹۵۶۲۰۳۱۸۳-۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۲۰۳۱۸۳ شعبه ۱۶ تجدیدنظر دیوان

عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: مطابق رأی شماره ۶۱-۱۳۷۷/۳/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، نظر کمیسیون پزشکی سازمان تأمین اجتماعی در باب بیماری، نوع و تاریخ آن امری است فنی و تخصصی که امعان نظر قضایی در زمینه اعتبار ماهوی آن وجه قانونی ندارد که به دنبال اعتراض بیست نفر از قضات دیوان عدالت اداری نسبت به رأی مذکور، موضوع مجدداً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح شد و هیأت عمومی به موجب رأی شماره ۷۹-۱۳۸۵/۲/۱۷ با حذف کلمه "تاریخ" از متن رأی شماره ۶۱-۱۳۷۷/۳/۲۳ صرفاً تعیین بیماری و نوع آن را فنی و غیر قابل امعان نظر قضایی دانسته و نظر کمیسیون پزشکی سازمان تأمین اجتماعی در تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری را امری غیر فنی و قابل امعان نظر اعلام کرده است. علاوه بر آن دادنامه شماره ۷۹-۱۳۸۵/۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، متضمن صلاحیت فنی کمیسیونهای پزشکی در تعیین تاریخ بیماری نبوده و صرفاً مبین قابلیت امعان نظر قضایی آرای کمیسیونهای مزبور در تعیین تاریخ بیماری توسط شعب دیوان عدالت اداری و با اختیارات حاصله از ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری می‌باشد. بنابراین اولاً؛ کمیسیونهای پزشکی سازمان تأمین اجتماعی، واجد صلاحیت در تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری هستند و ثانیاً؛ آرای کمیسیونهای مزبور در تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری، مطابق ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قابل امعان نظر قضایی در شعب دیوان عدالت اداری است و لذا چنانچه رأی کمیسیون در تشخیص تاریخ بیماری توسط شعبه دیوان عدالت اداری نقض شود در اجراء ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری موضوع جهت رسیدگی با رعایت مفاد رأی دیوان به همان کمیسیون واگذار می‌شود و مراحل رسیدگی مطابق ماده ۶۳ قانون یاد شده قابل رسیدگی خواهد بود. به دلایل مذکور آراء صادر شده به شرح مندرج در گردش کار که کمیسیونهای پزشکی را واجد صلاحیت برای تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری دانسته و اعتراض به تصمیمات کمیسیونهای مذکور از حیث تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری را در صلاحیت شعبه دیوان عدالت اداری تلقی کرده و موضوع را در اجراء ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قابل رسیدگی دانسته اند صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ: ۲۵ تیر ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۸۳۴

کلاس پرونده: ۱۴۵۰/۹۷

**موضوع:** ابطال نامه شماره ۱۳۹۲/۱۱/۱۴-۲۳۳/۹۷/۱۸۸۳۰ رئیس امور حقوق و مزایا و مدیریت مشاغل معاونت وقت مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور (در خصوص فوق العاده سختی کار و کار در محیط های غیر متعارف نظیر کار با بیماران روانی، عفونی و کار در اورژانس)

### شاکي: ديوان محاسبات کشور

#### گردش کار:

معاون حقوقی، مجلس و تفریح بودجه دیوان محاسبات کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۰۰۰۰/۲۹۴-۱۳۹۷/۲/۳۱ به رئیس دیوان عدالت اداری اعلام کرده است که:

"حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی  
رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
سلام علیکم

احتراماً همان گونه که مستحضرنند:

۱- مطابق بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ "فوق العاده سختی کار و کار در محیطهای غیر متعارف نظیر کار با اشعه و مواد شیمیایی، کار با بیماران روانی، عفونی و در اورژانس و در بخش های سوختگی و مراقبتهای ویژه بیمارستانی تا (۱۰۰۰) امتیاز و در مورد کار با مواد سمی، آتش زا و منفجره و کار در اعماق دریا، امتیاز یاد شده با تصویب هیأت وزیران تا سه برابر قابل افزایش خواهد بود."

۲- مستفاد از دادنامه های ۷۲۷-۱۳۹۴/۶/۱۰-۱۳۹۵/۹/۲۲-۵۵۹ و ۱۳۹۵/۹/۲۲-۵۵۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بیان مصادیق سختی کار و کار در محیطهای غیر متعارف مندرج در حکم بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری که موجب استحقاق پرداخت فوق العاده مذکور خواهد بود از باب تمثیل می باشد. بدیهی است تعیین مصادیق دیگر باید از حیث موضوع و ماهیت با موارد یاد شده سنخیت داشته باشد. علی هذا بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۱۱/۱۴-۲۳۳/۹۷/۱۸۸۳۰ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور مبنی بر برقراری فوق العاده سختی محیط کار برای ۱۹ عنوان شغلی در سازمان امور اراضی کشور، فاقد هرگونه سنخیت با مصادیق مندرج در بند ۳ ماده ۶۸ قانون مبحث می باشد. بنا به مراتب پیش گفته و مستند به مواد ۱۲، ۱۳ و ۸۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ابطال بخشنامه فوق الذکر از زمان تصویب مورد استدعاست."

متن نامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

" جناب آقای افشار

رئیس محترم سازمان امور اراضی کشور

موضوع: سختی شرایط محیط کار

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۱۳۹۶/۱۰/۷-۸۳/۰۹۰/۱۷۰۷۳۴ در خصوص فوق‌العاده سختی شرایط محیط کار مشاغل آن سازمان اعلام می‌دارد: با بررسیهای انجام شده از ماهیت وظایف مشاغل پیش‌بینی شده در فرمهای پرسنلی و مطابقت آن با عوامل و درجات سختی شرایط محیط کار تعیین شده در دستورالعمل مربوط فوق‌العاده مزبور جهت ۹۹ عنوان شغلی به شرح جدول پیوست تأیید و جهت اجرا نیز با رعایت ضوابط مربوط ارسال می‌گردد:

۱- کارشناس ارشد امور زمین ۶۰۰۰ امتیاز ۲- کارشناس امور زمین ۱۰۰۰ امتیاز

۳- کاردان امور زمین ۱۰۰۰ امتیاز ۴- کمک کارشناس امور زمین ۱۰۰۰ امتیاز

۵- کارشناس آمار و اطلاعات ۱۰۰۰ امتیاز ۶- کارشناس نرم افزار رایانه ۴۰۰ امتیاز

۷- کارشناس ارشد نرم افزار رایانه ۴۰۰ امتیاز ۸- کاردان نرم افزار رایانه ۶۰۰ امتیاز

۹- کارشناس ارشد آمار و اطلاعات ۶۰۰ امتیاز ۱۰- کارشناس ارشد امور اجرایی ۸۰۰ امتیاز

۱۱- کارشناس ارشد نقشه برداری ۱۰۰۰ امتیاز ۱۲- کارشناس نقشه برداری ۱۰۰۰ امتیاز

۱۳- کارشناس اطلاعات جغرافیایی و سنجش از راه دور ۱۰۰۰ امتیاز

۱۴- کارشناس برنامه‌ریزی کشاورزی ۸۰۰ امتیاز ۱۵- کارشناس ارشد امور حقوقی ۷۰۰ امتیاز

۱۶- کارشناس امور حقوقی ۷۰۰ امتیاز ۱۷- کاردان امور حقوقی ۸۰۰ امتیاز

۱۸- کمک کارشناس امور حقوقی ۸۰۰ امتیاز ۱۹- کارشناس عمران ۸۵۰ امتیاز "

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و قوانین سازمان اداری و استخدامی کشور به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۷/۱۶-۳۶۸۶۰۵ توضیح داده است که:

" مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: شکایت دیوان محاسبات کشور

با سلام و احترام

بازگشت به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۷۸۸ (شماره بایگانی ۴۴۷۴۲) مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۴ به استحضار می‌رساند: با توجه به هماهنگی به عمل آمده با امور مدیریت مشاغل و نظام‌های پرداخت این سازمان این نتیجه حاصل شد که تخصیص فوق‌العاده سختی شرایط محیط کار به عناوین شغلی اعطای فوق‌العاده سختی شرایط محیط کار به ۱۹ عنوان شغلی در سازمان امور اراضی کشور، در اجرای بخشنامه شماره ۱۳۸۹/۱۰/۵-۲۰۰/۵۰۷۹۵ این سازمان و با توجه به بررسی‌های کارشناسی انجام شده از ماهیت وظایف مشاغل مذکور در فرمهای واصله از دستگاه اجرایی و تطبیق آن با شاخص‌ها و عوامل ۲۶ گانه درجات سختی شرایط محیط کار تعیین شده در دستورالعمل مربوطه (موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۴۹۱۰/ت/۶۳۰-۱۳۶۶/۸/۹ هیأت وزیران) صورت گرفته است. بنابراین اقدام سازمان متبوع، مطابق با قوانین و مقررات انجام پذیرفته و در این زمینه هیچ‌گونه تخطی از قوانین و مقررات مورد عمل صورت نگرفته است. با عنایت به مراتب معنونه تقاضای رد شکایت شاکي را دارد. خواهشمند است دستور فرمایند ترتیبی اتخاذ گردد تا نمایندگان این سازمان در جلسات مربوط امکان حضور داشته باشند."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و

رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه مطابق بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری "فوق العاده سختی کار و کار در محیط های غیر متعارف نظیر کار با اشعه و مواد شیمیایی، کار با بیماران روانی، عفونی و در اورژانس و در بخش های سوختگی و مراقبت های ویژه بیمارستانی تا ۱۰۰۰ امتیاز و در مورد کار با مواد سمی، آتش زا و منفجره و کار در اعماق دریا، امتیاز یاد شده با تصویب هیأت وزیران تا سه برابر قابل افزایش خواهد بود." و مستفاد از دادنامه های شماره ۱۳۹۴/۶/۱۰-۷۲۷ و ۱۳۹۵/۹/۲۲-۵۵۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بیان مصادیق سختی کار و کار در محیط های غیر متعارف مندرج در بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت از باب تمثیل است و تعیین مصادیق دیگر باید از حیث موضوع و ماهیت با موارد یاد شده سنخیت داشته باشد، لذا ۱۹ عنوان شغلی مذکور در بخشنامه مورد اعتراض هیچ نوع شباهتی با موارد مذکور در بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت ندارد و استناد طرف شکایت به جدول شاخص های ۲۶ گانه پیوست آیین نامه بندهای (خ) و (د) ماده ۳۹ قانون استخدام کشوری با توجه به منسوخ بودن آن از زمان اجرایی شدن قانون مدیریت خدمات کشوری قابلیت استناد ندارد، بنابراین نامه شماره ۱۳۹۲/۱۱/۱۴-۲۳۳/۹۷/۱۸۸۳۰ رئیس امور حقوق و مزایا و مدیریت مشاغل معاونت وقت مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور به علت مغایرت با قانون مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون پیش گفته و تسری ابطال نامه به زمان تصویب آن موافقت نشد./

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ: ۱ مرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۸۴۸

کلاس پرونده: ۸۰۴/۹۷

**موضوع:** ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور

### شاکي: آقای حسین کویانی

#### گردش کار:

شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"احتراماً به استحضار می‌رساند این جانب حسین کویانی متولد ۱۳۴۸/۴/۱۰ و ۲۷ سال و اندی سابقه خدمت و شغل پرستار کارمند دانشگاه علوم پزشکی شیراز و شاغل در بیمارستان امام خمینی شهرستان آباده هستم و دارای ۴ ماه خدمت داوطلبانه در جبهه در سال ۱۳۶۶ و یک ماه در سوریه در سال ۱۳۹۵ هستم و بر اساس مفاد قوانین فوق‌الذکر و چون پرستاری از مشاغل سخت و زیان آور محسوب شده و شاغلان آن حداقل با ۲۰ سال سابقه خدمت و حسب مورد ۵ سال ارفاق می‌توانند بازنشسته شوند (وفق تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری) و ماده ۲۷ قانون جامع اینترگران، مدت خدمت داوطلبانه جانبازان، رزمندگان، آزادگان و شهدا در جبهه قبل از استخدام و اشتغال در صورت تمایل جزء سنوات قابل قبول از لحاظ بیمه و بازنشستگی به ماخذ مشاغل سخت و زیان آور (یک به یک و نیم) محسوب می‌گردد. نظر به اینکه تقاضاهای بازنشستگی در سال ۱۳۹۵ و مهر ماه ۱۹۳۶ به دانشگاه علوم پزشکی و بیمارستان بدون پاسخ مانده و به‌طور شفاهی و پس از پیگیری‌های مکرر اظهار داشتند که باید سن من ۵۰ سال باشد. با عنایت به اینکه مقنن در بند ج تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ و مواد ۲۸ و ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۹۳، هیچ‌گونه اختیاری به دستگاه‌های اجرایی به‌منظور تعیین هرگونه شرط نظیر حدنصاب سن متقاضیان اعطاء نکرده تا از صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت ممانعت کنند، بنابراین اقدام دانشگاه علوم پزشکی شیراز خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط بوده و در صلاحیت آن نمی‌باشد. لذا با عنایت به متن قانون و شرایط مقرر که در زیر آورده می‌شود از محضر قضات شریف و دلسوز دیوان عدالت اداری تقاضا دارد نسبت به ابطال بخشنامه تعیین سن متقاضیان دانشگاه و الزام به پذیرش و صدور ابلاغ بازنشستگی این جانب اوامر لازم صادر فرمایند.

متن بخشنامه نحوه موافقت با بازنشستگی (مصوبه ۵۰۹۶۰-۱۳۹۴/۴/۳ سازمان مدیریت، قانون بازنشستگی و بند "ج" تبصره ۱۸ قانون بودجه ۱۳۹۴) و تنها شروط مندرج و قابل اجرا:

۱- با مسئولیت بالاترین مقام (موضوع مواد ۵۲ و ۵۳ قانون محاسبات عمومی)

۲- بدون سنوات ارفاقی

۳- پرداخت کامل پاداش پایان خدمت و ذخیره مرخصی (ماده ۱۰۷ قانون مدیریت خدمات کشوری) حداکثر ۵٪ اعتبارات هزینه ای.

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

"بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور" شرایط متقاضیان"

- فقط مشمولین صندوق بازنشستگی کشوری

- مرد: ۲۵ سال سابقه خدمت و ۵۰ سال سن

- زن: ۲۵ سال سابقه خدمت بدون شرایط سنی

- زن: ۲۰ سال سابقه خدمت و داشتن بیماری خاص و صعب العلاج با داشتن گواهی پزشک و تأیید پزشک معتمد دانشگاه

- شاغل بودن دو سوم از کل خدمت در پست یا رشته شغلی مشاغل سخت و زیان آور الزامی است

- آخرین پست سازمانی در پستهای مشاغل سخت و زیان آور باشد

"توضیحات به متقاضی قبل از ارائه درخواست"

- حقوق بازنشستگی بر اساس سابقه خدمت اصلی + سنوات ارفاقی

- پاداش پایان خدمت بر اساس سابقه خدمت اصلی (تعهد محضری حداقل ۱۸ ماهه اخذ می گردد)

- بابت سنوات ارفاقی بدهی سهم مستخدم ۹٪ آخرین حقوق \* ماههای ارفاقی به عهده مستخدم می باشد

- حقوق بازنشستگی به نسبت حقوق شاغلی کاهش چشمگیری دارد

"مدارک لازم"

- موافقت واحد محل خدمت بدون درخواست جایگزین همزمان و غیر همزمان و بدون قید و شرط

- موافقت معاونت مربوطه بدون درخواست جایگزین همزمان و غیر همزمان و بدون قید و شرط

- تعهد محضری فقط گواهی امضا در دفترخانه شود و نیازی به صدور سند نیست

- تکمیل فرم درخواست بازنشستگی

- پرونده خلاصه شده طبق چک لیست + کلیه جلدهای پرونده پرسنلی

- صدور حکم بازنشستگی با نوع حکم بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور

- ارائه پرونده خلاصه شده طبق چک لیست به همراه حکم بازنشستگی جهت امضاء حکم الزامی است

- تاریخ اجرای حکم بازنشستگی ۱۳۹۶/۱۲/۲۹

- پروندهها به طور کامل تا پایان آذر ماه تحویل اداره بازنشستگی شود.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر امور حقوقی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان فارس به موجب لایحه شماره ص/۹۷/پ/۹/۲۰۸/۹/۲۴۳۴۶/۲۱-۱۳۹۷/۶/۲۱ توضیح داده است که:

"مدیر دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شماره پرونده: ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۳۳۱ شماره بایگانی شعبه: ۹۲۰۹۲

با سلام و احترام و با صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

بازگشت به ابلاغنامه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع شماره پرونده صدر الذکر در خصوص دادخواست

آقای حسین کاویانی به خواسته ابطال بخشنامه دانشگاه ضمن ایفاد نامه شماره ۸۷۳۸/۹۷-۲۱۰-۱۳۹۷/۶/۱۹ مدیریت منابع انسانی دانشگاه به استحضار می‌رساند دستگاه‌های اجرایی فقط مجری قوانین و مقررات مصوب مجلس شورای اسلامی و هیأت وزیران می‌باشند و از خود قانون وضع نمی‌کنند و به استناد تبصره ۷ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ موضوع تصویب‌نامه ۲۲۶۸۶ ت/۳۳۷۵۰ هـ-۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران و دستورالعمل نحوه بازنشستگی و محاسبه سنوات ارفاقی مربوط به مشاغل سخت و زیان آور (پرستار و بهیار) حداقل سن برای مردان ۵۰ سال پیش‌بینی شده، بنابراین دانشگاه در چارچوب مقررات سن بازنشستگی جهت بازنشستگی مردان به استناد مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ نیز به استحضار می‌رساند این قانون در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵ منقضی شده و از سوی مجلس شورای اسلامی تمدید نشده بنابراین خواسته‌های شاکی مغایر قوانین است و رد شکایت مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: مطابق تبصره ۳ ماده ۳ قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۷ که مقرر شده است: "شاغلین مشاغل سخت و زیان آور که وظایف مربوط به شغل آنان باعث بروز ناراحتی‌های جسمی و روحی می‌گردد، می‌توانند با داشتن حداقل بیست سال سابقه خدمت و بر اساس درخواست کتبی خود با حداکثر پنج سال ارفاق بازنشسته شوند." و در تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ نیز مقرر شده است: "سابقه مذکور در بند الف و همچنین شرط سنی مزبور در بند (ب) برای متصدیان مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان و معلولان تا پنج سال کمتر می‌باشد و شرط سنی برای زنان منظور نمی‌گردد." این حکم به مفهوم آن است که سن شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مشمول بازنشستگی بند (الف) ماده ۱۰۳: "حداقل سی سال سابقه خدمت برای مشاغل غیر تخصصی و سی و پنج سال برای مشاغل تخصصی با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر با درخواست کارمند برای سنوات بالاتر از ۳۰ سال." پنج سال خدمتی کاهش می‌یابد و در هیچ یک از این دو مقرره مذکور شرطی برای برخورداری از جهت سن فرد متقاضی پیش‌بینی نشده است. ثانیاً: تبصره ۷ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۸۵ هیأت وزیران که در آن مقرر شده بود: "حداقل سن بازنشستگی برای کلیه معلولین عادی، بیماران ناشی از شرایط خاص کار، معلولین حوادث ناشی از کار و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مشمول تبصره ۳ قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۷ به ترتیب برای مردان و زنان (۵۰) سال و (۴۵) سال می‌باشد." و مورد استناد شاکی واقع شده است به موجب دادنامه شماره ۵-۱۳۸۷/۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به جهت افزایش شرط سنی مذکور و تزییق شمول قانون ابطال شده است. ثالثاً: از نظر مقررات اختصاصی حاکم بر دانشگاه‌ها نیز به موجب ماده ۹۷ آیین‌نامه اداری، استخدامی و تشکیلاتی کارمندان غیر هیأت علمی مصوب سال ۱۳۹۱ هیأت اماناء مقرر شده است: "شرایط بازنشستگی کارمندان در موسسه به شرح ذیل است: الف- موسسه مکلف است کارمندان خود را که سی سال سابقه خدمت دارند، بازنشسته نماید. ب- موسسه می‌تواند کارمند خود را با داشتن حداقل شصت سال سن و حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت با حداقل بیست و پنج روز حقوق بازنشسته نماید. تبصره ۱- موسسه مجاز است در موارد خاص و حسب نیاز از خدمات

---

---

کارمندی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند، در صورت تمایل کارمند با تصویب هیأت رئیسه حداکثر تا سی و پنج سال سنوات خدمت استفاده نماید. تبصره ۲- سابقه مذکور در بند الف ماده ۹۷ و همچنین شرط سنی مزبور در بند (ب) برای متصدیان مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان و معلولان تا پنج سال کمتر می‌باشد و شرط سنی برای زنان منظور نمی‌گردد." همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در تبصره ۲ ماده مذکور نیز مشابه حکم مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان و معلولان پنج سال سن خدمتی کاهش یافته و جهت برخورداری از آن شرطی برای سن فرد متقاضی پیش‌بینی نشده است. بنا بر مراتب مصوبه مورد اعتراض به دلیل مغایرت با قوانین پیش گفته مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱ مرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۸۳۷

کلاس پرونده: ۱۳۲۰/۹۷

**موضوع:** عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۱۲/۲۰-۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲ هیأت مرکزی جذب اعضای هیأت علمی (درخصوص استفاده از عنوان مهندس و دکتر برای دارندگان مدرک سطح ۳ و ۴ حوزه علمیه)

### شاکي: آقای امیرعباس مهدوی فر

#### گردش کار:

آقای امیر عباس مهدوی فر به موجب شکایت نامه‌ای ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۱۲/۲۰-۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲ هیأت مرکزی جذب اعضای هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

با احترام به استحضار می‌رساند مرکز جذب اعضای هیأت علمی وزارت علوم طی بخشنامه‌ای به شماره ۱۳۹۲/۱۲/۲۰-۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲ استفاده از عنوان مهندس و دکتر را برای دارندگان مدرک سطح ۳ و ۴ حوزه علمیه از مصادیق مشمولان ماده واحده مجازات استفاده غیر مجاز از عناوین علمی مصوبه جلسه ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی بر شمرده و پرونده ایشان را فاقد وجهت قانونی اعلام و حق جذب و تبدیل وضعیت را از آنان سلب نموده است. در مورد بخشنامه مذکور نکاتی چند معروض می‌دارد:

۱- عنوان مهندس مختص به دارندگان مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های فنی و مهندسی است و در هیچ مرکز علمی و آموزشی برای فارغ‌التحصیلان علوم انسانی از این عنوان استفاده نمی‌شود لذا ممنوعیت استفاده از عنوان مهندس برای دارندگان سطح ۳ حوزوی صرفاً یک مغالطه است.

۲- استفاده از عنوان دکتر برای دارندگان سطح ۴ حوزه علمیه نمی‌تواند مشمول ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی باشد زیرا بر اساس ماده واحده مذکور استفاده از عناوین علمی دکتر و مهندس و مانند اینها را مستلزم داشتن مدرک معتبر از مراکز علمی مورد تأیید وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای انقلاب فرهنگی است و مصوبه جلسه ۳۶۸-۱۱/۳/۱۳۷۴ شورای انقلاب فرهنگی دارندگان سطح چهار حوزه علمیه را برخوردار از کلیه مزایای علمی و استخدامی دکتری دانشگاه‌ها می‌داند، بدیهی است یکی از مزایای علمی و استخدامی جواز استفاده از عنوان علمی می‌تواند باشد. جای شگفتی است که دارنده مدرک سطح چهار حوزه علمیه از کلیه حقوق حقیقی دکتری مانند دریافت حقوق دکتری، ارتقاء مراتب علمی دوره دکتری تدریس دوره دکتری، راهنمایی و مشاوره رساله دوره دکتری و

... برخوردار است اما اگر از عنوان اعتباری دکتر استفاده کند و او را دکتر صدا بزنند پیگرد قانونی دارد.

۳- فلسفه مصوبه مجلس جلوگیری از سوء استفاده از القاب و عناوین در بهره‌گیری از مزایای علمی و استخدامی این عناوین و القاب است درحالی‌که مصوبه شورای انقلاب فرهنگی دارندگان مدرک سطح چهار حوزه علمیه را برخوردار از این مزایا می‌داند به نظر می‌رسد که بخشنامه موضوع دادخواست پس از گذشت سه سال از مصوبه مجلس شورای اسلامی متأثر از تغییرات مدیریتی در این وزارتخانه و فضای سیاسی حاکم بر وزارتخانه در سال ۱۳۹۲ صادر شده است، کشمکش نسبتاً طولانی مجلس و دولت در مورد سکاندار وزارتخانه علوم و در نهایت استیضاح و برکناری زود هنگام وزیر وقت این وزارتخانه مؤید سیاسی بودن چنین بخشنامه‌هایی در آن اوضاع و شرایط است.

۴- هرچند دانش‌آموختگان حوزه هیچ نیازی ندارند از عناوین دانشگاه وام بگیرند و کسب اعتبار کنند، اما بخشنامه مذکور از یک سو دستمایه ای شده برای زیر سؤال بردن وجهه علمی حوزویان شاغل در مراکز علمی و آموزشی یک نمونه آن برخوردی است که در فضای مجازی با فاضل فرهیخته جناب حجت‌الاسلام و المسلمین خسروه پناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه صورت گرفته بر اساس مطالب انعکاس یافته در سایت انصاف نیوز، مخالفین برای تحت الشعاع قرار دادن جایگاه علمی ایشان او را به جرم استفاده از عنوان دکتر مجرم و قابل پیگرد قانونی معرفی کرده‌اند و از سوی دیگر بخشنامه مذکور می‌تواند بهانه ای باشد برای جلوگیری از جذب و تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی روحانی دانشگاه‌ها که مجلات و مراکز علمی به استناد مصوبه شورای انقلاب فرهنگی در مکاتبات از عنوان دکتر برای آنان استفاده می‌کنند. با عنایت به نکات فوق‌الذکر این جانب به نمایندگی از گروه معارف اسلامی که بیشترین عضو هیأت علمی سطح چهار را دارد و تقریباً بخشنامه مرکز جذب متوجه این گروه است از آن مقام قضایی درخواست ابطال بخشنامه مذکور و الزام مرکز صادر کننده به الغای آن را دارم."

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۷-۱۳۲۰-۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۹ ثبت دفتر هیأت عمومی شده پاسخ داده است که:

"با سلام و احترام

در تکمیل و رفع نقص شکایت این جانب با شماره پیگیری ۹۷۰۱۳۲۰ در آن هیأت به عرض می‌رساند: بخشنامه مرکز جذب وزارت علوم، در خصوص دارندگان مدارک معتبر رسمی حوزوی با مصوبه جلسه ۳۶۸-۱۳۷۴/۱۱/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی که از قوانین بالادستی محسوب می‌شود مخالف است و همچنین با قانون مجازات استفاده غیر مجاز از عناوین علمی مصوب جلسه ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی مورد تأیید جلسه ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ شورای نگهبان (ماده واحده مورد استناد خود بخشنامه) مغایرت دارد.

توضیح: الف) بخشنامه مرکز جذب وزارت علوم، در خصوص دارندگان مدارک معتبر رسمی حوزوی با مصوبه جلسه ۳۶۸-۱۳۷۴/۱۱/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی که از قوانین بالادستی محسوب می‌شود مخالف است زیرا:

اولاً: مصوبه مذکور طلاب و فضلاء دارای سطح چهارم حوزه علمیه را از کلیه مزایای علمی و استخدامی فارغ‌التحصیلان دوره دکتری دانشگاه‌ها برخوردار می‌داند. از جمله مزایای علمی دوره دکتری استفاده از عنوان علمی این دوره در سطح دانشگاه است، در مورد دارندگان سطح سه هم بخشنامه موضوعیت ندارد چون اصولاً برای فارغ‌التحصیلان علوم انسانی از عنوان مهندس استفاده نمی‌شود.

ثانیاً: با فرض غیر مجاز بودن استفاده دارندگان سطح چهار حوزه علمیه از عنوان علمی دکتر، مرتکب آن

از نظر کیفری مجرم است و به شأن علمی او که طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اعتبار دارد، خدشه ای وارد نمی‌کند لذا حکم صادر شده در بخشنامه مبنی بر عدم وجاهت قانونی پرونده علمی چنین فردی با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مغایرت دارد.

ب) بخشنامه مذکور با قانون مجازات استفاده غیر مجاز از عناوین علمی مصوب جلسه ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی، مورد تائید جلسه ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ شورای نگهبان (ماده واحده مورد استناد خود بخشنامه) نیز از جهات ذیل مخالفت و مغایرت دارد:

۱- برابر ماده واحده (قانون مجازات استفاده غیر مجاز از عناوین علمی) مرتکبین استفاده غیر مجاز از عناوین علمی مذکور در ماده واحده به مجازات ماده (۵۵۶) فصل هشتم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. محرومیت از حق جذب یا تبدیل وضعیت اساتید دانشگاه نه در ماده واحده قید شده و نه در ماده ۵۵۶ فصل هشتم قانون مجازات اسلامی، لذا با فرض غیرمجاز بودن استفاده دارندگان سطح چهار حوزه علمیه از عنوان علمی دکتر، حکم صادر شده در بخشنامه (محرومیت از حق جذب یا تبدیل وضعیت) در صورت وجاهت قانونی باید پس از اثبات جرم در محاکم قضایی باشد نه صرف اتهام و ثبت عنوان دکتری جلوی نام فرد در مجله یا سایتی، زیرا ممکن است دیگران بدون اطلاع فرد، عنوان را برای وی به کار برده باشند چنان‌که شواهد و موارد فراوانی در این زمینه در مجلات و سایتها وجود دارد. بنابراین الزام دانشگاه‌ها به عدم بررسی پرونده افراد در بدو امر علاوه بر اینکه وجاهت قانونی ندارد با ماده واحده مصوب مجلس مغایرت دارد.

۲- بخشنامه مذکور با فلسفه ماده واحده مصوب مجلس نیز ناسازگار است زیرا هدف قانون گذار جلوگیری از سوء استفاده از عناوین در بهره‌مندی از مزایای عناوین است و این مطلب در مورد دارندگان سطح چهار موضوعیت ندارد چون طبق مصوبه جلسه ۳۶۸-۱۳۷۴/۱۱/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی طلاب و فضلاء دارای سطح چهار حوزه علمیه از کلیه مزایای علمی و استخدامی فارغ‌التحصیلان دوره دکتری دانشگاه‌ها برخوردار خواهند بود. مستدعی است به تبعات سیاسی و اجتماعی بخشنامه که به برخی از آن‌ها در شکوائیه اشاره نموده ام نیز توجه فرمایید."

متن بخشنامه مورد اعتراض به شرح زیر است:

" به کلیه مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی و دانشگاه‌ها  
سلام‌علیکم

با احترام همان‌گونه که استحضار دارید برابر ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ سوء استفاده از عناوین علمی دکتر، مهندس و مانند آن و استفاده غیر مجاز از آن در مکاتبات اداری با وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، سایت و در نطقها و مجامع عمومی، اوراق چاپی یا خطی، مشمول مجازات ماده (۵۵۶) قانون مجازات اسلامی می‌شود و سوء استفاده کننده به حبس سه ماه یا یک سال حبس و جزای نقدی محکوم می‌شود، لذا کسانی که قبل از اتمام دوره دکتری در مقالات یا کتابها و مکاتبات از این عناوین استفاده کنند یا دارندگان مدارک معادل و سطح ۳ و ۴ حوزه و خیرگان بدون مدرک که این عناوین را برای خود به کار ببرند پرونده علمی آنان فاقد وجاهت قانونی و قابل ارجاع به مراجع قضایی است. مقتضی است در بررسی مدارک علمی متقاضیان این نکات مورد توجه قرار گیرد. قبلا از عنایت و دقت شما سپاسگزارم. - رئیس مرکز جذب اعضای هیأت علمی"

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس مرکز جذب اعضای هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به موجب لایحه شماره ۱۸۶۰۶۳-۱۳۹۷/۸/۱ توضیح داده است که:

" مدیر دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم؛

با احترام، در پاسخ به نامه مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۱ در مورد دادخواست آقای امیرعباس مهدوی فرد نکات زیر به استحضار می‌رسد:

۱- برخلاف نیت خوانی تنظیم کننده دادخواست بخشنامه صادره از سوی مرکز جذب اعضای هیأت علمی به شماره ۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲-۱۳۹۲/۱۲/۲۰ در رابطه با عدم استفاده از عناوین دکتری برای کسانی که هنوز پایان نامه دکتری خود را دفاع نکرده‌اند یا کسانی که واجد مدارک معادل دکتری هستند؛ به‌هیچ‌وجه معطوف به فضا یا سائقه های سیاسی نبوده، بلکه براساس تحقیق انجام گرفته و به دنبال مراجعه برخی از رؤسای دانشگاه‌ها و استفسار در مورد عنوان صحیح مدارک حوزوی، این بخشنامه برای رفع ابهام صادر گردیده است. ماجرا بدین صورت است که یکی از رؤسای دانشگاه‌ها در مراجعه به مرکز جذب اعضای هیأت علمی وزارت علوم اظهار داشتند؛ فردی از دارندگان مدرک سطح ۴ حوزوی در بین دانشجویان مطرح نمودند که شما نباید در خطاب به این‌جانب از عنوان "حاج آقا" استفاده کنید. بلکه باید به من که دارای مدرک تحصیلی سطح ۴ حوزه هستم، بگویید آقای "دکتر"؛ این بیان موجب گردیده هر وقت دانشجویان این استاد را می‌بینند، با لسان کنایه و تمسخر، ایشان را "حاج آقا" بخوانند و ایشان هم واکنش منفی ابراز نمایند و این مسئله به یک سوژه و تنش در سطح عموم دانشجویان تبدیل شود، رئیس دانشگاه از رئیس مرکز جذب خواستند؛ تبیینی در این مورد ارائه نمایند.

رئیس مرکز جذب که خود، روحانی و دانش آموخته دانشگاه تهران می‌باشد، ابتدا نظر حوزه را به‌صورت غیررسمی از معاونین مرکز مدیریت حوزه علمیه قم جویا شده است؛ آنان در پاسخ گفته اند که در هنگام تصویب این قانون، این پیشنهاد، که حوزه هم از عناوین دانشگاهی استفاده کند به حضرت آیت الله مؤمن، مسئول وقت مدیریت حوزه علمیه قم داده شده بود، ولی ایشان به شدت با این نظر مخالفت نمودند و فرموده اند حوزه رتبه های خاص خود را دارد و به مصلحت نمی‌داند که با رتبه های دانشگاهی هم اصطلاح گردد. ما مدارک خاص خود را صادر می‌کنیم و سیستم اجرایی می‌تواند آن را معادل سازی کند؛ بر اساس همین نظر، مصوبه شماره ۳۶۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر شده که در متن آن آمده است: "مدارک سطح ۴ حوزه از کلیه مزایای علمی و استخدامی فارغ‌التحصیلان دوره دکتری دانشگاه‌ها برخوردار خواهند بود"، این عبارت به صراحت این همانی را نفی می‌کند و این همانندی را اثبات می‌کند، وقتی می‌گویند از مزایای آن برخوردار است یعنی، "آن" نیست؛ ولی از مزایای "آن" می‌تواند استفاده کنند. به‌عبارت‌دیگر مدرک سطح ۴ حوزه علمیه "دکترای دانشگاهی" نیست ولی از مزایای "دکتری" برخوردار است. زیرا اگر واقعا "دکتری" بود نیاز به مصوبه برای برخورداری از مزایا وجود نداشته و اگر نظر تصویب کنندگان یا صادرکنندگان این مدرک عنوان "دکتری" بود، به جای این مصوبه عنوان "دکتری" را در مدرک یا مصوبه ذکر می‌کردند؛ همان‌گونه که برخی از مؤسسات وابسته به حوزه با موافقت وزارت علوم، مدرک دکتری صادر می‌کنند و آن‌ها نیاز به معادل سازی ندارند؛ بنابراین سطح ۴ حوزه، سطح ۴ حوزه است و نه "دکتری"، ولی از مزایای دکتری در استخدام و سایر مزایای علمی که شامل رتبه های دانشگاهی است، می‌تواند استفاده کند.

عنوان "دکتری" نه مزیت علمی است و نه مزیت استخدامی، دارندگان سطح ۴ هم می‌توانند استادیار و دانشیار و استاد تمام شوند و از این مزایای علمی مثل سایرین برخوردار باشند، هم می‌توانند تبدیل وضعیت گردند و از همه مزایای استخدامی مانند سایرین استفاده نمایند. تمام این مزایا برای این دانش‌آموختگان از زمان صدور این مصوبه ملحوظ گردیده و در هیچ شرایطی و در هیچ زمانی، مواجه با اختلال نبوده است، بلکه برابر آمار موجود، تعداد افرادی که از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۷ از مزایای مذکور در مصوبه ۳۶۸ شورای عالی

انقلاب فرهنگی استفاده کردند، بیش از ۵/۷ برابر افرادیست که در سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۲ توانسته اند از این مزایا استفاده کنند. جای تعجب دارد چگونه برخی از اهل حوزه که باید معلم اخلاق و تقوا باشند، این گونه بی محابا و متکی بر خیال های خود دست به قلم می برند و قضاوت هایی می کنند که هیچ قرینه ای بر صدق آن وجود ندارد. بهتر است بدانند صادر کننده بخشنامه فوق الذکر به هیچ وجه تعلق به جناح اصلاح طلب نداشته و ندارد و براساس اینکه می بایست مسئول مرکز جذب مرضی الطرفین باشد و مورد تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گیرد، انتخاب شده است و حکم خود را از وزیر علوم و هم از هیأت عالی جذب شورای عالی انقلاب فرهنگی دریافت نموده اند.

پس از صدور این بخشنامه نیز مجدداً این جانب با شورای مدیریت حوزه علمیه مسئله را مطرح کرده و از آنان خواسته ام اگر این بخشنامه با نظر شما تطبیق نمی کند، هر نوع تصحیحی مورد نظر شما باشد، مرکز جذب آمادگی دارد آن تصحیح را انجام دهد که مسئولین ذی ربط گفته اند ما با این بخشنامه کاملاً موافقیم. به هر حال این بخشنامه اگر مخالف نظر شورای مدیریت بود، شورا نسبت به آن اعلام نظر می کرد و نیاز به نماینده خود خوانده برای این امور نبود، همان گونه که استحضار دارید حوزه علمیه قم نسبت به کیان خود بسیار حساس و بی تعارف است و اگر تعرضی توسط فرد یا دستگاهی صورت گیرد فوراً با آن برخورد می کند. ۲- چگونگی مرتبط ساختن این بخشنامه که کارشناسی آن با نظرات مسئولین حوزه علمیه قم انجام شده با موضوع استیضاح وزیر علوم، که دلایل استیضاح وی در نامه نمایندگان ذکر شده و هیچ ربطی به صدور این بخشنامه یا آیین نامه ها و مقررات دیگر نداشته است، جای سؤال و شگفتی دارد.

۳- آنچه در بخشنامه آمده است، صرفاً تشخیص مصداق مصوبه مجلس شورای اسلامی است و هیچ گونه تصرف و تضییق در هیچ یک از دو مصوبه مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب نمی شود؛ اگر کارگزاران یک امر و مجریان یک قانون حق تشخیص مصداق نداشته باشند، این حق متعلق به کیست؟ و مجریان اگر مجاز به تشخیص مصداق قوانین و اعلام آن برای رده های خود نباشند پس چه باید بکنند؟

۴- همان گونه که مکرر همه ملت ایران از صدا و سیما شنیده اند یکی از دانش آموختگان مشهور و معتبر حوزه که سخنرانی های ایشان به صورت منظم از صدا و سیما پخش می شود، جناب آقای رحیم پورازغدی هستند که مکرراً با عنوان اعطایی "دکتری" و اینکه در معرفی ها و تیتراژها عنوان "دکتری" را برای ایشان به کار می برند، مخالفت کردند و فرموده اند من دانش آموخته حوزه هستم و دکتر نیستم و این عدم اطلاق عنوان "دکتری" هیچ قدحی بر شخصیت علمی، اجتماعی، و سیاسی ایشان وارد نکرده است بلکه نمایانگر عینی استغنائی است که نویسنده دادخواست به آن اشاره کرده اند ولی عملاً پایبند به آن نبوده اند. حوزه های علمیه سال ها بر همه ملوک و فرزنانگان سروری داشته اند و هیچ مدرک و کاغذی اصلاً در آن وجود نداشته است؛ چه شده است که در این دهه های اخیر برخی از منسوبین به حوزه این گونه عطش عنوان در آنان غلیان یافته و وقت خود را برای مدرکی کردن حوزه مصرف می نمایند.

۵- همان گونه که در بند ۱ همین نامه اشاره شد، برخلاف ادعای نویسنده دادخواست، هیچ گونه جذب و تبدیل وضعیتی برای دارندگان این مدارک نه تنها متوقف نشده بلکه رشد صعودی چشمگیری داشته است، آمار آن در سامانه الکترونیکی جذب اعضای هیأت علمی موجود است که همه فرآیند و گردش کار پرونده ها و متقاضیان به ثابته در آن ثبت شده است. ایشان یک نفر را معرفی نمایند که پرونده استخدامی یا تبدیل وضعیت وی یک روز به خاطر داشتن مدرک سطح ۴، معطل مانده است.

۶- نویسنده دادخواست خود را نماینده گروه معارف اسلامی معرفی کرده اند؛ خوبست مدارک این نمایندگی را ارائه نمایند، که این نمایندگی از کدام گروه معارف و چگونه به ایشان اعطا شده است. رئیس

دانشگاه قم شماره نامه ۱۳۹۷/۷/۲۴-۱۲۶۲۷/۹۷ در پاسخ به نامه استفساریه رئیس مرکز جذب در مورد نمایندگی ایشان از گروه معارف یا از دانشگاه قم برای ارائه دادخواست نوشته اند: "دانشگاه در جریان تنظیم چنین نامه‌ای با این محتوا نبوده است و به دانشگاه هم اعلام نشده است"؛ بنابراین ایشان نماینده دانشگاه برای ارائه دادخواست نبوده اند و از عنوان مدیریت گروه نیز نمی‌توانستند استفاده کنند، برخی از اعضای گروه نیز ضمن اعلام مخالف با چنین کاری اظهار داشتند هیچ‌گونه نمایندگی ای به ایشان بابت ارائه چنین دادخواستی ندادند. گروه‌های معارف از حیث مدیریتی تحت نظر رئیس دانشگاه و از حیث مأموریتی و نظارتی در اشراف نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها قرار دارند و نماینده نهاد مذکور در تمامی جلسات هیأت عالی جذب شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیأت مرکزی جذب و هیأت‌های اجرایی دانشگاه‌ها و کارگروه‌ها حضور دارند و تمامی تصمیمات با هماهنگی کامل آن نهاد انجام می‌گیرد. خصوصاً مرکز جذب اعضای هیأت علمی که فراتر از حد قانونی نیز در عموم تصمیمات، خود را ملزم به مشورت و کسب راهنمایی از آن نهاد می‌داند. در خاتمه با توجه به اینکه بخشنامه موضوع دادخواست عیناً الفاظ حقوقی و قانونی مصوبه شماره ۳۶۸-۱۳۷۴/۱۱/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی را مورد تأکید قرار داده و نظر به اینکه در عرف حقوقی معادل با اصل متفاوت است و این همانندی با این همانی تغایر دارد و دادخواست مذکور صرفاً براساس اوهام و بدون ارائه هیچ‌گونه مبنا و مستند حقوقی تنظیم و به ظنون تکیه نموده است. تقاضا دارد نسبت به رد دادخواست، دستورات لازم را صادر فرمایید."

متعاقباً مدیرکل دفتر حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به موجب لایحه شماره ۷/۷۵/۱۹۰۷۹۳-۱۳۹۷/۸/۶ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
با سلام و احترام

عطف به پرونده کلاسه ۹۷۰۱۳۲۰ موضوع دادخواست آقای امیرعباس مهدوی فرد که در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱ از دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به دفتر حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ شده است ضمن پیوست نمودن توضیحات مدیر مرکز جذب وزارت متبوع، موارد ذیل به عرض می‌رسد:

۱- با وجود اعلام اینکه به پیوست نسخه دوم دادخواست آقای امیرعباس مهدوی فرد ارسال می‌شود، دادخواست در مدارک ارسالی مشاهده نمی‌گردد و صرفاً درخواست نامبرده که در برگ عادی تنظیم شده است با نامه دیوان ابلاغ شده است.

۲- نامبرده بدون ارائه مدرک مثبتی ای در درخواست خود، عنوان نمایندگی از گروه معارف اسلامی دانشگاه قم را مطرح کرده است که در نامه واصله از دانشگاه طرح دعوا از طرف گروه معارف مورد تأیید نیست. بنابراین درخواست ایشان درخواست شخصی بوده و گروه معارف دانشگاه به ایشان نمایندگی برای طرح دعوا نداده است.

۳- نکته مهم دیگر چگونگی طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. بند اول ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایات و تظلمات از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی ... در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات ... باشد را در صلاحیت هیأت عمومی می‌داند. موضوع مورد شکایت صرفاً نامه‌ای از طرف مدیر مرکز جذب به مراکز علمی و دانشگاه‌ها است که هر ذی نفعی می‌تواند چنانچه در این خصوص شکایت دارد به دیوان عدالت اداری طرح شکایت نماید ولی علت طرح موضوع در هیأت عمومی مشخص نیست. اگر قرار باشد هر تصمیم یا اظهارنظری که ممکن است فرد یا افرادی معتقد

باشند باعث تضییع حقی از آنها می‌شود در هیأت عمومی مطرح شود، در این صورت ماده ۱۱ قانون که به تضییع حقوق ناشی از تصمیم یا اقدام و رسیدگی به آن در شعب دیوان اشاره کرده است بلا موضوع خواهد شد. ۴- در خصوص اصل دعوی مطروحه و این که شاکی اعلام کرده‌اند دارندگان مدارک حوزوی برابر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی از حقوق و امتیازات مدارک دانشگاهی برخوردار هستند، به نظر می‌رسد شأن مصوبات شورای انقلاب فرهنگی در خصوص مدارج حوزوی، اقتضای این را دارد که در عین حال که حوزه نظام آموزشی مخصوص به خود را دارد و قرار نیست مدارک دانشگاهی به تحصیل کردگان حوزه داده شود، در مواردی که بحث استخدام و معادل سازی در اعطای پایه و امتیازات و حقوق افراد مطرح است، مدارج حوزوی سطوح ۱ تا ۴ با مدارک دانشگاهی شناخته شده معادل سازی شوند. به عبارت دیگر در حوزه به افراد مدرک فوق لیسانس یا دکتری داده نمی‌شود بلکه عنوان مدارج حوزوی بر اساس برنامه آموزش و تحصیلی سطح یک تا ۴ تعریف و تصویب شده است. در متن مصوبه شماره ۳۶۸-۱۱/۳/۱۳۷۴ شورای انقلاب فرهنگی نیز تصریح شده است: بند ۴ "طلاب و فضلاء حوزه علمیه که بر اساس مدارک صادر شده مدیریت حوزه علمیه قم دوره سطح چهار را طبق برنامه پیوست در رشته‌های ... گذرانده اند، از کلیه مزایای علمی و استخدامی فارغ‌التحصیلان دوره دکتری دانشگاه‌ها برخوردار خواهند بود.

۵- در خصوص استفاده از عناوین، صرف نظر از این که بزرگان حوزه اصرار بر استقلال حوزه ها و حفظ سیستم آموزشی خاص و عناوین و القاب خاص حوزوی دارند، از نظر عرفی هم معمولاً آن دسته از دانش‌آموختگان حوزه که مدرک دانشگاهی دکتری یا مهندسی دارند، در کنار عنوان حوزوی، از عنوان دکتری استفاده می‌کنند. به تعبیر دیگر در عرف هم وقتی کسی علاوه بر تحصیل و دانش آموختگی در حوزه و دریافت مدارج علمی مرتبط، در یک رشته و تخصص دانشگاهی هم موفق به دریافت مدرک دکتری شده است، اطلاق هم زمان عنوان حوزوی و دانشگاهی می‌شود. با توجه به مراتب، به نظر می‌رسد کسانی که مدارج سطوح حوزوی دارند نباید به صورت هم زمان از عنوان حوزوی و دانشگاهی استفاده کنند."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه به موجب ماده واحده قانون مجازات استفاده غیر مجاز از عناوین علمی مصوب سال ۱۳۸۸ شرایط اخذ و استفاده از عناوین علمی مستلزم داشتن مدرک معتبر از مراکز علمی و دانشگاهی داخلی و یا خارجی مورد تأیید وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد و مرتکبین به مجازات ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد و از طرفی مصوبه شماره ۳۶۸-۱۱/۳/۱۳۷۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی صرفاً استفاده از امتیازات و مزایای علمی و استخدامی را برای دارندگان سطح چهار حوزوی در حد دکتری تجویز کرده و مشعر به جواز استفاده از عنوان دکتری نیست، چه اینکه اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی در این مقام بوده با بیان ساده تری می‌توانست سطح چهار را همان دکتری دانشگاهی تعریف و تعیین کند، بنابراین بخشنامه مورد شکایت با قانون مغایرت ندارد و ابطال نشد.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بودجه و امور مالی - امتیازات غیر منقول نظام سلامت

تاریخ: ۱ مرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۸۴۹-۸۵۰

کلاس پرونده: ۲۹۴۷/۹۷، ۳۰۰۳/۹۷

**موضوع:** ابطال بند ۳۰ صورت جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان کهگیلویه و بویراحمد (در خصوص نحوه صدور مجوز تغییر کاربری زمین های روستایی دارای کاربری خدمات عمومی (بهداشتی و درمانی)).

**شاکی:** سازمان بازرسی کل کشور

### گردش کار:

سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۱۸۸۳۴۴-۱۳۹۷/۸/۲۶ اعلام کرده است که:

" حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی  
رئیس محترم دیوان عدالت اداری  
سلام علیکم

احتراماً در بررسی نحوه صدور مجوز تغییر کاربری زمین های روستایی دارای کاربری خدمات عمومی (بهداشتی و درمانی) توسط دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کهگیلویه و بویراحمد مشخص شد:

برای رسیدگی به درخواست متقاضیان تغییر کاربری اراضی روستایی، طبق ماده ۷ آیین نامه اجرایی ارائه خدمات فنی موضوع بند ۵ ماده ۱۵ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی: "در صورتی که زمین دارای کاربری خدمات عمومی باشد، بنیاد مسکن انقلاب استان پس از دریافت پرونده متقاضی نسبت به استعلام از دستگاه های اجرایی ذی ربط اقدام و نظر دستگاه اجرایی مذکور را در خصوص تغییر کاربری اخذ می نماید و در صورتی که بنیاد استان ظرف مدت ۲۰ روز پاسخ استعلام را دریافت ننماید، به منزله عدم نیاز به کاربری مذکور و موافقت با تغییر کاربری تلقی می گردد." به همین دلیل مالکین اراضی روستایی دارای کاربری خدمات عمومی (بهداشتی و درمانی) که متقاضی تغییر کاربری می باشند، می باید جهت دریافت اعلام نظر به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مراجعه نمایند که پس از مراجعه، دانشگاه مبلغ و یا میزان عرصه ای از زمین را برای اعلام نظر (نیاز و یا عدم نیاز به زمین مورد نظر) درخواست می نمایند که در صورت امتناع متقاضی، نسبت به اعلام نظر اقدام نمی نمایند به طوری که موجبات نارضایتی و اعتراض متقاضیان را در پی داشته است. رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان مستند این اقدام را بند ۳۰ صورت جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی استان اعلام نموده است.

هیأت امناء دانشگاه مذکور در بند ۳۰ صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ مقرر داشته است "به دانشگاه اجازه داده می‌شود، در خصوص زمین های دارای کاربری بهداشتی درمانی با مالکین ذی‌ربط در صورت عدم نیاز دانشگاه به کل آن با رعایت صرفه و صلاح به تفاهم و توافق رسیده و با اخذ بخشی از عرصه، مجوز عدم کاربری و نیاز بهداشتی را صادر نمایند". بند ۳۰ صورت‌جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی استان کهگیلویه و بویراحمد قانونی نمی‌باشد.

۱- برابر بندهای ۴ و ۵ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ارائه خدمات فنی موضوع بند ۵ ماده ۱۵ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی، تغییر کاربری اراضی روستایی که دارای طرح هادی روستا می‌باشند، به عهده کمیته تصویب طرح‌های هادی روستایی موضوع بند "ف" ماده ۱۹۴ برنامه پنجم توسعه می‌باشد. (کمیسیون تغییر کاربری اراضی در طرح‌های هادی مصوب)

۲- برابر ماده ۲ آیین‌نامه یاد شده، متقاضیان تغییر کاربری و همچنین دریافت پاسخ استعمال فنی نهادها و دستگاه‌های مختلف، موظفند درخواست خود را برای دریافت خدمات مورد نظر و تشکیل پرونده به بنیاد مسکن شهرستان تسلیم و ثبت نمایند.

۳- همچنین طبق ماده ۷ آیین‌نامه مذکور در صورتی که زمین دارای کاربری خدمات عمومی باشد، بنیاد استان پس از دریافت پرونده متقاضی نسبت به استعمال از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدام و نظر دستگاه اجرایی مذکور را در خصوص تغییر کاربری اخذ می‌نماید. در صورتی که بنیاد استان ظرف مدت ۲۰ روز پاسخ استعمال را دریافت ننماید به منزله عدم نیاز به کاربری مذکور و موافقت با تغییر کاربری تلقی می‌گردد. همچنین برابر ماده ۹ آیین‌نامه یاد شده، پیش از ارسال پرونده به دبیرخانه کمیته، بر اساس توافق طرفین صلح نامه‌ای میان مالک و بنیاد استان منعقد تا پس از تصویب طرح و بر اساس آن مالکیت بخشی از زمین مورد نظر بابت خدمات فنی ارائه شده و یا انجام عملیات آماده سازی زمین مذکور متناسب با خدمات دریافتی به بنیاد استان منتقل نمایند.

۴- مرجع تصویب اولیه و همچنین تغییر کاربری زمینهای روستایی دارای طرح هادی، کمیته تصویب طرح‌های هادی روستایی مستقر در بنیاد مسکن استان (کمیسیون تغییر کاربری) بوده و دستگاه‌های اجرایی (دانشگاه) با توجه به عدم مالکیت بر این زمینها، صرفاً به عنوان استعمال شونده (اعلام نظر در خصوص نیاز یا عدم نیاز) می‌باشند، ضمن اینکه بابت این تغییر کاربری، بنیاد مسکن نیز بخشی از زمین را بابت ارائه خدمات اخذ می‌نمایند.

۵- بندهای ۱۳ و ۲۳ سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (عدالت محوری، شفافیت و روزآمدی در تنظیم و تنقیح قوانین و مقررات اداری و حفظ حقوق مردم) که به استناد ماده ۱۲۳ قانون برنامه ششم لازم‌الاجرا می‌باشد و آیین‌نامه اجرایی ارائه خدمات فنی موضوع بند ۵ ماده ۱۵ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی می‌باید رعایت شود و مصوبات هیأت امنای نیز نمی‌باید مغایر با احکام شرع، قوانین و مقررات بالا دستی از جمله سیاست‌های کلی نظام باشد.

۶- هرگونه اخذ وجه و اموال از اشخاص مستلزم تصریح قانون است. به علاوه در قانون تشکیل هیأت امناء دانشگاه‌ها، به هیأت امنای دانشگاه اختیار داده شده برای جلب کمک‌های بخش خصوصی و عواید محلی اعم از نقدی، تجهیزاتی، ساختمانی با رعایت ضوابط مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تلاش نمایند (بند ح ماده ۷ قانون مارالذکر)، درحالی که به موجب این مصوبه دانشگاه به نوعی مردم را برای ارائه پاسخ استعمال (عدم کاربری و نیاز) ملزم به بخشش بخشی از اراضی شان می‌کنند، مضافاً در ماده ۱ قانون احکام دائمی قانون

برنامه دائمی توسعه کشور، دانشگاه‌ها فقط از شمول قوانین و مقررات عمومی استثناء شده و در این ماده تجویز نشده است که از مردم به اجبار اخذ مال نمایند.

بنا به مراتب، مصوبه مذکور خلاف قانون و خارج از اختیارات هیأت امناء دانشگاه مذکور بوده و ابطال آن با توجه به ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مورد درخواست می‌باشد. در خاتمه موجب امتنان است از نتیجه تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند."

من صورت جلسه در قسمت‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:  
" صورت جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استآن کهگیلویه و بویراحمد:

۳۰- به دانشگاه اجازه داده می‌شود در خصوص زمینهای دارای کاربری بهداشتی درمانی با مالکین ذی ربط در صورت عدم نیاز دانشگاه به کل آن، با رعایت صرف و صلاح به تفاهم و توافق رسیده و با اخذ بخشی از عرصه، مجوز عدم کاربری و نیاز بهداشتی را صادر نماید."

علی‌رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضمائم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه بند ۳۰ صورت جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی کهگیلویه و بویراحمد بدون رعایت بندهای ۴ و ۵ ماده ۱ آیین نامه اجرایی ارائه خدمات فنی موضوع بند ۵ ماده ۱۵ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۹۶/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی (عدم طرح در کمیته تصویب طرح‌های هادی روستایی موضوع بند (ف) ماده ۱۹۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران) و همچنین بدون رعایت مواد ۲ و ۷ و ۹ آیین نامه یاد شده به تصویب رسیده مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود./

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## درمان و توانبخشی - امور تشخیصی

تاریخ: ۸ مرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۹۰۹

کلاس پرونده: ۲۷۳۹/۹۷

**موضوع:** اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و نقض رأی شماره ۱۳۱۲-۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ابطال بند ۱ از قسمت اول لیست کامل بیماری‌هایی که موجب ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی است.

### شاکي: ۲۲ نفر از قضات دیوان عدالت اداری

#### گردش کار:

۱- بیست‌ودو نفر از قضات دیوان عدالت اداری به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۰۰۰/۱۵۱۰۳/۲۰۲-۱۳۹۷/۷/۳۰ ثبت دبیرخانه حوزه ریاست دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده‌اند که:

" حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام‌علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند به اعتقاد این‌جانب (لااقل بیست نفر از قضات دیوان عدالت اداری) دادنامه شماره ۱۳۱۲-۱۳۹۷/۵/۹-۱ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در پرونده کلاسه ۶۶۸/۹۶ که به موجب آن شکایت آقای آسو رحیمی به خواسته ابطال بند یکم از قسمت یکم لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی را دارند (موضوع دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی آموزش و پرورش) رد گردیده، به دلایل زیرین اشتباه و مخالف قوانین است:

۱- شرایط عمومی استخدام از جانب مقنن در ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری احصاء گردیده و شرط مذکور در مصوبه مشمول هیچ یک از شرایط مقرر نمی‌باشد و چارچوب اختیارات دستگاه‌های اجرایی به تعیین شرایط اختصاصی مطابق ماده ۴۳ قانون فوق‌الذکر، مستلزم این امر است که در قوانین و مقررات سابق (قبل از وضع قانون مدیریت خدمات کشوری) این شروط وجود داشته و ملاک عمل بوده باشد در صورتی که شرط معترض‌عنه فاقد سابقه موصوف می‌باشد.

۲- ضوابط مقرر در بند ز ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری ضابطه "شخصی" است و می‌بایست مبتنی بر وضعیت هر یک از اشخاص ملاک تشخیص قرار گیرد درحالی‌که در مصوبه مورد اعتراض این ضوابط صرف نظر از شایستگی افراد "نوعی" تلقی شده و طیفی از داوطلبان محروم گردیده‌اند.

۳- منع اشتغال به کار معین وفق بند پ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات تبعی محسوب می‌شود که برابر تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون ذکر شده از مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی است. بنابراین سلب این

حق متوقف بر تصریح قانون گذار است.

۴- کوتاهی یا بلندی قد افراد بیماری محسوب نمی‌گردد تا شمول مصوبه بر آن واجد دلایل موجه باشد و آنچه که موجب محرومیت معلولین در مقررات گردیده است با مقررات حمایتی قانون گذار جبران می‌گردد، لیکن افراد محروم شده نه بیمار هستند نه معلول تا امکان جبران محرومیت فراهم گردد.

۵- برخورداری از حقوق مقرر در قانون اساسی به شرح اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۸ و بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی برای همه مفروض و مسلم است و در استیفاء آن نیازی به اقامه دلیل نمی‌باشد بلکه محدودیت و محرومیت از این حقوق مستلزم صلاحیت اختیار و تصریح قانونی است که در مانحن فیه این امر اثبات نگردیده است.

۶- مغایرت مقرر مود شکایت با قاعده "قیح عقاب بلا بیان" با این وصف که شرط داشتن قد معین در شرایط عمومی و اختصاصی آگهی استخدام درج نگردیده تا داوطلب آزمون ابتدائاً با علم و اطلاع از همه شرایط لازم وارد فرآیند آزمون شود به طوری که در مانحن فیه شاکای با اطلاع و انطباق شرایط عمومی و اختصاصی آزمون با خصایص خویش وارد فرآیند آزمون گردیده اما پس از طی مراحل از جمله قبولی در آزمون علمی، در مراحل نهایی مواجه با مقرر جدیدی گردیده که داشتن قد معین را شرط استخدام دانسته است. چنان که اگر این شرط از همان ابتدا ذکر می‌شد، شاکای متحمل زحمات و هزینه‌های سپری نمودن مراحل قبلی آزمون نمی‌گردید.

۷- اگر معیار قد برای تدریس دروسی علی‌الخصوص غیر تربیت بدنی امری تخصصی است که تشخیص آن در اختیار وزارت آموزش و پرورش است، چرا در فاصله کوتاهی پس از وضع مصوبه مورد شکایت، به موجب بخشنامه ۱۳۹۵/۱۲/۱۸-۹۵/م/۱۸۰/۳۸۰۸۸ رئیس مرکز برنامه‌ریزی، منابع انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش برای تسهیل جذب مستخدم معیار قد کاهش یافته است. به عبارت دیگر اگر وجود قد لازم جهت احراز شغل معلمی در مصوبه مورد شکایت مبتنی بر مصالح کارشناسی شده است، پس چگونه و با این سرعت مصلحت یاد شده تغییر یافته است؟

بنابراین به استناد ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ نظر به طرح رأی موصوف در هیأت عمومی برای رسیدگی مجدد داشته و استدعا داریم دستور مقتضی صادر فرمایید. درخواست اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی ۱۳۱۲-۱۳۹۷/۵/۹- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

۲- متن رأی شماره ۱۳۱۲-۱۳۹۷/۴/۹- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح زیر است:

" با توجه به اینکه اولاً: استخدام در دستگاه‌های اجرایی تابع شرایط عمومی و اختصاصی مذکور در قانون مدیریت خدمات کشوری است و برابر بند "ز" ماده ۴۲ قانون مذکور داشتن سلامت جسمانی و روانی و توانایی افراد برای انجام کاری که استخدام می‌شوند به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت دولت می‌رسد موکول شده است و در ماده ۳ تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۹/۴/۲۳-۸۸۳۸۳/۴۴۱۷۸ هیأت دولت به دستگاه‌های اجرایی این اختیار داده شده است تا صلاحیت و توانایی انجام کار داوطلبانی که برای آن استخدام می‌شوند را از طریق آزمون علمی، مصاحبه تخصصی و معاینات پزشکی احراز نمایند. ثانیاً: معیارهای توانایی جسمی و شرایط فیزیکی مناسب افراد برای تصدی هر شغل موضوعی تخصصی می‌باشد و در ارتباط با موضوع مورد بحث وزارت آموزش و پرورش به مرجع تخصصی صلاحیت دارد شرایط لازم برای توانایی انجام مشاغل آموزشی را از جمله داشتن قد مناسب جهت تدریس به دانش آموزان در دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تائید صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی تعیین کرده است و در اطلاعیه استخدامی مربوطه نیز به سنجش توانایی افراد برابر ضوابط فوق اشاره شده است. ثالثاً: مصوبه مورد شکایت در مورد شرایط احراز شغل آموزشی است و با اصل ۲۸ قانون اساسی مبنی بر آزادی افراد مغایرتی ندارد و رابعاً: شورای نگهبان نیز آن را خلاف موازین شرع مقدس ندانسته است، بنابراین مقرر مورد شکایت از جهت اینکه

در چهارچوب اختیار قانونی مرجع صدور بوده و مغایرتی نیز با قوانین و شرع ندارد، قابل ابطال تشخیص داده نشد. " ۳- رسیدگی به موضوع در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه شرایط عمومی استخدام از جانب مقنن در ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری احصاء شده و شرط مذکور در مصوبه مشمول هیچ یک از شرایط مقرر نیست و چارچوب اختیارات دستگاه‌های اجرایی به تعیین شرایط اختصاصی مطابق ماده ۴۳ قانون پیش گفته مستلزم این امر است که در قوانین و مقررات سابق (قبل از وضع قانون مدیریت خدمات کشوری) این شروط وجود داشته و ملاک عمل بوده باشد، در صورتی که شرط معترض‌عنه فاقد سابقه تقنین است، بنابراین مستند به ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ضمن نقض رأی شماره ۱۳۱۲-۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در اجرای حکم مقرر در بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ حکم بر ابطال بند ۱ از قسمت اول لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی است صادر می‌شود./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## بهداشت - بهداشت و طب کار

تاریخ: ۸ مرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۹۱۱

کلاس پرونده: ۱۸۹۲/۹۸

**موضوع:** اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (وحدت رویه در خصوص دریافت فوق العاده حق اشعه)

**شاکي:** آقای رضا خواستنان

### گردش کار:

شاکیان همگی از کارکنان سازمان تأمین اجتماعی هستند که مشمول دریافت فوق العاده حق اشعه می باشند. لیکن سازمان تأمین اجتماعی با استناد به اینکه رتبه جزء حقوق و مزایای مستمر تلقی نمی شود از محاسبه آن در پرداخت فوق العاده حق اشعه خودداری نموده است. شاکیان با ادعای اینکه رتبه جزئی از حقوق کارکنان می باشد و باید در محاسبه حق اشعه لحاظ شود اقدام به طرح شکایت به دیوان عدالت اداری نموده اند که شعب دیوان با استنباط مختلف از قوانین آراء متعارض صادر کرده اند.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۵۸۸۱ با موضوع دادخواست آقای وحید خرسندی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی کشور - مدیریت درمان استان آذربایجان شرقی و به خواسته اعمال رتبه در فرمول محاسباتی اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوقی و پرداخت مابه التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به بعد به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۵۵۵-۱۳۹۳/۴/۲۱-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۵۵۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با بررسی مندرجات اوراق پرونده و ضمائم دادخواست و مفاد لایحه دفاعیه و ملاحظه تبصره ۴ ماده ۳۳ آیین نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ که منشأ پرداخت فوق العاده کار با اشعه را به طور جامع بر مبنای حقوق و مزایای مستمر احصا نموده و رتبه را در عداد آن ها ذکر نکرده است و رتبه یکی از اقلام حقوقی غیر مستمر تلقی شده و به همین علت رتبه در محاسبه و پرداخت حق اشعه منظور نگردیده است و حسب محتویات پرونده و لایحه دفاعیه افزایش سالیانه نیز در فوق العاده کار با اشعه بر اساس رأی شماره ۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۳۸۶/۱۲/۱۲ هیات عمومی دیوان عدالت اداری و مصوبه فوق الذکر سازمان در حقوق شاکي از سال ۱۳۸۶ اعمال گردیده است اقدامی که موجب تضییع حق شاکي باشد مشهود نیست علی هذا شکایت غیر وارد تشخیص و حکم به رد دادخواست صادر و اعلام می شود. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مقررات قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۹۲۳/۱۳۹۴/۹۴-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

با عنایت به اطلاق بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مبنی بر پرداخت تا ۵۰ درصد حقوق و مزایای به مشمولیت قانون مذکور و اینکه مزایای درخواستی مربوط به قبل از اجرائی شدن قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد و خواسته شاکی اعمال مزایای قانونی مترتب به کار با اشعه موضوع قانون استنادی بوده است شکایت نامبرده وارد بوده است لذا با استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته به شماره ۵۵۵-۱۳۹۳/۴/۲۱ حکم به ورود شکایت شاکی و اعمال مزایای بند ۴ ماده ۲۰ قانون صدرالذکر با محاسبه افزایش ضریب و رتبه صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ب: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۲۹۹۶/۰۹۰۰۰۹۹۸۰۹۳۰ با موضوع دادخواست آقای بهروز محمدنژاد به طرفیت مدیریت درمان تأمین اجتماعی مازندران و به خواسته الزام خوانده به محاسبه امتیاز رتبه از پرداخت حق اشعه و پرداخت مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به موجب دادنامه شماره ۱۶۵۳/۰۳۰۰۹۹۷۰۹۰۰۰۳۹۳/۸/۱۷-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۰۳۹۳/۸/۱۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه مطابق آیین‌نامه خاص سازمان تأمین اجتماعی به شرح تبصره ۴ ماده ۳۳ مزایای مربوط به رتبه جزء مزایای مستمر تعریف نشده است و از طرفی بر اساس مفاد بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه و رأی شماره ۱۱۲-۱۳۸۵/۲/۷-۱۳۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مزایای مستمر قابل لحاظ در تعیین میزان و فوق‌العاده کار با اشعه می‌باشد، بنابراین خواسته شاکی مبنی بر لحاظ امتیاز رتبه در فوق‌العاده کار با اشعه فاقد جواز قانونی است و در نتیجه رأی به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۶۹۹/۱۳۹۵/۶/۱۰-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

تجدیدنظر خوانده به تناسب شغل مورد تصدی از فوق‌العاده با اشعه موضوع بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ (تا ۵۰٪ حقوق و مزایا) بهره‌مند گردیده ولی در پرداخت آن امتیاز رتبه را اعمال ننموده‌اند تقاضای محاسبه امتیاز فوق در پرداخت حق اشعه را نموده که منجر به صدور دادنامه بدوی مبنی بر رد شکایت گردیده است علی‌هذا نظر بر اینکه امتیاز رتبه مثل حق سنوات یکی از ملاک‌های پرداخت حقوق و مزایا بوده و مقایسه آن با فوق‌العاده‌های غیر مستمر مثل اضافه‌کاری به استناد آیین‌نامه توجیه قانونی ندارد و لذا به استناد مواد ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته به شماره ۱۶۵۳-۱۳۹۳/۸/۱۷-۱۳۹۳ حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ج: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۴۹۴۱/۰۹۰۰۰۹۹۸۰۹۲۰ با موضوع دادخواست آقای هوشنگ جوادیان به طرفیت صندوق تأمین اجتماعی کشوری- مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان آذربایجان شرقی و به خواسته اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوق و پرداخت مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به بعد به موجب دادنامه شماره ۲۶-۱۰۰۰۳۰۹۹۷۰۹۰۰۰۹۲۰-۱۳۹۲/۱۲/۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی مذکور نظر به اینکه طبق تصویب‌نامه شماره ۲۰۰۰/۹۲/۱۴۹۹-۱۳۹۲/۵/۲۶ هیأت امناء سازمان تأمین اجتماعی ضرایب ریالی سال ۱۳۸۸ از ۵۰۰ و ۵۵۰ به ۶۰۰ و سال ۱۳۸۹ از ۵۰۰ و

۵۸۳ به ۶۳۶ و سال ۱۳۹۰ از ۵۵۰ و ۶۴۱/۳ به ۷۰۰ و سال ۱۳۹۱ از ۷۳۷/۵ به ۸۰۵ برای امتیازات مندرج در احکام کارگزینی کارکنان اصلاح گردیده است و با عنایت به اینکه تعلق حق اشعه به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه تجویز گردیده و بعد از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری حق اشعه به شرح بند ۳ ماده ۶۸ از قانون اخیرالذکر تجویز و برقرار گردیده است و با این اوصاف آیین‌نامه استخدامی سازمان نافی حق قانونی کارکنان مشمول حق اشعه نخواهد شد و حتی ابطال آیین‌نامه در سال ۱۳۸۶ دلیل اعمال آن از تاریخ صدور رأی هیأت عمومی دیوان نخواهد بود چرا که قبل از ابطال آیین‌نامه نیز شعب دیوان حکم بر ورود صادر می‌نمودند و توجهاً به اینکه به مستنبط از ماده ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری رتبه از اقدام مستمر بوده و ضرورت دارد که رتبه در حق اشعه نیز منظور گردد علی‌هذا با این اوصاف شکایت شاکی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم بر الزام مشتکی‌عنهما به اعمال ضرایب ریالی افزایش سالیانه به شرح مصوبه فوق‌الذکر در حق اشعه از سال ۱۳۸۶ تا پایان ۱۳۸۷ به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه و بعد از ۱۳۸۸/۱/۱ به شرح بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت مابه‌التفاوت آن و همچنین اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوق و پرداخت مابه‌التفاوت آن صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۰۳۱-۱۳۹۳/۱۱/۱۵ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۲۴۹۴۹ با موضوع دادخواست آقای علی طریقت نیا به طرفیت صندوق تأمین اجتماعی کشوری- مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان آذربایجان شرقی و به خواسته اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوق و پرداخت مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به بعد به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۳۰۲۴-۱۳۹۲/۱۲/۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی مذکور نظر به اینکه طبق تصویب‌نامه شماره ۲۰۰۰/۹۲/۱۴۹۹ - ۹۲/۵/۲۶ هیأت امناء سازمان تأمین اجتماعی ضرایب ریالی سال ۱۳۸۸ از ۵۰۰ و ۵۵۰ به ۶۰۰ و سال ۱۳۸۹ از ۵۰۰ و ۵۸۳ به ۶۳۶ و سال ۱۳۹۰ از ۵۵۰ و ۶۴۱/۳ به ۷۰۰ و سال ۱۳۹۱ از ۷۳۷/۵ به ۸۰۵ برای امتیازات مندرج در احکام کارگزینی کارکنان اصلاح گردیده است و با عنایت به اینکه تعلق حق اشعه به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه تجویز گردیده و بعد از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری حق اشعه به شرح بند ۳ ماده ۶۸ از قانون اخیرالذکر تجویز و برقرار گردیده است و با این اوصاف آیین‌نامه استخدامی سازمان نافی حق قانونی کارکنان مشمول حق اشعه نخواهد شد و حتی ابطال آیین‌نامه در سال ۱۳۸۶ دلیل اعمال آن از تاریخ صدور رأی هیأت عمومی دیوان نخواهد بود چرا که قبل از ابطال آیین‌نامه نیز شعب دیوان حکم بر ورود صادر می‌نمودند و توجهاً به اینکه به مستنبط از ماده ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری رتبه از اقدام مستمر بوده و ضرورت دارد که رتبه در حق اشعه نیز منظور گردد علی‌هذا با این اوصاف شکایت شاکی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم بر الزام مشتکی‌عنهما به اعمال ضرایب ریالی افزایش سالیانه به شرح مصوبه فوق‌الذکر در حق اشعه از سال ۱۳۸۶ تا پایان ۱۳۸۷ به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه و بعد از ۱۳۸۸/۱/۱ به شرح بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت مابه‌التفاوت آن و همچنین اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوق و پرداخت مابه‌التفاوت آن صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ

ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۵۵۸۰۰۴۴۰-۹۳۰۹۹۷۰۲۶/۸/۱۳۹۳ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

در رابطه با قسمت اول دادنامه تجدیدنظر خواسته مبنی بر الزام طرف شکایت به اعمال ضرایب ریالی افزایش سالیانه در پرداخت حق اشعه از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۷ براساس قانون حفاظت در برابر اشعه ایراد مؤثر از سوی تجدیدنظرخواه به طوری که اساس رأی معترض‌عنه را مخدوش نماید ابراز نشده و در رسیدگی به پرونده و صدور رأی اقدام مغایر موازین قانونی که موجبات فسخ رأی بدوی را فراهم آورد مشهود نیست، لذا به استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن رد تجدیدنظرخواهی، دادنامه تجدیدنظر خواسته در این قسمت تأیید می‌گردد اما در قسمت دوم اعمال رتبه و بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ نظر بر اینکه به موجب ماده ۱۱۷ همان قانون نهادهای عمومی غیردولتی از جمله سازمان تأمین اجتماعی از شمول قانون خارج است لذا دادنامه در این قسمت نقض و حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ه: شعبه ۴ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۳۰۰۱۳۰۰۱۰۹۰۰۰۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰ با موضوع دادخواست آقای رمضان خواستار به طرفیت مدیریت درمان سازمان تأمین اجتماعی استان مازندران و به خواسته الزام طرف شکایت به محاسبه رتبه در پرداخت حق اشعه و پرداخت مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به موجب دادنامه شماره ۱۶۳۸-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۴-۱۳۹۴/۷/۱۳-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با بررسی مندرجات اوراق پرونده و مراتب مذکور در گردش کار و با ملاحظه مستندات طرفین شکایت، صرف نظر از اینکه با لازم‌الاجراء شدن قانون مدیریت خدمات کشوری از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ به استناد ماده ۱۲۷ آن قانون کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر از جمله قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ لغو گردیده است. نظر بر اینکه بر اساس دادنامه شماره ۶۸-۱۴۶۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری فوق‌العاده کار با اشعه به استناد بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه تا پنجاه درصد حقوق و مزایای مستمر مشمول کسور بازنشستگی قابل پرداخت بوده و به استناد ماده ۳۳ و تبصره‌های یک تا چهار آن از آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۶ حقوق و مزایای مستمر می‌باشد و در پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه قابل احتساب نمی‌باشد. بنا به مراتب الزام قانون بر اجابت خواسته وجود ندارد شکایت غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف- تعارض در آراء محرز است.

ب- در بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰ به طور مطلق به پرداخت تا پنجاه درصد "حقوق و مزایا" به عنوان فوق‌العاده کار با اشعه اشاره شده است و نه "مزایای مستمر" و بر اساس ماده

۳۳ آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ رتبه حقوقی یکی از عوامل تشکیل دهنده "حقوق و مزایای" کارکنان سازمان می‌باشد. گرچه در تبصره ۴ ماده ۳۳ آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی "رتبه" حقوقی از جمله حقوق و مزایای مستمر محسوب نشده است ولیکن با توجه به قرائن قانونی و رویه عملی سازمان "رتبه" یکی از عوامل اصلی تشکیل دهنده حقوق است که به‌طور مستمر پرداخت می‌شود و مشمول کسور بازنشستگی است و شاهد آن ماده ۴۴ آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی و بندهای ۲ بخشنامه شماره ۴۱۵۸/۱۱/۲۰۰۰-۱۳۹۱/۱۲/۷ و بخشنامه شماره ۱۸۷۲/۹۲/۲۰۰۰-۱۳۹۲/۶/۲۱ سازمان تأمین اجتماعی است که "رتبه" را از فوق‌العاده‌های مستمر قابل احتساب در پاداش پایان خدمت بر شمرده است. معاونت اداری مالی سازمان تأمین اجتماعی نیز به موجب بخشنامه شماره ۱۳۸۸/۱۰/۲۳-۲۰۵۳ به مدیریت درمان استان‌ها اعلام کرده است مبنای محاسبه فوق‌العاده کار با اشعه از تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ مجموع امتیاز شغلی، سرپرستی و رتبه ضرب در ضریب ریالی تعیین و پرداخت می‌گردد. از طرفی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۱۴۶۶ تا ۱۴۶۸-۱۳۸۶/۱۲/۱۲ و رأی شماره ۱۳۹۱/۶/۲-۳۲۹، تصویب‌نامه شماره ۱۸۱۶/ت/۱۹۹۹۶۹ هـ-۱۳۷۸/۳/۱۷ هیأت وزیران و نامه شماره ۱۳۸۸/۶/۲۸-۸۲/۵۴/۱۰/۲۰۰ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور را که ملاک پرداخت حق اشعه به جای "حقوق و مزایا"، "حقوق و فوق‌العاده شغل" تعیین کرده بود ابطال کرده است. بنا بر مراتب آراء صادر شده بر وارد دانستن شکایت به شرح مندرج در گردش کار که بر الزام به اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوقی و پرداخت مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به بعد صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۸ مرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۹۱۲

کلاس پرونده: ۲۹۳۶/۹۷

**موضوع:** ابطال ماده ۵ آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ (در خصوص ایجاد ممنوعیت زمانی برای بهره‌مندی از مزایای نخبگی)

### شاکي: خانم سمیه علی دوست لمر

#### گردش کار:

خانم سمیه علی دوست لمر به موجب شکایت‌نامه‌ای ابطال ماده ۵ آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری  
سلام‌علیکم

با احترام، این‌جانب سمیه علی دوست لمر متقاضی استفاده از مزایای آیین‌نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۴۷۲۸۵/ت ۴۷۰۵-هـ-۱۳۹۰/۱۲/۱۵ هیأت وزیران به استحضار می‌رساند: بنیاد ملی نخبگان طی آیین‌نامه داخلی خود و در طی ماده ۵ این آیین‌نامه دانش‌آموختگان مؤسسه‌های علمی داخل کشور را ملزم به معرفی خویش به بنیاد ملی مذکور تا طی ۳ سال پس از تاریخ رسمی دانش‌آموختگی نموده است تا از مزایای آیین‌نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر مصوب هیأت وزیران استفاده نمایند که به نظر می‌رسد این موضوع مغایر با مصوبه هیأت دولت بوده و خارج از حدود اختیارات بنیاد ملی نخبگان می‌باشد. حالی با توجه به این موضوع که در آیین‌نامه ابلاغی هیأت دولت هیچ‌گونه مهلت زمانی تعیین نگردیده است، چرا بنیاد ملی نخبگان مهلت زمانی ۳ سال را برای افراد مشمول تعیین نموده است؟ لذا امکان بهره‌برداری از آیین‌نامه مصوب هیأت دولت برای افرادی از قبیل بنده که در زمان فارغ‌التحصیلی و استخدام، مشمول این موضوع بدم سلب گردیده است و در بررسی‌ها و پیگیری‌های صورت گرفته از سوی این‌جانب برای احقاق حق خویش، صرفاً با این استدلال مواجه گردیدم که از مدت فارغ‌التحصیلی شما ۳ سال گذشته است!

علی‌ای حال با توجه به ماده یک آیین‌نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در دستگاه‌های اجرایی که در طی آن احراز نخبگی و استعداد برتر بودن افراد به بنیاد ملی نخبگان محول گردیده است، خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به ابطال ماده ۵ آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ که مهلت زمانی را تعیین نموده است، اقدام لازم معمول گردد."

متن مقررہ مورد اعتراض به شرح زیر است:  
"آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی  
مقدمه:

در اجرای بند ۱ ماده ۳ از اساسنامه بنیاد ملی نخبگان و به‌منظور اجرای اقدام‌های ملی ۱-۱، ۱-۲، ۲، ۳-۱، ۳-۲ و ۳-۱-۵ از سند راهبردی کشور در امور نخبگان، آیین‌نامه "شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی" به شرح زیر تصویب می‌شود:  
ماده ۵: دانش‌آموختگان مؤسسه‌های علمی داخل کشور حداکثر ظرف مدت سه سال و دانش‌آموختگان مؤسسه‌های علمی خارج از کشور، حداکثر ظرف مدت شش سال از تاریخ رسمی دانش‌آموختگی مجازند از مزایای این آیین‌نامه بهره‌مند شوند."

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون توسعه و مدیریت منابع بنیاد ملی نخبگان (ریاست‌جمهوری) به موجب لایحه شماره ۱۵/۳۰۸۳-۱۳۹۷/۱۱/۳ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
سلام‌علیکم

احتراماً در خصوص شکایت خانم سمیه علی دوست لمر علیه بنیاد ملی نخبگان به خواسته ابطال ماده ۵ آیین‌نامه "شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی" مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ (به شماره پرونده ۱۹۰۴۰۵۸۰۹۰۹۹۸۰۹۷) به استحضار می‌رساند، با عنایت به صلاحیت بنیاد ملی نخبگان در تصویب مقررات مورد نیاز نظام نخبگی (من جمله آیین‌نامه فوق‌الاشعار) هیچ‌گونه مغایرتی میان آیین‌نامه موصوف با مصوبه هیأت وزیران وجود ندارد. دلایل بنیاد ملی نخبگان در رد ادعای خواهان عبارت است از:

۱- مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی و تشکیلات دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ مجلس شورای اسلامی شرط ورود هیأت عمومی دیوان اعلام تعارض مقررہ دولتی با قانون (یعنی مصوبات مجلس شورای اسلامی) است و از آنجا که در شکایت مطروحه خواهان اعلام مغایرت مصوبه بنیاد ملی نخبگان با مصوبه هیأت وزیران را نموده‌اند، لذا ورود هیأت عمومی به علت عدم مغایرت با یک قانون منتفی است.

۲- به موجب ماده ۱۲ آیین‌نامه "جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در دستگاه‌های اجرایی" مصوب سال ۱۳۹۰ هیأت وزیران کارمندانی که قبل از ابلاغ آیین‌نامه نخبه یا استعداد برتر بوده‌اند یا در حین خدمت، نخبه و استعداد برتر شناخته می‌شوند، به شرطی مشمول مزایای مقرر هستند که نخبگی آن‌ها توسط بنیاد ملی نخبگان احراز شود، به موجب نامه‌های شماره ۴۷۰۵۰/۱۴۱۱۸۰ و ۴۷۰۵۰/۴۸۰۳۳-۴۷۰۵۰/۴۳۱-۱۳۹۲/۴ دبیر هیأت دولت در مورد نخبگی آن دسته از کارمندانی که "قبل از ابلاغ این آیین‌نامه نخبه یا استعداد برتر بوده‌اند" نیز تشخیص بنیاد ملی نخبگان می‌بایست لحاظ شود. بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌شود برخورداری از مزایای مقرر در آیین‌نامه مزبور چه مطابق ماده ۱ و چه ماده ۲ در هر حال نیازمند بررسی و تشخیص بنیاد ملی نخبگان است.

۳- بنیاد ملی نخبگان مستند به بند ۱ ماده ۳ اساسنامه خود مصوب پانصد و شصتمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ و نیز اقدام ملی ۱-۱ (بازنگری و بازتعریف ضوابط و مقررات مربوط به فرآیندهای شناسایی، جذب و پشتیبانی از اجتماع نخبگانی در دستگاه‌های مسئول با تأکید بر رصد فعالیت نخبگانی) و به‌ویژه اقدام ملی ۱-۲-۴ (تصویب شاخص‌ها، استانداردها، ضوابط و مقررات لازم برای نظام نخبگانی در سطوح و حوزه‌های مختلف و نظارت مستمر بر حسن اجرای آن توسط بنیاد ملی نخبگان) از سند راهبردی کشور در امور نخبگان (سند عالی و بالادستی کشور در امور نخبگان به عنوان آخرین اراده واضح) اقدام به تهیه و

تدوین و تصویب مقررات مورد نیاز نظام نخبگانی نموده است و در همین راستا بنیاد ملی نخبگان اقدام به تصویب "آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی" مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ کرده است.

۴- شایان ذکر است ماده ۲ آیین‌نامه "جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در دستگاه‌های اجرایی" مصوب ۱۳۹۰ هیأت وزیران، به‌طور کلی تائید مراتب نخبگی را جهت دریافت تسهیلات جذب و فوق‌العاده نخبگی بر عهده بنیاد ملی نخبگان قرار داده است. اما شرایطی را برای احراز شرایط متقاضیان مقرر نکرده است که بر اساس آن بنیاد، نخبگی متقاضیان را احراز کند و با توجه به سکوت مصوبه هیأت وزیران در این زمینه بدیهی است که موضوع به مقررات بنیاد ملی نخبگان به عنوان مرجع رسمی و حاکمیتی امور نخبگان در کشور احاله داده شده است و با عنایت به تکلیف بنیاد ملی نخبگان در تصویب مقررات لازم (اقدام ملی ۱-۲-۴ سند راهبردی کشور در امور نخبگان) بنیاد اقدام به تصویب آیین‌نامه "شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی" نموده است. بنابراین این آیین‌نامه و به تبع، ماده ۵ آن (شرط عدم گذشت سه سال از تاریخ فارغ‌التحصیلی برای دانش‌آموختگان مؤسسه‌های علمی داخل کشور) هیچ‌گونه تراحم و مغایرتی با مصوبه موصوف هیأت وزیران ندارد.

۵- صلاحیت بنیاد ملی نخبگان در آراء متعدد صادره از شعب دیوان عدالت اداری و نیز رأی شماره ۱۰۵ هیأت تخصصی دیوان درباره احراز نخبگی برای برخورداری از فوق‌العاده نخبگی به صراحت مورد تأکید قرار گرفته و جملگی مشعر بر جایگاه انحصاری این بنیاد در تشخیص نخبگی افراد حائز شرایط جهت برخورداری از فوق‌العاده نخبگی هستند.

با عنایت به اینکه بنیاد ملی نخبگان در تصویب آیین‌نامه "شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی" هیچ‌گونه خروج یا تخلفی از صلاحیت خود نداشته است و این آیین‌نامه با هیچ یک از قوانین و اسناد بالادستی تعارض و مغایرت ندارد، لذا مبرهن است که بنیاد ملی نخبگان در این زمینه کاملاً در چارچوب صلاحیت منصوص خود اقدام نموده است. علی‌ای حال بنیاد ملی نخبگان بنا به مراتب فوق از آن مرجع تقاضای رد شکایت خواهان را دارد. - معاون توسعه و مدیریت منابع "

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه در مصوبه شماره ۲۴۷۲۸۵/ت/۴۷۰۵۰-هـ/۱۳۹۰/۱۲/۱۵ هیأت وزیران و نیز اساسنامه بنیاد ملی نخبگان مصوب جلسه ۵۶۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ و آیین‌نامه و ضوابط بنیاد ملی نخبگان مصوب ۱۳۹۱/۷/۱۱ شورای معین شورای عالی انقلاب فرهنگی، محدودیت زمانی برای بهره‌مندی از مزایای نخبگی لحاظ نشده است و از طرفی با توجه به اینکه بر اثر مصوبات فوق‌الذکر برای افراد مشمول ایجاد حق شده است که اسقاط آن با قید مرور زمان نیاز به اذن قانون‌گذار یا مرجع اصلی تصویب دارد، تصویب ماده ۵ آیین‌نامه مورد اعتراض به جهت خارج بودن از حدود اختیار مرجع مصوب آن مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود./

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۱۵ مرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۹۳۵

کلاس پرونده: ۹۵۴/۹۷

**موضوع:** ابطال الف) بند ۴ دستورالعمل پذیرش دانشجوی کردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته‌های گروه پزشکی مصوب مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ ب) بند ۲ قسمت ب دفترچه راهنمای ثبت‌نام و انتخاب رشته پذیرش صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۵

### شاکی: خانم شیوا عبدالملکی

#### گردش کار:

۱- خانم شیوا عبدالملکی به موجب دادخواستی ابطال موارد زیر در اجرای مفاد ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری درخواست کرده است:

الف: بند ۴ دستورالعمل پذیرش دانشجوی کردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته‌های گروه پزشکی مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۶

ب: بند ۲ قسمت ب دفترچه راهنمای ثبت‌نام و انتخاب رشته پذیرش صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۵

۲- مفاد موضوعات شکایت شده عبارت است از اینکه: دانش‌آموختگان کلیه مقاطع تحصیلی صرفاً در صورت پرداخت شهریه، حق ثبت‌نام و شرکت در دوره کردانی را دارند.

۳- شاکی مقررات مورد اعتراض را مغایر دادنامه‌های شماره ۷۳۴ و ۷۳۵-۱۳۹۲/۱۰/۳۰ و ۱۲۰۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۲ و ۴۹۴ تا ۵۰۸-۱۳۹۵/۸/۴ اعلام کرده است.

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۲۸۲/۴۱۶۹-۱۳۹۷/۲/۱۷ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی شده پاسخ داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: رفع نقض دادخواست اولیه

با سلام

احتراماً به استحضار می‌رساند این‌جانب شیوا عبدالملکی شاکی پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۲۹۹ با توجه به شکایات مشابه نسبت به موضوع دریافت شهریه از متقاضیان تحصیل مجدد در دیوان عدالت اداری و همچنین آراء صادر شده (۷۳۴ و ۷۳۵، ۱۲۰۵، ۴۹۴ الی ۵۰۸، ۱۱۴۴) مبنی بر ابطال بند دریافت شهریه و ممنوعیت دریافت شهریه از متقاضیان تحصیل مجدد، این‌جانب نیز تقاضای ابطال بند ۲ از شرایط اختصاصی

پذیرش دانشجو از فصل دوم جدول رشته‌های تحصیلی گروه علوم تجربی و ابطال بند ۴ شرایط اختصاصی دستورالعمل پذیرش دانشجوی کردانی، مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را خواستارم. ضمناً در سطر آخر صفحه سوم دادخواست بند ۳ به بند ۴ اصلاح می‌گردد.

متن مقرره‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

الف: متن بند ۴ دستورالعمل پذیرش دانشجوی کردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته‌های گروه پزشکی مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۶:

" دستورالعمل پذیرش دانشجوی کردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته‌های گروه پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌منظور تربیت و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز به‌ویژه در مناطق محروم در نظر دارد از سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بر اساس ماده ۵ قانون جدید سنجش و پذیرش دانشجو مصوب مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۰ مجلس شورای اسلامی در مقاطع کردانی رشته‌های علوم پزشکی برای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و مجتمع‌های آموزش عالی سلامت دارای مجوز برگزاری دوره از شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی، بر اساس سوابق تحصیلی، نسبت به پذیرش داوطلبان بومی با شرایط زیر اقدام نماید. ....

۴- متقاضیان تحصیل مجدد (شامل دانش‌آموختگان مقطع کردانی- کارشناسی پیوسته- کارشناسی ناپیوسته- کارشناسی ارشد- دکتری عمومی- دکتری حرفه‌ای و همچنین دکترای تخصصی) حق ثبت نام و شرکت در این دوره‌ها را ندارند) مگر با پرداخت شهریه مربوطه."

ب: متن بند ۲ قسمت ب دفترچه راهنمای ثبت نام و انتخاب رشته پذیرش صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۵:

" رشته‌های تحصیلی دوره روزانه مقطع کردانی (نیمه‌متمرکز) دانشگاه‌های علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌منظور تربیت و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز به‌ویژه در مناطق محروم در نظر دارد از سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بر اساس ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۰ مجلس شورای اسلامی و مصوبه چهارمین جلسه شورای سنجش و پذیرش دانشجو مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۸ در مقاطع کردانی رشته‌های علوم پزشکی برای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و مجتمع‌های آموزش عالی سلامت دارای مجوز برگزاری دوره از شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی، بر اساس سوابق تحصیلی، نسبت به پذیرش داوطلبان بومی با شرایط زیر و انجام مصاحبه اقدام می‌نماید. ....

۲- متقاضیان تحصیل مجدد (شامل دانش‌آموختگان مقطع کردانی- کارشناسی پیوسته- کارشناسی ناپیوسته- کارشناسی ارشد- دکتری عمومی- دکتری حرفه‌ای و همچنین دکترای تخصصی) حق ثبت نام و شرکت در این دوره‌ها را ندارند) مگر با پرداخت شهریه مربوطه"

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (معاونت حقوقی و امور مجلس) به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۹۰۲-۱۳۹۷/۱۱/۱- توضیح داده است که:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده شماره ۹۷۰۰۹۵۴ موضوع شکایت خانم شیوا عبدالملکی به خواسته ابطال قسمتی از بند ۲ از شرایط اختصاصی پذیرش دانشجو از فصل دوم جدول رشته‌های تحصیلی گروه آزمایشی

علوم تجربی از بخش ب دفترچه راهنمای ثبت نام و انتخاب رشته برای پذیرش دانشجو بر اساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۴ و ابطال بند ۴ شرایط اختصاصی دستورالعمل پذیرش دانشجوی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته گروه علوم پزشکی مبنی بر اخذ شهریه از متقاضیان تحصیل مجدد مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ و اعتراض به نامه شماره ۵۲۲/۷۸-د/۱۳۹۷/۲/۲ مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- شاکي وفق دادخواست تقدیمی مدعی می‌باشد در سال ۱۳۹۴ در رشته تکنیسین سلامت دهان دانشگاه علوم پزشکی همدان از طریق پذیرش بدون آزمون و بر اساس سوابق تحصیلی (به صورت نیمه متمرکز) در مرحله تکمیل ظرفیت پذیرفته شده و شروع به تحصیل نموده است. وی همچنین مدعی است با توجه به اینکه قبلاً در مقطع کارشناسی رشته بهداشت محیط از دانشگاه سراسری فارغ التحصیل شده بود وفق مفاد دستورالعمل پذیرش دانشجوی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی مشمول پرداخت شهریه گردیده است. نامبرده در حال حاضر به این موضوع معترض بوده و متقاضی ابطال قسمتی از بند ۲ از شرایط اختصاصی پذیرش دانشجو از فصل دوم جدول رشته‌های تحصیلی گروه آزمایشی علوم تجربی از بخش ب دفترچه راهنمای ثبت نام و انتخاب رشته برای پذیرش دانشجو بر اساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۴ و بند ۴ شرایط اختصاصی دستورالعمل پذیرش دانشجوی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته‌های گروه علوم پزشکی مبنی بر اخذ شهریه از متقاضیان تحصیل مجدد مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ و نامه شماره ۵۲۲/۷۸-د/۱۳۹۷/۲/۲ دبیر شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌باشد.

۲- در ارتباط با درخواست شاکي مبنی بر ابطال نامه شماره ۵۲۲/۷۸-د/۱۳۹۷/۲/۲ دبیر شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی لازم به توضیح است نامه مذکور صرفاً یک مکاتبه اداری در خصوص خانم شیوا عبدالملکی در پاسخ به سؤال مطروحه از سوی دانشگاه علوم پزشکی همدان بوده و آیین نامه یا مقرره دولتی که واجد حکم یا تکلیف خاصی باشد، محسوب نمی‌شود که درخواست ابطال آن قابل طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری باشد. بر این اساس رد شکایت مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد.

۳- در ارتباط با دستورالعمل پذیرش دانشجوی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته گروه علوم پزشکی لازم به ذکر است، وفق ماده ۲ قانون سنجش و پذیرش دانشجو مصوب سال ۱۳۹۲ به منظور برنامه‌ریزی، تصویب مقررات، هماهنگی و نظارت بر نحوه سنجش علمی و پذیرش دانشجو برای کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته، دکتری حرفه‌ای و دکتری پیوسته "شورای سنجش و پذیرش دانشجو" با ترکیب وزیر علوم، تحقیقات و فناوری (رئیس شورا) وزیر آموزش و پرورش، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاون آموزشی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، معاون آموزشی وزیر آموزش و پرورش، معاون آموزشی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور (دبیر شورا) یک نفر از نمایندگان عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی و روسای دو دانشگاه دولتی از دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارتخانه‌های "علوم، تحقیقات و فناوری" و "بهداشت، درمان و آموزش پزشکی" به انتخاب وزرای مذکور بدون حق رأی، روسای مرکز سنجش آموزش و پرورش و مرکز آزمون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدون حق رأی تشکیل می‌گردد.

۴- برابر ماده ۳ قانون مورد اشاره وظایف و اختیارات شورا، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در امر سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها مندرج در ماده ۵، اتخاذ تصمیم در مور میزان تأثیر هر یک از عوامل سابقه تحصیلی، آزمون عمومی و آزمون اختصاصی در سنجش، تصمیم‌گیری در امور مرتبط با سنجش و پذیرش دانشجو برای داوطلبان فاقد سابقه تحصیلی و بررسی، ارزشیابی و تأیید گزارش سازمان سنجش آموزش کشور در مورد کیفیت و رعایت مقررات قانونی آزمون سراسری حداکثر چهار ماه پس از اعلام نتایج نهایی و ارسال

گزارش آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس اعلام شده است.  
 ۵- همچنین مجوز جهت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها به روش ظرفیت رشته- محل و تقاضای داوطلبان بر اساس "سابقه تحصیلی" یا "سابقه تحصیلی و آزمون (عمومی یا عمومی- اختصاصی)" وفق ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو صادر شده است.

۶- در جلسه شماره ۴-۱۳۹۴/۶/۲۸ شورای سنجش و پذیرش دانشجو که در محل دفتر وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با حضور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر اعضاء تشکیل گردید، پذیرش کاردان بومی به شیوه سوابق تحصیلی تصویب شده و دستورالعمل پذیرش دانشجوی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته‌های گروه پزشکی نیز در جلسه مذکور مورد تصویب قرار گرفته است. بر این اساس مقرر شده است که هماهنگی لازم بین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان سنجش کشور برای پذیرش دانشجو به روش مزبور معمول گردد.

۷- در ماده ۴ دستورالعمل مزبور صراحتاً اعلام شده است، متقاضیان تحصیل مجدد (شامل دانش‌آموختگان مقطع کاردانی، کارشناسی پیوسته، کارشناسی ناپیوسته، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه‌ای و همچنین دکترای تخصصی) حق ثبت‌نام و شرکت در این دوره‌ها را بدون پرداخت شهریه مربوطه ندارند. مگر با پرداخت شهریه مربوطه لازم به توضیح است عین مصوبه مذکور در بند جزء ۲ بند (ب) دفترچه راهنمای ثبت‌نام و انتخاب رشته پذیرش دانشجو صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی در آزمون سراسری سال ۱۳۹۴ اعلام شده است.

۸- بر این اساس همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید بند ۴ شرایط اختصاصی دستورالعمل پذیرش دانشجوی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته گروه علوم پزشکی، در شورای سنجش و پذیرش دانشجو که وفق قانون تشکیل شده و وظایف آن نیز در قانون اعلام شده است به تصویب رسیده و شورای مذکور دارای شخصیت حقوقی مستقل از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و لذا طرح شکایت به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این خصوص دعوا فاقد وجاهت قانونی است.

۹- اشاره می‌نماید، نامبرده با علم و آگاهی از مفاد دستورالعمل و با مطالعه دفترچه راهنمای ثبت‌نام دائر بر اینکه حق ثبت‌نام در این دوره‌ها را ندارد و صرفاً در صورتی اجازه شرکت در دوره‌ها را خواهد داشت که شهریه دوره را پرداخت نموده باشد، متقاضی پذیرش در مقطع مذکور شده و بر این اساس پذیرش گردیده است. ضمن اینکه عدم ضرورت تودیع سند وثیقه از سوی نامبرده به دانشگاه محل تحصیل وی نیز اعلام شده است.

۱۰- اشاره می‌نماید، از آنجا که رقابت فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی و بالاتر متقاضی شرکت در مقطع مذکور (بر اساس سوابق تحصیلی و بدون کنکور) با داوطلبان دارای مدرک دیپلم که از سطح علمی و تجربه کمتری برخوردار می‌باشند، رقابتی عادلانه نبوده و عملاً فرصت تحصیل در دانشگاه‌های دولتی برای اولین بار از داوطلبان دیپلم در هر سال تحصیلی محدود می‌گردید، شورای سنجش و پذیرش دانشجو تصمیم مذکور را اتخاذ نموده است.

۱۱- ضمناً دادنامه شماره ۷۳۴-۱۳۹۲/۱۱/۳۰ و ۱۲۰۵-۱۳۹۴/۱۰/۲۲ و ... که ایشان ضمیمه دادخواست نموده است، ارتباطی با شکایت حاضر نداشته و موضوع دادنامه مذکور، ابطال بند سوم از چهل و پنجمین مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت متبوع و بند ۳ از بخش (ز) فصل سوم دفترچه آزمون کنکور سراسری سال ۱۳۹۴ دائر بر اخذ شهریه از فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی با استفاده از آموزش رایگان بوده که در آزمون سراسری جهت پذیرش در دوره‌های روزانه دانشگاه‌های سراسری در مقطع پزشکی عمومی، دندانپزشکی و داروسازی شرکت نموده و پذیرفته شده‌اند که شرایط این افراد از نظر مبنای تصویب و نوع پذیرش کاملاً متفاوت از شرایط شاکی این پرونده می‌باشد.

۱۲- در ارتباط با درخواست شاکی مبنی بر ابطال نامه شماره ۱۳۹۷/۲/۲-د/۵۲۲/۷۸ دبیر شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز لازم به توضیح است نامه مذکور صرفاً یک مکاتبه اداری در خصوص خانم شیوا عبدالملکی در پاسخ به سؤال مطروحه از سوی دانشگاه علوم پزشکی همدان بوده و آیین‌نامه یا مقرر دولتی که واجد حکم یا تکلیف خاصی باشد، محسوب نمی‌شود که درخواست ابطال آن قابل طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌باشد. لذا با توجه به مراتب فوق‌الذکر رد دادخواست مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

از آنجا که مطابق ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸، تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به‌صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند مورد حکم مقنن قرار گرفته و پرداخت شهریه در فرضی اعمال می‌شود که فرد مایل به تحصیل رایگان نباشد و در سایر قوانین و مقررات دلیلی بر محدودیت تحصیل رایگان در مراکز آموزش عالی فقط در یک مقطع وجود ندارد و از طرفی در ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و ماده ۶۱ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۹۳، دریافت هرگونه وجه تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، ممنوع اعلام شده است، بنابراین بند ۲ شرایط اختصاصی پذیرش دانشجو مندرج در دفترچه راهنمای ثبت‌نام و انتخاب و پذیرش دانشجو بر اساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۴ و نیز بند ۴ دستورالعمل پذیرش دانشجوی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته‌های گروه پزشکی مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ از مصوبه مورد اعتراض که متضمن الزام به پرداخت شهریه برای تحصیل در مقاطعی که قبلاً داوطلب آن مقاطع را تحصیل کرده فاقد جواز قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود./

محمدکاظم بهرام

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

تاریخ: ۲۲ مرداد ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۱۰۳۳-۱۰۳۲

کلاس پرونده: ۱۸۷۸/۹۷-۲۵۰۰/۷

**موضوع:** ابطال بند ۱-۲ مصوبه شماره ۱۶۸۲۴۸۸-۱۳۹۶/۱۱/۱۷-شورای عالی اداری در خصوص انتزاع دانشگاه صنعت نفت از وزارت نفت و انتقال آن به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مرتبط با انتقال موسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه های اجرایی به وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی)

شاکی: آقایان: ۱- مسعود بهرامی بابا حیدری ۲- جلیل مختار

### گردش کار:

شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه ابطال بند ۱-۲ مصوبه یک‌صد و هشتادمین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲ شورای عالی اداری را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:  
الف: دادخواست آقای مسعود بهرامی باباحیدری:

" احتراماً به استحضار می‌رساند که دانشگاه صنعت نفت با ۸۰ سال فعالیت آموزشی، دومین مرکز آموزش عالی ایران و اولین مرکز آموزش عالی تخصصی نفت و گاز در خاورمیانه می‌باشد. در حال حاضر این دانشگاه در قلب مناطق عملیاتی صنعت نفت و گاز (استان خوزستان) واقع شده و از نظر مجموعه مقررات اداری و استخدامی زیر نظر وزارت نفت بوده و البته مقررات آموزشی و پژوهشی جاری در سایر دانشگاه‌های کشور کاملاً در آن اجرا می‌شود. از نظر آمار و اطلاعات آکادمیک، باکیفیت‌ترین مرکز آموزش عالی در استان خوزستان و بهترین مرکز آموزش‌های تخصصی علوم وابسته به صنعت نفت و گاز کشور می‌باشد. بر اساس مصوبه شورای عالی اداری در جلسه ۱۵۴-۱۳۹۰/۱۰/۵، دانشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی، می‌بایست از دستگاه اجرایی مربوطه منفک و به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انتقال یابند. به استناد تبصره بند الف این مصوبه، دانشگاه صنعت نفت وابسته به وزارت نفت (به همراه دو دانشگاه دیگر) از این واگذاری مستثنی شده بودند. موضوع فوق‌الذکر مجدداً در جلسه ۱۸۰-۱۳۹۶/۱۰/۲ شورای عالی اداری، مطرح و تبصره بند الف مصوبه قبلی به نحوی اصلاح شده که دانشگاه صنعت نفت از حالت مستثنی بودن خارج شده است.

معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در طی نامه شماره ۱۸۳۸-۲/۱۰-۱۳۹۷/۵/۸ و با استناد به مصوبه سال ۱۳۹۶ شورای عالی اداری، ادامه فعالیت دانشگاه صنعت نفت را منوط به انتزاع از وزارت نفت و انتقال آن به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعلان نموده است. این در حالی است که در بند ۱- ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب جلسه علنی مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۲۷ به صراحت عنوان شده است که: "حفظ و تقویت مراکز و مؤسسات آموزشی، دانشگاهی،

تحقیقاتی، پژوهشی و مطالعاتی جهت ارتقای سطح علمی و عملیاتی و مهارت‌های فنی و کاربردی مورد نیاز صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش با رعایت استانداردهای آموزشی عالی کشور<sup>۱</sup> از وظایف وزارت نفت می‌باشد. از آنجا که اجرای مصوبه سال ۱۳۹۶ شورای عالی اداری (تبصره اصلاح شده) توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری عملاً منجر به تفکیک دانشگاه صنعت نفت از وزارت نفت و انتقال آن به وزارت علوم و با پایان کار آموزشی آن خواهد شد و این در تضاد کامل و آشکار با "قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت" مصوب مجلس شورای اسلامی مبنی بر حفظ مراکز آموزشی این وزارت خانه می‌باشد، لذا این جانب به نمایندگی از جمعی از اعضای هیأت علمی این دانشگاه خواهان لغو تبصره اصلاحی و ابقای تبصره اولیه می‌باشم. در بهترین حالت اجرای تبصره اصلاحی (انتقال به زیر مجموعه وزارت علوم) سبب تضعیف این مجموعه دانشگاهی و تبدیل آن از یک دانشگاه با تراز ملی به یک دانشگاه هم‌تراز با سایر دانشگاه‌های استان خوزستان گشته و علاوه بر آن به دلیل تفکیک آن از بدنه صنعت نفت، به‌مرورزمان، از نظر تخصصی تنزل یافته و به یک دانشگاه صنعتی همانند سایر دانشگاه‌های صنعتی استان خوزستان تبدیل خواهد شد و این مخالف با فرمایشات رهبر معظم انقلاب در بیستم آبان ۱۳۹۴ در جمع روسای دانشگاه‌های کشور می‌باشد که فرمودند "راجع به مأموریت محور کردن دانشگاه‌ها بحث کردند، این بسیار فکر خوبی است، این را من تأکید می‌کنم که حتماً این کار انجام بگیرد."

ب: دادخواست آقای جلیل مختار:

"با توجه به مصوبه اولیه ۲۰۶/۹۰/۳۰۷۴۳-۱۳۹۰/۱۱/۲۰- شورای عالی اداری مجلس شورای اسلامی در ماده ۲۱ قانون برنامه پنجم توسعه کشور دولت را مکلف کرد تا ظرف یک سال از تاریخ تصویب قانون برنامه پنجم توسعه کشور نسبت به تهیه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و علمی کاربردی کشور اقدام نماید را با ماده ۲۲ در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۱۵ (مصوبه) به تصویب رسید. سپس شورای عالی اداری کشور نیز در یک‌صد و پنجاه و چهارمین جلسه در مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۵ خود در راستای اجرای مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۵ هیأت وزیران مصوبه مورد استناد را به‌منظور تنظیم مقررات اداری پشتیبان به تصویب می‌رساند. البته این مصوبه برخلاف ماهیت تکلیف قانونی ماده ۲۱ قانون برنامه پنجم توسعه کشور مفاد ۲۲ ماده مندرج در آیین‌نامه نظام آموزش مهارت و فناوری کشور با ذکر نام از "دانشگاه صنعت نفت" در تبصره ۱ از جزء الف مصوبه خود، این دانشگاه را به‌هیچ‌وجه در هیچ یک از دو سند مورد اشاره هیچ‌گونه ارتباط موضوعی و تکلیفی قانون مترتب بر این دانشگاه مطرح نبوده است. از طرف دیگر با توجه به ماده ۳ وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی جزء ۱ بند ۳ ماده ۳۱ با صراحت اشعار می‌دارد "وزارت نفت مکلف است به حفظ و تقویت مراکز و مؤسسات آموزشی، دانشگاهی، تحقیقاتی، پژوهشی و مطالعاتی جهت ارتقاء سطح علمی و عملیاتی مهارت فنی کاربردی مورد نیاز صنعت نفت و ... می‌باشد لذا مصوبه شورای عالی اداری مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ به شماره ابلاغی (۱۶۸۲۴۸۸) مغایر با قانون مجلس می‌باشد. با توجه به مغایرت با قانون مصوب مجلس شورای اسلامی خواستار اطلاق و الحاق دوباره دانشگاه صنعت نفت آبادان به وزارت نفت و ابطال مصوبه انتزاع دانشگاه صنعت نفت آبادان به وزارت نفت می‌باشم."

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

"وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان اداری و استخدامی کشور، سازمان برنامه‌بودجه کشور، تمامی دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده ۵ قانون استخدام کشوری شورای عالی اداری در یک‌صد و هشتادمین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان اداری و استخدامی کشور تصویب نمود:

۱- به‌منظور پیگیری اجرایی مصوبه ۲۰۶/۹۰/۳۰۶۴۳-۱۳۹۰/۱۱/۳۰- این شورا و تعیین تکلیف مؤسسات آموزشی و پژوهشی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، ضمن تأکید بر لزوم

اجرای بند "الف" مصوبه فوق‌الذکر مقرر گردید:

۱-۱- مؤسسات پژوهشی وابسته به دستگاه‌های اجرایی که مطابق مقررات و با رعایت مفاد بند (ب) مصوبه فوق‌الذکر به فعالیت خود ادامه می‌دهند، از سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ به‌هیچ‌عنوان مجاز به پذیرش دانشجو در هیچ یک از مقاطع تحصیلی نمی‌باشند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان سنجش آموزش کشور و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از تاریخ ابلاغ این مصوبه مجاز به صدور مجوز پذیرش دانشجو در هیچ یک از مقاطع تحصیلی برای این‌گونه مؤسسات نمی‌باشند. ۱-۲- متن "تبصره" بند "یک" مصوبه فوق‌الذکر به شرح زیر اصلاح می‌گردد: "دانشگاه شهید رجایی و دانشگاه فرهنگیان، وابسته به آموزش و پرورش از مفاد این بند مستثنی هستند و کماکان در چارچوب ضوابط و مقررات جاری و اخذ مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مجاز به پذیرش دانشجو خواهند بود".

متن بند ۱ جزء الف مصوبه شماره ۳۰۷۴۳/۳۰۶/۹۰-۲۰۶/۱۱/۳۰-۱۳۹۰ شورای عالی اداری به قرار زیر است:

"الف- مؤسسات آموزشی

۱- در راستای اجرای مصوبه شماره ۱۶۲۷۳۳/ت/۴۷۳۳۴ هـ-۱۳۹۰/۸/۱۵ هیأت وزیران، موضوع "آیین‌نامه نظام آموزش مهارت و فناوری"، منابع، امکانات، اعضای هیأت علمی، تجهیزات و نیروی انسانی مؤسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی کشور که دوره‌های آموزشی آن‌ها منجر به اخذ مدرک نظری دانشگاهی می‌شود. حسب مورد به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می‌شود تا در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به دو وزارتخانه مذکور ساماندهی شوند.

تبصره- دانشگاه صنعت نفت، وابسته به وزارت نفت، دانشگاه شهید رجایی و دانشگاه ویژه فرهنگیان وابسته به وزارت آموزش و پرورش، از مفاد این بند مستثنی هستند".

در پاسخ به شکایات مذکور، رئیس امور حقوقی و قوانین سازمان اداری و استخدامی کشور به موجب لوائح شماره ۵۳۴۳۲۲-۵۳/۲/۱۰۱۳۹۷ و ۵۵۰۷۷۶-۱۰/۹-۱۳۹۷ توضیح داده است که:

الف: پاسخ شکایت آقای مسعود بهرامی باباحیدری:

"مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: شکایت آقای مسعود بهرامی باباحیدری

با سلام و احترام

بازگشت به شماره پرونده ۱۳۱۲/۵۸۰۹۰۹۹۸۰۹۷۰۳-۱۳۹۷/۹/۳ (شماره بایگانی ۷۳۱۳۱) مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۸ به استحضار می‌رساند:

۱- با توجه به هماهنگی به عمل آمده با معاون نوسازی اداری این سازمان این نتیجه حاصل شد که وفق مفاد بندهای ۱ و ۲ و ۵ ماده ۱۱۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، ساماندهی مؤسسات آموزشی و پژوهشی وابسته به دستگاه‌های اجرایی از جمله وظایف و مأموریت‌های محوله به شورای عالی اداری در زمینه اصلاح ساختار دستگاه‌های اجرایی و سوق دادن آن‌ها به انجام وظایف اصلی می‌باشد. در اجرای مصوبات ابلاغی شورا، سرپرست وقت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان متولی تأمین نیازهای کشور در بخش آموزش عالی، طی نامه شماره ۱۳۹۴۸۳-و/۱۳۹۶/۶/۲۸، واگذاری این دانشگاه به وزارت مذکور را خواستار نمود. بر اساس اعلام وزارت نفت (موضوع نامه شماره ۹۷/۹۹۷۷۹-۱۳۹۷/۳/۵-۱۳۹۷ معاونت مهندسی، پژوهشی و فناوری این وزارت) و با توجه به توسعه و گسترش رشته‌های تحصیلی مرتبط با صنعت نفت در دانشگاه‌های طراز اول کشور نظیر دانشگاه صنعتی شریف، تهران، صنعتی امیرکبیر و شیراز، در حال حاضر وزارت مذکور برای تقویت و تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز، مبادرت به جذب فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها می‌نماید، ضمن اینکه با انجام سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز

مادی و معنوی و حمایت از دانشکده‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در زمینه‌هایی مانند احداث ساختمان، اهدای تجهیزات به آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و ... زمینه را برای تربیت نیروی انسانی ممتاز و متخصص در حوزه نفت و گاز توسط دانشگاه‌های مذکور فراهم می‌نماید.

در شرایط کنونی، دانشگاه صنعت نفت فاقد مزیت انحصاری سابق می‌باشد و به‌منظور ایجاد فرصت برابر برای جذب متخصصین این حوزه، در دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی نیز شرط تعهد استخدام وزارت نفت برای فارغ‌التحصیلان حذف شده است. نهادها و مؤسساتی نظیر دانشگاه صنعت نفت که کارکرد فرا استانی و ملی دارند (در حال حاضر حدود ۱۵٪ از دانشجویان این دانشگاه بومی و مابقی از بقیه استان‌های کشور پذیرفته‌شده‌اند) علی‌القاعده تابع خواست مسئولان و مقامات محلی و شهرستانی محل استقرار نبوده و پیرو برنامه‌های دستگاه‌های ملی ذی‌ربط و سیاست‌های اصلی و کلان دولت می‌باشند، اتخاذ تصمیم در خصوص آن‌ها نیز می‌باید فارغ از بخشی‌نگری و ملاحظات استانی و منطقه‌ای انجام گیرد. با عنایت به موارد مطروحه وظایف محوله به شورای عالی اداری در زمینه اصلاح ساختار دستگاه‌های اجرایی، توسعه و بسط رشته‌های آموزشی مرتبط با حوزه نفت و گاز در دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بهره‌گیری گسترده وزارت نفت از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز و نیز اعلام آمادگی و نظر مساعد وزارت نفت به عنوان متولی اصلی این حوزه، برای واگذاری دانشگاه صنعت نفت به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با انجام و استمرار حمایت‌های فنی و سرمایه‌گذاری‌های لازم (موضوع نامه شماره ۹۷/۹۹۷۷۹-۱۳۹۷/۳/۵ معاونت مهندسی، پژوهش و فناوری این وزارت) در حال حاضر عدم واگذاری دانشگاه مذکور از وجاهت کارشناسی برخوردار نبوده و مغایر با اهداف و سیاست‌های عمومی دولت و احکام مندرج در اسناد بالادستی نظیر قانون برنامه توسعه می‌باشد. بدیهی است انتقال دانشگاه صنعت نفت به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، نافی استقرار آن در شهرستان آبادان و یا هر نقطه جغرافیایی دیگری نبوده و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آن با برخورداری از حمایت‌های فنی و سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی وزارت نفت در ابعادی مانند برنامه جامع تحول، واگذاری قراردادهای پژوهشی میدان محور، طرح‌های پژوهشی، حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی، تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت از طریق کارآموزی دانشجویی و ... قابل تداوم خواهد بود. لذا ضمن حفظ جایگاه سازمانی این دانشگاه، به سبب تحت پوشش قرار گرفتن در مجموعه دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعتلای علمی آن نیز محقق می‌گردد. با توجه به مراتب فوق رد شکایت ایشان مورد استدعاست. "

ب: پاسخ شکایت آقای جلیل مختار

"مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: شکایت آقای جلیل مختار

با سلام و احترام

بازگشت به شماره پرونده ۱۳۹۷/۹/۳-۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۶۲۶ به استحضار می‌رساند:

۱- با توجه به هماهنگی به عمل آمده با معاون نوسازی اداری این نتیجه حاصل شد که اصلاح ساختار دستگاه‌های اجرایی، کاهش هزینه‌ها، سوق دادن دستگاه‌ها به انجام وظایف حاکمیتی و مأموریت‌های اصلی، از راهبردهای اساسی شورای عالی اداری در دهه‌های گذشته و در راستای اختیارات و مأموریت‌های محوله بوده است.

از آنجا که مؤسسات آموزشی وابسته به دستگاه‌های اجرایی نیز در مجموعه ساختار و تشکیلات دستگاه قرار می‌گیرند، بالطبع در خصوص آن‌ها نیز باید بررسی و اتخاذ تصمیم انجام پذیرد. لذا بر اساس مصوبه شماره ۲۰۶/۹۰/۳۰۷۴۳-۱۳۹۰/۱۱/۳۰ شورا و در اجرای "ابین‌نامه نظام آموزش مهارت و فناوری" (موضوع مصوبه

شماره ۱۶۲۷۳۳/ت/۴۷۳۳۴-۱۳۹۰/۸/۱۵ هیأت وزیران) مقرر شد منابع، امکانات، اعضای هیأت علمی و ... مؤسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی کشور که دوره‌های آموزشی آن‌ها منجر به اخذ مدرک تحصیلی دانشگاهی می‌گردد، حسب مورد به وزارخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل گردد. لیکن به دلیل حساسیت‌های موجود در حوزه صنعت نفت کشور و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای جابه‌جایی تجهیزات، ابزار و کارگاه‌های موجود، در مرحله نخست دانشگاه صنعت نفت، از مصوبه مذکور مستثنی گردید.

۲- مفاد ماده ۲۱ قانون برنامه پنجم توسعه کشور، ناظر بر ارتقای جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در چارچوب نظام آموزش فنی حرفه‌ای کشور است تا از این رهگذر، استمرار نظام کارآموزی، افزایش و تسهیل مشارکت بهره‌برداران از آموزش فنی و حرفه‌ای در بخش‌های دولتی و غیردولتی، نیازسنجی و برآورد نیروی انسانی کاردان مورد نیاز و ... محقق شود. مواردی از این قبیل که در چارچوب نظام آموزش فنی حرفه‌ای مد نظر قرار داده شده، ناظر بر توسعه نظام فنی حرفه‌ای کشور است و از نظر ماهیت، با نظام آموزش رسمی منجر به اخذ مدرک تحصیلی در مقاطع دانشگاهی تفاوت اساسی دارد. مصوبه شماره ۲۰۶/۹۰/۳۰۷۴۳-۱۳۹۰/۱۱/۳۰ شورای عالی اداری ناظر بر ساماندهی آن دسته از مؤسسات آموزش متولی برگزاری دوره‌های آموزشی آکادمیک و دانشگاهی منجر به اخذ مدرک تحصیلی بوده که فعالیت آن‌ها موازی با نظام آموزش عالی کشور است. لذا مصوبه شورا به دلیل تفاوت در ماهیت و نوع فعالیت، تناقضی با ماده ۳۱ قانون برنامه پنجم توسعه ندارد. شایان ذکر است سال ۱۳۹۵ سال پایانی زمان اجرای قانون برنامه پنجم توسعه کشور بوده و مصوبه شماره ۱۶۸۳۴۸۸-۱۳۹۶/۱۱/۱۷ شورای عالی اداری، در سال ۱۳۹۶ تصویب و ابلاغ شده است. بنابراین اشاره به مفاد قانون برنامه پنجم و رد مصوبه شورا به استناد آن، به دلیل انقضای زمان اجرای قانون برنامه پنجم، فاقد مبنای حقوقی بوده و نمی‌تواند مورد استدلال قرار گیرد.

۳- ساماندهی مؤسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی، از سیاست‌ها و فعالیت‌های محوری شورای عالی اداری در زمینه اصلاح ساختار دستگاه‌های اجرایی بوده و مسبوق به سابقه است. بر اساس مصوبه شماره ۱۳۸۳۱/۲۰۲۸۳۱-۱۹۰۱/۲۰۲۸۳۱-۱۳۸۳/۱۰/۳۰، مؤسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی، از سال ۱۳۸۴ مجاز به پذیرش دانشجو در مقاطع لیسانس و بالاتر نبوده و پذیرش دانشجو در مقطع کاردانی، به صورت علمی کاربردی مجاز اعلام گردید. مصوبات ابلاغی شورا در سال‌های بعد نیز در راستای تحقق این هدف و ایجاد زمینه برای اجرای کامل مصوبات و رفع نارسایی‌ها بوده است.

۴- استناد به "آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی وزارت نفت" که در سال ۱۳۹۳ توسط معاونت وقت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور ابلاغ شده، محمل مناسبی برای تداوم فعالیت دانشگاه صنعت نفت تلقی نمی‌گردد. مصوبات شورای عالی اداری به دلیل جایگاه و شرح وظایف و اختیارات این شورا، مقدم بر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دستگاه‌های اجرایی از جمله سازمان اداری و استخدامی کشور بوده و تصمیمات و احکام صادره توسط دستگاه‌ها می‌بایست همسو با مصوبات شورا بوده و یا در چارچوب مصوبات، اصلاح و ترمیم شوند. ضمن اینکه اجرای مصوبه ابلاغی سال ۱۳۹۶ شورا به لحاظ تقدم زمانی، نافذ بر آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی وزارت نفت مصوب سال ۱۳۹۳ است.

۵- صنعت نفت کشور به دلیل ماهیت و نوع فعالیت آن، مستلزم تأمین مستمر نیازهای علمی و آموزشی کارکنان است و این مهم در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. لیکن تأمین نیازهای آموزشی و به‌روزرسانی اطلاعات مورد نیاز کارکنان این صنعت، مقوله‌ای متفاوت با پذیرش دانشجو و ارائه آموزش‌های آکادمیک منجر به مقاطع تحصیلی دانشگاهی است. از این رو

در مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۳۰ شورای عالی اداری، ایجاد مرکز آموزش در جوار کار به منظور رفع نیازهای آموزشی مهارتی مورد توجه قرار گرفته است تا از بروز نارسایی در این زمینه اجتناب شود.

۶- با توجه به تصویب اساسنامه، دانشگاه صنعت نفت توسط شورای گسترش آموزش عالی کشور، اتخاذ تصمیم در مورد آن (با توجه به مرجع تصویب اساسنامه) خارج از اختیارات شورای عالی اداری نبوده و امکان تغییر و اصلاح اساسنامه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وفق مصوبه شورا وجود دارد.

۷- از آنجا که بر اساس ماده ۳ اساسنامه مصوب دانشگاه صنعت نفت، این دانشگاه صرفاً از لحاظ سازمانی وابسته به وزارت نفت بوده و دارای شخصیت حقوقی مستقل در نظام آموزشی عالی کشور است، لذا انتقال چنین مجموعه‌ای به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دلیل مستقل بودن شخصیت حقوقی آن از مقدمات مناسبی برخوردار بوده و تدام فعالیت این دانشگاه در زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، موجبات ارتقای علمی آن را نیز فراهم می‌کند. ضمن اینکه فرآیند واگذاری آن از طریق هیأت امنا با محوریت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و استفاده از ظرفیت‌های شورای گسترش آموزش عالی کشور نیز فراهم است.

۸- با توجه به شرایط موجود و بسط و گسترش رشته‌های تحصیلی مرتبط با صنعت نفت در دانشگاه‌های تراز اول کشور، واگذاری و انتقال دانشگاه صنعت نفت به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورد تأیید و حمایت وزارت نفت، به عنوان متولی اصلی این حوزه است. بر اساس اعلام معاونت مهندسی، پژوهشی و فناوری این وزارت (موضوع نامه شماره ۹۷/۹۹۷۷۹-۱۳۹۷/۳/۵)، در حال حاضر به دلیل جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه صنعت نفت مزیت انحصاری گذشته را نداشته و به منظور ایجاد فرصت برابر برای فارغ‌التحصیلان این حوزه در دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی، شرط تعهد استخدام وزارت نفت برای فارغ‌التحصیلان این دانشگاه نیز حذف شده است. در ضمن به رغم این اقدامات و به دور از هرگونه اقدامی در جهت تضعیف و یا انحلال دانشگاه صنعت نفت، وزارت نفت در راستای تقویت، ساماندهی و استقرار آن در مجاورت میادین عملیاتی و تأسیسات بالادست صنعت نفت و گاز اقدام نموده و همچنان حمایت‌های بی‌وقفه خود را از دانشگاه صنعت نفت در قالب واگذاری قراردادهای پژوهشی میدان محور، طرح‌های پژوهشی پایین دست و نیز حمایت از انجام پایان‌نامه‌های دانشجویی و تقویت ارتباط با صنعت در خصوص پذیرش کارآموزی دانشجویی در هر محل جغرافیایی از جمله شهر آبادان ادامه داده و خواهد داد. با توجه به مراتب فوق رد شکایت ایشان مورد استدعاست."

همچنین معاون امور حقوقی دولت (معاونت حقوقی رئیس‌جمهور) به موجب لایحه شماره ۳۹۸۵۱ م/۳۶۸۸۲/۹۷-۱۳۹۷/۱۲/۱- توضیح داده است که:

"جناب آقای دربین

مدیرکل محترم هیأت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام:

نامبرده ابطال مصوبه یاد شده را به دلیل شمول آن به "دانشگاه صنعت نفت" درخواست نموده است. در این رابطه لازم به توضیح است استدلال نامبرده رد رابطه با مغایرت مصوبه با جزء ۱ بند ۳ ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ (موضوع حفظ و تقویت مراکز و مؤسسات آموزشی، دانشگاهی، تحقیقاتی، پژوهشی و مطالعاتی جهت ارتقای سطح علمی و عملیاتی و مهارت‌های فنی و کاربردی مورد نیاز صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با رعایت استانداردهای آموزش عالی کشور) مغایرتی با مفاد مصوبه شورای عالی اداری ندارد. چرا که اولاً: بند (۱-۲) مصوبه صرفاً ناظر بر مؤسسات آموزشی علمی- کاربردی است و شامل "دانشگاه‌ها" نمی‌گردد. ثانیاً: در بند ۳ همان مصوبه نیز واحدهای آموزشی دستگاه‌های اجرایی که در اجرای وظایف قانونی و

برای ترویج فعالیت‌های مربوط به آموزش‌های مهارتی، در حیطه وظایف و مأموریت‌های دستگاه اجرایی و با تأمین و پیش‌بینی اعتبار و منابع مالی لازم فعالیت می‌نمایند، از شمول حکم بند ۲ مصوبه مذکور مستثنی شده‌اند. در خاتمه با توجه به موارد معنونه و اینکه مصوبه مورد اشاره کاملاً در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی شورای عالی اداری به تصویب رسیده است و همچنین ضرورت و فوریتی در صدور دستور موقت مورد درخواست برخی شکات پرونده نیز مشاهده نمی‌گردد، صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایات مطروحه مورد استدعاست.<sup>۱۱</sup>

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسای و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

هر چند مطابق حکم مقرر در بند ۱ ماده ۱۱۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، اصلاح ساختار تشکیلات دستگاه‌های اجرایی به استثناء دستگاه‌هایی که احکام آن‌ها در قانون اساسی آمده و یا به امر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری تأسیس شده است، از جمله وظایف و اختیارات شورای عالی اداری شمرده شده است، لیکن با توجه به اینکه مقنن در ردیف ۱ جزء ۳ ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، حفظ و تقویت مراکز و مؤسسات آموزشی، دانشگاهی، تحقیقاتی، پژوهشی و مطالعاتی جهت ارتقای سطح علمی و عملیاتی در مهارت‌های فنی و کاربردی مورد نیاز صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با رعایت استانداردهای آموزش عالی کشور را جزو وظایف و اختیارات وزارت نفت تعیین کرده است و حفظ و تقویت مراکز و مؤسسات آموزشی و دانشگاهی مصرح در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت ظهور در این معنا دارد که آنچه که در اختیار وجود دارد کماکان بماند و حمایت بیشتری نیز از آن به عمل آید و این قانون، قانون خاصی است که مخصص حکم عام بند ۱ ماده ۱۱۵ قانون مدیریت خدمات کشوری در زمینه اصلاح ساختار برای انتزاع دانشگاه صنعت نفت از وزارت نفت می‌باشد و با توجه به اینکه مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در تصویب ردیف ۱ جزء ۳ ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت بیانگر اراده مقنن بر بقاء دانشگاه صنعت نفت در اختیار وزارت نفت می‌باشد و با عنایت به اینکه دولت در قسمت دوم بند ۲ تبصره ۲۱ لایحه بودجه کل سال ۱۳۹۸ پیشنهاد کرده بود که دانشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتقل شود و این پیشنهاد به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید، بنابراین بند ۱-۲ مصوبه شماره ۱۶۸۲۴۸۸-۱۱/۱۷/۱۳۹۶ شورای عالی اداری از این جهت که متضمن انتزاع دانشگاه صنعت نفت از وزارت نفت و انتقال آن به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است به شرح فوق‌الذکر مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای عالی اداری است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.<sup>۱۲</sup>

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## صاحبان حرف و ارائه‌دهندگان خدمات - تاسیس موسسات پزشکی

تاریخ: ۵ شهریور ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۱۰۵۲

کلاس پرونده: ۲۲۱۶/۹۷

موضوع: ابطال جدول الف ماده چهارم شاخص جمعیت آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها

شاکی: آقای مجتبی قودجانی

### گردش کار:

شاکی به موجب دادخواستی ابطال جدول الف ماده چهارم آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و عرض ادب

احتراماً با آرزوی بهروزی به استحضار می‌رساند برابر جدول الف ماده چهارم آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۳۴ مقرر گردیده است در شهرستان‌های دارای کمتر از دویست و پنجاه هزار نفر به ازای هر هفت هزار نفر یک داروخانه تأسیس گردد. (شهرهای کمتر از صد هزار نفر جمعیت) لازم به ذکر است الان طرفین شکایت با استناد به این مهم که ظرفیت جمعیتی شهرستان ازنا اشباع گردیده است و به تبع چون رشد جمعیت منفی بوده است لذا امکان صدور پروانه جدید ممکن نمی‌باشد که با این وضع برابر نامه شماره ۱۳۹۷/۴/۱۶-۱۴۳/۹۷/۱۹۸۴ بیست‌وسه دکتر متقاضی تأسیس داروخانه را دارد [دارند] که همگی به استناد آیین‌نامه فوق‌الذکر مسکوت مانده است.

ریاست محترم برابر اصل بیستم و بیست و هشتم از فصل سوم قانون اساسی، تمام افراد در مقابل قانون از حقوق یکسان نیز برخوردار بوده و هرکسی حق دارد به شعلی که مایل است و مخالفت با نظام مقدس جمهوری اسلامی نداشته باشد اشتغال یابد و از طرفی برابر تبصره ۳ و ۲ و ۱ ماده هفتم از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه ۱۳۹۳ قانون‌گذار مقرر کرده است که دولت نمی‌تواند به دلیل اشباع بودن ظرفیت کسب‌وکار از ایجاد این مشاغل جلوگیری نماید (این قانون در مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است) مع‌الوصف با عنایت به مراتب فوق و با در نظر گرفتن این مهم که قانون‌گذار اشباع بودن بازار را به عنوان دلیل ممانعت از ایجاد کسب‌وکار مورد قبول قرار نداده است استدعا دارم وفق مادتهای ۱۰ و ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، جدول الف ماده چهارم آیین‌نامه فوق‌الذکر را تصحیح و صدور رأی مقتضی با توجه به بیکاری افزون بر دو هزار دکتر داروساز در کشور مورد استدعاست."

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

" آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها"

ماده ۴) به شرط وجود حداقل یک مطب فعال پزشکی یا درمانگاه یا مرکز بهداشتی درمانی در مناطق شهری یا روستائی، حد نصاب جمعیتی برای تأسیس داروخانه شرح جدول الف تعیین می‌گردد.

جدول الف- حد نصاب جمعیتی تأسیس داروخانه‌های روزانه و شبانه‌روزی:

| داروخانه روزانه | حدنصاب جمعیت                           |   |
|-----------------|--|---|
| ۷۰۰۰ نفر        | تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت                  | ۱ |
| ۶۰۰۰ نفر        | از ۲۵۰ هزار نفر تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت  | ۲ |
| ۵۰۰۰ نفر        | از ۵۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر جمعیت | ۳ |
| ۴۵۰۰ نفر        | بیش از یک میلیون نفر جمعیت             | ۴ |

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (معاونت حقوقی و امور مجلس) به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۶۷-۱۳۹۷/۹/۲۶ توضیح داده است که: "ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً، در خصوص پرونده کلاسه ۹۷۰۲۲۱۶ موضوع شکایت آقای مجتبی قودجانی به خواسته ابطال و اصلاح جدول الف ماده چهارم (شاخص جمعیت) آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- نامبرده وفق دادخواست تقدیمی اعلام نموده برابر جدول الف ماده ۴ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مقرر گردیده است در شهرستان‌های دارای کمتر از ۲۵۰ هزار نفر جمعیت به ازای هر هزار نفر یک داروخانه تأسیس گردد و سازمان غذا و دارو با این استناد که ظرفیت جمعیتی شهرستان ازنا برای تأسیس داروخانه اشباع گردیده و رشد جمعیتی این شهر منفی می‌باشد از صدور پروانه جدید برای تأسیس داروخانه خودداری می‌کنند. وی با این ادعا که این موضوع مغایر با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد، متقاضی ابطال تبصره مذکور گردیده است.

۲- در ارتباط با شکایت مذکور لازم به ذکر است، مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، یکی از وظایف این وزارتخانه تدوین و ارائه سیاست‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی، پژوهشی، خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، بهزیستی و تأمین اجتماعی می‌باشد. همچنین برابر بند ۱۴ همان ماده صدور پروانه اشتغال صاحبان حرف پزشکی نیز از وظایف این وزارتخانه است.

۳- برابر بندهای ۱۱ و ۱۲ و ماده ۱ قانون مذکور، تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به خدمات بهداشتی، درمانی بهزیستی و دارویی، مواد دارویی، خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی، آرایشی، آزمایشگاهی، تجهیزات و ملزومات و مواد مصرفی پزشکی و توان‌بخشی، بهداشت کلیه مؤسسات خدماتی و تولیدی مربوط به خدمات و مواد مذکور در فوق و صدور، تمدید و لغو موقت یا دائم پروانه‌های مؤسسات پزشکی، دارویی، بهزیستی و کارگاه‌ها و مؤسسات تولید مواد خوراکی و آشامیدنی و بهداشتی و آرایشی ساخت فرآورده‌های دارویی و مواد بیولوژیک، خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی، آرایشی و آزمایشگاهی و تجهیزات و ملزومات و مواد مصرفی پزشکی

و توان بخشی از وظایف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اعلام شده است.

۴- مطابق ماده ۸ قانون تشکیل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مصوب سال ۱۳۶۴، کلیه مؤسسات و واحدهای بهداشتی و درمانی و پزشکی کشور که از طریق بخش خصوصی و غیردولتی در امر بهداشت و درمان فعالیت دارند از تاریخ تصویب این قانون باید تحت نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی این وزارتخانه قرار گیرند.

۵- علاوه بر این، در بند (۷-۱) سیاست‌های کلی سلامت مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۸ مقام معظم رهبری "تولیت نظام سلامت شامل سیاست‌گذاری‌های اجرایی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی و نظارت" بر عهده "وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی" قرار داده شده است. همچنین بند (الف) ماده ۷۲ قانون برنامه ششم توسعه، در اجرای سیاست‌های کلی سلامت، تولیت نظام سلامت از جمله بیمه سلامت شامل سیاست‌گذاری اجرائی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی، اعتبارسنجی و نظارت را در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متمرکز کرده است.

۶- لذا تعیین شرایط تأسیس داروخانه‌ها به عنوان یکی از مراکز ارائه‌دهنده خدمات سلامت از جنس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بوده و بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار دارد و بدیهی است محدود کردن صلاحیت سیاست‌گذاری وزارت بهداشت با سیاست‌های کلی سلامت مخالف است.

۷- ضمن اینکه سطح‌بندی خدمات جامع و همگانی سلامت در بند (ج) ماده ۳۲ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) و بند (ث) ماده ۷۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی)، بر عهده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته است. در بند (ث) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه مقرر گردیده "وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مکلف است در اجرای نظام خدمات جامع و همگانی سلامت با اولویت بهداشت و پیشگیری بر درمان و مبتنی بر مراقبت‌های اولیه سلامت، با محوریت .... سطح‌بندی خدمات، .... اقدام نماید.... سطح‌بندی تمامی خدمات تشخیصی و درمانی براساس نظام ارجاع مبتنی بر پزشک خانواده و اجازه تجویز این‌گونه خدمات صرفاً براساس راهنماهای بالینی، طرح فاقد نام تجاری (ژنریک) و نظام دارویی ملی کشور خواهد بود. بر این اساس تعیین شرایط جمعیتی و مسافتی در آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها، با هدف سطح‌بندی خدمات‌رسانی دارویی در حوزه سلامت انجام گرفته است. اعمال سطح‌بندی جمعیتی خدمات داروخانه‌ها در زمره صلاحیت‌ها و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار دارد که در مواد ۴ و ۱۵ این آیین‌نامه، شرایط فاصله‌ای و جمعیتی برای صدور مجوز تأسیس داروخانه در نظر گرفته شده است. حد نصاب جمعیتی تأسیس داروخانه‌های روزانه و شبانه‌روزی در ماده ۴ این آیین‌نامه پیش‌بینی و در ماده ۱۵ آن حدنصاب فاصله‌ای برای تأسیس داروخانه‌ها تعیین شده است.

۸- لازم به توضیح است، ایجاد محدودیت‌های جمعیتی و مسافتی برای تأسیس داروخانه برای جلوگیری از اشباع بازار و حمایت اقتصادی از داروخانه‌داران نیست، زیرا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی وزارت بهداشت در حوزه دارو جنبه اقتصادی ندارد بلکه از باب تأثیر آن بر سلامت جامعه است و از آنجاکه سلامت جامعه اقتضا می‌کند برای ایجاد تعادل در رابطه نامتعادل مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان دارو، شرایطی پیش‌بینی شود و تفاوت میان اطلاعات این دو دسته سبب وجود نابرابری شدید در رابطه بین مصرف‌کننده با تولیدکننده و توزیع‌کننده می‌گردد، اقتضا دارد وزارت بهداشت سیاست‌های نظارتی مانند شرایطی که در ماده ۴ آیین‌نامه مذکور پیش‌بینی شده، تصویب نماید. مبنای دیگر صدور آیین‌نامه و مداخله دولت جلوگیری از تقاضای القایی (به فروش تولیدات و خدمات دارویی غیرضروری به بیماران و مراجعین) است. به دلیل شرایط خاص حوزه

سلامت به خصوص فروش تولیدات و خدمات دارویی، آزاد گذاشتن تأسیس داروخانه با هدف افزایش رقابت بین داروخانه‌ها، حاصلی جز رشد تقاضای القایی برای مصرف بیشتر دارو در کشور نخواهد داشت.

۹- در ارتباط با استناد شاکی به اصل ۴۴ قانون اساسی نیز همان‌گونه که مستحضرید با توجه به تبصره ۲ ذیل بند (ج) ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، فعالیت‌های حوزه سلامت، آموزش و تحقیقات و فرهنگ مشمول این قانون نیست و هرگونه توسعه توسط بخش‌های دولتی و غیردولتی و همچنین هرگونه واگذاری به بخش غیردولتی در این حوزه مطابق لایحه‌ای خواهد بود که ظرف مدت یک سال از ابلاغ این قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. بر این اساس قانون‌گذار صریحاً فعالیت‌های حوزه سلامت را از شمول قانون یاد شده مستثنی کرده است.

۱۰- لازم به توضیح است سابقاً نیز هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در موضوع مشابه شکایت حاضر طی دادنامه شماره ۸۵/۳۸۸-۱۳۸۶/۶/۴ رأی به رد شکایت صادر نموده است. در دادنامه مذکور اعلام شده است: با توجه به ماده یک قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، داروئی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ که ایجاد هرگونه مؤسسه پزشکی از جمله داروخانه را منوط به اجازه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نموده و بر اساس ماده ۲۴ قانون مذکور تهیه آیین‌نامه‌های اجرائی قانون فوق‌الذکر متضمن تعیین شرایط و ضوابط مربوط به تأسیس مراکز پزشکی می‌باشد و نظر به ضرورت توزیع عادلانه دارو و تدارک امکان تسهیلات لازم به‌منظور دسترسی به آن برای عموم افراد در سراسر کشور با توجه به میزان جمعیت و اینکه تشخیص مسائل مذکور از نوع امور فنی و تخصصی و تعیین آن از وظایف و مسئولیت‌های خاص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است، بنابراین مادتين ۱۱ و ۱۸ آیین‌نامه داروخانه‌ها در خصوص تعداد داروخانه‌های لازم و فواصل آن‌ها در شهرها و روستاها و روستاها مغایرتی با قانون ندارد.

۱۱- ضمناً به پیوست تصویر نامه‌های شماره ۶۶۵/۸۱۹۰۲-۱۳۹۷/۹/۱۰ سازمان غذا و دارو و نامه شماره ۱۴۳/۹۷/۵۱۱۴-۱۳۹۷/۹/۲۰ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی لرستان به پیوست جهت استحضار و بهره‌برداری ایفاد می‌گردد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با عنایت به مفاد دادنامه شماره ۲۰۴۹-۲۰۴۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، از آنجا که عموم و اطلاق تعریف مندرج در ماده ۱ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۹۳ لفظ "مجوز کسب‌وکار"، شامل پروانه‌های تأسیس داروخانه‌ها می‌شود، از طرفی طبق تبصره ۲ ذیل ماده ۷ قانون اخیرالذکر صادرکنندگان مجوز کسب‌وکار اجازه ندارد به دلیل "اشباع بودن بازار" از پذیرش تقاضا یا صدور مجوز کسب‌وکار امتناع کنند، بنابراین جدول (الف) ماده ۴ آیین‌نامه مورد اعتراض به لحاظ تحمیل شرایطی مغایر با رویه‌های ضد رقابتی مورد نظر مقنن، خلاف قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

تاریخ: ۱۲ شهریور ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۱۰۷۴

کلاس پرونده: ۱۴۵۱/۹۷

**موضوع:** ابطال بند ۱ صورت جلسه مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ دومین نشست عادی از دوره پنجم هیأت امنای دانشگاه تهران (مرتبط با تعیین فوق العاده اعضای هیات علمی و غیر هیات علمی پس از تأیید وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

### شاکی: سازمان بازرسی کل کشور

#### گردش کار:

سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۵۶۴۸۷- ۱۳۹۷/۳/۱۹ اعلام کرده است که:

" حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی  
رئیس محترم دیوان عدالت اداری  
سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند مصوبات هیأت امنای دانشگاه تهران از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح ذیل برای استحضار اعلام می‌گردد:

۱- هیأت امنای دانشگاه تهران در دومین نشست عادی از دوره پنجم (در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۷) مصوب نموده است: "هیأت امناء به استناد بند (ب) ماده ۷ قانون تشکیل هیئت‌های امناء با کلیات اساسنامه سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران در راستای ساماندهی اموری نظیر موقوفات دانشگاه جهت پشتیبانی مالی، تحقق اهداف علمی و پژوهشی دانشگاه موافقت نمود. ضمناً بررسی دقیق کارشناسی و حقوقی نحوه ایجاد سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران بر اساس اساسنامه پیشنهادی، به گروهی متشکل از آقایان دکتر کدخدایی، دکتر ایران‌منش و دکتر راعی واگذار گردید."

۲- ماده ۷ قانون تشکیل هیئت‌های امناء در مقام تبیین حدود اختیارات هیئت‌های مذکور اشعار می‌دارد:  
الف- تصویب آیین‌نامه داخلی

ب- تصویب سازمان اداری موسسه براساس ضوابطی که به پیشنهاد وزارتخانه‌های مربوط با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد رسید.

ج- بررسی و تصویب بودجه موسسه که از طرف رئیس موسسه پیشنهاد می‌شود.

د- تصویب بودجه تفصیلی موسسه.

ه- تصویب حساب‌ها و ترازنامه سالانه موسسه.

- و- تصویب نحوه وصول درآمدهای اختصاصی و مصرف آن.
- ز- تعیین حسابرس و خزانه‌دار برای موسسه.
- ح- کوشش برای جلب کمک‌های بخش خصوصی و عوائد محلی اعم از نقدی، تجهیزاتی، ساختمانی با رعایت ضوابط مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ط- تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی که بر حسب مورد پس از تأیید وزارتخانه مربوط قابل اجرا می‌باشد.
- ی- پیشنهاد میزان فوق‌العاده اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی (کارشناسان و تکنیسین‌ها) که حسب مورد پس از تأیید وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قابل اجرا می‌باشد.
- ک- تعیین نحوه اداره واحدهای تولید، خدماتی، کارگاهی و بهداشت و درمانی موسسه در چهارچوب ضوابطی که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.
- ل- تعیین میزان پرداخت حق‌التحقیق، حق‌التدریس، حق‌الترجمه، حق‌التالیف و نظایر آن.
- م- بررسی گزارش موسسه که از طرف رئیس موسسه ارائه می‌شود.
- ن- تصویب مقررات استخدامی اعضای هیأت علمی موسسه که به‌منظور هماهنگی پس از تأیید وزارتخانه مربوط قابل اجرا خواهد بود.
- س- تعیین شهریه ارزی و یا ریالی دانشجویان خارجی و انتقال دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های خارجی، شرایط علمی پذیرش و ظرفیت پذیرش، اجازه دعوت از متخصصان ایرانی خارج از کشور و متخصصان خارجی برای رفع نیازهای آموزشی و پژوهشی و پرداخت‌های ارزی و ریالی آن.
- غ- تعیین شهریه ثابت و متغیر دوره‌های دایر پردیس‌های دانشگاهی (بند ۶ بخشنامه شماره ۲۲/۱۱۳۶۷۷-۱۳۹۰/۶/۳۰ معاونت آموزشی وزارت متبوع موضوع دستورالعمل اجرای شیوه‌نامه تأسیس پردیس‌های دانشگاهی مصوب مورخ ۱۳۹۰/۵/۱ شورای گسترش آموزش عالی " مصوبه یاد شده مستند به بند "ب" از ماده ۷ قانون تشکیل هیأت‌های امناء مصوب گردیده، درحالی‌که اولاً- بند مذکور ناظر بر تشکیلات اداری موسسه بوده که آن هم تابع شرایط خاص مقرر در آن بند می‌باشد، به‌عبارت‌دیگر موضوع این بند ساختار تشکیلاتی و اداری دانشگاه می‌باشد که سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران خارج از شمول آن بوده و به فرض آن‌که در چارچوب این ساختار نیز قرار گیرد، هیأت امنای دانشگاه می‌بایست پیشنهاد تشکیل سازمان فوق را به وزارتخانه مربوط ارائه تا با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی برسد که در عمل این امر محقق نگردیده و اساسنامه سازمان یاد شده به موجب فصل دهم آن (مشمول بر ۱۹ ماده و ۱۴ تبصره) در جلسه دومین نشست عادی از دور پنجم هیأت امنای دانشگاه تهران مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۸ (به استناد بند (ب) ماده ۷ قانون تشکیل هیئت‌های امناء) به تصویب هیأت امنای دانشگاه رسیده است.
- ثانیاً- در هیچ یک از بندهای ماده ۷ قانون فوق مانحن فیه به هیأت امنای دانشگاه تهران مجوزی جهت تشکیل سازمانی به نام توسعه و سرمایه‌گذاری (که براساس ماده ۳ اساسنامه اهداف اقتصادی به‌منظور بهره‌گیری بهینه از منابع، امکانات و مزیت‌های دانشگاه عنوان و از طریق تأسیس شرکت‌های تجاری و مؤسسات و نهادها به‌منظور تجاری‌سازی علم و تقویت تجارب عملی را مطرح می‌نماید) داده نشده و اساساً فعالیت این سازمان خارج از وظایف و رسالت آموزشی و پژوهشی دانشگاه تهران بوده و ملاً خارج از حدود اختیارات هیأت امناء دانشگاه موصوف می‌باشد.
- ثالثاً- به موجب ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و تبصره‌های ذیل آن دانشگاه‌ها

(اعضای هیأت علمی) صرفاً مجاز به تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشند. ضمن آن که ایجاد سازمان دولتی (همچون سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران) نیازمند تجویز قانون‌گذار می‌باشد. از این رو ابطال بند ۱ صورت جلسه دومین نشست عادی از دور پنجم هیأت امنای دانشگاه تهران مورد تقاضا می‌باشد. متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

صورت جلسه دومین نشست عادی از دوره پنجم هیأت امنای دانشگاه تهران مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷

بند ۱: اساسنامه سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران

مصوبه: "هیأت امنای به استناد بند "ب" ماده ۷ قانون تشکیل هیئت‌های امناء به کلیات اساسنامه سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران در راستای ساماندهی اموری نظیر موقوفات دانشگاه جهت پشتیبانی مالی، تحقق اهداف علمی و پژوهشی دانشگاه موافقت نمود. ضمناً بررسی دقیق کارشناسی و حقوقی نحوه ایجاد سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران بر اساس اساسنامه پیشنهادی، به گروهی متشکل از آقایان دکتر کدخدایی، دکتر ایران‌منش و دکتر راعی واگذار گردید"

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی دانشگاه تهران به موجب لایحه شماره ۱۵۱/۱۸۷۸۱۳-۱۳۹۷/۷/۸ توضیح داده است که:

"ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با سلام و احترام؛

در خصوص کلاسه پرونده ۹۷۰۱۴۵۱ (شماره بایگانی ۶۵۲۶۹) موضوع گزارش سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر تقاضای ابطال بند (۱) صورت جلسه دومین نشست عادی از دور پنجم هیأت امناء دانشگاه تهران (مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ در خصوص تأسیس سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران) مراتب زیر به استحضار می‌رسد:

در سال ۱۳۸۹، دانشگاه تهران به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای تبدیل محصولات دانشگاهی به ثروت و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، تصمیم به تأسیس سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری می‌گیرد و بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷، هیأت امناء دانشگاه تهران بدون ورود به جزئیات، صرفاً با کلیات اساسنامه این سازمان موافقت می‌کند و تصویب اساسنامه به تعویق افتاده و هیچ‌گاه در هیأت امناء دانشگاه تهران تصویب نمی‌شود. این سازمان نه به عنوان نهاد و یا شرکتی مستقل از دانشگاه تهران، بلکه به عنوان جزئی از بدنه اداری دانشگاه تهران و یکی از معاونت‌های دانشگاه به فعالیت خود ادامه می‌دهد و رئیس آن، معاون رئیس دانشگاه تهران می‌باشد. در سال ۱۳۹۶ و در راستای تذکرات سازمان بازرسی کل کشور، موضوع اصلاح ساختار سازمانی این معاونت، به عنوان "معاون سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی" در دستور کار قرار گرفته و براساس دستور مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۰ رئیس دانشگاه و به منظور بهینه و چابک سازی فعالیت‌های سازمان، مقرر شده، پس از بررسی کارشناسی نسبت به تجدید ساختار آن اقدام گردد. این بازنگری و تجدید ساختار، در دست طراحی است. با عنایت به این امر، اقدام سازمان بازرسی به طرح دعوی حاضر و تقاضای ابطال مصوبه هیأت امناء دانشگاه تهران که در حدود اختیارات قانونی این هیأت بوده و با قوانین حاکم بر زمان تصویب و قوانین مؤخر هیچ‌گونه مغایرتی ندارد، محل تأمل است و به جهاتی که ذیلاً بیان می‌شود، ادعای این سازمان محکوم به رد است:

۱- ساختار تشکیلاتی دانشگاه صرفاً با تصویب هیأت امناء و تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری قابل اصلاح است و هیچ‌گونه الزام قانونی به اخذ مجوز از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد.

دانشگاه‌های تابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از سال ۱۳۶۷ که قانون تشکیل هیأت امناء دانشگاه‌ها تصویب شد، دارای هیأت امناء بوده و هیأت امناء عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری دانشگاه و مرجع صالح برای وضع مقرره و آیین‌نامه در امور استخدای، اداری، مالی و تشکیلاتی دانشگاه‌ها است. بر اساس بند (ب) ماده این قانون، یکی از وظایف و اختیارات هیأت امناء "تصویب سازمان اداری موسسه براساس ضوابطی که به پیشنهاد وزارتخانه‌های مربوط با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد رسید" می‌باشد. مطابق این بند، اصلاح یا تصویب تشکیلات اداری دانشگاه‌ها، تابع شرایط خاص مقرر در این بند بوده، اما براساس قوانینی که پس قانون فوق‌الذکر تصویب شده، حدود اختیارات هیأت امناء گسترش یافته و محدودیت‌ها و تشریفات مندرج در این بند برای تصویب سازمان اداری دانشگاه‌ها از میان رفته است. از جمله این قوانین ماده (۱۰) قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳/۵/۱۸ مجلس شورای اسلامی می‌باشد. براساس این ماده "دانشگاه‌ها ... دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و برابر ضوابط و آیین‌نامه‌های خاص مالی معاملاتی، اداری، استخدای و تشکیلاتی که به تصویب هیأت امناء و تأیید وزیر می‌رسد، اداره می‌شود."

همان‌طور که آشکار است به موجب این قانون که مؤخر بر قانون تشکیل هیأت امناء دانشگاه‌ها می‌باشد، حدود اختیار هیأت امناء گسترش یافته و هیأت امناء در تصویب آیین‌نامه و مقررات مربوط به ساختار تشکیلاتی دانشگاه دارای اختیار تام و کامل می‌باشد و ساختار تشکیلاتی دانشگاه‌ها صرفاً با تصویب هیأت امناء و تأیید وزیر قطعی شده و نیازی به اخذ مجوز و یا تأییدیه از شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌باشد. استقلال استخدای، اداری، مالی و از جمله استقلال تشکیلاتی دانشگاه‌ها، با تصویب بند (الف) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۴ با صراحت بیشتری مورد تأیید قرار گرفت. مطابق این بند "دانشگاه‌ها ... صرفاً بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدای و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت‌های امنای مربوط که حسب مورد به تأیید وزراء علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ... اداره خواهند شد." بند (ب) این ماده به صراحت بیان می‌دارد "هرگونه اصلاح ساختار مالی، اداری، استخدای و تشکیلاتی دانشگاه‌ها منحصراً مشمول مفاد این ماده می‌باشد". همان‌طور که آشکار است، براساس بند (الف) و بند (ب) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، هرگونه اصلاح ساختار تشکیلاتی دانشگاه‌ها، با تصویب هیأت امناء و تأیید وزیر انجام می‌شود و قید کلمه منحصراً در بند (ب) این ماده بیانگر آن است که در اصلاح ساختار هیچ‌گونه الزامی به اخذ مجوز از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و تأیید از شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد. بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه نیز عیناً بر مفاد بندهای (الف) و (ب) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، تأکید دارند.

همان‌طور که آشکار است، مطابق قوانین فوق‌الذکر، تصمیم‌گیری در خصوص امور تشکیلاتی و سازمان اداری دانشگاه‌ها، صرفاً در اختیار هیأت امناء دانشگاه بوده و می‌باشد. ذکر کلمه "صرفاً" در بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و منحصراً در بند (ب) این ماده و کلمه "فقط" در بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۱ احکام دائمی برنامه‌های توسعه، بیانگر این است که نه تنها هیأت امناء واجد اختیار تام و کامل در خصوص امور اداری، مالی و تشکیلاتی دانشگاه می‌باشد، بلکه اختیار سایر مراجع و نهادها ذی‌ربط در این خصوص سلب شده و صرفاً هیأت امناء در این خصوص دارای اختیار است و هیچ مرجع دیگری قانوناً اختیار اتخاذ تصمیم در خصوص امور اداری، مالی، استخدای و تشکیلاتی دانشگاه‌ها را نخواهد داشت. هیأت امناء دانشگاه تهران نیز در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ با اختیارات حاصل از ماده (۱۰) قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم و بندهای (الف) و (ب) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه (به عنوان قانون حاکم در

زمان اتخاذ تصمیم از سوی هیأت امناء) جهت ساماندهی اموری نظیر موقوفات دانشگاه، تأسیس سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه، به عنوان یک سازمان که از نظر تشکیلاتی و اداری وابسته به دانشگاه تهران و جزئی از بدنه اداری دانشگاه است، تصویب نموده و وزیر علوم تحقیقات و فناوری به عنوان رئیس هیأت امناء با اصلاح ساختار تشکیلاتی دانشگاه تهران در این خصوص موافقت نموده است. لذا اقدام هیأت امناء وفق نص صریح قوانین مذکور بوده و مصوبه هیأت امناء دانشگاه هیچ‌گونه مغایرتی با قوانین ندارد.

۲- سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران به عنوان بخشی از سازمان اداری و تشکیلاتی دانشگاه است و رئیس این سازمان در ساختار اداری، معاون رئیس دانشگاه می‌باشد. همان‌طور که به استحضار رسید، بر اساس قوانین فوق‌الذکر، دانشگاه دارای استقلال اداری، مالی و تشکیلاتی می‌باشد و سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری بخش از ساختار تشکیلاتی دانشگاه و جزئی از بدنه اداری دانشگاه محسوب می‌شود و در ساختار تشکیلاتی، رئیس این سازمان، معاون رئیس دانشگاه تهران می‌باشد. این سازمان شرکت تجاری نبوده که این بحث قابل طرح باشد که آیا دانشگاه‌ها مجاز به تأسیس شرکت تجاری می‌باشند و یا خیر؟ با عنایت به اینکه سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری جزء ساختار تشکیلاتی دانشگاه و شرکت تجاری محسوب نمی‌شود، ایرادات مطرح شده از سوی شاکی مبنی بر اینکه دانشگاه مجاز به تأسیس شرکت تجاری نمی‌باشد، سالبه به انتفاع موضوع است. در خصوص اهداف تأسیس این سازمان نیز لازم به ذکر است، با توجه به اینکه براساس قوانین برنامه توسعه و ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، دانشگاه‌ها دارای استقلال مالی می‌باشند و وجوهی که از دولت دریافت می‌نمایند، صرفاً در ردیف کمک قرار دارد، دانشگاه جهت رفع نیازهای خود ناگزیر از کسب درآمد اختصاصی بوده و باید با توسعه علم و دانش و تجاری‌سازی آن برای رفع نیازهای خود درآمد زائی نماید. بر اساس ماده ۲ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، یکی از مأموریت‌های اصلی وزارت علوم تحقیقات و فناوری "اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور افزایش کارآئی و اثربخشی تحقیقات کشور و توسعه تحقیقات کاربردی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط" می‌باشد.

هیأت امناء دانشگاه تهران نیز در راستای اجرای سیاست‌های اقتصادی مقاومتی، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم و استفاده بهینه از منابع، امکانات و ظرفیت‌های مادی و معنوی دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی و دانشگاه مادر، در جهت تولید و تجاری‌سازی علم با تأسیس سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری موافقت می‌نماید. تأسیس این سازمان نه تنها از حدود اختیارات هیأت امناء خارج نمی‌باشد بلکه اساساً جزء وظایف ذاتی دانشگاه‌ها است که تا کنون مغفول مانده و به آن توجهی نشده است. اجرای این وظیفه ذاتی، دانشگاه‌ها را از حالت منفعل خارج کرده و سبب پویایی علم و صنعت به عنوان دو امر مکمل هم خواهد شد. با عنایت به این امر، برخلاف آنچه در گزارش سازمان بازرسی بیان شده، تأسیس سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری با هدف استفاده از منابع، امکانات و مزیت‌های دانشگاه تهران در راستای تجاری‌سازی علم و تقویت تجارت علمی نه تنها خلاف قانون نبوده، بلکه در راستای اجرای قانون و تکالیف قانونی مقرر برای دانشگاه‌ها می‌باشد.

۳- براساس مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ هیأت امناء دانشگاه تهران صرفاً به کلیات اساسنامه سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری موافقت نموده و متن اساسنامه سازمان تصویب نشده است. به موجب مصوبه بند (۱) صورت جلسه دومین نشست عادی از دور پنجم هیأت امناء دانشگاه تهران مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ صرفاً با کلیات اساسنامه سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری موافقت شده و بررسی دقیق کارشناسی و حقوقی نحوه ایجاد سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تهران بر اساس اساسنامه پیشنهادی به هیأت سه نفره مذکور در این مصوبه ارجاع شده است. بر اساس این مصوبه، جزئیات اساسنامه این سازمان به تصویب هیأت امناء نرسیده و صرفاً با کلیات اساسنامه سازمان موافقت شده است. تأسیس این سازمان بر اساس مصوبه مذکور بوده و

فعالیت آن به عنوان بخشی از ساختار سازمانی دانشگاه تهران از تاریخ تأسیس تاکنون ادامه داشته است. همچنین مصوبات متعدد هیأت امناء در خصوص "انتخاب حسابرس مالی سازمان"، "مقررات مالی مربوط به سازمان"، "تصویب ساختار سازمانی" و "تأسیس شرکت‌های زیر مجموعه سازمان" و سایر مصوبات مربوط به سازمان توسعه که مؤخر بر مصوبه هیأت امناء در خصوص تأسیس این سازمان می‌باشد، بیانگر آن است که فعالیت‌های سازمان مستند به مصوبات هیأت امناء دانشگاه است و این مصوبات بر قانونی بودن تأسیس و ادامه فعالیت این سازمان دلالت دارد.

در خاتمه ضمن تأکید بر اینکه تأسیس و ادامه فعالیت سازمان توسعه به عنوان بخشی از ساختار تشکیلاتی و یکی از معاونت‌های دانشگاه، مستند به مجوزهای موجودی قانونی است و همچنین ضمن تأکید بر ضرورت فعالیت‌های مربوط به توسعه و سرمایه‌گذاری، لازم به ذکر است براساس دستور مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۰ رئیس دانشگاه تهران و به‌منظور بهینه و چابک سازی فعالیت‌های این معاونت، مقرر شده پس از بررسی کارشناسی نسبت به تجدید ساختار آن اقدام گردد. این بازنگری و تجدید ساختار، در حال حاضر با مدیریت معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، معاونت اداری و مالی و اداره کل امور حقوقی دانشگاه تهران در جریان است و ساختار نهایی این معاونت، در دست طراحی است. با عنایت به مراتب مذکور، مصوبه هیأت امناء دانشگاه تهران در خصوص تأسیس سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری، در حدود اختیارات قانونی این هیأت بوده و با قوانین حاکم بر زمان تصویب قوانین مؤخر هیچ‌گونه مغایرتی ندارد. بر این اساس اتخاذ تصمیم شایسته دائر بر رد شکایت مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی، تصویب اساسنامه دائمی سازمان‌های دولتی بر عهده مجلس شورای اسلامی است و مجلس می‌تواند این وظیفه را به دولت یا کمیسیون مربوطه دولت واگذار کند و از طرفی بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۳ که حاکم به زمان تصویب مصوبه بوده و نیز احکام مشابه در ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ و ماده یک قانون احکام دائمی قوانین برنامه، هیأت امناء دانشگاه‌ها را صرفاً از لحاظ رعایت مقررات عمومی مستثنی کرده و این امر شامل اصول قانون اساسی نمی‌شود، بنابراین بند ۱ مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ هیأت امناء دانشگاه تهران مغایر قانون اساسی و خارج از حدود اختیارات وضع شده است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

## حمایت‌های قانونی و حقوق شهروندی - حقوق و حمایت‌های قانونی زنان

تاریخ: ۲۶ شهریور ۱۳۹۸

شماره دادنامه: ۱۳۰۶

کلاس پرونده: ۲۴۹۴/۹۸

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (وحدت رویه در خصوص مرخصی زایمان)

شاکلی: خانم فاطمه رجایی

### گردش کار:

شاکلیان پرونده‌های موضوع تعارض به علت عدم اعطای مرخصی از سوی دستگاه محل خدمت نتوانسته‌اند از افزایش مدت ۳ ماهه مرخصی زایمان خود از ۶ ماه به ۹ ماه استفاده کنند و پس از گذشت دوره ۹ ماهه مذکور با طرح شکایت درخواست الزام دستگاه محل خدمت به اعطای مدت مرخصی استفاده نشده زایمان را نموده‌اند. شعب دیوان در این خصوص با استنباط مختلف از قانون آراء متعارض صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳۵ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۳۵۰۰۹۳۱ با موضوع دادخواست خانم راهله سادات سامع به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - سازمان تأمین اجتماعی اصفهان و به خواسته تقاضای افزایش مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه و پرداخت حقوق و مزایا به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۵/۱۰-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۳۵۰۱۴۶۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

مستفاد از تبصره ذیل ماده ۹۰ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به موضوع خواسته خواهان با توجه به صدور رأی وحدت رویه به شماره ۱۳۹۴/۱/۳۱-۶۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خارج از نوبت و بدون نیاز به تبادل بوده لذا دعوی مطروحه را با توجه به مفاد رأی ایجاد رویه اخیرالذکر و قانون اصلاح قانون تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی و همچنین رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۲۲۵-۲۲۴/۳/۲۵-۱۳۹۵ مبنی بر بهره‌مندی تمامی مادران شاغل از مزایای قانون مذکور وارد تشخیص و حکم بر اجابت شکایت تقدیمی را صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره وفق ماده ۶۵ از قانون فوق‌الذکر ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۳۹۵/۸/۱۰-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۹۷۴ شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۰۴۰۱۸۸۰ با موضوع دادخواست خانم وحیبه خاتون ملاحی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - اداره کل تأمین اجتماعی استان اصفهان و به خواسته الزام خواندگان به اعطاء مرخصی زایمان و افزایش مدت آن از ۶ ماه به ۹ ماه و

پرداخت حقوق و فوق‌العاده مربوطه به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۲۷۵۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با بررسی مندرجات اوراق پرونده و مراتب مذکور در گردش کار و با ملاحظه تصویر شناسنامه‌های شاکي و فرزند وی و مستندات ارائه شده، نظر به اینکه بر اساس قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲ مرخصی زایمان محدود و منحصر به ۹ ماهه اول زایمان و تا سن ۹ ماهگی نوزاد می‌باشد و در قانون مذکور برای مدت عدم استفاده از مرخصی کامل ۹ ماهه، ذخیره مرخصی و یا پرداخت حقوق و مزایای مضاعف پیش‌بینی نشده است و از طرفی با توجه به تاریخ طرح شکایت و تقدیم دادخواست (۱۳۹۴/۱۰/۲۷) مهلت مذکور منتهی شده است. الزام قانونی بر اجابت خواسته وجود ندارد. علی‌هذا شکایت غیر وارد تشخیص و حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد. ضمناً با توجه به مراتب مذکور صدور دستور موقت منتهی است.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۱۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۲-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۴۰۱۸۶۹ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

در خصوص دعوای تجدیدنظرخواهی خانم وجیهه خاتون ملاحی به طرفیت تجدیدنظر خواندگان فوق نسبت به دادنامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱-۲۷۵۷ موضوع پرونده کلاسه ۱۸۸۰ صادره از شعبه ۴ بدوی که به موجب آن حکم به رد شکایت صادر شده است با توجه به مفاد اوراق و محتویات پرونده نظر به اینکه تجدیدنظرخواه مستخدم دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و فاقد رابطه استخدامی با سازمان تأمین اجتماعی (مدیریت درمان تأمین اجتماعی اصفهان) می‌باشد و از طرفی به موجب تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و تنظیم جمعیت مصوب ۱۳۹۲ و تصویب‌نامه هیأت وزیران به شماره ۹۲۰۹۱/ت/۴۶۵۲۷-ه-۱۳۹۲/۴/۱۹- مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه افزایش یافته است و به موجب رأی وحدت رویه شماره ۱۳۲۸-۱۳۹۳/۸/۱۹- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پرداخت حقوق ایام مربوط به عهده دستگاه اجرایی متبوع مستخدم می‌باشد و استدلال شعبه بدوی به طرح شکایت خارج از مهلت قانونی فاقد استناد قانونی می‌باشد. لذا دادنامه تجدیدنظر خواسته خلاف موازین قانونی تشخیص و به استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نقض می‌گردد و در خصوص شکایت شاکي نسبت به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به استناد مقررات مذکور و رأی ایجاد رویه شماره ۱۳۹۴/۱۳/۱-۶۴-۱۳۹۴/۱۳/۱-۶۴ حکم به ورود شکایت و در خصوص سازمان تأمین اجتماعی به لحاظ عدم توجه شکایت به استناد ماده ۵۳ قانون مارالذکر قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. این رأی قطعی است.

ج: شعبه ۱۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۳۹۴/۱۲/۲۵-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۳۰۶۵ شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۰۴۰۲۲۳۸ به موضوع دادخواست خانم فاطمه رجائی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان- سازمان تأمین اجتماعی اصفهان و به خواسته الزام به اعطای مرخصی سه ماهه استفاده نشده و پرداخت حقوق و حق بیمه مدت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۲۵-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۳۰۶۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با بررسی مندرجات اوراق پرونده و ملاحظه مستندات ارائه شده از جمله تصویر شناسنامه نوزاد و شاکي، نظر به اینکه بر اساس ماده واحده قانون تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی و تصویب‌نامه شماره ۹۲۰۹۱/ت/۴۶۵۲۷-ه-۱۳۹۲/۴/۱۹- هیأت وزیران مرخصی زایمان محدود و منحصر به ۹ ماهه اول وضع حمل و تا سن ۹ ماهگی نوزاد می‌باشد. درحالی‌که شاکي در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۳۱ وضع حمل نموده و در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۸ خارج از مهلت قانونی مذکور اقدام به طرح شکایت و تقدیم دادخواست نموده است و در مستندات فوق‌الذکر پرداخت حقوق و مزایای مضاعف و یا ذخیره مرخصی معادل ایام استفاده نشده پیش‌بینی نشده است. الزام قانونی بر اجابت خواسته وجود ندارد. علی‌هذا شکایت غیر وارد تشخیص و

حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۷۲۶/۱۰۹۵۶۱۰۹۹۷۰۹۵۰۱/۱۰۱/۱۳۹۵ شعبه ۱۱ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۱۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف- تعارض در آراء محرز است.

ب- با توجه به تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قوانین جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۰ که در آن مقرر شده است: "به دولت اجازه داده می‌شود مرخصی زایمان مادران را به ۹ ماه افزایش دهد و همسر آنان نیز از دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) برخوردار شوند، این قانون به مادرانی که سن فرزند آنان به ۹ ماهگی نرسیده است تسری می‌یابد و مادر می‌تواند تا سن ۹ ماهگی نوزاد از مرخصی زایمان استفاده کند." استنباط می‌شود، استفاده از مرخصی زایمان به جهت مصلحت مادر و فرزند برای دوره نه‌ماهگی پس از تولد فرزند می‌باشد و پس از آن موضوعیت ندارد و مصوبه شماره ۹۱/۹۲۰۹۱/ت/۴۶۵۲۷ هـ-۱۳۹۲/۴/۱۹ هیأت وزیران نیز مؤید همین امر است و آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۶۴-۱۳۹۴/۱/۱۳ و ۱۳۲۸-۱۳۹۳/۸/۱۹ همگی تأکید بر الزام دستگاه‌های اجرایی به اعطای مرخصی زایمان همراه با پرداخت حقوق و مزایا به مدت ۹ ماه دارد و دستگاه اجرایی اختیاری جهت جلوگیری از استفاده مستخدم از این حق قانونی ندارد، بنابراین چنانچه دستگاه اجرایی محل خدمت مستخدم از اعطاء مرخصی زایمان خودداری کند، اولاً: دلیلی بر الزام مستخدم به حضور در محل خدمت طی دوره ۹ ماهه پس از زایمان نیست و در صورت عدم حضور در محل خدمت مرتکب تخلفی نشده است. ثانیاً: مرخصی مذکور اختصاص به مدت ۹ ماهه پس از زایمان دارد و قابل ذخیره‌سازی یا مطالبه آن پس از مدت مذکور نیست، بنابراین آراء صادر شده به رد شکایت به شرح مندرج در گردش کار از این حیث که پس از اتمام دوره مرخصی ۹ ماهه زایمان، الزام دستگاه محل خدمت به اعطای مرخصی زایمان وجهی ندارد صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

محمدکاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری



---

---

# پیوست ۱

## فهرست موضوعی اجمالی



## فهرست موضوعی اجمالی

|    |  |
|----|--|
| ۷  | کلیات و ساختار - سازمان های تابعه و وابسته.....  |
| ۷  | حمایت های قانونی و حقوق شهروندی - حق برخورداری از حمایت های بهداشتی.....   |
| ۷  | حمایت های قانونی و حقوق شهروندی - حقوق و حمایت های افراد بیمار، معلولین و جانبازان                                     |
| ۸  | حمایت های قانونی و حقوق شهروندی - حقوق و حمایت های قانونی زنان.....  |
| ۸  | سازمان های حرفه ای بخش سلامت - سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران.....  |
| ۹  | بهداشت - بهداشت عمومی و اقدامات پیشگیرانه.....   |
| ۹  | بهداشت - دامپزشکی و پیشگیری از امراض مسری و سریع الانتشار در انسان و حیوان و آفات نباتی و بازرسی حیوانات و نباتات..... |
| ۹  | بهداشت - مبارزه با دخانیات، مواد مخدر و روانگردان.....   |
| ۱۰ | بهداشت - بهداشت و طب کار.....  |
| ۱۲ | بهداشت - بهداشت محیط و اماکن عمومی.....  |
| ۱۲ | درمان و توانبخشی - خدمات درمانی.....   |
| ۱۳ | درمان و توانبخشی - اقدامات تشخیصی.....   |
| ۱۳ | نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی.....  |
| ۱۸ | نیروی انسانی بخش سلامت - تعهد خدمت.....  |
| ۱۹ | نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام.....   |
| ۲۴ | صاحبان حرف و ارائه دهندگان خدمات - تاسیس موسسات پزشکی.....   |
| ۲۵ | صاحبان حرف و ارائه دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت های قانونی.....  |
| ۲۸ | امور دارویی، مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، سرم و فراورده های بیولوژیک - واردات و صادرات دارو.....                     |
| ۲۸ | امور دارویی، مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، سرم و فراورده های بیولوژیک - بهداشت مواد خوردنی و آشامیدنی.....            |
| ۲۹ | بودجه و امور مالی - مالیات و عوارض سلامت.....  |
| ۲۹ | بودجه و امور مالی - بیمه سلامت.....  |
| ۳۰ | بودجه و امور مالی - امتیازات غیرمنقول بخش سلامت.....   |
| ۳۱ | بودجه و امور مالی - تعرفه ها و هزینه های بهداشتی - درمانی.....   |



---

---

# پیوست ۲

## فهرست موضوعی تفصیلی



### ۳- ۱) کلیات و ساختار - سازمان های تابعه و وابسته

| صفحه | تاریخ      | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|------------|---------------|--|
| ۲۲۶۲ | ۳ مهر ۱۳۹۷ | ۱۵۵۲          | عدم ابطال ماده ۶ آیین نامه طرح ساماندهی تردد خودرو در پردیس دانشگاه های فردوسی و علوم پزشکی مشهد |

### ۳- ۲) حمایت های قانونی و حقوق شهروندی - حق برخورداری از حمایت های بهداشتی

| صفحه | تاریخ        | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|--------------|---------------|--|
| ۲۰۴۶ | ۵ دی ۱۳۹۶    | ۱۰۰۳          | ابطال مصوبه شماره ۳۹۷۲۱/م/۹۱/۲۴۲۱/م-هـ - هیات وزیران (در خصوص تأمین برخی از خدمات درمانی، اقامتی و رفاهی برای مقامات و مسئولین سیاسی و اداری کشور)   |
| ۲۲۱۳ | ۲ مرداد ۱۳۹۷ | ۱۲۶۴          | ابطال صورت جلسه شماره ۱۱۳۷۶/۱۱/۸۰۰/م- هیات شورای مرکزی مشارکت های مردمی با سازمان بهزیستی (مرتبط با انتزاع بهزیستی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)   |
| ۲۲۲۲ | ۹ مرداد ۱۳۹۷ | ۱۳۱۲          | عدم ابطال بند ۱ از قسمت اول لیست کامل بیماری های که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی را به دنبال دارند (موضوع دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت های پزشکی آزمون استخدام پیمانی آموزش و پرورش) |

### ۳- ۲) حمایت های قانونی و حقوق شهروندی - حقوق و حمایت های افراد بیمار، معلولین و جانبازان

| صفحه | تاریخ       | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|-------------|---------------|---|
| ۲۰۰۰ | ۹ آبان ۱۳۹۶ | ۷۴۵           | ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت-۶۵۲-۱۳۶۸/۵/۳۰- هیات وزیران (در خصوص نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۸) |

## ۲-۲) حمایت های قانونی و حقوق شهروندی - حقوق و حمایت های افراد بیمار، معلولین و جانبازان

| صفحه | تاریخ       | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|-------------|---------------|---|
| ۲۰۲۸ | ۲۱ آذر ۱۳۹۶ | ۹۳۴           | عدم ابطال دستورالعمل ۱۳۸۹/۱۰/۲۱ معاون نیروی انسانی و رئیس کمیته تلفیق و امور حقوقی ستاد کل نیروهای مسلح مرتبط با حفظ و بهبود سلامت کارکنان جانباز |

## ۲-۳) حمایت های قانونی و حقوق شهروندی - حقوق و حمایت های قانونی زنان

| صفحه | تاریخ            | شماره دادنامه     | موضوع رای   |
|------|------------------|-------------------|---|
| ۲۴۴۷ | ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۲۸۸ الی ۳۰۵ و ۳۰۷ | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (درخصوص پرداخت حقوق و فوق العاده های ایام مرخصی زایمان) |
| ۲۵۶۹ | ۲۶ شهریور ۱۳۹۸   | ۱۳۰۶              | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (وحدت رویه در خصوص مرخصی زایمان)                        |

## ۳-۳) سازمان های حرفه ای بخش سلامت - سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران

| صفحه | تاریخ       | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|-------------|---------------|--|
| ۲۰۲۳ | ۱۴ آذر ۱۳۹۶ | ۸۸۴           | ابطال عبارت "ادیان رسمی" در بند (الف) ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه مصوب سال ۱۳۸۷ هیأت وزیران |

۱- ۴) بهداشت -بهداشت عمومی و اقدامات پیشگیرانه

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|-----------------|---------------|---|
| ۲۴۲۸ | ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۹۶            | ابطال اطلاق تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۲۱ آیین نامه اجرای قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ موضوع تصویب نامه شماره ۴۱۱۸۲/ت/۵۲۸۰۷ هـ-۱۳۹۵/۴/۹ هیأت وزیران ( در خصوص ارائه گواهی های قرنطینه ای و بهداشتی و ایمنی جهت ترخیص کالای صدور قطعی که بدون استفاده به کشور بازگشت داده می شود) |

۲- ۴) بهداشت - دامپزشکی و پیشگیری از امراض مسری و سریع الانتشار در انسان و حیوان و آفات نباتی و بازرسی حیوانات و نباتات

| صفحه | تاریخ         | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|---------------|---------------|---|
| ۲۲۳۲ | ۳۰ مرداد ۱۳۹۷ | ۱۳۳۷          | ۱- عدم ابطال نامه شماره -۴۳/۹۴-۷۴۷۸۷/۱۳۹۴/۹/۲۹ سازمان دامپزشکی کشور -۲ عدم ابطال بند "ب" دستورالعمل ضوابط و معیارهای حریم بهداشتی اماکن دامی و صنایع وابسته به دام با سکونت گاه ها به شماره -۳۳۸۸۴/۰۲۰-۱۳۹۱/۱۱/۲ وزارت جهاد کشاورزی |

۴- ۶) بهداشت- مبارزه با دخانیات، مواد مخدر و روانگردان

| صفحه | تاریخ        | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|--------------|---------------|--|
| ۲۰۰۳ | ۱۶ آبان ۱۳۹۶ | ۷۷۸           | - عدم ابطال بند ۴-۳ دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات -۲ عدم ابطال نامه شماره -۹۳۶۹/۳۰۰-۱۳۹۴/۱۱/۲۴ معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نامه شماره -۲۶۵۲۷۱/۶۰-۱۳۹۴/۱۲/۱۲ رئیس مرکز برنامه ریزی و نظارت بر دخانیات کشور وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت (در خصوص ممنوعیت هرگونه تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیر مستقیم یا تحریک افراد به استعمال دخانیات) |

## ۴-۶) بهداشت-مبارزه با دخانیات، مواد مخدر و روانگردان

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|-----------------|---------------|--|
| ۲۰۹۶ | ۳ بهمن ۱۳۹۶     | ۱۱۲۱          | ابطال قرارداد شماره ۵۷۰۹۵/۱/۱۷/پ-۱۳۹۵/۳/۱۷- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید صدوقی یزد با سازمان بسیج جامعه پزشکی در خصوص چگونگی نظارت بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر |
| ۲۱۰۰ | ۳ بهمن ۱۳۹۶     | ۱۱۲۲          | ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۶/۲۷- م/۹۵/۵۴۱۹ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر واگذاری نظارت سازمان بسیج جامعه پزشکی بر مراکز درمان وابستگی به مواد مخدر                     |
| ۲۴۳۲ | ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۱۰۰           | ابطال بند ۴ دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۲/۲۷-۴۶۰۱۱/۲/۲۰۱/۰۵/۲۴ انسانی ستاد کل نیروهای مسلح (در خصوص درمان کارکنان وظیفه ای که در حین خدمت به مواد مخدر اعتیاد پیدا کنند)               |

## ۴-۷) بهداشت-بهداشت و طب کار

| صفحه | تاریخ       | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|-------------|---------------|--|
| ۱۹۹۰ | ۴ مهر ۱۳۹۶  | ۶۴۲           | ابطال تبصره (۱) بند (الف) جزء ۲ قسمت ۵-۱۰-۱۴ فصل چهاردهم مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت ملی نفت (در خصوص بازنشستگی پیش از موعد افرادی که به طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند) |
| ۲۰۰۰ | ۹ آبان ۱۳۹۶ | ۷۴۵           | ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت-۶۵۲-۱۳۶۸/۵/۳۰ هیأت وزیران(در خصوص نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۸)                      |

۴-۷) بهداشت-بهداشت و طب کار

| صفحه | تاریخ         | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|---------------|---------------|---|
| ۲۰۱۴ | ۱۶ آبان ۱۳۹۶  | ۷۷۹ الی ۷۸۱   | ابطال بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۶/۷۲۱-۱۳۹۶/۱۳۰ سازمان تامین اجتماعی (در خصوص بازنشستگی کادر پرستاری با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور)   |
| ۲۰۲۳ | ۱۴ آذر ۱۳۹۶   | ۸۸۴           | ابطال عبارت "ادیان رسمی" در بند (الف) ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاربایی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه مصوب سال ۱۳۸۷ هیأت وزیران  |
| ۲۱۲۱ | ۱ اسفند ۱۳۹۶  | ۸۲۶           | ابطال نامه‌های شماره ۱۰۳۴۳۶-۱۳۹۳/۶/۲ و ۱۱۶۴۸۰ - ۱۳۹۵/۶/۲۴ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی (در خصوص بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور)  |
| ۲۱۸۲ | ۸ خرداد ۱۳۹۷  | ۳۶۶           | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری در خصوص قوانین و مقررات حاکم بر روابط کارگر و کارفرما در مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری (مرتبط با نظارت بر مسائل حفاظت و بهداشت کار در مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری)       |
| ۲۳۲۲ | ۶ آذر ۱۳۹۷    | ۱۸۲۲          | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور)   |
| ۲۴۶۷ | ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۱۱           | عدم ابطال ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۹/۳/۲ هیأت وزیران (درخصوص ممنوعیت اشتغال به کار با اشعه برای کسانی که به موجب آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت در برابر اشعه بازنشسته شده اند)                         |
| ۲۵۱۹ | ۲۵ تیر ۱۳۹۸   | ۸۳۴           | ابطال نامه شماره ۱۳۹۲/۱۱/۱۴-۲۳۳/۹۷/۱۸۸۳۰ رئیس امور حقوق و مزایا و مدیریت مشاغل معاونت وقت مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور(در خصوص فوق‌العاده سختی کار و کار در محیط‌های غیر متعارف نظیر کار با بیماران روانی، عفونی و کار در اورژانس) |

## ۴-۷) بهداشت-بهداشت و طب کار

| صفحه | تاریخ        | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|--------------|---------------|---|
| ۲۵۲۲ | ۱ مرداد ۱۳۹۸ | ۸۴۸           | ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور |
| ۲۵۳۹ | ۸ مرداد ۱۳۹۸ | ۹۱۱           | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (وحدت رویه در خصوص دریافت فوق العاده حق اشعه)                                   |

## ۴-۸) بهداشت-بهداشت محیط و اماکن عمومی

| صفحه | تاریخ        | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|--------------|---------------|---|
| ۲۳۱۸ | ۶ آذر ۱۳۹۷   | ۱۷۹۸          | درخواست اعتراض به مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ کمیته مکان یاب دفن زباله شهرستان پردنجان و چلیچه قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. |
| ۲۴۵۰ | ۷ خرداد ۱۳۹۸ | ۳۱۱-۳۱۲       | ابطال بند ۱ بخش "ب" ماده واحده مصوبه ۱۲۸ جلسه رسمی مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۲ شورای اسلامی شهر تهران ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۱۰/۲۰۷۹۲-۱۳۹۴/۸/۱۶ پسماند واحدهای غیر مسکونی    |

## ۱-۵) درمان و توانبخشی-خدمات درمانی

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|-----------------|---------------|---|
| ۲۴۳۲ | ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۱۰۰           | ابطال بند ۴ دستورالعمل شماره ۱۳۹۵/۲/۲۷-۴۶۰۱۱/۲/۲۰۱/۵/۲۴ انسانی ستاد کل نیروهای مسلح (در خصوص درمان کارکنان وظیفه ای که در حین خدمت به مواد مخدر اعتیاد پیدا کنند) |

۱۱ - ۵) درمان و توانبخشی - اقدامات تشخیصی

| صفحه | تاریخ        | شماره دادنامه                           | موضوع رای   |
|------|--------------|---|---|
| ۲۲۹۳ | ۱ آبان ۱۳۹۷  | ۱۶۹۰                                    | ۱- ابطال بند ۵۳ بخشنامه شماره ۱۹ امور فنی بیمه‌شدگان موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۳/۱۰۵۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ -۲ ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۴/۱۱۴۵۹ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ دبیر کل سازمان تامین اجتماعی و جزء ۲۶ بند الف نامه شماره ۱۰/۹۶/۴۰۸۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۷ اداره کل درمان مستقیم سازمان تامین اجتماعی |
| ۲۲۲۶ | ۶ آذر ۱۳۹۷   | ۱۸۱۷، ۸۱۲ الی<br>۱۸۲۳، ۱۸۱۹<br>الی ۱۸۲۸ | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص عطف به ماسبق نشدن آثار نظریه کمیسیون ماده ۱۲۰ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران)   |
| ۲۵۱۵ | ۲۵ تیر ۱۳۹۸  | ۷۹۳                                     | اعلام تعارض در آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (در خصوص اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی از حیث تعیین تاریخ شروع بیماری)   |
| ۲۵۳۶ | ۸ مرداد ۱۳۹۸ | ۹۰۹                                     | اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و نقض رأی شماره ۱۳۱۲-۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ابطال بند ۱ قسمت اول لیست بیماری‌هایی که موجب ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی است.  |

۱۱ - ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

| صفحه | تاریخ       | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|-------------|---------------|--|
| ۲۰۳۱ | ۲۸ آذر ۱۳۹۶ | ۹۴۵           | عدم ابطال بند ۱۲ مصوبه ۱۳۹۴/۵/۳ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی البرز در مورد دریافت شهریه از دانشجوی میهمان |

| ۱ - ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی |              |               |   |
|---|--------------|---------------|---|
| صفحه  | تاریخ        | شماره دادنامه | موضوع رای   |
| ۲۰۳۵  | ۲۸ آذر ۱۳۹۶  | ۹۴۰ الی ۹۴۴   | عدم ابطال بخشنامه‌های شماره ۶۰/۲۷۵۹۵۰-۱۳۹۴/۱۲/۲۶ و ۶۰/۱۱۶۷۳۵-۱۳۹۴/۵/۲۶ رئیس مرکز و دبیر هیأت عالی نظارت مرکز اصناف و بازرگانان ایران (در خصوص الزام فروشندگان عینک طبی به اخذ پروانه کسب)   |
| ۲۰۵۹  | ۱۹ دی ۱۳۹۶   | ۹۴۶           | عدم ابطال بخشنامه شماره ۵۰۰/۱۷۲۶-د-۱۳۹۴/۶/۱۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص نقل و انتقالات دانشجویان)   |
| ۲۰۶۵  | ۱۹ دی ۱۳۹۶   | ۱۰۴۶          | عدم ابطال ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۲۴۶/ت-۵۰۵۵۸-هـ-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران (در خصوص شهریه تحصیلی مشمولین شاغل به تحصیل در واحدهای پردیس خودگردان و بین‌الملل داخل دانشگاه‌های دولتی یا غیردولتی)  |
| ۲۱۰۳  | ۳ بهمن ۱۳۹۶  | ۱۱۲۳-۱۱۲۴     | بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۶/۲۳-م/۴۶۷۹/۹۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص پرداخت شهریه توسط دانشجویان انتقالی قابل طرح و امعان نظر در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.   |
| ۲۱۱۰  | ۱۰ بهمن ۱۳۹۶ | ۱۱۴۴          | ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای شماره ۱ آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۶ و بند ۴ از قسمت (ی) دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۶ (در خصوص پرداخت شهریه تحصیلی مطابق شهریه دوره شبانه توسط داوطلبی که در همان مقطع تحصیل و یا سایر مقاطع تحصیلی قبلی از آموزش رایگان در دانشگاه‌های دولتی برخوردار بوده) |

( ۶ - ۱ ) نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|-----------------|---------------|---|
| ۲۰۵۳ | ۲۲ اسفند ۱۳۹۶   | ۱۲۹۷-۱۲۹۸     | عدم ابطال دستورالعمل شماره ۱۶۰۷/۵۰۵-د-۱۳۹۵/۴/۳۰ شورای آموزش پزشکی و تخصصی (در خصوص ممنوعیت جراحان عمومی از جراحی پلاستیک، ترمیمی و سوختگی برای عمل لیپوساکشن)   |
| ۲۱۵۶ | ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ | ۴۷-۴۶-۴۵      | عدم ابطال دستورالعمل شماره ۵۰۵/۱۶۰۷-د-۱۳۹۵/۴/۳۰ قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۸-۹۵/ص/۱۷۱/۱۱۶۶۷ معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان تهران "در خصوص ممنوعیت جراحان عمومی از عمل رینوپلاستی پلاستیک (جراحی بینی) و لیپوساکشن (برداشت بافت چربی زیر جلد شکم)" |
| ۲۱۶۲ | ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ | ۶۰            | عدم ابطال دستورالعمل شماره ۹/۱۷۰۳-۱۳۹۴/۶/۲۱ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی رفسنجان در خصوص اخذ شهریه از دانشجویان (مردودی یک یا چند واحد  |
| ۲۲۲۶ | ۱۶ مرداد ۱۳۹۷   | ۱۳۱۵          | عدم ابطال بخشنامه شماره ۴۰۰/۷۸۲۸-۱۳۹۰/۳/۲۹ معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص گذراندن دوره‌ی آموزش انجام عمل اندوسکوپی توسط پزشکان فوق تخصص گوارش و پزشکان متخصص داخلی)   |
| ۲۳۰۳ | ۱۵ آبان ۱۳۹۷    | ۱۷۴۸          | ابطال قسمتی از بند ۲-۳ از بخش سوم دفترچه راهنمای آزمون و قسمت آخر بند ۲-۲ دفترچه راهنمای انتخاب رشته چهل و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیاری تخصصی (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶) مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی   |
| ۲۳۵۰ | ۱۸ دی ۱۳۹۷      | ۱۹۲۹-۱۹۳۰     | عدم ابطال تبصره ۲ ماده ۳ آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران موضوع تصویب نامه شماره ۸۲۴۶/ت/۵۰۵۵۸ ه-۱۳۹۵/۱/۲۹ هیأت وزیران (در خصوص شهریه دانشجویان شاهد)  |

## ۱- ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|-----------------|---------------|--|
| ۲۳۹۲ | ۷ اسفند ۱۳۹۷    | ۲۱۰۹-۲۱۰۸     | عدم ابطال ماده ۱۲ مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ هیأت امناء دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران (درخصوص اخذ شهریه از دانشجویان انتقالی و مهمان)  |
| ۲۳۹۶ | ۷ اسفند ۱۳۹۷    | ۲۱۰۴ الی ۲۱۰۷ | ابطال بندهای ۳-۵ و ۳ از آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷   |
| ۲۴۰۷ | ۲۷ فروردین ۱۳۹۸ | ۷۰-۷۱         | عدم ابطال بند ۵ مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص تعیین سهمیه موسوم به سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم و اجبار و الزام پذیرش شدگان به انجام تعهد به میزان دو و نیم برابر مدت تحصیل) |
| ۲۴۱۴ | ۲۷ فروردین ۱۳۹۸ | ۷۵            | عدم ابطال بند "ب" از فصل چهارم از "سی" و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار رشته‌های فوق تخصصی بالینی پزشکی مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ (در خصوص برقراری تعهد خدمت فارغ‌التحصیلان رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی و همچنین تعیین میزان تعهد خدمت آن‌ها با توجه به نیازهای عمومی)   |
| ۲۴۳۵ | ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۱۰۲           | درخواست ابطال تصمیم معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شماره ۵۰۳/۲۰۶ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص به تعویق افتادن انتخابات انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران)                    |
| ۲۴۵۶ | ۷ خرداد ۱۳۹۸    | ۳۰۸           | عدم ابطال دستور بیست و دوم صورت جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ اولین نشست هیأت امنای دانشگاه شهید بهشتی (در خصوص دریافت شهریه از دانشجویان)   |
| ۲۴۸۱ | ۱۱ تیر ۱۳۹۸     | ۵۹۶           | عدم ابطال دستورالعمل اجرایی رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری  |

۱- ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - آموزش پزشکی و پیراپزشکی

| موضوع رای   | شماره دادنامه | تاریخ         | صفحه |
|---|---------------|---------------|------|
| عدم تعارض (در خصوص ممنوعیت تحصیل رایگان در فرض استفاده از یک بار تحصیلات آموزشی رایگان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور)  | ۶۰۳           | ۱۱ تیر ۱۳۹۸   | ۲۴۸۸ |
| ابطال بند "و" دفترچه شماره یک راهنمای ثبت‌نام شرکت در آزمون سراسری ۱۳۹۷ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از تاریخ تصویب (در خصوص اجازه تحصیل دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد ناپیوسته کلیه رشته‌های تحصیلی و دکتری عمومی (پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی) در مقطع دکتری عمومی رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی صرفاً در پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد دانشگاه‌های علوم پزشکی و الزام به پرداخت شهریه) | ۷۳۶ الی ۶۷۰   | ۱۱ تیر ۱۳۹۸   | ۲۴۹۳ |
| ابطال ماده ۵ آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ (در خصوص ایجاد ممنوعیت زمانی برای بهره‌مندی از مزایای نخبگی)  | ۹۱۲           | ۸ مرداد ۱۳۹۸  | ۲۵۴۴ |
| ابطال الف) بند ۴ دستورالعمل پذیرش دانشجوی کاردانی بر اساس سوابق تحصیلی در رشته‌های گروه پزشکی مصوب مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ ب) بند ۲ قسمت ب دفترچه راهنمای ثبت‌نام و انتخاب رشته پذیرش صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۹۵   | ۹۳۵           | ۱۵ مرداد ۱۳۹۸ | ۲۵۴۷ |
| ابطال بند ۱-۲ مصوبه شماره ۱۶۸۲۴۸۸-۱۳۹۶/۱۱/۱۷ شورای عالی اداری در خصوص انتزاع دانشگاه صنعت نفت از وزارت نفت و انتقال آن به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مرتبط با انتقال مؤسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)  | ۱۰۳۲-۱۰۳۳     | ۲۲ مرداد ۱۳۹۸ | ۲۵۵۲ |

| ۲- ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - تعهد خدمت |                 |               |  |
|--|-----------------|---------------|--|
| صفحه                                     | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای  |
| ۱۹۹۵                                     | ۲۵ مهر ۱۳۹۶     | ۶۹۱ الی ۶۹۴   | عدم ابطال ماده ۵ دستورالعمل شماره ۲ طرح تحول نظام سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص منع صدور مجوز مطب تا قبل از انجام تعهد خدمت به میزان برابر مدت تحصیل)   |
| ۲۴۰۷                                     | ۲۷ فروردین ۱۳۹۸ | ۷۰-۷۱         | عدم ابطال بند ۵ مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شصت و پنجمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص تعیین سهمیه موسوم به سهمیه مازاد جهت پوشش مناطق محروم و اجبار و الزام پذیرش شدگان به انجام تعهد به میزان دو و نیم برابر مدت تحصیل) |
| ۲۴۱۴                                     | ۲۷ فروردین ۱۳۹۸ | ۷۵            | عدم ابطال بند "ب" از فصل چهارم از "سی" و چهارمین دوره آزمون پذیرش دستیار رشته‌های فوق تخصصی بالینی پزشکی مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ (در خصوص برقراری تعهد خدمت فارغ‌التحصیلان رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی و همچنین تعیین میزان تعهد خدمت آن‌ها با توجه به نیازهای عمومی)   |

| ۴- ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام |            |               |  |
|---|------------|---------------|--|
| صفحه  | تاریخ      | شماره دادنامه | موضوع رای  |
| ۱۹۸۳  | ۴ مهر ۱۳۹۶ | ۶۴۱           | ابطال بندهای ۱ و ۲ بخشنامه شماره ۲۰۹/۲۲۶۱/د-۱۳۹۱/۷/۲ مشاور معاونت توسعه و مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص اعمال یک مقطع تحصیلی بالاتر (مطابق قوانین ایثارگری و تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل آیین نامه اداری و استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی - دکترای تخصصی) |
| ۲۰۹۱  | ۲۶ دی ۱۳۹۶ | ۱۰۸۰ الی ۱۰۶۰ | عدم ابطال بخشنامه شماره ۶/۷۳/۲۴۲۶۶۶-۱۳۹۵/۱۱/۲ و نامه شماره ۴۶/۶۶۱۸۸-د-۱۳۹۵/۱۱/۴ دانشگاه پیام نور (در خصوص اخذ مجوز تبدیل وضعیت دارندگان کارنامه قبولی آزمون‌های ادواری سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴)  |

۴ - ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|-----------------|---------------|---|
| ۲۱۰۵ | ۳ بهمن ۱۳۹۶     | ۱۱۲۵-۱۱۲۶     | ابطال دستور هجدهم مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ هیات امناء دانشگاه بزد و بند ۲۴ صورتجلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲ دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی مبنی بر اعطاء تخفیف شهریه به فرزندان اعضاء هیات علمی و کارکنان دانشگاهها  |
| ۲۱۱۵ | ۱۷ بهمن ۱۳۹۶    | ۱۱۶۹          | ابطال کد ۱۳۷ عمران - گرایش مهندسی زلزله (فوق لیسانس) از دفترچه ثبت نام آزمون استخدامی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران   |
| ۲۱۵۰ | ۲۱ فروردین ۱۳۹۷ | ۲۲            | رد درخواست اعتراض به مواد ۱ و ۳ از مصوبه شماره ۱۳۹۵/۵/۱۱-۶۴۷۴۴۴ شورای حقوق و دستمزد و ابطال بند ۷ از مصوبه شماره ۷۰۳-۱/۱/س م ط-۱۳۹۵/۵/۱۲ شورای حقوق و دستمزد نیروهای مسلح قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص ضوابط استخدامی اعضاء هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) شهر تهران) |
| ۲۲۲۰ | ۳ مرداد ۱۳۹۷    | ۱۳۲۳          | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص شمول دریافت کمک هزینه عائله مندی به کارمندان زن مجرد دانشگاه/ دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)   |
| ۲۲۳۶ | ۳۰ مرداد ۱۳۹۷   | ۱۳۴۵          | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص پرداخت حقوق و مزایای معوقه ناشی از عدم اجرای قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان نظام سلامت)  |
| ۲۲۴۱ | ۶ شهریور ۱۳۹۷   | ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۴ | اعلام تعارض در آرای صادره شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص تبدیل وضع کارمندان قراردادی به پیمانی)   |

| ۶ - ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام |              |               |   |
|--|--------------|---------------|---|
| صفحه   | تاریخ        | شماره دادنامه | موضوع رای   |
| ۲۲۷۷   | ۱۷ مهر ۱۳۹۷  | ۱۶۲۷ الی ۱۶۲۹ | ۱- ابطال بند ۳ از بند ۲ مربوط به شرایط بومی بودن مربوط به قسمت "امتیازات و سهمیه‌های قانونی" از دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۹۵-۲- عدم ابطال جزء یک از بند ۲ قسمت (ج) اصلاحات اطلاعاتیه مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام از اصلاحیه سازمان سنجش آموزش کشور درباره اصلاحات مربوط به دفترچه راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون استخدامی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۵ |
| ۲۳۰۰   | ۱۵ آبان ۱۳۹۷ | ۱۷۴۷          | ابطال بند (الف) شیوه‌نامه اجرایی پرداخت حق محرومیت از مطب کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران   |
| ۲۳۱۲   | ۶ آذر ۱۳۹۷   | ۱۷۸۶          | ابطال مصوبه دستور یازدهم از صورت‌جلسه پنجمین نشست عادی از دوره ششم هیأت امنای دانشگاه تهران مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ (در خصوص شهریه دانشجویان خاص شامل همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و غیر علمی و ... برای اجرا از نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ به بعد)   |
| ۲۳۲۸   | ۱۳ آذر ۱۳۹۷  | ۱۸۰۹ الی ۱۸۱۱ | اعلام تعارض در آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص محاسبه تفاوت تطبیق در اضافه کار کارکنان دانشگاه علوم پزشکی)   |
| ۲۳۳۴   | ۱۳ آذر ۱۳۹۷  | ۱۸۴۱          | ابطال بخشنامه شماره ۹۵/م/۱۸۰/۳۸۰۸۸-۱۳۹۵/۱۲/۱۸ وزارت آموزش و پرورش (در خصوص شرایط جسمانی، روانی و توانایی حسن انجام وظایف محوله برای حرفه معلمی)   |
| ۲۳۳۸   | ۲۷ آذر ۱۳۹۷  | ۱۸۸۱          | ابطال مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۲/۱ هیأت امنای دانشگاه بوعلی سینا همدان (در خصوص تفویض اختیار وظایف قانونی هیأت امناء به مراجع دیگر)  |

۴ - ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

| صفحه | تاریخ            | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|------------------|---------------|---|
| ۲۳۴۲ | ۴ دی ۱۳۹۷        | ۱۸۹۷ الی ۱۸۹۹ | اعلام تعارض در آرای شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص برخورداری شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی موسوم به مراکز اورژانس ۱۱۵ و نیز شاغلین رشته شغلی فوریت‌های پزشکی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شبانه‌روزی دولتی و غیردولتی از امتیازات قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت) |
| ۲۳۴۷ | ۱۱ دی ۱۳۹۷       | ۱۹۱۷          | ابطال بند ۱۵ مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد موضوع نامه شماره ۱۳۹۵/۱۴۷۱۱۲/پ-اد-۱۸/۹۵/۱۳۹۵ (در خصوص ذخیره نشدن مرخصی کارکنان قراردادی دانشگاه علوم پزشکی)  |
| ۲۳۵۳ | ۱۸ دی ۱۳۹۷       | ۱۹۳۴          | عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۵۸۵۸۶۴-۱۳۹۶/۱۰/۲ سازمان اداری و استخدامی کشور (در خصوص چگونگی رسیدگی به تخلفات اداری اعضای هیأت علمی شاغل در پستهای مدیریتی و اجرایی)  |
| ۲۳۸۳ | ۳۰ بهمن ۱۳۹۷     | ۲۰۸۲ الی ۲۰۸۶ | ابطال بند (ت) قسمت ۹ دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۶   |
| ۲۳۸۷ | ۳۰ بهمن ۱۳۹۷     | ۲۰۷۳ الی ۲۰۸۱ | ابطال بند (پ) از شرایط آزمون استخدامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سال ۱۳۹۶ موضوع مجوز استخدامی شماره ۱۳۶۸۳۹۹-۱۳۹۶/۶/۷ سازمان اداری و استخدامی کشور  |
| ۲۴۳۹ | ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۱۵۴           | ابطال ماده ۲۷ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۳/۹۷۵۷-۱۳۹۳/۷/۱۹ انسانی رئیس‌جمهور (در خصوص آزمون استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی)   |

## ۴ - ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

| صفحه | تاریخ               | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|---------------------|---------------|--|
| ۲۴۴۲ | ۱۷ اردیبهشت<br>۱۳۹۸ | ۱۸۵           | ابطال قسمتی از ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته و بخشنامه شماره ۱۳۹۱/۸/۲۹-۱۰۰/۱۲۴۴ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی(در خصوص برقراری فوق العاده جذب برای اعضای هیات علمی در حال ماموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی) |
| ۲۴۶۰ | ۲۱ خرداد<br>۱۳۹۸    | ۵۶۷           | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری و رای وحدت رویه در خصوص افزایش حقوق بازنشستگی با لحاظ سنوات خدمتی  |
| ۲۴۶۹ | ۲۱ خرداد<br>۱۳۹۸    | ۵۱۲           | ابطال بند ۲ نامه شماره ۵/۲۰۹/۴۹۶۹-۱۳۹۴/۸/۲۷ اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص ساعات کار بخش‌های دولتی و غیردولتی در نوبت های شب و ایام تعطیل)   |
| ۲۴۸۸ | ۱۱ تیر<br>۱۳۹۸      | ۶۰۳           | عدم تعارض (در خصوص ممنوعیت تحصیل رایگان در فرض استفاده از یک بار تحصیلات آموزشی رایگان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور)   |
| ۲۴۹۰ | ۱۱ تیر<br>۱۳۹۸      | ۶۰۲           | اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (رای وحدت رویه در خصوص فوق العاده شغل موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری)   |

۴ - ۶) نیروی انسانی بخش سلامت - امور استخدام

| صفحه | تاریخ          | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|----------------|---------------|--|
| ۲۵۰۵ | ۱۱ تیر ۱۳۹۸    | ۵۹۲           | عدم ابطال بند "۱" از قسمت "تذکرات مهم در خصوص شرایط عمومی" دفترچه راهنمای ثبت نام آزمون استخدامی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی در سال ۱۳۹۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص شرایط عمومی داوطلبان)   |
| ۲۵۰۹ | ۱۸ تیر ۱۳۹۸    | ۷۵۷           | ابطال بخشنامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۲۴-د/۲۱۲/۲۷۹۶ رئیس مرکز توسعه مدیریت و تحول اداری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بند ۴ بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۷-۱۴/۲۵۶۹/۲۸۷۰ مدیر توسعه سازمان و تحول اداری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کردستان (در خصوص مدارک تحصیلی اخذ شده ضمن خدمت) |
| ۲۵۲۲ | ۱ مرداد ۱۳۹۸   | ۸۴۸           | ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور  |
| ۲۵۲۶ | ۱ مرداد ۱۳۹۸   | ۸۳۷           | عدم ابطال بخشنامه شماره ۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲-۱۳۹۲/۱۲/۲۰ هیأت مرکزی جذب اعضای هیأت علمی (در خصوص استفاده از عنوان مهندس و دکتر برای دارندگان مدرک سطح ۳ و ۴ حوزه علمیه)  |
| ۲۵۶۳ | ۱۲ شهریور ۱۳۹۸ | ۱۰۷۴          | ابطال بند ۱ صورت جلسه مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ دومین نشست عادی از دوره پنجم هیأت امنای دانشگاه تهران (مرتبط با تعیین فوق العاده اعضای هیأت علمی و غیر هیات علمی پس از تأیید وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)  |

## ۸- ۱) صاحبان حرف و ارائه دهندگان خدمات- تأسیس موسسات پزشکی

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|-----------------|---------------|--|
| ۲۰۶۱ | ۱۹ دی ۱۳۹۶      | ۱۰۵۳          | ابطال تبصره‌های ۱ و ۲ بند (۷-۵) ماده ۵ آئین‌نامه اجرایی ساماندهی نصب تابلو و تبلیغات شهری شهر اراک مصوب شورای اسلامی شهر اراک (مرتبط با تابلو معرف محل اشتغال پزشکان)  |
| ۲۱۴۰ | ۲۲ اسفند ۱۳۹۶   | ۱۲۹۲          | درخواست ابطال تصمیم متخذه در جلسه شماره ۳۰۹-۱۰/۱۳۹۶/۰۷/۱۳۹۶ شورای رقابت قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. ( درخصوص الزام دانشگاه علوم پزشکی قم بر اعطای مجوز یک داروخانه) |
| ۲۱۸۶ | ۱۲ تیر ۱۳۹۷     | ۹۳۲           | عدم ابطال بخشنامه شماره ۷۰۰/۹۲/۱۵۴۲۲-۱۳۹۲/۲/۱۷ رئیس وقت سازمان بهزیستی کشور (ناظر به چگونگی صدور پروانه فعالیت و تأسیس مؤسسات برای ارائه خدمات تخصصی و بعضاً حاکمیتی سازمان بهزیستی)                         |
| ۲۲۲۶ | ۱۶ مرداد ۱۳۹۷   | ۱۳۱۵          | عدم ابطال بخشنامه شماره ۴۰۰/۷۸۲۸-۱۳۹۰/۳/۲۹ معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در خصوص گذراندن دوره‌ی آموزش انجام عمل اندوسکوپی توسط پزشکان فوق تخصص گوارش و پزشکان متخصص داخلی)                  |
| ۲۳۶۵ | ۲۳ بهمن ۱۳۹۷    | ۲۰۴۹-۲۰۴۷     | ابطال تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۱۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۵ و ماده ۶ و تبصره ۴ بند ۴ ماده ۴ ضوابط تأسیس و اداره داروخانه‌ها مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱  |
| ۲۴۲۱ | ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۹۴            | ابطال بند "ج" ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و اداره امور آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی  |

۱ - ۸) صاحبان حرف و ارائه دهندگان خدمات - تاسیس موسسات پزشکی

| موضوع رای  | شماره دادنامه | تاریخ         | صفحه |
|--|---------------|---------------|------|
| ابطال جدول الف ماده چهارم شاخص جمعیت آیین نامه تأسیس و اداره داروخانه ها | ۱۰۵۲          | ۵ شهریور ۱۳۹۸ | ۲۵۵۹ |

۲ - ۸) صاحبان حرف و ارائه دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت های قانونی

| موضوع رای  | شماره دادنامه | تاریخ     | صفحه |
|--|---------------|-----------|------|
| ابطال دستورالعمل شماره ۱۰۰/۳۰۶۰۲۱ - وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی (در خصوص کسر ساعات کار کارکنان بالینی قانون ارتقاء بهره‌وری)  | ۱۰۰۱          | ۵ دی ۱۳۹۶ | ۲۰۴۲ |
| ابطال بند ۲ از قسمت (الف) فصل هفدهم عوارض مصوب سال ۱۳۹۵ شهرداری شهرکرد با عنوان عوارض افتتاحیه (مرتبط با عوارض مطب)  | ۱۰۰۹          | ۵ دی ۱۳۹۶ | ۲۰۴۹ |
| ابطال جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۸ در خصوص عوارض تبدیل عوارض کسب و پیشه حرف پزشکی در سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ و ابطال مواد ۴۷ و ۴۸ تعرفه عوارض شهرداری کرمانشاه در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در خصوص عوارض حرف پزشکی | ۱۰۱۱          | ۵ دی ۱۳۹۶ | ۲۰۵۵ |

## ۲- ۸) صاحبان حرف و ارائه دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت های قانونی

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|-----------------|---------------|--|
| ۲۰۶۷ | ۱۹ دی ۱۳۹۶      | ۱۰۴۷          | ابطال بند ۳ گروه ۱۱ آیین نامه مشاغل تخصصی و فنی (موضوع ماده ۱۳ قانون نظام صنفی) تحت عنوان ساخت و تعمیر عینک های طبی در قسمت ساخت عینک طبی  |
| ۲۰۷۶ | ۱۹ دی ۱۳۹۶      | ۱۰۵۲          | عدم ابطال مصوبه شماره ۹۴/۴۰۷۳/ص- ۱۳۹۴/۹/۱۷ شورای اسلامی شهر شیراز (در خصوص اخذ عوارض محلی شهرداری از کلیه مشمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مشمولین قوانین خاص مثل بانک ها، مطب پزشکان، و کلا و غیره)   |
| ۲۱۴۲ | ۲۲ اسفند ۱۳۹۶   | ۱۲۹۵          | درخواست اعتراض به هفتمین دوره انتخابات گروه داروسازان هیات مدیره نظام پزشکی اردبیل قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.  |
| ۲۱۵۶ | ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ | ۴۷-۴۶-۴۵      | عدم ابطال دستورالعمل شماره ۵۰۵/۱۶۰۷/د- ۱۳۹۵/۴/۳۰ قائم مقام دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نامه شماره ۱۷۱/۱۱۶۶۷/ص/۹۵-۱۱/۱۸-۱۳۹۵ معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان تهران "در خصوص ممنوعیت جراحان عمومی از عمل رینوپلاستی پلاستیک (جراحی بینی) و لیپوساکشن (برداشت بافت چربی زیر جلد شکم)" |

۲- ۸) صاحبان حرف و ارائه دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت های قانونی

| صفحه | تاریخ           | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|-----------------|---------------|--|
| ۲۱۶۵ | ۱ خرداد ۱۳۹۷    | ۳۵۰ الی ۳۵۳   | عدم ابطال مصوبه سیصد و سی و یکمین جلسه شورای اسلامی شهر کرج به تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ ابلاغی به شماره ۱۳۸۹/۱۱/۱۲-ش/۳/۵/۸۹/۶۶۱۹ (در خصوص دریافت عوارض محلی شهرداری از کلیه مشمولین قانون نظام صنفی (صاحبان حرفه و پیشه و مشاغل) و مشمولین قوانین خاص مثل بانکها، مطب پزشکان، وکلا و غیره) |
| ۲۱۷۵ | ۱ خرداد ۱۳۹۷    | ۳۵۵           | ابطال تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۸۵ شورای اسلامی شهر دماق در بخش تعیین عوارض یک درصد از درآمد مشمول مالیات هر یک از شعب بانکها (مرتبط با اخذ عوارض محلی شهرداری از مطب پزشکان)   |
| ۲۱۸۹ | ۱۲ تیر ۱۳۹۷     | ۹۳۳ الی ۹۳۵   | ۳۹۴ و تعرفه شماره ۲۰۳۷ مصوب سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مصوب شورای اسلامی شهرضا در خصوص عوارض سالیانه فعالیت فعالان اقتصادی مشمول و غیر مشمول نظام صنفی (مرتبط با عوارض محل فعالیت موسسات پزشکی)  |
| ۲۳۹۶ | ۷ اسفند ۱۳۹۷    | ۲۱۰۴ الی ۲۱۰۷ | ابطال بندهای ۳-۵ و ۳ از آیین نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷   |
| ۲۴۳۵ | ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۱۰۲           | درخواست ابطال تصمیم معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شماره ۵۰۳/۲۰۶ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص به تعویق افتادن انتخابات انجمن علمی دندانپزشکان عمومی ایران)  |

## ۲ - ۸) صاحبان حرف و ارائه دهندگان خدمات - حقوق و مسئولیت های قانونی

| صفحه | تاریخ         | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|---------------|---------------|--|
| ۲۴۷۸ | ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۷۹           | ابطال بند ۹ مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمان های صنفی گچساران (در خصوص افزایش سهم اتاق اصناف بابت پروانه های کسب) |
| ۲۵۱۵ | ۲۵ تیر ۱۳۹۸   | ۷۹۳           | اعلام تعارض در آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری (در خصوص اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی از حیث تعیین تاریخ شروع بیماری)      |

## ۲ - ۱۰) امور دارویی، مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، سرم و فرآورده های بیولوژیک - واردات و صادرات دارو

| صفحه | تاریخ      | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|------------|---------------|---|
| ۲۰۸۰ | ۲۶ دی ۱۳۹۶ | ۱۰۵۶-۱۰۵۷     | ابطال ماده ۹ دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت فرآورده های سلامت مصوب ۱۳۹۴/۰۷/۱۵ رئیس سازمان غذا و دارو |

## ۳ - ۱۰) امور دارویی، مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، سرم و فرآورده های بیولوژیک - بهداشت مواد خوردنی و آشامیدنی

| صفحه | تاریخ         | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|---------------|---------------|--|
| ۲۴۷۲ | ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۸۳-۵۸۴       | درخواست ابطال دستورالعمل نحوه اجرای خود کنترلی و خود اظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی و دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. |

(۱ - ۱) بودجه و امور مالی - مالیات و عوارض سلامت

| صفحه | تاریخ       | شماره دادنامه | موضوع رای   |
|------|-------------|---------------|---|
| ۲۱۹۷ | ۱۹ تیر ۱۳۹۷ | ۱۲۳۷ الی ۱۲۴۰ | ابطال تبصره بند ۲۸ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر لواسان و ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر لواسان مبنی بر وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از تفکیک مندرج در ذیل بند ۱۵ تعرفه عوارض شهرداری لواسان در سال ۱۳۹۵ (در خصوص عوارض تخلفات ساختمانی اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی و اداری کاربری‌های فرهنگی، آموزشی و مذهبی و کاربری بهداشتی و درمانی) |

(۱۱ - ۲) بودجه و امور مالی - بیمه سلامت

| صفحه | تاریخ          | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|----------------|---------------|--|
| ۲۰۱۹ | ۲۳ آبان ۱۳۹۶   | ۸۱۷           | عدم ابطال نامه شماره ۲۸۸۰/۱/۱۶۰۴۵۴-۱۳۹۴/۱۲/۵ معاونت حقوقی رئیس جمهور (در خصوص استعلام از دولتی یا خصوصی بودن شرکت آتیه ساز حافظ)                       |
| ۲۱۳۴ | ۲۲ اسفند ۱۳۹۶  | ۱۲۸۹          | ابطال بخشنامه شماره ۱۰۵۰۹۰/۹۵-۱۳۹۵/۳/۳۰- سازمان بیمه سلامت ایران (در خصوص پوشش بیمه‌ای خدمات روان پزشکی به موجب ویرایش دوم کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت) |
| ۲۲۵۶ | ۲۰ شهریور ۱۳۹۷ | ۱۴۰۸          | ابطال برخی کدهای کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت موضوع تصویب نامه شماره ۷۰۳۵۸/ت ۵۴۲۴۰ هـ-۱۳۹۶/۶/۹ هیأت وزیران (در خصوص حق فنی داروخانه‌ها)                  |

| ۲ - ۱۱) بودجه و امور مالی - بیمه سلامت |             |               |   |
|--|-------------|---------------|---|
| صفحه                                   | تاریخ       | شماره دادنامه | موضوع رای   |
| ۲۲۶۴                                   | ۱۰ مهر ۱۳۹۷ | ۱۵۶۱          | درخواست اعتراض به بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۵۷۴۴-۱۳۹۶/۴/۲۴ قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. (در خصوص اعمال محدودیت خدمات بیمه سلامت برای اعضاء خانواده بیمه سلامت همگانی)                          |
| ۲۲۶۸                                   | ۱۰ مهر ۱۳۹۷ | ۱۵۵۹          | ابطال مواد ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴ از فصل سوم آیین نامه استخدامی شرکت سرمایه گذاری سازمان بیمه سلامت ایران  |
| ۲۵۰۱                                   | ۱۱ تیر ۱۳۹۸ | ۵۹۱           | ابطال عبارت "می تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده" از بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷-۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور (در خصوص هزینه های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه) |

| ۴ - ۱۱) بودجه و امور مالی - امتیازات غیرمنتقول بخش سلامت |             |               |   |
|--|-------------|---------------|---|
| صفحه   | تاریخ       | شماره دادنامه | موضوع رای   |
| ۲۳۶۲   | ۲ بهمن ۱۳۹۷ | ۱۹۷۷          | ابطال بند ۴ مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۵ مصوب کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران استان چهارمحال و بختیاری] در خصوص طرح تفصیلی فرخ شهر جهت احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی و هنری و ورزشی و بهداشتی درمانی، آموزشی و خدماتی |

۴ - ۱۱) بودجه و امور مالی - امتیازات غیرمنقول بخش سلامت

| صفحه | تاریخ        | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|--------------|---------------|--|
| ۲۵۳۳ | ۱ مرداد ۱۳۹۸ | ۸۴۹-۸۵۰       | ابطال بند ۳۰ صورت جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان کهگیلویه و بویراحمد(در خصوص نحوه صدور مجوز تغییر کاربری زمینهای روستایی دارای کاربری خدمات عمومی (بهداشتی و درمانی)) |

۶ - ۱۱) بودجه و امور مالی - تعرفه ها و هزینه های بهداشتی - درمانی

| صفحه | تاریخ          | شماره دادنامه | موضوع رای  |
|------|----------------|---------------|--|
| ۲۱۳۱ | ۲۴ بهمن ۱۳۹۶   | ۱۲۱۶          | اعتراض به مصوبه شماره ۵۳۰۳۸/ت/۲۳۵۱۳ هـ - ۱۳۹۵/۰۳/۲۰ هیات وزیران در خصوص تعیین تعرفه فلوشیپ روان پزشکی قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد. |
| ۲۰۵۰ | ۱۲ شهریور ۱۳۹۷ | ۲۷۳ الی ۸۲    | عدم ابطال بند ۱ مصوبه شماره ۵۴۲۴۰/۳۷۲۹۳-۱۳۹۶/۳/۲۱ هیأت وزیران (در خصوص کاهش تعرفه بیهوشی)  |
| ۲۲۵۶ | ۲۰ شهریور ۱۳۹۷ | ۱۴۰۸          | ابطال برخی کدهای کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت موضوع تصویب نامه شماره ۷۰۳۵۸/ت/۵۴۲۴۰ هـ-۱۳۹۶/۶/۹ هیأت وزیران (در خصوص حق فنی داروخانه‌ها)                                      |

| ۶- ۱۱) بودجه و امور مالی - تعرفه ها و هزینه های بهداشتی - درمانی |               |               |   |
|--|---------------|---------------|---|
| صفحه   | تاریخ         | شماره دادنامه | موضوع رای   |
| ۲۲۶۴   | ۱۰ مهر ۱۳۹۷   | ۱۵۶۱          | رد درخواست اعتراض به بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۵۷۴۴-۱۳۹۶/۴/۲۴ (در خصوص اعمال محدودیت خدمات بیمه سلامت برای اعضاء خانواده بیمه سلامت همگانی)  |
| ۲۴۷۲   | ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ | ۵۸۳ ۵۸۴-      | رد درخواست ابطال دستورالعمل نحوه اجرای خود کنترلی و خود اظهاری بهداشتی مراکز و اماکن عمومی و دستورالعمل صدور پروانه فعالیت دفاتر خدمات بهداشتی قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیات عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.             |
| ۲۵۰۱   | ۱۱ تیر ۱۳۹۸   | ۵۹۱           | ابطال عبارت "می تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق بگیران بیمه شده" از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸-۱۳۸۳/۱۱/۷ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور (در خصوص هزینه های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه) |

---

---

پیوست ۳  
فهرست قوانین مورد استناد در  
متن آراء



| شماره صفحه  | تاریخ تصویب | عنوان قانون   |
|---|-------------|---|
| ۲۰۴۵، ۲۰۴۴، ۲۰۴۳، ۲۰۴۲،<br>۲۴۷۲، ۲۴۷۱، ۲۴۷۰، ۲۴۶۹،<br>۲۲۳۹، ۲۲۳۸، ۲۲۳۷، ۲۲۳۶،<br>۲۳۴۴، ۲۳۴۳، ۲۳۴۲، ۲۲۴۰،<br>۲۳۴۶، ۲۳۴۵.   | ۱۳۸۸/۰۱/۳۰  | قانون ارتقاء بهره وری کارکنان<br>بالینی نظام سلامت  |
| ۲۴۸۶  | ۱۳۹۰/۰۲/۲۹  | قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و<br>مقابله با فساد   |
| ۲۳۰۲  | ۱۳۶۶/۰۹/۲۲  | قانون اجازه پرداخت حق<br>محرومیت از مطب   |
| ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲۳۶۵، ۲۱۵۳،<br>۲۳۷۱، ۲۳۷۰، ۲۳۶۹، ۲۳۶۸،<br>۲۳۷۵، ۲۳۷۴، ۲۳۷۳، ۲۳۷۲،<br>۲۴۲۶، ۲۳۸۱، ۲۳۷۷، ۲۳۷۶،<br>۲۵۶۲، ۲۵۶۰، ۲۵۵۹.   | ۱۳۸۶/۱۱/۰۸  | قانون اجرای سیاست های کلی<br>اصل ۴۴ قانون اساسی   |
| ۲۰۸۹، ۲۰۸۴، ۲۰۷۱، ۲۰۳۳،<br>۲۲۲۱، ۲۱۶۴، ۲۱۰۸، ۲۰۹۰،<br>۲۲۵۹، ۲۲۵۷، ۲۲۵۵، ۲۲۵۴،<br>۲۳۰۲، ۲۲۸۵، ۲۲۶۱، ۲۲۶۰،<br>۲۳۴۹، ۲۳۴۸، ۲۳۳۳، ۲۳۱۵،<br>۲۴۴۰، ۲۳۸۹، ۲۳۸۶، ۲۳۸۴،<br>۲۴۵۶، ۲۴۴۵، ۲۴۴۴، ۲۴۴۳،<br>۲۴۹۹، ۲۴۵۹، ۲۴۵۸، ۲۴۵۷،<br>۲۵۱۲، ۲۵۰۸، ۲۵۰۷، ۲۵۰۶،<br>۲۵۶۴، ۲۵۵۵، ۲۵۳۵، ۲۵۳۴،<br>۲۵۶۷، ۲۵۶۶. | ۱۳۹۶/۰۱/۱۶  | قانون احکام دائمی برنامه های<br>توسعه کشور  |
| ۲۵۷۰، ۲۵۶۹، ۲۴۴۹، ۲۴۴۸،<br>۲۵۷۱.  | ۱۳۹۲/۰۳/۲۰  | قانون اصلاح قوانین تنظیم<br>جمعیت و خانواده   |
| ۲۳۰۸، ۲۳۰۶، ۲۳۰۵، ۲۳۰۴،<br>۲۳۱۰.  | ۱۳۹۲/۰۷/۱۰  | قانون اصلاح بند (۳) ماده واحده<br>قانون برقراری عدالت آموزشی<br>در پذیرش دانشجو در دوره های<br>تحصیلات تکمیلی و تخصصی |

|  |            |   |
|--|------------|---|
| ۲۱۵۰   | ۱۳۷۵/۰۱/۱۲ | قانون اصلاح ماده ۲ قانون اجازه پرداخت حق محرومیت از مطب   |
| ۲۲۷۶   | ۱۳۵۲/۰۳/۰۵ | مقررات استخدامی شرکتهای دولتی موضوع بند (پ) ماده ۲ قانون استخدام کشوری  |
| ۲۰۳۵، ۲۱۰۳، ۲۱۱۰، ۲۳۹۲،<br>۲۴۹۴، ۲۴۱۸، ۲۴۱۷، ۲۴۱۱،<br>۲۴۹۵، ۲۵۰۰، ۲۵۵۱       | ۱۳۵۸/۰۷/۲۶ | لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی   |
| ۲۲۱۴، ۲۲۱۵، ۲۲۱۶، ۲۲۱۷،<br>۲۲۱۸،   | ۱۳۷۵/۱۱/۰۹ | قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹  |
| ۲۰۹۴، ۲۰۹۳   | ۱۳۸۴/۱۰/۱۱ | قانون اصلاح ماده (۱۴۳) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اصلاح ماده (۶۹) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت                       |
| ۲۰۵۵، ۲۱۶۷، ۲۰۷۷، ۲۰۷۹،<br>۲۱۷۸، ۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۱۸۱،<br>۲۱۹۰، ۲۱۹۴، ۲۲۰۶، ۲۲۱۱ | ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ | قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی وصول و برقراری عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی |
| ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴،<br>۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸،<br>۲۱۲۹،                  | ۱۳۸۰/۰۷/۱۰ | قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱                                     |
| ۲۳۲۶، ۲۳۲۷   | ۱۳۶۶/۰۷/۰۷ | قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران  |

|   |                |  |
|---|----------------|--|
| ۲۰۲۵، ۲۰۲۴، ۲۰۲۳، ۲۰۰۷<br>۲۱۰۳، ۲۰۸۲، ۲۰۴۸، ۲۰۲۶<br>۲۱۱۵، ۲۱۰۹، ۲۱۰۸، ۲۱۰۶<br>۲۱۵۸، ۲۱۲۵، ۲۱۲۰، ۲۱۱۸<br>۲۲۰۴، ۲۲۰۳، ۲۱۸۷، ۲۱۷۰<br>۲۲۲۵، ۲۲۲۴، ۲۲۲۳، ۲۲۲۲<br>۲۲۵۳، ۲۲۵۲، ۲۲۳۷، ۲۲۲۷<br>۲۲۶۵، ۲۲۶۲، ۲۲۵۷، ۲۲۵۶<br>۲۲۸۰، ۲۲۷۹، ۲۲۷۸، ۲۲۷۷<br>۲۲۹۱، ۲۲۸۷، ۲۲۸۵، ۲۲۸۴<br>۲۳۱۶، ۱۳۱۴، ۲۳۱۲، ۲۲۹۲<br>۲۳۶۵، ۲۳۳۸، ۲۳۳۶، ۲۳۱۷<br>۲۳۷۱، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶<br>۲۴۰۹، ۲۳۹۱، ۲۳۸۵، ۲۳۸۳<br>۲۴۲۲، ۲۴۲۱، ۲۴۱۶، ۲۴۱۵<br>۲۴۴۰، ۲۴۳۲، ۲۴۲۷، ۲۴۲۳<br>۲۴۸۳، ۲۴۷۴، ۲۴۷۲، ۲۴۵۳<br>۲۵۳۷، ۲۵۰۷، ۲۵۰۰، ۲۴۸۷<br>۲۵۶۸، ۲۵۶۲، ۲۵۵۹. |                | قانون اساسی  |
| ۲۲۱۶، ۲۲۱۱، ۲۰۹۰، ۲۰۴۸<br>۲۵۵۱، ۲۵۲۲، ۲۵۰۰.   | ۱۳۸۴/۰۸/۱۵     | قانون الحاق مواردی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷                       |
| ۲۰۶۷، ۲۰۴۰، ۲۰۳۷، ۲۰۳۶<br>۲۰۷۴، ۲۰۷۰، ۲۰۶۹، ۲۰۶۸.   | ۱۳۷۵/۰۲/۱۲     | قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور   |
| ۲۴۳۱، ۲۴۳۰، ۲۴۲۹، ۲۴۲۸.   | ۱۳۹۰/۰۸/۲۲     | قانون امور گمرکی   |
| ۲۴۸۶  | ۱۳۸۷/۱۱/۰۶     | قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات  |
| ۲۴۸۵، ۲۳۵۶، ۲۳۵۵، ۲۳۵۴<br>۲۴۸۶.   | ۱۳۶۴ / ۱۲ / ۲۲ | قانون و مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه ها  |
| ۲۳۰۷  | ۱۳۶۷/۱۱/۳۰     | قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی |

|  |            |   |
|--|------------|---|
| ، ۲۰۱۶ ، ۲۱۲۱ ، ۲۱۲۲ ، ۲۱۲۳ ،<br>، ۲۱۲۴ ، ۲۱۲۵ ، ۲۱۲۶ ، ۲۱۲۸ ،<br>۲۲۷۲،  | ۱۳۶۷/۰۲/۲۸ | قانون بازنشستگی پیش از موعد<br>بیمه شدگان تأمین اجتماعی                             |
| ، ۲۰۳۳ ، ۲۰۳۴ ، ۲۰۹۵ ، ۲۱۰۶ ،<br>، ۲۱۰۸ ، ۲۲۸۵ ، ۲۳۱۵ ، ۲۳۸۴ ،<br>، ۲۳۹۳ ، ۲۳۹۴ ، ۲۳۹۵ ، ۲۴۴۴ ،<br>۲۵۰۶،   | ۱۳۸۳/۱۱/۰۳ | قانون برگزاری مناقصات   |
| ، ۱۹۹۵ ، ۱۹۹۶ ، ۲۳۰۴ ، ۲۳۰۵ ،<br>، ۲۳۰۶ ، ۲۳۰۷ ، ۲۳۰۸ ، ۲۳۰۹ ،<br>۲۴۱۰ ، ۲۴۰۷ ، ۲۴۱۰،  | ۱۳۸۹/۰۱/۲۹ | قانون برقراری عدالت آموزشی<br>در پذیرش دانشجو در دوره‌های<br>تحصیلات تکمیلی و تخصصی |
| ، ۲۱۶۴ ، ۲۱۸۳ ، ۲۱۸۴ ، ۲۲۱۵ ،<br>، ۲۳۲۹ ، ۲۳۳۰ ، ۲۳۴۸ ، ۲۳۸۱ ،<br>۲۵۶۸ ، ۲۵۶۶،   | ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ | قانون برنامه چهارم توسعه<br>اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<br>جمهوری اسلامی ایران        |
| ، ۱۹۸۳ ، ۱۹۹۷ ، ۱۹۹۹ ، ۲۰۳۲ ،<br>، ۲۰۳۳ ، ۲۰۳۴ ، ۲۰۴۸ ، ۲۰۶۵ ،<br>، ۲۰۶۶ ، ۲۰۷۱ ، ۲۰۸۱ ، ۲۰۸۶ ،<br>، ۲۰۹۵ ، ۲۰۹۷ ، ۲۰۹۸ ، ۲۰۹۹ ،<br>، ۲۱۰۱ ، ۲۱۰۲ ، ۲۱۰۵ ، ۲۱۰۶ ،<br>، ۲۱۰۸ ، ۲۱۱۹ ، ۲۱۳۲ ، ۲۱۳۸ ،<br>، ۲۱۵۱ ، ۲۱۵۲ ، ۲۱۵۴ ، ۲۱۶۴ ،<br>، ۲۱۶۹ ، ۲۱۷۳ ، ۲۱۸۵ ، ۲۱۹۵ ،<br>، ۲۲۲۰ ، ۲۲۲۱ ، ۲۲۳۹ ، ۲۲۴۴ ،<br>، ۲۲۴۵ ، ۲۲۴۹ ، ۲۲۵۹ ، ۲۲۸۴ ،<br>، ۲۲۸۵ ، ۲۳۰۲ ، ۲۳۱۲ ، ۲۳۱۳ ،<br>، ۲۳۱۵ ، ۲۳۱۷ ، ۲۳۲۹ ، ۲۳۳۰ ،<br>، ۲۳۳۱ ، ۲۳۳۲ ، ۲۳۳۳ ، ۲۳۳۸ ،<br>، ۲۳۳۹ ، ۲۳۴۰ ، ۲۳۴۸ ، ۲۳۴۹ ،<br>، ۲۳۸۱ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۸۹ ، ۲۳۹۳ ،<br>، ۲۳۹۴ ، ۲۳۹۵ ، ۲۴۲۲ ، ۲۴۴۵ ،<br>، ۲۴۵۶ ، ۲۴۵۸ ، ۲۴۹۲ ، ۲۴۹۹ ،<br>، ۲۵۰۶ ، ۲۵۱۲ ، ۲۵۳۵ ، ۲۵۵۳ ،<br>۲۵۶۸ ، ۲۵۶۶ ، ۲۵۶۱ ، ۲۵۵۶، | ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ | قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه<br>جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ -<br>۱۳۹۰)             |

|   |                   |   |
|---|-------------------|---|
| <p>۱۹۸۵، ۱۹۸۷، ۲۰۷۱، ۲۳۶۹،<br/>۲۳۷۰، ۲۳۹۹، ۲۴۰۵، ۲۴۲۵،<br/>۲۴۶۵، ۲۵۱۳، ۲۵۳۴، ۲۵۶۱</p>   | <p>۱۳۹۶/۰۱/۱۶</p> | <p>قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)</p> |
| <p>۲۰۷۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۷، ۲۲۵۴،<br/>۲۲۵۵، ۲۲۵۹، ۲۲۶۰،<br/>۲۲۶۱</p>   | <p>۱۳۷۳/۰۸/۰۳</p> | <p>قانون بیمه همگانی خدمات درمانی</p>   |
| <p>۲۲۰۱، ۲۲۱۲، ۲۳۶۲</p>   | <p>۱۳۵۱/۱۲/۲۲</p> | <p>قانون تأسیس شورای عالی و شهرسازی و معماری</p>  |
| <p>۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷،<br/>۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۲۵،<br/>۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۲۹۶، ۲۳۲۲،<br/>۲۳۲۳، ۲۳۲۴، ۲۴۴۸، ۲۴۴۹،<br/>۲۵۰۱، ۲۵۰۲، ۲۵۰۳، ۲۵۰۴،<br/>۲۵۱۵، ۲۵۱۷</p>       | <p>۱۳۵۴/۰۴/۰۳</p> | <p>قانون تأمین اجتماعی</p>  |
| <p>۱۹۹۵، ۲۳۹۳</p>   | <p>۱۳۵۳/۰۴/۳۰</p> | <p>قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلی اطفال و جوانان ایرانی</p>                                 |
| <p>۲۴۴۹</p>   | <p>۱۳۷۴/۱۲/۲۲</p> | <p>قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی</p>                          |
| <p>۱۹۸۵، ۱۹۸۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹</p>   | <p>۱۳۷۴/۰۳/۳۱</p> | <p>قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان</p>  |
| <p>۲۰۳۳، ۲۱۱۹، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۷،<br/>۲۳۳۸، ۲۳۱۴، ۲۳۱۶، ۲۳۳۹،<br/>۲۳۹۳، ۲۳۹۰، ۲۳۸۴، ۲۴۴۵،<br/>۲۴۴۵، ۲۴۵۷، ۲۴۵۸، ۲۵۰۷،<br/>۲۵۱۲، ۲۵۳۴، ۲۵۶۳،<br/>۲۵۶۴، ۲۵۶۵، ۲۵۶۶</p> | <p>۱۳۶۷/۱۲/۲۳</p> | <p>قانون تشکیل هیأت امنای دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>                              |
| <p>۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۳۰۵، ۲۳۰۹،<br/>۲۴۰۸، ۲۴۲۰</p>   | <p>۱۳۵۲/۱۲/۲۶</p> | <p>قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته های پزشکی</p>                                     |

|  |            |   |
|--|------------|---|
| <p>۲۰۳۷، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۵۷،<br/> ۲۰۵۸، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۷۴،<br/> ۲۰۷۵، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰،<br/> ۲۱۴۳، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۱۵۹،<br/> ۲۱۶۰، ۲۲۲۹، ۲۲۳۱، ۲۲۶۰،<br/> ۲۲۸۲، ۲۳۰۸، ۲۳۰۹، ۲۳۶۵،<br/> ۲۳۷۹، ۲۴۱۷، ۲۴۱۸، ۲۴۷۲،<br/> ۲۴۷۴، ۲۴۷۵، ۲۴۹۷، ۲۵۶۰،<br/> ۲۵۶۱.</p> | ۱۳۶۷/۰۳/۰۳ | قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی                 |
| <p>۲۰۴۹، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۵۴،<br/> ۲۰۵۸، ۲۰۶۲، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸،<br/> ۲۱۶۷، ۲۱۷۴، ۲۱۷۶، ۲۱۹۰،<br/> ۲۱۹۴، ۲۱۹۶، ۲۲۰۳، ۲۲۰۴،<br/> ۲۲۱۱، ۲۴۲۳، ۲۴۲۴، ۲۴۲۵.</p>   | ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ | قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران |
| <p>۲۰۳۲، ۲۰۸۲، ۲۰۸۷، ۲۱۱۰،<br/> ۲۱۱۲، ۲۱۸۶، ۲۱۸۷، ۲۱۸۸،<br/> ۲۱۹۹، ۲۲۰۰، ۲۲۰۲، ۲۲۰۳،<br/> ۲۲۰۶، ۲۳۹۲، ۲۴۹۴، ۲۴۹۵،<br/> ۲۴۹۸، ۲۴۹۹، ۲۵۵۱.</p>   | ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ | قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت                                    |
| ۲۳۱۶   | ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ | قانون توزیع عادلانه آب  |
| <p>۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۳۵۰، ۲۳۵۱،<br/> ۲۳۵۲، ۲۳۰۵، ۲۳۰۷، ۲۳۵۰،<br/> ۲۳۵۱، ۲۵۲۲.</p>   | ۱۳۹۱/۱۰/۰۲ | قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران                                     |
| <p>۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶،<br/> ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰،<br/> ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳.</p>   | ۱۳۸۵/۰۶/۱۵ | قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات                                |
| <p>۲۱۴۳، ۲۰۵۶، ۲۱۵۹، ۲۲۲۸،<br/> ۲۲۳۰.</p>  | ۱۳۷۶/۰۷/۲۷ | قانون چگونگی تعیین وظایف و صلاحیت شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته به آن  |
| <p>۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳،<br/> ۲۴۶۷، ۲۴۶۸، ۲۵۴۰، ۲۵۴۱،<br/> ۲۵۴۲.</p>   | ۱۳۶۹/۰۳/۰۲ | قانون حفاظت در برابر اشعه   |

|  |            |   |
|--|------------|---|
| ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۲۳۸۴،<br>۲۴۰۸، ۲۴۱۰، ۲۴۱۱، ۲۴۱۲،<br>۲۴۱۷،  | ۱۳۷۵/۰۲/۱۲ | قانون خدمت پزشکان و<br>پیراپزشکان                                     |
| ۲۴۳۲، ۲۴۳۳، ۲۴۳۴   | ۱۳۶۳/۰۷/۲۹ | قانون خدمت وظیفه عمومی  |
| ۲۲۱۶، ۲۲۱۷، ۲۲۱۹   | ۱۳۵۹/۰۳/۲۴ | لایحه قانونی راجع به تشکیل<br>سازمان بهزیستی کشور                     |
| ۲۳۵۳، ۲۳۵۴، ۲۳۵۵، ۲۳۵۶،<br>۲۴۸۵،   | ۱۳۷۱/۰۴/۰۹ | قانون رسیدگی به تخلفات اداری  |
| ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۱، ۲۲۳۹   | ۱۳۸۳/۰۲/۲۱ | قانون ساختار نظام جامع رفاه و<br>تأمین اجتماعی                        |
| ۲۱۴۰، ۲۱۴۳، ۲۱۵۴، ۲۱۵۸،<br>۲۱۵۹، ۲۳۷۰،   | ۱۳۸۳/۰۸/۱۶ | قانون سازمان نظام پزشکی<br>جمهوری اسلامی ایران                        |
| ۲۲۳۲، ۲۲۳۵   | ۱۳۵۰/۰۳/۲۴ | قانون سازمان دامپزشکی کشور  |
| ۲۵۴۸، ۲۵۴۹، ۲۵۵۰   | ۱۳۹۲/۰۶/۱۰ | قانون سنجش و پذیرش دانشجو<br>در دانشگاه ها و مراکز آموزش<br>عالی کشور |
| ۲۰۵۵، ۲۰۷۴، ۲۱۷۳، ۲۱۹۸،<br>۲۱۹۹، ۲۲۰۰، ۲۲۰۲، ۲۲۰۳،<br>۲۲۰۴، ۲۲۰۵، ۲۲۰۹، ۲۲۱۰،<br>۲۳۵۷، ۲۳۵۹، ۲۴۵۱، ۲۴۵۲،<br>۲۴۵۴،  | ۱۳۳۴/۰۴/۱۱ | قانون شهرداری   |
| ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶،<br>۲۱۲۷، ۲۱۸۲، ۲۱۸۳، ۲۱۸۴،<br>۲۲۷۲، ۲۲۷۳، ۲۳۲۳، ۲۳۲۴   | ۱۳۶۹/۰۸/۲۹ | قانون کار   |
| ۲۰۵۲، ۲۰۵۴، ۲۰۵۸، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳،<br>۲۰۷۷، ۲۰۷۹، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸،<br>۲۱۶۹، ۲۱۷۱، ۲۱۷۲، ۲۱۷۳، ۲۱۷۷،<br>۲۱۷۸، ۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۱۸۱، ۲۱۸۹،<br>۲۱۹۰، ۲۱۹۴، ۲۱۹۶، ۲۲۰۴، ۲۲۱۲ | ۱۳۸۷/۰۲/۱۷ | قانون مالیات بر ارزش افزوده   |
| ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳،<br>۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۸۷،<br>۲۰۸۸،  | ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ | قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز                                      |

|   |            |   |
|---|------------|---|
| ۲۰۹۸، ۲۱۶۲، ۲۲۲۳، ۲۳۱۹،<br>۲۵۳۶، ۲۵۳۲، ۲۵۲۸، ۲۵۲۷.  | ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ | قانون مجازات اسلامی   |
| ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷.   | ۱۳۸۰/۰۷/۱۰ | قانون مجازات اشتغال به حرفه<br>کاریابی و مشاوره شغلی بدون<br>داشتن پروانه کار |
| ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴،<br>۲۱۰۶، ۲۱۰۸، ۲۱۶۴، ۲۱۶۷،<br>۲۳۹۳، ۲۳۹۴، ۲۳۹۵، ۲۴۴۴،<br>۲۵۰۶، ۲۵۱۲، ۲۵۲۳.  | ۱۳۶۶/۰۶/۰۱ | قانون محاسبات عمومی   |
| ۲۰۶۹، ۲۰۷۴، ۲۳۵۹.   | ۱۳۶۶/۱۰/۲۰ | قانون محل مطب پزشکان  |
| ۲۴۵۰، ۲۴۵۱، ۲۴۵۲، ۲۴۵۳،<br>۲۴۵۴، ۲۴۵۵.  | ۱۳۸۳/۰۲/۲۰ | قانون مدیریت پسماند   |
| ۱۹۹۲، ۱۹۹۸، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۳۳،<br>۲۰۳۴، ۲۰۴۴، ۲۰۴۶، ۲۰۴۷، ۲۰۴۸،<br>۲۰۷۱، ۲۰۹۰، ۲۰۹۳، ۲۰۹۵، ۲۰۹۸،<br>۲۱۰۰، ۲۱۰۶، ۲۱۰۸، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲،<br>۲۱۵۳، ۲۱۵۴، ۲۲۲۰، ۲۲۲۲، ۲۲۲۴،<br>۲۲۲۵، ۲۲۴۴، ۲۲۴۵، ۲۲۴۶، ۲۲۴۸،<br>۲۲۴۹، ۲۲۶۸، ۲۲۷۰، ۲۲۷۱، ۲۲۷۲،<br>۲۲۷۳، ۲۲۷۴، ۲۲۷۵، ۲۲۷۶، ۲۲۷۹،<br>۲۲۸۴، ۲۳۱۵، ۲۳۲۸، ۲۳۲۹، ۲۳۳۰،<br>۲۳۳۱، ۲۳۳۲، ۲۳۳۳، ۲۳۳۶، ۲۳۳۷،<br>۲۳۳۸، ۲۳۳۹، ۲۳۸۴، ۲۳۸۵، ۲۳۸۶،<br>۲۳۸۷، ۲۳۸۹، ۲۳۹۳، ۲۳۹۵، ۲۳۹۶،<br>۲۴۴۰، ۲۴۴۱، ۲۴۴۲، ۲۴۴۳، ۲۴۴۴،<br>۲۴۶۵، ۲۴۶۶، ۲۴۹۰، ۲۴۹۱، ۲۴۹۲،<br>۲۵۰۵، ۲۵۰۶، ۲۵۰۷، ۲۵۱۰، ۲۵۱۲،<br>۲۵۱۳، ۲۵۱۹، ۲۵۲۱، ۲۵۲۲، ۲۵۲۳،<br>۲۵۲۴، ۲۵۲۵، ۲۵۳۶، ۲۵۳۷، ۲۵۳۸،<br>۲۵۴۰، ۲۵۴۱، ۲۵۴۲، ۲۵۴۳،<br>۲۵۵۶، ۲۵۵۸. | ۱۳۸۶/۰۷/۰۸ | قانون مدیریت خدمات کشوری  |

|   |                   |   |
|---|-------------------|---|
| <p>۲۰۳۷، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۸۴،<br/> ۲۰۸۵، ۲۰۸۹، ۲۰۸۹، ۲۲۵۹،<br/> ۲۳۶۵، ۲۳۶۶، ۲۳۶۸، ۲۳۶۹،<br/> ۲۳۷۹، ۲۳۹۶، ۲۳۹۷، ۲۳۹۸،<br/> ۲۳۹۹، ۲۴۰۱، ۲۴۰۲، ۲۴۰۵،<br/> ۲۴۰۶، ۲۴۲۳، ۲۴۲۵، ۲۵۶۲</p>  | <p>۱۳۳۴/۰۳/۲۹</p> | <p>قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی</p>   |
| <p>۲۰۲۴</p>   | <p>۱۳۵۸/۰۸/۲۹</p> | <p>لایحه قانونی منع استخدام کسانی که متدین به یکی از ادیان رسمی اسلام، زرتشتی، کلیمی و عیسوی نیستند در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران</p> |
| <p>۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹،<br/> ۲۴۷۲، ۲۴۷۳، ۲۴۷۴، ۲۴۷۵،<br/> ۲۴۷۷،</p>  | <p>۱۳۴۶/۰۴/۲۲</p> | <p>قانون مواد خوردنی، آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی</p>   |
| <p>۲۲۶۵، ۲۳۹۰، ۲۵۰۷، ۲۵۱۲</p>   | <p>۱۳۶۹/۱۰/۱۸</p> | <p>قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی</p>   |
| <p>۲۲۳۲، ۲۲۳۳، ۲۲۳۵</p>   | <p>۱۳۸۸/۰۵/۰۷</p> | <p>قانون نظام جامع دامپروری</p>   |
| <p>۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸،<br/> ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۶۷،<br/> ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۷۰، ۲۰۷۲،<br/> ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶،<br/> ۲۰۷۸، ۲۱۶۵، ۲۱۷۰، ۲۱۷۱،<br/> ۲۱۷۳، ۲۱۷۵، ۲۱۸۰، ۲۱۸۹،<br/> ۲۱۹۰، ۲۱۹۱، ۲۱۹۶، ۲۴۷۸،<br/> ۲۴۷۹،</p> | <p>۱۳۸۲/۱۲/۲۴</p> | <p>قانون نظام صنفی کشور</p>   |
| <p>۲۰۴۴، ۲۲۷۶، ۲۴۶۱</p>   | <p>۱۳۷۰/۰۶/۱۳</p> | <p>قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت</p>  |
| <p>۲۰۷۷، ۲۱۶۷</p>   | <p>۱۳۷۳/۱۲/۲۸</p> | <p>قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین</p>   |

